

یازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی



اپیدمیولوژی
مهندسی بهداشت محیط
مهندسی بهداشت حرفه ای
بهداشت عمومی

آدرس دبیرخانه: بزرگراه چمران، خیابان تابناک، میدان شهید شهریار، بلوار دانشجو،
دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده بهداشت، دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی



۰۲۱۲۲۴۳۱۵۹۷



www.ihsc.bsbmu.ir



ihsc.bsbmu@gmail.com

فهرست مقالات

بهداشت حرفه ای

- ۲۴ بررسی شاخص های مهندسی بهداشت حرفه ای در کارگاه های زیر بیست نفر ملک شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶
- ۲۵ ارزیابی ریسک حریق بازار اصلی بندر دیر به روش FRAME
- ۲۶ بررسی توان عملیاتی و پشتیبانی ایستگاه های آتش نشانی شهرستان دیر در سال ۹۶
- ۲۷ بررسی وضعیت استقرار سیستم HSE در رستوران های طبقه شاندیز در سال ۱۳۹۶
- ۲۸ ارائه یک مدل رگرسیونی برای ارزیابی عملکردهای ریوی شاغلین یک صنعت ساختمان سازی
- ۲۹ روشهای آتروپومتری (سنتی، فتوگرامتری دوبعدی و سه بعدی): مزایا و معایب
- ۳۰ ارزیابی صدای محیط کار و میزان مواجهه فردی در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور در سال ۱۳۹۶
- ۳۱ ارزیابی عوامل خطر و شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در کارکنان بیمارستان لقمان حکیم تهران با استفاده از روش REBA
- ۳۲ تأثیر استرس شغلی بر میزان بروز بیماری های قلبی_ عروقی : مروری سیستماتیک
- ۳۳ ارائه روشی برای مدل سازی پیامد نشت آمونیاک و تدوین برنامه واکنش در شرایط اضطراری در یک مجتمع پتروشیمی
- ۳۴ مطالعه تاثیر اختلالات اسکلتی عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران
- ۳۵ ارزیابی ریسک به روش PHA در یک صنعت تولید قند
- ۳۶ تعیین رویای محتوایی پرسشنامه ی انگیزه ی ایمنی کارفرمایان با استفاده از شاخص CVR
- ۳۷ ارزیابی اختلالات اسکلتی عضلانی کارکنان اداری مرکز بهداشت شرق اهواز به روش ROSA
- ۳۸ حذف فوتوکاتالیتیکی بخار تولوئن از هوا با استفاده از تلفیق کربن فعال و دی اکسید تیتانیوم
- ۳۹ بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی کارکنان اداری دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
- ۴۰ شناسایی، طبقه بندی و مدیریت پسماند سالن رنگ خودرو سازی بر اساس قانون حفاظت و بازیافت منابع و کنوانسیون بازل
- ۴۱ ارگونومی مشارکتی: مروری بر شواهد و درس آموخته ها
- ۴۲ ارزیابی فرهنگ ایمنی در بین کارکنان یک موسسه عمرانی مطالعه موردی: پروژه های سد سازی
- ۴۳ بررسی میزان استرین گرمایی در کارگران نانوایی سنتی شهر نیشابور در سال ۹۶
- ۴۴ شاخص توانایی انجام کار کارگران شاغل در شرکت سیمان سیستان در سال ۱۳۹۶
- ۴۵ بررسی آگاهی با قوانین و مقررات HSE و میزان تعهدات پیمانکاران (مطالعه موردی: یکی از بنادر جنوب)
- ۴۶ بررسی وضعیت ایمنی و بهداشت محیط آزمایشگاه های تشخیص طبی شهرستان کاشان
- ۴۷ بررسی تاثیر کفه ارگونومیک طراحی شده با کفه معمولی برفشار وارد بر کف پا و میزان راحتی در فعالیت های ایستاده طولانی مدت
- ۴۸ مروری بر نقش مدیریت در ایمنی، بهداشت و سلامت کارکنان
- ۴۹ مرور سیستماتیک شیوع هپاتیت B و C در مواجهه شغلی کار درمانی بیمارستان ها
- ۵۰ بررسی رابطه تنیدگی شغلی پرستاران با وضعیت سلامت عمومی آنان: مطالعه مروری
- ۵۱ برآورد اپیدمیولوژیکی هزینه حوادث شغلی منجر به فوت یا مشمول غرامت در شهرستان ایلام

- حفاظت و بهداشت پرتوها در کاربردها تشخیص و درمان پزشکی در ایران: مروری بر رعایت اصول حفاظتی، آگاهی، نگرش و عملکرد (KAP) و میزان دوز موثر دریافتی پرتوکاران..... ۵۲
- بررسی کیفیت زندگی کاری و بار کار ذهنی و ارتباط آن ها با افسردگی، استرس و اضطراب در شاغلین نظام سلامت شهرستان اسلام آباد غرب ۵۳
- بررسی میزان شیوع فرسودگی شغلی پرستاران در ایران: مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز ۵۴
- بررسی ریسک فاکتورهای مرتبط با شاخصه های چشمی در کاربران کامپیوتر ۵۵
- مدل سازی پیامد و تحلیل خطرات ناشی از انتشار کربن دی سولفید با استفاده از نرم افزار ALOHA ۵۶
- تأثیر بارگیری بر ریسک بهداشتی مواجهه با ارتعاش تمام بدن در رانندگان کامیون ۵۷
- مقایسه دو محدوده شدت روشنایی کمتر از ۳۰۰ lux و ۵۰۰-۳۰۰ lux در بروز خستگی بینایی و جسمی دانشجویان در زمان مطالعه ۵۸
- ارزیابی ارگونومیک شش مدل آچار بکس بر اساس روش الکترومیوگرافی ۵۹
- بررسی نوع و تراکم بیوآیروسوها در هوای بخش همودیالیز بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان ۱۳۹۶ ۶۰
- اندازه گیری عوامل زیان آور استرس شغلی محیط کار در بخش های درمانی بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان ۶۱
- بررسی ارتباط مشخصات آنتروپومتریکی راننده و مشخصات ساختاری کامیون بر میزان مواجهه شغلی با ارتعاش تمام بدن ۶۲
- ارزیابی ریسک بهداشتی مواجهه با ارتعاش تمام بدن در اپراتورهای لودر چرخدار ۶۳
- سنتر نانو کامپوزیت شبکه پلیمری در هم نفوذ کرده پلی یورتان و پلی متیل متا آکریلات (PU/PMMA IPN) جهت مطالعه خواص آکوستیکی، حرارتی و مکانیکی ۶۴
- بررسی تعامل بین دست و ابزارهای دستی و عوامل مرتبط با آن-مطالعه مروری ۶۵
- اهمیت استقرار سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE-MS) در بیمارستان ها ۶۶
- مقایسه نتایج ارزیابی وظایف بلند کردن بار به سه روش WISHA، KIM-LHC و جداول SNOOK: مطالعه موردی در یک صنعت چاپ ۶۷
- ارزیابی و مدیریت ریسک خطرات در یکی از پالایشگاه منطقه جنوبی کشور ۶۸
- ارزیابی فرهنگ ایمنی و عوامل موثر بر آن در یکی از معادن مرکزی کشور ۶۹
- Effects of Stress management training program on stress reduction among surgical technologist in Tabriz University of Medical Sciences in 2016 ۷۰
- سنجش و ارزیابی آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل درون شهری در محوطه ی اطراف بیمارستان های منتخب شهر تبریز ۷۰
- بررسی شیوع اختلالات اسکلتی- عضلانی در کوهنوردان یکی از گروه های کوهنوردی تهران با استفاده از پرسشنامه نوردیک ۷۱
- ارزیابی و مدیریت ریسک ایمنی به روش FMEA در یکی از شرکت های پیمانکاری انتقال خطوط لوله نفت ۷۲
- تأثیر توام صدا و نوبت کاری بر فشار خون و شنوایی کارگران یک کارخانه تولید قند ۷۳
- بررسی کیفیت زندگی و ارتباط آن با استرس شغلی در پرسنل سه بیمارستان شهرستان سبزوار در سال ۱۳۹۶ ۷۴
- ارزیابی ریسک کارخانه آرد خوشه ی گندم به روش ردیابی انرژی و آنالیز موانع در استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ ۷۵
- بررسی کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در پرسنل آتش نشانی شهرستان شاهرود ۷۷
- بررسی همبستگی بین روش ارزیابی خستگی ماهیچه (MFA) و پرسشنامه اختلالات اسکلتی عضلانی کرنل (CMDQ): مطالعه موردی در رانندگان تاکسی درون شهری شهرستان شاهرود ۷۸
- شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر در بروز حوادث سقوط از ارتفاع در پروژه های ساختمانی به روش تحلیل سلسله مراتبی ۷۹
- بررسی اثربخشی آموزش بر چسب های زیست محیطی بر الگوی خرید مصرف کنندگان لوازم خانگی (مطالعه موردی ایران خودرو) ۸۱

- ۸۲ بررسی ابعاد مختلف خستگی در آتش‌نشانان شهر سبزوار در سال ۱۳۹۶
- ۸۳ بررسی تاثیر سروصدای عملکرد اجرایی کارگران مواجه با الودگی های صوتی : یک مطالعه مروری
- ۸۴ بررسی ارتباط نگرش ایمنی با عملکرد ایمنی و حوادث در میان کارکنان یک صنعت سیمان در سال ۱۳۹۶
- ۸۵ بررسی ارتباط رضایت شغلی و میزان بروز حوادث در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور در سال ۱۳۹۶
- ۸۶ پایش بیولوژیکی سرب در کارگران صنعت چاپ (مطالعه موردی در یکی از صنایع چاپ غرب استان تهران)
- ۸۷ بررسی اثر خواندن و نوشتن پیام بر عملکرد های رانندگی و بارکاری ذهنی رانندگان جوان
- ۸۸ عملکرد های رانندگی و بارکاری ذهنی در رانندگان جوان با استفاده از شبیه ساز رانندگی: تاثیر جنسیت
- ۸۹ بررسی علل حوادث شغلی ثبت شده در اداره کار شهر قائن با نمودار پارتو در سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۵
- ۹۰ بررسی اثر گرد و غبار سیمان بر سیستم تنفسی کارگران صنعت سیمان
- ۹۱ بررسی میزان آسیب های ناشی از وسایل نوک تیز و برنده در پرسنل اتاق عمل بیمارستان امام رضا(ع) تبریز در سال ۱۳۹۵
- ۹۲ بررسی ارگونومیکی وضعیت های انجام کار پرسنل اتاق عمل بیمارستان های آموزشی شهر سمنان در سال ۱۳۹۵
- ۹۳ بررسی میزان استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن بین پرسنل اتاق عمل بیمارستان های سمنان
- ۹۴ مدل سازی ریسک فاکتورهای شغلی در بروز اختلالات اسکلتی عضلانی در پرستاران
- ۹۵ استفاده از سیستم استنتاج عصبی-فازی (ANFIS) جهت مدل سازی نگرش فرهنگی و جوی ایمنی در ارتباط با اعمال نایمن
- The effect of interventions based on Health Promotion modeling on computer operators' postural with a Single leg balance test
- ۹۵
- ۹۶ بررسی تاثیر صدای محیط کار در وقوع حوادث شرکت چینی مقصود ، سال ۱۳۹۵
- ۹۸ برآورد حداکثر ظرفیت هوازی و ظرفیت کار فیزیکی در آتش نشانان شهر زاهدان در سال ۱۳۹۴
- ۹۹ بررسی وضعیت سلامت روان در جوشکاران شهر زاهدان در سال ۱۳۹۶
- ۱۰۰ رابطه استرس و رضایت شغلی در معلم های متوسطه اول و دوم شهرستان زاهدان (۱۳۹۶)
- ۱۰۱ بررسی ارتباط بین حداکثر توان هوازی (VO2MAX) با سلامت عمومی (GH) ، خستگی و رضایت شغلی در زنان شاغل در بیمارستان
- The investigation of association between the maximum aerobic capacity (VO2MAX) with general health (GH), fatigue and
- ۱۰۲ satisfaction of job in female employees in hospital
- ۱۰۳ ارزیابی ریسک واحد دیگ بخار یک شرکت تولید قطعات بتنی آماده با استفاده از تکنیک مطالعه عملیات و خطر (HAZOP)
- ۱۰۴ ارزیابی مواجهه جوشکاران با پرتو های غیر یونیزان در یک صنعت سیمان در سال ۱۳۹۶
- ۱۰۵ شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاهای انسانی با استفاده از تکنیک Human HAZOP در یک سایت پروازی
- ۱۰۶ بررسی درک ریسک گرمای محیط کار در میان کارشناسان بهداشت حرفه ای اهواز در سال ۱۳۹۶
- ۱۰۷ بررسی وضعیت شنوایی کارکنان یکی از پتروشیمی های ماهشهر در سال ۱۳۹۵
- ۱۰۸ تاثیر آموزش ارگونومی بر تغییر سطح ریسک و فراوانی درد کارگران بسته بندی کارخانه آریا شیمی به روش ارزیابی RULA و پرسشنامه نوردیک
- ۱۰۹ مطالعه ارگونومیک خطاهای انسانی در یکی از اتاق کنترل های مس سرچشمه با استفاده از روش SHERPA
- ۱۱۰ بررسی میزان مواجهه با میدان های الکترومغناطیس با فرکانس خیلی پایین در اطراف مولدهای برق واحدهای جوشکاری مس سرچشمه
- ۱۱۱ ارزیابی سرطان زایی شاغلین در مواجهه با دمه فلزات سنگین با شاخص ILCR در صنعت ذوب مس سرچشمه
- ۱۱۲ ارزیابی غلظت ذرات معلق و بیوآیروسل های موجود در هوای بیمارستان ولایت دامغان

- ۱۱۳..... بررسی میزان تراکم گرد و غبار پنبه و ارتباط آن با تغییرات ظرفیتهای ریوی کارگران در یک کارخانه نساجی
- ۱۱۴..... شناسایی عوامل خطر احتمالی فعالیتهای تعمیرات مکانیکی تجهیزات و دستگاهها در مجتمع فولاد کویر: اقدام پژوهی با روش تجزیه و تحلیل ایمنی شغلی
- ۱۱۵..... مروری بر سندروم حاد پرتوگیری
- ۱۱۶..... Assessment of the Relation between Occupational Stress and Smoking Status among Steel Industry Workers
- ۱۱۷..... Low Back Pain Intensity and Disability Index among Manual Material Handling Workers
- ۱۱۸..... مروری بر کاربرد واهمیت سیستم تحلیلگر دیفرانسیلی تحرک الکتریکی ذرات (DMA) بمنظور اندازه گیری نانو ذرات
- ۱۱۹..... مروری بر ارتباط فرسودگی شغلی و سلامت روان در پرستاران ایرانی
- ۱۲۰..... ارزیابی هوش هیجانی کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
- ۱۲۱..... ارزیابی میزان مواجهه شغلی با صدا و افت شنوایی در کارگران صنایع کوچک شهر سبزوار
- ۱۲۲..... بررسی عوامل زیان آور شغلی در ناخن کاران شاغل در شهر سبزوار
- ۱۲۳..... مروری سیستماتیک: بررسی آلودگی صوتی ترافیک و معطلات آن در جامعه
- Investigation of the factors affecting the risk perception, attitude and safety performance of Tehran construction workers in ۱۲۴..... 2016
- ۱۲۵..... Identification and assessment of workplace hazards in factory No.4 of Ahwaz Pipeline Company
- Association of personality types and musculoskeletal disorders in administrative staff of Shiraz University of Medical Sciences ۱۲۶.....
- ۱۲۷..... ارزیابی مدیریت خطر در بیمارستان پاستور شهرستان بم در سال ۱۳۹۵
- ۱۲۸..... بررسی آذردگی و افت شنوایی شغلی ناشی از مواجهه با صدا در جوشکاران کارخانه مدیران خودرو شهرستان بم در سال ۱۳۹۶
- ۱۲۹..... ارزیابی مخاطرات بیمارستان کاشانی شهرستان جیرفت به روش آنالیز ایمنی شغلی در سال ۱۳۹۶
- ۱۳۰..... بررسی استرس حرارتی بر مبنای شاخص ترگوسان و ارتباط آن با پارامترهای فیزیولوژیکی کارگران صنعت آلومینیوم هزار در سال ۱۳۹۶
- ۱۳۱..... شناسایی و ارزیابی ریسک خطرات در بیمارستان لقمان حکیم تهران به روش JSA
- ۱۳۲..... اعتیاد و سوء مصرف مواد، به عنوان عاملی تاثیرگذار بر بهره وری و سلامت عمومی در محیط های کاری، نگاهی اجمالی بر مطالعات ده سال اخیر
- ۱۳۳..... ارزیابی میزان شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارگاه های تولیدی مبلان و ارتباط آن با وضعیت روشنایی کارگاه ها
- ۱۳۴..... شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در دندانپزشکان
- ۱۳۵..... ارزیابی ریسک به روش : BA&ET مطالعه موردی در یک صنعت تولید محصولات فلزی در سال ۱۳۹۶
- ۱۳۶..... ارزیابی ریسک در یک کارگاه تانکرسازی به روش ردیابی انرژی و آنالیز موانع در کرمانشاه در سال ۱۳۹۶
- ۱۳۷..... بررسی میزان مواجهه کارگران با سرو صدای محیط کار و ارتباط آن با ابتلا به سندرم متابولیک در سال ۱۳۹۶
- ۱۳۸..... تاثیر سر و صدا برافت شنوایی و پرفشاری خون در کارگران یکی از کارخانه های آرد استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶
- ۱۳۹..... ارزیابی ریسک به روش HAZOP تکنیک مطالعه عملیات و خطر : مطالعه موردی در یکی از تصفیه خانه های آب در سال ۱۳۹۶
- ۱۴۰..... بررسی حذف و جذب زایلن توسط جاذب دیاتومیت اصلاح شده با اسید
- ۱۴۱..... بررسی رابطه نوبت کاری و کیفیت خواب بر خستگی شغلی در میان پرستاران شاغل در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۶

بررسی وضعیت استرس شغلی و عوامل استرس زای مرتبط با کار با استفاده از پرسشنامه استرس شغلی Rice.L. Philip در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۴.....	۱۴۲
ارزیابی ارگونومیکی و مقایسه دو چرخه های ثابت ایستاده و نشسته جهت استفاده مناسب بیماران دچار آسیب مفصلی.....	۱۴۳
اندازه گیری میزان تراکم آلاینده های بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلن در هوای محیط کار کارگاه تانکر سازی باختر فلز در سال ۹۶.....	۱۴۴
بررسی شیوع پریشانی اخلاقی در بین پرستاران بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و تعیین عوامل موثر بر آن	۱۴۵
ارزیابی ایمنی کارخانه آرد بیستون با استفاده از روش ردیابی انرژی و آنالیز حفاظها ET&BA (در سال ۱۳۹۶).....	۱۴۶
بررسی ارتباط جو ایمنی و میزان بروز حوادث در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور در سال ۱۳۹۶.....	۱۴۸
بررسی اثرات آلودگی صوتی بر روی سیستم شنوایی کارگران شاغل در یک چاپخانه صنعتی.....	۱۴۹
ارزیابی ارگونومیک اختلالات اسکلتی- عضلانی دفاتر اداری و ارائه راهکارهای کنترلی در یک شرکت چراغ سازی.....	۱۵۰
The effect of the use of personal hearing protection in noisy environments on blood pressure and heart rate.....	۱۵۱
شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی در شغل پزشکی بیمارستان کوثر به روش SHERPA.....	۱۵۲
Measurement noise in a college library.....	۱۵۳
ارتباط ارگونومی و حرفه دندانپزشکی.....	۱۵۴
ارزیابی رضایتمندی کارگران از خدمات خانه های بهداشت کارگری تحت پوشش دانشگاه های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی و ایران در سال ۱۳۹۴.....	۱۵۵
ارزیابی شاخص استرس گرمایی WBGT در نانوایی های شهر گرگان.....	۱۵۶
ارزیابی ابعاد آنتروپومتری سالمندان زن شهر تبریز به منظور طراحی های ارگونومیک جامع نگر.....	۱۵۷
ارزیابی و مدیریت ریسک فرآیندهای بخش اوژانس بیمارستان الزهراء کرمان با استفاده از تکنیک FMEA.....	۱۵۸
بررسی ارتباط سطح سرب خون با میزان فشارخون در مواجهه شغلی کارگران با سرب: مروری سیستماتیک.....	۱۵۹
بررسی استرس شغلی بازرسان بهداشت محیط و حرفه ای مرکز بهداشت بجنورد.....	۱۶۰
تأثیر صدا و ارتعاش بر عملکرد ذهنی انسان: یک مطالعه ی مروری.....	۱۶۱
شناسایی و ارزیابی ریسک های ایمنی سالن مسوار در یکی از صنایع فولادی به روش JSA.....	۱۶۲
وزن دهی عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی- عضلانی اپراتورهای رایانه ای دانشگاه علوم پزشکی کرمان به روش شبکه عصبی در زمستان ۱۳۹۶.....	۱۶۳
وزن دهی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی- عضلانی اپراتورهای رایانه ای با الگوریتم ماشین بردار پشتیبان در یکی از دانشگاه های علوم پزشکی ایران در زمستان ۱۳۹۶.....	۱۶۴
ارزیابی ارگونومیکی وضعیت های کاری دانشجویان دانشکده دندان پزشکی قزوین در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به روش ارزیابی سریع تمامی اندام های بدن (REBA).....	۱۶۵

بهداشت محیط

استفاده از پسماندهای کاتالیستی در صنعت تولید سیمان به عنوان مواد افزودنی با خاصیت پوزولانی-مروری بر مطالعات.....	۱۶۶
بررسی تراکم آلاینده های هوا در فرودگاه بین المللی مهرآباد.....	۱۶۷
بررسی تراکم ذرات معلق در سالن انتظار مسافری و باند فعال فرودگاه بین المللی مهرآباد.....	۱۶۸

- ۱۶۹..... Estimating Methane Gas Generation Rate from Saqqez City Landfill Using LANDGEM Software
- ۱۷۰..... تأثیر مداخله آموزشی در بهبود وضعیت گندزدایی ابزار کار و کنترل عفونت در آرایشگاه های زنانه؛ یک مطالعه مروری
- بررسی و مقایسه کیفی منابع زیرزمینی تأمین آب با استاندارد ۱۰۵۳ آب آشامیدنی در روستاهای خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵: مطالعه موردی روستاهای شهرستان مانه و سملقان ۱۷۱
- ۱۷۲... Assessment of effects of education level and economic status on amount and kind of oil being used in sanandaj in 2018
- ۱۷۳..... بررسی وضعیت ضد عفونی و انگل زدایی سبزیجات در خانوارهای شهرستان بابل در سال ۱۳۹۵
- ۱۷۴..... سنجش آگاهی دانشجویان علوم پزشکی در خصوص کاربرد فناوری های نانو
- ۱۷۵..... Dehydration crisis treatment with virtual and gray water
- ۱۷۶..... بررسی حذف فوتوکاتالیستی مواد رنگزای آلی با استفاده از نانو کاتالیست ها
- ۱۷۷..... سنتز سبز نانوذرات نقره با استفاده از عصاره آبی ریشه گیاه زرشک (*Berberis vulgaris*) و بررسی خواص ضد میکروبی آن
- ۱۷۸..... ارزیابی وضعیت مدیریت پسماند و ارتقای آن در بیمارستان شهید مطهری ذوب آهن اصفهان در طی سال های ۹۶-۱۳۹۵
- ۱۷۹..... بررسی آلودگی میکروبی مواد غذایی در سطح عرضه شهرستان دشتستان در سال ۹۶
- ۱۸۰..... بررسی وضعیت دمای محیط و تجهیزات در مراکز عرضه مواد غذایی شهرستان دشتستان در سال ۹۶
- ۱۸۱..... Survey Quality of Rural Drinking water supply in Dehaghan County in 2016
- ۱۸۲..... Evaluation Function of Infectious Waste Sterilizing Devices in Dehaghan Hospital in 2016
- غربالگری عوامل موثر بر حذف رنگ از فاضلاب واقعی توسط فرایند ازن زنی کاتالیزوری با اکسید منیزیم در حضور پرسولفات با استفاده از مدل آماری فاکتوریل کسری ۱۸۳
- ۱۸۴..... ارزیابی آگاهی و عملکرد مردم شهر رفسنجان نسبت به مدیریت مواد زائد جامد شهری در سال ۱۳۹۶
- ۱۸۵..... بررسی وضعیت بهداشت محیط آرایشگاه های زنانه شهرستان دامغان (استان سمنان) در سال ۱۳۹۶
- ۱۸۶..... بررسی گیاه پالایی فلزات سنگین به وسیله گیاهان دارویی به عنوان مهمترین راهکار مدیریتی آلودگی های زیست محیطی
- ۱۸۷..... بررسی کارایی روش های مختلف در حذف ترکیبات دارویی از محلول های آبی
- ۱۸۸..... بررسی عملکرد سیستم تصفیه خانه فاضلاب (به روش لجن فعال) و کیفیت پساب خروجی بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا اهواز
- ۱۸۹..... پروبیوتیک ها از دیدگاه ایمنی مواد غذایی
- ۱۹۰..... آمین های آروماتیک هتروسایکلک (HCAs) به عنوان عاملی جهش زا و سرطانزا در گوشت و فراورده های گوشتی حرارت دیده
- ۱۹۱..... بررسی کیفیت فیزیکی، شیمیایی و میکروبی آب خروجی از دستگاه های تصفیه آب در مناطق روستایی شهرستان لارستان در سال ۱۳۹۵
- ۱۹۲..... بررسی وضعیت بهداشت محیط و کنترل عفونت آرایشگاه های شهر کرمانشاه
- ۱۹۳..... تاثیر امواج مغناطیسی بر روی رسوب کلسیم کربنات در آب
- ۱۹۴..... The Effect of Air Pollution on the Occurrence of Conjunctivitis
- بهینه سازی فرایند اکسیداسیون پیشرفته US/nFeMgO با استفاده از مدل آماری رویه پاسخ در حذف پنتا کلروفل از محیطهای آبی و تعیین میزان مصرف انرژی در شرایط بهینه فرایند ۱۹۵
- بهینه سازی فرایندهای UV-C/H₂O₂ و UV-C/S₂O₈²⁻ در حذف فلز از محیطهای آبی در حضور ترکیبات آلی طبیعی بعنوان رباینده رادیکال با بهره گیری از مدل آماری رویه پاسخ ۱۹۶
- ۱۹۷..... بررسی میزان غلظت عناصر سنگین (کروم، منگنز، مس) در منابع تامین کننده آب شرب روستاهای استان کرمانشاه (ایران)

- آنالیز فیزیکی و شیمیایی آب آشامیدنی مخازن شهری شبکه توزیع شهر کرمانشاه (ایران)..... ۱۹۸
- بررسی کاربرد آلومینیوم کلراید در تصفیه آب (مرورسیستماتیک)..... ۱۹۹
- تأثیرات مخرب سم ۲ و ۴ - دی کلروفلوئوکسی استیک اسید در محیط زیست و تکنولوژی های متداول حذف آن از پساب های آلوده..... ۲۰۰
- مروری بر استفاده از جاذب های مغناطیسی چندمنظوره در حذف همزمان آلایندة های آلی و معدنی از ماتریکس های آبی ۲۰۱
- مروری بر فرصت ها و چالش های مدیریت پسماندهای الکترونیکی در جهان ۲۰۲
- Noise Pollution Evaluation in Residential and Residential- Commercial Areas in Neyshabur in 2015..... ۲۰۳
- تأثیر آلودگی هوا بر افزایش احتمال اوتیسم در کودکان..... ۲۰۴
- Assessment of the microbial quality of Sanandaj drinking water reservoirs..... ۲۰۵
- بررسی آلودگی قارچی سطوح استخرهای شنای دانشگاه های شهر سمنان و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۶..... ۲۰۶
- تجزیه کاتالیتی فاضلاب حاوی سموم شیمیایی بر مبنای رادیکال های سولفات با استفاده از پرسولفات فعال شده توسط هماتیت معدنی طبیعی..... ۲۰۷
- بررسی کارایی نانوذرات اکسید منیزیم در حذف فتل از محیط های آبی..... ۲۰۸
- ارزیابی کیفیت فیزیکی و میکروبی آب استخر های شنای شهر ساوه در سال ۱۳۹۶..... ۲۰۹
- بررسی کیفیت میکروبی شبکه توزیع آب شرب مناطق روستایی شهر ستان ساوه در سال ۹۶..... ۲۱۰
- بررسی کیفیت میکروبی آب شهرستان هفتکل و ارتباط آن با بیماری های روده ای در سال ۹۶..... ۲۱۱
- Human Health Risk Assessment of Chromium in Drinking Water: Birjand, Iran..... ۲۱۲
- بررسی کارایی روش اولتراسونیک در حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ از محیط های آبی..... ۲۱۳
- بررسی مقایسه کارایی حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ در حضور و عدم حضور نانو ذرات اکسید روی تثبیت شده بر کیتوزان در محیط های آبی ۲۱۴
- Removal of Cyanide from Hazardous Waste by Iron Nanoparticles..... ۲۱۵
- حضور ترکیبات سرطان زا در آب..... ۲۱۶
- بررسی مدیریت پسماندهای بیمارستانی..... ۲۱۷
- مکان یابی بهینه دفن پسماند شهری با استفاده از فرایند تحلیل شبکه ANP در محیط GIS، مطالعه موردی: شهرستان کوهدشت..... ۲۱۸
- مروری بر میزان آگاهی، نگرش و دانش مردم از نحوه صحیح مدیریت مواد زائد دارو های تاریخ گذشته و غیر قابل استفاده..... ۲۱۹
- بررسی کیفیت میکروبی و شیمیایی منابع آب شرب، کشاورزی و صنعتی شهر گلکان و مقایسه آن با استانداردهای ملی و جهانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۲۲۰
- Assessment of the sanitation and health level in the Mashhad food production and distribution centers covered by health center No. 3 in the Ramezan escalation plan – 2017..... ۲۲۱
- بررسی میزان حضور کلیفرم در آب های آشامیدنی بطری شده، عرضه شده در سطح شهر ساری در سال ۱۳۹۶..... ۲۲۲
- بهینه سازی فرایند الکتروپرسولفات در تجزیه تتراسایکلین با کمک روش سطح پاسخ..... ۲۲۳
- بررسی اثرات آلودگی هوا بر نتایج مادری و جنینی بارداری..... ۲۲۴
- ارزیابی بهترین روش درونیابی در پهنه بندی خوردگی و رسوب گذاری آب روستاهای بجنورد با استفاده از GIS..... ۲۲۵
- بررسی تکنولوژی ضد عفونی اشعه ماوراء بنفش در سیستم های رطوبت ساز..... ۲۲۶
- بررسی فرصت ها و چالش های مدیریت پسماند بیمارستانی..... ۲۲۷
- آلودگی اندوتوکسین در آب آشامیدنی و میزان حذف آن در یک تصفیه خانه متداول آب..... ۲۲۸

Ultrasound-Assisted Emulsification Microextraction Coupled with HPLC-DAD for Determination Trace Level of Diclofenac	۲۲۹
.....in Urine and Water Samples	
تحلیل وضعیت غلظت نیترات و نیتريت موجود در منابع آب شرب روستاهای شهرستان بجنورد	۲۳۰
ارزیابی عادات غذایی و غلظت کادمیوم خون و ادرار افراد مبتلا به سرطان دستگاه گوارش: مطالعه مقایسه ای	۲۳۱
بررسی حذف فتوکاتالستی کتیکول با نانو ذرات اکسید روی به روش سطح پاسخ از محلول‌های آبی	۲۳۲
بررسی مدیریت پسماند پزشکی بیمارستان تک تخصصی زنان و زایمان شهدای بهشهر در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵	۲۳۳
Hospital waste management: attitude and behavior of staff	۲۳۴
بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه از ایمنی و بهداشت مواد غذایی در شرایط بحران	۲۳۵
بررسی چالش های مردم شهر کرمانشاه نسبت به آلودگی هوا	۲۳۶
بررسی میزان آلودگی لباس های رختشویخانه بیمارستان امام علی (ع) کرمانشاه	۲۳۷
Leachate treatment using a sequencing batch reactor	۲۳۸
بررسی حذف سیانید از زائادات خطرناک با استفاده از نانو ذرات آهن	۲۳۹
اثرات خشکسالی بر ترکیب فیزیکی شیمیایی منابع آب شرب شهری و روستایی شهرستان سراب	۲۴۰
ارزیابی مقایسه ای زئولیت طبیعی و زئولیت اصلاح شده در حذف فتل و سیانید از آب	۲۴۱
مروری نظام مند بر وضعیت مدیریت پسماند در بیمارستان های ایران	۲۴۲
بررسی وضعیت بهداشت محیط خوابگاههای دانشجویی دانشکده بهداشت و دانشگاه علوم پایه شهرستان دامغان	۲۴۳
خصوصیات کمی و کیفی پسماندهای تولیدی در بیمارستان و مراکز بهداشتی-درمانی شهر دامغان	۲۴۴
Monitoring of nitrate and nitrite concentration in drinking water sources in rural areas of Shout city - West Azerbaijan province,	۲۴۵
..... Iran	
Monitoring the chemical quality (Potassium, Calcium, Chloride, Electrical Conductivity) of drinking water in Chalderan, West	۲۴۶
..... Azerbaijan province, Iran, during 2003-2013	
ارزیابی آسیب پذیری منابع آبهای زیرزمینی دشت شلمزار نسبت به آلودگی با استفاده از مدل دراستیک	۲۴۷
مقایسه کارایی حذف رنگ راکتیو بلاک ۵ در فرایند ازن زنی کاتالیزوری با خاکستر استخوان اصلاح شده با اکسید منیزیم و نیترات آهن: طراحی آزمایشات	۲۴۸
بر پایه مدل آماری تاگوچی	
Assessment of groundwater quality and evaluation of scaling and corrosiveness potential of drinking water samples in villages	۲۴۹
..... of Kuzaran city, Kermanshah province in Iran	
Assessment of groundwater quality using Water Quality Index in Chaldoran area, West Azerbaijan Province, Iran	۲۵۰
بررسی تجمع زیستی کروم موجود در خاک در بدن کرم های خاکی ایزنیا فوئتیدا	۲۵۱
توضیحی بر تاثیر میدان مغناطیسی بر روی برهمکنش آرسنیک و یون های آهن در آب به وسیلهی نیروی لورنتز-لاپلاس	۲۵۲
ارزیابی ریسک و آنالیز خطرات مهم در سیستم آبرسانی شهر سرایان با استفاده از برنامه ایمنی آب و ماتریس امتیازدهی ریسک سازمان جهانی بهداشت	۲۵۳
(WHO)	
بررسی کیفیت میکروبی آب آشامیدنی روستاهای شهرستان سروآباد در سال ۱۳۹۳	۲۵۴
بررسی وضعیت جوش شیرین و نمک در نان نانوائی های شهرستان مهر سال ۹۰-۸۹	۲۵۵
بررسی کارایی فرآیند الکتروشیمیایی جفت الکتروود های مس-مس در حذف آئیلین از محیط های آبی	۲۵۶

بررسی کارایی فرآیند فتوکاتالیستی دی اکسید تیتانیوم با استفاده از لامپ های LED در کاهش COD فاضالب نساجی: مطالعه موردی کارخانه نخ رنگ همدان.....	۲۵۷
بررسی میزان آلاینده های معیار هوای شهر بهبهان در سال ۱۳۹۵.....	۲۵۸
تاثیر آلودگی هوا بر مخارج بهداشتی (خصوصی- عمومی) در ایران: یک مطالعه سری زمانی.....	۲۵۹
تاثیر سرعت حرکتی خودروها در سیستم حمل و نقل شهری بر آلودگیهای محیط زیست.....	۲۶۰
بررسی کیفیت میکروبی آب در آب سرد کن های دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی مشهد.....	۲۶۱
بررسی مقدار و روند تغییرات شاخص های خوردگی در منابع آب روستاهای شهرستان کاشان.....	۲۶۲
سنتر و شناسایی مشخصات نانو کامپوزیت مغناطیسی آهن- زیرکونیوم/کیتوسان، و کاربرد آن در حذف اسید هیومیک.....	۲۶۳

بهداشت عمومی

نقش خانواده ها در خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی.....	۲۶۴
بررسی وضعیت فعالیت فیزیکی و عوامل مرتبط با آن در زنان میانسال.....	۲۶۵
کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان پستان.....	۲۶۶
تاثیر استراتژی های آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت بر کیفیت زندگی.....	۲۶۷
تاثیر کلاسهای آمادگی زایمان بر نگرش نسبت به نوع زایمان در زنان باردار شهر اسفراین.....	۲۶۸
رضایت شغلی و عوامل مرتبط با آن در مراقبین سلامت و بهورزان شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۶.....	۲۶۹
تاثیر آموزش مهارت های فرزندپروری مثبت به مادران بر کاهش اضطراب کودکان.....	۲۷۰
بررسی ارتباط سلامت معنوی و برخی متغیرهای روانشناختی در دانشجویان فرزند شهید و جانباز شهر کرج در سال ۱۳۹۶.....	۲۷۱
بررسی فراوانی خطاهای پزشکی در یکی از بیمارستان های دولتی شمال شرق کشور.....	۲۷۲
بررسی شیوه های سازگاری در مادران دارای کودک مبتلا به دیابت نوع یک.....	۲۷۳
مروری بر رفتار پیشگیرانه زنان در غربالگری سرطان دهانه رحم.....	۲۷۴
بررسی دلایل اصلی بروز تنش در بین مراقبین سلامت در اتاق عمل: یک مطالعه مروری.....	۲۷۵
بررسی الگوی مصرف دارو و عوامل موثر بر آن در بین زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر اسفراین.....	۲۷۶
ارتباط بین سبک تغذیه و افسردگی سالمندان شهر اسفراین در سال ۱۳۹۶.....	۲۷۷
خود مراقبتی و ارتباط آن با پیشگیری از بیماری فشار خون: یک مطالعه ی مروری در ایران.....	۲۷۸
بررسی نیازهای آموزشی بهورزان استان بوشهر نسبت به پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی در سال ۹۶.....	۲۷۹
تاثیر اجرای یک برنامه آموزشی نظریه محور بر رفتارهای تغذیه ای پیشگیری کننده از بیماری های قلبی و عروقی در زنان ۳۰ تا ۴۵ سال.....	۲۸۰
فرهنگ ایمنی بیمار از دیدگاه کارکنان: یک مطالعه موردی در بیمارستان امام خمینی اسفراین.....	۲۸۱
سامانه هوشمند سازی فوریت پزشکی.....	۲۸۲
مروری بر رفتار پیشگیری از سرطان پستان در زنان.....	۲۸۳
بررسی عملکرد در مورد بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان دختر دبیرستانی به شهر سال ۹۵.....	۲۸۴
بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد در مورد پیشگیری از بیماری ایدز در آرایشگران گنبد در سال ۹۵.....	۲۸۵
ارتقاء آگاهی زنان باردار در مراقبت از دهان و دندان : مطالعه مروری.....	۲۸۶

- ۲۸۷..... بررسی اپیدمیولوژیک بیماری پدیکلوزیس در شهرستان جویین در سال ۹۶-۱۳۹۵
- ۲۸۸..... بررسی تحلیلی شیوع خشونت بر علیه زنان سالمند شهر شیراز
- ۲۸۹..... مطالعه مروری ساختار یافته شیوع خشونت بر علیه سالمندان در ایران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶
- ۲۹۰..... بررسی مروری مشاوره پیش از ازدواج در خصوص تالاسمی و عوامل موثر بر آن
- ۲۹۱..... بررسی وضعیت آسیب های عمدی و غیر عمدی منجر به مرگ در بین جوانان
- ۲۹۲..... واقعیت مجازی: چشم اندازی نو در آموزش متخصصان مراقبت بهداشتی درمانی
- ۲۹۳..... بررسی وضعیت زخم لیشمائیوز پستی (سالك) در مراجعین به مراکز درمان سالك شهرستان جویین طی سال های ۹۶-۱۳۹۳
- ۲۹۴..... بررسی وضعیت درمان بیماران مبتلا به لیشمائیوز جلدی (سالك) در سطح شهرستان جویین طی سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۳
- ۲۹۵..... وضعیت اتلاف دارو در خانوارهای ایرانی: یک مطالعه مرور گستره
- ۲۹۶..... بررسی میزان ید در نمک های خوراکی سطح شهرستان اردبیل سال ۱۳۹۶
- ۲۹۷..... تعیین میزان خودمراقبتی در خانم های مبتلا به دیابت بارداری
- ۲۹۸..... ارزیابی سبک زندگی سالم در سالمندان
- ۲۹۹..... بررسی عوامل خطر ساز بیماری سرطان مثانه و راه های پیشگیری آن
- ۳۰۰..... بررسی نقش تغذیه در پیشگیری از ابتلا به سرطان پانکراس و عوامل خطر آن
- ۳۰۱..... تبیین نقش آموزش در پیشگیری از پرخاشگری نوجوانان؛ یک مطالعه مروری
- ۳۰۲..... بررسی تأثیر آموزش بر سبک زندگی زنان میانسال؛ یک مطالعه مروری
- ۳۰۳..... The Effect of Eucational Intervention on Intention and Behavior Physical Activity of Female students in Behbahan City: An Application on the Theory of Planned Behavior
- ۳۰۴..... بررسی ارتباط شیوه زندگی و کیفیت خواب سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بهبهان در سال ۹۶
- ۳۰۵..... The student's attitude and belief towards the fast-foods: a survey among students at kurdistan university of medical sciences in 2015
- ۳۰۶..... تبیین تجارب زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ در زمینه موانع انجام پیاده روی: یک مطالعه کیفی
- ۳۰۷..... مروری بر وضعیت نوآوری و خلاقیت و عوامل موثر بر آن در بیمارستان ها
- ۳۰۸..... The Relationship between Quality of Work Life and Organizational Commitment among the Midwives in southeastern of Iran in 2016
- ۳۰۹..... بررسی نقش سواد سلامت بر روی اثرات خدمات و اطلاعات سلامت آنلاین: مطالعه مروری
- ۳۱۰..... ارزیابی کیفیت برنامه های کارآموزی دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی
- ۳۱۱..... بررسی عوامل موثر بر توانمند سازی منابع انسانی
- ۳۱۲..... عوامل موثر بر خودپنداره سالمندان : یک مقاله مروری
- ۳۱۳..... بررسی تاثیر عادات و مداخلات بهداشتی در ارتقاء سلامت ، ناهنجاری و شاخص های دهان و دندان (مطالعه مروری)
- ۳۱۴..... بررسی سطح ارتقا سلامت دهان و دندان با روش های پیشگیری از پوسیدگی دندان (مطالعه مروری)
- ۳۱۵..... بررسی وضعیت پیشگیری از آسیب های سرسوزن و ابتلا به هیپاتیت های ویروسی در شاغلین بخش بهداشت و درمان
- ۳۱۶..... بررسی تاثیر مداخله آموزشی تئوری محور بر رفتار تغذیه ای سالمندان مبتلا به دیابت در مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بابل در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵
- ۳۱۷..... بررسی تاثیر سنجش الکترونیکی دانش آموزان ابتدایی بر میزان اضطراب امتحان در سال ۱۳۹۶

- تاثیر رهبری تحول آفرین بر موفقیت استقرار شش سیگما: مطالعه موردی در دانشگاه علوم پزشکی بم ۳۱۸
- بررسی تاثیر مداخله آموزشی در مورد آلودگی هوا بر افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان پایه اول راهنمایی منطقه ۶ تهران با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی ۳۱۹
- تاثیر موسیقی درمانی بر حافظه سالمندان مبتلا به آلزایمر: یک مطالعه مروری ۳۲۰
- A new strategy for improving medical ethics among students ۳۲۱
- مقایسه سطح سواد سلامت دانشجویان رشته پرستاری و رشته های غیر پزشکی دانشگاه شاهد در سال ۱۳۹۷ ۳۲۲
- بررسی میانگین زمان انتظار ویزیت متخصص طب اورژانس در بخش اورژانس: یک مطالعه موردی ۳۲۳
- استراتژی های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ۳۲۴
- بررسی سلامت روانی دانش آموزان ایرانی: سرشماری منطقه ای دانش آموزان دبیرستانی ۳۲۵
- Motivators and Barriers to seasonal influenza vaccination uptake among healthcare workers ۳۲۶
- Study on prevalence and causes of smoking among students of shahid sadoughi University of Medical Sciences ۳۲۷
- پیشگویی کننده های کیفیت زندگی در رابطین سلامت مراکز بهداشتی درمانی جنوب تهران ۳۲۸
- بررسی رابطه ی بین عوامل استرس زای دانشجویی و تعلل ورزشی در دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی تهران ۳۲۹
- بررسی وضعیت ثبت اطلاعات در پرونده های آموزشی مرکز طبی کودکان در سال های تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵ ۳۳۰
- بررسی فراوانی مخاطرات بیمارستانی در یکی از بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۱۳۹۶ ۳۳۱
- بررسی سواد سلامت و ارتباط آن با کیفیت زندگی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان (سال ۱۳۹۶) ۳۳۲
- بررسی وضعیت سلامت روان دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان فاریاب در سال ۱۳۹۶ ۳۳۳
- بررسی راهکارهای ارتقای کیفیت زندگی بیماران مبتلا به پارکینسون: مرور سیستماتیک ۳۳۴
- بررسی ارتباط بین خودکارآمدی رفتار غذایی و نگرش به حذف وعده های غذایی اصلی در زنان دارای اضافه وزن و چاقی شهر ارومیه ۳۳۵
- مروری بر عوامل موثر سبک زندگی سالم در سالمندان ۳۳۶
- نقش خود مراقبتی بر حفظ سلامت بیماران قلبی ۳۳۷
- بررسی عادت مصرف دخانیات و عوامل مرتبط با آن در بین جوانان؛ مرور نظام مند ۳۳۸
- بررسی فراوانی عوامل خطر سرطان معده در شهرستان ارومیه؛ مرور نظام مند ۳۳۹
- بررسی رابطه خودپنداره و کمالگرایی با سلامت روان زنان باردار شهر جهرم ۳۴۰
- بررسی ارتباط آگاهی و نگرش زنان نسبت به خشونت با عزت نفس و خودکارآمدی در زنان مراجعه کننده به کلینیک هنری شهرستان جهرم در سال ۱۳۹۱ ۳۴۱
- فعالیت فیزیکی در سالمندان با تجربه سقوط در یکسال گذشته ۳۴۲
- آگاهی، نگرش و عملکرد زنان در خصوص سرطان پستان و غربالگری آن، بابل، ۱۳۹۶ ۳۴۳
- بررسی نگرش و عملکرد موتورسواران شهرکرد در خصوص استفاده از کلاه ایمنی ۳۴۴
- اهمیت آموزش رفتارهای خودمراقبتی در حوزه ی بهداشت پا در بیماران دیابتی ۳۴۵
- ضرورت ارتقای سطح سواد سلامت در سالمندان ۳۴۷
- سواد سلامت در جامعه شهری و روستایی بهبهان ۳۴۸

- ۳۴۹..... روشهای مذهبی مدیریت درد در بین سالمندان: یک مطالعه مروری
- ۳۵۰..... بررسی رفتار تغذیه ای براساس الگوی فرانظریه ای در زنان ۵۹-۳۰ ساله شهر دهم در سال ۱۳۹۶
- ۳۵۱..... چگونگی وضعیت فعالیت فیزیکی در زنان میانسال شهردهم بر مبنای الگوی فرانظریه ای
- ۳۵۲..... بررسی تاثیر اینفوگرافی بر اساس مدل مدل فرانظری بر فرایندهای تغییر کاهش مصرف نمک در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان نیشابور
- ۳۵۳..... بررسی ارتباط بین سواد سلامت و آگاهی و نگرش و رفتار مصرف سیگار در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
- ۳۵۴..... فراوانی استعمال سیگار در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
- ۳۵۵..... بررسی وضعیت فعالیت فیزیکی کارکنان ادارات استان کرمانشاه
- ۳۵۶..... تاثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتار بهداشت دست در کارکنان مراکز دندانپزشکی تهران
- ۳۵۷..... اقدام پژوهی در بازنگری برنامه کارآموزی در عرصه دانشجویان بهداشت عمومی با رویکرد توانمندسازی دانشجویان و کارآفرینی
- ۳۵۸..... وضعیت ایمنی سالمندان ساکن در منزل: یک مرور نظام مند
- ۳۵۹..... بررسی تاثیر آموزش ایکنر نوزادی بر آگاهی مادران باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان شوشتر ۱۳۹۶
- ۳۶۰..... بررسی ارتباط و مقایسه اسهال نوزاد با تغذیه از شیر مادر و شیر خشک (مطالعه مروری)
- ۳۶۱..... بررسی ارتباط بین حساسیت اخلاقی پرستاران و رضایت بیماران از کیفیت مراقبت های پرستاری
- ۳۶۲..... بررسی میزان رعایت حقوق بیماران توسط پرستاران (مطالعه مروری)
- ۳۶۳..... بررسی ضرورت استفاده از الگوی روی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (مطالعه مروری)
- ۳۶۴..... Evaluating old age-related costs in Iran (review article)
- ۳۶۵..... خود مراقبتی تغذیه ای و عوامل موثر بر آن در دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر اسفراین
- ۳۶۶..... استرس های شایع در بین دانشجویان دانشگاه های سطح شهر اردبیل
- ۳۶۷..... بررسی وضعیت تکاملی در کودکان یکساله تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۱۳۹۶
- ۳۶۸..... ارزیابی عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه های علوم پزشکی شهید بهشتی: سال ۱۳۹۶
- ۳۶۹..... بررسی علل تغذیه با شیر مصنوعی در کودکان زیر یکسال تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۱۳۹۶
- علوم پزشکی شهید بهشتی: سال ۱۳۹۶..... ارزیابی برقراری تماس پوست با پوست مادر و نوزاد و شروع تغذیه با شیر مادر از ساعت اول تولد در بیمارستانهای دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه
- ۳۷۰..... سبک زندگی و عوامل خطر ابتلا به دیابت: یک مقاله مروری در ایران
- ۳۷۱..... بررسی سواد سلامت در بیماران دیابتی و ارتباط آن با خود مراقبتی: یک مقاله مروری در ایران
- ۳۷۲..... اثر بخشی کاربرد مدل اعتقاد بهداشتی بر بیماران دیابتی: یک مقاله مروری در ایران
- ۳۷۳..... Internet of thing a new innovation in healthcare
- ۳۷۴..... بررسی میزان خودآزمایی سرطان پستان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل سال ۱۳۹۶
- ۳۷۵..... فراوانی و انگیزه های مصرف غذاهای فوری (فست فود) در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال ۱۳۹۶
- ۳۷۶..... بررسی میزان آگاهی گردشگران از سامانه رسیدگی به شکایات وزارت بهداشت ۱۹۰ در شهرستان سرعین در سال ۱۳۹۶
- ۳۷۷..... تأثیر آموزش واقعیت درمانی گروهی بر سلامت روان کارگران کارخانه مدیران خودرو شهرستان بم در سال ۱۳۹۶
- ۳۷۸..... بررسی رفتارهای پیشگیری از سرطان معده بر اساس تئوری انگیزش محافظت در زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت زاهدان
- ۳۷۹.....

- تاثیر برنامه خود مراقبتی اورم بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک ۳۸۰
- موانع خودمراقبتی از دیدگاه بیماران دیابتیک نوع ۲ در ایران: مروری سیستماتیک ۳۸۱
- تاثیر یوگا بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان تحت شیمی درمانی در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک ۳۸۲
- بررسی رابطه سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۶ ۳۸۳
- ویژگی های تدریس اثر بخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه های شهر بجنورد ۳۸۴
- To determine the predictive power of Health Action Process Approach Model in Breast self-examination ۳۸۵
- بررسی نقش هنجارهای انتزاعی درک شده بر استقبال از رفتار ماموگرافی در زنان بالای ۴۰ سال شهر تهران ۳۸۶
- The effect of spiritual care intervention on social health of cancer patients ۳۸۷
- Understanding the fear and approval of risk management for foot care in type 2 diabetic patients referred to diabetes clinics in North Khorasan province: Using a developed parallel process model ۳۸۸
- بررسی وضعیت سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه پس از زلزله کرمانشاه ۳۸۹
- The survey of domestic violence rate and factors affecting it in married men of the city Sabzevar (2018) ۳۹۰
- بررسی تاثیر برنامه آموزشی سلامت دهان و دندان بر مبنای مدل مدارس مروج سلامت بر عملکرد دانش آموزان دختر شهر سبزوار (۱۳۹۶) ۳۹۱
- بررسی عوامل موثر برزایمان زودرس شهرستان بيله سوار در سال ۹۵ ۳۹۲
- بررسی بیماری ها و عوارض شایع در بین زائران پیاده روی اربعین سال ۱۳۹۵ ۳۹۳
- Factors Predicting Self-Care Behaviors among low health literacy hypertensive patients based on Health Belief Model in Bushehr district, south of Iran ۳۹۴
- بررسی پیش بینی کننده های اختلال خواب در سالمندان مقیم سرای سالمندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۶ ۳۹۵
- بررسی مطالعات مداخله ای تاثیر روش های مختلف آموزشی در سالمندان در ایران: مرور حیطه ای ۳۹۶
- بررسی تاثیر روش آموزشی الکترونیکی (تلگرام و واتس آپ) بر دانش، نگرش و فعالیت فیزیکی سالمندان ۳۹۷
- تاثیر آموزش از راه دور بوسیله SMS بر افزایش امید به درمان و کنترل عوامل موثر در بهبود بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ (پژوهش کارآزمایی بالینی) ۳۹۸
- بررسی موانع و تسهیل کننده های موثر بر اقدام در غربالگری سرطان دهانه رحم در زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی سال ۱۳۹۵ ۳۹۹
- The Effect of Self-Care Education on Life Quality in Patients with epilepsy ۴۰۰
- بررسی عوامل موثر بر خودمراقبتی در بیماران تحت درمان آنژیوپلاستی ۴۰۱
- بررسی عوامل مرتبط خود درمانی با دارو در دانشجویان دانشگاه های ایران: مرور نظام مند ۴۰۲
- Relationship between spirituality and social skills among nursing students ۴۰۳
- بررسی تطبیقی الگوی انباشت منابع مالی نظام سلامت در کشورهای منتخب: درس هایی برای ایران ۴۰۴
- بیمارستان های استان اصفهان بر اساس مدل پابن لاسونا کارآیند ۴۰۵
- بررسی تطبیقی الگوی تخصیص منابع و خرید خدمات در نظام سلامت کشورهای منتخب: درس هایی برای ایران ۴۰۶
- بررسی تطبیقی الگوی جمع آوری منابع مالی نظام سلامت در کشورهای منتخب: درس هایی برای ایران ۴۰۷
- بررسی الگوی تغذیه انحصاری با شیر مادر در کودکان ۶ ماهه استان فارس، ۱۳۹۵ ۴۰۸

- عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۶..... ۴۰۹
- سبک زندگی سالمندان و دستاوردهای اقتصادی سالمند سالم ۴۱۰
- اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود کیفیت زندگی مراقبین سلامت مرکز بهداشت شهرستان ترکمن..... ۴۱۱
- Evaluation of the therapeutic interventions effects on body growth pattern of infants with congenital hypothyroidism ۴۱۲
- عوامل موثر بر رفتار خودمراقبتی بیماران دیابتی: یک مطالعه مروری سیستماتیک..... ۴۱۴
- لزوم آموزش و ارتقاء فرهنگ کارآفرینانه در بین دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و نقش آن در کارایی ارائه خدمات درمانی..... ۴۱۵
- بررسی ارتباط سن مادران در هنگام بارداری با وزن نوزادان متولد شده در شهرستان اردبیل در سال‌های ۹۵-۹۶..... ۴۱۶
- بررسی همبستگی مشخصات دموگرافیک کودکان با سبک‌های فرزند پروری در والدین ۴۱۷
- بررسی عوامل خطر مرتبط با سالمند آزاری و انواع آن در سالمندان ۴۱۸
- Review on the effect of self-care education on the life quality of patients infected with diabetes ۴۱۹
- بررسی تأثیر اصلاح سبک زندگی بر درمان بیماری کبد چرب غیرالکلی و پیشگیری از عوارض ناشی از آن: مروری سیستماتیک ۴۲۰
- بررسی تأثیر ترس از افتادن بر کیفیت زندگی سالمندان..... ۴۲۱
- اهمیت آموزش روش‌های غربالگری و تشخیص زودرس سرطان پستان به زنان در راستای ارتقای سطح سواد سلامت آنان..... ۴۲۲
- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت دانشجویان از دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۹۵-۱۳۹۴..... ۴۲۳
- رابطه بین طرح‌واره‌های شناختی با شانزده عامل شخصیتی کتل در دانشجویان علوم پزشکی ۴۲۴
- اپیدمیولوژی علل آپنه انسدادی خواب در سالمندان..... ۴۲۵
- بررسی رفتارهای مراقبتی بهداشت دهان و دندان در مادران باردار شهر رشت، کاربردی از مدل اعتقاد بهداشتی ۹۴-۹۵..... ۴۲۶
- بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت بیماران قبل و بعد از طرح تحول نظام سلامت در یک بیمارستان آموزشی-درمانی استان کرمان در سال ۹۲ و ۹۴..... ۴۲۷
- Compare the prevalence of musculoskeletal disorders and its associated factors among farmers and city workers Agh Ghala :
..... A cross-sectional study ۴۲۸
- تأثیر آموزش کارگاهی کشوری خدمات بهداشت باروری در سوانح بر شایستگی حرفه‌ای ماماها‌ی جمعیت هلال احمر ۴۲۹
- بررسی ارتباط بین میزان اختلالات اسکلتی عضلانی و آگاهی از اصول ارگونومی کار با رایانه در بین کاربران رایانه یک شرکت خدمات الکترونیک ... ۴۳۰
- بررسی فرسودگی شغلی کارکنان بخش اداری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد ۴۳۱
- بررسی وضعیت سطح سواد کاربردی سلامت و عوامل مرتبط با آن در بیماران مبتلا به پرفشاری خون ۴۳۲
- بررسی اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر کاهش خشم افراد معتاد در حال ترک ۴۳۳
- کارایی مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر تغذیه انحصاری با شیر مادر ۴۳۴
- بررسی میزان آگاهی و نگرش مدیران سلامت از مدیریت نظام سلامت..... ۴۳۵
- بررسی الگوی تغذیه با شیر مادر در ۲۴ ساعت اول تولد و عوامل موثر بر آن در استان فارس، ۱۳۹۵..... ۴۳۶
- حمایت اجتماعی در دوران سالمندی و عوامل مرتبط با آن در ایران بر اساس مدل سازمان جهانی بهداشت (مطالعه مروری سیستماتیک)..... ۴۳۷
- بررسی وضعیت پوشش بیمه خانوارها بعد از اجرای طرح تحول سلامت: مطالعه مقطعی در جنوب شرق کشور ۴۳۸
- بررسی نحوه تامین هزینه‌های سلامت خانوارها بعد از اجرای طرح تحول سلامت: یک مطالعه مقطعی در استان سیستان و بلوچستان ۴۳۹
- بررسی الگوی مسمومیت‌های ناشی از سوء مصرف الکل در مراجعین اورژانس بیمارستان امام خمینی شهرستان بهشهر در سال ۱۳۹۶..... ۴۴۰

- ۴۴۱..... بررسی مقایسه ای سلامت عمومی دانشجویان سال اول و آخر رشته های پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد زنجان در سال ۱۳۹۶
- ۴۴۲..... بررسی میزان دانش دانشجویان دختر رشته های فنی – مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان در مورد خود آزمایی پستان سال ۱۳۹۶
- ۴۴۳..... تعیین توزیع عوامل خطر در سالمندان شهرستان تبریز در سال ۹۳
- ۴۴۴..... طراحی سامانه پایش مراقبتهای اولیه بهداشتی (MS- PHC) در معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز
- ۴۴۵..... نیترات و نیتريت منابع آب آشامیدنی و بروز سرطان های معده و مری در استان آذربایجان شرقی
- ۴۴۶..... بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران شهرستان روانسر نسبت به انتقال بیماریهای ایدز و هپاتیت B
- ۴۴۷..... استفاده از یادآورهای پیام کوتاه تلفن همراه در مراقبت سلامت
- ۴۴۸..... چرا ایرانی ها در اتوبوس کمر بند ایمنی نمی بندند؟ یک مطالعه کیفی
- ۴۴۹..... نگرش جوانان به ازدواج و ایجاد پدیده تجرد در ایران: یک مرور توصیفی
- ۴۵۰..... شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر شکست درمان و عود بیماری تب مالت با استفاده از تکنیک TOPSIS
- ارزیابی ارتباط شاخص غذای سالم تغییر یافته (AHEI-2010) با وضعیت چاقی، غلظت سرمی ۲۵ هیدروکسی ویتامین D و hs-CRP در سالمندان شهر تهران
- ۴۵۱.....
- ۴۵۲..... ارتباط بار اسیدی رژیم غذایی با ترکیب بدن و زیست نشانگرهای التهابی در مبتلایان به دیابت نوع دو
- Does cocoa/dark chocolate supplementation have favorable effect on body weight, body mass index and waist circumference?
- ۴۵۳..... meta-analysis and dose-response of randomized clinical trials, A systematic review
- ۴۵۴..... Self-care in people with diabete, A Review
- ۴۵۵..... Evaluation of sleep quality among elderly people: A Population Based Survey in Shiraz, Iran
- ۴۵۶..... A Review .Depression risk factors in the elderly
- ۴۵۷..... Relationship between quality of life and sleep disorders in the elderly: A Population Based Survey in Shiraz, Iran
- تاثیر آموزش بهداشت دهان و دندان با استفاده از روش ترکیبی بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر
- کوت عبدالله.....
- ۴۵۸.....
- ۴۵۹..... بررسی میزان آگاهی، نگرش، رفتار و عوامل مرتبط با آن ها در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کوت عبدالله در خصوص پیشگیری از پوسیدگی دندان
- ۴۶۰.....
- ۴۶۱..... بررسی برخی نشانگرهای فرایندی کیفیت خدمات اورژانس بیمارستانی در مصدومین حوادث ترافیکی مجتمع بیمارستانی امام خمینی
- ۴۶۲..... بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر بهبود رفتارهای ارتقادهنده سلامت و کیفیت زندگی رابطان سلامت
- ۴۶۳..... بررسی وضعیت برون سپاری در بیمارستانها و مراکز درمانی ایران ، یک مطالعه مروری نظامند
- ۴۶۴..... اثرات خصوصی سازی بر عملکرد بیمارستانهای دولتی، یک مطالعه مروری
- ۴۶۵..... بررسی وضعیت خودمراقبتی و سطح آگاهی بیماران دیابتی براساس شاخص های الگویابی باور بهداشت
- ۴۶۶..... بررسی وضعیت افسردگی و ارتباط آن با شاخص های کیفیت زندگی در بیماران دیابتی
- ۴۶۷..... بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مزدوجین شهرستان قوچان در خصوص بیماری ایدز
- ۴۶۸..... بررسی ارتباط خود کارآمدی رفتارهای بهداشتی، حمایت اجتماعی در ک شده و عوامل مرتبط با سالمندان کرج

- ۴۶۹..... بررسی تاثیر آموزش بر سبک زندگی زنان میانسال، یک مطالعه مروری
- ۴۷۰..... بررسی رابطه خشونت خانگی با افسردگی وضعف روانی زنان شهرستان ترکمن
- ۴۷۱..... تاثیر هزینه های بهداشت و درمان بر فقر کشور
- ۴۷۲..... تاثیر الگوی توانمندسازی خانواده محور بر سبک زندگی و شاخص های توانمندی بیماران HIV مثبت مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز
- ۴۷۳..... بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر توانمند سازی بیماران HIV مثبت در پیشگیری از مصرف مواد مخدر
- ۴۷۴..... تاثیر آموزش مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده در ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از بروز سل در بیماران HIV مثبت شهر اهواز
- ۴۷۵..... تاثیر آموزش مدیریت استرس بر اساس مدل بزنف بر ارتقاء رفتارهای بیماران HIV مثبت
- ۴۷۶..... تاثیر " برنامه های کاهش آسیب " بر مشارکت بیماران HIV مثبت از رژیم دارویی رترو ویروسی در زندان های شهر اهواز
- ۴۷۷..... بررسی بار اختلالات افسردگی در جهان از سال ۱۹۹۰-۲۰۱۶؛ یک مطالعه طولی
- ۴۷۸..... بررسی وضعیت عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیمار در بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۶
- ۴۷۹..... عوامل مولد و تثبیت کننده حاشیه نشینی
- ۴۸۰..... تعیین الگو و توزیع واقعه مرگ بیماران اچ آی وی به روش داده کاوی در مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز طی سال های ۱۳۹۱-۱۳۹۶
- ۴۸۱..... بررسی ارتباط بین فشارخون و شاخص توده بدنی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد (سال ۹۲)
- ۴۸۲..... عوامل مرتبط با خود درمانی در بیماران دیابتی: مروری سیستماتیک
- ۴۸۳..... The role of self-care education in controlling diabetes and its complications
- ۴۸۴..... اثر بخشی اجرای برنامه خود مراقبتی فردی و تربیت سفیران سلامت دانشجویان در رابطه با سبک زندگی سالم
- ۴۸۵..... خود مراقبتی و عوامل مرتبط با آن در بیماران دیابتی شهر کرمانشاه
- ۴۸۶..... بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر رفتار تغذیه ای دانش آموزان
- ۴۸۷..... مدیریت کارآمد بیمارستان ها
- ۴۸۸..... تاثیر آموزش همسالان بر ارتقا سطح کیفیت زندگی زنان یائسه-یک مطالعه مروری
- ۴۸۹..... بررسی درمان های مکمل و تاثیر آن بر علائم جسمانی و روانی در مبتلایان به سرطان
- ۴۹۰..... ارتباط بین انگیزه پیشرفت و فرسودگی تحصیلی و عوامل مؤثر بر آنها (مرور متون)
- بررسی تاثیر مداخله آموزشی براضطراب مادران دارای کودک مبتلا به نارسایی قلبی، قبل و بعد از عمل جراحی مراجعه کنندگان به مرکز قلب شهید رجایی تهران در سال ۱۳۹۴
- ۴۹۱.....
- ۴۹۲..... ارتباط توانایی آینده پژوهی با کیفیت تجارب یادگیری دانشجویان
- ۴۹۳..... ارتباط سواد سلامت با کیفیت زندگی در رابطه سلامت
- ۴۹۴..... بررسی تاثیر برنامه آموزشی خود مراقبتی به روش چند رسانه ای بر کیفیت زندگی بیماران دچار سوختگی با استفاده از مدل منحنی رشد پنهان چند گانه
- ۴۹۵..... بررسی برابری در توزیع پزشک در استان آذربایجان شرقی: ۱۳۸۵-۱۳۹۳
- ۴۹۶..... آگاهی و نگرش مدیران بیمارستانهای آموزشی درمانی شهر تبریز در خصوص بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامت
- ۴۹۷..... اولویت های مرکز بهداشت جنوب تهران بر پایه نیازسنجی سلامت جامعه
- ۴۹۸..... عوامل موثر بر سواد رسانهای: مرور نظامند
- ۴۹۹..... کیفیت زندگی مصرف کنندگان مواد روانگردان در ایران

نقش خانهای هوشمند در خود مراقبتی	۵۰۰
بررسی شیوع افسردگی و راهکار های کاهش آن در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس ;مرور سیستماتیک	۵۰۱
اثربخشی برنامه مداخله ای مدیریت استرس بر احساس پیوستگی تیپ شخصیتی D در مراجعین به مراکز مشاوره اهواز در سال ۱۳۹۶	۵۰۲
بررسی مروری وضعیت سواد سلامت گروه های مختلف جمعیتی در ایران	۵۰۳
Predicting the Beliefs and Behavior of Sporting healthcare workers with Chronic Low Back Pain	۵۰۴
The effects of an educational program on beliefs and exercise behavior of chronic low back pain healthcare workers	۵۰۵
پیش بینی عوامل موثر بر رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت ناشی از مراقبت های بهداشتی کارکنان خدمات جامع سلامت تهران براساس تئوری انگیزش محافظت	۵۰۶
تاثیر مداخله روانشناختی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت در بهبود رعایت احتیاطات استاندارد	۵۰۷
فراوانی استفاده از آنتی بیوتیک آموکسی سیلین در خود درمانی با آنتی بیوتیک در بین دانشجویان پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تهران	۵۰۸
سکوت سازمانی و سبک های رهبری: مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی ایران	۵۰۹
عوامل مرتبط با اتخاذ رفتارهای پرخطر در دانش آموزان پسر مقطع دوم متوسطه شهر سندج براساس الگوی اعتقاد بهداشتی	۵۱۰
بررسی تأثیر آموزش بر رفتار خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع ۲ براساس تئوری و مدل های آموزش بهداشت: یک مطالعه ی مروری در ایران	۵۱۱
واکاوی ساختار شبکه سیاستگذاری حمایت مالی از افراد بی بضاعت در حوزه سلامت	۵۱۲
بررسی اثربخشی آموزش مادران در خصوص عملکرد پیشگیری کننده از پدیکولوزیس در دانش آموزان مقطع ابتدایی؛ یک مطالعه سیستماتیک	۵۱۳
مروری نظام مند بر الگوی هزینه های کمرشکن نظام سلامت در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال های ۹۶-۱۳۸۶	۵۱۴
مروری بر عوامل اقتصادی -اجتماعی تعیین کننده سلامت با محوریت عدالت در نظام سلامت	۵۱۵
خود مراقبتی و سبک زندگی در سالمندان ایران: یک مطالعه مروری	۵۱۶
افسردگی پس از زایمان و عوامل موثر بر آن: مطالعه مروری	۵۱۷
بررسی نابرابری در توزیع نیروی انسانی پرستار در استان آذربایجان شرقی در سال های ۱۳۸۵-۹۳	۵۱۸
ارزیابی و رتبه بندی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ بهرهمندی از شاخص های بهداشتی و درمانی	۵۱۹
وضعیت سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت های دوران بارداری	۵۲۰
مروری نظام مند بر عوامل خطر ساز دیابت بارداری در زنان باردار	۵۲۱
مروری نظام مند بر عوامل خطر ساز سرطان تخمدان	۵۲۲
بررسی تاثیر خودمراقبتی جهت ارتقاء سلامت در بیماری های مزمن	۵۲۳
بررسی میزان انتظار و کیفیت انجام مشاوره پزشکی	۵۲۴
شکاف بین تئوری و عمل در آموزش رشته بهداشت عمومی	۵۲۵
بررسی هزینه بستری بیماران آنفولانزا در بیمارستان امام رضا شهر تبریز طی سال های ۹۶-۹۳	۵۲۶
بررسی آسیب های اجتماعی - روانی ناشی از اعتیاد اینترنتی در جوانان و نوجوانان؛ یک مطالعه مروری	۵۲۷
بررسی عوامل موثر در ایجاد و پیشگیری از سرطان معده: مروری سیستماتیک	۵۲۸
تعیین کننده های اجتماعی -اقتصادی مؤثر بر وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای روستایی شهرستان مشهد؛ سال ۱۳۹۶	۵۲۹
پزشک خانواده و نظام ارجاع در استان هرمزگان: چالش ها و راهکارهای پیش روی توسعه	۵۳۰

۵۳۱.....	Health Locus of Control and its related factors among Iranian Pilgrims
۵۳۲.....	بار اقتصادی پدیده سالمندی؛ مطالعه موردی شهر تهران
۵۳۳.....	بررسی تاثیر آموزش الکترونیکی، مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقاء رفتارهای پیش گیری کننده از سوانح ترافیکی در دانش آموزان پسر دبیرستانی
۵۳۴.....	بررسی تاثیر آموزش مدیریت استرس به شیوه شناختی - رفتاری بر رسیدگی به خود و تنظیم هیجانی بیماران دیابت نوع ۲
۵۳۵.....	بررسی عوامل مرتبط خود درمانی با دارو در دانشجویان دانشگاه های ایران: مرور نظام مند
۵۳۶.....	بررسی فراوانی و عوامل موثر در افت تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان در سال تحصیلی ۱۳۹۵
۵۳۷.....	رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری در زنان شاغل؛ با نقش واسطه تعارض کار-خانواده
۵۳۸.....	سنجش میزان کارآیی فنی بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تبریز قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت به روش تحلیل پوششی داده ها و شاخص مالم کوئیست
۵۳۹.....	عوامل موثر بر مصرف صبحانه در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اسفراین
۵۴۰.....	مروری بر بیماری ها و اختلالات جسمانی مرتبط با کمبود با ویتامین D
۱۳۹۵-۹۶.....	بررسی رفتار های پیشگیری کننده از شیوع پدیکلوزیس دردانش آموزان مدارس دخترانه شهر تربت حیدریه مبتنی بر الگوی پرسید سال تحصیلی
۵۴۱.....	

اپیدمیولوژی

۵۴۲.....	according to their epidemiologic and Cost analysis of patients admitted to the emergency department following accidents demographic factors in southeastern of Iran
۵۴۳.....	Seroepidemiological survey of visceral leishmaniasis (Kala-Azar) in Ardabil province during 2012-2016
۵۴۴.....	وضعیت کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب در ایران و کشورهای منتخب: یک مطالعه تطبیقی
۵۴۵.....	بررسی شیوع شب ادراری و ریسک فاکتورهای آن در کودکان پیش دبستانی؛ مرور سیستماتیک
۵۴۶.....	Trend in Geographical inequalities in mortality from road traffic accidents in the Iran, 2006-2015
۵۴۷.....	Socioeconomic inequality in mortality from road traffic accident in Iran 2006-2015
۵۴۸.....	بررسی اپیدمیولوژی مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر در اجساد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۲
۵۴۹.....	Epidemiological Study of Mortality Rate from illicit drug Abuse in Iran during March 2015 to February 2016
۵۵۰.....	بررسی مکانیسم های فعال سلنیوم در پیشگیری و درمان سرطان پستان
۵۵۱.....	A Survey on the Effective Factors on Preterm Birth in Rural Areas of Kurdistan Province (West of Iran): A Case-Control Case Study
۵۵۲.....	Is hypothyroidism in infants is associated with the climatic conditions?
۵۵۳.....	Prevalence of hepatitis B and C in prisons in the world: A meta-analysis during the years 2005-2015
۵۵۴.....	Improved perspective: effect of longitude on epidemiology of tuberculosis in Hamadan province
۵۵۵.....	بررسی اپیدمیولوژیکی عوامل مرتبط با نارسایی مزمن کلیوی در بیماران همودیالیزی بیمارستان شهید آیت الله اشرفی اصفهانی شهر تهران در سال ۱۳۹۵
۵۵۶.....	بررسی بروز فیل کتونوری در شهرستان کرمان طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵

Factors affecting blood donation intervals and survival of blood donors based on a sample in southern Iran: A Prospective Study	۵۵۷
اپیدمیولوژی سرطان پستان در شهر ارومیه	۵۵۸
بررسی سطح سواد سلامت بیماران بستری در بیمارستان های شهرستان شوشتر و شناسایی عوامل موثر بر آن ۱۳۹۶	۵۵۹
شیوع و عوامل مرتبط با کم کاری مادرزادی تیروئید در شهرستان اردبیل در سال ۹۶-۹۲	۵۶۰
میزان آگاهی و آمادگی خانوارهای تحت پوشش و مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان اردبیل در برابر حوادث و بلایای طبیعی در سال ۱۳۹۶	۵۶۱
ارزیابی وضعیت تغذیه دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل با استفاده از شاخص های تن سنجی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷	۵۶۲
بررسی اپیدمیولوژی سرطان پستان در ایران	۵۶۳
شیوع کم خونی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۶	۵۶۴
شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال ۱۳۹۶	۵۶۵
Evaluation of the Association between Maternal High Blood Pressure, Heart Disease and Gestational Diabetes and Neonatal Mortality: A case-control Study	۵۶۶
Risk Factors for Low Birth Weight in Iran: A case - control study	۵۶۷
A Comparative study of UHPLC and HPLC methods in detection of benzodiazepine drugs in Postmortem Samples	۵۶۸
بررسی اپیدمیولوژی یافته های حاصل از آنالیز های سم شناسی در مرگ های ناشی از قتل و خودکشی	۵۶۹
اپیدمیولوژی سقوط از تخت سالمندان در مراکز نگهداری ایران	۵۷۰
Association between dietary habits and physical activity with risk of breast cancer among young women in Southern Iran: A case-control study	۵۷۱
بررسی میزان شیوع دیابت و کلسترول در شهرستان جعفریه استان قم و مقایسه آن با میزان شیوع در یکی از مناطق مرفه استان قم و عوامل خطر مرتبط با آن	۵۷۲
اپیدمیولوژی سقوط در سالمندان مراجعه کننده به بیمارستان شهید چمران شیراز، ۱۳۹۶	۵۷۳
بررسی روند بروز سرطان سینه در زنان ایرانی از سال ۲۰۱۶ - ۲۰۰۰	۵۷۴
Association Between Intake Of Caffeine During Pregnancy And Sleep Quality In Postpartum Period: A Population-Based Study	۵۷۵
The Association of Caffeine Consumption and Depressive Symptoms in US Adults: Data from National Health and Nutrition Examination Survey (NHANES)	۵۷۶
عوامل موثر بر افت تحصیلی دانشجویان و دیدگاه آنان در مورد عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی	۵۷۷
Domestic elder abuse and associated factors in elderly women in Tehran	۵۷۸
بررسی ارتباط ابتلا همزمان سل و دیابت با نتایج درمان بیماران اسمیر مثبت استان گلستان	۵۷۹
عوامل مرتبط با سلامت جنسی در زنان مبتلا به سرطان سینه	۵۸۰
in Frequency of Chronic Atrophic Gastritis among 11543 Patients from a Pathology Clinical Center between 2012 and 2016 Mashhad	۵۸۱
Gastric Intestinal Metaplasia: Retrospective Epidemiological Study	۵۸۲
Gastric Cancer Epidemiology from 2012 to 2017 in Mashhad, Iran	۵۸۳
مروری بر ابزار اندازه گیری رفتار تکانشی بارت (BIS)- یک مطالعه مروری	۵۸۴

نیازسنجی سلامت محله اسکان شهر یزد- ۱۳۹۶.....	۵۸۵
بررسی اثر مداخله با برنامه آموزش تغذیه به همراه توزیع یک وعده غذای گرم به منظور مقابله با سوء تغذیه و بهبود شاخص های تن سنجی در میان کودکان ۲-۶ سال تحت پوشش روستا مهدهای شهر دزفول.....	۵۸۶
میزان و روند مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم در کودکان ۵۹- ۱ ماهه خراسان شمالی، ۱۳۹۵-۱۳۹۰.....	۵۸۷
بررسی توزیع وزن و کم وزنی نوزادان شهر ساری در بدو تولد در سال ۱۳۹۵.....	۵۸۸
بررسی کمبود روی در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران.....	۵۸۹
بررسی رابطه بین ویروس زیکا و میکروسفالی در نوزادان.....	۵۹۰
بررسی رابطه بین مصرف مکمل های آنابولیک و تظاهرات قلبی عروقی.....	۵۹۱
اپیدمیولوژی مرگ و میر ناشی از سرطان ها براساس داده های سیستم ثبت سرطان شهرستان نیشابور (۱۳۹۵-۱۳۹۰).....	۵۹۲
اپیدمیولوژی پنج علت نخست مرگ و میر در گروه سنی ۳۰ تا ۶۹ سال در شهرستان نیشابور (۱۳۹۵-۱۳۹۰).....	۵۹۳
اپیدمیولوژی هیستریکتومی در ایران.....	۵۹۴
اپیدمیولوژی لپتوسپیروزیس در مناطق شمالی ایران.....	۵۹۵
بررسی اپیدمیولوژی افسردگی در ایران؛ مطالعه مروری نظام مند.....	۵۹۶
بررسی اپیدمیولوژیک مسمومیت های اطفال مراجعه کننده به بخشهای اورژانس.....	۵۹۷
شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۶.....	۵۹۸
Investigation of the Association between Complete Blood Cell and HIV Progression to AIDS in the Historical Cohort Setting: Using Generalized Estimating Equations Approach.....	۵۹۹
بررسی اپیدمیولوژی توصیفی و میزان های مرگ تطبیق شده شهرستان های تهران، اسلامشهر و ری طی سال ۱۳۹۴.....	۶۰۰
بررسی شیوع و ریسک فاکتورهای ابتلا به هیپاتیت های B و C در معتادان تزریقی تحت پوشش مراکز گذری (DIC) و مراکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر تهران.....	۶۰۱
Trend of Years of Life Lost Due to Road Traffic Injuries in Kermanshah Province (2009 - 2014).....	۶۰۲
Socioeconomic inequality in overweight/obesity and related factors in adolescents in West of Iran.....	۶۰۳
بررسی اپیدمیولوژیک افسردگی پس از زایمان مادران ایرانی: یک مرور سیستماتیک.....	۶۰۴
اپیدمیولوژی سرطان معده در ایران.....	۶۰۵
بررسی تاثیر رایحه درمانی بر کیفیت خواب بیماران.....	۶۰۶
تأثیر مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی بر کیفیت زندگی و ارتقای سلامت بیماران سرطانی: یک مرور سیستماتیک.....	۶۰۷
بررسی میزان شیوع بیماری سلیاک در میان کودکان زیر ۱۶ سال در منطقه جنوب شرق ایران در مراجعه به بیمارستان افضل پور کرمان.....	۶۰۸
بررسی اپیدمیولوژیکی عوارض نامطلوب ایمنسازی در شهرستان فریدونشهر (۹۶-۱۳۸۵).....	۶۰۹
بررسی اپیدمیولوژیکی نوع حیوانات مهاجم در موارد حیوانگزیدگی شهرستان فریدونشهر (دوره ۱۸ ساله): مطالعه کوهورت تاریخی.....	۶۱۰
بررسی ارتباط بین بیماریابی سل در مراکز بهداشتی درمانی و کشف موارد مسلول در شهرستان فریدونشهر (۹۶-۱۳۷۷).....	۶۱۱
بررسی میزان بروز پدیکلوزیس در مهدکودکها و مدارس شهرستان فریدونشهر (۹۶-۱۳۸۶): مطالعه کوهورت تاریخی.....	۶۱۲
بررسی اثر لارو درمانی بر ضایعات لیشمانیوز جلدی.....	۶۱۳
بررسی پتانسیل بالقوه زهر عقرب به عنوان دارو در درمان بیماری ها.....	۶۱۴

- ۶۱۵..... بررسی ارتباط چاقی و اضافه وزن با سابقه خودمراقبتی در جوانان
- ۶۱۶..... بررسی شیوع اضطراب و شدت آن در بین دانشجویان دانشگاه های شهر اردبیل
- ۶۱۷..... نتایج غربالگری تنبلی چشم در استان اردبیل ۱۳۹۵.....
- ۶۱۸..... بررسی مدل مصرف سیگار در استان کردستان در دوره ۱۳۹۳ - ۱۳۸۳ و پیش بینی آن تا سال ۱۴۰۳.....
- ۶۱۹..... بررسی اثر آلودگی هوا بر دیابت نوع دو: مرور سیستماتیک.....
- ۶۲۰..... بررسی اپیدمیولوژی عوامل خطر سکت قلبی در ایران.....
- ۶۲۱..... بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری پدیلولوزیس در استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۵.....
- ۶۲۲..... بررسی کیفیت و اهمیت تشخیص بالینی و آزمایشگاهی تفکیک غلاف مو از تخم شپش در موارد مشکوک به پدیلولوزیس.....
- گزارش یک مورد میاز تصادفی روده ای ناشی از *Clogmia albipunctata*: Psychodidae در شمال استان خوزستان و بررسی شرایط محیطی موثر بر ایجاد این نوع از میازیس.....
- ۶۲۳..... ارزیابی برازش مدل های پارامتری و نیمه پارامتری در آنالیز بقای بروسولوزیس: مطالعه کوهورت.....
- ۶۲۴..... بررسی خصوصیات جمعیت شناختی و پیامد های ناشی از سوختگی در بیماران مراجعه کننده به مرکز روان پزشکی و سوختگی زارع ساری در سال ۱۳۹۴.....
- ۶۲۶..... طراحی و اجرای نظام مراقبت پیشگیری از خودکشی.....
- ۶۲۷..... A Population-based Case-control Study in Iran Opium as a Risk Factor for Bladder Cancer:
- ۶۲۸..... اثربخشی مداخله شان درمانی در افراد مبتلا به بیماری های تهدید کننده حیات.....
- ۶۲۹..... بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک سل در ایران.....
- ۶۳۰..... Short and long-term myocardial infarction Survival rate: a study using national registry data in 2013-2014.....
- ۶۳۱..... بررسی اپیدمیولوژیک سرطان های دستگاه گوارش ؛ میزان بروز -مرگ و میر - بقاء و عوامل خطر.....
- ۶۳۲..... شناسایی فاکتورهای تنش زای واحد مراقبت ویژه نوزادان و میزان استرس زایی آنها از دیدگاه مادران دارای نوزاد بستری در سال ۱۳۹۴.....
- ۶۳۳..... Tehran, Iran An Observational Study of Child Safety Seat Use in an International Safe Community:
- ۶۳۴..... بررسی عوامل موثر بر زخم پای دیابتیک.....
- ۶۳۵..... بررسی عوامل خطر سرطان پستان.....
- Efficacy of miltefosine in comparison with glucantime for treatment Cutaneous leishmaniasis: a systematic review and meta-analyses.....
- ۶۳۶.....
- ۶۳۷..... فراوانی دیابت بارداری در زنان مراجعه کننده به بیمارستان علوی شهر اردبیل ۱۳۹۶.....
- ۶۳۸..... بررسی ۷ ساله خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.....
- ۶۳۹..... تعیین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد پرسنل بیمارستان خاتم الانبیا ابر کوه در رابطه با پیشگیری از عفونت های بیمارستانی در سال ۱۳۹۶.....
- ۶۴۰..... کیفیت زندگی افراد مبتلا به هموفیلی و عوامل مرتبط با آن- یک مطالعه مروری.....
- ۶۴۱..... مروری بر ابزار اندازه گیری کیفیت زندگی مخصوص بیماران هموفیلی.....
- ۶۴۲..... مروری بر تاثیر بلایای طبیعی بر اختلالات روانی در ایران.....
- ۶۴۳..... بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در دهمین همایش دانشجویی تازه های علوم پزشکی در سال ۹۶.....
- ۶۴۴..... شیوع افسردگی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (MS): یک مطالعه مروری.....
- ۶۴۵..... Correlates of Diabetes in Elderly Population.....

- تاثیر خشونت بر کیفیت زندگی زنان سالمند شهر شیراز ۶۴۶
- عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری برای اهداء عضو در خانواده بیماران دچار مرگ مغزی؛ بررسی در جمعیت ایرانی ۶۴۷
- Maternal Factors and the Infants with Cleft Lip and Cleft Palate: a Case-Control Study ۶۴۸
- Guideline adherence of physicians to treatment brucellosis: Tehran - 2018 ۶۴۹
- پیش‌بینی بروز موارد تب مالت شهرستان قوچان در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ با استفاده از تحلیل‌های سری زمانی ۶۵۰
- Geographical distribution of death due to cancer in Kerman province, Southeast Iran (2012-2016): A comparison of proportional mortality and age-adjusted mortality rate ۶۵۱
- تاثیر ۱۲ هفته تمرین هوازی در نوبت‌های صبح و عصر بر ترکیب بدنی و مادران باردار و دو ماه پس از زایمان ۶۵۲
- تاثیر ۱۲ هفته تمرین هوازی دوران بارداری بر شاخص‌های هنگام تولد نوزادان و دو ماه پس از تولد ۶۵۳
- بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت بقا در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران ۶۵۴
- پوشش واکسیناسیون کودکان استان فارس، ۲۰۱۷: به اهداف برنامه جهانی واکسن تا ۲۰۲۰ دست یافتیم ۶۵۵
- شیوع نقایص روانشناختی در بیماران با آسیب‌های تروماتیک مغزی: مرور نظام‌مند ۶۵۶
- بررسی وضعیت تماس با دام و محصولات لبنی آن در بیماران مبتلا به تب مالت شهرستان جویین طی سال‌های ۹۶-۱۳۹۴ ۶۵۷
- تعیین عوامل خطر دیابت بارداری با استفاده از روش رگرسیون لجستیک ۶۵۸
- بررسی مصدومیت‌ها در کودکان زیر ۵ سال مراجعه‌کننده به اورژانس بیمارستان‌های کامیاب و طالقانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۵ ۶۵۹
- بررسی نقش محافظتی سیر در پیشگیری از سرطان پستان ۶۶۰
- Prevalence and risk factors for low birth weight in Rafsanjan, Iran; 2017 ۶۶۱
- بررسی شیوع آلودگی‌های انگلی (ژیاردیا و کرمک) و تنفسی در مهد کودک‌های شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۶ ۶۶۲
- بررسی عوامل مؤثر بر تاخیر در تشخیص بیماری تب مالت در شمال و شمال غربی ایران ۶۶۳
- بررسی توزیع عوارض در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران ۶۶۴
- بررسی وضعیت بقا در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران ۶۶۵
- بررسی میزان استرس شغلی ماماها و عوامل مؤثر بر آن: مرور سیستماتیک ۶۶۶
- بررسی الگوی اپیدمیولوژیک علل و عواقب تصادفات جاده‌ای برون‌شهری شهرستان رفسنجان در سال‌های ۹۴-۱۳۹۰ ۶۶۷
- بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک لیشمایوز جلدی (سالک) در سطح شهرستان جویین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۳ ۶۶۸
- بررسی الگوی توزیع فصلی زایمان زودرس در شهرستان اردبیل ۶۶۹
- بررسی تاثیر موسیقی درمانی بر میزان درد و اضطراب عمل جراحی ۶۷۰
- Patterns of clustering of the metabolic syndrome components and its association with coronary heart disease in the Multi-Ethnic Study of Atherosclerosis (MESA): A Latent Class Analysis ۶۷۱
- بررسی اپیدمیولوژی عفونت‌های بیمارستانی در ایران ۶۷۲
- بررسی اپیدمیولوژیک افسردگی پس از زایمان مادران ایرانی: یک مرور سیستماتیک ۶۷۳
- بررسی اپیدمیولوژی توصیفی عوارض نامطلوب متعاقب ایمن‌سازی (AEFIs) طی سال‌های ۹۳ تا ۹۵ در شهرستان خلیل‌آباد ۶۷۴
- بررسی تاثیر مدل توانبخشی چند بعدی بر فشار بار مراقبتی مراقبین بیماران مبتلا به سکته مغزی شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۲ ۶۷۵

- ۶۷۶..... بررسی اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی در یک دوره سه ساله (۹۵-۱۳۹۳) در شهرستان گنبد کاووس
- ۶۷۷..... اپیدمیولوژی زلزله در جریان حادثه زلزله کرمانشاه
- ۶۷۸..... اپیدمیولوژی تب خونریزی دهنده کریمه کنگو و عوامل خطر آن: مطالعه مروری
- Prevalence and some Determinant Factors of Anemia among Children Aged 6–12 Months after starting the iron supplement
۶۷۹.....in the East of Iran, 2016
- The prevalence & Epidemiological study of cutaneous leishmaniasis in northwest of Iran- Ardabil province during 2012–2016
۶۸۰.....
- ۶۸۱..... بررسی اپیدمیولوژیک بیماری تب مالت در شهرستان جویین از سال ۹۶-۱۳۹۴
- ۶۸۲..... بررسی ارتباط بین نمایه التهابی رژیم غذایی با بیماری های کاردیومتابولیک و عوامل خطر آن: مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز
- ۶۸۳..... بررسی اثر وزن هنگام تولد با چاقی و اضافه وزن دانش آموزان پایه اول دبستان-یک مطالعه مورد شاهدهی
- ۶۸۴..... Psychosocial factors and Risk of hard cardiovascular disease: The Multi-Ethnic Study of Atherosclerosis (MESA)
- ۶۸۵..... بررسی اپیدمیولوژی سرطان کولورکتال در ایران و جهان
- ۶۸۶..... بررسی ارتباط زایمان زودرس با فراسنج های اقلیمی در شهرستان اردبیل



بررسی شاخص های مهندسی بهداشت حرفه ای در کارگاه های زیر بیست نفر ملک شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶

شراره آزادیان؛ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، معاونت فناوری و پژوهش، اصفهان، ایران.

شیمای آزادیان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی مرو دشت فارس، ایران

زمینه و هدف: امروزه توجه مهندسين بهداشت حرفه ای به رفع مسائل بهداشتی و کنترل عوامل زیان آور بیش از پیش معطوف گشته است و آنها در تلاش برای کاهش صدمات شغلی هستند. کارگاههای کوچک در معرض خطرات بیشتری هستند و نیاز به مراقبت افزون تری دارند. در استان اصفهان ۱۸۰۰۰ کارگاه شناسایی شده وجود دارد که تقریباً ۹۷,۶٪ آنها را کارگاههای زیر بیست نفر شاغل تشکیل می‌دهند. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت کارگاه‌ها از حیث مواجهه شغلی با عوامل زیان آور فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی و ارگونومیکی است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۶ از بین کارگاه های شناسایی شده در ملک شهر اصفهان انجام شد که حدود ۷۰٪ کارگاه ها که بالغ بر ۱۲۰۰ کارگاه کوچک زیر بیست نفر است توسط بازرسان با استفاده از چک لیست بازرسی طبق فرمت مصوب وزارت بهداشت بازدید گردید. برای گردآوری داده ها از آمار و گزارشات بازرسان استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک نرم افزارهای Excel و Spss انجام شد.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که ۷۰,۱۸٪ شاغلین در معرض عوامل شیمیایی محیط کار بودند و ۵۵,۹۰٪ دارای وضعیت نامناسب بدنی حین انجام کار بودند و ۳۰,۰۵٪ در معرض سروصدای بالاتر از حد مجاز قرار داشتند. ۶,۲٪ از شاغلین در معرض ارتعاش، ۶,۲۷٪ در معرض روشنایی نامناسب محیط کار، ۲۱,۳٪ در معرض پرتوهای زیان آور IR و UV، ۲,۲٪ در مواجهه با استرس حرارتی، ۲,۰۶٪ در معرض عوامل بیولوژیکی زیان آور محیط کار، ۲,۳۹٪ استفاده از ابزار کار نامناسب و ۳۶,۴۱٪ حمل بار بیش از حد مجاز داشتند.

نتیجه گیری: دو عامل زیان آور مطرح در اکثر کارگاههای کوچک شامل عوامل زیان آور شیمیایی و ارگونومیکی بودند. علاوه بر این برنامه ریزی جهت توانمند سازی شاغلین از طریق آموزش، مشاوره، بهبود تسهیلات محیط کار، اندازه گیری عوامل زیان آور و اصلاح چک لیستهای بازرسی، راه‌اندازی آموزشگاه ها و ارائه خدمات بهداشتی فراگیر و غیره از جمله مواردی هستند که نیاز به توجه بیشتری دارند.

واژگان کلیدی: عوامل زیان آور، مواجهه شغلی، آموزش، شاخص ها



ارزیابی ریسک حریق بازار اصلی بندر دیر به روش FRAME

علی امینی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
alidrdna8@gmail.com

زمینه و هدف: وقوع حریق در فروشگاه‌ها و مراکز خرید سبب ایجاد خسارات فراوان مالی و جانی می‌شود. ارزیابی ریسک حریق روش مناسبی جهت آماده‌سازی های ایمنی و پیشگیری از وقوع حادثه و همچنین آمادگی جهت اقدامات لازم در هنگام وقوع و همچنین پس از حادثه می‌باشد. لذا در این پژوهش جهت دستیابی به این هدف مهم از روش ارزیابی مهندسی ریسک حریق (FRAME) جهت بازار اصلی شهر استفاده شده است.

مواد و روش‌ها: این بررسی به صورت مقطعی در بازار اصلی بندر دیر، استان بوشهر با انتخاب تصادفی ۵۰ فروشگاه و مرکز خرید توسط بازدید های میدانی، چک لیست و روش ارزیابی مهندسی ریسک حریق (FRAME) انجام پذیرفت. نتایج توسط نرم افزار FRAME و اکسل و فرمول های مربوطه محاسبه شده است.

نتایج: در این بررسی ۵۰ فروشگاه و مرکز خرید از بازار اصلی بندر دیر مورد ارزیابی قرار گرفت که میانگین جمعی مقدار سطح ریسک حریق برای ساختمان ها (۳,۹۸) و فعالیت‌ها (۱,۹۲) می‌باشد.

نتیجه گیری: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سطح ایمنی ساختمان ها، فعالیت ها حداقل ممکن است و از آنجا که در هیچکدام از فروشگاه ها سیستم خود کار اطفاء حریق وجود ندارد و ۸۰ درصد از اماکن فاقد خاموش کننده های دستی می‌باشند لازم است هر چه سریع تر جهت تجهیز اماکن به سیستم های اطفاء حریق خودکار و خاموش کننده های دستی و آموزش های لازم به افراد اقدام شود. از آنجا که این بازار محل اصلی تجارت کالاهای وارداتی است و همه روزه جمعیت زیادی به این محل مراجعه می‌کنند لازم است علاوه بر خود مردم، مسئولین و سازمان های مربوطه نیز اقدامات تصحیحی را انجام دهند.

واژگان کلیدی: ارزیابی، ریسک، حریق، بازار اصلی، FRAME



بررسی توان عملیاتی و پشتیبانی ایستگاه های آتش نشانی شهرستان دیر در سال

۹۶

علی امینی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای ، دانشکده بهداشت ، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
alidrdna8@gmail.com

زمینه و هدف : شهرستان دیر با بیش از ۶۰ هزار نفر جمعیت و ۶ شهر از لحاظ ریسک آتش سوزی دارای اهمیت می باشد و لازم است قوای آتش نشانی شهرستان از لحاظ پرسنل و تجهیزات بررسی شود تا در صورت وجود نقص و کمبود نسب به رفع و تجهیز آن ها اقدام شود.

مواد و روش ها: در این بررسی مقطعی- توصیفی - آماری ۶ ایستگاه آتش نشانی در سطح شهرستان از طریق روش های مصاحبه ، بازدید میدانی و پرسشنامه مورد پایش و ثبت اطلاعات قرار گرفت.

نتایج: در این بررسی لیست اقلام و تجهیزات و تعداد پرسنل هر ایستگاه از طریق بازدید میدانی و لیست های ارائه شده توسط هر ایستگاه آتش نشانی ثبت شد. در هر شهر یک ایستگاه آتش نشانی مستقر است که بندر دیر در حال احداث دومین ایستگاه نیز می باشد و همچنین دارای ۳ خودرو سنگین و ۱ خودرو نیمه سنگین و ۱ خودروی سبک و ۱ موتورسیکلت و ۹۳ نوع تجهیزات در مجموع ۵۳۷ قلم وسیله و همچنین ۱۰ نفر پرسنل عملیاتی می باشد و سایر شهر ها هر ایستگاه دارای ۲ خودرو سنگین و ۱ خودرو نیمه سنگین و ۶ نفر پرسنل و به طور میانگین ۴۲۵ قلم وسیله می باشند.

نتیجه گیری: در تطابق نتایج به دست آمده از پایش با استاندارد های سازمان آتش نشانی چنین نتیجه حاصل می شود که شهرستان دیر از لحاظ قوای آتش نشانی در سطح مطلوبی قرار دارد ولی همچنان نیاز به بروز رسانی در برخی تجهیزات و آموزش پرسنل مشاهده می شود.

واژگان کلیدی: بررسی، توان، عملیاتی، آتش نشانی، شهرستان دیر



بررسی وضعیت استقرار سیستم HSE در رستوران های طبقه شاندیز در سال

۱۳۹۶

محمد حسن کوثری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

فرزانه زمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش محیط زیست دانشگاه پیام نور واحد جنوب تهران

مهدی احمد؛ دانشجوی دکتری مهندسی محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

زمینه و هدف : سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) امروزه بطور جامع به منظور کاهش حوادث، ایجاد محیطی ایمن و افزایش بهره وری کارکنان در محیط های کاری بکار گرفته می شود. هدف از این پژوهش بررسی وضعیت سیستم HSE در محیط کار رستوران های شهرستان طبقه شاندیز می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی به منظور بررسی وضعیت سیستم HSE در محیط کار رستوران های شهرستان طبقه شاندیز انجام گرفته است، در این راستا ۲۵ رستوران با درجه های مختلف بهداشتی بصورت تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات به وسیله ی یک چک لیست جمع آوری گردید که با توجه به مواد مربوط به فصل ۴۱ ماده ۴۹ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و ماده های ۹۱ و ۱۵۶ قانون کار تهیه شده است.

نتایج: در ۸۰٪ از مجموعه های مورد بررسی هیچکدام از شاغلین، معاینات شغلی را انجام نداده اند؛ بنابراین فرسودگی شغلی در شاغلین را نمی توان مورد بررسی قرار داد. در ۴۰٪ از مجموعه های مورد بررسی تنها بیشتر از نیمی از شاغلین دست اندکار شستشوی ظروف هنگام کار از پیش بند ضد آب استفاده می کنند. در تمامی مجموعه های مورد بررسی حمل دستی بار بصورت نامناسب انجام می شود و برگه ایمنی مواد شیمیایی (MSDS) تهیه شده و مواد شیمیایی برچسب گذاری نشده است.

نتیجه گیری : بنابراین با توجه به نتایج حاصل از مطالعه و همچنین با توجه به تعداد زیاد شاغلین در رستوران ها لازم می باشد، اقدام به تاسیس یک مرکز آموزشی در زمینه ارائه راهکارها و آموزش مدیریت ایمنی و محیط رستوران ها و همچنین دیگر مشاغل به جهت جلوگیری از مخاطرات بهداشتی در شهرستان اقدام نمود و با توجه به ارتباط بیماری روماتیسم و مفصلی در دراز مدت در شاغلین رستوران ها، نیازمند آموزش های بیشتر می باشد.

واژگان کلیدی : HSE رستوران، آموزش



ارائه یک مدل رگرسیونی برای ارزیابی عملکردهای ریوی شاغلین یک صنعت ساختمان سازی

زهرا بیگ زاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مهران پور حسین؛ دانشجوی P.H.D، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
سجاد سمیعی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
رضا پوربابکی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
بهمن پور حسن؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

حامد معتمدی نژاد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
Pourhassanb@gmail.com

زمینه و هدف : صنعت ساخت و ساز نقش مهمی در رشد اقتصادی یک ملت ایفا می کند و در میان مشاغل مختلف، این صنعت از لحاظ مواجهه با ریسک فاکتورهای گوناگون من جمله آلاینده های شیمیایی مختلف، یکی از خطرناک ترین صنایع در جهان به شمار می رود. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی ظرفیت تنفسی تعدادی از کارکنان مشاغل مختلف در کارگاه های ساختمان سازی شهر تهران با استفاده از آزمون های اسپیرومتری جهت تعیین و ارزیابی ظرفیت های تنفسی افراد و ارائه یک مدل رگرسیون جهت بررسی ارتباط حجم های ریوی و نوع شغل، سابقه کار و مصرف دخانیات بوده است.

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع مقطعی- توصیفی بوده و در سال ۱۳۹۶ به منظور بررسی حجم های ریوی ۶۲۸ نفر از کارکنان ساختمانی شهر تهران با استفاده از آزمون اسپیرومتری انجام گرفت. پس از جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با کمک آزمون های آماری تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون همبستگی انجام گرفت. میزان تاثیر متغیرهای تاثیرگذار بر متغیرهای عملکرد ریه نیز با رگرسیون خطی چندگانه Backward مشخص شد.

نتایج : باتوجه به نتایج این مطالعه، ارتباط معنی داری بین متغیر سن و سابقه کار با شاخص های عملکردی ریوی (FEV_1 , FVC ، $FEF_{25-75\%}$ و FEV_1/FVC) یافت گردید ($p\text{-value} < 0.001$). میانگین $FEV_1/FVC\%$ در بین گروه های مختلف شغلی اختلاف معنی داری داشت ($p\text{-value} < 0.001$). در تحلیل یافته های آزمون عملکردی ریوی با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه، برای هر کدام از عملکردهای ریوی به صورت جداگانه مدل سازی صورت گرفت و متغیرهای مستقل سن، سابقه کار، نوع شغل و اعتیاد به سیگار وارد مدل شدند.

نتیجه گیری : مطالعه حاضر نشان دهنده این امر می باشد که افراد شاغل در صنعت ساختمان سازی با تغییر قابل توجهی در پارامترهای عملکرد ریوی مواجه بوده و احتمال ابتلا به اختلالات ریوی در آن ها بالاست .

واژگان کلیدی : اسپیرومتری، ساختمان سازی، مدل رگرسیون، FEV_1 ، FEV_1/FVC ، FVC



روش‌های آنترپومتری (سنتی، فتوگرامتری دوبعدی و سه بعدی): مزایا و معایب

مرضیه ایزدی لای بیدی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

اعظم ملکی قهفرخی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

amaleki@tbzmed.ac.ir

مقدمه: آنترپومتری از اجزاء علم ارگونومی است که در طراحی و حصول تطابق فیزیکی بین کاربر و محصول کمک می‌کند. سه روش آنترپومتری، سنتی (دستی)، فتوگرامتری دوبعدی و سه بعدی (هالوگرافی) هستند که هر کدام مزایا و معایبی دارند. این مطالعه‌ی مروری به مقایسه و بررسی مزایا و معایب هر یک از روش‌ها پرداخته است.

روش کار: در این مطالعه، پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Science Direct و Google Scholar با واژگان آنترپومتری و روش، سنتی، دستی، فتوگرامتری دو و سه بعدی، هالوگرافی بدون محدودیت زمانی تا سال ۲۰۱۷ به صورت جامع بررسی شد. **یافته‌ها:** آنترپومتری سنتی ساده و کم‌هزینه اما زمان‌بر بوده و نیازمند مهارت آزمونگر است؛ ممکن است برای بیماران یا کودکان مناسب نباشد و طراحی‌های بر اساس این روش، عموماً کاملاً فیت نیستند. از طرفی، اندازه‌گیری بعضی مناطق نظیر اطراف چشم باعث ناراحتی فرد شده و به دلیل فشار ابزار روی بافت نرم، دارای خطا می‌باشد. فتوگرامتری به عنوان راه جای‌گزین از طریق روش‌های دو و سه بعدی به کار می‌رود. تکنولوژی‌های اندازه‌گیری غیرتماسی مثل عکس برداری، اسکن لیزری، CT اسکن و علم پردازش تصویر توسط نرم‌افزارهای کامپیوتری، توسعه پیدا کرده‌اند. غیرتهاجمی بودن، کاهش زمان آزمون و خستگی کاربر و امکان نگهداری عکس جهت تحلیل‌های آتی از ویژگی‌های این روش‌هاست. لمس و دانش آناتومی سطحی جهت تعیین نقاط راهنما و مشکل در اندازه‌گیری انحناها و ابعاد اجسام سه بعدی نظیر صورت از ویژگی‌های فتوگرامتری دوبعدی است. در فتوگرامتری سه بعدی، تصاویر به صورت اجزاء مجازی سه بعدی درمی‌آیند. هزینه‌ی این روش بالاتر بوده اما کاهش زمان اندازه‌گیری و خطای حاصل از فشار ابزار روی بافت و افزایش همکاری آزمون‌شونده را به دنبال دارد. مطالعات مقایسه‌ای گویای دقت قابل قبول هر سه روش هستند.

نتیجه‌گیری: جداول آنترپومتریکی موجود (استفاده از صدک‌ها) جهت طراحی‌ها ناکافی هستند. با توجه به اینکه در اغلب طراحی‌ها، اندازه‌گیری‌های چندگانه‌ی بدن مطرح هستند، استفاده گسترده‌تر از فتوگرامتری سه بعدی جهت طراحی محصول مخصوصاً تجهیزات حفاظت فردی جهت ایرانیان با توجه به تفاوت ابعادی به دلیل قومیت متفاوت با دیگر افراد دنیا توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: آنترپومتری سنتی، فتوگرامتری دوبعدی، فتوگرامتری سه بعدی



ارزیابی صدای محیط کار و میزان مواجهه فردی در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور در سال ۱۳۹۶

فرشته جهانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز jahani.f71@gmail.com

زینب موسویان اصل؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. اهواز. ایران.

مقدمه: مواجهه با صدا و افت شنوایی ناشی از آن یکی از معضلات اساسی در صنایع، به خصوص صنعت سیمان است و مطابق آمار جهانی همبستگی قابل ملاحظه ای میان آسیب شنوایی و در ارتباط با میزان صدا و مدت کار وجود دارد. بنابراین برای افزایش بهره وری کار و همچنین کاهش اثرات ناشی از صدا مطالعه حاضر به منظور بررسی آلودگی صوتی در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور انجام گرفت.

روش کار: مطالعه تحلیلی-مقطعی حاضر در سال ۱۳۹۶ و در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور انجام شد. تمامی واحدهای عملیاتی صنعت جهت صدا سنجی انتخاب شدند. صدای محیط کار ناشی از تجهیزات و وسایل فرایندی در ۳ واحد عملیاتی پخت، آسیاب مواد، آسیاب سیمان به ترتیب در ۳۴، ۷۵ و ۲۷۹ ایستگاه و همچنین در ۴۶ ایستگاه واحد تاسیسات و ۵۰ ایستگاه کارگاه ساخت با استفاده از دستگاه ترازسنج فشار صوت مدل Kimo فرانسه اندازه گیری شد. مواجهه فردی ۲۱ نفر از کارکنان با سر و صدای ناشی از تجهیزات نیز بررسی گردید.

یافته ها: تراز فشار صوت در ۸۲/۵۸ درصد ایستگاه های واحد پخت بیشتر از ۸۵ dB بود. در واحد آسیاب مواد از ۷۵ ایستگاه اندازه گیری شده ۱۰۰ درصد تراز فشار صوت بیشتر از ۸۵ dB و در ناحیه خطر قرار داشتند همچنین بررسی واحد تاسیسات و کارگاه ساخت نشان داد به ترتیب در ۷۸/۳۴ و ۸۷/۶۴ درصد ایستگاه ها در این موقعیت قرار دارند. تراز فشار صوت واحد آسیاب سیمان نیز تنها در ۱۳/۳۵ درصد ایستگاه ها کمتر از ۸۵ dB بوده است. بررسی مواجهه فردی در ۸۶/۴۲ درصد افراد دارای دز مواجهه بیشتر از ۱۰۰ درصد می باشند.

نتیجه گیری: یافته ها نشان میدهد که در اکثر واحدهای کاری این صنعت آلودگی صوتی میزان بالایی داشته که نیازمند اقدامات مهندسی فوری جهت کنترل صدا به میزان استاندارد و حفظ سلامت کارگران شاغل در نواحی با میزان تراز فشار صوت بالا می باشد.



ارزیابی عوامل خطر و شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در کارکنان بیمارستان لقمان حکیم تهران با استفاده از روش REBA

مریم فرجی ثانی؛ دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مریم مرادنژاد؛ کارشناس بهداشت، مرکز بهداشت واحد تهران جنوب

مقدمه: یکی از شایع‌ترین آسیب‌های شغلی در کشورهای در حال توسعه اختلالات اسکلتی عضلانی می‌باشد که عواقب قابل توجهی از نظر اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند. احتمال بروز اختلالات اسکلتی عضلانی در برخی از مشاغل از جمله پرسنل درمانی بیشتر از سایر مشاغل می‌باشد که این اختلال می‌تواند بر کیفیت خدمات ارائه شده به بیماران اثر سوء بگذارد.

روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی، در سال ۱۳۹۶ بین ۲۲۱ نفر از کارکنان بیمارستان لقمان حکیم تهران انجام گرفت. شیوع ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی با استفاده از پرسشنامه نوردیک و ارزیابی ارگونومیکی وضعیت پوسچر کاری توسط روش REBA انجام گرفت. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از ۲۲۱ نفر شرکت کننده در مطالعه، تعداد ۹۶ نفر آقا (۴۳ درصد) و ۱۲۵ نفر خانم (۵۶ درصد) بودند. میانگین سنی افراد $34 \pm 8/4$ سال و میانگین سابقه کاری افراد $7/00 \pm 9/00$ سال می‌باشد. بیشترین شیوع ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی در ناحیه کمر (۵۹ درصد)، زانو (۵۰ درصد) و گردن (۴۵ درصد) بود. بر اساس امتیاز REBA، حدود ۲۱/۲۶ درصد از وظایف نیاز به اصلاحات ضروری، ۲۹ درصد وظایف نیاز به اصلاحات هر چه زودتر و ۴۸ درصد وظایف نیاز به اصلاحات به صورت آنی بود. شیوع ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی با جنس، سن، سابقه کار و نوع فعالیت کاری ارتباط معنی داری داشت.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد شیوع مشکلات اسکلتی عضلانی در تمامی رده‌های پرسنل درمانی بالا بوده است که اکثریت وظایف کاری نیاز به اصلاح دارد، دلیل اصلی آن را حجم زیاد کار این پرسنل میتوان بیان کرد که اقداماتی چون اصلاح ارتفاع سطح کاری، آموزش پرسنل، وجود استراحت‌های کاری، ورزش و تمرینات مناسب ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی، بیمارستان، ارزیابی، روش REBA



تأثیر استرس شغلی بر میزان بروز بیماری های قلبی - عروقی : مروری سیستماتیک

مرضیه السادات صالحی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

لاله قریشوندی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

الهه توسلی؛ استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد،

ایران

مقدمه: استرس شغلی نتیجه ی فرآیند کار و یا عوامل محیط کار است که منجر به بیماری های جسمی مانند بیماری های قلبی عروقی میشود. استرس شغلی یکی از پنج خطر اصلی در محیط های کاری در کنار خطرات فیزیکی، شیمیایی، ارگونومیک و بیولوژیکی میباشد. هدف از این مطالعه، مروری بر مطالعات انجام گرفته در زمینه تاثیر استرس شغلی بر میزان بروز بیماری های قلبی عروقی میباشد.

روش کار: در این مطالعه مروری ۳۸ مقاله با کلید واژه های فارسی " استرس شغلی، تأثیر، بروز، بیماری قلبی عروقی " و کلید واژه های انگلیسی " Occupational stress, effects, incidence, cardiovascular disease " در پایگاه های جستجوی معتبر داخلی و خارجی " sid, google scholar, medline, pub med " به دست آمد که بعد از حذف مقالات تکراری و بی ارتباط، ۱۰ مقاله مرتبط بررسی شد.

یافته ها: استرس شغلی در سه حالت کلی روانی، جسمانی و رفتاری پدیدار میشود که از نشانه های جسمانی آن میتوان به بیماری های قلبی عروقی، بیماری های تنفسی و گوارشی اشاره کرد. همچنین فاکتورهای کاری سایکولوژیک از جمله استرس شغلی به میزان قابل توجهی با ریسک فاکتورهای بیماری های قلبی عروقی مرتبط هستند. نقش عوامل استرس زا در ایجاد عوارض ناشی از بیماری های قلبی، بحث قابل توجهی است. عوامل استرس زای کاری مانند فشار کاری و ساعت کار طولانی با بیماری قلبی عروقی و سکنه ی مغزی ارتباط دارد. استرس عملکرد طبیعی هیپوفیز و هیپوتالاموس را مختل میکند و در نتیجه افزایش هورمون کورتیزول و آدرنالین را به دنبال دارد که در نهایت منجر به ایسکمی عروق کرونر میگردد.

نتیجه گیری : استرس در ایجاد بیشتر بیماریها نقش دارد و همچنین استرس شغلی ریسک فاکتور بیماری های قلبی بوده و میزان ابتلا به بیماریهای کرونر قلب را افزایش می دهد. استرس باعث افزایش آدرنالین، نورآدرنالین، کورتیزول، فشارخون، دمای پوست، فیبرینوژن و ... می شود که این فاکتور ها در بروز بیماری های قلبی نقش دارند هرچند که بروز ایم بیماری به موقعیت تنش زا و میزان استرس نیز بستگی دارد و نمیتوان گفت استرس به خودیه خود منجر به بروز بیماری های قلبی عروقی می شود. لذا پیشنهاد میشود تحقیقات بیشتری راجع به این موضوع انجام شود.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، تأثیر، بروز، بیماری قلبی عروقی



ارائه روشی برای مدل سازی پیامد نشت آمونیاک و تدوین برنامه واکنش در شرایط اضطراری در یک مجتمع پتروشیمی

فرشته جهانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز jahani.f71@gmail.com

زینب موسویان اصل؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مقدمه: سالانه حوادث زیادی جوامع صنعتی به خصوص صنایع نفت، گاز و پتروشیمی را در معرض خطر قرار داده است و سبب وارد نمودن خسارات بسیاری به محیط زیست، تجهیزات و منابع انسانی می گردد. فعالیت های صنعتی، بخشی از تلاش انسان برای رسیدن به رفاه و آسایش بیش تر است، نشت مواد سمی در صنایع فرایندی و شیمیایی امری محتمل است که همواره یکی از عوامل تهدیدکننده افراد شاغل و ساکنین اطراف این صنایع است. بنابراین هدف از انجام این پژوهش مدل سازی پیامد نشت آمونیاک از مخازن آمونیاک و تدوین برنامه واکنش در شرایط اضطراری در یکی از صنایع فرایندی می باشد.

روش کار: در مطالعه حاضر نحوه انتشار مایع آمونیاک از مخزن ذخیره سازی در یکی از صنایع پتروشیمی بررسی و با استفاده از نرم افزار ALOHA مدل سازی شد. این پژوهش براساس سه سناریو مدل سازی شد: ۱. مدل سازی تشکیل ابر بخار سمی ۲. مدل سازی محیط قابل اشتعال ۳. مدل سازی محیط انفجار ابر بخار سمی

یافته ها: بر اساس نتایج حاصل از این مدل سازی تا حدود ۵ کیلومتر اطراف مخزن (محدوده قرمز رنگ) غلظت آمونیاک 1100 ppm می باشد. از این منطقه تا حدود ۱۰ کیلومتر اطراف مخزن (محدوده نارنجی) غلظت ابر بخار آمونیاک 160 ppm می باشد. در صورت نشت کامل آمونیاک از مخزن تا فاصله ۵۰۰ متری مخزن غلظت آمونیاک 90000 ppm می باشد که حدود ۶۰٪ حداقل غلظت قابل اشتعال گاز آمونیاک و تا حدود ۱/۷ کیلومتری مخزن غلظت آمونیاک 15000 ppm می باشد که حدود ۱۰٪ حداقل غلظت قابل اشتعال گاز آمونیاک است. در صورت انفجار ابر بخار تشکیل شده فشار موج انفجار تا فاصله حدود ۷۰۰ متری از مخزن برابر ۸ Psi می باشد که می تواند باعث آسیب جدی ساختمان ها گردد.

نتیجه گیری: این مدل می تواند محدوده خطر را برای انجام اقدامات لازم جهت مقابله با شرایط اضطراری را تعیین کند و همچنین تهیه طرح واکنش در شرایط اضطراری نقش مؤثری در محدود نمودن اثرات زیان بار انتشار مواد سمی و خطرناک خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مدل سازی، ارزیابی ریسک، آمونیاک، پتروشیمی، ALOHA



مطالعه تاثیر اختلالات اسکلتی عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران

زهرا خنیفري؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

داوود افشاري؛ استادیار گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده ای بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مقدمه: اختلالات اسکلتی عضلانی یکی از شایع ترین مسائل شغلی در جامعه امروز است که علت غیبت از کار و اختلال عملکردی کارکنان در محیط شغلی نیز می باشد، به خصوص در حرفه ای پرستاری که بیشترین ارتباط و نقش را در دادن خدمات درمانی به افراد جامعه را دارا است. میتواند عامل مهمی در کاهش بهره وری و کیفیت زندگی پرستاران باشد. گاهی این عوامل سبب نارضایتی پرستاران، ترک شغل و نارضایتی مراجعہ کنندگان از کیفیت عملکرد پرستاران می شود. مطالعه ای حاضر با هدف شناسایی اثر اختلالات اسکلتی عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران انجام شده است.

روش کار: این مطالعه با جستجو در موتور جستجوی Google scholar و پایگاه های اطلاعاتی Magiran، SID و Elmnnet با کلید واژه های پرستاران، اختلالات اسکلتی-عضلانی، کیفیت زندگی طی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ انجام شده است. در این مطالعه از مقالات پژوهشی و توصیفی-مقطعی بهره گرفته شده است.

یافته ها: مطالعات نشان می دهند که ۶۲/۷۱ تا ۸۷ درصد اختلالات اسکلتی-عضلانی مربوط به دردهای مزمن در ناحیه فوقانی بدن می باشند، همچنین در پرسنل پرستاری به دلیل ایستادن های طولانی مدت، فعالیت هایی از قبیل جابجا کردن بیمار، تغییر مداوم وضعیت بیمار از حالت نشسته به ایستاده و فشردگی در شیفت های کاری شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی نسبت به دیگر پرسنل بیشتر است. در بررسی های انجام شده ۵۰ درصد افراد مبتلا به اختلالات اسکلتی-عضلانی اثرات منفی کمر درد را بر روی زندگی خود ابراز کرده بودند که این امر حاکی از حاد بودن اثر اختلالات اسکلتی-عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران در مقایسه با افراد دیگر می باشد.

نتیجه گیری: مطالعات نشان دهنده ی تاثیر منفی اختلالات اسکلتی عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران هستند. برای جلوگیری از آسیب های اسکلتی عضلانی و ارتقاء سطح کیفیت زندگی پرستاران، ایجاد محیط مناسب جهت کاهش نیاز های فیزیکی و روان شناختی، آموزش مداوم پوسچر های کاری مناسب توسط طب کار، استفاده از ابزار استاندارد و ارگونومیک و کاهش وزن در صورت لزوم پیشنهاد شده است. همچنین انجام مطالعات گسترده تر در این زمینه توصیه می شود.

واژگان کلیدی: پرستاران، اختلالات اسکلتی-عضلانی، کیفیت زندگی



ارزیابی ریسک به روش PHA در یک صنعت تولید قند

فاطمه سلیمی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

زهرا شریفی؛ کارشناس ارشد ارگونومی، مربی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

مقدمه: امروزه، مدیریت ریسک بخشی محوری از مدیریت به شمار می‌رود. ارزیابی ریسک روش منطقی برای بررسی خطرهای که به شناسایی خطرهای و پیامدهای بالقوه آن‌ها روی افراد، مواد، تجهیزات و محیط می‌پردازد. هدف از اجرای این پژوهش، ارزیابی ریسک به روش PHA در یک صنعت تولید قند می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی، در میان روش‌های ارزیابی ریسک از روش PHA استفاده شد. اولین گام در راستای حذف خطرات، دسته بندی آنها به منظور شناسایی بهتر و در نتیجه انجام اقدام مناسب‌تر است. تمام خطرات شناسایی شده در فرم PHL یا لیست مقدماتی خطر وارد شد. بعد از تکمیل فرم PHL، شدت و احتمال ریسک تعیین و کد ارزیابی ریسک اولیه محاسبه شد. خطرات جزئی، حذف و مابقی خطرات وارد فرم PHA شد. بعد از مشخص شدن و اعمال اقدامات اصلاحی، ارزیابی ریسک مجدد صورت و کد ارزیابی ریسک ثانویه تعیین شد. مداخله اقدامات اصلاحی با توجه به پتانسیل‌های علمی، تکنولوژیکی، تجهیزاتی و مقدرات مالی صنعت بر حسب اولویت ارائه شد.

یافته ها: ۹۱ خطر شناسایی شد که از این میان، ۴۰/۴٪ غیر قابل قبول، ۸۱/۳٪ نامطلوب و ۱۴/۲۹٪ قابل قبول ولی با نیاز به تجدید نظر بودند. مخاطرات ارگونومیکی و فیزیکی بالاترین سطح ریسک را به خود اختصاص دادند. کد ارزیابی ریسک ثانویه، نسبت به کد ارزیابی ریسک اولیه، در اکثر موارد کاهش قابل ملاحظه ای را نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه PHA روشی نیمه کمی است، بنابراین اولویت بندی ریسک‌ها در این روش نیز به صورت کیفی است که برای شناسایی مناطق ایمنی بحرانی جهت ارزیابی و شناسایی خطرات مهم مورد استفاده واقع می‌شود. لیستی از خطرات غیر قابل چشم پوشی و یک ارزیابی از ریسک‌های باقی مانده پس از اعمال اقدامات پیشگیرانه فراهم شد که به بهبود وضعیت ایمنی و بهداشت در این صنعت، کمک نمود.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، روش PHA، صنعت تولید قند



تعیین روایی محتوایی پرسشنامه ی انگیزه ی ایمنی کارفرمایان با استفاده از

شاخص CVR

حسن اصیلیان مهابادی؛ دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران

لیلا ایمانی عباسی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

علی صفری واریانی؛ دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

قزوین، قزوین، ایران

مقدمه: محیط کار غیر ایمن میتواند باعث بیماری کارکنان و هزینه برای سازمان شود، همچنین غیبت کارکنان منجر به افزایش هزینه ها و از دست رفتن سرمایه انسانی، برای کارفرما خواهد شد. با این حال حوادث و بیماری ها هنوز هم مکررا اتفاق می افتد. در سال ۲۰۱۲، روزانه به طور متوسط ۱۳ کارگر در محیط کار خود کشته میشوند. یکی از دلایل اینکه چرا قوانین در محیط کار همیشه رعایت نمی شوند، عدم انگیزه نسبت به مسائل ایمنی است. انگیزه ای ایمنی تحت عنوان "اشتیاق فردی برای اعمال تلاش به منظور تصویب رفتارهای ایمن و ارزشهای مرتبط با این رفتارها" تعریف میشود. مطالعات آشکار کرده اند که انگیزه ی ایمنی به شدت توسط سرپرستی یا مدیریت و استانداردهای ایمنی سرپرستی یا مدیریت تعیین می شوند.

روش کار: برای این منظور نخست مطالعات مختلف انجام شده در زمینه انگیزه ایمنی مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله دوم پرسشنامه ی استفاده شده در مطالعه هدلاند و همکاران در سال ۲۰۱۰ ترجمه شد. به منظور تایید نظر متخصصین پرسشنامه ی ترجمه شده برای ۱۰ نفر از متخصصان ایمنی ارسال گردید و پس از دریافت نتایج تغییراتی در پرسشنامه اعمال گردید. در مرحله ی بعد جهت تعیین روایی، پرسشنامه برای ۱۲ نفر از اساتید ایمنی دانشگاه های کشور ارسال گردید؛ جهت محاسبه شاخص CVR از متخصصان خواسته شد تا هریک از سؤالات را بر اساس طیف سه بخشی لیکرت « گویه ضرورتی ندارد » و « گویه مفید است ولی ضروری نیست »، « گویه ضروری است » طبقه بندی کنند.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۱۳ سوال از ۳۵ سوال مربوط به پرسشنامه ی ترجمه شده ی مطالعه هدلاند و همکاران از نظر روایی محتوایی بالا بوده و در پرسشنامه ی نهایی بیان شدند. با توجه به جدول ارائه شده توسط لاوشه کمترین شاخص CVR برای سؤالات ۰،۶ و بیشترین مقدار ۰،۸۶ محاسبه گردید.

نتیجه گیری: برای سنجش انگیزه ایمنی کارفرمایان می بایست از یک ابزار قابل اعتماد استفاده نمود که با توجه به نتایج بدست آمده پرسشنامه ی مذکور برای استفاده در محیط های کاری روایی محتوایی قابل قبولی دارد.

واژگان کلیدی: انگیزه ایمنی، روایی محتوایی، شاخص CVR



ارزیابی اختلالات اسکلتی عضلانی کارکنان اداری مرکز بهداشت شرق اهواز به

روش ROSA

نجات امیری؛ گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

الهه درتاج؛ گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مقدمه: اختلالات اسکلتی - عضلانی از جمله بیماری‌های مرتبط با کار است که می‌تواند بسیار ناتوان کننده ظاهر شود و بر اساس تحقیقات انجام شده، عمده ترین عامل از دست رفتن زمان کار، افزایش هزینه‌ها و آسیب‌های انسانی نیروی کار می‌باشد. طبق بررسی انجام گرفته توسط سازمان بهداشت جهانی و مستندات ارایه شده از این سازمان در سال ۲۰۱۳ در بین بیماری‌های شغلی، آسیب‌های اسکلتی-عضلانی حدود ۴۸٪ کل بیماری‌های ناشی از کار و رتبه دوم را در رده بندی مشکلات مربوط به سلامتی به دست آوردند. هدف از این مطالعه تعیین ریسک فاکتورهای ارگونومی موثر در بروز اختلالات اسکلتی عضلانی کارکنان اداری مرکز بهداشت شرق اهواز با استفاده از روش ROSA و اطلاعات دموگرافیک می‌باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می‌باشد و بر روی ۴۵ نفر از کارکنان اداری مرکز بهداشت شرق اهواز به صورت سرشماری و با در نظر گرفتن معیارهای ورود به مطالعه داشتن همچون حداقل یک سال سابقه کار و حداقل ۳ ساعت کار با کامپیوتر در روز و معیارهای خروج از مطالعه همچون افراد دارای نقص مادرزادی، سابقه جراحی در ستون فقرات، آسیب اسکلتی عضلانی و مصرف هر گونه داروی مرتبط با اختلالات اسکلتی عضلانی انجام شد. داده‌های این مطالعه با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و روش ROSA جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS21 انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس سطح ریسک ROSA، ۲ نفر (۴,۴٪) در ناحیه سطح ریسک کم، ۳۰ نفر (۶۶,۷٪) در ناحیه سطح ریسک هشدار و ۱۳ نفر (۲۸,۹٪) در ناحیه خطر و ضرورت انجام مداخله ارگونومی قرار داشتند.

نتیجه گیری: به دلیل بالا بودن شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در کارکنان اداری مرکز بهداشت شرق اهواز، نیاز به مداخلات ارگونومیکی همچون: اصلاح ایستگاه‌های کاری، آموزش ارگونومی به پرسنل و برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط و کاهش ساعات کاری کار با کامپیوتر جهت کاهش اختلالات اسکلتی عضلانی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی عضلانی، کارکنان اداری، ROSA، اهواز



حذف فوتوکاتالیتیکی بخار تولوئن از هوا با استفاده از تلفیق کربن فعال و دی اکسید تیتانیوم

سمیرا کاظمی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

samira.kazemi.t@gmail.com

احمد نیک پی؛ دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: تولوئن، یکی از پرمصرفترین ترکیبات آلی فرار است و با توجه به اینکه در غلظت های بسیار کم نیز برای سلامتی انسانها و محیط زیست مضر است، کنترل آن قبل از انتشار به محیط زیست از الزامات قانونی صنایع است. لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر تلفیق کربن فعال با TiO_2 بر حذف بخار تولوئن از جریان هوا انجام گردید.

روش کار: در این مطالعه، کربن فعال و دی اکسید تیتانیوم به صورت تلفیقی و با روش غوطه وری بر روی پشم شیشه تثبیت شده و کارایی حذف فوتوکاتالیتیکی بخار تولوئن از جریان هوا در شرایط آزمایشگاهی طراحی شده توسط نرم افزار Minitab 17 و به روش RSM، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: بر اساس نتایج به دست آمده در محدوده غلظتی ۷ تا ۸ ppm ثانیه، راندمان حذف / و در زمان ماند ۲ تا ۵ تولوئن ۰۹ تا ۰۰ درصد به دست آمد که با افزایش غلظت اولیه تولوئن و کاهش زمان ماند آلاینده در بستر جذبی، راندمان حذف افزایش می یابد. همچنین نتایج نشان داد در شرایط عملیاتی بهینه، در غلظت ورودی ۶۴/۲ ppm و زمان ماند ۲ ثانیه درصد بود. **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد، فوتوکالیست تلفیقی در شرایط مورد مطالعه، دارای راندمان بالایی بوده و افزودن کربن فعال به دی اکسید تیتانیوم، روشی موثر و کاربردی برای حذف بخار تولوئن از هوا است.

واژگان کلیدی: دی اکسید تیتانیوم (TiO_2)، کربن فعال، اکسیداسیون فوتوکاتالیتیکی، ترکیبات آلی فرار



بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی کارکنان اداری دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

احسان آسیوندزاده؛ دانش آموز خسته کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه

علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مهناز صلیحی؛ دانشیار و متخصص آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات بهداشت کار، دانشگاه

علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زینب جمالی زاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی قزوین، قزوین، ایران

امین عبدالعلی پور؛ دانش آموز خسته کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی سمنان، سمنان، ایران

مقدمه: هر جامعه ای برای بقا و ارتقاء خود به کار و نیروی کار سالم نیازمند است. یکی از عوامل موثر بر سلامت کارکنان، رضایت ایشان از شغل می باشد. این مطالعه با هدف تعیین میزان رضایت شغلی کارکنان ستادی دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام شد.

روش کار: در این مطالعه ۵۵۰ نفر از کارکنان ستادی از واحدهای مختلف ستادی و دانشگاهی که راغب به شرکت در مطالعه بودند، به طور تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه مینهسوتا را تکمیل نمودند.

نتایج: میانگین و انحراف معیار نمره رضایت شغلی کارکنان مورد بررسی ۶۴ ANOVA یکطرفه نشان داد که سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت استخدام و جنس با نمره رضایت شغلی، ارتباط معنی دار دارد، در حالیکه بین سن و سابقه کاری با نمره رضایت شغلی ارتباط معنیداری دیده نشد.

نتیجه گیری: میزان رضایت شغلی در کارکنان مورد بررسی متوسط است و طراحی مداخلات ارتقایی در این زمینه ضروری است.

واژگان کلیدی: رضایت شغلی، کارکنان، پرسشنامه مینه سوتا



شناسایی، طبقه‌بندی و مدیریت پسماند سالن رنگ خودروسازی بر اساس قانون حفاظت و بازیافت منابع و کنوانسیون بازل

زهرا رضائی محمدی؛ کارشناسی ارشد کارشناسی ارشد HSE، شرکت تامین قطعات ایران خودرو (سپکو)

محمد مهدی حیدری؛ کارشناسی ارشد کارشناسی ارشد HSE، شرکت تامین قطعات ایران خودرو (سپکو)

مقدمه: مدیریت نامناسب پسماندهای صنعتی در سال‌های اخیر بحران‌های زیادی را در جوامع بشری به وجود آورده است. لجن تولید شده در صنایع خودروسازی نیز به علت وجود عناصر سنگین، توانایی آلودگی بالایی دارد و بر اساس دفع ناصحیح مشکلاتی را برای محیط زیست به بار می‌آورد. هدف از این مطالعه، طبقه‌بندی عناصر و ترکیبات موجود در لجن پسماند سالن رنگ این صنعت، بر اساس فهرست کنوانسیون بازل و قانون حفاظت و بازیافت منابع و ارائه پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی در خصوص بهبود مدیریت مواد زائد می‌باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی در یکی از سالن‌های رنگ شرکت خودروسازی صورت گرفته است. پس از شناسایی نوع پسماند و مقدار آن، طبقه‌بندی پسماندها بر اساس قانون حفاظت و بازیافت منابع و کنوانسیون بازل انجام شد و برنامه مدیریت پسماندهای صنعتی و بهداشتی جدید ارائه گردید.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد که یکی از پسماندهای صنعتی عمده تولیدی در سالن رنگ خودروسازی لجن حاصل از فرایند رنگ می‌باشد عناصر تشکیل دهنده این لجن دارای مقادیر بسیار زیادی از عناصر فلزی هستند که بر اساس طبقه‌بندی قانون حفاظت و اشتعال I و دو عنصر دیگر دارای کد T و بازیافت منابع، تمامی هشت عنصر فلزی برای محیط زیست سمی و دارای کد می‌باشند.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد پسماندهای حاصل از فرایند رنگ یکی از منابع اصلی آلودگی محیط زیست به شمار می‌رود و لذا مدیریت صحیح و اصولی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجائیکه بازیافت و استفاده مجدد از پسماند در راس مدیریت جامع پسماند می‌باشد، لذا توصیه می‌شود روش کمینه‌سازی و استفاده مجدد از پسماند لجن در اولویت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: صنایع خودروسازی، لجن رنگ، کنوانسیون بازل، قانون حفاظت و بازیافت منابع، مدیریت پسماند



ارگونومی مشارکتی: مروری بر شواهد و درس آموخته ها

فرین فاطمی؛ PHD سلامت در حوادث و بلایا، سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

زهرا رضائی محمدی؛ کارشناسی ارشد HSE، شرکت طراحی مهندسی و تامین قطعات ایران خودرو (سپکو)

مقدمه: ارگونومی مشارکتی به معنای مشارکت دادن فعال کارگران در توسعه و اجرای تغییرات در محیط کار با هدف بهبود بهره وری و کاهش خطرات ایمنی و بهداشتی می باشد. برنامه های ارگونومی مشارکتی شامل طراحی مجدد ایستگاه کار، وظایف شغلی و ابزار با هدف کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در جمعیت هدف است. ارگونومی مشارکتی به عنوان یک روش طراحی مجدد سیستم کار و در نتیجه یک تکنیک ماکروارگونومی محور نیز تلقی می گردد. هدف از اجرای این مطالعه، مروری بر اثربخشی برنامه های ارگونومی مشارکتی اجرا شده در صنایع گوناگون براساس شواهد موجود و مقایسه درس آموخته های حاصل از اجرای این برنامه ها با یکدیگر می باشد.

روش کار: این مطالعه مروری در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. پایگاه های اطلاعاتی Pubmed، Web of science، Springer و Scopus بر طبق سوال پژوهش تعیین شده در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۷ مورد جستجو قرار گرفتند. استراتی سرچ تعیین شده در تمام پایگاه های اطلاعاتی نام برده یکسان بود. در ابتدا ۵۷۰ مقاله وارد مطالعه شدند که نهایتاً بعد از مراحل غربالگری و انتخاب، ۱۸ مطالعه منتخب مورد آنالیز توصیفی و تحلیلی قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۶۷٪ از پژوهش ها ارتباط معناداری را بین اجرای برنامه ارگونومی مشارکتی و کاهش ریسک فاکتورهای ارگونومیک (پوسچر نامناسب؛ تکرار، اعمال نیروی زیاد) در محیط کار نشان داده اند. گرچه در ۲۲٪ از مطالعات نیز بین تغییرات انجام شده در قالب اجرای برنامه ارگونومی مشارکتی در محیط کار و پیامدهای سلامتی ارتباط معناداری مشاهده نشده است. در ۱۱٪ از پژوهش ها نیز فشار تولید به عنوان مانع در برابر اجرای مداخلات ارگونومی مشارکتی ذکر شده و عدم تعهد مدیریت به اجرای برنامه در این گونه مواقع منجر به شکست برنامه در دستیابی به اهداف خود شده است. انعطاف پذیری برنامه ارگونومی مشارکتی با توجه به وسعت و فرهنگ کاری رایج در محیط کار و تاب آوری سازمان در مقابل تغییرات انجام شده از نقاط قوت لازم در حصول به پیامدهای سلامتی و کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در گروههای هدف ناشی از اجرای این برنامه ها می باشند.

نتیجه گیری: اجرای موفق برنامه ارگونومی مشارکتی به تعهد مستمر مدیریت در همه سطوح سازمان و مشارکت خوب کارگران، متخصصین داخلی و سایر افرادی که از تغییرات انجام شده متأثر می شوند، نیاز دارد. آموزش اصول ارگونومی، کار تیمی، ابزارهای کارآمد برای آنالیز ریسک های فعالیت های شغلی، حل مسأله و مستند سازی تغییرات اجرا شده در محیط کار از دیگر عوامل موثر در اثربخشی اجرای برنامه های ارگونومی مشارکتی در محیط های کار و سازمان ها می باشد.

کلمات کلیدی: ارگونومی مشارکتی، اثربخشی، کارگران، اختلالات اسکلتی-عضلانی



ارزیابی فرهنگ ایمنی در بین کارکنان یک موسسه عمرانی مطالعه موردی: پروژه های سدسازی

فائزه عباس گوهری؛ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

Gohari@sbmu.ac.ir

محسن عسگری؛ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

سید پوریا حسینی؛ کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران.

مقدمه: حوادث شغلی یکی از معضلات پراهمیت در کارگاه های عمرانی بوده و علاوه بر خسارات اقتصادی، باعث مرگ و از کار افتادگی کارگران می شوند. این مطالعه با هدف سنجش فرهنگ ایمنی و ابعاد آن در بین پرسنل یک موسسه عمرانی صورت گرفته است.

روش کار: این پژوهش، یک مطالعه توصیفی تحلیلی در دو پروژه بلندمدت سدسازی در کارگاه هایی از اصفهان و کرمانشاه است. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل یک پرسشنامه استاندارد فرهنگ ایمنی بود. پرسشنامه شامل دو بخش بود که بخش اول مشخصات دموگرافیک از قبیل سن، سابقه کاری و گروه شغلی و بخش دوم در برگیرنده پرسش های اصلی جهت تعیین نمره فرهنگ ایمنی در ۵ بعد بود. پس از جمع آوری اطلاعات داده ها توسط نرم افزار SPSS 22 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بین فرهنگ ایمنی و تمام ابعاد آن در هر پروژه همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین بین فاکتورهای تعهد مدیریت، آموزش ایمنی، ایمنی محیط کار و در نهایت فرهنگ ایمنی بین دو پروژه ارتباط معنی دار وجود دارد. در پروژه اصفهان فرهنگ ایمنی بیشترین همبستگی را با فاکتور آموزش ایمنی ($r=0.655$) و در پروژه کرمانشاه با فاکتور تعهد مدیریت ($r=0.589$) دارد. بررسی امتیاز فرهنگ و ابعاد آن در مقیاس ۱ تا ۵ نشان می دهد که نمره کل فرهنگ ایمنی برای دو پروژه این موسسه تفاوت زیادی ندارد، کمترین نمره بدست آمده در پروژه اصفهان و کرمانشاه به ترتیب مربوط به ایمنی محیط کار (۹۴/۲) و آموزش ایمنی (۱/۳) می باشد. تفاوت در زمینه سن و سابقه کار در دو موقعیت جغرافیایی مختلف، نگرش کارکنان را در ارتباط با فرهنگ ایمنی را تغییر داده است.

نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده نقش بارز تعهد مدیریت ارشد نسبت به ایمنی و همچنین تدوین برنامه های آموزشی و اختصاص بودجه کافی در پیشگیری از بروز حوادث است. نمره کل فرهنگ ایمنی بدست آمده در این موسسه، به صورت متوسط ارزیابی می شود و موسسه فوق نیازمند تدوین برنامه های موثر در جهت ارتقاء فرهنگ ایمنی، بازرسی و اصلاح وضعیت ایمنی محیط کار و آموزش مناسب می باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایمنی، آموزش، تعهد مدیریت



بررسی میزان استرین گرمایی در کارگران نانوائی سنتی شهر نیشابور در سال ۹۶

علی گنجعلی؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

aliganjali7088@gmail.com

سمیه بلقن آبادی؛ مربی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

مقدمه: شغل نانوائی از جمله مشاغلی است که در فصل تابستان و با توجه به ناکافی بودن سیستم های تهویه در مواجهه با استرس حرارتی بالایی قرار دارند که باعث بروز استرس، کاهش قابلیت های انجام کار، بروز بیماری های متعدد می گردد. با توجه به مطالعات انجام شده درباره استرین حرارتی و شیوع ناراحتی های گرمایی در کارگران شاغل در نانوائی سنتی در برابر نانوائی ماشینی این مطالعه با هدف بررسی میزان شاخص استرین حرارتی در این کارگران انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی بر روی ۱۰۳ نفر از کارگران نانوائی در فصل زمستان ۱۳۹۶ انجام گرفت. افرادی که سابقه بیماری های قلبی عروقی، تنفسی، عفونی، دیابت، پرکاری تیروئید بودند، وارد مطالعه نشدند. برای ارزیابی استرین حرارتی از پرسشنامه HSSI که روایی و پایایی آن نیز توسط مرتضوی و همکاران مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است که این شاخص دارای سه سطح ریسک، کمتر از ۵/۱۳ بدون استرس، سطح ۶/۱۳ - ۱۸ دارای استرین و مقدار بیش از ۱/۱۸ فرد به طور قطع دارای استرس می باشد تشکیل شده است. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در آنالیز توصیفی برای متغیرهای کمی، میانگین، انحراف معیار و محدوده تعیین شد و آنالیز تحلیلی با آزمون پیرسون مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره شاخص استرین حرارتی در بین کارگران $6/2 \pm 0.2/15$ که در سطح دارای استرین می باشند و طبق نتایج کارگران شاطر ۳/۵۷ درصد به طور قطع دارای استرین حرارتی بودند و ۲۵ درصد دارای استرین و کارگران نان گیر نیز ۴۳ درصد به طور قطع دارای استرین حرارتی و ۶۵ درصد دارای استرین و افراد خمیرگیر کمترین درصد استرین حرارتی با ۱۰ درصد را شامل می شدند. بین استرین حرارتی و شاخص توده بدنی ارتباط معکوس و معنی داری یافت گردید ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: درصد بالایی از کارگران در معرض خطر استرین گرمایی قرار داشتند و بیشترین نمره شاخص استرین گرمایی مربوط به کارگران شاطر بود. به نظر می رسد برنامه ریزی در جهت کنترل ناراحتی های گرمایی در نانوائی های سنتی شهر نیشابور ضروری باشد.



شاخص توانایی انجام کار کارگران شاغل در شرکت سیمان سیستان در سال ۱۳۹۶

حسین جعفری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران،

jafari3209@gmail.com

فرزانه اکبری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

بابک فضلی؛ مربی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زینب الماسی؛ اپیدمیولوژیست، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مقدمه: یکی از اولویت های مهم بهداشت حرفه ای در صنعت تناسب شغل فرد با توانایی ها و نیازهای وی می باشد. عوامل متعددی مانند ویژگی های فردی، رفتار سالم و عوامل مرتبط با کار بر شاخص توانایی کار تاثیر می گذارند. این مطالعه با هدف بررسی شاخص توانایی انجام کار (WAI) و ارتباط آن با ویژگی های فردی کارگران شرکت سیمان سیستان صورت گرفت. **روش کار:** مطالعه حاضر از نوع مقطعی تحلیلی بوده و - جامعه آماری شامل ۱۲۸ نفر از کارگران شرکت سیمان سیستان می باشند. در جمع آوری داده ها از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و شاخص توانایی انجام کار استفاده گردید. آمار تحلیلی با استفاده از همبستگی اسپیرمن، آنالیز واریانس یک طرفه، تی مستقل و کروسکال والیس صورت گرفت. برای تحلیل داده ها از SPSS ورژن ۱۹ استفاده شد.

یافته ها: میانگین امتیاز شاخص توانایی کار در مطالعه حاضر (۵۸ / ۷ ±) ۶۹ / ۴۱ حاصل شد. نتایج ارتباط معنی دار و مستقیمی را بین سن ($p=0/003$) و سابقه کار ($p=0/02$) با شاخص توانایی کار نشان داد. همچنین بین سطح تحصیلات و شاخص توانایی کار ارتباط معنی داری وجود نداشت ($P=0/17$)

نتیجه گیری: در این مطالعه امتیاز شاخص توانایی کار در حد قابل قبولی قرار داشت. شاخص توانایی کار با وضعیت سلامتی ارتباط آماری بالایی داشت. از این رو بررسی سیستم مراقبت بهداشتی موجود در سازمان ها با هدف توسعه رویکرد پیشگیرانه جهت کنترل بیماری ها بسیار ضروری است. پیشنهاد می شود از این شاخص به عنوان مکمل معاینات دوره ای کارگران جهت تعیین توانایی فرد برای انجام وظیفه مورد نظر استفاده شود.

واژگان کلیدی: WAI و ویژگی های فردی، سیمان سیستان



بررسی آگاهی با قوانین و مقررات HSE و میزان تعهدات پیمانکاران (مطالعه موردی: یکی از بنادر جنوب)

حکیمه زمانی بادی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد HSE، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

محمد اسمعیلی میان شهری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد HSE، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

مقدمه: کار در محیط های پیمانکاری به لحاظ تنوع کار، حضور گروه های مختلف کاری و نیز عدم آشنایی کامل با محیط و شرایط کار، با پتانسیل بالای وقوع حوادث ایمنی، بهداشتی و زیست محیطی همراه است؛ از اینرو پرداختن به موضوعات HSE در عملیات پیمانکاری اهمیتی دوچندان می یابد. از این رو پیمانکار موظف است از قوانین، خط مشی ها، دستورالعمل ها و استانداردها آشنایی و به طور کامل پیروی نماید. در مطالعه حاضر بررسی آشنایی با قوانین و مقررات HSE و میزان تعهدات پیمانکاران در یکی از بنادر جنوب سال ۹۳ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه توصیفی مقطعی بین تمامی مدیران پیمانکاران که ۴۲ نفر بودند، انجام گرفت. جهت جمع آوری اطلاعات چک لیستی تهیه و به صورت مصاحبه با مدیران داده ها جمع آوری گردید. سپس اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSSV16 و آزمون های آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی مدیران ۲۲ سال و تمامی آنها مرد بودند. سطح تحصیلات از متوسطه تا کارشناسی ارشد بود که همگی در رشته های نامرتب بودند. در ۱۹ درصد موارد خط مشی در شرکت تعریف شده بود و ۵۵ درصد از آنان با قوانین و مقررات HSE آشنایی داشتند. تنها در ۹۳ درصد نسبت به موارد قانونی مربوط به کارکنان آگاهی داشتند و فقط ۴۵ درصد از مدیران عواملی را که نشان دهنده تعهد کارفرما در ارتباط با HSE است پاسخ مثبت دادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پیشنهاد می شود که برای افزایش آگاهی و تعهد مدیران پیمانکاران، کارگاه های دوره ای در برنامه ها قرار گیرد. همچنین می توان برای انتخاب گروه پیمانکاری مناسب در مناقصه یکسری معیار ها که می توانند در سطوح بعدی خود شامل زیر معیار هایی باشند تعریف کرد. این معیار ها بیانگر توانمندی و کفایت پیمانکاران برای مدیریت و اجرای پروژه هستند

واژگان کلیدی: مدیریت سلامت ایمنی و محیط زیست، آگاهی، تعهد، مدیران پیمانکار



بررسی وضعیت ایمنی و بهداشت محیط آزمایشگاه های تشخیص طبی شهرستان کاشان

حکیمه زمانی بادی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE)، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

غلامرضا حسین دوست؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران

عاطفه طوسی نژاد؛ کارشناس بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران

غزاله غزالی؛ کارشناس بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران

بنفشه وثوقی فرد؛ کارشناس بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران

مقدمه: آزمایشگاه های طبی طبق دستورالعمل وزارت بهداشت ملزم به رعایت اصول بهداشت در آزمایشگاه بوده که این اصول به وضعیت ظاهری ساختمان و رعایت اصول بهداشتی توسط پرسنل برمیگردد. همانطور که میدانیم محیط مراکز درمانی مملو از عوامل بیماریزا بوده و رعایت نکردن اصول بهداشتی باعث انتقال بیماری در خود مراکز درمانی میشود. با مطالعه در این موضوع به دنبال راهکار هایی مبنی بر کاهش انتقال بیماری در آزمایشگاه ها بودیم.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی و مقطعی در یک دوره سه ماهه در نیمه دوم سال ۴۹ صورت گرفت. از ۲۲ آزمایشگاه موجود در شهرستان کاشان ۱۱ آزمایشگاه راضی به همکاری شدند. پرسش نامه ای در غالب ۶۰ سوال که این سوالات از چک لیست معاونت بهداشت استفاده شد. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS شد و تجزیه و تحلیل آماری روی آن صورت گرفت و هفت شاخص بهداشت محیطی مورد بررسی قرار گرفت و با اختصاص نمره ۴۵-۵۵ به عنوان نمره عالی و ۳۵-۴۵ به عنوان نمره متوسط و اختصاص نمره ۲۵-۳۵ به عنوان نمره بد آزمایشگاه ها تقسیم بندی شد.

یافته ها: میانگین رعایت شاخص های بهداشت محیطی از لحاظ وضعیت ظاهری ساختمان ۵۵/۹۵٪، وجود لوازم و ابزار کار ۵۷/۸۸٪، رعایت گندزدایی و استریلایزاسیون ۶۸/۵۰٪، دفع بهداشتی پسماند ۷۰/۶۲٪، تسهیلات رفاهی ۷۲٪، رعایت بهداشت فردی ۷۲/۵۷٪ و رعایت ایمنی ۸۲/۴۰٪ می باشد.

نتیجه گیری: وضعیت آزمایشگاه ها از نظر وضعیت ظاهری ساختمان و لوازم و ابزار کار ضعیف از نظر رعایت گندزدایی و استریلایزاسیون، دفع بهداشتی پسماند، تسهیلات رفاهی و رعایت بهداشت فردی در حد متوسط و از نظر رعایت ایمنی در حد عالی می باشد.

واژگان کلیدی: ایمنی، بهداشت محیط، آزمایشگاه های تشخیص طبی



بررسی تاثیر کفه ارگونومیک طراحی شده با کفه معمولی بر فشار وارد بر کف پا و میزان راحتی در فعالیت های ایستاده طولانی مدت

سعیده طاهرزاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمدصادق قاسمی؛ استادیار، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
حسن سعیدی؛ استادیار دانشکده توان بخشی، دانشکده علوم توان بخشی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

ناصر دهقان؛ استادیار، گروه ارگونومی، مرکز تحقیقات طب کار، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مقدمه: بسیاری از مشاغل نیازمند ایستادن های طولانی مدت و بدون حرکت هستند که یکی از عوامل اصلی ایجاد کننده اختلالات اسکلتی عضلانی می باشد و باعث ایجاد درد و ناراحتی در اندام تحتانی و کمر می شود. هدف از این پژوهش، مقایسه تاثیر کفه ارگونومیک طراحی شده با کفه معمولی با چگالی و نرمی متفاوت جهت بررسی راحتی و فشار وارد بر کف پا در مشاغل ایستاده طولانی مدت می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۲۰ نفر دانشجو گروه ارتوپد فنی با میانگین سنی $(2/3) \pm 21/5$ و میانگین قد $(2/8) \pm 163$ انجام گرفت. هریک از شرکت کنندگان در ۲ جلسه به مدت یک ساعت و در هر جلسه بر روی یکی از دو کفه قرار می گرفتند. از دستگاه insole جهت بررسی میزان فشار وارد بر کف پا و از مقیاس بورگ جهت بررسی میزان راحتی اندام تحتانی و کمر استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون t - مستقل انجام گرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج اندازه گیری حاصل از insole فشار وارد بر کف پا در صورت استفاده از کفه با نرمی بیشتر (کفه ارگونومیک طراحی شده) نسبت به کفه معمولی، کم تر می باشد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در استفاده از دو کفه و میزان راحتی نواحی مختلف بدن وجود داشت. ($P < 0.05$) به طوریکه کفه با نرمی بیشتر نسبت به کفه معمولی راحتی بیشتری را در نواحی مورد بررسی ایجاد کرد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که استفاده کفه اصلاح شده با نرمی بیشتر، راهکارهای موثری در کاهش میزان ناراحتی اندام تحتانی هستند و باعث ایجاد راحتی بیشتر و همچنین کاهش فشار وارده بر کمر و اندام تحتانی می شود. پیشنهاد می شود مطالعات بیشتری در زمینه خصوصیات کفه های ارگونومیک صورت گیرد.

واژگان کلیدی: کفه ارگونومیک، insole راحتی، فشار کف پا، ایستادن طولانی مدت



مروری بر نقش مدیریت در ایمنی، بهداشت و سلامت کارکنان

محمد مهدی امیرپورسعید؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Muhammad.pour.saeid.65@gmail.com

زهرا اسدی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: امروزه حوادث کاری از مهمترین مشکلات جامعه اند و پیامدهای مهمی از نظر سلامت فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی بر جای گذاشته است. کاهش خطرات زیست محیطی و ایمنی بهداشتی کارکنان باعث افزایش بهره وری میگردد اما نقش مدیریت و وظایف آن تاثیر بسزایی در این راستا دارد. مدیریت عوامل خطر و آسیب رسان و پیشگیری از بروز حوادث نیازمند یک نظام مدیریتی سازمان یافته است لذا اقدامات کاهش ریسک موثر و نظارت بر اجرای این اقدامات محتاج یک سیستم مدیریتی قدرتمند می باشد.

مواد و روش ها: این مقاله مروری با جست و جو در بانک های اطلاعاتی فارسی تخصصی در حوزه بهداشت حرفه ای، ایمنی، بهداشت و سلامت با کلید واژه های: مدیریت، کارکنان، بهداشت، ایمنی و سلامت نوشته شده است که در مجموع ۲۰ مقاله با متن کامل دریافت شده که از ۱۷ مقاله ی مرتبط با هدف پژوهش استفاده گردید.

نتایج: طبق بررسی های انجام شده مشخص شده است که صرفا داشتن علم و آگاهی منجر به عملکرد خوب کارکنان نمیشود بلکه باید ساختار های بنیادی در افراد به صورت دقیق و علمی پایه ریزی شود. مطالعات انجام شده در رابطه با بررسی خطرات و ارزیابی ریسک HSE حاکی از آن است که استقرار نظام مدیریت HSE میتواند در راستای بهبود شاخص های ایمنی، بهداشت و محیط موثر باشد و بنابراین مستندسازی سیستم مدیریت از اهمیت بالایی برخوردار است.

نتیجه گیری: طی تحقیقات و پژوهش های به عمل آمده دیده شده است که با وجود آگاهی و نگرش مطلوب همچنان شاهد عملکرد نادرست در زمینه بهداشت، ایمنی و محیط زیست هستیم. بهترین و موثرترین راهکار اجرای فرهنگ HSE از طریق آموزش است. یکی از ارزش های بنیادین سازمان شناسایی نقاط ضعف و قدرت در مدیریت، توانمند سازی کارکنان و شرکت در فعالیت های روزانه از سمت مدیر ارشد است که نتیجه آن افزایش علاقه کارکنان به اجرای فرهنگ HSE می باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت، کارکنان، بهداشت، ایمنی، سلامت



مرور سیستماتیک شیوع هپاتیت B و C در مواجهه شغلی کار درمانی بیمارستان ها

مهدیه برزّه؛ دانشجوی رشته مهندسی بهداشت حرفه ای کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران ایران

نرگس رضایی؛ دانشجوی رشته مهندسی بهداشت حرفه ای کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران ایران

شقایق هوشمند؛ دانشجوی رشته علوم آزمایشگاهی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران ایران

مقدمه: ویروس هپاتیت B و C از جمله ویروس های خطرناکی که میتوانند از طریق تماس با خون و دیگر مایعات بدن واسیب های پوستی به علت فرورفتگی سوزن و وسایل تیز و برنده تهدید شغلی برای کادر های درمانی بیمارستان ها میباشد. هدف از این مقاله مروری بررسی میزان تماس شغلی کادر درمانی بیمارستان به ویروس هپاتیت B و C است.

روش کار: این مطالعه از طریق جستجو مقالات در پایگاه های اینترنتی GoogleScholar و Sciedirect که به زبان های فارسی و انگلیسی در دسترس بود و با وارد کردن کلید واژه های هپاتیت B و هپاتیت C و مواجهه شغلی جمع اوری شده است که پس از بررسی ۱۸ مقاله مرتبط با موضوع انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در مطالعه ایی که بر روی ۱۰۰ مورد مواجهه پرستاران بخش اورژانس یک بیمارستان انجام گرفت مشخص شد که بیشترین تماس افراد با سوزن ها بوده است. در نهایت با بررسی خون این افراد در خون ۳۱ نفر آنها HBV و ۵۳ نفر HCV یافت شد و ۵ نفر از آنها همزمان مبتلا به هر دو نوع عفونت B و C بودند. در مطالعه ای دیگر بر روی تعدادی از از جراحان و پرستاران معلوم شد که شایع ترین تماس های شغلی از طریق تماس با سوزن ها و خون و مایعات بدن صورت گرفته است. بعد از بررسی خون تعدادی از این افراد آنتی بادی های HBV و HCV مشاهده شد که وجود این آنتی بادی ها نشان دهنده ی احتمال عفونت در بدن میباشد. اما در مقایسه افراد مبتلا به ویروس هپاتیت C با گروهی که در بیمارستان هیچ تماسی با خون و دیگر مایعات بدن نداشتند تفاوت مشهودی بین این دو گروه مشاهده نشد بنابراین رابطه ایی معنادار بین هپاتیت C و تماس شغلی یافت نشد که البته این موضوع نیازمند مطالعات بیشتر است. در تمام این موارد سن جنس سابقه کاری ارتباط زیادی با مواجهه شغلی نداشت اما بعد از آگاهی دادن کادر درمانی و رعایت اصول بهداشتی و ایمنی در حین انجام کار شاهد کاهش میزان ابتلا به عفونت B و C بودیم.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از مطالعات انجام گرفته به نظر میرسد اسیب های ناشی از فرو رفتن سوزن و تماس با خون در بیمارستان ها بالاست که احتمال ابتلای عفونت هپاتیت B و C در کادر درمانی را افزایش میدهد. از آنجاییکه هنوز درمان مشخصی برای این بیماری وجود ندارد بنابراین باید با آگاهی دادن و آموزش کادر درمانی جهت رعایت احتیاط لازم حین درمان اقدامات پیشگیرانه ای برای کاهش مواجهه شغلی صورت بگیرد.



بررسی رابطه تنیدگی شغلی پرستاران با وضعیت سلامت عمومی آنان: مطالعه

مروری

محمد طاها سعادت‌ی راد؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
انسیه رضوان پور؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
فاطمه زنگنه؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
مژگان توانا؛ گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
خدیجه بختیار؛ گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
مرضیه حسن پور؛ دکترای تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: در مشاغل مانند پرستاری که در آن‌ها ارتباط بین انسان‌ها مطرح است استرس و فشار بیشتری وجود دارد. این پدیده ی تخریب کننده چند بعدی می‌تواند موجب کاهش بازده و راندمان کاری و کیفیت مراقبت و همچنین بیماری‌های جسمی و روحی روانی گردد. هدف از این مقاله بررسی رابطه استرس با وضعیت سلامت عمومی پرستاران و کمک به کاهش عوامل تنش‌زا میباشد.

روش کار: این مطالعه ی مروری در سال ۹۷ با جستجوی کلیدواژه‌هایی نظیر پرستار، سلامت عمومی، Nurse، تنیدگی شغلی در پایگاه‌های پیشرفته اطلاعاتی نظیر SID، Iranmedex، Google scholar، PubMed انجام شد معیارهای ورود شامل مقالات انتشار یافته مابین سالهای ۸۵ تا ۹۶ بود که در یک جستجوی گسترده تعداد ۹۳ مقاله با ادبیات مرتبط یافت شد و تعدادی گزینش گردید.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از بررسی مقالات مرتبط نشان داد که ابعاد مختلف تنیدگی شغلی هر کدام اثر خاصی روی پرسنل پرستاری دارد. درصد زیادی از پرستاران از نظر مسئولیت و محیط فیزیکی استرس بالایی دارند و برخی از آنان نیز در بعد علایم جسمانی و درصد کمی از آنان نیز از نظر تناقض در نقش و ابهام در وظایف استرس خفیف داشتند. اکثر پرسنل و کادر پرستاری در اثر تنیدگی حاصل از شغل دچار بیماری‌ها و مشکلات روحی و جسمی می‌شوند. در بررسی ابعاد سلامت عمومی تقریباً نیمی از پرستاران سلامت عمومی مناسبی ندارند و درصد زیادی از آنان نیز از لحاظ اضطراب در حد بالا هستند و در بعد اختلال در کارکرد اجتماعی در حد پایین قرار دارند و قریب به نیمی از پرستاران افسردگی ناشی از تنیدگی شغلی دارند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه و مقایسه با مطالعات انجام شده در همین زمینه مشخص شد تنیدگی با ایجاد فرسودگی شغلی میتواند اثرات نامطلوبی بر عملکرد پرستاران و نیز سلامت عمومی آنها داشته باشد. بکارگیری راهکارهای کاهش استرس و فرسودگی شغلی می‌تواند با ارتقای بهداشت روانی پرستاران، به افزایش کیفیت مراقبت پرستاری کمک کند. نتایج به سیستم‌های بهداشتی کمک می‌کند تا با ایجاد شرایط کاری آرام تا حدود زیادی از استرس شغلی پرستاران کم کنند.

واژگان کلیدی: پرستار، سلامت عمومی، Nurse، تنیدگی شغلی



بر آورد اپیدمیولوژیکی هزینه حوادث شغلی منجر به فوت یا مشمول غرامت در شهرستان ایلام

احسان محمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی قزوین، قزوین، ایران، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

Ehsan.mohammadi5592@gmail.com

فرهاد فراستی؛ گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

عبدالاحسین پورنجف؛ گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام،

ایران

حجت الله کاکایی؛ دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

مقدمه: انسان در چرخه تولید جایگاه مهمی داشته و هیچ انسانی را نمیتوان مانند سایر نهادهای تولیدی مصرفی دانست. مرگ های مرتبط با حوادث ناشی از کار علاوه بر اتلاف سرمایه های سخت افزاری، باعث اتلاف عمر، سالهای کاری، و هزینه های مرتبط می گردند. از همین رو کنترل نرخ حوادث در زنجیره تولید همواره یکی از تلاش های مستمر بشر بوده است. هدف اصلی مطالعه حاضر تعیین هزینه حوادث شغلی منجر به فوت یا مشمول غرامت در شهرستان ایلام می باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت اپیدمیولوژیک توصیفی مقطعی میباشد که در سالهای ۱۳۹۱ - ۱۳۸۹ انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه کلیه بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی شهرستان ایلام هستند که دچار حادثه منجر به فوت یا صدمه مشمول غرامت بوده اند. برای انجام مطالعه حاضر از چک لیستی که به این منظور تهیه شده استفاده و داده های مورد نیاز برای هر فرد فوت شده یا صدمه دیده در اثر حادثه شغلی از پرونده مربوط به آنها که در سازمان بیمه تامین اجتماعی موجود است استخراج کردیم. آنالیز داده ها با استفاده از فرمول های مخصوص و نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ انجام شد.

یافته ها: در طی سه سال بررسی، از میان ۴۶۲ حادثه صورت گرفته، ۱۶ مورد منجر به فوت شده است. حوادث شغلی منجر به فوت در شهرستان ایلام با اتلاف بیش از ۶ / ۳۱۲ سال زندگی و ۴۸ / ۲۸۶ سال مشارکت اقتصادی، به تحمیل بیش از ۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال خسارت منجر شده است. سرانه هزینه انسانی برای هر فوت معادل ۶۸۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال برآورد آورد گردید.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه حوادث شغلی هزینه های زیادی را بر اقتصاد ملی تحمیل می کند لازم است تصمیم گیرندگان نسبت به شناسایی علل و کنترل نرخ بروز آنها، افزایش ضریب ایمنی محیط های کاری و بهبود وضعیت ایمنی، نظارت و همکاری هرچه بیشتر سازمان های مربوطه و آموزش های مورد نیاز اهتمام بیشتری بورزند.

واژگان کلیدی: فوت، هزینه انسانی، حوادث ناشی از کار، ایمنی، ایلام



حفاظت و بهداشت پرتوها در کاربردها تشخیص و درمان پزشکی در ایران: مروری بر رعایت اصول حفاظتی، آگاهی، نگرش و عملکرد (KAP) و میزان دوز موثر دریافتی پرتوکاران

مهسا طالبی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه علوم بهداشتی، دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

بهاره حسنی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه علوم بهداشتی، دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مهرنوش ابطحی؛ استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
رضا سعیدی؛ استادیار گروه علوم بهداشتی، دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه: استفاده از پرتوهای یونساز بویژه اشعه ایکس در تشخیص و درمان های پزشکی در دهه های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. به منظور پیشگیری از مخاطرات و اثرات سوء بهداشتی پرتوهای یونساز، رعایت اصول ایمنی و پایش و کنترل مواجهه شغلی و عمومی بسیار حائز اهمیت است. این مطالعه مروری با هدف بررسی رعایت اصول حفاظتی، آگاهی، نگرش و عملکرد (KAP) و میزان دوز موثر دریافتی پرتوکاران در کاربردهای تشخیص و درمان پزشکی در ایران انجام شده است.
مواد و روشها: این مطالعه با روش مرور ساختاریافته انجام شد و مقالات فارسی و انگلیسی در پایگاه های اطلاعاتی Scopus ، SID، Magiran و Iranmedex مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: رعایت اقدامات حفاظتی در مورد بیماران، پرستاران و پرتوکاران به ترتیب ۶۹،۶۹ و ۱۰۰ درصد بود. همچنین کنترل کیفی دستگاههای پرتودهی و حفاظت اتاق پرتودهی در برابر نشت اشعه به ترتیب ۸۴ و ۸۶ درصد بدست آمد. میانگین میزان آگاهی پرستاران و اساتید پرستاری، دندانپزشکان و پرتوکاران در زمینه بهداشت پرتوها به ترتیب ۵۵،۴۷ و ۴۲ درصد برآورد گردید. همچنین میزان نگرش و عملکرد پرتوکاران در زمینه حفاظت پرتویی به ترتیب ۶۲ و ۴۸ درصد به دست آمد. نگرش دندانپزشکان به مسائل حفاظت در برابر پرتوها در ۲۴ درصد موارد خوب و در ۷۶ درصد موارد بی تفاوت بود. میزان دوز موثر دریافتی سالیانه پرسنل در کلیه موارد کمتر از ۴ میلی سیورت بود و در محدوده مجاز قرار داشت. میانگین و انحراف معیار میزان دوز موثر دریافتی سالیانه پرسنل به ترتیب ۰/۶۹ و ۱/۶۷ میلی سیورت بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که اقدامات حفاظتی در مورد پرستاران و بیماران نسبت به پرتونگاران پایین تر بوده و باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان در زمینه بهداشت و حفاظت پرتوها با وضعیت مطلوب فاصله داشت و ارتقاء برنامه های آموزشی ضرورت دارد. اگر چه میزان دوز موثر دریافتی پرتوکاران همواره در محدوده ایمن قرار داشت، اما با توجه به محدودیت داده های موجود انجام مطالعات بیشتر در این زمینه پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: بهداشت پرتوها، اقدامات حفاظتی، نرخ دوز موثر، پرتوکاران



بررسی کیفیت زندگی کاری و بارکار ذهنی و ارتباط آن‌ها با افسردگی، استرس و اضطراب در شاغلین نظام سلامت شهرستان اسلام آباد غرب

احسان بخشی؛ کارشناس ارشد ارگونومی، شبکه بهداشت و درمان اسلام آباد غرب، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران ehsanbakhshi63@gmail.com

الهه عزتی؛ دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

رضا کلانتری؛ دانشجوی دکتری ارگونومی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
علی مرادی؛ دانشجوی دکتری مدیریت تخصصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
محمد رضا نادری؛ پزشک عمومی، شبکه بهداشت و درمان اسلام آباد غرب، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: کیفیت زندگی کاری مطلوب برای جذب و نگهداری کارکنان ضروری می باشد و باعث نگرش مثبت آنان به سازمان و ارتقاء اثربخشی سیستم می شود. بارکار ذهنی یکی از مولفه های موثر بر آسایش، رفاه و سلامتی افراد در محیط کار است و کاهش آن می تواند با افزایش سلامتی روانی و جسمانی افراد همراه باشد، امروزه بهداشت روان یکی از محورهای ارزیابی در جوامع مختلف شناخته شده است که نقش مهمی در پویایی و کارآمدی جوامع ایفا میکند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط کیفیت زندگی کاری و بارکار ذهنی با افسردگی، استرس و اضطراب در شاغلین نظام سلامت شهرستان اسلام آباد غرب انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود که به صورت مقطعی و سرشماری در کارکنان مراکز بهداشتی درمانی و بخش های درمانی بیمارستان امام خمینی شهرستان اسلام آباد غرب در تابستان ۱۳۹۶ انجام گرفت به طوریکه در ۱۵۸ نفر در طرح شرکت کردند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه های کیفیت زندگی کاری والتون، شاخص ناسا تی ال ایکس و مقیاس افسردگی، استرس، اضطراب (DASS۲۱) بودند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های ضریب همبستگی اسپیرمن، من ویتنی و کروسکال والیس و با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ آنالیز شدند.

یافته ها: میان کیفیت زندگی کاری با افسردگی، استرس و اضطراب رابطه معکوس و معنیداری یافت شد ($p\text{-value} < 0/05$). بارکار ذهنی با افسردگی، استرس و اضطراب رابطه معنی داری نداشت ($p\text{-value} > 0/05$). میان کیفیت زندگی کاری و بارکار ذهنی رابطه معنیداری حاصل نشد ($p=0/204$)

نتیجه گیری: هر چند اختلالات روانی دارای منابع و علل گوناگونی می باشند اما نتیجه مطالعه حاضر نشان داد که با توجه به همبستگی معنادار میان کیفیت زندگی کاری با افسردگی، استرس و اضطراب، ارتقاء کیفیت زندگی کاری ممکن است در بهبود شرایط روانی کارکنان موثر باشد و اختلالات روانی ذکر شده را کاهش دهد. بارکار ذهنی ارتباط معنی داری با اختلالات ذکر شده نداشت اما کاهش آن با انجام بررسی های بیشتر و انجام مداخلات لازم توصیه می شود.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی کاری، بارکار ذهنی، افسردگی، استرس، اضطراب



بررسی میزان شیوع فرسودگی شغلی پرستاران در ایران: مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز

سودابه یارمحمدی؛ دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

حامد یارمحمدی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

سحر دالوند؛ کارشناسی ارشد آمار زیستی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

حسین سلیمی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

Email: Yarmohammadi68@yahoo.com

مقدمه: پرستاران در محیط کار متحمل تنش های شغلی زیادی می شوند که این امر منجر به بروز فرسودگی شغلی در آنها می شود. عمده ترین پیامدهای نشانگان فرسودگی شغلی پرستاران شامل غیبت، کاهش کیفیت مراقبت از بیمار، تعارضات بین فردی با همکاران، مشکلات جسمی و روحی پرستار، عدم تمایل برای مراقبت از بیمار و در نهایت ترک خدمت است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان شیوع فرسودگی شغلی پرستاران در ایران به روش متاآنالیز صورت گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر به روش متاآنالیز و براساس چک لیست PRISMA انجام گرفت. جهت دستیابی به مقالات فارسی و انگلیسی از کلید واژه Burn Out و بانکهای اطلاعاتی ملی شامل Magiran, Iranmedex, SID, Medlib و بین المللی شامل ISI, Scopus, PubMed, Science-Direct, Cochrane و Google Scholar بودن محدودیت زمانی تا سال ۱۳۹۵ جستجو شدند. جستجو و استخراج داده توسط دو نفر از پژوهشگران به صورت مستقل از هم انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار STATA نسخه ۱۲ انجام گرفت.

یافته ها: میزان شیوع فرسودگی شغلی در ۱۰ مقاله با حجم نمونه ۱۷۵۸ - با میانگین سنی ۳۰/۷۳، ۵۴٪ درصد با فاصله اطمینان (۴۳-۶۴) درصد گزارش شد. استان فارس با ۷۲ درصد بیشترین و استان زنجان با ۲۶ درصد کمترین میزان شیوع فرسودگی را به خود اختصاص دادند. شیوع کلی فرسودگی شغلی در مردان ۴۶ درصد و در زنان ۶۵ درصد گزارش شد که بر این اساس، بیشترین میزان شیوع فرسودگی در زنان بود.

نتیجه گیری: فرسودگی شغلی در پرستاران می تواند باعث باعث کاهش کیفیت مراقبت های پرستاری و موجب افت رضایتمندی بیماران شود. با توجه به بالا بودن میزان شیوع فرسودگی شغلی در پرستاران ایرانی در این پژوهش و اهمیت شغل پرستاری در برقراری سلامت جامعه که خود نیازمند پرستارانی با انگیزه، متعهد و با رضایتمندی شغلی بالاست. لذا توصیه میشود با نظارت کافی بر عملکرد حرفهای پرستاران، حمایت های مدیریتی، توجه به مشکلات پرستاران شاغل، پیگیری ها و راه کارهای لازم را در جهت مناسب سازی شرایط محیطی، اقتصادی، پرسنلی و مدیریتی این پرستاران از میزان فرسودگی شغلی این افراد کاسته شود.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، پرستار، ایران، مرور سیستماتیک، متاآنالیز



بررسی ریسک فاکتورهای مرتبط با شاخصه های چشمی در کاربران کامپیوتر

عادل مظلومی؛ دانشیار، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

amazlomi@tums.ac.ir

رضا پوربابکی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

سجاد سمیعی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

مقدمه: امروزه کار با پایانه های تصویری که به اختصار به آن VDT می گویند بسیار گسترده و در زندگی روزمره محبوب شده است. به دلیل استفاده روز افزون کامپیوتر در موسسات اداری و اجتماعی، شیوع علائم چشمی ناشی از کار با کامپیوتر همچنان از یک روند افزایش برخوردار است و همواره مشکلات عمده ای برای سلامت افراد به دنبال دارد. هدف از این مطالعه انجام مرور سیستماتیک در خصوص شاخصه های چشمی (خستگی چشم، خشکی چشم و پلک زدن) در بین شاغلین پایانه های تصویری می باشد.

روش کار: در این مطالعه مقالات مرتبط از پایگاه های اینترنتی شامل: Google Scholar, Scopus, Web, Pubmed of Sciences جستجو و گردآوری شدند. برای جستجو در این پایگاه ها از کلید واژه های: computer user, eye fatigue, dry eye, eye blink استفاده شد. در نهایت پس از دریافت ۱۱۵ مقاله مرتبط از پایگاه های ذکر شده، ۱۷ مقاله کاملاً مرتبط با موضوع مورد بررسی انتخاب گردید.

یافته ها: استفاده از کامپیوتر باعث بروز ناراحتی های متعدد و سندرم خشکی چشمی بدلیل ایجاد تغییراتی در شاخص های مربوطه می شود. این شاخصه ها متغیرهایی هستند شامل مدت زمان استفاده از کامپیوتر، نوع کار با کامپیوتر، بار ذهنی، فاصله از مانیتور می باشند. علاوه بر این، استفاده طولانی مدت از کامپیوتر بدون ایجاد وقفه در حین کار می تواند باعث بروز خشکی چشم در کاربران شود که یکی از شایع ترین مشکلات چشمی در بین کاربران کامپیوتر می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به جمع نتایج حاصل از پژوهش های صورت گرفته توسط محققان مشخص شد که افزایش ساعات کار با کامپیوتر، فاصله نامناسب کاربر از مانیتور، افزایش سن، ارتفاع بالاتر مانیتور نسبت به ارتفاع استاندارد، ارتباط مستقیمی در بروز خشکی و خستگی چشم در کاربران دارند.

واژگان کلیدی: کامپیوتر، خستگی چشم، نرخ پلک زدن، خشکی چشم



مدل سازی پیامد و تحلیل خطرات ناشی از انتشار کربن دی سولفید با استفاده از نرم افزار ALOHA

سجاد سمیعی؛ دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران sajjadsamiei1994@yahoo.com

رضا پوربابکی؛ دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

سعید یزدانی راد؛ دانشجوی دکترای بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

زهرا اعلایی؛ دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

مقدمه: نشت مواد سمی، خطرناک و قابل انفجار در صنایع فرآیندی و شیمیایی همواره یکی از عوامل تهدید کننده افراد شاغل و ساکنین اطراف این صنایع و همچنین آسیب به محیط زیست می باشد. به همین دلیل این مطالعه با هدف پیش بینی انتشار و پیامدهای احتمالی کربن دی سولفید با استفاده از نرم افزار ALOHA به منظور انجام اقدامات ایمنی مناسب، جهت کاهش پیامدها انجام شد.

روش کار: در این بررسی در ابتدا جهت شناسایی مخاطرات موجود در یکی از واحدهای پالایشگاه از نتایج مطالعات HAZOP استفاده شد و بدترین سناریوی ممکن انتخاب گردید. سپس نرم افزار ALOHA جهت مدلسازی سناریوهای احتمالی انتشار کربن دی سولفید از مخزن، مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت براساس نتایج، برنامه واکنش در شرایط اضطراری تهیه و ارائه گردید.

یافته ها: براساس یافته ها در صورت وقوع حادثه غلظتی از کربن دی سولفید که به اتاق کنترل می رسد، کشنده می باشد، زیرا تا حدود ۶۰۰ متر اطراف مخزن غلظت گاز کربن دی سولفید 480 ppm است که در محدوده AGEL-3 (در این حالت ممکن است افراد دچار مرگ شده و یا مواجهه در این سطح، تهدیدکننده حیات افراد باشد) قرار دارد. در صورت نشت کامل تا فاصله ۱۵۰ متری مخزن، غلظت کربن دی سولفید به 7800 ppm می رسد که حدود ۶۰ درصد حداقل غلظت قابل اشتعال این گاز است. تا محدوده ۵۰۰ متری مخزن نیز این غلظت به ۵۰۰ ppm می رسد. فشار موج انفجار تا فاصله ۱۸۰ متر، ۸ psi است و از این محدوده تا فاصله ۱۹۰ متری مخزن موج انفجار حدود ۳ psi می باشد که ممکن است باعث صدمات جدی به افراد شود.

نتیجه گیری: عواقب ناشی از سمیت دی سولفید کربن در این پالایشگاه یکی از جدی ترین خطراتی است که پرسنل را تهدید می کند. بنابراین تهیه طرح واکنش در شرایط اضطراری نقش مؤثری در محدود نمودن اثرات زیان بار انتشار مواد سمی و خطرناک خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مدل سازی پیامد، پالایشگاه، نرم افزار ALOHA، کربن دی سولفید



تأثیر بارگیری بر ریسک بهداشتی مواجهه با ارتعاش تمام بدن در رانندگان کامیون

حامد معتمدی نژاد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. hamotamedi@gmail.com

پروین نصیری؛ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

محمدرضا منظم؛ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و پژوهشکده محیط‌زیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

کمال اعظم؛ دانشیار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
بهرام هراتی؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف: رانندگان کامیون در صنعت حمل و نقل با ارتعاش تمام بدن مواجهه دارند. این مطالعه باهدف بررسی تأثیر عامل مداخله‌گر بارگیری بر مواجهه با ارتعاش تمام بدن در رانندگان سه گروه کامیون متداول در سامانه حمل‌ونقل جاده‌ای و تعیین ریسک بهداشتی و پیشنهاد اقدامات کنترلی انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی و مقطعی شتاب RMS وزنی - فرکانسی بر اساس استاندارد ISO 2631-1 (1997) در مراحل قبل و بعد از بارگیری کامیون و در حال حرکت و در شرایط کار واقعی با استفاده از دستگاه ارتعاش سنج سه محوره و آنالیزور SVAN 958 اندازه‌گیری شد.

نتایج: محور غالب شتاب در هر سه گروه کامیون و در وضعیت‌های بارگیری و عدم بارگیری محور Z بود. در کامیون‌های کشنده با بارگیری تریلی میانگین شتاب RMS معادل ۸ ساعته افزایش یافت و این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار بود ($P=0/004$) و به دنبال آن مقدار ریسک بهداشتی ۲۷ درصد فزونی یافت، هم‌چنین در کامیون‌های اتاق‌دار ۱۹ تن بنز با بارگیری باکت میانگین شتاب RMS معادل ۸ ساعته کاهش یافت، این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار بود ($P=0/021$) و متعاقب آن ریسک بهداشتی ۲۵ درصد تنزل یافت و هرچند که کامیون‌های ۸ تن بنز بارگیری باکت سبب افزایش میانگین شتاب RMS معادل ۸ ساعته شد اما این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نبود ($P=0/122$) و باعث افزایش ۱۲ درصدی ریسک بهداشتی شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تفاوت در ریسک بهداشتی ناشی از ارتعاش تمام بدن در رانندگان کامیون در قبل و بعد از بارگیری پیشنهاد می‌گردد هرگونه اقدامات مدیریتی، اصلاحی و کنترلی در راستای محور غالب شتاب و در مرحله‌ای که راننده از ریسک بهداشتی بالاتری متأثر است طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: ارتعاش تمام بدن، رانندگان کامیون، ریسک بهداشتی، مواجهه شغلی، بارگیری، عدم بارگیری



مقایسه دو محدوده شدت روشنایی کمتر از ۳۰۰ lux و ۳۰۰-۵۰۰ lux در بروز خستگی بینایی و جسمی دانشجویان در زمان مطالعه

سمیرا برکات، حبیب الله دهقان، حسین ابراهیمی

زمینه و هدف: میزان شدت روشنایی بر حالات فیزیولوژیک عمومی کارکنان مؤثر است و می‌تواند در به وجود آوردن یک حالت روانی لذت بخش برای کار و یا پدید آوردن حالت سستی و بی‌حوصلگی مؤثر باشد. درواقع روشنایی یک عامل تأثیرگذار محیطی بر سلامتی، رفتار و عملکرد افراد می‌باشد. هدف از مطالعه حاضر مقایسه دو محدوده شدت روشنایی کمتر از ۳۰۰ lux و ۳۰۰-۵۰۰ lux در بروز خستگی بینایی و جسمی دانشجویان در زمان مطالعه بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی ۲۳۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد. شدت روشنایی موضعی با استفاده از نورسنج در محل مطالعه آنان اندازه‌گیری و خستگی بینایی و جسمی با استفاده از پرسشنامه بررسی شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: در این مطالعه ۸۱/۹٪ و ۱۸/۱٪ از ایستگاه‌های اندازه‌گیری شده به ترتیب دارای شدت روشنایی کمتر از ۳۰۰ lux و ۳۰۰-۵۰۰ lux بودند. مقایسه دو محدوده شدت روشنایی کمتر از ۳۰۰ Lux و ۳۰۰-۵۰۰ Lux با پارامترهای خستگی بینایی و جسمی مورد مطالعه از قبیل احساس سنگینی در پلک‌های چشم، احساس سوزش چشم، قرمزی چشم، احساس درد چشم، اشک ریزش، احساس خارش چشم، تاریبندی حروف یا کلمات، مشکل در رؤیت اشیای نزدیک، پریدن از حروف یا سطرها در هنگام مطالعه، مشکل در ردیابی خطوط در هنگام مطالعه، احساس ناراحتی در گردن، احساس سر درد، احساس سرگیجه، احساس ناراحتی در کمر رابطه معنی‌داری داشتند. به عبارت دیگر در محدوده شدت روشنایی کمتر از ۳۰۰ lux، پارامترهای نامبرده بیشتر مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد، مواجهه با شدت روشنایی کمتر از مقدار مورد نیاز سبب مشکلات بینایی و جسمی و در نهایت کاهش عملکرد دانشجویان می‌شود و روشنایی مطلوب در محیط به عنوان یک عامل بهداشتی بر شرایط بینایی و جسمی فرد تأثیر زیادی دارد.

واژگان کلیدی: شدت روشنایی، خستگی بینایی، خستگی جسمی



ارزیابی ارگونومیک شش مدل آچار بکس بر اساس روش الکترومیوگرافی

مهناز احمدلو، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مصطفی پویا کیان، استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

محمد رنجبریان، مربی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه: ابزارهای دستی به طور گسترده در بسیاری از مشاغل استفاده می شود. ارزیابی ابزار دستی نقش بسزایی را در ایجاد طرح های بهتر که با افزایش راحتی و کاهش خطر آسیب همراه است، ایفا می کند. مهمترین عامل تأثیرگذار در ایمنی و سلامتی افراد توجه و تمرکز بر تطابق طرح با ساختار فیزیکی و آناتومی دست می باشد. در صورت عدم توجه به مورد فوق استفاده از محصول در بلند مدت یا در پوسچرهای نامناسب منجر به درد و بیماری در کاربران خواهد شد. در مشاغلی مانند تعمیرگاه های خودرو، مکانیک ها، خطوط تولید و مونتاژ خودرو و سایر مشاغل نصب و تأسیسات طیف گسترده ای از ابزارآلات دستی استفاده می شود. استفاده طولانی مدت و تکراری از این ابزار آلات باعث شده است که صاحبان این مشاغل دچار اختلالات اندام فوقانی شوند. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی ارگونومیک شش مدل آچاربکس بر اساس روش الکترومیوگرافی طراحی و اجرا گردید.

روش کار: این مطالعه مقطعی به صورت توصیفی- تحلیلی در میان ۵۸ نفر از کارکنان تأسیسات شاغل در یک مرکز دانشگاهی انجام پذیرفت. در ابتدا شش مدل از رایج ترین آچاربکس های مورد استفاده ی این افراد انتخاب شد. سپس میزان فشارهای عضلانی وارد بر عضلات خم کننده و باز کننده انگشتان با استفاده از روش الکترومیوگرافی سطحی مورد بررسی قرار گرفت و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: ارزیابی شش مدل آچاربکس با استفاده از روش الکترومیوگرافی نشان داد که کمترین سطح فعالیت الکتریکی عضله خم کننده انگشتان دست مربوط به آچاربکس مدل C و کمترین سطح فعالیت الکتریکی عضله باز کننده مچ دست متعلق به آچاربکس مدل F بود.

نتیجه گیری: آچار بکس های با طول دسته ی بلند تر و قطر بیشتر که مطابق با اصول ارگونومیک طراحی شده است به عنوان مطلوب ترین آچار بکس ها از نظر سطح فعالیت الکتریکی عضلات دست انتخاب گردیدند. بنابراین انتخاب صحیح شکل دسته ابزار در کاهش نیروی مورد نیاز از سوی عضلات دست تأثیر بسزایی دارد.

واژگان کلیدی: ابزار دستی، آچار بکس، فعالیت الکتریکی، ابعاد دسته ابزار



بررسی نوع و تراکم بیوآیروس‌ها در هوای بخش همودیالیز بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان ۱۳۹۶

میترا عابدی؛ دانشجوی کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

الهام اسمعیل زاده؛ کارشناس پرستاری، بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

شیما نیکبخت؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، مجتمع آموزش عالی سلامت و بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مقدمه: بیوآیروس‌ها ذرات هواپردی هستند که در یک حیطه وسیع از نظر شکل و اندازه قرار دارند. تماس با بیوآیروس‌ها با گستره وسیعی از اثرات بهداشتی در ارتباط است که شامل بیماری‌های واگیر، عوارض تنفسی و تضعیف عملکرد ریه، اثرات سمی حاد، آلرژی و سرطان میشود. بیمارستان از جمله محیط‌هایی است که در آن پرسنل درمان، کادر خدمات، بیماران و ملاقات‌کنندگان در معرض تماس با بیوآیروس‌ها قرار میگیرند و از این رو سلامتی آنها تهدید میشود. مطالعه حاضر به منظور سنجش غلظت بیوآیروس‌ها در بخش همودیالیز بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه توصیفی به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۶ در بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان صورت گرفت. جهت سنجش غلظت بیوآیروس‌ها در بخش همودیالیز بیمارستان، نمونه برداری از هوای بخش همودیالیز انجام شد. به منظور نمونه برداری از آئروس‌های بیولوژیکی، از نمونه بردار Anderson تک مرحله ای استفاده شد. نمونه برداری به مدت ۱۰ دقیقه در میزان هوای ۲۸/۳ لیتر بر دقیقه (۰،۲۸۳ متر مکعب) انجام شد. نمونه‌ها با استفاده از جعبه سرد بلافاصله به آزمایشگاه منتقل شد و بمنظور رشد در انکوباتور قرار گرفت. شرایط محیطی شامل دما و رطوبت به وسیله دستگاه SPAR MAX اندازه‌گیری شد. برای نمونه برداری باکتری‌های هوا نیز از محیط کشت TSA and OGYE agar استفاده شد. داده‌ها با توجه به غلظت استاندارد ارائه شده در کتابچه OEL برای حجم آئروس‌ها به صورت باکتری (غلظت) 100 cfu/m^3 و برای حجم آئروس‌ها به صورت قارچ (غلظت) 50 cfu/m^3 تفسیر شد.

یافته‌ها: غلظت نمونه باکتری $636,04 \text{ cfu/m}^3$ و غلظت نمونه قارچ $24,7 \text{ cfu/m}^3$ بود. تعداد کلونی قارچ ۷ و کلونی باکتری 180 cfu لذا هوای بخش دیالیز از نظر آلودگی با قارچ مطلوب و به لحاظ آلودگی باکتریایی نامطلوب گزارش گردید. نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد وضعیت آلودگی هوای بخش دیالیز از نظر آلودگی باکتریایی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد، بالا بودن تعداد باکتری‌ها نداشتن تهویه مصنوعی مناسب در بخش می‌تواند از عمده عوامل موثر باشد. انجام اقدامات اصلاحی جهت مطلوب شدن شرایط محیطی بخش‌های بیمارستانی به دلیل وجود عوامل زیان‌آور بیولوژیکی توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: بیوآئروس‌ها، بیمارستان، قارچ، باکتری



اندازه‌گیری عوامل زیان آور استرس شغلی محیط کار در بخش‌های درمانی بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان

میترا عابدی؛ دانشجوی کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

شیمایا نیکبخت؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، مجتمع آموزش عالی سلامت و بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مینا کریم زاده؛ کارشناس مهندسی بهداشت حرفه‌ای، بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مقدمه: استرس شغلی به واکنش افراد به موقعیت‌های شغلی گفته می‌شود که موجب تاثیر و خروج رفتار افراد از دایره هنجار می‌شود. تجربه استرس شغلی تاثرات زیانباری بر سلامت فیزیکی و روانی افراد دارد. مسأله مهم دیگر تاثیری است که استرس شغلی بر عملکرد سازمان‌ها دارد. استرس شغلی زمینه‌ساز غیبت از کار، خروج از سازمان و سوانح حین کار است که سالیانه هزینه‌های زیادی را به سازمان‌ها تحمیل می‌کند. بر همین اساس شناخت، اندازه‌گیری و کنترل آن برای هر سازمان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. **روش کار:** این مطالعه به صورت توصیفی - مقطعی و بر روی کلیه پرسنل درمانی (پرستار، ماما، کادر اتاق عمل و بیهوشی) بیمارستان امام خمینی (ره) شیروان در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت. جهت سنجش میزان استرس شغلی از پرسشنامه استاندارد^۱ HSE استفاده شد که شامل ۳۵ سوال در قالب لیکرت ۵ گزینه‌ای (۱-۲ ضعیف، ۳-۴ متوسط، ۴-۵ خوب و ۵-۶ بسیار خوب) با ۷ زیرمقیاس: تقاضا، کنترل، حمایت مسئولین، حمایت همکار، روابط، نقش و تغییر می‌باشد. قبل از توزیع پرسشنامه‌ها توضیحات درخصوص هدف مطالعه و محرمانه باقی ماندن پاسخ افراد ارائه شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS18 مورد تحلیل قرار گرفت و درغالب جدول و نمودار ارائه شد.

یافته‌ها: در مجموع ۱۸۲ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجه به انالیز و نمودار استرس شغلی در بخش درمانی، بالاترین نمره مربوط به زیرمقیاس نقش: (درک درست نقش‌های شغلی کارکنان) با میانگین نمره ۴/۳۵ و پایین‌ترین نمره مربوط به تقاضا: (چیزی که کار از شما تقاضا می‌کند و در واقع همان چیزی است که کار بر شما تحمیل می‌نماید و شما برای انجام آن استخدام شده‌اید) با میانگین نمره ۲/۹۹ بدست آمد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها بیشترین عامل ایجاد استرس شغلی در پرسنل درمانی مربوط به زیرمقیاس تقاضا می‌باشد. ارتقاء شاخص‌های رفاهی فضای کاری و استراحت، منظم کردن برنامه کاری شاغلین، بهبود روابط بین سازمانی می‌تواند در کاهش استرس شغلی موثر باشد. همچنین شناسایی پرسنل آسیب‌پذیر که مستعد ابتلا به درجات بالاتری از استرس می‌باشند، شناسایی اختلالات روانی مثل افسردگی، اضطراب، کم‌خوابی در شاغلین و اقدام به درمان آن‌ها و فراهم کردن زمینه حمایت روانی و اجتماعی از فرد شاغل، گسترش روابط مشارکتی پرسنل در انجام وظایف، دخالت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، تلاش برای برطرف کردن مشکلات آن‌ها در کنترل استرس شغلی نقش چشمگیری دارد و می‌تواند بسیار موثر باشد.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، کادر درمانی، پرسشنامه HSE

^۱ Health and Safety Executive



بررسی ارتباط مشخصات آنتروپومتریکی راننده و مشخصات ساختاری کامیون بر میزان مواجهه شغلی با ارتعاش تمام بدن

حامد معتمدی نژاد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. hamotamedi@gmail.com

پروین نصیری؛ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
محمدرضا منظم؛ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و پژوهشکده محیط زیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

کمال اعظم؛ دانشیار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
بهرام هراتی؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: رانندگان کامیون در صنعت حمل و نقل با ارتعاش تمام بدن مواجهه دارند. هدف این مطالعه تعیین اثر جرم بدنی، قد و شاخص توده بدنی (BMI) راننده و مشخصات ساختاری کامیون بر میزان مواجهه راننده با ارتعاش تمام بدن و پیشنهاد اقدامات کنترلی می‌باشد. **روش بررسی:** در این مطالعه شتاب RMS وزنی - فرکانسی و مقادیر دوز ارتعاش (VDV) بر اساس استاندارد ISO 2631-1(97) در مراحل قبل و بعد از بارگیری کامیون در وضعیت‌های خودرو در حال حرکت و حالت ساکن (کارکرد درجا) و در شرایط کار واقعی با استفاده از دستگاه ارتعاش سنج سه محوره و آنالیزور SVAN 958 اندازه‌گیری شد. در مطالعه حاضر مواجهه با ارتعاش تمام بدن بر روی ۳۸ کامیون کشنده و اتاق‌دار بر اساس زمان‌های مواجهه روزانه ارزیابی شد.

نتایج: بین جرم بدنی، قد و BMI راننده هیچ‌گونه ارتباط آماری معنی‌داری با مقدار دوز ارتعاش ۸ ساعته در راستای محور غالب (Z) و در هیچ‌یک از وضعیت‌های خودرو در حال حرکت و دارای بار یا بدون بار اثبات نشد ($P > 0.05$). درحالی‌که بین جرم بدنی و مقدار دوز ارتعاش برآیند در کامیون‌های کشنده در وضعیت خودرو در حرکت و تریلی بارگیری شده از نظر آماری ارتباط معنی‌داری مشاهده شد ($r = -0.508$ و $p = 0.031$). همین‌طور بین BMI و مقدار دوز ارتعاش برآیند سه جهته در کامیون‌های کشنده در وضعیت خودرو در حرکت و تریلی بارگیری شده ($r = -0.577$ و $p = 0.012$) و کامیون ۸ تن بنز در موقع حرکت و بارگیری شده ($r = -0.776$ و $p = 0.024$) از نظر آماری ارتباط معنی‌داری وجود داشت. در این مطالعه مقادیر شتاب ارتعاشی تولیدی برآیند با مشخصات ساختاری کامیون از قبیل (کارخانه سازنده، سن کامیون، قدرت موتور کامیون (hp)، وزن کامیون، محل قرارگیری موتور، نوع صندلی راننده) بررسی شد که این اطلاعات از طریق مصاحبه با رانندگان جمع‌آوری شد. مدل رگرسیون چندگانه با روش backward نشان داد که در: (۱) وضعیتی که کامیون‌ها در حرکت و بدون بار بودند؛ در نهایت مشخص شد که تنها متغیرهای پیش‌بینی‌کننده میانگین شتاب برآیند تولیدی در این وضعیت شامل سن کامیون ($\beta = 0.11$, $SE = 0.04$)، قدرت موتور ($\beta = 0.04$), $SE = 0.12$ و $\beta = 0.12$, $SE = 0.12$), محل موتور ($\beta = 0.562$, $SE = 1.523$) و نوع صندلی راننده ($\beta = 3.159$, $SE = 1.095$) می‌باشند. (۲): وضعیتی که کامیون‌ها در حرکت و دارای بار بودند؛ بین هیچ‌یک از متغیرهای مستقل پیش‌بینی‌کننده و میانگین شتاب برآیند تولیدی ارتباط خطی وجود نداشت. (۳): وضعیتی که کامیون‌ها در حالت ساکن (کارکرد درجا) و بدون بار بودند تنها متغیرهای مستقل پیش‌بینی‌کننده شتاب برآیند تولیدی در این وضعیت شامل سن خودرو ($\beta = -0.17$, $SE = 0.08$) و نوع صندلی راننده ($\beta = 0.538$, $SE = 0.232$) می‌باشد. (۴): وضعیتی که کامیون‌ها در حالت ساکن (کارکرد درجا) و دارای بار بودند تنها متغیر مستقل پیش‌بینی‌کننده شتاب برآیند تولیدی در این وضعیت شامل سن خودرو ($\beta = 0.14$, $SE = 0.04$) می‌باشد.

نتیجه‌گیری: اثرگذاری جرم بدنی و BMI راننده در مواجهه با ارتعاش قویاً تحت تأثیر مرحله کاری و مشخصات ساختاری کامیون قرار می‌گیرد و مجموعه این عوامل در طراحی صندلی و سیستم‌های تعلیق برای کاهش مواجهه رانندگان کامیون با ارتعاش باید در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: ارتعاش تمام بدن؛ مشخصات آنتروپومتریکی راننده؛ مشخصات ساختاری کامیون؛ بارگیری؛ عدم بارگیری



ارزیابی ریسک بهداشتی مواجهه با ارتعاش تمام بدن در اپراتورهای لودر چرخدار

حامد معتمدی نژاد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. hamotamedi@gmail.com

الهی‌ار آقائی؛ کارشناس ارشد، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

بهمن پور حسن؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

بهرام هراتی؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: اپراتورهای لودر چرخدار در پروژه‌های عمرانی در حین عملیات خاک‌برداری با ارتعاش تمام بدن مواجهه دارند. بر اساس مطالعات اپیدمیولوژیکی این عامل زیان‌آور به‌عنوان یکی از ریسک فاکتورهای اختلالات اسکلتی-عضلانی مطرح است. این مطالعه باهدف سنجش ارزیابی میزان مواجهه شغلی با ارتعاش تمام بدن در حین کار اپراتور و تعیین ریسک بهداشتی آن و همچنین ارائه پیشنهادهایی بر پایه اقدامات کنترلی می‌باشد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی و مقطعی، شتاب RMS وزنی - فرکانسی بر اساس استاندارد (ISO 2631-1(1997 در شرایط کار واقعی با استفاده از دستگاه ارتعاش سنج سه محوره و آنالیزور SVAN 958 بر روی هشت دستگاه لودر چرخدار موقع خاک‌برداری و حفاری اندازه‌گیری شد.

نتایج: محور غالب ارتعاش در ۸۰ درصد موارد جهت X (جلو به پشت) بود. همچنین در ۵ دستگاه (۶۲/۵ درصد تجهیزات) در محدوده میانی ناحیه راهنمای هشدار بهداشتی (HG CZ) با ریسک بهداشتی متوسط و در ۳ دستگاه (۳۷/۵ درصد تجهیزات) در محدوده بالایی ناحیه راهنمای هشدار بهداشتی (HG CZ) با ریسک بهداشتی بالا بودند.

نتیجه‌گیری: تغییرات حرکتی ممتد در جهت جلو و عقب شدن لودر در موقع کار می‌تواند یک عامل مؤثر در غالبیت محور مواجهه در جهت X باشد، فلذا با توجه به اینکه این محور از جمله ریسک فاکتورهای اختلالات اسکلتی-عضلانی در ناحیه گردن محسوب می‌شود پیشنهاد می‌گردد که اپراتورهای لودر در موقع کار حتی‌المقدور از کمربند صندلی به‌عنوان یک وسیله حفاظتی استفاده کنند، همچنین تحقیقات بیشتری برای طراحی صندلی‌هایی حاوی مواد جاذب ارتعاش در ناحیه لومبار و پشتی صندلی انجام گیرد.

واژگان کلیدی: ارتعاش تمام بدن، اپراتور لودر، ریسک بهداشتی، مواجهه شغلی



سنتز نانوکامپوزیت شبکه پلیمری در هم نفوذ کرده پلی یورتان و پلی متیل متا آکریلات (PU/PMMA IPN) جهت مطالعه خواص آکوستیکی، حرارتی و مکانیکی

غلامرضا مرادی، پیمان حبیبی، محمد رضا منظم

مقدمه: کامپوزیت های پلیمری با ساختار شبکه های پلیمری در هم نفوذ کرده (IPN) به خاطر خواص بالای ویسکوالاستیک، در محدوده دمای انتقال شیشه ای بطور گسترده ای بعنوان مواد میرا کننده صوتی و ارتعاشی استفاده می شوند. در این مطالعه، دست یابی به اسفنج های حاصل از آمیخته شبکه PU و PMMA بصورت شبکه های پلیمری نفوذپذیر (IPN) با نسبت های مختلف بصورت 65/35, 75/25, 85/15 از طریق پروسه پلیمریزاسوین درجا تهیه شد. روش کار: خواص میرایی، پایداری حرارتی و مقاومت مکانیکی IPN ها، بطور سیستماتیک بر حسب نسبت ترکیبات مطالعه شد. مورفولوژی IPN با استفاده از SEM بررسی شد. جهت تعیین میزان ضریب جذب صوت در IPN ها از امپدانس تیوب دو میکروفنی در فرکانس یک اکتاو باند استفاده شد. پارامترهایی از قبیل تانزانت افت مکانیکی ($\tan\delta$) و دمای انتقال شیشه ای Tg همچنین افزایش سطح منحنی و فواصل دمایی با میرایی موثر ($\tan\delta > 0.3$) بعنوان شاخص جهت توانایی میرایی موثر استفاده شد. نتایج: مقایسه طیف پلی یورتان و پلی متیل متا آکریلات خالص با IPN های سنتزی، مورفولوژی نیمه امتزاج پذیری را از طریق گستردگی $\tan\delta$ نشان داد. همچنین نتایج آشکار کرد که با تشکیل ترکیب IPN، دمای انتقال شیشه ای به سمت دماهای بالاتر شیفت پیدا کرده و گستره دمایی میرایی (گستره دمایی با $\tan\delta > 0.3$) افزایش پیدا می کند، در نتیجه خواص میرایی PU/PMMA IPN بهبود می یابد. نتایج ضریب جذب صوت نیز نشان داد که بعلت تشکیل فوم IPN، عملکرد ماده در یک فرکانس خاص به شکل راکتیو یا تشدید درآمده و با افزایش نسبت PMMA در IPN، فرکانس رزونانس به سمت فرکانس های پایین کشیده می شود. نتیجه گیری: ارزیابی نتایج نشان می دهد که آمیخته های یاد شده مستعد داشتن اثر ویسکوالاستیک جهت میرایی صوتی هستند.

واژگان کلیدی: پلی یورتان، پلی متیل متا آکریلات، شبکه های پلیمری در هم نفوذ کرده (IPN)، جذب صوت، خواص میرایی



بررسی تعامل بین دست و ابزارهای دستی و عوامل مرتبط با آن - مطالعه مروری

مهدی معبودی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

ایمان دیانت؛ دانشیار، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
وحید محبی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

سینا صمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

زمینه و هدف : توجه به ویژگی‌های دست در طراحی ابزاردستی‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین در مطالعه حاضر با هدف گردآوری اطلاعات در خصوص تعامل بین دست و ابزاردستی و عوامل مرتبط با آن‌ها به منظور بهبود عملکرد و سلامتی به بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه پرداخته شد.

مواد و روش ها : در این پژوهش از پایگاه‌های داده Science Direct, Google Scholar و Web of Science برای جستجوی متون استفاده گردید. حدود ۱۶۰ مقاله و کتاب مورد بررسی قرار گرفت و از بین آن‌ها ۳۹ مقاله و یک کتاب برای تحقیق مناسب دانسته شد. مقالات مرتبط با دست و ابزار دستی، مقالات منتشر شده بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۸ و همچنین مقالات مرتبط با حیطه ارگونومی به عنوان معیارهای ورود مد نظر قرار گرفتند.

یافته ها : در بررسی مطالعات انجام شده برخی از آنها به بررسی آسیب‌های دست در استفاده از ابزارهای دستی پرداخته بودند که در این مطالعات عواملی چون ابعاد، شکل و جنس ابزاردستی، پوسچر مچ دست و همچنین ابعاد دست و ارتعاش آن در بروز آسیب‌های دست مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته بودند. در این زمینه عده‌ای از پژوهشگران به بررسی مزیت‌ها و معایب استفاده از دستکش در هنگام کار با ابزارهای دستی در پیشگیری از آسیب‌های تجمعی دست پرداخته بودند. برخی دیگر از مطالعات در زمینه طراحی ابزارهای دستی انجام شده بودند. همچنین فشار تماسی عامل مهم دیگری در طراحی ابزارهای دستی مطرح بود که در این خصوص به فاکتورهای مختلفی نظیر پوسچر کاری، وزن ابزار، نیروی چنگش، اندازه دستگیره ابزار و عادات کاری فردی اشاره شده بود. سایر مطالعات نیز عوامل زمینه‌ای همچون تغذیه، تجربه، پیری و دمای محیطی در ارتباط با چنگش دست را بررسی کرده بودند.

نتیجه گیری : تفاوت این پژوهش با موارد قبل در جامعیت آن می‌باشد. از نتایج به دست آمده می‌توان در طراحی ارگونومیک ابزارهای دستی در جهت کاهش عوامل زیان آور بر سلامتی و افزایش عملکرد استفاده کرد.

واژگان کلیدی : ارگونومی، دست، ابزاردستی، فشار/نیروی چنگش، آسیب دست



اهمیت استقرار سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE-MS) در بیمارستان‌ها

مریم بهشتی فر؛ کارشناس پرستاری، ایران، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
maryam.beheshtifar@gmail.com

زمینه و هدف: حوادث مرتبط با کار ممکن است موجب خسارت به انسان، محیط زیست و هم چنین اتلاف زمان و هزینه گردد. به منظور کاهش حوادث، سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE-MS) ایجاد گردیده است. در بین مشاغل مختلف، مشاغل مرتبط با عرصه خدمات بهداشت و درمان به خصوص در بیمارستان‌ها از این جهت که دارای منابع عظیمی از سرمایه‌های مرتبط با سلامت جامعه و از طرفی سرمایه‌های انسانی، فیزیکی، مالی و تجهیزاتی می‌باشند، اهمیت بسزایی می‌یابند. در این راستا در مطالعه حاضر به تبیین اهمیت استقرار سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE-MS) در بیمارستان‌ها پرداخته خواهد شد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق یک مطالعه مروری است که با جستجو در منابع کتابخانه‌ای، داده پایگاه‌های اینترنتی، از جمله: SID، Google Scholar، Magi ran و پایان نامه‌های مطالعات مرتبط با موضوع مورد نظر به دست آمده است.

نتایج: مخاطرات بالقوه‌ای نظیر: پرتوها، مواد شیمیایی سمی، پسماندهای بیمارستانی، حرارت، صدا، استرس و ... در بیمارستان وجود دارد، که کلیه کارکنان، بیماران، ملاقات کنندگان و در نهایت جامعه را در معرض این مخاطرات قرار می‌دهد و به دنبال آن هزینه‌هایی جهت زیان‌های مالی مستقیم و غیر مستقیم ناشی از حوادث در محیط کار را در بر خواهد داشت. لذا مسائل ایمنی در محیط بیمارستان به لحاظ اقتصادی، انسانی و اخلاقی از اهمیت زیادی برخوردار است که یکی از ارکان اساسی آن، به کارگیری برنامه‌های سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE-MS) برای کاهش وقوع و شیوع حوادث قابل پیشگیری است. جهت پیاده‌سازی این سیستم در بیمارستان‌ها بودن آگاهی و نگرش مطلوب و به دنبال آن عملکرد مناسب کارکنان نسبت به این مقوله مهم می‌باشد.

نتیجه‌گیری: از آنجا که مشاغل مختلف بیمارستانی در معرض گستره وسیعی از مخاطرات بالقوه می‌باشند، ارتقای سطح فرهنگ HSE سازمانی از طریق افزایش میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان از طریق آموزش‌های مستمر، تقریر رفتار ایمن و شناخت HSE به عنوان یک ارزش بنیادی سازمان، شناسایی نقاط ضعف و قوت مدیریت HSE قبل از وقوع حادثه و ... از سوی مدیران بیمارستان‌ها ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: HSE، HSE-MS، بیمارستان



مقایسه نتایج ارزیابی وظایف بلند کردن بار به سه روش WISHA، KIM-LHC و جداول SNOOK: مطالعه موردی در یک صنعت چاپ

سقراط عمری شکفتیک؛ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

ژاله صدقی نوش آبادی؛ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

آغا فاطمه حسینی؛ مربی، عضو هیئت علمی گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

شهرام وثوقی؛ استادیار، عضو هیئت علمی گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران
vosoughi.sh@iums.ac.ir

زمینه و هدف : در دنیای امروز، اختلالات اسکلتی-عضلانی به عنوان تهدیدی جدی برای نیروی کار تلقی می شوند و یکی از فعالیت هایی که منجر به بروز این مشکلات می شود، وظایف بلند کردن بار است. بالتبع کارگران شاغل در صنعت چاپ نیز درگیر پوسچرهای نامناسب و بلند کردن بار به صورت گسترده هستند. لذا مطالعه حاضر، با هدف مقایسه نتایج ارزیابی وظایف بلند کردن بار به روش های WISHA، KIM-LHC و جداول SNOOK در یک صنعت چاپ در شهر تهران انجام گرفته است.

مواد و روش ها : در این مطالعه مقطعی، ۵۸ نفر (در مجموع ۶۴ وظیفه) از کارکنان یک شرکت چاپ در شهر تهران، با استفاده از روش های مشاهده ای WISHA، KIM-LHC و جداول SNOOK مورد ارزیابی قرار گرفتند. به منظور نمونه گیری از روش سرشماری استفاده شد و تمام کسانی که درگیر وظایف بلند کردن بار بودند، مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شدند. در این مطالعه با توجه به اهداف مورد نظر، از آزمون های کای دو و فیشر استفاده شده است.

نتایج : مقایسه نتایج به دست آمده از ارزیابی بلند کردن بار با روش های WISHA و KIM-LHC نشان داد که ارتباط معناداری بین این دو روش وجود دارد ($P=0/005$). همچنین ارتباط معناداری بین نتایج حاصل از ارزیابی با روش های WISHA و جداول SNOOK مشاهده گردید ($P=0/006$) و در نهایت مقایسه نتایج ارزیابی بلند کردن بار با روش های KIM-LHC و جداول SNOOK نیز رابطه معنادار این دو روش را نشان داد ($P=0/046$).

نتیجه گیری : بر اساس نتایج این مطالعه، همبستگی بالایی بین سه روش مذکور وجود دارد و می توان از آنها به صورت جایگزین یکدیگر در ارزیابی وظایف بلند کردن بار، در صنعت چاپ، استفاده نمود.

واژگان کلیدی : اختلالات اسکلتی-عضلانی، بلند کردن بار، ارزیابی، WISHA، KIM-LHC، جداول SNOOK



ارزیابی و مدیریت ریسک خطرات در یکی از پالایشگاه منطقه جنوبی کشور

مهرزاد ابراهیم‌زاده؛ مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران و عضو گروه بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

غلامحسین حلوانی؛ عضو گروه بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

پریسا مظفری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

حمزه صالح زاده؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

hamzeh.salehzadeh@gmail.com

زمینه و هدف : توسعه منابع نفت و گاز، مخاطراتی جدی را به دنبال داشته و این صنایع را در زمره صنایع خطرناک قرار داده است. از این رو، امروزه رویکرد مبتنی بر پیشگیری، از طریق شناسایی و ارزیابی خطرهای مختلف مورد استقبال قرار گرفته است. این مطالعه به بررسی شناسایی خطرات بالقوه و رویدادهای اتفاقی که ممکن است به بروز حادثه منجر شود پرداخته و رویدادهای شناسایی شده بر حسب ریسک آن‌ها را رده بندی کرده و در نهایت کنترل‌های لازم برای شناسایی خطرات و اقدامات اصلاحی را ارائه کرده است.

مواد و روش ها : در مطالعه توصیفی- تحلیلی- مقطعی حاضر به منظور شناسایی خطرات بالقوه از روش آنالیز مقدماتی خطر (PHA) استفاده شد. سپس وضعیت ریسک نقاط خطر ارزیابی شد. در نهایت اقدامات کنترلی و اصلاحی لازم را اتخاذ و به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد که در مجموع ۲۱ نقطه خطر در واحد عملیاتی پالایشگاه شناسایی شد که از این میان، ۵۲/۳۸٪ در ناحیه ریسک غیر قابل تحمل (۱۱ مورد)، ۱۴/۲۹٪ در ناحیه ریسک متوسط (۳ مورد)، ۱۹/۰۴٪ در ناحیه ریسک قابل تحمل (۴ مورد) و ۱۴/۲۹٪ در ناحیه ریسک ایمن قرار داشتند (۳ مورد). بررسی‌های انجام شده نشان داد که قسمت عمده ریسک‌های شناسایی شده؛ اعم از غیر قابل تحمل و متوسط، به علت وجود نقص در سیستم‌های طراحی و نیز عدم وجود دستورالعمل‌های لازم و آموزش‌های کافی برای کارکنان می‌باشد.

نتیجه گیری : روش PHA قادر به ارزیابی خطرات ترکیبی یا نحوه بروز خطای همزمان نمی‌باشد، و نیز احتمال خطا در ارزیابی به علت عدم انتخاب صحیح فازهای عملیاتی، وجود دارد.

کلید واژه‌ها: ارزیابی ریسک، آنالیز مقدماتی خطر، پالایشگاه



ارزیابی فرهنگ ایمنی و عوامل موثر بر آن در یکی از معادن مرکزی کشور

مهرزاد ابراهیم زاده؛ مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران و عضو گروه بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

حمزه صالح زاده؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

سونای قادری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، کردستان، ایران.

Ghaderisona1375@gmail.com

زمینه و هدف : فرهنگ ایمنی هسته سیستم مدیریت ایمنی یک سازمان است که به عنوان پتانسیل حرکت سازمان برای دستیابی به استانداردهای بالاتری از ایمنی در نظر گرفته می شود. هدف این مطالعه بررسی فرهنگ ایمنی و عوامل موثر بر آن در کارگران یکی از معادن مرکزی کشور بود.

مواد و روش ها : مطالعه توصیفی- تحلیلی حاضر بر روی ۲۲۳ نفر از کارگران شاغل در معدن سنگ آهن بافق در سال ۱۳۹۳ صورت گرفته است. به منظور بررسی وضعیت فرهنگ ایمنی و عوامل موثر بر آن از پرسشنامه استاندارد فرهنگ ایمنی مشتمل بر ۸۰ سوال استفاده شد. ۷۵ سؤال مربوط به فرهنگ ایمنی و ۶ سؤال مربوط به حادثه به صورت تشریحی (پرسشنامه سابقه حادثه) طراحی گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون های آماری کای دو و t مستقل آنالیز گردید.

نتایج: یافته ها مطالعه نشان داد که میانگین و انحراف معیار سن، سابقه کار و نمره فرهنگ ایمنی افراد مورد مطالعه به ترتیب $34/14 \pm 7/8$ و $6/4 \pm 12/17$ سال و $33/4 \pm 256/6$ بود. در مجموع، ۶۰ نفر سابقه حادثه داشتند که شایعترین علت آنها بی احتیاطی (۵۶/۷٪) بود. بین نمرات فرهنگ ایمنی سابقه کار و سابقه داشتن حادثه رابطه معنی دار وجود داشت بطوریکه درصد فرهنگ ایمنی مثبت در افراد دارای سابقه حادثه از درصد افراد بدون سابقه حادثه بیشتر بود. بین متغیرهای سن، تحصیلات و تاهل با فرهنگ ایمنی رابطه معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری : به نظر می رسد که فرهنگ ایمنی بیشتر متأثر از سابقه حادثه بوده و رابطه معنی دار با سابقه حادثه دارد. لذا به منظور بهبود فرهنگ ایمنی باید بر روی فاکتورهایی از جمله آموزش ایمنی، استفاده از کارکنان با تجربه و آنالیز حوادث سرمایه گذاری کرد.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایمنی، حادثه، معدن سنگ، عوامل موثر بر ایمنی



Effects of Stress management training program on stress reduction among surgical technologist in Tabriz University of Medical Sciences in 2016

S Hanani, MSc in nursing, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

R Mohebi, MSc Student of Operation room, Student Research Committee, Faculty of allied medicine Branch, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

S Teymoori, MSc Student of Operation room, Student Research Committee, Faculty of allied medicine Branch, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

D Nikbakht, MSc Student of Operation room, Student Research Committee, Faculty of allied medicine Branch, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

V Rahmani, MSc Student of Operation room, Student Research Committee, Faculty of allied medicine Branch, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

E-mail: Vahid.rahmani.73@gmail.com

Background and Aim: Job stress can have many negative consequences. The present study aimed to determine the effect of stress management training program on stress reduction among surgical technologist in Tabriz University of Medical Sciences.

Materials and Methods: This study was a quasi-experimental study. Participants were 58 surgical Technologist in Tabriz University of Medical Sciences. The study included all operating room personnel (n=58) of Tabriz University of Medical Sciences, who were divided into two equal groups included (n=29) intervention and (n=29) control group. The data collection tool was a self-administered questionnaire, the intervention was a training program including two sessions during 4 weeks. Then the data analyzing was applied using SPSS 19.

Results: The results of this study showed that the average scores of knowledge and attitude in intervention group is higher than the control group after the intervention. behavior factors and reinforcing factor and Enabling factors were significantly different between the two groups after intervention. In addition, total score of stress and subarea of stress indicated the effectiveness of this approach in reducing job stress among surgical technologist.

Conclusion: The results of this study showed that Provide educational programs may be effective in reducing stress among surgical technologist.

Keywords: stress, educational programs, operation room, Tabriz

سنجش و ارزیابی آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل درون شهری در محوطه ی
اطراف بیمارستان های منتخب شهر تبریز



شمس الدین ساعد؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

امیررضا ابویی مهریزی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

Email: aramirreza818@gmail.com

زمینه و هدف: بیمارستان به عنوان محیط ارائه ی خدمات درمانی، تحت تاثیر منابع تولید آلودگی صوتی قرار دارد. این مسئله می تواند از جنبه های بهداشتی و آسایشی بر بیماران و کارکنان تاثیرات منفی داشته باشد. لذا این مطالعه به بررسی میزان آلودگی صوتی و طراحی مانع صوتی با مشخصات مناسب برای کاهش صدای ناشی از حمل و نقل وسایل نقلیه با استفاده از نرم افزار TNM، در اطراف بیمارستان های منتخب شهر تبریز انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی - مقطعی در سه ماهه ی اول (فصل بهار) در سال ۱۳۹۷ در چهار بیمارستان منتخب دولتی شهر تبریز در بخشهای اورژانس، اتاق عمل و بخش مراقبتهای ویژه بصورت تصادفی جهت سنجش و ارزیابی آلودگی صوتی در داخل بیمارستان و محوطه ی اطراف بیمارستان ها در دو نوبت صبح و بعدازظهر در طول ده روز انجام شد. صداسنج آنالیزور دار استفاده شده در این پژوهش مدل TES 1356 بود که قبل از هر اندازه گیری، کالیبره بودن آن کنترل شد. فاکتورهای اصلی اندازه گیری شده عبارت بودند از: $SPL_{max}(db)$ ، $SPL_{min}(db)$ ، $L_{Aeq}(db)$ برای ارزیابی آلودگی صوتی محوطه ی اطراف بیمارستانها، دو بیمارستان انتخاب شد، سپس با استفاده از صدا سنج در نقاطی انتخابی اندازه گیری صورت گرفت. سپس با نرم افزار TNM محاسبات و مدل های مورد نظر برای طراحی مانع های صوتی، جهت رسیدن به کاهش صدای مورد نظر محاسبه گردید.

یافته ها: نتایج حاصل از مدلسازی صوتی نشان داد که با استفاده از موانع صوتی با مشخصات مناسب، شاهد کاهش آلودگی صوتی به میزان ۶ الی ۲۴ دسی بل خواهیم بود. در کل پس از مقایسه نتایج صدا سنجی با استاندارد (تراز معادل صوتی ۳۰ دسی بل)، وجود آلودگی صوتی در بیمارستانهای منتخب کاملاً مشهود بود.

نتیجه گیری: ترافیک شهری عامل اصلی آلودگی هوا، تصادفات و آلودگی صوتی است. بنابراین پیشنهاد می شود کنترل های مهندسی و مدیریتی متناسب در بیمارستان ها، جهت کاهش آلودگی صوتی انجام شود.

واژگان کلیدی: آلودگی صوتی، حمل و نقل دورن شهری، مدل TNM، بیمارستان

بررسی شیوع اختلالات اسکلتی - عضلانی در کوهنوردان یکی از گروه های

کوهنوردی تهران با استفاده از پرسشنامه نوردیک



آذر برزگار، مرضیه درویشی

زمینه و هدف: یکی از عمده ترین علل ناتوانی در بسیاری از کشورها، اختلالات اسکلتی-عضلانی است که سالانه بار اقتصادی قابل توجهی را به خود اختصاص می دهد. با توجه به اینکه ورزشکاران به خصوص کوهنوردان دارای فعالیت هایی هستند که بیشتر در معرض این اختلالات قرار دارند و تاکنون مطالعات در زمینه بررسی شیوع این اختلالات انجام نشده است برآن شدیم تا مطالعه ای به منظور تعیین میزان شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در نواحی گوناگون بدن، ارزیابی ارگونومیک فعالیت ها و فاکتورهای موثر در بروز آنها در بین کوهنوردان یکی از گروههای کوهنوردی تهران انجام دهیم.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی و در سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این مطالعه ۸۶ نفر از کوهنوردان یکی از گروه های کوهنوردی شهر تهران به روش نمونه گیری ساده (در دسترس) انتخاب شدند. به منظور تعیین میزان شیوع اختلالات در اندامهای گوناگون بدن از پرسشنامه نوردیک استفاده شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: براساس نتایج، ۵۶ نفر (۶۵،۱٪) از شرکت کنندگان در مطالعه مرد و ۳۰ نفر (۳۴،۹٪) خانم، میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۳،۸۶ (انحراف معیار=۸،۳۴) سال و میانگین سابقه کوهنوردی آنها ۸،۳۰ (انحراف استاندارد ۸،۰۵ سال) بود، بعد از بررسی نتایج شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در زانو ۴۸،۸٪، در ناحیه کمر ۴۳٪ و گردن ۳۲،۶ درصد بدست آمد.

نتیجه گیری: شیوع اختلالات در کوهنوردان در نواحی زانو و کمر بالا است. با توجه به این موضوع، اجرای برنامه های مداخله ای ارگونومی ضروری به نظر میرسد. آموزش و آگاه کردن کوهنوردان از اصول ارگونومی، نحوه چینش وسایل در کوله پشتی برای کاهش فشار وارده بر ستون فقرات، انجام حرکات نرمشی قبل از شروع به فعالیت، استفاده از تجهیزات استاندارد مانند کوله پشتی مناسب، کفش استاندارد کوهنوردی و باتوم مناسب را می توان از اجزای برنامه مداخله ای در کاهش این آسیب ها دانست.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی-عضلانی؛ کوهنوردی؛ پرسشنامه نوردیک

ارزیابی و مدیریت ریسک ایمنی به روش FMEA در یکی از شرکت های پیمانکاری انتقال خطوط لوله نفت

مهدی میررضایی، حسین ابراهیمی، سمیرا برکات



مقدمه: نفت و گاز از منابع مهم سوخت در جهان هستند بیشتر این سوخت ها از یک مکان به مکان دیگر توسط لوله منتقل میشوند. خطوط لوله در جهان در معرض عوامل محیطی مهاجم، فرسوده شدن لوله ها، طراحی نامناسب، حفاظت و نگهداری ضعیف؛ قرار دارند. امروزه ارزیابی ریسک به روش FMEA یک روش مؤثر و کارآمد در شناسایی و مدیریت ریسک در واحدهای صنعتی به شمار می رود. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی و مدیریت ریسک ایمنی به روش FMEA در یکی از شرکت های پیمانکاری انتقال خطوط لوله نفت انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی و از نظر زمان مقطعی بود که در یکی از شرکت های پیمانکاری انتقال خطوط لوله نفت جهت شناسایی و ارزیابی ریسک از روش FMEA استفاده شد و طبق نمره RPN به دست آمده در مورد اجرای اقدامات اصلاحی تصمیم گیری شد.

نتایج: در مطالعه ی حاضر ۱۱ واحد مورد ارزیابی ریسک به روش FMEA قرار گرفتند. نتایج این مطالعه نشان داد که در ۱۱ واحد مورد ارزیابی تعداد خطرات با نمره ی RPN برابر یا بیشتر از ۱۰۰، بالاتر از تعداد خطرات با نمره RPN کمتر از ۱۰۰ بودند. بیشترین نمره مربوط به بخش HSE و انبار و کمترین نمره مربوط به خدمات بود. به طور کلی نمره RPN در هر سه واحد کمپ، اداری و اجرا بالای ۱۰۰ به دست آمد. بعد از اجرای اقدامات اصلاحی مناسب نمره RPN در هر سه واحد به کمتر از ۱۰۰ کاهش یافت.

نتیجه گیری: بیشتر خطرات شناسایی شده مربوط به عدم رعایت اصول ایمنی، ارگونومیکی و بهداشتی بود بنابراین اهمیت دادن به روش های ارزیابی ریسک و مخصوصا FMEA که یک روش شناخته شده در بحث ایمنی می باشد در کاهش حوادث و پیشگیری از بروز آن موثر است.

واژگان کلیدی: شناسایی، ارزیابی ریسک، مدیریت ریسک، FMEA، ایمنی

تاثیر توام صدا و نوبت کاری بر فشار خون و شنوایی کارگران یک کارخانه تولید قند

سمیرا فنایی؛ کارشناس، مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران



مجید فلاحی؛ استادیار، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار،

سبزوار، ایران

صدیقه رستاقی؛ مربی، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
mjfllh@yahoo.com

مقدمه : صدا و نوبت کاری هر یک به طور مستقل باعث ایجاد بیماری ها و ناراحتی های مختلف در افراد در معرض می شوند. این مطالعه به منظور تعیین اثرات توام صدا و نوبت کاری بر فشار خون و شنوایی کارگران انجام شد. **روش کار:** در این مطالعه توصیفی - تحلیلی، تعداد ۷۰ نفر از کارگران از نظر مواجهه با صدا و نوبت کاری و ارتباط آنها با فشار خون و شنوایی بررسی شد. ابتدا میزان صدا در قسمت های مختلف با دستگاه صداسنج (CEL-450) اندازه گیری و سپس با استفاده از فرمول تراز معادل ۸ ساعته میزان مواجهه هر فرد با صدا محاسبه شد. اطلاعات مربوط به افراد که شامل: فشار خون (سال ۹۳-۹۶)، آزمون شنوایی سنجی (سال ۹۳ - ۹۶)، نوبت کاری و عدم نوبت کاری و... از طریق پرونده پزشکی افراد جمع آوری شد. اطلاعات با نرم افزار SPSS.20 و آزمون های همبستگی اسپیرمن، فریدمن و Mann-Whitney تجزیه و تحلیل شد.

نتایج : میزان تراز معادل ۸ ساعته برای همه افراد کمتر از ۸۵ دسی بل محاسبه شد. بین سابقه کار، مصرف سیگار، فشار خون و سایر متغیرها با تراز معادل صدا رابطه معناداری یافت نشد ($P>0/05$). بین نوبت کاری و شنوایی در سال های ۹۳ تا ۹۶ رابطه معناداری یافت نشد ($P>0/05$). بین نوبت کاری و فشار خون در سال های ۹۳ تا ۹۶ رابطه معناداری یافت نشد ($P>0/05$). بین تراز معادل صدا و شنوایی در سال های ۹۴ و ۹۶ رابطه معناداری یافت شد ($P<0/05$). **نتیجه گیری :** نتایج این مطالعه نشان داد که نوبت کاری تأثیری بر فشار خون و شنوایی افراد ندارد. تراز معادل صدای ۸ ساعته نیز تأثیری روی فشار خون نداشت، ولی بین تراز معادل صدا و تغییرات شنوایی نمی توان اظهار نظر قطعی کرد، زیرا نتایج به دست آمده در سال های ۹۴ و ۹۶ بیانگر رابطه معنادار بین صدا و شنوایی است، از اینرو نیاز به بررسی های بیشتر در آینده است.

واژگان کلیدی : صدا، نوبت کاری، فشار خون، افت شنوایی

بررسی کیفیت زندگی و ارتباط آن با استرس شغلی در پرسنل سه بیمارستان شهرستان سبزوار در سال ۱۳۹۶

مريم حسن نژاد؛ کارشناس، مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
راضیه زعفرانی؛ کارشناس، مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران



اعظم باصره؛ کارشناس، مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
مجید فلاحي؛ استادیار، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
mjfillh@yahoo.com
صدیقه رستاقی؛ مربی، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

مقدمه: یکی از عوامل موثر بر عملکرد افراد در سازمان ها، استرس در سازمان است که سلامت بسیاری از افراد را در معرض خطر می دهد. پیامدهای استرس شغلی منجر به نارضایتی شغلی و رها کردن حرفه می شود. استرس شغلی به عنوان یکی از مهمترین مخاطرات حرفه ای در صنعت سلامت مخصوصا در بیمارستان ها مطرح است که می تواند کیفیت زندگی افراد را تحت الشعاع قرار دهد. لذا این مطالعه با هدف بررسی کیفیت زندگی و ارتباط آن با استرس شغلی در پرسنل سه بیمارستان شهرستان سبزوار انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۲۴۰ نفر از پرسنل سه بیمارستان شهرستان سبزوار انجام گردید. جهت جمع آوری داده ها از دو پرسش نامه استرس شغلی HSE و پرسش نامه کیفیت زندگی SF-36 و به منظور تعیین مشخصات دموگرافیک از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ و آزمون های توصیفی، تحلیل واریانس و همبستگی پیرسن و اسپیرمن در سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد.

نتایج: در مطالعه حاضر میانگین کیفیت زندگی در مجموع $128/03 \pm 286/87$ بود که به ترتیب بیشترین و کمترین امتیاز مربوط به بعد عملکرد جسمی و بعد سرزندگی با میانگین $84/93$ و $63/19$ است. میانگین استرس شغلی در کل پرسنل $119/24 \pm 16/18$ بود که نشان دهنده سطح استرس زیاد در بین پرسنل است. نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه معنادار معکوس، بین کیفیت زندگی و مجموع استرس شغلی را نشان داد ($P < 0.05$). همچنین بین مجموع استرس شغلی و مشخصات دموگرافیک رابطه معناداری مشاهده نشد، اما بین بعضی از گویه های استرس شغلی با بعضی از متغیرهای دموگرافیک ارتباط معنادار وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های حاصل از پژوهش میزان استرس شغلی پرسنل زیاد است. همچنین بین کیفیت زندگی و استرس شغلی رابطه معنادار معکوس مشاهده شد که می توان با ارائه راه حل های مناسب، وضعیت کیفیت زندگی را مطلوب و استرس شغلی را کاهش داد.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، کیفیت زندگی، بیمارستان

ارزیابی ریسک کارخانه آرد خوشه ی گندم به روش ردیابی انرژی و آنالیز موانع در استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶

افسانه ملکی



زمینه و هدف: آرد یکی از اساسی‌ترین ماده در رژیم غذایی است. از این رو کارخانه‌های زیاد در سراسر کشور سالانه به تولید این ماده باارزش می‌پردازند و روز به روز هم تکنولوژی آن‌ها پیشرفته‌تر و به تبع آن خطرات آن هم زیاده‌تر می‌شوند. از این رو برای شناسایی و بررسی خطرات روش‌های متعددی به وجود آمد که یکی از این روش‌ها Energy Trace and Barrier Analysis (ETBA) است. در این تکنیک حادثه به عنوان آزاد شدن انرژی ناخواسته ای است که با بررسی دقیق سیستم و شناسایی خطرات آن می‌توان از چنین انرژی‌های ناخواسته ای پیشگیری کرد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک پژوهش از نوع موردی (case study) به شمار می‌رود که در جهت ارزیابی ریسک در قسمت پاک‌کننده کارخانه ی آرد در کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این تحقیق با استفاده از تکنیک ETBA، ریسک‌های بالقوه شناسایی و با استاندارد MIL-STD-882B به صورت کیفی ارزیابی شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد و نقشه‌های کارخانه و دستگاه‌ها استفاده شد و در نهایت برگه‌های ETBA تکمیل گردید. **نتایج:** در مجموع ۵۱ ریسک شناسایی شد که ۸ ریسک غیر قابل قبول، ۱۴ ریسک نامطلوب، ۱۹ مورد ریسک قابل قبول با تجدید نظر و ۱۰ مورد ریسک قابل قبول بدون تجدید نظر بودند. دستگاه پوست‌گیر با ۱۹ مورد ریسک، بیشترین ریسک شناسایی را داشت. ۲۹ مورد از ریسک‌های شناسایی شده در طبقه ریسک‌های قابل قبول قرار داشتند. انرژی‌های پتانسیل، گرد و غبار و صدا به ترتیب ۱۳،۶ و ۵ مورد ریسک شناسایی شد که بیشترین این انرژی‌های مخاطره‌آمیز بودند. **نتیجه‌گیری:** این تحقیق، بررسی‌های دوره‌ای از تجهیزات و افراد، تعمیرات قسمت‌های معیوب، استفاده از عایق‌های صوتی و ماسک فیلتر دار و گوشی‌های حفاظت فردی را برای کاهش خسارت و آسیب موثر می‌داند.

واژگان کلیدی: ETBA، انرژی، ارزیابی ریسک



بررسی کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در پرسنل آتش نشانی شهرستان شاهرود

زهرا مرادپور، قاسم حسام، ناهیده سرطاوی، فریده خسروی

مقدمه: سلامت جسمی و روانی هر فردی به شدت به خواب کافی و رضایتمندی از خواب مرتبط می‌باشد. اختلالات خواب یکی از جدی‌ترین خطرات شغلی خدمات آتش‌نشانی مدرن می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در پرسنل آتش‌نشانی انجام گردید.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی می‌باشد که بر روی تمامی پرسنل آتش‌نشانی شهرستان شاهرود در سال ۱۳۹۶ صورت پذیرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و شاخص کیفیت خواب پیتزبورگ بود که به صورت مصاحبه با شرکت‌کنندگان تکمیل گردید. اطلاعات به وسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۱۶ تحلیل شد.

نتایج: کیفیت خواب پرسنل آتش‌نشانی با نمره $7/65 \pm 2/98$ کیفیت خواب بد می‌باشد. ابعاد تأخیر در به خواب رفتن، مدت زمان خواب، اختلال خواب و عملکرد نامناسب در طول روز، ارتباط معناداری با کیفیت خواب دارند ($p < 0/05$). تحلیل رگرسیون نشان داد نمره کیفیت خواب رابطه قوی با سن و BMI دارد ($r = 0/701$ و $p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد کیفیت خواب پرسنل آتش‌نشانی شهرستان شاهرود مناسب نمی‌باشد. از آنجاییکه کیفیت خواب افراد جوان مناسب‌تر بوده است پیشنهاد می‌شود از افراد جوان برای انجام عملیات استفاده شود. همچنین کاهش وزن افراد دارای اضافه وزن می‌تواند کیفیت خواب آنها را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: کیفیت خواب، پرسشنامه پیتزبورگ، آتش‌نشانی



بررسی همبستگی بین روش ارزیابی خستگی ماهیچه (MFA) و پرسشنامه اختلالات اسکلتی عضلانی کرنل (CMDQ): مطالعه موردی در رانندگان تاکسی درون شهری شهرستان شاهرود

زهرا مرادپور، قاسم حسام، مژگان رضایی، زهرا ترابی، فریده خسروی

مقدمه: ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی در رانندگان وسایل نقلیه عمومی بسیار شایع بوده و رانندگان شیوع بالاتری از این اختلالات را نسبت به دیگر گروه‌های شغلی نشان می‌دهند. هدف مطالعه حاضر، بررسی همبستگی نتایج دو روش MFA و CMDQ در رانندگان تاکسی درون شهری بوده است.

روش کار: مطالعه حاضر به شکل توصیفی تحلیلی و به صورت مقطعی بر روی ۱۴۰ رانندگان تاکسی درون شهری شهرستان شاهرود در سال ۱۳۹۶ انجام شد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه CMDQ و چارت MFA جمع آوری شد. تجزیه تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ توسط آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) و آمار استنباطی (ضریب اتا) انجام شد.

نتایج: نتایج MFA نشان داد ۸۲ درصد از خستگی عضله ناحیه کمر در سطح خیلی زیاد می‌باشد. نتایج CMDQ نیز نشان داد بیشترین ناراحتی اسکلتی عضلانی در ناحیه کمر و کمترین ناراحتی در ناحیه ساعد می‌باشد. نتایج همبستگی ضریب اتا بین روش MFA و CMDQ نشان داد تنها در نواحی گردن و بازو/آرنج ضریب اتا کمتر از ۰/۵ می‌باشد.

نتیجه گیری: همبستگی مناسب بین نتایج روش MFA و CMDQ نشان داد می‌توان بجای استفاده از روش CMDQ که روشی خود گزارش‌دهی می‌باشد و امکان عدم همکاری یا گزارش غیر واقعی وجود دارد، از روش MFA که روش مشاهده‌ای می‌باشد استفاده نمود.

واژگان کلیدی: ارزیابی خستگی ماهیچه، پرسشنامه اختلالات اسکلتی عضلانی کرنل، رانندگان تاکسی



شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر در بروز حوادث سقوط از ارتفاع در پروژه‌های ساختمانی به روش تحلیل سلسله مراتبی

محمد حسین چالاک، شهرام وثوقی، سجاد رستم زاده، منوچهر جهان پناه

مقدمه: در صنعت ساخت و ساز حوادث سقوط از ارتفاع بزرگ‌ترین علت مرگ و میر کارگران است و پیشگیری از آن مولفه‌ای تاثیرگذار در برنامه مدیریت ایمنی کارگاه‌های ساختمانی می‌باشند. لذا شناسایی، درک و اولویت‌بندی علل گوناگون حوادث سقوط از ارتفاع به منظور تنظیم راهبردهای مدیریتی الزامی است.

روش کار: تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به صورت مقطعی در پنج پروژه عمرانی در منطقه صنعتی پارس جنوبی انجام شد. در این تحقیق پس از بررسی مستندات سیستم مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست پروژه‌ها و تجزیه و تحلیل ۳۷۴ حادثه شد که از بین آنها ۷۴ حادثه از نوع سقوط از ارتفاع بود. علل حوادث سقوط از ارتفاع براساس نظر خبرگان به ۳ گروه عوامل اصلی شامل عوامل فردی، سازمانی و محیطی و ۱۴ زیرعامل تقسیم شدند. پایایی پرسشنامه خبرگان که مبتنی بر مقایسه زوجی طراحی شده بود با توجه به نرخ سازگاری سئوالات پرسشنامه ($CR < 0.1$) مورد تایید قرار گرفت. سپس با استفاده از تکنیک AHP و استفاده از نرم‌افزار Expert choice نسخه ۱۱ وزن نسبی معیارها تعیین گردید و رتبه‌بندی عوامل اصلی و زیر عوامل تعیین شد.

نتایج: نتایج حاصل از بررسی سازگاری نشان داد که نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده همگی کوچکتر از ۰/۱ می‌باشد، و مقایسه‌های انجام شده سازگار است. همچنین نتایج حاصل از تکنیک AHP نشان داد که عوامل محیطی با وزن ۰/۳۵۹ در اولویت اول، عوامل فردی با وزن ۰/۳۵۱ در اولویت دوم و عوامل سازمانی با وزن ۰/۲۹۰ در اولویت سوم وقوع حوادث سقوط از ارتفاع قرار دارند. همچنین در بین تمامی زیرعوامل مورد بررسی ارتفاع سکوی کار، استرس‌های روانی/شغلی و فرهنگ ایمنی به ترتیب بالاترین اولویت را داشتند.

نتیجه گیری: براساس یافته‌های تحقیق، در یک برنامه مدیریت ایمنی جهت کاهش حوادث سقوط از ارتفاع بایستی بیشترین توجه را به عوامل محیطی و فردی معطوف داشت و اقدامات کنترلی برای این عوامل را در اولویت قرار داد.

واژگان کلیدی: پروژه‌های ساختمانی، تحلیل سلسله مراتبی، سقوط از ارتفاع، مدیریت حوادث.



تجزیه و تحلیل لایه های حفاظتی با استفاده از روش (LOPA) و تعیین سطح یکپارچگی ایمنی فرایند (SIL) در قسمت اکتانایزر واحد بنزین سازی در شرکت پالایش نفت اصفهان

مینا بهارلویی، رضا غلام نیا، عباس آقابابایی

مقدمه: با توجه به توسعه منابع نفت و گاز و افزایش حوادث ناشی از آن، امروزه رویکرد مبتنی بر پیشگیری مورد توجه اکثر صنایع شیمیایی قرار دارد. لذا شناسایی و ارزیابی خطرات به روش های نوین نظیر آنالیز لایه های حفاظتی (LOPA) نیز بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. یکی از واحدهای بنزین سازی پالایشگاه نفت اصفهان اکتانایزر نام دارد که بنزین با عدد اکتان بالا تولید می کند و بدلیل مکانیسم فرایندهای متعدد موجود در این واحد و حجم زیاد گازها و ترکیبات قابل اشتعال، همواره خطراتی متوجه این واحد کلیدی می باشد. LOPA یک روش نیمه کمی و کارآمد در صنایع فرایندی و نفت می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی، با توجه به ماهیت فرایندی واحد اکتانایزر، برای شناسایی کیفی خطرات از تکنیک ارزیابی ریسک HAZOP در روش استاندارد IEC 61882 استفاده شد. برای ارزیابی پیامدهای ناشی از خطرات غیر قابل قبول، از روش استاندارد LOPA - IEC61511 بهره گرفته شد تا وضعیت خطر پس از اعمال لایه های حفاظتی مشخص گردد. در نهایت برای کاهش احتمال ریسک، لایه های حفاظتی بیشتری پیشنهاد و سطح یکپارچگی ایمنی (SIL) لازم تعیین گردید.

نتایج: عمده مخاطرات واحد اکتانایزر مربوط به افزایش فشار، افزایش یا کاهش جریان سیال، نشت سیال و افزایش دما می باشند. از ۹۸ انحراف شناسایی شده، ۴۰ انحراف بعنوان سناریوی خطرناک در نظر گرفته شد و خروجی نتایج وارد کاربرگ LOPA گردید. ۶ سناریو پس از مقایسه با معیار قابل قبول، نیاز به بازنگری و اقدام اصلاحی داشت. برای یک مورد از مخاطرات SIF در نظر گرفته شد و لایه های حفاظتی مستقل با نیاز به کد SIL=۲ پیشنهاد گردید و در نهایت احتمال ریسک کاهش یافته از 10^{-4} به 10^{-7} کاهش یافت.

نتیجه گیری: LOPA یک روش موثر برای آنالیز لایه های حفاظتی به روش نیمه کمی در صنایع فرایندی بوده و در برخی از موارد بدلیل کافی نبودن اثربخشی لایه های حفاظتی، نیاز به بیشتر کردن این لایه ها و کاهش خطر تا حد قابل قبول می باشد. اما بیشتر راهکارهای کاهشی را نمی توان تحت عنوان SIF ارائه نمود و باید از اصول ایمنی ذاتی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: پالایشگاه، ارزیابی ریسک، HAZOP، LOPA، SIL



بررسی اثربخشی آموزش برچسب های زیست محیطی بر الگوی خرید مصرف کنندگان لوازم خانگی (مطالعه موردی ایران خودرو)

اصغر نوران انباردان، مریم لاریجانی، مونا قدیانلو، محمد حسین چالاک

زمینه و هدف: نقش آموزش های محیط زیست در کمک به مدیران صنایع و حفاظت از محیط زیست قابل توجه است. کشورهای مختلفی در جهان برنامه های برچسب زنی خاصی را برای واگذاری این برچسبها مقرر کرده اند که از آن جمله می توان به اقدامات المان و ژاپن و کانادا اشاره نمود. این تحقیق با هدف آشنایی با برچسب های زیست محیطی و تاثیر آموزش برچسب های زیست محیطی در الگوی خرید مصرف کنندگان در کارکنان ایران خودرو انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک پژوهش نیمه تجربی است که به صورت قبل و بعد از مداخله آموزشی انجام شده است. در این مطالعه، از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده گردید و به صورت تصادفی ۸۰ کارگر در گروه مداخله و ۸۰ کارگر در گروه کنترل قرار گرفت و دو پرسشنامه در اختیار دو گروه قرار گرفت. پرسشنامه ها شامل پرسشنامه مشخصات جمعیت شناختی و پرسشنامه محقق ساخته که دارای ۳۱ سوال شامل ۱۶ سوال نگرش و ۱۵ سوال دانش بود جهت بررسی روایی پرسشنامه ها از نظرات ۱۰ نفر از متخصصین این حوزه استفاده شد و برای سنجش پایایی پرسشنامه، با استفاده از آزمون آلفای کرباخ، عدد آلفا برای پرسشنامه ۰,۷۷ بدست آمد.

نتایج: نتایج پردازش داده ها نشان داد که از ۸۰ نفر پاسخگوی مورد مطالعه در گروه اول ۲۶,۷ درصد زن و ۷۳,۳ درصد مرد بوده اند و در گروه دوم تمامی شرکت کنندگان مرد بوده اند. در پاسخ گویی به سوالات در دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنا داری وجود دارد و فرض صفر رد می شود یعنی در پیش آزمون نگرش دو گروه متفاوت می باشد. اما در پاسخ گویی به سوالات دانش تفاوت معنا داری در سطح دانش در دو گروه یافت نشد.

نتیجه گیری: آموزش های محیط زیست می تواند منجر به تغییر نگرش کارکنان شود و آموزش های بیشتری لازم است تا منجر به تغییر سطح دانش افراد شود.

واژگان کلیدی: برچسب های محیط زیستی، ایران خودرو، آموزش



بررسی ابعاد مختلف خستگی در آتش‌نشانان شهر سبزوار در سال ۱۳۹۶

مریم جوادی، زهرا شریفی، عاطفه گوهری پور

زمینه و هدف: آتش‌نشانان، پیوسته شاهد مصدومیت‌های آحاد جامعه در مشاغل گوناگون اجتماعی هستند. همواره در معرض انواع آسیب‌ها قرار دارند. لذا هدف از اجرای این پژوهش، بررسی ابعاد پنج‌گانه خستگی در آتش‌نشانان شهر سبزوار در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش توصیفی، تحلیلی-مقطعی در سال ۱۳۹۶ انجام شد، در ۵ ایستگاه آتش‌نشانی در سطح شهر سبزوار و در بین ۹۰ نفر از پرسنل عملیاتی آتش‌نشان (بصورت سرشماری)، علاوه بر پرسشنامه دموگرافیک، به‌منظور تعیین ابعاد ۵ گانه خستگی شامل عمومی، جسمانی، ذهنی، کاهش فعالیت و کاهش انگیزه پرسشنامه استاندارد سنجش چند بُعدی خستگی (MFI: Multidimensional Fatigue Inventory)، قبل و بعد از اتمام شیفت کاری تکمیل گردید. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری توصیفی، تی زوجی و تحلیل واریانس صورت پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل این بود که پیش از شروع کار و پس از اتمام کار، کاهش انگیزه با ۱۴/۰۱ و ۱۵/۳۶ و خستگی عمومی با ۱۲/۴۲ و ۱۴/۱۸ به ترتیب در شروع کار و پس از اتمام کار، بیشترین و کمترین میزان را به خود اختصاص داد. خستگی پس از پایان کار در تمامی ابعاد به طور معنی‌داری بالاتر از خستگی قبل از شروع کار بود. همچنین بین سن، سابقه کاری و ورزش کردن با ابعاد مختلف خستگی رابطه معنی‌داری وجود داشت ($P \leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: شغل آتش‌نشانی، حرفه‌ای پرتنش است و آتش‌نشانان در معرض تنش‌های شغلی بسیاری قرار دارند. با توجه به بالا بودن ابعاد مختلف خستگی در آتش‌نشانان و با توجه به وقوع حوادث اخیر در کشورمان برای بهبود وضعیت سلامت و کاهش آسیب‌ها و صدمات روحی و جسمی وارده بر آنان، اقدامات لازم، ضروری و بایسته است.

واژه‌های کلیدی: خستگی، آتش‌نشانان، پرسشنامه سنجش چند بُعدی خستگی



بررسی تاثیر سروصدا بر عملکرد اجرایی کارگران مواجه با الودگی های صوتی : یک مطالعه مروری

محمد امرایی، فاطمه سپهوند

زمینه و هدف: آلودگی های صوتی یکی از مهمترین معضلات زیست محیطی در جوامع امروزی به خصوص محیط های کاری بوده که طبق گزارشات سازمان بهداشت جهانی آلودگی های صوتی محیط های کاری عامل ایجادکننده بسیاری از اختلالات فیزیولوژیکی و روانشناختی متعددی در افراد می باشد. در این بین پژوهشگران با توجه به تاثیری که الودگی های صوتی بر ابعاد جسمی و ذهنی دارند، بر این باورند که الودگی های صوتی محیط های کاری نقش بسزایی در بروز کاهش عملکرد اجرایی و ایفای نقش در کارگران مواجه دارد، لذا مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی تاثیر سروصدا بر عملکرد اجرایی کارگران مواجه با الودگی های صوتی صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه مروری حاضر برگرفته از مقالات مرتبط با موضوع در پایگاه داده های Science, Elsilver, Pubmed, Direct, SID, Scopus و موتور جستجوی Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی آلودگی صوتی، اختلالات جسمی، مشکلات روانشناختی، کارگران و معادل انگلیسی آنها، جستجو گردید. در نهایت از بین ۳۲ مقاله مطالعه شده در این زمینه، ۱۷ مقاله اصیل طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ براساس معیارهای مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند. اصیل بودن، تازگی مقالات و تناسب با کلمات کلیدی از معیارهای گزینش مقالات بوده اند.

یافته ها: نتایج مطالعات مورد بررسی به طور کلی حاکی از تاثیر الودگی های صوتی بر عملکرد کارگران در محیط های کاری تمرکز داشتند به طوری که در مقالات گزارش گردید الودگی های صوتی با تغییراتی که در زمان واکنش های ذهنی و واکنش های حرکتی، تعداد محرک های ظاهر شده و همچنین کیفیت پاسخ به محرک ها دارند می توان گفت الودگی های صوتی با تاثیر خود بر این فرایند ها منجر به بروز نقص در عملکرد اجرایی و نقشی در کارگران می شوند. این در حالی است که هیچ یک از مقالات موارد نقض مطرح نکرده بودند.

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج مطالعات حاکی از آن است که اثر آلودگی های صوتی بر عملکرد اجرایی و ایفای نقش در کارگران معنی دار بوده، لذا باتوجه به نقش آلودگی های صوتی در محیط های کاری در کارگران، اهمیت انجام اقداماتی جهت کنترل مواجهه با این الودگی ها وجود دارد که سیاستمداران این حوزه باید به آنها توجه کنند.

کلمات کلیدی: آلودگی صوتی، اختلالات جسمی، مشکلات روانشناختی، کارگران



بررسی ارتباط نگرش ایمنی با عملکرد ایمنی و حوادث در میان کارکنان یک صنعت سیمان در سال ۱۳۹۶

زینب موسویان اصل؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. اهواز. ایران.

فرشته جهانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

jahani.f71@gmail.com

مقدمه: درک ریسک و نگرش کارکنان نسبت به ایمنی یکی از لازمه های استقرار فرهنگ ایمنی و دستیابی به محیط کاری ایمن می باشد. در صورتی که بتوان نگرش کارکنان در امر ایمنی را بهبود و تکمیل نمود، در ارزیابی عملکرد ایمنی به توسعه ایمنی در میان کارکنان پی می بریم. لذا برای دستیابی به یک محیط با ایمنی کاری متناسب لازم است درک افراد از ایمنی مورد اندازه گیری قرار بگیرد. مطالعه فعلی با هدف بررسی رابطه نگرش و عملکرد ایمنی در میان کارکنان یک صنعت سیمان انجام گرفته است.

روش بررسی: پژوهش حاضر توصیفی-مقطعی می باشد که در میان کارکنان یکی از صنایع سیمان جنوب کشور و در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه های نگرش ایمنی و عملکرد ایمنی جمع آوری گردید. و در نهایت تعداد ۱۳۰ پرسشنامه تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و آزمون های کروسکال والیس و من ویتنی و اسپیرمن انجام گرفت.

یافته ها: در این پژوهش، پایایی با الفای کرونباخ برابر ۰/۶۹۶ بدست آمد که پایایی پرسشنامه ها در حد قابل قبول بود. روایی با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ۰/۷ ارزیابی شد که مقدار آن بیشتر از ۰/۴ و در حد نسبتاً قابل قبولی بود. تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد میانگین نگرش ایمنی برابر $3/855 \pm 0/280$ است. میان میزان نگرش ایمنی با سن ($p=0.320$) و میزان تحصیلات ($p=0.369$) و سابقه ی خدمت ($p=0.522$) و تعداد حوادث ($p=0.478$) و تعداد آموزش ($p=0.373$) ارتباط معناداری مشاهده نشد. از طرفی نگرش ایمنی با عملکرد ایمنی ارتباط مستقیم با ضریب $0/278$ ($p=0.001$) و معناداری داراست.

نتیجه گیری: با توجه به گزارش نتایج این مطالعه و مشاهده ارتباط معنادار در میان نگرش ایمنی و عملکرد ایمنی میتوان بیان داشت با برنامه ریزی در راستای تصحیح دیدگاه های ایمنی گام مهمی در عملکرد ایمن افراد در کار برداشت.

واژگان کلیدی: نگرش ایمنی، عملکرد ایمنی، حوادث، صنعت سیمان



بررسی ارتباط رضایت شغلی و میزان بروز حوادث در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور در سال ۱۳۹۶

زینب موسویان اصل؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. اهواز. ایران.

فرشته جهانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز jahani.f71@gmail.com

مرتضی کمانکش؛ کارشناس HSE، کارخانه سیمان، فارس، لامرد

شعیب شمس الدینی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مقدمه: امروزه مطالعات نشان داده اند که بهبود روش های فنی، فرایندها و تجهیزات به تنهایی در کاهش صدمات و حوادث به تنهایی موثر نیستند بلکه فاکتورهای انسانی و از جمله خصوصیات روانی و رضایت شغلی نقش مهمی در این زمینه دارند. در همین راستا بر آن شدیم تا در پژوهش فعلی رضایت شغلی در میان کارگران یکی از صنایع سیمان را را سنجیده و ارتباط آن را با میزان حوادث نشان دهیم.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-مقطعی بر روی کارگران یکی از صنایع سیمان در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. جامعه آماری این مطالعه تمامی کارکنان کارخانه سیمان به تعداد ۱۹۵ نفر که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۳۰ نفر تعیین شد. تعداد ۱۶۰ پرسشنامه در میان کارکنان به روش تصادفی سیستماتیک در ۱۰ واحد (بهره بردار، مکانیک، برق، روانکار، ابزار دقیق، برق، مونتاژکار، انرژی، HSE و فنی مهندسی) توزیع شد که از این تعداد ۱۳۵ پرسشنامه برگردانده شد. سابقه بروز حوادث آنها به صورت خود گزارشی بررسی گردید و پرسشنامه رضایت شغلی مینه سوتا درمیان آن ها تکمیل گردید. در نهایت با استفاده از آزمون های کروسکال والیس و من ویتنی و کای اسکور تجزیه و تحلیل داده ها انجام گرفت.

یافته ها: میانگین نمره ی رضایت شغلی برابر $4/047 \pm 4/487$ است و در همه ی رده های سنی برابر است ($p=0.840$). میزان رضایت شغلی با میزان تحصیلات ($p=0.560$) و سابقه ی کاری ($p=0.099$) ارتباط معنا داری ندارد. و دارای ارتباطی معکوس با تعداد حوادث با ضریب -0.274 معنا دار است ($p=0.002$). اما تعداد آموزش با تعداد حوادث ارتباط معناداری دارند ($p=0.09$) و نشان میدهد افرادی که آموزش دیده اند کمتر حادثه را تجربه کرده اند.

نتیجه گیری: با توجه به نقش آموزش در گزارش تجزیه و تحلیل حوادث میتوان با برنامه ریزی مدون و استفاده از مدرسین ماهر و تجربه افراد شاغل در خود صنعت تا حدودی از میزان بروز حوادث پیشگیری کرد.

واژگان کلیدی: رضایت شغلی، حادثه، صنعت سیمان



پایش بیولوژیکی سرب در کارگران صنعت چاپ (مطالعه موردی در یکی از صنایع چاپ غرب استان تهران)

ژاله صدقی نوش آبادی، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

سقراط عمری شکفتیک، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

آغا فاطمه حسینی، مربی، عضو هیئت علمی گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

آزاده اشتری نژاد، استادیار، عضو هیئت علمی گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Ashtarinezhad.a@iums.ac.ir

زمینه و هدف: در صنایع چاپ از مواد شیمیایی مختلفی استفاده می شود. از جمله مهمترین مواد شیمیایی مصرفی در این صنعت، مرکب ها هستند و سرب یکی از عناصر تشکیل دهنده رنگدانه های آن می باشد که اثرات سمی بالایی دارد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف پایش بیولوژیکی سرب در کارگران یک صنعت چاپ واقع در غرب استان تهران انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک بررسی مورد شاهی می باشد که در آن ۲۲ نفر از کارگران واحد چاپ یک چاپخانه به عنوان گروه مورد و ۵۸ نفر از پرسنل واحد های دیگر همان شرکت به عنوان گروه کنترل به منظور پایش بیولوژیکی انتخاب شدند. اطلاعات فردی و شغلی با استفاده از پرسشنامه، اطلاعات پزشکی با استفاده از پرونده های پزشکی و نمونه های خون با استفاده از روش NIOSH 8003 جمع آوری و با استفاده از دستگاه طیف سنج جذب اتمی دارای کوره گرافیتی مدل GF 5000 مورد آنالیز قرار گرفتند. همچنین داده های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS 20 و با بهره گیری از آزمون t مستقل، Chi-Square، آزمون فیشر، همبستگی و Mann-Whitney مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین مقدار جذب سرب در گروه مورد 0.143 ± 0.020 و در گروه شاهد 0.062 ± 0.036 بود که این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار می باشد ($P < 0.001$). از لحاظ ویژگی های فردی و شغلی از جمله سن ($P = 0.099$; $r = -0.361$)، سابقه کار ($P = 0.071$; $r = -0.392$) و ساعات کاری ($P = 0.0776$; $r = -0.066$) و همچنین از نظر آزمایشات کلینیکی و پرونده پزشکی از جمله فشار خون سیستولی ($P = 0.920$; $r = -0.023$) و دیاستولی ($P = 0.627$; $r = 0.110$)، هموگلوبین ($P = 0.666$; $r = 0.098$) و شاخص توده بدنی ($P = 0.520$; $r = -0.145$) هیچ همبستگی خطی معنی داری با میزان جذب سرب مشاهده نشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه، میانگین مقدار جذب سرب در گروه مورد بیشتر از گروه شاهد بود. با توجه به تعداد کم نمونه در گروه مورد، پیشنهاد می گردد تا مطالعاتی در خصوص پایش سرب در چاپخانه های بزرگتر و با تعداد نمونه های بیشتر انجام گیرد.

واژگان کلیدی: سرب، خون، پایش بیولوژیکی، مرکب، صنعت چاپ



بررسی اثر خواندن و نوشتن پیام بر عملکرد های رانندگی و بارکاری ذهنی رانندگان جوان

اکبر احداث، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
ایرج علی محمدی، دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
irajrastin1@gmail.com

آغا فاطمه حسینی، مربی گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
رضا چرخ انداز یگانه، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
بهار پارسازاده، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
سونا کاظم بگی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
کوثر تیلا، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

زمینه و هدف: پرت شدن حواس رانندگان از علل مهم بروز سوانح ترافیکی است. امروزه استفاده از تلفن های همراه به شکل روز افزونی افزایش پیدا کرده و می تواند موجب حواس پرتی راننده شده و بر عملکردهای رانندگی اثرگذار باشد. این مطالعه با هدف تعیین اثر خواندن و نوشتن پیام بر عملکرد های رانندگی و بارکاری ذهنی رانندگان جوان انجام شد.

مواد و روش ها: ۴۰ راننده جوان (۲۰ مرد و ۲۰ زن) با میانگین سنی ۲۵/۲۵ سال و با استفاده از شبیه ساز رانندگی مورد مطالعه قرار گرفتند. سناریو رانندگی شامل رانندگی در لاین وسط یک بزرگراه سه لاینی و پاسخ دادن به محرک های تصویری وظیفه شناسایی محیطی (PDT) بود. رانندگان باید یک بار در حالت رانندگی عادی و یک بار نیز در حالتی این مسیر را طی می کردند که مشغول دریافت، خواندن و نوشتن پیام کوتاه با گوشی لمسی خود بودند. برای ثبت عملکرد های رانندگی از متغیرهای انحراف عرضی خودرو، زمان واکنش وظیفه PDT و برای اندازه گیری بارکاری ذهنی پس از هر مرحله از مقیاس بارکاری یکپارچه (IWS) استفاده شد.

نتایج: میانگین مقادیر متغیر های انحراف عرضی خودرو، زمان واکنش و مقیاس IWS در مرحله رانندگی عادی به ترتیب برابر ۲۶/۶۸ سانتیمتر، ۵۰۲/۱۳ میلی ثانیه و ۲/۰۲ و در مرحله رانندگی با وظیفه خواندن و نوشتن پیام به ترتیب برابر ۵۳/۰۴ سانتیمتر، ۶۵۲/۱۲ میلی ثانیه و ۶ بود. بین مقادیر متغیر های انحراف عرضی خودرو، زمان واکنش، مقیاس IWS در مراحل رانندگی عادی و رانندگی با خواندن و نوشتن پیام بر اساس آزمون های تی زوجی و ویلکاکسون اختلاف آماری معنادار وجود داشت ($P\text{-value} < 0.05$). همچنین بر اساس آزمون های تی مستقل و من-ویتنی تفاوت معناداری در مقادیر متغیرهای انحراف عرضی، زمان واکنش و مقیاس IWS بین گروه زنان و مردان مشاهده نشد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که خواندن و نوشتن پیام در حین رانندگی موجب کاهش معنادار عملکرد های رانندگی و افزایش سطح بارکاری ذهنی رانندگان می گردد. به نظر می رسد توجه بیشتر به پیامدهای استفاده از تلفن همراه در حین رانندگی ضروری باشد.

واژگان کلیدی: خواندن و نوشتن پیام، عملکرد های رانندگی، بارکاری ذهنی، زمان واکنش، انحراف عرضی خودرو



عملکرد های رانندگی و بار کاری ذهنی در رانندگان جوان با استفاده از شبیه ساز رانندگی: تاثیر جنسیت

رضا چرخ انداز یگانه، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

ایرج علی محمدی، دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران irajrastin1@gmail.com

بهار پارسازاده، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
ذبیح اله دمیری، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زیا زمانی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
فائزه چولکی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

زمینه و هدف: سالانه حدود ۱۶۰۰۰ نفر بر اثر حوادث ترافیکی در ایران جان خود را از دست می دهند. یکی از عواملی که می تواند بر عملکرد رانندگی افراد تاثیر داشته باشد، جنسیت افراد است. هدف از انجام این مطالعه تعیین اثر جنسیت بر عملکرد های رانندگی و بار کاری ذهنی رانندگان جوان با استفاده از شبیه ساز رانندگی است.

مواد و روش ها: این مطالعه بر روی ۲۰ راننده مرد و ۲۰ راننده زن با محدوده سنی ۲۰ تا ۲۹ سال انجام شد. برای بررسی عملکرد رانندگان از شبیه ساز خودرو پرآید و متغیر های زمان واکنش وظیفه PDT و انحراف عرضی خودرو در دو حالت رانندگی بدون محاسبات ذهنی و رانندگی در حال انجام محاسبات ذهنی استفاده شد. همچنین از مقیاس های خودگزارشی RSME و IWS جهت برآورد بار کاری ذهنی افراد استفاده گردید. سناریو اصلی مطالعه شامل رانندگی به مسافت ۲۰ کیلومتر در یک بزرگراه بود.

نتایج: میانگین انحراف عرضی خودرو برای رانندگان مرد و زن در مرحله بدون محاسبات ذهنی به ترتیب برابر ۰/۵۱ و ۰/۵۵ متر به دست آمد. همچنین میانگین زمان واکنش نیز در این مرحله برای مردان و زنان به ترتیب برابر ۴۵۰ و ۴۸۲ میلی ثانیه محاسبه گردید. بر اساس مقیاس های RSME و IWS نیز زنان متحمل بار کاری ذهنی بیشتری شدند اگرچه در مورد اغلب متغیر های مطالعه اختلاف مقادیر مربوط به مردان و زنان بر اساس آزمون تی مستقل معنادار نبود ($P\text{-value} > 0/05$). همچنین رانندگی در حالت انجام محاسبات ذهنی موجب افزایش معنادار ($P\text{-value} < 0/05$) مقادیر انحراف عرضی خودرو، زمان واکنش و مقادیر مقیاس های RSME و IWS گردید.

نتیجه گیری: با وجود عدم اختلاف آماری معنادار متغیر های مطالعه بین مردان و زنان، در اغلب موارد زنان عملکرد ضعیف تر و بار کاری ذهنی درک شده بالاتری از خود نشان دادند. انجام محاسبات ذهنی نیز باعث افت معنادار در عملکرد های رانندگی افراد و افزایش بار کاری ذهنی ایشان گردید.

واژگان کلیدی: عملکرد های رانندگی، اثر جنسیت، بار کاری ذهنی، انحراف عرضی خودرو، زمان واکنش



بررسی علل حوادث شغلی ثبت شده در اداره کار شهر قائن با نمودار پارتو در سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۵

محمد حسین بهشتی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد ایران
ملیحه پیشوایی، گروه سلامت خانواده، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد ایران

امین عباسی، دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد ایران
amin.abbasi1995@gmail.com

عطیه گروسی، دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قاین ایران
حسین محمد حسین نژاد، دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد ایران

زمینه و هدف: حرکت شتابان صنعتی شدن و عدم توجه جدی به اصول ایمنی صنعتی باعث بالا رفتن نرخ حوادث شغلی گردیده است، در صورتی که حوادث ناشی از کار یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی قابل پیشگیری در سراسر جهان است. هدف از این پژوهش بررسی مهمترین علل حوادث شغلی ثبت شده در اداره کار شهر قائن با نمودار پارتو می باشد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است که بر مبنای اطلاعات ثبت شده توسط اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قائن در یک دوره چهارساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ جمع آوری گردید و با کمک نرم افزار اکسل و نمودار پارتو مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: بر اساس نتایج این مطالعه در مجموع ۳۰ حادثه رخ داده بود که شایع ترین نوع حادثه گیر کردن بین ماشین آلات (۴۳٪/۳۳) و سقوط و لغزیدن (۲۶٪/۶۷) است که (۷۰٪) از عوامل وقوع حادثه را شامل می شوند. از نظر سطح سواد، افراد با مدرک سیکل (۳۶٪/۶۷) بیشترین حادثه را داشته اند. (۷۳٪/۹۱) این حوادث منجر به جراحات و شکستگی و در (۲٪) مواقع منجر به فوت شده اند. یافته های دیگر این تحقیق نشان داد که (۷۸٪/۹۵) حوادث باعث آسیب سر، دست و پا ها شده اند.

نتیجه گیری: استفاده از تحلیل ها و نمودار های مختلف مانند پارتو به عنوان یکی از روش های تجزیه و تحلیل و شناسایی علل وقوع حوادث می تواند نقش موثری در مدیریت حوادث ناشی از کار داشته باشد. همچنین مسئولین و کارفرمایان باید به علل سقوط افراد، سقوط اشیاء و آموزش کارگران در کار با انواع ماشین آلات صنعتی و خطرات آنها که سهم بیشتری در حوادث با پیامدهای شدید داشته توجه بیشتری کنند، از طرفی دیگر لزوم استفاده از وسایل حفاظت فردی و آموزش نحوه صحیح استفاده از آنها که باعث کاهش جراحات وارده به دست ها و پاها می شوند، توجه بیشتری داشته باشند.

واژگان کلیدی: حوادث شغلی، نمودار پارتو، کار فرما



بررسی اثر گرد و غبار سیمان بر سیستم تنفسی کارگران صنعت سیمان

حنان ساری، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

معصومه احمدی زاده، استاد گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

زمینه و هدف: با پیشرفت صنایع در کشورهای در حال توسعه آلودگی هوا یکی از مهم ترین معضلات زیست محیطی در قرن حاضر می باشد، که تهدیدی جدی برای سلامت و بهداشت جامعه است. صنعت سیمان یکی از آلوده ترین صنایع از لحاظ عوامل زیان آور تاثیرگذار بر سلامت کارگران در محیط کار می باشد، در فرآیند تولید سیمان وجود گردوغبار و بیماری های تنفسی مرتبط با آن از مهم ترین مخاطرات شغلی محسوب می شود. با گسترش این صنعت تعداد شاغلینی که به اقتضای کار خود در مواجهه با آلاینده های تولیدی به ویژه گردوغبار هستند در حال افزایش است، از طرفی حضور این گردوغبار در هوای تنفسی کارگران باعث شکایت آن ها و همچنین ناتوانی در اجرای فعالیت های شغلی می شود. با توجه به نقش محوری سلامت نیروی کار، این پژوهش به منظور بررسی اثر گرد و غبار سیمان بر سیستم تنفسی کارگران انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر با جستجو در موتور جستجوی Google scholar و پایگاه های اطلاعاتی SID Magiran , since direct, با کلیدواژه های سیمان، گردوغبار، علائم تنفسی و اسپرومتری طی سال های ۲۰۱۸-۲۰۱۰ انجام شده است. در این مطالعه از مقالات کوهورت گذشته نگر و مقطعی بهره گرفته شده است.

نتایج: پژوهش های اخیر در این زمینه حاکی از وجود رابطه علت و معلولی "دوز-واکنش" میان میزان تولید سیمان و کاهش عملکرد ریه می باشد. مطالعات نشان داد که تماس شاغلین صنعت سیمان با گردوغبار آن موجب کاهش درصد ظرفیت ریوی، افزایش شیوع علائم بیماری های تهدیدی تنفسی، کاهش قابل توجه در شاخص های اسپرومتری متناسب با اندازه گردوغبار، افزایش خلط، اختلالات خونی، انسداد و التهاب مجاری هوایی ($p < 0/05$) و افزایش میزان بستری کارگران در بیمارستان به دلیل بیماری انسداد مزمن ریوی و آسم می شود.

نتیجه گیری: با توجه به این که از مهم ترین مخاطرات در صنعت سیمان، پیامدهای مواجهه کارگران با گردوغبار سیمان است. این امر بیانگر این واقعیت است که جهت صیانت سلامت کارگران در محیط های کاری بایستی راهکارهای مؤثر جهت پیش گیری از این امر نظیر فراهم نمودن سیستم های تهویه مناسب و پایش مستمر عملکرد آن ها، آموزش به کارگران در خصوص استفاده صحیح از وسایل حفاظت فردی و ارزیابی عملکرد ریه شاغلین در فواصل منظم ضروری می باشد. همچنین انجام مطالعات گسترده تر در این زمینه توصیه می شود.

واژگان کلیدی: صنعت سیمان، گرد و غبار، اسپرومتری، علائم تنفسی



بررسی میزان آسیب‌های ناشی از وسایل نوک تیز و برنده در پرسنل اتاق عمل بیمارستان امام رضا (ع) تبریز در سال ۱۳۹۵

وحید رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

درین نیکبخت، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

اسماعیل تیموری، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران tesmaeil@yahoo.com

زمینه و هدف: فرو رفتن سوزن در دست از جمله مشکلات رایج و مهم در پرسنل شاغل در اتاق عمل می‌باشد که احتمال ابتلا به انواع عفونت و همچنین HIV را در افراد بالا می‌برد. به دلیل اهمیت این موضوع هدف از این مطالعه بررسی میزان آسیب‌های ناشی از وسایل نوک تیز و برنده در کارکنان اتاق عمل بیمارستان امام رضا (ع) تبریز می‌باشد.

مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی مقطعی جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. این مطالعه بر روی پرسنل‌های اتاق عمل بیمارستان امام رضا (ع) تبریز به تعداد ۶۵ نفر انجام شد و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱، آزمون‌های آماری و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که ۳۸/۴٪ از پرسنل مورد بررسی حداقل یکبار در طی یک سال گذشته با این پدیده مواجه شده‌اند. بیشترین وسیله‌ای که موجب آسیب می‌شود به ترتیب سوزن بخیه ۵۰/۷٪، سوزن سرنگ ۳۴/۵٪ و تیغ بیستوری ۲۹/۷٪ است. بیشترین میزان آسیب ۵۳ درصد مربوط به شیفت صبح می‌باشد. ارتباط معناداری میان متغیرهای دموگرافیک و متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفت. بین جنسیت، مشکلات بینایی، تعداد ساعات کار در ماه و تعداد مراجعه‌کننده و تعداد نیدل استیک شدن رابطه معناداری وجود داشت ($P < 0.5$).

نتیجه‌گیری: طبق نتایج به دست آمده با توجه به احتمال زیاد ابتلا به بیماری‌های عفونی و میزان آسیب‌ها در اتاق عمل، برگزاری کلاس‌های آموزشی و لزوم توجه جدی مسئولین در انجام اقدامات پیشگیرانه پیش از پیش مورد نیاز است.

واژگان کلیدی: آسیب‌های ناشی از وسایل نوک تیز، پرسنل اتاق عمل، عفونت



بررسی ارگونومیکی وضعیت‌های انجام کار پرسنل اتاق عمل بیمارستان‌های آموزشی شهر سمنان در سال ۱۳۹۵

درین نیکبخت، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

اسماعیل تیموری، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران tesmaeil@yahoo.com

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی عضلانی یکی از معضلات عمده در اتاق عمل است. این ناراحتی‌ها بر کیفیت زندگی فرد اثر می‌گذارد و باعث کاهش بهره‌وری و افزایش غیبت از محل کار می‌شود. هدف از مطالعه حاضر تعیین ارگونومیکی وضعیت‌های انجام کار پرسنل اتاق عمل می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی بروز اختلالات ارگونومیکی با استفاده از پرسشنامه استاندارد نوردیک در ۴۸ پرسنل اتاق عمل در بیمارستان‌های منتخب که به شکل تصادفی ساده انتخاب شده بودند بررسی گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آمارهای توصیفی، همبستگی پیرسون و کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج مطالعه بیشترین ناراحتی را در پا ۶۷/۹٪ و کمر ۵۱/۲٪ نشان داد که ۵۷/۶٪ مونث بودند و میانگین سنی افراد بود. در بیشتر موارد علت احتمالی مشکل از دیدگاه شخص، کار در محیط شغلی عنوان گردید. مطابق با این نتایج بین وزن، جنسیت، سطح تحصیلات، بخش کاری و شیوع اختلالات عضلانی رابطه معناداری وجود نداشت ولی بین کیفیت زندگی با ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی رابطه معناداری وجود داشت ($p < 0.05$). **نتیجه‌گیری:** برای جلوگیری از بروز ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی باید برنامه‌های آموزشی مناسب، آموزش حرکات اصلاحی و پیشگیری‌کننده به پرسنل اتاق عمل داده شود. همچنین می‌توان با استفاده از وسایل کمکی به کاهش عوارض ناشی از وظایف پرسنل کمک کرد.

واژگان کلیدی: ارگونومی، اتاق عمل، سمنان



بررسی میزان استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن بین پرسنل اتاق عمل بیمارستان‌های سمنان

اسماعیل تیموری، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

دورین نیکبخت، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران dorinblue@gmail.com

زمینه و هدف: استرس شغلی از جمله مشکلاتی است که باعث آثار نامطلوب بر سلامت جسمانی و روانی افراد می‌شود. کارکنان اتاق عمل از جمله گروه‌هایی هستند که بیشترین استرس شغلی را تجربه می‌کنند. هدف از انجام مطالعه حاضر تعیین میزان استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن بین پرسنل اتاق عمل بیمارستان‌های سمنان در سال ۱۳۹۵ است.

مواد و روشها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی بوده که بر روی ۹۲ نفر از کارکنان اتاق عمل‌های بیمارستان‌های سمنان انجام شد. از پرسشنامه HSE انگلستان جهت ارزیابی میزان استرس شغلی استفاده شد و داده‌های آماری به دست آمده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی آزمون‌های آماری تی مستقل و نرم افزار SPSS21 تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که ۵۸/۳ دارای استرس شغلی شدید بوده‌اند که بیشترین عامل ایجاد تنیدگی، عوامل محیطی و روحی- روانی ۶۲/۷ و کمترین آن همکاری نامناسب کارکنان اتاق عمل ۱۸/۳ بود. آسیب ناشی از فرورفتن سوزن ۴۲/۸ نیز از عوامل تنش‌زای متوسط به دست آمد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده بیش از نیمی از افراد دارای استرس شدید بوده‌اند لذا ارائه راهکارهایی با هدف کاهش استرس و عوامل مرتبط با آن، و همچنین حمایت و توجه جدی مسئولین مربوطه را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، کارکنان اتاق عمل، تنیدگی



مدل سازی ریسک فاکتورهای شغلی در بروز اختلالات اسکلتی عضلانی در پرستاران

رضا پوربابکی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

سجاد سمیعی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

زهرا اعلایی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

sajjadsamiei1994@yahoo.com

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی عضلانی یکی از شایع ترین بیماری های شغلی در کارکنان بیمارستان می باشد. از جمله عواملی که بر روی بروز اختلالات اسکلتی عضلانی موثر است می توان به استرس و رضایت شغلی و پوسچرهای نامناسب اشاره نمود. با توجه به نقش کلیدی کادر پرستاری بیمارستان ها در ارائه خدمات بهداشتی، این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین میزان استرس و رضایت شغلی با اختلالات اسکلتی عضلانی در پرستاران انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۹۰ نفر از پرستاران شاغل در یکی از بیمارستان های تهران انجام شده است. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات شغلی در خصوص اختلالات اسکلتی عضلانی، رضایت و استرس کاری استفاده شد.

نتایج: فعالیت های فیزیکی زیاد منجر به اتخاذ پوسچرهای نامناسب و تکراری در پرستاران می شود که یکی از عوامل مهم در ایجاد استرس شغلی در پرستاران می باشد. جهت کاهش استرس وارده به کارکنان بایستی به افراد در خصوص اتخاذ صحیح کاری آموزش و آگاهی های لازم داده شود.

نتیجه گیری: فعالیت های فیزیکی زیاد منجر به اتخاذ پوسچرهای نامناسب و تکراری در پرستاران می شود که یکی از عوامل مهم در ایجاد استرس شغلی در پرستاران می باشد. جهت کاهش استرس وارده به کارکنان بایستی به افراد در خصوص اتخاذ پوسچر صحیح کاری آموزش و آگاهی های لازم داده شود.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی عضلانی، استرس شغلی، رضایت شغلی، پرستاران



استفاده از سیستم استنتاج عصبی-فازی (ANFIS) جهت مدل سازی نگرش فرهنگی و جو ایمنی در ارتباط با اعمال نایمن

رضا پوربابکی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زهرا اعلایی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران

علی کریمی، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
a_karimi@sina.tums.ac.ir

زمینه و هدف: اعمال نایمن در صنایع میتواند ناشی از عوامل مختلفی باشد، این مطالعه با هدف پیش بینی و مدل سازی اعمال نایمن با استفاده از پرسشنامه های جو ایمنی و فرهنگ ایمنی در صنایع اجرا شد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک بررسی مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی بود که به تجزیه و تحلیل داده ها و پیش بینی اعمال نایمن مربوط به ۹۰ نفر از کارگران صنعت ساختمان سازی، با استفاده از سیستم استنتاج عصبی-فازی (ANFIS) در نرم افزار MATLAB R2016a پرداخته شد.

نتایج: در این مطالعه مدل های جو ایمنی-میزان اعمال نایمن و نگرش فرهنگی-اعمال نایمن به ترتیب با ضرایب رگرسیون ۰/۹۳۳۷ و ۰/۹۲۳۴ آموزش داده شد که مشاهده شد هرکدام از پارامترها به تنهایی ارتباط تنگاتنگی با میزان اعمال نایمن دارند. همچنین ترکیبی از هر دو پارامتر جو ایمنی و نگرش فرهنگی در برآورد میزان اعمال نایمن به نتایج بهتری با ضریب رگرسیون ۰/۹۴۵۳ دست یافت که این موضوع بیانگر تاثیر مستقیم هر دو پارامتر به طور همزمان در میزان اعمال نایمن می باشد. **نتیجه گیری:** براساس یافته ها می توان نتیجه گرفت که استفاده از مدل نوروفازی می تواند به عنوان یک ابزار مناسب جهت پیش بینی اعمال نایمن در صنایع مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نگرش فرهنگی، جو ایمنی، پیش بینی، سیستم استنتاج عصبی-فازی، اعمال نایمن

The effect of interventions based on Health Promotion modeling on computer operators' postural with a Single leg balance test



Mohammad Hossein Delshad, PhD candidate of Health education and health promotion, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

H.Delshad@modares.ac.ir

Fatemeh Pourhaji, PhD candidate of Health education and health promotion, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Shamsoddin Niknami, Associate Professor of Health education, Department of Health education, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Background and Aim: Flexibility is an essential component of exercise programs; however, it is not clear how to make the best use of this element in an educational program. It is common Tension Exercise among computer operators. Tension Exercises are regularly recommended, even in many articles, with the claimed purpose of preventing injury and muscle soreness, or even enhancing performance. Thus, the purpose of the present review is to determine of static workplace stretching on the balance in computer operators with a Single leg balance.

Materials and Methods: In this method, there were two case and control groups. In the case group, involving variables such as individual differences in Flexibility, familiarity with static stretching methods in teaching and doing stretching, and the difference between the equilibrium tests. 120 health care workers with an average age of 39.2 (SD = 6.83), who were randomly selected and randomly divided into two groups; First, the pain test (Vas), was done the tension training behavior according to Pender's HPM and check Single leg balance. they was done After 8 weeks of tension training in the case group and control group, no tension training and was tested the Single leg balance. Using the software to remind you to perform stretching exercises on the computer for the intervention group with a training session in accordance with Pender's HPM. A static test was used to measure the static balance of subjects. Finally, was used T-test (independent/ paired) for analysis.

Results: There was a significant increase in static balance after TE (4.20 ± 1.37 s) vs. before TE (3.87 ± 2.65 s). Function T test analysis revealed significant differences between experimental Groups 1 and control Group 2 ($P < 0.05$). Experimental group performed better than the control group, but control Group did not show differences between themselves. Behavior score showed a significant difference the between two groups to help independent t –test ($P < 0.001$) and Behavior score in experimental group to help within groups paired t –test ($P = 0.022$). Pain VAS score showed a significant difference between the Between two groups Post test To help independent t –test ($P < 0.001$) and VAS score in experimental group To help Within groups paired t –test ($P < 0.001$).

Conclusion: Stretching exercises have been effective on beneficial effects Pain reduction function, increased behavior and of static balance in computer operators with a Single leg balance test.

Keywords: *musculoskeletal disorders, static balance - computer operators - Single leg balance test, HPM.*

بررسی تاثیر صدای محیط کار در وقوع حوادث شرکت چینی مقصود، سال ۱۳۹۵

لاله محمدی



زمینه و هدف : بررسی تاثیر صدای اندازه گیری شده در محیط کار و وقوع حوادث .

مواد و روش ها : این مطالعه در تابستان سال ۱۳۹۴ صورت گرفت . ابزارها و روش های مورد استفاده در جمع آوری اطلاعات شامل دستگاه صداسنج (TES1358) و دفتر گزارش حوادث (ثبت مراجعین) به مرکز بهداشت کارخانه بوده است . آزمون های آماری مورد استفاده در تحلیل داده ها شامل " کولموگروف اسمیرتف - همبستگی - مدل رگرسیونی - آماره فیشر - آماره دوربین واتسون بوده است .

نتایج : با توجه به ضرایب رگرسیونی ، صدای اندازه گیری شده در محدوده خطر بر وقوع حوادث تاثیر مستقیم دارد لذا با عنایت به اینکه سطح معنادار ضریب B1 به دست آمده برابر 0.023 و کمتر از 0.05 می باشد اثر صدای اندازه گیری شده در محدوده خطر بر وقوع حوادث با اطمینان 0.95 معنادار می باشد .

نتیجه گیری : هدف اصلی این تحقیق بررسی تاثیر صدای اندازه گیری شده در محیط کار و وقوع حوادث بوده است که در این راستا بعد از بررسی توصیفی متغیرهای تحقیق و آزمودنی ها، فرضیه تحقیق مورد سنجش قرار گرفت. یافته های تحقیق نشان می دهد که بین صدای اندازه گیری شده در محدوده های احتیاط و خطر و وقوع حوادث رابطه وجود دارد لذا اینگونه استنباط می شود که صدای اندازه گیری شده در محیط کار در وقوع حوادث تاثیرگذار است.

واژگان کلیدی : صداسنج - حادثه - چینی مقصود



برآورد حداکثر ظرفیت هوازی و ظرفیت کار فیزیکی در آشنانشان شهر زاهدان در سال ۱۳۹۴

راحله هاشمی حبیب آبادی، مربی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
نگار قادری، دانشجوی کارشناسی، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
رامین رحمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
مهدی محمدی، دانشیار، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

زمینه و هدف: حداکثر میزان اکسیژن مصرفی افراد، نمودی بارز از توانایی انجام کار جسمانی در آن هاست. بدین ترتیب، در مشاغل با نیازهای فیزیکی سنگین مانند آتش نشانی، ارزیابی دقیق ظرفیت هوازی کارکنان برای اطمینان از توانای جسمانی و متناسب بودن آنان با شغل خود، ضروری است. این پژوهش با هدف برآورد حداکثر ظرفیت هوازی و ظرفیت کار فیزیکی در آشنانشان انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی-مقطعی ۴۰ نفر از کارکنان عملیاتی آشنانشانی زاهدان به صورت در دسترس از لیست کارکنان مرد، از ایستگاه های آشنانشانی مستقر در سطح شهر زاهدان انتخاب شدند و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و شغلی، پرسشنامه رضایت شغلی و تست تردمیل به کار برده شد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار spss16 و روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید.

نتایج: میانگین حداکثر اکسیژن مصرفی در آشنانشان مورد بررسی $ml/kg/min$ $(14/01 \pm 38/077)$ و میانگین ظرفیت انجام کار فیزیکی cal/min $(4/55 \pm 1/31)$ بود. حداکثر ظرفیت هوازی با حداکثر ضربان قلب ($p < 0/05$ و $r = -0/953$)، میزان رضایت شغلی ($p < 0/05$ و $r = -0/322$) و سابقه کاری ($p < 0/05$ و $r = -0/380$) ارتباط معنادار دارد. اما ارتباط بارزی بین سن ($p < 0/05$ و $r = -0/133$)، شاخص توده بدن ($p > 0/05$ و $r = -0/0283$) با حداکثر میزان اکسیژن مصرفی در سطح ۵ درصد یافت نشد.

نتیجه گیری: حداکثر ظرفیت هوازی آشنانشان در مطالعه حاضر، در طبقه متوسط قرار دارد ولی در مقایسه با نتایج مطالعات انجام شده بر آشنانشان در سطح جهان، این مقدار کمتر بود؛ از این رو توجه اکیدی بر افزایش حداکثر توان هوازی آنان با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر آن و برقراری معاینات قبل از استخدام جهت اطمینان از آمادگی جسمانی متناسب با کار توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: ظرفیت هوازی، ظرفیت کار فیزیکی، آشنانشان



بررسی وضعیت سلامت روان در جوشکاران شهر زاهدان در سال ۱۳۹۶

رامین رحمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

سیده زینب الماسی، مربی، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی

زاهدان، زاهدان، ایران

راحله هاشمی حبیب آبادی، استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، گروه بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم

پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: سلامت روانی لازمه حفظ دوام عملکرد اجتماعی، شغلی و تحصیلی افراد جامعه می باشد و تأمین آن هدف اصلی اجرای برنامه های بهداشت روان در جامعه است. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سلامت روان (نشانه های جسمانی، اضطراب، افسردگی و کارکرد اجتماعی) جوشکاران شهرستان زاهدان و برخی عوامل مرتبط با آن انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این پژوهش توصیفی تحلیلی مقطعی، تعداد ۱۴۵ نفر از جوشکاران حاضر در شهرک جوشکاران شهرستان زاهدان به صورت سرشماری انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS20 و آزمون های آماري واریانس یک طرفه، تی و اسپیرمن در سطح معناداری $P \leq 0.05$ تحلیل گردید.

نتایج: در این مطالعه میانگین سن $33/68 \pm 10/28$ ، سابقه کاری $14/93 \pm 11/27$ به دست آمد. همچنین نمره کلی سلامت روان $31/38 \pm 8/61$ محاسبه گردید. ۸۷/۶ درصد از افراد، دارای اختلالات روانی بودند. در بُدهای مختلف سلامت روان، ۶۵ درصد نشانه های جسمانی، ۷۷/۹ درصد علائم اضطرابی و اختلال خواب، ۸۱/۴ درصد عملکرد اجتماعی نامطلوب و ۳۵/۲ درصد نشانه های افسردگی را بروز دادند. همچنین همبستگی مثبت و ضعیفی بین سلامت روان با سن ($r=0.03$)، سابقه کاری ($r=0.02$) و BMI ($r=0.05$) وجود داشت.

نتیجه گیری: در این بررسی مشخص شد شیوع اختلالات روانی در بین جوشکاران بسیار بالا می باشد. محیط کار خشن توأم با عوامل زیان آور شغلی می تواند یکی از علل مهم در این رابطه باشد اما با افزایش حمایت شغلی، بهبود تسهیلات و درآمد و آسیب شناسی جامع تری با مطالعاتی مانند بررسی فرسودگی شغلی می توان سطح سلامت روان را در بین جوشکاران به حد مطلوبی رساند.

واژگان کلیدی: سلامت روان، جوشکاران، زاهدان



رابطه استرس و رضایت شغلی در معلم های متوسطه اول و دوم شهرستان زاهدان (۱۳۹۶)

احسان رمضانی فر، رامین رحمانی، بابک فضلی

زمینه و هدف: استرس شغلی بر روی سلامتی افراد تاثیر گذاشته و نیز عاملی برای هدررفت انرژی نیروی انسانی است و نارضایتی از شغل به عنوان علت اصلی ترک شغل شناخته شده است. این مطالعه با هدف تعیین رابطه استرس و رضایت شغلی در معلم های متوسطه اول و دوم شهرستان زاهدان صورت گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۲۵۴ معلم به صورت سرشماری با معیار ورود حداقل یک سال سابقه کاری انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با پرسشنامه های استاندارد استرس شغلی HSE و رضایت شغلی JDI صورت گرفت که شامل اطلاعات دموگرافیک (سن، قد، وزن و سابقه کار) نیز بود. توصیف و تحلیل داده ها با شاخص های توصیفی و نیز آزمون همبستگی پیرسون با نرم افزار SPSS ورژن ۲۰ صورت گرفت. $p < 0/05$ به عنوان سطح معناداری در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین سنی برای معلم های متوسطه اول و دوم به ترتیب $40/10 \pm 6/6$ و $39/73 \pm 6/6$ و میانگین سابقه کار در دو گروه $19/41 \pm 7/2$ و $18/14 \pm 6/9$ بود. شیوع استرس شغلی در معلم های متوسطه اول و دوم به ترتیب $48/1$ و $32/5$ بود. همچنین $45/5$ درصد از معلم های متوسطه اول و $16/2$ درصد از معلم های متوسطه دوم فاقد رضایت شغلی بودند. بین استرس و رضایت شغلی همبستگی مثبت و ضعیفی وجود داشت ($p = 0/67$ و $r = 0/028$).

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای استرس شغلی و تاثیرات آن بر رضایت شغلی و سایر ویژگی های افراد، پیشنهاد می شود با طراحی مداخلاتی در این زمینه در جهت بهبود وضعیت معلم ها گام برداشته شود.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، رضایت شغلی، معلم ها، زاهدان



بررسی ارتباط بین حداکثر توان هوازی (VO2MAX) با سلامت عمومی (GH)، خستگی و رضایت شغلی در زنان شاغل در بیمارستان

مسلم مومینی، احسان اله حبیبی، زهرا اردودری، زهرا کولیوند، قاسم یادگارفر

زمینه و هدف: بیشترین ظرفیت هوازی (VO2max) از جمله معیارهایی است که می‌توان از آن جهت ایجاد تناسب بین کار و کارگر استفاده نمود. جهت حفظ تندرستی و توان جسمانی افراد و نیز افزایش تولید و بهره‌دهی می‌توان با سنجش ظرفیت انجام کار فیزیکی (PWC) افراد را در مشاغل متناسب با تواناییشان قرار داد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مقطعی روی ۱۲۰ نفر از زنان شاغل در بیمارستان در محدوده سنی ۲۱-۴۹ سال انجام گرفت. افراد بوسیله تست تک مرحله‌ای ابلینگ مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سلامت عمومی، خستگی شغلی و رضایت شغلی و نیز دستگاه تردمیل استفاده شد.

نتایج: طبق نتایج بیشترین ظرفیت هوازی، ظرفیت فیزیکی کار و سطح سلامت عمومی به ترتیب $38/89 \pm 1/85$ میلی‌لیتر بر کیلوگرم وزن بدن در دقیقه، $4/10 \pm 0/47$ کیلوکالری بر دقیقه و $25/43 \pm 12/09$ و میانگین و انحراف معیار نمره خستگی و رضایت شغلی به ترتیب برابر $85/87 \pm 32/35$ و $57/47 \pm 13/01$ بدست آمد. در این مطالعه بین VO2max با سن، وزن، شاخص توده بدنی (BMI)، خستگی و رضایت شغلی ارتباط معنی‌دار آماری وجود داشت.

نتیجه‌گیری: طبق نتایج بدست آمده از آنجایی که خستگی و رضایت شغلی با VO2max کارگران در ارتباط است، لذا توصیه می‌شود، علاوه بر اینکه به جنبه‌های تناسب فیزیکی در محیط کار توجه می‌شود به جنبه‌های روانی نیز توجه ویژه‌ای گردد، چرا که روی جنبه فیزیکی و در نتیجه روی بهره‌وری شاغلان تاثیر گذار است.

واژگان کلیدی: بیشترین ظرفیت هوازی، ظرفیت انجام کار فیزیکی، زنان شاغل در بیمارستان، سلامت عمومی



The investigation of association between the maximum aerobic capacity (VO₂MAX) with general health (GH), fatigue and satisfaction of job in female employees in hospital

Ehsanollah Habibi, Professor, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Moslem Mombeini, MSc Student, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Zahra Ordudari, MSc Student, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Hadis Noorouzi, MSc Student, Department of HSE Management, Islamik Azad University Najafabad Branch, Isfahan, Iran

Ghasem Yadegarfar, Assistant Professor, Biostatistics Department, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Zahra Koolivand, Occupational Health Expert, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

Introduction: The maximum aerobic capacity (VO₂ MAX) is a criterion that can be used to create coordination between the labor and worker. In order to keep the health and physical strength of the individuals and also the increase of the productivity, we can put the people in jobs tailored to their abilities by assessing their physical work capacity (PWC).

Method: This cross-sectional study has been conducted on 120 women working in the hospital with ages of 21-49. They were evaluated by the single-stage treadmill test Ebbeling. The general health questionnaire, job fatigue and job satisfaction questionnaires and also the Treadmill test were used to collect data.

Findings: According to the results, the maximum aerobic capacity, the physical work capacity and the level of general health were yielded respectively 38.89 ± 1.85 ml/kg minutes, 4.10 ± 0.47 kcal/minutes and 25.43 ± 12.09 . Also the mean and the standard deviation of the fatigue and job satisfaction scores were obtained respectively 85.87 ± 32.35 and 57.47 ± 13.01 . In the study, there was a statistical significant correlation between the VO₂ max and the age, weight, the body mass index (BMI), job fatigue and job satisfaction.

Conclusion: According to the results, since the job fatigue and the job satisfaction are related to the maximum aerobic capacity (VO₂ max) of the workers, it is recommended that in addition to paying attention to the aspects of physical fitness in the workplace, their mental and psychological aspects should be given special attentions, because it affects the workers' physical aspects and consequently their productivity.

Keywords: Maximum aerobic capacity, Physical work capacity, female employees in hospital, General health



ارزیابی ریسک واحد دیگ بخار یک شرکت تولید قطعات بتنی آماده با استفاده از تکنیک مطالعه عملیات و خطر (HAZOP)

پیام خانلری، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

پریسا ملکیا، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
نوید ویسی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

مسعود خسروی پور، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

فرید خسروی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

فرهاد عبدالحی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

زمینه و هدف: هر ساله حوادث خسارات زیادی به پرسنل و صنایع وارد می‌سازند که بیشتر این وقایع نیز بدون کشف علت به فراموشی سپرده می‌شوند، در صورتی که تقریباً تمام این حوادث با ارزیابی و کنترل ریسک کاملاً قابل پیش بینی و پیشگیری هستند. اولین گام در فرایند مدیریت و ارزیابی خطرات، شناسایی خطرات و اثرات آن‌ها می‌باشد. هدف از این مطالعه شناسایی و ارزیابی خطرات در واحد دیگ بخار یک کارخانه تولید قطعات بتنی آماده به منظور پیشگیری از حوادث و بهبود ایمنی بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی در سال ۹۶ با استفاده از تکنیک مطالعه عملیات و خطر (HAZOP) در واحد دیگ بخار یک شرکت تولید قطعات بتنی انجام گرفت. تکنیک مطالعه عملیات و خطر، یک روش موثر و سیستماتیک برای شناسایی خطرات و مشکلات عملیاتی سیستم می‌باشد. با استفاده از این تکنیک سناریوهای مختلف نوشته شده و خطرات شناسایی شدند و برای ارزیابی خطرات شناسایی شده احتمال وقوع یک حادثه و شدت پیامد آن مشخص شدند. سپس جداول شدت و احتمال وقوع حادثه درهم ادغام تا ماتریس ریسک بدست آید. و با توجه به شاخص ریسک تصمیم‌گیری شد.

نتایج: با تکمیل مطالعه ۴۲ خطر شناسایی شد که ۲ خطر دارای وضعیت غیر قابل قبول، ۲۵ مورد از خطرات دارای وضعیت نامطلوب، ۱۴ مورد دارای وضعیت قابل قبول و ۳ مورد نیز دارای ریسک جزئی بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه واحد دیگ بخار نقش اساسی در تولید دارد و با اختلال جزئی در این واحد تمام خطوط تولید از کار می‌افتند و همچنین وقوع انفجار در این واحد تا صد ها متر را ویران می‌کند، لذا توصیه می‌شود اقدامات لازم جهت کاهش سطح خطرات دارای وضعیت غیر قابل قبول و نامطلوب به سطوح قابل قبول هر چه سریع‌تر انجام شود.

واژگان کلیدی: دیگ بخار، ارزیابی ریسک، HAZOP



ارزیابی مواجهه جوشکاران با پرتوهای غیر یونیزان در یک صنعت سیمان در سال ۱۳۹۶

پیام خانلری، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

مسعود خسروی پور، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

پگاه محمودی، دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیراپزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

زهرا روشندل، دانشجوی کارشناسی علوم و صنایع غذایی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

خدیجه جمشیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد تغذیه، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

زمینه و هدف: جوشکاران یکی از گروه‌های شغلی پرخطر در جهت مواجهه با پرتوهای غیر یونیزان می‌باشند. پرتوهای غیر یونیزان به بافت‌های حساسی مانند چشم، بیضه‌ها و دستگاه عصبی مرکزی آسیب می‌رساند. هدف از مطالعه حاضر تعیین میزان مواجهه جوشکاران یک صنعت سیمان با پرتوهای غیر یونیزان در سال ۱۳۹۶ بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی میزان مواجهه ۸ جوشکار یک صنعت سیمان با پرتوهای غیر یونیزان شامل پرتو فرابنفش (UV) و پرتو فروسرخ (IR) مورد سنجش قرار گرفت. شدت پرتوهای UV و IR در محل قرارگیری چشم جوشکاران به ترتیب با استفاده از دستگاه CHY-732 و HANGER-EC1 اندازه‌گیری شد.

نتایج: میزان مواجهه جوشکاران با پرتو UV بدون شیلد محافظ به ترتیب ۱,۶ و با شیلد محافظ ۰,۰۳ میلی وات بر سانتی متر مربع بود. همچنین میزان مواجهه با پرتو IR بدون شیلد محافظ ۱۲,۲ و با شیلد محافظ ۰,۸ میلی وات بر سانتی متر مربع بود. که در هر دو مورد میزان مواجهه بر اساس دفترچه حدود مواجهه مجاز شغلی ویرایش سال ۱۳۹۵ در شرایط جوشکاری بدون شیلد محافظ بیشتر از حد مجاز بود.

نتیجه‌گیری: استفاده از شیلد محافظ مناسب می‌تواند میزان مواجهه جوشکاران با پرتوهای UV و IR را در سطح مجاز حفظ کند. با توجه به اینکه جوشکاران ممکن است در زمان کاری از شیلد محافظ استفاده نکنند از این رو جهت پیشگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از مواجهه با مقادیر غیر مجاز پرتوهای غیر یونیزان برگزاری کلاس‌های آموزشی دوره ای و همچنین مداخلات مدیریتی و مهندسی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: پرتو غیر یونیزان، پرتو فرابنفش، پرتو فروسرخ، جوشکاران، IR، UV



شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاهای انسانی با استفاده از تکنیک HAZOP Human در یک سایت پروازی

زینب السادات نظام الدینی، مربی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور
اهواز، اهواز، ایران

پریسا ژولائی، کارشناسی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز،
ایران

علویه زینب موسویان اصل، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

z.mosavianasl@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه در بسیاری از محیط های شغلی نظایر صنایع هسته ای، نظامی و شیمیایی بروز یک خطای انسانی می تواند به حادثه ای فاجعه بار منتهی شود که خطای انسانی هرگونه انحراف معنی دار انسان از وظایف از قبل تعیین شده مورد نیاز یا مورد انتظار تعریف می شود. از این رو مطالعه حاضر به منظور شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاهای انسانی اپراتورهای یک سایت پروازی انجام شده است.

مواد و روش: مطالعه توصیفی - تحلیلی فعلی در سال ۱۳۹۵ و در یک سایت پروازی انجام گردید. در ابتدا از میان ۳۰ وظیفه ی اپراتورها در قسمت نگهداری و خط پرواز این سایت، ۷ وظیفه ی پر خطر شناسایی شد و با استفاده از تکنیک Human HAZOP تجزیه و تحلیل و وظایف با ریسک بالا، علل و سطح ریسک وظایف شناسایی گردیدند.

نتایج: مطابق یافته ها تعداد ۹ خطا شناسایی شده که در رتبه ی اول خطای عملکردی با ۴۴/۴۴٪، خطای بررسی با ۳۳/۳۳٪ و خطای ارتباطی با ۲۲/۲۲٪ به ترتیب در رتبه ی دوم و سوم قرار دارند. ۱۲ علت بوجود آورنده ی خطا مشخص شد که در میان آن ها بی احتیاطی با ۱۵/۷۸٪، در رتبه ی دوم حواس پرتی، عدم رعایت موارد ایمنی، عدم هماهنگی و عدم انجام موارد آموزش داده شده به فرد با ۱۰/۵۲٪ قرار دارند. پیامدهای اقتصادی ناشی از خطاهای انسانی ۵۰٪ محاسبه شده و نتایج ارزیابی ریسک روشن ساخت، ۱۰۰٪ وظایف مورد بررسی سطح ریسک غیر قابل قبول دارند.

نتیجه گیری: با در نظر داشتن انواع خطاهای شناسایی شده و همچنین عوامل موثر بر آن ها بیشترین نوع در راستای کاهش "خطای عملکردی" پیشنهاد می شود تا با اقدامات اصلاحی لازم نظیر آموزش های کارآمد، فرصت رخداد خطای عملکردی از اپراتور گرفته شود. سطح ریسک غیر قابل قبول شناسایی شده نشان دهنده ی وضعیت بحرانی در این سایت پروازی بوده و نیاز به واکنش سریع کنترلی و مدیریتی می باشد.

واژگان کلیدی: خطای انسانی، تکنیک Human HAZOP، سایت پروازی



بررسی درک ریسک گرمای محیط کار در میان کارشناسان بهداشت حرفه ای اهواز در سال ۱۳۹۶

فرشته جهانی، کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

علویه زینب موسویان اصل، کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

بهزاد فولادی، ستادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

راضیه برون، کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران. Rboroun90@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه با ارائه پیش بینی های گرم شدن هوا، مواجهه با گرمای محیط کار یک چالش رو به رشد برای سلامت و ایمنی کارکنان است. کارشناسان بهداشت حرفه ای نقش اصلی در اندازه گیری و ارائه مشاوره در رابطه با مدیریت استرس گرمایی به صنایع دارا هستند. بدین منظور مطالعه حاضر با هدف بررسی درک کارشناسان بهداشت حرفه ای و میزان آمادگی مواجهه با گرمای شدید در آینده و شناسایی موانع استراتژی های انطباق با گرما با توجه به شرایط جوی حاکم بر استان خوزستان و لزوم فعالیت در اینچنین محیطی انجام شده است.

مواد و روش: مطالعه مقطعی-توصیفی حاضر در میان کارشناسان بهداشت حرفه ای شهرستان اهواز و در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. ابتدا لیست تمامی کارشناسان بهداشت حرفه ای شاغل از مراکز بهداشت استان استخراج گردیده و با فایل پرسشنامه الکترونیکی که قبلاً روایی و پایایی آن تعیین شده است، در میان کارکنان توزیع گردید. در نهایت به صورت آنلاین تعداد ۱۱۴ پرسشنامه در Google Sheets ثبت گردید و در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ تحلیل گردیدند.

نتایج: گزارش نتایج نشان داد ۵۶٪ شرکت کنندگان دانشجوی سال آخر کارشناسی بهداشت حرفه ای بوده که در حال گذراندن واحد کارآموزی در صنعت هستند. در رتبه دوم ۳۰٪ شرکت کنندگان کارمند مراکز بهداشتی و در ادامه مشاورین و کارشناسان ثابت بهداشت حرفه ای صنایع قرار دارند. ۴۹٪ شاغلین در ناحیه شرق اهواز مشغول فعالیت بوده و ۳۸٪ از شرکت کنندگان در رابطه با افزایش خطرات ناشی از گرمای زیاد در محیط کار احساس نگرانی میکنند. ۹۰،۳٪ شرکت کنندگان اعلام داشتند که در طی تجربیات کاری خود کارگران در رابطه با گرمای محیط کار اظهار نگرانی کرده اند. ۷۶،۲٪ کارشناسان در رابطه با اقدامات پیشگیری به کار رفته در محیط کاری خود را " کاربرد سیستم خنک کننده یا تهویه مطبوع " را بیان نموده اند. ۶۵،۷٪ از شرکت کنندگان عدم تعهد مدیریت را مانع اصلی در پیشگیری و کنترل گرما معرفی کرده اند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج نیاز به مدیریت استراتژی های پیشگیری از گرمزدگی حرفه ای در راستای بهبود شرایط محیط کاری کارگران شاغل در قسمت های مختلف شهرستان اهواز مشهود می باشد.

واژگان کلیدی: درک ریسک، استرس گرمایی، انطباق با گرما



بررسی وضعیت شنوایی کارکنان یکی از پتروشیمی های ماهشهر در سال ۱۳۹۵

فرشته جهانی، کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

علویه زینب موسویان اصل، کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

حسینعلی رنگ کوی، استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

بهرام کوهنورد، مربی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان،
Bahramk2011@gmail.com ایران

مقدمه: بیماری های شغلی، به گروهی از بیماری ها اطلاق می گردد که به طور مشخص بر اثر عوامل بیماری زای محیط کار ایجاد شده باشند. افت شنوایی ناشی از سر و صدا یکی از شایع ترین بیماری شغلی است که در کشور ما گزارش می شود. این اختلال در اثر مواجهه مستمر با سر و صدای زیاد و در طول زمان ایجاد می شود و در صورت تداوم مواجهه می تواند تشدید شده و پیشرفت نماید. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی افت شنوایی در کارکنان یکی از پتروشیمی های جنوب کشور در سال ۱۳۹۵ انجام شده است.

روش بررسی: در مطالعه توصیفی-تحلیلی حاضر، ۲۱۶ نفر از کارکنان بخش های مختلف نیروگاه مورد بررسی قرار گرفتند. از کلیه افراد ارزیابی شنوایی به صورت Air Pure Tone Audiometry انجام پذیرفت و در نهایت نتایج با استفاده از excel نسخه تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: در میان شرکت کنندگان ۸۰/۵ درصد مذکر و مابقی معادل ۱۹/۵ درصد مونث بودند. میانگین سنی و انحراف معیار افراد، به ترتیب عدد ۳۸/۶ و ۷/۹ سال بدست آمد. ۷۰/۵٪ افراد دارای شنوایی طبیعی، ۱۴/۹٪ دارای افت شنوایی دو طرفه در فرکانس های بالا و ۳/۷٪ افراد دارای افت یک طرفه در فرکانس های بالا بوده اند.

نتیجه گیری: جهت بررسی علت شغلی افت شنوایی دو طرفه و یک طرفه افراد در فرکانس های بالا انجام تحقیقات بیشتر در خصوص اثر نوع محیط کار و تجهیزات آن و اندازه گیری صدای محیط کار افراد مد نظر قرار گرفت. و به پرسنل شناسایی شده دارای افت شنوایی در محدوده ی خطر به ترتیب اولویت های تغییر محل کار در شرکت مربوطه و سپس استفاده از گوشی حفاظت شنوایی در هنگام حضور در محل پروسه توصیه گردید.

کلمات کلیدی: افت شنوایی، بیماری شغلی، سر و صدا



تاثیر آموزش ارگونومی بر تغییر سطح ریسک و فراوانی درد کارگران بسته بندی کارخانه آریا شیمی به روش ارزیابی RULA و پرسشنامه نوردیک

نرگس شه بخش، کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
رویا خسروی، کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
رمضان میرزایی، دکتری بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
مهناز شهرکی پور، دکتری آمار و اپیدمیولوژی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

زمینه و هدف: با توجه به اثر قرار گرفتن وضعیت های بدنی در میزان سطح ریسک و فراوانی درد در اعضای مختلف بدن، این مطالعه با هدف ارزیابی تاثیر آموزش ارگونومی بر تغییر سطح ریسک و فراوانی درد کارگران بسته بندی به روش ارزیابی RULA و پرسشنامه نوردیک در یک صنعت بسته بندی انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی، مداخله ای مورد - شاهدی بر روی ۱۷۲ نفر کارگر بسته بندی (۸۶ نفر شاهد و ۸۶ نفر مورد) در شهر زاهدان انجام شد. با استفاده از پرسشنامه نوردیک جهت تعیین شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی اندام های فوقانی، مشاهده و مصاحبه و روش (RULA) جهت ارزیابی پتانسیل خطر ایجاد اختلالات اسکلتی-عضلانی قسمت های انتهایی اندام های فوقانی و همچنین پرسشنامه محقق ساخته پس از تعیین روایی و اعتماد پذیری برای تعیین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان انجام گرفت. سپس داده ها وارد نرم افزار آماری SPSS شد و تجزیه و تحلیل لازم انجام شد.

نتایج: این مطالعه بر روی ۱۷۲ نفر کارگر بسته بندی (۸۶ نفر شاهد و ۸۶ نفر مورد) در شهر زاهدان انجام شد نتایج حاصل از آزمون مک نمار نشان داد که بین داشتن و نداشتن درد در نواحی شانه، آرنج، مچ دست، پشت، کمر، زانو و قوزک پا در ۳ ماه گذشته بعد از مداخله بین دو گروه ارتباط معناداری وجود دارد ($P < 0.05$). نتایج حاصل از آزمون کای دو نشان داد که بین داشتن و نداشتن درد بجز گردن در شانه، آرنج، مچ دست، پشت، کمر، نشیمنگاه، ران، پاها و زانو در ۱۲ ماه گذشته قبل از مداخله بین دو گروه ارتباط معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج بررسی نشان داد که آموزش میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان را افزایش داده است و همچنین کاهش درد در بعضی نواحی پر درد قبل از آموزش شده است ولی به دلیل طراحی نادرست محیط کار، سرعت کار و همچنین همکاری نکردن کارفرما در ایجاد مداخله در طراحی میز کار سطح ریسک تغییری نشان نداد.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی-عضلانی، آموزش، آگاهی، نگرش، عملکرد



مطالعه ارگونومیک خطاهای انسانی در یکی از اتاق کنترل های مس سرچشمه با استفاده

از روش SHERPA

معصومه کرمی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

مصطفی زید آبادی، مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست مس سرچشمه، کرمان، ایران

حسین علی حکیمی، سرپرست بهداشت صنعتی مس سرچشمه، کرمان، ایران

یاسر صحرا نورد، کارشناس بهداشت حرفه ای مس سرچشمه، کرمان، ایران

مقدمه: در بسیاری از محیط‌های شغلی با وجود فن‌آوری‌های ح‌ساس و پیچیده، خطاهای انسانی به دلیل منتهی شدن به حوادث ناگوار از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل جهت پیشگیری و محدود ساختن پیامدهای ناشی از خطاهای انسانی، شناسایی و علت‌یابی آن‌ها لازم است. هدف این مطالعه شناسایی، ارزیابی و ارائه راهکارهای کنترلی برای کاهش خطای انسانی در مس سرچشمه کرمان است

روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی می‌باشد که در سال ۱۳۹۶ در شرکت مس سرچشمه صورت گرفت. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش مشاهده وظایف و مصاحبه با متخصصین فرآیند و اپراتورهای اتاق کنترل انجام شد که در این مطالعه ۷ نفر با ۷ پست کاری مختلف در طول یک شیفت کاری مورد بررسی قرار گرفتند و سپس تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی HTA وظایف انجام شد و در نهایت خطاهای انسانی هر یک از وظایف با روش SHERPA شناسایی شد.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل برگه‌های کار SHERPA نشان داد که تعداد کل خطای انسانی شناسایی شده در وظایف شغلی مورد مطالعه، ۱۵۲۷ خطا می‌باشد که از این تعداد، ۴۱۸ خطا (۲۷/۳۷٪) مربوط به تبادل اطلاعات، ۳۵۷ خطا (۲۳/۳۷٪) از نوع باز یابی، تعداد ۳۴۱ مورد (۲۲/۳۳٪) خطای عملکردی، تعداد ۳۱۲ مورد (۲۰/۴۳٪) خطای بازدیدی و تعداد ۹۹ مورد (۶/۴۸٪) خطای انتخابی بوده است و ۷۹/۰۴ درصد خطاها غیر قابل قبول و ۲۰/۹۵ درصد خطاها، نامطلوب برآورد گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که روش SHERPA می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر جهت شناسایی خطاهای انسانی در اتاق کنترل واحدهای حساس صنایع بزرگ مورد استفاده قرار گیرد. بارزترین خطاها مربوط به خطاهای تبادل اطلاعات بوده و برگزاری جلسات، نظارت و بازرسی، آموزش کارکنان، دستورالعمل‌های کاری و تغییر در برنامه شیفت کاری می‌تواند در کاهش و کنترل خطاهای انسانی مؤثر بوده و بایستی در اولویت اصلاحی قرار گیرند.

کلمات کلیدی: خطای انسانی، SHERPA، اتاق کنترل، مس سرچشمه



بررسی میزان مواجهه با میدان‌های الکترومغناطیسی با فرکانس خیلی پایین در اطراف مولدهای برق واحدهای جوشکاری مس سرچشمه

یاسر صحرانورد، معصومه کرمی، مصطفی زیدآبادی، حسین علی حکیمی، سمیرا شاخرخی

زمینه و هدف: مواجهه با میدان‌های الکترومغناطیسی در فرکانس‌های بی‌نهایت پایین ۳۰۰ - ۳ هرتز با توجه به شدت میدان و مدت زمان مواجهه با آن می‌تواند باعث ایجاد بروز عوارض قطعی و محتمل بر سلامت افراد در مواجهه گردد. در اطراف بسیاری از تجهیزات الکتریکی میدان‌های الکتریکی و مغناطیسی مذکور ایجاد می‌گردد. یکی از پرکاربردترین این تجهیزات در صنعت مولدهای برق جوشکاری هستند که افراد جوشکار در مواجهه با میدان‌های ناشی از آن قرار دارند. با توجه به اینکه اطلاعات میزان مواجهه با میدان‌های اطراف این دستگاه‌ها در هیچ مطالعه‌ای یافت نگردید

روش کار: مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان مواجهه شغلی با میدان‌های اطراف دستگاه‌های مذکور انجام گرفت. در این مطالعه شدت میدان در اطراف تعداد ۲۰ دستگاه مولد برق قبل و بعد از روشن نمودن با استفاده از دستگاه سنجش ELF مدل HI-3604 اندازه‌گیری شد.

نتایج: نتایج نشان داد که شدت میدان الکتریکی در اطراف مولدها قبل و بعد از روشن نمودن به ترتیب برابر با $2/5 \pm 0/93$ و $14/14 \pm 4/37$ ولت بر متر و شدت میدان مغناطیسی در حالت روشن بودن دستگاه برابر با $0/239 \pm 0/098$ میکرو تسلا بود که با توجه مدت زمان مواجهه کارگران پائین‌تر از حد مجاز توصیه شده وزارت بهداشت ایران قرار داشت. نتایج نشان داد که بین شدت میدان‌های الکترومغناطیسی با تعداد سطوح اطراف دستگاه‌ها و طول عمر دستگاه ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه این دستگاه‌ها می‌توانند به عنوان یکی از منابع تولید میدان‌های الکترومغناطیسی در شغل جوشکاری مدنظر قرار گرفته و اتخاذ تدابیر و برنامه‌های پیشگیرانه جهت کاهش میزان مواجهه کارکنان تا حد ممکن از پیشنهادات این مطالعه است.

واژگان کلیدی: فرکانس‌های بی‌نهایت پایین، میدان‌های الکترومغناطیسی، مولد برق جوشکاری



ارزیابی سرطان زایی شاغلین در مواجهه با دمه فلزات سنگین با شاخص ILCR در صنعت ذوب مس سرچشمه

سمیرا شاهرخی، سحر قلعه عسکر، اسر صحرانورد، معصومه کرمی

زمینه و هدف: فلزات سنگین عناصر غیر ضروری هستند که در دوزهای بسیار پایین خیلی سمی و غیر قابل تجزیه می باشند. به طوری که آژانس بین المللی تحقیقات سرطان (IARC) فیوم ناشی از برخی فلزات را جز عوامل سرطان زا قرار داده است. سرب و آرسنیک از جمله فلزات سنگینی هستند که اثرات زیان آور آن بر سلامتی و طول عمر افراد اثبات شده و مواجهه افراد شاغل در صنایع ذوب فلزات با این ترکیبات بالاست. بعلاوه نبود اطلاعات کافی در صنایع ذوب با این ترکیبات، این مطالعه با هدف ارزیابی سرطان زایی شاغلین در مواجهه با دمه فلزات سنگین در صنایع ذوب فلزات انجام شد

مواد و روش ها: نمونه گیری و آنالیز فلزات سنگین از جمله آرسنیک، مس، سرب، سلنیوم و کادمیوم و گردوغبار با توجه به روش NIOSH 7302-13 و دستگاه طیف سنجی جذب اتمی در سال ۹۶ انجام و ارزیابی ریسک براساس شاخص ILCR که براساس مدل پیشنهادی سازمان حفاظت از محیط زیست ایالات متحده استخراج شده، انجام شد

نتایج: دوز ریسک سرطانی برای آرسنیک در همه واحدها به جزء واحد تعمیرات بیشتر از 10^{-4} بوده و در محدوده ریسک غیرقابل قبول قرار دارد. دوز ریسک سرطانی برای سرب در واحد ریورب و ریخته گری غیرقابل قبول و در واحد کنورتور و تعمیرات احتمالی است. طبق دستورالعمل EPA اگر مقدار دوز ریسک، بین 10^{-4} و 10^{-6} باشد، ریسک احتمالی بوده و بررسی آن توسط کمیته مدیریت ریسک ضرورت دارد.

نتیجه گیری: ریسک بهداشتی سرطان در این صنعت به دلیل بالا بودن فاکتور شیب سرطان برای آرسنیک و سرب و بالا بودن غلظت مواجهه در محدوده غیرقابل قبول قرار دارد. بنابراین با آموزش کارگران می توان سطح ریسک را کاهش داد. مهمترین راه کنترل ریسک بهداشتی سرطان، بالابردن سطح آگاهی کارگران و نظارت بر کار آنها است.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، فلزات سنگین، اثرات بهداشتی، شاخص ILCR



ارزیابی غلظت ذرات معلق و بیوآیروس‌های موجود در هوای بیمارستان ولایت دامغان

مهناز سلیمانی، علیرضا دهدشتی، روح‌الله رستمی، مهسا میرزای گلپایگانی

زمینه و هدف: نمونه برداری و تجزیه و تحلیل میکروارگانیسم‌های هوا در سال‌های اخیر به علت نگرانی در مورد آلودگی محیطی، تهدید بیوتروریسم و اثرات مواجهه شغلی بر سلامت در بهداشت صنعتی مورد توجه قرار گرفته است. فرایندها و فعالیت‌های کاری مختلف در محیط‌های بیمارستانی موجب انتشار انواع بیوآیروس‌ها در محیط می‌شود که می‌تواند سلامت کارکنان را تحت تأثیر قرار داده و همچنین موجب عفونت‌های بیمارستانی شود. هدف از مطالعه حاضر ارزیابی غلظت ذرات معلق و بیوآیروس‌های موجود در هوای بیمارستان ولایت دامغان است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی در یک دوره ۶ ماهه انجام شد. تعداد ۵۶ نمونه بیوآیروس‌های قارچی و باکتریایی و ۱۶ نمونه ذرات معلق در ۸ بخش بیمارستان با استفاده از پمپ نمونه بردار Quick Take^{۳۰} با دبی $28/3 \text{ L/min}$ و مدت زمان 10 min بر روی محیط کشت‌های سابرودکستروز حاوی کلرامفنیکل و بلاداگار انجام گرفت. نمونه برداری ذرات معلق نیز توسط پمپ نمونه برداری فردی و فیلتر استر سلولزی با دبی 3 L/min در مدت زمان 1 hr انجام گرفت.

نتایج: نتایج اندازه‌گیری نمونه‌های هوای محیطی، حاکی از وجود انواع قارچ‌های پنسیلیوم، آسپرژیلوس نایجر، آسپرژیلوس فومیگاتوس، آسپرژیلوس پلی‌بوس، کلادوسپوریوم، موکور، آلترناریا، کاندیدا آلبیکنز، رایزوپوس و همچنین باکتری‌های کلبسیلا، استافیلوکوک اورئوس و سودوموناس آئروژینوزا بود. حداکثر میانگین اسپورهای قارچی در هوای بخش اورژانس و حداقل آن در اتاق عمل گزارش شد. همچنین از لحاظ آلودگی باکتریایی بخش ICU بیشترین و آزمایشگاه دارای کمترین بار آلودگی بود. نتایج مطالعه نشان داد با افزایش ذرات معلق غلظت اسپورهای قارچی افزایش می‌یابد. بارمیکروبی همه‌ی بخش‌های بیمارستانی بالاتر از 30 CFU/m^3 به عنوان حد پیشنهادی بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به میزان بالای آئروسول‌ها، نتایج حاصل از این مطالعه را می‌توان جهت برآورد میزان سطح خطر (ریسک) مواجهه با ذرات هوا برد بیولوژیکی، کاهش و پیشگیری از ریسک و ارائه راهکارهای کنترلی در جهت کاهش غلظت بیوآیروس‌های موجود در هوای محیط داخل بیمارستان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بیوآیروس‌ها، ذرات معلق، نمونه برداری، باکتری، قارچ



بررسی میزان تراکم گرد و غبار پنبه و ارتباط آن با تغییرات ظرفیت‌های ریوی کارگران در یک کارخانه نساجی

میثم کرمی، علیرضا دهدشتی، مهشید بهرامی، مصطفی نائی طاهری، مهناز سلیمانی، مرضیه بلجی
کنگرلو

زمینه و هدف: در صنایع نساجی به‌ویژه در بخش ریسندگی، شیوع برونشیت مزمن و پنوموکونیوزیس همراه با علائم اختلال تنفسی سرفه و خلط که از گرد و غبار الیاف پنبه طبیعی در حین فرایند تولید پارچه حاصل می‌شود، بسیار بالا است. بنابراین ضمن تعیین میزان گرد و غبار کلی و گرد و غبار قابل استنشاق پنبه در صنایع نساجی، بایستی رابطه هر یک را با تغییرات ظرفیت‌های تنفسی شاغلین تعیین نمود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به صورت تحلیلی-مقطعی در زمستان ۱۳۹۶ به منظور ارزیابی اثرات گرد و غبار پنبه بر روی دستگاه تنفسی، در دو گروه مورد که شامل ۱۳۰ کارگر در معرض گرد و غبار و گروه شاهد که شامل ۷۰ کارگر بدون مواجهه بودند، انجام شد. پس از تکمیل پرسشنامه حاوی سؤالات مربوط به ناراحتی تنفسی برای دو گروه، اندازه‌گیری‌های ظرفیت تنفسی آنها در دو نوبت که یکی در اولین روز مراجعت بعد از تعطیلات درابتدای شیفت کار و دیگری در انتهای همان شیفت کاری بود، صورت گرفت.

نتایج: میانگین غلظت گرد و غبار کلی پنبه از مقادیر مجاز توصیه شده توسط NIOSH بیشتر بوده است. همچنین بالاترین میزان در سالن‌های کاردینگ و حلاجی به ترتیب ۱/۲۴ و ۰/۸۳ بوده است. میزان ظرفیت‌های تنفسی FEV1/VC، FEV1، FEV1/FVC در ابتدا و انتهای شیفت در گروه مورد نسبت به شاهد کاهش معناداری داشته است.

نتیجه‌گیری: تماس مزمن با گرد و غبار پنبه در صنعت نساجی، باعث افزایش اختلالات تنفسی شده است. لذا پیشنهاد می‌شود که با چرخش کاری و کاهش ساعات مواجهه در جهت پیشگیری از شیوع اختلالات تنفسی ناشی از مواجهه با گرد و غبار پنبه در این صنعت گام برداشت.

واژگان کلیدی: ریسندگی، اختلالات تنفسی، گرد و غبار پنبه



شناسایی عوامل خطر احتمالی فعالیت‌های تعمیرات مکانیکی تجهیزات و دستگاه‌ها در مجتمع فولاد کویر: اقدام پژوهی با روش تجزیه و تحلیل ایمنی شغلی

میثم کرمی، علیرضا دهدشتی، مهشید بهرامی، مصطفی نائبی طاهری، مهناز سلیمانی، مرضیه بلجی
کنگرلو

زمینه و هدف: عملیات تعمیرکاران مکانیکی در صنایع فولاد مخاطره آمیز بوده و کارگران در معرض خطرات جدی هستند. این مطالعه به ارزیابی ریسک مخاطرات ۲۴ نوع فعالیت مختلف تعمیرکاران مکانیکی تجهیزات در فرایند فولادسازی با استفاده از روش تجزیه و تحلیل ایمنی شغلی پرداخته است.

مواد و روش‌ها: در یک مطالعه موردی هر یک از فعالیتهای تعمیرات مکانیکی به مراحل متوالی کار شکسته شده و خطرات مربوط به هر مرحله با استفاده از روش مشاهده و مصاحبه تعیین و فرمهای تجزیه و تحلیل ایمنی شغلی تکمیل گردید. سپس سطح ریسکها با استفاده از استاندارد MIL-STD-882E/v5 تعیین و بر اساس چهار شاخص قضاوت شامل شدید، نسبتاً شدید، متوسط و پایین مشخص شدند.

نتایج: درمجموع ۲۷۱ خطر شناسایی شد. نتایج نشان داد ۵/۱٪ از ریسک‌های شناسایی شده در سطح شدید، ۳۲/۴٪ در سطح نسبتاً شدید، ۴۵٪ در سطح متوسط و ۱۷/۷٪ در سطح پایین است. بیش از یک سوم ریسک‌های شناسایی شده در محدوده غیرقابل قبول قرار دارند. بیشترین تعداد ریسک‌ها مربوط به فعالیت تعویض تیغه و هولدر قیچی‌ها و کمترین ریسک مربوط به فعالیت تعویض تسمه و نتیل‌تورها بود. بیشترین عدد اولویت خطر برابر ۳ با فراوانی ۱۴ و مربوط به خطر مواجهه با سر و صدای بالاتر از ۱۰۰ دسی بل است.

نتیجه‌گیری: بر اساس شناسایی فعالیت‌های مخاطره‌آمیز کارگران تعمیر و نگهداری، اولویت اقدامات کنترلی باید به استفاده از وسایل حفاظت فردی، استفاده از مجوز ایمنی کار و نیز انجام نظارت و بازرسی منظم از تجهیزات برای کاهش خطرات مربوطه اختصاص داده شود.

کلید واژه‌ها: تجزیه و تحلیل ایمنی شغلی، ارزیابی ریسک، فولاد سازی



مروری بر سندروم حاد پرتوگیری

سارا مهر سروش، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

هدف و زمینه: پرتوها یکی از عوامل زیان آور شغلی به شمار می آیند که می توانند منجر به آسیب های بیولوژیکی در موجودات زنده شوند. مطالعه حاضر با هدف آشنایی با سندروم حاد پرتوگیری به عنوان یکی از آسیب های سوماتیکی ناشی از پرتوها می باشد. نتایج به دست آمده می تواند باعث افزایش سطح آگاهی از عوارض ناشی از پرتوها شده و در نتیجه باعث بیشتر شدن توجه به نقش بهداشت حرفه ای در پیشگیری از ابتال به این سندروم شود.

روش بررسی: این مطالعه مروری با تاکید بر نتایج تحقیقات موجود در این زمینه می باشد. برای جمع آوری داده های مورد نیاز از منابع کتابخانه ای و بانک های اطلاعاتی الکترونیکی در دسترس مانند scholar Google ، SID و Magiran استفاده گردید. کلمات و موضوعات جست و جو شده شامل عوارض ناشی از پرتو های یونیزان و غیر یونیزان، تاثیر پرتوها بر اندام های بدن و بیماری های شغلی ناشی از پرتوها می باشد .

یافته ها: سندروم حاد پرتو که به آن مسمومیت پرتویی یا بیماری پرتو هم گفته می شود. یک بیماری وخیم است که ممکن است در هر زمانی در بدن فردی که در یک چارچوب زمانی کوتاه ، در معرض دوز های بسیار بالای پرتو های یونیزه کننده قرار گرفته است ، رخ دهد. اشعه رادیو اکتیو چیزی نیست که قابل دیدن باشد و یا بویی ندارد که آن را حس کنید و یا عالئم خاصی که سریعاً متوجه آن شوید ، فقط بعد از مدتی عوارض آن در موجودات زنده آشکار می شود. در انسان نیز پس از مدتی، سرطان های مختلفی مثل سرطان پوست، خون، ریه، نای، معده، روده و ... آشکار می شود. مقدار عالئمی که فرد تجربه میکند به طور مستقیم با مقدار پرتو جذب شده بوسیله بدن فرد بستگی دارد .

نتیجه گیری: برای ایجاد سندروم حاد پرتو، پرتو (اشعه) باید به درون بدن نفوذ کند تا به اندامهای درونی برسد. میزان پرتو ناشی از وسایل اشعه ایکس و پزشکی به طور معمول بسیار پایین است و باعث این سندروم نمی شود، گرچه پرتودرمانی (رادیوتراپی) سرطان ممکن است آنقدر پرتو منتشر کند که باعث ایجاد این عالئم شود. عالئم این سندرم در طی چند دقیقه تا چند روز پس از قرار گرفتن در معرض تابش پرتو آغاز میشود و شامل تهوع، استفراغ و اسهال است. این عالئم ممکن است برای چند دقیقه یا چند روز به طول انجامد و ممکن است متغیر باشد. پس از برطرف شدن عالئم اولیه ممکن است احساس بهبودی کنید و بعد دوباره احساس بیماری کنید و این بار بیماری وخیمتر است، ممکن است حتی دچار تشنج یا اغما شوید. این مرحله از بیماری ممکن است بسیار طولانیتر، مثال تا چند ماه باشد. مرگ ممکن است رخ دهد و احتمال آن بسته به مقدار پرتو دریافت شده دارد. این مرگ در اغلب موارد، در طول چند ماه پس از قرارگیری در معرض پرتو و به علت تخریب مغز استخوان، عفونت و خونریزی اتفاق می افتد. این بیماران ممکن است تا دو سال پس از قرار گرفتن در معرض پرتو، همچنان دچار عالئم باشند. درمان شامل پیشگیری از آلودگی بیشتر با اشعه، کاهش عالئم، درمان اندام های آسیب دیده و کنترل درد است.

واژگان کلیدی: سندروم حاد پرتوگیری، مسمومیت پرتویی، عوارض بیولوژیکی پرتوها، یونیزان و غیر یونیزان



Assessment of the Relation between Occupational Stress and Smoking Status among Steel Industry Workers

F Nadri, MD. Student of work safety and technical protection. Emam Ali institute of applied science. Ahvaz. Iran

H Nadri, M.Sc. student of Occupational Health Engineering, Student Research Committee, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

F Fasih-Ramandi, M.Sc. student of Islamic positive psychology. Payam noor boroujerd university. Lorestan. Iran

Background and Aim: Occupational stress antagonizes human health directly as well as by instigating behavioral adversities like smoking; though it's relation with latter is yet unveiled. This study aimed at ascertaining the relation between occupational stresses and smoking status among workers of a steel industry in Iran.

Materials and Methods: This cross-sectional descriptive study was conducted among 105 workers of steel industry in Iran. Standardized Health and Safety Executive Management Standards Indicator Tool (HSE-MS IT) along with subjects' demographic features were used to assess occupational stress; while smoking status was measured by standardized methods of Otten et al (1999). Data analyzed via IBM-SPSS 22.

Results: The average age and work experience of smokers or non-smokers were 39.5 ± 10.2 , 38.4 ± 5.5 , 13 ± 6.1 , and 12.9 ± 5.9 years respectively. Total occupational stress scored 2.96 ± 0.35 ; 13.5% staff were at high stress risk. Outcome scores were significantly different between smokers and non-smokers in stress dimensions including role, relationships, managers' support and peer support.

Conclusion: Although smoking workers revealed better situation in role dimension, yet smoking employees depicted higher stress in relationships, managers' support and peer support dimensions. Inferences qualify for imperative measures to implicate smoking cessation programs, as well as regime to attenuate occupational stress at workplaces.

Keywords: Occupational stress, HSE-MS Indicator Tool, Smoking



Low Back Pain Intensity and Disability Index among Manual Material Handling Workers

F Fasih-Ramandi, M.Sc. student of Occupational Health Engineering, Student Research Committee, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: The revised NIOSH lifting equation (RNLE) is commonly used to risk assessment of manual handling and can estimates low back pain (LBP) biomechanical stressors from lifting and/or lowering of loads. The aim of this study was to evaluation of manual material handling using the RNLE, LBP and disability index among workers in a tile and ceramic industry in Tehran in 2016.

Materials and Methods: A sample of 30 workers (manual workers) in a tile and ceramic production line was analyzed. LBP prevalence and disability index were measured by using of body map questionnaire in combined with visual analog scale and self-report Oswestry Disability Index (ODI) respectively.

Results: According to the results, composite-lifting index (CLI) value was 14.77. LBP prevalence among workers was reported equal to 100%, also LBP intensity was equal to 68.8 ± 17.8 . The mean of LBP disability index among workers has been reported equal to 41.3 ± 17.1 (severe crippled).

Conclusion: The results show that CLI value for these jobs exceeded 3, which means that there is a significant level of physical stress associated with these jobs for nearly all workers. Both strength and endurance for this job are high, so job redesign could decrease the physical demands through modifying the job layout.

Keywords: Manual material handling, Low back pain, Disability index



مروری بر کاربرد و اهمیت سیستم تحلیلگر دیفرانسیلی تحرک الکتریکی ذرات (DMA) بمنظور اندازه گیری نانو ذرات

محمد جواد جعفری، استاد گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سهیلا خداکریم، استادیار گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

فاطمه فصیح رامندی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

اصغر صدیق زاده، پژوهشکده علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: انتخاب مکانیسم مناسب برای کنترل ذرات آئروسول، قویا به اندازه ذرات بستگی دارد، چرا که اندازه ذره مهمترین ویژگی است که بر رفتار آن تاثیر میگذارد. بنابراین با دانستن اندازه ذرات آئروسول میتوان رفتار ذرات در جریان هوا را تعیین و نوع ابزار مورد نیاز برای کنترل آنها را مشخص نمود. یکی از تجهیزاتی که کمتر از سوی محققین بالخص در داخل کشور به آن پرداخته شده است، سیستم تحلیلگر دیفرانسیلی تحرک الکتریکی ذرات می باشد که در جهت توزیع اندازه نانو ذرات مورد استفاده قرار میگیرد. این مقاله در صدد است با مروری بر مطالعات صورت گرفته، سیر تکامل و اهمیت کاربردی این سیستم را مورد بررسی قرار دهد، تا در نهایت بتواند جایگاه واقعی این سیستم را در بین محققین این حوزه معرفی کند.

مواد و روش ها: در این مطالعه با جستجو در بانک های اطلاعاتی PubMed، Direct Science، Scholar Google و PubMed مطالعاتی که سیستم تحلیلگر دیفرانسیلی تحرک الکتریکی ذرات را مورد بررسی قرار داده بود با انتخاب کلید واژه هایی از قبیل Analyser Mobility Differential، Analyzer Mobility Electrical، و Counters Particle انتخاب شدند.

نتیجه گیری: براساس نتایج این مطالعه از مزایای اصلی سیستم های DMA میتوان به توانایی بالای آنها در اندازه گیری و طبقه بندی دامنه وسیعی از ذرات با قطر ۳ تا ۱۰۰۰ نانومتر، زمان پاسخ سریع، دقت بالای اندازه گیری ذرات، حداقل از دست رفتن نمونه و هزینه کم برای ساخت آنها اشاره نمود، بطوریکه می تواند در گستره وسیعی از جمله حوزه تحقیقاتی و صنعتی بکار گرفته شود.

واژگان کلیدی: تحلیلگر دیفرانسیلی، تحرک الکتریکی، نانو ذرات، توزیع اندازه



مروری بر ارتباط فرسودگی شغلی و سلامت روان در پرستاران ایرانی

میلاد غریب؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

فاطمه واعظ؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسمزاده؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: فرسودگی شغلی یک حالت خستگی فیزیکی روانی و احساس کاهش توانمندی است و از عوامل اساسی کاهش کارایی و سلامت روانی نیروی انسانی خصوصاً شغل‌های خدماتی مثل پرستاری می‌باشد. از آن جایی که سلامت روان در کیفیت ارائه خدمات پرستاری مؤثر است. هدف از این مقاله، تعیین ارتباط بین فرسودگی شغلی و سلامت روان پرستاران می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری، با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر SID, Magiran, Pubmed, Iran doc و موتور جستجوگر Google Scholar و به کارگیری واژگان کلیدی فرسودگی شغلی، پرستار، سلامت روان مقالات مرتبط با موضوع شناسایی شد. در ابتدا 16 مقاله از سال‌های 1389 تا 1396 مورد مطالعه قرار گرفت که در نهایت از 9 مقاله در میان آنها در این مطالعه مروری بهره کامل گرفته شد.

نتایج: نتایج حاصل از مطالعات نشان داد که بین فرسودگی شغلی و سلامت روان پرستاران ارتباط معناداری وجود دارد و فرسودگی شغلی را عامل مؤثری بر مشکلات روانی مانند سلامت معنوی، رضایت شغلی و کیفیت زندگی پرستاران گزارش کردند. در مطالعات میزان فرسودگی شغلی با جنس، سن، سابقه کار و بخش‌های کاری مختلف ارتباط داشت و همچنین ارتباط بین متغیرهای سابقه کار و نوبت کاری با سلامت روانی معنادار بود. از دیگر نتایج این مطالعه مروری میتوان به نشانگان جسمانی، افسردگی، اختلال در کارکردهای اجتماعی، اضطراب و اختلالات خواب از حیطه‌های سلامت روان در پرستاران اشاره کرد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد بین سلامت روان با فرسودگی شغلی ارتباط معنیداری وجود داشت؛ به این معنی که با افزایش سلامت روان، پرستاران سطح پایین‌تری از فرسودگی شغلی را تجربه نمودند. با توجه به ماهیت استرس‌زای حرفه‌ی پرستاری و شیوع بالای اختلال در سلامت روان نسبت به جمعیت عمومی و فرسودگی شغلی، جهت پیشگیری یا برطرف نمودن مشکل موجود، توصیه می‌شود پرستاران با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های مدیریت استرس در بخش‌ها مشغول به کار شوند؛ همچنین توجه جدی مسئولین دست‌اندرکار بهداشت روان برای بهبود کیفیت کاری پرستاران ضروری است.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، پرستار، سلامت روان



ارزیابی هوش هیجانی کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

فیروز امانی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
پرویز مولوی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
مهرداد معماری؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

زمینه و هدف : هوش هیجانی یکی از مهمترین عوامل برای موفقیت شغلی و اجتماعی افراد می باشد که برای عملکرد مؤثر کلیه کارکنان شاغل در بخش های مختلف دولتی و خصوصی، مراکز درمانی، کارخانجات و... لازم و ضروری است. این پژوهش با هدف ارزیابی هوش هیجانی کارکنان انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بود که در سال 1396 بر روی 150 نفر از کارکنان شاغل در ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه هوش هیجانی گلمن بود و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش آمار توصیفی در نرم افزار SPSS نسخه 19 استفاده شد.

نتایج: میانگین سنی نمونه ها 40.8 ± 7.6 سال و 56٪ نمونه ها مرد بودند. 93.3٪ از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بودند. هوش هیجانی بیشتر کارکنان با 68٪ در سطح متوسط قرار داشت.

نتیجه گیری : برگزاری دوره های آموزشی مناسب و مؤثر در مورد هوش هیجانی، می تواند در ارتقاء موفقیت های شغلی، اجتماعی و تعامل بهتر کارکنان با هم و با مردم بسیار مؤثر باشد.

واژگان کلیدی : هوش هیجانی، پرسش نامه گلمن، کارکنان، اردبیل



ارزیابی میزان مواجهه شغلی با صدا و افت شنوایی در کارگران صنایع کوچک شهر سبزوار

گوهر خداهش؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

انسیه اناری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

فاطمه زمندی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

صدیقه رستاقی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

فاطمه ابارشی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زمینه و هدف: صدا به عنوان یکی از مهمترین عوامل زیان آور محیط کار همواره سلامت کارگران را در محیط های صنعتی و خدماتی تحت تاثیر قرار داده و به خصوص باعث کاهش شنوایی و یا بروز حوادث گوناگون بوده است. در این میان صنایع کوچک واقع در محیط شهرها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط مواجهه صوتی مشاغل خدماتی و کاهش شنوایی ناشی از آن در صنایع کوچک شهرستان سبزوار انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی در ۱۰۰ کارگاه خدماتی تحت پوشش مراکز بهداشتی سبزوار شامل صافکاری؛ نجاری و تراشکاری در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جهت تعیین میزان مواجهه ۸ ساعته از دوزیمتری کوتاه مدت استفاده شد و سپس میزان مواجهه ۸ ساعته با استفاده از فرمول محاسبه گردید. همچنین ارزیابی شنوایی شاغلین با استفاده از یک دستگاه ادیومتر مدل MEVOX_SA15 scrin انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد بیشترین تراز معادل مواجهه ۸ ساعته به ترتیب مربوط به شغل صافکاری با ۹۴/۱۵ دسی بل؛ نجاری با ۸۵/۵۷ دسی بل و تراشکاری با ۸۴/۸۶ دسی بل می باشد. نتایج مربوط به آستانه شنوایی شاغلین نشان دهنده بیشترین افت شنوایی گوش راست به ترتیب مربوط به شغل صافکاری؛ تراشکاری و نجاری و بیشترین افت شنوایی گوش چپ مربوط به شغل تراشکاری؛ صافکاری و نجاری می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به تحلیل رگرسیون انجام شده در این مطالعه عامل سابقه کار بعنوان عامل اصلی در میزان افت شنوایی شاغلین شناسایی شد همچنین با توجه به توسعه صنایع کوچک به منظور تامین مخارج و کسب درآمد خصوصا در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران و وضعیت ضعیف ایمنی و بهداشت در این صنایع؛ لزوم هرچه بیشتر بازرسی و پرداختن به وضعیت سلامتی و ایمنی این افراد توسط بازرسین بهداشت حرفه ای توصیه می شود.

واژگان کلیدی: مواجهه با صدا؛ افت شنوایی؛ صنایع کوچک



بررسی عوامل زیان آور شغلی در ناخن کاران شاغل در شهر سبزوار

فائزه رازقی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
محدثه دشتی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
زهرا شریفی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
صدیقه رستاقی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
فاطمه ابارشی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زمینه و هدف: کاشت ناخن و خدمات مربوط به آن جزء مشاغلی است که به تازگی وارد ایران شده است و به سرعت در حال گسترش است. کار در سالن های کاشت ناخن با توجه به ابزار، وسایل و مواد شیمیایی متعدد مورد استفاده، تکنسین های ناخن را با عوامل زیان آور ارگونومیک، شیمیایی و بیولوژیکی محیط کار روبرو می سازد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی در ۴۷ ناخن کار از میان ۷۰ ناخن کار شاغل در سطح شهر سبزوار در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جهت تعیین مواجهه افراد و میزان مصرف سه ماده متیل متاکریلات، استن و فرمالدئید توسط هر فرد و همچنین علائم ناراحتی های پوستی، چشمی و تنفسی ناشی از تماس با این مواد و استفاده از وسایل حفاظت فردی از پرسشنامه ای محقق ساخته استفاده شد. از پرسش نامه نوردیک جهت تعیین میزان شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی و از روش NERPA جهت ارزیابی پوسچر افراد استفاده شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد ۱۴/۹٪ افراد از تنگی نفس و ۲۹٪ از مشکلات مربوط به گلو رنج می برند. ۶۰٪ ناخن کاران از دستکش لاتکس استفاده می کردند و تنها نیمی از آنان در حین کار مجهز به ماسک معمولی بودند. نمره نهایی ارزیابی پوسچر تمامی افراد عدد ۷ بوده که نیازمند به اقدامات اصلاحی در آینده نزدیک تفسیر می شود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه و با توجه به اینکه مصرف ماده متیل متاکریلات در بسیاری از کشورها منع شده است و همچنین وضعیت نه چندان مناسب سیستم های تهویه در سالن های زیبایی و از طرفی وضعیت نامناسب بدن در حین کاشت ناخن در این افراد پیشنهاد می گردد این مشاغل نیز تحت پوشش بازرسی بهداشت حرفه ای قرار گرفته تا با آموزشهای مناسب از سلامت این افراد حفاظت شود.

واژگان کلیدی: عوامل زیان آور شغلی، ناخن کاران، سالن های زیبایی



مروری سیستماتیک: بررسی آلودگی صوتی ترافیک و معضلات آن در جامعه

فاطمه رجبی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
علی صالحی؛ استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه: صدای ترافیک از مهم ترین معضلات زیست محیطی در جوامع امروزی محسوب می شود که با توجه به گزارشات سازمان جهانی بهداشت دارای تاثیراتی در عملکرد شناختی افراد جامعه می باشد. بررسی ها نشان داده اند که صدا بر زمان واکنش و درک محیطی رانندگان تاثیر می گذارد. درک محیطی از فعالیت های مهم در حین رانندگی است که در حدود ۹۰٪ از اطلاعات مورد نیاز از طریق آن در یافت می شود.

روش کار: در این مطالعه با هدف بررسی مناطق با آلودگی صوتی ترافیک بالا، بانک های اطلاعاتی: Google Scholar, Pub Med, Scopus از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با کلید واژه های Noise, Traffic با روش جستجوی موضوعی بررسی شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه شامل کلیه مقالات چاپ شده در زمینه آلودگی صوتی ترافیک و سلامت عمومی، تعداد (n=30) مقاله از کل مقالات انتخاب و در نگارش این مقاله مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان داد که میزان آلودگی صوتی در اکثر شهرهای ایران و همچنین در خارج از کشور بیش از حد مجاز می باشد و همچنین با وجود مقالات گسترده در زمینه بررسی آلودگی صوتی ترافیک، متأسفانه به نتایج این تحقیقات توجه لازم وارد نشده است.

بحث و نتیجه گیری: مطالعات نشان می دهند که تراز فشار صوت در اثر نقاط اندازه گیری شده در داخل و خارج ایران بیش از حد مجاز می باشد و این خود تاکید بر انجام مطالعات بیشتر و ارائه روشهایی برای کنترل صوت ترافیک می باشد و خواستار ثبت قوانینی برای کنترل صوت و همچنین سوق دادن مقالات ترافیک به سمت بررسی علل آسیب زای روانشناسی این معضل زیست محیطی هستیم.

واژگان کلیدی: صوت، آلودگی صوتی، ترافیک، سلامت عمومی



Investigation of the factors affecting the risk perception, attitude and safety performance of Tehran construction workers in 2016

Meysam Almasi, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Mahdokht Sadati, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Behnam Frahmand, School of Nursing and Midwifery, Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Background and Aim: The presence of healthy workforce in societies is associated with the growth and development and health of communities. This requires having the right knowledge and understanding about the safety and health of the work. The present study was conducted to investigate the factors affecting the perception of the risk, attitude and safety performance of construction workers.

Materials and Methods: This is a cross-sectional and randomized study carried out by 342 employees of the construction industry of Iranmal project in 2016. The participants' age group was between the ages of 18 and 60. The tool was a researcher made questionnaire of Dr. Jahangiri. The questionnaire consisted of four sections, the first part of which was demographic information, the second part includes five items for risk perception, the third part with eleven items, and the fourth section with six items examines the safety performance. The classification of variables of risk perception, attitude and safety performance was considered by numerical criteria in low, medium and high form. The data extracted from the questionnaires were analyzed by using the spss software version 21.

Results: Data analysis showed that the demographic characteristics of the participants in the study and its relationship with risk perception, attitude and safety performance, taking into account the risk perception relationship with age, education, marriage, work experience, insurance, professional activity, accident experience and incident were significant ($p < 0.05$). 65.43% of workers had a high risk perception. Also, the attitude and safety performance of workers was 42.59-45.06%, respectively.

Conclusion: The results showed that increasing the risk perception of construction workers, increased their attitude and their safety performance. Therefore, applying practical training to increase the risk perception of workers can be effective in this regard.

Keywords: Perception, Risk Assessment, Risk, Attitude, Safety, Construction Site



Identification and assessment of workplace hazards in factory No.4 of Ahwaz Pipeline Company

Meysam Almasi, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Mahdokht Sadati, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Behnam Frahmand, School of Nursing and Midwifery, Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Background and Aim: Production process in Ahwaz pipe-making factory is similar to other industrial environments due to the nature and type of activity with various hazards. Therefore, there is a possibility of damage to humans, equipment and ... in the event of an accident.

Materials and Methods: This analytical-descriptive study was conducted in 2017 years, at Ahwaz Pipeline Company. The William Fine method was used to assess the risk. So that after identification of the plant's activities and processes, the hazards and potentially damaging factors are identified and then, given the severity of the effect, the probability of occurrence of possible consequences of its exposure to humans and equipment, the task of assessment and classification of hazards in accordance with the procedures of the given method Done.

Results: The risk level in the Xray operations with a score of 300, a score of 270, a scoring score of 270 and a score of 270 with the highest level of risk, and activities such as overhead creep with a score of 150, Welding ID and OD with a score of 90 And Expander with a score of 90 are at average risk. In general, 109 of the hazard were identified and categorized.

Conclusion: Since all high and medium risk risks have a significant cost for corrective action and control. Therefore, the implementation of control programs and the improvement of occupational health and safety not only improves the working conditions and quality of life of individuals but also saves in various costs.

Keywords: Risk Assessment, William Fine's Method, Incident



Association of personality types and musculoskeletal disorders in administrative staff of Shiraz University of Medical Sciences

Alireza Hoobineh, Shiraz University of Medical Science, Department of Occupational health engineering

Zahra Jahandideh, Shiraz University of Medical Science, Department of Occupational health engineering

Fatemeh Baberi, Shahid Beheshti University of Medical Science, Department of Epidemiology

Background and Objectives: Nowadays, musculoskeletal disorders are the most common harmful factors in workplaces. Non-ergonomic work stations and poor design of jobs in workplaces have caused both industrial and non-industrial workers to be exposed to risk factors of musculoskeletal disorders. In addition to physical factors, psychological factors have a significant impact on the prevalence of these disorders. This study aimed to investigate the relationship between personality types, as a psychological risk factor, and musculoskeletal disorders among the administrative staff of Shiraz University of Medical Sciences.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 350 administrative staff of Shiraz University of Medical Sciences selected through multi-stage random sampling in 2016. The study data were collected using a demographic checklist, personality type questionnaire, and Nordic musculoskeletal disorders questionnaire. After obtaining written informed consents, the participants were asked to complete the study questionnaires and checklist.

Results: The participants' ages ranged from 22 to 62 years, with the mean age of 36.4 years. In addition, nearly 60% of the participants were female. The frequency of disorders was higher in females than in males ($p < 0.05$). The most frequent disorders were related to waist, knees, and neck (35%, 30%, and 25%, respectively). Moreover, a significant relationship was found between personality type and musculoskeletal disorders at the time of investigation ($p = 0.010$) and within the past 12 months ($p = 0.038$).

Conclusion: The results showed a significant relationship between personality type and risk of musculoskeletal disorders. This should be taken into consideration while policymaking, selecting individuals, and professional staff training.

Keywords: *musculoskeletal disorders, MSDs, personality types*



ارزیابی مدیریت خطر در بیمارستان پاستور شهرستان بم در سال ۱۳۹۵

پارسا محمد علی زاده، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، علوم پزشکی بم، ایران

محمد جواد اکبریان بافقی، استادیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران
علی اکبر علینقی لنگری، کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

حمیده علی زاده، کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران
زهرا صالحی، کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

زمینه و هدف: ریسک یا خطر، همان تهدید ناشی از رویداد یا اقدامی است که به طور نامطلوبی توانایی یک سازمان را در دستیابی به اهدافش تحت تأثیر قرار می دهد. با توجه به اینکه اهداف کلی سازمان های بهداشتی و درمانی بخصوص بیمارستانها، ارتقاء سالمی افراد می باشد؛ اما آمارها بیانگر این است که در اغلب موارد، بیماران در فرآیند درمان دچار صدمات جبران ناپذیری می شوند که با تکنیک های مدیریت ریسک، میتوان آنها را کاهش داد؛ در همین راستا این پژوهش با هدف شناسایی وضعیت مدیریت خطر در بیمارستان پاستور شهرستان بم انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی- توصیفی و تحلیلی، ۱۸۸ نفر از کارکنان بخش های بالینی بیمارستان پاستور، به صورت خوشه ای از هر بخش انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته اند. گردآوری داده ها از طریق پرسشنامه انجام گرفت. این پرسشنامه دارای ۶ بخش و ۴۵ سوال ۵ گزینه ای در مقیاس لیکرت بود. سوال ها براساس توصیه کمیسیون مشترک اعتبار سنجی موسسات بهداشتی و درمانی (JCAHD) طراحی شد؛ روایی و پایایی پرسشنامه با نرم افزار SPSS و پیرایش ۲۴ و از طریق روش آلفای کورنباخ 96/0 محاسبه شد.

نتایج: در این پژوهش، ۸۳ درصد جامعه آماری زن و ۱۷ درصد مرد بودند؛ همچنین از نظر سطح تحصیلات ۳/۲ درصد دیپلم، ۳/۷ درصد فوق دیپلم، ۹۱ درصد لیسانس و ۲/۱ درصد فوق لیسانس بودند. امتیاز کلی ریسک در بیمارستان پاستور بم به طور میانگین ۳۲/۲ درصد بود. امتیاز هر یک از متغیرهای مدیریت ریسک به طور میانگین شامل: میزان شناخت مدیریت ۲/۴۹ درصد، وضعیت سازماندهی ریسک ۲/۳۷ درصد، وضعیت سیاستها و رویه ها در زمینه مدیریت ریسک ۲/۳ درصد، وضعیت آموزش ۲/۲۵ درصد، جایگاه مدیریت ریسک ۲/۲۴ درصد، نظارت بر تحلیل ارزیابی کنترل ریسک ۲/۲۵ درصد بود.

نتیجه گیری: امتیاز مدیریت ریسک در بیمارستان پاستور، به طور میانگین، متوسط ارزیابی شد. توجه مدیریت بیمارستان ها به جایگاه ریسک برای توسعه کیفی درمان و ایجاد محیطی امن برای کارکنان و بیماران ضروری است؛ و همچنین اتخاذ سیاست ها و برنامه ریزی برای آموزش و نظارت بر فعالیتهای مدیریت ریسک در بیمارستان ها باید به صورت جدی پیگیری شود.

واژگان کلیدی: بحران، ارزیابی، مدیریت ریسک، بیمارستان پاستور



بررسی آزرده‌گی و افت شنوایی شغلی ناشی از مواجهه با صدا در جوشکاران کارخانه مدیران خودرو شهرستان بم در سال ۱۳۹۶

ندا رزمجویی، کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران
زهره فضلی، کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران
پارسا محمد علی زاده، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، علوم پزشکی بم، بم، ایران

parsaalizade98@com.gmail

زمینه و هدف: بی تردید صدا، از جمله معضالت اساسی دنیای صنعتی امروز بوده؛ که افراد در محیط زندگی و محیط کار تحت تاثیر آثار سوء آن قرار دارند. افت شنوایی ناشی از صدا (NIHL) یک مخاطره بزرگ شغلی و بسیار هزینه بر است؛ که در اثر مواجهه کارگر با صدا هایی با تراز بیش از حد مجاز ایجاد میشود. این نوع آسیب شنوایی، حسی-عصبی بوده و قابل پیشگیری میباشد، ولی در صورت رخ دادن غیر قابل برگشت است؛ لذا با توجه به اهمیت موضوع، این مطالعه با هدف تعیین افت دائم شنوایی شغلی و همچنین آزرده‌گی ناشی از مواجهه با صدا با توجه به سن و سابقه کار و تراز فشار صدا انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی-توصیفی و تحلیلی، ۱۰۰ نفر از جوشکاران کارخانه مدیران خودرو که فاقد سابقه بیماری مرتبط با شنوایی بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به یکنواخت بودن صدای محیط کار، مواجهه صوتی در نقاط تردد کارگر اندازه‌گیری شد؛ و نتایج به صورت Leq ثبت گردید. همچنین اطلاعات مربوط به آزرده‌گی ناشی از صدا، با استفاده از پرسشنامه ارزیابی آکوستیک جمع‌آوری گردید. تحلیل نتایج با نرم افزار SPSS ویرایش ۲۴، به کمک آزمون های آماری رگرسیون، همبستگی و آزمون T انجام شد.

نتایج: میانگین و انحراف معیار تراز معادل صدا 89.4 ± 5.24 دسیبل با دامنه تغییرات 80.6 تا 96.3 دسیبل؛ میانگین و انحراف معیار افت دائم کلی هر دو گوش در افراد مورد مطالعه 26.49 ± 4.25 دسیبل با دامنه تغییرات 21.25 تا 42.29 دسیبل، و میانگین درصد معلولیت کلی شنوایی همه افراد 5.69 ± 3.42 دسیبل گزارش شد. رگرسیون خطی بین مواجهه با صدا و افت دائم شنوایی و همچنین بین سابقه کار و افت دائم شنوایی، معنی دار بود. میانگین و انحراف معیار آزرده‌گی ناشی از صدا برای کل افراد 53.8 ± 11.6 می باشد؛ و آزمون همبستگی اسپیرمن بین مواجهه با صدا و آزرده‌گی ناشی از صدا معنی دار شد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه تحلیل نتایج، تاثیر صدا و سابقه کار بر روی افت شنوایی را مثبت نشان می دهد؛ بنابراین به منظور کاهش بروز NIHL، ضروری است اقدامات لازم جهت کنترل صدا و برنامه حفاظت شنوایی مناسب به اجرا گذارده شود.

واژگان کلیدی: صدا، افت شنوایی، NIHL، آزرده‌گی ناشی از صدا، صنعت خودروسازی



ارزیابی مخاطرات بیمارستان کاشانی شهرستان جیرفت به روش آنالیز ایمنی شغلی در سال ۱۳۹۶

پارسا محمد علی زاده، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، علوم پزشکی بم، بم، ایران

ندا دادگستر، کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

علی اکبر علینقی لنگری، کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

زمینه و هدف: ارزیابی ریسک، عبارت است از شناسایی خطرات موجود در یک فرایند یا یک شغل، محاسبه عدد ریسک آن ها و ارائه اقدامات کنترلی مناسب جهت کنترل آن ها؛ امروزه اهمیت شناسایی خطرات شغلی و ارائه اقدامات کنترلی در کاهش هزینه های حوادث و افزایش بهره وری سیستم، امری انکارناپذیر است. بدین منظور استفاده از روشهای ارزیابی ریسک از جمله تکنیک آنالیز ایمنی شغلی (JSA) بسیار مفید خواهد بود. لذا این مطالعه با هدف کاربرد آنالیز ایمنی شغلی به منظور شناسایی خطرات و ارائه راهکارهای کنترلی مناسب جهت پیشگیری و کاهش حوادث و محدود کردن پیامدهای ناشی از حوادث در بیمارستان کاشانی شهرستان جیرفت انجام شد.

مواد و روش ها: در این تحقیق، خطرات بالقوه موجود در بیمارستان کاشانی جیرفت که در آن حدود ۲۰۰ نفر در ۳ نوبت ۸ ساعته مشغول فعالیت هستند، با استفاده از تکنیک آنالیز ایمنی شغلی JSA شناسایی و ارزیابی شدند؛ که در این روش ابتدا پس از تشکیل گروه JSA، شغل به مراحل پی در پی شکسته شد و در گام بعد، خطرات موجود یا بالقوه مرتبط با هر مرحله، شناسایی و طبقه بندی شدند و عدد ریسک آن ها بدست آمد. به منظور الویت بندی ریسک ها از دو پارامتر احتمال وقوع حادثه و شدت پیامد آن استفاده شد. در نهایت بر اساس ارزیابی ریسک ها و اولویت بندی آنها اقدامات کنترلی ارائه شد؛ که با توجه به طبقه بندی ریسکها میتوان مطمئن شد، اقدامات کنترلی، به صورت مؤثر اعمال می شوند .

نتایج: در این بیمارستان، ۵ شغل خطر ساز مشخص و در مجموع ۵۰ خطر شناسایی و ارزیابی شد که ۳۹ خطر دارای سطح ریسک غیر قابل قبول، ۱۰ خطر دارای سطح ریسک نا مطلوب و ۱ خطر دارای سطح ریسک قابل قبول با تجدید نظر بود .**نتیجه گیری:** برای حذف یا کاهش سطح ریسک هر کدام از این خطرات، راهحلهای کنترلی پیشنهاد شد؛ که در این بین مهمترین راهحلهای کنترلی ارائه شده، آموزش کارگران، بال بردن سطح آگاهی آنها از خطرات و نظارت مستمر بر کار آن ها می باشند.

واژگان کلیدی: آنالیز ایمنی شغلی، شناسایی خطرات، ارزیابی ریسک، JSA



بررسی استرس حرارتی بر مبنای شاخص ترگویسان و ارتباط آن با پارامترهای فیزیولوژیکی کارگران صنعت آلومینیوم هزار در سال ۱۳۹۶

پارسا محمد علی زاده، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، علوم پزشکی بم، بم، ایران

مرضیه توپسر کانی، کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

علی اکبر علینقی لنگری، کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

aliakbarlangari@yahoo.com

زمینه و هدف: استرس حرارتی، یکی از عوامل زیانآور فیزیکی محیط های کار و یک واکنش فیزیولوژیک در برابر فشار گرمایی محیط است؛ که باعث ایجاد اثرات منفی مانند بیحالی، کاهش بهره وری، افزایش خطا و نیز بیماری های ناشی از گرما همچون افزایش فشار خون، کرامپ های عضلانی، شوک گرمایی و علائم عصبی و روانی میشود؛ لذا با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر در راستای بررسی استرس حرارتی بر مبنای شاخص ترگویسان و ارتباط آن با پارامترهای فیزیولوژیکی کارگران بخش ذوب و ریخته گری صنعت آلومینیوم هزار انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه که از نوع همگروهی است؛ تعداد ۱۰ نفر از شاغلین واحد ذوب و ریخته گری به عنوان گروه مورد و تعداد ۱۰ نفر از شاغلین واحد المینه به عنوان گروه شاهد در ۶ ایستگاه کاری مورد ارزیابی قرار گرفتند. شرایط ورود افراد به این مطالعه شامل سالم بودن، داشتن سن بین ۲۰ تا ۳۵ سال، عدم مصرف دخانیات و دارای ساعت کاری روزانه ۸ ساعت بودند. ارزیابی استرس حرارتی بر مبنای شاخص ترگویسان و اندازه گیری پارامترهای فیزیولوژیکی فشار خون، نبض و دمای پوستی انجام شد. تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS، ویرایش ۱۹ صورت گرفت. نتایج: شاخص دمای ترگویسان در ایستگاه های مورد مطالعه ۳۵/۱۳ و میانگین دمای خشک و تابشی در این محیط ۳۷/۷۵ و ۲۱/۳۸ بود. نتایج بررسی تأثیر گرما بر عوامل فیزیولوژیکی همچون ضربان قلب، نبض، فشار خون، دمای پوستی و دهانی نشان داد که یکی از آثار حاد مواجهه با گرما، افزایش معنیدار این پارامترها است. میانگین شاخص ترگویسان در نواحی سر، تنه و پا، با آزمون T مستقل در گروه مورد، بیش از گروه شاهد بوده و این اختلاف معنی دار می باشد. همبستگی بالایی میان فشار خون در گروه مورد و شاخص WBGT گزارش شد.

نتیجه گیری: مواجهه حاد با گرما، سبب افزایش فشار خون، دمای پوستی و نبض میگردد؛ که تغییر در این پارامترها میتواند به عنوان یکی از شاخص های استرس گرمایی مطرح شود. میزان استرس گرمایی در واحد ذوب و ریخته گری بیشتر از حد مجاز است و بکارگیری تدابیر کنترلی در جهت کاهش گرمای تابشی، ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: استرس حرارتی، شاخص WBGT، صنعت آلومینیوم هزار



شناسایی و ارزیابی ریسک خطرات در بیمارستان لقمان حکیم تهران به روش JSA

مریم مرادنژاد، کارشناس بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت جنوب تهران، تهران

مریم فرجی، دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

زمینه و هدف: ارائه خدمات بهداشتی درمانی در محیط بیمارستان بدلیل نوع اشتغال و مواجهه مختلف محیطی و حرفه ای افراد در معرض حوادث و بیماری های متعددی قرار دارند، در نتیجه بیشتر از دیگران آسیب دیده و یا ممکن است بیمار شوند. از طرف دیگر وضعیت سلامت پرسنل نیز می تواند بر کمیت و کیفیت خدمات آنها نیز تأثیر گذارد.

مواد و روش ها: مطالعه از نوع مقطعی بوده و شناسایی خطرات بالقوه و ارزیابی سطح ریسک فعالیتها با استفاده از تکنیک آنالیز ایمنی شغلی JSA صورت گرفت. سطح ریسک با توجه به دو پارامتر شدت و احتمال خطرزایی آنها به دست آمد و در نهایت با توجه به کد ارزیابی ریسک و اولویت بندی آنها، اقدامات کنترلی ارائه شد.

نتایج: براساس نتایج حاصله از مطالعه کارکنان شغل های پرستاری، اتاق عمل، آزمایشگاه، تاسیسات، خدمات، پذیرش و مامایی در مجموع ۷۰ خطر شناسایی شد که پس از آنالیز خطرات و ارزیابی ریسک آنها، ۹۲ درصد از خطرات شناسایی شده در سطح غیر قابل قبول، ۷۰ درصد از خطرات در سطح متوسط و ۱۱ درصد از خطرات در سطح قابل قبول قرار گرفته اند. همچنین پیشنهادات اصلاحی و پیشگیرانه برای حذف یا محدودسازی این خطرها ارائه گردید.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه انتظار می رود با فراهم کردن وسایل حفاظت فردی و همچنین با اجرای اقدامات پیشنهادی بتوان سطح ریسکهای موجود را به طور چشمگیری کاهش داد. مهمترین راه حل های کنترلی ارائه شده آموزش کارکنان نسبت به ویژگی های شغلی، بال بردن سطح آگاهی آنها از خطرات، نظارت مستمر بر کار آنها و بهبود سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی می باشد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، آنالیز ایمنی، بیمارستان



اعتیاد و سوء مصرف مواد، به عنوان عاملی تأثیرگذار بر بهره‌وری و سلامت عمومی در محیط‌های کاری، نگاهی اجمالی بر مطالعات ده سال اخیر

نفیسه نصیرزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

وحید میرزائی، دانشجوی کارشناسی ارشد، ارگونومی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
داوود محمودی، دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

مقدمه: اعتیاد به مواد مخدر باعث کاهش بهره‌وری، سلامت روان، حمایت اجتماعی ادراک شده و افزایش غیبت و حوادث در محیط‌های کاری می‌شود. در این مطالعه به بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در ده سال اخیر در زمینه مصرف مواد اعتیادآور در مشاغل و محیط‌های کاری ایران پرداخته شده است.

روش کار: مطالعه زیر بر اساس روش ۷ مرحله‌ای کوکران به صورت سیستماتیک انجام گرفت. تمام مقالات چاپ شده به زبان فارسی از فروردین سال ۱۳۸۴ تا اواخر سال ۱۳۹۵ با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی IranMedeX، SID، Magiran، scholar Google و انجمن علمی روانشناسی ایران، مورد بررسی قرار گرفتند. معیار ورود مقالات به مطالعه، مقالات مرتبط با مصرف مواد در ارتباط با فرد در ایران بوده است. به علت اهمیت موضوع تمامی مقالات بدون در نظر گرفتن تعداد ارجاعات به مقالات وارد مطالعه شدند. معیار خروج؛ مقالات چاپ شده در کنفرانس‌ها، همایش‌ها و کنگره‌ها بوده است.

یافته‌ها: در مجموع ۵۰ مقاله از بین ۲۷ مجله برای مطالعه انتخاب شدند. ۵۶٪ (۲۸ مقاله) مطالعات به بررسی نوع ماده اعتیاد آور مصرفی پرداخته بودند؛ که ۱،۳۲٪ در ارتباط با اعتیاد به تریاک بوده است. ۶۶٪ (۳۳ مورد) مقالات به بررسی علل گرایش به اعتیاد در مشاغل و ۲۲٪ (۱۱ مقاله) به بیماری‌های تشدید شده و مسمومیت‌ها در اثر سوء مصرف مواد پرداخته‌اند. تنها ۱۰٪ مطالعات در ارتباط با قشر کارگری انجام گرفته بود.

نتیجه‌گیری: شیوع مصرف مواد در بین مشاغل مختلف یک کشور ارتباط شدیدی با شیوع اعتیاد در بین جمعیت مرتبط دارد. اگرچه در کشور ما این مسئله بسیار بغرنج و پیچیده است؛ بایستی توجه داشت که در تمام محیط‌های کار هم می‌تواند مشکل ساز باشد. مطالعات مختلفی ارتباط بین سوء مصرف مواد و مشکلات ارگونومیک، ایمنی و بهداشت روان را در محیط‌های کاری نشان دادند. با این حال در ایران علیرغم اینکه مطالعات فراوان درباره سوء مصرف مواد انجام شده ولی آمار و یا پژوهشی که بتواند شیوع سوء مصرف مواد در محیط‌های کاری به خصوص در بین جمعیت کارگری و صنعتی را نشان دهد وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: اعتیاد، غیبت از کار، ادراک حمایت اجتماعی، حوادث، محیط کار، ایران



ارزیابی میزان شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارگاه های تولیدی مبلمان و ارتباط آن با وضعیت روشنایی کارگاه ها

علی دلیلی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تبریز، تبریز، ایران

مهدی اکبری ثانی، کارشناس مسئول بهداشت حرفه‌ای، شبکه بهداشت و درمان شهرستان مرند، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تبریز، تبریز، ایران

میکائیل درخشانی، کارشناس بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان شهرستان شوط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ارومیه، ارومیه، ایران

زمینه و هدف: صنایع کوچک بدلیل نقش اساسی در تولید کشور و اختصاص دادن درصد بالایی از نیروی کار به خود، توجه به مسائل ارگونومیکی و بهداشت حرفه ای در این صنایع را ضروری می سازد. در صنعت مبلمان اغلب نقش کارکنان در فرایندهای تولید اجتناب ناپذیر است لذا ارزیابی و تشخیص عوامل خطر اختلالات اسکلتی عضلانی، اقدامی مهم در فعالیت های کنترلی و پیشگیرانه از این اختلالات ناشی از کار محسوب می شود .

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و بصورت مقطعی میباشد. جامعه آماری این پژوهش ۳۵۲ کارگاه مبلمان سازی و حجم نمونه نیز برابر با جامعه آماری بود. از پرسشنامه نوردیک برای بررسی شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی و لوکس متر مدل Hagner EC1 برای سنجش شدت روشنایی کارگاه ها استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با استفاده از آزمون های توصیفی و استنباطی SPSS نسخه ۱۶ صورت گرفت .

نتایج : بیشترین میزان شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در نواحی کمر، گردن و پشت و کمترین میزان آن مربوط به اندام های تحتانی بود و نیز شدت روشنایی اندازه گیری شده در اکثر کارگاه ها (۸۲/۹۶ درصد) نامطلوب بود. نتایج آزمون استنباطی T test Independent samples نشان داد که بین شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی و روشنایی نامطلوب محیط کار ارتباط معناداری وجود دارد ($P=0.03$).

نتیجه گیری : براساس نتایج مطالعه مشخص شد که میزان شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در جامعه آماری مورد مطالعه بالا میباشد و در اکثر کارگاه ها شاغلین نیاز به اصلاح وضعیت انجام کار دارند لذا پیشنهاد گردید که در کنار بهبود شرایط کاری به روشنایی محیط کار نیز توجه ویژه ای داشته باشند و بازرسین بهداشت حرفه ای موقع بازدید آموزش های کوتاه مدت و مداوم برای افزایش آگاهی کارگران نسبت به مسائل ارگونومی و بهداشت حرفه ای بدهند.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی-عضلانی، پرسشنامه نوردیک، شدت روشنایی، صنایع مبلمان سازی



شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در دندانپزشکان

الهه درتاج، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

رستم رضائیان، موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران

جلال محمدی خوشرج، موسسه آموزش عالی ربع رشید، تبریز، ایران

سمانه صراف زاده، گروه بیوتکنولوژی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

فریبا دهقانی زاده بغداد آباد، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی عضلانی در محیط کار بیشترین عامل از دست رفتن زمان، افزایش هزینه ها، آسیب های انسانی نیروی کار و علت بیش از نیمی از غیبت ها در محیط کار می باشد. اختلالات اسکلتی عضلانی مرتبط با کار (WMSDs) در تمام جهان در حال افزایش است. این اختلالات زندگی فردی، اجتماعی و شغلی دندانپزشکان را تحت تأثیر قرار می دهد. امروزه در دنیا با توجه به گستردگی زیاد اختلالات اسکلتی عضلانی و هزینه های بالای آنها مسئله پیشگیری و کنترل این اختلالات اهمیت زیادی یافته و توجه بسیاری از محققین را به خود جلب نموده است به طوریکه OSHA اظهار می دارد: هدف از اجرای برنامه ارگونومی در محیط کار کنترل MSDs می باشد. این بررسی باهدف ارائه مروری از WMSDs در حرفه دندانپزشکی، به طور خاص، در میان متخصصان دندانپزشکی و ارتودنتیست های متخصص است.

مواد و روش ها: این پژوهش به روش مروری و با کلمات اصلی Ergonomics, dentist, musculoskeletal انجام شد. جستجوی مقالات از سال های ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۸ در سایتهای google, Scopus, Med Pub, Direct Science scholar صورت گرفت و همچنین ۹۴۵۱ مقاله در این زمینه یافت شد؛ که با ارزیابی عناوین و چکیده ها، ۴۷۰ مقاله انتخاب شد. با حذف موارد تکراری ۹۰ مقاله باقی ماند.

نتایج: درحالی که مقالات متعددی در ارتباط با شیوع مشکلات ارگونومیک در میان دندانپزشکان عمومی منتشر شده است، در رابطه با ارتودنتیست ها تحقیقات کمی وجود دارد. همچنین تفاوت های بین زنان و مردان (بألخص ابعاد آناتومیک) در بین دندانپزشکان تحقیقات کمی صورت گرفته است.

نتیجه گیری: این بررسی نیاز به تحقیقات بیشتر در مورد عوامل خطر MSDs در حرفه دندانپزشکی دندانپزشکی عمومی و ارتودنتیست و روشهای پیشگیری از اختلالات مربوطه را در دندانپزشکان را نشان می دهد. همچنین نیاز به آموزش ارگونومیک به دندانپزشکان در زمینه این اختلالات و ارائه راهکار کنترلی ارگونومیک بر اساس نیاز و ابعاد آنترپومتریک جامعه موردنظر پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی عضلانی، دندانپزشکان، ارگونومی



ارزیابی ریسک به روش : BA&ET مطالعه موردی در یک صنعت تولید محصولات فلزی در سال ۱۳۹۶

مسعود خسروی پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
محدثه خسروی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
حامد رحیمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
نوید ویسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
پیام خانلری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
زهرا مرادی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
حدیث محمدی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
فرید خسروی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

farid.khosravi889@gmail.com

زمینه و هدف : حوادث ناشی از کار یکی از مهمترین علت های ناتوانی و مرگ در شاغلین می باشد از این رو شناسایی خطرات در محیط کار به منظور پیشگیری و کنترل از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا این مطالعه با هدف تعیین شناسایی خطرات در یک صنعت تولید محصولات فلزی به روش ردیابی انرژی و آنالیز حفاظ (BA&ET) در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت .
مواد و روش ها : در این مطالعه توصیفی- مقطعی خطرات از طریق مشاهده مستقیم پروسه کاری و همچنین مصاحبه با پرسنل شناسایی و در کاربرگ ETBA ثبت گردید. از آمار توصیفی جهت ارائه نتایج استفاده شد همچنین روش های کنترل پیشنهادی برای هر خطر شناسایی شده ارائه گردید.

نتایج : در این مطالعه از مجموع ۶۴ خطر شناسایی شده ۷۸٪ (۵۳٪ بحرانی و ۲۵٪ نامطلوب) غیر قابل قبول و ۱۸٪ قابل قبول با نیاز به تجدید نظر و تنها ۴٪ ریسک قابل قبول بدون نیاز به تجدید نظر بود که بیشترین فراوانی خطرات مربوط به عوامل ارگونومیک و آسیب ناشی از برخورد با موانع و دستگاه ها در محیط کار بود.
نتیجه گیری : با توجه به اینکه عمده ریسک های شناسایی شده نامطلوب است لزوم توجه و به کارگیری اصول حفاظتی و تجدید نظر درباره نحوه کنترل خطرات لازم الاجرا می باشد، همچنین اجرای یک برنامه آموزشی ایمنی توسط تیم مدیریتی و ایمنی ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، ETBA، تانکر سازی، آنالیز حفاظ و ردیابی انرژی



ارزیابی ریسک در یک کارگاه تانکر سازی به روش ردیابی انرژی و آنالیز موانع در کرمانشاه در سال ۱۳۹۶

فرید خسروی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
محدثه خسروی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
نوید ویسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
حامد رحیمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
پیام خانلری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
زهرا جمشیدی فر، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
مسعود خسروی پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Masoudkhosravipour74@gmail.com

زمینه و هدف: سالانه هزاران نفر دچار ناتوانی یا مرگ بر اثر حوادث شغلی در محیط کارشان می شوند که سبب ایجاد هزینه های مستقیم و غیر مستقیم بسیار سنگینی می شوند لذا این مطالعه با هدف شناسایی و ارزیابی ریسک های موجود به روش ETBA که یک روش کم هزینه برای تعیین سطح ریسک و مشخص کردن محل اقدام کنترلی می باشد .

مواد و روش ها: این مطالعه بر پایه تئوری انتقال انرژی در بروز حوادث و به کار گیری روش ردیابی انرژی و آنالیز حفاظ ها انجام گرفته است. جمع آوری داده ها از طریق مشاهده مستقیم پروسه کاری و بررسی پرونده پزشکی و حوادث شغلی و مصاحبه از پرسنل و تکمیل ۲۲ برگ از کاربرگ ETBA صورت گرفت. پس از شناسایی انرژی ها و ارزیابی ریسک آن ها روش های کنترلی مختلفی برای ریسک های موجود ارائه شد و درباره نحوه و قابلیت اجرای آن و همچنین صرفه اقتصادی بحث صورت پذیرفت .

نتایج: یافته ها نشان می دهد که از مجموع ۲۶ ریسک شناسایی شده ۱۱/۵٪ ریسک غیر قابل قبول و ۸۰/۸٪ ریسک نامطلوب و به طور مشابهی ۳/۸٪ ریسک قابل قبول ولی با نیاز به تجدید نظر و ریسک قابل قبول بدون نیاز به تجدید نظر می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه عمده ریسک های شناسایی شده نامطلوب است لزوم توجه و به کارگیری اصول حفاظتی و تجدید نظر درباره نحوه کنترل خطرات الزم الاجرا می باشد، همچنین اجرای یک برنامه آموزشی ایمنی توسط تیم مدیریتی و ایمنی ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، ETBA، تانکر سازی، آنالیز حفاظ و ردیابی انرژی



بررسی میزان مواجهه کارگران با سرو صدای محیط کار و ارتباط آن با ابتلا به سندرم متابولیک در سال ۱۳۹۶

حامد رحیمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران
دانیال نیری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران
مریم شرفی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران
زهرا جمشیدی فر، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران
حدیث الیاسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

rahimi.sky72@gmail.com

زمینه و هدف: صدا یکی از رایج ترین عوامل فیزیکی محیط کار و یکی از ریسک فاکتور های موثر بر سلامتی انسان ها می باشد. مواجهه با صدا می تواند باعث ایجاد سندرم متابولیک گردد. سندرم متابولیکی مجموعه ای از اختلالات متابولیکی شامل چاقی، افزایش قند خون، اختلالات چربی خون و پرفشاری خون است که خطر بیماری قلبی، عروقی و دیابت را افزایش می دهد. از این رو این تحقیق با هدف بررسی میزان مواجهه کارگران با سرو صدای محیط کار و ارتباط آن با ابتلا به سندرم متابولیک در یکی از شرکت های آب و فاضلاب غرب کشور در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی، ۴۲ نفر از پرسنل شاغل در شرکت مذکور در ۴ بخش مختلف در سال ۱۳۹۶ به منظور سنجش افت شنوایی (NIHL) مورد ارزیابی قرار گرفتند. جهت اندازه گیری صدا در بخش های مختلف شرکت از دستگاه کالیبر شده مدل ۲۳۱-CEL استفاده شد. بررسی مشخصات فردی، مواجهه شغلی کارگر و رفتارهای بهداشتی از جمله مصرف سیگار، استفاده از وسایل حفاظت تنفسی با انجام مصاحبه و مشاهده سوابق پرونده معاینات پزشکی ادواری کارگران صورت گرفت و نتایج با استفاده از آمار توصیفی طبقه بندی و ارایه شدند.

نتایج: از مجموع ۴۲ نفر، ۷۹٪ از افراد در معرض صدای بیشتر از ۸۵ دسی بل قرار داشتند، که ۱۵ نفر (۳۶٪) از آن ها دارای درجات مختلفی از افت شنوایی بودند. همچنین یافته ها ۲،۷٪ از افراد دارای قندخون بالا و ۴۱٪ افراد دارای چربی خون بالا را نشان داد. در این مطالعه اختلاف معنا داری بین افت شنوایی، سابقه کار و سن افراد مشاهده شد ($P \leq 0.05$).

نتیجه گیری: بیشترین شیوع اختلالات متابولیکی ناشی از صدا در افرادی بود که سن بالاتر داشتند و در برخی مطالعات تغییرات هم زمان چربی، قند خون و نیز ایجاد استرس در اثر مواجهه مزمن با صدای غیر مجاز گزارش گردید. از این رو ارتباط صدا با ابتلا به سندرم متابولیک بسیار محتمل است. بنابراین به منظوری پیشگیری بایستی اقدامات مهندسی در جهت کاهش صدا و استفاده از وسایل حفاظت فردی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سندرم متابولیک، سرو صدا، افت شنوایی



تأثیر سر و صدا برافت شنوایی و پرفشاری خون در کارگران یکی از کارخانه های آرد استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶

حامد رحیمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

طیبه الماس پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

rahimi.sky72@gmail.com

زمینه و هدف: افت شنوایی ناشی از صدا یکی از آسیب های شغلی محسوب می شود. صدا با شدت های مختلف تقریباً در تمام صنایع وجود دارد. مواجهه با صدا مخصوصاً در محدوده های بیش از حد مجاز به عنوان یک استرس فیزیکی و روانی محسوب می شود و در طولانی مدت باعث بیماری های مزمن می گردد. لذا این مطالعه به بررسی تأثیر سر و صدا برافت شنوایی و پرفشاری خون در کارگران یکی از کارخانه های آرد استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ می پردازد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۴۰ کارگر یکی از صنایع تولید آرد استان کرمانشاه انجام شد. برای تعیین افت شنوایی ناشی از صدا، ادیوگرام این کارگران بررسی و افت شنوایی کل محاسبه شد. فشارخون نمونه ها توسط مسول بهداشت با تجربه اندازه گیری و ثبت شد. جهت اندازه گیری صدا در بخش های مختلف شرکت از دستگاه کالیبر شده مدل ۲۳۱ CEL- استفاده شد. اطلاعات مورد نظر جهت بررسی جامعه مورد مطالعه از طریق پرونده های سلامت جمع آوری گردید. نتایج بدست آمده تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان داد که بین افت شنوایی، میزان صدا و سابقه کار ارتباط وجود دارد. میزان صدا در ۸۹٪ از ایستگاه ها بالاتر از حد مجاز بود و تراز فشار صدا بین ۸۶ - ۱۰۱ دسی بل به دست آمد. در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۱ نفر ۴۵٪ دچار افت شنوایی شدند و در سال ۱۳۹۶ تعداد ۲۳ نفر ۶۷٪ دچار افت شنوایی شدند که افزایش ۲۰٪ را از سال ۹۵ تا سال ۹۶ نشان می دهد. ۲۲ درصد و ۱۳ درصد از افراد که دچار افت شنوایی بودند به ترتیب دچار چربی خون و فشار خون می باشند.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان داد که مواجهه توأم با صدا میتواند بعنوان ریسک فاکتور بیماری های قلبی- عروقی تلقی شود، زیرا باعث افزایش فشار خون در کارگران در معرض می شود. در کارگرانی که در معرض صدای کمتر از حد استاندارد بودند عملکرد بهتری نشان دادند. با توجه به نتایج، لزوم تکمیل و اصلاح اقدام های کنترلی در برابر صدا ضروری است.

واژگان کلیدی: صدا، افت شنوایی، پرفشاری خون، کارخانه آرد



ارزیابی ریسک به روش HAZOP تکنیک مطالعه عملیات و خطر : مطالعه موردی در یکی از تصفیه خانه های آب در سال ۱۳۹۶

حامد رحیمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

شکوفه خدابخشی، دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

حسن رحیمی، کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه

زهرا جمشیدی فر، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مسعود خسروی پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

فرید خسروی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

بهزاد جمشیدی فر، معاونت فرهنگی دانشجویی آموزشکده فنی و حرفه ای پسران کرمانشاه

zahra.jamshidifar7373@gmail.com

زمینه و هدف : در زمان جدید همراه با پیشرفت چشمگیر صنعت و فن اوری، نگرانی های زیادی در خصوص پیامد های سو مرتبط با آن زندگی بشر را تهدید می کند. ایمنی هر یک از قسمت های مجموعه می تواند سبب پایداری و افزایش بهره وری تمام مجموعه شود HAZOP. به عنوان یکی از موثرترین روش های ارزیابی ریسک به منظور شناسایی کانون های خطر مورد توجه قرار گرفته است. هدف این مطالعه ارزیابی ریسک به روش HAZOP تکنیک مطالعه عملیات و خطر در یکی از تصفیه خانه های آب در سال ۱۳۹۶

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی است که در آن خطرات و انحرافات موجود موردی در یکی از تصفیه خانه های آب در سال ۱۳۹۶ به روش HAZOP شناسایی شده است. تعیین خطرات و سطح ریسک آنها با استفاده از فرم های استاندارد HAZOP و ارزیابی ریسک با استاندارد ۸۸۲ E-STD-MIL انجام شد .

نتایج : به طور کلی در این گزارش ۵۰ انحراف و خطر شناسایی گردید. از این تعداد ۵ خطر ۸٪ غیر قابل قبول ۱۵ خطر ۳۰٪ (۵۶٪ قابل قبول با تجدید نظر و ۲ خطر ۶٪) قابل قبول بدون نیاز به تجدیدنظر بودند. که این مقادیر پس از انجام اقدامات اصلاحی و استفاده از اقدام های کنترلی مناسب به ۱۸ خطر ۳۵٪ قابل قبول با تجدید نظر ۲۸ خطر ۵۵٪ قابل قبول بدون تجدیدنظر و ۴ خطر ۱۰٪ نامطلوب تغییر یافت. بیشترین فراوانی خطر مربوط به انحراف با کلمه کلیدی جریان بیشتر با تعداد ۵۵٪ و کمترین به طور مشترک مربوط به انحراف با کلمات کلیدی برعکس و به علاوه به تعداد ۲ (۵٪) می باشد .

نتیجه گیری : مشکل عمده واحد مربوط به انحرافهای عملیاتی کاهش و افزایش می باشد که میتواند سبب آسیب به قسمت های مختلف و خسارات گردد. با توجه به نوع خطرات شناسایی شده، طراحی و اجرای برنامه تعمیرات پیشگیرانه در واحد مورد مطالعه می تواند در کنترل ریسک خطرات شناسایی شده بسیار موثر واقع شود. اقدام های کنترلی پیشنهادی برای کاهش خطر با هزینه های اجرایی پایینی قابل انجام است و عمده ترین آنها بهبود شرایط، نگهداری منظم تجهیزات و استفاده از روش های عملیاتی صحیح بیان شده است.

واژگان کلیدی: HAZOP، تصفیه خانه، مطالعه عملیات و کنترل خطر، ریسک



بررسی حذف و جذب زایلین توسط دیاتومیت اصلاح شده با اسید

زهرا رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
حسن اصیلیان مهابادی، دکتری بهداشت حرفه ای، دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

علی خوانین، دکتری بهداشت حرفه ای، دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
asilia_h@modares.ac.ir

زمینه و هدف: ترکیبات آلی فرار یکی از فراوان ترین آلاینده های هوا هستند که در نتیجه فعالیت های صنعتی در صنایع تولید مواد شیمیایی، پتروشیمی و صنایع وابسته تولید می شوند، همچنین این مواد اجزای اصلی آلاینده های هوا در ساختمان های مدرن، مواد تزئینی، آفت کش ها و خوشبوکننده ها هستند، که نه تنها از دیدگاه زیست محیطی موجب اثر گلخانه ای و کاهش میزان ازن می شوند، بلکه برای انسان در غلظت های کم هم مخاطره آمیز هستند. زایلین یکی از ۱۷ نوع رایجترین ترکیبات آلی فرار می باشد. هدف از این مطالعه حذف زایلین از طریق جذب سطحی و فتوکاتالیستی توسط دیاتومیت اصلاح شده با اسید می باشد.

مواد و روش ها: دیاتومیت اصلاح شده توسط اسید کلریدریک ۱ مولار به مقدار ۱ گرم در راکتوری که از جنس کوارتز بود قرار داده شد و در یک مرحله جذب سطحی توسط جاذب دیاتومیت اندازه گیری شد و در مرحله بعدی حذف زایلین توسط لامپ های فرابنفش ۶ و ۸ وات صورت گرفت که مقدار آلاینده خروجی و ورودی به راکتور توسط دستگاه قرائت مستقیم سنجش شد. **نتایج:** بخارات زایلین در غلظت ۵۰ ppm با دبی ۱ لیتر بر دقیقه بعد از ۱۰ دقیقه جذب به صورت کامل در جاذب نقطه شکست رخ داد به طوری که در مدت ۳۰ دقیقه به طور کامل اشباع گردید. در حالی که در حذف فتوکاتالیستی توسط اشعه فرابنفش با طول موج ۳۶۵ نانومتر غلظت ۵۰ ppm زایلین ورودی توسط دیاتومیت اصلاح شده با اسید به ۲.۲۰ ppm در خروجی راکتور رسید.

نتیجه گیری: این مطالعه مشخص نمود که دیاتومیت اصلاح شده می تواند به عنوان یک بستر مناسب در فرایندهای فتوکاتالیستی جهت حذف آلاینده های آلی فرار مورد با راندمان بالا مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: دیاتومیت اصلاح شده، زایلین، فرایندهای فتوکاتالیستی



بررسی رابطه نوبت کاری و کیفیت خواب بر خستگی شغلی در میان پرستاران شاغل در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۶

محمدامین رشیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

عبدالحسین پورنجف، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
حسن اصیلان مهابادی، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مجید سیفی فرد، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
مهرداد کاظمی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
مقداد کاظمی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

زمینه و هدف: خستگی به معنای ضعف و فرسودگی شدید در اثر کار و تالش فیزیکی و ذهنی، می باشد. اختلالات خواب و نوبت کاری از جمله مهم ترین علل خستگی در میان افراد در جوامع شغلی مختلف شناخته شده اند. لذا این مطالعه با هدف تعیین رابطه بین نوبت کاری و کیفیت خواب بر خستگی شغلی در میان پرستاران انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی و از نوع مقطعی بر روی ۲۴۰ نفر از پرستاران شاغل در بیمارستان های دولتی شهر ایلام که به صورت نمونه گیری در دسترس در مدت زمان دو ماه انتخاب شده بودند، انجام گرفت. به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه خستگی مفرط شغلی/ بازیابی خستگی ۱۵-OFER- و پرسشنامه کیفیت خواب پیترزبورگ 2 (PSQI) استفاده شد. سپس داده های جمع آوری شده، وارد نرم افزار ۱۶ SPSS-گردید و با استفاده از آزمون های آماری، همبستگی اسپیرمن و پیرسون، test-t و آنالیز واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: براساس نتایج مطالعه، از نظر کیفیت خواب و خستگی مفرط شغلی به ترتیب ۵۵٪ و ۷۰٪ از جامعه مورد مطالعه در حیطه کیفیت خواب نامناسب و در سطح متوسطی از خستگی مفرط شغلی قرار داشتند. آزمون آنالیز واریانس نشان داد که تفاوت معنی دار آماری بین میانگین نمره ی خرده مقیاس بازیابی خستگی با متغیر شیفت کاری وجود داشت ($p>0.05$).
نتیجه گیری: با توجه به وجود همبستگی و ارتباط تنگاتنگ میان کیفیت خواب و خستگی، بنابراین می توان احتمال "از کیفیت خواب به عنوان متغیر پیش بینی کننده خستگی مفرط شغلی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: خستگی، خستگی مفرط شغلی ۱۵-OFER-، (کیفیت خواب پیترزبورگ) 1۸-PSQI-، پرستاران



بررسی وضعیت استرس شغلی و عوامل استرس‌زای مرتبط با کار با استفاده از پرسشنامه استرس شغلی Rice.L. Philip در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۴

محمدامین رشیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

عاطفه یوسفی مهر، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه‌ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

عبدالحسین پورنجف، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
مقداد کاظمی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

زمینه و هدف: استرس شغلی همواره سلامت افراد، کیفیت زندگی و عملکرد آنها را در محیط کاری تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند در اثر عدم تطابق بین نیازمندی‌های شغلی با توانایی‌های فردی ایجاد شود. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت استرس شغلی و فاکتورهای تاثیرگذار بر آن در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع مقطعی، بر روی ۱۵۳ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند، انجام گرفت. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه پرسشنامه استرس شغلی Philip L. Rice.2 استفاده شد. سپس داده‌ها وارد نرم افزار آماری SPSS-۱۶ گردید و با استفاده از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس، X، همبستگی اسپیرمن و t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: طبق نتایج مطالعه، میانگین نمره کلی استرس شغلی در جامعه مورد مطالعه برابر با $31/29 \pm 152/25$ به‌دست آمد که ۶۸/۸٪ از افراد مورد مطالعه در محدوده استرس شغلی متوسط قرار داشتند. آزمون اسپیرمن همبستگی معنی‌دار آماری را بین خرده‌مقیاس‌های روابط بین فردی و شرایط فیزیکی محیط کار و متغیر گروه‌های سنی در کارکنان ستاد و پردیس نشان داد ($p > 0.05$) آزمون آنالیز واریانس تفاوت معنی‌دار آماری را در بین خرده‌مقیاس روابط بین فردی با نوع استخدامی نشان داد ($p > 0.05$).

نتیجه‌گیری: در این مطالعه، متغیرهای نوع استخدامی و سن به عنوان مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر روی استرس شغلی معرفی شدند و خرده‌مقیاس روابط بین فردی، به عنوان تاثیرگذارترین خرده‌مقیاس بر استرس شغلی مشخص گردید. لازم به ذکر است پیشنهاد می‌شود که به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر و جامع‌تر، مطالعات بیشتری در زمینه استرس شغلی در جوامع مشابه صورت گیرد.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، پرسشنامه فیلیپ ال رایس، دانشگاه علوم پزشکی ایلام



ارزیابی ارگونومیکی و مقایسه دو چرخه های ثابت ایستاده و نشسته جهت استفاده مناسب بیماران دچار آسیب مفصلی

رامین رحیم زاده؛ دانشگاه علوم پزشکی تبریز، کارشناسی ارشد ارگونومی

Ramin.pnu68@gamil.com

زمینه و هدف: امروزه استفاده از دو چرخه های ثابت در باشگاه های ورزشی، خانه و حتی مراکز توانبخشی به دلایل مختلف رواج پیدا کرده است. انجام ورزش دو چرخه سواری کنترل شده در بیماران دچار آسیب مفصلی و همچنین افراد مسن باعث تقویت عضلات پا، باسن و ران پا شده و فشار و تنش های وارده بر مفاصل زانو و مچ پا را کاهش می دهد. هدف این مطالعه ارزیابی ارگونومیکی و مقایسه دو نوع دو چرخه ثابت ایستاده و دو چرخه ثابت نشسته و همچنین بررسی میزان رضایت کاربران با توجه به نوع آسیب مفصلی که دارند می باشد.

مواد و روش ها: در این پژوهش که بصورت آزمایشگاهی انجام گردید 20 نفر در بازه سنی 20 الی 52 ساله که 52 نفر دارای آسیب مفصلی در مچ و زانو بودند وارد مطالعه شدند که هر کدام از افراد نمونه بمدت 52 دقیقه با یک هفته فاصله زمانی از هر دو دستگاه استفاده کرده و سپس پرسشنامه محقق ساخته را پر کردند. تحلیل پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد.

نتایج: نتایج نشان داد افراد سالم هیچگونه ناراضایتی در استفاده از دستگاه ها نداشتند. افرادی که دچار آسیب در مچ پا بودند بیشتر دو چرخه های ثابت نشسته را ترجیح دادند و میزان گزارش ناراحتی در این نوع دستگاه کمتر بود و در مقابل افراد با آسیب دیدگی مفصل زانو در استفاده از دو چرخه ثابت نشسته احساس درد و ناراحتی بیشتری داشتند. همچنین افراد میانسال در برخی موارد در استفاده از دو چرخه ثابت ایستاده گزارش ناراحتی و درد در ناحیه کمر را داشتند.

نتیجه گیری: استفاده مناسب از دستگاه های ورزشی با توجه به وضعیت جسمانی فرد استفاده کننده اهمیت ویژه ای دارد. از اینرو قبل از استفاده از هر دستگاه ورزشی جهت جلوگیری از آسیب های جانبی بویژه در مراکز توانبخشی بایستی از لحاظ ارگونومیکی بودن محصولات اطمینان حاصل کرد.

واژگان کلیدی: دو چرخه ثابت، ارزیابی ارگونومیکی، آسیب های مفصلی، کاهش آسیب



اندازه گیری میزان تراکم آلاینده های بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلن در هوای محیط کار کارگاه تانکر سازی باختر فلز در سال ۹۶

فرید خسروی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

محدثه خسروی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

پیام خانلری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

فاطمه بهرام آبادی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

پگاه منصوری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مسعود خسروی پور؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Masoudkhosravipour74@gmail.com

زمینه و هدف: بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلن (BTEX) از ترکیبات فرار و سرطان زایی می باشند که باتوجه به اینکه در صنعت کاربرد فراوانی دارند از اهمیت بالایی برخوردار است. به دلیل تولید بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلن هنگام فرآیند جوشکاری این مطالعه با هدف تعیین میزان تراکم این مواد در هوای محیط کار کارگاه تانکر سازی باختر فلز در سال 96 در هنگام عملیات جوشکاری طراحی و اجرا گردیده است.

مواد و روش ها: مواد و روش ها: به منظور اندازه گیری غلظت بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلن 5 ایستگاه در محیط کاری تعیین گردید. و بر طبق روش Niosh1501 نمونه برداری و آنالیز صورت پذیرفت. جمع آوری نمونه ها به وسیله لوله های جاذب زغال فعال انجام شد و توسط گاز کرماتوگرافی تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: نتایج: یافته ها نشان می دهد که غلظت اندازه گیری شده شامل بنزن 39ppm/0، تولوئن 14ppm، اتیل بنزن 15ppm/0 و زایلن 15ppm/0 می باشد که همگی کمتر از حدود مجازند و بیشترین غلظت مربوط به تولوئن بود.

نتیجه گیری: نتیجه گیری: باتوجه به اینکه تمامی غلظت های اندازه گیری شده کمتر از حدود مجاز مواجهه شغلی هستند لذا اقدامات کنترلی جهت حفظ وضعیت موجود لازم و ضروری می باشد و همچنین برگزاری یک دوره آموزشی نحوه استفاده از وسایل حفاظت فردی لازم الاجرا به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: بنزن، تولوئن، اتیل بنزن، زایلن، BTEX، جوشکاری، تانکر سازی



بررسی شیوع پریشانی اخلاقی در بین پرستاران بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و تعیین عوامل موثر بر آن

زهرا رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

zahrarahmani@modares.ac.ir

محمد حسین وزیری؛ MPH بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

آرزو داودی؛ کارشناسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: پرستاران یکی از بزرگ ترین گروه های ارایه دهنده خدمات در سیستم سلامت هر جامعه بوده و در خط مقدم جبهه سلامت به فعالیتی مستمر و پایدار اشتغال دارند. عوامل تنش زای متعددی در محیط های ارایه خدمات سلامت شناخته شده است. در این میان بیشترین تمرکز بر عوامل مدیریتی و حرفه ای بوده است و به نقش عوامل روحی و اخلاقی محیط کار به عنوان عوامل تنش زا برای پرستاران کمتر پرداخته شده است. این در حالی است که یافته های برخی از مطالعات حاکی از اهمیت نقش این مسایل به عنوان عامل تنش زا برای پرستاران و دیگر کارکنان بهداشتی بوده است. بنابراین هدف از این مطالعه تعیین عوامل موثر و همچنین تعیین وضعیت هایی است که پرستار پریشانی اخلاقی را بیشتر تجربه کرده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی 150 نفر از پرستاران در بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه تنش اخلاقی کورلی استفاده شد. متغیر های مورد بررسی در پرسشنامه عبارتند از سابقه کار، جنسیت، آموزش و سطح یا شدت پریشانی اخلاقی می باشد، می باشند.

نتایج: یافته ها نشان داد که در وضعیت 21 پرسشنامه سطح یا شدت پریشانی اخلاقی در حالت "در من پریشانی بسیاری ایجاد می کند" بیشترین مقدار فراوانی را دارد در حالی که در وضعیت 3 سطح یا شدت پریشانی اخلاقی در حالت "در من هرگز پریشانی اخلاقی ایجاد نمی کند" بیشترین فراوانی را در بین دیگر وضعیت ها دارد. در بررسی وجود ارتباط بین جنسیت و پریشانی اخلاقی و همچنین آموزش و سابقه کاری رابطه آماری معنا داری وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج بررسی برای تعیین عوامل موثر بر آن نشان می دهد که چون $p < 0.05$ و برابر با 0.27 می باشد نشان می دهد که رابطه آماری معنا داری بین میانگین پریشانی اخلاقی در دو گروه آموزش دیده و ندیده وجود دارد بنابراین سطح آموزش در میزان بروز پریشانی اخلاقی وجود دارد. همچنین چون $p < 0.05$ و برابر با 0.00 بنابراین نتیجه گرفته می شود که میانگین پریشانی اخلاقی در بین زن و مرد رابطه آماری معنا داری وجود دارد بنابراین جنسیت یک عامل تاثیر گذار در میزان بروز پریشانی اخلاقی دارد.

در بررسی رابطه بروز پریشانی اخلاقی و سابقه کار از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد در این آزمون چون ضریب همبستگی برابر با 199.0 می باشد و چون خیلی کوچکتر از 1 می باشد بنابراین رابطه آماری ضعیفی بین دو متغیر وابسته (شدت پریشانی اخلاقی) و متغیر مستقل (سابقه کار) وجود دارد همچنین چون $p = 0.102$ می باشد و بزرگتر از 0.05 می باشد بنابراین رابطه آماری معنا داری بین این دو متغیر وجود ندارد و بدین ترتیب سابقه کاری عامل موثری بر میزان شدت پریشانی اخلاقی نمی باشد در مجموع نتایج حاصل از این بررسی نشان می دهد که جنسیت و آموزش در میزان بروز پریشانی اخلاقی در موقعیت مختلف موثر است ولی بین پریشانی اخلاقی و سابقه کار رابطه آماری معنا داری بدست نیامد.

واژگان کلیدی: پریشانی اخلاقی، پرسشنامه کورلی، پرستاران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



ارزیابی ایمنی کارخانه آرد بیستون با استفاده از روش ردیابی انرژی و آنالیز حفاظها ET&BA (در سال ۱۳۹۶)

زهرا خسروی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

خدیجه جمشیدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد تغذیه، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

پیام خانلری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

زمینه و هدف: با توسعه و گسترش سیستم های حساس و پیچیده، این ایده قوت یافت که برای ارزیابی ایمنی سیستم ها دیگر نمی توان منتظر وقوع حوادث شد، لذا سعی گردید که روش هایی برای ارزیابی ایمنی ابداع شود، که قادر باشند پتانسیل وقوع خطر را قبل از عملیات سیستم شناسایی نمایند. هدف این تحقیق شناسایی نقاط و پتانسیل های خطر در کارخانه آرد بیستون، آنالیز حفاظ ها و ارائه دادن حفاظ های پیشنهادی مناسب براساس استاندارد برای جلوگیری از آزاد شدن ناخواسته ی انرژی ها در سیستم می باشد.

مواد و روش ها: این تحقیق به روش ردیابی انرژی و تجزیه و تحلیل حفاظ ها در کارخانه ی آرد بیستون در سال 1396 به انجام رسید. نحوه ی جمع آوری اطلاعات از طریق مشاهده مستقیم بوده است. ارزیابی ایمنی با روش ردیابی انرژی و تجزیه و تحلیل حفاظ ها و ارزیابی ریسک های شناسایی شده به روش کیفی انجام گردیده است. بدین منظور از ماتریکس ریسک ارائه شده در استاندارد MIL-STD-882E بهره گرفته شد و براساس طبقه بندی کیفی شدت و احتمال بروز ریسک به دست آمد. در پایان نیز روش های کنترلی مختلفی براساس استانداردها برای ریسک های غیرقابل قبول ارائه شد.

نتایج: در مجموع 46 ریسک شناسایی شد که 9 ریسک غیرقابل قبول، 13 مورد نامطلوب، 19 مورد قابل قبول ولی با نیاز به تجدیدنظر و 5 مورد قابل قبول و بدون نیاز به تجدیدنظر بودند. همچنین 52 انرژی شناسایی شد که به ترتیب گردوغبار و انرژی الکتریکی بیش ترین انرژی های مخاطره آمیز بودند.

نتیجه گیری: با توجه به وضعیت صنعت مورد مطالعه، توجه به روش های مدیریتی کاهش ریسک به ویژه برقراری سیستم تهویه ی مناسب، تشکیل تیم بررسی حادثه و ثبت گزارش و همچنین آنالیز علمی حوادث و شبه حوادث نقش مهمی در کاهش ریسک کلی سیستم خواهد داشت.

واژگان کلیدی: کارخانه آرد، ردیابی انرژی و تجزیه و تحلیل حفاظ ها، ارزیابی ایمنی، ET&BA



ارزیابی ریسک اختلالات اسکلتی-عضلانی و انجام مداخلات ارگونومیک در یک چاپخانه در سال ۱۳۹۶

الهام اخلاقی پیرپشته؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران E.Akhlaghi3@yahoo.com

علی صالحی سهل آبادی؛ استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی، تهران، ایران

نرگس سراج زاده؛ کارشناسی ارشد HSE، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم

تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه: در حال حاضر بیماریهای اسکلتی عضلانی جزء شایعترین بیماریهای شغلی و یکی از علل شایع غیبت از کار محسوب می شود که خود می تواند سبب کاهش بهره وری شود. هدف مطالعه حاضر بررسی پوسچرهای کاری با روش RULA و ارزیابی اثر مداخلات ارگونومیکی در یک چاپخانه می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع مداخله ای (۳۰ نفر) در سه سالن یک چاپخانه صنعتی انجام گرفت. به منظور بررسی شیوع و شدت اختلالات اسکلتی عضلانی از پرسشنامه body map استفاده شد و همچنین برای ارزیابی پوسچر کارگران قبل و بعد از مداخله، از روش RULA استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل داده ها، اقدامات اصلاحی پیشنهاد و در تمام ایستگاه ها اجرا گردید.

نتایج: نتایج حاصل نشان داده که از بین کل اندام ها بیشترین میزان اختلالات اسکلتی عضلانی مربوط به ناحیه کمر (۴۶،۶۶٪) و زانو (۳۳،۳۳٪) می باشد. بر اساس نتایج ارزیابی پوسچر ۲۲،۳ درصد از شاغلین دارای امتیاز نهایی ۷، ۲۲،۱ درصد دارای امتیاز نهایی ۶، ۱۱،۴۶ درصد دارای امتیاز نهایی ۵ می باشند ($P < 0.05$). بنابراین ۳۳،۵۶ درصد ایستگاه های کاری دارای سطح اقدام اصلاحی ۳ (به معنی مطالعه فزون تر و مداخله ارگونومیک در آینده ای نزدیک) و ۲۲،۳ درصد دارای سطح اقدام اصلاحی ۴ (به معنی مطالعه فزون تر و مداخله ارگونومیک فوری) بودند. پس از مداخله ۳۳،۵۸ درصد ایستگاه های کاری دارای سطح اقدام اصلاحی ۳ و ۶۷،۱ درصد دارای سطح اقدام اصلاحی ۲ شدند ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: اختلالات اسکلتی عضلانی علت اصلی آسیب ها و نا توانایی های مرتبط با کار در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه صنعتی و یکی از بزرگترین نگرانی های بهداشت حرفه ای امروز می باشد. آسیب های شغلی بیش از ۱۰ میلیون و ۸ درصد از کل آسیب های جهانی را به خود اختصاص می دهند. تاکنون روش های بسیاری برای ارزیابی ریسک فاکتورهای ارگونومی معرفی شده اند که هریک بر مبنای انحراف بدن از پوسچر طبیعی و عواملی مانند نیروی استاتیکی و دینامیکی وارد شده به بدن، تکرار، مدت زمان و سایر عوامل محیطی، سازمانی و فردی امتیاز نهایی ارگونومی موقعیت مورد بررسی را محاسبه کرده و شاخص مداخله را تعیین میکنند. این بررسی نشان داد شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در گروه مورد مطالعه در نواحی کمرو زانو بالا بود است. با ارزیابی ریسک فاکتورهای ایجادکننده اختلالات اسکلتی عضلانی می توان از طریق مداخلات فنی، مدیریتی و آموزشی ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی را کاهش داد.



بررسی ارتباط جو ایمنی و میزان بروز حوادث در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور در سال ۱۳۹۶

زینب موسویان اصل؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. اهواز. ایران

فرشته جهانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،

شعیب شمس الدینی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. اهواز. ایران

jahani.f71@gmail.com

مقدمه: پیش بینی و کنترل رفتارهای انسانی عامل مهمی در کنترل حوادث شغلی محسوب می شود. بررسی های زیادی برای کشف علل و کنترل بروز مجدد و پیشگیری این حوادث انجام شده است ولی در این مطالعه عامل جو ایمنی در رابطه با بروز میزان حوادث در میان کارگران یکی از صنایع سیمان بررسی شده است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی و توصیفی بر روی ۱۳۰ نفر از پرسنل شاغل در یکی از صنایع سیمان جنوب کشور انجام گرفت. داده های مورد نیاز به کمک پرسشنامه جو ایمنی که پایایی با الفای کرونباخ برابر ۰/۸۶۴ بدست آمد که پایایی پرسشنامه ها در حد قابل قبول بود. روایی با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ۰/۷ ارزیابی شد که مقدار آن بیشتر از ۰/۴ و در حد نسبتاً قابل قبولی بود و با استفاده از سابقه حوادث شغلی هر یک از کارکنان، جمع آوری گردیدند. در نهایت تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های کروسکال والیس و اسپیرمن من ویتنی در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام گرفت.

یافته ها: تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که جو ایمنی با سن رابطه ی معنی داری ندارد و میانگین جو ایمنی در همه ی رده های سنی برابر است ($p=0.103$). میانگین جو ایمنی با میزان تحصیلات رابطه دارد ($p=0.029$) و میانگین افراد زیر دیپلم با افراد لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر تفاوت معناداری دارد. میانگین جو ایمنی با سابقه ی کار هم ارتباط معنی داری ندارد ($p=0.459$) ولی با آموزش دیدن رابطه معناداری داراست ($p=0.042$) و افرادی که حداقل یک بار آموزش دیده اند امتیاز میانگین جو ایمنی بالاتری داشته اند.

نتیجه گیری: با توجه به گزارش نتایج میتوان بیان داشت آموزش هایی با کیفیت بالا و به کار بردن نیروهای متخصص میتواند با حفظ ایمن جو ایمنی نرخ بروز حوادث شغلی را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: جو ایمنی، حوادث، صنعت سیمان



بررسی اثرات آلودگی صوتی بر روی سیستم شنوایی کارگران شاغل در یک چاپخانه صنعتی

الهام اخلاقی پیرپشته؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

E.Akhlaghi3@yahoo.com

محمد رنجبریان؛ مربی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: واجهه با صدا و افت شنوایی ناشی از آن یکی از معضلات اساسی در صنایع مختلف کشور، به خصوص صنایع چاپ و نشر می‌باشد. این مطالعه به منظور بررسی میزان آلودگی صوتی در محیط کار و عوامل مستعد کننده افت شنوایی در یکی از چاپخانه‌های صنعتی شهر تهران انجام گرفت.

روش کار: اندازه‌گیری تراز صدا همراه با تجزیه فرکانسی آن با استفاده از ترازسنج مدل Cacella در شبکه A انجام شد و نیز ارزیابی شنوایی شاغلین بر طبق استاندارد ISO 85 با استفاده از یک دستگاه ادیومتر WELLTONE انجام شد و پس از جمع آوری داده‌ها، آنالیز آماری توسط نرم افزار آماری SPSS انجام شد. از آمار توصیفی و تحلیلی شامل میانگین، نسبت و آزمونه‌ای آنالیز واریانس و T-test استفاده گردید.

نتایج: نتایج اندازه‌گیری تراز فشار صوت در سالن‌های مختلف شرکت نشان داد که از ۱۱۷ ایستگاهی که در آنها تراز فشار صوت اندازه‌گیری شد، در ۱۵٫۳۸ درصد ایستگاه‌ها (۱۸ ایستگاه) صدا بیش از حد مجاز ۸۵ دسی‌بل و در ۸۴٫۶۱ درصد (۹۹ ایستگاه) تراز فشار صوت در ناحیه احتیاط ($SPL > 85$) قرار داشت. همچنین نتایج ادیومتری نشان داد که بیشترین افت شنوایی در بین شاغلین سالن چاپ روزنامه (۴۳ درصد) در محدوده سنی ۴۵-۵۰ سال و با سابقه کاری ۲۱-۳۰ سال بود. با توجه به آنالیز آماری داده‌های بدست آمده، رابطه معنی‌داری بین میزان افت شنوایی و متغیرهای شدت صدا، سن، سابقه کار و تعداد روزهای کاری هفته وجود دارد ($P < 0.05$).

نتیجه‌گیری: آلودگی صوتی یکی از مشکلات مهم صنایع است که بر روی سیستم شنوایی و سایر پارامترهای فیزیولوژیکی بدن انسان و بر بنابرین کارایی و رانندگی افراد مواجهه یافته تاثیر می‌گذارد. برای افزایش بهره‌وری کار و همچنین کاهش اثرات ناشی از صدا بر روی بدن در بسیاری از کشورها به سر و صدا توجه شده است. نتایج اندازه‌گیری در ایستگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که مولد اصلی صدا دستگاه‌های چاپ قدیمی می‌باشند. پس بهتر است دستگاه‌های جدید با تراز فشار صوت کمتر و مجهز به کابین‌های آکوستیک جایگزین شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در برخی از واحدهای کاری این کارخانه آلودگی صوتی و افت شنوایی ناشی از آن از شیوع بالایی برخوردار است که نیازمند اقدامات فوری جهت کنترل صدا و فراهم کردن حفاظت بیشتر کارگران در معرض صدا می‌باشد. همچنین از نتایج این تحقیق چنین استنباط می‌شود که افرادی که بیشتر از ۵ روز در هفته کار می‌کنند نسبت به افرادی که کمتر از ۵ روز کار می‌کنند دچار نقصان شنوایی بیشتری هستند.



ارزیابی ارگونومیک اختلالات اسکلتی-عضلانی دفاتر اداری و ارائه راهکارهای کنترلی در یک شرکت چراغ سازی

نیلوفر شیبانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

الهام اخلاقی پیرپشته؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

مقدمه: با افزایش روزافزون مشاغلی که با رایانه سروکار دارند و رشد اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین کاربران ایستگاههای پایانه‌های نمایش تصویری، اهمیت ارزیابی و شناسایی ریسک فاکتورهای ارگونومی در محیط کار فزونتر شده است. هدف مطالعه حاضر ارزیابی ریسک فاکتورهای ناراحتی‌های اسکلتی-عضلانی دفاتر اداری و ارائه راهکارهای کنترلی در یک شرکت چراغ‌سازی در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی و به صورت توصیفی - تحلیلی و به صورت مداخله ای بر روی کل افرادی (۳۰ نفر) که در همه بخش‌های این شرکت مشغول بکار هستند، انجام گرفت. به منظور ارزیابی پوسچر کارکنان قسمت اداری از روش ارزیابی سریع تنش اداری (ROSA) استفاده شد و ریسک فاکتورهای ایجادکننده ناراحتی‌های اسکلتی-عضلانی در قبل و بعد از مداخله تعیین گردید. به منظور افزایش آگاهی پرسنل در تنظیم ایستگاه کاری از برنامه مداخله آموزشی استفاده شد. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS V16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: بنابر طبقه بندی سطح ریسک نهایی به روش ROSA، ۱۶٫۶۶٪ (۵ نفر) در سطح ریسک کم (امتیاز کمتر از ۳)، ۵۶٫۶۶٪ (۱۷ نفر) در ناحیه هشدار (امتیاز بین ۳ تا ۵) و ۲۶٫۶۶٪ (۸ نفر) در ناحیه ضرورت انجام مداخله ارگونومی (امتیاز بیشتر از ۵) قرار داشتند. نتایج کاهش معناداری در میانگین نمره تلفن و مانیتور و میانگین نمره ماوس و کیبورد در قبل و بعد از مداخله آموزشی نشان داد ($P < 0.001$). بین میانگین نمره نهایی ROSA در قبل و بعد از مداخله آموزشی نیز تفاوت معناداری مشاهده شد ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: به نظر می رسد استفاده از روش ROSA، برای ارزیابی عوامل خطرزای کار اداری مناسب بوده و از طریق این روش می توان کاستی های موجود در ایستگاه های کاری را شناسایی نموده و از طریق طراحی و اجرای یک برنامه مداخله ای آموزشی توأم با مداخلات مهندسی منطبق با اجزاء این روش، در جهت رفع نواقص اقدام نمود. از طرفی افزایش آگاهی شاغلین در رابطه با عوامل خطرزای ارگونومیک کار اداری و نحوه صحیح چیدمان تجهیزات می تواند باعث تنظیم ایستگاه کاری توسط خود کارکنان شده و در نتیجه موجب بهبود شرایط گردد.



The effect of the use of personal hearing protection in noisy environments on blood pressure and heart rate

Meysam Almasi, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Mahdokht Sadati, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Akbar Bavandpour, Department of Occupational Health, Health Faculty, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Behnam Frahmand, School of Nursing and Midwifery, Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, IR Iran.

Background and Aim: Noise pollution is accounted as one of the harmful factors at industrial area. There is a relationship between noise exposure and hypertension that reviewed. In addition the using of hearing protective devices has not been evaluated in the prevention of cardiovascular effects of noise exposure. In this study we evaluated the hearing protective devices on systolic-Diastolic Blood Pressure and heart rate.

Materials and Methods: During this interventional study that was done in grinding industry, the Blood Pressure and heart rate of 50 workers were measured who did not use hearing protective devices. They were asked to use of hearing protective devices for 4 weeks and their Blood Pressure and heart rate were measured again, and the statistical analysis was performed by spss20.

Results: The result of this study showed that the use of hearing protective devices cause a significant reduction in systolic blood pressure ($p=0.001$), diastolic blood pressure ($p=0.016$) and heart rate ($p=0.05$).

Conclusion: The results showed that, by using of hearing protective devices at industrial area in addition to reduce the effects of noise on hearing system, the adverse effects on the cardiovascular system is also reduced.

Keywords: Noise, Personal Hearing Perception, Heart Rate, Blood pressure



شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی در شغل پزشکی بیمارستان کوثر به روش SHERPA

رفعت محبی فر، دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

سیما رفیعی، استادیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مهران قلعه نوی، دانشجوی دکتری بهداشت حرفه ای گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

خلیل کلوانی، کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مهديه مطیعی، کارشناسی ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زمینه و هدف: امروزه خطاهای انسانی در حیطه پزشکی یکی از مهمترین و حساسترین موضوعات این حوزه است و این امر خطرات غیر قابل قبول بسیاری را در جوامع به وجود آورده است اصول پایه و مبنای فعالیت هر یک از رشته های علوم پزشکی بر دو جنبه تشخیص و درمان استوار بوده لذا پزشکان باید بر ایمن بودن و کیفیت ارائه خدمات خود اطمینان داشته باشند. این تحقیق با هدف شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی پزشکان بیمارستان کوثر قزوین به روش SHERPA انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه بصورت مقطعی و با استفاده از روش SHERPA در سال ۱۳۹۶ انجام شد. پس از بیان اهداف و آموزش روش کار، از طریق مشاهده و مصاحبه و با استفاده از روش آنالیز سلسله مراتبی، وظایف و زیر وظایف تعیین شد و در نهایت کار برگ روش SHERPA تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از میان وظایف مرتبط با شغل پزشکی، سه وظیفه مورد بررسی قرار گرفت و از این میان ۳۵ زیرو وظیفه، ۳۴ خطا شناسایی شد که خطاها شامل عملکردی، بازدید، یابی، ارتباطی و انتخابی به ترتیب 18(53%)، 3(9%)، 6(18%)، 6(21%)، صفر (0%) بودند. تعداد خطاها از لحاظ سطح ریسک خطاهای غیر قابل قبول ۳، نامطلوب ۱۵، قابل قبول نیاز به تجدید نظر ۱۲، قابل قبول بدون نیاز به تجدید نظر ۴ عدد بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش، مسئولان بیمارستان بایستی توجه بیشتری به خطاهای عملکردی و ارتباطی داشته و این خطاها را در اولویت کار ایمنی و پیشگیری قرار دهند.

واژگان کلیدی: شناسایی خطا، ارزیابی ریسک، خطای انسانی، روش SHERPA



Measurement noise in a college library

Amir Hossein Nafez, Department of Environmental Health Engineering, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Reza Rostami, Student research committee, Kermanshah University Of Medical sciences, Kermanshah, Iran

Navid Veisi, Student research committee, Kermanshah University Of Medical sciences, Kermanshah, Iran

Seyede Parvin Moussavi, Environmental Health Research Center, International Branch of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services, Yazd, Iran

Sohila Lotfi, Student research committee, Kurdistan University Of Medical sciences, Sanandaj, Iran sohilalotfi@ymail.com

Background and Objectives: The stress driving from noise is one of the important reasons that endanger healthiness. The extra noise causes hearing damage, sleep disorders, and release of the stress hormone (Cortisol) that can influence the immune system and body metabolism. This study aimed to assess the noise level in libraries and dormitories of Kermanshah University of Medical Sciences (KUMS) in Iran, 2016.

Martials and Methods: This study is a descriptive-analytic, cross sectional study that assessed the noise level in different part of libraries of five faculties including: pharmacy, dentistry, medical, paramedical, and Health schools in KUMS and two subset dormitories of this university. For this aim we used 5969 Casella phonometer and finally the obtained data were compared with the standards of Iran and USA federal standards.

Results: According to the results, all of the assessed dormitories and libraries had a noise level higher than the national residential standards of Iran and 46% of dormitories and 41% of libraries had a noise level higher than the standard level of USA.

Conclusion: This condition causes physical and psychological harms to students and it reduces the students` attention and efficiency; so deduction of these distractive noises is essential for raising the libraries and dormitories qualification.

Keywords: noise, library, dormitory, student



ارتباط ارگونومی و حرفه دندانپزشکی

صابر محمدی، صدرا امیرپور، بهنام بوالحری

زمینه و هدف: با توجه به آمارهای ارائه شده در رابطه با میزان بالای شیوع مشکلات عضلانی اسکلتی (Musculoskeletal Disorders) در میان دندانپزشکان، این مقاله سعی دارد با تاکید بر ارتباط منطقی و کارآمد، میان دانش ارگونومی و حرفه دندانپزشکی و با استفاده از مفاهیم ارگونومی، ارائه دستورالعمل‌های مناسب و کاربردی، میزان بروز این مشکلات را کاهش داده و سبب افزایش طول عمر کاری مفید این افراد شود و از طرفی سعی شده که این راهکارها هرچه عملی‌تر و در زمان کوتاه‌تری قابل اجرا باشند تا بتوان براحتی آن‌ها را در محیط کار انجام داد.

مواد و روش‌ها: برای جستجو و دسترسی به مقالات از پایگاه داده‌هایی نظیر PubMed و SCOPUS به همراه کلیدواژه‌های Ergonomic . Working posture استفاده شد و از میان مقالات و کتب، آن‌هایی که در سال‌های اخیر تأثیرات ارگونومی را بر روی دندانپزشکان بررسی کرده‌اند مورد مطالعه قرار داده شدند.

نتیجه‌گیری: دندانپزشکانی که نکات مربوط به ارگونومی را در اعمال حرفه خود بدرستی رعایت نمی‌کنند با آسیب‌های برگشت‌ناپذیری که سبب کاهش عمر مفید کاری و بازنشستگی اجباری زودتر از موعد می‌شود رو به رو خواهند شد. در مقابل، دندانپزشکانی که تمرینات بدنی مداوم را در برنامه کاری روزانه خود قرار می‌دهند و در پوزیشن (posture)‌های صحیح برای بیماران کار می‌کنند، در ابتدا فشارهای مخرب ناشی از کار دندانپزشکی را به حداقل می‌رسانند و عضلات و مفاصل خود را برای مقابله با این فشارها تقویت می‌کنند و دیرتر از گروه اول با مشکلات فیزیکی متداول برخورد می‌کنند لذا همه دندانپزشکان باید رعایت اصول ارگونومی را در دستور کار خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: ارگونومی، ارگونومی در دندانپزشکی، Posture، Musculoskeletal Disorders



ارزیابی رضایتمندی کارگران از خدمات خانه های بهداشت کارگری تحت پوشش دانشگاه های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی و ایران در سال ۱۳۹۴

فاضله کتابیون مدیری، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای و کارشناس ارشد آموزش پزشکی از دانشگاه شهید

بهشتی - کارشناس مسئول و خبره بهداشت حرفه ای مرکز سلامت محیط و کار

آرمین طراح، کارشناس ارشد میکروبیولوژی - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

سیدحسین مدنی، کارشناس ارشد روانشناسی کارشناس مسئول و خبره وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی

زمینه و هدف : توجه به سلامت نیروی کار از مهمترین وظایف دولت است و قانون متولیان را به حفظ و پاسداری از سلامت و ایمنی کارگران موظف نموده است. در سال ۱۳۶۶ به استناد اصل ۲۹ قانون اساسی و ماده ۱۴۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران به منظور ارائه خدمات اولیه بهداشتی طرح ارائه مراقبت های اولیه بهداشتی به کارگران در قالب تاسیس خانه های بهداشت کارگری در کارگاههای ۵۰ تا ۵۰۰ نفری تنظیم شد. (۱) و هدف از انجام این مطالعه بررسی رضایتمندی کارگران از خدمات خانه های بهداشت کارگری در کارگاههای تحت پوشش دانشگاههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران و شهید بهشتی بوده است .

مواد و روش ها : این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی است که در آن ۲۲۷ کارگر به روش تصادفی از کارخانجات با جمعیت ۵۰ تا ۵۰۰ نفر انتخاب شدند و مورد پرسشگری قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه با سوالات بسته بود که از دو بخش اطلاعات عمومی و اطلاعات اختصاصی تشکیل شده بود. روایی پرسشنامه از طریق مشورت با متخصصین تایید و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ انجام گرفت که معادل ۰/۹۲ بدست آمد. همچنین داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

نتایج : بازدید از محل کار توسط مسئول خانه بهداشت کارگری (۸۷/۷ در صد راضی) ، آموزش های دریافتی قبل از شروع بکار (۶۳/۵ در صد راضی) ، نظارت بر استفاده از وسایل حفاظت فردی (۸۳/۷ در صد راضی) ارائه کمکهای اولیه (۹۲/۶ درصد راضی) ، انجام معاینات دوره ای (۹۲/۶ درصد راضی) ، پیگیری بیماری های کارگران (۸۵/۹ درصد راضی) ، انجام واکسیناسیون (۷۰/۱ در صد راضی) ، برخورد مناسب مسئول خانه بهداشت کارگری (۸۹/۸ در صد راضی) و در مجموع ۹۰/۷٪ کارگران از خدمات خانه بهداشت کارگری کاملاً راضی، نسبتاً راضی و راضی بودند و تنها ۹/۳٪ افراد ناراضی بودند.

نتیجه گیری : با توجه به سطح بالای رضایتمندی ۹۰/۷٪ کارگران از خدمات خانه های بهداشت کارگری تقویت امکانات فعلی خانه های بهداشت کارگری و بهینه سازی آنها و رفع نواقص و کاستیهای موجود گامی موثر در جهت حفظ و ارتقاء سطح سلامت کارگران و در نهایت شکوفایی اقتصاد کشور می باشد.

واژگان کلیدی : رضایتمندی - خانه بهداشت کارگری - کارگر



ارزیابی شاخص استرس گرمایی WBGT در نانوایی های شهر گرگان

اسماعیل رادپور، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

تهران، ایران

محمد بهمن یار، کارشناس بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت گرگان، گلستان، ایران

کرامت اکرامی، کارشناس بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت گرگان، گلستان، ایران

مقدمه و هدف: استرس گرمایی یکی از مهمترین عوامل فیزیکی زیان آور در بسیاری از محیط های کاری در صنایع مختلف میباشد. در محیط های با استرس گرمایی بالا، اثر گرمایی محیطی و گرمای متابولیکی ایجاد شده در نتیجه فعالیت فرد با یکدیگر ترکیب شده و میتواند باعث ذخیره گرما در بدن شده و متعاقب آن دمای عمقی بدن از حد طبیعی خود فراتر رفته و ایجاد اثرات فیزیولوژیکی و در نتیجه ایجاد تنش گرمایی (Heat strain) نماید.

از جمله محیط هایی که دارای استرس گرمایی بالایی میباشد میتوان به نانوایی ها اشاره نمود که این امر به ماهیت مشاغل آن مرتبط است

مواد و روش ها: این مطالعه به روش توصیفی و مقطعی در ۶۰ نانوایی در گرمترین روزهای تابستان ۱۳۹۶ انجام پذیرفت. به منظور اندازه گیری استرس گرمایی از دستگاه WBGT متر مدل CHEKER استفاده شد. پارامترهای جوی دمای خشک، دمای تر طبیعی و دمای گویشان اندازه گیری شد. و بر اساس استاندارد ACGIH رژیم کار و استراحت بر مبنای متابولیسم کاری و شاخص استرس حرارتی تعیین گردید. در این مطالعه عواملی نظیر نوع نانوایی، نوع تهویه، فضای نانوایی ها مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج اندازه گیریها نشان داد که میانگین شاخص WBGT در نانوایی های لواش ماشینی ۳۱٫۷ سانتیگراد و میانگین شاخص WBGT در نانوایی های بربری ۳۴٫۲ درجه سانتیگراد بود، که به صورت معناداری شاخص گرمایی WBGT در نانوایی های بربری بیشتر از نانوایی های لواش ماشینی می باشد. رژیم کار و استراحت برای کارگران ۷۵ درصد کار و ۲۵ درصد استراحت تعیین گردید.

نتیجه گیری: با توجه به میانگین مقادیر شاخص WBGT در نانوایی های مورد مطالعه در مقایسه با حد مجاز، اغلب نانوایی های مورد بررسی شرایط کار برای کارگرانی که در مقابل تنور مشغول فعالیت هستند در محدوده غیر مجاز بوده و لزوم کنترل های فنی و مدیریتی برای کاهش استرس گرمایی تاکید میگردد.

واژگان کلیدی: استرس گرمایی، شاخص WBGT، نانوایی



ارزیابی ابعاد آنتروپومتری سالمندان زن شهر تبریز به منظور طراحی های ارگونومیک جامع نگر

مریم خسروی فر، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

مائده حسین زاده، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

اعظم ملکی قهرخی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

زمینه و هدف: طراحی فراگیر به معنی درک تنوع جامعه کاربری در اخذ تصمیمات مربوط به توسعه محصولات در جهت برآورده ساختن نیازهای تعداد بیشتری از کاربران صرف نظر از سن و توانایی آنها است. قرن ۲۱ با توجه به پیش رفتن جمعیت دنیا به سمت سالمندی، قرن سالمندی نامیده شده است. هدف از این مطالعه، اندازه گیری ابعاد آنتروپومتری سالمندان زن شهر تبریز در جهت ارائه ی دسته بندی افراد به منظور استفاده در ساینز بندی طراحی ها و محصولات و در نهایت پیش رفتن به سوی طراحی فراگیر (جامع نگر) بود.

مواد و روش ها: افراد شرکت کننده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، زنان سالمند شهر تبریز (حداقل سن ۶۰ سال) بودند که به شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. تعداد نمونه ۷۷ نفر تعیین شد و اندازه گیری ها به روش آنتروپومتری سنتی در مراکز سالمندی انجام گرفت. وزن، قد، ده بعد طولی نشسته، سه بعد طولی ایستاده و دو بعد عرضی طبق استانداردهای تعریف شده اندازه گیری شدند. از روش های آماری توصیفی و تحلیلی (تحلیل خوشه ای یا Cluster Analysis) با استفاده از نرم افزار Minitab 17 جهت تحلیل نتایج استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه، ۵۵/۸ درصد زنان سالمند مورد بررسی در بازه سنی ۶۹-۶۰ سال، ۳۵ درصد در بازه سنی ۷۹-۷۰ و بقیه برابر یا بیشتر از ۸۰ سال بودند. بر اساس سطح تشابه ۳۵/۹ در آزمون تحلیل خوشه ای، چهار خوشه بدست آمد که در خوشه ی اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۱۱ (۱۴/۲٪)، ۳۴ (۴۴/۲٪)، ۲۲ (۲۸/۶٪) و ۱۰ (۱۳٪) نفر قرار گرفتند.

نتیجه گیری: در این مطالعه به جای رویکردهای سنتی و استخراج صدک از داده های آنتروپومتری که به در نظر نگرفتن حدود نهایی می انجامد، تحلیل خوشه ای انجام شد که از نتایج آن می توان در طراحی های فراگیر یا جامع نگر با هدف در نظر گرفتن همه ی افراد در طراحی استفاده کرد. از یافته های این چنین مطالعات می توان در طراحی های ارگونومیک با در نظر گرفتن ساینز بندی های متعدد در محصولات برای سالمندان و همچنین دیگر قشرهای جامعه استفاده کرد. اجرای پژوهش های وسیع تر، محاسبه ی ابعاد تجهیزات و فضاهای مورد استفاده سالمندان و شناسایی عدم تطابق ها با ابعاد آنتروپومتری آنان و اجرای مداخله از پیشنهادات مطالعه حاضر است.

واژگان کلیدی: آنتروپومتری، سالمندان، طراحی فراگیر



ارزیابی و مدیریت ریسک فرآیندهای بخش اورژانس بیمارستان الزهراء کرمان با استفاده از تکنیک FMEA

سامان دستاران، هیرو کاله

مقدمه: احتمال وقوع خطاهای پزشکی در بخش اورژانس هر بیمارستان از سایر بخش های آن بیشتر است و به همین دلیل آن را جزو بخش های با ریسک بالا محسوب می نمایند. تکنیک تجزیه و تحلیل حالات و اثرات خطا (FMEA) روشی است که برای شناسایی، ارزیابی و کنترل خطاهای بالقوه در سیستم ها و سازمان های ارائه دهنده خدمات مورد استفاده قرار می گیرد. لذا این تحقیق با هدف ارزیابی و مدیریت ریسک فرآیندهای جاری در بخش اورژانس بیمارستان الزهراء کرمان انجام شد.

روش کار: در این پژوهش، ابتدا فرآیندهای با ریسک بالا شناسایی و نمودار آنها رسم گردید سپس از بین آنها ۶ فرآیند اصلی انتخاب شدند. پس از فهرست بندی حالات بالقوه ی خطا در هر یک از این فرآیندها عدد اولویت ریسک از حاصل ضرب سه پارامتر شدت، احتمال وقوع و قابلیت کشف خطاها محاسبه و اولویت کنترلی آنها مشخص گردید. در نهایت پیشنهادات اصلاحی برای کاهش ریسک های غیر قابل قبول ارائه گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که در بخش اورژانس این بیمارستان، خطاهای بالقوه در فرآیندهای ویزیت اولیه، ویزیت های بعدی، مراقبت و پرستار از بیمار، پانسمان و بخیه زخمها، تحویل دارو و انجام آزمایشات از سایر فرآیندها بیشتر است. همچنین از مجموع ۲۳ حالت خطای بالقوه شناسایی شده در فرآیندهای مذکور، ۱۳ خطا به عنوان خطاهای با ریسک غیر قابل قبول ($RPN > 180$) شناسایی شدند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده در این پژوهش، ۵۷٪ از کل خطاهای محتمل در فرآیندهای اصلی بخش اورژانس، خطاهایی با ریسک غیر قابل قبول می باشند، بنابراین لازم است بر اساس پیشنهادات ارائه شده اقدامات اصلاحی انجام و عملیاتی گردد.

واژه های کلیدی: مدیریت ریسک، تکنیک FMEA، فرآیندهای مراقبت اورژانسی، بخش اورژانس



بررسی ارتباط سطح سرب خون با میزان فشارخون در مواجهه شغلی کارگران با سرب: مروری سیستماتیک

سارا کاشکولی، دانشجوی کارشناسی رشته علوم تغذیه، عضو مرکزی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده

تغذیه و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

sa.kashkoli@gmail.com

زمینه و هدف: سرب از جمله فلزات سنگین مضر است که برای اهداف مختلف شغلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مواجهه با آن یک مشکل بهداشتی جهانی است. این عنصر، اثرات بالقوه خطرناکی در سلامت دارد اما ارتباط آن با فشارخون دقیقاً مشخص نشده است. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر قرار گرفتن در معرض سرب در کارگران بر میزان فشارخون در ایران و جهان است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه یک مرور نظام مند است که با جستجو در پایگاه داده‌های انگلیسی و فارسی، science direct, Scopus, PubMed, magiran, SID و موتور جستجوی Google Scholar انجام شد. در بررسی اولیه با جستجوی کلیدواژه‌های مناسب در ایران و جهان به دو زبان انگلیسی و فارسی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۲۰، ۶۴ مقاله یافت شد که از این میان تعداد ۲۲ مقاله که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند، مورد بررسی دقیق قرار گرفتند.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که در ۱۵ مطالعه انجام گرفته ارتباط معناداری بین فشارخون و مواجهه با سرب در کارگران وجود دارد که در ۱۴ مطالعه این ارتباط مثبت و تنها در یک مطالعه مواجهه با سرب باعث کاهش فشارخون گردید. در ۷ مطالعه دیگر ارتباط معناداری بین این دو مؤلفه مشاهده نشد. همچنین در ۴ مطالعه تنها فشار سیستولیک افزایش یافت و در فشار دیاستولیک تغییری ایجاد نشد. در یک مطالعه هم فشار سیستولی افزایش اما فشار دیاستولیک کاهش یافت. مطالعات نشان می‌دهد که مواجهه با سرب در کارگران در بلندمدت می‌تواند اثرات خود را بر سطح فشارخون نشان دهد و باعث افزایش سطح آلدوسترون سرم و فعالیت پلاسمایی رنین به‌عنوان پارامترهای مؤثر بر فشارخون می‌گردد.

نتیجه‌گیری: در مجموع بیشتر مطالعات حاکی از آن است که مواجهه با سرب بین کارگران حتی با وجود مقادیر کم در طولانی‌مدت باعث افزایش فشارخون می‌گردد، بنابراین اقدامات حفاظتی مؤثر برای کاهش مواجهه با سرب، در محل کار کارگران ضروری است. با توجه به اینکه موارد متناقض با این موضوع هم مشاهده شد، لزوم مطالعات بیشتر با کنترل دقیق و در نظر گرفتن عوامل مخدوش‌گر و زمینه‌ای توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: سرب، فشارخون، کارگران، شغل



بررسی استرس شغلی بازرسان بهداشت محیط و حرفه ای مرکز بهداشت بجنورد

حمیده ایزدی، کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، مرکز بهداشت بجنورد، ایران
Hamideh599_izadi@yahoo.com

امیر زیبائی، کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، مرکز بهداشت بجنورد، ایران

زمینه و هدف: استرس شغلی یکی از مهمترین مشکلات حرفه ای است که هزینه چشمگیری را به سازمان ها اعمال می کند به طوری که در کارکنان باعث کاهش بازده کاری، احساس خستگی و متعاقباً نارضایتی کارکنان می شود. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان استرس شغلی بازرسان بهداشت محیط و حرفه ای مرکز بهداشت بجنورد انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی، برای بازرسان بهداشت محیط و حرفه ای مرکز بهداشت شهرستان بجنورد انجام گردید. جهت تعیین استرس شغلی از پرسشنامه استرس شغلی OSIPOW و برای محاسبه آمار توصیفی از نرم افزار SPSS 16 و Excel: 2010 استفاده گردید.

نتایج: آزمون های ضریب همبستگی انجام شد از نظر آماری ارتباط معناداری بین استرس شغلی با متغیرهای تحصیلات، فعالیت ورزشی و نوع استخدامی مشاهده گردید ($p < 0/0.5$). بین متغیر استرس شغلی با متغیرهای جنس، سن، تاهل و سابقه شغلی ارتباط آماری معناداری دیده نشد ($p > 0/05$) همچنین درصد افراد از استرس کم، ۳۳/۳ درصد از استرس متوسط و ۶۱/۹ درصد کارکنان از استرس شدید، و تنها ۴/۷ درصد از استرس خیلی شدید برخوردارند.

نتیجه گیری: با توجه به اثرات زیان آور استرس شغلی در بازرسان بهداشت محیط و حرفه ای، با مدیریت و کنترل استرس شغلی از طریق شناسایی منابع و کنترل آنها، می توان به میزان قابل توجهی از میزان استرس در محیط های شغلی کاهش داد و بهره وری و تولید در محیط کار را افزایش داد.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، پرسشنامه استرس شغلی OSIPOW، بازرسان بهداشت محیط و حرفه ای



تأثیر صدا و ارتعاش بر عملکرد ذهنی انسان: یک مطالعه ی مروری

شبنم مصفايي، محمد امرايي

زمینه و هدف: امروزه مواجهه با صدا و ارتعاش به عنوان یکی از ریسک فاکتورهای شایع و از جمله پیامدهای مهم کاربرد ماشین آلات صنعتی بوده که بدنبال پیشرفت و گسترش تکنولوژی، ماشین آلات و تجهیزات مولد، روز به روز نرخ گسترش تولید صداها با فرکانس های متفاوت در حال افزایش است که با توجه به تأثیری که صداها و ارتعاشات صنعتی در بروز مشکلات و اختلالات جسمی و روانی از جمله احساس خستگی، کاهش راحتی و آسایش، اضطراب، کاهش کارایی و عملکرد، کاهش ایمنی افراد و اثرات احتمالی زیان آور بر عملکرد ذهنی و شناختی دارد، توجه پژوهشگران را به خود متمرکز کرده است این درحالی است که مطالعات پیرامون این موضوع صورت گرفته اند، لذا مطالعه مروری حاضر باهدف بررسی تأثیر صدا و ارتعاشات صنعتی بر عملکرد ذهنی انسان صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه مروری حاضر بر گرفته از مقالات مرتبط با موضوع در پایگاه داده های Pubmed، Science Direct، Elsevier، Scopus و موتور جست و جوی Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی صدا و ارتعاش، آلودگی صوتی، عملکرد ذهنی و معادل انگلیسی آنها، مقالات جستجو گردید. در نهایت از بین ۲۰ مقاله جستجو شده، ۱۰ مقاله اصیل طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ بر اساس معیارهای مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند. اصیل بودن، تازگی مقالات و تناسب با کلمات کلیدی از معیارهای گزینش مقالات بوده اند.

یافته ها: نتایج مطالعات مورد بررسی به طور کلی بر تأثیرگذاری آلودگی های صوتی و ارتعاشات بر بروز اختلالاتی در عملکرد ذهنی افراد، تمرکز داشتند به صورتی که در این مطالعات گزارش کردند که این آلودگی ها و ارتعاشات صوتی موجب عدم تمرکز در فرد و با تأثیری که بر روی مغز انسان میگذارد موجب بروز خستگی زودرس و بدنبال آن افزایش حساسیت ذهنی فرد میشود، این درحالی است که ارتعاشات حتی بر روی حافظه فرد اثر گذاشته و موجب طولانی شدن زمان پاسخ دهی افراد به محرک ها میگردند. هیچ یک از مقالات موارد نقضی در تأثیر صدا و ارتعاش بر عملکرد ذهنی انسان مطرح نکرده بودند.

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج مطالعات از تأثیر صدا و ارتعاش بر عملکرد ذهنی انسان پشتیبانی میکند، لذا با توجه به نقش آلودگی ها و ارتعاشات صوتی بر زمان پاسخ دهی افراد به محرک ها، عدم تمرکز و افزایش خستگی زودرس، نیازمند ارائه راهکارهای مدیریت اصولی آلودگی های صوتی و افزایش آگاهی و اطلاع رسانی در جهت کاهش رویارویی با اثرات زیان بار آلودگی ها و ارتعاشات صوتی موجود در محیط های زندگی هستیم.

کلمات کلیدی: صدا و ارتعاش، آلودگی صوتی، عملکرد ذهنی



شناسایی و ارزیابی ریسک های ایمنی سالن مسوار در یکی از صنایع فولادی به روش JSA

مریم مرادنژاد، کارشناس بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت جنوب تهران، تهران

مریم فرجی، دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

دامنه و هدف: آنالیز ایمنی شغلی یکی از روش های مدیریت ایمنی است که برای تعریف و کنترل خطرات بکار می رود. از آنجاییکه صنایع فلزی از جمله صناعی با ریسک بالای خطرات است، لذا آنالیز حوادث این گونه صنایع می تواند در شناسایی و کاهش خطرات و آسیب های ناشی از آنها و همچنین بهره وری بیشتر موثر باشد، به همین منظور مطالعه ای در راستای شناسایی و ارزیابی ریسک های ایمنی سالن مسوار در یکی از صنایع فلزی به روش JSA انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی می باشد که ابتدا یک تیم حرفه ای JSA جهت شناسایی خطرات مربوط به هر فرآیند تشکیل داده شد سپس نمره ایمنی و سطح ریسک بر اساس شدت و احتمال ریسک بدست آورده شد و اقدامات لازم در جهت حذف، کنترل و یا کاهش هر خطر ارائه گردید.

یافته ها: براساس نتایج حاصله از این مطالعه ۶ وظیفه کاری اسید شویی، کشش، آبکاری، بسته بندی، کرتون کردن و استرچ موجود در واحد مسوار، در مجموع ۱۲۹ خطر شناسایی شد که پس از آنالیز خطرات و ارزیابی ریسک آنها، ۴۴ درصد از خطرات شناسایی شده در سطح غیر قابل قبول، ۳۴ درصد از خطرات در سطح متوسط و ۲۲ درصد از خطرات در سطح قابل قبول قرار گرفته اند.

نتیجه گیری: با توجه به بالا بودن درصد خطرات شناسایی شده در سطح غیر قابل قبول لذا ضروری است که اقدامات کنترلی در خصوص کاهش سطح ریسک های موجود در سالن مسوار انجام شود.

کلیدواژه ها: ارزیابی ریسک، روش JSA، صنایع فلزی



وزن دهی عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی - عضلانی اپراتورهای رایانه ای دانشگاه علوم پزشکی کرمان به روش شبکه عصبی در زمستان ۱۳۹۶

حسین الهی شیروان، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

مینا رستمی، دانشجوی کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

علی افراز، دانشجوی دکتری تخصصی انفورماتیک پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

مرتضی جهانی، کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مخلص باطنی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

زمینه و هدف: در ۲۰ سال اخیر رایانه ها و ایستگاه های کاری آن ها به طور رایج هم در محیط های کاری و هم در منازل مسکونی افزایش پیدا کرده است که باعث تسریع در انجام کارها و صرفه جویی در زمان، انرژی و منابع شده است. این روند افزایشی کار با رایانه و نوع محیط های کاری، با ریسک فاکتورهای اختلالات اسکلتی عضلانی از قبیل پوسچر نامطلوب یا بحرانی، نشستن های طولانی مدت در وضعیت استاتیک، پوسچرهای غیرطبیعی و طولانی مدت کمر، وظایف تکراری، افزایش فعالیت های ماهیچه ای پشت و شانه ها مرتبط است که این اختلالات با روش ROSA ارزیابی می شوند. روش ROSA چک لیستی بر پایه نمودار است که به منظور محاسبه سریع کمیتهای مواجهه کارگران با ریسک فاکتورهای محیط های کاری اداری ایجاد شد.

مواد و روش ها: این مطالعه در ۷ مرحله کلی بر روی کارکنان این دانشگاه انجام شد که عبارتند از: (۱) انتخاب متغیرها و عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی کاربران رایانه (۲) محاسبه عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی (۳) محاسبه نمره نهایی اختلال اسکلتی-عضلانی کار با رایانه (۴) پیش پردازش داده ها (۵) استفاده از الگوریتم ماشین بردار پشتیبان برای اولویت بندی و وزن دهی عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی (۶) محاسبه دقت الگوریتم شبکه عصبی (۷) تفسیر داده ها

نتایج: میانگین نمره نهایی ROSA، صندلی، تلفن-مانیتور و موس-کیبورد به ترتیب برابر $1/09 \pm 3/67$ ، $1/06 \pm 4/36$ و $0/91 \pm 4/36$ ، نمره های کمتر از ۵ و ۶۹ ایستگاه (۳۴/۵٪) نمره ای برابر و بالاتر از ۵ دارند. همچنین عامل صندلی با وزن نرمال شده ۳۷٪، عامل تلفن-مانیتور با وزن نرمال شده ۳۴٪ و نهایتاً موس-کیبورد با وزن نرمال شده ۲۹٪ به ترتیب عوامل مؤثر بر اختلالات کار با رایانه است.

نتیجه گیری: با انجام روش ارزیابی سریع تنش اداری می توان به ماهیت و تأثیر هر یک از اختلالات اسکلتی-عضلانی کاربران پی برد و مداخلات ارگونومیکی باید با توجه به مقدار اثر عوامل (وزن نرمال شده عوامل) کاهش یابند.

واژگان کلیدی: وزن دهی، اختلالات اسکلتی-عضلانی، ROSA، ماشین بردار پشتیبان



وزن دهی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی - عضلانی اپراتورهای رایانه ای با الگوریتم ماشین بردار پشتیبان در یکی از دانشگاه های علوم پزشکی ایران در زمستان ۱۳۹۶

حسین الهی شیروان، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

مینا رستمی، دانشجوی کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

علی افراز، دانشجوی دکتری تخصصی انفورماتیک پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

مرتضی جهانی، کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مخلص باطنی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

زمینه و هدف: در ۲۰ سال اخیر رایانه ها و ایستگاه های کاری آن ها به طور رایج هم در محیط های کاری و هم در منازل مسکونی افزایش پیدا کرده است که باعث تسریع در انجام کارها و صرفه جویی در زمان، انرژی و منابع شده است. این روند افزایشی کار با رایانه و نوع محیط های کاری، با ریسک فاکتورهای اختلالات اسکلتی عضلانی از قبیل پوسچر نامطلوب یا بحرانی، نشستن های طولانی مدت در وضعیت استاتیک، پوسچرهای غیرطبیعی و طولانی مدت کمر، وظایف تکراری، افزایش فعالیت های ماهیچه ای پشت و شانه ها مرتبط است که این اختلالات با روش ROSA ارزیابی می شوند. روش ROSA چک لیستی بر پایه نمودار است که به منظور محاسبه سریع کمیت های مواجهه کارگران با ریسک فاکتورهای محیط های کار اداری ایجاد شد.

مواد و روش ها: این مطالعه در ۷ مرحله کلی بر روی کارکنان این دانشگاه انجام شد که عبارتند از: (۱) انتخاب متغیرها و عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی کاربران رایانه (۲) محاسبه عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی (۳) محاسبه نمره نهایی اختلال اسکلتی-عضلانی کار با رایانه (۴) پیش پردازش داده ها (۵) استفاده از الگوریتم ماشین بردار پشتیبان برای اولویت بندی و وزن دهی عوامل مؤثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی (۶) محاسبه دقت الگوریتم شبکه عصبی (۷) تفسیر داده ها

نتایج: میانگین نمره نهایی ROSA، صندلی، تلفن-مانیتور و موس-کیبورد به ترتیب برابر $3/91 \pm 4/36$ ، $1/06 \pm 3/67$ ، $1/09 \pm 3/68$ و $1/18 \pm 3/66$ به دست آمد. ۱۳۱ ایستگاه کار ($5/65$ ٪) نمره ای کمتر از ۵ و ۶۹ ایستگاه ($5/34$ ٪) نمره ای برابر و بالاتر از ۵ دارند. همچنین عامل صندلی با وزن نرمال شده ۳۷٪، عامل تلفن-مانیتور با وزن نرمال شده ۳۴٪ و نهایتاً موس-کیبورد با وزن نرمال شده ۲۹٪ به ترتیب عوامل مؤثر بر اختلالات کار با رایانه است.

نتیجه گیری: با انجام روش ارزیابی سریع تنش اداری می توان به ماهیت و تأثیر هر یک از اختلالات اسکلتی-عضلانی کاربران پی برد و مداخلات ارگونومیکی باید با توجه به مقدار اثر عوامل (وزن نرمال شده عوامل) کاهش یابند.

واژگان کلیدی: وزن دهی، اختلالات اسکلتی-عضلانی، ROSA، ماشین بردار پشتیبان



ارزیابی ارگونومیکی وضعیت‌های کاری دانشجویان دانشکده دندان‌پزشکی قزوین در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به روش ارزیابی سریع تمامی اندام‌های بدن (REBA)

حانیه عبدی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده بهداشت، قزوین،
ایران

سهیلا اسمعیلی، دکتری تخصصی مدیریت دولتی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: در حرفه دندان‌پزشکی، ناراحتی‌های اسکلتی-عضلانی از جمله ناراحتی‌هایی است که بیشتر دندان‌پزشکان در دوره‌هایی از کار خود آن را تجربه می‌کنند. وضعیت‌ها و حالت‌های استاتیک و دینامیک طولانی مدت، انجام حرکات تکراری، قرار گرفتن در یک وضعیت نامناسب به مدت طولانی و سن، از جمله عوامل ایجاد این ناراحتی‌ها هستند، ولی دندان‌پزشکان شناخت دقیقی از نقش عوامل ارگونومیک در سلامت سیستم اسکلتی-عضلانی ندارند. پیشگیری از این مشکلات مستلزم ارزیابی و اصلاح وضعیت‌های کاری دانشجویان می‌باشد. هدف از این مطالعه، ارزیابی ارگونومیکی وضعیت انجام کار دانشجویان دندان‌پزشکی با روش Rapid Entire Body Assessment (REBA) در دانشکده دندان‌پزشکی قزوین و ارتباط آن با شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: وضعیت کاری ۶۰ نفر از دانشجویان رشته دندان‌پزشکی با مشاهده مستقیم محقق به مدت ۱۰ دقیقه بررسی شد و اطلاعات ثبت گردید. فاکتورهای ارگونومی محیطی نیز با استفاده از دستگاه‌های مربوطه ارزیابی شد. داده‌ها به صورت درصد فراوانی نسبی و میانگین گزارش گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون آماری مجذور کای، مورد تحلیل قرار گرفت. ($\alpha=0/05$)

نتایج: یافته‌ها نشان داد که ۷۵٪ دانشجویان دارای امتیاز ۳ (نمره REBA بین ۴-۷) و در سطح خطر متوسط (اقدام‌های ضروری) و ۲۵٪ دارای امتیاز ۴ (نمره REBA بین ۸-۱۰) و در سطح خطر بالا (اقدام‌های ضروری هرچه زودتر) قرار داشتند. نوع وظیفه‌کاری دانشجو نیز در میزان خطر ارگونومی تاثیرگذار بود؛ به‌طوری که وضعیت دانشجویانی که مشغول به فایلینگ (filing)، جراحی، اندو و اطفال بودند در سطح خطر بالاتری قرار داشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به سطح خطر متوسط و بالا افراد مورد مطالعه، دانشجویان نیازمند آموزش مداخله‌ای ارگونومیکی می‌باشند و وضعیت‌های کاری آن‌ها نیاز به اصلاح دارد.

واژگان کلیدی: دندان‌پزشکی، REBA، اختلالات اسکلتی-عضلانی، ارگونومی



استفاده از پسماندهای کاتالیستی در صنعت تولید سیمان به عنوان مواد افزودنی با خاصیت پوزولانی-مروری بر مطالعات

رویا نوروزی؛ کارشناسی ارشد مهندسی عمران – محیط زیست، دانشکده محیط زیست کرج، ایران

زمینه و هدف: امروزه با رشد تکنولوژی و استفاده زیاد از مواد شیمیایی، پسماند تولید شده نیز افزایش یافته است و پسماندهای خطرناک نیز از این قاعده مستثنی نمی باشند. در این میان توجه به مدیریت پسماندهای صنایع نفت و پتروشیمی به دلیل وجود ترکیبات سمی و خطرناک در پسماندهای صنعتی تولید شده، در جهت کاهش مخاطرات زیست محیطی از اهمیت بالایی برخوردار است (۱).

مواد و روش‌ها: در این مطالعه با مرور مقالات پایگاه‌های علمی داده در زمینه پسماندهای تولیدی در صنایع شیمیایی و به طور ویژه در صنایع نفت و پتروشیمی، نسبت به تبیین پسماندهای کاتالیستی جامد و عناصر تشکیل دهنده آن اقدام گردید. همچنین اثرات پسماندهای کاتالیستی بر روی سیمان پرتلند و بتن در مطالعات انجام شده نیز مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: مرور مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که از بین پسماندهای جامد تولیدی، کاتالیست‌های مستعمل بیشترین مقدار حجم تولیدی را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که پسماندهای کاتالیستی FCC عمدتاً از سیلیکات‌ها و آلومین‌ها تشکیل شده‌اند و دارای خواص پوزولانی بالایی می‌باشند. همچنین آمیختن این مواد در ملات‌های سیمان پرتلند و بتن نه تنها اثری منفی بر ویژگی‌های مکانیکی و دوام آنها ندارد؛ بلکه این خصوصیات رفتاری در آنها را نیز بهبود می‌بخشد و علاوه بر آن دارای تاثیر مثبت زیست محیطی بوده و مشکل دفن این پسماندها را حل می‌کند.

نتیجه‌گیری: با توجه به تحقیقات انجام گرفته شده در کشورهای مختلف، یکی از رویکردهای اساسی در مدیریت این پسماندها استفاده مجدد در صنایع و فرآیندهای مختلف همچون صنعت تولید سیمان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: پسماندهای کاتالیستی، صنعت تولید سیمان، سیمان پرتلند



بررسی تراکم آلاینده های هوا در فرودگاه بین المللی مهر آباد

انوشیروان محسنی بندپی؛ استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

عباس شاهسونی؛ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مهدیه یعقوبی؛ کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

mahdieh.yaghoobi@yahoo.com

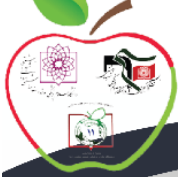
زمینه و هدف: صنعت هوانوردی از عوامل مهم در انتشار آلاینده های زیست محیطی و گازهای گلخانه ای می باشد. فرودگاه بین المللی مهرآباد تهران با توجه به موقعیت توپوگرافیک شهر تهران و معضل آلودگی هوا از این قضیه مستثنی نیست. با توجه به پیامدهای آلودگی هوا به ویژه اثرات بهداشتی آن بر مسافری و کارکنان فرودگاه، این پژوهش با هدف بررسی تراکم آلاینده های معیار در فرودگاه انجام پذیرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت مقطعی و از نوع توصیفی _ تحلیلی است که در فاصله زمانی یک ماه به صورت ۳ روز در میان در فصل زمستان با توجه به حداکثر و حداقل تعداد پروازها در دو نوبت صبح و عصر انجام پذیرفت. برای سنجش آلاینده های O_3 , SO_2 , CO , NO_2 از دستگاه Aeroqual 500 استفاده گردید و همچنین تاثیر پارامترهای هواشناسی مانند دما، رطوبت نسبی و سرعت باد بر روی انتشار آنها ارزیابی شد.

نتایج: نتایج نشان داد که بیشترین میانگین غلظت آلاینده ها مربوط به NO_2 , SO_2 در باند فرودگاه و در زمان پیک LTO می باشد. میزان O_3 در نوبت عصر با میانگین غلظت $14/4$ ppm نسبت به نوبت صبح با میانگین غلظت $9/85$ ppm بیشتر است. کم ترین میزان غلظت آلاینده ها در باند فرودگاه مربوط به CO با میانگین غلظت $3/32$ ppm می باشد. میانگین غلظت تمام آلاینده های مورد سنجش در سالن انتظار مسافری در نوبت صبح بیشتر از نوبت عصر است.

نتیجه گیری: میانگین غلظت آلاینده های SO_2 , NO_2 , O_3 در نوبت صبح و عصر در باند فعال و سالن انتظار مسافری از استاندارد WHO بیشتر است و با استاندارد EPA مطابقت دارد. نتایج نشان داد که میزان تاثیر رطوبت، سرعت باد و دما بر انتشار تمامی آلاینده ها به استثنای ازن دارای رابطه معنی داری است. بر اساس ضریب رگرسیون پارامتر دما و رطوبت برای تمامی آلاینده ها دارای رابطه معکوس هستند. بر اساس نتایج بدست آمده رسیدگی به وضعیت بهداشت محیطی منطقه و سلامت مسافران و کارکنان فرودگاه مهرآباد امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد.

واژگان کلیدی: آلاینده های هوا، فرودگاه، سالن انتظار



بررسی تراکم ذرات معلق در سالن انتظار مسافری و باند فعال فرودگاه بین‌المللی مهرآباد

انوشیروان محسنی بندپی؛ استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی

عباس شاهسونی؛ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی

مهديه يعقوبي؛ کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی

زمینه و هدف: از مهم‌ترین آلاینده‌های منتشر شده بر اثر احتراق سوخت در موتور هواپیما، ذرات معلق هستند. بیماری‌هایی مانند عفونت بخش‌های فوقانی دستگاه تنفسی، اختلالات قلبی، برونشیت، تنگی نفس، پنومونیا، التهابات ریوی، تأثیرات سوء به قفسه صدری و تأثیر بر مکانیسم‌های دفاعی از عمده‌ترین عوارض ذرات معلق بر روی انسان می‌باشد. این مطالعه با توجه به مشخصات جغرافیایی فرودگاه مهرآباد و پیامدهای بسیار ناگوار ذرات معلق بر روی انسان و با هدف بررسی تراکم ذرات معلق در سالن انتظار مسافری و باند فعال فرودگاه مهرآباد انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به صورت مقطعی و از نوع توصیفی _ تحلیلی است که در فاصله زمانی یک ماه به صورت ۳ روز در میان در فصل زمستان با توجه به حداکثر و حداقل تعداد پروازها در دو نوبت صبح و عصر انجام پذیرفت. برای سنجش ذرات معلق از دستگاه MetOne استفاده گردید و همچنین تأثیر پارامترهای هواشناسی مانند دما، رطوبت نسبی و سرعت باد بر روی انتشار آنها ارزیابی شد.

نتایج: نتایج نشان داد که بیشترین میزان ذرات معلق مربوط به PM_{10} با میانگین غلظت $58/40$ میکروگرم در مترکعب در باند فرودگاه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: گرچه میزان تراکم ذرات معلق در بیشتر اندازه‌گیری‌ها با استاندارد WHO و EPA مطابقت دارد. ولی نتایج نشان داد که میزان تأثیر رطوبت و سرعت باد بر انتشار ذرات معلق دارای رابطه معنی‌داری است. بر اساس p_value بدست آمده پارامتر دما روی انتشار PM_{10} تأثیر معنی‌داری دارد.

واژگان کلیدی: ذرات معلق، فرودگاه، سالن انتظار، باند فعال



Estimating Methane Gas Generation Rate from Saqqez City Landfill Using LANDGEM Software

Shahram Sadeghi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran. Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Behzad Shahmoradi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Nammam Ali Azadi: Biostatistics department, School of public health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Bayan Hossienzadeh: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

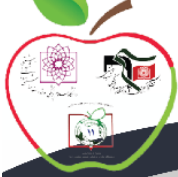
Background and Aim: One of the main components of biogas is methane which despite its harmful greenhouse effects, it is well known as a valuable fuel. One of the main resources of methane emissions is the waste disposals of landfill sites. The goal of this study was to estimate the volume of methane gases that can be released from the waste landfill of Saqqez city over a 20-year period, 2015-2034.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, initial information including the amount of generated waste, population size, and the characteristics of municipal solid waste landfill of Saqqez were collected. Initial population and population growth of Saqqez obtained from the 2012 national census were used to predict population for consecutive years. Methane emissions adjusted for population was estimated using LANDGEM.

Results: The amount of annual waste was estimated from 62050 to 108805 tons for 2015 to 2034 respectively. The potential methane emissions were estimated to be 32m³/h in 2016 and 2203m³/h by 2034

Conclusion: In summary, the results of this study can assist city managers with modelling methane emissions from landfills in order to make appropriate actions to control and manage methane emissions.

Keywords: Waste, Methane gas, Landfill, LANDGEM software, Saqqez



تأثیر مداخله آموزشی در بهبود وضعیت گندزدایی ابزار کار و کنترل عفونت در آرایشگاه های زنانه؛ یک مطالعه مروری

زینب غلامرضایی سرولات؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

رقیه محمدپور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

سیامک محبی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

زمینه و هدف: آرایشگاه ها یکی از مهمترین اماکن عمومی هستند که می توانند در انتقال بیماری های مختلفی مانند ایدز، هپاتیت B و C و عفونتهای باکتریایی، ویروسی، قارچی و بیماری های پوستی نقش بسزایی داشته باشند. بنابراین توجه به مسائل بهداشتی در آن ها قابل اهمیت است و در این میان گندزدایی ابزار کار نقش بسزایی در کنترل عفونت ایفا می کند. این مطالعه به منظور بررسی لزوم توجه به آموزش آرایشگران در خصوص نحوه ی صحیح گندزدایی ابزار کار انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر با استفاده از بانک های اطلاعاتی و موتورهای جست و جوی نظیر PubMed، Elsevier، SCOPUS، ProQuest، و واژه های کلیدی "گندزدایی"، "آرایشگاه" و "آموزش" انتخاب شدند. مقالات با طراحی های مقطعی، کوهورت، کارآزمایی بالینی و نیز مرور سیستماتیک می باشند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی MEDLIB، IRANMEDEX و نیز جست و جوی در سایت های مجلات علمی- پژوهشی داخلی انجام گرفت. بازه زمانی مقالات مورد استفاده از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۱۷ میلادی بود.

نتایج: بر اساس مطالعات انجام شده، بیشترین ماده گندزدای مورد استفاده جهت ابزار و محیط کار وایتکس و مواد سفیدکننده خانگی و برای ضدعفونی پوست و دست محلول های الکی می باشد. تناوب گندزدایی ابزار و محیط کار معمولاً به صورت هفتگی است و در موارد کمی به صورت روزانه انجام می شود. همچنین تعداد کمی از آرایشگاه ها مجهز به فور و اتوکلاو هستند. میزان آگاهی آرایشگران در مورد بیماری های شغلی در حد مطلوبی نمی باشد. تأثیرگذارترین عامل در افزایش آگاهی و عملکرد آرایشگران کلاس های آموزشی برگزار شده از سوی مراکز بهداشت بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به کمبود آگاهی آرایشگران در خصوص انواع گندزداها و استفاده از آنها، نیاز به افزایش سطح آگاهی از طریق برگزاری برنامه های آموزشی وجود دارد. همچنین آگاهی آرایشگران در مورد بیماری های ایدز و هپاتیت ب، پایین است بنابراین لازم است حتی المقدور خطرات احتمالی و راه های پیشگیری از این دو بیماری مهم را به این گروه آموزش دهند.

واژگان کلیدی: آموزش، گندزدایی، آرایشگاه

بررسی و مقایسه کیفی منابع زیرزمینی تأمین آب با استاندارد ۱۰۵۳ آب آشامیدنی در روستاهای خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵: مطالعه موردی روستاهای شهرستان مانه و سملقان

مانی رهنما؛ دانشجوی کارشناسی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
شهرام صادقی؛ مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.
محمد پارسا حاتمی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
عرفان پیرزاده؛ دانشجوی کارشناسی گروه مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر دانشگاه فناوری‌های نوین قوچان، قوچان، ایران.
احسان ابویی مهریزی؛ مربی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

زمینه و هدف: با توجه به اینکه بیشتر آب شرب از منابع سطحی و زیرزمینی تأمین می‌شود تعیین کیفیت فیزیکی و شیمیایی این منابع از عوامل موثر در حفظ سلامت و بهداشت جامعه به شمار می‌رود. در این پژوهش کیفیت منابع آب زیرزمینی تأمین آب شرب روستاهای شهرستان مانه سملقان مورد بررسی قرار گرفت و با استاندارد ۱۰۳۵ آب آشامیدنی مقایسه گردید.
مواد و روش‌ها: این مطالعه به صورت توصیفی-مقطعی انجام شد، کیفیت منابع آب زیر زمینی تأمین کننده آب شرب روستاهای مانه و سملقان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور نمونه‌ها به صورت یک بار در هر ماه طی شش ماه برداشت شدند و مقادیری نظیر سختی کل، قلیائیت، هدایت الکتریکی، کل جامدات محلول، فلوئور، نیتريت، نترات و کدورت اندازه‌گیری شدند و با استاندارد ۱۰۳۵ آب آشامیدنی مقایسه و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که غلظت بیشتر پارامترهای شیمیایی منابع زیرزمینی تأمین آب این روستاها در حد استاندارد ۱۰۵۳ آب آشامیدنی می‌باشند و برای استفاده آب شرب به لحاظ بهداشتی مانعی ندارد، اما غلظت کلر باقی مانده بسیار کمتر از استاندارد های متوسط کشوری است.

نتیجه‌گیری: آنالیز و بررسی مطالعه حاضر نشان می‌دهد که در حالت کلی کیفیت آب این روستاها نسبت به روستاهای همجوار در سطح پایین تری بوده، اما به لحاظ بهداشتی مشکلی ندارد.

واژگان کلیدی: کیفیت فیزیکی و شیمیایی، آب آشامیدنی، استاندارد ۱۰۵۳



Assessment of effects of education level and economic status on amount and kind of oil being used in sanandaj in 2018

Hamzeh Salehzadeh: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Shahram Sadeghi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Sumrand Nazazi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Mehrzaad Ebrahimzadeh: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Parisa Mozaffari: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Sona Ghaderi: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Background and Aim: Among various foods, cooking oils are important components of the diet which is used with most foods and cause many different diseases and its optimal use can prevent many of the most prevalent diseases. The factors influencing the combustion pattern of cooking oil can be found in the way of cooking, the knowledge of diseases caused by cooking oil usage, cooking oil prices, etc.

Materials and Methods: present study was a cross-sectional descriptive-analytic study which was conducted in the winter of 2018. The sample size was calculated using the formula for estimating sample size in a cross-sectional study with a confidence level of 95%, a 5% error rate and a prevalence of 50%, 400 cases. The variables evaluated include the type of oil consumed, the amount of oil consumed, the level of the head of household's education, the amount of the head of household income all of this factors was performed by interview and recorded in the questionnaire. Data were analyzed by SPSS software version 20.

Results: Totally 400 households were surveyed. The mean age of the mothers was 34.01 ± 5.85 (19 to 58 years). Households were classified in terms of educational level, economic status. The most frequency in the education of the head of household was the diploma with 32.5%. Moreover, Most households (56.75%) had a moderate income level. 52% of households used a combination of solid fats and liquid oils and the least amount of cooking oil used, was animal oil (1.75%).

Conclusion: It is advisable to lower the cost of low-risk and healthier oils such as olive oil and sesame oil, so that all households can use these oils.

Key words: Cooking, Oil, Households, Sanandaj



بررسی وضعیت ضدعفونی و انگل زدایی سبزیجات در خانوارهای شهرستان بابل در سال ۱۳۹۵

سمیه جعفریان؛ کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
زهرا آقارلی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

Email: z.aghalari@gmail.com

زمینه و هدف: سالم سازی و انگل زدایی صحیح سبزیجات از یک سو باعث کاهش بیماریهای انگلی و از سوی دیگر هزینه های درمان این عفونت ها را کاهش می دهد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت ضدعفونی و انگل زدایی سبزیجات در خانوارهای شهری و روستایی بابل انجام پذیرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی، از طریق پرسشنامه ۳۰ سوالی شامل مشخصات دموگرافیک، سوالاتی درباره محل تهیه سبزی، طریقه و مقدار مصرف سبزی در طول هفته، نوع مواد ضدعفونی کننده، روشهای ضدعفونی و مشکلات و عوارض در صورت عدم ضدعفونی سبزیجات انجام شد. نمونه گیری بصورت در دسترس و آسان میان ۱۰۰ نفر از زنان شهر و ۱۰۰ زن روستایی شهرستان بابل در سال ۱۳۹۵ انجام شد. داده های جمع آوری شده از طریق آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: ۷۲ درصد زنان روستایی و ۱۰ درصد زنان شهری محل تهیه سبزی را باغچه منزل خود بیان کردند. تمامی زنان شهری و روستایی سبزیجات را به هر دو شکل خام و پخته مصرف می کردند. ۶۹ درصد زنان روستایی و ۴۱ درصد زنان شهری بیان کردند که هفته ای دو بار سبزیجات خام مصرف می کنند. ۴۹ درصد زنان روستایی و ۷۳ درصد زنان شهری اذعان نمودند که مراحل شست و شوی سبزی را سه بار انجام می دهند. ۶۲ درصد زنان روستایی و ۹۱ درصد زنان شهری با مایع ظرفشویی، ۲۳ درصد زنان روستایی و ۳۱ درصد زنان شهری با سرکه و یا نمک ضدعفونی سبزی را انجام می دادند. آزمون های آماری نشان داد میان سطح تحصیلات و ضدعفونی کردن سبزیجات، و سطح تحصیلات و آگاهی از بیماریهای انگلی منتقله از سبزیجات ارتباط معنی داری وجود داشت ($p < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به طیف وسیع آلودگی انگلی منتقله از سبزیجات، می توان با آموزش و ترویج اصول صحیح ضدعفونی کردن سبزیجات در میان زنان به عنوان مدیران خانه، تا حد زیادی از بیماری های انگلی جلوگیری نمود.

واژگان کلیدی: سبزیجات، ضدعفونی، انگل زدایی



سنجش آگاهی دانشجویان علوم پزشکی در خصوص کاربرد فناوری های نانو

مرضیه نجار؛ کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

سمیه جعفریان؛ کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

زهرا آقالری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

Email: z.aghalari@gmail.com

زمینه و هدف : نانوتکنولوژی کاربردهایی در حوزه‌های تشخیص پزشکی، غذا، دارو، بیوتکنولوژی، محیط‌زیست، انرژی، شیمی، فیزیک دارد. از آنجا که شناخت فناوری‌های جدید برای دانشجویان به منظور کمک به تعالی و پیشرفت کشور ضروری است، لذا پژوهش حاضر با هدف سنجش آگاهی دانشجویان علوم پزشکی در خصوص کاربرد فناوری‌های نانو انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۵ میان ۱۰۰ نفر از دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری، بهداشت محیط، هوشبری و اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی بابل که بیش از یکسال از دوره تحصیلشان گذشته بود، انجام شد. نحوه نمونه‌گیری به صورت آسان و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته ۱۲ سوالی در رابطه با اطلاعات دموگرافیک، شنیدن کلمه نانو تکنولوژی یا فناوری‌های نانو، تعریفی در خصوص نانو، نام بردن مصادیق فناوری‌های نانو در میان وسایل روزمره زندگی، بیان مثال در خصوص کاربرد فناوری‌های نانو در علوم پزشکی، داروسازی، بهداشت، فیزیک و شیمی بود. اطلاعات بدست آمده از طریق آزمون های آماری t-test ، آنالیز واریانس و رگرسیون خطی و با سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج : ۵۶ درصد دانشجویان دختر، ۷۱ درصد در مقطع کارشناسی و ۴۷ درصد در سنین ۲۰ تا ۲۳ سال بودند. ۸۹ درصد دانشجویان واژه نانو را شنیده بودند، اما فقط ۳۱ درصد توانستند مصادیق نانو تکنولوژی را در وسایل زندگی نام ببرند. ۱۹ درصد کاربرد فناوری‌های نانو در علوم پزشکی را تولید دارو، وسایل آرایشی بهداشتی و تغییرات ژنی وساخت دستگاه های حساس آزمایشگاهی و ۲ درصد از دانشجویان بهداشت ساخت آفتکش های متناسب با طبیعت را نام بردند. بیشترین تعداد دانشجویان اذعان نمودند مهمترین منبع کسب اطلاعات در خصوص فناوری های نانو رسانه های دیداری و شنیداری هستند. ۲۲ درصد دانشجویان بیان کردند استفاده از فناوری‌های نانو علاوه بر پیشرفت در تکنولوژی ها، مخاطراتی برای سلامت انسان و محیط زیست محیط نیز دارند.

نتیجه گیری : از آنجا که حدود ۷۰ درصد دانشجویان مورد بررسی از فناوری های نانو اطلاعات مناسبی نداشتند، پیشنهاد می شود با قرار دادن واحدهای درسی در خصوص کاربرد فناوری های نانو در علوم پزشکی توجه اساتید و دانشجویان به علوم نوین معطوف گردد.

واژگان کلیدی: آگاهی، فناوری نانو، دانشجویان علوم پزشکی



Dehydration crisis treatment with virtual and gray water

Zahra Aghalari: MSc Student in Environmental Health, Student Research Committee, School of Public Health, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Somayeh Jafarian: Environmental Health Engineering, Deputy of Health, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

Email: z.aghalari@gmail.com

Background and Aim: Virtual water and gray water are two categories of water resources that people are less aware and ignore. Therefore, the present study aimed to identify virtual and gray water as a solution to water scarcity in world.

Materials and Methods: This research is a review study using the resources of Latin and Persian from print materials to Internet resources and search related articles in the magiran, Google Scholar, Pubmed, Iranmedex, SID citation databases. The keywords used are virtual water, gray water, water footprints and water crisis. A total of 20 articles were found that after reviewing the abstract articles and removing unrelated articles, eight papers were used in this study.

Results: The review of the papers showed that virtual water was used as the main part of water consumed during the production process. The virtual water quantity of each product or product varies according to the climatic and cultural conditions, the place of production, management, and planning during its production process, for example, the virtual water of one kilogram of wheat in Iran and a European country are different. Gray water for recycled water or household wastewater is referred to as waste water from daily routine operations, which can be used for irrigation of green spaces and toilet siphons and garden washings. The evaluated articles showed that in Iran, the use of this type of water has not yet been implemented, while in many European and American countries, these resources are used to the maximum.

Conclusion: In general, paying attention to virtual water and preventing its exit from the country and exploitation of gray water can help the country in addition to environmental benefits. It is therefore advisable to counteract the depression of the water by informing the various strata of the community and those responsible for virtual water and technologies benefiting from gray water.

Keywords: *Virtual water, gray water, dehydration crisis*

بررسی حذف فوتوکاتالیستی مواد رنگزای آلی با استفاده از نانوکاتالیست ها

صبا رحمتی کله سرایی؛ موسسه سلامت مشکین شهر، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

رضا مهدوی؛ گروه مهندسی شیمی، دانشکده فنی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

سهیلا مولایی؛ موسسه سلامت مشکین شهر، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

مهسا غریبی اصل؛ موسسه سلامت مشکین شهر، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

زمینه و هدف: پساب های حاصل از صنایع دارویی و بهداشتی به دلیل اینکه حاوی آلاینده های آلی مانند مواد رنگزا هستند برای محیط زیست و سلامت عمومی خطرناک هستند. فرآیندهای فوتوکاتالیستی یک تکنولوژی و روش جدید برای از بین بردن آلودگی های زیستی می باشند و استفاده از فناوری نانو در این زمینه به طور چشم گیری در حال افزایش است. نانوکاتالیست ها در بسیاری از زمینه های مختلف، از صنعت تا حوزه سلامت و بهداشت کاربرد یافته اند و این روند در حال گسترش است این امر باعث شد که ویژگی نانوذرات را در فرایند فوتوکاتالیستی که یکی از زمینه های نوین و رو به رشد است، مرور و بررسی کنیم.

مواد و روش ها: در این مطالعه تاثیر نانوذرات تیتانیوم دی اکسید (TiO_2)، اکسیدروی (ZnO) و اکسید مس (CuO) در تخریب نوری مواد رنگزا و سمی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. نمونه های رنگ در غلظت های مختلف تهیه و وارد یک راکتور فوتوکاتالیستی دارای لامپ فرابنفش (UV) شدند. کارایی حذف رنگدانه ها در شرایط مختلف توسط نانوذرات و با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر UV-VIS مشخص گردید.

نتایج: نانوذرات TiO_2 معروف ترین جاذب اکسید فلزی به دلیل پایداری شیمیایی و سازگاری با محیط زیست راندمان تخریب بالاتری نسبت به سایر ذرات دارد اما فراوری دشوار، هزینه بالای تولید و وارداتی بودن استفاده از آن را با محدودیت مواجه کرده است. بنابراین انتخاب جایگزین مناسب در عین حال با همان مقدار کیفیت و حتی بالاتر به شدت احساس می شود. مطالعات نشان داد حضور عوامل اصلاح کننده در نانوذرات ZnO باعث بهبود چشم گیری در فرایند تخریب خواهد شد.

نتیجه گیری: نتایج این تحقیق نشان داد که روش فوتوکاتالیستی با بهینه سازی عوامل عملیاتی موثر، کارایی مناسبی در رنگبری مواد رنگزا دارد و می توان در مقیاس های بزرگ تر انجام داد. اندازه بسیار کوچک، سطح فعال بالا و گزینش پذیری عالی در نانوکاتالیست ها باعث افزایش سرعت و بازده واکنش می شود.

واژگان کلیدی: نانوذرات، فوتوکاتالیست، آلاینده، نانوکاتالیست، رنگزا

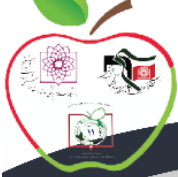
سنتز سبز نانوذرات نقره با استفاده از عصاره آبی ریشه گیاه زرشک (*Berberis vulgaris*) و بررسی خواص ضد میکروبی آن

محمودرضا بهروان

زمینه و هدف : امروزه تولید نانوذرات نقره به روش های شیمیایی مختلفی انجام می گیرد که دارای معایبی از جمله عدم پایداری محلول و نیازمند تجهیزات پیشرفته برای تولید است. به همین دلیل محققان به سیستم های سبز تولید نانوذرات، که دارای حداقل خطرات زیست محیطی بوده و روش های تولید ساده دارند، روی آورده اند. خاصیت ضد میکروبی نقره به مقدار نقره و میزان نقره آزاد شده وابسته است. نقره در حالت فلزی بی اثر است اما با رطوبت در پوست و مایع زخم واکنش نشان می دهد و یونیزه می شود. این مطالعه با هدف سنتز سبز از نمک نیترات نقره با استفاده از عصاره آبی ریشه گیاه زرشک با هدف گسترش شیمی سبز سنتز و شناسایی شد.

مواد و روش ها : در این مطالعه، سه پارامتر غلظت نمک نیترات نقره، حجم عصاره آبی گیاه و زمان بر تشکیل نانوذرات نقره مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استفاده از آزمونهای دیسک دیفیوژن و MIC فعالیت ضد میکروبی نانوذرات سنتز شده بر روی یک باکتری گرم منفی (*Escherichia coli*) و یک باکتری گرم مثبت (*Staphylococcus aureus*) مورد بررسی قرار گرفت. **نتایج :** تشخیص اولیه تشکیل نانوذرات با مشاهده چشمی تغییر رنگ محلولهای واکنش انجام شد. در ادامه نتایج این آزمونها نشان داد که نانوذرات نقره سنتز شده توسط برگ گیاه زرشک دارای خاصیت آنتی باکتریال می باشند. هاله ایجاد شده در اطراف دیسکها (در آزمون دیسک دیفیوژن) نشان دهنده اثر ضد میکروبی نانوذرات سنتز شده بود. همچنین با استفاده از آزمون MIC ، کمترین غلظت مهاری نانوذرات بر روی دو باکتری *S. aureus* و *E. coli* مشخص شد. **نتیجه گیری :** نتایج این آزمون ها نشان داد که نانوذرات نقره سنتز شده دارای خاصیت آنتی باکتریال می باشند و می تواند به منظور کاربردهای دارویی و ضد میکروبی استفاده شود.

واژگان کلیدی : شیمی سبز، نانوذرات نقره، فعالیت ضد میکروبی، *Berberis vulgaris* MIC



ارزیابی وضعیت مدیریت پسماند و ارتقای آن در بیمارستان شهید مطهری ذوب آهن اصفهان در طی سال های ۹۶-۱۳۹۵

دکتر علیرضا آجدانی؛ رئیس بیمارستان

دکتر مهرداد قدیری؛ معاون بیمارستان

مهندس مجتبی قدمی؛ مسئول بهداشت بیمارستان

صفورا حیدری؛ مسئول بهبود کیفیت بیمارستان شهید مطهری ذوب آهن اصفهان

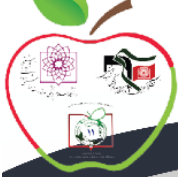
زمینه و هدف : مدیریت و برنامه ریزی نامناسب در خصوص پسماندهای بیمارستانی سبب تولید میزان قابل توجهی از انواع پسماندهای مضر گشته که کنترل آن می تواند منجر به کاهش آلاینده های زیست محیطی و حذف هزینه های هنگفت گردد. به همین منظور مطالعه حاضر با هدف ارزیابی وضعیت مدیریت انواع پسماند در بیمارستان و ارائه راهکارهای اجرایی و بهبود آن انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه-توصیفی مداخله ای در بیمارستان شهید مطهری ذوب آهن اصفهان در سال های ۹۵-۱۳۹۶ طی سه فاز انجام گرفت. در فاز اول پسماندهای تولیدی بیمارستان در چهار دسته اصلی عادی، عفونی، تیز و برنده و شیمیایی دارویی و به تفکیک ۱۷ بخش محل تولید توزین و در فرم مربوطه به صورت روزانه ثبت گردید. در فاز دوم وضعیت موجود با استانداردهای کشوری و بین المللی مورد مقایسه قرار گرفت و با توجه به آنالیز شرایط موجود، برنامه عملیاتی به منظور ارتقای وضعیت موجود تدوین و در کمیته بهداشت محیط بیمارستان مصوب و اجرا شد. در فاز سوم پسماندهای بیمارستانی مجدداً مشابه فاز اول توزین گردیده و داده ها با دوره قبلی مقایسه شد.

نتایج : در بیمارستان مورد مطالعه در بررسی اولیه قبل از ارتقاء میانگین پسماندهای تولیدی به ازای هر تخت $4/74 \text{ kg/day}$ بود و در بررسی مجدد پس از اجرای برنامه های عملیاتی به $4/1 \text{ kg/day}$ کاهش یافت. در واقع نتایج نشان داد که میانگین کل پسماندهای تولیدی به میزان ۱۳/۵ درصد، پسماندهای عادی به میزان ۱۷/۸ درصد، پسماندهای پزشکی به میزان ۷/۳ درصد، پسماندهای عفونی به میزان ۱۷ درصد و پسماندهای شیمیایی دارویی پس از ارتقاء به میزان ۶/۲۶ درصد بهبود یافته است. همچنین پسماندهای تیز و برنده به میزان ۲۸ درصد افزایش پیدا کرده است.

نتیجه گیری : علی رغم موفقیت بیمارستان مورد مطالعه در اجرای برنامه عملیاتی مدیریت پسماند و کاهش وزن پسماندهای پزشکی و بهبود چشمگیر میزان کل پسماندهای بیمارستانی، مقایسه این شاخص با دیگر بیمارستان ها مخصوصاً بیمارستان های خارج از کشور نشان می دهد که این ظرفیت وجود دارد که با مدیریت بهینه پسماندها این شاخص را حتی تا بیش از ۵۰ درصد کاهش داد.

واژگان کلیدی : مدیریت پسماند، پسماندهای پزشکی، بیمارستان



بررسی آلودگی میکروبی مواد غذایی در سطح عرضه شهرستان دشتستان در سال

۹۶

سیده فاطمه حسینی، سید محمود مهدیان، طیبه سبحانی، زینب ارجمندی، زهرا همتی

زمینه و هدف: مصرف غذا امکان انتقال بسیاری از پاتوژن‌ها (باکتری‌ها، ویروس‌ها و انگل‌ها) را به بدن انسان فراهم می‌سازد. تعداد کلی باکتری‌ها در مواد غذایی نشان‌گر آلودگی ثانویه یا نقص در مراحل تولید، نگهداری و توزیع است و جستجوی باکتری‌های بیماری‌زا در گروه‌های مواد غذایی به دلیل پیشگیری از مسمومیت‌ها و بیماری‌های منتقله از مواد غذایی و برنامه ریزی و مداخله‌های مناسب در سطح تولید و عرضه مواد غذایی در جهت بهبود بهداشت و ایمنی غذایی و سرانجام ارتقای سلامت مصرف‌کنندگان حائز اهمیت می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش تعیین میزان آلودگی میکروبی مواد غذایی در سطح عرضه شهرستان دشتستان از نظر انطباق با استانداردهای تعیین شده می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی مقطعی، ۴۷۰ نمونه مواد غذایی مختلف از مناطق شهرستان دشتستان به طور تصادفی نمونه برداری و به آزمایشگاه مواد غذایی معاونت غذا و داروی شبکه بهداشت و درمان ارسال و سپس نمونه‌ها از نظر آلودگی باکتریایی مورد آزمایش قرار گرفتند.

نتایج: از نظر شمارش کلی باکتری‌ها و کلی‌فرم‌ها و آلودگی به باکتری‌های بیماری‌زا، سبزیجات، فراورده‌های پروتئینی و لبنیات به ترتیب بعنوان آلوده‌ترین غذاها شناخته شدند، بطوریکه ۵۳٪ سبزیجات، ۳۳٪ مواد پروتئینی و ۲۸٪ لبنیات نمونه برداری شده دارای آلودگی میکروبی گزارش شده است. از نظر آلودگی به باکتری‌های مزوفیل، سبزیجات و فراورده‌های پروتئینی، از نظر آلودگی به کلیفرم‌ها، سبزیجات و محصولات لبنی و از نظر آلودگی به استافیلوکوکوس اورئوس، مواد پروتئینی و شیرینی‌جات به ترتیب بیشترین و کمترین میزان آلودگی را نشان دادند.

نتیجه‌گیری: در مجموع، سبزیجات از نظر آلودگی به میکروارگانیسم‌ها حساسترین ماده غذایی می‌باشد. برای جلوگیری از آلودگی میکروبی مواد غذایی، آموزش افراد، رعایت اصول بهداشتی و نظارت در آماده‌سازی، حمل و نقل، ذخیره‌سازی و عرضه مواد غذایی ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: آلودگی میکروبی، سبزیجات، مواد پروتئینی



بررسی وضعیت دمای محیط و تجهیزات در مراکز عرضه مواد غذایی شهرستان دشتستان در سال ۹۶

سیده فاطمه حسینی، سید محمود مهدیان، طیبه سبحانی، زینب ارجمندی، زهرا همتی

زمینه و هدف : دما (درجه حرارت)، بر رشد میکروارگانیسم ها موثر است و در صورت عدم کنترل، مواد غذایی را فاسد می کند، به گونه ای که با افزایش هر ۱۰ درجه سانتی گراد دما، سرعت واکنش های شیمیایی در مواد غذایی دو برابر می شود. انعقاد پروتئین، تجزیه امولسیون ها، تبخیر رطوبت و از بین رفتن آنزیم ها از اثرات گرما در مواد غذایی است که گاهی اوقات به عنوان مضرات هوای گرم محسوب میشود. مواد غذایی به وسیله دمای سرد یا سرما نیز فاسد می شوند. از همین رو کنترل دما در مراکز عرضه مواد غذایی بویژه کنترل دمای یخچال و فریزرها از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت دمای محیط و تجهیزات در مراکز عرضه مواد غذایی به منظور ارتقا بهداشت مواد غذایی در سطح شهرستان دشتستان صورت پذیرفت .

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی مقطعی، تعداد ۱۲۵۸ مورد سنجش دمای محیط و یخچال و فریزر، به صورت تصادفی و در فصول مختلف سال و در ساعات مختلف شبانه روز از مراکز تهیه و توزیع شهرستان دشتستان با استفاده از دستگاه دما سنج مدل IR-۱۰۴ Testo صورت گرفت. در این بررسی از نرم افزار EXCEL و SPSS جهت آنالیز داده ها استفاده شده است.

نتایج : از مجموع ۱۲۵۸ مورد سنجش دمای محیط و تجهیزات ، ۹۷۵ (۷۸٪) مورد مطابق با استاندارد بوده است. همچنین در خصوص دمای محیط در فصول گرم و سرد سال تفاوت معنا داری وجود داشت، ($P<0/001$) اما در مورد دمای یخچالها در فصول مختلف سال تفاوت معنا داری وجود نداشت.

نتیجه گیری : در مجموع محل نگهداری یخچال و فریزرها، درز گیری آنها، تجهیزات سرمایشی محیط نسبت به سطح مراکز، در دمای محیط و تجهیزات تاثیر به سزایی دارد لذا مدیریت موارد مطرح شده کمک شایانی به حفظ دما و بهداشت مواد غذایی خواهد نمود.

واژگان کلیدی : دما، یخچال، دشتستان



Survey Quality of Rural Drinking water supply in Dehaghan County in 2016

Maryam Amin: Water Laboratory, Isfahan University of Medical Sciences, Dehaghan, Iran

Seyed Mohammad Hadi Sharifi: Dehaghan Hospital, Isfahan University of Medical Sciences, Dehaghan, Iran

Safoura Erfan: Isfahan University of Medical Sciences, Shahreza, Iran

Mozhgan Momayez: Shahreza Clinic, Isfahan Social Security Organization, Shahreza, Iran

mahnaz Momayez: Shahreza clinic, Isfahan University of Medical Sciences, Shahreza, Iran

email: seyed66@ymail.com

Background and Aim: The physical, chemical and microbial properties of water are the criteria to consider it as drinking water quality. Unfavorable changes in such parameters may threat consumers' health. The aim of this study is to give a clear view of physical, chemical and microbial quality of the rural water supply in dehaghan county and compare with national and EPA standards.

Materials and Methods: This descriptive periodical study was done during Jan 2016 to Dec 2016. And 156 Samples were collected directly from the 13 rural water supply in dehaghan county. Parameters of chemical and physical, including EC, TDS, Turbidity, Hardness, nitrate, nitrite, Alkalinity, Fluoride and remaining chlorine were monitored and analyses were done according to standard methods. Multiple tube fermentation method was used to determine fecal and total coliform bacteria and spread plate method was used to measure heterotrophic bacteria.

Results: The average residual chlorine, nitrate, nitrite, Hardness, Fluoride were, (0.61 ± 0.11) , (39.7 ± 0.003) , (375.6 ± 143) , (0.26 ± 0.11) , (232 ± 87) Mg/L in a samples of water respectively. An average concentration of EC, TDS, fecal coliform, total coliform was (1115 ± 371) μ S/cm and (587 ± 0.00) MPN/100ML, (0.00) MPN/100ML respectively. Statistical analysis doesn't show a meaningful difference between the parameters with standard parameters

Conclusion: Quality of the rural water supply in dehaghan was not problematical from health point of view. However, high TDS and nitrate content may increase diarrhea risk in consumer as well as corrosive effect of water and also may be dangerous for children and pregnant women.

Keywords: Dehaghan, water supply, TDS, EC.



Evaluation Function of Infectious Waste Sterilizing Devices in Dehaghan Hospital in 2016

Seyed Mohammad Hadi Sharifi؛ Dehaghan Hospital, Isfahan University of Medical Sciences, Shahreza, Iran

Ahmad Shamaei؛ Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Maryam Amin؛ Dehaghan Hospital, Isfahan University of Medical Sciences, shahreza, Iran

Mozhgan Momayez؛ Shahreza Clinic, Isfahan Social Security Organization, Shahreza, Iran

Background and Aim: Waste of health care centers is very Important due to their major role in spreading various disease and environmental pollution. Autoclaving is one of the methods which sterilizes infectious solid wastes. As a results , considering function of Infectious Waste Sterilizing Set in hospital seems necessary. This study is aimed to assess function of this equipments of waste in dehaghan hospital.

Materials and Methods: In this experimental study had been operated between jan - dec 2016 and setting 288 tests from physical, chemical, and biological function of the autoclave in the each week. Mechanical function had been examined by monitoring and recording mechanical index through thermometers and registers of device. Chemical and biological function had been examined by indicator strip and biological strip and steartermophilus Geobacillus spores. Finally obtained results were analyzed by Descriptive Statistics test.

Results: Among the all of the tests of survey carried out out 97.3% of physical tests and 98.7% of chemical tests and 100% of biological tests from the Waste Sterilizing Set had efficient results. Also no grow any steartermophilus Geobacillus spores in the study duration.

Conclusion: Based on the results, mentioned Waste Sterilizing devices are able to decontaminate dehaghan hospital waste from hazardous materials chemically and biologically. Also the mechanical process is efficient enough by proving required temperature and time. Thus the final functional assessment is identified as acceptable outcome.

Keywords: Dehaghan, Infectious, waste Sterilizing Set.



غربالگری عوامل موثر بر حذف رنگ از فاضلاب واقعی توسط فرایند ازن زنی کاتالیزوری با اکسید منیزیم در حضور پرسولفات با استفاده از مدل آماری فاکتوریل کسری

قربان عسگری؛ دانشیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

سونیا چاوشی؛ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

مرضیه باقری؛ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

Email: m.bagheri3113@yahoo.com

زمینه و هدف: این مطالعه با هدف کلی بررسی امکان سنجی استفاده از نانو اکسید منیزیم به عنوان کاتالیزور در فرایند ازن زنی برای رنگ زدایی و معدنی سازی فاضلاب واقعی نساجی در حضور پرسولفات انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه تجربی، در یک راکتور نیمه پیوسته در مقیاس آزمایشگاهی انجام شد. در این مطالعه اثر غلظت پرسولفات، دبی ازن زنی، زمان واکنش و دوز کاتالیزور برای حذف رنگ فاضلاب نساجی و COD در حالت بهینه مورد آزمایش قرار گرفت. برای بدست آوردن شرایط بهینه آزمایش از طرح آزمایش با روش فاکتوریل کسری عاملی سه سطحی (3^{k-p}) با درجه تفکیک بالای طراحی و اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل نتایج بدست آمده از نرم افزار Minitab 17 و Statistica 10 استفاده شد.

نتایج: نتایج حاصل آنالیز داده ها نشان داد که زمان تماس ۱۵ دقیقه ($P_{\text{value}}=0/006$) و دوز کاتالیزور ۰/۵ گرم در لیتر ($P_{\text{value}}=0/029$) بیشترین اثر روی متغیر پاسخ (درصد حذف رنگ) دارند و اثر متقابل این پارامترها با ($P_{\text{value}}=0/025$) معنی دارد می باشد. شرایط بهینه حذف رنگ براساس آنالیز واریانس و مدل مناسب بدست آمده در زمان واکنش ۱۵ دقیقه، دبی ازن زنی ۲ لیتر در دقیقه، دوز پرسولفات ۱/۵ میلی مول بر لیتر و دوز کاتالیزور ۰/۵ گرم در لیتر بود. در شرایط بهینه راندمان حذف رنگ از فاضلاب نساجی ۹۶ درصد و حذف COD ۷۵ درصد بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که مدل آماری فاکتوریل کسری، یک ابزار مفید برای غربالگری تعداد زیادی از متغیرها و کاهش تعداد آزمایشات است. استفاده از نانو اکسید منیزیم به همراه ازن در حضور پرسولفات اثر هم افزایی و خاصیت بافری در حذف رنگ و معدنی سازی فاضلاب نساجی دارد و به شدت رنگ زدایی و معدنی سازی افزایش داده و نیاز به اصلاح pH در فرایند را منتفی می سازد.

واژگان کلیدی: روش آماری فاکتوریل کسری، پرسولفات، فاضلاب نساجی



ارزیابی آگاهی و عملکرد مردم شهر رفسنجان نسبت به مدیریت مواد زائد جامد شهری در سال ۱۳۹۶

میثم کرمی، مهشید بهرامی، سهیلا شورگشتی، معصومه طهماسبی زاده، مهناز سلیمانی

زمینه و هدف: امروزه پسماندها به‌عنوان یکی از آلاینده‌های اصلی محیط زیست مورد توجه می‌باشند. به گمان بسیاری از محققین، افزایش آگاهی و فرهنگ‌سازی در حوزه مدیریت مواد زائد جامد می‌تواند راه گشای این مسئله مهم زیست محیطی باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی آگاهی و عملکرد مردم شهر رفسنجان نسبت به مدیریت مواد زائد جامد شهری اجرا گردید.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی در سال ۱۳۹۶ و از طریق پرسشنامه انجام شد. در این تحقیق، تعداد ۲۰۰ عدد پرسشنامه در نقاط مختلف شهر رفسنجان تکمیل شده است. از آنالیز واریانس یک‌طرفه، T-test و آزمون همبستگی جهت آنالیز داده‌های آماری بهره گرفته شده است.

نتایج: آگاهی شهروندان در زمینه "کمپوست" و "بازیافت شیشه" جزء ضعیف‌ترین و "راه‌های کاهش پسماند در منزل" و "اثرات پسماند بر محیط زیست" جزء قوی‌ترین موارد آگاهی مردم بود. در همین راستا عملکرد شهروندان در زمینه "ارتباط مردم با سازمان بازیافت و شهرداری منطقه" جزء ضعیف‌ترین و "به موقع تحویل دادن پسماند خانگی" و "تفکیک زباله در مبدأ" جزء قوی‌ترین موارد عملکرد مردم بوده است.

نتیجه‌گیری: در کل آگاهی و عملکرد مردم در خصوص مدیریت مواد زائد جامد شهری مثبت ارزیابی نشد. پیشنهاد می‌گردد با برگزاری دوره‌های آموزشی، افزایش سطح دانش عمومی و فرهنگ‌سازی در این زمینه بتوان شاهد افزایش بهبود شرایط آگاهی و عملکرد مردم باشیم.

واژگان کلیدی: مواد زائد جامد، آگاهی، عملکرد، رفسنجان



بررسی وضعیت بهداشت محیط آرایشگاه‌های زنانه شهرستان دامغان (استان سمنان) در سال ۱۳۹۶

الهه ترابی، حمید رضا ناصحی نیا، مهشید بهرامی

زمینه و هدف: آرایشگاه‌ها از جمله اماکنی هستند که با توجه به ماهیت کار در آنها، خطر انتقال و ابتلا به بیماری‌های ایدز و هپاتیت بالا است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت بهداشت محیط آرایشگاه‌های زنانه شهرستان دامغان در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: در این بررسی توصیفی-مقطعی تعداد ۴۰ واحد از آرایشگاه‌های زنانه شهرستان به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفت. پرسشنامه مورد استفاده، چک لیست بازرسی بهداشتی از آرایشگاه‌ها و سالن زیبایی زنانه مصوب وزارت بهداشت بود که دارای سه بعد بهداشت فردی، بهداشت ابزار و تجهیزات، بهداشت و ایمنی ساختمان است؛ آمار وضعیت شاخص‌های بهداشت محیط آرایشگاه‌های زنانه از مراکز بهداشتی و درمانی جمع‌آوری گردید و در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار Excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میزان مطلوبیت شاخص‌های بهداشتی مورد مطالعه در بعد بهداشت و ایمنی ساختمان کمترین درصد فراوانی (۷۲/۱۳) و نیز در بخش بهداشت ابزار و تجهیزات بیشترین فراوانی (۷۳/۸۹ درصد) را نشان داد. همچنین میانگین کل مطلوبیت شاخص‌های بهداشتی مورد مطالعه برابر با (۷۲/۹۲ درصد) بود.

نتیجه‌گیری: لزوم توجه بیشتر به بهداشت و بهسازی محیط، ممنوعیت عرضه دخانیات، تهیه لباس‌های مناسب با حرفه آرایشگری، نصب جعبه کمک‌های اولیه و سفتی باکس‌ها و همچنین تأکید بر رعایت بهداشت از طریق تغییر نگرش و عملکرد آرایشگاه‌های زنانه شهرستان دامغان توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: بهداشت محیط، آرایشگاه زنانه، شهرستان دامغان



بررسی گیاه پالایی فلزات سنگین به وسیله گیاهان دارویی به عنوان مهمترین راهکار مدیریتی آلودگی های زیست محیطی

الهه آل ابراهیم دهکردی؛ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

علی ریحانیان؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
Email: ali.reyhanian70@yahoo.com

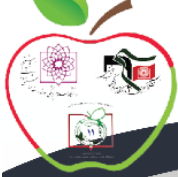
زمینه و هدف : یکی از مهمترین مسائل زیست محیطی، آلوده شدن خاک زیر کشت گیاهان مختلف به فلزات سنگین می باشد. وجود مقادیر زیاد این فلزات در خاک، یک تهدید جدی می باشد و باعث آسیب به سلامتی انسان از طریق ورود به زنجیره غذایی می شود. حضور فلزات سنگین بیش از استانداردهای تعریف شده در محیط، سبب بروز اختلالات عصبی، سرطان زایی و اختلالات ژنتیکی در انسان می شود. از آن جایی که استفاده از گیاهان در پالایش محیط های آلوده روشی طبیعی و کم هزینه است، در این مطالعه مروری سیستماتیک بر آن شدیم که به معرفی برخی از گیاهان دارویی جهت رفع آلودگی های محیطی به عنوان مهمترین راهکار مدیریتی و ایجاد محیط زیست پایدار بپردازیم.

مواد و روش ها : برای انجام این مطالعه مروری سیستماتیک، کلید واژه های ذکر شده در این مقاله از پایگاه های اطلاعاتی SID و Google Scholar، Scopus، PubMed، Medline جستجو شدند. بر اساس معیارهای در نظر گرفته شده، تعداد مقاله انتخاب و وارد مطالعه شدند.

نتایج : نتایج این بررسی نشان داد، کاشت برخی از گیاهان دارویی در محیط های آلوده به فلزات سنگین از جمله سرب، کادمیوم، جیوه، آرسنیک، مس و آلومینیوم، کارایی بالایی در حذف و پاکسازی فلزات سنگین جهت کاهش آلودگی های محیطی دارند. مهمترین گیاهان دارویی حذف کننده فلزات سنگین شامل قدومه کوهی، خرفه، خاکشیر، درمنه دشتی، شاهتره، گاو پونه، مریم گلی، گل راعی، شاه دانه، ریحان، بابونه، تاج خروس، اسطوخودوس، نعناع و خردل هندی می باشند. این گیاهان فلزات سنگین را از محیط جذب کرده و در ریشه و اندام هوایی خود تجمع می دهند.

نتیجه گیری : استفاده از گیاهان دارویی به عنوان گیاهان مقاوم به فلزات سنگین می توانند برای گیاه پالایی مناطق آلوده، توصیه و ترویج داده شوند.

واژگان کلیدی: گیاه پالایی، فلزات سنگین، گیاهان دارویی، آلودگی های زیست محیطی



بررسی کارایی روش های مختلف در حذف ترکیبات دارویی از محلول های آبی

دانیال نیری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی

کرمانشاه، کرمانشاه، ایران nayeri.danyal1997@gmail.com

حامد رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم

پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مریم شرفی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی

کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

زمینه و هدف : در طول چند سال اخیر یقابای داروها از جمله آنتی بیوتیک ها به دلیل ورود پیوسته به محیط و پایداری آن ها در اکوسیستم ها به عنوان آلوده کننده های زیست محیطی در نظر گرفته شده اند همچنین با توجه به ، مصرف ترکیبات دارویی بخصوص آنتی بیوتیک ها افزایش یافته است اما مصرف بیرویه و دفع آن ها به محیط منجر به خطراتی میشود هدف از این مطالعه بررسی کارایی روش های مختلف حذف ترکیبات دارویی و آنتی بیوتیک از محلول های آبی میباشد.

مواد و روش ها : در این مطالعه انواع روش های مختلف حذف ترکیبات دارویی از محلول های آبی از بررسی و همچنین روشی که بیشترین کارایی را در حذف ترکیبات دارویی داشتند نیز مشخص، تجزیه و ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۰ های تحلیل گردید.

نتایج : روش های مختلفی از جمله جذب، فرایند های غشایی، تبادل یون، فیلتراسیون برای حذف آن ها استفاده میشود. اما هر یک دارای مزایا و معایبی هستند به عنوان مثال صافی های غشایی دارای توانایی خوبی از جمله راندمان حذف بالا، نیازمند انرژی کم میباشند، اما این فرایند نیاز به سرمایه بالا دلیل تامین فشار بالای سیستم دارد. از بین روش های فوق، جذب به دلیل اینکه یک روش کارآمد به دلیل داشتن سطح مناسب، متخلخل بودن و طریقه عمل آسان میباشد از بین جاذب های مختلف کربن فعال، کارایی قابل توجهی داشت. با این حال جاذب ها دارای معایبی همچون اینکه بسیاری از آن ها به علت هزینه بالا یا تولید ضایعات ثانویه و ظرفیت جذب کم و جداسازی سخت جاذب از آب موثر نیستند که باید از روش های موثر تری استفاده کرد. امروز نانو جاذب ها به دلیل داشتن کارایی بالاتر، داشتن سایت های فعال، گروه های عاملی موثر در جذب، نسبت سطح به حجم بیشتر، راندمان سریع، خصوصیت های فیزیکی و شیمیایی منحصر به فرد توانایی بالاتری نسبت به جاذب ها دارند.

نتیجه گیری : با توجه به گسترش مصرف ترکیبات دارویی باید دقت کرد که دفع این ترکیبات منجر به ایجاد خطراتی برای محیط زیست و منابع آبی میشوند. در همین راستا از بین روش های مختلف، نانو جاذب ها به دلیل راندمان سریع، کارایی بالا، سایت های فعال و گروه های عاملی دارای ظرفیت بالایی جهت حذف آنتی بیوتیک ها میباشند.

واژگان کلیدی : ترکیبات دارویی، نانو جاذب، محلول های آبی



صدیقه سواری؛ کارشناس مهندسی بهداشت محیط بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا اهواز ، اهواز، ایران

نعمت اله جعفر زاده؛ حقیقی فرد عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نتیجه گیری: نتیجه گیری: نتایج نشان داد که میانگین پارامترهای کدورت، کلر آزاد، کلیفرم، BOD, COD, TSS مدفوعی و کلیفرم در حد استاندارد خروجی مصوب سازمان حفاظت محیط زیست کشور بوده و تصفیه به روش لجن فعال در تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان آبادانا عملکرد بالایی در حذف الاینده ها داشته است.

واژگان کلیدی: بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آیدانا اھواز، فاضلاب، سیستم تصفیه فاضلاب



پروبیوتیک‌ها از دیدگاه ایمنی مواد غذایی

بهروز تاجدار اورنج؛ کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

لیلا پیوسته رودسری؛ کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: leila.peivasteh@yahoo.com

پریسا صدیق آرا؛ عضو هیئت علمی گروه بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

محدثه پیرهادی؛ کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

حدیث کرمی؛ کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: پروبیوتیک‌ها، میکروارگانیسم‌هایی (باکتری و مخمر) هستند که به طور زنده در مقادیر کافی دریافت گردیده و اثرات مثبتی بر سلامتی انسان نشان می‌دهند. طی دو دهه اخیر، میکروارگانیسم‌های پروبیوتیک (ارتقا دهنده سلامت) در انواع مختلف فراورده‌های غذایی خصوصاً غذاهای تخمیری و نیز داروها به طور فزاینده مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مقاله به مسائل مهم مرتبط با جنبه‌های ایمنی مواد غذایی حاوی پروبیوتیک‌ها و معیارهای انتخاب آن‌ها که با هدف بهبود سلامت عمومی به فراورده‌های خاصی افزوده می‌شوند می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: مقالات مرتبط با موضوع مورد مطالعه در دو پایگاه اینترنتی Google scholar و Scencedirect جست و جو شدند و کارآزمایی‌های بالینی و مقالات مروری سیستماتیک که اثرات پروبیوتیک‌ها را از دیدگاه ایمنی مواد غذایی بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

نتایج: در روند انتخاب میکروارگانیسم پروبیوتیک، جنبه‌های مختلفی از جمله ویژگی‌های ایمنی، عملکردی و تکنولوژیکی باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در رابطه با جنبه‌های ایمنی، منشأ میکروارگانیسم (دستگاه گوارش انسان سالم)، غیربیماری‌زا بودن آن و مقاومت به آنتی‌بیوتیک‌ها بسیار حائز اهمیت است. برخی میکروارگانیسم‌های پروبیوتیک مانند آنتروکوکسی علاوه بر حفظ میکروفلور طبیعی روده و تحریک سیستم ایمنی، یک پاتوژن فرصت طلب محسوب می‌شوند که منجر به بیماری در انسان شده و دارای عوامل مقاوم به آنتی‌بیوتیک و فاکتورهای ویروالانس می‌باشند. انتقال ژن می‌تواند منجر به اکتساب ژن ویروالانس یا مقاومت ضد میکروبی در باکتری‌های پروبیوتیک شود.

نتیجه‌گیری: کاربرد باکتری‌های زنده تحت عنوان پروبیوتیک در غذا و مکمل‌های غذایی نیازمند ارزیابی ایمنی دقیق است. باکتری مورد استفاده در فراورده‌های حاوی پروبیوتیک باید کاملاً ایمن باشد. گونه‌هایی که به عنوان پروبیوتیک استفاده می‌شوند باید از فلور انسانی انتخاب شده و نسبت به آنتی‌بیوتیک‌ها مقاومتی از خود نشان ندهند و نیز از درمان عفونت‌های نادر پروبیوتیکی جلوگیری نکنند.

واژگان کلیدی: پروبیوتیک، ایمنی غذا، غیربیماری‌زایی



آمین‌های آروماتیک هتروسایکلک (HCAs) به عنوان عاملی جهش‌زا و سرطان‌زا در گوشت و فراورده‌های گوشتی حرارت دیده

لیلا پیوسته رودسری؛ کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تهران
Email: leila.peivasteh@yahoo.com

بهروز تاجدار اورن؛ کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تهران
پریسا صدیق آرا؛ عضو هیئت علمی گروه بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تهران

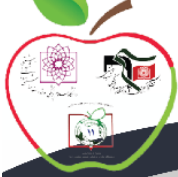
زمینه و هدف: آمین‌های آروماتیک هتروسایکلک (HCAs) به عنوان یکی از عوامل سرطان‌زا و یا جهش‌زا در فراورده‌های گوشتی پخته شده شناسایی شده‌اند که در دماهای بالا تولید می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که جذب این آمین‌ها در بدن از طریق مصرف محصولات گوشتی پخته شده، احتمال ابتلا به انواع سرطان را افزایش می‌دهد. در این مقاله به معرفی این آمین‌ها و ساختار و مکانیزم تشکیل آن‌ها پرداخته شده است. هم‌چنین مهم‌ترین فاکتورهای موثر بر تشکیل این آمین‌ها و راه‌های جلوگیری از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مواد و روش‌ها: مقالات مرتبط با موضوع مورد مطالعه در دو پایگاه اینترنتی googlescholar و Sciencedirect و Pubmed جست و جو شدند و کارآزمایی‌های بالینی و آزمایشگاهی و مقالات مروری سیستماتیک که ساختار HCAs و مکانیزم تشکیل آن‌ها در مواد غذایی را بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

نتایج: تشکیل HCAs معمولاً از سه فاکتور اصلی شامل کراتین/کراتینین، قندهای احیاکننده و آمینواسیدهایی که اساساً در غذاهای ماهیچه‌ای یافت می‌شوند، نشأت می‌گیرد. تشکیل این نوع آمین‌ها عمدتاً به دمای پخت، زمان پخت، نوع گوشت، میزان چربی و رطوبت، میزان قند و اسیدهای آمینه آزاد به عنوان پیش‌سازها و نیز میزان کراتینین بستگی دارد. مطالعات نشان می‌دهد که آنتی‌اکسیدان‌های طبیعی و ساختگی قادر به کاهش فعالیت موتاژنیک بوده و از طریق به دام اندازی رادیکال کاتیونی پیرازین در مراحل اولیه واکنش میلارد تشکیل HCA ها را مهار می‌کنند. آسکوربات و اریتوربات قوی‌ترین جاذب‌های ترکیبات رادیکالی و مهارکننده‌های تشکیل HCAs در مقادیر کم شناخته شده‌اند.

نتیجه‌گیری: آمین‌های آروماتیک هتروسایکلک یکی از سموم ایجاد شده ناشی از فرآیند مواد غذایی می‌باشند که اثرات سرطان‌زایی و جهش‌زایی آن‌ها در بدن انسان به اثبات رسیده است. بنابراین، بررسی شرایط و فاکتورهای موثر بر تشکیل این آمین‌ها و شناخت راه‌های جلوگیری از تشکیل آن‌ها، می‌تواند گامی مهم در بهبود سلامت جامعه به حساب آید.

کلمات کلیدی: آمین‌های آروماتیک هتروسایکلک، جهش‌زایی، گوشت پخته، آنتی‌اکسیدان‌ها



بررسی کیفیت فیزیکی، شیمیایی و میکروبی آب خروجی از دستگاه های تصفیه آب در مناطق روستایی شهرستان لارستان در سال ۱۳۹۵

حسن آتش پنجه؛ کارشناس ارشد آموزش محیط زیست، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران
مجید امینی؛ کارشناس ارشد آموزش محیط زیست، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران
یعقوب آشنا؛ کارشناسی ارشد آموزش برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران

زمینه و هدف: با توجه به افزایش جمعیت و کمبود آب و همچنین روند رو به افت کیفیت آب منابع موجود و افزایش املاح محلول آب و تغییر مشخصات فیزیکی، شیمیایی و میکروبی، موجب بروز مشکلات ژئوپولیتیکی و بشری زیادی شده است و انتظار می رود تکنولوژی بتواند نیازها را در این زمینه مرتفع کند. یکی از راه حل ها برای مقابله با مشکل کمبود آب شیرین، تصفیه آب شور از طریق فرایند شیرین سازی آب یا دستگاه آب شیرین کن است. در مناطقی از کشور که کیفیت آب آشامیدنی در دسترس مناسب نیست، باعث گرایش مردم به سمت استفاده از روش های غشایی از جمله اسمز معکوس شده است. در این مقاله سعی شده است که کیفیت فیزیکی-شیمیایی و میکروبی آب عرضه شده (خروجی) توسط این دستگاه های تصفیه مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش ها: روش تحقیق بصورت توصیفی-مقطعی که بمدت ۶ ماه در طی فصول پاییز و زمستان سال ۹۵ از طریق نمونه برداری آب ورودی و خروجی از ۲۰ دستگاه تصفیه آب در مناطق روستایی شهرستان لارستان انجام گرفت. در مجموع ۱۶۰ نمونه (۸۰ نمونه آب ورودی) و (۸۰ نمونه آب خروجی دستگاهها) برداشت گردید. نمونه ها تحت شرایط استاندارد آزمایش شدند. پارامترهای سختی کل، هدایت الکتریکی، کل جامدات محلول، کدورت، دما، PH، فلئور، نیترات، نیتریت، سولفات و پارامترهای میکروبی مورد بررسی قرار گرفت. سپس نتایج و آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار Excell مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: یافته ها نشان می دهد که در بیش از ۹۵ درصد نمونه های آب تصفیه شده توسط دستگاه های اسمز معکوس در ردیف آب های سبک قرار می گیرد. در برخی از نمونه های میکروبی برداشت شده قبل از دستگاه های آب شیرین کن آلودگی نشان می دهد. ولی تمام نمونه های میکروبی برداشت شده پس از عبور از فیلترها هیچگونه آلودگی میکروبی مشاهده نگردیده است. نمونه های شیمیایی برداشت شده قبل از دستگاه ها دارای املاح بسیار بالاتر از حد مجاز منجمله هدایت الکتریکی، سختی و... گزارش گردیده اما پس از عبور آب از دستگاه های آب شیرین کن، میزان سختی، هدایت الکتریکی و... تقلیل یافته اند.

نتیجه گیری: نتایج این تحقیق نشان می دهد در مقایسه کیفی پارامترهای شیمیایی-فیزیکی و میکروبی خروجی از فرایند RO در مناطق روستایی شهرستان لارستان با استانداردهای ملی و بین المللی صورت گرفته مشخص گردید این فرایند قابلیت بالایی را در تهیه آب آشامیدنی سالم دارا است، بطوری که در آب خروجی دستگاه با فرایند اسمز معکوس، اکثر پارامترهای کیفی بررسی شده نسبت به آب ورودی، حدود ۹۹ درصد کاهش یافته و مقادیر خروجی در حد استاندارد بود.

واژگان کلیدی: کیفیت آب-لارستان-آب شیرین کن-اسمز معکوس



بررسی وضعیت بهداشت محیط و کنترل عفونت آرایشگاه های شهر کرمانشاه

نوید ویسی؛ دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
فاطمه اسدی؛ کارشناس ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
مقداد پیرصاحب؛ عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

مسعود خسروی پور؛ دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
فرید خسروی؛ دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
پیام خانلری؛ دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
رضا رستمی؛ دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

مقدمه: یکی از مسائل مهم و ضروری هر جامعه عدم انتقال بیماری‌های واگیر و ویروسی است که یکی از کانون‌های انتقال این بیماری‌ها آرایشگاه‌ها می‌باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی گندزدهای مورد استفاده جهت کنترل بیماری‌های عفونی منتقله از طریق آرایشگری و کنترل عفونت در آرایشگاه‌ها بود.

روش کار: این پژوهش توصیفی-مقطعی است. در این مطالعه تعداد ۱۸۰ آرایشگاه (۱۰۰ آرایشگاه زنانه و ۸۰ آرایشگاه مردانه) شهر کرمانشاه بصورت تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله توسط نرم‌افزار SPSSver16 و با کاربرد آزمون T مستقل دو گروهی و آنالیز واریانس یک‌طرفه در سطح معناداری $\alpha = 0.05$ مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بیشترین ماده گندزدای مورد استفاده برای محیط آرایشگاه‌ها وایتکس و مواد سفید کننده خانگی است. ۴۸٫۹ درصد آرایشگاه‌ها از میکروتن، ۳۹٫۲ درصد از الکل و ۱۱٫۹ درصد از ساولون بتادین و سایر موارد برای گندزدایی ابزار استفاده می‌کردند؛ که از کل موارد تنها ۲۷٫۱ درصد آرایشگران به روش صحیح از مواد گندزدا استفاده می‌کردند. ۲۸٫۵ درصد از آرایشگاه‌ها دارای فور و اتوکلاو و جهت استریل کردن وسایل بودند. تناوب گندزدایی به صورت ماهانه ۴۶٫۳ درصد، هفتگی ۳۸٫۴ درصد و روزانه ۱۵٫۳ درصد بود.

نتیجه‌گیری: آگاهی آرایشگران در مورد گندزدهای مختلف در حد متوسط بود و نیاز به آموزش در خصوص انواع گندزدها و نحوه استفاده از آنها است. اما میزان آگاهی و نگرش و عملکرد آرایشگران نسبت به بیماری‌های عفونی در حد متوسط به بالاست. براساس این مطالعه نیاز به آموزش‌های مرتبط جهت پیشگیری از بیماری‌های ناشی از شغل‌های پرخطری از قبیل آرایشگری در جامعه مورد مطالعه احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کنترل عفونت، آرایشگاه، کرمانشاه، بهداشت محیط



تأثیر امواج مغناطیسی بر روی رسوب کلسیم کربنات در آب

مریم شرفی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،

کرمانشاه، ایران maryamsharafi9776@gmial.com

حامد رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی

کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

دانیال نیری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی

کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

زمینه و هدف: رسوب کلسیم کربنات در بسیاری از موارد مورد توجه بوده است، از جمله آسیب های مهمی که در نصب داخلی، کشاورزی یا صنعتی ایجاد میکند. برای جلوگیری از این امر از روش های مختلف از جمله استفاده از مواد شیمیایی، جانشین کردن یون ها و استفاده از رزین و... وجود دارد که هر کدام معایب و مزایای دارند. در این مطالعه تأثیر امواج CaCO_3 مغناطیسی بر روی رسوب میلی ۲۵ بررسی می شود.

مواد و روش ها : در این روش محلول با سختی معین تهیه و در ظرف شیشه ای تمیز نگهداری میشود. چندین نمونه لیتر از این محلول جدا کرده و هر کدام به طور جداگانه تحت تأثیر میدان مغناطیسی با شدت مشخص برای مدت زمان مشخص قرار میگیرد. (با توجه به شدت های مختلف میدان مغناطیسی و زمان های مختلف تعداد نمونه ها بیشتر می شود). یک نمونه به عنوان نمونه شاهد با محلولی مشابه محلول اصلی که تحت تأثیر میدان نبوده است نیز تهیه می شود و سپس همه نمونه ها و غلظت یون کلسیم، هدایت الکتریکی pH، مورد بررسی قرار گرفته و سختی، tds و... اندازه گیری شد

نتایج : پس از اعمال مغناطیسی تغییرات در میزان رسوب ثبت شده و نمونه شاهد مورد بررسی قرار گرفته و یافته ها نشان می دهد که اعمال میدان مغناطیسی روی رسوب کلسیم کربنات تأثیر معناداری دارد که ممکن است تشکیل رسوب کلسیم کربنات را با سرکوب هسته و شتاب در رشد کریستال انجام دهد. در این روش در واقع ذرات و رسوبات کلسیم کربنات تشکیل شده تحت تأثیر میدان قرار می گیرد. نتیجتاً میتوان گفت اعمال میدان مغناطیسی منجر به رسوب و تجمع ذرات کلسیم کربنات در محلول و بر روی سطح می شود و میزان میدان و زمان پارامترهای مهم هستند که رسوب کلسیم کربنات در مکانیزم های یونی و ذرات را تحت تأثیر میدان قرار میگیرد.

نتیجه گیری: نتیجتاً میتوان گفت اعمال میدان مغناطیسی منجر به رسوب و تجمع ذرات کلسیم کربنات در محلول و بر روی سطح می شود و میزان میدان و زمان پارامترهای مهم هستند که رسوب کلسیم در مکانیزم های یونی و ذرات را تحت تأثیر قرار می دهند.

واژگان کلیدی: مغناطیس، کربنات کلسیم، رسوب، آب



The Effect of Air Pollution on the Occurrence of Conjunctivitis

Fatemeh paranj, Young researchers and elite club, Tehran medical unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Background: Air pollution is a complex mixture of pollutants. Diverse health effects and diseases, such as cardiovascular disease, respiratory problems, eye irritation, neurologic disorders, cancer, and death can be caused by air pollution. Conjunctiva have direct contact with the outside environment and it is sensitive. Conjunctiva protects the ocular from outside deleterious agents, helps lubricate the eye by producing mucus and tears, and contributes to the immune balance of ocular surface. The importance of conjunctiva and a high prevalence of conjunctivitis merit an investigation on the effect of air pollutant on conjunctivitis. The aim of this study is to determine the effect of air pollution on the occurrence of conjunctivitis.

Methods: This article is a review of studies about Air Pollution and Occurrence of Conjunctivitis. The databases searched included SID, CIVILICA, SCIENCE DIRECT, GOOGLE SCHOLAR and PUBMED. The period of searches for the years 2007 to 2017 and the words that were searched include Air Pollution, Conjunctivitis and Infection. Articles were investigated in this period and in direct relation with this subject.

Finding: The mechanisms regarding the effects of air pollutants on conjunctivitis are not well known. Changes in the lacrimal pH, caused by the acidification of tears in an atmosphere with a high-oxidant power (NO_2 , SO_2), could irritate the ocular surface. According to the studies signs and symptoms of conjunctivitis in a high percentage of children not clearly affected by ocular allergy or infection and we provided new evidence of a relationship between UCUO and exposure to air pollution.

Conclusion: According to studies, conjunctivitis is more common in women and most often after 8 days of exposure to contaminants. By reviewing the articles on this subject, it can be said that conjugate to air pollution is completely related, but different pollutants have different effects on the conjunctiva.

Keywords: Air Pollution, Conjunctivitis, infection

بهینه سازی فرایند اکسیداسیون پیشرفته $US/nFeMgO$ با استفاده از مدل آماری رویه پاسخ در حذف پنتا کلروفلنل از محیط‌های آبی و تعیین میزان مصرف انرژی در شرایط بهینه فرایند

مجید کرمانی؛ دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط و عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

جمال مهرعلی پور؛ دانشجوی دکتری تخصصی (Ph.D) مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط؛ دانشکده بهداشت؛ دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ تهران؛ ایران. عضو شورای مرکزی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران

مونا رهبر؛ کارشناس رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، مرکزی

زهرا آزاد میوه؛ کارشناس رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، مرکزی

رقیه بهادری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زهرا شهبازی؛ کارشناس رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف : آلاینده‌های مربوط به خانواده فنل مانند پنتاکلروفلنل در اکثر فاضلاب‌های صنعتی مشاهده می‌شوند. از آنجایی که فرایندهای متداول تصفیه فاضلاب توانایی کاهش این آلاینده را به حد استاندارد ندارند و غلظت بالای این آلاینده باعث ایجاد خطراتی برای انسان و محیط زیست می‌شود بنابراین امروزه از فرایندهای اکسیداسیون پیشرفته بویژه فرایندهای سونوکاتالیستی برای حذف این ترکیب استفاده می‌شود. فرایند اولتراسونیک با حضور نانوذرات آهن نشانده شده بر روی نانوذرات منیزیم اکسید و پرتوی ماورابنفش توانایی انجام اکسیداسیون این آلاینده را دارد.

مواد و روش ها : در این مطالعه تجربی، از یک سونوراكتور استیل استوانه‌ای به حجم ۵۰۰ میلی لیتر مجهز به پرآب سونولیز با توان ۳۵۰ وات در ساعت در طول موج ۲۵۴ نانومتر استفاده شد. نمونه های آزمایش بصورت سنتتیک ساخته شد. پارامترهای pH اولیه محیط (۲-۴)، دوز $nFeMgO$ (۰/۵ - ۰/۲۵ گرم در لیتر)، زمان واکنش (۲۰-۴۰ دقیقه) و غلظت اولیه پنتاکلروفلنل (۲۵-۵۰ میلی گرم در لیتر) بعنوان متغیرهای اصلی در نظر گرفته شدند و بهینه سازی فرایند صورت گرفت. غلظت باقی مانده پنتا کلروفلنل با استفاده از دستگاه HPLC قرائت شد. در شرایط بهینه میزان انرژی مصرفی و سینتیک فرایند تعیین شد.

نتایج : نتایج مطالعه مشخص نمود که در شرایط بهینه فرایند pH برابر ۳/۹۹، دوز $nFeMgO$ برابر ۰/۴۵، در مدت زمان ۴۰ دقیقه کارایی حذف پنتا کلروفلنل در غلظت اولیه ۲۵ میلی گرم در لیتر برابر ۸۱ درصد است. آنالیز واریانس مطالعه بیانگر معنادار بودن P-Value (با آلفا کمتر از ۰/۰۵) فرایند بود. همچنین میزان R -seq و R -seq (Adj) به ترتیب برابر ۰/۸۹ و ۰/۸۳ است که نشان دهنده دقت مناسب مدل می باشد. میزان مصرف انرژی به ازای غلظت اولیه آلاینده در شرایط بهینه ۳۵۰ وات تعیین شد. همچنین سینتیک فرایند از سینتیک درجه یک تبعیت می نماید.

نتیجه گیری : فرایند $US/nFeMgO$ ، به دلیل عدم اضافه نمودن مواد شیمیایی خطرناک، تولید رادیکال‌های اکسید کننده در محل، مدت زمان کوتاه راهبری و مصرف پایین انرژی بعنوان فرایند دوستدار محیط زیست است که با کارایی مناسب در تصفیه آلاینده های آلی بویژه پنتا کلروفلنل، می‌تواند در راستای بی‌خطر سازی فاضلاب‌های صنعتی حاوی این آلاینده مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: فرایند $US/nFeMgO$ ، پنتا کلروفلنل، مدل آماری رویه پاسخ، لجن، پساب‌های صنعتی



بهینه سازی فرایندهای UV-C/H₂O₂ و UV-C/S₂O₈²⁻ در حذف فنل از محیط‌های آبی در حضور ترکیبات آلی طبیعی بعنوان راباینده رادیکال با بهره‌گیری از مدل آماری رویه پاسخ

محمد رضا سمرقندی؛ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط و عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

جمال مهرعلی پور؛ دانشجوی دکتری تخصصی (Ph.D) مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط؛ دانشکده بهداشت؛ دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ تهران؛ ایران.

سعید خان محمدی؛ کارشناس رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، مرکزی

الهه رشنه ئی؛ کارشناس رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، مرکزی

زهرا شهبازی؛ کارشناس رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف : استفاده توأم از چند عامل در حذف آلاینده‌ها می‌تواند در مدت زمان کوتاه‌تری کارایی لازم را تأمین نماید. استفاده از روش‌های آماری جهت بهینه‌سازی فرایند باعث افزایش کارایی فرایند و کاهش هزینه‌ها می‌گردد. هدف از این مطالعه بهینه‌سازی فرایندهای UV-C/H₂O₂ و UV-C/S₂O₈²⁻ در حذف فنل از محیط‌های آبی در حضور ترکیبات آلی طبیعی بعنوان راباینده رادیکال با بهره‌گیری از مدل آماری رویه پاسخ بود.

مواد و روش‌ها : در این مطالعه از یک محفظه فوتوشیمیایی با لامپ کم فشار جیوه‌ای با طول موج ۲۵۴ نانومتر استفاده شد. در این مطالعه تأثیر پارامترهای pH، زمان واکنش، غلظت اکسید کننده هیدروژن پراکساید، آنیون پرسولفات و غلظت اولیه آلاینده فنل در حضور غلظت ثابتی از مواد آلی طبیعی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین سینتیک واکنش و میزان حذف COD در شرایط بهینه بدست آمده در هر یک از فرایندهای اشاره شده تعیین گردید.

نتایج : نتایج بیانگر کارایی مناسب فرایندها در حذف آلاینده فنل در حضور مواد آلی طبیعی می‌باشد. در فرایند UV-C/H₂O₂ شرایط بهینه تعیین شده توسط مدل آماری رویه پاسخ عبارت بود از pH برابر ۳/۴۳، غلظت اولیه فنل برابر ۸۳۶ میلی‌مول در لیتر، غلظت هیدروژن پراکساید برابر ۳۹/۸۶ میلی‌مول بر لیتر و زمان واکنش برابر ۵۰ دقیقه، در این شرایط کارایی فرایند ۸۳/۰۵ درصد بدست آمد. همچنین میزان کارایی فرایند در حذف COD در مدت زمان ۸۰ دقیقه ۷۹ درصد بدست آمد. سینتیک واکنش نیز سینتیک درجه یک پیروی می‌نماید ($R^2=0.99$). در فرایند UV-C/S₂O₈²⁻ شرایط بهینه تعیین شده توسط مدل آماری رویه پاسخ عبارت بود از pH برابر ۳/۲۹، غلظت اولیه فنل برابر ۷۵۰ میلی‌مول در لیتر، غلظت آنیون پرسولفات برابر ۵۰ میلی‌مول بر لیتر و زمان واکنش برابر ۵۰ دقیقه، در این شرایط کارایی فرایند ۸۲/۷۶ درصد بدست آمد. همچنین میزان کارایی فرایند در حذف COD در مدت زمان ۸۰ دقیقه ۷۸ درصد بدست آمد. سینتیک واکنش نیز سینتیک درجه یک پیروی می‌نماید ($R^2=0.99$).

نتیجه گیری : فرایندهای مورد استفاده توانایی حذف آلاینده فنل را در حضور ترکیبات آلی طبیعی دارند. از ویژگی‌های قابل توجه این فرایندها عدم تولید مواد جانبی همانند لجن می‌باشد بنابراین بعنوان یک فرایند دوستدار محیط زیست شناخته می‌شوند.

واژگان کلیدی: فرایند UV-C/H₂O₂، فرایند UV-C/S₂O₈²⁻، فنل، ترکیبات آلی طبیعی، رویه پاسخ، محیط‌های آبی

بررسی میزان غلظت عناصر سنگین (کروم، منگنز، مس) در منابع تامین کننده آب شرب روستاهای استان کرمانشاه (ایران)

بهمن خدادادیان؛ کارشناس مسئول سلامت محیط مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه،

ایران

ستار محمدی؛ کارشناس سلامت محیط مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

یونس سهرابی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: در کشورهای در حال توسعه، هنوز ریشه اصلی بسیاری از مشکلات بهداشتی، مربوط به تامین آب آشامیدنی سالم است. آلودگی منابع آبی به فلزات سنگین یکی از مشکلات محیطی جدی در چند دهه اخیر بوده است. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان غلظت فلزات کروم، منگنز و مس در منابع تامین کننده آب شرب روستاهای استان کرمانشاه بود.

روش کار: مطالعه حاضر به روش توصیفی - مقطعی با هدف تعیین غلظت فلزات سنگین کروم، منگنز، مس در منابع تامین کننده آب شرب روستاهای استان کرمانشاه و مقایسه آن با استاندارد ملی ایران (۱۰۵۳) بود. نمونه‌ها توسط دستگاه اسپکتروفتومتری جذب اتمی VARIAN مدل آزمایش قرار گرفت و تعیین غلظت شد. در پایان نتایج بدست آمده وارد نرم افزار آماري SPSS-16 گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج بدست آمده با استاندارد ملی ایران مقایسه گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین و غلظت فلزات سنگین کروم، مس و منگنز به ترتیب ۰،۰۴۴، ۰،۱۹۵ و ۰،۲۴ بود که این مقادیر در محدوده استاندارد ملی ایران بود. هم‌چنین میزان غلظت فلز مس و منگنز در تمامی نمونه‌ها در محدوده استاندارد ملی ایران قرار دارد. در رابطه با فلز کروم ۲،۵٪ از نمونه‌ها بالاتر از میزان استاندارد قرار داشتند.

نتیجه‌گیری: میانگین غلظت فلزات اندازه‌گیری شده در مطالعه حاضر در محدوده استاندارد ملی ایران قرار داشت و در حد مجاز شرب می‌باشد اما با این وجود با توجه به اهمیت موضوع پایش منظم آب مصرفی مناطق روستایی توسط مسئولین مربوطه ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: کروم، مس، منگنز، کرمانشاه، ایران



آنالیز فیزیکی و شیمیایی آب آشامیدنی مخازن شهری شبکه توزیع شهر کرمانشاه (ایران)

یونس سهرابی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
بهمن خدادادیان؛ کارشناس مسئول سلامت محیط مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
افشین دارسنج؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی آب آشامیدنی مبنای قضاوت قابل شرب بودن آن است اگر میزان این ویژگی‌ها در آب آشامیدنی بیش از حداکثر مجاز توصیه شده باشد ممکن است در دراز مدت آسیب‌های غیر قابل جبرانی برای انسان، ایجاد نماید. مطالعه حاضر به منظور آنالیز فیزیکی و شیمیایی آب آشامیدنی مخازن شهری شبکه توزیع شهر کرمانشاه انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر به روش توصیفی مقطعی انجام گرفت. ۹ پارامتر فیزیکی و شیمیایی در ۸۰ نمونه تصادفی از ۱۶ مخزن آب شهری شبکه توزیع، شهر کرمانشاه (ایران) به روش آنالیز توصیفی مورد سنجش قرار گرفتند و با در پایان این مقادیر با استانداردهای آب ایران و سازمان بهداشت جهانی همچنین با دیاگرام شولر مقایسه گردید.

یافته‌ها: نتایج اندازه‌گیری پارامترهای فیزیکی و شیمیایی نشان داد که در مورد PH، نیترات، نیتريت، فلوارید، سختی کل، کلسیم و منیزیم صد در صد در حد مطلوب و مجاز قرار داشتند. و در بقیه پارامترهای TDS ۶,۳٪ و کلر باقی مانده ۶۲,۵٪ بالاتر از حد استاندارد قرار داشتند. همچنین بر اساس طبقه بندی دیاگرام پارامترهای کیفی منابع آب مورد مطالعه از نظر قابلیت شرب در وضعیت خوب قرار داشتند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بیشتر پارامترهای فیزیکی و شیمیایی مورد بررسی مخازن آب مورد مطالعه در محدوده استاندارد 1053 آب ایران می باشد، لذا با توجه به اهمیت موضوع و اثر آن بر سلامتی جامعه ضروری است پایش های مستمر روی کیفیت آب های مصرفی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: فیزیکی، شیمیایی، آب، مخازن، کرمانشاه

بررسی کاربرد آلومینیوم کلراید در تصفیه آب (مرور سیستماتیک)

یونس سهرابی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
فاطمه صدری؛ کارشناس مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
یاسین قادری؛ کارشناس مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
فریا امیدوار؛ کارشناس مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
مجتبی سلمانی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

زمینه و هدف: پلی آلومینیوم کلراید از جمله منعقدکننده های معدنی است. از منعقدکننده های اصلی برای ناپایدارسازی ذرات و چسباندن آنها به یکدیگر و از کمک منعقدکننده ها برای افزایش دانسیته ذرات بهم چسبیده و کمک به ته نشینی سریع تر آنها استفاده می شود. هدف از مطالعه حاضر مروری بررسی کاربرد آلومینیوم کلراید در تصفیه آب بود.
مواد و روش ها: در مطالعه حاضر کلید واژه های پلی آلومینیوم کلراید، تصفیه آب و منعقد کننده در پایگاه های اطلاعاتی SID، google scholar، Magiran، Iran medex در بین سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۶ مورد جستجو قرار گرفتند. در پایان یافته ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان داد که از پلی آلومینیوم کلراید می توان به عنوان یک منعقد کننده موثر با رعایت نکات اصولی که در رنج مناسب و استاندارد و بدون تغییر در فرآیند تصفیه و اضافه کردن تجهیزات تغییرات سازه ای مورد استفاده قرار گیرد، هم چنین در جهت حذف مقادیر اضافی فلوراید از منابع آب استفاده گردد.

نتیجه گیری: جهت بهره گیری نتایج بهتر استفاده از PH مناسب در پروسه انعقاد، پرهیز نمودن از استفاده دوزهای بالای منعقدکننده پلی آلومینیوم کلراید، مخلوط نمودن کافی و مطلوب در محل به کارگیری منعقدکننده، سرعت مناسب همزن ها بر ای تشکیل لخته های انعقاد و کارایی مناسب فیلتراسیون برای حذف لخته های آلومینیومی، استفاده از کیتوزان به عنوان کمک منعقد کننده پلی آلومینیوم کلراید، اضافه کردن بنتونیت جهت کاهش غلظت بهینه برای کاربرد پلی آلومینیوم کلراید توصیه می شود.

واژگان کلیدی: آلومینیوم کلراید، تصفیه آب، مرور سیستماتیک

تأثیرات مخرب سم ۲ و ۴ - دی کلروفنوکسی استیک اسید در محیط زیست و تکنولوژی های متداول حذف آن از پساب های آلوده

مریم ایزانلو؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، مرکز رشد استعدادهای پژوهشی و فناوری دانشجویی، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران

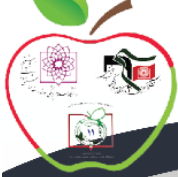
علی اسرافیلی دیزجی؛ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: آفت کش ها می توانند از طریق رواناب های سطحی، آئروسول های بادی، شسته شدن از سطح خاک و گیاه، تخلیه پساب های کشاورزی، صنعتی به محیط آب های سطحی و زیرزمینی راه پیدا کنند. بر اساس آمار ایالت متحده آمریکا در میلیارد دلار افزایش، میزان فروش جهانی این ترکیبات به ۲۰۰۲ سال یافته که پیش بینی ۹۵ به ۲۰۱۲ شده است تا سال میلیارد دلار می رسد. از آنجایی که بیشترین میزان مصرف آفت کش ها، از نوع علف کش می باشد، این مطالعه به تأثیرات مخرب سم ۲ و ۴- دی کلروفنوکسی استیک اسید در محیط زیست و روش های حذف آن می پردازد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر، مقاله مروری می باشد و با جستجوی کلماتی مانند آفت کش ها، علف کش ها، D-، در پایگاه های اطلاعاتی ۲۰۴ Google scholar، SID، dichlorophenoxy acetic acid، Sciencedirect، Scupos، IranMedex مقاله انگلیسی استفاده شد. ۱۱۲ مقاله فارسی و تعداد ۳ مقاله حاضر تعداد ۱۱۹ تدوین شده است.

نتایج: علف کشی انتخابی از گروه فنوکسی استیک اسیدها با ویژگی های آروماتیک ضعیف بوده که به طور گسترده D برای کنترل علف های هرز پهن گندم زار، غلات، مراتع و جنگل ها استفاده می شود. این علف کش به واسطه ی داشتن خاصیت قطبی و حلالیت نسبتاً خوب در آب می تواند وارد منابع آبی شود و از آن جهت که قابلیت تجزیه به ترکیبات با درجه سمیت کمتر را ندارد، جز آلاینده های خطرناک زیست محیطی تلقی می شود. سازمان بهداشت جهانی، را به ۲۰۴- (D شناسایی کرده است. به طوری که بررسی ها نشان می دهد این علف کش باعث بروز B۲ عنوان ماده ای سمی (کلاس سمیت عصبی، سمیت کبدی، تراژون زایی، موتاژن زایی، اختلال غدد درون ریز، سمیت کلیوی و تولید سلول اپوپتوز در میتوکندری انسان می شود. در ماهی ها نیز منجر به از دست دادن تعادل و قرار گیری آن بر روی سطح آب، افزایش تهویه ۲۰۴ آبششی، نکرور انعقادی تیغه های اولیه آبشش می شود. میزان پایداری - در محیط D زیست بالا بوده و نسبت به دیگر علف کش ها به آسانی دچار تخریب شیمیایی نمی شود. همچنین به دلیل دارا بودن خاصیت قطبی و حلالیت نسبتاً خوب آن ها در آب، بعد از استفاده به خاک و گیاهان می ، آسانی وارد منابع آبی شده و باعث آلوده کردن آب شود. در سال های ٪ مربوط به ۲۰-۳۰ تن علف کش مصرف می شود که از این مقدار ۹۳۰ اخیر بررسی ها نشان داده است که در ایران سالانه لیتر در ۹۰۳۲۲ در حدود ۱۳۵۰ تا ۱۳۲۵ می باشد. مقدار مصرف این علف کش در استان کردستان در طی سال D-۲۰۴ هکتار بوده است. روش ۲۰۴ های مختلفی در حذف سم - از منابع آبی در نظر گرفته D شده که شامل فرایندهای اکسیداسیون uv/H پیشرفته (فنتون، فوتو- فنتون، ۲O۲، (uv/TiO، ازناسیون، تعویض یونی، الکتروشیمیایی، فتوشیمیایی و فوتوکاتالیستی، ۲ بیولوژیکی و جذب سطحی است. **نتیجه گیری:** با توجه به آنکه امروزه استفاده از آفت کش ها و سموم جهت افزایش بازدهی محصولات افزایش پیدا کرده است، نیاز است تا این ترکیبات شناسایی گردند و روش های سودمند جهت حذف آن ها از محیط های آبی اتخاذ گردد.

واژگان کلیدی: علف کش، ۲۰۴-D، محیط زیست، سم



مروری بر استفاده از جاذب های مغناطیسی چندمنظوره در حذف همزمان آلاینده های آلی و معدنی از ماتریکس های آبی

مریم ایزانلو؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، مرکز رشد استعدادهای پژوهشی و فناوری

دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران

علی اسرافیلی دیزجی؛ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران،

تهران، ایران

زمینه و هدف : در سال های اخیر مسائل مربوط به حضور همزمان آلاینده های آلی و معدنی در تمامی نقاط جهان به یکی از چالش عمده زیست محیطی و بهداشتی تبدیل شده است. این مواد می توانند از راه های مختلفی از جمله دفع فاضلاب های صنایع، خانگی، رواناب های سطحی، زهکش فعالیت های کشاورزی و کود های شیمیایی وارد منابع آبی شوند. بررسی ها نشان داده است که حضور همزمان این مواد به دلیل اثر سینرژیستی توام با یکدیگر، سمیت و ماندگاری بالا علاوه بر عوارض زیست محیطی، سلامتی بشر را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین پیدا کردن راه های موثر برای کنترل آلودگی های ترکیبی بسیار احساس می شود. مطالعات زیادی توسط محققین در خصوص حذف همزمان آلاینده های گوناگون انجام شده است که اکثرا حذف همزمان مواد آلی و یا مواد معدنی است. بررسی نشان داده است فرآیند جذب سطحی موثرترین و اقتصادی ترین روشی است که می تواند همزمان آلاینده های آلی و معدنی را در یک سیستم مشابه از محلول های آبی حذف کند.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر، مقاله مروری می باشد و با جستجوی کلماتی مانند -function ، لیگاند های آلی، نانوذرات چند منظوره، نانوذرات دوعاملی در پایگاه های اطلاعاتی ScopusT ,magnetite Np Google scholar , . SID Fe.sciencedirect , Magiran جست و جو صورت گرفت.

نتایج : نتایج به دست آمده از Fe_3O_4 و TiO_2/ZnO و ۲ از اهمیت زیادی برخوردار هستند. این نانومواد کاربردهای مختلفی در بسیاری از زمینه های صنعتی از جمله تصفیه آب و فاضلاب دارند. با این وجود نانوذره به دلیل در دسترس بودن، ارزانی، غیرسمی بودن، مساحت سطحی زیاد و خواص Fe_3O_4 مغناطیسی مطلوب موثرتر و اقتصادی تر می باشد. همچنین بررسی ها نشان داد که دو ماده مرکاپتوپروپیل تری متوکسی (زیست سازگاری بیشتری با محیط داشته و سمیت (APTMS) و آمینوپروپیل تری متوکسی سیلان (MPTMS) سیلان) آن ها خیلی کم است. بنابراین اکثرا از این دو ماده برای سنتز نانوذرات ترکیبی به دلیل ایجاد گروه های فعال فرعی و سطح تماس بیش تر، افزایش حلالیت نانوذرات در حلال های مختلف، بهبود کارایی سطح نانوذرات، بهبود ظرفیت جذب و قابلیت جداسازی همزمان مواد آلی و معدنی استفاده می شود.

نتیجه گیری : با توجه به اینکه اکثر جاذب ها فقط یک نوع آلاینده ی کاتیونی یا آنیونی را جذب می کند، لازم است جاذب هایی توسعه یابند تا بتوانند همزمان هر دو آلاینده های معدنی و آلی موجود در محیط آبی را حذف کرد و مشکل جدی و اساسی آلاینده های خطرناک زیست محیطی را رفع نماید.

واژگان کلیدی : نانوذرات چندمنظوره، همزمان، محلول های آبی، مغناطیسی



مروری بر فرصت‌ها و چالش‌های مدیریت پسماندهای الکترونیکی در جهان

مجید پوریان؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

سعیده شمسی؛ کمیته تحقیقات کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

زمینه و هدف: امروزه با توجه به گسترش علم و تکنولوژی دفع، بازیافت و بخش‌نجات زباله‌های الکترونیکی مانند کامپیوتر، پرینتر، اسباب بازی‌ها و سایر وسایل الکترونیکی از چشم اندازه‌ها و سیاست‌های کلان هر کشوری بوده که در این بین ایالات متحده، استرالیا، چین، اروپای شرقی و آمریکای لاتین بزرگترین تولیدکنندگان پسماندهای الکترونیکی هستند. بسیاری از کشورها و سازمان‌ها قوانین ملی را تهیه کرده‌اند و برای بهبود استفاده‌ی مجدد، بازیافت و دیگر اشکال بازیافت مواد از آنها استفاده می‌کنند. ولی با این وجود امروزه چالش‌های بسیاری در زمینه بازیافت پسماند الکترونیکی وجود دارد که در نهایت منجر به تولید هرچه بیشتر الاینده‌های سمی شده‌اند، لذا مطالعه مروری حاضر با هدف معرفی و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پسماند الکترونیکی صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه مروری حاضر برگرفته از مقالات مرتبط با موضوع در پایگاه داده‌های Science Direct, Elservier, Pubmed, SID, Scopus و موتور جستجوی Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی فرصت‌ها، چالش‌ها، پسماندهای الکترونیکی و معادل انگلیسی آنها، مقالات جست‌وجو گردید. در نهایت از بین ۲۰ مقاله جست‌وجو شده، ۱۵ مقاله اصیل طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ براساس معیارهای مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند. اصیل بودن، تازگی مقالات و تناسب با کلمات کلیدی از معیارهای گزینش مقالات بوده‌اند.

یافته‌ها: نتایج مطالعات مورد بررسی به طور کلی بر وجود چالش‌های مدیریتی در بازیافت پسماندهای الکترونیکی تمرکز داشتند به صورتی که در مطالعات افزایش روزافزون زباله‌های الکترونیکی، عدم مدیریت صحیح دفع و بازیافت، کوتاه‌بودن عمر وسایل الکترونیکی و اثرات نامطلوب جدی بر محیط زیست را به عنوان چالش‌های مدیریتی در پسماند الکترونیکی گزارش کردند این در حالی است که در مطالعات استخراج منابع باارزش پلاستیک، پلاادیوم، قلع، سرب و شبکه‌های رایانش ابری که می‌توانند حجم پسماندها را به نحوی جبران کنند را به عنوان فرصت‌ها و مزایای پسماند الکترونیکی بیان کرده و استفاده از این موقعیت‌ها را جهت اصلاح چالش‌های مدیریتی پیشنهاد کردند.

نتیجه‌گیری: به طور کلی نتایج مطالعات بر وجود فرصت‌ها و چالش‌هایی در مدیریت پسماند الکترونیکی تاکید دارند لذا به عنوان راهکاری جهت تقویت مدیریت پسماندهای الکترونیکی به پژوهشگران توصیه می‌گردد که جهت مدیریت هرچه بهتر پسماند الکترونیکی چالش‌ها و فرصت‌ها را شناسایی کرده و جهت رفع آنها اقدامات لازم را بعمل آورند.

واژگان کلیدی: فرصت‌ها، چالش‌ها، پسماندهای الکترونیکی و معادل انگلیسی آنها



Noise Pollution Evaluation in Residential and Residential–Commercial Areas in Neyshabur in 2015

Aliakbar Mohammadi: Department of Environmental Health Engineering, Neyshabur School of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Mohammadbagher Delkhosh: Department of Environmental Health Engineering, Neyshabur School of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Hossein Alidadi: Associated Professor, Department of Environmental Health Engineering, Health Science Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Seyedeh Horiyeh Fallah: Department of Environmental Health Engineering, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

Abdoliman Amouei: Department of Environmental Health Engineering, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

Hossein Ali Asgharnia: Student Research Committee, Neyshabur School of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Vahid Taghavimanesh: Student Research Committee, Neyshabur School of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Monireh Ghorbani: Student Research Committee, Neyshabur School of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Fatemeh Panahandeh: Student Research Committee, Neyshabur School of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Background and purpose: Exposure to environmental noise from traffic is common in urban areas and has been linked to increased risks of adverse health effects including cardiovascular disease. Present study aimed to determine average sound level Index in overcrowded areas of Neyshabur, Iran.

Materials and methods: The study being reported here has been carried out on one of the residential and commercial crowded streets in the downtown area of Neyshabur, located in west of Iran, which have heavy traffic during the day. After studying the location of the city of Neyshabur on passing vehicles, population density, establishment of business centers and housing for a month measure during the weekdays except holiday's week 6 stations including (Imam Khomeini, Enghelab Square, Khayyam Square, Azadi Square, the crossroads Beasat and Attar Street) in the tree period, were measured. Noise measuring was done by using SVAN953. Data were processed using SPSS software.

Results: Leq was found to be in the tree period) morning, afternoon 125.8 dB (Max) and 80.2 dB (Min). Recorded maximum and minimum noise was 99.7 dB (at 7-9 o'clock) and 34 dB (at 17-19 o'clock), respectively.

Conclusion: Comparing the findings of this study with standard scales indicates that Neyshabur is experiencing high noise pollution. Regarding the harmful effects of this environmental agent, more studies are recommended to investigate causes of the noise pollution.



تأثیر آلودگی هوا بر افزایش احتمال اوتیسم در کودکان

هانیه وکیلی؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

Email: haniehvakili17@gmail.com

نیره السادات روح الهی؛ مربی دانشکده پیراپزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران،

تهران، ایران

فاطمه پارانج؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم

پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: هوای آلوده دارای انواع مختلفی از آلاینده ها می باشد که می تواند اثرات مخربی را در دوران بارداری ایجاد کند. شواهدی مبنی بر این موضوع وجود دارد که زندگی طولانی در نواحی آلوده خطر ابتلای کودکان به بیماری اوتیسم را افزایش می دهد و بیشتر این کودکان مادرانی دارند که قسمت زیادی از دوران بارداری خود را در نواحی آلوده سپری کردند.

روش کار: این مقاله ی از نوع مروری می باشد که با استفاده از تحقیقات انجام شده درباره موضوع مربوطه و با جست و جو در پایگاه های اینترنتی pubmed -google scholar-science direct انجام شده است. کلمات مورد جست و جو در این مطالعه شامل آلودگی هوا، اوتیسم، محیط زیست و کودکان می باشد که در سال های 2000-2018 بررسی شده است.

یافته ها: در نود درصد مطالعات انجام شده ارتباط موثری بین آلودگی هوا و افزایش خطر ابتلای کودکان به اوتیسم وجود داشت. بر اساس نتایج از یکی از این مطالعات احتمال ابتلای کودکان در معرض آلودگی هوا که ژن Met در آن ها بیان شده حدود ۳ برابر کودکان ساکن در مناطق پاک و فاقد بیان ژن Met می باشد. هم چنین در نود درصد مطالعات ۳ ماهه ی سوم بارداری و ۲ سال ابتدایی زندگی در مناطق آلوده ی ناشی از ترافیک جاده ای مهم ترین دوران و موثرترین عامل شناخته شده اند اما این موضوع با شواهد حاصل با نتایج مطالعات اروپایی سازگار نیست زیرا آن ها معتقدند این خطر در صورتی ایجاد می شود که مادر در دوران بارداری از مکانی سالم به مکانی با آلودگی هوا نقل مکان کند.

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعات و با توجه به اینکه اوتیسم در رشد مغزی تاثیرگذار می باشد و از آنجایی که هوای آلوده دارای آلاینده هایی از قبیل جیوه-نیتروژن دی اکسید و کروم می باشد که بر فرایند های مغزی بی تاثیر نیستند می توان گفت بهتر است مادران دوران بارداری خود را در مناطقی که دارای درصد کمتری از آلاینده ها می باشد سپری کنند یا اینکه برای مدت و کوتاهی در منطق آلوده ساکن باشند تا یکی از ریسک فاکتورهای ابتلای فرزند خود را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: اوتیسم، آلودگی هوا، آلاینده های محیط زیست، کودکان



Assessment of the microbial quality of Sanandaj drinking water reservoirs

Hamzeh Salehzadeh: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Parisa Mozaffari: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Shahram Sadeghi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Mehrzaad Ebrahimzadeh: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Shiva Zandi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Mehran Sayfi: Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Background and Aim: Microbial properties of drinking water is one of its drinking criteria. Undesirable changes in these parameter can threaten the health of consumers. The purpose of this study was to measure the microbial parameter in various Sanandaj drinking water reservoirs and compare them with the national standard values.

Materials and Methods: This is a descriptive cross-sectional study which was carried out for 24 months from 15 reservoir stations according to the principles of water sampling. A total of 2784 samples were taken. Samples were transferred to the laboratory under standard conditions and total coliforms, thermophylic coliforms and HPC were measured. Data analysis was carried out using SPSS software version 18 and T-test and ANOVA.

Results: The results showed that the mean value of the microbial parameters including total coliforms, thermophylic coliforms and HPC were 1.3896 MPN / 100mL, 0.9325 MPN / 100mL and 37.6676 CFC / ml, respectively.

Conclusion: Therefore, according to the results, the average concentration of measured parameters were within the national standards and has a favorable status.

Keywords: microbial quality, drinking water, reservoirs

بررسی آلودگی قارچی سطوح استخرهای شنای دانشگاه های شهر سنج و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۶

حمزه صالح زاده؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنج، ایران

پریسا مظفری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنج، ایران

شهرام صادقی؛ مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنج، ایران

محمد پارسا حاتمی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

پوریا سهامی؛ کارشناس آزمایشگاه تصفیه خانه فاضلاب سنج، ایران

نشین محمدی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنج، ایران

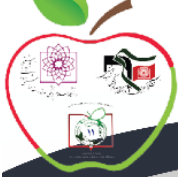
زمینه و هدف: استخرهای شنا مکان های تفریحی پر مخاطبی هستند. بدن شناگران به میزان بالایی در معرض عفونت های پوستی قرار دارد. یکی از عوامل بسیار مهم در ایجاد عفونت ها، قارچ است. محیط فیزیکی و سطوح استخر بدلیل رطوبت و حرارت مناسب می تواند به عنوان محل مناسبی برای رشد قارچ ها محسوب شود. هدف از این مطالعه تعیین آلودگی قارچی سطوح استخرهای شنای شهر سنج و تعیین عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، ۲ استخر سرپوشیده دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی شهر سنج مورد مطالعه قرار گرفت. نمونه برداری در طول فصل های بهار و تابستان سال ۱۳۹۶ و از هر فصل ۲ بار انجام گرفت. نمونه برداری به وسیله موکت استریل انجام گرفت. در کل از هر یک از ۲ استخر ۵ سطح مختلف و از هر سطح ۴ نمونه در طول فصل بهار و تابستان و در کل ۴۰ نمونه برداشت شد. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و آزمون های آماری t-test و anova تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که از مجموع ۴۰ نمونه مورد کشت، تعداد ۳۶ نمونه (۹۰٪) آلوده به یک یا چند نوع قارچ و تعداد ۴ نمونه (۱۰٪) فاقد هرگونه آلودگی قارچی بودند. تمامی قارچ های جدا شده از نوع ساپروفیت بوده و آلودگی درماتوفیتی مشاهده نشد. بیشترین و کمترین انسیدانس آلودگی ساپروفیتی به ترتیب مربوط به گونه های مخمر با تعداد ۱۶ نمونه مثبت و فوزاریوم با ۲ نمونه مثبت بود. همچنین نتایج نشان داد که تعداد قارچ ها جدا شده از سطوح استخرهای شنا در فصل تابستان بیشتر از فصل بهار بود. و ارتباط معناداری بین دما، رطوبت با قارچ های جدا شده یافت نشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافت شدن گونه های مختلف ساپروفیتی در سطوح استخرهای شنا لازم است اقدامات بهداشتی مانند گندزدایی، استفاده از پاشویه، شستشوی کامل بدن با آب و صابون و کنترل و نظارت بر بهداشت به صورت مناسب و پیگیرانه صورت گیرد.

واژه های کلیدی: سطوح استخر، آلودگی قارچی، استخرهای سرپوشیده، سنج



تجزیه کاتالیستی فاضلاب حاوی سموم شیمیایی بر مبنای رادیکال های سولفات با استفاده از پرسولفات فعال شده توسط هماتیت معدنی طبیعی

بابک کاوندی؛ استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی البرز - عضو مرکز تحقیقات بهداشت-ایمنی و محیط دانشگاه علوم پزشکی البرز

نرگس صالحی طالقانی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی البرز

فاطمه علی بیگی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی البرز

Fatemehab201575@yahoo.com

زمینه و هدف : مصرف بی رویه علف کش ها در بخش کشاورزی امروزه یک تهدید جدی برای بهداشت عمومی و محیط زیست به شمار می آید. در این مطالعه فرآیند اکسیداسیون پیشرفته بر مبنای رادیکال های سولفات برای تجزیهی همزمان دو ۲،۴ علف کش ۴ - و ۲،۴-dichlorophenoxy acetic acid (Chloro-methylphenoxy acetic acid HM₂-D) - با استفاده از هماتیت طبیعی معدنی (NSM) - (MCPA) به عنوان فعال کننده موثر پرسولفات () استفاده شده است.

مواد و روش ها : مشخصات کاتالیست با استفاده از اثر برخی از EDS و XRD، FESEM، BET بر روی سیستم عملکرد PS مشخص شد. محلول، مقدار کاتالیست، دمای محلول، غلظت pH پارامترهای بهره برداری از جمله مورد بررسی قرار گرفت. همچنین بازیابی کاتالیست و آزمایشات تاثیر حضور اسکاوینرها انجام شد. PS/HM-NSM مکانیسم اکسیداسیون آلاینده ها و تولید رادیکال های فعال نیز پیشنهاد گردید.

نتایج : یافته ها نشان داد که افزایش بهره وری حذف علف کش ها به به ترتیب PS HM-NSM > HM-NSM > NSM بود. - PS/HM نقش موثری در فعال سازی پرسولفات و تخریب علف کش ها نشان داد. در تمام آزمایشات میزان حذف NSM ۲،۴ بود که می تواند ناشی از ساختار مقاوم تر MCPA کمی کمتر از ۲،۴-D باشد. در شرایط - MCPA نسبت به ۲،۴D % به ترتیب برای ۵/۷۴ درصد و ۱/۶۸ دقیقه واکنش میزان تجزیه ۱۲۰ بهینه سازی شده و در طی به - MCPA و D به طور قابل توجهی نقش داشتند و MCPA و ۲،۴-D در فرایند تخریب SO₄^{•-} و OH[•] دست آمد. هر دو رادیکال های % حاصل شد. ۳۶ رادیکال های سولفات گونه های غالب بودند. میزان معدنی سازی آلاینده ها تحت شرایط بهینه معادل **نتیجه گیری :** در مجموع تلفیق PS و HM - به دلیل فعالیت کاتالیستی بالا، جداسازی ساده و آسان و قابلیت بالا در NSM استفاده مجدد می تواند بعنوان یک روش امیدوارکننده و موثر جهت تخریب مواد آلی برای تصفیه آب و فاضلاب های آلوده به علف کش در شرایط واقعی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اکسیداسیون هتروژنیک، پرسولفات، هماتیت معدنی، تجزیه علف کش ها



بررسی کارایی نانوذرات اکسید منیزیم در حذف فنل از محیط‌های آبی

آیت حسین پناه؛ کارشناسی ارشد بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت دانشگاه

علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

سمیه طالبی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه

علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

ayatpanahi@yahoo.com

زمینه و هدف: فنل یکی از رایج‌ترین آلاینده‌های آلی در محیط‌های آبی است. حضور فنل در محیط باعث مشکلات بهداشتی چون سرطان‌زایی، ضربه‌اندام قلب و ... در انسان و سایر موجودات می‌شوند در نتیجه باید نسبت به حذف آن اقداماتی انجام شود فرایند جذب توسط نانو ذرات یکی از روش‌های موثر در حذف آلاینده‌هاست. هدف از این مطالعه بررسی کارایی نانوذرات اکسید منیزیم در حذف فنل از محلول‌های آبی بوده است.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش از نانوذرات اکسید منیزیم با اندازه ۴۳ نانومتر استفاده شد پس از تهیه محلول استوک فنل، اثر پارامترهای pH (۳-۵-۷-۹-۱۱)، زمان تماس (۱۰-۳۰-۶۰-۹۰-۱۲۰) دقیقه، دوز جاذب (۲۰، ۴۰، ۶۰، ۸۰، ۱۰۰ میلی گرم در لیتر و غلظت اولیه (۲۵-۵۰-۷۵-۱۰۰ میلی گرم در لیتر فنل مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که با افزایش pH، زمان تماس، دوز جاذب تا یک محدوده خاص و کاهش غلظت اولیه راندمان حذف افزایش یافت به طوری که در pH حدود ۱۱، غلظت اولیه ۵۰ میلی گرم در لیتر، دوز جاذب ۸۰ میلی گرم در لیتر و زمان تماس ۶۰ دقیقه راندمانی برابر ۸۱٪ داشته است. داده‌های جذب فنل بر نانو ذرات اکسید منیزیم از ایزوترم Langmuir و سینتیک pseudo- second order پیروی می‌کنند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که نانوذرات اکسید منیزیم قابلیت تقریباً بالایی در حذف فنل دارد و می‌توان از آن بعنوان جاذب در حذف فنل از محیط‌های آبی حاوی فنل استفاده کرد.

واژگان کلیدی: جذب، نانو ذرات اکسید منیزیم، فنل، محیط‌های آبی



ارزیابی کیفیت فیزیکی و میکروبی آب استخر های شنای شهر ساوه در سال ۱۳۹۶

علی فلاحتی؛ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آب و فاضلاب)، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه،

ایران Fard1400@yahoo.com

زهره زارع تیموری؛ کارشناس بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران

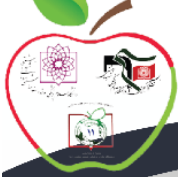
زمینه و هدف : ازدیدگاه بهداشتی آب استخرها بایستی دارای ویژگی های فیزیکوشیمیایی و میکروبی استاندارد بوده و همیشه در حد مجاز حفظ گردد. با توجه به افزایش استفاده از استخرهای شنا برای مقاصد تفریحی و درمانی مطالعه حاضر انجام شد ۶۹ با هدف بررسی کیفیت میکروبی و فیزیکی استخر های شنای شهر ساوه در سال

مواد و روش ها : مطالعه حاضر به روش مقطعی-توصیفی بوده و بر روی کیفیت آب استخر های شهر ساوه در فصول نمونه جهت انجام آزمایشات از قسمت های مختلف استخر برداشته شده و پارامتر ۱۰۶ مختلف سال صورت پذیرفت. تعداد ۶ لوله و کدورت در محل با استفاده از دستگاه های پرتابل و آزمایشات میکروبی به روش PH، های دما، کلر آزاد باقیمانده مطابق با روش های استاندارد انجام و نتایج حاصله در فصول مختلف با استاندارد ملی مقایسه شد.

نتایج : نتایج نشان داد که دما و کدورت در همه نمونه ها و مقدار کلر آزاد باقیمانده و از نمونه ها ٪ ۶۱۶۹ و ٪ ۹۹۶۶ در PH نمونه ها فاقد کلی فرم گرما پای بوده و از نمونه های آلوده نیز ٪ ۶۶ با استاندارد ملی مطابقت داشته و از نظر میکروبی به استخر مرتبط می باشد. در فصل بهار بیشترین نسبت آلودگی به آزمایشات انجام شده ٪ ۲۶۶ در قسمت جکوزی و ٪ ۶۶۱ و در زمستان کمترین مقدار گزارش شده است.

نتیجه گیری : کلر باقیمانده کمتر یک میلیگرم بر لیتر در حد کافی برای گند زدایی نمی باشد. همچنین آلودگی ۱ از بالای گزارش شده در جکوزی می تواند ناشی از دمای بالای آب حوضچه و کاهش اثر بخشی کلر آزاد باقیمانده باشد. لذا ضروریست که نحوه صحیح گندزدایی آب بخصوص در قسمت های جکوزی با توجه به افزایش مراجعین آن برای مقاصد درمانی مورد توجه قرار گیرد و توصیه می گردد جهت حفظ شرایط مطلوب آب استخر و سلامت شناگران علاوه بر کنترل کلر و دما مقدار سختی و قلیائیت آن بصورت ماهیانه پایش گردد. PH، آزاد باقیمانده

واژگان کلیدی : استخر شنا-کیفیت میکروبی-شاخص بهداشتی-ساوه



بررسی کیفیت میکروبی شبکه توزیع آب شرب مناطق روستایی شهرستان ساوه در سال ۹۶

علی فلاحتی؛ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آب و فاضلاب)، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه،

ایران Fard1400@yahoo.com

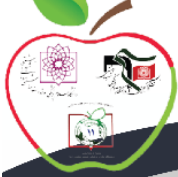
زهره زارع تیموری؛ کارشناس بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران

زمینه و هدف: تامین آب سالم و بهداشتی یکی از اهداف مهم بشری باشد. آب سالم آبی است که فاقد هر گونه آلودگی میکروبی و شیمیایی باشد. هدف از این مطالعه تعیین کیفیت میکروبی آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان ساوه در سال می باشد. ۶۹. مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- مقطعی نمونه آب از شبکه توزیع روستایی ساوه که دارای منابع ۳۵۳ تعداد، وکلر آزاد باقیمانده، دما و کدورت در محل PH تامین کننده آب توسط چاه-چشمه و قنات بود جمع آوری و پارامترهای آزمایشات انجام و نتایج با، منتقل و به روش تخمیر چند لوله ای، اندازه گیری و نمونه هادر شرایط استاندارد به آزمایشگاه مقایسه شد.

نتایج: نتایج نشان داد از نمونه ها دارای آلودگی میکروبی از نمونه ها در محدوده مجاز وکلر آزاد باقیمانده ۶۵.۹٪ در PH دما و کدورت در محدوده مجاز و می باشند. نسبت تعداد ۲۱.۲٪. از نمونه ها کمتر از حد مجاز می باشد ۹۲٪ در ۶۹.۹٪ و قنات ۲۹٪، چشمه ۱۹.۳٪ موارد آلودگی کلی فرم گرمای پای به تعداد کل نمونه در شبکه آبرسانی با منبع چاه در بهار می باشد ۱۱٪ در تابستان و کمترین مقدار با ۲۹٪ می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس رهنمود می باشد که ۹۶.۶٪، شاخص فقدان کلی فرم گرمای پای در آب روستا های ساوه WHO در رده خوب قرار می گیرد اما این شاخص و شاخص کلر آزاد باقیمانده از شاخص کشوری کمتر می باشد. شاخص های مذکور، در روستاهای غیر تحت پوشش کمتر از روستا های تحت پوشش آبفاری می باشد، لذا افزایش حساسیت در انجام کلر زنی رفع نواقص فنی و برنامه ریزی برای تحت پوشش قرار دادن همه روستاها و ارائه خدمات می تواند در تقلیل آلودگی و ارتقاء کیفیت میکروبی آب روستا ها مفید باشد.

واژگان کلیدی: آب شرب، کلی فرم مدفوعی، کلر آزاد باقیمانده، ساوه



بررسی کیفیت میکروبی آب شهرستان هفتکل و ارتباط آن با بیماری های روده ای در سال ۹۶

حدیث زمانی؛ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت و درمان، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران zamani.hd@gmail.com

مهرداد آهنگی؛ سرپرست مرکز بهداشت و درمان، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
پرستو مکوندی؛ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت و درمان، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: مطلوب بودن پارامترهای کلر باقیمانده، کلیفرم کل و باکتری های گرمای پای نشان دهنده تامین حداقل استانداردهای آب آشامیدنی می باشد که در پایش کیفی آب اهمیت فراوانی دارند. از طرفی آلودگی به انگلهای روده ای از قبیل انتاموباهیستولیتیکا، اشیریشیا کلی و ژیا ردیا در تمام نقاط دنیا وجود دارد و یکی از مشکلات اساسی بهداشتی اغلب ۳۴ کشورهای جهان است. هدف از این مطالعه، بررسی میزان کلر باقی مانده و کیفیت میکروبی آب شهرستان هفتکل و روستای آن از نظر کلیفرم کل و کلیفرم گرمای پای و ارتباط آن با بیماری های روده ای می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه ی توصیفی _ مقطعی ۵۲۷۸ انجام شد. در این تحقیق ۶۴۳۱ حاضر در شهرستان هفتکل در سال نمونه مدفوعی از آزمایشگاه های این شهرستان در طول ۴۷۵۳ نمونه برداری میکروبی آب انجام شد. همچنین ۴۷۳ کلرسنجی و یک سال بصورت سرشماری جمع آوری شد و تمامی نمونه های حاوی انگل های روده ای مورد بررسی قرار گرفت و داده ها مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه حدود درصد از مراجعه کنندگان مبتلا به انگل های روده ای بودند. میزان آلودگی به هر یک از انگل ها ۴ درصد می باشد. به طور کلی میزان بیماری در فصل ۳۳/۳ و انتاموباهیستولیتیکا ۵/۶، ژیا ردیا ۳/۶ به قرار زیر بود: اشیریشیا کلی درصد می باشد. از طرفی درصد مطلوبیت کلر باقی مانده به ترتیب ۱/۳ و ۶۱/۶، ۶۳/۳، ۶/۳ های مختلف به ترتیب فصول سال درصد بدست آمد. همچنین درصد مطلوبیت نمونه برداری میکروبی آب به ترتیب فصول سال ۳۳، ۸/۳۴، ۸/۳۷، ۸/۵۵ فصول سال درصد می باشد.

نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن بود که اواخر بهار و اوایل تابستان بیشترین درصد بیماری های روده ای و کمترین درصد مطلوبیت آب و همچنین فصل زمستان کمترین درصد بیماری های روده ای و بیشترین درصد مطلوبیت آب را دارا بودند. با توجه به اینکه کل شهرستان هفتکل از یک تاسیسات آب، آبرسانی می شود لذا رعایت هرچه بیشتر استانداردهای جهانی آب و همچنین ادامه روند ارتقاء سطح بهداشت جهت کاهش بیشتر انگل ها بخصوص ژیا ردیا لامبلیا توصیه میشود.

واژگان کلیدی: آلودگی میکروبی، کلر باقی مانده، بیماری های روده ای، هفتکل



Human Health Risk Assessment of Chromium in Drinking Water: Birjand, Iran

Fatemeh Sahlabadi: Students` Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Akbar Eslami: Environmental and Occupational Hazards Control Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran aeslami@sbmu.ac.ir

Nadali Alavi: Environmental and Occupational Hazards Control Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Taher Shahriari: Social Determinants of Health Research Center AND Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

Background and Aim: The aim of this study is to evaluate the human health risk of Cr (VI) and Cr(III) in different age categories via oral and dermal exposure of drinking water in groundwater samples in the city of Birjand.

Materials and Methods: Two hundred and twenty-four groundwater samples were collected from 28 wells in the city of Birjand to determine the Cr_T and Cr (VI) concentrations. The risk assessment of each categories was carried out using mathematical models as per IRIS guidelines and the input parameters were taken according to the EPA and WHO context.

Results: Maximum Concentration of Cr_T and Cr (VI) that was considered to estimate human health risk assessment were 0.2116 and 0.1904 mg/ L respectively. The obtained results revealed that as age increases, the total cancer risk (dermal and oral) increases, so that the lowest and highest carcinogenic risk is in infants and in the adults, respectively. While, the highest total non-carcinogenic risk was observed in people under 14 years of age and the maximum non-carcinogenic risk of adults was lower (approximately 4 times lower) than them. The results showed that the cancer risk and non-cancer risk via dermal exposure in infants was higher than the cancer risk and non-cancer risk via oral exposure, but in other groups, the oral cancer risk was higher than the dermal cancer risk.

Conclusion: The results of this analysis suggest to use cost-effective methods to remove the Cr(VI) before its utilization for drinking purposes.

Keywords: Chromium, Birjand, Groundwater, Risk assessment



بررسی کارایی روش اولتراسونیک در حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ از محیط های آبی

سعید هادی نسب؛ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
hadinasab@bums.ac.ir

بهنام باریک بین؛ دانشیار، عضو مرکز تحقیقات سلامت خانواده و محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

محمد هاوونگی؛ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

زمینه و هدف: مقدمه و هدف: در طی سال های اخیر، رنگ های راکتیو، به دلیل کارایی ویژه به طور گسترده در صنایع نساجی مورد استفاده قرار گرفته اند؛ اما تخلیه پساب های حاوی چنین رنگ هایی به منابع آبی، به دلیل ویژگی های سرطان زایی، جهش زایی، ماهیت سمی و ایجاد رنگ در آب، می تواند آثار زیانباری بر محیط طبیعی بر جای گذارد. مطالعه حاضر، با هدف بررسی کارایی اولتراسونیک در حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ از محلول های آبی انجام پذیرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه تجربی، اثر پارامترهای مختلف بهره برداری از قبیل pH (۱۲-۲)، غلظت اولیه (۲۰-۲۰۰ میلی گرم در لیتر)، زمان تماس (۹۰-۱ دقیقه)، دما (۵۰-۲۰ درجه سانتیگراد) و فرکانس (۳۰ و ۵۰ کیلوهرتز) مورد مطالعه قرار گرفت. **نتایج:** نتایج حاصله از آزمایش نشان داد که میزان حذف رنگ در فرکانس ۵۰ کیلوهرتز با غلظت برابر ۲۰ میلی گرم در لیتر و pH برابر با ۳ در مدت زمان ۶۰ دقیقه بیشترین درصد معادل ۸۴/۵۶ را نشان می دهد و کمترین میزان حذف رنگ راکتیو قرمز در فرکانس ۳۰ کیلوهرتز با غلظت برابر ۲۰۰ میلی گرم در لیتر در pH برابر با ۱۲ و زمان ماند ۱ دقیقه که برابر ۳۵/۲۹ می باشد.

نتیجه گیری: فرایند اولتراسونیک، از توانایی مطلوبی در حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ از محلول های آبی و فاضلاب های صنعت نساجی برخوردار است.

واژگان کلیدی: رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸-اولتراسونیک صنایع نساجی

بررسی مقایسه کارایی حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ در حضور و عدم حضور نانو ذرات اکسید روی تثبیت شده بر کیتوزان در محیط های آبی

سعید هادی نسب؛ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
hadinasab@bums.ac.ir

بهنام باریک بین؛ دانشیار، عضو مرکز تحقیقات سلامت خانواده و محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

محمد هاوونگی؛ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

زمینه و هدف: در طی سال های اخیر، رنگ های راکتیو، به دلیل کارایی ویژه به طور گسترده در صنایع نساجی مورد استفاده قرار گرفته اند؛ اما تخلیه پساب های حاوی چنین رنگ هایی به منابع آبی، به دلیل ویژگی های سرطان زایی، جهش زایی، ماهیت سمی و ایجاد رنگ در آب، می تواند آثار زیانباری بر محیط طبیعی بر جای گذارد. در این مطالعه کارایی بستر تهیه شده از کیتوزان و نانو اکسید روی در حذف رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ از محلول های آبی انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه تجربی و در سیستم ناپیوسته انجام شد. کیتین از پوسته شاه میگو استخراج و سپس سنتز کیتوزان انجام و نانو اکسید روی بر کیتوزان تهیه شده تثبیت شد. سپس اثر متغیرهایی مانند pH (۱۲-۲)، غلظت رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸ (۵۰-۱۰ mg/l)، زمان تماس (۵-۱۲۰ min) و میزان جرم جاذب (۳-۰/۱ gr) مطالعه شد. جهت بررسی مشخصات ماده سنتز شده تکنیک های تشخیصی SEM، FT-IR، XRD و BET مورد بررسی قرار گرفت و ایزوترم، ترمودینامیک و سینتیک فرآیند جذب بررسی شد.

نتایج: حداکثر q_e کیتوزان، نانو اکسید روی و بستر تثبیت شده به ترتیب برابر ۸۳/۶۰، ۹۸/۷۲ و ۱۱۳/۲۵ mg/g است. حداکثر q_e در pH=۳ و در مدت زمان ۹۰ دقیقه و در دوز جاذب ۰/۲ gr/l مشاهده شد. نتایج آزمون XRD و FT-IR حاکی از سازگاری مناسب بین دو جزء تشکیل دهنده بستر و تطبیق با مدل ایزوترم لانگمویر برای بستر تهیه شده بود. فرایند جذب به طور غالب به صورت فیزیکی انجام گرفته است. ترمودینامیک تغییرات آنتروپی استاندارد و تغییرات آنتالپی استاندارد مثبت بوده و مقادیر انرژی آزاد استاندارد گیبس منفی بود که نشان دهنده خود به خودی و گرماگیر بودن فرایند جذب می باشد. همچنین سینتیک فرایند از مدل شبه درجه دوم تبعیت می کند.

نتیجه گیری: طبق نتایج واصله از این مطالعه، ظرفیت جذب کیتوزان بالا می باشد. استفاده از این جاذب با توجه به ظرفیت جذب بالا و مزایای فراوان در حذف رنگ ری اکتیو قرمز ۱۹۸ می تواند بعنوان یک جاذب مناسب در حذف این آلاینده به کار رود.

واژگان کلیدی: رنگ راکتیو قرمز ۱۹۸، کیتوزان، نانو اکسید روی، ترمودینامیک، ایزوترم، سینتیک



Removal of Cyanide from Hazardous Waste by Iron Nanoparticles

Ahmad Allah Abadi: Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Public Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.

Mohammad Hossien Saghi: Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Public Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.

Abolfazl Rahmani Sani: Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Public Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.

Hamideh Behrouzikhah: department of environmental engineering, graduate faculty of environment, Tehran university, Tehran, Iran

Shahram Sadeghi: Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Background: One of the most important environmental pollutants that there is in sewage of different industrials is cyanide to cause pollution of water sources that are dangerous to humans and the environment. Cyanide can be removed in different ways from the aqueous media, but most of these methods are costly. Therefore, the aim of this study is the remove cyanide using iron nanoparticles.

Material and Methods: Remove cyanide from aqueous media using iron nanoparticles in various conditions including the effect of the adsorbent, initial cyanide concentration, contact time and pH were studied in discontinuous phase. In this study, adsorption equilibrium and also the kinetics of the reaction examined.

Results: In the process of sharing discontinuous, the balance was achieved after 120 minutes of contact time and maximum amount of removal cyanide in the pH 5 to 9 for cyanide concentration of 1 mg/L obtained. Also the results showed that the adsorption obeys Langmuir isotherm and kinetic of experiments obeys of secondary grade.

Conclusion: According to the findings, iron nanoparticles can be used as a suitable option due to the substantial reduction of it's to reduce the level of cyanide from aqueous media in areas where there is arsenic problem.

Keywords: *iron nanoparticles, cyanide, hazardous waste*

حضور ترکیبات سرطان‌زا در آب

اکبر اسلامی؛ دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
نگین رضائی ارشد؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: آب یک عنصر اساسی در بدن موجودات زنده است و کمبود آن اثرات زیان‌آوری برای سلامتی به دنبال دارد. امروزه، این ماده حیاتی در اثر ورود انواع آلاینده‌ها از قبیل نیترات، فلزات سنگین و آفت‌کش‌ها به آن آلوده شده است و خود می‌تواند منجر به بیماری یا حتی مرگ انسان و سایر موجودات زنده شود. مهم‌ترین علت ایجاد این آلودگی، فعالیت‌های انسانی و ورود رواناب کشاورزی و فاضلاب شهری و صنعتی به منابع آب سطحی یا زیرزمینی است. این پژوهش به منظور تعیین تعدادی از مهم‌ترین آلاینده‌های آب که می‌توانند منجر به بیماری سرطان شوند، انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مروری بوده و بدین منظور مطالعات انجام شده توسط سازمان جهانی بهداشت، آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا و همچنین مقالات منتشر شده در همایش‌های کشورهای بهداشت محیط و مجلات علمی-پژوهشی از طریق موتورهای جست‌وجو و نیز پایگاه داده SID.ir مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: حضور آلاینده‌های نیترات، آرسنیک، کروم، کادمیوم، آفت‌کش‌ها، حلال‌ها، ترکیبات آلی فرار و فراورده‌های جانبی گندزدایی در مقادیر بیش از حد مجاز تعیین شده توسط سازمان‌های معتبر جهانی (نظیر سازمان جهانی بهداشت و آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا) می‌تواند احتمال ابتلا به انواع سرطان‌ها را در انسان افزایش دهد. در برخی مناطق جهان، غلظت متوسط این مواد در منابع آبی کمتر از حدی است که اثرات مزمن در پی داشته باشد؛ در حالی که در برخی نقاط دیگر، غلظت‌های بالایی از آن‌ها گزارش شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه در مواردی دریافت این آلاینده‌ها از طریق هوا و غذا نیز می‌تواند اثرات آن‌ها را در بدن تشدید نماید، لذا ضروری است که با استفاده از روش‌های مهندسی با راندمان بالا، نسبت به حذف آن‌ها از آب آشامیدنی اقدام شود. به علاوه، در مطالعات و آزمایشات انجام گرفته در ایران، به آلاینده‌هایی مانند حلال‌ها کمتر پرداخته شده و لازم است جهت اندازه‌گیری غلظت آن‌ها در آب و تعیین بهترین روش‌های حذف اقداماتی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آب آشامیدنی، آلاینده‌ها، سرطان، رهنمودها



بررسی مدیریت پسماندهای بیمارستانی

فاطمه واعظ؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران Md76523@gmail.com

میلاذ غریب؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسمزاده؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: پسماندهای بیمارستانی بعد از پسماندهای هسته ای خطرناکترین پسماندها هستند، بنابراین مدیریت پسماندهای بیمارستانی به علت پتانسیل عفونت زایی آنها اهمیت دارد که عدم توجه به آن سلامت محیط زیست را به خطر می‌اندازد. بررسی مدیریت پسماندهای بیمارستانی کشور و ارائه پیشنهاداتی جهت بهبود شرایط موجود هدف از این مقاله می باشد.

مواد و روش ها: در این مقاله مروری، از پایگاه اطلاعاتی با google scholar و موتور جستجوگر SID, Pubmed, Magiran مقاله با کلیدواژه های پسماندهای بیمارستانی، مدیریت پسماندها اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد، که در مجموع از ۴۲ انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفت.

نتایج: پسماندهای عفونی به طور میانگین ۲۱ درصد از پسماندهای بیمارستانی را تشکیل می دهند. تفکیک پسماندها در بیشتر بیمارستان ها انجام می شد و جمع آوری پسماندها از همه بیمارستان ها به طور دقیق صورت میگرفت، فقط پسماندهای غیرعفونی در همه بیمارستان ها به ماموران شهرداری تحویل داده میشد و در برخی پسماندهای عفونی با سوزاندن بی خطر می شدند. به طور کلی بیمارستان ها در مدیریت پسماندها ضعیف عمل میکردند به طوری که در جمع آوری عملکرد مناسبی داشتند ولی در دفع ضعف های شدیدی احساس میشود.

نتیجه گیری: بالابردن آگاهی مدیران و پرسنل از معضلات پسماندهای بیمارستانی در سمینارهای مختلف و ایجاد انگیزه برای مدیریت پسماندها ضروری خواهد بود و در کنار آن اتوکلاو و استریل کردن با بخار و سپس دفن پسماندها میتواند صدمات ناشی از این پسماندها را به شدت کاهش داد.

واژگان کلیدی: پسماند، عفونت، آگاهی، مدیریت



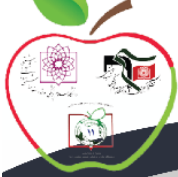
مکان یابی بهینه دفن پسماند شهری با استفاده از فرایند تحلیل شبکه ANP در محیط GIS، مطالعه موردی: شهرستان کوهدشت

رسول نصیری؛ دانشجویان کارشناسی ارشد رشته بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
nasirirasul@gmail.com

سعید متصدی زرنندی؛ عضو هیئات علمی گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دفن بهداشتی پسماندهای شهری با رعایت اصول محیط زیستی و در راستای توسعه پایدار از ضرورت های عصر حاضر است. در این تحقیق از لایه های اطلاعاتی متعدد نظیر نقشه شیب منطقه، نقشه پوشش اراضی، نقشه خطوط ارتباطی، لایه فاصله از مراکز شهری و روستایی، نقشه زمین شناسی، نقشه شبکه آبهای سطحی، و ... برای مکانیابی محل های دفن پسماند (تعیین مکان های بهینه دفن) شهرستان کوهدشت استفاده شده است. بدین منظور از برای تولید و تجزیه و تحلیل نقشه ها استفاده گردید. GIS ابزار توانمند طی این فرایند، ابتدا نقشه های مربوط به هر یک از شاخص های طبیعی و انسانی مورد استفاده تهیه شد. در مرحله بعد وزنهای هر یک از طبقات در محیط نرم افزار ANP معیارهای مورد بررسی که با استفاده از روش و محاسبه و تمام معیار ها و نقشه های آنها بر اساس وزن Super Decision های اکتسابی در هر یک از دو روش بصورت جداگانه طبقه بندی شدند. در مرحله بعد وزن هر معیار نیز بر اساس ارزش هر یک از آنها به صورت مقایسات زوجی و به همان شیوه محاسبه و ضرایب ناسازگاری (که باید کمتر باشد) برای هر یک از آنها نیز مشخص گردید. نواحی دارای محدودیت ۱/۰ از برای دفن که دارای ارزش برابر صفر می باشند نیز از هر یک از نقشه هایی که دارای مناطقی با چنین شرایطی بودند استخراج و برای آن یک نقشه جداگانه به اسم لایه محدودیت تهیه شد. سپس با استفاده از توابع تحلیلی، کل محدوده در هر یک از معیارهای تعیین شده پهنه بندی گردید. بعد از این مرحله، عملیات استاندارد سازی لایه ها و عملیات تلفیق لایه ها انجام شد. پس از آن با تلفیق نقشه های بدست آمده در عوامل طبیعی، مکان های مناسب جهت دفن ANP و انسانی بر اساس وزن اکتسابی در مدل زباله در استان با توجه به معیار های مورد بررسی پهنه بندی و مشخص شد.

واژگان کلیدی: مکانیابی، دفن بهداشتی پسماند، کوهدشت GIS، ANP



مروری بر میزان آگاهی، نگرش و دانش مردم از نحوه صحیح مدیریت مواد زائد داروهای تاریخ گذشته و غیر قابل استفاده

زهرا رهنما برگرد؛ دانشجوی کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط و حرفه ای دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی؛ دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فاطمه کریمی نژاد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط و حرفه ای دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. Kariminezhadf3@mums.ac.ir

سمانه کریمی زارچی؛ کارشناس ارشد، مهندسی آب و فاضلاب، دانشگاه آزاد واحد شمال تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف : دفع نامطلوب مواد زائد دارویی میتواند سبب بروز مخاطرات جدی زیست محیطی در آبهای سطحی، زیر زمینی و زندگی آبزیان گردد. از آنجا که بخش وسیعی از این مواد زائد در خانه ها دفع میشود، میزان آگاهی افراد از خطرات و استفاده از روش دفع مناسب بسیار مهم و ضروری است. این تحقیق با مروری بر مطالعات انجام شده، میزان آگاهی، نگرش و دانش مردم نسبت به خطرات زیست محیطی، روش های مناسب دفع، تاثیر پارامترهای مختلف دیگر مانند جنسیت، سن، میزان تحصیلات و... را مورد بررسی قرار داده و تاثیر گذارترین روشهای اطلاع رسانی از دید افراد را معرفی می کند.

مواد و روش ها : جستجوی مقالات از پایگاه های مختلف تحقیقاتی آنلاین مانند Scince direct, Google Scholar, Pubmed و... انجام گردید. بر این اساس در مرحله اول تعداد ۸۵ مقاله انتخاب و با بررسی کیفیت مطالعات بر اساس روش طراحی مطالعه، اندازه نمونه، قدرت آماری مطالعه، در نظر گرفتن عوامل مخدوش کننده، در دسترس بودن داده های مورد نیاز تعداد نهایی ۶۴ مقاله در بخش نهایی مورد بررسی و آنالیز قرار گرفت. جهت آنالیز آماری اطلاعات از نرم افزار Excel 2010 و SPSS 16 استفاده گردید.

نتایج : نتایج حاصله نشان داد رابطه معناداری بین سطح تحصیلات و میزان آگاهی افراد وجود دارد ($Pvalue=0.001$). اگرچه این رابطه در مورد جنسیت ($Pvalue=0.08$) و سن ($Pvalue=0.12$) مشاهده نشد. بالغ بر ۶۵٪ مردم از خطرناک بودن دفع نامناسب به محیط زیست و مخاطرات آن آگاهی داشتند، اما تنها ۳٪ افراد با روش مناسب دفع آشنایی داشتند. همچنین بهترین روش اطلاع رسانی بترتیب، فضای مجازی (۴۱٪)، تلویزیون و رسانه های عمومی (۳۵٪) و درج بر روی بسته کالا (۱۳٪) و روزنامه (۵٪) بود. لازم به ذکر است، فقر مطالعات داخلی در این زمینه بسیار محسوس بود.

نتیجه گیری : اگر چه ارتباط معناداری بین میزان اطلاع افراد از مخاطرات زیست محیطی و انتخاب روشهای مناسب دفع وجود نداشت، اما نتایج حاصله نشان داد اطلاعات افراد از چگونگی دفع مناسب این مواد دارویی بسیار پایین بوده و نیاز به برنامه ریزی های عملیاتی مهمی توسط سازمان ها و ارگان های مربوطه دارد.

واژگان کلیدی : مواد زائد دارویی، مدیریت مواد زائد، داروهای دور ریختنی



بررسی کیفیت میکروبی و شیمیایی منابع آب شرب، کشاورزی و صنعتی شهر گلکان و مقایسه آن با استانداردهای ملی و جهانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰

بتول محب راد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
اکرم جعفری زاده؛ دانشجوی کارشناسی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فاطمه عبدالهی؛ دانشجوی کارشناس، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فاطمه کریمی نژاد؛ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط و حرفه ای دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. Kariminezhad3@mums.ac.ir
سمانه کریمی زارچی؛ کارشناس ارشد، مهندسی آب و فاضلاب، دانشگاه آزاد واحد شمال تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف : ویژگی های شیمیایی و میکروبی منابع آب، به دلیل عدم قضاوت با چشم ظاهری از پارامترهای مهم بهداشت آب و مبنای قضاوت قابل شرب بودن آن است. با توجه به ضروری پایش مداوم کیفیت آب شبکه های آبرسانی و عدم وجود تحقیقات کافی، مطالعه ی حاضر با هدف بررسی کیفیت شیمیایی و میکروبی منابع آب شرب، کشاورزی و صنعتی شهر گلکان و مقایسه آن با استانداردهای ملی و بین المللی انجام شد .

مواد و روش ها : این مطالعه به صورت مقطعی و در بازه زمانی بر روی کلیه منابع آب زیر زمینی شهر ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ گلکان انجام و نقاط نمونه برداری توسط بازدیدهای میدانی مشخص گردید .کلیه آزمایشات طبق دستورالعمل استاندارد متد انجام شد. سایر اطلاعات مورد نیاز مانند اطلاعات هواشناسایی، نحوه نگهداری و انتقال آب نیز از سازمانهای مربوطه و رسم نمودارهای شولر (آب آشامیدنی)، ویلکوکس (آب Excel ۲۰۱۳ استخراج شد. نتایج حاصله توسط نرم افزار کشاورزی) ولانژلیه و ریزنر (آب صنعتی) آنالیز شد.

نتایج : شهر گلکان با متوسط بارندگی سالیانه میلیمتر درصد طبق روش آمبرژه جزء مناطق ۱۵ میلیمتر و رطوبت نسبی ۴۱۳ است. آنالیز ۱۲۲ خشک و سرد طبقه بندی می گردد. کل آب سالیانه حاصل از ذوب برف در منطقه مورد نظر برابر شیمیایی نمونه ها طبق روش شولر برای منابع آب زیرزمینی شرب در محدوده ی خوب و طبق روش ویلکوکس، کیفیت C شیمیایی منابع آب کشاورزی را در کلاس و جزء آبهای خوب بودند. آنالیز های شیمیایی جهت استفاده در صنعت ۱۵۲ میلی لیتر تمامی نمونه ۱۱۱ در Ecoli نشان داد کلیه منابع آبی خورنده هستند. همچنین آنالیزهای میکروبی عدم حضور ها را نشان داد.

نتیجه گیری : نتایج حاصل از مطالعه و مقایسه با استانداردهای ملی و جهانی حاکی از کیفیت مطلوب منابع آب زیرزمینی شهر گلکان از لحاظ شیمیایی و میکروبی را دارد. اگر چه بازدیدهای میدانی نشان میدهد اکثر منابع آبی در پایین دست مناطق مسکونی واقع هستند و لذا احتمال آلودگی آنها با فاضلاب ها وجود دارد. بر این اساس پایش مکرر و طولانی مدت، حصار کشی اطراف چاه ها و چشمه ها و اجرای برنامه ایمنی آب از مهمترین اقداماتی است که میتوان برای حفاظت منابع آبی انجام داد.

واژگان کلیدی : آب شرب، آب زیر زمینی، شبکه توزیع، کیفیت شیمیایی، کیفیت میکروبی



Assessment of the sanitation and health level in the Mashhad food production and distribution centers covered by health center No. 3 in the Ramezan escalation plan – 2017

Fatemeh Kariminejad؛ MSc Environmental Health Engineering, Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Zohreh Rahnama Bargard؛ MSc Student in Environmental Health Engineering, Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran Rahnamabz951@mums.ac.ir

Mahnaz Kharghani ؛MSc Student in Environmental Health Engineering, Student Research Committee, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran.

Samaneh Karimi Zarchi ؛MSc Water and Wastewater Engineering, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

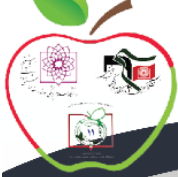
Background and Aim: Nutrition is one of the most effective factors for establishment of health. Nowadays, eating away from home is becoming more common and different kinds of food production and distribution centers are growing even more rapidly. Unsanitary health environmental conditions in these centers may cause different types of diseases. Therefore, it is necessary that production, keeping and distribution steps be according to health regulations; especially in tourist and pilgrimages cities and special occasion days such as Ramezan holy month. Accordingly, this study assessed the status of the sanitation and health level in the Mashhad food production and distribution centers covered health center No. 3 in the Ramezan escalation plan.

Materials and Methods: This research was a cross-sectional descriptive study and the non-probable purposive sampling method was used. The environmental health inspection reports of the food production and distribution centers covered by health center No.3 during May and June 2017 were collected and summarized. Eventually the data was analyzed using Excel 2010 .

Results: The research area covers 15214 food production and distribution units which 4652 visits was performed during the study. Of these number visits, 189 critical flaws, 204 referrals to the responsible person, 31 closures and 1522 issued health card were recorded. From the view point of the assess the quality of the used oil, iodine survey, surface microbial infiltration, color and essential oil, 69.1% 92.98%, 76.19% and 78.3% of the evaluated cases were in inappropriate health level respectively.

Conclusion: According to the present study's results, the environmental health situation of the food production and distribution centers is far from the national standards and guidelines. Correction of the attitude, sanitation, training, regular health control and surveillance and sanitation engineering principles are necessary for promotion of environmental health situation in these centers.

Keywords: Health status, Environmental health, Mashhad, Food, Sanitation



بررسی میزان حضور کلیفرم در آب های آشامیدنی بطری شده، عرضه شده در سطح شهر ساری در سال ۱۳۹۶

ذبیح الله یوسفی؛ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران،
ساری ایران

علیرضا علا؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

معصومه اسلامی فر؛ کارشناسی ارشد میکروبیولوژی، آزمایشگاه میکروبیولوژی، گروه مهندسی بهداشت
محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

زمینه و هدف: امروزه در بسیاری از کشورهای جهان از آب های بطری شده به علت هزینه نسبتاً پایین طعم بهتر، میکرو ارگانیزم ها به علت، سهولت دسترسی و کم بودن میزان ناخالصی ها استفاده می شود. در شرایط نامطلوب نگهداری هیدروفوب بودن و چسبندگی به بطری ها و در نتیجه افزایش فعالیت لیپولیتیک می توانند منجر به بروز تغییرات نامطلوب رنگ، مزه و بو شده و در موارد شدید تر، بار آلودگی میکروبی ممکن است سبب غیر قابل مصرف شدن آب و حتی بروز طغیان های میکروبی شود. در این مطالعه می خواهیم حضور و یا عدم حضور کلیفرم را در مقطع زمانی پیش رو، در تعدادی از مارک های آب بطری شده مورد بررسی قرار دهیم.

مواد و روش ها: کیفیت میکروبی مارکر آب های بطری شده موجود در بازار شهر ساری به صورت تصادفی در فصل ۱۰ P) نمونه مورد بررسی قرار گرفت. با روش آزمایش حضور و غیاب کلیفرم ۳ و از هر مارک ۹۶ بهار - Coliform Test (A) مقایسه گردید. نتایج با استانداردهای ملی و رهنمودهای WHO مورد آنالیز قرار گرفتند.

نتایج: نتایج حاکی از عدم آلودگی میکروبی نمونه ها بود. یافته ها حاکی از آن بود که باکتر های گروه کلی فرم و کلی فرم مدفوعی در هیچ یک از نمونه ها وجود نداشت. در نهایت با توجه به این نتایج، تمامی موارد با استانداردهای ملی و رهنمودهای WHO مطابقت داشت.

نتیجه گیری: افزایش شاخص های بهداشتی اماکن و مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی، نگهداری در شرایط بهداشتی و تمهیداتی که خصوصاً در سال های اخیر در زمینه سلامت آبهای بطری شده اندیشیده شده، باعث شده است تا از مشکلات در این زمینه به میزان زیادی کاسته شود.

واژگان کلیدی: کلیفرم-آب های بطری شده -آزمایش حضور و غیاب



بهینه سازی فرایند الکتروپرسولفات در تجزیه تتراسایکلین با کمک روش سطح پاسخ

سارا کریمی، هاله احمدنیا، مریم مصرقانی

زمینه و هدف: تتراسایکلین آنتی بیوتیک وسیع الطیف می باشد که بدلیل فعالیت ضد میکروبی اش به صورت گسترده، در صنایع دامی و درمان عفونت مورد استفاده قرار می گیرد و در صورت تخلیه بدون هیچ محدودیتی در محیط آبی به علت اثر تجمعی اش باعث ایجاد خطرات بالقوه می گردد. هدف این مطالعه مدل سازی فرایند الکتروپرسولفات در تجزیه تتراسایکلین از محیط آبی است.

مواد و روش ها: فرایند الکتروپرسولفات در یک راکتور ناپیوسته الکتروشیمیایی در مقیاس آزمایشگاهی مجهز به یک منبع برق مستقیم مورد استفاده قرار گرفت. مخزن از صفحات پلکسی گلس به شکل مکعب مستطیل حاوی ۴ عدد الکترود آهنی مدادی با فاصله ۱/۳ cm در داخل مخزن قرار گرفت. تاثیر پارامترهای بهره برداری (متغیرهای مستقل شامل نسبت غلظت پرسولفات به پرکسید هیدروژن، غلظت پرکسید هیدروژن، pH اولیه واکنش) در حذف تتراسایکلین به عنوان متغیر پاسخ مورد مطالعه قرار گرفت. جهت طراحی آزمایشات و شرایط بهینه از طرح مرکب مرکزی (CCD) و روش سطح پاسخ و تحلیل مدل پیشنهادی به روش آنالیز واریانس ANOVA انجام شد.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد pH اولیه واکنش و نسبت غلظت پرسولفات به پرکسید هیدروژن بیشترین تاثیر را در کارایی حذف تتراسایکلین دارد. بطوریکه ۹۳/۵٪ حذف تتراسایکلین در شرایط بهینه پارامترهای موثر بر فرایند: دانسیته جریان^۲ ۴۰ mA/cm، pH برابر ۴، نسبت غلظت پرسولفات به پرکسید هیدروژن برابر ۱/۳۳ بدست آمد. ضریب تعیین ۰/۹۸ نیز تطابق بالای نتایج آزمایشگاهی با مقادیر پیش بینی شده حاصل از مدل را نشان داد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده، فرایند الکتروپرسولفات برای تجزیه تتراسایکلین می تواند به عنوان یک روش موثر و نویدبخش جهت تصفیه ترکیبات مقاوم به تجزیه بیولوژیکی استفاده شود. این تکنولوژی کارآمد، باعث بهبود قابلیت تصفیه پذیری زیستی فاضلاب بیمارستانی نیز می شود.

واژگان کلیدی: الکتروپرسولفات، پرکسید هیدروژن، تتراسایکلین، فاضلاب بیمارستانی، RSM



بررسی اثرات آلودگی هوا بر نتایج بارداری و جنینی بارداری

سارا آقاخانی زیلابی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی جندی شاپور اهواز

غلامرضا گودرزی، استادیار مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مقدمه: آلودگی هوایی از مشکلات مهم شهرهای بزرگ و صنعتی است و یکی از عوامل تهدید کننده سلامت انسان ها در قرن اخیر می باشد. خطرات بالقوه آلودگی هوا، جمعیت انسانی را در مقیاس گسترده ای تحت تاثیر قرار داده است و بیشترین آنها نیز متوجه افراد پرخطر شامل: افراد مسن، کودکان، مادران باردار و جنین می باشد. مطالعات نشان داده است که بین آلودگی هوا و کاهش وزن یا قد هنگام تولد ارتباط معناداری وجود دارد. لذا هدف از این مطالعه بررسی اثرات آلودگی هوا بر سلامت جنین می باشد.

روش کار: این مطالعه مروری با جست و جو در موتور جست و جوی Google scholar و پایگاههای اطلاع رسانی pubme, sid, magiran با کلیدواژههای آلودگی هوا، نتایج بارداری، سلامت جنین طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ انجام شد در این مطالعه از مقالات پژوهشی و تحلیلی بهره گرفته شده است .

نتایج: مطالعات نشان می دهد که سطوح بالای آلودگی هوا، خطر ناهنجاری دیواره ی بین بطن های قلب را ۱/۶۸ برابر افزایش می دهد و همچنین افزایش آلودگی هوا باعث کاهش وزن هنگام تولد ($R=-0/53$ و $P<0/001$) و افزایش تاخیر رشد داخل رحمی می شود. تاثیر نامطلوب آلودگی هوا بر نتایج بارداری نشان می دهد که مواجهه با هوای آلوده، خطر ابتلا به پره اکلامپسی و فشارخون بارداری را افزایش می دهد.

نتیجه گیری: مطالعات انجام داده اند که هوای آلوده باعث افزایش نتایج نامطلوب بارداری و جنینی بارداری می شود. لذا توصیه می شود مسئولین امر در خصوص راهکارهای کاهش آلودگی هوا، اقدام کرده و همچنین مراقبین بهداشتی آموزش، تنفس در هوای پاک در دوران بارداری را در دستور کار خود قرار دهند. همچنین انجام مطالعات گسترده تر در این زمینه توصیه می شود.

کلیدواژه: آلودگی هوا، نتایج بارداری، سلامت جنین



ارزیابی بهترین روش درونیابی در پهنه بندی خوردگی و رسوب گذاری آب روستاهای بجنورد با استفاده از GIS

سید مهدی قاسمی، اکبر اسلامی، علی پاسبان، رضا قربانپور

زمینه و هدف : یکی از مواردی که باعث مشکلات بهداشتی و اقتصادی در شبکه توزیع آب آشامیدنی میشود، خوردگی و رسوب گذاری آب می باشد. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی خوردگی و رسوبگذاری، تعیین بهترین روش درون یابی و سپس پهنه بندی آب روستاهای بجنورد در سال ۱۳۹۴ می باشد.

مواد و روش ها : برای این منظور در ابتدا شاخص های لانژلیه (LSI)، رایزنر (RSI)، پورکورپوس (pi) و تهاجمی (AI) محاسبه شده است. سپس برای هریک از این شاخص ها با استفاده از روش اعتبار سنجی متقابل، بهترین روش درونیابی انتخاب و با استفاده از روش GIS پهنه بندی گردیده است.

نتایج : نتایج نشان داد که روش RBF بهترین روش درونیابی می باشد و میزان خوردگی و رسوبگذاری آب روستاهای مختلف با استفاده از شاخص های مختلف متفاوت می باشد. به طور کلی می توان گفت که میزان خوردگی و رسوبگذاری به ترتیب در جنوب غربی و شمال بجنورد نسبت به بقیه نقاط بیشتر می باشد.

نتیجه گیری : باید با روش های مختلف از جمله تنظیم pH آب نسبت به کنترل خوردگی و رسوبگذاری آب اقدام کرد.

واژگان کلیدی : درونیابی، خوردگی، رسوبگذاری، آب بجنورد، Gis



بررسی تکنولوژی ضد عفونی اشعه ماوراء بنفش در سیستم های رطوبت ساز

بابک رضایی افشار

زمینه و هدف : تلفات محصولات کشاورزی و دامداری در هنگام نگهداری و پرورش آنها می تواند یکی از مهمترین عوامل موثر بر زنجیره تامین مواد غذایی در ایران باشد. رطوبت سازهای التراسونیک می تواند این تلفات را کاهش دهد. مطالعات پیشین نشان می دهد این نوع از رطوبت سازها می تواند تا ۲۴ درصد این تلفات را در مراحل مختلف کاهش دهد. از طرفی به دلیل استفاده از آب های تصفیه نشده در دامداری ها و گلخانه های کشور این دستگاه ها می توانند به عنوان یک عامل گسترش میکروارگانیسم ها در محیط های کشاورزی و دامی مطرح شوند

مواد و روش ها : در این مقاله به بررسی استفاده از یک سامانه رطوبت ساز التراسونیک که عمل ضد عفونی آب در آن توسط یک تیوب حاوی لامپ اشعه ماوراء بنفش انجام می شود پرداخته ایم . این سیستم صرفا با استفاده از انرژی الکتریکی و بدون افزودن مواد شیمیایی عمل حذف میکروارگانیسم ها از آب را انجام خواهد داد.

نتایج : سیستم مذکور می تواند آلودگی ها و میکروارگانیسم های موجود در آب را بدون افزودن مواد شیمیایی و بدون تغییر در میزان اکسیژن آب از بین ببرد. این دستگاه می تواند در زمان استفاده از آب شهری نیز میکروارگانیسم های مقاوم در برابر آب را حذف کند.

نتیجه گیری : رطوبت سازهای موجود فعلی با پراکنده کردن میکروارگانیسم های موجود در آب در محیط های گلخانه ای و دامی می تواند باعث افزایش تلفات و کاهش بهره وری گردد . در این سیستم دستگاه رطوبت ساز فراصوت با لامپ های اشعه ماوراء بنفش همراه شده و عمل حذف آلودگی های آب در محل انباشت آب در مخزن رطوبت ساز صورت می گیرد. این سامانه علاوه بر حذف میکروارگانیسم های موجود در آب هیچ ماده شیمیایی به آب وارد نمی کند و تاثیری بر روی ویژگی های فیزیکی و شیمیایی آب ندارد. علاوه بر این افزایش راندمان تولید با حداقل هزینه و بدون مواد مصرفی را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی : رطوبت ساز، التراسونیک، ماوراء بنفش، مه پاش

بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مدیریت پسماند بیمارستانی

نرجس بهاروندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

محمد امرایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

زمینه و هدف: پسماندهای بیمارستانی جز دومین پسماندهای خطرناک بعد از پسماندهای رادیواکتیو محسوب می‌شوند. زباله‌های بیمارستانی حاوی طیف وسیعی از میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا می‌باشند و به‌همین سبب در زمره زباله‌های خطرناک و بیولوژیکی قرار می‌گیرند. امروزه پسماندهای بیمارستانی به‌علت دارا بودن عوامل خطرناک، سمی و بیماری‌زا از جمله زایعات پاتولوژیک، رادیواکتیو یکی از معضلات زیست محیطی بوده که از حساسیت خاصی برخوردار است و بی‌توجهی به مدیریت صحیح این پسماندها خطری مهم و جدی برای سلامت انسان و محیط می‌باشد. مدیریت پسماندهای خطرناک بیمارستانی در اکثر کشورهای در حال توسعه به عنوان یک چالش مهم زیست محیطی مطرح است لذا با توجه به اهمیت و گستردگی و انجام مطالعات کم‌در این زمینه مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مدیریت پسماند بیمارستانی صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه مروری حاضر برگرفته از مقالات مرتبط با موضوع در پایگاه داده‌های Science Direct, Elservier, Pubmed, Scopus و موتور جستجوی Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی پسماند بیمارستانی، مدیریت پسماند، چالش‌ها، فرصت‌ها و معادل انگلیسی آنها، مقالات جست و جو گردید. در نهایت از بین ۲۳ مقاله جست و جوشده، ۱۷ مقاله اصیل طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ براساس معیارهای مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند. اصیل بودن، تازگی مقالات و تناسب با کلمات کلیدی از معیارهای گزینش مقالات بوده اند.

یافته‌ها: نتایج مطالعات مورد بررسی به طور کلی بر عدم رعایت مسئله تفکیک زباله‌ها در محل تولید و عدم مدیریت علمی صحیح در خصوص پسماندهای بیمارستانی تمرکز داشتند به صورتی که در این مقالات گزارش شده است که در اغلب موارد پرسنل خدماتی مسئول جمع‌آوری دفع و بی‌خطر سازی زباله، از وسایل و تجهیزات ایمنی استفاده نمی‌کنند. در میان ۱۷ مقاله مورد بررسی، ۸ مقاله نظرات موافقی در رابطه با مدیریت پسماندهای بیمارستانی ارائه کرده بودند و در ۲ مقاله بیان شده بود که در زمینه مدیریت پسماندهای بیمارستانی چالش‌هایی مطرح است که در حال حاضر برنامه‌ای برای مدیریتشان وجود ندارد و در ۵ مقاله نیز بحثی در این رابطه نشده بود. در یک مطالعه گزارش کرده است که دفع زباله‌های عمومی در اکثر بیمارستان‌ها توسط شهرداری‌ها همراه زباله‌های شهری صورت می‌گیرد که زباله‌های عفونی و نوک تیز بیمارستان‌ها نیز توسط اتوکلاو بی‌خطر سازی شده و یا توسط دستگاه‌های زباله سوز سوزانده می‌شوند.

نتایج: به طور کلی نتایج مطالعات حاکی از نیاز به انجام مطالعات آزمایشگاهی و تحقیقاتی بیشتر جهت انتخاب روش مطلوب و سازگار با کشورمان ایران از نظر زیست محیطی و اقتصادی _ اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد لذا پیشنهاد می‌شود در مدیریت پسماندهای بیمارستانی باید یک برنامه اجرایی گسترده مدنظر گرفته شود و آموزش پرسنل بیمارستانی و تشکیل تیم مدیریت پسماند در اولویت قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: پسماند بیمارستانی، مدیریت پسماند، چالش‌ها، فرصت‌ها

آلودگی اندوتوکسین در آب آشامیدنی و میزان حذف آن در یک تصفیه خانه متداول آب

محمدرضا مسعودی نژاد، محمد رفیعی، محمد علی اسماعیلی

اسما علی یاری، دانشجوی دکتری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده بهداشت

asmaaliyari@yahoo.com

زمینه و هدف: شناسایی و توسعه راهکارهای مناسب جهت حذف آلاینده‌ها از منابع آب به منظور تامین آب آشامیدنی سالم و حفظ بهداشت عمومی امری اجتناب ناپذیر است. حضور انواع آلودگی‌ها از جمله آلودگی‌های میکروبی ثانویه و اجزای مضر میکروارگانیسم‌ها مانند اندوتوکسین، می‌تواند افت کیفیت منابع آبی را در پی داشته باشد. هدف از این مطالعه ارزیابی غلظت اندوتوکسین در طی فرآیندهای متداول تصفیه آب آشامیدنی در فصل تابستان در یکی از تصفیه خانه‌های آب تهرانپارس است. **مواد و روش‌ها:** نمونه برداری بصورت ماهانه در طی فصل تابستان سال ۱۳۹۴ انجام شد. نمونه‌ها از آب خام ورودی به تصفیه خانه و همچنین از ورودی و خروجی هر یک از واحدهای تصفیه انجام شد. سنجش غلظت اندوتوکسین با استفاده از روش نقطه پایانی کرموزنیک آزمون لیمولوس آمبوسیت لایست (Endpoint Chromogenic Limulus Amebocyte Lysate) (LAL) تعیین شد.

نتایج: محدوده غلظت اندوتوکسین در آب خام ورودی تصفیه خانه $\frac{Eu}{ml}$ $54/55 - 17/62$ و در خروجی از $\frac{Eu}{ml}$ $38/92 - 13/92$ متغیر بود. راندمان کلی تصفیه خانه برای حذف اندوتوکسین کل $34/01$ درصد به دست آمد. راندمان بیشترین کاهش اندوتوکسین در طی فرآیندهای انعقاد، زلالسازی و فیلتراسیون شنی $(38/16 \%)$ رخ داد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه در تصفیه خانه آب، فرآیندهای تصفیه مرتبط با حذف مواد ذره ای (انعقاد، زلالسازی و فیلتراسیون شنی)، حذف موثرتر اندوتوکسین را نشان دادند، بنابراین در تصفیه خانه‌های معمول با حذف موثرتر و کاراتر ذرات بزرگ می‌توان به میزان بالاتری از حذف اندوتوکسین دست یافت. همچنین با وجود فرآیندهای غیر فعالسازی میکروبی کارآمد مثل کلرزنی متداول، این فرآیندها قادر به حذف موثر اندوتوکسین نیستند و حتی ممکن است باعث افزایش آن شوند. با توجه به راندمان به دست آمده برای حذف اندوتوکسین، می‌توان نتیجه گرفت همچنان خطر حضور اندوتوکسین در آب وجود دارد. بنابراین پیامدهای این مواد بر محیط زیست و سلامت انسان باید مورد بررسی بیشتر قرار گرفته و راهکارهای حذف موثرتری اندیشیده شود.

واژه های کلیدی: اندوتوکسین، فرآیندهای تصفیه آب، آزمون LAL آب آشامیدنی سالم



Ultrasound-Assisted Emulsification Microextraction Coupled with HPLC-DAD for Determination Trace Level of Diclofenac in Urine and Water Samples

Elnaz Shagerdi, Student Research Committee, Abadan School of Medical Sciences, Abadan Iran.

In this research, a simple, selectivity, and environmentally friendly method based on ultrasound-assisted emulsification microextraction (USAEME) was proposed for determination of trace level of diclofenac in urine and water samples. High performance liquid chromatography with diode-array detection (HPLC-DAD) was employed to analysis the extraxtants. Coupling the USAEME method with HPLC-DAD was presented for the first time in this study. Several analytical parameters affecting the USAEME method on the recovery extraction were investigated and optimized. The expermental conditions, including pH of sample solution, type of extraction solvent, temperature and time of ultransound, centrifugation time and ionic strength were considered and optimized. Under the optimal conditions, relative standard deviations (RSD) of the analysis less than 6% ($n=3$) and detection limit was determined 4.01 ng mL^{-1} for diclofenac. Recoveries of both in human urine and synthesis samples were in the ranges of 53–78%. USAEME - HPLC-DAD was successfully applied for determination of trace levels of diclofenac in human urine and water samples.

Keywords: *Ultrasound-assisted emulsification-microextraction, Diclofenac, HPLC-DAD.*



تحلیل وضعیت غلظت نیتрат و نیتريت موجود در منابع آب شرب روستاهای شهرستان بجنورد

سحر فرخی، کارشناس مهندسی بهداشت محیط، مسئول آزمایشگاه دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

سید حسن طیبی، دانشجو کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

سیده مرضیه لنگر، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مسئول امور دانشجویی فرهنگی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

علی الهی نیا، کارشناس مهندسی بهداشت محیط

مقدمه: امروزه افزایش غلظت ترکیبات نیتريت و نیترات در آب های طبیعی به خصوص منابع آب زیرزمینی روستاها، باعث ایجاد نگرانی هایی شده است. افزایش نیترات در آب آشامیدنی میتواند در کودکان در شش ماه اول زندگی و در افراد حساس مانند زنان باردار و افراد پیر ایجاد بیماری متهموگلوبینما نماید و پتانسیل تشکیل ترکیبات نیتروز آمینهای سرطان زا را افزایش دهد. هدف از این مطالعه تعیین مقادیر نیتريت و نیترات در آب شرب روستاهای شهرستان بجنورد می باشد.

مواد و روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی با هدف تعیین مقادیر نیتريت و نیترات در آب آشامیدنی مناطق روستایی در سال ۱۳۹۶ شهرستان بجنورد صورت گرفته است. در این بررسی از ۸۰ روستا در مدت یکسال نمونه برداری شده و آزمایشات با دستگاه اسپکتروفتومتر مدل DR-5000 اندازه گیری شده است.

یافته ها: در آب آشامیدنی این مناطق نیترات با میانگین 23.6 mg/lit از حداکثر ۷۵ تا حداقل 6 mg/lit می باشد و ۶ روستا بالاتر از استاندارد بوده است. مقدار نیتريت با میانگین 0.008 mg/lit از حداقل صفر تا 0.05 mg/lit متغیر بوده و هیچ روستایی بالاتر از استاندارد گزارش نشده است.

نتایج: از یافته های این تحقیق می توان نتیجه گرفت که در حال حاضر کیفیت آب مورد مطالعه از نظر غلظت نیترات و نیتريت تا حدود زیادی مطابق با استانداردهای آب شرب می باشد، با این وجود کنترل مستمر منابع آب ضروری است، از این رو پایش، تصفیه و دفع بهداشتی فاضلاب های تولیدی در مناطقی که غلظت این پارامترها بیش از حد استاندارد بوده بایستی مورد توجه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: نیترات، نیتريت، بجنورد، آب شرب

ارزیابی عادات غذایی و غلظت کادمیوم خون و ادرار افراد مبتلا به سرطان دستگاه گوارش: مطالعه مقایسه‌ای

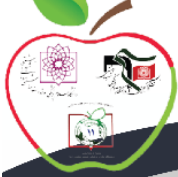
یاسر خواجه بیشک، علیرضا استاد رحیمی، لاله پیاھو

زمینه و هدف: سرطان بعنوان یکی از اصلی‌ترین مشکلات بهداشتی در دنیا مطرح است. از میان انواع سرطان‌ها، امروزه سرطان دستگاه گوارش شیوع زیادی دارد، به گونه‌ای که این ارگان حدود ۲۰٪ از موارد جدید سرطان را به خود اختصاص داده است. مواجهه با فلزات سنگین از جمله کادمیوم، ارتباط قوی با بروز بسیاری از سرطان‌ها نشان داده است. مطالعه حاضر با هدف تعیین عادات غذایی و سطوح کادمیوم خون و ادرار افراد مبتلا به یکی از سرطان دستگاه گوارشی و مقایسه آن با افراد سالم طراحی و اجرا گردید.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مقایسه‌ای، در بین ۱۱۱ بیمار مبتلا به یکی از سرطان‌های دستگاه گوارش بعنوان گروه بیمار و ۱۱۱ فرد سالم انجام شد. افراد پس از تایید هیستوپاتولوژیکی وارد مطالعه شدند. برای همه افراد پرسشنامه دموگرافیک (شامل سن، جنس، وضعیت سیگاری) و پرسشنامه بسامد خوراک (۸۴ آیتم غذایی تقسیم شده به شش گروه اصلی غذایی) تکمیل و نمونه‌های خون وریدی و ادراری در حالت ناشتا جمع‌آوری شد. اندازه‌گیری کادمیوم خون و ادرار (با تعدیل بر روی کراتینین) پس از هضم اسیدی به روش اسپکتروفتومتری جذب اتمی گرافیتی انجام گرفت.

نتایج: غلظت کادمیوم ادرار و خون بیماران در مقایسه با افراد سالم بطور معنی‌داری بالاتر بود ($P < 0.05$) همبستگی مثبت معنی‌داری بین متغیرهای سن و جنس با سرطان وجود داشت. به ازای هر یک واحد افزایش در سن، شانس بروز سرطان ۵٪ افزایش یافت و همچنین شانس ابتلای مردان به سرطان در مقایسه با زنان تقریباً ۷۵٪ بیشتر بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که پس از تعدیل متغیرهای مخدوشگر، سطوح خونی کادمیوم با شانس بروز سرطان ارتباط معنی‌دار داشت ($P = 0.030$).
نتیجه‌گیری: براساس نتایج حاصل از این مطالعه سطوح کادمیوم خون و ادرار بیماران سرطانی، بطور معنی‌داری بالاتر از افراد سالم بود، لذا کنترل راه‌های احتمالی ورود کادمیوم به بدن و ارائه راهکارهای مفید در جهت پیشگیری از بروز این بیماری پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: دستگاه گوارش، سرطان، کادمیوم، عادات غذایی



بررسی حذف فتوکاتالیستی کتیکول با نانو ذرات اکسید روی به روش سطح پاسخ از محلول‌های آبی

فردوس کرد مصطفی پور، دانشیار، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

محمد هاونگی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

آیت حسین پناهی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

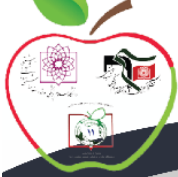
زمینه و هدف: کتیکول یا پیرو کتیکول (۲،۱-دهیدروکسی بنزن) یک ترکیب آلی با فرمول ملکولی $C_6H_4(OH)_2$ و از مشتقات فنول می باشد که معمولاً از طریق نشت از پساب پالایشگاه پتروشیمی، کارخانجات فولاد سازی، پالایش زغال سنگ و کارخانجات داروسازی به محیط زیست وارد می شود. مطالعه حاضر با هدف امکان سنجی استفاده از نانوذره اکسید روی بعنوان کاتالیست در فرایند فتوکاتالیستی جهت حذف کتیکول در محیط های آبی با روش سطح پاسخ (RSM) در شرایط آزمایشگاهی انجام پذیرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه تجربی، در یک راکتور نیمه پیوسته و در مقیاس آزمایشگاهی انجام شد. در این مطالعه از متغیرهایی نظیر pH محلول (۷،۴/۲،۳ تا ۱۱،۹/۸)، زمان ماند (۶۷،۵،۳۰/۷۵،۱۵ تا ۱۲۰،۱۰۴/۲ دقیقه)، تابش UV (۴۰،۲۰،۸ وات)، دوز نانو ذره اکسید روی (۰،۵/۱۰۵، ۱/۱، ۲/۲۵ گرم)، غلظت اولیه کتیکول (۱۰، ۳۸/۵، ۱۰۵، ۱۷۱/۵، ۲۰۰ میلیگرم) در حذف کتیکول تحت فرایند فتوکاتالیستی اکسید روی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور دستیابی به شرایط بهینه آزمایش مدل آماری سطح پاسخ (RSM) طراحی و استفاده شد. همچنین جهت اندازه گیری مقادیر باقیمانده کتیکول از روش جذب با دستگاه اسپکتروفتومتر مدل LU100 با استفاده از طول موج حداکثر جذب (۲۸۵nm) استفاده شد.

نتایج: نتایج مطالعه حاضر نشان داد طراحی انجام شده سطح پاسخ برای ارزیابی تاثیر تعداد زیاد متغیر ها با تعداد کم آزمایش قابل بررسی می باشد. لذا با افزایش PH، مقدار نانوذره، زمان ماند تا ۱۰۴ دقیقه و تابش UV راندمان حذف افزایش پیدا کرد. ولی با افزایش غلظت کتیکول ورودی یا به عبارت دیگر در غلظت های بالاتر کتیکول اولیه راندمان حذف کاهش یافته است.

نتیجه گیری: بر اساس داده های موجود و تحلیل های آماری حداکثر حذف کتیکول یا بیشترین راندمان حذف برای متغیر های PH، دوز نانوذره، زمان ماند، و میزان تابش UV بترتیب ۱۱، ۲/۲ گرم، ۹۸ دقیقه، ۴۰ وات بوده است.

واژه های کلیدی: نانو ذرات، اکسید روی، فرایند فتوکاتالیستی، روش سطح پاسخ (RSM)



بررسی مدیریت پسماند پزشکی بیمارستان تک تخصصی زنان و زایمان شهدای بهشهر در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵

سکینه ملایی توانی، کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج،

ایران. Sakineh.molaei242@gmail.com

ام کلثوم ابراهیمی، کارشناس بهداشت محیط، بیمارستان تک تخصصی زنان و زایمان شهدای بهشهر.

زمینه و هدف: در سال‌های اخیر نگرانی‌های عمومی در رابطه با مدیریت پسماندهای بیمارستانی در سطح دنیا افزایش یافته است. پسماندهای پزشکی گروه خاصی از زباله را مطرح می‌کنند، که دارای مخاطرات بالقوه بهداشتی و زیست محیطی می‌باشد. این مطالعه با بررسی کمیت، کیفیت و دفع پسماندها در بیمارستان شهدای شهر بهشهر طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ انتخاب شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی در زمستان ۱۳۹۴ و بهار ۱۳۹۵ در بیمارستان شهدای شهر بهشهر جهت تعیین بررسی کمیت، کیفیت و دفع پسماندهای بیمارستانی انجام شد. نمونه‌برداری در ۶ ماه متوالی به صورت دو بار در هفته و در مجموع ۴۸ مرتبه عمل نمونه برداری و توزین صورت پذیرفت. داده‌های مورد نظر پس از جمع‌آوری با نرم افزار Excel و spss تحلیل گردید.

نتایج: مطالعه حاضر نشان داد که میانگین سرانه تولید پسماند کل ۱/۳۴ کیلوگرم به ازای هر تخت در روز بدست آمد. میزان پسماندهای خطرناک و عادی بیمارستان و ۳۶ و ۶۴ درصد می‌باشد. میانگین میزان تولید پسماند عفونی، پسماند شبه خانگی، پسماند تیزو برنده و دارویی و شیمیایی به ترتیب ۰/۰۲۷، ۰/۰۶۵، ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۰۶ کیلوگرم به ازای هر تخت در روز اندازه‌گیری شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به مقایسه پارامترهای کمی و کیفی پسماندهای پزشکی بیمارستان و مقایسه آن با استانداردهای WHO نشان می‌دهد که عملکرد بیمارستان در مورد مدیریت پسماندهای عادی مناسب بوده، اما در مورد پسماندهای عفونی عملکرد بیمارستان رضایت بخش نبوده و نیاز به اصلاح و تدابیر مدیریتی دارد. تا با استفاده از ابزارهای مدیریتی، همراه با آموزش و نظارت در جهت حداقل رسانی خطرات بالقوه بهداشتی و زیست محیطی و جهت تحقق اهداف توسعه پایدار گام برداشت.

واژگان کلیدی: کمیت و کیفیت پسماند، پسماندهای پزشکی، پسماند ویژه، پسماند بیمارستانی



Hospital waste management: attitude and behavior of staff

Seyyed Alireza Mousavi, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Zahra Sobhani, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Mitra Aminiyan, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Sodabeh Skandari, Research Center for Environmental Determinants of Health (RCEDH), Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Seyede Parvin Moussavi, Environmental Health Research Center, International Branch of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services, Yazd, Iran

Reza Rostami, Student research committee, Kermanshah University Of Medical sciences, Kermanshah, Iran rezarostami745@gmail.com

Background and Objectives: This study aimed to assess the level of knowledge, attitude and performance of employees in Imam Khomeini hospital and Motazedi hospital in Kermanshah which is related to the proper management of hospital wastes.

Martials and Methods: The investigation carried out by completing a questionnaire randomly by four different occupational groups. In this study 171 hospital staff were involved. The results were analyzed by Excel 2010 and SPSS-16 software.

Results: The results of this study showed that there is a meaningful relationship between the performance of employees and the job status and also there is a significant statistical relationship between the knowledge, attitude, performance and the training courses. According to this study, knowledge, performance and the attitude of hospital staff about hospital waste management with 95% of confidence interval were respectively 74.49%, 68.12% and 86.14%.

Conclusion: The staff training with monitoring and improving their performance is one of the most important factors for successful implementation of hospital management programs. In addition to the need of creating infrastructure and training facilities, increasing investment and more attention to the proper performance of staff in the field of hospital waste management are necessary for all targeting groups periodically.

Keywords: Hospital, waste Management, Attitude, Performance, Kermanshah

بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه از ایمنی و بهداشت مواد غذایی در شرایط بحران

امیر حسین نافذ، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
سهیلا لطفی، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ایران، کردستان
سید پروین موسوی، گروه بهداشت محیط، پردیس بین الملل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی، ایران، یزد

سوگند عباسی، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
آرزو محمودی، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
پرستو درویشی، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
رضا رستمی، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

زمینه و هدف : در شرایط اضطراری عموماً افراد حاضر در گروههای بهداشتی بیشترین نقش را در رفع مشکلات ایجا دشته ایفا می نمایند. این پژوهش باهدف بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه از ایمنی و بهداشت مواد غذایی در شرایط اضطراری در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه به صورت توصیفی- تحلیلی بوده و جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه بودند. جهت گردآوری داده‌های موردنیاز از یک پرسشنامه دویخشی مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و ۱۰ سؤال درزمینه آگاهی از مسائل مرتبط با ایمنی و بهداشت مواد غذایی استفاده گردید. در پایان با بررسی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده به پاسخ‌های صحیح یک نمره و به پاسخ‌های نادرست نمره صفر تعلق گرفت و درنهایت داده های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزارهای آماری (انحراف معیار، t تک نمونه‌ای، من ویتنی و کروسکال والیس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج : نتایج این مطالعه نشان داد که درصد اندکی از افراد مورد مطالعه یعنی ۲۳ دارای سطح آگاهی خوب نسبت به ایمنی و نگهداری مواد غذایی در شرایط بحران می باشند و ۳۵ و ۴۲ درصد از این افراد به ترتیب دارای آگاهی کم و متوسط در این زمینه بودند. همچنین ارتباط معناداری بین میانگین نمره آگاهی دانشکده‌های مختلف مشاهده شد.

نتیجه گیری : از آنجاکه برخورداری از سطح آگاهی بالا در شرایط اضطراری بیشتر از هر زمان دیگری احساس می شود لازم است سازمان ها و نهادهای مختلفی که به هر طریقی در این حیطه دارای نقش می باشند تمهیدات و برنامه‌های موردنیاز جهت دستیابی به سطح آگاهی کافی افراد مرتبط را به برنامه ریزی و نقشه اقدامات خود اضافه نمایند.

واژگان کلیدی : ایمنی مواد غذایی، بهداشت مواد غذایی، شرایط اضطراری



بررسی چالش‌های مردم شهر کرمانشاه نسبت به آلودگی هوا

سید علیرضا موسوی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

سیده پروین موسوی، گروه بهداشت محیط، پردیس بین‌الملل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی، ایران، یزد

نوید ویسی، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
رضا رستمی، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

زمینه و هدف: این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های مردم شهر کرمانشاه نسبت به آلودگی هوای شهر کرمانشاه نسبت به ورود ریزگردها و طوفان‌های گردوغبار و همچنین عملکرد مردم در مواجهه با انتشار و بروز این پدیده انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به طریق توصیفی-تحلیلی با استفاده از پرسش‌نامه مؤلف ساز که پایای و روایی آن به تائید رسیده است انجام شده است. حجم نمونه از جامعه آماری شهر کرمانشاه با تقریب یک میلیون نفر جمعیت شهر ۴۰۰ نفر انتخاب گردید.

نتایج: نتایج نشان داد ۷۷ درصد از افراد شرکت‌کننده در مطالعه در هنگام بروز پدیده ریزگرد از مشکلات تنفسی رنج می‌برند. ۸۵٫۵ درصد از پرسش‌شوندگان مطالعه حاضر بر این نظرند که میزان بارش بر کاهش ریزگردها تأثیر مستقیم دارد. همچنین ۸۵ درصد از افراد از اختلالات قلبی در زمان بروز ریزگرد اذعان داشتند. ۶۳٫۳ درصد از کل افراد شرکت‌کننده مجبور به استفاده از خدمات پزشکی در مواجهه با ریزگرد بوده‌اند. این در حال است که ۷۷٫۳ درصد از شرکت‌کنندگان از اقدامات لازم مسئولین در شرایط بروز پدیده ریزگرد بی‌اطلاع هستند. بیشتر افراد مورد مطالعه اذعان دارند که اطلاعات مربوط به اثرات طوفان گردوغبار و روش‌های کاهش عوارض بهداشتی آن را از طریق صداوسیما دریافت می‌کنند.

نتیجه‌گیری: به‌طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که جامعه شهر کرمانشاه از مشکلات ناشی از ریزگردها رنج می‌برد خسارات جانی و مالی را بر آن‌ها تحمیل کرده است و سبب نگرانی در جامعه شده است. و بایستی با آگاه‌سازی هرچه بیشتر مردم جهت پیشگیری از مشکلات بهداشتی ناشی از ریزگردها و گوشزد این مسئولیت خطیر مسئولین در قبال کنترل ریزگردها از طریق رسانه‌های جمعی مورد اعتماد چون صداوسیما در جهت این آگاه‌سازی و آموزش راه‌های مقابله بهداشتی بکوشیم.

واژگان کلیدی: چالش، آگاهی، آلودگی هوا، کرمانشاه، آموزش



بررسی میزان آلودگی لباس های رختشویخانه بیمارستان امام علی (ع) کرمانشاه

مریم جوانبخش، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران،

کرمانشاه

میدیا قبادی، کارشناس ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران،

کرمانشاه

زمینه و هدف : رختشویخانه از بخش‌های مهم بیمارستان است که از نظر بهداشتی و انتشار عفونت اهمیت زیادی دارد. رختشویخانه بیمارستان باید در محل مناسبی قرار داشته و مجهز به کلیه ماشین آلات لباسشویی، خشک کن و اتو کشی باشد. ضمناً محل لوازم آلوده و شسته شده باید از یکدیگر کاملاً مجزا باشند تا امکان مخلوط شدن آنها و آلودگی ثانوی وجود نداشته باشد. نور، تهویه، حرارت و رطوبت این قسمت باید مناسب باشد.

مواد و روش ها : در این تحقیق، نمونه گیری به مدت ۷ هفته و هفته ای دوبار نسبت به پایش نقطه انتخابی به روش ACC در بیمارستان پزشکی امام علی کرمانشاه در خصوص لندری در بیمارستان که به صورت تصادفی برای مطالعه انتخاب شده. مجموعاً ۱۲۰ نمونه از لباس های تمیز و کثیف گرفته شد و نمونه ها به وسیله سواب استریل مرطوب در محیط Blood Agar کشت داده شد. پس از شمارش کلونی های نمونه به صورت آلوده گزارش شده است که نمونه های آلوده به نمونه های دارای بار باکتری بیشتر از $2/5 \text{ cfu/cm}$ اطلاق میشود.

نتایج : نتایج نشان می دهد که متوسط آلودگی لباس های استفاده شده در بخش های مورد مطالعه در بیمارستان امام رضا ۹۳/۳۳ درصد و متوسط درصد پاک ۴۰ درصد بود بالا بودن موارد آلودگی در لباس های خروجی از بخش ها، تماس لباس با بیماران آلوده و ترشحات بدن آنها می باشد و متوسط آلودگی لباس های تمیز بعد از شستشو ۴۸/۳۳ درصد بود.

نتیجه گیری : در رختشویخانه خطر انتقال بیماری از طریق لباسهای آلوده در طول فرایند شستشو نبایستی نادیده گرفته شود که در این پژوهش متوسط آلودگی در بخش های مورد مطالعه از میزان بالایی برخوردار بود و از علل آن میتوان به آگاهی متوسط پرسنل رختشویخانه به اطلاعات مورد نیاز در مورد شستشوی البسه آلوده، عدم کفایت محلول هایی که جهت شستشو و گندزدایی به کار می روند اشاره کرد.

واژگان کلیدی : رختشویخانه، آلودگی، محیط کشت، نمونه برداری



Leachate treatment using a sequencing batch reactor

Seyyed Alireza Mousavi, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Ali Almasi, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Zohreh Kamari, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Farzaneh Abdali, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Zhaleh Yosefi, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Reza Rostami, Student research committee, Kermanshah University Of Medical sciences, Kermanshah, Iran

Seyede Parvin Moussavi, Environmental Health Research Center, International Branch of Sahib Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services, Yazd, Iran
seyedeparvin.mosavi@yahoo.com

Background and Objectives: The objective of this paper is to investigate the COD removal efficiency of the Kermanshah landfill leachate by applying the aerobic sequencing batch reactor (ASBR).

Martials and Methods: The ASBR was operated to investigate the COD removal efficiency at the various HRT and COD concentrations. In order to study the effects of COD concentration and HRT based on response surface methodology at three-level, two-variable central composite design (CCD) of experiments was used.

Results: The results showed that the leachate could be effectively treated with 90% of COD removal at the lowest COD concentration (16000mg/L) in influent. The removal efficiency decreased gradually down to 30.9% when COD increased to 48000 mg/L. The system has strong tolerance to organic shock loading in this experiment. The five suggested models based on the mentioned variables were applied to predict the response values.

Conclusion: The value of the HRT as important variables showed that efficiency of reactor decreased from 70% to 50%, when the HRT decreased from 6 to 2 days. This study contributed to a better understanding of the function of HRT and COD concentration in system.

Keywords: Landfill leachate; Kermanshah; Aerobic treatment; SBR reactor; CCD



بررسی حذف سیانید از زائدات خطرناک با استفاده از نانو ذرات آهن

احمد اله آبادی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
محمد حسین ساقی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
ابوالفضل رحمانی ثانی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

حمیده بهروزی خواه، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران
حسین رضایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
شهرام صادقی، مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

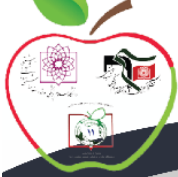
زمینه و هدف: یکی از عمده ترین آلاینده های محیط زیست که در پساب صنایع مختلف وجود دارد، سیانید می باشد که موجب آلودگی منابع آب شده که برای انسان و محیط زیست خطرناک می باشد. سیانید را می توان به روش های مختلفی از محیط های مایه حذف کرد، اما غالب این روش ها هزینه بر می باشند. لذا هدف از این مطالعه بررسی حذف سیانید با استفاده از نانو ذرات آهن می باشد.

مواد و روش ها: حذف سیانید از محیط هایی با نانو ذرات آهن در وضعیت های مختلف از جمله اثر میزان ماده جاذب، غلظت سیانید اولیه، زمان تماس و pH در فاز ناپیوسته مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه میزان به تعادل رسیدن جذب و همچنین سنتیک های واکنش مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: در پروسه تبادل کننده ناپیوسته، زمان تعادل بعد از ۱۲۰ دقیقه تماس حاصل گردید و میزان حداکثر حذف سیانید، در میزان pH ۵ تا ۹ برای غلظت سیانید، ۱ میلی گرم در لیتر به دست آمد. همچنین نتایج نشان داد که میزان جذب از ایزوترم لانگمیر تبعیت می کند و کینتیک آزمایش از درجه دوم تبعیت می کند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این تحقیق، نانو ذرات آهن می تواند به عنوان یک گزینه مناسب با توجه به قابل احیاء بودن آن، جهت کاهش میزان سیانید از محیط های مایه در مناطقی که دارای مشکل حضور سیانید می باشند به کار رود.

واژگان کلیدی: نانو ذرات آهن، سیانید، زائدات خطرناک



اثرات خشکسالی بر ترکیب فیزیکی شیمیایی منابع آب شرب شهری و روستایی شهرستان سراب

مهسا مبارکی، علی اوجاقی، علیرضا ابهری

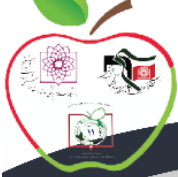
زمینه و هدف : از خشکسالی به عنوان بی سروصداترین بلای طبیعی نام برده می شود. علاوه بر کاهش سطح آب زیرزمینی، خشکسالی می تواند بر کیفیت منابع آب نیز تاثیر گذار بوده و باعث افزایش املاح آب گردد زهکشی آبخوان توسط رودخانه، تبخیر، وجود سازندهای انحلال پذیر، دانه ریز شدن رسوبات در مرکز دشت و کاهش سرعت آب زیرزمینی و افزایش زمان ماندگاری در بالا رفتن املاح و ناخالصی های آب زیرزمینی نقش دارند.

مواد و روش ها : محدوده مورد مطالعه شهرستان سراب در جنوب شرقی استان آذربایجان شرقی در شمال غرب ایران واقع شده است. جهت برآورد خشکسالی در این مطالعه از شاخص خشکسالی بارش استاندارد استفاده شده است. این شاخص توسط مک کی و همکاران از دانشگاه ایالت کلرادو در سال ۱۹۹۳ میلادی تدوین شده است و یکی از مناسب ترین و کاربردی ترین شاخص های پیشنهاد شده برای مطالعه خشک سالی و ترسالی است. روش نمونه برداری مرکب در این مطالعه استفاده شده است. و آنالیز نمونه ها و آزمایشات شیمیایی آب با دستگاههای اسپکتوفتومتر و فلوموفتومتر و پلاروگراف و تیتراسیون انجام شده است.

نتایج : نتایج تغییرات بارندگی طی دوره مطالعاتی پنج ساله از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵ نشان دهنده کاهش میزان بارندگی در این دوره می باشد.

نتیجه گیری : با کاهش میزان بارندگی در سال های اخیر هدایت الکتریکی آب حدود $57/26 \text{ mho/cm}$ کاهش یافته است و در نتیجه TDS آب کاهش یافته است. بنابراین کاهش هدایت الکتریکی نشان دهنده افزایش میزان ذخیره آب زیرزمینی در محدوده مطالعاتی می گردد. طبق نتایج آزمایشات فاکتور های سختی $77/80$ میلی گرم در لیتر، قلیاییت $110/21$ و نترات $10/76$ و سدیم $14/78$ میلی گرم در لیتر با کاهش بارندگی اخیر در تمام فصول کاهش یافته است. در مقابل فاکتور های سولفات به میزان $11/71$ ، کلراید $34/36$ ، فلوراید $2/09$ افزایش را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: خشکسالی-کیفیت آب شرب-سراب



ارزیابی مقایسه ای زئولیت طبیعی و زئولیت اصلاح شده در حذف فنل و سیانید از آب

کاوه خیرخواه رحیم آباد، زینب ایمن

زمینه و هدف: زئولیت های طبیعی مشتمل بر بلورهای آلومینوسیلیکات هیدراته هستند؛ که در صنعت آب و فاضلاب کارایی زیادی دارد، آنها دارای شبکه ساختمانی مشتمل بر واحدهای SiO_4 و AlO_4 هستند. از ویژگیهای این ترکیبات تبادلات کاتیونی، برگشت پذیری، جذب و دفع آب، بدون ایجاد تغییرات بارزی در ساختمان مولکولی آنهاست؛ از آنجائیکه زئولیت های مصنوعی خلوص کریستالی و شیمیایی بیشتری نسبت به زئولیت های طبیعی دارند، ارجح تر از موارد طبیعی در این صنایع بشمار می آیند.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر به بررسی روش های سنتز زئولیت های طبیعی و کاربرد آن در صنایع مدرن و مقایسه زئولیت، کربن فعال و رزین به عنوان سه دسته اصلی از جاذب طبیعی، زئولیت طبیعی و اصلاح شده است. طبق بررسی های انجام شده در حذف فنل با استفاده از زئولیت اصلاح شده به وسیله FeCl_3 و حذف سیانید از آب به وسیله زئولیت اصلاح شده نشان داده شد؛ که برای حذف فنل پس از تهیه زئولیت، ابتدا نمونه جمع آوری شده، خرد و با استفاده از الک های استاندارد ASTM با اندازه مش ۲۰ (۰٫۸۵ میلیمتر) دانه بندی گردید، در ادامه زئولیت های دانه بندی شده با کلرید آهن اصلاح شد.

نتایج: جهت تعیین ترکیب شیمیایی زئولیت اصلاح شده و سطح ویژه آن از روش های پراکنش پرتو X و ایزوترم BET با نرم افزار بیلو سرپ استفاده شد. پارامترهای pH در بازه های ۳٫۷ و ۱۲ غلظت اولیه فنل (۲۵ تا ۲۰۰ میلی گرم برلیتر)، زمان تماس (۲۰ تا ۲۴۰ دقیقه) و دوز جاذب (۰٫۲۵-۳ گرم در ۲۵۰ سی سی) در یک راکتور ناپیوسته مورد بررسی قرار گرفت. غلظت فنل در نمونه های مختلف با استفاده از اسپکتروفتومتر در طول موج ۵۰۰ نانومتر اندازه گیری شد. برای حذف سیانید یک سیستم ناترولیت - اکسید آهن با اضافه کردن ناترولیت طبیعی به محلول نیترات آهن در محیط باز قوی سنتز شد، غلظت های بین ۱۰-۱۵۰ میلی گرم در لیتر سیانید مورد استفاده قرار گرفت و اطلاعات تجربی در ایزوترم های مدل فرندلیش و لانگموئر مطالعه گردید.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه ها نشان می دهد که، زئولیت اصلاح شده قابلیت خوبی در حذف فنل دارند. جذب فنل با افزایش pH میزان جذب کاهش یافته و همچنین نمودارهای حذف فنل نیز مؤید این نتیجه است که با توجه به ارزانی و فراوان بودن زئولیتها و در نهایت استفاده از زئولیت های اصلاح شده که کارایی های پالایندگی بیشتری در تصفیه آب و فاضلاب دارند مورد استفاده قرار می گیرند.

واژگان کلیدی: زئولیت، زئولیت اصلاح شده، فنل، سیانید، آب



مروری نظام مند بر وضعیت مدیریت پسماند در بیمارستان های ایران

ساناز زرگر، استادیار گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آجا
سعید شهرکی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

محسن رحمانی، کارشناس ارشد مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
حسین محمدابراهیم، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

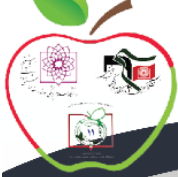
زمینه و هدف : بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی یکی از مهمترین تولیدکنندگان پسماند خطرآفرین می‌باشند. پسماندهای این نوع مراکز باید تحت شرایط خاصی جمع‌آوری، بی‌خطر و دفع گردند. مدیریت صحیح این مواد نقش مهمی در کنترل آلودگی محیط زیست و میزان بروز عفونت های بیمارستانی دارد. مطالعه حاضر با هدف مروری بر وضعیت مدیریت پسماند در بیمارستان های ایران انجام گرفت.

مواد و روش ها : این پژوهش، یک مطالعه مروری نظامند است، که در آن تمامی مقالات چاپ شده مربوط به موضوع تحقیق در بازه زمانی فرودین ۱۳۸۰ تا پایان اسفند ۱۳۹۶ (مارس ۲۰۰۱ تا مارس ۲۰۱۸) مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور یافتن مقالات جستجوی اینترنتی در پایگاه‌های داخلی (SID, Irandoc, Magiran) و بانک مقالات پزشکی ایران، پایگاه‌های خارجی PubMed, Science Direct و ابرجستجوگر Google Scholar با استفاده از کلیدواژه‌های (پسماند، مدیریت، زباله، بیمارستان، پسماند عفونی Waste Management, Medical waste, Hospital, Waste)، صورت گرفت. ۳۰۵ مقاله بدست آمده به صورت مرحله به مرحله مطالعه و پالایش شده در نهایت ۳۶ مقاله مرتبط با اهداف مطالعه انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : پس از بررسی مطالعات موجود، ۳۳۸ بیمارستان در سطح کشور، از نظر وضعیت مدیریت پسماند بررسی شده بودند که کمترین نرخ سرانه تولید پسماند ۲/۴ کیلوگرم به ازای هر تخت در روز مربوط به بیمارستان های شهر زنجان و بیشترین نرخ سرانه تولید پسماند ۵/۵ کیلوگرم به ازای هر تخت در روز مربوط به بیمارستان های شهر یاسوج بود. بر اساس مطالعات به طور متوسط ۴۰٪ پسماندهای بیمارستانی را پسماندهای عفونی تشکیل می دادند و وضعیت مدیریت پسماند در ۸۶٪ درصد بیمارستان‌ها متوسط و در ۱۴٪ ضعیف بود. فرآیند مدیریت پسماند بیمارستانی به طور کلی در بیمارستان های کشور در بعد دفع خوب، در ابعاد جمع‌آوری، انتقال، ذخیره و بی‌خطر سازی پسماند متوسط و در بعد تفکیک پسماند ضعیف ارزیابی شده اند.

نتیجه گیری : مطابق با نتایج بدست آمده میزان سرانه تولید پسماند در ایران بالاتر از مقادیر توصیه شده سازمان بهداشت جهانی می باشد و یکی از مهمترین عوامل آن وضعیت نامناسب تفکیک در مبدا تولید می باشد لذا بهبود مدیریت پسماندها بر پایه سیاست گذاری، آموزش کارکنان، برنامه ریزی و اجرای موثر استانداردهای اعتباربخشی وزارت بهداشت امری ضروری است.

واژگان کلیدی : پسماند پزشکی، مدیریت پسماند، بیمارستان



بررسی وضعیت بهداشت محیط خوابگاه‌های دانشجویی دانشکده بهداشت و دانشگاه علوم پایه شهرستان دامغان

سهیلا شورگشتی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
صغری زینلی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
معصومه طهماسبی زاده، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان،
ایران mtahmasbi946@gmail.com
آیت رحمانی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
مهشید بهرامی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: خوابگاه‌های دانشجویی از اهمیت ویژه‌ای در ایجاد جوی مطلوب برای بهبود یادگیری برخوردارند. کیفیت خوب خوابگاه‌ها نه تنها منجر به پیشرفت عملکرد تحصیلی می‌گردد، بلکه ارتقاء کیفیت زندگی را نیز به دنبال خواهد داشت. هدف از این پژوهش بررسی وضعیت بهداشتی خوابگاه‌های دانشکده بهداشت و دانشگاه علوم پایه شهرستان دامغان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی به روش سرشماری و با استفاده از فرم ارزیابی وضعیت بهداشت محیط خوابگاه‌ها در خوابگاه‌های دانشجویی دانشکده بهداشت و دانشگاه علوم پایه شهرستان دامغان در دو فصل پاییز و زمستان ۱۳۹۶ صورت گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS16 و EXCEL استفاده گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که خوابگاه‌های دانشکده بهداشت و دانشگاه علوم پایه از نظر معیارهای ارزیابی بهداشتی به ترتیب با میانگین درصد تطابق ۸۶/۳٪ و ۸۳/۲۷٪ در سطح بسیار خوبی قرار دارند. در بین معیارهای ارزیابی مورد مطالعه، معیارهای بهداشت حمام با درصد تطابق ۸۴/۳٪ و بهداشت محیط با درصد تطابق ۹۹/۹٪ به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تطابق را در خوابگاه‌های دانشکده بهداشت داشته‌اند. کمترین و بیشترین درصد تطابق با معیارهای بهداشتی در خوابگاه‌های دانشگاه علوم پایه نیز به ترتیب در معیارهای بهداشت آشپزخانه با درصد تطابق ۸۳/۵٪ و بهداشت فردی با درصد تطابق ۹۹/۹٪ مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم وجود شرایط مطلوب و مناسب در خوابگاه‌های مورد مطالعه، با توجه به اینکه خوابگاه‌های دانشجویی از اماکن حساس به شمار می‌آیند، پایش مداوم و همچنین توسعه معیارهای ارزیابی کیفی سلامت محیطی به منظور حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنین ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: بهداشت محیط، خوابگاه‌های دانشجویی، دامغان



خصوصیات کمی و کیفی پسماندهای تولیدی در بیمارستان و مراکز بهداشتی- درمانی شهر دامغان

سهیلا شورگشتی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
میثم کرمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
مهدی محمدیان، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
معصومه طهماسبی زاده، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
mtahmasbi946@gmail.com
آیت رحمانی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
حسین محمدخانی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: در جریان ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی درمانی، پسماندهای خطرناکی تولید می‌شود که می‌تواند به طور بالقوه برای کارکنان بهداشتی، عموم و محیط زیست مضر باشد. این تحقیق با هدف بررسی خصوصیات کمی و کیفی پسماندهای تولیدی در بیمارستان ولایت و مراکز بهداشتی درمانی شهر دامغان انجام شد.
مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی در بیمارستان ولایت و مراکز بهداشتی درمانی شهر دامغان (۴ مرکز بهداشت و ۳ پایگاه بهداشتی) در بهار سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. برای تعیین مقادیر کمی و کیفی پسماندهای تولیدی، آنالیز انواع پسماندها در سه ماه فصل بهار و هر ماه در دو نوبت صورت پذیرفت.

نتایج: میانگین و سرانه تولید پسماند در مراکز بهداشتی درمانی مورد مطالعه به ترتیب $5/44 \text{ kg/d}$ و $23/96 \text{ gr/p-day}$ محاسبه گردید. پسماندهای شبه‌خانگی، عفونی، شیمیایی و دارویی، تیز و برنده و پاتولوژیک به ترتیب حدود $1/10/20$ ، $6/27$ ، $11/87$ و $17/84$ ٪ از کل پسماند تولیدی در این مراکز را به خود اختصاص می‌دهند. میانگین و سرانه پسماند تولیدی در بیمارستان ولایت به ترتیب $485/63 \text{ kg/day}$ و $3/74 \text{ kg/bed-day}$ برآورد گردید که حدود $59/15$ ، $37/13$ ، $1/63$ ، $1/94$ و $0/15$ ٪ آن را به ترتیب پسماندهای شبه‌خانگی، عفونی، شیمیایی و دارویی، تیز و برنده و پاتولوژیک تشکیل می‌دهند.
نتیجه‌گیری: با توجه به این که پسماند شبه‌خانگی درصد بالایی از کل پسماندهای تولیدی در مراکز مورد مطالعه را به خود اختصاص می‌دهد، تفکیک صحیح این دسته از پسماندها از سایر انواع پسماندها با جلوگیری از تبدیل آن به پسماندهای عفونی، می‌تواند مشکلات بهداشتی و زیست‌محیطی را کاهش داده و سبب صرفه‌جویی در هزینه‌های مدیریت پسماندها گردد.

واژگان کلیدی: کمیت، کیفیت، پسماند، مراکز بهداشتی درمانی



Monitoring of nitrate and nitrite concentration in drinking water sources in rural areas of Shout city - West Azerbaijan province, Iran

Mahmood Yousefi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mona Hosseini, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Roghayeh Bahadori, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abbas Abbasnia, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Babak Mahmoodi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Hamed Soleimani, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Email: hasulimany@yahoo.com

Background and Aim: Nitrite and nitrate are considered as pollutant agents of ground water resources that cause several hygienic complications. This study was carried out to determine the concentrations of nitrite and nitrate in drinking water wells and springs in rural areas in Shout, Iran.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, 110 samples were collected from 22 drinking water Wells and springs in Shout (Western Azerbaijan province) in April - December 2016. All experiments were performed (By spectrophotometer DR 5000) according to the standard methods examination book. The results were analyzed by SPSS (Version 24.0.) and Microsoft Excel. Statistical analysis such as one-way ANOVA test analysis was done by SPSS (Version 24.0.).

Results: The concentration of nitrate was 2.35 mg /L with a standard deviation of 1.42 and the maximum and minimum concentration of nitrate were 5.9 mg/L and 0.7 mg / L respectively. Also, nitrite concentration was 0.1 mg /L with a standard deviation of 0.03, also maximum and minimum nitrite concentration was 0.13 and 0.005 mg / L respectively. In all wells and springs, gradual increases were seen in nitrate concentrations. According to ANOVA test the mean of nitrate and nitrite concentrations in all rural areas were different (P value < 0.05).

Conclusion: According to the results, the nitrite and nitrate concentrations were lower than standard levels established by WHO guideline and 1053 IR standard. Drinking water sources should be monitored to prevent water contamination with nitrates and nitrites, which can cause harmful effects, such as cancer, blue baby and etc in high concentrations.

Keywords: Nitrate, Nitrite, Drinking water, Shout, Iran



Monitoring the chemical quality (Potassium, Calcium, Chloride, Electrical Conductivity) of drinking water in Chalderan, West Azerbaijan province, Iran, during 2003-2013

Mahmood Yousefi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Hamed Soleimani, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mona Hosseini, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Email: mer.hosseini@gmail.com

Background and Aim: Analysis, monitoring and control of water quality, including water and sanitation and health care are the duties of companies. The aim of this study was to evaluate the changes in the physicochemical quality of groundwater watershed in Chalderan during a ten-year period (2003-2013).

Materials and Methods: The results of water physicochemical parameters analysis were obtained from the regional water authority. The annual average of parameters were determined using descriptive statistics in SPSS Ver.21 by applying Friedman Test and measure with significant level $\alpha = 0.05$. The annual parameters changes were compared and zoning of different parameters for groundwater quality of Chalderan watershed was determined through ArcGIS9.3 software.

Results: The results showed that physicochemical parameters had an increasing trend during the first five years while in the next five years despite annual fluctuations a decreasing trend was observed. No significant correlation was found in annual variation of potassium, calcium, chloride, and conductivity ($P = 0.05$). Geographically, density and high concentration of chemical compounds in groundwater was seen more in north west, west and south west areas. The most increases of cation and anion concentrations were observed between 2007-2010.

Conclusion: The results showed that most of the groundwater watershed contained Conductivity, and the changes in chemical composition of groundwater watershed depended on rain fall, water harvesting, and type of soil.

Keywords: Water quality, Geographic zoning, Chalderan , Iran

ارزیابی آسیب پذیری منابع آبهای زیرزمینی دشت شلمزار نسبت به آلودگی با استفاده از مدل دراستیک

حافظ امینی، دانشجوی کارشناس ارشد الودگیهای محیط زیست آزاد خوراسگان

مژگان احمدی، استاد تمام وقت گروه محیط زیست دانشگاه خوراسگان

افسانه ریسی، کارشناس مسئول بهداشت محیط بیمارستان هاجر شهر کرد

زمینه و هدف: منابع آب زیرزمینی اگرچه از آسیب پذیری کمتری نسبت به آب های سطحی برخوردارند، اما به دلیل عدم سهولت تصفیه در صورت آلوده شدن نیاز به مدیریت مناسبی دارند. در این تحقیق با توجه به اهمیت آبخوان دشت شلمزار در تامین آب شرب و کشاورزی ارزیابی آسیب پذیری این آبخوان بر گرفته از بایانامه سال ۹۶ انجام شد.

مواد و روشها: در این مطالعه با جمع آوری پارامترهای ورودی مدل دراستیک شامل عمق آب زیرزمینی، تغذیه خالص، مواد تشکیل دهنده آبخوان، نوع خاک، توپوگرافی، اثر منطقه غیر اشباع و هدایت هیدرولیکی آبخوان و تهیه نقشه ها و تلفیق آنها با نرم افزار ArcGIS 10.2 نقشه نهایی آسیب پذیری دشت بدست آمد.

نتایج: آسیب پذیری آبخوان دشت شلمزار در چهار محدوده، خیلی پایین، پایین، پایین تا متوسط، متوسط تا زیاد با نسبت های ۱۱/۱، ۵۴، ۲۹/۸۷، ۴/۸ درصد قرار می گیرد. بر اساس روش دراستیک حداکثر پتانسیل آلودگی در بخش های جنوب شرقی، شمال و شمال غربی دشت شلمزار بدست آمده است، در این بخش ها رسوبات موجود در محیط غیر اشباع آبخوان نسبت به قسمت های دیگر عمدتاً بافت درشت دانه تر داشته و سطح آب زیرزمینی در این منطقه نیز کم است؛ در نتیجه پتانسیل آلودگی آب زیرزمینی در این محدوده افزایش یافته است. با توجه به ماهیت روش دراستیک و تا حدودی کم بودن مقدار بارندگی در محدوده دشت و در نتیجه پایین بودن سطح آب زیرزمینی آن، استنباط می گردد که منابع آب در ناحیه آلاینده گی شدید قرار نمی گیرد. نیترات اندازه گیری شده در ۱۶ چاه برداشت آب در سطح منطقه نشان داد که خطری از لحاظ نیترات متوجه دشت نیست مقدار نیترات آب زیرزمینی از ۵ تا ۲۰ میلیگرم بر لیتر بوده است. ضریب همبستگی میان شاخص دراستیک با غلظت نیترات در دشت مورد مطالعه ۰/۸ بدست آمده است.

نتیجه گیری: نقشه پهنه بندی پتانسیل آلودگی آب زیرزمینی دشت شلمزار با استفاده از شاخص دراستیک در این پژوهش از دقت مناسبی برخوردار است. نتایج این تحقیق می تواند در اتخاذ تصمیمات مدیریتی در راستای بهره برداری پایدار از منابع آب زیرزمینی در دشت شلمزار مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آسیب پذیری، دراستیک، آبخوان، ArcGIS10.2



مقایسه کارایی حذف رنگ راکتیو بلاک ۵ در فرایند ازن زنی کاتالیزوری با خاکستر استخوان اصلاح شده با اکسید منیزیم و نیترات آهن: طراحی آزمایشات بر پایه مدل آماری تاکوچی

سمیه اکبری، دانشجوی دکتری گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

الهام آسمان باشیز، دانشجوی دکتری گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فرزانه فنایی، دانشجوی دکتری گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

قربان عسگری، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: رنگ های شیمیایی مورد استفاده در فاضلاب نساجی علاوه بر پیامدهای زیست محیطی دارای اثرات سرطان زایی و جهش زایی بر سلامت انسان می باشند. بعلاوه نفوذ رنگ های متفاوت در آب های سطحی و زیرزمینی سبب برهم خوردن تعادل بیو لوژیکی می گردد. هدف این مطالعه مقایسه کارایی کاتالیست خاکستر استخوان اصلاح شده با اکسید منیزیم و نیترات آهن در حذف رنگ راکتیو بلاک ۵ بود.

مواد و روش ها: ابتدا پودر خاکستر استخوان با نانو ذرات کلرید منیزیم و نیترات آهن اصلاح گردید. سپس تاثیر ۴ پارامتر شامل زمان واکنش، غلظت اولیه آلاینده، دز جاذب و pH اولیه در ۴ سطح مختلف به کمک طرح ماتریکس ترکیبی L_{16} روش تاکوچی مورد بررسی قرار گرفت. آزمایشات ازن زنی کاتالیزوری در راکتور نیمه منقطع انجام گرفت. غلظت باقی مانده آلاینده با استفاده از اسپکتروفتومتر در طول موج ۵۹۷ نانومتر قرائت گردید. آنالیز و تفسیر داده ها با استفاده از نرم افزار Minitab 16 انجام شد.

نتایج: طبق نتایج حاصل از آنالیز داده ها شرایط بهینه حذف رنگ راکتیو بلاک ۵ در زمان تماس ۲۰ دقیقه، pH برابر ۸، غلظت اولیه آلاینده ۵۰ میلی گرم بر لیتر و دز کاتالیزور برابر ۰/۳ گرم بر لیتر برای اکسید منیزیم، و برای نیترات آهن به ترتیب برابر ۱۵ دقیقه، ۱۰، ۱۰ میلی گرم بر لیتر و ۰/۱ گرم بر لیتر بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که فرایند ازن زنی یک روش موثر در کاهش غلظت آلاینده از پساب فاضلاب های نساجی می باشد. همچنین اصلاح خاکستر استخوان با اکسید منیزیم راندمان بالاتری در حذف رنگ داشت. با در نظر گرفتن کلیه داده های حاصل از این تحقیق می توان دریافت که با بکار بردن روش آزمایش تاکوچی می توان در تعداد معینی از آزمایشات شرایط بهینه برای حذف رنگ را تعیین کرد.

واژگان کلیدی: ازن زنی کاتالیزوری، راکتیو بلاک ۵، خاکستر استخوان، اکسید منیزیم، تاکوچی



Assessment of groundwater quality and evaluation of scaling and corrosiveness potential of drinking water samples in villages of Kuzaran city, Kermanshah province in Iran

Hamed Soleimani, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Zahra Mokhtari, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Rabee Ashabi, Environmental Health Engineering BSC, Dalahoo Health Network, Kerend-e Gharb city, Kermanshah Province, Iran

Boshra Ojaghi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Zahra Aboosaedi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Tahereh Mirtaleb, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Samaneh Aboli, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mohammad Kordestani, Department of Occupational Health and Safety, Faculty of Health, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

Email: Mohamad68.Kordastani@gmail.com

Background and purpose: Water quality assessment is essential to ensure viable safe use of the resources for drinking, agricultural, and industrial purposes. The purpose of this study was the assessment and analysis of Kuzaran villages in Kermanshah province water quality for drinking uses by water quality index(WQI) and investigate the water stability.

Materials and Methods: In This cross-sectional study, 35samples were taken to evaluate the water quality characteristics during 12 months (2014–2015). the water stability was determined using Langelier saturation index (LSI), Ryznar Stability index (RSI), Puckorius scaling index (PSI), Larson-Skold index (LS), and Aggressiveness index (AI).

Results: Physical and chemical analysis showed that the mean of pH, total dissolve solid, electrical conductivity, chloride concentration, sulfate, temperature, bicarbonate, total alkalinity, calcium hardness were 7.77, 1282.69 mg/L, 2004.2 μ Moh/cm, 304.6mg/L, 381.13 mg/L, 22.18°C, 300.42 mg/L, 295.47 mg/L as CaCO₃, 369.20 mg/L as CaCO₃, respectively. The results illustrated that the average values of LSI, RSI, PSI, LS, and AI was 0.5 ($\pm$ 0.34), 6.76 ($\pm$ 0.6), 6.50 ($\pm$ 0.99), 2.71 ($\pm$ 1.59), and 12.63 ($\pm$ 0.34), respectively. Moreover, according to LSI, RSI, PSI, LS, and AI, corrosion tendency in the water network was 7.5, 30, 80.72.5, and 97.5% respectively. The severity of corrosion in different regions of Kuzaran was displayed using Geographic Information System. The calculation of WQI for groundwater samples is shown that Among these, 25 % of the samples showed excellent water, 50 % of the samples fell under good water category and 25 % of the samples showed poor water category respectively.

Conclusion: Water quality index (WQI) is an important parameter for identifying the water quality and its sustainability for drinking purposes. Corrosion and scaling tendency of water is an etiology of economic and health concerns in the water supply systems.

Keywords: Groundwater quality, WQI, Scaling and corrosiveness potential, GIS, Villages of Kuzaran city



Assessment of groundwater quality using Water Quality Index in Chaldoran area, West Azerbaijan Province, Iran

Hamed Soleimani, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Farshad Hamidi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mohammad Safari, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mehdi Ahmadi'nasab, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Samaneh Aboli, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Narges Lassemi, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mohammad Kordestani, Department of Occupational Health and Safety, Faculty of Health, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

Email: Mohamad68.Kordastani@gmail.com

Background and Aim: The human body is primarily water and healthy drinking water is vital to human life. The continuous growth and development of population need more fresh water for drinking, irrigation, and domestic in cities such as Chaldoran. The evaluation of groundwater quality is an essential study to ensure its suitability for different purposes.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, 98 groundwater samples were taken from different areas of Chalderan to assess the groundwater quality for drinking and irrigation purposes. Eleven water parameters were analyzed at each groundwater sample (Na^+ , K^+ , Ca^{2+} , Mg^{2+} , HCO_3^- , SO_4^{2-} , Fe^{2+} , Mn^{2+} , Cl^- , EC, and pH) to exploit them in water quality evaluation. A classical statistic was applied for the raw data to examine the distribution of physicochemical parameters in the investigated area. The relationship between groundwater parameters were tested using the correlation coefficient where a strong relationship was found between several water parameters such as Ca^{2+} and Cl^- . Water quality index (WQI) is a mathematical model used to transform many water parameters into a single indicator value which represents the water quality level. The statistical analysis such as one-way ANOVA test, was done by SPSS (Version 24.0.).

Results: Results of WQI showed that 16% of groundwater samples are excellent, 79% are good for drinking, and 7% are very poor water while only 1% of samples are unsuitable for drinking.

Conclusion: To test the suitability of groundwater for irrigation, three indices are used; they are sodium adsorption ration (SAR), sodium percentage (Na%), and permeability index (PI). For irrigation suitability, the study proved that most sampling sites are suitable while less than 3% are unsuitable for irrigation.

Keywords: Groundwater quality, WQI, SAR, PI, Chaldoran



بررسی تجمع زیستی کروم موجود در خاک در بدن کرم های خاکی ایزنیا فوئتیدا

الهام آسمان باشیز، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
حسین سیاف، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران
environmental_sayaf@yahoo.com

مازیار نادری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

سمیه اکبری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فرزانه فنائی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

غلامرضا مصطفایی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

زمینه و هدف: کروم از جمله فلزاتی می باشد که سبب بروز مخاطرات جدی از جمله اختلال در کار کبد، کلیه و ریه می گردد. کرم های خاکی از جمله بیواندیکاتورهای مهم برای سلامت و کیفیت خاک محسوب میشوند و می توانند در خاک با آلودگی فلزی زنده بمانند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی تجمع زیستی کروم در بدن کرم های خاکی گونه ایزنیا فوئتیدا انجام شد.

مواد و روش ها: غلظت آلودگی کروم در خاک 0.06 mg/g ، 0.1 mg/g و 0.14 mg/g خاک تعیین گردید. تعداد ۳۰ عدد کرم به نمونه های ۵۰۰ گرمی خاک آلوده اضافه گردید. غلظت کروم در خاک و بدن کرم ها در دو مقطع زمانی ۲۱ و ۴۲ روز اندازه گیری شد. جهت اندازه گیری میزان غلظت کروم از دستگاه ICP استفاده شد. نرم افزار مورد استفاده SPSS نسخه 17 بود.

نتایج: ارتباط معناداری بین میزان کاهش کروم از خاک و تجمع فلز کروم در بدن کرم وجود داشت. در غلظت 0.06 mg/g کروم خاک، هیچ تجمعی در بدن کرم های خاکی صورت نگرفت که علت آن احتمالا بدلیل پایین بودن غلظت کروم در خاک و عدم تماس کافی کرمها با فلز مورد نظر می باشد. از سوی دیگر، در غلظت 0.1 mg/g در طی ۲۱ روز حدود ۳۵ درصد کاهش در غلظت کروم خاک وجود داشت که این افزایش راندمان به دلیل در دسترس بودن میزان بیشتر یونهای فلزی در خاک آلوده می باشد. با افزایش غلظت کروم خاک از 0.1 mg/g به 0.14 mg/g راندمان تجمع حدود ۳۰٪ کاهش یافت. مقایسه درصد مرگ و میر در دو مقطع زمانی مختلف نشان داد که با گذشت زمان و افزایش غلظت کروم در خاک تلفات کرم ها افزایش می یابد.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش مرگ و میر کرم ها در خاک با غلظت 0.14 mg/g کروم، استفاده از کرمها در این غلظت به منظور زیست پالایی توصیه نمی شود.

واژگان کلیدی: کروم، تجمع زیستی، کرم خاکی، آلودگی خاک



توضیحی بر تأثیر میدان مغناطیسی بر روی برهمکنش آرسنیک و یون‌های آهن در آب به وسیله‌ی نیروی لورنتز-لاپلاس

الهام آسمان‌باشیز، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مازیار نادری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
محمدباقر میران‌زاده، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

زمینه و هدف: در سال‌های اخیر جهت کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی به روش‌های فیزیکی مثل کاربرد میدان‌های مغناطیسی توجه بیشتری شده است. هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان تأثیر میدان مغناطیسی خارجی بر روی واکنش‌های بین آرسنیک و یون‌های آهن بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه یک آهنربای دائمی حلقوی با چگالی شار مغناطیس ۱۰ میلی‌تسلا استفاده شد. آهنربا در اطراف ستون قرار داده شد و محلول‌های مورد نظر از آن عبور داده شدند. نمونه‌های دارای غلظت آرسنیک 2 mg/l و 0.5 mg/l به همراه براده‌ی آهن در دوزهای 5 g/l و $2/5 \text{ g/l}$ در زمان‌های تماس ۵، ۱۰ و ۱۵ دقیقه در pH خنثی و در شرایط آزمایشگاهی واکنش داده شدند. در نهایت غلظت آرسنیک و میزان هدایت الکتریکی اندازه‌گیری شد.

نتایج: نتایج نشان داد که در حضور میدان مغناطیسی خارجی راندمان حذف آرسنیک نمونه‌های دارای اکسیدهای آهن کاهش یافت.

نتیجه‌گیری: از نتایج این مطالعه نتیجه‌گیری شد که میزان هسته‌سازی، کریستال‌سازی، انعقاد، تفکیک و انحلال یون‌ها در این فرایند به دلیل مکانیزم‌هایی مثل نیروی لورنتز-لاپلاس بود.

واژگان کلیدی: آرسنیت، براده‌های آهن، ستون مغنتیک، میدان مغناطیسی

ارزیابی ریسک و آنالیز خطرات مهم در سیستم آبرسانی شهر سرایان با استفاده از برنامه ایمنی آب و ماتریس امتیازدهی ریسک سازمان جهانی بهداشت (WHO)

فرزانه فنائی، دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
اکبر اسلامی، دانشیار، مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان آور محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
بهنام باریک بی، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
اسماء علی یاری، دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
الهام آسمان باشیز، دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
سمیه اکبری، دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
سمیه بدخشان، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

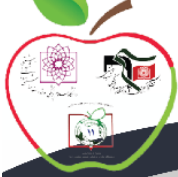
زمینه و هدف: با توجه به پیچیدگی فرآیند تأمین آب، مؤثرترین روش جهت اطمینان پایدار از ایمنی یک سیستم آبرسانی، استفاده از راهکار ارزیابی جامع ریسک و مدیریت آن می‌باشد به طوری که تمام مراحل تأمین آب از منبع تا نقطه مصرف را شامل شود. هدف از مطالعه حاضر شناسایی ریسک‌ها و خطرات تهدید کننده بهداشت و کیفیت آب در سیستم آبرسانی شهر سرایان با استفاده از برنامه ایمنی آب می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، با بررسی منابع تحقیقی مختلف و بازدید میدانی، خطرات بالقوه فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی مؤثر بر ایمنی آب، در هر مرحله از زنجیره تأمین آب آشامیدنی شناسایی و با استفاده از روش کیفی اولویت بندی شدند. سپس سطح ریسک ناشی از هر خطر با استفاده از ماتریس امتیاز دهی ریسک ۵×۵ مطابق با کتاب راهنمای WHO مشخص گردید. در نهایت خطرات مهم به همراه ارزیابی ریسک در جداول آنالیز خطر ارائه و راهکارهای اساسی جهت کنترل، اصلاح یا کاهش احتمال خطر پیشنهاد گردید.

نتایج: غلظت بالای نیتریت و نیترات، بالا بودن سختی و کل جامدات محلول، ورود آب آلوده به داخل شبکه توزیع به هنگام حوادث و اتفاقاتی از قبیل انفجار، شکستگی، نشت یا تعمیر خطوط آبرسانی (مخصوصاً در فشارهای پایین) و نشتی و خوردگی لوله‌های داخلی ساختمان از جمله مهم ترین خطرات شناسایی شده در اجزاء عمده سیستم آبرسانی شهر سرایان بود.

نتیجه گیری: با توجه به چارچوب برنامه ریزی‌های ایمنی آب و آب آشامیدنی سالم برای اجرای مستمر برنامه ایمنی آب و جلوگیری از ایجاد نقص در سیستم و متعاقب آن تحویل آب ناسالم به مصرف کننده، بایستی ارزیابی ریسک سیستم از منبع تا نقطه مصرف، نظارت اجرایی معیارهای کنترل در چرخه تأمین آب، تدوین دستورالعمل‌های مدیریتی برای شرایط بهره برداری مختلف و بازرسی‌ها و بازبینی‌های دوره ای جهت تأیید عملکرد صحیح در کلیه سیستم‌های تأمین آب مورد توجه جدی قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، آب آشامیدنی، سرایان، برنامه ایمنی آب، آنالیز خطر



بررسی کیفیت میکروبی آب آشامیدنی روستاهای شهرستان سروآباد در سال

۱۳۹۳

مسعود قلی پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

شهرام صادقی، مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

پوریا سهامی، کارشناس آزمایشگاه تصفیه خانه فاضلاب سنندج، ایران.

بشیر قاسمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

محمد پارسا حاتمی، دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

اسماعیل قهرمانی، مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

زمینه و هدف: هدف از این مطالعه تعیین کیفیت میکروبی آب آشامیدنی روستاهای شهرستان سروآباد در سال ۱۳۹۳ می‌باشد. مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی-مقطعی، کیفیت میکروبی آب ۷۷ روستای شهرستان بر اساس ۳ معیار کل کلیفرم، کلیفرم مدفوعی و کلر آزاد باقیمانده مورد سنجش قرار گرفت. نمونه‌ها به روش آزمایش تخمیر نه لوله ای بر اساس روش مندرج در چاپ بیستم کتاب استاندارد متد برای آزمون های آب و فاضلاب انجام شد. در نهایت نمونه های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ تحلیل گردید.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان می دهد که از مجموع ۸۹۷ نمونه جمع آوری شده، ۸۴۲ نمونه (۹۳/۸۶ درصد) فاقد کلیفرم بوده و در ۵۵ مورد کلیفرم گرمای مشاهده گردید. بیشترین نمونه های آلوده مربوط به فصل پاییز و کمترین آن مربوط به فصل زمستان می باشد. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که میزان متوسط مطلوبیت کلر آزاد باقیمانده در روستاهای تحت پوشش ۶۹ درصد است به طوریکه حداکثر این شاخص در فصل تابستان ۹۷/۵۳ درصد و حداقل آن در فصل زمستان ۹۵/۰۳ درصد می باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، وضعیت روستاهای تحت پوشش از لحاظ آلودگی مدفوعی موفق بوده است ولی برای روستاهای که تحت پوشش آب و فاضلاب روستایی نیستند شرایط نامناسبی حاکم است. به طور کلی کیفیت میکروبی آب آشامیدنی در روستاهای مورد بررسی در حد شاخص میکروبی کشوری بوده است.

واژگان کلیدی: کیفیت میکروبی، آب آشامیدنی، روستایی، سروآباد

بررسی وضعیت جوش شیرین و نمک در نان نانوائی های شهرستان مهر سال ۹۰-

۸۹

۱ احمد صادقی، دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی

شیراز، شیراز، ایران

a_sadeghi@sums.ac.ir

زمینه و هدف: امروزه نان غذای اصلی و پایه مردم بسیاری از کشورهای جهان را تشکیل داده و روزانه قسمت اعظمی از انرژی، پروتئین، املاح معدنی و ویتامین های گروه B موردنیاز آنها را تامین می نماید. در دهه های اخیر مصرف جوش شیرین که باعث ورآمدن سریع خمیرنان و نمک اضافی که باعث جبران نواقص خمیر می شود، در کشور ما رواج پیدا کرده است. بقایای جوش شیرین موجود در نان موجب کم خونی و مانع جذب کلسیم، آهن و سایر عناصر ضروری در دستگاه گوارش می شود و درصد نمک اضافی در نان می تواند باعث ایجاد بیماری های قلبی- عروقی به خصوص افزایش فشار خون گردد. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت استفاده از جوش شیرین و نمک در نانوائی های شهرستان مهر در سال های ۱۳۹۰-۱۳۸۹ و پیشنهاد راهکارهای مناسب برای کاهش استفاده از جوش شیرین و نمک در نان است.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی- توصیفی در سالهای ۹۰-۸۹ در شهرستان مهر انجام شده است. در این پژوهش متغیرهای جوش شیرین و نمک طعام مورد بررسی قرار گرفت. جوش شیرین نان مطابق استاندارد شماره ۲۶۲۸ و میزان نمک مطابق استاندارد ۲۵۷۷ موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران اندازه گیری شده است.

نتایج: از مجموع ۳۷ نمونه گرفته شده همه نمونه ها (۱۰۰ درصد)، pH کمتر از ۶/۲ داشتند و هیچ کدام از نانوائی ها از جوش شیرین استفاده نکردند. در ۶ نمونه میزان نمک بیش از ۲ درصد بوده است، به عبارتی در ۱۶ درصد از نمونه ها میزان نمک بیش از حد مجاز می باشد.

نتیجه گیری: میانگین کل نمک در نانوائی های مورد مطالعه قابل قبول و مطابق استاندارد ایران است. با توجه به معایب جوش شیرین خوشبختانه هیچ کدام از نانوائی های شهرستان مهر از جوش شیرین استفاده نمی کردند. آموزش و برگزاری جلسات آموزشی برای کلیه متصدیان و کارگران نانوائی ها و همچنین نظارت و بازرسی های بیشتر بازرسان بهداشت محیط از نانوائی ها و نمونه برداری از خمیر جهت انجام آزمایش pH و نمک از اقداماتی است که میتواند در بهبود کیفیت نان مهم و کارساز باشد.

واژگان کلیدی: جوش شیرین، نمک، نان، نانوائی، شهرستان مهر



بررسی کارایی فرآیند الکتروشیمیایی جفت الکترودهای مس-مس در حذف آنیلین از محیط‌های آبی

علیرضا رحمانی، استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مصطفی لیلی، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

جمال مهرعلی پور، دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مرضیه باقری، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

سونیا چاوشی، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: استفاده از فرآیندهای اکسیداسیون پیشرفته، به دلیل کارایی بالا در تخریب ترکیبات آلی مقاوم رو به گسترش است. استفاده توأم از جریان الکتریکی با رادیکال‌های آزاد سولفات باعث ایجاد خاصیت تشدیدکنندگی بر حذف آلایندگی می‌شود. هدف از این مطالعه بررسی کارایی فرآیند پرسولفات فعال شده به روش الکتروشیمیایی با جفت الکترودهای مس-مس در حذف آنیلین از محیط‌های آبی بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تجربی، از محفظه واکنش الکتروشیمیایی به حجم مفید ۲۵۰ میلی لیتر مجهز به ۲ الکتروده از جنس مس با ابعاد ۵۰×۱۰×۲ mm، متصل به منبع تغذیه جریان مستقیم استفاده شد. همچنین تأثیر پارامترهای pH، میزان جریان الکتریکی، غلظت آنیون پرسولفات و غلظت اولیه آلایندگی مورد بررسی قرار گرفت. اندازه‌گیری غلظت آنیلین با استفاده از اسپکتروفتومتر مدل DR5000 ساخت HACH صورت گرفت.

نتایج: نتایج بدست آمده در این مطالعه نشان داد که حذف آنیلین تحت تأثیر پارامترهای مختلف بهره‌برداری است، به طوری که بیشترین کارایی فرآیند در pH برابر ۴، ولتاژ برابر ۱۱/۲۳ ولت، غلظت آنیون پرسولفات برابر ۷۵۰ mg/L و در غلظت ۶۰ میلی گرم بر لیتر آلایندگی، ۸۹/۹۴ درصد در مدت زمان ۲۵ دقیقه بدست آمد. همچنین مشخص شد نیتروژن دهی کارایی فرآیند الکتروپرسولفات را افزایش و هوادهی کارایی را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر، بیانگر کارایی مناسب فرآیند مذکور در حذف آلایندگی‌های آلی در شرایط بهینه بهره‌برداری و همچنین به عنوان یک تکنولوژی جایگزین جهت تصفیه فاضلاب‌های صنعتی حاوی آنیلین می‌باشد. این فرآیند دوستدار محیط زیست می‌تواند جایگزین واحدهای تصفیه متداولی شود که کارایی در حذف اینگونه آلایندگی‌ها را ندارند.

کلید واژه‌ها: الکتروشیمیایی، الکتروده مس، آنیلین، محیط‌های آبی



بررسی کارایی فرآیند فتوکاتالیستی دی اکسید تیتانیوم با استفاده از لامپ های LED در کاهش COD فاضلاب نساجی: مطالعه موردی کارخانه نخ رنگ همدان

قربان عسگری، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

عبدال مطلب صید محمدی، دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مرضیه باقری، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

سونیا چاوشی، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: صنایع نساجی به دلیل حجم پساب بالا و وجود عوامل مضر محیط زیستی نظیر انواع رنگ ها، از صنایع قابل توجه در تصفیه فاضلاب صنعتی هستند. بنابراین، هدف از این مطالعه تعیین کارایی فرآیند فتوکاتالیستی دی اکسید تیتانیوم با استفاده از لامپ های LED در کاهش COD فاضلاب کارخانه نساجی نخ رنگ همدان می باشد.

مواد و روش ها: در مطالعه تجربی حاضر در هر بار آزمون ۱۰۰ میلی لیتر نمونه داخل راکتور LED در معرض تابش اشعه فرابنفش و دی اکسید تیتانیوم قرار گرفت. همچنین تأثیر پارامترهایی از قبیل زمان تماس، pH و دوز دی اکسید تیتانیوم بررسی شد و سینتیک تجزیه و اثر سینرژیستی هر یک از فرآیندها تعیین گردید.

نتایج: نتایج حاصل از آزمایشات بیان می کنند فرآیند فوق می تواند تحت شرایط بهینه بهره برداری طی مدت ۱۲۰ دقیقه فاضلاب نساجی COD را با کارایی ۶۴/۷۵ درصد حذف نماید. همچنین واکنش تجزیه این فاضلاب تابع سینتیک درجه یک بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد فرآیند UV-LED/TiO₂ می تواند با کارایی مناسبی جهت حذف کاهش COD فاضلاب های صنایع نساجی، تحت شرایط بهینه بهره برداری استفاده گردد.

کلید واژه ها: فتوکاتالیستی، دی اکسید تیتانیوم، COD، LED، فاضلاب نساجی



بررسی میزان آلاینده های معیار هوای شهر بهبهان در سال ۱۳۹۵

قباد زرین منش، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست

حمید قبائی سوق، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست

علی رضا مزارعیان مقدم، کارشناس بهداشت محیط

زمینه و هدف : پدیده آلودگی هوا در مناطق شهری یکی از ره آوردهای انقلاب صنعتی است که از سیصد سال پیش شروع و با توسعه صنعتی و ازدیاد شهرها، بر میزان و شدت آن روز به روز افزوده می شود. تکیه اساسی بر منابع جدید انرژی از قبیل زغال، نفت، گاز و در نتیجه آزاد شدن ترکیبات ناشی از احتراق این مواد، فرآورده های مضر و زیان بخشی را به همراه می آورد که حیات موجودات زنده و به ویژه انسان ها را تهدید می نماید. اندازه گیری میزان آلاینده های معیار هوای شهر بهبهان و مقایسه با استانداردهای ملی و بین المللی

مواد و روش ها : پژوهش حاضر به لحاظ هدف از دسته ی تحقیقات کاربردی، به لحاظ کنترل متغیرها از نوع توصیفی مقطعی و به لحاظ گردآوری داده ها از نوع میدانی است. در این پروژه تعداد کل ۳۶۰ نمونه هوا در مناطق شلوغ و پرتردد شهر بهبهان در سال ۱۳۹۵ برداشت شد، پارامترهای دی اکسید گوگرد، ذرات معلق کمتر از ده میکرون، مونوکسید کربن، دی اکسید نیتروژن و ازن اندازه گیری شدند

نتایج : نتایج پژوهش نشان داد که در فصل زمستان غلظت همه ی آلاینده ها (به جز ذرات معلق) بیشتر است. در فصل تابستان غلظت مواد معلق بیشتر از سایر فصول است. غلظت سالانه ی تمامی آلاینده ها در سطح سالم قرار دارد اما در روزهایی از سال غلظت برخی آلاینده ها بالا رفته و از حد مصوب گذر کرده است. بیشترین آلاینده ها در بهبهان ذرات معلق و دی اکسید گوگرد می باشند.

نتیجه گیری : نتایج پژوهش نشان داد عامل اصلی و مخاطره آمیز ذرات معلق موحود در هواست که بیشتر ناشی از پدیده ی گر و غبار می باشد. و انجام اقدامات لازم در این زمینه ضروری است.

واژگان کلیدی : آلاینده های هوا، هوای بهبهان، آلودگی هوا

تأثیر آلودگی هوا بر مخارج بهداشتی (خصوصی - عمومی) در ایران: یک مطالعه سری زمانی

تورج هراتی خلیل آباد، دانشجوی دکتری تخصص اقتصاد سلامت، گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

عبدالرضا موسوی، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت، گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محبوبه شالی، دانشجوی دکتری پرستاری، گروه مدیریت و مراقبت های ویژه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: آلودگی زیست محیطی، یکی از پیامدهای منفی فرایند توسعه کشورها در دهه های اخیر بشمار می رود که بسیاری از کشورها با این پدیده دست به گریبان می باشند. ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه از چنین قاعده ای مستثنی نمی باشد و سالیانه مخارج هنگفتی را به دلیل تبعات حاصل از آلودگی پرداخت می نماید. هدف این مطالعه، تحلیل نقش آلودگی هوا در کنار سایر شاخص های بهداشتی بر مخارج بهداشتی خصوصی و عمومی می باشد.

روش: این مطالعه از نوع مطالعات کاربردی- توسعه ای می باشد. برای برآورد مدل از روش اقتصادسنجی، خودرگرسیون با وقفه های توزیع شونده (ARDL) در دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۳ استفاده کرده ایم. به منظور تعیین هم انباشتگی بین متغیرهای مخارج بهداشتی با نرخ مرگ و میر نوزادان، نرخ باروری، درآمد سرانه و آلودگی هوا از آزمون والد در نرم افزار Microfit 4.1 استفاده گردیده است. سپس بمنظور بررسی ایستایی متغیرها و همچنین برآورد روابط بلند مدت و کوتاه مدت از نرم افزار Eviews8 استفاده گردیده است.

یافته ها: نتایج مطالعه حاکی از تأثیر(مثبت و معنی دار) نسبتاً قوی تر آلودگی هوا نسبت به سایر متغیرها بر مخارج بهداشتی می باشد؛ بگونه ای که در بلند مدت، یک درصد افزایش در شاخص دی اکسید کربن، به ترتیب سبب ۳،۳۲ و ۱،۱۶ درصد افزایش در مخارج بهداشتی عمومی و مخارج بهداشتی خصوصی می شود.

نتیجه گیری: در میان عوامل موثر بر مخارج بهداشتی، کیفیت محیط زیست و آلاینده های ناشی از آن، نقش پر رنگی را ایفا می نمایند؛ بنابراین بمنظور کاهش بار اقتصادی ناشی از افزایش مخارج بهداشتی در کشور، تصویب و نظارت بر اجرای قوانین حفاظت از محیط زیست، بمنظور کاهش آلاینده های هوا ضروری می باشد.

کلمات کلیدی: آلودگی هوا، مخارج بهداشتی عمومی، مخارج بهداشتی خصوصی، روش خودرگرسیون با وقفه های توزیع شونده



تأثیر سرعت حرکتی خودروها در سیستم حمل و نقل شهری بر آلودگیهای محیط زیست

محمدرضا مهماندار، استادیار، دانشگاه علوم انتظامی امین، پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ

محمد آریانا، کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی (تحقیق در عملیات)، پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ
mhariana62@gmail.com

احسان خلیلی، کارشناسی ارشد برق (کنترل)، پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ

توفیق مبادری، کارشناسی ارشد آمار زیستی، پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ

زمینه و هدف: امروزه توجه به مسئله کنترل ترافیک و حمل و نقل شهری بسیار مورد توجه پژوهشگران حمل و نقل و ترافیک کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. بررسی این مجموعه به عنوان یک سیستم مستقل، تأثیرات مطلوب و نامطلوبی را با خود به همراه دارد. یکی از اثرات نامطلوب این سیستم‌ها، انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی است. در این پژوهش هدف بر آن است تا یکی از اثرات این مجموعه با توجه به یک عامل خاص در سیستم حمل و نقل مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: برای بررسی اثر سیستم حمل و نقل بر محیط‌زیست، معیارها و روش‌های علمی زیادی معرفی شده است که هر یک به بررسی تأثیر عاملی خاص بر محیط‌زیست می‌پردازد. در این مقاله به تحلیل نمودارهای سرعت متوسط حرکتی خودروها و رابطه آن با میزان انتشار آلاینده‌های خاص تولیدی پرداخته شده است.

نتایج: در این پژوهش میزان سرعت متوسط حرکتی خودروها و اثرات آن بر میزان تولید آلودگی‌های محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفته است. عامل سرعت متوسط حرکتی خودروها به عنوان یک عامل مؤثر در زمینه کنترل ترافیک و حمل و نقل شهری می‌باشد که علاوه بر بحث ترافیک، اثرات نامطلوب زیادی بر سیستم‌های محیط‌زیستی دارد. تولید چندین گاز نامطلوب از جمله اکسید نیتروژن و مونواکسید کربن در اثر خروجی سیستم خودرو و میزان تولید آلاینده‌های آن در مطالعه موردی شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: در زمینه حمل و نقل و کنترل ترافیک باید بتوان عوامل مختلف را در نظر گرفت تا با کنترل یک قسمت از این مجموعه، قسمت‌های دیگر مورد آسیب واقع نشوند. اگر چه سرعت حرکتی خودروها در کنترل حوادث و تصادفات بسیار مؤثر است ولی باید با تدابیری مؤثر به تأثیرات متقابل تغییرات این عامل مهم پرداخته شود و با اصلاح یک قسمت از سیستم حمل و نقل، قسمت‌های دیگر آن از جمله سلامت محیط‌زیست مورد آسیب واقع نشود.

واژگان کلیدی: کنترل سرعت، آلودگی‌های محیط‌زیست، سیستم حمل و نقل شهری، گازهای خروجی خودرو



بررسی کیفیت میکروبی آب در آب سرد کن های دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی مشهد

آرزو قربان زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران،

ایران

نجمه افشار کهن، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

ایران

ریحانه زنگی، کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

فاطمه مرادی، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار،

ایران

مقدمه: به دلیل اهمیت آب در سلامتی و ارتقاء سطح سلامت و بهداشت جامعه و توانایی آب در انتقال انواع بیماری های واگیردار، بررسی و کنترل کیفی این ماده حیات بخش لازم است. سالانه بیش از 250 میلیون نفر به بیماری های مرتبط با آب آلوده مبتلا می شوند که به مرگ 5 تا 10 میلیون نفر در سال منجر می گردد. از جمله مناطقی که به بررسی بیشتری در مورد آلودگی های میکروبی آب نیاز دارد، دستگاه های آب سرد کن می باشند. با توجه به ساختار این دستگاه ها و به دلیل راکد ماندن آب در آن، زمینه رشد و توسعه بیوفیلم فراهم می گردد. از این رو بررسی کیفیت میکروبی آب در آب سردکن های دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی مشهد هدف این مطالعه می باشد.

مواد و روش: تعداد ۱۳ عدد آبسردکن مستقر در اماکن آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد را به صورت تصادفی انتخاب کرده و جهت بررسی مقادیر مربوط به کل کلیفرم، باکتری های هتروتروف (HPC)، تجزیه و تحلیل pH، کلر باقیمانده به آزمایشگاه میکروبیولوژی دانشکده بهداشت منتقل شده و از طریق روش MPN ۱۵ لوله ای و کروموژن آگار بار میکروبی آن مورد بررسی قرار می گیرد. نتایج آن از طریق روش SPSS آنالیز و سپس گزارش می شود.

نتایج: نتیجه آزمایش MPN و کروموژن همه نمونه ها منفی شد که بیانگر عدم حضور کلی فرم مدفوعی و سایر کلی فرم ها در آب می باشد البته با توجه به این که نمونه از آب آشامیدنی برداشت شده بود انتظار می رفت که نتایج مطابق استاندارد باشد. **بحث:** pH و کلر آزاد باقی مانده تقریباً در محدوده استاندارد بود و تفاوت معناداری بین pH و کلر باقی مانده دانشکده ها با نمونه ورودی مربوط به آنها مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: آب سردکن، MPN، کروموژن آگار



بررسی مقدار و روند تغییرات شاخص های خوردگی در منابع آب روستاهای شهرستان کاشان

زهرا ابوسعیدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مهدی هادی؛ مرکز تحقیقات آب (CWQR)، موسسه تحقیقات محیطی (IER)، دانشگاه علوم پزشکی تهران،

تهران hadi_rfm@yahoo.com

ندا احمدزاده؛ دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،

دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: رسوبگذاری و خوردگی به عنوان عوامل مخرب کیفیت آب شرب مشکلاتی را نظیر کاهش بهداشت عمومی، کاهش کیفیت آب و کاهش عمر مفید تجهیزات لوله‌کشی ایجاد میکند. لذا در این مطالعه تمایل به خوردگی یا رسوبگذاری منابع آب زیرزمینی شامل چشمه، قنات، چاه عمیق و نیمه عمیق در روستاهای شهرستان کاشان طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۸۱ مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی مقطعی می باشد که مقادیر شاخصهای کیفی شامل لانژلیر (LI) به تفکیک منابع آب (CCPP و همچنین شاخص کمی پتانسیل ترسیب کربنات کلسیم (PSI)، پوکوریوس (RY راینار) مورد بررسی در اکسل و بررسی گردید. ۱۳۹۲ تا ۱۳۸۱ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: برای تمامی منابع آب مقدار متوسط شاخصهای $0.3/0 \pm 99/6$ ، $0.2/0 \pm 41/0$ به ترتیب برابر با PSI و LI.RY مقدار پتانسیل CCPP میلیگرم برلیتر تعیین شد. بر اساس شاخص $44/2 \pm 41/21$ برابر با CCPP و شاخص $0.2/0 \pm 40/7$ $16/3 \pm 23/17$ ، $38/1 \pm 66/15$ ، $22/11 \pm 23/41$ رسوبگذاری منابع آب چشمه، قنات، چاه عمیق و نیمه عمیق به ترتیب برابر با حاکی از افزایش معنی دار تمایل ۱۳۹۲ تا ۱۳۸۱ میلی گرم برلیتر می باشد. بررسی روند تغییرات شاخص ها از $46/4 \pm 15/23$ و افزوده شده است.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه تمامی منابع آب منطقه تمایل قابل توجهی به رسوبگذاری دارند به نحوی که این تمایل از بیشترین تا کمترین مربوط به چاه های عمیق، چاه های نیمه عمیق، چشمه و قنات می باشد. مقدار وزن رسوب گرم برآورد میشود. این پتانسیل رسوبگذاری قابل توجه بوده و میتواند در ۲۱ به ازای هر متر مکعب آب منطقه در حدود افزایش رسوبات در جداره سیستمهای توزیع آب مشکل ساز باشد. روند افزایش تمایل به رسوبگذاری آب در منطقه نیز میتواند حاکی از تاثیر توام برداشت بیرویه از منابع آب و کاهش منابع آب در منطقه باشد. در استفاده از منابع چاه های عمیق جهت تامین آب در سیستم های توزیع انجام اقدامات کنترلی به منظور تعدیل کیفی آب از نظر رسوبگذاری ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: شاخص خوردگی، منابع آب، پتانسیل ترسیب کربنات کلسیم



سنتز و شناسایی مشخصات نانو کامپوزیت مغناطیسی آهن- زیر کونیوم/ کیتوسان، و کاربرد آن در حذف اسید هیومیک

مریم خدادادی، دکتری مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
نگین ناصح، دانشجوی دکتری آلودگی محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران.
فاطمه اکبری، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

زمینه و هدف: وجود مواد آلی در منابع آبی یک مشکل اساسی در تصفیه آب است. به دلیل افزایش نگرانی‌ها مربوط به محصولات جانبی حاصل از گندزدا حذف مواد آلی از جمله اسید هیومیک امری اجتناب ناپذیر است، از طرف دیگر وجود مواد آلی در آب بر فرآیندهای مختلف تصفیه آب از جمله انعقاد، اکسیداسیون، جذب و گندزدایی تاثیر بسزایی دارد. در نتیجه واکنش کلر با مواد آلی منجر به تشکیل تری‌هالومتان‌ها و هالواسیداستیک‌ها می‌شود که باعث تشکیل بیوفیلیم در شبکه آب و همچنین سرطان در انسان می‌گردد. به همین منظور هدف از این مطالعه سنتز و بررسی کارایی نانو کامپوزیت مغناطیسی آهن- زیر کونیوم/ کیتوسان، و کاربرد آن جهت حذف اسید هیومیک از محیط‌های آبی است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه در مقیاس آزمایشگاهی صورت گرفته است. سنتز نانو کامپوزیت انجام شده به روش هم‌رسوبی صورت گرفت جهت بررسی خصوصیات نانو کامپوزیت مورد نظر آن از روش‌های SEM، FTIR، XRD و VSM استفاده شد همچنین تاثیر pH، غلظت اسید هیومیک، دوز جاذب، زمان تماس، مدل‌های سینتیک، ترمودینامیک و ایزوترم بر فرآیند جذب اسید هیومیک مورد بررسی قرار گرفت. جهت اندازه گیری غلظت اسید هیومیک با دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۲۵۴ نانومتر صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بیشترین درصد حذف اسید هیومیک در pH های اسیدی صورت گرفت و هرچه میزان دوز جاذب بیش‌تر شود و غلظت اسید هیومیک کمتر باشد میزان حذف بیشتر می‌شود مقدار ΔS برابر با 65.1 J/mol.k و مقدار ΔH برابر با 0.016 kJ/mol است و فرآیندی گرماگیر است. ایزوترم از فرمول فرنرندلیچ و پارامترهای ترمودینامیکی از مدل شبه درجه دو تبعیت می‌کند.

نتیجه گیری: بر اساس، نتایج بدست آمده مشخص شد که جاذب سنتز شده توانایی بالایی در حذف اسید هیومیک دارد و می‌تواند بعنوان یک جاذب مناسب و ارزان قیمت مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: نانو کامپوزیت مغناطیسی، آهن- زیر کونیوم/ کیتوسان، حذف، اسید هیومیک



نقش خانواده‌ها در خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی

ظاهره هاشمی فرد؛ گروه پرستاری و مامایی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

آرمان لطیفی؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران

محبوبه برهانی؛ استادیار مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و مدیریت سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

علی مهری؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زینب ملایجردی؛ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

مقدمه: خشونت علیه زنان هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت می‌باشد که، موجب آسیب جسمی، جنسی یا روانی یا رنج زنان شود، که به‌عنوان یک پدیده‌ی جهانی که در حوزه‌های خصوصی و عمومی زندگی تجربه می‌شود، تهدیدی جدی برای سلامتی و حقوق انسانی به شمار می‌رود. نحوه‌ی رفتار خانواده‌ها و برداشت زوجین از راهنمایی یا دخالت خانواده‌ها در زندگی آنان، یکی از عوامل مستعد کننده بروز خشونت خانگی در زندگی زوجین می‌باشد. این مطالعه با هدف تبیین نقش دخالت خانواده‌ها در خشونت خانگی انجام شد.

روش کار: در این مطالعه کیفی توصیفی که در شهر سبزوار انجام شد، در مجموع ۱۷ نفر شامل (۱۵ مرد و ۲ مشاور) در طول ۸ ماه با نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته بود که با سولات باز و به صورت چهره به چهره انجام شد. روش آنالیز مصاحبه‌ها تحلیل محتوای گرنهایم و لاندمن بود. جهت حصول دقت و استحکام داده‌ها، معیار مقبولیت، قابلیت انتقال، قابلیت وابستگی و قابلیت اعتماد داده‌ها بررسی گردید.

یافته‌ها: پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها سه طبقه اصلی برداشت زوجین از حمایت خانواده، واکنش زوجین نسبت به دخالت خانواده‌ها و عدم حمایت خانواده‌ها از زوجین در شرایط لازم مفهوم پردازی گردید.

نتیجه‌گیری: عواملی مانند ازدواج در سن پایین، نداشتن مهارت‌های حل مسئله و عدم توانایی زوجین در حل مسائل زندگی، سبب می‌شود که زوجین مشکلات را به خانواده‌های خود منتقل نموده، و این امر زمینه‌ی دخالت آن‌ها را فراهم می‌آورد. برای پیشگیری از دخالت خانواده‌ها، عدم ازدواج در سنین پایین، برگزاری کلاس‌هایی جهت توانمندسازی زوجین جهت حل مسائل و مراجعه به مشاور جهت حل مشکلات پیشنهاد می‌شود. ضمن آن‌که حمایت مالی و عاطفی خانواده‌ها از زوجین در اوایل ازدواج، باعث کاهش فشار شده و می‌تواند زندگی سرشار از رضایت را برای آن‌ها به ارمغان آورد.

واژگان کلیدی: مطالعه کیفی، خشونت خانگی، دخالت خانواده‌ها، سبزوار



بررسی وضعیت فعالیت فیزیکی و عوامل مرتبط با آن در زنان میانسال

زینب ملایجردی؛ کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

حمید جوینی؛ استادیار آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

معصومه هاشمیان؛ استادیار آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران.

روح الله برقبانی؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه مدیریت بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

مقدمه: زندگی بدون تحرک به عنوان یک عامل خطر بالقوه بیماری های مزمن و مرگ و میر زودرس، و از نگرانی های سازمان جهانی بهداشت اعلام شده است. با توجه به این که میانسالان جزء افراد در معرض خطر بیماری های مزمن بوده و اهمیتی که فعالیت فیزیکی در پیشگیری از این بیماری ها دارد، این مطالعه با هدف ارزیابی سطح فعالیت فیزیکی و عوامل مرتبط با آن در زنان میانسال شهرستان جویین انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۰۸ نفر از زنان میانسال شهرستان جویین که به صورت چند مرحله ای از بین ۵ مرکز بهداشتی درمانی به صورت تصادفی انتخاب شدند، انجام گرفت. جمع آوری داده ها با پرسشنامه استاندارد فعالیت فیزیکی بک (beck) انجام و توسط نرم افزار SPSS 23 و آزمون های کای اسکور، همبستگی پیرسون و آنوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که ۷۸ درصد افراد فعالیت فیزیکی کافی نداشته و فقط ۲۲ درصد دارای فعالیت ورزشی بوده اند، و ۸/۷ درصد افرادی که ورزش می کردند ورزش دوم نیز داشتند. بین متغیر سن ($P=0/25$) و نمایه توده بدنی ($P=0/083$) با شاخص کل فعالیت بدنی ارتباط معکوس وجود داشت، ولی معنی دار نبود. بین شاخص کل فعالیت فیزیکی و متغیرهای میزان درآمد ($P=0/001$) و شغل ($P=0/001$) تاثیر معنی دار و متغیرهای میزان تحصیلات و تاهل، تاثیر معنی داری مشاهده نشد. **نتیجه گیری:** گروه در معرض خطر کم تحرکی زنان میانسال شهرستان جویین، افراد با سن بالا، تحصیلات کم، خانه دار و کارمند، نمایه توده بدنی بالا و وضعیت اقتصادی اجتماعی و درآمد پایین می باشد. با توجه به شیوع بالای کم تحرکی و شناسایی گروه های در معرض خطر در این مطالعه، طراحی برنامه ها و مداخلات آموزشی تئوری محور جهت تغییر سبک زندگی و ارتقاء فعالیت فیزیکی زنان میانسال امری ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: فعالیت فیزیکی، زنان، میانسال



کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان پستان

سهیلا فتحعلی زاده؛ دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

گیتی معین الرعایا؛ دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: زنان از مهمترین ارکان خانواده و جامعه هستند بنابراین بهبود کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان پستان نه تنها سبب بهبود بقای آنان می شود بلکه سبب افزایش کیفیت زندگی و انسجام بیشتر ساختار خانواده نیز می شود. در این مقاله سعی شده است به بررسی روش های افزایش کیفیت زندگی در بیماران دچار سرطان پستان اشاره شود.

روش کار: مقاله موردنظر بصورت مروری با استفاده از مقالات دیگر و google, sid تهیه شده است.

یافته ها: ۱- نتایج پژوهشی در زنان: مشاوره با خانواده سبب کاهش عوارض عمومی ناشی از شیمی درمانی همچون خستگی، تهوع و استفراغ، درد و تنفس دردناک، اختلال خواب، بی اشتها، یبوست، اسهال، مشکلات اقتصادی و همچنین علایم و عوارض اختصاصی و نگرانی نسبت به ریزش مو گردیده است. ۲- نتایج مطالعه آنتونی: با استفاده از آرامسازی (کاهش اضطراب) بازسازی شناختی، آموزش سبک های مقابله ای و مهارت های بین فردی، سازگاری روانی اجتماعی (افزایش خلق مثبت، افزایش کیفیت زندگی، کاهش مشکلات بین فردی) زنان مبتلا به سرطان، بعد از عمل جراحی و قبل از شیمی درمانی افزایش می یابد. ۳- نتایج پژوهشی نشان داده که انجام مشاوره پرستاری سبب ارتقای مقیاس های عملکردی کیفیت زندگی بیماران در گروه مورد شده است. مقیاس های عملکردی عمومی (جسمانی، ذهنی، احساسی، اجتماعی) و مقیاس های عملکردی اختصاصی بیماران مبتلا به سرطان پستان (تصویر بدنی) در گروه مورد نیز در اثر مشاوره بهبود یافته است. ۴- در مطالعه ای که توسط Penttinen و همکاران در سال ۲۰۱۰ انجام شد ۲۶٪ بیماران از افسردگی، ۲۰٪ از خستگی و ۸۲٪ از علایم جسمی و روانی مختلفی رنج می بردند. ۵- مطالعات مروری نشان داده: عوامل مختلفی بر کیفیت زندگی بیماران اثرگذار است مانند: برخورداری از حمایت های اجتماعی، بهره مندی از برنامه های مشاوره گروهی و آموزشی بیماران موجب افزایش کیفیت زندگی (بهبود عملکرد جسمانی، هیجانی و اجتماعی، کاهش خستگی و کاهش اثرات منفی اقتصادی ناشی از بیماری) می شود.

نتیجه گیری: ۱- باتوجه به نتایج تحقیقات صورت گرفته، در جهت بالابردن کیفیت زندگی زنان دچار سرطان پستان میتوان از کلینیک های مشاوره در جهت حمایت از بیماران مبتلا توسط سیاست گزاران امر، استفاده نمود. ۲- برنامه طراحی شده مشاوره گروهی بعنوان یک روش موثر در ارتقای کیفیت زندگی این دسته از مددجویان در مراکز درمانی و مراقبتی، حمایتی مربوط به آنها بکارگرفته می شود ۳- با استفاده از برنامه مدیریت استرس و آرامسازی برای زنان مبتلا به سرطان پستان میتوانیم به ارتقای کیفیت زندگی و وضعیت روانشناختی بیماران اقدام نمائیم. ۴- توجه بیشتر درمانگران به پاره ای از نکات از جمله نشانگانی که موجب کاهش کیفیت زندگی بیماران می شود از جمله درد- تصویر بدنی می تواند چشم انداز بهتری از زندگی برای بیماران فراهم سازد. ۵- تاثیر مشاوره با خانواده در کاهش عوارض ناشی از بیماری و درمان بوده است و پیشنهاد می شود جهت ارتقای کیفیت زندگی زنان مبتلای تحت شیمی درمانی توجه ویژه ای به نقش و جایگاه خانواده جهت مشارکت در فرآیند مداخلات درمانی و بالینی و حمایت از بیمار صورت گیرد.

واژگان کلیدی: سرطان، پستان، کیفیت زندگی



تأثیر استراتژی‌های آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت بر کیفیت زندگی

ربابه بهادری؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی Robabebahadori@gmail.com

اسماعیل تاتاری بله سور؛ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی e.tatari70@gmail.com

امروزه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت یکی از ارکان اصلی جامعه به حساب می‌آید. ارتقاء سطح بهداشت و سلامت افراد یک جامعه یک ضرورت اجتناب ناپذیر تلقی می‌گردد، زیرا افراد سالم و دارای سلامت روحی، روانی و جسمانی نمود پیشرفت و توسعه یک کشور محسوب می‌گردند. توجه و نگاه بنیادین به بهداشت و آموزش آن پایه و اساس دیگر نیازها به شمار می‌رود. افزایش کیفیت زندگی و رضایت مردم از زندگیشان ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با استراتژی‌های بهداشت دارد. هدف از انجام این تحقیق مطالعه تأثیر آموزش بهداشت بر کیفیت زندگی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از کتاب‌ها، مجلات و دیگر منابع استفاده شده، تحقیق حاضر به روش مروری-کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که استراتژی‌های آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت بر کیفیت زندگی افراد جامعه تأثیر مثبت دارد، بدین معنی که هر چه راهبردهای آموزش بهداشت کارتر باشد، به همان اندازه کیفیت زندگی افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: استراتژی‌های آموزش بهداشت، ارتقاء سلامت و کیفیت زندگی.



تأثیر کلاسهای آمادگی زایمان بر نگرش نسبت به نوع زایمان در زنان باردار شهر اسفراین

فاطمه سادات حسینی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران Email:ahmadsadeghi1363@gmail.com

مقدمه: میزان سزارین در سال های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. یکی از دلایل افزایش میزان سزارین، تمایل زنان به انجام این سزارین است و دلیل این تمایل نیز ناآگاهی و نگرش منفی آن ها نسبت به زایمان طبیعی است. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر شرکت زنان در کلاس های آمادگی زایمان بر نگرش آن ها نسبت به نوع زایمان در زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر اسفراین انجام شده است.

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۳۵ نفر زن باردار در گروه مداخله و ۳۵ نفر در گروه کنترل در پایگاه های سلامت سطح شهر اسفراین در سال ۹۶ انجام شد. افراد با استفاده از روش تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شده و گروه مداخله در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای شرکت کردند و گروه کنترل مراقبت های روتین را دریافت کردند. جمع اوری اطلاعات با پرسشنامه پژوهشگر ساخته در اولین جلسه کلاس و آخرین جلسه کلاس (جلسه هشتم) صورت گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 و آزمون تی مستقل تحلیل شد.

یافته ها: در گروه مداخله، بین میانگین نمرات نگرش قبل از مداخله با بعد از مداخله تفاوت معنی دار مشاهده شد ($p=0.018$)؛ ولی میانگین نمرات در گروه کنترل و گروه مداخله در قبل و بعد از مداخله تفاوت معنی دار نبود ($p>0.05$). بین میانگین سن در گروه مداخله و کنترل تفاوت معنی دار نبود ($p>0.05$). میانگین ترس از زایمان در گروه بعد از مداخله 1.37 ± 0.49 ، در گروه قبل از مداخله 1.11 ± 0.32 و در گروه کنترل 1.20 ± 0.4 بود.

نتیجه گیری: با توجه به تأثیر مثبت کلاس های آمادگی زایمان بر نگرش زنان نسبت به زایمان طبیعی، پیشنهاد می شود شرایط دسترسی آسان به این کلاس ها برای کلیه زنان باردار و همراهان آنان فراهم گردد. از آنجایی که این کلاس ها در سطح روستا برگزار نمی گردد و مراجعه زنان باردار جهت شرکت در کلاس های آمادگی زایمان در شهرها با مشکلات رفت و آمد همراه است، برگزاری این کلاس ها در مراکز روستایی، پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: نگرش، زنان باردار، آمادگی زایمان، نوع زایمان



رضایت شغلی و عوامل مرتبط با آن در مراقبین سلامت و بهورزان شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۶

مریم سیاوشی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین،
اسفراین، ایران

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین،
ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین،
اسفراین، ایران Email:ahmadsadeghi1363@gmail.com

مقدمه: موفقیت هر سازمان بستگی به تلاش و رضایت شغلی کارکنان آن سازمان دارد. رضایت شغلی باعث افزایش بهره‌وری و تعهد فرد نسبت به سازمان، تضمین سلامت فیزیکی و ذهنی فرد، رضایت از زندگی و تسریع در آموزش مهارت‌های جدید شغلی می‌گردد. عدم رضایت شغلی موجب کم‌کاری، غیبت، استعفاء، بازنشستگی زودرس و ناراحتی‌های جسمی و روحی می‌گردد. این مطالعه با هدف بررسی رضایت شغلی و عوامل مرتبط با آن در مراقبین سلامت و بهورزان شهرستان اسفراین انجام شد. **روش کار:** این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۱۳۰ نفر از مراقبین سلامت و بهورزان شاغل در سطح شهرستان اسفراین در سال ۹۶ انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت سرشماری بود. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد رضایت شغلی هرزبرگ استفاده گردید. پرسشنامه مذکور رضایت شغلی را در ۸ حیطه شامل (شرایط محل کار، ارتباط با همکاران، حقوق و مزایا، موقعیت شغلی، امنیت شغلی، نظارت و سرپرستی، سیاست‌گذاری مدیریتی، توان‌کاری) اندازه‌گیری می‌کند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری ANOVA و t-Test توسط نرم‌افزار SPSS18 تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $37/08 \pm 8/34$ بود. بیشتر این افراد زن (۷۰/۳) و متأهل (۸۵/۵) بودند. میانگین رضایت شغلی افراد $64/5 \pm 7/65$ (از ۱۰۰) بود. بین میزان رضایت شغلی افراد تحت مطالعه با متغیرهای دموگرافیک ارتباط معناداری به دست نیامد. ($P > 0/05$). بررسی نتایج در هشت حیطه نشان داد که بیشترین میزان رضایت شغلی کارکنان از حیطه توان‌کاری $73/54 \pm 1/08$ و کمترین میزان رضایت شغلی متعلق به حیطه نظارت و سرپرستی $29/16 \pm 5/73$ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که رضایت شغلی در سطح متوسطی قرار دارد. بنابراین باید عواملی که باعث افزایش رضایت شغلی کارکنان می‌شود، از سوی مسئولین ذیربط مورد توجه قرار گیرد. بهبود شرایط محل کار، افزایش حقوق و دستمزد، تشویق کارکنان، امکان ارتقای شغلی، برقراری روابط صمیمی و عمیق با سطوح مختلف مدیریت می‌تواند موجب افزایش رضایت شغلی مراقبین سلامت و بهورزان شود.

واژگان کلیدی: رضایت شغلی، مراقب سلامت، بهورز



تاثیر آموزش مهارت های فرزندپروری مثبت به مادران بر کاهش اضطراب کودکان

زهرا مقصودی هفشجانی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم،

بم، ایران Email: Zahra.maghsoudi1996@gmail.com

پارسا محمد علی زاده؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

صحرا ناصری؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

زمینه و هدف: فرزند پروری مثبت رویکردی است که هدف آن ارتقای رشد کودک و اداره کردن رفتار کودک به روشی سازنده و غیر آسیب زنده است. فرزندپروری مثبت براساس ارتباط خوب و توجه مثبت بنا شده تا بتوان به کودک کمک کرد که رشد کند. کودکانی که با فرزند پروری مثبت بزرگ میشوند با احتمال بیشتری مهارتها و احساس مثبت نسبت به خود را پرورش میدهند. آنها همچنین با احتمال کمتری مشکلات رفتاری خواهند داشت. اضطراب یک احساس منتشر، ناخوشایند و مبهم هراس و دلواپسی با منشاء ناشناخته است، که به فرد دست می دهد. این تحقیق با هدف تاثیر آموزش مهارت های فرزندپروری مثبت به مادران بر کاهش اضطراب کودکان شهرستان بم در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است.

مواد و روش ها: روش پژوهش، نیمه تجربی و از طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. نمونه ی آماری پژوهش شامل ۳۰ آزمودنی بود که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در گروه کنترل و آزمایش گمارده شد. ابتدا همه ی نمونه ها به پرسشنامه اضطراب پاسخ دادند و سپس آموزش مهارت های فرزندپروری مثبت برای گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه اجرا شد و در نهایت، پس آزمون از گروه آزمایش و کنترل گرفته شد و به منظور تجزیه و تحلیل نتایج، از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. برای مقایسه نتایج اولیه ی پژوهش از روش های مختلف آمار توصیفی مانند توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و برای بررسی میزان تاثیر مداخلات صورت گرفته و کنترل نمرات پیش آزمون از تحلیل کواریانس استفاده شد. در نهایت برای انجام عملیات آماری از نرم افزار آماری ۱۹ spss استفاده گردید.

نتایج: یافته های این پژوهش نشان داد که نمرات اضطراب در آزمودنی های گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به طور معناداری افزایش داشت و آموزش مهارت های فرزندپروری مثبت به مادران بر کاهش اضطراب کودکان گروه آزمایش موثر بود.

نتیجه گیری: آموزش مهارت های فرزندپروری مثبت به مادران بر کاهش اضطراب کودکان گروه آزمایش موثر بود.

واژگان کلیدی: اضطراب، کودکان، فرزندپروری مثبت



بررسی ارتباط سلامت معنوی و برخی متغیرهای روانشناختی در دانشجویان فرزند شهید و جانباز شهر کرج در سال ۱۳۹۶

مونس اسدی شوکی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

طیبه فصیحی هرنیدی؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

Email: tfasihih@gmail.com

ملیحه فرید؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

مقدمه: سلامت معنوی و اختلالات روانشناختی با هم در ارتباط هستند. اما نتایج مطالعات در این زمینه و در میان جمعیت دانشجویی کافی و یکدست نمی باشد. این مطالعه به بررسی ارتباط سلامت معنوی و برخی اختلالات روانشناختی (استرس، اضطراب و افسردگی) در دانشجویان فرزند شهید و جانباز در شهر کرج پرداخت.

روش کار: پژوهش حاضر به شکل مقطعی در سال ۱۳۹۶، بر روی ۱۶۰ نفر از دانشجویان فرزند شهید و جانباز شهر کرج و به روش نمونه گیری چند مرحله ای صورت گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای چند بخشی حاوی اطلاعات دموگرافیک، مقیاس اضطراب، استرس و افسردگی (DASS) و پرسشنامه سلامت معنوی SWBS بود. آنالیز داده ها از طریق نرم افزار SPSS (نسخه ۱۹) و با استفاده از آماره های توصیفی و آزمون های آماری انجام گرفت.

یافته ها: میانگین سنی افراد ۵ / ۵ ± ۲۵ / ۱ سال بود. ۵ / ۵۳ درصد از دانشجویان فرزند جانباز بودند. میانگین نمره کل سلامت معنوی و مقیاس DASS به ترتیب ۱ / ۱۶ ± ۲۱ / ۹۱ و ۱ / ۹ ± ۸۱ / ۱۶ به دست آمد. بین میزان سلامت معنوی با افسردگی، اضطراب و استرس در دو گروه از دانشجویان اختلاف معنی داری مشاهده نشد. اما به طور کلی بین سلامت معنوی با افسردگی، اضطراب و استرس در دانشجویان ارتباط معکوس و معنی داری برقرار بود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه پیشنهاد می شود که برنامه های مداخله ای در جهت افزایش سلامت معنوی دانشجویان بر اساس تئوری های مناسب طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، افسردگی، استرس، جانباز، شهید، دانشجوی



بررسی فراوانی خطاهای پزشکی در یکی از بیمارستان های دولتی شمال شرق کشور

میترا شجاع؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
Email: ahmadsadeghi1363@gmail.com
سعیده حسن زاده جوشقانی؛ دانشجوی کاردانی سلامت دهان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
عذرا حیدری؛ کارشناس پرستاری، کارشناس ایمنی بیمار، بیمارستان امام خمینی (ره)، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

مقدمه: فرایندهای بهداشت و درمان مسبب خطرات زیاد بیماران شده اند و افزایش بروز خطاهای پزشکی یکی از مهمترین پیامدهای این فرایندهاست. خطاهای پزشکی، قصور خدمت یا ارتکاب عمل اشتباه در برنامه ریزی یا اجرا تعریف می شود که بطور بالفعل یا بالقوه باعث یک نتیجه ناخواسته شده و تهدیدی برای رفاه و سلامتی بیمار می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان و انواع خطاهای پزشکی در یکی از بیمارستانهای دولتی کشور انجام شده است.

روش کار: این مطالعه توصیفی در سال ۱۳۹۶ در بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان اسفراین انجام شده است. تمامی پرونده های مربوط به بیماران (۲۰۰ پرونده) طی سال ۹۶ بصورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفت. جمع آوری داده ها با استفاده از اطلاعات موجود در پرونده های ثبت خطاهای پزشکی انجام شد و در چک لیست از قبل تهیه شده ثبت گردید. تجزیه و تحلیل آماری داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی و نرم افزار SPSS19 استفاده شد.

یافته ها: در این پژوهش تعداد ۲۰۰ پرونده پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج مطالعه، بیشترین خطاهای شناسایی شده شامل واکنش دارویی ۲۴/۲٪، فراورده های خونی ۱۷/۵٪، خطای جراحی ۱۱/۷٪، مشکل در درمان ۱۸/۳٪، بوده است. بیشترین محل وقوع خطا در بخش اورژانس (۱۶٪) بوده است. ۷۶٪ خطاها توسط پرستاران اتفاق افتاده است. ۶۹٪ خطاها منجر به ایجاد هزینه و تاخیر در درمان شده اند. بیشترین درصد خطا مربوط به شیفت صبح بوده است (۵۳٪).

نتیجه گیری: تعداد و نوع خطاهای شناسایی شده در این بیمارستان نشان دهنده عملکرد نامناسب بوده است؛ لذا جهت کاهش خطاهای پزشکی و هزینه های مالی و جانی ناشی از آن بایستی توجه بیشتری به ثبت و گزارش این نوع خطاها داشته و دستورالعمل های پزشکی مورد بازبینی قرار گیرد. لازم است مسئولین و مدیران پرستاری در خصوص اهمیت خطاهای پزشکی و بخصوص اشتباهات دارویی آموزش های لازم را به پرستاران بدهند و در شیفت های کاری آنان بازنگری های لازم را بعمل آورند.

واژگان کلیدی: خطای پزشکی، بیمارستان دولتی، پرونده پزشکی، خطاهای دارویی



بررسی شیوه‌های سازگاری در مادران دارای کودک مبتلا به دیابت نوع یک

مونس اسدی شوکی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران،

طیبه فصیحی هرندی؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

Email: tfasihih@gmail.com

ملیحه فرید؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

میترا رحیم زاده؛ مرکز تحقیقات علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

عطا پورعباسی؛ مرکز تحقیقات علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: داشتن کودک مبتلا به دیابت نوع یک برای مادران به عنوان یک عامل تنش‌زا سبب به کارگیری استراتژی‌های سازگاری می‌شود که لازم است انواع آن و تاثیر هر کدام بررسی شود. این مطالعه با هدف بررسی شیوه‌های سازگاری مادران دارای کودک مبتلا به دیابت نوع یک و ارتباط آنها با مدیریت استرس انجام شد.

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۸۰ نفر از مادران دارای کودک مبتلا به دیابت نوع یک در شهر تهران و کرج انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای چند بخشی صورت گرفت که روایی و پایایی آن به روش علمی تایید گردید. آنالیز داده‌ها با نرم افزار SPSS (نسخه ۱۹) و با استفاده از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های آماری انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سن ابتلا به دیابت در کودکان ۷/۰۳ سال بود. در مادران بالاترین میانگین نمره مربوط به سازگاری مشکل محور (۲۲/۱۱) و پایین‌ترین مربوط به سازگاری احساس محور (۱۲/۲) بود. مدل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای سن مادر، سازگاری مشکل محور و سازگاری معنا محور اثر مثبت و متغیرهای سن پدر و سازگاری احساس محور اثر منفی بر مدیریت استرس در مادران داشتند.

نتیجه‌گیری: مادران دارای کودک مبتلا به دیابت نوع یک با به کارگیری شیوه‌های سازگاری مشکل محور و معنا محور می‌توانند در مدیریت استرس خود موفق‌تر باشند. از این رو نیاز به آموزش مستمر شیوه‌های سازگاری کارآمد به مادران دارای کودک دیابتی احساس می‌شود.

واژگان کلیدی: شیوه‌های سازگاری، دیابت نوع یک، استرس، مادر



مروری بر رفتار پیشگیرانه زنان در غربالگری سرطان دهانه رحم

معصومه میلادی گرجی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات

دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

Email: m.miladi.gorji.95@gmail.com

مریم فلاح ابراهیم پور؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران.

سید ابوالحسن نقیعی؛ استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران.

مقدمه: سرطان دهانه رحم یکی از شایع ترین سرطان ها در زنان است به طوری که در کشورهای در حال توسعه، دومین و در ایران، سومین سرطان شایع زنان است. با انجام غربالگری منظم تا ۰۶ درصد مرگ ناشی از سرطان دهانه رحم قابل پیشگیری می باشد. این مطالعه به منظور بررسی رفتار پیشگیرانه زنان در مورد غربالگری سرطان دهانه رحم انجام شده است

روش کار: این مطالعه از نوع مروری سیستماتیک است. مقالات از طریق جستجو در بانک های اطلاعاتی معتبر Iran ، Sid ، Magiran ، Medex ، Schoolar از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ با استفاده از کلید واژه پاپ اسمیر استخراج گردید. پس از سه مرحله ۱۵ مقاله مرتبط با غربالگری سرطان دهانه رحم برای بررسی نهایی انتخاب شد.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که میانگین آگاهی افراد در رابطه با تست پاپ اسمیر ۲۶ درصد بوده که بیشترین آن ۴۸/۸ و کمترین آن ۷/۱۲ درصد بوده است. همچنین میانگین عملکرد افراد مورد پژوهش در مطالعات مختلف ۳۴/۵ درصد بوده که بیشترین آنها ۵۴ و کمترین آن ۱۷/۵ درصد بوده است. یافته ها نشان می دهد عواملی نظیر توصیه پزشک، دوستان و فامیل، آگاهی از علائم و روش تشخیص اولیه بیماری، جدی گرفتن خطر بروز سرطان، دسترسی آسان و ارزان به آزمایش پاپ اسمیر از جمله عوامل مهم انگیزه ساز برای آزمایش پاپ اسمیر است. در حالی که مواردی نظیر آگاهی کم از علل ایجاد سرطان دهانه رحم، باور نادرست درباره سلامت، ترس از تشخیص سرطان، مشکلات مالی، دشواری انجام تست و درد ناشی از آزمایش از جمله موانع انجام آزمایش پاپ اسمیر بیان شده است.

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعه، آگاهی و عملکرد زنان مورد مطالعه در مورد روش غربالگری از سرطان دهانه رحم کم بوده است. با توجه به نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در انجام رفتار های پیشگیرانه، انجام برنامه های جامع مداخله ای به منظور بهبود رفتار غربالگری پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: پاپ اسمیر، سرطان دهانه رحم، آگاهی، نگرش، عملکرد



بررسی دلایل اصلی بروز تنش در بین مراقبین سلامت در اتاق عمل: یک مطالعه

مروری

الهه موسوی؛ کارشناس ارشد اتاق عمل، عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
سینا حقی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

صدیقه حنایی؛ کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
Email: mohebbihozoesorkhi.r@tak.iums.ac.ir

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

رضا محبی؛ کارشناس ارشد اتاق عمل، عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مقدمه: اشتغال و کار کردن بخش عمده‌ای از زندگی اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهد و می‌تواند عامل مهمی در ایجاد تنش در فرد باشد. از آنجا که محیط اتاق عمل از جمله محیط‌های پر استرس و تنش‌زا محسوب می‌شود و این تنش بر عملکرد مراقبین سلامت در اتاق عمل اثرگذار است بر آن شدیم تا مطالعه‌ای را با هدف بررسی دلایل اصلی بروز تنش در بین مراقبین سلامت در اتاق عمل بر اساس مقالات منتشر شده انجام دهیم.

روش کار: تمامی داده‌ها با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر علمی SID، scopus، PubMed و موتور جستجوگر google scholar و با کلید واژه‌های تنش، مراقبین سلامت، پرستاران اتاق عمل بود. از عملگرهای AND، OR برای گردآوری استفاده شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل مطالعاتی بود که به بررسی دلایل بروز تنش در بین مراقبین سلامت در اتاق عمل پرداخته بود. بررسی سیستماتیک تا آپریل سال ۲۰۱۸ انجام شد. سپس براساس معیارهای خروج از بین ۴۵ مقاله، ۲۵ مقاله انتخاب شد و پس از انجام اسکرین دوم توسط محقق دیگر ۱۰ مقاله کاملاً مرتبط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مطالعات مختلف نشان داده شد که سختی شرایط کار، پایین بودن سطح درآمد، صدمات ناشی از آلودگی با سوزن و تقاضای شغلی بیشتر نسبت به توان فردی، بالاترین عوامل ایجاد تنش و تنش‌های مدیریتی و تنش در ارتباطات بین فردی پایینترین عوامل ایجاد تنش در بین مراقبین سلامت در اتاق عمل هستند. البته در برخی مطالعات نتایج برخلاف موارد فوق بود و عامل تنش‌زای مدیریتی هم به عنوان یک عامل مهم در ایجاد تنش نام برده شده بود.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر نشان داد که مراقبین سلامت در اتاق عمل تحت تنش‌های فراوان قرار دارند. با توجه به این نکته و تاثیر منفی آن بر عملکرد افراد می‌توان با اقداماتی نظیر برگزاری کلاسهای مدیریت تنش و راههای غلبه بر آن، حمایت شغلی و مالی کارکنان گام بزرگی در کاهش تنش این افراد برداشت.

واژگان کلیدی: تنش، مراقبین سلامت، اتاق عمل



بررسی الگوی مصرف دارو و عوامل مؤثر بر آن در بین زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر اسفراین

زهرا غفاری جوشقان؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران Email:ahmadsadeghi1363@gmail.com

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

مقدمه: مصرف بی رویه دارو و به طور کلی خود درمانی از جمله بزرگ ترین مشکل اجتماعی بهداشتی و اقتصادی جوامع مختلف از جمله ایران محسوب می شود و عوارض مادی و غیرمادی زیادی به دنبال دارد. بارداری وضعیت فیزیولوژیک خاصی است و مصرف خودسرانه دارو در این دوره حساس ممکن است اثرات نامطلوبی بر روی سلامت جنین به جای بگذارد. با توجه به حساسیت مصرف دارو در دوران بارداری، این مطالعه با هدف تعیین وضعیت الگوی مصرف دارو در زنان باردار شهر اسفراین و عوامل مؤثر بر آن انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی - تحلیلی در بین ۲۵۶ نفر از زنان باردار تحت پوشش پایگاه های بهداشت شهر اسفراین در سال ۱۳۹۶ انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد سازه های الگوی باور سلامت استفاده شد. پرسشنامه در اختیار زنان باردار مراجعه کننده به چهار پایگاه سلامت که به روش تصادفی ساده از بین نه پایگاه سلامت شهر اسفراین انتخاب شدند، قرار گرفت؛ و همچنین در صورت بی سواد بودن مادر باردار پرسشنامه از طریق مصاحبه توسط پژوهشگر تکمیل شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS19 و آزمون های آماری ANOVA و t-Test تحلیل شد.

یافته ها: شایع ترین بیماری برای خود درمانی سرماخوردگی گزارش شد (۳/۲۹٪). قرص اسیدفولیک (۸/۳۳٪) از گروه داروهای بدون نیاز به نسخه پزشک و داروهای آنتی بیوتیک (۱/۱۴٪) از گروه داروهای نیازمند نسخه پزشک بیشترین مصرف جهت خوددرمانی را داشتند. بیشترین منبع مورد استفاده جهت کسب اطلاعات صحیح در زمینه مصرف صحیح دارو، پزشک بوده است. (۸/۷۷٪). ترس از ابتلا به عوارض ناشی از خوددرمانی با دارو ها نقش بیشتری در پیشگیری از خوددرمانی داشته است (۶/۶۲٪). گرانی حق ویزیت پزشکان مهم ترین علت خوددرمانی گزارش شد (۸/۳۳٪). طبق نتایج، بین بیمه درمانی و الگوی مصرف دارو ارتباط آماری معنی دار مشاهده گردید (P=019).

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که رفتارهای مصرفی دارو در بین زنان باردار شهر اسفراین نادرست می باشد و لازم است با دادن آگاهی های دارویی مورد نیاز به مردم در زمینه مصرف بهینه دارو، موجبات کاهش مصرف غیرمنطقی داروها را فراهم سازیم.

واژگان کلیدی: دارو، خوددرمانی، مصرف خودسرانه، زنان باردار



ارتباط بین سبک تغذیه و افسردگی سالمندان شهر اسفراین در سال ۱۳۹۶

نجمه داودی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران Email:ahmadsadeghi1363@gmail.com

مقدمه: با افزایش جمعیت افراد سالمند، خطر اختلالات روانی و مشکلات تغذیه ای آن‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ که عوارض متعدد جسمی، روانی و اجتماعی برای فرد، خانواده و جامعه به همراه دارد. لذا ارتباط بین سبک تغذیه و شرایط روحی آنان مخصوصاً افسردگی نیازمند بررسی دقیق و اصولی می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط وضعیت تغذیه و افسردگی سالمندان شهر اسفراین در سال ۱۳۹۶ انجام شده است.

روش کار: این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۲۰۰ نفر از سالمندان تحت پوشش پایگاه‌های سلامت و خانه سالمندان شهر اسفراین در سال ۱۳۹۶ انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی در دسترس بود. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه استاندارد وضعیت تغذیه ای (MNA) و افسردگی سالمندان (GDS) بود. داده‌ها به روش پرسشگری و تکمیل پرسشنامه و با استفاده از ترازو و متر نواری جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس، تی و کاسکوئر در نرم افزار SPSS18 تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $65/26 \pm 6/24$ بود. بیشتر این افراد زن (۸۷٪) و متاهل (۷۰٪) بودند. میانگین نمره تغذیه افراد $24/36 \pm 3/97$ (از ۳۰) و میانگین نمره افسردگی افراد $18/59 \pm 6/18$ (از ۳۰) بود. ۶۶٪ افراد وضعیت تغذیه ای عادی داشتند و فقط ۱۲٪ افراد از لحاظ افسردگی نرمال بودند. بین وضعیت تغذیه و افسردگی افراد همبستگی مثبت مشاهده گردید ($r=0.517$). بررسی نتایج نشان داد که بین میزان افسردگی با متغیرهای سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت اقتصادی افراد ارتباط آماری معنی‌دار وجود دارد ($P<0/05$). همچنین بین وضعیت تغذیه و متغیر سن ($r=-0.314$) و تعداد فرزندان ($r=-0.013$) همبستگی معکوس مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: طبق نتایج مطالعه، میزان شیوع افسردگی در سالمندان مورد مطالعه بالا بوده و وضعیت تغذیه ای آنان در حد متوسطی قرار داشته است. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط روحی سالمندان، انجام معاینات دوره ای روان پزشکی و بهره‌گیری از مداخلات روان شناختی با هدف درمان افسردگی و ضرورت تدابیر مدیریتی و آموزشی به منظور ارتقاء سبک تغذیه سالمندان به سطح مطلوب پیشنهاد می‌گردد که لازم است با جدیت بیشتری پیگیری شود.

واژگان کلیدی: سالمند، افسردگی، سبک تغذیه



خود مراقبتی و ارتباط آن با پیشگیری از بیماری فشار خون: یک مطالعه ی مروری در ایران

اکرم مهتری طاهری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

Email: akrammehtari@gmail.com

ذبیح اله قارلی پور؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: فشار خون بالا مهمترین مسئله بهداشتی و یکی از علل مرگ زودرس و عامل خطر بیماری های قلبی عروقی، سکته مغزی و نارسایی کلیوی است و فشار خون بالا در صورتی قابل پیشگیری و کنترل خواهد بود که افراد خودمراقبتی مناسبی در برابر این بیماری داشته باشند. لذا با توجه به افزایش شیوع بیماری فشاری خون و عوارض وخیم ناشی از آن، این مطالعه ی مروری با هدف خود مراقبتی و ارتباط آن با پیشگیری از بیماری فشار خون انجام شده است.

روش کار: این یک مطالعه ی مروری بود که با جستجوی الکترونیکی در پایگاه های اطلاعاتی مانند: Google Scholar، SID، Magiran، PubMed و با استفاده از کلمات کلیدی فارسی و انگلیسی از قبیل: خود مراقبتی، بیماری فشارخون، خودتنظیمی، سبک زندگی که از فروردین ۱۳۷۹ تا فروردین ۱۳۹۷ چاپ شده بود مورد بررسی قرار گرفته است. از ۸۹۲ مقاله یافت شده، ۸۲ مقاله ی مرتبط، انتخاب شد.

یافته ها: مقاله انتخاب شده شامل ۸ دسته: ۱- مطالعات توصیفی- تحلیلی، مقطعی و دسته دوم مطالعات مداخله ای بودند که مطالعات گروه اول (۴۵ درصد) و (۵۵ درصد) مربوط به گروه دوم بودند. مطالعات مداخله ای به ۲ گروه تقسیم بندی شدند: ۱- آموزش و توانمند سازی به شیوه سنتی و دسته دوم توانمند سازی با استفاده از مدل ها و تئوری های آموزشی است که مداخلات مربوط به گروه اول (۴۵/۵ درصد) و (۵۴/۵ درصد) مداخلات مربوط به گروه دوم بودند. عوامل تعیین کننده برای رفتار خودمراقبتی عبارتند از: ضرورت کنترل رژیم غذایی و اهمیت فعالیت فیزیکی و چگونگی آن (۵۲ درصد)، کنترل منظم فشارخون و مصرف مرتب دارو (۷۲ درصد)، مدیریت استرس و آرام سازی و عدم مصرف سیگار (۳۰ درصد) و کنترل وزن (۱۰ درصد) بودند. در تمام مداخلات انجام شده افزایش معنا داری در میانگین نمرات سازه های مدل و میانگین نمرات آگاهی و رفتار خودمراقبتی بین ۲ گروه کنترل و مداخله وجود داشت. ($p < 0/05$)

نتیجه گیری: به منظور مدیریت موفق بیماری فشار خون، آموزش خود مراقبتی اولین گام ضروری برای توانمند سازی افراد می باشد. مهمترین متغیر های تاثیر گذار بر رفتارهای خود مراقبتی برای بیماری فشار خون، کنترل رژیم غذایی، انجام فعالیت فیزیکی و کنترل استرس می باشد که لازم است برنامه ریزی برای کنترل و پیشگیری از این بیماری به طریقی باشد که شیوه زندگی افراد اصلاح شده و فعالیت فیزیکی آنها افزایش یابد.

واژگان کلیدی: خود مراقبتی، بیماری فشار خون، ایران



بررسی نیازهای آموزشی بهورزان استان بوشهر نسبت به پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی در سال ۹۶

طیبه رخشانی؛ پزشک عمومی، دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

سید معصومه کاظمی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مجازی آموزش جامعه نگر در نظام سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

محمد فرارویی؛ دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
علی خانی جیحونی؛ دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا

زهرا مطلق؛ دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: بیماری های قلبی عروقی اولین علت مرگ در جهان هستند. بهورزان به عنوان اولین ارائه دهندگان خدمات بهداشتی نقش اساسی در کنترل این بیماری دارند. در این راستا این مطالعه با هدف تعیین نیازهای آموزشی بهورزان استان بوشهر نسبت به پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی در سال ۹۶ انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۳۹۱ بهورز شاغل در خانه های بهداشت استان بوشهر که به روش سرشماری وارد مطالعه شدند انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از چک لیست حاوی اطلاعات دموگرافیک بهورزان و پرسش نامه محقق ساخته بررسی اطلاعات و مهارت بهورزان استفاده شد. داده ها پس از ورود به نرم افزار آماری SPSS 19 با استفاده از آمارهای توصیفی و آزمون های آماری من ویتنی، کروسکال والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سن افراد مورد مطالعه $37/03 \pm 72/8$ بود. میانگین نمره کل اطلاعات $34/79 \pm 8/12$ (نمره کل = ۴۸) و میانگین نمره کل مهارت $61/72 \pm 9/76$ (نمره کل = ۷۴) بود. بر اساس نتایج اولویت نیازهای آموزشی نسبت به پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی در زمینه اطلاعات به ترتیب دخانیات، فعالیت بدنی، دیابت، چربی خون و فشارخون و اولویت نیازهای آموزشی نسبت به پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی در زمینه مهارت به ترتیب دخانیات، فشارخون، فعالیت بدنی و دیابت بود.

نتیجه گیری: با توجه به اولویت نیازهای آموزشی در زمینه اطلاعات و مهارت که مربوط به دخانیات و فعالیت بدنی است، لذا پیشنهاد می شود دوره های بازآموزی در زمینه عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی با تاکید بر تحرک بدنی و دخانیات جهت افزایش اطلاعات و مهارت بهورزان طراحی و اجرا شود.

واژگان کلیدی: اطلاعات، مهارت، بهورزان، بیماری های قلبی عروقی



تأثیر اجرای یک برنامه آموزشی نظریه محور بر رفتارهای تغذیه‌ای پیشگیری کننده از بیماری‌های قلبی و عروقی در زنان ۳۰ تا ۴۵ سال

ساسان دارابی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

کامبیز کریم زاده شیرازی؛ دانشیار، گروه بهداشت عمومی، مرکز مطالعات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

علی موسوی زاده؛ استادیار، گروه اپیدمیولوژی، مرکز مطالعات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

مهدی اکبر تبارطوری؛ گروه تغذیه و علوم غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

سیما زمانی؛ کارشناس تغذیه، مرکز بهداشت شهید دامیده، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

جواد هارونی؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

مقدمه: بیماری‌های قلبی-عروقی، بیماری‌های غیر واگیر هستند که توسط عوامل متعدد ایجاد می‌شوند. امروزه بیماری‌های قلبی عروقی علت اصلی ناتوانی و مرگ و میر در بسیاری از کشورها به شمار می‌رود و پیشگیری از آن یکی از موارد مورد بحث در سازمان جهانی بهداشت است. مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی باور سلامت بر رفتارهای تغذیه‌ای پیشگیری کننده از بیماری‌های قلبی - عروقی در زنان ۳۰-۴۵ ساله شهر سی سخت انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع کار آزمایشی عرصه‌ای بود که بر روی ۱۳۷ زن ۳۰-۴۵ مراجعه کننده به مرکز بهداشتی و درمانی شهر سی سخت در سال ۱۳۹۵، به روش نمونه‌گیری تصادفی منظم صورت گرفت. جمعیت زنان ۳۰-۴۵ ساله تحت پوشش مرکز شناسایی و به ۶ بلوک تقسیم گردید. سپس متناسب با جمعیت هر بلوک، نمونه‌ها بصورت تصادفی منظم انتخاب شدند گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه باور سلامت و ثبت ۳ روزه غذا، قبل و دو ماه بعد از آموزش انجام شد. روشهای آموزشی شامل سخنرانی، پرسش و پاسخ و مشاوره بود و از ابزارهای آموزشی پمفلت، پوستر، کتابچه آموزشی و نمایش فیلم نیز استفاده گردید. بر اساس آنالیز انجام شده محتوای آموزشی تهیه شد. برنامه مداخله ای ۶ جلسه آموزشی مبتنی بر الگوی باور سلامت بود که هفته ای یک جلسه برگزار گردید. اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج، مداخله آموزشی باعث افزایش معنی دار نمرات آگاهی و سازه‌های الگوی باور سلامت بجز سازه موانع درک شده گردید ($P < 0/05$). همچنین میانگین مصرف کالری، کربوهیدرات، چربی، اسیدهای چرب، نمک و گروه‌های نان و غلات، کاهش و گروه‌های شیر و لبنیات و سبزیجات افزایش یافت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به نقش موثر مداخله آموزشی در افزایش آگاهی و بهبود باورهای زنان ۳۰-۴۵ سال، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش در این زنان جهت ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری‌های قلبی و عروقی بسیار موثر است.

واژگان کلیدی: آموزش - الگوی باور سلامت - رفتارهای تغذیه‌ای - بیماری‌های قلبی و عروقی - زنان



فرهنگ ایمنی بیمار از دیدگاه کارکنان: یک مطالعه موردی در بیمارستان امام خمینی اسفراین

حمیده روئینی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران Email:ahmadsadeghi1363@gmail.com

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

مقدمه: با شروع قرن بیست و یکم برای نظام های مراقبت سلامتی که به دنبال تضمین و بهبود کیفیت خدمات ارائه شده بوده، ایمنی بیمار یک اصل کلیدی و یک اولویت است. طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO) ایمنی بیمار به معنای دور بودن از آسیب های بی مورد و بالقوه مرتبط با خدمات سلامت است. یکی از فاکتور ها برای ارتقای سطح ایمنی بیمار وجود فرهنگ ایمنی بیمار است. فرهنگ ایمنی تشویق به شناسایی، ارباط و حل مسئله ایمنی بیمار می کند. با توجه به اهمیت روز افزون ایمنی بیمار در بیمارستان، این مطالعه با هدف تعیین وضعیت فرهنگ ایمنی بیمار از دیدگاه کارکنان انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی است که در سال ۹۶ بر روی ۲۹۰ نفر از کارکنان بیمارستان امام خمینی (ره) اسفراین که به صورت سرشماری انتخاب شدند، انجام گردید. ابزار گرد آوری داده ها، پرسش نامه استاندارد سنجش فرهنگ ایمنی بیمار در بیمارستان (HSOPCS) بوده که شامل ۱۲ حیطه و ۴۲ سوال می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های آماری ANOVA و T مستقل در قالب نرم افزار SPSS19 استفاده گردید.

یافته ها: طبق نتایج مطالعه ۷۵٫۵٪ شرکت کنندگان دارای مدرک کارشناسی، ۷۴٫۸٪ متاهل و ۵۷٫۶٪ شاغل در حوزه بالینی بودند، اغلب افراد (۴۹٫۳٪) دارای میانگین سنی ۲۰-۳۰ سال و سابقه کاری کمتر از ۱۰ سال بودند (۶۴٪). نمره فرهنگ ایمنی بیمار از نظر کارکنان (۱۲۹٫۲۱±۱۳٫۷) بود. از بین ابعاد فرهنگ ایمنی بیمار، حیطه کار تیمی درون واحدهای سازمانی (۱۴٫۳±۳٫۴) و تبادل و انتقال اطلاعات (۱۳٫۴±۳٫۶) بیشترین و باز بودن مجاری ارتباطی (۷٫۱±۲٫۲) کمترین امتیاز را داشتند. بین متغیرهای سابقه خدمت، ساعات کاری و نوع استخدامی با فرهنگ ایمنی بیمار رابطه آماری معنی دار مشاهده گردید ($P<0.05$).

نتیجه گیری: فرهنگ ایمنی بیمار در بیمارستان مورد مطالعه در وضعیت متوسط قرار داشته است. با توجه به تنوع و اهمیت حیطه های مختلف فرهنگ ایمنی توجه خاص به این حیطه ها، تاکید بر اصل مسوولیت جمعی بودن ایمنی بیمار، ارزیابی مستمر، تعیین نقاط ضعف و ارائه راهکار هایی از جمله آموزش پرسنل می تواند باعث سرعت بخشیدن به ارتقا فرهنگ ایمنی گردد.

واژگان کلیدی: ایمنی، فرهنگ ایمنی بیمار، کارکنان، بیمارستان



سامانه هوشمند سازی فوریت پزشکی

فاضل ترخان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

مقدمه: بیمارستان‌ها بخش سازمان یافته‌ای به نام اورژانس دارند که به منظور ارائه خدمت به بیماری است که شرایط فیزیولوژیک ناپایدار دارد. مراقبت سریع و کارآمد این بخش می‌تواند زندگی بسیاری از افراد را نجات دهد و از شدت بیماری بکاهد. دسترسی، مکان یابی و آموزش برای بیماران در شرایط بحرانی به خدمات اورژانس در دنیای امروزی متفاوت شده است و با وجود تکنولوژی‌های همراه مانند اپلیکیشن، بر این موضوع آمدم که سامانه‌ای هوشمند در جهت دسترسی به خدمات اورژانس طراحی کنیم.

روش کار: این سامانه در اداره مالکیت معنوی با شماره ی اظهارنامه 139650140003012727 در تاریخ ۹۶/۱۱/۰۳ در مرحله ثبت می‌باشد. در این سامانه با بکارگیری از برنامه نویسی و ایجاد اپلیکیشن برای کاربران یک سامانه یکپارچه بین تلفن‌های همراه کاربران و کادر درمانی ایجاد کرده ایم.

یافته‌ها: استفاده از این سامانه موجب افزایش کیفیت خدمات رسانی در فوریت پزشکی، سامان‌دهی به امور فوریت پزشکی، ارتباط مستقیم کادرهای درمانی در فاصله‌ی دور بطور مستقیم با یکدیگر، اولویت‌بندی در رسیدگی به بیماران بد حال و افزایش شانس بقا، دسترسی آسان به بیماران بر اساس موقعیت یابی، آگاهی از احوال بیماران بعد از انجام عملیات فوریت، آگاهی از شرایط بیمار و محیط بیمار در حالت بسیار اورژانسی که بیمار قادر به حرکت فعال نمی‌باشد و دسترسی به پرونده‌ی پزشکی سابق بیمار می‌شود.

نتیجه‌گیری: سامانه مورد نظر می‌تواند باعث افزایش دسترسی و بهبود بیماران در شرایط بحرانی به خدمات اورژانس می‌شود.

واژگان کلیدی: اورژانس، اپلیکیشن، سامانه، خدمات اورژانسی



مروری بر رفتار پیشگیری از سرطان پستان در زنان

مریم فلاح ابراهیم پور، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

fallah.maryam@yahoo.com

معصومه میلادی گرجی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات

دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

سید ابوالحسن نقیعی، استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: سرطان پستان از شایعترین انواع سرطان و دومین عامل مرگ و میر پس از بیماری‌های قلبی در سراسر جهان و رتبه اول را در ایران دارد. قدرت تشخیصی خودآزمایی پستان ۹۰-۸۰ درصد است و انجام آزمون‌های غربالگری نقش مهمی در پیشگیری دارد لذا این مطالعه به منظور بررسی آگاهی و عملکرد زنان از روش‌های غربالگری سرطان پستان انجام شده است.

روش کار: این مطالعه از نوع مروری سنتی است. مقالات از طریق جستجو در بانک‌های اطلاعاتی معتبر IRAN ، SID ، MEDEX از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ با استفاده از کلید واژه غربالگری، آگاهی، عملکرد، سرطان پستان استخراج گردید.

یافته‌ها: در سطح بندی آگاهی زنان از روش‌های غربالگری بین ۸۵-۱۰ درصد آگاهی ضعیف، ۵۶-۶ درصد آگاهی متوسط و ۷۹-۶ درصد آگاهی خوبی داشتند. همچنین در اکثر مطالعات افراد دارای نگرش مثبت بودند اما عملکرد ضعیفی نسبت به روش‌های غربالگری داشتند. عملکرد افراد نسبت به خودآزمایی از ۴-۳، ۴۳ درصد و معاینه بالینی از ۷-۳، ۷۰-۶۵ درصد و ماموگرافی از ۱۲-۵ متغیر بوده و این نشان از عملکرد ضعیف زنان در ایران است. عواملی همچون چاقی و اضافه وزن، رژیم غذایی، فعالیت فیزیکی، مصرف داروهای پیشگیری از بارداری خوراکی، هورمون درمانی پس از یائسگی از جمله عواملی هستند که با اصلاح سبک زندگی نقش بسزایی در پیشگیری خواهند داشت. میزان آگاهی زنان ارتباط معناداری با سن، سطح تحصیلات و شغل داشت. همچنین بین آگاهی و عملکرد نیز ارتباط معناداری وجود داشت. مطالعات مختلف نشان داد که عدم انجام خودآزمایی پستان با ترس، مشغله زیاد، عدم اعتماد، خجالت، عدم ضرورت، عدم آگاهی ارتباط معناداری دارد و داشتن سابقه خانوادگی و سطح تحصیلات با انجام خودآزمایی پستان ارتباط مسقیم دارد.

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعات، آگاهی و عملکرد اکثریت زنان از روش‌های غربالگری پستان شرایط مطلوبی نداشته است بنابراین لزوم انجام مداخلات و ترویج برنامه غربالگری سرطان پستان متناسب با شرایط زندگی و اجتماعی هر منطقه توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: آگاهی، عملکرد، غربالگری، سرطان پستان



بررسی عملکرد در مورد بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان دختر دبیرستانی بهشهر سال ۹۵

معصومه میلادی گرجی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

m.miladi.gorji.95@gmail.com

مریم فلاح ابراهیم پور، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

هاجر گل بابایی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه

علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

سید ابوالحسن نقیعی استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی

درمانی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: بهداشت دهان و دندان یکی از شاخص‌های مهم بهداشت عمومی است که در سلامت افراد تأثیر مهمی دارد. دانش آموزان نسل آینده هر جامعه هستند. توجه به بهداشت دهان و دندان گامی بلند در ارتقاء سلامت آنان در دوره‌های دیگر زندگی است. این مطالعه با هدف بررسی عملکرد در مورد بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان دختر دبیرستانی بهشهر انجام گرفت. **روش کار:** مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است. حجم نمونه ۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر دبیرستان‌های بهشهر که به روش طبقه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. ابزار مطالعه پرسشنامه ۱۷ سوال شامل اطلاعات فردی و سنجش عملکرد بهداشت دانش آموزان بوده است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS21 و آزمون‌های آماری توصیفی و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج مطالعه عملکرد بهداشت دهان و دندان دانش آموزان ۱۹/۵ درصد در سطح خوب، ۴۶/۵ درصد متوسط، ۳۴ درصد ضعیف بود. ۳۴ درصد ۲ بار در شبانه روز از مسواک استفاده می‌کردند. ۳۳/۳ درصد هنگام خواب، ۱۴/۷ درصد بعد از خوردن صبحانه مسواک می‌زدند. نحوه مسواک زدن در ۳۰/۵ درصد از دانش آموزان صحیح بوده است. ۳۵/۲ درصد از دهان شویه استفاده می‌کردند که در ۴۷/۹ درصد نحوه استفاده از دهان شویه صحیح بوده است. ۳۰ درصد آموزان اصلاً به دندانپزشکی مراجعه نمی‌کردند، ۲۵ درصد آنان هر شش ماه یکبار مراجعه می‌نمایند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه عملکرد دانش آموزان در مورد بهداشت دهان و دندان در وضعیت مطلوب نبوده است. انجام برنامه ریزی برای مداخلات همه جانبه، ایجاد و تقویت عوامل انگیزشی و آموزش مهارت و فراهم کردن شرایط دسترسی آسان خدمات بهداشت دهان و دندان در سطح مدارس و خانواده‌ها توصیه می‌شود.

واژگان: کلیدی بهداشت دهان و دندان، عملکرد، دانش آموزان



بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد در مورد پیشگیری از بیماری ایدز در آرایشگران گنبد در سال ۹۵

مریم فلاح ابراهیم پور، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران fallah.maryam@yahoo.com

معصومه میلادی گرجی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

سید ابوالحسن نقیعی، استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

سیما عجمی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

فرزانه افخمی نیا، دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: ایدز بیماری عفونی نوپدید و یکی از علل اصلی مرگ و میر در سطح بین المللی است. مهمترین استراتژی پیشنهادی این بیماری، آموزش و ارتقاء آگاهی عمومی در مورد راه های انتقال این بیماری است. استفاده از وسایل مشترک در آرایشگاه و عدم رعایت موازین بهداشتی می تواند در انتقال بیماری بسیار موثر باشد. این مطالعه با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد در مورد بیماری ایدز در آرایشگران گنبد در سال ۵۹ انجام گرفت.

روش کار: مطالعه از نوع توصیفی و جامعه پژوهش آرایشگران زن شهر گنبد به حجم نمونه ۱۶۵ نفر که به روش تصادفی از مناطق مختلف انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ۴۰ سوالی در سه بخش آگاهی، نگرش و عملکرد استفاده شده است. داده ها پس از جمع آوری حضوری توسط پژوهشگران، با نرم افزار SPSS 22 و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سن نمونه $31/73 \pm 6/14$ بعد، میانگین نمره آگاهی $6/88 \pm 0/88$ ، میانگین نمره نگرش $27/21 \pm 4/34$ ، میانگین نمره عملکرد $17/38 \pm 0/72$ بود. آگاهی در $97/6$ درصد از نمونه ها در سطح متوسط بود. $66/1$ درصد از جهت نگرش در سطح خوب و $91/5$ درصد از عملکرد در سطح خوب برخوردار بودند. در این تحقیق بین سن و آگاهی و همچنین بین نگرش با عملکرد همبستگی مثبت و معنی داری مشاهده گردیده.

نتیجه گیری: در این مطالعه میزان آگاهی، در اکثریت آرایشگران در مورد پیشگیری از بیماری ایدز در سطح متوسط بود و نگرش آنان در دو سوم از آرایشگران در سطح متوسط بود. بنابر این توصیه می شود در مورد توانمند سازی آرایشگران و افزایش آگاهی و ارتقاء نگرش آنان نسبت به پیشگیری بیماری ایدز مداخلات آموزشی طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، ایدز، آرایشگر



ارتقاء آگاهی زنان باردار در مراقبت از دهان و دندان : مطالعه مروری

آیدا امیری پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

الهه توسلی، عضو هیات علمی، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

فهیمه شکوهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

مقدمه: تغییرات فیزیولوژی خانم‌ها در دوران بارداری یکی از عللی است که می‌تواند خانم‌های باردار را مستعد به بیماری‌های دهان و دندان کند. این بیماری‌ها هم عامل و هم خطر مهمی برای زایمان زودرس هستند. هدف از این مطالعه بررسی راهکارهای ارتقاء آگاهی زنان باردار در مراقبت از دهان و دندان در جهت پیشگیری از این نوع بیماری‌ها در دوران بارداری و کاهش عوارض آن پس از بارداری است.

روش کار: طی این مطالعه مروری تحت عنوان ارتقاء آگاهی زنان باردار در مراقبت از دهان و دندان با کلید واژه‌های فارسی "زنان باردار، دهان و دندان، آگاهی و کلید واژه‌های انگلیسی "pregnate women, oral and teeth, در سایت‌های google و pubmed از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۷ تعداد ۳۰ مقاله به دست آمد و بعد از حذف مقالات تکراری و بی‌ارتباط تعداد ۱۱ مقاله از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ انتخاب شد و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در اکثر مطالعات به منظور ارتقاء آگاهی و انتقال اطلاعات به خانم‌های باردار، از طریق بروشور، سخنرانی، فیلم آموزشی و راهنمایی و مشاوره توسط ماماها، مرکز بهداشت، متخصصین زنان و متخصصین بهداشتی بهره گرفته شده بود، از طرفی افزایش اطلاعات خانواده‌های زنان باردار جهت تشویق آن‌ها برای بکارگیری اصول بهداشتی و مراقبتی و تطبیق آموزش‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی هر جامعه از نکات قابل ملاحظه در مطالعات بود.

نتیجه‌گیری: توجه به امر آموزش گروهی و فردی، برقراری کلاس‌های آموزشی متناسب با سطح تحصیلات خانم‌های باردار، استفاده از آموزش‌های چند رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و حتی طریق مشاوره‌های شخصی در طول مدت بارداری به صورت حضوری و یا استفاده از سامانه‌های مشاوره‌ای الکترونیک برای سهولت در ارتباط با مشاور، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در راستای ارتقاء آگاهی در دوران بارداری به کار گرفته شوند.

واژگان کلیدی: آگاهی، دهان و دندان، باردار



بررسی اپیدمیولوژیک بیماری پدیکلوزیس در شهرستان جوین در سال ۹۶-۱۳۹۵

امین نوروزی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
روح الله برقبانی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات لیسمانیوز، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
علی سعادت‌می معین، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
محمد مهدی سجادی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
مهرداد براتی حکم آبادی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

مقدمه: پدیکلوز (شپش) یک انگل خونخوار خارجی، دایمی و اختصاصی انسان است و آلودگی به آن یکی از مشکلات بهداشتی جوامع شهری و روستایی در ایران به شمار می‌آید. این بیماری‌های مشترک با توجه به عوارض و ایجاد معضل بهداشتی در سطح روستاهای کشور دارای اهمیت زیادی می‌باشد، این بیماری در چند سال گذشته باعث آلودگی افراد زیادی در سطح شهرستان شده بود. مطالعه حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژیکی بیماری فوق صورت پذیرفت.

روش کار: در مطالعه مقطعی حاضر از اطلاعات تمامی بیماران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان از سال ۹۵ تا پایان سال ۹۶ که توسط سیستم بهداشتی شناسایی و فرم بررسی انفرادی تکمیل شده بود استفاده گردید. اطلاعات فرم‌های مذکور وارد نرم افزار SPSS21 و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در طی سال‌های مورد بررسی تعداد ۳۷۹۸ بیمار جهت درمان به سیستم بهداشت مراجعه نموده و فرم بررسی انفرادی جهت آن‌ها تکمیل گردیده است. که ۹۳٫۶٪ افراد زن و بقیه مرد بودند که به صورت معنی داری در زنان بیشتر است ($P < 0.001$). بر اساس ماه‌های سال تفاوت معنی داری بین ماه‌های مختلف وجود دارد ($P < 0.001$) که پیک بیماری در ماه‌های مهر و آبان (۲۲٫۴۵٪ موارد) رخ داده و در ماه‌های فروردین و تیر کمترین میزان بروز را داشته است (۲٫۲٪ موارد بروز). از نظر سنی ۱۲/۵۵ درصد افراد در گروه زیر ۶ سال، ۵۱/۰۵ درصد افراد سن ۶-۱۲ سال، ۱۵/۸۲ درصد افراد سن ۱۸-۱۲ سال و ۲۰/۴۳ درصد افراد سن بالای ۱۸ سال داشته‌اند که به صورت معنی داری در گروه سنی ۶-۱۲ سال بالاتر از سایر سنین می‌باشد. برای درمان ۶۱٫۳۴٪ موارد از شامپو پرمترین، ۲۷٫۸٪ موارد از لوسیون دایمتیکون و بقیه موارد هیچ دارویی دریافت نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه بیماری در جنس زن و در گروه سنی ۶-۱۲ سال (دانش آموزان) زیاد می‌باشد بایستی جلسات آموزشی برای گروه‌های هدف فوق برگزار گردد. همچنین با توجه به اینکه در ماه‌های ابتدایی سال تحصیلی بیماری زیاد می‌باشد بایستی نسبت به معاینه زود هنگام جهت پیشگیری از گسترش بیماری به سایرین اقدام گردد.

واژگان کلیدی: پدیکلوزیس، شپش سر، جوین



بررسی تحلیلی شیوع خشونت بر علیه زنان سالمند شهر شیراز

بهنام هنرور، مرکز تحقیقات سیاست گذاری سلامت سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
زهرا غیبی، گروه آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
gheibizahra@gmail.com

زهرا ملکی، گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

فرزانه بهادری، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

الیه خاکسار، مرکز تحقیقات سیاست گذاری سلامت سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

طیبه رحمانی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

فاطمه جعفری، گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مقدمه: سالمندان از جمله گروه‌های آسیب پذیر در جامعه می باشند. در بررسی افراد بالای ۶۵ سال، پدیده سالمندآزاری موضوعی چالش بر انگیز است. در این بین مطالعه بر روی زنان سالمند اهمیت ویژه ای دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی شیوع خشونت و عوامل مرتبط با آن در زنان سالمند شهر شیراز می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد که زنان سالمند تحت نظر مراکز بهداشت در سطح شهر شیراز، مورد مطالعه قرار گرفتند. سنجش میزان خشونت به کمک پرسشنامه محقق ساخته معتبر با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ با نمره خشونت بین صفر تا ۱۳۶ انجام شد. ابعاد خشونت شامل نادیده گرفته شدن (Neglect) خشونت عاطفی (Emotional)، خشونت فیزیکی (Physical)، خشونت مالی (Financial)، رعایت حقوق شخصی (Personal Rights) و مسائل جنسی (Sexual) بود. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه ۲۱۶ زن سالمند با میانگین سنی ۶۳/۷(۵/۹) مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین نمره کلی خشونت ۴۰/۷ (۱۰/۷) بود. مهمترین ابعاد خشونت در بخش نادیده گرفته شدن بیشترین (۵۰٪) مشکل سالمندان عدم همکاری دیگران با آنها در تهیه غذا و استحمام و در درجه بعد (۴۰/۵٪) عدم همکاری دیگران با آنها در خرید، گزارش شد. در زمینه عاطفی (۱۶/۳٪) نادیده گرفتن کارهای سالمندان، (۱۵/۳٪) فریاد کشیدن بر آنها بترتیب بیشترین موارد ذکر شده بودند. همچنین در خصوص مسائل جنسی (۶/۵٪) احساس تعرض جنسی به خود از طریق کلامی را مطرح کرده بودند. نتایج این مطالعه ارتباط معناداری را بین خشونت و بیماری آلزایمر ($p=0/006$)، سکته قلبی ($p=0/04$)، لرزش بدن ($p=0/03$) و میگرن ($p=0/04$) نشان داد.

نتیجه گیری: یافته های مطالعه نشان داد که خشونت در میان زنان سالمند در حد متوسط بود ولی تقریباً همه خشونت را تجربه می کنند. بیشترین خشونتی که زنان سالمند از آن رنج می برند عدم همکاری با آنها و نادیده گرفتن آنها است. در این بین ابتلا به بیماری هایی که باعث از کار افتادگی آنها می شود علت اصلی تجربه خشونت در آنها است.

واژگان کلیدی: زنان، سالمندآزاری، بیماری، خشونت



مطالعه مروری ساختار یافته شیوع خشونت بر علیه سالمندان در ایران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶

بهنام هنرور، مرکز تحقیقات سیاست گذاری سلامت سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
زهرا ملکی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

maleki5146@gmail.com

زهرا غیبی، گروه آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
فرزانه بهادری، گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
الهه خاکسار، مرکز تحقیقات سیاست گذاری سلامت سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
طیبه رحمانی، گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
فاطمه جعفری، گروه آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مقدمه: سالمند آزاری یکی از آسیب های اجتماعی که امروزه جوامع با آن روبه رو هستند. این آسیب می تواند مشکلاتی همچون کاهش اعتماد به نفس، احساس ناامیدی، بی تفاوتی، مشکلات روحی روانی و ناتوانی را برای سالمند در پی داشته باشد. در این مطالعه با ادغام نتایج مطالعات مختلف که در ایران انجام شده است، می توان به برآیندی کلی دست یافت و به وسعت مشکل رسید.

روش کار: در این مطالعه به روش مرور ساختاریافته، تمام مقالاتی که درباره سالمند آزاری بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ در ایران انجام شده بود، در پایگاه های ایران مدکس، مگیران، گوگل اسکالر، اس آی دی و پایمد با ترکیب کلمات کلیدی Prevalence و Elder abuse و Neglect و Physical abuse و Verbal abuse و Psychological abuse و Material abuse, Violation elder abuse, Mistreatment financial, and Violence با عملگر «و» ۴۵ مقاله استخراج شد که نهایتاً با لحاظ نمودن شرایط مرتبط با مطالعه، ۱۵ مقاله مورد بررسی نهایی قرار گرفت.

یافته ها: بیشترین شیوع خشونت سالمندان در مطالعه منوچهری و همکاران در تهران (۸۷/۸ درصد) و کمترین آن در مطالعه حسینی و همکاران در شهرکرد (۱۷/۱ درصد) بود و شایع ترین نوع سالمند آزاری گزارش شده به ترتیب سالمند آزاری عاطفی (۳۰/۷ درصد)، سالمند آزاری روانی (۲۵/۴ درصد)، غفلت از سالمند (۲۵/۱ درصد)، سالمند آزاری مالی (۱۹/۷ درصد)، سالمند آزاری جسمی (۱۳/۱ درصد) و طردشدگی (۱۱/۷ درصد) را شامل می شد. نتیجه گیری: میزان خشونت گزارش شده پراکندگی متفاوتی داشت و در استانهای مختلف متفاوت بود. علت آن می تواند به دلیل وجود فرهنگ و قومیت های مختلف در ایران دانست. اما به طور عمده خشونت عاطفی و غفلت از سالمند علت اصلی سالمند آزاری گزارش شده است.

واژگان کلیدی: سالمند آزاری، شیوع، مرور نظام مند، ایران



بررسی مروری مشاوره پیش از ازدواج در خصوص تالاسمی و عوامل موثر بر آن

احمد مرادی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی ایران شهر، ایران

طیبه سمیعی زاده طوسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی ایران شهر، دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و

ارتقاء سلامت دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه: در عصر حاضر، از بیماریهای ارثی بعنوان شایعترین بیماری های بشر امروزی نام برده می شود. در کشور ما حدود ۲۵۰۰۰ بیمار مبتلا به تالاسمی وجود دارد و سالیانه حدود ۱۵۰۰ نوزاد مبتلا متولد می شود. تالاسمی یک اختلال خونی وراثتی است که با عنوان کم خونی مدیترانه ای نیز شناخته می شود. در این بیماری تولید هموگلوبین با سرعت زیاد کاهش می یابد، در حالی که در افراد سالم در فواصل چند ماهه این کاهش و جایگزینی به صورت طبیعی اتفاق می افتد. افزایش موارد دارای علائم متوسط یا شدید تالاسمی میتواند به کاهش توان اقتصادی و انسانی جوامع منجر شود. تالاسمی هزینه زیادی را بر اقتصاد کشور تحمیل می کند. استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران با داشتن ۱۲۰۰ بیمار تالاسمی از جمله مناطقی است که این اختلال ارثی نه تنها به عنوان یک مشکل بهداشتی بلکه به صورت یک مشکل اجتماعی و اقتصادی در آن مطرح است. و همچنین مشکلاتی از قبیل فراوانی ژن بتا تالاسمی، تعداد ازدواج های فامیلی، عدم انجام آزمایشات قبل از ازدواج، تمایل به داشتن اولاد زیاد و وجود حاملگی های خواسته در بین خانواده های دارای فرزند تالاسمی در این استان وجود دارد. مطالعه مروری حاضر به بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه تالاسمی و عوامل پیش از ازدواج موثر بر آن پرداخته است. روش کار: این تحقیق به شیوه گردآوری اطلاعات و با استفاده از موتور جستجو google scholar در پایگاه های داده ، medline ، scopus با عنوان تالاسمی و تحقیقات مرتبط با آن انجام شد. تعداد ۵۰ مقاله فارسی و انگلیسی بررسی شد. نهایتا نتایج تحقیقات بدست آمده در موضوع ازدواج و تالاسمی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: در سالهای اخیر با بهره گیری از وسایل ارتباطات جمعی و آموزش پیرامون بیماری تالاسمی میزان آگاهی جوانان افزایش یافته است اما آموزش وسیع تر و مداوم جهت ارتقاء فرهنگ پیشگیری از بیماری تالاسمی امری ضروری می باشد. مهم ترین علل بروز موارد جدید تالاسمی ناشی از عدم انجام آزمایشات قبل از ازدواج و عدم آگاهی از مینور بودن شان بوده است. خانواده بیماران تالاسمی یکی از منابع عمده گسترش تالاسمی می باشند. روش های آموزشی مؤثر می تواند نقش مهمی در افزایش سطح آگاهی جوانان قبل از ازدواج و در نتیجه پیشگیری از بیماری تالاسمی ایفا کند.

نتیجه گیری: بر اساس مطالعات به دست آمده توصیه می شود برای دستیابی به موفقیت در کاهش تالاسمی، باید به بررسی عملکرد و نه تنها آگاهی زوجین پرخطر و خانواده آنها پرداخت. همچنین استفاده از روش های آموزش موثرتر و ارتقا کیفیت کلاسهای آموزشی پیش از ازدواج زوجین توجه گردد.

واژگان کلیدی: تالاسمی، آگاهی، ازدواج



بررسی وضعیت آسیب‌های عمدی و غیر عمدی منجر به مرگ در بین جوانان

رستم زالوند، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

هادی عاشقی، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

ابوالقاسم پورضا، استاد گروه مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: با توجه به وجود تبعات اجتماعی و اقتصادی که در نتیجه ی مرگ در سنین جوانی می تواند بر دوش جامعه تحمیل شود، این مطالعه بر آن شد تا به بررسی شمای کلی مرگ و میر در بین جوانان در اثر آسیب‌های عمدی و غیر عمدی بپردازد. روش کار: با توجه به وجود مطالعات و آمارهای مختلف در زمینه مرگ و میر جوانان، در این مطالعه با مراجعه به سایت سازمان بهداشت جهانی (WHO)، و پایگاه‌های Google scholar, PubMed, Google و Magiran و Sid، شواهد موجود استخراج گردید و سپس نتایج شواهد موجود بر روی آسیب‌های عمدی و غیر عمدی مورد تحلیل در کشورها قرار گرفت. یافته‌ها: در این مطالعه، با بررسی داده‌های مربوط به مرگ و میر جوانان (۱۵-۲۹ سال) در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ از سایت سازمان بهداشت جهانی و سایر مطالعات جهانی این نتیجه حاصل شد که با وجود کاهش میزان مرگ و میر جوانان بعلت آسیب‌ها از مقدار ۱۱۶۳۲۰۲ به ۱۱۱۷۹۴۹ در طول سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۰، ولی سهم این آسیب‌ها از کل علل مرگ و میر جوانان از ۳۹٪ به ۴۲٪ افزایش یافته است. همچنین با جستجو در پایگاه‌های مذکور ۱۰ مطالعه دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفت که در ۹ مورد آنها آسیب‌ها بیش از ۳۰٪ مرگ و میر را شامل می شدند. نتیجه گیری: در همه ی شواهد مورد بررسی، آسیب‌ها همچنان نقش عمده ای برای مرگ و میر جوانان محسوب می شوند. همچنین از بین آسیب‌های عمدی، آسیب مربوط به خودکشی و از بین آسیب‌های غیر عمدی، آسیب‌های جاده ای بیشترین خطر مرگ جوانان مخصوصاً برای مردان شامل می شوند. با توجه به وجود مطالعه کم در زمینه ی مرگ و میر جوانان پیشنهاد می شود که مطالعات آتی در این زمینه بیشتر صورت گردد.

واژگان کلیدی: مرگ و میر، جوانان، آسیب‌های عمدی و غیر عمدی



واقعیت مجازی: چشم اندازی نو در آموزش متخصصان مراقبت بهداشتی درمانی

فائزه مهدی زاده، فاطمه مهدی زاده

مقدمه: واقعیت مجازی یک تکنولوژی و نوآوری نوین است که به کاربر امکان می دهد تا با یک محیط شبیه سازی شده رایانه ای تعامل داشته باشد. این تکنولوژی تأثیر مهمی در مراقبت های بهداشتی در دهه آینده خواهد داشت. عمده ترین کاربرد واقعیت مجازی در پزشکی، استفاده از آن جهت آموزش می باشد. واقعیت مجازی روش مناسبی برای محدود کردن خطرات زیاد آموزش به روش سنتی بوده است و نیز موجب کاهش شکاف های یادگیری آموزش های عملی و نظری می شود. بنابراین این مقاله با هدف تبیین نقش تکنولوژی واقعیت مجازی در آموزش متخصصان مراقبت بهداشتی درمانی انجام گردیده است.

روش کار: نوع این مطالعه از نوع مروری بوده و مقالات پیرامون موضوع کاربردهای واقعیت مجازی در آموزش پزشکی با کلید واژه های Health-Care Professionals, Virtual Reality, Training و ترکیب آن ها، به روش کتابخانه ای از پایگاه های Google Scholar, Scopus, Springer, Science Direct, PubMed, web of science Google طی سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۸ مورد جستجو و بازبینی قرار گرفت.

یافته ها: در مجموع ۱۴۷ مقاله به دست آمده، ۱۱۰ مطالعه با توجه به معیار ورود و خروج از مرور خارج شدند. نتایج به دست آمده از ۳۷ مقاله نشان داد که واقعیت مجازی مزایای زیادی در آموزش حوزه های مختلف پزشکی و جراحی، دندانپزشکی، روان شناسی و پرستاری دارد.

نتیجه گیری: واقعیت مجازی با ایجاد یک محیط شبیه سازی شده، انعطاف پذیر و امن امکان انجام هزاران بار تمرین بر روی بیمار را بدون محدودیت زمانی و آسیب به بیمار می دهد، که باعث آموزش بهتر و موثرتر و نیز افزایش دقت و کاهش خطا در کارآموزان مراقبت بهداشتی درمانی می شود. با توجه به مزایای فراوان این فناوری توصیه می شود که از آن در آموزش بهره گرفته شود.

واژگان کلیدی: واقعیت مجازی، آموزش، متخصصان مراقبت بهداشتی درمانی



بررسی وضعیت زخم لیشمانیوز پوستی (سالک) در مراجعین به مراکز درمان سالک شهرستان جویین طی سال های ۹۶-۱۳۹۳

حسین اسدی سامانی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
روح الله برقبانی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات لیشمانیوز، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
یاسر حاتمی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
عمران زارعی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
مهدی محمد پور، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
کبری سردار آبادی، کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
داود رباط سرپوشی، دانشجوی دکتری آموزش سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: بیماری لیشمانیوز جلدی (سالک) یکی از مهمترین بیماری های شهرستان جویین بوده و به دلیل ایجاد ضایعات پوستی دارای اهمیت بالایی می باشد؛ مطالعه حاضر جهت بررسی وضعیت این ضایعات پوستی در مراجعین واحدهای درمانی شهرستان صورت گرفته است.

روش کار: در مطالعه مقطعی حاضر از اطلاعات تمامی بیماران مراجعه کننده به مراکز درمان سالک شهرستان از سال های ۹۶-۱۳۹۳ که فرم بررسی انفرادی تکمیل گردیده بودند استفاده گردید. اطلاعات فرم های مذکور وارد نرم افزار SPSS24 گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در طی سال های مطالعه تعداد ۲۴۲ نفر جهت درمان مراجعه نموده اند که ۸۴٪ دارای زخم مرطوب ترشح دار بوده اند. طول اندازه زخم بطور متوسط ۲/۸۱ سانتی متر ($\pm 1/82$)، میانگین تعداد زخم ۲/۳۱ زخم (۱-۱۲) زخم که ۵۱٪ یک زخم، ۱۹٪ دو زخم، ۱۳٪ سه زخم، ۶٪ چهار زخم و بقیه بیش از چهار زخم داشته اند که به طور معنی داری یک زخم بیش تر از سایر موارد بوده است ($p < 0/001$). از نظر محل زخم ۳۳/۵٪ دست، ۱۱/۶٪ پا، ۲/۹٪ بازو، ۴/۱٪ تنه، ۱۲٪ ساعد، ۲/۹٪ سر و گردن، ۱۱/۲٪ صورت و سایر افراد در چند قسمت از بدن که بیشتر مربوط به دست و پاها و ساعد می باشد را داشته اند که به طور معنی داری دست ها بیشتر از سایر قسمت های بدن آسیب دیده اند.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیشتر زخم ها در نواحی تحتانی بدن و انتهایها می باشد بایستی آموزش جهت پوشاندن و یا استفاده از مواد دور کننده در این قسمت از بدن داده شود. ضمناً با توجه به اینکه میانگین اندازه زخم بالا می باشد بایستی آموزش جهت مراجعه زود هنگام به افراد جامعه داده شود.

واژگان کلیدی: زخم لیشمانیوز، زخم سالک، جویین



بررسی وضعیت درمان بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی (سالک) در سطح شهرستان جوین طی سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۳

حسین اسدی سامانی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
زهرا پشت چمن، کارشناس ارشد پرستاری مراقبت های ویژه، عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

روح الله برقبانی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات لیشمانیوز، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
عمران زارعی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
صبور عظیمی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
احسان کر، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
پوریا رون، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

مقدمه: شهرستان جوین یکی از مناطق آلوده از لحاظ بیماری لیشمانیوز جلدی (سالک) در سطح کشور می باشد. بر اساس دستورالعمل کشوری درمان بیماری در سطح این شهرستان در حال انجام می باشد و مطالعه حاضر جهت بررسی وضعیت درمان این بیماری صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه مقطعی حاضر بر روی بیماران مبتلا به سالک مراجعه کننده به مراکز درمان سالک شهرستان جوین صورت گرفته است. اطلاعات تمامی بیماران مراجعه کننده در فرم بررسی انفرادی ثبت می گردد. در این مطالعه اطلاعات موجود در فرم های بررسی انفرادی و کارتهای فوق وارد نرم افزار spss24 گردید و با استفاده از روش های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در طی سال های مطالعه تعداد ۲۴۲ نفر بیمار جهت درمان به مراکز درمان سالک شهرستان جوین مراجعه نموده اند که وضعیت درمان این بیماران به صورت زیر می باشد: از تعداد افراد مراجعه کننده ۹۸٪ آزمایش اسمیر از محل ضایعه را داشته اند و سایر افراد از روی علایم بیماری تشخیص و تحت درمان قرار گرفته اند. با توجه به این که بیشتر موارد سالک (۸۴٪) نوع مرطوب می باشد؛ نوع درمان ۵۵/۴٪ به صورت سیستمیک و ۴۲٪ به صورت موضعی به همراه کرایوتراپی بوده است. مدت درمان سیستمیک در ۶۷٪ موارد به مدت ۷-۱۰ روز می باشد، در ۲۲٪ موارد ۱۱-۱۴ روز و در سایر موارد بیشتر از ۱۴ روز بوده است. در درمان موضعی ۵۹٪ موارد ۴-۱ هفته، ۳۲٪ موارد به مدت ۵-۸ هفته و سایر افراد بیش از ۸ هفته تحت درمان بوده اند. در ۹۳٪ موارد بعد از ۴ ماه پیگیری بهبود یافته بودند و در سایر موارد غیبت از درمان و یا در حال بهبودی بودند.

نتیجه گیری: باتوجه به این که وضعیت درمانی در بیشتر موارد به صورت سیستمیک می باشد؛ باید هماهنگی لازم با پزشکان در مورد بررسی عوارض دارویی در بیماران تحت درمان صورت پذیرد. باتوجه به طولانی بودن دوره درمان، باید پیگیری پرسنل بهداشتی جهت ادامه درمان بیماران صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: درمان، لیشمانیوز جلدی، سالک، جوین



وضعیت اتلاف دارو در خانوارهای ایرانی: یک مطالعه مرور گستره

آدینه جعفرزاده، علیرضا محبوب اهری

مقدمه: اتلاف دارو در خانوار از جمله مشکلات جوامع مدرن و کشورهای در حال توسعه می باشد. براساس پژوهشی معادل نصف بودجه سالانه دارویی کشور، داروهای بلا استفاده در منازل می باشند. هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت داروهای اتلاف شده در خانوارهای ایرانی می باشد.

روش کار: جستجوی مقالات با استفاده از کلید واژه های دارو، ذخیره، مصرف، اتلاف، منقضي، خانوار و منازل و معادل انگلیسی آنها در پایگاه های داده Pubmed, Magiran, Sid و Google scholar بدون محدودیت زمانی صورت گرفت. عنوان، خلاصه و اصل مقالات براساس معیارهای ورود از پیش تعیین شده، توسط دو نفر مرورگر مستقل غربالگری شد. داروهای منقضي و بلااستفاده به عنوان اتلاف دارو در نظر گرفته شدند.

یافته ها: نرخ ذخیره دارو در خانوارهای ایرانی به طور میانگین بالای ۸۰٪ گزارش گردیده بود. از لحاظ فراوانی طبقه داروهای اتلافی، داروهای ضد درد و التهاب، گوارشی و آنتی بیوتیک رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص دادند. میانگین تعداد دارو برای هر خانوار از ۵ تا ۱۲ نوع متغیر بود. از نظر شکل دارویی قرصها با حجم قابل توجهی، فراوانترین شکل داروهای اتلافی بودند. خانوارهای ایرانی ۳۰ تا ۴۰٪ مجموع هزینه داروهای ذخیره شده در منزل را، از طریق داروهای منقضي دور می ریزند.

نتیجه گیری: انباشت دارو در منازل بار اقتصادی قابل توجهی بر جامعه و خانوارها تحمیل می کند. مقاومت دارویی، عوارض جانبی و مسمومیت دارویی به ویژه در میان کودکان و سالمندان از عوارض انباشت غیر ضروری دارو در منازل می باشد. تجویز بیش از حد دارو و عدم آرایه آموزشهای مناسب در زمینه مصرف دارو توسط پزشکان، همچنین تاکید بیماران به تجویز دارو در هر بار مراجعه، بر ذخیره غیر ضروری دارو موثر می باشند. ارتقای میزان آگاهی و باورهای جامعه در خصوص استفاده صحیح از دارو و اطلاع رسانی مانند برگزاری کارگاه های آموزشی و ایجاد تغییر در سیستم تجویز و تحویل دارو به ویژه سه طبقه دارویی بالا، می تواند موجب کاهش ذخیره دارو در منزل و پیشگیری از آثار زیانبار آن باشد.

واژگان کلیدی: Drug, Medicine, Storage, Wastage, Unused, Expire, Family, Household



بررسی میزان ید در نمک های خوراکی سطح شهرستان اردبیل سال ۱۳۹۶

منیر مشیری

مقدمه: ید از مهم ترین ریزمغذی های مورد نیاز بدن انسان است. کمبود ید می تواند مشکلات فراوانی به همراه داشته باشد. کمبود ید مهم ترین علل مشکلات تیروئید در جوامع امروزی می باشد به علاوه کمبود ید در دوران بارداری می تواند مشکلات جبران ناپذیری به همراه داشته باشد. رژیم غذایی بسیاری از ایرانیان حاوی مقدار کافی از این عنصر نمی باشد. یددار کردن نمک بهترین راه حل که در کشور اجرا می شود است. به دلیل شیوع نسبتاً زیاد مشکلات تیروئید در استان اردبیل این پژوهش در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از فروشگاهها و غذا خوری های ۱۶ منطقه شهری شهر اردبیل و ۸ منطقه روستایی ۴۰ نمونه جمع آوری شد. نمونه های پژوهش در آزمایشگاه دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از نظر میزان ید به روش تیتراسیون مورتانید فارماکوپه بریتانیا مورد آزمایش قرار گرفتند. داده های به دست آمده با ورژن ۱۶ نرم افزار SPSS و آزمون های آماری کای دو تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج مطالعه بیانگر آن بود که ۲۶ نمونه (۶۵٪) از نمک ها دارای میزان قابل قبول ید (۳۰-۵۰ ppm) و ۲۴ نمونه (۳۵٪) خارج از میزان استاندارد (کمتر از ۳۰ ppm) بودند، همچنین میانگین ید در مراکز عرضه غذا ۳۱.۶ ppm و در فروشگاه های شهری ۳۹.۸ ppm و در فروشگاه های روستایی ۲۴.۲ ppm بودند. کم ترین میزان ید در فروشگاه روستایی ۸.۴ ppm و بیشترین مربوط به فروشگاه شهری ۴۹.۸ ppm بود. آزمون کای دو اختلاف آماری ($P < 0.05$) معنی داری بین زمان تولید نمونه و میزان ید در آن مشخص کرد نمونه های که بیشتر از زمان تولیدشان می گذشت ید کمتری داشتند.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان داد درصد قابل توجهی از نمک های موجود در سطح شهر اردبیل دارای ید کافی نبودند بنابراین با توجه به اهمیت این ریزمغذی افزایش کنترل بر کارخانجات و همچنین آموزش استانداردهای نگهداری نمک برای فروشندگان و کارکنان مراکز عرضه غذا توصیه می شود.

واژگان کلیدی: نمک طعام، نمک یددار، ید، نمک شستشو شده، نمک دریایی



تعیین میزان خودمراقبتی در خانم های مبتلا به دیابت بارداری

نسرین شریف زاده، کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی قم

فاطمه السادات ایزدخواه، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

مهین دخت سعادت‌مند، عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران

مقدمه: دیابت بارداری به صورت درجات مختلف عدم تحمل کربوهیدرات، که اولین بار در دوران بارداری شروع و یا تشخیص داده شود، تعریف می شود. به طور معمول از اواسط بارداری شروع شده و تا آخر بارداری ادامه دارد. این بیماری درمان قطعی ندارد. خودمراقبتی اولین قدم برای کمک به مادران دیابتی جهت مراقبت و مدیریت بهتر بیماری می باشد و امروزه به منظور کنترل مداوم این بیماری، بر تقویت رفتار های خودمراقبتی تاکید می شود. طبق نظر اورم مراقبت از خود، فعالیت هایی است که هر فرد برای خود آن را تشخیص و انجام دهد تا به این وسیله حیات و تندرستی خود را حفظ کند. هدف اصلی از خودمراقبتی در مادران دیابتی، کنترل سطح گلوکز خون در محدوده طبیعی و کاهش تنوع عوارض می باشد. مطالعه حاضر باهدف تعیین میزان خودمراقبتی در خانم های مبتلا به دیابت بارداری انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مرور نظام مند است که با استفاده از کلمات کلیدی خودمراقبتی، دیابت بارداری مطالعات مرتبط از سال ۹۰ تا ۹۶ در SID و Google scholar و Iranmedex انتخاب شدند و پس از بررسی نهایتاً تعداد ۱۲ مقاله دارای متن کامل انتخاب گردید.

یافته ها: ۶۵٪ زنان مبتلا به دیابت بارداری خود مراقبتی متوسط، ۵٪ خودمراقبتی ضعیف و ۳۴٪ خودمراقبتی قوی داشتند. بین خودمراقبتی با قندخون ناشتا پس از ۲ هفته پیگیری ارتباط خطی معناداری وجود نداشت ولی با قند خون ۲ ساعت بعد از غذا پس از ۲ هفته پیگیری ارتباط خطی مستقیم و معنادار وجود داشت. میانگین نمره خودمراقبتی در بارداری در زنان مبتلا به دیابت بارداری ۹/۷۱ و در گروه غیرمبتلا ۸۷/۸۱ می باشد که این تفاوت بین دو گروه معنی دار بود.

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر بیش از نیمی از خانم های مبتلا به دیابت بارداری خودمراقبتی متوسط داشتند. می توان با افزایش آگاهی و آموزش به زنان باردار در زمینه ی داشتن سبک زندگی مناسب در دوران بارداری و هر مداخله ای که منجر به ارتقای سبک زندگی در آنان شود، از بروز دیابت در بارداری پیشگیری نمود.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، دیابت بارداری



ارزیابی سبک زندگی سالم در سالمندان

نسرین شریف زاده، کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی قم

فاطمه السادات ایزدخواه، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

مقدمه: یکی از بزرگترین تغییرات جمعیتی در قرن ۲۱ پیر شدن جمعیت است. سالم پیر شدن حق همه افراد بشر است. ترویج بهداشت سالمندی و ارتقاء سطح سلامت سالمندان به عنوان یک الویت بهداشتی مطرح است، که بایستی برای آن برنامه ریزی مناسب انجام شود. بسیاری از مشکلات دوران سالمندی ناشی از شیوه زندگی ناسالم در این دوران است که هزینه های سنگین مراقبتی و دارویی را برای کشور به بار می آورد که آگاهی از عوامل تأثیرگذار بر سبک زندگی سالم تا حدودی به جبران آن کمک می کند. سبک زندگی سالم عبارتست از روشی از زندگی که خطر بیماری شدید یا مرگ زودرس را کاهش می دهد و به کمک آن از جنبه های بیشتری از زندگی مان لذت می بریم. کسانی که سبک زندگی سالم را رعایت کنند امید به زندگی بالاتر و کیفیت زندگی بهتری خواهند داشت. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی سبک زندگی سالم در سالمندان انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مرور نظام مند است که با استفاده از کلمات کلیدی سبک زندگی سالم، سالمندان، مطالعات مرتبط از سال 90 تا 96 در SID و Google scholar و Iranmedex انتخاب شدند و پس از بررسی نهایتاً تعداد 10 مقاله دارای متن کامل انتخاب گردید.

یافته ها: در مطالعات انجام شده 1/3 از سالمندان سبک زندگی متوسطی دارند. آگاهی و نگرش سالمندان درباره شیوه زندگی سالم و عملکرد آنان در ارتقای سبک زندگی سالم پایین است. بیشترین میانگین نمره سبک زندگی مربوط به حیطة پیشگیری در افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و کمترین آن در حیطة ورزش و تفریح در افراد بی سواد بود. نتایج، رابطه احتمالی بین شش متغیر سن، وضعیت شغلی، میزان تحصیلات، رضایت از زندگی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و وضعیت تأهل با سبک زندگی سلامت محور سالمندان را نشان می دهد. بین میانگین نمره سبک زندگی کل با سن، قد، وزن، شاخص توده بدنی رابطه معنی دار وجود ندارد اما با سطح تحصیلات رابطه معنی دار وجود دارد.

نتیجه گیری: در اکثر مطالعات سالمندان از نظر سبک زندگی در وضعیت مطلوبی قرار نداشتند و لازم است آموزش سبک زندگی سالم با جدیت پیگیری شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی سالم، سال



بررسی عوامل خطر ساز بیماری سرطان مثانه و راه های پیشگیری آن

محمدطاها سعادتی راد، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

انسیه رضوان پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مژگان توانا، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

خدیجه بختیار، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

اعظم نوازش، گروه پزشکی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مقدمه: امروزه سرطان مثانه یکی از شایع ترین سرطان های دستگاه ادراری است و با علل مختلفی از جمله ابتلا به عفونت های مکرر و مزمن ادراری و مصرف سیگار بروز می کند. هدف این پژوهش مشخص کردن عوامل خطر و راه های پیشگیری از ابتلا ی باشد. با توجه به شیوع روزافزون این بیماری و عوامل خطر ساز آن، بررسی این عوامل و راه های پیشگیری از آن ضروری بنظر م ی رسد.

روش کار: این مطالعه مروری در سال ۹۷ با جستجوی کلیدواژه هایی نظیر Bladder cancer، سرطان مثانه، عوامل خطر ساز و پیشگیری در پایگاه های پیشرفته اطلاعاتی نظیر PubMed، Google scholar، Iranmedex، Irandoc، SID انجام شد معیارهای ورود شامل مقالات انتشار یافته ما بین سال های 85 تا 96 بود که در یک جستجوی گسترده تعداد ۸۸ مقاله با ادبیات مرتبط یافت شد و تعدادی گزینش گردید.

یافته ها: یافته های حاصل از بررسی مقالات مرتبط نشان داد که مهم ترین عوامل خطر ساز مستعد کننده ی سرطان مثانه شامل مصرف سیگار، برخی انگل ها مانند شistosوما هماتویم، تماس با مواد صنعتی شیمیایی مانند بنزیدین و بتا نفتیل و سن می باشند که هر کدام با مکانیسم خاصی فرد را مستعد « اکستروفی » و « اوراک آمین و نقصهای مادرزادی : مانند بیماری می کنند.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیماری سرطان مثانه یکی از شایع ترین بیماری های دستگاه ادراری است و درمان های این بیماری در طب نوین بسیار هزینه بر و خطرناک می باشد و قابلیت عود کنندگی آن نیز بالاست لازم است پیشگیری های لازم برای جلوگیری از پیشرفت این بیماری انجام شود. برای پیشگیری از این بیماری دوری از عوامل خطر از جمله عدم نگهداری ادرار به مدت طولانی، اجتناب از استعمال دخانیات، نوشیدن مایعات، قرار نگرفتن در معرض مواد شیمیایی و معاینه کامل و منظم لازم است و موثر می باشد.

واژگان کلیدی: سرطان مثانه، عوامل خطر، Bladder cancer، پیشگیری



بررسی نقش تغذیه در پیشگیری از ابتلا به سرطان پانکراس و عوامل خطر آن

حمیرا اکبرزاده، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مژگان توانا، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

خدیجه بختیار، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

حمیرا طهماسبی، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

محمدطاها سعادت‌نی‌راد، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

زهرا رضانی چاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

فاطمه سادات بابایی ساداتی، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

فاطمه نودری چراتی، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

انسبه رضوانپور، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مرضیه حسن پور، دکترای تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: سرطان پانکراس یکی از کشنده ترین انواع سرطان با بقای بسیار پایین است و تومورهای آن در مقابل انواع دارو بسیار مقاوم و درمان آن بسیار دشوار است. هدف این مقاله مروری بر عوامل خطر این بیماری مهلک و نقش تغذیه در پیشگیری از آن می باشد.

روش کار: این مطالعه مروری در سال ۹۷ با جست جوی کلیدواژه هایی نظیر نقش تغذیه، سرطان پانکراس، عوامل خطر، پیشگیری در پایگاه های داده پیشرفته نظیر Google Scholar ، PubMed ، SID ، Iranmedex و irandoc انجام شد و مقالات مابین سال های ۸۷ تا ۹۷ بررسی شد و تعداد ۴۴ مقاله با ادبیات مرتبط یافت شد و تعداد ۳۲ مقاله گزینش گردید.

یافته ها: یافته های حاصل از بررسی مقالات مرتبط نشان داد که مصرف سیگار، اضافه وزن و چاقی، ابتلا به دیابت و افزایش سن از مهم ترین عوامل بروز این بیماری است. این سرطان در آقایان شایعتر است. عادات نادرست و شیوه غلط زندگی افراد همچون رژیم های غذایی پرکالری، مصرف بی رویه فست فودها، چاقی، کم تحرکی و نداشتن فعالیت فیزیکی لازم و افزایش استرس، از عوامل شیوع سرطان پانکراس یا لوزالمعده است. همچنین مصرف زیاد پروتئین های حیوانی و غذاهای چرب و مواد قندی و سابقه ابتلا به عفونت مزمن پانکراس نیز از دیگر دلایل ابتلا به این بیماری خطرناک است. به منظور پیشگیری از این بیماری خطرناک مصرف میوه و سبزی هایی مانند بروکلی و گل کلم و مصرف سیر، انگور قرمز، اسفناج، گیلان، زغال اخته، سیب زمینی به سلامت این بافت کمک می کند.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع روز افزون این بیماری و عوامل خطر آن توصیه می شود از دستورات تغذیه ای سالم و توصیه شده استفاده شود و با اصلاح سبک زندگی و عادات غذایی از ابتلا به این بیماری جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: نقش تغذیه، سرطان پانکراس، عوامل خطر، پیشگیری، *Risk factors, Cancer*



تبیین نقش آموزش در پیشگیری از پرخاشگری نوجوانان؛ یک مطالعه مروری

رقیه محمد پور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زینب غلامرضایی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

سیامک محبی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: جوانی یک مرحله گذاری در تحول جسمانی و روان شناختی انسان است که می تواند سلامت روان شناختی نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از اختلالات مهم روان شناختی که می تواند سلامت نوجوانان را تحت شعاع قرار دهد پرخاشگری است. پرخاشگری می تواند عوارض جسمی، روانی و اجتماعی فراوانی مانند: تصویر ذهنی منفی در میان همسالان و آموزگاران، طرد از سوی همسالان، افت تحصیلی، مصرف مواد، مشکلات ارتباطی با خانواده و بزهکاری را در پی داشته باشد، همچنین به دلیل افزایش روز افزون پرخاشگری و صدمات اجتماعی مربوط بدان در جامعه این مطالعه سعی داشت لزوم توجه به آموزش را در پیشگیری از پرخاشگری نوجوانان تبیین کند.

روش کار: مطالعه حاضر مروری بوده و با استفاده از بانک های اطلاعاتی و موتورهای جست و جوی علمی نظیر PubMed ، ProQuest ، Elsevier ، SCOPUS و واژه های کلیدی << پرخاشگری >> ، << نوجوان >> و << آموزش >> مقالات با طراحی های مقطعی، کوهورت، کارآزمایی بالینی و مرور سیستماتیک انتخاب شدند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی MEDLIB ، IRANMEDEX و نیز جست و جوی مقالات از سایت های مجلات علمی پژوهشی داخلی انتخاب شدند. بازه زمانی مقالات مورد استفاده از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۱۷ میلادی بود.

یافته ها: بر اساس شواهد پژوهشی، آموزش مؤلفه های مدیریت خشم بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان مؤثر است، بنابراین آموزش مهارت های کارآمد برای مدیریت پرخاشگری از جمله مسائل مهمی است که باید در دوره نوجوانی بیشتر بدان توجه شود. یافته های تعدادی از مطالعات حاکی از اثر بخشی برنامه آموزشی در کاهش پرخاشگری بوده است که ارائه آموزش های زود هنگام به دانش آموزان باعث افزایش توانایی و کنترل آنها برای برقراری روابط سالم و مثبت باشد.

نتیجه گیری: پرخاشگری به دلیل تبعات زیان آوری که می تواند در دوران نوجوانی داشته باشد نیازمند طراحی مداخلات آموزشی مناسب برای پیشگیری و درمان آن می باشد، بنابراین هر گونه آموزش و آگاه سازی از طریق در اختیار گذاشتن اطلاعات مؤثر پیرامون پرخاشگری می تواند نگرش نوجوان را در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری تغییر دهد.

واژگان کلیدی: آموزش، پرخاشگری، نوجوان



بررسی تأثیر آموزش بر سبک زندگی زنان میانسال؛ یک مطالعه مروری

رقیه محمد پور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زهرا حداد؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

سیامک محبی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: در دنیای امروز سبک زندگی مهم ترین عامل مؤثر بر سلامت و بیماری قلمداد شده و نظامهای سلامت، مهمترین برنامه های خود را مبتنی بر سلامت خانواده ترسیم نموده اند. زنان محور مدیریت سلامت خانواده محسوب می گردند و الگوی اصلی آموزش و ترویج شیوه زندگی سالم به نسل بعدی می باشند. میانسالی یکی از مهم ترین دوره های زندگی زنان است که بزرگترین بخش از حیات بزرگسالی محسوب می شود. به دلیل اینکه برنامه های آموزشی بر تغییر، حفظ و ارتقاء عوامل رفتار فردی و سبک زندگی تأثیر مستقیم دارد، بنابراین این مطالعه سعی داشت نقش آموزش را به عنوان عاملی تأثیرگذار در بهبود سبک زندگی زنان میانسال تبیین کنند.

روش کار: مطالعه حاضر مروری Narrative Review بوده که مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی IRAN MEDLIB, MEDEX و نیز جست و جوی مقالات از سایت های مجلات علمی پژوهشی داخلی انتخاب شدند. سایر مقالات با استفاده از بانک های اطلاعاتی و موتورهای جست و جوی علمی نظیر PubMed , ProQuest , SCOPUS , Elsevier و واژه های کلیدی <<آموزش>>، <<سبک زندگی>> و <<زنان میانسال>> انتخاب شدند. مقالات با طراحی های مقطعی و نیز مرور سیستماتیک جست و جو شده اند. بازه زمانی مقالات مورد استفاده از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۷ میلادی بود.

یافته ها: به دلیل اینکه در زنان میانسال هر یک از فاکتورهای سبک زندگی به طور مستقل و به میزان قابل ملاحظه ای پیشگویی کننده ی بیماری های مزمن متعدد و مرگ و میر محسوب می شود، در نتایج مطالعات بررسی شده مشخص شد که برنامه آموزشی تأثیر مثبتی بر ابعاد مختلف انجام فعالیت فیزیکی، بهداشت روان، تغذیه، روابط بین فردی و سبک زندگی کلی زنان میانسال دارد و می تواند باعث ارتقای سلامت آنان شود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه نتایج این مطالعه تأییدکننده تأثیر آموزش بر ابعاد مختلف سبک زندگی زنان میانسال بود لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی در رابطه با سبک زندگی سالم برای گروه سنی میانسال برای بهبود کیفیت زندگی آنان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: آموزش، سبک زندگی، زنان میانسال



The Effect of Educational Intervention on Intention and Behavior Physical Activity of Female students in Behbahan City: An Application on the Theory of Planned Behavior

Bakhshesh Leila; MSc, Department of Health Education and promotion, Department of public Health Faculty of Medical Sciences, Behbahan, Iran

Shakerinejad Ghodratollah; Associate Professor, Health Education Research Group, the Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR) - Khuzestan, Ahvaz, Iran

Karami Khodabakhsh; Professor, Department of Public Health, Faculty of Health, Social Determinant of Health Research Center, Ahvaz Jundi Shapur University of Medical Sciences Ahvaz, Iran.,

Hagheghizadeh Mohammad; Department of Statistics and Epidemiology, Faculty of Health, Ahvaz Jundi Shapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

Introduction: Due to inactive lifestyle in different societies it seems interventions to increase physical activity particularly in early adolescence is essential. Given the fundamental role of physical activity in health and quality of life this study aimed to evaluate an educational intervention based on the "Theory of Planned Behavior" on the physical activity of girl high school students.

Methods: This quasi experimental study was performed on 140 students who were randomly was chose in test and control groups. Data was collected by using a researcher-made valid and reliable questionnaire by self-report method with pre-test/post-test procedures. The educational interventions were performed on students for 3 weeks in test group and also for their teachers and parents in two sessions. Post test was conducted 8 weeks after the intervention .Data were analyzed by using SPSS-20 software and appropriate statistical tests including descriptive statistics chi-square, independent-t and paired t-tests.

Results: Before the intervention there was no significant differences was found between test and control groups in mean scores of model structures ($p>0.05$), but after the intervention show statistically significant increases in the mean scores of behavior intention and behavior

Conclusion: The results show that the educational intervention based on the Theory of Planned Behavior has a positive effect on the physical activity of female students so we suggested using of interventions based on this model in related health behavior programs.

Keywords: Health Education, Physical Activity, Theory of Planned Behavior, student



بررسی ارتباط شیوه زندگی و کیفیت خواب سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بهبهان در سال ۹۶

مینا متقی نژاد؛ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران.

لیلا بخشش؛ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران.
نیما دانشی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران.
معصومه علیدوستی؛ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران.

مقدمه: بالا رفتن سن مهمترین علت افزایش شیوع اختلالات خواب است. بی خوابی می تواند عواقب ناخواسته خطیری از جمله اختلال در توجه و حافظه، افسردگی، حملات سقوط و احساس کاسته شدن از کیفیت زندگی را به دنبال داشته باشد. این پژوهش با هدف تعیین ارتباط شیوه زندگی و کیفیت خواب سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بهبهان انجام گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که بر روی سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بهبهان صورت گرفت. ۱۵۰ سالمند بر اساس روش نمونه گیری نمونه گیری به روش خوشه ای دو مرحله ای انجام می گیرد به این صورت که خوشه ها شامل ۱۰ مرکز و پایگاه شهری بودند و به روش تصادفی ساده ۳ خوشه در ابتدا انتخاب شدند. مقیاس سنجش کیفیت خواب پیتر بورگ پرسشنامه ی خودگزارشی بود و کیفیت خواب را بررسی کرد. ابزار دوم مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه سبک زندگی سالمندان بود. ابزار سوم پرسشنامه محقق ساخته جهت جمع آوری اطلاعات دموگرافیک سالمندان بود. در این پرسشنامه ده سوال دموگرافیک گنجانده شد. پس از جمع آوری اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS داده ها تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: سالمندان شرکت کننده در این مطالعه شامل مرد و زن بودند (۳۹ مرد و ۱۱۱ زن). میانگین سنی شرکت کنندگان ۷۱ سال بود. بیشتر شرکت کنندگان دارای تحصیلات ابتدایی بوده (۹۷ نفر). ۱۴۹ نفر از آنها خانه داشته و تنها یک نفر بدون ملک شخصی بود. اکثر سالمندان (۱۴۸ نفر) متاهل بودند. ۷۷ نفر از آنها دارای بیماری زمینه ای بودند. در این مطالعه ارتباط معناداری بین سبک زندگی سالمندان و کیفیت خواب سالمندان مشاهده گردید ($p < 0.02$).

نتیجه گیری: بی خوابی در سالمندان شایع می باشد، بهبود سلامت خواب در بسیاری از منجر به بهبود سلامتی و افزایش کیفیت زندگی در سالمندان می گردد. بهتر است در این زمینه برنامه ریزی هایی صورت گیرد و افزایش آگاهی سالمندان از شیوه صحیح تغذیه، ورزش، مصرف داروها، استرس و روابط اجتماعی، خواب و استراحت می تواند از مشکلات دوران سالمندی پیشگیری کرده و ارتقاء سلامت سالمندان را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: کیفیت خواب، سالمندی، سبک زندگی



The student's attitude and belief towards the fast-foods: a survey among students at kurdistan university of medical sciences in 2015

Shahram Sadeghi; Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Parinaz Mahdavi; Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Nammam Ali Azadi; Biostatistics department, School of public health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Elham Nargesi; Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Shadieh Mohammadi; Environmental Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Abstract

Introduction: One manifest of life style changes is the excess consumption of fast foods which has several adverse effects on general health of individuals. Due to students' circumstances, the use of fast foods among students is common. The aim of this study was to determine how common is the use of fast foods among students at kurdistan university of medical sciences and the investigate the potential relationship between attitude, normative and control beliefs with consumption of fast foods.

Methods: This study was a cross-sectional study by which 401 students of kurdistan university of medical sciences were selected using two-stage cluster sampling. A multivariate and analysis of variance followed by univariate ANOVA were used to determine the relationship between attitude, normative and control beliefs.

Results: The multivariate results showed a significant relationship between response variables attitude, normative and control beliefs and gender at 5% level ($p=0.005$) and grade at 10% level ($p=0.053$). Post-hoc univariate ANOVA showed a strong significant relationship between gender and normative beliefs ($p=0.004$) as well as gender and control beliefs ($p=0.03$) only. The relationship between attitude and gender wasn't statistically significant ($p=0.61$).

Conclusion: Since 60.54% of students consume fast foods, an educational intervention is recommended to emphasis the negative consequences of the excess use of fast foods.

Keywords: attitude- normative beliefs- control beliefs- fast food- medical sciences- Kurdistan



تبیین تجارب زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ در زمینه موانع انجام پیاده روی: یک مطالعه کیفی

اسماء فرخیان؛ دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

farrokhian_as@yahoo.com

محمد علی مروتی شریف آباد؛ استاد مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

علی اکبر واعظی؛ استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
نوذر نخعی؛ استاد مرکز تحقیقات علوم اعصاب، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

فاطمه حسینی؛ استادیار مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
حسین فلاح زاده؛ استاد گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

مقدمه: دیابت یکی از چالش‌های عمده بهداشتی در حال افزایش در سراسر جهان می باشد. مزمن بودن دیابت و عوارض بالقوه این بیماری اغلب باعث کاهش کیفیت زندگی می شود که نیازمند شناخت راهکارهایی آسان جهت تخفیف علائم آن می باشد. یکی از این راهکارها، انجام فعالیت بدنی مانند پیاده روی است. پیاده روی ساده ورزشی ارزنده است که می تواند در زندگی روزانه افراد دیابتی آمیخته شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین تجارب زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ در زمینه موانع انجام پیاده روی انجام شد.

روش کار: این تحقیق، یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوی هدایت شده می باشد. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته فردی و مصاحبه گروهی استفاده شده است. مصاحبه ها بر اساس راهنمای مصاحبه انجام شد. مشارکت کنندگان زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ بودند که به مرکز دیابت شهر کرمان مراجعه کرده بودند. پس از انجام ۱۷ مصاحبه با مشارکت کنندگان داده ها به اشباع رسید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش لاندمن و گرانهایم استفاده شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در پژوهش $46/94 \pm 8/6$ سال بود. تبیین تجارب زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ منتهی به استخراج ۱۲ زیرطبقه شامل (مشکلات جسمی، مشکلات مربوط به عدم تعادل قند خون، مشغله زندگی، وسیله نقلیه فردی، نداشتن وقت و زمان، نداشتن حوصله، فراهم نبودن امکانات مناسب، نداشتن علاقه و رغبت، عدم حمایت خانوادگی، نبود فضای امن و مناسب، تنبلی فرد، هوای نامساعد) گردید که مهمترین موانع انجام پیاده روی در زنان بود. نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر شناسایی موانع انجام پیاده روی که ورزشی آسان و راحت برای زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ می باشد می تواند در رفع موانع بیماران و توانمندی آنان جهت انجام پیاده روی اثربخش باشد.

واژگان کلیدی: دیابت نوع ۲، موانع، پیاده روی، زنان، تحقیق کیفی



مروری بر وضعیت نوآوری و خلاقیت و عوامل موثر بر آن در بیمارستان‌ها

اکبر رسولی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

ak-rasouli@student.tums.ac.ir

فروغ سرایی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: همانند سایر سازمانها، بیمارستانها نیز به عنوان یکی از مهمترین سازمان های ارائه دهنده خدمات در نظام سلامت کشور، جهت رسیدن به موفقیت و بقای خود و همچنین به علت حس رقابت پذیری، نیازمند خلاقیت و نوآوری هستند. بنابراین مطالعه حاضر، با هدف تعیین وضعیت خلاقیت و نوآوری و عوامل موثر بر آن در بیمارستان ها انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری نظام مند است که با بهره گیری از اطلاعات موجود در موتور جستجو علمی Google scholar و پایگاه های داخلی SID و Magiran با کلیدواژه های خلاقیت، نوآوری، بیمارستان و پایگاه خارجی Scopus با کلیدواژه های creativity, innovation و hospital صورت گرفت. در مجموع تعداد ۲۲ مقاله با معیارهای ورود به مطالعه نظیر به روز بودن و دسترسی به مقاله اصیل جهت نگارش این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج بررسی ها نشان داد که عوامل موثر بر خلاقیت و نوآوری به دو دسته عوامل موثر فردی و سازمانی طبقه بندی می شود. مهمترین عوامل فردی موثر بر خلاقیت و نوآوری در بیمارستان ها به ترتیب؛ داشتن درک کافی نسبت به موضوع و صبر و شکیبایی در اجرای ایده های جدید و نیز مهم ترین عوامل سازمانی موثر بر این امر، به ترتیب؛ برانگیزاننده بودن پاداش ها و فراهم نمودن بودجه کافی جهت انجام طرح های تحقیقاتی می باشد. به علاوه، وضعیت خلاقیت در بیمارستانها متوسط و متوسط رو به پایین و وضعیت نوآوری در بیمارستانها متوسط و متوسط رو به بالا است.

نتیجه گیری: بیمارستان ها اصلی ترین سازمان ارائه دهنده ی خدمات در نظام سلامت و حوزه بهداشت و درمان کشور می باشند. بنابراین جهت ارتقا خلاقیت لازم است که یک سیستم پرداخت و پاداش مناسب در بیمارستانها طراحی گردد. برای افزایش نوآوری نیز، بایستی حداکثر منابع لازم جهت اجرای ایده ها فراهم و از افراد خلاق حمایت و پشتیبانی شود.

واژگان کلیدی: خلاقیت، نوآوری، سازمان، بیمارستان



The Relationship between Quality of Work Life and Organizational Commitment among the Midwives in southeastern of Iran in 2016

Mohammad Javad Akbarian Bafghi; Assistant Professor, Department of Health Services Management, School of Public Health, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Marjan hedayatipur; Bachelor of Science in Health Services Management, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Sina Etemadi; Bachelor of Science in Health Services Management, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Mohammad Tasavon Gholamhosseini; MSc Student of Health Economics, Faculty of Management and Medical science, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Melika Farsad; Bachelor of Science in Midwifery, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Zahra Ghafarian Malamiri; Bachelor of Science in Nursing, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Introduction: Quality of life is a combination of variables in the work environment that has an important impact on organizational commitment, work participation and job performance. Therefore, measuring the two variables of quality of work life and organizational commitment is important for all employees of organizations, including midwives, who are important members of the health service provider. Therefore, the aim of this study was to determine the relationship between quality of work life and job satisfaction among midwives.

Methods: This study was descriptive and correlational that was conducted cross-sectional in 2016. The community of this study includes all midwives working in the Pastor Hospital and all health centers of Bam city that were studied on census-based. The data collection tool was personal and occupational questionnaire, Walton Quality of Work Life Questionnaire, and Allen & Meier Organizational Commitment Questionnaire. Data analysis was performed by using descriptive, Pearson correlation and ANOVA statistics tests by SPSS 23 software.

Results: The results showed that the quality of work life has a positive and significant relationship ($r=0.49$, $p=0.017$) with organizational commitment. The conclusion at a more detailed level indicated that quality of work life is related to emotional commitment ($r= 0.44$, $p=0.001$), normative commitment ($r= 0.40$, $p= 0.003$) and continuous commitment ($r= 0.33$, $p= 0.015$).

Conclusion: Since the higher quality of work life causes more commitment for employees, managers can improve the essential components of working life quality of midwives by adopting appropriate solutions, and provide the necessary conditions for improving the quality of service provision and productivity.

Keywords: Quality of work life, organizational commitment, Hospital, Health Care system



بررسی نقش سواد سلامت بر روی اثرات خدمات و اطلاعات سلامت آنلاین: مطالعه مروری

اکبر رسولی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

ak-rasouli@student.tums.ac.ir

فروغ سرایی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مقدمه: سازمان جهانی بهداشت، سواد سلامت را به عنوان یکی از بزرگترین تعیین کننده های امر سلامت معرفی نموده است که این موضوع، خود، نشان دهنده ی مهارت های شناختی و اجتماعی است. امروزه با افزایش خدمات سلامت آنلاین بر اساس اینترنت؛ شامل ارتباط الکترونیک بین بیمار و ارائه دهنده خدمات، اشخاص می توانند بدون مراجعه به پزشک و صرفه جویی در وقت و هزینه، اطلاعاتی درباره وضعیت بیماری، سلامتی و پیشگیری از بیماری ها دست یابند. لذا این مطالعه با هدف مروری بر نقش سواد سلامت بر روی اثرات خدمات سلامت آنلاین انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری بوده که با استفاده از کلید واژه هایی نظیر؛ سواد سلامت، فناوری اطلاعات و سلامت آنلاین در پایگاه های داخلی SID، Magiran، Google scholar و با کلید واژه ی Literacy health در پایگاه های خارجی Ebsco و Scopus در فاصله سال های ۲۰۱۲-۲۰۱۷ به جستجو پرداخته که در مجموع ۴۵ مقاله استخراج گردید. پس از حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط نهایتاً ۱۲ مقاله جهت نگارش این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: مطالعات زیادی درباره نقش سواد سلامت بر روی خدمات سلامت آنلاین که شامل: وب سایت و اپلیکیشن های مبتنی بر وب می باشد، انجام شده است. بسیاری از این خدمات و اطلاعات به بهبود کیفیت و وضعیت زندگی، افزایش پزشکی از راه دور، صرفه جویی در وقت و زمان، کاهش هزینه های درمانی، کاهش خطا های پزشکی و ایجاد ابزار مناسب برای مدیران شبکه های بهداشتی و درمانی اشاره داشته اند.

نتیجه گیری: سواد سلامت این امکان را به افراد می دهد تا با استفاده از فناوری هایی نظیر اینترنت و موبایل به درمان و مراقبت از خویش بپردازند. سواد سلامت پایین و ناکافی بر استفاده از اینترنت و خدمات سلامت آنلاین موثر است؛ در نتیجه باید تلاش شود که خدمات سلامت آنلاین به راحتی در دسترس افراد کم سواد قرار گرفته و به منظور ارتقا سلامت افراد، سواد سلامت از طریق برنامه های آموزشی توسعه یابد.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، فناوری اطلاعات، سلامت آنلاین



ارزیابی کیفیت برنامه های کارآموزی دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی

اکبر رسولی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

ak-rasouli@student.tums.ac.ir

شهرزاد اشجع اردلان؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مقدمه: رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی به عنوان یکی از رشته های کلیدی و مهم در حوزه بهداشت و درمان به شمار می رود. به همین دلیل دوره های کارآموزی بخش اساسی و مهم آموزشی در هر رشته از جمله مدیریت خدمات بهداشتی درمانی است. از آنجایی که برنامه های کارآموزی موجب رشد حرفه ای و کسب مهارت های مورد نیاز دانشجوی می شود، لذا این مطالعه با هدف ارزیابی کیفیت برنامه های کارآموزی دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی انجام گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری - نظام مند است که با استفاده از کلید واژه هایی نظیر ارزیابی کیفیت، کارآموزی، دانشجوی، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، در پایگاه های داخلی Google scholar, SID, Magiran و پایگاه خارجی pubmed به جستجو پرداخته که در مجموع ۴۰ مقاله استخراج گردید. پس از حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط نهایتاً ۱۰ مقاله از سال ۸۸ تاکنون جهت نگارش این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: پس از مرور مقالات نتایج نشان داد، در بخش ارزیابی برنامه های کارآموزی، بیشترین مشکل مربوط به آشنا نبودن پرسنل مراکز بهداشتی درمانی و بیمارستان ها با نیازهای آموزشی دانشجویان و عدم آشنایی پرسنل با رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی می باشد. همچنین میزان اثربخشی و کیفیت برنامه های کارآموزی که بر مبنای میزان آشنایی دانشجویان با هر کدام از موضوعات که در سرفصل شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی برای رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی است متوسط ارزیابی شد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل، گویای آن است که دانشجویان برای یادگیری مهارت های مورد نیاز در کارآموزی در عرصه با مشکلاتی مواجه هستند و خواستار ارتقای فرآیند آموزشی، آشنایی بیشتر پرسنل با این رشته و توجه به لزوم بازنگری دوره های کارآموزی به سمت برنامه های آموزشی مطلوب تری هستند.

واژگان کلیدی: ارزیابی کیفیت، کارآموزی، دانشجوی، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی



بررسی عوامل موثر بر توانمند سازی منابع انسانی

اکبر رسولی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

ak-rasouli@student.tums.ac.ir

شهرزاد اشجع اردلان؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مقدمه: منابع انسانی و یا نیروی انسانی ماهر و پر توان در هزاره سوم ارزشمندترین سرمایه و عامل پویایی سازمان ها به شمار می رود و به عنوان یکی از عوامل و نهادهای اصلی هرسازمان، نقش بسزایی در کیفیت و کمیت ستاده های آن سازمان دارد. سازمان ها برای ادامه حیات خود و رسیدن به ویژگی های خاص نظیر: انعطاف پذیری بالا و بهبود مستمر می بایست مهمترین ابزار رقابتی خود یعنی نیروی انسانی را توانمند سازند. توانمند سازی عبارت است از: فراهم نمودن آزادی و استقلال کاری بیشتر، مسئولیت پذیری برای تصمیم گیری در انجام کارها برای کارکنان سازمان. لذا هدف این مطالعه به بررسی عوامل موثر بر توانمند سازی منابع انسانی می پردازد.

روش کار : مطالعه حاضر یک پژوهش مروری به صورت نظام مند می باشد که با کلید واژه های فارسی توانمندسازی، سطوح توانمندسازی، منابع انسانی در پایگاه های داخلی Google scholar, Magiraan, SID و با کلید واژه های انگلیسی Human Resources, Empowerment levels, Employee Empowerment در پایگاه خارجی pubmed و با اعمال متغیر های ورود به مطالعه (روزآمدی، مقاله اصیل) تعداد ۳۵ مقاله مورد بررسی نهایی قرار گرفت.

یافته ها: در عوامل موثر بر توانمند سازی منابع انسانی سازمان ها، مدل های متنوعی مثل مدل راهبردی و مدل رابینز و رویکردهای متفاوتی مثل انگیزشی و ارتباطی وجود دارد. در بین پژوهش های صورت گرفته عوامل مدیریت مشارکتی، سبک مدیریت، تفویض اختیار، مشارکت در هدف گذاری کارکنان، الگو سازی، استقلال و ساختار سازمانی، پاداش مبتنی بر عملکرد، حمایت اجتماعی، تشکیل تیم و گروه، مهارت های تخصصی به کارکنان از بیشترین فراوانی برخوردار بودند.

نتیجه گیری: اجرای توانمند سازی و استمرار آموزش کارکنان، می توان به آسانی به اهداف سازمانی دست یافت و زمینه بقا و حیات سازمان را فراهم نمود. مدیران سازمانها می توانند با تفویض اختیار و قدرت بیشتر، ایجاد فرهنگ کارگروهی، استقلال و آزادی عمل به کارکنان و همچنین ایجاد زمینه مشارکت آن ها در تحقق اهداف سازمانی، شفاف سازی نقش و وظایف محوله بستر لازم را برای توانمند سازی در کارکنان ایجاد نمایند.

واژگان کلیدی : توانمند سازی، منابع انسانی، سطوح توانمند سازی



عوامل موثر بر خودپنداره سالمندان : یک مقاله مروری

پرنده پورقانع؛ استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

فاطمه منصوری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

مقدمه: یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی که در اثر سالمندی کاهش می‌یابد، خودپنداره است. خودپنداره، تصویر روانی هر فرد و شامل تمام ادراکات فرد (ظواهر، ارزش‌ها و عقاید) است که در نتیجه‌ی تجربیات فرد با محیط و رابطه‌ی وی با دیگران شکل می‌گیرد. حفظ و ارزیابی خودپنداره‌ی هر فرد یک فرآیند مداوم و بی‌پایان است. حوادث و موقعیت‌ها، ممکن است سطح خودپنداره را در طول زمان تغییر دهند. خودپنداره سالمندان نیز بر پایه تجربیات آنها در طی مراحل زندگی می‌باشد. این مطالعه با هدف واکاوی عوامل موثر بر خودپنداره و بحث پیرامون آن‌ها صورت گرفته است.

روش کار: این مطالعه، یک مقاله‌ی مروری از مقالات منتشرشده (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸) در زمینه‌ی خودپنداره در سالمندان است. با توجه به سوال پژوهش: "عوامل موثر بر خودپنداره‌ی سالمندان چیست؟"، جستجویی در پایگاه‌های معتبر ایران مدکس (iranmedex)، گوگل اسکولار (google scholar)، sid، pubmed، web of science، scopus جهت شناسایی مطالعات انجام شده در زمینه ارتباط خودپنداره با فاکتورهای دیگر، خودپنداره در بیماری‌های مختلف و راه‌های افزایش خودپنداره در سالمندان انجام شد. مطالعات، بررسی، و یافته‌های موردنظر، استخراج گردیدند.

نیافته‌ها: یافته‌ها، بیانگر بهبود خودپنداره در سالمندان، با عواملی نظیر: تناسب اندام و ظاهر فرد، ارتقاء کیفیت زندگی، آموزش گروهی و حمایت روانی در بیماران دیابتی، تمرینات هوازی با شدت کم و متوسط، خودکارآمدی و خودمدیریتی، تحصیلات بالا و متاهل بودن و محیط‌های مختلف اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: با توجه به این که افراد با خودپنداره پایین، احساس بی‌کفایتی و بی‌ارزشی نموده، خود را عضو موثر و مورد قبول جامعه نمی‌دانند و دارای منابع درونی برای تحمل یا کاهش استرس در زندگی روزمره نیستند، ضروری است، مراقبین با بررسی بیشتر، علل کاهش خودپنداره را بیابند و راهکارهای افزایش آن را متناسب با هر سالمند، با هدف ارتقای کیفیت سالمندان به کار گیرند.

واژگان کلیدی: خودپنداره، سالمند، تحقیق مروری، تصور از خود



بررسی تاثیر عادات و مداخلات بهداشتی در ارتقاء سلامت ، ناهنجاری و شاخص های دهان و دندان (مطالعه مروری)

نرگس عظیمی؛ کاردانی سلامت دهان و دندان، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

nargesazimi.18@gmail.com

حامد رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: یکی از نیازهای جامعه بشری ارتقاء سلامت است. مهمترین و نخستین گام جهت ارتقا سلامت و شاخص های دهان و دندان، شناسایی عوامل و عادات بهداشتی موثر در این زمینه میباشد. در مطالعه حاضر این شاخص ها و عادات صحیح و غلط بهداشتی و تاثیر مداخلات در این عوامل مورد بررسی قرار میگیرند.

روش کار: مطالعه حاضر با استفاده از مستندات به دست آمده از موتور جستجوی Google Scholar و پایگاه های اطلاعاتی موجود در سطح کشور MEDLIBE, SID, IRAN MEDEX و نیز بانک های اطلاعاتی لاتین Pubmed, Scopus گردآوری شده و داده ها مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در مجموع تعداد پانزده مقاله مرتبط با تاثیر عادات و مداخلات بهداشتی در ارتقاء سلامت، ناهنجاری و شاخص های دهان و دندان در حد فاصل سال های ۹۳-۱۳۷۹ مورد مطالعه قرار گرفت. تعداد کل نمونه مورد بررسی در کشور ایران ۳۱۲۸ نفر با میانگین ۲۰۹ نمونه در هر مطالعه بود. یافته ها حاکی از آن است که آموزش عملی و بیانی مسواک زدن، استفاده از مسواک با بریستل انحنادار، خمیر دندان های گیاهی، تحصیلات بالاتر والدین، منطقه سکونت شهری، خدمات واریش فلوراید، مداخلات آموزشی، بهبود نگرش نسبت به ارتقا سلامت، آموزش رفتار و مهارت های بهداشتی، بهبود شرایط روحی- روانی در کاهش شاخص های دهان و دندان موثر میباشد. در مقابل افزایش سن، مصرف دخانیات دندان فشار دادن دندان ها، مکیدن انگشت، معلولیت، تعداد افراد خانوار سبب افزایش ناهنجاریهای فکی و دهان و دندان شاخص های دهان و دندان میشود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع عادات غلط بهداشتی بنظر می رسد آگاهی دادن به والدین و تدوین برنامه های آموزش بهداشت درخصوص چگونگی ترک عادت، کاربرد فلوراید موضعی، آموزش عملی مسواک زدن، عدم مصرف دخانیات، استفاده از مسواکهای با لیاف انحنادار و اجرای برنامه های آموزشی ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: ارتقا سلامت، مداخلات بهداشتی، شاخص دهان و دندان



بررسی سطح ارتقا سلامت دهان و دندان با روش های پیشگیری از پوسیدگی دندان (مطالعه مروری)

نرگس عظیمی؛ کاردانی سلامت دهان و دندان، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

nargesazimi.18@gmail.com

حامد رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: بهداشت دهان و دندان یکی از مهم ترین شاخه های بهداشت عمومی به شمار می رود. سازمان بهداشت جهانی، بهداشت دهان را یک ضرورت در تمام عمر دانسته و می تواند تاثیر عمیقی بر کیفیت زندگی بگذارد. پوسیدگی دندان یکی از شایعترین بیماری های بشر می باشد که در تمامی گروه های سنی و جنسی جمعیت را تهدید می کند. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی سطح ارتقا سلامت دهان و دندان با روش های پیشگیری از پوسیدگی دندان در ایران انجام شد.

روش کار: مقالات با استفاده از کلید واژه معتبر و جستجو در موتور جستجوی Google Scholar و پایگاه های اطلاعاتی موجود در سطح کشور MEDLIBE, SID, IRAN MEDEX و نیز بانک های اطلاعاتی لاتین Scopus, Pubmed گردآوری شدند و داده ها مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در مجموع تعداد بیست و دو مقاله مرتبط با ارتقا سلامت دهان و دندان با روش های پیشگیری از پوسیدگی دندان در حداث سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ مورد مطالعه قرار گرفت. کل حجم نمونه مورد بررسی در ایران ۴۸۳۱ با میانگین ۲۲۰ نمونه در هر مطالعه بود. مداخلات دارای ویژگی های زیر با موفقیت بیشتری در افزایش عملکرد بهداشتی؛ کاهش معنادار پوسیدگی دندان همراه بودند. این ویژگی ها شامل: استمرار در مداخلات بهداشتی، همراهی والدین و مدرسه در پیشبرد خودمراقبتی، تغییر رفتار های غلط سلامت دهان، جلوگیری از چاقی و کمبود وزن، معاینات دوره ای، تغذیه با شیر مادر، استفاده از دهان شویه ها، خمیردندان و مسواک گیاهی، نمک فلورید، بهبود روش های آموزشی نوین و تئوری رفتار برنامه ریزی شده، همچنین به کارگیری خدمات پیشگیرانه بودند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعات نشان داد که استفاده از ابزار ها و روش های آموزشی نوین و اصلاح سبک غلط سلامت در زندگی با کمک معلمین بهداشتی تاثیر بسزایی در گسترش خودمراقبتی و کاهش میزان پوسیدگی دندان و ارتقا سلامت دهان دارد.

واژگان کلیدی: پوسیدگی دندان، پیشگیری، ارتقا سلامت



بررسی وضعیت پیشگیری از آسیب‌های سرسوزن و ابتلا به هپاتیت‌های ویروسی در شاغلین بخش بهداشت و درمان

نرگس عظیمی؛ کاردانی سلامت دهان و دندان، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

nargesazimi.18@gmail.com

حامد رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه‌ای، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: آسیب‌های ناشی از وسایل نوک تیز در علوم پزشکی مهم‌ترین و رایج‌ترین مشکل در مواجهه با عفونت‌های قابل انتقال از طریق خون در کارکنان بهداشتی و درمانی به خصوص پرستاران می‌باشد. بیماری‌های عفونی منتقله از راه خون مانند هپاتیت و ایدز از خطرات شغلی هستند که سلامت کارکنان بهداشتی - درمانی را تهدید می‌کنند. کارکنان بهداشتی درمانی در معرض کسب عفونت‌های هپاتیت‌های ویروسی از بیماران خویش هستند که واکسیناسیون از جمله مهم‌ترین روش‌های پیشگیری از عفونت هپاتیت محسوب می‌شود. از این رو به بررسی وضعیت پیشگیری از آسیب‌های سرسوزن و ابتلا به هپاتیت‌های ویروسی در شاغلین بخش بهداشت و درمان در این مطالعه پرداخته شد.

روش کار: این مطالعه بر اساس مستندات به دست آمده از بانک‌های اطلاعاتی استاندارد انجام شد و مطالعات از نوع توصیفی بصورت مقطعی و بر روی ۲۰۴۳ نفر از کارکنان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی با استفاده از پرسش‌نامه مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان داد که (۱۴۴ نفر) ۵۶٪ کارکنان واکسیناسیون هپاتیت B را به صورت کامل دریافت کرده بودند. ۴۰٪ از افراد مورد بررسی دچار آسیب ناشی از سرسوزن شده بودند. ۸۹۹ نفر (۴۴٪) تحت پوشش واکسیناسیون قرار نگرفته بودند و بیشترین حالتی که کارکنان دچار آسیب شده بود مربوط به خون‌گیری و تزریقات به علل مختلف از جمله عجله در کار و تراکم کاری بالا بود. مهم‌ترین عامل خطر آسیب ناشی از سرسوزن، کار کردن در شیفت شب به دلیل خستگی شغلی و گذاشتن درپوش سوزن بعد از تزریق بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل این مطالعه واکسیناسیون ضد هپاتیت ویروسی در کارکنان و دانشجویان بخش بهداشتی و درمانی تکمیل شود. همچنین آموزش در زمینه توجه به پیشگیری از آسیب‌های ناشی از سرسوزن توصیه می‌شود. کارکنان احتیاط استاندارد را بیشتر رعایت نمایند.

واژگان کلیدی: آسیب سرسوزن، واکسیناسیون، هپاتیت، پیشگیری



بررسی تاثیر مداخله آموزشی تئوری محور بر رفتار تغذیه ای سالمندان مبتلا به دیابت در مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بابل در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶

ندا احمدزاده توری؛ دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

neda.ahmadzade.tori@gmail.com

داود شجاهی زاده؛ استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
سید جلیل سیدی اندی؛ دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات عوامل موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

مقدمه: دیابت اختلال متابولیکی شایعی در سالمندان است که نمی توان از آن پیشگیری نمود، ولی میتوان با رعایت اصول تغذیه صحیح در تمام دوران زندگی، سلامت جسمی و روحی خود را برای سالمندی حفظ کرد. آموزش تغذیه بالینی جزء کلیدی کنترل بیماری فرد مبتلا است. این مطالعه باهدف ارزیابی تاثیر آموزش بر آگاهی تغذیه ای سالمندان مبتلا به دیابت در شهر بابل انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر مطالعه ای مداخله ای بود تعداد افراد شرکت کننده در مطالعه ۲۰۰ نفری باشد که به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه مداخله و شاهد (هر کدام ۱۰۰ نفر) قرار می گیرند. ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه ای در دو بخش شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سنجش آگاهی، نگرش، عملکرد در مورد رفتارهای تغذیه ای بود اطلاعات بصورت پیش آزمون و پس آزمون با فاصله ۳ ماه پس از مداخله جمع آوری شد. مداخله بصورت چهار جلسه آموزشی به مدت یک ماه در نظر گرفته شد. برای تحلیل داده ها از شاخص های توصیفی و نیز برای بررسی ارتباط متغیرها از آزمونهای آماری کای دو، آزمون تی، تحلیل واریانس یکطرفه و همبستگی استفاده شد.

یافته ها: داده ها نشان داد تفاوت معنا داری بین گروه مداخله و شاهد قبل از انجام مداخله آموزشی از نظر میانگین میزان آگاهی، نگرش و عمل وجود ندارد و در گروه مداخله نتایج، اختلاف معناداری بعد از برنامه آموزشی نشان دادند ($p < 0/05$) ولی در گروه شاهد این متغیرها پس از گذشت ۳ ماه تفاوت معناداری نداشتند ($p > 0/05$).

نتیجه گیری: آموزش تغذیه همراه ارتقا با KAP بیماران موجب کاهش معنی دار قند خون ناشتا، درصد HbA1c شد و نتایج بررسی حاضر نشان داد که افراد آموزش دیده دارای آگاهی، نگرش و عملکرد بهتری نسبت به بیماری دیابت هستند.

واژگان کلیدی: دیابت نوع دو، آگاهی، سالمندان، نگرش



بررسی تاثیر سنجش الکترونیکی دانش آموزان ابتدایی بر میزان اضطراب امتحان در سال ۱۳۹۶

شکوفه خدابخشی؛ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

حسن رحیمی؛ کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه

حامد رحیمی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

rahimi.sky72@gmail.com

مقدمه: تحقیقات نظام دار در زمینه ی اضطراب امتحان به منزله یک پدیده ی مهم شناختی، هیجانی است. می توان گفت در میان مسائل و مشکلات دانش آموزان، اضطراب امتحان یکی از عوامل اصلی کاهش عملکرد تحصیلی و سلامت دانش آموزان و به هدر رفتن سرمایه های آموزشی جامعه می باشد، که برای دست یابی دانش آموزان به عملکرد بهتر و مثبت برای امتحانات باید شیوه هایی در قلمرو درمان اضطراب به کار برد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر سنجش الکترونیکی دانش آموزان ابتدایی بر میزان اضطراب امتحان در دانش آموزان ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۶ صورت گرفته است.

روش کار: روش پژوهش آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بوده است. نمونه ی مورد مطالعه در این پژوهش ۵۰ نفر از افراد جامعه بود که با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شد. ابزارهای پژوهش حاضر شامل استفاده از آزمون های الکترونیکی محقق ساخته مورد استفاده در ارزشیابی دروس و پرسشنامه ی اضطراب امتحان می باشد. پس از جمع آوری داده ها، در سطح تجزیه و تحلیل داده های توصیفی، محاسبه شاخصهای مرکزی و پراکندگی صورت گرفته است و در سطح تجزیه و تحلیل داده های استنباطی، برای آزمون فرضیه از تحلیل کوواریانس استفاده گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که استفاده از آزمون های الکترونیکی بر اضطراب امتحان دانش آموزان تأثیر معنی داری داشته است. چرا که سطح معنی داری مقدار F بدست آمده کمتر از $0/05$ است. بنابراین تفاوت میانگین نمرات اضطراب امتحان در گروه کنترل و آزمایش معنی دار بوده و می توان گفت استفاده از آزمون های الکترونیکی کارگاہی، در کاهش میزان اضطراب امتحان دانش آموزان تاثیر دارد.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از آزمون های الکترونیکی کارگاہی در کاهش میزان اضطراب امتحان دانش آموزان تاثیر داشته است. همچنین ارزشیابی به روش آنلاین مزایای متعددی را نسبت به روش مداد- کاغذی و درون-کلاسی دارد. روش آنلاین هزینه کمتری برای مدیریت دارد، زمان کمتری از کلاس می گیرد، اجازه می دهد فرایند جمع آوری داده ها به سرعت انجام شود.

واژگان کلیدی: آزمون، آزمون الکترونیکی، اضطراب امتحان



تأثیر رهبری تحول آفرین بر موفقیت استقرار شش سیگما : مطالعه موردی در دانشگاه علوم پزشکی بم

کاظم نجفی؛ مربی عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری و مامایی بم، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران
najafikazem67@yahoo.com

مرضیه بیگلری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی بم، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

زهرا سلاجقه؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی بم، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

محمد جواد اکبریان بافقی؛ استادیار عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

مقدمه: دانشگاه علوم پزشکی به عنوان پدیده‌های اجتماعی از مهمترین اجزاء نهاد آموزشی کشور تلقی می شود و از آنجایی که شیوه های نوین رهبری موفقیت هر مدیر را در گرو هدایت نیروی انسانی می داند لذا در تحقیق حاضر تاثیر رهبری تحول آفرین بر موفقیت استقرار شش سیگما در دانشگاه علوم پزشکی بم مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار: در این پژوهش توصیفی مقطعی جامعه پژوهش شامل کارکنان حوزه صف و ستادی بودند و نمونه گیری به صورت در دسترس انجام شد ابزار جمع آوری اطلاعات، دو پرسشنامه سبک رهبری تحول آفرین و پرسشنامه اصول اجرایی شش سیگما بود. روایی پرسشنامه با استفاده از روش صوری و برای برآورد پایایی از روش الفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن بترتیب 0/892 و 0/966 بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی استفاده گردید.

یافته ها: در تحقیق حاضر که شامل یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی بود نتیجه آزمون کولموگراف اسمیرنوف دال بر توزیع نرمال داده ها و با توجه به نتایج بدست آمده که سطح معناداری آزمون رگرسیون کوچکتر از حداقل سطح معناداری است تمام ($p < 0/05$) فرضیه های تحقیق مورد تأیید می باشد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده این است که بین تمام عوامل رهبری تحول آفرین با تمرکز واقعی بر مراجعین و ارباب رجوع، مدیریت مبتنی بر حقایق، مشارکت بدون حد و مرز، تمرکز بر فرایندها و مدیریت ریسک رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد که این امر بیانگر آن است که رهبری تحول آفرین بر موفقیت استقرار شش سیگما در دانشگاه علوم پزشکی بم تاثیر گذار است.

واژگان کلیدی: رهبری تحول آفرین، شش سیگما، علوم پزشکی بم



بررسی تاثیر مداخله آموزشی در مورد آلودگی هوا بر افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان پایه اول راهنمایی منطقه ۶ تهران با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی

ندا احمدزاده توری؛ دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

الهه سمایی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

داود شجاعی زاده؛ استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زهرا ابوسعیدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی تهران

z_12500@yahoo.com

مقدمه : دوره راهنمایی مرحله مهمی برای یادگیری است زیرا از طرفی دوره کودکی پشت سر گذاشته شده است از طرف دیگر شخص آماده پذیرش حقایق زندگی است. از آنجاییکه رشته آموزش بهداشت در ایران کمتر به موضوع آلودگی هوا پرداخته و یکی از جنبه های سلامت انسان به محیط زندگی او بر می گردد در این تحقیق تلاش شده تاثیر آموزش در مورد آلودگی هوا در دانش آموزان پایه اول راهنمایی ارزیابی شود.

روش کار : این نوع مطالعه قبل و بعد شاهد دار بود. افراد شرکت کننده شامل ۱۸۴ نفر گروه مورد (۸۲ پسر و ۱۰۲ دختر) و ۱۶۹ نفر گروه شاهد (۸۲ پسر و ۸۷ دختر) می شدند. روش کار به این صورت بود که پرسشنامه محقق ساخت بر اساس مدل بین دانش آموزان توزیع گردید. سپس در چهارجلسه آموزشی همراه با توزیع پمفلت برای گروه مورد برگزار شد. سه ماه بعد مجدداً پرسشنامه توسط دانش آموزان تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. آزمونهای مورد استفاده شامل: تی زوجی، تی مستقل، کای اسکوئر و همبستگی پیرسون بود.

یافته ها: سطح آگاهی و نگرش دختران در مقایسه با نمرات قبل و بعد افزایش معناداری پیدا کرده بود آگاهی دختران ($p\_value=0.0001$) و نگرش ($p\_value<0.0001$) افزایش نمرات آگاهی و نگرش پسران معنادار نبود نمرات عملکرد تمام گروه ها افزایش معناداری نداشت

نتیجه گیری: به نظر می رسد مداخله آموزشی در مورد آلودگی هوا در دختران تاثیرگذارتر بود. با بهبود سطح آموزش یا افزایش حجم نمونه در پسران شاید نتایج متفاوتی حاصل می شد.

واژگان کلیدی : آگاهی، نگرش، عملکرد، آلودگی هوا، مدل اعتقاد بهداشتی



تأثیر موسیقی درمانی بر حافظه سالمندان مبتلا به آلزایمر: یک مطالعه مروری

لیدا حسن زاده؛ دانشجوی گفتاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
l.hasanzadeh1374@gmail.com

مقدمه: امروزه به دلیل افزایش نسبی جمعیت سالمندان، مشکلات پیرامون سلامت آنها حائز اهمیت است. آلزایمر یکی از شایع ترین اختلالات شناختی پیشرونده در افراد سالمند است که در حال حاضر یکی از مشکلات بزرگ بهداشتی در جهان است. از مشخصه های اصلی این بیماری کاهش حافظه می باشد که به دنبال آن سایر جنبه های شناختی از جمله قدرت تفکر، یادآوری، قدرت تجزیه و تحلیل و تمرکز آسیب می بیند و زندگی روزانه ی این افراد را به شدت مختل میکند. در این مطالعه مروری قصد داریم به بررسی نقش موسیقی درمانی در بهبود عملکرد حافظه ی سالمندان مبتلا به آلزایمر در حیطه های مختلف شناختی بپردازیم.

روش کار: از کلیدواژه های "موسیقی درمانی"، "آلزایمر"، "حافظه"، "سالمندان" برای جستجو در منابع الکترونیکی SID ، PubMed، Google scholar، IranDoc، Noormags، بین سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۸ استفاده شد. تعداد ۳۱۸ مقاله حاصل جستجوی فوق بود، که بعد از مطالعه عنوان و خلاصه مقاله ها از ۳۰ مطالعه برای نگارش این مقاله استفاده شده است.

یافته ها: روش های متنوعی برای بهبود عملکرد حافظه در افراد سالمند مبتلا به آلزایمر از طریق موسیقی وجود دارد از جمله ارائه اشعار ناآشنا بصورت دو بعدی (محرک های بصری همراه با یک ضبط صوتی)، گوش دادن آهنگ های آشنا، تمرین های آوازی، حرکات ریتمیک (گروه های آوازی)، خواندن داستان، پخش صدای ضبط شده، تشخیص صدا در محیط، آواز خواندن، آموزش عناصر موسیقی فعال و گیرنده، پخش موسیقی مورد علاقه و خاطره انگیز که توسط افراد خانواده انتخاب شده، آموزش آواز موسیقی زنده، آموزش نواختن سازهای موسیقی، همخوانی گروهی. بهبود عملکرد حافظه تکنیک های اصلاح رفتار طبیعی را شامل می شود که آموزش آن به سالمندان می تواند منجر به بهبود عملکرد حافظه و مهارت های شناختی دیگر شود.

نتیجه گیری: موسیقی درمانی یک مداخله ی بی خطر، کم هزینه و مفید است. با توجه به نتایج ذکر شده از اثر بخشی این تکنیک درمانی، می توان از آن در کمک رسانی به بهبود عملکرد حافظه سالمندان مبتلا به آلزایمر بهره برد.

واژگان کلیدی: موسیقی درمانی، آلزایمر، حافظه، سالمندان



A new strategy for improving medical ethics among students

Lida hasanzadeh; Student research committee, Shiraz university of medical sciences, Shiraz, Iran l.hasanzadeh1374@gmail.com

Seyed Ali Hossein Zahraei; Student research committee, Shiraz university of medical sciences, Shiraz, Iran

Introduction: By increasing the patients knowledge and also increasing their expects from medical services attention of a medical student to obey and point to medical ethics should be improve. Many ethical methods obtained in order to make a good ethical view for future general practitioners from currently medical students.

Methods: Two groups of medical student rotations that passed medical ethics course follows just after course exam that first group is not obligate to say and pay attention to ethics of a patient in presenting their history but another group must tell about ethical manners of a patient and ask patients about ethical rules they should received and the attending want these ethical point of views in their history note near physical exams and systematic review. Then the results analyze to prove if continue and force to think about a patient's ethical needs the medical students voluntarily obey the ethical rules in future.

Results: As it proved that when something wanted obligatory from a student and he tried and paid attention continually it will get popular to do it in future also if it doesn't need to interact for example when an attend wants his student to check heart rate and want them to argue about it in their histories if the students go to a ward that doesn't need heart exam they check heart rate voluntary too.

Conclusion: We can make such methods for ethical view to be done near medical exams and histories too.

Key words: learning improvement, public heaith, learning method



مقایسه سطح سواد سلامت دانشجویان رشته پرستاری و رشته های غیر پزشکی دانشگاه شاهد در سال ۱۳۹۷

صابره ارسلانی؛ دانشجو کارشناسی اتاق عمل دانشگاه شاهد

مهديه خرمي؛ دانشجو کارشناسی اتاق عمل دانشگاه شاهد

معصومه حیدری؛ عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

مقدمه: سواد سلامت عبارت است از توانایی افراد در به دست آوردن، تحلیل کردن، و فهمیدن اطلاعات و خدمات اولیه بهداشتی که به آن نیاز دارند تا بتوانند در مورد مسائل مربوط به سلامتی خود مشارکت داشته و تصمیمهای درستی را اتخاذ کنند. با توجه به اهمیت این موضوع در دانشجویان، هدف از انجام این مطالعه ی مقطعی مقایسه سطح سواد سلامت دانشجویان رشته پرستاری و رشته های غیر پزشکی دانشگاه شاهد در سال ۱۳۹۷ بوده است.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی و به روش پیمایشی (مقطعی) است. تعداد نمونه مورد مطالعه ۲۸۲ نفر از دانشجویان دانشگاه شاهد است که شامل ۱۵۰ دانشجوی پرستاری (۵۳ / ۱۹) و ۱۳۲ دانشجوی غیر پزشکی (۴۶/۸۰) است. نمونه گیری به شیوه ی در دسترس در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه سواد سلامت که توسط منتظری و همکاران (HELIA) تنظیم شده، استفاده گردید. اطلاعات پرسشنامه پس از جمع آوری و کد گذاری وارد نرم افزار آماری SPSS شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان پرستاری (۶۸ / ۱ ± ۸۴ / ۲۰) سال و میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان غیر پزشکی (۶۲ / ۳ ± ۲۲ / ۸) سال بود که میزان سطح سواد سلامت در ۵ حوزه خواندن، دسترسی، فهم و درک، ارزیابی، تصمیم گیری و رفتار هم چنین نمره کل سواد سلامت دانشجویان پرستاری از دانشجویان غیر پزشکی بیشتر بود. براساس اطلاعات حاصل از داده ها میانگین و انحراف معیار سطح سواد سلامت دانشجویان پرستاری (۹۰ / ۱۰ ± ۴۸ / ۷۱) و میانگین و انحراف معیار سطح سواد سلامت دانشجویان غیر پزشکی (۷۰ / ۱۳ ± ۲۷ / ۶۳) بود و آزمون آماری تی مستقل اختلاف معنی داری ($p < 0/05$) بین میانگین سطح سواد سلامت دانشجویان پرستاری و غیر پزشکی نشان داد. نتیجه گیری: براساس نتایج حاصل از داده ها دانشجویان غیر پزشکی از سطح سواد سلامت پایین تری برخوردارند و این امر لزوم توجه به بالا بردن سطح سواد سلامت این گروه را تاکید می نماید.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، دانشجویان پرستاری، دانشجویان غیر پزشکی



بررسی میانگین زمان انتظار ویزیت متخصص طب اورژانس در بخش اورژانس: یک مطالعه موردی

مرضیه نجفی؛ دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران، مرکز تحقیقات بالینی بیمارستان باهنر، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران

marziyenajafi@yahoo.com

محسن سیدمحمودی؛ دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

رویا رجایی؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

علی قربانی؛ کارشناس ارشد آموزش پزشکی، بیمارستان باهنر، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران

ابوالفضل علیاری؛ دانشجوی دکتری مدیریت بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از ابعاد کیفیت مراقبت‌های سلامت به هنگام بودن مراقبت‌ها و ارائه مراقبت بدون تاخیر، به موقع و بدون زمان انتظار طولانی به بیمار می‌باشد. هدف این مطالعه بررسی میانگین زمان انتظار ویزیت متخصص طب اورژانس در بخش اورژانس بود.

روش کار: پژوهش حاضر، پژوهشی مقطعی و از نوع کاربردی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه را بیماران مراجعه کننده به بخش اورژانس یک بیمارستان عمومی در شهر تهران تشکیل دادند. نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، تعداد ۱۱۴ نفر محاسبه شد. مطالعه با بررسی پرونده بیماران با استفاده از چک لیست محقق ساخته انجام شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های توصیفی و شاخص‌های مرکزی از قبیل میانگین برای توصیف متغیرهای پژوهش به وسیله نرم افزار SPSS 18 تحلیل شد.

یافته‌ها: در پژوهش حاضر میانگین زمان انتظار بیماران مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان ۲۵/۷۳ دقیقه بود. بیشترین میانگین زمان انتظار ویزیت متخصص طب اورژانس (۵۰/۷۱ دقیقه) مربوط به سطح تریاژ ۵ و کترین میانگین زمان انتظار مربوط به سطح تریاژ ۱ با میانگین (۱۲/۸۰ دقیقه) بوده است.

نتیجه گیری: لازم است شاخص‌های استاندارد ملی برای میانگین زمان ویزیت متخصص طب اورژانس جهت تعیین تکلیف بیماران و شروع درمان، تدوین و به صورت مستمر ارزیابی گردد.

واژگان کلیدی: زمان انتظار، متخصص طب اورژانس، بخش اورژانس



استراتژی های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

روشنک محفوظی؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، ایران

مقدمه: جنبش جهانی ارتقای سلامت به دنبال نگرانی ناشی از افزایش رشد هزینه‌های مراقبت بهداشتی، مورد توجه قرار گرفت. در این پژوهش بر نقش آموزش بهداشت و انجام زیرساخت توسط دولت با صرف هزینه و مخارج در بخش آموزش و بهداشت به عنوان یک استراتژی کلیدی برای بهبود وضعیت سلامت با رویکردی جامع و در تمامی ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند.

روش کار: در این پژوهش با استفاده از نرم افزار ایویوز و تجزیه تحلیل روش حداقل مربعات معمولی به بررسی رابطه استراتژی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت پرداخته شد. نرخ مرگ و میر در ایران به عنوان نماینده‌ای برای ارتقای سلامت و میزان آموزش، نرخ باسوادی و همچنین مخارج دولت در بخش بهداشت به عنوان نماینده استراتژی آموزش بهداشت در نظر گرفته شد. **یافته ها:** یافته های پژوهش نشان داد که افزایش آموزش و نرخ باسوادی فرد باعث کاهش نرخ مرگ و میر شده است. از طرف دیگر افزایش مخارج دولت در بخش آموزش و بهداشت باعث کاهش نرخ مرگ و میر شده است.

نتیجه گیری: توسعه مهارت‌های فردی که تمامی این اقدامها نیازمند توسعه آموزش سلامت به دست اندرکاران، سیاستگذاران و مردم است و برای توسعه چنین آموزش سلامتی، وجود ساختاری علمی و کاربردی در بخش سلامت کشور، ضرورت است. با توجه به این رویکرد مهم بخش سلامت کشور نیز باید دارای پشتوانه قوی و ساختاری مبتنی بر برنامه ریزی برای ارتقای سطح سلامت باشد. در زمینه ایجاد زیرساخت دولت با صرف هزینه برای آموزش و بهداشت توانسته باعث ارتقای سلامت و کاهش مرگ و میر شود. نتایج پژوهش نیز این حقیقت را تایید میکند که با افزایش مخارج دولت در زمینه آموزش و آگاهی افراد و همچنین مخارجی که در زمینه بهداشت انجام شده است، مرگ و میر کاهش یافته است. به ازای یک درصد افزایش باسوادی و سواد سلامت در واقع میزان مرگ و میر ۳۳ درصد کاهش یافته است همچنین به ازای افزایش یک درصدی درمخارج دولت در زمینه بهداشت و آموزش مرگ و میر ۳۳ درصد کاهش می یابد.

واژگان کلیدی: استراتژی آموزش بهداشت، ارتقای سلامت و توانمند سازی



بررسی سلامت روانی دانش آموزان ایرانی: سرشماری منطقه ای دانش آموزان دبیرستانی

پوریا داودی؛ دانشجوی کارشناسی زیست فناوری، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام
(ره) تهران

Poorya.davoodi20@gmail.com

میثم اخلاق دوست؛ مرکز تحقیقات تکنیک های مؤثر تهاجمی در زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد
اسلامی تهران

آتوسا هاشمی؛ دانشجوی کارشناسی زیست فناوری، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار
امام (ره) تهران

مقدمه: سلامت روان یکی از مشکلات مهم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است که بر تمام جنبه های زندگی تأثیر می گذارد. از عوامل مؤثر بر سلامت روان می تواند مشکلات اقتصادی و مهاجرتی مطرح شود. در سراسر جهان ۱۰ - ۲۰٪ کودکان و نوجوانان دچار اختلالات روانی هستند. نیمی از تمام بیماری های روانی از سن ۱۴ سالگی و تا سه ماهه دوم تا اواسط دهه ۲۰ شروع می شود. مطالعات متعدد نشان می دهد که سلامت روان بر وضعیت تحصیلی افراد تأثیر می گذارد. هدف از این مطالعه تعیین سلامت روان دانش آموزان دبیرستان بود.

روش کار: این مطالعه مقطعی در اردیبهشت ماه سال ۹۶ در بین تمام دانش آموزان چهار دبیرستان (دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه) در تهران انجام شد. روش نمونه گیری به روش سرشماری بود. در این مطالعه، یک نسخه معتبر فارسی از پرسشنامه GHQ-۲۸ مورد استفاده قرار گرفت و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: این مطالعه بر روی ۱۳۸۷ دانش آموز دبیرستانی انجام شد که ۴۸۴ پسر (۳۴٫۹٪) و ۹۰۳ دختر (۶۵٫۱٪) ثبت نام کردند. نمره سلامت عمومی در دختران بالاتر از پسران بود ($p < 0/001$) همبستگی بین سن و نمره سلامت عمومی معنی دار بود ($r = 0.05, p = 0.03$). در مقایسه مقیاس افسردگی، بالاترین نمره از کلاس هشتم بدست آمد ($p = 0.24$) با این حال، نمرات بدست آمده از مقیاس های اضطراب ($p = 0.13$) و مقیاس عملکرد اجتماعی ($p = 0.24$) بین نمرات تحصیلی تفاوت معناداری وجود نداشت. همچنین ۱٫۴٪ از دانشجویان مشکلات جسمی دشوار داشتند و ۱۳۳ نفر از دانش آموزان علائم افسردگی را نشان دادند. نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه، بررسی سلامت روانی دانش آموزان با برنامه ریزی دقیق بسیار هائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: سلامت عمومی، سلامت دانش آموزان، موفقیت تحصیلی



Motivators and Barriers to seasonal influenza vaccination uptake among healthcare workers

Poorya Davoodi; Young Researchers and Elite Club, Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran poorya.davoodi20@gmail.com

Meisam Akhlaghdoust; Minimally Invasive Techniques Research Center in women, Tehran Medical Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Atoosa Hashemi; Young Researchers and Elite Club, Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Introduction: Influenza is a major problem for every healthcare in the works life. The use of influenza vaccine in healthcare staff was suggested, but the studies have shown that frequency of vaccination is low in healthcare staff. The aim of this study were to determine barriers and motivators factors effecting influenza vaccination uptake among healthcare workers.

Methods: This cross sectional study was performed in December 2016 on 200 healthcare staff at Amir-al-Momenin hospital affiliated to Tehran Medical Sciences Branch, Islamic Azad University. All participation was between 20 and 40 years old. The data were collected by two questionnaires. For analysis data used by SPSS software version 23.

Results: The participant of this study was 103 (51.5%) male and 97 (48.5%) female. Distrust available vaccines (69%), fear of side effects (65%), lack of enough information in vaccination-time (59%) and lack of enough time for receiving the vaccine (56%) were the most important preventive causes in application of the vaccine. Barriers and motivators factors effecting influenza vaccination uptake among healthcare workers in the different wards was significant ($P < 0.03$) and healthcare staff of the infectious ward have a good motivation and have low barriers factors ($P < 0.04$). There was no significant between male and female answers ($P < 0.59$) and no significant between history of vaccination uptake ($P < 0.7$).

Conclusion: This study showed that vaccine with valid brand, distribution of vaccine in proper time and season and presentation of free vaccine to personnel are effective motivating items in vaccination uptake.

Keywords: Influenza, Vaccination, Barriers, Motivators, Healthcare workers



Study on prevalence and causes of smoking among students of shahid sadoughi University of Medical Sciences

Sajjad Rahimi Pordanjani; Ph.D Student of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Behnaz Rahimi Pordanjani; BSc of Public Health, School of Health, Shahrkord University of Medical Sciences, Shahrkord, Iran

Introduction: Knowing the cause of smoking, as one of the most important and the most preventable cause of disease and early mortality, is the most important step in controlling the use of it. This study was conducted to determine the frequency and causes of smoking among students of Yazd University of Medical Sciences.

Methods: In this descriptive analytic(cross-sectional) study, 250 students of Yazd University of Medical Sciences selected using systematic random sampling were studied. Data were collected through valid questionnaire and were analyzed using SPSS software (version 16) at a significance level of $p=0.05$ by chi-square and logistic regression statistics tests.

Results: In this study, the prevalence of smoking and consumption of narcotics were 19.2% and 69.2% respectively. The most important factor for smoking was unemployment (31.25%). The main motivation for smoking was entertainment (31.25%). Statistically significant relationships were found between smoking and gender, marital status, ethnicity, place of residence and drug consumption of parents

Conclusion: According to the causes and relatively high prevalence of smoking among medical sciences students as messengers of health, providing the amenities, holding life skills workshops and consultation seems to be necessary to prevent this scourge.

Keywords: Smoking, prevalence, Student



پیشگویی کننده های کیفیت زندگی در رابطین سلامت مراکز بهداشتی درمانی جنوب تهران

رویا صادقی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
sadeghir@tums.ac.ir

بیرام بی بی بیات؛ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

بهرام محبی؛ استادیار، مرکز آموزشی، تحقیقاتی و درمانی قلب و عروق شهید رجایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
آذر طل؛ دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

میر سعید یکانی نژاد؛ استادیار، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: کیفیت زندگی به عنوان شاخصی تاثیرگذار در سلامت عمومی و همچنین بهداشت روان در نظر گرفته می شود. با افزایش طول عمر افراد، اهمیت رفتارهای ارتقاء دهنده ی سلامت با در نظر گرفتن حفظ عملکرد افراد و بالا رفتن کیفیت زندگی آنان، به طور مستمر بیشتر نمایان می گردد. هدف از این مطالعه تعیین پیشگویی کننده های کیفیت زندگی در رابطین سلامت مراکز بهداشتی درمانی جنوب تهران بود.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی-تحلیلی بر روی ۲۰۰ نفر از رابطین سلامت مراکز بهداشتی درمانی جنوب تهران که به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند، انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه های روا و پایای رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت HPLPII و کیفیت زندگی (SH-36) و سازه های مدل بزنف به انضمام متغیرهای جمعیت شناختی بود. روایی و پایایی پرسشنامه سازه های مدل بزنف مورد سنجش قرار گرفت (۸۸٪ α) تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی و رگرسیون خطی چندگانه در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام گرفت.
یافته ها: تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیر سن ($P=0.003$)، عوامل قادر کننده ($P=0.02$) و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت کلی ($P<0.001$) قوی ترین عوامل پیشگویی کننده ها برای کیفیت زندگی بودند.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر کارایی مدل بزنف در پیشگویی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت جهت داشتن کیفیت زندگی را تایید نمود. به کارگیری این مدل می تواند منجر به شناسایی عوامل تاثیر گذار بر کیفیت زندگی رابطین سلامت گردیده و در تدوین برنامه آموزشی مناسب موثر گردد.

واژگان کلیدی: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، کیفیت زندگی، رابطین سلامت، مدل بزنف



بررسی رابطه‌ی بین عوامل استرس زای دانشجویی و تعلل ورزشی در دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی تهران

بیرام بی بی بیات؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

bayatbeyrambibi@yahoo.com

حمید صالحی نیا؛ دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: استرس امری اجتناب‌ناپذیر در زندگی روزمره افراد می‌باشد که بر سلامت جسمی و روانی افراد، تاثیر زیادی می‌گذارد. یادگیری تجربه‌ای می‌باشد، که در فراگیر استرس ایجاد می‌کند و از طرفی تعلل ورزشی در موقعیت تحصیلی یک پدیده‌ی بسیار رایجی می‌باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه‌ی بین عوامل استرس زای دانشجویی و تعلل ورزشی در دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی - تحلیلی بر روی ۲۶۷ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند، انجام گرفت. جمع‌آوری داده با استفاده از پرسشنامه‌های استرس دوران دانشجویی (SLSI) گادزلا ۵۱ سوالی و مقیاس ارزیابی تعلل ورزشی- نسخه دانشجویان شوارز و دیهل ۱۰ سوالی انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ انجام گرفت. **یافته‌ها:** میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۵۶ / ۳ ± ۳۹ / ۲۳ بود. از نظر جنسیت ۳۹ / ۷ درصد افراد مورد مطالعه پسر و مابقی دختر بودند. بر اساس آزمون ضریب همبستگی به دست آمده بین عوامل استرس زای دانشجویی و تعلل ورزشی همبستگی مثبت ضعیفی مشاهده گردید ($p < 0/001, r = 0/30$) و همچنین بین معدل با تعلل ورزشی همبستگی منفی و بسیار ضعیفی مشاهده شد ($p = 0/028, r = -0/13$)

نتیجه‌گیری: دانشجویانی که تحت تاثیر عوامل استرس زای بالایی قرار دارند، تعلل ورزشی بیشتری دارند. بنابراین می‌توان با کنترل و شناسایی عوامل استرس زای دانشجویی، تعلل ورزشی را در بین دانشجویان کاهش داد.

واژگان کلیدی: استرس، تعلل ورزشی، دانشجویان، علوم پزشکی



بررسی وضعیت ثبت اطلاعات در پرونده های آموزشی مرکز طبی کودکان در سال های تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵

فاطمه شهبازی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مریم سعیدی؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
پرستو رستمی؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
بهناز بازرگانی؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
پریسا رحمانی؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
عالیه صفری؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
ستاره ثاقب؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
فرزاد کمپانی؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
فاطمه سیاری فر؛ دپارتمان اورژانس، مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مقدمه: ثبت اطلاعات پزشکی در پرونده های بیمارستانی در حقیقت مستندسازی فعالیت های انجام شده توسط تیم پزشکی و منعکس کننده فعالیت های پزشکان، پرستاران و سایر دست اندرکاران تیم پزشکی است. لذا این پژوهش با هدف تعیین میزان رعایت استانداردهای مستندسازی پرونده های بالینی مرکز طبی کودکان طی سال های تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵ در چهار دوره شش ماهه و بررسی نقش افزایش تجربه ی رزیدنت ها در تکمیل پرونده های پزشکی طراحی - شده تا با بررسی میزان نقص پرونده ها بتوان به مشکلات موجود پی برد و جهت رفع آنها اقدام نمود.

روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی، اطلاعات ۸۲۰ پرونده آموزشی استخراج و در چک لیست چک لیست تحقیق شامل ۲۰ سوال در خصوص ثبت و عدم ثبت دستور بستری و ترخیص، ثبت تشخیص افتراقی و احتمالی، ثبت اقدامات درمانی و ... بود. در نهایت داده های مطالعه با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بررسی ۸۲۰ پرونده بیمارستانی نشان داد که با افزایش تجربه رزیدنت هایی که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵ دوره تخصصی خود را در مرکز طبی کودکان گذرانده بودند نگارش پرونده ها در ۶ ماهه دوم سال تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵ فاکتور و در ۶ ماهه دوم سال تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵ فاکتور بهبود یافته بود.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان داد که علیرغم بهبود روند پرونده نویسی با افزایش تجربه رزیدنت ها، پرونده های بیمارستانی در ثبت اطلاعات دارای نواقص جدی میباشند که این امر منجر به از دست دادن اطلاعات بیماران می گردد که این نواقص بنا به دلایل مختلفی از قبیل شلوغی و ازدحام زیاد بیماران، عدم احساس مسئولیت توسط دانشجویان و کارورزان، کم اهمیت تلقی کردن تکمیل مدارک پزشکی توسط مستند سازان و از همه مهم تر عدم آموزش کافی کارکنان روی می دهد.

واژگان کلیدی: پرونده های بیمارستانی، ثبت اطلاعات، مرکز طبی کودکان.



بررسی فراوانی مخاطرات بیمارستانی در یکی از بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۱۳۹۶

مرضیه نجفی؛ دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران، مرکز تحقیقات بالینی بیمارستان باهنر، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران
marziyenajafi@yahoo.com

ماندانا ابراهیمی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی پر تو پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران
علی قربانی؛ کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، بیمارستان باهنر، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران

مقدمه: امروزه مخاطرات بیمارستانی از اهمیت زیادی برخوردار شده است زیرا این مخاطرات می توانند موجب آسیب بیمار، کارکنان شود و بیمارستان را از انجام رسالت خود که درمان بیمار و کاهش رنج اوست بازدارد. همچنین خسارات جسمی، روحی و مالی زیادی به سیستم جامعه تحمیل نمایند. لذا، هدف از مطالعه حاضر ارائه آمار صحیحی از موارد مواجهه با خطر در بیمارستان تا مبنایی جهت برنامه ریزی و الویت بندی به مدیران بیمارستان ارائه شود.

روش کار: مطالعه کمی از نوع توصیفی تحلیلی می باشد. جامعه پژوهش شامل خطاهای گزارش شده در تمام بخشهای مجتمع آموزشی درمانی امام علی (ع) تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۱۳۹۶ می باشد. ابزار جمع آوری داده چک لیست حاوی اطلاعات مربوط به نوع و عامل خطا، زمان وقوع خطا می باشد. پس از جمع آوری داده ها، تمامی اطلاعات و متغیر ها، جهت تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار Spss ۲۵ شد.

یافته ها: بر اساس یافته های پژوهش بیشترین خطا مربوط به خطای ثبت با میانگین ۱۹۶ مورد در سال (۲۴ درصد) و کمترین خطا مربوط به تزریق واکنش خون ۲۲ مورد در سال (۳ درصد) می باشد. از بین خطاهایی که بروز کرده اند ۶۹,۴۶ درصد هیچ گونه آسیبی در پی نداشته اند. ۳۰,۵۴ درصد از خطاها موجب بروز آسیب شده اند، که ۴۳,۹۶ درصد آسیب به تجهیزات، ۴۱,۷۶ درصد به بیمار و ۱۴,۲۹ درصد به کارکنان وارد گردیده است.

نتیجه گیری: اتخاذ تدابیری جهت ثبت دقیق اطلاعات از جمله استفاده از کامپیوتر و ثبت سیستمی گزارشات و دستورات با اینکه هزینه بر خواهد بود ولی با توجه به کاهش آسیب های وارده می تواند منجر به کاهش بروز خطا و در نتیجه کاهش آسیب و هزینه گردد.

واژگان کلیدی: ایمنی، مخاطرات، بیمارستان



بررسی سواد سلامت و ارتباط آن با کیفیت زندگی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان (سال ۱۳۹۶)

ویدا رحیمی حسن آباد؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

vida.rahimi13@yahoo.com

ارغوان افرا؛ عضو هیئت علمی گروه آموزش پرستاری، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

مقدمه: سواد سلامت عنصری مهم در توانایی افراد برای مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با سلامتی، تصمیم‌گیری‌های درمانی، توانایی آنها برای پیشگیری از بیماری‌ها و همچنین شیوه زندگی است و WHO کیفیت زندگی بیش از ۶۰٪ از افراد جامعه را وابسته به رفتار و سبک زندگی می‌داند. بدلیل اهمیت فراوان این موضوع، پژوهشگران پژوهشی با هدف «بررسی سواد سلامت و ارتباط آن با کیفیت زندگی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان (سال ۹۶)» انجام دادند.

روش کار: این پژوهش توصیفی-مقطعی با مشارکت ۲۵۰ دانشجوی دانشکده علوم پزشکی آبادان براساس سنجش «شرایط ورود به مطالعه و طی نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام شد. جهت گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه سواد سلامت جمعیت شهری ۶۵ - ۱۸ پرسشنامه «و» ساله ایرانی SF-۳۶ به صورت تکمیل خودگزارشی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از نرم افزار spss نسخه ۱۶ و روش آماری همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون خطی چندقایم استفاده شد

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار نمره کل سواد سلامت $14 / 78 \pm 79 / 70$ از ۱۰۰ بود. ۱۸ / ۴ درصد از دانشجویان دارای سواد سلامت عالی، ۳۷ / ۲ درصد از دانشجویان دارای سواد سلامت کافی، ۲۹ / ۲ درصد دارای سواد سلامت نه چندان کافی و ۷۲ / ۲ درصد دارای سواد سلامت ناکافی بودند. میانگین نمره ابعاد کیفیت زندگی: سلامت جسمی و سلامت روانی به ترتیب ۴۴ / ۷۳-۵ / ۱۷ و ۷ / ۱۸-۰۶ / ۶۴ از ۱۰۰ بود. ارتباط بین سواد سلامت و کیفیت زندگی دانشجویان با استفاده از آزمون ضریب همبستگی کای دو پیرسون بررسی و نشان داده شد که بین این دو متغیر، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد ($p < 0/01$)

نتیجه گیری: باتوجه به اینکه سواد سلامت دانشجویان در حد متوسط است و همچنین بین متغیرهای سواد سلامت و کیفیت زندگی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد، بنابراین باید برای بهبود سواد سلامت و کیفیت زندگی دانشجویان برنامه‌هایی کاربردی متناسب با علایق آنها تدارک دید و باتوجه به اینکه نمره سلامت جسمی دانشجویان از سلامت روانی آنها بیشتر بوده است، توصیه می‌شود برای ارتقاء سلامت روان و شناسایی دقیق مشکلات و حل آنها، کارگاه‌های روانشناسی و مشاوره برگزار گردد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، سواد سلامت



بررسی وضعیت سلامت روان دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان فاریاب در سال ۱۳۹۶

رامین رحمانی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

فاطمه مرادی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

الهام درویش پور؛ دانشجوی کارشناسی، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

سیده زینب الماسی؛ مربی، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مقدمه: سلامت روان شناختی یکی از مسائل مطرح در دنیای امروز است. هدف از سلامت روان، کمک کردن به مردم برای شاد زیستن، کمک به تشخیص و پیشگیری از اختلالات رفتاری، عاطفی و روانی در شخص می‌باشد. بنابراین رفتارهای سلامتی، باعث پیشگیری و کاهش بیماری‌ها، افزایش کیفیت زندگی و کاهش هزینه‌های مربوط به سلامتی می‌شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سلامت روان (نشانه‌های جسمانی، اضطراب، افسردگی و کارکرد اجتماعی) دانش آموزان دوره دبیرستان شهرستان فاریاب و برخی عوامل مرتبط با آن انجام گرفت.

روش کار: در این پژوهش توصیفی تحلیلی که به صورت مقطعی انجام گرفت، تعداد ۴۱۱ نفر از دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان فاریاب به صورت آسان و در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-۲۸) بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS۲۰ و آزمون‌های آماری پیرسون و χ^2 square در سطح معناداری $P \leq 0.05$ تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی دانش‌آموزان 16.31 ± 0.96 با کمینه سن ۱۴ سال و بیشینه سن ۲۰ سال بود. میانگین نمره ی کلی سلامت 26.22 ± 14.97 محاسبه گردید و ۲۱۲ نفر (۵۱/۶٪) دارای اختلال روانی بودند که از این تعداد، ۱۸ نفر (۵۵/۷٪) دختر و ۹۴ نفر (۴۴/۳٪) پسر بودند. در بعدهای مختلف سلامت روان میانگین نمرات علائم جسمانی 4.15 ± 5.90 ، علائم اضطرابی و اختلال خواب 4.65 ± 6.72 ، کارکرد اجتماعی 6.55 ± 7.81 ، علائم افسردگی 5.49 ± 5.77 به دست آمد. سلامت با شغل مادر ($P=0.037$) و سلامت و علائم جسمانی و علائم اضطرابی و اختلال خواب با جنس ($P_{salamat}=0.005$ ، $P_{jesmani}=0.002$)، رابطه آماری معناداری داشت و بین سایر متغیرها رابطه‌ای مشاهده نگردید ($P_{pezterab}=0.001$).

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که اختلالات روانی در دانش‌آموزان شیوع نسبتاً بالایی دارد و این میزان در دختران بیشتر است توصیه می‌شود با انجام تحقیقات بیشتر برای شناخت عوامل موثر بر سلامت روانی نوجوانان و تدوین برنامه‌های مداخله‌ای برای بهبود وضعیت سلامت دانش آموزان تلاش‌های لازم انجام گیرد.

واژگان کلیدی: وضعیت سلامت روانی، دانش آموزان، شهرستان فاریاب



بررسی راهکارهای ارتقای کیفیت زندگی بیماران مبتلا به پارکینسون؛ مرور سیستماتیک

اسما بابایانی؛ دانشجوی کارشناسی کار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
محسن فلاحتی؛ دانشجوی کارشناسی کار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: بیماری پارکینسون نوعی اختلال تحلیل برنده ی سیستم عصبی مرکزی است. این بیماری پس از آلزایمر دومین بیماری پیشرونده و تخریب گریسیستم عصبی در جهان به شمار می آید و حدود ۱٪ از افراد بالای ۶۵ سال را گرفتار می کند و می تواند در سطح وسیعی بر زندگی بیماران تاثیر بگذارد. هدف از این پژوهش با هدف تعیین راهکار های ارتقای کیفیت زندگی بیماران مبتلا به پارکینسون انجام شد.

روش کار: این پژوهش از نوع مروری بوده و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی علمی انگلیسی زبان مانند PubMed و ScienceDirect و نیز پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان شامل Google scholar، Magiran، SID، elmnet با کلید واژه های ارتقاء، کیفیت زندگی، پارکینسون، parkinson، quality of life، promotion بدون محدودیت زمانی صورت گرفته است. در مجموع ۵۰ مقاله به دست آمد که ۳۰ مقاله انتخاب و بررسی شد. در این مطالعه از مقالات مداخله ای بهره گرفته شده است.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که ادراک بیماری، حمایت اجتماعی، تمرینات نوروفیدبک، شناخت-رفتار درمانگری، انجام یک برنامه ی تمرینی مرکب از تمرینات مقاومتی، کششی، کارکردی، تعادلی با لباس فضایی، سه شیوه ی تمرینی (تمرینات ریتمیک، توپ طبی، حرکات کششی - نرمشی)، ۱۲ هفته تمرین های قدرتی، هشت هفته تمرینات تعادلی و ثبات دهنده مرکزی پیشرونده، هشت هفته تمرینات پیاده روی اسکاندیناوی و فعالیت های ورزشی در آب، تمرینات تای چای، osteopathy، تکنیک الکساندر، تمرینات حرکت درمانی، تمرینات ایروبیکی، راه رفتن روی تردمیل با حمایت وزنه، هشت هفته تمرینات یوگای خنده، فیدبک بینایی، موسیقی درمانی، مداخلات خانه محور بر کیفیت زندگی افراد مبتلا به پارکینسون تاثیر مثبت داشته است. ارتز مرتعش در وضعیت روشن در بهبود تعادل بیماران پارکینسون موثر است ولی در وضعیت موتور خاموش در مورد موثر بودن آن ها اطمینانی حاصل نشد. همچنین بین آمادگی کارکردی و نیز روش های تمرینی هوازی با کیفیت زندگی بیماران مبتلا به پارکینسون تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با وجود نتایج مثبت مطالعات هنوز این روش ها برای ارتقای کیفیت زندگی بیماران مبتلا به پارکینسون در بالین وارد نشده اند. توصیه میشود دلایل به کار نبردن این مداخلات مورد بررسی قرار گیرد. برنامه های تمرینی ارائه شده می تواند در ایجاد برنامه ی درمانی جامع و مدون موثر باشد و می توان این مداخلات را به منظور بهبود کیفیت زندگی بیماران پارکینسونی در کار درمانی، توانبخشی و زندگی روزمره به کار برد.

واژگان کلیدی: ارتقاء، کیفیت زندگی، پارکینسون



بررسی ارتباط بین خودکارآمدی رفتار غذایی و نگرش به حذف وعده های غذایی اصلی در زنان دارای اضافه وزن و چاقی شهر ارومیه

مریم متاجی امیررود؛ دانشجوی دوره دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

m.mataji2009@gmail.com

محمد حسین تقدیسی؛ استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: توجه به وعده های غذایی و تامین مواد مغذی مورد نیاز، پیش نیاز سلامت انسان محسوب شده و نقشی حفاظتی در برابر بروز بسیاری از بیماریهای مزمن در آینده خواهد داشت. عملکرد موثر در این زمینه، نیازمند حضور فاکتوری تعیین کننده در افراد، تحت عنوان خودکارآمدی داشته که به عنوان عامل تعیین جهت، شدت و پایداری رفتار در نظر گرفته می شود. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین خودکارآمدی و نگرش به حذف وعده های غذایی اصلی در زنان دارای اضافه وزن یا چاقی شهر ارومیه انجام شد.

روش کار: مطالعه توصیفی-تحلیلی حاضر بر روی ۱۲۴ نفر از زنان تحت پوشش مراکز بهداشتی شهری ارومیه انجام شد. دو مرکز بهداشت به صورت خوشه ای انتخاب و نمونه گیری به صورت در دسترس انجام شد. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، خودکارآمدی و مصرف وعده های غذایی انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و آزمون های آماری توصیفی و استنباطی در سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام گردید.

یافته ها: تحلیل داده ها نشان داد که ۴۵/۳٪ از زنان بین ۲۵-۳۵ سال سن دارند و از نظر شاخص توده بدنی، ۶۷/۹٪ زنان دارای اضافه وزن و ۳۲/۱٪ مبتلا به چاقی هستند. تحلیل رگرسیون بیانگر ارتباط معنی دار بین نمره ی خودکارآمدی و حذف یکی از وعده های اصلی غذایی بود همچنین مولفه خودکارآمدی به ترتیب ۱۷/۸۱٪ و ۱۸/۳۷٪ از پراکندگی مشاهده شده در متغیر حذف وعده های غذایی صبحانه و شام را پیش بینی نمود و ارتباط میان نمره خودکارآمدی و مصرف وعده های اصلی غذایی در زنان مثبت و معنی دار بود ($p<0/001$, $r=0/64$).

نتیجه گیری: خودکارآمدی در بین سازه های روانشناختی به عنوان یک عامل پیش بینی کننده موثر رفتار شناخته می شود بنابراین طبق نتایج مطالعه، میزان حضور این سازه در افراد و قابلیت به کارگیری آن می تواند در پیروی از یک رژیم غذایی سالم مفید بوده و تاثیری پیشگیری کننده در زمینه حذف یکی از وعده های اصلی غذایی که در رژیمهای غذایی اشتباه رایج است را دارا باشد.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی، وعده غذایی، زنان، اضافه وزن، چاقی



مروری بر عوامل مؤثر سبک زندگی سالم در سالمندان

هنگامه امیریان؛ عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی علی ابن ابی طالب، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

مینا زارع حسین آبادی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

فاطمه زارع حسین آبادی؛ دانشکده پزشکی، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

مقدمه: جمعیت سالمندان جهان روز به روز در حال افزایش است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به اینکه گسترده ترین علل مرگ و میر در گروه های سنی بالای 50 سال با اصلاح سبک زندگی قابل پیشگیری است، اتخاذ سبک زندگی سالم در این دوران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این مطالعه مروری با هدف بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی سالم در سالمندان انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مروری با استفاده از کلمات کلیدی مانند: سبک زندگی، سالمندان، ایران از منبع گوگل اسکولار و پایمد از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ گردآوری شده است. از بین ۳۰ مقاله به دست آمده اولیه، نهایتاً ۱۵ مقاله مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مطالعات مورد بررسی از نوع توصیفی-تحلیلی بود. همه مقالات به بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی سالم در سالمندان پرداخته بودند، که با افزایش سطح تحصیلات، نمره کلی سبک زندگی و نمره در تمام حیطه ها افزایش یافت که این در راستای تایید یافته هایی می باشد که تحصیلات را به عنوان یک عامل مؤثر در یک زندگی پویای سالمندی ذکر کرده است. از آنجا که سبک زندگی یکی از عوامل مؤثر بر سلامتی است و بیش از نیمی از تعیین کننده های سلامتی انسان را تشکیل می دهد، بنابراین وضعیت سلامتی و سبک زندگی ارتباط نزدیکی با هم دارند. افراد سالمند با سبک زندگی ناسالم، بیشتر به سمت عملکرد جسمی و وضعیت سلامتی ضعیف سوق پیدا می کند و به دنبال آن کیفیت زندگی نامطلوبی دارند.

نتیجه گیری: به نظر می رسد که بررسی شیوه ی زندگی سالمندان از جنبه ی عملی نیز حائز اهمیت است و در زمره پژوهشهای کاربردی قرار میگیرد؛ چراکه میتوان با شناخت متغیرهای جمعیتی اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی سالمندان، از نتایج آن در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های بهداشتی، جمعیتی و شهری بهره برد.

واژگان کلیدی: ایران، سبک زندگی، سالمندان.



نقش خود مراقبتی بر حفظ سلامت بیماران قلبی

فاطمه زارع حسین آبادی؛ دانشکده پزشکی، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران
هنگامه امیریان؛ عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی علی ابن ابی طالب، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

مینا زارع حسین آبادی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

مقدمه: نارسایی قلبی، به عنوان یکی از شایع ترین بیماری های مزمن در سراسر دنیا محسوب می شود که هزینه های زیادی را نیز بر سیستم های بهداشتی تحمیل می نماید. برای کنترل نارسایی قلبی، راهکارهای متعددی وجود دارد که خود مراقبتی یکی از این روش هاست. این مطالعه مروری با هدف بررسی نقش خود مراقبتی و اثر بخشی آن در ارتقاء سلامت افراد مبتلا به بیماری قلبی انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مروری با استفاده از کلمات کلیدی مانند: خود مراقبتی، سلامت، بیماری قلبی، ایران از منابع گوگل اسکولار و پایمد از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ گرد آوری شده است. از بین ۴۰ مقاله به دست آمده اولیه، نهایتاً ۱۵ مقاله مرتبط مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: اکثراً نوع مطالعه در مقالات مورد بررسی ۱۲ مورد از نوع توصیفی- تحلیلی، ۲ مورد از نوع توصیفی- مقطعی بود و تنها یک مورد از نوع نیمه تجربی بود که حذف گردید. همه مقالات به بررسی نقش خود مراقبتی بر حفظ سلامت بیماران قلبی پرداخته بودند، که بر این اساس رفتارهای خود مراقبتی با متغیرهای مستقل سن و دفعات بستری قلبی، ارتباط آماری معنی دار و معکوس و با سایر متغیرها، ارتباط آماری مستقیم و معنی داری را نشان دادند. همچنین مدیریت خود مراقبتی یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده در پیش آگهی بیماری نارسایی قلبی است که می تواند منجر به بهبود علائم بیماری، عملکرد و کاهش مرگ و میر در این بیماران گردد.

نتیجه گیری: به نظر می رسد که بیماران مبتلا به نارسایی قلبی، برای مواجهه با مشکلات بیماری، نیاز به رفتارهای خود مراقبتی دارند، لذا شناسایی این رفتارها و تشویق بیمار جهت مشارکت و قبول مسئولیت در انجام صحیح آنها منجر به کنترل عوارض بیماری خواهد شد.

واژگان کلیدی: خود مراقبتی، سلامت، بیماری قلبی، ایران.



بررسی عادت مصرف دخانیات و عوامل مرتبط با آن در بین جوانان؛ مرور نظام مند

مرتضی بیرامزاده؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته اتاق عمل، دانشکده علوم پزشکی مراغه-کمیته تحقیقات

دانشجویی مراغه-ایران

مهری امامزاده؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته پرستاری، دانشکده علوم پزشکی مراغه-کمیته تحقیقات

دانشجویی مراغه-ایران

مینا غزنوی؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات

دانشجویی مراغه، ایران

مقدمه: مصرف دخانیات یکی از مهم ترین عوامل خطر در بروز بیماری های غیرواگیری چون بیماری های قلبی و عروقی، تنفسی، سرطان ها و سکنه مغزی است و همچنین عوامل روان شناختی و جمعیت شناسی مرتبط با آن در جوانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مطالعه حاضر باهدف تعیین عادت مصرف دخانیات در جوانان و عوامل مرتبط با آن انجام شده است.

روش کار: در این بررسی نظامند کلیدواژه های دخانیات -جوانان-عوامل روانی واجتماعی در عنوان وچکیده ی مقالات چاپ شده در پایگاه های علمی معتبر Pup Med-SID-MAGIRAN-IRANMEDEX مورد جستجو قرار گرفت. مطالعات فارسی زبانی که به صورت توصیفی مروری و مداخله ای در زمینه ی مصرف دخانیات برروی جمعیت مورد مطالعه توسط دو نفر محقق و به صورت جداگانه مورد مطالعه و اطلاعات مورد نیاز بدست آمد.

نتایج: دراین مطالعه تعداد ۲۰۵ مقاله بدست آمد که پس ازبررسی خلاصه مقالات واجدشرایط درنهایت ۲۳مقاله برای بررسی جامع واستخراج داده ها انتخاب شدند.نتایج نشان داده سن -جنسیت -فشار همسالان -داشتن دوستان صمیمی سیگاری با متغیر استعمال دخانیات ارتباط دارند و افزایش سال تحصیلی میزان تجربه و مصرف دخانیات افزایش می یابد و همچنین در مقایسه مصرف دخانیات برحسب رشته تحصیلی تفاوت آماری معنی داری بین دانشجویان رشته های پزشکی وغیر پزشکی مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای مصرف دخانیات و با درن ظرگرفتن عوامل مرتبط با مصرف دخانیات در جوانان نیاز به اجرای برنامه های پیشگیری و آگاهی قبل از ورود به دانشگاه و در سنین پایین همچنین فراهم کردن مراکز تخصصی مشاوره منطقی به نظر میرسد.

واژگان کلیدی: مصرف دخانیات -جوانان-عوامل -مرورنظاممند



بررسی فراوانی عوامل خطر سرطان معده در شهرستان ارومیه؛ مرور نظاممند

مرتضی بیرامزاده؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته اتاق عمل، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی مراغه، ایران

مینا غزنوی؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی مراغه، ایران

رعنا رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی مراغه، ایران

rana60rah@gmail.com

مهری امامزاده؛ دانشجوی کارشناسی پیوسته پرستاری، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی مراغه، ایران

مقدمه: سرطان معده در جهان به عنوان چهارمین سرطان و دومین عامل مرگ بر اثر سرطان شناخته میشود که این مطالعه باهدف بررسی عوامل خطر سرطان معده انجام شده است.

روش کار: در این بررسی نظاممند کلید واژه‌های سرطان-عوامل خطر- معده در عنوان و چکیده‌ی مقالات چاپ شده در پایگاه‌های علمی معتبر ایرانی SID-Magiran مورد جست و جو قرار گرفت. مطالعات فارسی زبانی که به صورت توصیفی مروری و مداخله‌ای در زمینه‌ی عوامل خطر مانند سبک زندگی -مصرف سیگار- سن -جنس- عفونت هلیکوباکتری پیلوری -تغذیه و برروی جمعیت مورد مطالعه‌ی بیماران سرطان معده توسط دو نفر محقق و به صورت جداگانه مورد مطالعه و اطلاعات مورد نیاز استخراج شد.

یافته‌ها: در این مطالعه تعداد ۷۵ مقاله بدست آمد که پس از بررسی خلاصه مقالات واحد شرایط در نهایت ۱۶ مقاله برای بررسی جامعه و استخراج داده‌ها انتخاب شدند. نتایج نشان داد شیوع مردان بیشتر از زنان بود. عفونت هلیکوباکتری پیلوری، زمینه ژنتیکی و عوامل محیطی مانند تغذیه، سطح بهداشت، دخانیات؛ هریک به تنهایی برای ایجاد سرطان معده عامل خطر محسوب می‌گردد و هریک از این عوامل بر دیگر عوامل اثر گذار می‌باشند. بطوریکه تغذیه نامطلوب اثر التهاب زائی باکتری را افزایش می‌دهد و ازسوی دیگر وجود زمینه ژنتیکی در فرد، بر پیشرفت التهاب‌های خفیف به زخم، آتروفی و در نهایت بدخیمی و سرطان اثر گذار خواهد بود. **نتیجه گیری:** تشخیص دیررس، پیچیدگی روش‌های درمانی و پیشگیری سرطان معده به علت دخالت همزمان عوامل عفونی، زمینه ژنتیکی و پاسخ التهابی بدن در مقابل آن‌ها است که روش‌های تشخیص و درمانی این سرطان رابه بهبود وضعیت تغذیه و پیشرفت توسعه پزشکی شخص محور، منوط می‌نماید؛ همچنین قوانینی استخراج شده است که می‌تواند کمک فراوانی در بررسی عوامل ایجاد این بیماری بکند.

کلید واژه: عوامل خطر، سرطان، معده



بررسی رابطه خودپنداره و کمالگرایی با سلامت روان زنان باردار شهر جهرم

طناز نصیری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

لیلا فخر آوری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

صفیه جمالی؛ مرکز تحقیقات مؤلفه‌های اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

مهسا افضل؛ دانشجوی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

مریم رضوی زادگان؛ دانشجوی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

مهسا بنده کرمی؛ دانشجوی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

مرضیه علی محمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه: یکی از جنبه‌های مفهوم کلی سلامتی، سلامت روانی است. شناسایی متغیرهای روانشناختی مرتبط با سلامت و بیماری، خصوصاً متغیرهای شخصیتی، از اهمیت بالایی برخوردار است. پی بردن به شخصیت، قابلیت‌ها و توانایی‌ها یا خود پنداره و کمالگرایی که به عنوان تمایل پایدار فرد به وضع معیارهای کامل و دست نیافتنی و تلاش برای تحقق آن‌ها که با ارزشیابی‌های انتقادی از عملکرد شخصی همراه است، تعریف شده است، از مهمترین مسائل سلامت روانی می‌باشند؛ عنایت به آنکه زنان باردار یکی از گروه‌های حساس بهداشتی و سلامت روان آنان سلامت خانواده و جامعه را تضمین می‌نماید و این زنان تربیت‌کنندگان فرزندان و نسل آینده می‌باشند؛ لذا توجه به عوامل موثر بر سلامت روان بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی رابطه خودپنداره و کمالگرایی با سلامت روان زنان باردار انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه مقطعی-تحلیلی، ۱۹۰ زن باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شلهر جهرم را به روش نمونه‌گیری در دستلترس مورد بررسی قرار داد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه خودپنداره راجرز، مقیاس چند بعدی کمالگرایی و مقیاس افسردگی-اضطراب-فشار روانی بود. داده‌ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: میانگین نمره برای خودپنداره، 23.08 ± 5.45 ، میانگین نمره کمالگرایی 96.69 ± 132.00 و برای مقیاس افسردگی-اضطراب-فشار روانی 10.12 ± 15.45 به دست آمد. بین کمالگرایی و سلامت روان زنان باردار ارتباط آماری معنی‌داری وجود داشت ($P < 0.0001$).

نتیجه‌گیری: با توجه به ارتباط مشاهده شده بین کمالگرایی و سلامت روان زنان باردار، می‌توان به این نتیجه رسید که کمالگرایی مثبت فرد باعث بهبود سلامت روان و از طرف دیگر کمالگرایی منفی باعث کاهش سلامت روان و افزایش مشکلات هیجانی فرد می‌شود. بنابراین، لازم است تیم پزشکی اقدام به شناسایی مراجعہ‌کنندگان و خانواده‌آنها را که مستعد ابتلا به اختلالات روانی در طی دوره حاملگی و پس از زایمان هستند، با مراقبت‌های روحی و روانی در طی این دوران و نیز بعد از زایمان، از بروز این اختلالات پیشگیری کرد.

واژگان کلیدی: خودپنداره، کمالگرایی، سلامت روان، زنان باردار



بررسی ارتباط آگاهی و نگرش زنان نسبت به خشونت با عزت نفس و خودکارآمدی در زنان مراجعه کننده به کلینیک هنری شهرستان جهرم در سال ۱۳۹۱

لیلا فخرآوری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
مهسا افضلی؛ دانشجوی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
صفیه جمالی؛ مرکز تحقیقات مؤلفه های اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
طناز نصیری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
مینا شهوندی؛ دانشجوی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
سهیلا کریمپور؛ دانشجوی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
مرضیه علی محمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه: خشونت خانگی به عنوان شایع ترین نوع خشونت علیه زنان با بیشترین عوارض اجتماعی، روانی و اقتصادی بر نحوه زندگی و سلامت آنان تاثیرات منفی دارد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی ارتباط آگاهی و نگرش زنان نسبت به خشونت با عزت نفس و خودکارآمدی بود.

روش کار: در این مطالعه مقطعی-تحلیلی، ۳۷۹ زن در سن باروری به کلینیک شهر جهرم مراجعه کرده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه سنجش آگاهی و نگرش نسبت به خشونت خانگی علیه زنان، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ و پرسشنامه خودکارآمدی شرر جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

یافته ها: میانگین نمره آگاهی زنان مورد بررسی $3,90 \pm 6,50$ و میانگین نمره نگرش آنان $6,49 \pm 32,88$ محاسبه شد. میانگین نمره عزت نفس $2,98 \pm 2,08$ و میانگین نمره خودکارآمدی زنان $9,59 \pm 61,33$ به دست آمد. آگاهی و نگرش زنان با خودکارآمدی ارتباط آماری معنی داری داشت ($P < 0.0001$)

نتیجه گیری: لازم است به منظور پیشگیری و کاهش سو رفتار نسبت به زنان، افزایش میزان آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و همچنین افزایش مهارت های زندگی و خودکارآمدی آنان، اقدام به برگزاری کلاس های آموزشی و ارائه مشاوره های پیش از ازدواج گردد و برنامه ریزی صحیح صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، خشونت، عزت نفس، خودکارآمدی، زنان



فعالیت فیزیکی در سالمندان با تجربه سقوط در یکسال گذشته

مهدی صفرپور؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

امیر طیوری؛ دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، کمیته پژوهشی دانشجویی، شاخه دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

اکبر فتوحی؛ استاد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

سید رضا حسینی؛ استاد گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

معصومه محمدزاده؛ کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

مقدمه: برخی مطالعات گزارش کرده‌اند، سالمندانی که تجربه سقوط طی یکسال گذشته را داشته‌اند، در مقایسه با سالمندانی که این تجربه را نداشته‌اند، دارای سطوح پایین‌تری از فعالیت‌های فیزیکی بوده‌اند. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین تجربه سقوط در یکسال گذشته و سطوح فعالیت فیزیکی در سالمندان انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر در چارچوب مطالعه کوهورت "بررسی وضعیت سلامت سالمندان شهر امیرکلا" می‌باشد که با حضور ۱۶۱۶ نفر از سالمندان ۶۰ سال و بالاتر انجام شد. در این مطالعه ارتباط بین فعالیت فیزیکی در سالمندان به عنوان متغیر وابسته با متغیرهای سن، جنس، سطح تحصیلات، شاخص توده بدنی، قدرت عضلات پا، تعداد بیماری همراه و سابقه سقوط طی یکسال گذشته به عنوان متغیرهای مستقل با استفاده از مدل رگرسیونی مورد ارزیابی قرار گرفت. سن ۶۰ سال و یا بالاتر، ساکن بودن در شهر امیرکلا در زمان مطالعه و تمایل به حضور در مطالعه ضوابط شرکت در مطالعه بوده‌اند.

یافته‌ها: ۸۸۳ نفر از سالمندان شرکت‌کننده در مطالعه (۵۴/۷٪) مرد و ۷۳۳ نفر (۴۵/۳٪) زن بودند. میانگین سنی افراد ۶۸/۲ ± سال بوده است. ۱۷/۸٪ افراد تجربه سقوط طی یک سال گذشته داشتند (۱۴/۰٪ مردان و ۲۲/۴٪ زنان)، (۲/۲۸ - ۱/۳۶ : OR=۱/۷، CI ۹۵٪). در مدل رگرسیون چندگانه متغیرهای سن، جنس و تعداد بیماری، با نمره فعالیت فیزیکی ارتباط آماری معنی‌دار داشتند. نمره فعالیت فیزیکی در افراد با سابقه سقوط ۶۳/۵ ± ۱۰۵/۲ و در افراد بدون سابقه سقوط ۶۱/۳ ± ۱۰۵/۵ بود که از نظر آماری معنی‌دار نبود (P = ۰/۹۴).

نتیجه‌گیری: افزایش سن به همراه وجود بیماری‌های همراه، سبب کاهش میانگین نمره فعالیت فیزیکی در جمعیت سالمند مورد مطالعه شد اما سابقه سقوط ارتباطی با آن نداشت. فراهم‌سازی شرایط در کنار آموزش‌های لازم جهت انجام فعالیت‌های فیزیکی مناسب خصوصاً در سالمندان دارای بیماری، پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: سقوط، فعالیت فیزیکی، سالمند



آگاهی، نگرش و عملکرد زنان در خصوص سرطان پستان و غربالگری آن، بابل، ۱۳۹۶

مهدی صفریور؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

امیر طیوری؛ دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، کمیته پژوهشی دانشجویی، شاخه دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

معصومه محمدزاده؛ کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

مقدمه: با توجه به شیوع بالا و کاهش سن ابتلا به سرطان پستان در کشور، مطالعه حاضر با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد زنان نسبت به سرطان پستان و غربالگری آن در شهر بابل طرح ریزی شده است.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مقطعی تحلیلی و طی شش ماه با شرکت ۳۰۴ نفر از زنان ۶۵-۲۰ ساله که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند، در سال ۱۳۹۶ انجام شد. پرسشنامه مورد استفاده شامل سوالات دموگرافیک، ۱۲ سوال آگاهی، ۱۵ سوال نگرش و ۲ سوال در رابطه با عملکرد بوده است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲، آزمون‌های آنالیز واریانس، کای اسکور و ضریب همبستگی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت‌کنندگان در مطالعه $43/3 \pm 10/4$ سال بود. ۶۴/۵ درصد از شرکت‌کنندگان دارای سطح آگاهی متوسط و ۶۱/۸ درصد دارای نگرش مثبت بودند. تنها ۱۷/۱ درصد از زنان اقدام به انجام معاینات غربالگری کرده بودند. بین آگاهی، نگرش و عملکرد زنان با سن و سطح تحصیلات ارتباط معنی‌دار مشاهده شد ($P < 0/05$). بین سابقه ابتلا به سرطان در خویشاوندان با آگاهی، نگرش و عملکرد افراد ارتباطی دیده نشد ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: افزایش آگاهی زنان به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در انجام خودآزمایی پستان می‌باشد، لذا برنامه‌ریزی با هدف افزایش آگاهی زنان از طریق مراکز بهداشتی و رسانه‌های جمعی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، خودآزمایی پستان، دانش بهداشتی، نگرش، عملکرد



بررسی نگرش و عملکرد موتورسواران شهر کرد در خصوص استفاده از کلاه ایمنی

الهه توسلی؛ عضو هیات علمی، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

فهیمة شکوهی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران
آیدا امیری پور؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

مقدمه: شناخت و اصلاح رفتارهای ترافیکی مردم به خصوص عدم استفاده از کلاه ایمنی، به عنوان یک راهکار به منظور جلوگیری از صدمات ناشی از حوادث جاده ای مطرح می باشد. هدف از این مطالعه بررسی نگرش و عملکرد موتورسواران شهر کرد در خصوص استفاده از کلاه ایمنی می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد که در سال ۹۶-۹۷ انجام شد. جمعیت مورد مطالعه، ۳۸۴ نفر از رانندگان موتور سیکلت بودند و نمونه گیری به روش آسان از افراد در دسترس انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بر اساس سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی بود. پرسشنامه به صورت مصاحبه ای تکمیل شد و عملکرد، حساسیت درک شده، شدت درک شده، موانع درک شده و منافع درک شده مورد بررسی قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل و سطح معنی داری ۵٪ در نظر گرفته شد.

یافته ها: علت عدم استفاده از کلاه ایمنی به ترتیب عرق کردن، کمتر شنیده شدن صدا، گران بودن، سنگین بودن کلاه، محدودیت دید، احساس خفگی، به هم ریختن آرایش موها، گم کردن کلاه ایمنی، خجالت کشیدن و وقت گیر بودن در هنگام استفاده از کلاه ایمنی بود. استفاده از کلاه ایمنی در زمان بررسی ۱۶/۲ درصد بود. ۶۱/۴ درصد از افراد مورد مطالعه، آموزش و اطلاع رسانی، ۲۲/۷ درصد جرمه توسط پلیس و ۱۵/۹ درصد توقف موتور سیکلت را در استفاده از کلاه ایمنی مؤثر دانستند. میانگین نمرات حساسیت درک شده، موانع و منافع درک شده با میانگین نمره عملکرد ارتباط معنی داری داشت ($p=0/005$)
نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان می دهد که اجرای برنامه ی آموزشی مناسب در مورد استفاده از کلاه ایمنی بر اساس سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی، طراحی مناسب کلاه ایمنی به علت مشکلات ذکر شده (تعرق، نشنیدن صدا، احساس خفگی) و اصلاح رفتار پلیس در برخورد با عدم استفاده از کلاه ایمنی به سمت آموزش، می تواند در استفاده از کلاه ایمنی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: کلاه ایمنی، نگرش، عملکرد



اهمیت آموزش رفتارهای خودمراقبتی در حوزه ی بهداشت پا در بیماران دیابتی

مریم بهشتی فر؛ کارشناس پرستاری، ایران، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
maryam.beheshtifar@gmail.com

مقدمه: دیابت به عنوان شایع ترین بیماری متابولیک و بدخیم ترین بیماری اندوکرینولوژی با شیوعی رو به افزایش یکی از مشکلات اصلی سیستم های بهداشتی درمانی در ایران و جهان به حساب می آید. بیماران دیابتی به دلیل عوارض متعددی همچون نوروپاتی محیطی، عفونت و بیماری عروق محیطی مستعد مشکلات پا هستند. در این بین زخم پای دیابتی به عنوان یکی از مهمترین و شایع ترین عوارض دیابت است. مطالعه حاضر نیز با هدف تبیین اهمیت آموزش رفتارهای خودمراقبتی در حوزه ی بهداشت پا در بیماران دیابتی پرداخته انجام شده است.

روش کار: این تحقیق یک مطالعه مروری است که با جستجو در منابع کتابخانه ای، داده پایگاه های اینترنتی، از جمله: SID، Magi ran، Google Scholar و پایان نامه های مطالعات مرتبط با موضوع مورد نظر به دست آمده است.

یافته ها: زخم ها و عفونت های پا یکی از علل عمده ایجاد ناتوانی در بیماران مبتلا به دیابت هستند. به دلیل مشکلات موجود در سیستم ایمنی بدن افراد دیابتی، ترمیم این زخم ها معمولاً به کندی صورت می گیرد و این امر احتمال گانگرن شدن پا، قطع اندام و حتی مرگ را به طور چشمگیری افزایش می دهد. همچنین زخم پای دیابتی، عمومی ترین علت بستری در بیماران دیابتی است و باید توجه داشت که درمان آن در سراسر جهان پرهزینه است. اما مشخص شده است که کمترین میزان پیگیری بیماران دیابتی مربوط به عارضه پای دیابتی بوده و اصولاً در ایران توجه زیادی نسبت به این عارضه مبذول نمی گردد و عموماً دانش و نگرش بیماران که منجر به عملکرد آنان می گردد، در این زمینه نامطلوب گزارش شده است.

نتیجه گیری: شیوع بالای زخم دیابتی و عوارض نامطلوب آن، اهمیت پیشگیری از آن را می رساند. با توجه بررسی های انجام شده، کاربرد استراژی های آموزشی مهم ترین راه پیشگیری از زخم پا در بیماران دیابتی می باشد. لذا توصیه می شود تا برنامه های آموزشی چند بعدی مراقبت از پا جهت افزایش دانش و نگرش و تقویت رفتارهای خودمراقبتی به بیماران دیابتی در نظام سلامت تلفیق شود تا بیماران در مراقبت از زخم های پا توانمند شوند.

واژگان کلیدی: آموزش، خودمراقبتی، بهداشت پا، دیابت، زخم پای دیابتی.



بررسی عوامل مرتبط با شیوع هیرسوتیسم در زنان؛ مرور نظامند

زهرا کریمی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
مسعود لطفی زاده؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

مقدمه: هیرسوتیسم یک اختلال شایع مربوط به افزایش سطح آندروژن خون می باشد، که در ۵ تا ۱۰ درصد خانم های سنین باروری دیده می شود. تولید بیش از حد آندروژن ها سبب رشد غیر طبیعی موها و افزایش قطر و رنگدانه دار شدن ستون کراتین موهای تمامی نواحی بدن غیر از موی سر در الگوی مردانه می گردند. این پدیده با تاثیر بر روی زیبایی و کیفیت زندگی زنان می تواند سبب کاهش اعتماد به نفس و افزایش شیوع اختلالات روانی و افسردگی شود، لذا شناخت عوامل مرتبط با هیرسوتیسم به منظور درمان به موقع و کاهش عوارض روانی ناشی از آن مورد توجه است.

روش کار: طی این مطالعه مروری، مقالات مرتبط با کلیدواژه های (هیرسوتیسم، عوامل مرتبط، زنان) از پایگاه های معتبر داخلی (magiran, SID, iranmedex) و با کلیدواژه های (women, Related factors, hirsutism)، تأیید شده در Mesh از پایگاه های معتبر خارجی (Pubmed, Scopus, google scholar) طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ یافت شد. پس از بررسی اولیه، ۳۰ مقاله مرتبط با موضوع یافت شد که در نهایت ۲۰ مقاله واجد شرایط مورد بررسی، تحلیل و دسته بندی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داد که اختلال در هورمون های آدرنال و افزایش آندروژن یک عامل عمده در ایجاد هیرسوتیسم می باشد. علت اختلال در هورمون های آدرنال هم مربوط به بیماری های زمینه ای از قبیل: سندرم تخمدان پلی کیستیک، سندرم کوشینگ، پرکاری آدرنال و هایپر پلازی مادرزادی آدرنال می باشد که هیرسوتیسم تظاهر بالینی این بیماری هاست. سابقه خانوادگی مثبت هیرسوتیسم، داشتن موهای مشکی و پوست سبزه، افزایش تستوسترون آزاد خون، هیپوتیروئیدی، چاقی، استعمال سیگار، ابتلا به صرع، مصرف برخی داروها نظیر دانازول، و ابتلا به اختلالات قاعدگی و کلیوی از جمله ریسک فاکتورهایی هستند که در این بیماری نقش فعالی دارند. میزان بروز هیرسوتیسم در زنان آسیایی کمتر بود زیرا این افراد تعداد کمتری فولیکول مو در واحد سطح پوست دارند.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع نسبتاً بالای هیرسوتیسم در بین زنان و توجه به این نکته که این بیماری نه تنها از نظر جسمی و زیبایی بلکه از نظر روانی نیز دارای اثرات منفی می باشد. همچنین مشاهده ترشح بیشتر تستوسترون و آندروژن در خون افراد چاق نیاز به انجام مطالعات گسترده تر و اجرای مداخلات پیشگیری کننده و ارتقا دهنده سبک زندگی (استفاده از رژیم های کم کاری و کاهش وزن) جهت کاهش عوامل خطر در زنان ضروری به نظر می رسد.

کلیدواژه ها: هیرسوتیسم، عوامل مرتبط، زنان



ضرورت ارتقای سطح سواد سلامت در سالمندان

مریم بهشتی فر؛ کارشناس پرستاری، ایران، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
maryam.beheshtifar@gmail.com

مقدمه: جمعیت سالمندان رو به افزایش است و جهان در حال پیر شدن می باشد. در کشور ایران نیز پیش بینی می شود در سال ۱۴۱۰ پدیده "انفجار سالمندی" رخ دهد. سالمندی یکی از بزرگترین چالش های قرن حاضر است چرا که به موازات رشد جمعیت این گروه سنی، آن گونه که شایسته است، جایگاه آنان به خوبی درک نشده و بر دامنه ی مشکل های آنان افزوده می شود. در این بین سواد سلامت فاکتوری مؤثر بر رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در سالمندان است. با توجه به اهمیت این امر، مطالعه حاضر با هدف تبیین ضرورت ارتقای سواد سلامت در سالمندان انجام شده است.

روش کار: این تحقیق یک مطالعه مروری است که با جستجو در منابع کتابخانه ای، داده پایگاه های اینترنتی، از جمله: SID، Magi ran، Google Scholar و پایان نامه های مطالعات مرتبط با موضوع مورد نظر به دست آمده است.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف در ایران و سایر کشورها طیف وسیعی از سواد سلامت ناکافی در سالمندان را گزارش کرده اند. در این میان ارتقای مهارت های سواد سلامت بسیار مهم هستند چرا که توجه به خودمراقبتی، خودکارآمدی و مسئولیت پذیری سالمندان در قبال بیماری های مختلف یکی از راهکارهای حمایتی جهت افزایش فعالیت رومزه و عملکرد فیزیکی آن ها به شمار می آید که نیازمند سطح بالایی از سواد سلامت است. همچنین سواد سلامت نقش بسیار مهمی در تمایل و جذب افراد برای شرکت در برنامه های غربالگری، کاهش بار مراجعه به مراکز بهداشتی درمانی و کاهش هزینه های نظام سلامت ایفا می کند. **نتیجه گیری:** سالمندان یکی از مهم ترین گروه های در معرض خطر اثرات ناخوشایند سطح پایین سواد سلامت به شمار می آیند. با توجه به اینکه سالمندان گروه سنی غالبی را در میان گیرندگان خدمات بهداشتی و درمانی را تشکیل می دهند، سطح سواد سلامت ناکافی در سالمندان به عنوان هشدار برای ارائه دهندگان این خدمات محسوب می شود. ارتقای سطح سواد سلامت در سالمندان مستلزم فرهنگسازی، آموزش مدون و مداوم، همکاری درون بخشی و بین بخشی است. لذا پیشنهاد مدیران نظام سلامت برنامه ریزی جامع و ویژه ای را به منظور ترویج و ارتقای مهارت های سواد سلامت در سالمندان در نظر داشته باشند و به کار گیرند.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، سلامت، سالمند



سواد سلامت در جامعه شهری و روستایی بهبهان

لیلا سادات براتی؛ دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

محمدرضا نژادحسین؛ دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

مقدمه: سواد سلامت، ظرفیت کسب، پردازش و درک اطلاعات اساسی و خدمات ضروری برای تصمیم‌گیری‌های مناسب در زمینه سواد سلامت است که عنصری مهم در توانایی یک فرد برای شرکت در فعالیتهای ارتقاء سلامت محسوب می‌شود. هدف از این مطالعه بررسی میزان سواد سلامت در جامعه شهری و روستایی بهبهان بود.

روش کار: در مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی ۱۰۰۰ نفر از افراد باسواد ۱۷ سال و بالاتر در سال ۱۳۹۴ با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد پرسشگری قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان استفاده شده.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) سن افراد مورد مطالعه $40/2(14/21)$ درصد بود. حدود ۵۳ درصد افراد مورد مطالعه مرد و بقیه زن بودند. درصد فراوانی افراد شرکت‌کننده بر اساس تحصیلات دیپلم و لیسانس به ترتیب ۳۲/۵ درصد و ۱۸/۶ درصد بودند. میانگین سواد سلامت کل جامعه شهری و روستایی $70/22$ درصد بود. با توجه به $P\text{-value}/36$ اختلاف معنی‌داری میان سواد سلامت در جامعه شهری و روستایی یافت نشد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که به طور کلی سواد سلامت در شهرستان بهبهان مطلوب است ولی با توجه به پایین‌تر بودن سواد سلامت در زنان و در گروه‌های سنی سالمند و میان‌سال و ساکنین روستا ضرورت دارد که کارکنان بهداشتی از روش‌های مؤثرتری به منظور انتقال اطلاعات به این افراد استفاده کنند.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، مراکز شهری، مراکز روستایی



روشهای مذهبی مدیریت درد در بین سالمندان: یک مطالعه مروری

زهرا اسدی پیری؛ کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان،

لرستان، ایران

Zahra74asadi@gmail.com

محمدحسن ایمانی نسب؛ استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی

لرستان، لرستان، ایران

مقدمه: درد مزمن یک مشکل رایج در میان سالمندان است. درد مزمن میتواند بر سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سالخوردگان تأثیر بگذارد. یکی از روش‌های مدیریت درد مزمن، روش‌های مذهبی مانند نیایش، مراقبه و دعاست. لذا این مطالعه مروری با هدف شناسایی شیوع و روش‌های مقابله مذهبی با دردهای مزمن در سالمندان انجام شد.

روش کار: این مطالعه مروری با جستجو در پایگاه‌های اطلاعات فارسی Magiran، SID، IranMedex و Irandoc با کلیدواژه‌های مدیریت درد، مقابله مذهبی، معنویت، خودکارآمدی درد، سالمندان، درد مزمن و در پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی Ovid، Proquest، Pubmed، Science Direct، Scopus، Springer با کلیدواژه‌های older adults، old people، elderly، spirituality، religious، chronic pain، management، religious coping strategies و ترکیب آنها در بازه زمانی ۲۰۱۷ - ۲۰۲۰ انجام شد.

یافته‌ها: در نهایت ۶ مقاله برای ورود به مطالعه انتخاب گردید. نتایج مطالعه حاضر نشان داد اکثر سالمندان مبتلا به بیماری‌های مزمن برای مدیریت درد خود از خدا کمک می‌گیرند. این سالمندان برای تسکین دردهای مزمن خود از روش‌های مذهبی از مانند نیایش (نماز خواندن)، دعا کردن، خواندن کتاب‌های مقدس، کمک گرفتن از افراد مذهبی و مراقبه استفاده می‌کنند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که زنان بیشتر از مردان از این روش‌ها برای مدیریت درد خود کمک می‌گیرند.

نتیجه‌گیری: پزشکان و پرستاران می‌توانند با توصیه روش‌های مقابله با دردهای مزمن به سالمندان در کنار سایر رویه‌ها و مداخلات درمانی، به بهبود کیفیت زندگی سالمندان کمک نمایند. لذا گنجاندن روش‌های مقابله مذهبی با دردهای مزمن در سرفصل دروس دانشجویان علوم پزشکی و همچنین طراحی و برگزاری دوره‌های بازآموزی یک ضرورت محسوب می‌شود. همچنین سالمندان، خانواده‌های سالمندان و روحانیون بالینی می‌توانند از روش‌های مذهبی به عنوان یک روش مقابله با درد و مدیریت آن استفاده کنند.

واژگان کلیدی: مدیریت درد، درد مزمن، مقابله مذهبی، سالمندان



بررسی رفتار تغذیه ای براساس الگوی فرانتزیه ای در زنان ۵۹-۳۰ ساله شهر دهدز در سال ۱۳۹۶

اکبر بابائی حیدر آبادی؛ دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه آموزش بهداشت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

babaeinmz2056@gmail.com

کبری خواجه لندی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی
شاپور اهواز، اهواز، ایران

مرضیه عربان؛ دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

محمد حسین حقیقی زاده؛ استادیار آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مقدمه: تغذیه به عنوان مهم ترین عامل در ایجاد بیماری مزمن شناخته شده است. رابطه بین تغذیه و انتخاب نوع غذا در سلامت اشخاص و جامعه تایید شده است. مطالعه حاضر با هدف تعیین رفتار تغذیه ای در زنان میانسال شهر دهدز طراحی شده است. **روش کار:** در این مطالعه مقطعی ۱۲۵ زن میانسال شهر دهدز با نمونه گیری منظم وارد مطالعه شدند، جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه تغذیه مطابق با الگوی فرانتزیه ای شامل اطلاعات جمعیت شناسی، پرسشنامه موانع و منافع درک شده و خودکارآمدی انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون تی تست، ضریب همبستگی با سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد $35/05 \pm 4/18$ بود. بیشترین تعداد افراد در هر مرحله تغییر شامل ۶۰٪ در مرحله پیش تفکر برای مصرف روزانه گوشت و تخم مرغ، ۹/۶٪ در مرحله تفکر برای مصرف گوشت و تخم مرغ، ۶/۴٪ افراد در مرحله آمادگی برای مصرف ۳ وعده غذای اصلی و ۲ میان وعده، ۴/۸٪ در مرحله عمل برای مصرف روزانه شیر و لبنیات و ۴۴٪ افراد در مرحله نگهداری برای مصرف روزانه میوه و سبزیجات بودند.

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر اکثریت شرکت کنندگان در مرحله پیش عملیاتی (پیش تفکر، تفکر و آمادگی) برای رفتار تغذیه ای سالم بودند. یافته های این پژوهش می تواند به عنوان پایه ای برای مداخلات آموزشی در زمینه تغییر رفتار تغذیه ای زنان میانسال مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: الگوی فرانتزیه ای، رفتار تغذیه ای، زنان میانسال



چگونگی وضعیت فعالیت فیزیکی در زنان میانسال شهردهدز بر مبنای الگوی فرانظریه ای

بری خواجه لندی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

اکبر بابائی حیدر آبادی؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی بر مؤثر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

babaeinmz2056@gmail.com

مرضیه عربان؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی بر مؤثر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

محمد حسین حقیقی زاده؛ گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مقدمه: بی تحرکی یکی از علل عمده مرگ و ناتوانی می باشد. بیش از ۲/۳ درصد از مرگ‌ها سالانه (پنج میلیون نفر) در جهان به علت عدم انجام فعالیت فیزیکی رخ می دهد. مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت رفتاری انجام فعالیت فیزیکی در زنان میانسال شهر دهدز طراحی شده است.

روش کار: در این مطالعه مقطعی ۱۷۶ زن میانسال شهر دهدز با نمونه گیری منظم وارد مطالعه شدند، جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه فعالیت فیزیکی مطابق با الگوی فرانظریه ای شامل اطلاعات جمعیت شناسی، پرسشنامه موانع و منافع درک شده و خودکارآمدی انجام پذیرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های آماری من ویتنی، کای دو، ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون لجستیک در محیط نرم افزار SPSS استفاده گردید و سطح معنی داری $P < 0.05$ در نظر گرفته شد. **یافته ها:** میانگین سنی افراد مورد مطالعه 41.7 ± 3.6 بود. یافته ها نشان داد که به ترتیب: ۲۸/۴۱ درصد (۵۰ نفر) از زنان میانسال در مرحله پیش تفکر، ۱۳/۶۴ درصد (۲۴ نفر) در مرحله تفکر، ۴۵/۴۵ درصد (۸۰ نفر) در مرحله آمادگی، ۵۷ درصد (۱ نفر) در مرحله عمل و ۱۱/۹۳ درصد (۲۱ نفر) در مرحله نگهداری فعالیت فیزیکی قرار دارند. از میان سازه های الگوی فرانظریه ای خودکارآمدی پیش گویی کننده مراحل تغییر فعالیت فیزیکی بود.

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر اکثریت شرکت کنندگان در مرحله پیش عملیاتی (پیش تفکر، تفکر و آمادگی) برای رفتار فعالیت فیزیکی بودند. یافته های این پژوهش می تواند به عنوان پایه ای برای مداخلات آموزشی در زمینه انجام فعالیت فیزیکی مورد استفاده متخصصان امر سلامت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: الگوی فرانظریه ای، فعالیت فیزیکی، زنان میانسال



بررسی تاثیر اینفوگرافی بر اساس مدل مدل فرانظری بر فرایندهای تغییر کاهش مصرف نمک در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان نیشابور

آیدا ابوصالحی؛ مربی، گروه بهداشت، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

yaaghuoby.z86@gmail.com

زکيه يعقوبی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، کارشناس مسئول واحد هنر و سلامت، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

مقدمه: یکی از ریسک فاکتورهای ایجاد کننده بیماری های قلبی و عروقی، رژیم غذایی پر نمک می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر اینفوگرافی بر اساس مدل فرانظری بر فرایندهای تغییر کاهش مصرف نمک در دانش آموزان دختر شهرستان نیشابور انجام شده است.

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۹۰ دانش آموز دختر از ۲ مدرسه که به طور تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند، انجام شد. جهت گروه آزمون علاوه بر دو جلسه ی سخنرانی که گروه کنترل نیز دریافت کردند، از اینفوگرافی نیز جهت آموزش استفاده شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه ی محقق ساخته مشتمل بر سازه ی فرایند تغییر از مدل فرانظری که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته بود، استفاده شد. پرسشنامه ها در دو مرحله توسط هر دو گروه آزمون و کنترل، قبل و ۱ ماه بعد از اجرای مداخله آموزشی تکمیل شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: بین دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک و میانگین نمره ی سازه ی فرایند تغییر در قبل از مداخله هیچ تفاوت آماری معنی داری دیده نشد ($p > 0.05$). این درحالی است که میانگین نمره ی هوشیاری ($p = 0.01$)، تسکین اغراق آمیز ($p = 0.04$) و مدیریت تقویت ($p = 0.01$) در گروه آزمون به طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بود. هم چنین میانگین نمرات گروه کنترل که فقط دو جلسه ی سخنرانی دریافت کرده اند، در هیچ یک از مراحل فرایندهای تغییر قبل و بعد مداخله تفاوت آماری معناداری نداشته است ($p > 0.05$).

نتیجه گیری: استفاده از اینفوگرافی و تلفیق هنر در تاثیرگذاری بیشتر آموزش و ارتقاء رفتارهای مرتبط با سلامت در نوجوانان موثر می باشد.

واژگان کلیدی: اینفوگرافی، مدل فرانظری، فرایند تغییر، کاهش مصرف نمک، نیشابور



بررسی ارتباط بین سواد سلامت و آگاهی و نگرش و رفتار مصرف سیگار در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

رحمن پناهی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

شمس الدین نیکنامی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

niknamis@modares.ac.ir

علی رمضانخانی؛ استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

محمود طاووسی؛ دانشیار، مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی تهران،

تهران، ایران

عرفان جوانمردی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

مقدمه: سواد سلامت ظرفیت افراد برای کسب، پردازش و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی پایه مورد نیاز برای تصمیم گیری های سلامتی است. با توجه به روند صعودی شیوع مصرف سیگار در میان دانشجویان، این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین سواد سلامت و آگاهی و نگرش و رفتار مصرف سیگار انجام گردید.

روش کار: این مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بر روی ۳۴۰ نفر از دانشجویان خوابگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای یک مرحله ای انجام شد و داده ها با استفاده از ابزار سنجش سواد سلامت جمعیت شهری ۱۸ تا ۶۵ ساله ایرانی (HELIA) و پرسشنامه محقق ساخته ای که آگاهی، نگرش و رفتار مصرف سیگار را می سنجد، گردآوری شدند و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمونهای متناسب تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار نمره سواد سلامت، آگاهی و نگرش به ترتیب $14/12 \pm 7/05$ ، $16/65 \pm 1/62$ و $10/33 \pm 53/03$ بود. ۲۳/۸ درصد (۸۱ نفر) از دانشجویان در زمان پژوهش سیگاری بودند. بین آگاهی و نگرش نسبت به مضرات مصرف سیگار ارتباط معنی دار وجود داشت ($P < 0/001$). همچنین آگاهی و نگرش ارتباط معنی دار با رفتار مصرف سیگار داشتند ($P < 0/05$). همچنین سواد سلامت با آگاهی و نگرش و رفتار مصرف سیگار ارتباط معنی دار داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: در طراحی برنامه های آموزشی با هدف کاهش مصرف سیگار و ارتقای سطح آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به مضرات مصرف سیگار، باید به میزان سواد سلامت آنان توجه ویژه ای مبذول داشت.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، آگاهی، نگرش، رفتار، مصرف سیگار، دانشجویان



فراوانی استعمال سیگار در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

شمس الدین نیکنامی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

niknamis@modares.ac.ir

رحمن پناهی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

علی رمضانخانی؛ استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران
محمود طاووسی؛ دانشیار، مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی تهران، تهران، ایران

عرفان جوانمردی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

مقدمه: استعمال سیگار از مهمترین عوامل تهدید کننده سلامتی افراد خصوصا جوانان است. با توجه به افزایش مصرف سیگار در دانشجویان، این مطالعه با هدف تعیین فراوانی استعمال سیگار در دانشجویان اجرا گردید.

روش کار: این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی میان ۳۴۰ نفر از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران در سال ۹۵ انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای یک مرحله ای انجام شد و داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، گردآوری و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آمار توصیفی تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان $22/93 \pm 4/05$ سال بود. ۲۰۴ نفر (۶۰ درصد) دختر و ۱۳۶ نفر (۴۰ درصد) پسر بودند، ۱۴۱ نفر (۴۱ درصد) در سال دوم و ۱۹۹ نفر (۵۹ درصد) در سال سوم تحصیل خود قرار داشتند. ۲۰۱ نفر (۵۹/۱ درصد) غیرسیگاری، ۵۸ نفر (۱۷/۱ درصد) تجربه کرده و ۸۱ نفر (۲۳/۸ درصد) سیگاری بودند. همچنین در بین سیگاریها، ۱۳ نفر (۱۶ درصد) سیگاری غیرمنظم، ۷ نفر (۸/۷ درصد) سیگاری منظم، ۵۸ نفر (۷۱/۶ درصد) سیگاری مداوم و ۳ نفر (۳/۷ درصد) سیگاری قهار بودند.

نتیجه گیری: شیوع مصرف سیگار در این مطالعه در مقایسه با برخی از مطالعات انجام شده در جمعیت دانشجویی شهر تهران به دلایلی چون بیشتر بودن نسبت تعداد زنان به مردان در این مطالعه و گزارش دهی سخت تر آن ها، آگاهی بالاتر در مورد مضرات سیگار به دلیل تحصیل در رشته های گروه علوم پزشکی و محل نمونه گیری (سطح خوابگاه ها)، کمتر است.

واژگان کلیدی: استعمال سیگار، دانشجویان، خوابگاه



بررسی وضعیت فعالیت فیزیکی کارکنان ادارات استان کرمانشاه

اعظم گراوندی، ناهید خادمی

مقدمه: گسترش فناوری و ماشینی شدن زندگی، کم شدن تحرک جسمانی را برای انسان به ارمغان آورده و این در حالی است که ۷۰٪ از بیماری‌ها در اثر بی تحرکی به وجود می‌آیند. فعالیت جسمانی منظم به عنوان یکی از راه‌های تقویت سیستم ایمنی و پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر می‌باشد این مطالعه با هدف تعیین وضعیت فعالیت بدنی در کارکنان ادارات در استان کرمانشاه صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی توصیفی - تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۱ بروی ۷۱۲۹ نفر از کارکنان ۲۲ تا ۸۵ ساله شاغل در استان کرمانشاه انجام گرفت. جهت بررسی میزان فعالیت فیزیکی از پرسشنامه جهانی فعالیت فیزیکی (GPAQ) که توسط سازمان جهانی بهداشت طراحی شده است استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد، ۲۸،۵ درصد از کارکنان مورد مطالعه فعالیت فیزیکی در سطح کم داشتند. بیشترین فراوانی فعالیت فیزیکی کم مربوط به گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر (۳۶/۸٪) و کمترین آن مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال (۱۴/۸٪) بود که تفاوت مشاهده شده معنی دار بود ($p = ۰/۰۱۶$). همچنین بیشترین میزان فعالیت فیزیکی کم در بین زنان دیده شد (۴۱٪) که ارتباط آن با جنس مرد معنی دار بود ($p < ۰/۰۰۱$).

نتیجه گیری: از آنجا که افراد شاغل تا ۶۰٪ ساعات بیداری خود را در محل کار می‌گذارند اجرای مداخلات بهداشتی در محل کار می‌تواند تاثیر مثبتی در ارتقای عادات زندگی افراد داشته باشد.

واژگان کلیدی: وضعیت، فعالیت فیزیکی، کارکنان



تأثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتار بهداشت دست در کارکنان مراکز دندانپزشکی تهران

علی رمضانخانی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران
aramezankhani@sbmu.ac.ir

رحمن پناهی؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

سهیلا خداکریم؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

محسن امین سبحانی؛ گروه اندودانتیکس، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

رضا کوهی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

مقدمه: با توجه به فراگیر شدن روزافزون خدمات دندانپزشکی در جامعه و عدم امکان شناسایی تک تک بیماران آلوده، رعایت بهداشت دست به عنوان کلیدی ترین عامل کنترل عفونت در این مراکز از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش بر رفتار بهداشت دست کارکنان مراکز دندانپزشکی تهران براساس مدل اعتقاد بهداشتی انجام گردید.

روش کار: در این مطالعه نیمه تجربی ۱۲۸ نفر از کارکنان مراکز دندانپزشکی به روش نمونه گیری احتمالی چندمرحله ای انتخاب و به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه تدوین شده توسط محقق که روایی و پایایی آن سنجیده شده و مشتمل بر متغیرهای دموگرافیک، آگاهی، سازه های مدل اعتقاد بهداشتی و رفتار بود، استفاده شد. سپس مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی انجام گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و آزمونهای آماری تی مستقل، من ویتنی، کای اسکور و آنالیز واریانس تکرار شده، تحلیل شدند.

یافته ها: قبل از انجام مداخله، دو گروه مداخله و کنترل از نظر متغیرهای دموگرافیک، میانگین امتیازات آگاهی، سازه های مدل اعتقاد بهداشتی و رفتار، با یکدیگر تفاوت معنی دار نداشتند ($P > 0/05$) در حالی که پس از مداخله، میانگین امتیازات آگاهی، تمام سازه های مدل و رفتار در گروه مداخله به طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بود ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله، مدل اعتقاد بهداشتی می تواند به عنوان چارچوبی جهت طراحی مداخلات آموزشی به منظور بهبود رفتار بهداشت دست در راستای کنترل عفونت در مراکز درمانی استفاده گردد.

واژه های کلیدی: مدل اعتقاد بهداشتی، بهداشت دست، آموزش، کارکنان مراکز دندانپزشکی



اقدام پژوهی در بازنگری برنامه کارآموزی در عرصه دانشجویان بهداشت عمومی با رویکرد توانمندسازی دانشجویان و کارآفرینی

ظاهره کمالی خواه؛ گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
بهاره عظیمی خوشرودی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده تغذیه و صنایع غذایی و پیراپزشکی آرادان،
دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
صفیه قباخلو؛ ریاست دانشکده تغذیه و صنایع غذایی و پیراپزشکی آرادان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان،
ایران
بهرام قدس؛ گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

مقدمه: با توجه به ضرورت و اهمیت فراوان دروس کارآموزی و کارورزی، ضرورت تحول و نوآوری مستمر و رفع نقایص در برنامه درسی دانشگاه‌های کشور بر آن شدیم تا برنامه کارآموزی با رویکرد توانمندسازی دانشجویان و کارآفرینی طراحی کنیم.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه اقدام پژوهی است که برنامه بازنگری شده را به روش تلفیقی کمی-کیفی که در ۳ ترم و روی ۳۳ دانشجوی کارآموزی رشته بهداشت عمومی دانشکده بهداشت آرادان در دو سال تحصیلی پیاپی و دو ورودی (۱۳۹۵-۹۶ و ۱۳۹۶-۹۷) مورد بررسی قرار گرفت. طی سیکل‌های تعریف مشکل، برنامه ریزی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، اجرا، ارزشیابی در رویکرد اقدام پژوهی مشکلات کارآموزی برطرف گردیده و برنامه جدید بازنگری و اجرا گردید. اجزا برنامه جدید شامل اجرای کارگاههایی با رویکرد توانمندسازی و مهارت آموزی، تغییر روند چرخش دانشجویان، اضافه نمودن جایگاه‌ها و سیتینگهای مختلف، تولید محصولات آموزشی توسط دانشجویان، استفاده از کارپوشه و تدوین لاگ بوک جدید می‌باشد. ارزشیابی با استفاده از برگه نظرسنجی که شامل ۲۴ سوال بود از ۳۳ دانشجو و ۱۲ نفر از کارمندان مراکز و مصاحبه عمقی با ۲ نفر از دانشجویان و تحلیل محتوای این دو مصاحبه و تحلیل محتوای سوالات باز برگه نظرسنجی صورت گرفت.

یافته‌ها: در ارزیابی کمی به طور متوسط ۷۴,۷ درصد از دانشجویان کارآموزی را به صورت خوب و خیلی خوب ارزیابی کلی نموده و ۷۳,۴ درصد کارآموزی فعلی را از کارآموزی ترم‌های قبل بهتر دانستند. اما نتایج آنالیزهای تحلیلی اختلاف معنی داری بین ارزیابی کلی دانشجویان در هر دو ورودی را نشان نداد. آنالیز محتوا منجر به استخراج پنج تم مسایل و مشکلات دوره‌های قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی، بازخورد مثبت بعد از اجرای فرایند و پیشنهادات گردید. همچنین ۱۴ طبقه اصلی و ۱۵۰ کد استخراج گردید.

نتیجه گیری: اقدام پژوهی در بازنگری برنامه کارآموزی با رویکرد کارآفرینی منجر به افزایش رضایت دانشجویان و کارکنان گردیده است.

واژگان کلیدی: اقدام پژوهی؛ کارآموزی؛ مهارت آموزی؛ بهداشت عمومی



وضعیت ایمنی سالمندان ساکن در منزل: یک مرور نظام مند

علی سلیمانی نژاد؛ دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید بهشتی

Solimanynejad@yahoo.com

حسین کریم نیا؛ دانشجوی کارشناسی ایمنی صنعتی، دانشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید بهشتی

فاطمه قربانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: افزایش احتمال سقوط از جمله تاثیر گذارترین عوامل در ایمنی افراد سالمند به شمار می آید. این مطالعه مروری با هدف بررسی وضعیت ایمنی افراد سالمند ساکن در منزل انجام شده است.

روش کار: در این مطالعه مروری نظام مند، جستجوی الکترونیکی به زبان انگلیسی با کلید واژه های، Safety, Elderly, Care at home, در بانک های اطلاعاتی، Google scholar, Pub Med, Springer انجام شد. در این مطالعه کلیه مقالات منتشر شده بین سال های ۲۰۱۲-۲۰۱۷ در زمینه ایمنی سالمندان در منزل مورد بررسی قرار گرفت. از تعداد ۸۲۲ مقاله دستیابی شده در نهایت ۸۴ مقاله وارد مطالعه شد.

یافته ها: افت فشارخون وضعیتی، اختلالات بینایی، مشکلات اندام های تحتانی، افسردگی، اختلالات شناختی از جمله شایع ترین عوامل خطرزایی هستند که میتوانند منجر به سقوط در بین سالمندان شوند، همچنین سقوط این افراد تاثیر بسزایی در سطح ایمنی افراد سالمند دارد که می بایست این مشکلات را پیشگیری و کنترل کرد. جمع آوری و پردازش اطلاعات مربوط به وضعیت سلامتی فرد سالمند و محیط زندگی آن، به کارگیری حسگرهای ردیابی و شناسایی فعالیت های انسان، کنترل و نظارت از راه دور با استفاده از پلفرم هایی مانند گوشی موبایل، مانیتورینگ، دستگاه ها و صندلی های الکترونیک برای نقل و انتقال، تخت خواب و پوشیدن ساعت های مچی هوشمند، همگی می توانند از بروز خطرات منجر به سقوط جلوگیری کنند.

نتیجه گیری: باتوجه به نتایج فوق لازم است نسبت به شناسایی تمامی عوامل خطرزا و بررسی های دقیق تر در مورد ایمنی فضای فیزیکی و هوشمند سازی فردی و محیطی سالمندان توجه ویژه ای کرد، هم چنین استفاده از دانش الکترونیکی می تواند موجب ارتقای ایمنی و کیفیت خدمات بهداشتی-درمانی این افراد سالمند ساکن در منزل شود.

واژگان کلیدی: ایمنی، سالمندان، مراقبت در منزل



بررسی تاثیر آموزش ایکنر نوزادی بر آگاهی مادران باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان شوشتر ۱۳۹۶

زهرا محمودی؛ دانشجوی کارشناسی، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، ایران

الهام عبدلهی سهولی؛ کارشناس ارشد، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

اعظم جهانگیری مهر؛ کارشناس ارشد، گروه آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر

زمینه و هدف: ایکنر (زردی) نوزادی که به علت افزایش بیلی روبین در طی اولین هفته زندگی نوزادان ایجاد می شود، در ۵۰-۶۰٪ از نوزادان ترم و ۸۰٪ از نوزادان نارس دیده می شود. اگرچه اغلب زردی نوزادان فیزیولوژیک است اما بدلیل پیشگیری از آسیب مغزی باید از پاتولوژیک تفکیک داده شود. با توجه به اینکه آگاهی مادران نقش بسیار مهمی در تشخیص و درمان به موقع و پیشگیری از عوارض زردی نوزادی دارد لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش ایکنر نوزادی بر آگاهی مادران باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان شوشتر انجام شد.

روش کار: در این مطالعه نیمه تجربی، ۱۰۰ مادر باردار (سه ماهه سوم بارداری) مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان شوشتر به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات سنجش آگاهی مادران در زمینه علائم، تشخیص، پیشگیری، درمان و مراقبت از شیر خوار با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته که حاوی ۲۰ سوال با مقیاس سه رتبه ای لیکرت بادامته نمرات بین ۲۰-۶۰ می باشد، جمع آوری شد. اخذ نمره بالاتر بیانگر آگاهی بهتر مادران قلمداد شد. پرسشنامه ها قبل از آموزش تکمیل شد و سپس آموزشهای مرتبط در ۴ جلسه به مدت ۲۰ دقیقه داده شد. مجدداً پس از یک ماه پرسشنامه ها تکمیل گردید و داده ها با استفاده از آزمونهای آماری و نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: یافته های این پژوهش نشان داد بین میزان آگاهی مادران قبل از آموزش ($58/7 \pm 8/1$) و بعد از آموزش ($59/1 \pm 0/15$) تفاوت معنا داری وجود دارد. ($p > 0/01$ و $t\text{-test} = 31/02$) همچنین سطح آگاهی در زمینه درمان بیماری در حد ضعیف بود (30%) که بعد از آموزش بالاتر رفت (70%).

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که اجرای مداخله آموزشی براساس نیاز مادران یک استراتژی موثر بر بهبود آگاهی آنها در مراقبت از نوزاد دارای زردی می باشد.

واژگان کلیدی: آموزش، آگاهی، مادر، زردی نوزادان



بررسی ارتباط و مقایسه اسهال نوزاد با تغذیه از شیر مادر و شیر خشک (مطالعه مروری)

الهام عبدلهی سهولی؛ کارشناس ارشد، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
زهرا محمودی؛ دانشجوی کارشناسی، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، ایران

زمینه و هدف: یکی از شایع‌ترین بیماری‌هایی که می‌تواند بر رشد و تکامل کودکان اثرات مهمی بر جای بگذارد اسهال می‌باشد که درصد بالایی از مراجعه بیماران به ویژه کودکان را به مراکز درمانی تشکیل می‌دهد و از علل عمده بیماری و مرگ و میر کودکان در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط و مقایسه اسهال نوزاد با تغذیه از شیر مادر و شیر خشک انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با استفاده از جدیدترین متون منتشر شده و جستجوی مقالات در سایت‌های SID و Google Scholar به زبان فارسی و سایت pubmed به زبان انگلیسی انجام گرفت که از کلید واژه اسهال نوزاد شیر مادر و شیر خشک استفاده شده است. در مرحله اول ۱۱۸ مقاله یافت شد. از میان آنها ۴۰ مقاله با موضوع که در ۱۵ سال اخیر منتشر شدند مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: تغذیه با شیر مادر با فراهم کردن سدهای دفاعی در مقابل عوامل عفونی باعث تقویت سیستم دفاعی نوزاد می‌شود. در این شیرخواران اسهال، عفونت‌های روده‌ای و عفونت ادراری کمتر رخ می‌دهد. همچنین در صورت بروز اسهال شدت و طول مدت آن در کودکانی که شیر مادر می‌خورند کمتر است. کلاسترول یک نوع چربی است که در شیر مادر نسبت به شیر خشک بیشتر یافت می‌شود و سیستم گوارشی نوزاد را برای هضم و متابولیسم کلاسترول در آینده آماده‌تر می‌کند. چربی شیر دامی که با آن شیر خشک تهیه می‌شود چربی اشباع بوده و هضم آن برای نوزاد بسیار مشکل است.

نتیجه‌گیری: نوزادانی که شیر مادر می‌خورند به مراتب کمتر از بچه‌هایی که از شیر گاو و شیرخشک تغذیه می‌کنند، دچار اسهال می‌شوند و از بین تمام استراتژی‌های پیشگیری از اسهال تغذیه با شیر مادر به لحاظ جنبه‌های مختلف، موثرترین و قابل قبول‌ترین استراتژی است.

واژگان کلیدی: اسهال نوزاد، شیر خشک، شیر مادر



بررسی ارتباط بین حساسیت اخلاقی پرستاران و رضایت بیماران از کیفیت مراقبت های پرستاری

الهام عبدالمهی شهولی؛ کارشناس ارشد، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

حکیمه محمد زاده؛ کارشناس ارشد، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زهرا محمودی؛ دانشجوی کارشناسی، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، ایران

زمینه و هدف: ارتباط جنبه اجتناب ناپذیر از مراقبت پرستاری از بیماران و عامل مهمی در بدست آوردن نتایج مثبت از درمان، کاهش تنش و رضایت بیمار می باشد. رضایت بیمار به عنوان شاخص مهم کیفیت و اثر بخشی سیستم سلامت محسوب میشود. حساسیت اخلاقی نقش مهمی در چگونگی انجام مسئولیت حرفه ای و تصمیم گیری اخلاقی پرستاران دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین حساسیت اخلاقی پرستاران و رضایت بیماران از کیفیت مراقبت های پرستاری انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی انجام شد. ابتدا ۲۰۰ پرستار شاغل در بخشهای داخلی، جراحی و ویژه به روش سرشماری انتخاب شدند، سپس بیماران به صورت سهمیه ای، به نسبت تعداد پرستاران شرکت کننده از هر بخش انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل: سوالات دموگرافیک، Patient Satisfaction Instrument و Moral Sensitive Question بود، تجزیه تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویراست ۲۳ انجام شد.

نتایج: بین حساسیت اخلاقی پرستاران و رضایت بیماران از کیفیت مراقبت های پرستاری همبستگی مثبت معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). اکثریت بیماران (70.5%) رضایت متوسطی از کیفیت مراقبت های پرستاری داشتند. 93/5% پرستاران از حساسیت اخلاقی بالایی برخوردار بودند. بین حساسیت اخلاقی پرستاران با متغیرهای جنس، بخش محل خدمت، وضعیت تاهل، نوع مسئولیت و نوبت کاری رابطه آماری معنی داغری وجود نداشت. رابطه رضایت بیمار با نوع بخش بستری معنی دار بود ($P = 0.03$). نتیجه گیری: افزایش حساسیت اخلاقی پرستاران در ارتقاء رضایت بیماران از کیفیت مراقبتهای پرستاری موثر است. تحقیقات بعدی با حجم نمونه ی بیشتر و بررسی سایر عوامل موثر بر رضایت بیماران به منظور دستیابی به اطمینان بیشتر از قابلیت تعمیم نتایج پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: حساسیت اخلاقی پرستاران، رضایت بیماران، کیفیت مراقبتهای پرستاری



بررسی میزان رعایت حقوق بیماران توسط پرستاران (مطالعه مروری)

صبا کریمی؛ کارشناس ارشد پرستاری، مربی، عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

زینب حسینی؛ دانشجوی دکتری محیط زیست، دانشگاه تهران

زمینه و هدف: رعایت اخلاق حرفه ای جز ماهیت ذاتی حرفه پرستاری است و رسالت حرفه پرستاری ارائه ی خدمات مورد نیاز بهداشتی، مراقبتی، درمانی و توانبخشی، در بالاترین سطح استاندارد جهت تامین ، حفظ و ارتقای سلامت جامعه است. هر چند اخلاق در همه مشاغل ضروری است اما در حرفه پرستاری این عامل ضرورت بیشتری دارد چرا که رفتار معنوی و توأم با مسئولیت پرستاران با بیماران، نقش موثری در بهبود و بازگشت سلامتی آنان دارد، لذا حرفه پرستاری بر پایه اخلاق استوار است، هدف از این مطالعه مروری بر میزان رعایت حقوق بیماران توسط پرستاران است.

روش کار: در این مطالعه مروری، مقالات منتشر شده بین سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفت. به منظور دستیابی به مستندات علمی مرتبط ، جستجوی الکترونیک به زبان انگلیسی با استفاده از کلید واژه های حقوق بیماران، پرستار، در بانک های اطلاعاتی CINAHL و MEDLINE COCRANE و Proquest انجام شد. اعتبار کلیه مقالات که به طور الکترونیکی جمع آوری شده بود توسط یک محقق مرورگر دیگر بررسی و تایید شدند.

نتایج: بر اساس مطالعات مهم ترین مواردی که پرستاران در آن نقص داشتند : عدم آشنایی پرستاران با مفاد حقوق بیمار بود، رعایت نکردن حریم خصوصی بیمار، نقص در رازداری و صحبت کردن در مورد مشکلات بیمار با سایر افراد بدون رضایت بیمار، عدم توجه به نظر بیمار جهت دادن آگاهی کافی در مورد بیماری وی ، انجام ندادن به موقع اقدامات پرستاری برای بیماران شامل این موارد بود.

نتیجه گیری: پرستاران مهم ترین افراد کادر درمان محسوب می شوند، بیشترین ارتباط با بیماران را پرستاران دارند، بنا براین رعایت کردن حقوق بیمار یک مورد لازم و ضروری برای پرستاران است، و عدم توجه به این مورد سبب نقص در مراقبت و کاهش رضایت بیمار می شود، بنابراین لازم است که مسئولین پرستاری دوره های ضمن خدمتی را جهت افزایش رعایت حقوق بیمار توسط پرستاران برگزار نمایند.

واژگان کلیدی: رعایت حقوق بیمار، پرستاران



بررسی ضرورت استفاده از الگوی روی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (مطالعه مروری)

صبا کریمی؛ کارشناس ارشد پرستاری، مربی، عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

رستم جلالی؛ دکتری پرستاری، دانشیار، عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

زینب حسینی؛ دانشجوی دکتری محیط زیست، دانشگاه تهران، ایران

زمینه و هدف: مولتیپل اسکلروزیس یک بیماری مزمن اتوایمیون است که به صورت تهاجمی امید به زندگی را تحت تاثیر قرار میدهد. متأسفانه شیوع این بیماری در سنین ۲۰ تا ۴۰ سال می باشد، یعنی سنی که اوج فعالیت کاری فرد محسوب می شود، این بیماری سبب ناتوانی جسمی بیمار و کاهش کیفیت زندگی بیمار می گردد، یکی از روش های مهم که سبب بهبود کیفیت زندگی بیمار می شود، استفاده از الگوی سازگاری روی است، این الگو با تمرکز بر روی بررسی محرک ها نیاز های بیمار را بررسی و حل می کند، هدف از این مقاله مروری بر ضرورت استفاده از الگوی روی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس است.

روش کار: در این مطالعه مروری، مقالات منتشر شده بین سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفت. به منظور دستیابی به مستندات علمی مرتبط، جستجوی الکترونیک به زبان انگلیسی با استفاده از کلیدواژه های الگوی سازگاری روی، کیفیت زندگی، مولتیپل اسکلروزیس در بانک های اطلاعاتی CINAHL و MEDLINE COCRANE و Proquest و Google Scholar، Mdconsult، Sciencedirect، Pedro، SID انجام شد. اعتبار کلیه مقالات که به طور الکترونیکی جمع آوری شده بود توسط یک نفر مرورگر دیگر بررسی و تایید شدند.

نتایج: طبق آخرین اطلاعات انجمن مولتیپل اسکلروزیس ایران در سال ۱۳۹۳، قریب به ۷۰۰۰۰ بیمار مبتلا به MS در کشور وجود دارد، و شیوع این بیماری از ۵ به ۵۱ نفر در هر صد هزار نفر رسیده است، شایع ترین مشکلات این بیماران شامل خستگی، اختلال حرکتی، کاهش عزت نفس، کاهش اعتماد به نفس، و ... می باشد، یکی از روش های مناسب برای رفع این مشکل استفاده از الگوی سازگاری است، تحقیقاتی که در این باره انجام شده اند، مشخص کرده اند که استفاده از این الگو سبب رفع مشکلات جسمی و روحی این بیماران شده است.

نتیجه گیری: اجرای الگوی سازگاری روی، شدت عوارض افراد مبتلا به ام اس را کاهش می دهد، لذا پیشنهاد می شود پرستاران از این الگوی کم هزینه در کاهش شدت عوارض و بهبود کیفیت این بیماران استفاده کنند.

واژگان کلیدی: الگوی سازگاری روی، مولتیپل اسکلروزیس



Evaluating old age-related costs in Iran (review article)

Saba Karimi; Lecturer, Nursing Department, School of Nursing and midwifery, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Zeinab Hosseini; Environmental PhD student, University of Tehran

Introduction: Increasing age in Iran in recent years has been one of the main concerns of the health system. One of the most important health system issues is the cost of aging care and treatment for the elderly. The cost is related to the aging of Iran.

Methodology: This article is the result of 12 articles on aging and aging-related costs as a result of the search for Mdconsult, Sciencedirect, Pedro, SID, Pubmed, Google scholar. Keywords: aging, economy, aging costs, Iran, was used.

Results: According to Iran's demographic indicators in the 1970s, about half of the population was under the age of 15, and by 2025 the population will be elderly. By 2050, the fertility rate is expected to be 2.1 and life expectancy is 78.5 years, and the population over the age of 60 is more than 20 percent from 6 percent in 1996. Although there has been a study in Iran, The nose is not paid for the elderly, but in an optimistic scenario, the elderly population will increase from about 6.7% in 2000 to 20% in 2050, and by taking five times the cost of treatment for the elderly, responding to health costs Need more than 2.5 times per person per person.

Conclusion: In recent decades, Iran has been exposed to the economic burden of contagious and infectious diseases and health sector activities focus on the prevention, treatment and rehabilitation of the complications of these diseases. But there is a third wave, and soon the economic burden of diseases will be concentrated on the population around Iran and its consequences, and for decision makers and officials it is necessary to consider plans to address this issue.

Keyword: Age, Economy, Cost, Iran



خود مراقبتی تغذیه ای و عوامل موثر بر آن در دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر اسفراین

ظاهره نسائی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران hoseinrohani3@gmail.com

زمینه و هدف: انجام خود مراقبتی امروزه از اولویت های نظام خدمات بهداشتی ایران می باشد. خود مراقبتی فرایندی فعال است که شامل اقدامات و فعالیت های آگاهانه آموخته شده و هدف داری است که توسط فرد یا افراد دیگر به منظور حفظ حیات خود انجام می گیرد. از انجایی که بخش عظیمی از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می دهند که درصد بالایی از این جوانان دانشجو اند و یکی از پرمخاطره ترین قشر های جامعه هستند که رفتارهای خود مراقبتی می تواند از مواجهه این قشر از عوامل مخاطره آمیز بکاهد لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر خود مراقبتی تغذیه در دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر اسفراین انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی _ تحلیلی است که به صورت مقطعی در سال ۹۶ انجام گرفته است. در این بررسی تعداد ۲۶۸ دانشجو به روش نمونه گیری طبقه ای از دانشگاه های علوم پزشکی و فنی مهندسی شهر اسفراین انتخاب شد. جمع آوری اطلاعات خودمراقبتی تغذیه ای با استفاده از پرسشنامه استاندارد خودمراقبتی تغذیه ای و به روش خود اظهاری تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ و آزمون های ضریب همبستگی اسپیرمن، آنووا، T مستقل تجزیه و تحلیل شدند. **نتایج:** از مجموع ۲۶۸ دانشجوی مورد بررسی ۶۲/۳٪ بودند. همچنین میانگین سنی آنها 20.5 ± 1.7 بود. یافته ها نشان داد میانگین نمرات خودمراقبتی تغذیه ای در دانشجویان 63.37 ± 7.8 بود. نتایج حاکی از آن بود که بین خودمراقبتی و متغیر های رشته تحصیلی ($P\text{-value} < 0.001$)، وضعیت تاهل ($P\text{-value} < 0.001$)، وضعیت سکونت ($P\text{-value} < 0.04$) و درآمد خانواده ($P\text{-value} < 0.001$) ارتباط آماری معنا داری وجود دارد اما بین خود مراقبتی و متغیر های جنسیت ($P\text{-value} < 0.1$)، نوع دانشگاه ($P\text{-value} < 0.45$) و ترم تحصیلی ($P\text{-value} < 0.48$) ارتباط معنا داری دیده نشد.

نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن است که وضعیت خودمراقبتی در بین دانشجویان در حد متوسط است. برخلاف انتظار وضعیت خودمراقبتی تغذیه ای در بین دانشجویان علوم پزشکی و فنی مهندسی یکسان بود. میتوان با رسیدگی بیشتر به تغذیه دانشجویان در محیط دانشگاه و آموزش خودمراقبتی تغذیه در تمام رشته ها، خود مراقبتی تغذیه ای را در بین دانشجویان ارتقاء دهیم.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، تغذیه، دانشجویان



استرس‌های شایع در بین دانشجویان دانشگاه‌های سطح شهر اردبیل

فیروز امانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
رقیه اصلانیان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
وحید عباسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

زمینه و هدف: استرس‌های زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی و جسمانی دارند. به ویژه با آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی همراه‌اند. شناسایی استرس‌های دانشجویان مبنای اساسی برای طراحی و تدوین برنامه‌های مختلف پیشگیرانه می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی استرس‌های دانشجویان دانشگاه‌های سطح شهر اردبیل انجام شد.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی-مقطعی بود که در سال ۱۳۹۳ انجام شد. جمعیت مورد مطالعه کلیه دانشجویان دانشگاه‌های سطح شهر اردبیل بود. برای انجام این پژوهش ۱۶۸ دانشجوی پسر و دختر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دموگرافیک و سوالات مربوط به سنجش استرس بود. روایی این پرسشنامه براساس روایی محتوایی و پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ تعیین گردید. برای آنالیز داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد و داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۵۵/۴٪ دانشجویان دانشگاه‌های شهر اردبیل از استرس در حد شدید برخوردار بودند. شایع‌ترین استرس دانشجویان به ترتیب شیوع عبارتند از: تغییرات تغذیه‌ای، بی‌قراری و پریشان‌ذهنی از موضوعی به موضوع دیگر به ترتیب با ۳۱/۱٪، ۲۷/۴٪، ۲۱/۱٪.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها در مجموع بیانگر ضرورت اجرای برنامه‌هایی برای کاهش استرس و همچنین آموزش روش‌های مقابله با فشارهای روانی و مشکلات شایع در بین دانشجویان می‌باشد.

واژگان کلیدی: استرس، دانشجویان، دانشگاه



بررسی وضعیت تکاملی در کودکان یکساله تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۱۳۹۶

فاطمه تاج الدینی، کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشجوی دوره MPH
f.tajedin@yahoo.com

شهناز دالبرپور احمدی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

پروین محمدقاسم پور، کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشجوی دوره MPH

فرناز اهدایی وند، متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده

زمینه و هدف: امروزه نیروی انسانی به عنوان رکن اساسی توسعه در نظر گرفته میشود و یکی از مهمترین پایه های دستیابی به این مهم بر پایه توجه به کودکان بعنوان نسل آینده خواهد بود. در این راستا پرداختن به مقوله رشد و تکامل کودکان و به ویژه مساله تکامل از اهمیت خاصی برخوردار است. تشخیص زودرس تاخیر تکاملی میتواند ناتوانی های دائمی را کاهش داده و از عوارض ثانویه پیشگیری کند. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت تکاملی کودکان یکساله تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی و توصیفی جمع آوری داده ها در سال ۹۶ و به صورت سرشماری انجام شد. کلیه کودکان ۱۲ ماهه که به مراکز خدمات جامع سلامت مراجعه کردند مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه غربالگری سنین و مراحل تکامل (ASQ) که توسط والدین تکمیل شده، بدست آمد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **نتایج:** از ۴۱۹۴۷ کودک، ۳۳۶۶ کودک (۸٪) در تست غربالگری تکامل نیاز به بررسی بیشتر و اقدامات سطح تخصصی داشتند. به ترتیب ۳۱/۸٪ در حیطه حرکات درشت، ۲۴٪ در حیطه حل مسئله، ۱۵/۴٪ در حیطه حرکات ظریف، ۱۵/۳٪ در حیطه شخصی اجتماعی و ۱۳/۳٪ در حیطه برقراری ارتباط دچار مشکل بودند.

نتیجه گیری: غربالگری اختلالات تکاملی کودکان به منظور تشخیص و مداخله زودرس اختلالات تکاملی و اقدامات ارتقای تکامل در سالهای اوان کودکی ضرورت دارد و تست غربالگر "پرسشنامه سنین و مراحل تکامل" میتواند در این زمینه کمک کننده باشد. همچنین با توجه به تاثیر اولیه خانواده در زمینه تکامل دوران کودکی آموزش والدین در خصوص حیطه های تکاملی کودک، از اهمیت بسیاری برخوردار است که باید مورد توجه برنامه ریزان سلامت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کودک، تکامل، پرسشنامه ASQ



ارزیابی عملکرد بیمارستان‌های دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی: سال ۱۳۹۶

فاطمه تاج‌الدینی، کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشجوی دوره MPH

f.tajedin@yahoo.com

شهناز دالبرپور احمدی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

پروین محمدقاسم پور، کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشجوی دوره MPH

فرناز اهدایی وند، متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده

زمینه و هدف: تغذیه با شیر مادر روش بی نظیر تغذیه شیرخواران است. توصیه جهانی برای تغذیه مطلوب شیرخواران مبنی بر شروع تغذیه با شیر مادر طی ساعت اول تولد، تغذیه انحصاری با شیر مادر در ۶ ماه اول عمر و سپس تداوم تغذیه با شیر مادر همراه با غذا های کمکی سالم تا ۲ سالگی یا بیشتر است. بدین منظور نهضت جهانی راه اندازی بیمارستان های دوستدار کودک در سال ۱۹۸۹ توسط سازمان جهانی بهداشت و یونیسف برای ارتقاء میزان تغذیه با شیر مادر معرفی گردید و جهت دستیابی به شیردهی موفق ۱۰ اقدام را پیشنهاد نمودند. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در زمینه اجرای ۱۰ اقدام در سال ۹۶ انجام شد.

روش کار: این بررسی به صورت مقطعی در کلیه بیمارستانهای دوستدار کودک (۴۰ بیمارستان) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۹۶ انجام شد. داده ها با استفاده از چک لیست استاندارد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و توسط کارشناسان ستاد شبکه ها و مراکز بهداشت جمع آوری گردید. سپس وارد نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از روش های توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: طبق یافته های بدست آمده امتیاز بدست آمده در ۱۰ اقدام به ترتیب تدوین سیاست مدون تغذیه با شیر مادر و نصب آن در در معرض دید کلیه کارمندان (۹۹/۱۶٪)، آموزش تمامی کارمندان به منظور کسب مهارتهای لازم برای اجرای سیاست های فوق (۹۸/۲۶٪)، آموزش مادران باردار در زمینه مزایای ترویج تغذیه با شیر مادر و چگونگی شیردهی (۹۶/۶۳٪)، کمک به مادران جهت تماس پوست با پوست و شروع تغذیه با شیر مادر ظرف یک ساعت (۹۵/۴۴٪)، آموزش مادران در مورد روش تغذیه با شیر مادر و چگونگی حفظ و تداوم شیردهی حتی هنگام جداسدن نوزاد (۹۵/۵۶٪)، تغذیه انحصاری نوزاد سالم با شیر مادر و منع استفاده از غذا یا مایعات دیگر (۱۰۰٪)، اجرای برنامه هم اتاقی مادر و نوزاد در طول شبانه روز (۹۹/۱۹٪)، تشویق مادران برای تغذیه با شیر مادر بر حسب میل و تقاضای شیرخوار (۹۹/۶۶٪)، منع کامل استفاده از شیشه شیر و پستانک (۹۷/۷۲٪)، تشکیل گروههای حمایت از مادران شیرده و پیگیری آن و معرفی مادران به هنگام ترخیص به این گروه ها (۹۸/۷۸٪) میباشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، اجرای اقدامات ده گانه در حد مطلوب (بالای ۹۰٪) بوده. با این حال با توجه به اهمیت تغذیه با شیر مادر بایستی دستورالعمل ترویج تغذیه با شیر مادر در بیمارستان های دوستدار کودک به طور کامل اجرا شود. طراحی مداخلاتی جهت آموزش مادران، کمک به مادران جهت تماس پوست با پوست و شروع تغذیه با شیر مادر ظرف یک ساعت، در این زمینه لازم به نظر میرسد.

واژگان کلیدی: ارزیابی، شیرمادر، بیمارستان های دوستدار کودک



بررسی علل تغذیه با شیر مصنوعی در کودکان زیر یکسال تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۱۳۹۶

فاطمه تاج الدینی، کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشجوی دوره MPH
f.tajedin@yahoo.com

شهناز دالبرپور احمدی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

پروین محمدقاسم پور، کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشجوی دوره MPH

فرناز اهدایی وند، متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده

زمینه و هدف: شیر مادر بهترین غذا برای شیر خواران است. شیر مادر تمام نیازهای تغذیه‌ای شیرخوار را تامین می‌نماید و در حفظ سلامتی کودکان در دنیا نقش بسیار مهمی دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین علل مصرف شیر مصنوعی در کودکان زیر یکسال تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی و توصیفی جمع‌آوری داده‌ها در سال ۹۶ و به صورت سرشماری انجام شد. کلیه کودکان زیر یکسال که توسط مراکز بهداشتی درمانی شیر مصنوعی (کامل یا کمکی) دریافت کردند مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها از طریق پرونده الکترونیک و مصاحبه با مادر بدست آمد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع از ۸۹۵ کودک مورد بررسی، ۷۹/۹٪ به صورت کامل و ۲۰/۱٪ به صورت کمکی با شیر مصنوعی تغذیه شدند. علل مصرف شیر مصنوعی در این کودکان به ترتیب چندقلویی (۵۷/۴٪)، مطلوب نبودن نمودار رشد کودک (۱۶/۱٪)، بیماری مزمن مادر (۱۰/۱٪)، مصرف دارو توسط مادر (۳/۹٪)، فرزندخواندگی (۱/۶٪)، جدایی والدین (۰/۷٪)، فوت مادر (۰/۳٪) و سایر موارد می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، آموزش مادران باردار و شیرده بخصوص مادران چندقلوزا و مادرانی که کودکان آنها دارای رشد نامطلوب است، در زمینه اهمیت تغذیه با شیر مادر و نحوه صحیح شیردهی میتواند نقش مهمی در کاهش مصرف شیر مصنوعی داشته باشد.

واژگان کلیدی: شیر مادر، شیر مصنوعی، کودکان



ارزیابی برقراری تماس پوست با پوست مادر و نوزاد و شروع تغذیه با شیر مادر از ساعت اول تولد در بیمارستانهای دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: سال ۱۳۹۶

فاطمه تاج الدینی، کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشجوی دوره MPH
f.tajedin@yahoo.com

شهناز دالبر پور احمدی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

پروین محمدقاسم پور، کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشجوی دوره MPH

فرناز اهدایی وند، متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده

زمینه و هدف: شروع تغذیه با شیر مادر طی یک ساعت اول تولد، اولین و حیاتی ترین گام ها برای کاهش مرگ و میر شیرخواران و کودکان است. در بررسیهای انجام شده نوزادانی که بلافاصله پس از تولد در تماس پوست با پوست با مادر قرار گرفته اند آنها مکیدن موثری در اولین تغذیه در مقایسه با نوزادان دیگر داشتند. همچنین مطالعات متعددی نشان دادند که تماس پوستی زودرس مادر و نوزاد منجر به افزایش قابل توجه میزان تغذیه با شیر مادر و طول مدت شیردهی می شود. مطالعه حاضر با هدف برقراری تماس پوست با پوست مادر و نوزاد و شروع تغذیه با شیر مادر از ساعت اول تولد در بیمارستانهای دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: این بررسی به صورت مقطعی در کلیه بیمارستانهای دوستدار کودک (۴۰ بیمارستان) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ انجام شد. داده ها با استفاده از پک لیست استاندارد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و توسط کارشناسان ستاد شبکه ها و مراکز بهداشت جمع آوری گردید. سپس وارد نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از روشهای توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: طبق یافته های مطالعه، امتیاز بدست آمده از بررسی مستندات ۸۲/۵٪، مشاهده ۸۲/۷٪، آگاهی کارکنان ۸۱/۹٪ و آگاهی مادران ۸۲/۵٪ بدست آمد.

نتیجه گیری: امتیازات بدست آمده از تکمیل چک لیست مطلوب بوده ولیکن با توجه به اهمیت برقراری به هنگام تماس پوست با پوست مادر و نوزاد و شروع تغذیه با شیر مادر در ساعت اول تولد بایستی دستورالعمل مراقبت ساعت اول تولد در تمام بیمارستانهای دوستدار کودک با جدیت بیشتری اجرا شود و مداخلات لازم جهت ارتقاء این شاخص طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: ارزیابی، بیمارستان دوستدار کودک، شیر مادر



سبک زندگی و عوامل خطر ابتلا به دیابت: یک مقاله مروری در ایران

فاطمه السادات ایزدخواه؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نسرین شریف زاده؛ کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران

ذبیح اله قارلی پور؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: دیابت به عنوان یکی از شایع‌ترین بیماری‌های مزمن و از جمله بیماری‌های غدد درون ریز است که به دلیل اختلال در متابولیسم گلوکز بر سیستم‌های بدن تاثیر گذار می باشد. این بیماری شایع ترین علت قطع اندام، نابینایی و نارسایی مزمن کلیه و یکی از مهمترین عوامل خطر بیماری‌های قلبی و عروقی است. دیابت . بیماری است که ارتباط مستقیم با سبک زندگی دارد. سبک زندگی عبارت است از یک شیوه زندگی مبتنی بر الگوهای رفتاری قابل شناخت که این الگوها از تاثیر متقابل بین ویژگی‌های شخصیتی یک فرد با مداخلات اجتماعی و شرایط اجتماعی-اقتصادی زندگی حاصل می شود. این مطالعه مروری است بر عوامل خطر در سبک زندگی که منجر به ابتلا به دیابت می شوند.

روش کار: این مطالعه مروری در نتیجه جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی [magiran](#), [iranmedex](#), [google schola](#) از فروردین ماه سال ۱۳۸۰ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۶ با کلیدواژه‌های عوامل خطر دیابت و سبک زندگی بوده که حدود ۸۵ مقاله به دست آمد و ۳۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس مطالعات انجام شده مهمترین عوامل سبک زندگی موثر بر ابتلا به دیابت شامل چاقی و اضافه وزن، فعالیت بدن ناکافی و کم تحرکی، سابقه خانوادگی ابتلا به دیابت، الگوی غذایی نامناسب می باشد. همچنین یک مطالعه نشان داد که الگوی غذایی حاوی مقادیر بالای غلات کامل و حبوبات خطر ابتلا به دیابت نوع دو را کاهش می دهد. مطالعات مختلف نشان داده که بین کیفیت زندگی، افسردگی، تاب آوری و خودمدیریتی و ابتلا به دیابت ارتباط معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: بخش عمده ای از عوامل مرتبط با ابتلا به دیابت مربوط به سبک زندگی است در نتیجه با افزایش آگاهی درباره سبک زندگی سالم و آرایه آموزش‌های لازم در جهت ارتقای سلامت و تشویق به اتخاذ سبک زندگی سالم و تعدیل عوامل خطر ابتلا به دیابت در سبک زندگی، می توان احتمال ابتلا به دیابت را کاهش داد.

واژگان کلیدی: دیابت، سبک زندگی، عوامل خطر



بررسی سواد سلامت در بیماران دیابتی و ارتباط آن با خود مراقبتی: یک مقاله مروری در ایران

فاطمه السادات ایزدخواه؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نسرین شریف زاده؛ کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران
ذبیح اله قارلی پور؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: دیابت از مشکلات جدی جهانی است که منجر به عوارض شدید و مرگ زودرس می شود. کنترل بیماری دیابت مستلزم خودمراقبتی ویژه در طول زندگی بیمار است که شامل تبعیت از رژیم غذایی، فعالیت فیزیکی، کنترل قند خون و تبعیت از مصرف دارو است. یکی از عوامل موثر بر خود مراقبتی و انجام صحیح رفتارهای خود مراقبتی سواد سلامت است. سواد سلامت به معنی توانایی فرد در کسب، پردازش و درک اطلاعات مربوط به سلامت و خدمات مورد نیاز برای تصمیم گیری در مورد سلامت می باشد. این مطالعه مروری بر سواد سلامت و خود مراقبتی در بیماران دیابتی در ایران است.

روش کار: این مطالعه مروری در نتیجه جستجو در پایگاههای اطلاعاتی sid, magiran, iranmedex, google scholar از تیر ماه سال ۱۳۸۶ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۵ در مورد سواد سلامت و خود مراقبتی بیماران دیابتی در ایران بود که حدود ۸۵ مقاله به دست آمد و از میان آن ها ۴۰ مقاله انتخاب شد.

یافته ها: نتایج یک مطالعه نشان داد که شایعترین مانع خودمراقبتی، ضعف سواد سلامت است. نتایج اکثر مطالعات حاکی از ناکافی بودن سواد سلامت در بین بیماران دیابتی بود. نتایج یک مطالعه نشان داد که رابطه مثبت و معنی داری بین سواد بهداشتی و خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت وجود دارد. یافته های مطالعه ای بیانگر افزایش خودکارآمدی بیماران دیابتی با افزایش سواد سلامت بود. یک مطالعه نشان داد که بین سواد سلامت ارتباطی و انتقادی با رفتارهای خود مراقبتی تبعیت از رژیم غذایی، انجام فعالیت فیزیکی، پایش قند خون و مراقبت از پا ارتباط معنی داری وجود دارد. در یک مطالعه بروی بیماران دیابتی بین سواد سلامت و سلامت عمومی ارتباط معنی داری مشاهده شد. مطالعه بروی سالمندان دیابتیک نشان داد در سالمندان با سواد سلامت کافی تبعیت دارویی، تبعیت از رژیم غذایی و ورزش بالاتر بود و میزان HbA1C به طور معنی داری کمتر بود. **نتیجه گیری:** با توجه بر تاثیر بالا رفتن سواد سلامت بر ارتقای رفتارهای خود مراقبتی در بیماران دیابتی و در نتیجه ارتقای سلامت آن ها، ضرورت توجه به سواد سلامت و اتخاذ راهکارهایی برای بهبود سواد سلامت بیماران در بیمارستان ها، کلینیک ها، بین پزشکان و پرستاران و مراقبان سلامت بیماران دیابتی روشن می گردد.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، دیابت، خودمراقبتی، ایران



اثر بخشی کاربرد مدل اعتقاد بهداشتی بر بیماران دیابتی: یک مقاله مروری در ایران

فاطمه السادات ایزدخواه؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زهره احمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

ذبیح اله قارلی پور؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: دیابت یکی از بیماری‌های مزمن است که با شیوع و بروز بالای جهانی همراه است. مدل اعتقاد بهداشتی یکی از مدل‌های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت است که به طور عمومی به قصد بررسی یا توضیح رفتارهای مرتبط با سلامتی استفاده می‌شود. این مدل دارای ۶ جز اصلی است که عبارتند از: تهدید درک شده، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده، موانع درک شده و راهنای عمل. هدف از انجام این مطالعه مروری بر مقالات انجام شده بر روی بیماران دیابتی با کاربرد اعتقاد بهداشتی و بررسی اثر بخشی مدل است.

روش کار: این مطالعه مروری در نتیجه جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی [sid](#), [magiran](#), [iranmedex](#), [google scholar](#) از فروردین ماه سال ۱۳۸۶ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۶ با کلید واژه‌های دیابت و مدل اعتقاد بهداشتی بود که که حدود ۹۰ مقاله به دست آمد و ۳۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: اکثر مطالعات حاکی از این بود که به کارگیری مدل اعتقاد بهداشتی ابزاری اثر بخش برای پیش بینی رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی می‌باشد. همچنین اثربخشی مدل اعتقاد بهداشتی در آموزش رژیم غذایی به بیماران دیابتی مورد تایید قرار گرفت. و مطالعات نشان داد که مدل اعتقاد بهداشتی می‌تواند علل ضعف انجام پیاده روی را پیشگویی کند و به عنوان چهارچوبی جهت اجرای مداخلات آموزشی به منظور کنترل بیماری دیابت مورد استفاده قرار گیرد و تدوین برنامه آموزش پیاده روی بر اساس این مدل برای بیماران دیابتی اثر بخش و سودمند است. همچنین مطالعات کارایی مدل اعتقاد بهداشتی در اتخاذ رفتارهای مراقبت از پا را در بیماران دیابتی مورد تایید قرار داد.

نتیجه گیری: مدل اعتقاد بهداشتی به عنوان مدلی کارآمد و اثر بخش بر روی جنبه‌های مختلف خود مراقبتی بیماران دیابتی مثل، تغذیه، پیاده روی، مراقبت از پای دیابتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و پیشنهاد می‌شود در کنار آموزش‌های سنتی مداخلات آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی نیز برای تغییر رفتار بیماران دیابتی انجام گیرد.

واژگان کلیدی: بیماران دیابتی، مدل اعتقاد بهداشتی، ایران



Internet of thing a new innovation in healthcare

Nafiseh Naseri; School of Paramedical, Tabriz University of medical sciences, Tabriz, Iran

Introduction: Today Internet of Thing (IOT) is considered globally and includes a wide domain in many fields. Provision of services in real time, anytime and anywhere is the main requirement for users which is supplied by the IOT that requires continuous network connectivity, data generation, and results in the production of a substantial volume of data.

Methods: This paper is a systematic review that we propose an overview of the IOT in healthcare and its usage in crisis management. Searches were conducted across electronic data bases (PubMed, SID, Google-scholar and Medline).

Results: According to studies, the healthcare industry has been slow in adopting Internet of Thing technology when compared to other industries nevertheless that play a very valuable role in this field. Crisis management in the natural disaster especially post stage is the important part of healthcare network that needs to have specific notice.

Conclusion: Providing health services in disasters is one of the main pillars of crisis management and it needs to have a suitable quality and quantity to ensure the health of the affected community and it involved a wide volume of people in that area and after that health consequences are made that IOT assist to better management of this crisis.

Keywords: *internet of thing, IOT, internet, IOT networks*



بررسی میزان خودآزمایی سرطان پستان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل سال ۱۳۹۶

رضا آقایی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران
nrsrezagaie@gmail.com

منیر مشیری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران

مقدمه: سرطان پستان شایع‌ترین سرطان و دومین سرطان کشنده در زنان است. مهم‌ترین فاکتور در امید به زندگی بیماران زمان تشخیص بیماری می‌باشد. خودآزمایی سرطان پستان روشی بدون هزینه است که توسط خود فرد انجام می‌شود. هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان استفاده از این روش تشخیصی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی تحلیلی - ۴۱۵ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از تاریخ یکم دیماه تا پنجم بهمنماه به روش نمونه‌گیری دردسترس وارد مطالعه شدند. معیار ورود به مطالعه تحصیل در یکی از رشته‌های دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل سن بالای بیست سال جنسیت مونث و تمایل به شرکت در مطالعه بوده است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته دارای ۶ سوال دموگرافیک و ۷ سوال مربوط به خودآزمایی سرطان پستان می‌باشد. روایی پرسشنامه به روش اعتبار محتوی و پایایی آن به روش کوردریچارکسون با ضریب الفای ۰,۸۱ تایید شد. داده‌ها با استفاده از ورژن ۱۶ نرم افزار SPSS و روش‌های آماری کای دو تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: بر اساس نتایج مطالعه ۴۲,۸٪ (۱۸۶ نفر) از واحد‌های پژوهشی در رشته‌های پزشکی و ۵۵,۲٪ (۲۲۹ نفر) در رشته‌های غیر پزشکی مشغول تحصیل بودند. ۷۲,۷٪ (۳۰۲ نفر) از واحد‌های پژوهشی مجرد و ۲۷,۲٪ (۱۱۳ نفر) متأهل بودند. همچنین ۸۱,۲۱٪ (۳۳۸ نفر) فرزندان و ۷,۷٪ (۳۲ نفر) سابقه سرطان پستان در خانواده خود داشتند. نتایج مطالعه بیانگر این است که ۹۳٪ (۳۸۸ نفر) معتقد هستند این تست لازم است و ۲۴,۵٪ (۱۰۲ نفر) حداقل یک بار این تست را انجام داده‌اند و ۱۵,۴٪ (۴۴ نفر) مرتباً این تست را انجام می‌دهند، همچنین ۶۰٪ (۲۵۲ نفر) از طریق فضای مجازی و ۲۸,۹٪ (۱۲۰ نفر) از طریق کتاب‌های درسی و ۷,۴٪ (۳۱ نفر) از طریق بروشور ۲,۸٪ (۱۲ نفر) از طریق تلوزیون با این تست آشنا بودند. آزمون آماری کای دو اختلاف معنا داری بین سن با انجام تست نشان نداد ($P < 0/001$) همچنین اختلاف معنا داری بین رشته تحصیلی و انجام تست نبود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه علیرغم این که بسیاری معتقد بودند این تست لازم است ولی همچنان آنرا نادیده می‌گرفتند. با توجه به اهمیت تشخیص زودهنگام این بیماری پیشنهاد می‌شود از پتانسیل شبکه‌های اجتماعی در آموزش این تست و روش‌های مشابه استفاده شود.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، خودآزمایی، دانشجویان



فراوانی و انگیزه های مصرف غذاهای فوری (فست فود) در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال ۱۳۹۶

رضا آقایی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران
nrsrezagaie@gmail.com

منیر مشیری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران

مقدمه: امروزه با تغییر در شیوه زندگی گرایش به مصرف غذاهای فوری بسیار افزایش یافته است. دانشجویان بعلت شرایط اقامت و تحصیل خود یکی از گروه های در معرض خطر هستند. این مطالعه با هدف تعیین میزان فراوانی و انگیزه های مصرف غذاهای فوری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل انجام گرفت.

روش کار: در این مطالعه توصیفی ۲۰۶ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و وارد مطالعه شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه ای محقق ساخته انجام شد. داده ها بعد از جمع آوری با استفاده از نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS و روش های آماری توصیفی و تحلیلی (کای دو) تحلیل گردید.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه ۶۲٫۶٪ (۱۲۹ نفر) از واحدهای پژوهش مونث، ۸۳٫۵٪ (۱۷۲ نفر) مجرد بودند. نتایج مطالعه بیانگر آن بود که ۹۴٫۲٪ واحدهای پژوهش (۱۹۴ نفر) غذای فوری مصرف می کردند. ۳۵٫۹٪ (۷۴ نفر) از واحدهای پژوهش ماهیانه یکبار، ۳۴٪ (۷۰ نفر) هفته ای ۲ - ۱ بار، ۱۵٫۵٪ (۳۲ نفر) هفته ای ۳ - ۴ بار، ۲٫۹٪ (۶ نفر) هفته های ۵ بار یا بیشتر و ۵٫۸٪ (۱۲ نفر) سالی یکبار غذای فوری مصرف می کردند. نوع غذای فوری مصرفی در ۳۵٫۵٪ (۶۹ نفر) ساندویچ و در ۲۹٫۶٪ (۶۱ نفر) پیتزا و در ۱۹٫۹٪ (۴۱ نفر) پیتزا همراه با ساندویچ و سرخ کردنی بود. بیشترین انگیزه مصرف غذای فوری عبارت از نداشتن وقت پخت غذا ۲۶٫۲٪ (۵۴ نفر) خوشمزه بودن غذاهای فوری ۲۶٫۲٪ (۵۴ نفر) و دور هم بودن با دوستان ۲۴٫۳٪ (۵۰ نفر) بود. نتایج مطالعه همچنین بیانگر آن بود که ۷۹٫۶٪ (۱۶۴ نفر) از مضرات حاصل از مصرف این نوع غذاها آگاهی کامل داشتند. در این پژوهش آزمون کای دو اختلاف آماری معنی داری را بین مصرف غذای فوری در دانشجویان مونث و مذکر نشان داد ($P < 0.05$) و دانشجویان مونث بیشتر از دانشجویان مذکر غذای فوری مصرف می کردند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه اکثر واحدهای پژوهشی علیرغم آگاهی از عوارض و خطرات مصرف غذاهای فوری از غذای فوری استفاده می کنند. لازم است سیاست گذاران نظام سلامت کشور با تدوین برنامه های آموزشی و مشاوره ای مناسب کلیه اقشار جامعه را بیش از پیش با مضرات حاصل از مصرف بی رویه غذاهای آماده آشنا نمایند.

واژگان کلیدی: مصرف غذای فوری، دانشجویان، دانشگاه آزاد اسلامی



بررسی میزان آگاهی گردشگران از سامانه رسیدگی به شکایات وزارت بهداشت ۱۹۰ در شهرستان سرعین در سال ۱۳۹۶

رضا آقایی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران
nrsrezagaie@gmail.com

منیر مشیری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران

مقدمه: مسائل بهداشتی همواره یکی از مشکلات گردشگران در ایام سفر بوده‌است. حق مسلم هر گردشگری است که بداند سرویسی که دریافت میکند دارای استاندارد های بهداشتی است و در مواقع مواجه شدن با موارد ناخوشایند بتواند از حقوق خود دفاع کند. سامانه رسیدگی به شکایات ۱۹۰ این بستر را برای عموم مردم و گردشگران فراهم می کند. هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان آگاهی گردشگران از این سامانه می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی تحلیلی - ۸۲۶ نفر از گردشگران وارد شده به شهر سرعین از تاریخ سوم شهریور تا یکم مهر ماه سال ۱۳۹۶ به روش نمونه گیری درسترس وارد مطالعه شدند. معیار ورود به مطالعه انتخاب شهر سرعین به عنوان مقصد سفر و تمایل به شرکت در مطالعه بوده است. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه ای محقق ساخته دارای ۱۰ سوال دموگرافیک و ۶ سوال مربوط به آگاهی از سامانه ۱۹۰ انجام شد. روایی پرسشنامه به روش اعتبار محتوی و پایایی آن به روش کورد-ریچارکسون با ضریب الفای ۰,۷۹ تایید شد. داده ها با استفاده از ورژن ۱۶ نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: بر اساس نتایج این مطالعه تنها ۴۱,۸٪ از واحدهای پژوهشی با این سامانه آشنایی داشتند. ۲۹,۶٪ از طریق بروشورها و ۴۱/۲٪ از طریق برچسب های چسبانده شده به مراکز ارائه سرویس و ۶,۳٪ از طریق فضای مجازی با این سامانه آشنا شده بودند همچنین نتایج بیانگر آن بود که ۱۵,۴٪ از گردشگران معتقد بودند هیچ نتیجه ای از استفاده از این سامانه نخواهند گرفت و ۱۷,۴٪ از گردشگران معتقد بودند فوراً نتیجه خواهند گرفت ۶۷,۲٪ از گردشگران معتقد بودند نتیجه خواهند گرفت. تنها ۶,۱٪ از واحد های پژوهشی از این سامانه استفاده کردند.

نتیجه گیری: با توجه به آشنایی نسبتاً کم گردشگران با سامانه رسیدگی به شکایات ۱۹۰ توصیه میشود از پتانسیل های شبکه های اجتماعی و دیگر رسانه ها جهت آشنا کردن عموم مردم با این سامانه استفاده شود و همچنین با آموزش و اطلاع رسانی در خصوص کارآمدی این سامانه میتوان بیش از پیش مردم را به استفاده از این سامانه ترغیب کرد.

واژگان کلیدی: مصرف غذای فوری، دانشجویان، دانشگاه آزاد اسلامی



تأثیر آموزش واقعیت درمانی گروهی بر سلامت روان کارگران کارخانه مدیران خودرو شهرستان بزم در سال ۱۳۹۶

پارسا محمد علی زاده؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی
دانشکده بهداشت، علوم پزشکی بزم، ایران

parsaalizade98@gmail.com

زهرا مقصودی هفشجانی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بزم،
بزم، ایران

صحرا ناصری؛ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بزم، ایران

مقدمه: سلامت جسمی و روانی کارگران یکی از فاکتورهای مهم موثر بر نحوه عملکرد شغلی آنان است؛ که می تواند به عنوان یک روش مشاوره و مداخله درمانی « واقعیت درمانی ». منجر به تأثیر بر روی برخی از جنبه های رفتاری سلامت آنان شود کمک به افراد برای به دست آوردن کنترل بر زندگی خود است. اثر فرایند واقعیت درمانی در تعلیم و تربیت، پرورش فرزندان، مدیریت و تغییر رفتار تایید شده است. مفاهیم و روش های واقعیت درمانی، در هر شرایط و موقعیتی که افراد بخواهند بیاموزند چگونه نیازهای خود را به طور مسئولانه ارضا کنند کارآمد می باشند. لذا این تحقیق با هدف آموزش واقعیت درمانی گروهی بر سلامت روان کارگران کارخانه مدیران خودرو شهرستان بزم در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است.

روش کار: این پژوهش از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه ی کارگران کارخانه های خودروسازی شهرستان بزم بودند. ۴۰ مرد به شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل به طور برابر (۲۰) قرار گرفتند. پرسشنامه سلامت روان (GHQ)، به عنوان پیش آزمون، پس آزمون به کار برده شد. آموزش واقعیت درمانی در طول ۸ جلسه هفته های دو بار برای گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل هیچ درمانی دریافت نکرد. برای مقایسه نتایج اولیه ی پژوهش از روش های مختلف آمار توصیفی مانند توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و برای بررسی میزان تأثیر مداخلات صورت گرفته و کنترل نمرات پیش آزمون از تحلیل کواریانس استفاده شد و در نهایت برای انجام عملیات آماری از نرم افزار آماری ۱۹ spss استفاده گردید.

یافته ها: با توجه به نتایج آزمون کواریانس برای عامل کلی سلامت روان، معناداری F با مقدار (۵۰ / ۸۴) برای عامل سلامت روان نشان می دهد که بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در مقیاس کلی سلامت روان تفاوت معنادار وجود دارد. نمرات سلامت روان در آزمودنی های گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به طور معناداری افزایش داشت.

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها، نتایج نشان داد آموزش واقعیت درمانی تأثیر قابل ملاحظه ای در سلامت روان کارگران دارد و افراد اعم از مبتلایان به اختلالات روانشناختی، کارکنان و مدیران میتوانند از فنون و روشهای واقعیت درمانی برای بهبودی میزان تسلط بر زندگی خود، استفاده کنند.

واژگان کلیدی: سلامت روان، آموزش واقعیت درمانی، کارگران



بررسی رفتارهای پیشگیری از سرطان معده بر اساس تئوری انگیزش محافظت در زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت زاهدان

فرناز کیخا؛ دانشجوی کارشناسی، گروه بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

غلامرضا مسعودی؛ عضو هیئت علمی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
منیر اسکندری؛ دانشجوی کارشناسی، گروه بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مینا قیصری؛ دانشجوی کارشناسی، گروه بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مقدمه: سرطان معده سومین علت مرگ و میر در ایران محسوب شده و شایع ترین نوع سرطان دستگاه گوارش می باشد. الگوهای رفتاری به ویژه الگوی غذایی نقش مهمی در پیشگیری از بروز سرطان دارند. این پژوهش با هدف مطالعه رفتارهای پیشگیری از سرطان معده بر اساس تئوری انگیزش محافظت در زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت زاهدان صورت گرفت.

روش کار: پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی بوده که بر روی ۴۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شهر زاهدان با در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج و روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته بود، انجام شد. نتایج با کمک نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی (میانگین درصد) و تحلیلی (همبستگی پیرسون، کای دو، رگرسیون خطی و آزمون اسمیرنف کولموگروف) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سطح معناداری در این مطالعه $p < 0/05$ در نظر گرفته شد.

نتایج: ۹۴/۳ درصد افراد متأهل بوده و به ترتیب ۹/۳ و ۲۷/۵ و ۲۰/۲۵ درصد بی سواد، ابتدایی و دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. ۱۷ درصد مشارکت کنندگان در پژوهش دارای سابقه خانوادگی سرطان گوارش بودند. سرطان معده با ۴/۷ درصد شایع ترین نوع سرطان در بین اعضای خانواده افراد این مطالعه بود. ۸۳/۳۳ درصد افراد از آگاهی خوبی درباره رفتارهای پیشگیری از سرطان برخوردار بودند. آگاهی، کارآمدی پاسخ، خودکاری و هزینه پاسخ، پاداش و انگیزش محافظت رابطه معنی داری با رفتار خودمراقبتی داشته ($p < 0/05$) اما حساسیت شدت درک شده و ترس رابطه معنی داری با رفتار خودمراقبتی نداشتند ($p > 0/05$) نتیجه گیری: طراحی و اجرای آموزش های تئوری محور که به ویژه بر اساس سازه های آگاهی، کارآمدی پاسخ، خودکاری، هزینه پاسخ، پاداش و انگیزش محافظت بنا شده باشند نقش مؤثری در ارتقای رفتارهای پیشگیری از سرطان گوارش دارد.

واژگان کلیدی: سرطان، معده، تئوری، انگیزش، محافظت، زاهدان



تأثیر برنامه خود مراقبتی اورم بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک

علیرضا رفیع؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

زینب رضایی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

مقدمه: مولتیپل اسکلروزیس یک بیماری مزمن، پیشرونده شایع دمیلائزاسیون سیستم عصبی مرکزی در بالغین جوان می باشد. شیوع آن در سنین جوانی و با کاهش عملکرد فردی و اجتماعی همراه است. این بیماری بهبودی کامل برنامه درمانی انفرادی، سازماندهی شده و مستدل لازم است. هدف از درمان، به تأخیر انداختن پیشرفت بیماری، درمان نشانه های مزمن و درمان عودهای حاد می باشد. یکی از شاخص های موفقیت مداخلات درمانی و مراقبتی در بیماری های مزمن بهبود کیفیت زندگی است. لذا این مطالعه با هدف بررسی تأثیر خود مراقبتی بر کیفیت زندگی افراد مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس انجام می شود.

روش کار: این مطالعه مروری با جستجو در سایت های علمی Google scholar, Sid, magiran, PubMed و iranmedex با کلیدواژه های Multiple sclerosis, Quality of life, orem self care، خودمراقبتی، مولتیپل اسکلروزیس، کیفیت زندگی طی سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷ بررسی شد.

یافته ها: نتایج مختلف نشان میدهد که افزایش چشم گیری در میانگین امتیازات کیفیت زندگی در حیطه عملکرد جسمانی، روانشناختی، عملکرد اجتماعی ابعاد روحی و رفاه عاطفی بعد از اقدام به خود مراقبتی ایجاد شده است. الگوی خودمراقبتی اورم بر روی کیفیت زندگی افراد مبتلا به، مولتیپل اسکلروزیس تأثیر مثبت داشته است. همچنین تفاوت معنا داری در جهت افزایش ابعاد روحی کیفیت زندگی بیماران مشاهده شد.

نتیجه گیری: طراحی یک برنامه خود مراقبتی بر اساس الگوی اورم در کیفیت زندگی بیماران مولتیپل اسکلروزیس موثر است. یک روش کم هزینه و غیر تهاجمی و تکمیل کننده درمان های پزشکی می باشد بنابر این می تواند مورد توجه مراکز درمانی و حمایتی این بیماران قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، مولتیپل اسکلروزیس، کیفیت زندگی



موانع خودمراقبتی از دیدگاه بیماران دیابتیک نوع ۲ در ایران: مروری سیستماتیک

علیرضا رفیع؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

زینب رضایی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

مقدمه: دیابت یکی از شایعترین بیماریهای مزمن متابولیک است که عوارض ناشی از آن یکی از دلایل اصلی مرگ و میر است. فدراسیون بین‌المللی دیابت توصیه می‌کند که بیماران برای کنترل مطلوب قند خون، تدابیر خودمراقبتی را به کار گیرند. موانع درک شده نقش نیز نقش مهمی در خودمراقبتی دارد. لذا این مطالعه مروری با هدف موانع درک شده از دیدگاه بیماران در ایران انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مروری با جستجو در سایت‌های علمی PubMed، Sid، magiran، Google scholar و iranmedex با کلیدواژه‌های Perceived barriers، Diabetes، Self-care، خودمراقبتی، دیابت موانع درک شده طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۸ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داد همبستگی منفی معناداری بین موانع درک شده و خودمراقبتی وجود دارد که موانع درک شده از دیدگاه بیماران در حیطه‌های جسمی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، مدیریتی و روانی قرار دارد. برخی مطالعات موانع جسمی و اقتصادی و برخی موانع مدیریتی (نداشتن وقت کافی پرستار برای پاسخگویی به بیمار) مهم‌ترین عامل موانع خودمراقبتی از دیدگاه بیمار بیان کردند.

نتیجه‌گیری: شناسایی موانع خودمراقبتی، خصوصاً از گام‌های مهم در کمک به بیماران دیابتی می‌باشد. به توجه به شناسایی مهم‌ترین ابعاد موانع خودمراقبتی پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان دانشکده‌های پرستاری به بعد‌های اقتصادی (پایش قند خون، تحت پوشش قرار دادن بیمه‌ها، تامین ابزار خودپایشی) و بعد آموزشی (برگزاری دوره‌های آموزشی و قرار دادن پرستاران خودمراقبتی بصورت گردشی در بیمارستان) توجه بیشتری داشته باشند.

واژگان کلیدی: موانع درک شده، خودمراقبتی، دیابت



تأثیر یوگا بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان تحت شیمی درمانی در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک

علیرضا رفیع؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

زینب رضایی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

الهام صحرایی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه آزاد بهبهان، بهبهان، ایران

مقدمه: سرطان پستان دومین سرطان شایع جهان و یکی از مشکلات مهم سلامتی زنان ایرانیست که در حال افزایش می باشد و در تمام موارد بر کیفیت زندگی بیماران به درجات مختلف تأثیر می گذارد. با وجود برخی شواهد مبتنی بر تأثیر یوگا بر افزایش عملکرد و کیفیت زندگی، در کشور ما به طور معمول، برنامه های طب مکمل از جمله یوگا جزء برنامه های درمانی این مددجویان قلمداد نمی شود. بنابر این این مطالعه مروری با هدف تأثیر یوگا بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان تحت شیمی درمانی انجام شد.

روش کار: این مطالعه مروری با جستجو در سایت های علمی PubMed، Sid، magiran، Google scholar و iranmedex با کلیدواژه های brest cancer، Quality of life، yoga، سرطان سینه، کیفیت زندگی طی سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸ بررسی شد.

یافته ها: نتایج پژوهش های مختلف نشان داد که پس از انجام یوگا در گروه بیماران مورد مداخله، تمامی مقیاس های عملکردی کیفیت زندگی عمومی، افزایش و در مقیاس های علامتی (تهوع استفراغ، خستگی، درد، اختلال خواب، یبوست، ناراحتی از ریزش مو و عوارض جانبی درمان) کاهش مشاهده شد. همچنین بعد از مداخله در مقیاس های عملکرد جسمی، هیجانی و ایفای نقش در گروه یوگا افزایش قابل توجهی مشاهده شد. در مجموع، گروه یوگا بهبودی قابل ملاحظه ای را نشان دادند

نتیجه گیری: علائم شایع ناشی از سرطان و درمان آن و کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان پستان تحت شیمی درمانی در اثر یوگا بهبود می یابد. بنابراین از برنامه یوگا می توان به عنوان یک روش مؤثر، راحت و کم هزینه در ارتقا کیفیت زندگی این دسته از مددجویان در مراکز درمانی و مراقبتی - حمایتی مربوط به آنها استفاده کرد.

واژگان کلیدی: سرطان سینه، یوگا، کیفیت زندگی



بررسی رابطه سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۶

نرگس یعقوبی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

Email:hoseinrohani3@gmail.com

مقدمه: ارتقای سلامتی و احساس خوب ناشی از آن در هر یک از دوره‌های زندگی سالمندان، کیفیت زندگی بهتری را برای آن‌ها رقم زده و ثمرات بسیاری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر به صورت مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی به صورت تصادفی در دسترس بر روی ۱۷۵ نفر از سالمندان شهرستان اسفراین طی سال ۱۳۹۶ انجام شد. داده‌ها با استفاده از اطلاعات دموگرافیک، پرسش‌نامه ۲۸ سوالی سلامت عمومی GHQ و پرسش‌نامه کیفیت زندگی سالمندان لیپاد جمع‌آوری شد و با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (آزمون تی مستقل، تی زوج، آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج ۶۰/۶٪ از سالمندان مورد مطالعه را زنان تشکیل می‌دادند، همچنین از کل شرکت‌کنندگان این پژوهش ۶۴٪ آنان بی‌سواد، ۶۶/۳٪ بیکار، ۷۲/۶٪ متاهل و ۷۴/۳٪ میزان درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان داشتند، نتایج نشان داد ۷۸/۳٪ از سالمندان مورد مطالعه در خانه سالمندان اقامت نداشتند، میانگین نمره کیفیت زندگی سالمندان $44/4 \pm 11/07$ و میانگین نمره سلامت عمومی سالمندان $29/95 \pm 10/95$ بود. نتایج تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که بین سلامت عمومی و کیفیت زندگی با ($P < 0/001$)، سن ($P < 0/001$)، تاهل ($P < 0/001$)، جنسیت ($P = 0/006$) و میزان درآمد ($P = 0/002$) با سبک زندگی و سن، تحصیلات، شغل و سلامت عمومی با ($P = 0/000$) رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه کیفیت زندگی در سالمندان شهرستان اسفراین از وضعیت متوسطی برخوردار بود. همچنین سلامت عمومی اکثر شرکت‌کنندگان در مطالعه ضعیف بوده است که نشان‌دهنده‌ی نیاز به توجه بیشتر به این حوزه می‌باشد. وجود ارتباط مثبت بین سلامت عمومی و سبک زندگی سالمندان در این مطالعه می‌تواند نوید بخش این باشد تا با انجام مداخلات سلامت جهت بهبود سلامت عمومی این عزیزان گامی در جهت بهبود کیفیت زندگی سالمندان برداشته شود.

واژگان کلیدی: سالمندان، کیفیت زندگی، سلامت عمومی



ویژگی های تدریس اثر بخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه های شهر بجنورد

رضوان رجب زاده؛ دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

فاطمه رمضانی برسلانی؛ کارشناس بهداشت عمومی

حمید رضا محدث حاک؛ استادیار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

سید حمید حسینی؛ دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی،

تهران، تهران، ایران

Email: hosseini.ha60@gmail.com

مقدمه: ماموریت یک دانشگاه در آموزش، پرورش و خدمات اجتماعی خلاصه می شود. بدون شک توجه به عوامل موثر بر تدریس اثر بخش و یادگیری می تواند منجر به ارتقای آموزش گردد. این مطالعه با هدف تعیین شاخص های تدریس اثر بخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه های شهر بجنورد انجام شد تا بتوان از آن به عنوان چهارچوبی برای دست یابی به اهداف آموزشی و بهبود رفتارهای یاددهی اساتید بهره جست.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۵ بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های شهر بجنورد که به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب گردیدند انجام شد. از پرسشنامه استاندارد دو قسمتی شامل مشخصات فردی و اجتماعی و حیطه های روش تدریس جهت جمع آوری اطلاعات به روش خود ایفا استفاده شد و داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 16 و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی (روش تی-آنالیز واریانس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ازدیدگاه دانشجویان سه اولویت اصلی در تدریس اثر بخش در حیطه روش تدریس، تسلط استاد بر درس مورد تدریس (9.26 ± 1.35)، افزایش انگیزه دانشجو جهت حضور مرتب در کلاس (9.12 ± 1.15) و انتقال شفاف و واضح مطالب درسی (9.03 ± 1.51) بود. در حیطه ویژگی های فردی مدرس، شیوایی بیان (9.16 ± 1.48)، عادلانه رفتار کردن مدرس (8.85 ± 1.68) و اعتماد به نفس استاد بود (8.79 ± 1.47) در حیطه دانش پژوهی، داشتن دانش عمومی در رابطه با درس (8.53 ± 1.6)، ارائه مطالب بر اساس نتایج حاصل از تحقیق در موضوع مربوطه (8.27 ± 1.56) و علاقمندی استاد به پژوهش در موضوع مورد تدریس (8.26 ± 1.78) بود. در حیطه توانایی در مهارت های ارتباطی، احترام مقابل استاد و دانشجو (8.97 ± 1.59)، داشتن نظم و تدبیر کلامی استاد (8.8 ± 1.61) و توضیح مجدد مطالب و رفع اشکال (8.76 ± 1.55) بود. از نظر دانشجویان توانایی در ایجاد ارتباط و مشاوره مدرس در تدریس اثر بخشی بیشتری نسبت به بقیه حیطه ها داشته است (12.60 ± 92.78).

نتیجه گیری: تسلط استاد بر درس مورد تدریس، شیوایی بیان استاد، دانش لازم استاد در مورد درس، احترام متقابل استاد و دانشجو می تواند در یاددهی و یادگیری دانشجویان نقش موثری داشته باشد و باید توسط اساتید مدنظر قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: تدریس اثر بخش، یاددهی، یادگیری



To determine the predictive power of Health Action Process Approach Model in Breast self-examination

Fatemeh Pourhaji, Ph.D students of Health education and health promotion
Tarbiat Modares University, Student Research Committee, Tehran
Email: fatemeh.pourhaji@modares.ac.ir

Fazlollah Ghofranipour, Professor of Health Education Department, Faculty of
Medical Sciences Tarbiat Modares University

Introduction: Breast cancer is the most common cancer among women worldwide. Breast self-examination is a way to decrease breast cancer is through early detection. Existing behavioral theories developed such as the Health Action Process Approach Model (HAPA) may be useful tools to help tackle this challenge. We examined the relationships between HAPA factors and breast self-examination behavior.

Methods: In this cross-sectional study, four hundred women were studied. A multistage cluster sample of women 40 and older was applied. First, 10 health networks at Shahid Beheshti University of Medical Sciences of Iran (SBUMS) were selected North, East, Shemiranat networks. After that from each Health network, five Urban Health centers were selected. Then from each health center, twenty-seven women over 40 years were randomly selected. Data were collected by questionnaires and self-reports and analyzed using statistical tests T, Correlation regression analysis.

Findings: The means of age participants was 45.6 ± 5.4 . The predictors of breast self-examination were determined by the structures of health action process approach (HAPA) Model. The results regression analysis showed that breast self-examination behavior prediction rate, using the structures of health action process approach (HAPA) Model was generally 67%.

Conclusion: This study has shown the effectiveness of the health action process approach (HAPA) Model to predict the breast self-examination in women 40 years and older. So, it seems that the theory as a framework for designing training programs to improve women's health and to reduce deaths from breast cancer can be used.

Keywords: *health action process approach model, breast cancer, breast self-examination*



بررسی نقش هنجارهای انتزاعی درک شده بر استقبال از رفتار ماموگرافی در زنان بالای ۴۰ سال شهر تهران

فاطمه پورحاجی؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات

دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Email: fatemeh.pourhaji@modares.ac.ir

فضل الله غفرانی پور؛ استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت

مدرس

مقدمه: با توجه به افزایش میزان مرگ و میر ناشی از سرطان پستان، این بیماری به عنوان یک معضل بهداشتی ضمن به خطر انداختن سلامت افراد، بر جسم، روان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی بیماران تاثیرگذار می باشد. یکی از عوامل تاثیرگذار بر رفتار غربالگری سرطان پستان، هنجارهای ذهنی می باشد. منظور از هنجارهای انتزاعی، انتظارات اطرافیان زنان مورد مطالعه، نسبت به رفتار ماموگرافی است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش هنجارهای انتزاعی درک شده بر استقبال زنان بالای ۴۰ سال شهر تهران از رفتار ماموگرافی انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی بود و تعداد ۴۰۰ زن بالای ۴۰ سال با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای در شهر تهران در سال ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه دو قسمتی بوده که بخش اول شامل مشخصات فردی و پرسشنامه محقق ساخته هنجارهای انتزاعی درک شده بود. روایی پرسشنامه به شیوه صوری و محتوایی و پایایی آن به وسیله محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ تعیین گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون های آماری آنالیز واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد میانگین سنی زنان مورد پژوهش $45/6 \pm 5/45$ سال بود. نتایج آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد بین هنجار انتزاعی زنان مورد پژوهش و قصد رفتاری آنها در انتخاب رفتار ماموگرافی، ارتباط معناداری وجود دارد ($P=0/001$). **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه، تاثیر هنجارهای انتزاعی درک شده را بر قصد رفتاری زنان بالای ۴۰ سال شهر تهران از ماموگرافی تأیید می کند، لذا به نظر می رسد به منظور بهبود سلامت زنان و ترویج رفتارهای غربالگری سرطان پستان می توان در برنامه های آموزشی نقش این عامل را مد نظر داشت.

واژگان کلیدی: هنجارهای انتزاعی درک شده، قصد رفتاری، ماموگرافی



The effect of spiritual care intervention on social health of cancer patients

Somaye Karimi Moghadam, Department of Medical-Surgical Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Jahanshir Tavakolizadeh, Department of Medical-Surgical Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Mehrsadat Mahdizadeh, Department of Health Education and Health Promotion, Social Determinants of Health Research Center (SDH), School of health, Mashhad university of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Davood RobatSarpoooshi, Department of Health Education and Health Promotion, School of health, Mashhad university of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Ali Mohammadpour, Department of Medical-Surgical Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Mousa Sajadi, Department of Medical-Surgical Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran Email: sarpooshirobat@gmail.com

Introduction: Cancer diagnosis can create many spiritual crises for patients. Their self-confidence and religious faith become at stake and their personal connections are disturbed due to uncertainty about the future. Spiritual care can bring about effective adjustment for the patients. This study was conducted to determine the effect of spiritual intervention on the spiritual health of cancer patients.

Methods: This randomized controlled clinical trial was conducted on 70 cancer patients admitted to the chemo unit of the Vasei Hospital of Sabzevar from 2016 to 2017. The sampling method was convenience and purposive with the samples selected randomly and assigned to two groups: experimental (35 subjects) and control (35 subjects). The data collection tool was Palutzin-Ellison Spiritual Health Questionnaire. The intervention was conducted as small discussion groups in six sessions at the oncology unit of the hospital. The spiritual health of both groups was determined before and after the intervention. The data were analyzed in SPSS 16 using Chi-square, independent t-test, paired t-test, Mann-Whitney and regression analysis at a significance level of 5%.

Findings: In the study, the age of onset had a direct effect on the patient mental health. Mean age was not significantly different in the two groups (48.88 ± 12.38 versus 46.80 ± 9.30 , $P = 0.428$). Spiritual health and its dimensions (religious and existential) had no significant differences before the intervention, yet after the intervention, the spiritual health score in the intervention group increased from 69.28 ± 12.55 to 85.16 ± 7.17 , with a significant difference between the mean scores of spiritual health between the two groups ($p = 0.001$).

Conclusion: By identifying the spiritual needs of cancer patients, nurses can provide suitable opportunities for their spiritual health. Thus, it is recommended that the role of spiritual health in nursing care be taken seriously to maintain and promote spiritual health of cancer patients.



Understanding the fear and approval of risk management for foot care in type 2 diabetic patients referred to diabetes clinics in North Khorasan province: Using a developed parallel process model

Introduction: Diabetes is one of the most serious noncommunicable diseases worldwide, categorized as a global epidemic. Diabetes mellitus is among the most debilitating complications of diabetes, causing long-term hospitalization and many amputations in limbs. The aim of this study was to determine the status of diabetic foot using a parallel development model developed in patients referred to diabetes clinics of North Khorasan Province, Iran, in 2016.

Methods: The present descriptive-analytic study investigated the self-care behaviors of patients with diabetes visiting diabetes clinics in North Khorasan Province in 2016. Sampling was performed using the multi-stage (stratified randomized, systematic) method. Data were collected through interviews and a questionnaire containing a section for demographic characteristics and items on the development process and self-care model. The collected data were entered into the SPSS 16 software and analyzed using Pearson correlation coefficient, linear regression, and independent samples t-test as well as descriptive statistics.

Findings: The mean age of participants was 55.74 years and the age of diabetes was 46.43 years with the average BMI of 27.47. The average perceived self-efficacy score of the patients was higher than other structures of the model (88%) and the average score of knowledge and self-care was moderate (60% and 69%, respectively). Spearman's correlation coefficient between age, self-care, perceived effectiveness, and perceived utility revealed a significant negative correlation. Independent samples t-test showed a statistically significant difference only in the mean perceived effectiveness score between the two sexes. The average score of men was higher than that for women. Also, results of Kruskal-Wallis test demonstrated a significant difference in the self-care score of subjects based on the scores of knowledge, perceived effectiveness, perceived sensitivity, and perceived utility.

Conclusion: The findings of the study indicated a low level of knowledge and lack of observance of some issues regarding self-care and prevention of diabetic foot in patients with diabetes, showing the need for a training program to significantly decrease the incidence of diabetic foot. Therefore, we recommend that those in charge of curriculum design use modified and educational programs based on models and behavior change theories as an effective way to change the high-risk behaviors of patients with diabetes.

Keyword: Diabetic foot, Parallel extended process model, North Khorasan



بررسی وضعیت سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه پس از زلزله کرمانشاه

عرفان ضرونی

مقدمه: سلامت روان از مفاهیم مهم و تاثیرگذار بر فرآیند های روزمره زندگی است. در این راستا وقایع و حوادث ناگوار می توانند سلامت جسمی و روانی را تحت شعاع خود قرار دهد. لذا این مطالعه به منظور بررسی وضعیت سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه پس از زلزله استان کرمانشاه انجام گردید.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مقطعی است که بر روی ۲۴۵ نفر از دانشجویان دانشکده های مختلف انجام گرفته است. نمونه گیر به روش در دسترس و جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و سلامت روان گلدبرگ از تاریخ ۱۵ آذر لغایت ۵ دی ماه انجام گردید. پس از جمع آوری داده ها، با استفاده از آزمون های آماری مناسب در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل انجام شد.

یافته ها: از مجموع کل واحدهای پژوهش ۵۳/۵ درصد پسر، ۷۸/۴ درصد ساکن خوابگاه و ۸۸/۶ درصد مجرد بودند. میانگین سنی واحدهای پژوهش $22/23 \pm 2/19$ با حداقل ۱۹ و حداکثر ۳۵ سال بود. ارزیابی وضعیت سلامت روان نشان داد که هیچیک از واحدهای پژوهش از سلامت روان بدون اختلال برخوردار نیستند. ۱۵/۵ درصد دارای اختلال کمی در سلامت روان، ۵۹/۲ درصد اختلالات متوسط و ۲۵/۳ درصد اختلالات شدید در سلامت روان داشتند. بررسی خرده مقیاس ها نیز حاکی از به ترتیب ۴۳/۷ و ۱۷/۶ درصد مشکلات جسمی متوسط و شدید، ۳۸/۸ و ۲۴/۵ درصد اضطراب متوسط و شدید، ۲۲/۴ و ۱۳/۵ درصد افسردگی متوسط و شدید و در نهایت ۵۹/۶ و ۲۹/۸ درصد مشکلات اجتماعی متوسط و شدید داشتند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد وضعیت سلامت روان دانشجویان مورد مطالعه وضعیت مطلوبی نداشته و نیازمند حمایت های روانی و عاطفی می باشند که می بایست با برنامه ریزی های منظم و مداخلات پیگیر تلاش نمود تا وضعیت روانی مطلوبی برای آنان برقرار گردد.

واژگان کلیدی: سلامت روان، دانشجویان، زلزله، کرمانشاه



The survey of domestic violence rate and factors affecting it in married men of the city Sabzevar (2018)

Ali Mehri, Assistant professor, health education and promotion, health education department, Sabzevar University of medical sciences, Iran

Masoumeh Hashemian, Assistant professor, health education and promotion, health education department, Sabzevar University of medical sciences, Iran

Reza Shahrabadi, Assistant professor, health education and promotion, health education department, Sabzevar University of medical sciences, Iran

Hamid Joveini, Assistant professor, health education and promotion, health education department, Sabzevar University of medical sciences, Iran

Sadat Hoseini zakieh, Master's student in Health Education, Sabzevar University of Medical Sciences, Iran

Hosein Soltani, Master's student in Health Education, Sabzevar University of Medical Sciences, Iran

Introduction: According to the report of W.H.O in 2016, one third of 15 – 49 year old women have been exposed to violence. Among the wide range of violence against women, domestic violence is the most current so that 90% of women are the victims of domestic violence. The first step towards planning to drop the domestic violence is to set its amount in the community and to detect the affecting factors in its emergence in view of those who commit it.

Methods: In this cross – sectional descriptive – analytical research, 388 married men from Sabzevar in 2018 were selected and studied by cluster random sampling. For data collection, the standard questionnaires were used which their validity and reliability had been approved. For analysis, descriptive and analytical statistical tests were utilized in SPSS20 statistic software.

Findings: On the basis of the results, domestic violence was measured about 87% among the population under study. With regard to the violence type, physical, sexual, economic, and mental violence's were the commonest kinds respectively. The social factors weakening family strength, women's living unhealthily with husbands, and lack of skill in acting out as a wife, paradox of families support, wrong cultural teachings in society and non – mediation of spouses in solving the problems were respectively the most important factors in connection with violence. There was a significant correlation between factors affecting violence emergence and violence type. Among this, the highest correlation index belonged to the spouses' lack of life skills in relation to all types of violence.

Conclusion: Concerning the high rate of violence in the above population, reduction planning would be necessary. In respect of the relationship between the investigated variables especially the spouses' lack of skills in life affairs and various kinds of violence, the recommendation is to adopt policies and plans in order to remove or reduce the effect of these factors for the purpose of lowering the domestic violence.

Keywords: Domestic violence, Married men, Sabzevar



بررسی تاثیر برنامه آموزشی سلامت دهان و دندان بر مبنای مدل مدارس مروج سلامت بر عملکرد دانش آموزان دختر شهر سبزوار (۱۳۹۶)

رضا شهرآبادی؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
معصومه هاشمیان؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

علی مهری؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
حمید جوینی؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
زکيه سادات حسینی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

مقدمه: پوسیدگی دندان شایع ترین بیماری بشر که ۹۹ درصد افراد جامعه به آن مبتلا هستند و حدود ۳۷ درصد دندان ها به دلیل پوسیدگی از بین می روند. مدل های مروج سلامت برای ارتقاء مدارس و سلامت محور شدن آنها ضروری است. در این راستا یکی از این مدل ها، مدل مدارس مروج سلامت آلبانیایی می باشد، از آنجا که گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال به علت شیوع بالای پوسیدگی دندان و موقعیت ارزشمند سنی از نظر تکامل دندان های دائمی و نیز شکل گیری عادات و سبک زندگی هستند این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش بر بهداشت دهان و دندان دانش آموزان دختر شهر سبزوار بر مبنای مدل آلبانیایی صورت گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی است که بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی صورت گرفت. نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای بود. اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد عملکرد دانش آموزان قبل و بعد مداخله جمع آوری گردید. شیوه آموزش بر مبنای مدل مروج سلامت آلبانیایی به صورت غیر مستقیم از طریق ایفای نقش و نقاشی در دو جلسه آموزشی با فاصله یک هفته برگزار گردید. داده ها در نرم افزار spss-19 با استفاده از آمار توصیفی و آزمون wilcoxon مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمرات عملکرد سلامت دهان و دندان دانش آموزان قبل از مداخله 23.33 ± 3.87 بود که دو هفته پس از مداخله میانگین نمرات به 31.86 ± 2.71 رسید. قبل مداخله آموزشی تنها ۳۳٪ دانش آموزان نخ دندان را علاوه بر مسواک به عنوان ابزار پاک سازی دندان می شناختند در حالی که پس از مداخله این تعداد به ۸۶٪ رسید ($P < 0.05$). قبل از آموزش ۵۳٫۳٪ از دانش آموزان زمان مراجعه به دندانپزشک را تنها در زمان درد دندان می دانستند در حالی که پس از مداخله تنها ۴٪ دانش آموزان این گزینه را انتخاب کردند و آزمون آماری ویلکاکسون اثر بخشی آموزش را قبل و بعد از مداخله نشان داد ($P < 0.05$). نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان دهنده تاثیر معنی دار آموزش پس از انجام مداخله بود. از آنجا که دانش آموزان گروهی بسیار پویا هستند، استفاده از روش های ایفای نقش و نقاشی در محیطی شاد و کودکانه در کنار همراهی و استفاده از دانش آموزان در فرایند آموزش و به دور از فضای پر تنش و رسمی کلاس بسیار موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: آموزش، بهداشت دهان و دندان، دانش آموزان، سبزوار



بررسی عوامل موثر بر زایمان زودرس شهرستان بيله سوار در سال ۹۵

هاجر بیدل، لیلا بیدل

مقدمه: زایمان زودرس به زایمان قبل از هفته ۳۷ حاملگی اطلاق می شود و از مهمترین علل ابتلا و میرایی نوزادان می باشد. احتمال عارضه در حاملگی های بعدی حدود شش الی هشت درصد است. شایعترین دلیل مرگ نوزادان در کشورهای پیشرفته تولد نوزادان نارس بوده که برای خانواده و جامعه مشکلات اقتصادی زیادی را ایجاد می کند و با توجه به شباهت فرهنگی و منطقه ای جامعه پژوهش در صورت شناسایی عوامل موثر می توان از ایجاد زایمان زودرس پیشگیری کرد و به تبع آن مرگ و میر، عوارض نوزادی و کودکی را نیز کاهش داد. لذا استان اردبیل نیز بعنوان یکی از شهرستان های مرزی این استان از این امر مستثنی نبوده که در این راستا مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر زایمان زودرس در زنان باردار مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بيله سوار انجام گرفته است.

روش کار: این پژوهش نیمه تجربی که در سال ۹۵ انجام گرفت دو گروه مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه اول (مورد) شامل زنان بارداری که دچار زایمان زودرس بین هفته ۲۲-۳۷ حاملگی شده بودند و گروه دوم (شاهد) شامل زنان باردار زایمان کرده که بیش از ۳۷ حاملگی بودند. اطلاعات مورد استفاده در تحقیق از طریق مصاحبه، پرسشنامه ای و دفتر مراقبت ادغام یافته مادران باردار مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان بيله سوار جمع آوری شد و در نهایت تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزارهای SPSS، EXCEL و آزمون آماری کای دو انجام گرفت.

یافته ها: در این تحقیق ۱۶۴۶ مورد بررسی شد که از این تعداد ۱۲۰ مورد زایمان زودرس (۷,۲ درصد) گزارش شده بود. نتایج حاصل از مطالعه فوق نشان داد که سن مادر (۱۱,۳ درصد)، مولتی پاریتی (چند زایی) (۲۲,۱ درصد)، جفت سرراهی (۳ درصد)، دکلمان جفت (۲,۸ درصد)، پارگی زودرس پرده های جنینی (۲,۵ درصد)، پلی هیدرو آمینوس (۱,۸ درصد)، ابتلا به عفونت مجاری ادراری در هفته ۲۲-۳۷ بارداری (۳۴,۷ درصد)، خونریزی یا لکه بینی در بارداری (۰,۹ درصد)، فشارخون بالا (۵,۵ درصد)، پره اکلامپسی (۳,۴ درصد)، استفراغ شدید بارداری (۰,۸ درصد)، مشکلات دهان و دندانی (۳۵,۸ درصد)، فاصله بارداری با زایمان قبلی کمتر از ۳ سال (۱۰,۶ درصد)، نمایه توده بدنی بیش از ۳۰ (۱۶,۷ درصد) و بین جنسیت نوزاد، سابقه سقط، اعتیاد، ضربه، گروه خونی، سابقه زایمان قبلی، وضعیت قرار گیری جفت و استفاده از آخرین روش پیشگیری در بارداری وزایمان زودرس زنان باردار شهرستان بيله سوار رابطه ای مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه زایمان زودرس یک پدیده چند عاملی است شناسایی عوامل خطر و به تبع آن غربالگری و شناسایی مادران باردار و ریسک فاکتورهای زایمان زودرس و انجام مراقبت های بهداشتی با هدف پیشگیری از وقوع زایمان زودرس در جلب مشارکت مادران باردار درخصوص رعایت متغیرهای اثرگذار و پیش بینی های لازم برای زایمان ایمن می تواند اثر گذار باشد.

واژگان کلیدی: دکلمان، عوامل خطر نوزادی، زایمان زودرس، جفت سرراهی



بررسی بیماری‌ها و عوارض شایع در بین زائران پیاده روی اربعین سال ۱۳۹۵

همایون سلحشور فرد؛ کارشناس بهداشت محیط اداره بهداشت و درمان دانشجویی دانشگاه شاهد

زهرا محمدعلی؛ مسؤول اردوی جهادی «به سوی نور معرفت»

انسیه عرب عامری؛ پزشک عمومی و مدیر کل بهداشت، درمان و مشاوره دانشجویی دانشگاه شاهد

فاطمه محمودی مجدآبادی؛ کارشناس بهداشت عمومی اداره بهداشت و درمان دانشجویی دانشگاه شاهد

مقدمه: سنت حسنه پیاده روی اربعین چند سالی است که با حضور خیل عظیم و میلیونی عاشقان امام حسین (علیه السلام) اقامه شده است و از آنجا که اجرای هرگونه گردهمایی گسترده تبعات خاصی از جمله از نظر بهداشتی دارد، شایسته است هر سال با یک ارزیابی دقیق و همه جانبه، احتمال بروز آسیب‌ها را در سال‌های بعدی به حداقل برسانیم. **روش کار:** پرسشنامه‌ای را با ذکر ۶ مورد اصلی از بیماری‌ها و حوادث رایج و محتمل تنظیم کردیم و از طریق مصاحبه با زائران اربعین حسینی که پس از زیارت عتبات عالیات از مرز مهران در حال برگشت بودند، این پرسشنامه‌ها را تکمیل و نتایج را مورد بررسی قرار دادیم.

نتایج: نتایج بررسی نشان داد که به ترتیب از بیشترین تا کمترین موارد از بیماری‌ها و حوادث رایج، شامل ۷۱ درصد ابتلاء به انواع بیماری‌های تنفسی (به خصوص سرماخوردگی)، ۵۱ درصد ابتلاء به انواع مشکلات عضلانی و اسکلتی، ۲۰ درصد ابتلاء به انواع عوارض پوستی، ۹ درصد انواع بیماری‌های گوارشی، ۹ درصد ابتلاء به انواع به بیماری‌های قلبی و عروقی و ۶ درصد نیز سهم ناچیزی از انواع حوادث بوده است.

نتیجه گیری: علی‌رغم انتظاری که از شرایط این سفر با انواع اغذیه‌ها در شرایط نه چندان مناسب از نظر بهداشتی می‌رود، اما سهم بیماری‌های گوارشی چندان بالا نیست که این می‌تواند از طرفی به دلیل جوان بودن جمعیت غالب و از طرفی دیگر به دلیل حضور و نظارت فعال کارشناسان بهداشتی و ضدعفونی آب‌های مصرفی و همچنین کاهش احتمال فساد مواد غذایی در فصل سرما باشد؛ بنابراین لازم است هر سال که این آیین باشکوه به فصل گرما نزدیک تر می‌شود در این خصوص چاره‌اندیشی شود؛ ضمن اینکه باید در آینده با توجه نزدیک شدن به فصل گرما درباره گزش حشرات و گرم‌زدگی نیز مطالعه و پیشگیری لازم انجام شود. همچنین به طور کلی اتخاذ تدابیری همچون توسعه آموزش‌های قبل از سفر، آموزش و فرهنگ‌سازی درباره حفاظت از محیط زیست، استفاده بیشتر از ظرفیت کارشناسان بهداشتی داوطلب، بکارگیری آموزه‌های طب سنتی و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت ماساژورها و فیزیوتراپ‌ها به منظور کاهش هرچه بیشتر بیماری‌ها و عوارض آسیب‌رسان به سلامت در این گردهمایی عظیم پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: پیاده روی اربعین، سلامت، آسیب، بیماری‌ها، آموزش



Factors Predicting Self-Care Behaviors among low health literacy hypertensive patients based on Health Belief Model in Bushehr district, south of Iran

Introduction: Hypertension is an important worldwide public-health challenge, which can lead to very serious consequences. The most important strategy for controlling blood pressure and maintaining it in the optimal range is patient compliance with self-care behaviors. The aim of this study was to determine the factors influencing adherence to self-care behaviors among low health literacy hypertensive patients based on health belief model.

Methods: A cross-sectional study was conducted among 152 hypertensive patients with low health literacy during July and August 2017. Patients with limited health literacy were identified by S-TOFHLA questionnaires. The data were collected using H-scale for assessing self-care behaviors and, HK-LS for assessing knowledge of hypertension. A researcher made questionnaire was applied for collecting data of health belief model constructs. Data were analyzed by SPSS version 22 with using multiple logistic regression analyses.

Findings: The mean ($\pm$ SD) age of participants was 56.86(8.7). The best compliance with self-care behaviors was related to lack of alcohol (78.9%) and tobacco use (55.9%), and the lowest was related to low salt diet (5.3%) and proper use of drugs (9.2%). Perceived self-efficacy was associated with all self-care behaviors except medication regimens. There was a significant association between perceived susceptibility about hypertension complications and adherence to both low-salt diet (OR = 3.47) and non-smoking Behavior (OR = 1.10). Individuals who had more perceived severity (OR = 1.82), had significantly greater adherence to their medication regimens compared to those who had less perceived severity. Perceived benefits and barriers were not significantly associated with either type of hypertension self-care behaviors.

Conclusion: It seems that designing and implementation of educational programs to increase self-efficacy of patients and promote their beliefs about perceived susceptibility and severity of complications, may be usefulness of the results in order to improve self-care behaviors among low health literacy hypertensive patients.

Keywords: Self-Care Behaviors; health literacy; Hypertension; Iran



بررسی پیش بینی کننده های اختلال خواب در سالمندان مقیم سرای سالمندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۶

شهاب پاپی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد سالمند شناسی، مرکز تحقیقات سالمندی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

زینب کریمی؛ کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
غلامرضا قائد امینی هارونی؛ دکتری تخصصی سلامت و رفاه اجتماعی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

مریم رامشینی؛ دکتری تخصصی گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پروین شهری؛ دانشجوی دکتری بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

Email: Shary_2001@yahoo.com

مقدمه: کیفیت خواب شاخص مورد توجه در بسیاری از بیماری ها در سالمندان است، با افزایش سن تغییراتی در کیفیت و ساختار خواب ایجاد می شود که منجر به بروز اختلالات خواب و شکایات ناشی از آن می گردد. مطالعه حاضر با هدف تعیین پیش بینی کننده های اختلال خواب در سالمندان انجام پذیرفت.

روش کار: مطالعه همبستگی حاضر با حجم نمونه ۱۳۱ نفر از سالمندان مقیم در سرای سالمندان شهر اهواز در سال ۱۳۳۱ انجام شد. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های کیفیت خواب پیتزبورگ، سلامت عمومی فرم ۱۲ سوالی، پرسشنامه درد زانو، حمایت اجتماعی و فهرست ویژگی های جمعیت شناختی استفاده شد. داده ها با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی گام به گام، آمار توصیفی و با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد.

یافته ها: ۱۳/۸٪ از نمونه مورد بررسی دارای اختلال خواب در سطح پائین، ۸۱/۵٪ دارای اختلال در سطح متوسط ۴/۶٪ دارای اختلال در سطح شدید بودند. با توجه به مدل رگرسیون برازش یافته ($F=7/24$, $p<0/01$) مشخص شد که چندابتلائی ($\beta=0/2$)، حمایت اجتماعی ادراک شده ($\beta=-0/266$)، خشکی مفصل ($\beta=0/259$) و درد زانو از تعیین کننده های موثر و معنادار اختلال خواب سالمندان بوده و حدود ۱۸/۹٪ از تغییرات این متغیر را تبیین نمودند.

نتیجه گیری: حمایت اجتماعی درک شده، خشکی مفصل و درد زانو و چند ابتلائی از عوامل پیش بینی کننده اختلال خواب در سالمندان می باشد که تدوین مداخلات موثر بر کنترل تاثیر این عوامل در بروز اختلالات خواب در سالمندان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: اختلال خواب، سالمندان، چند ابتلائی، حمایت اجتماعی درک شده، خشکی مفصل



بررسی مطالعات مداخله‌ای تأثیر روش‌های مختلف آموزشی در سالمندان در ایران: مرور حیطه‌ای

شهاب پای: کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، مرکز تحقیقات سالمندی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، تهران، ایران
رباب صحاف: دانشیار، مرکز تحقیقات سالمندی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
یدالله ابوالفتحی ممتاز: دانشیار، مرکز تحقیقات سالمندی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
مهشید فروغان: دانشیار، مرکز تحقیقات سالمندی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
فرحناز محمدی: دانشیار، مرکز تحقیقات سالمندی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
مرضیه عربان: دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
مهدی رصافیانی: دانشیار، گروه کاردرمانی، دانشگاه کویت، صفاء، کویت

مقدمه: آموزش یک فرآیند پویا و مداوم است و نیاز به دانستن و یادگیری از اساسی‌ترین نیازهای بشر است، که این نیاز با توجه به شرایط دوران سالمندی محسوس‌تر است. با توجه به تغییراتی که با افزایش سن در سیستم یادگیری سالمندان اتفاق می‌افتد، انتخاب روش مناسب آموزشی برای یادگیری در این دوره سنی حائز اهمیت است. لذا این مطالعه مروری با توجه به اهمیت یادگیری مادام‌العمر، به بررسی آموزش و تأثیر آن‌ها بر عملکرد فرد، و بررسی روش‌های مختلف آموزش در سالمندان ایرانی می‌پردازد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری حیطه‌ای (SCOPING REVEIW) می‌باشد. از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی PUBMED PROQUEST, SCIENCE DIRECT و GOOGLE SCHOLAR و با کلید واژه‌های education, lifelong learning، یادگیری و آموزش بزرگسال، ۲۲ مقاله که با اهداف پژوهش همخوانی داشت، انتخاب گردید.

یافته‌ها: بر اساس مطالعات بررسی شده تأثیر روش‌های چهره به چهره، بحث گروهی، آموزش الکترونیکی (فیلم) و سخنرانی در سالمندان ایرانی مطالعه شده است، ولی در زمینه مطالعات الکترونیکی با استفاده از نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، واتس‌آپ، وایبر و...)، مبتنی بر وب و ایمیل مطالعات چاپ شده یافت نشد. عمده این مطالعات تأثیر آموزش از طریق روش‌های سنتی بر سبک زندگی و رفتارهای ارتقا سلامت بررسی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که مطالعاتی که برپایه استفاده روش‌های آموزش متناسب با سالمند بوده‌اند، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سالمندان داشته‌اند، در زمینه روش‌های آموزشی الکترونیکی در سالمندان ایرانی مطالعات کافی خصوصاً در زمینه‌های سبک زندگی و رفتارهای ارتقا سلامت انجام نشده است. پیشنهاد می‌گردد در آینده مطالعات بیشتری در زمینه روش‌های آموزشی و مقایسه این روش‌ها انجام شود.

واژگان کلیدی: یادگیری، آموزش، سالمندان، ایران





تأثیر آموزش از راه دور بوسیله SMS بر افزایش امید به درمان و کنترل عوامل موثر در بهبود بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ (پژوهش کارآزمایی بالینی)

شیوا کامران؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
Email: Shivakamran73@gmail.com

حمزه زنگنه؛ کارشناس ارشد آمار، گروه آمار حیاتی، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
احمد مهری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
محمد جواد کامران؛ دانشجوی کارشناسی روانشناسی، گروه علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، ایلام، ایران
سحر میرزاحسینی؛ کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
احسان میرزایی دانشجوی؛ پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

مقدمه: در درمان بیماری های غیر واگیر، آموزش و ارتقا سواد بهداشتی بیماران اهمیت دارد SMS. یکی از قابلیت های همگانی و در دسترس تلفن همراه است که می تواند در انتقال اطلاعات بهداشتی به افراد موثر باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر ارسال SMS آموزشی-بهداشتی بر بهبود بیماران دیابتی نوع ۲ و افزایش امید به درمان و کنترل FBS , HbA1c, BMI و فشارخون در آنها، می باشد.

روش کار: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده است. در مدت ۶ ماه، ۱۷۰ پیام آموزشی-بهداشتی به گروه مداخله ارسال شد ۲۲۰ نفر از میان بیماران دیابتی نوع ۲، در کلینیک بیماری های داخلی استان ایلام، براساس معیارهای ورود، انتخاب شدند. جمعیت گروه مداخله ($n=100$) و گروه شاهد ($n=120$) بود. ابزار گردآوری اطلاعات برای هر بیمار، پرسشنامه حاوی دو بخش سوالات عمومی و تخصصی، قبل و بعد از مداخله آموزشی بود. در دو مرحله (بدو ورود به مطالعه و بعد از پایان مداخله) اطلاعات بیماران با مصاحبه و معاینه توسط پزشک، ثبت شد. داده ها توسط نرم افزار spss-22 با $\alpha=0/05$ و روش آمار توصیفی و تحلیلی آنالیز شد.

یافته ها: به جز میانگین فشارخون، میانگین سایر متغیرهای مورد مطالعه، در بیماران گروه مداخله نسبت به بیماران گروه شاهد، بعد از آموزش، کاهش یافت. ($FBS(P=0/00)$ ، $HbA1c(P=0/00)$ ، $BMI(P=0/00)$ ، وزن ($P=0/00$)، امید به درمان ($P=0/00$) و فشار خون ($P=0/38$) اختلاف آماری معنی دار بین گروه مداخله و شاهد، تأثیر این روش آموزشی را، بر کنترل عوامل موثر در بهبود بیماران دیابتی، نشان داد ولی در متغیر فشار خون اختلاف آماری معنی دار دیده نشد و این روش آموزشی تأثیر چندانی بر کنترل فشارخون در بیماران دیابتی نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به اختلاف معنی دار میان نتایج قبل و بعد از مداخله آموزشی به بیماران، از طریق ارسال نتیجه گیری شد که این روش آموزشی ارزان، دردسترس و همگانی، می تواند در کنترل دیابت موثر باشد و با ارتقا سواد بهداشتی، در بهبود شرایط جسمی و روحی بیماران مفید باشد.

واژگان کلیدی: آموزش از راه دور، امید به درمان، دیابت نوع ۲، $HbA1C$ ، FBS ، SMS



بررسی موانع و تسهیل‌کننده‌های موثر بر اقدام در غربالگری سرطان دهانه رحم در زنان مراجعه‌کننده به مراکز سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی سال ۱۳۹۵

طیبه مرعشی؛ عضو هیئت علمی گروه بهداشت عمومی، دکترای آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
فاطمه حسینی؛ دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: آزمایش پاپ اسمیر (پاپانیکولاو) یک روش سیتولوژیک جهت تشخیص اولیه سرطان دهانه رحم می‌باشد. این مطالعه با هدف تعیین موانع و تسهیل‌کننده‌های موثر بر اقدام در غربالگری سرطان دهانه رحم در زنان مراجعه‌کننده به مراکز سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

روش کار: در این پژوهش مقطعی ۳۰۰ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز سلامت شهری در سال ۱۳۹۶ به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا استفاده گردید. معیارهای ورود به مطالعه شامل گذشت حداقل ۶ ماه از ازدواج، عدم سابقه هیستریکتومی، نداشتن سرطان دهانه رحم و یا سایر سرطان‌ها و عدم تمایل به شرکت در مطالعه معیار خروج در نظر گرفته شد. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از نظر آنالیز توصیفی از ۳۰۰ نمونه، ۱۱۸ نفر (۳۹/۸ درصد) سابقه انجام آزمایش پاپ اسمیر را داشته که از این تعداد ۳۰/۸ درصد در یک سال و ۱۴ درصد بیشتر از سه سال از زمان انجام آخرین پاپ اسمیر تاکنون می‌گذرد و ۱۸۲ نفر (۶۰/۷ درصد) سابقه انجام پاپ اسمیر را نداشتند.

نتیجه‌گیری: افزایش آگاهی زنان از غربالگری برای سرطان گردن رحم با استفاده از بهبود ارائه خدمات در رابطه با آزمایش پاپ اسمیر و همچنین انجام مداخلاتی کارآمد و موثر در این زمینه به طور چشمگیری احتمال انجام پاپ اسمیر را افزایش خواهد داد.

واژگان کلیدی: پاپ اسمیر، سرطان دهانه رحم، زنان، موانع و تسهیل‌کننده



The Effect of Self-Care Education on Life Quality in Patients with epilepsy

Maryam Nasari, Department of Critical Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Maryam Puryaghub, Abhar nursing faculty Zanzan University of Medical Sciences, Zanzan

Introduction: Epilepsy is the most common chronic neurological disease. Health-related quality of life in patients with epilepsy is disturbed by psychosocial factors, seizures, and treatment side effects. This study aimed to investigate the effectiveness of self-care plan on the life quality in patients with epilepsy.

Methods: In this semi-experimental study, 28 patients with epilepsy going to Tehran Neurology Clinic were selected by simple random sampling and were divided into two case and control groups. The instrument was a standard questionnaire of measuring quality of life which was completed during an interview before the intervention. After determining the educational needs of the patients, an educational program was held for the case group. The data were analyzed using SPSS-21 and Paired t-test.

Findings: Mean and standard deviation age of the patients was 38.3 ± 9.5 . The results showed that the total mean of life quality before the intervention was 59.34 ± 20.82 in the intervention and 57.66 ± 20.87 in the control group ($P = 0.31$). After the intervention, the total mean of quality of life was 73.18 ± 18.18 in the intervention group and 60.05 ± 20.72 in the control group ($P = 0.001$). Also, there was a significant difference between the items of life quality-including the physical, psychological and social relationships and living environment items-before and after the interventions.

Conclusion: The findings showed that self-care could positively affect life quality items. It is hoped that by formation of educational supportive associations or at least a well equipped rehabilitation center for the patients, the patients can be provided with facilities of self-care as well as a condition in which the patients themselves carry out their self care.

Keywords: epilepsy, Self – care, Quality of life, Patient



بررسی عوامل موثر بر خودمراقبتی در بیماران تحت درمان آنژیوپلاستی

عظیمه خدای نسب؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، کمیته تحقیقات دانشجویی، بوشهر، ایران

همام الدین جوادزاده؛ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

Email: azimekhodam@gmail.com

مقدمه: آنژیوپلاستی از پرکاربردترین روش های مورد استفاده برای بازسازی مجدد عروق در بیماران مبتلا به بیماری های عروق کرونر است. بیماران تحت انجام این رویه نیازمند رعایت خودمراقبتی در تمام طول عمر خود هستند. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر عوامل موثر بر خودمراقبتی در بیماران تحت درمان آنژیوپلاستی بود.

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۲۰۰ نفر از بیماران قلبی عروقی تحت درمان آنژیوپلاستی مراجعه کننده به مرکز آموزشی-درمانی قلب شهر بوشهر که در ۶ ماهه اول سال ۹۶ تحت عمل آنژیوپلاستی قرار گرفته بودند؛ با استفاده از نمونه گیری غیراحتمالی در دسترس صورت گرفت. مهمترین معیارهای ورود به مطالعه شامل قرار گرفتن در طیف سنی ۱۸ سال و بیشتر، گذشت دست کم یک ماه از زمان انجام آنژیوپلاستی، نداشتن مشکلات شناختی بر اساس پرونده پزشکی، تمایل به شرکت در پژوهش و عدم اشتغال در مشاغل بهداشتی درمانی و معیار خروج، ناقص تکمیل کردن پرسشنامه بود. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته شامل دو بخش عوامل جمعیت شناختی و رفتار خودمراقبتی بود که روایی و پایایی آن مورد سنجش و تایید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و روش های آمار توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج حاصل از مطالعه، میانگین نمره رفتارهای خودمراقبتی در بین سطوح تحصیلات از نظر آماری تفاوت معناداری را نشان داد ($p=0.001$). طبق آزمون تعقیبی افرادی که دیپلم داشتند نمره خودمراقبتی بیشتری نسبت به افراد بی سواد و کم سواد داشتند. از نظر شغلی، بیمارانی که بیکار بودند، وضعیت خودمراقبتی ضعیف تری نسبت به بیماران با شغل آزاد داشتند ($p=0.03$). بر اساس آزمون تی تست، میانگین نمره خودمراقبتی بین افرادی که دخانیات مصرف نمی کردند و افرادی که مصرف دخانیات داشتند، تفاوت آماری معناداری وجود داشت. ($p=0.008$)

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت خودمراقبتی در این دسته از بیماران و با توجه به اینکه سه عامل سطح سواد، شغل و مصرف دخانیات بر انجام رفتارهای خودمراقبتی موثر بوده است؛ پیشنهاد می گردد، طراحی مطالعات مداخله ای جهت بهبود خودمراقبتی در این دسته از بیماران مورد توجه ویژه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، آنژیوپلاستی، جمعیت شناختی



بررسی عوامل مرتبط خود درمانی با دارو در دانشجویان دانشگاه های ایران: مرور نظام مند

فاطمه واعظ؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

میلاذ غریب؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسمزاده؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Email: golnoushghasemzadeh@gmail.com

مقدمه: خود درمانی با دارو، جزء مهمی از رفتار پزشکی افراد است که طی آن بیمار سعی می کند مشکلات مربوط به سلامت خود را، خود کنترل و مداوا کند. با توجه به شیوع رو به افزایش مصرف خودسرانه دارو، مطالعه حاضر با هدف تعیین دلایل خود درمانی و ارتباط آن با سن و جنس در بین دانشجویان دانشگاه های ایران انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از پایگاه های اطلاعاتی نظیر SID, Pubmed, Magiran و به کارگیری واژگان کلیدی خود درمانی، دارو و دانشجویان مقالات مرتبط با موضوع شناسایی شد و ۲۲ مقاله از سال های تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفت که از ۱۲ مقاله در این مطالعه مروری بهره کامل گرفته شد.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعه مقاله واجد شرایط نشان داد، خود درمانی در زنان نسبت به مردان بیشتر می باشد. همچنین بیشترین علت خود درمانی تب و سردرد، تجویز نسخه مشابه از سوی پزشک، استفاده قبلی از دارو و بهبودی علائم بود. بیشترین داروهای مورد استفاده در خود درمانی نیز به مسکن، آنتی بیوتیک ها، داروهای ضدسرفه و سرماخوردگی اختصاص داشت.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای خود درمانی با دارو در بین دانشجویان، لازم است ضمن توجه بیشتر به آموزش مداوم و ارتقای فرهنگ مصرف دارو، افزایش دسترسی آسان به خدمات پزشکی از جمله تقویت جایگاه پزشک خانواده، رفتار پزشکی مردم بخصوص قشر جوان و آسیب پذیر دانشجو را تصحیح کرد و انگیزه آنان را نسبت به درمان اصولی بیماری ها افزایش داد.

واژگان کلیدی: خود درمانی، دارو، دانشجویان



Relationship between spirituality and social skills among nursing students

Nasim Piri, MSc of Health Education, Department of Public Health, Abadan University of Medical Sciences, Abadan, Iran

Mohammad Mahbobi, PhD of Health Services Management, Department of Public Health, Abadan University of Medical Sciences, Abadan, Iran

Mohsen Maleki, BSc Student of Nursing, Department of Nursing, Abadan University of Medical Sciences, Abadan, Iran

Atefeh Zahedi, MSc of Epidemiology, Department of Public Health, Abadan University of Medical Sciences, Abadan, Iran

Shima Hashemi, BSc of Public Health, Department of Public Health, Lorestan University of Medical Sciences, Khorram Abad, Iran

Negar Piri, MSc student of Epidemiology, Epidemiology Department, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Introduction: The importance of spirituality and spiritual growth in humans over the past few decades has attracted the attention of psychologists and mental health professionals. The purpose of this study is to determine the relationship between spirituality and social skills among nursing students of Abadan University of Medical Sciences.

Method: The present research is a descriptive-analytic study that was done in cross-sectional form in the second half of the academic year 2016 in Abadan University of Medical Sciences. 189 nursing students in the census manner were selected and studied. Data collection tools consisted of two standard questionnaires: spirituality questionnaire (SQ) and social skills questionnaire for adolescents. The difference between mean scores of spiritual activity and positive and negative behaviors was determined by t-test and the relationship between the scores of the questionnaire (spirituality and social skills) using Pearson correlation coefficient. Data were analyzed using SPSS 21 software.

Findings: 38.4% of the participants were female and 61.6% were male. Mean scores spirituality subscales among nursing students was as follows: self-awareness 31.79 ± 4.40 , spiritual belief 12.83 ± 2.23 , spiritual activity 18.35 ± 3.01 , spiritual need 29.70 ± 4.13 , and mean score of social skills was 130.62 ± 17.60 . Results showed that there was a significant relationship between spirituality and social skills ($P = 0.02$).

Conclusion: Increasing spirituality in young people increases the level of their social skills; therefore, planning to strengthen the spiritual foundations is a major issue that needs to be addressed.

Keywords: spirituality, social skills, student



بررسی تطبیقی الگوی انباشت منابع مالی نظام سلامت در کشورهای منتخب: درس‌هایی برای ایران

علی محمد مصدق راد؛ دانشیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
شیوا طلوعی رخشان؛ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: یکی از اجزای کارکرد تامین مالی نظام سلامت، انباشت و مدیریت منابع مالی است. انباشت و مدیریت منابع مالی در نظام سلامت جز کارکردهای بیمه‌ای می‌باشد مقصود اصلی این فرآیند، تسهیم و مشارکت افراد در خطر مالی ناشی از مداخلات سلامت است. این پژوهش با هدف مقایسه انواع الگوهای انباشت و مدیریت منابع مالی در بین کشورهای موفق انجام شده است.

روش کار: این پژوهش به صورت مرور تطبیقی به بررسی الگوهای انباشت و مدیریت منابع مالی در نظام سلامت ۱۱ کشور منتخب شامل استرالیا، آلمان، آمریکا، انگلستان، ایران، ترکیه، ژاپن، سنگاپور، سوئد، کانادا، کوبا پرداخت.

یافته‌ها: در اکثر کشور های مورد بررسی مسئولیت اصلی تجمیع منابع را دولت ها به طرق مختلف برعهده دارند به عنوان مثال در انگلستان دولت مرکزی، در کانادا دولت ملی، فدرال و استانی و نیز در ترکیه دولت و سازمان امنیت اجتماعی، انباشت و مدیریت منابع مالی را انجام می دهند. با توجه به تجربیات کشورهای موفق، انباشت یکجای درآمدها، اصلاح سیاست های بیمه ای و تنظیم قوانین به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، ایجاد و اصلاح معیارهای تخصیص بودجه و تمرکز زدایی در تخصیص بودجه برای انباشت و مدیریت منابع در نظام سلامت ایران پیشنهاد می شود که منجر به افزایش کارایی و بهره وری در امر تامین مالی نظام سلامت می شود.

نتیجه گیری: استفاده تجربیات کشورهای موفق در انباشت و مدیریت منابع مالی نظام سلامت نشان داد که انباشت یکجای منابع مالی و اصلاح معیارها و ساختار نظام تخصیص بودجه، می تواند ضمن برطرف کردن بسیاری از مشکلات موجود در تامین مالی نظام سلامت کشور ایران، زمینه را برای دستیابی بیشتر به اهداف نظام سلامت کشور فراهم کند.

واژگان کلیدی: تامین مالی، انباشت منابع، نظام سلامت، مطالعه تطبیقی



بیمارستان های استان اصفهان بر اساس مدل پابن لاسو نا کار آیند

شیوا طلوعی رخشان؛ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مریم اسماعیلی؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

فروغ السادات موسوی خواه؛ کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: نمودار پابن لاسو، شاخص های درصد اشغال تخت، میزان گردش تخت و متوسط مدت اقامت را به روشی با هم ترکیب می کند که اجازه می دهد تفسیر بهتری از مفهوم آنها ارائه شود. هدف از این مطالعه ارزیابی عملکرد کلیه بیمارستان های شهر اصفهان در سال ۱۳۹۲ با استفاده از این مدل می باشد.

روش کار: مطالعه توصیفی تحلیلی حاضر به صورت مقطعی و گذشته نگر انجام گرفت. کلیه بیمارستان های شهر- اصفهان در سال ۱۳۹۲ نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند و داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تحلیل شد.

یافته ها: از مجموع ۵۳ بیمارستان، ۳۵/۸٪ در ناحیه اول، ۹/۴٪ در ناحیه دوم، ۳۹/۶٪ در ناحیه سوم و نهایتاً ۱۵/۰۹٪ در ناحیه چهارم نمودار قرار داشتند. بر اساس نتایج، به طور کلی در بیمارستان های مورد مطالعه میانگین متوسط اقامت ۲/۳ روز، درصد اشغال تخت ۵۴/۸۶٪ و میزان گردش تخت ۸۱/۲۲ بار در سال تعیین شد که با استانداردهای اعلام شده توسط وزارت بهداشت و درمان تفاوت دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله ۶۰٪ بیمارستان ها غیر کارا شناخته شده و با به کار گیری مدل پابن لاسو می توان عملکرد مراکز درمانی را مورد مقایسه قرار داد و به این ترتیب با استفاده از یکی از روش های فعال شناسایی مسئله در بیمارستان ها و با درک ارتباط میان شاخص های عملکردی، بستری برای سیاست گذاری ها و بازنگری در سیاست های جاری را جهت استفاده از حداکثر ظرفیت عملکردی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: ارزیابی عملکرد، بیمارستان، پابن لاسو



بررسی تطبیقی الگوی تخصیص منابع و خرید خدمات در نظام سلامت کشورهای منتخب: درس هایی برای ایران

علی محمد مصدق راد؛ دانشیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
شیوا طلوعی رخشان؛ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی گروه علوم مدیریت
و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: شیوه های تخصیص منابع و خرید خدمت در نظام سلامت نه تنها تاثیر قابل توجهی بر عملکرد نظام سلامت دارد، بلکه بخش اعظم هزینه های بهداشت درمان کشورها را شامل می شود. یکی از مهمترین دغدغه های سیاستگذاران تخصیص بهینه منابع و خرید درست و به صرفه خدمات سلامت است. این پژوهش با هدف مقایسه شیوه تخصیص منابع و خرید خدمات سلامت در بین کشورهای موفق انجام شده است.

روش کار: این پژوهش به صورت تطبیقی به بررسی الگوهای تخصیص منابع و خرید خدمات سلامت در نظام سلامت ۱۱ کشور منتخب شامل استرالیا، آلمان، آمریکا، انگلستان، ایران، ترکیه، ژاپن، سنگاپور، سوئد، کانادا، کوبا پرداخت.

یافته ها: کشورهای مورد بررسی روش های متنوعی را برای خرید خدمات سلامت و پرداخت به ارائه کنندگان به کار گرفته اند در نظام سلامت آمریکا، سازمان های حافظ سلامت خریدار خدمات سلامت هستند که بر پایه پیش پرداخت عمل می کنند. در حالی که همین وظیفه را در آلمان صندوق های بیماری بر عهده دارند. در انگلیس منابع عمومی تأمین مالی برای مراقبت سلامت، به وسیله دولت مرکزی به دپارتمان سلامت تخصیص پیدا می کند در حالی که در نظام سلامت کانادا سازمان های سلامت منطقه ای هم به عنوان خریدار و هم به عنوان ارائه کننده عمل می کند. پرداخت ها برای خدمات سلامت در ایالات متحده آمریکا، وابسته به خدمات فراهم شده، تأمین کنندگان مالی و نوع ارائه کننده خدمت است اما در نظام سلامت انگلستان پرداخت به بیمارستان ها به صورت پرداخت بر مبنای نتیجه می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به تجربیات کشورهای موفق، خرید راهبردی خدمات، اصلاح ظرفیت نهادی و تنظیم قوانین و سیاست ها به منظور ایجاد زیرساخت های لازمه، جایگزینی روش های پرداخت موثر به جای کارانه و استفاده از نظام های پرداخت های ترکیبی به نیروی انسانی، برای تخصیص منابع و خرید خدمات در نظام سلامت ایران پیشنهاد می شود که منجر به افزایش کارایی و بهره وری در امر تأمین مالی نظام سلامت می شود.

واژگان کلیدی: تأمین مالی، خرید خدمت، تخصیص منابع، نظام سلامت، مطالعه تطبیقی



بررسی تطبیقی الگوی جمع آوری منابع مالی نظام سلامت در کشورهای منتخب: درس‌هایی برای ایران

علی محمد مصدق راد؛ دانشیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
شیوا طلوعی رخشان؛ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: روش‌های مختلفی برای جمع آوری درآمد در نظام‌های سلامت وجود دارد نظیر مالیات عمومی، مشارکت اجباری در بیمه اجتماعی سلامت، مشارکت اختیاری در بیمه‌های خصوصی سلامت، پرداخت مستقیم از جیب و همچنین موقوفات و کمک‌های اهدایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پژوهش با هدف مقایسه الگوهای جمع آوری منابع مالی نظام سلامت در بین کشورهای موفق انجام شده است.

روش کار: این پژوهش به سورت مرور تطبیقی به بررسی جمع آوری منابع مالی در نظام سلامت ۱۱ کشور منتخب شامل استرالیا، آلمان، آمریکا، انگلستان، ایران، ترکیه، ژاپن، سنگاپور، سوئد، کانادا، کوبا پرداخت.

یافته‌ها: سهم هزینه‌های سلامت به طور میانگین ۸/۶٪ تولید ناخالص داخلی در جهان می‌باشد که همین شاخص در مناطق مختلف سازمان جهانی بهداشت متفاوت است: منطقه آفریقا، منطقه آمریکا ۱۳/۶٪، منطقه شرق مدیترانه ۴/۶٪. کشورهای ثروتمند سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی (۱۱/۶٪) را به سلامت اختصاص می‌دهند در حالی که این مقدار در کشورهای کم درآمد ۵٪ است. به طور متوسط در دنیا ۵۷/۶٪ از کل هزینه‌های سلامت را هزینه‌های عمومی دولت تشکیل می‌دهد که این مقدار در کشورهای ثروتمند به ۶۰٪ و در کشورهای کم درآمد تا ۳۸٪ تغییر می‌کند در کشورهای مورد بررسی، اکثر کشورها بین ۸ تا ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را به طور کلی به سلامت اختصاص داده‌اند که در این بین استثنائاتی نیز وجود دارد مثلاً سنگاپور تنها ۴ درصد و ترکیه، آلمان و آمریکا به ترتیب ۵، ۱۱ و ۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی به عنوان سهم سلامت اختصاص می‌دهند.

نتیجه‌گیری: با توجه به تجربیات کشورهای موفق در امر جمع آوری منابع مالی نظام سلامت، مدیریت موثر منابع جمع آوری شده، انتخاب روش‌های تأمین مالی صعودی از طریق تجمیع سهم سلامت از محل مالیات بر درآمدهای قطعی افراد (مالیات اختصاصی بر درآمد)، نیز پوشش اجباری بیمه پیشنهاد جهت حرکت به سوی صندوق ملی واحد سلامت، شفاف نمودن سهم مشارکت مردم و دولت در تأمین منابع مالی و نگارش و اجرای یک برنامه جامع جهت حفاظت از افراد کم درآمد و ناتوان، برای جمع آوری منابع مالی در نظام سلامت ایران پیشنهاد می‌شود که منجر به افزایش اثربخشی، کارایی و بهره‌وری نظام سلامت می‌شود.

واژگان کلیدی: تأمین مالی، جمع آوری منابع، نظام سلامت، مطالعه تطبیقی



بررسی الگوی تغذیه انحصاری با شیر مادر در کودکان ۶ ماهه استان فارس، ۱۳۹۵

علیرضا میراحمدی زاده؛ پزشک، استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز، شیراز، ایران

علی محمد مختاری؛ دکترای حرفه‌ای، کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،

ایران

ثریا زحمت کش؛ دکترای حرفه‌ای، کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،

ایران

Email: soraya.zahmatkesh@gmail.com

زمینه و هدف: تغذیه انحصاری با شیر مادر در طی ماه‌های ابتدایی زندگی دارای فوایدی برای مادر و کودک می‌باشد و توصیه شده است که در ۶ ماه اول زندگی، کودکان باید فقط از شیر مادر تغذیه شوند. هدف توصیه شده توسط سازمان جهانی بهداشت تا سال ۲۰۲۵ این است که میزان تغذیه انحصاری با شیر مادر برای کودکان زیر ۶ ماه حداقل به ۵۰٪ برسد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان تغذیه انحصاری با شیر مادر تا ۶ ماهگی و برخی عوامل موثر بر آن در شیرخواران استان فارس انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش مقطعی و بر روی ۱۶۸۱ کودک با سن بین ۶ تا ۹ ماه انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بود که علاوه بر پرسش‌های دموگرافیک، شامل سؤالاتی درباره‌ی تغذیه با شیر مادر و برخی متغیرهای پیش‌گویی کننده بود. اطلاعات با مراجعه به درب منازل و از طریق مصاحبه حضوری با مادران جمع‌آوری شد و پس از ورود به نرم افزار، با استفاده از آزمون‌های توصیفی و تحلیلی بررسی گردید.

نتایج: در طول ۶ ماه اول زندگی در حدود ۹۰ درصد نوزادان سابقه استفاده از شیر مادر داشتند و میانگین مدت زمان تغذیه انحصاری با شیر مادر، برابر با ۵/۲ ماه بود. دلیل اصلی عدم تغذیه از شیر مادر، ناکافی بودن شیر مادر گزارش شد. حدود ۵۷٪ نوزادان در طی ۶ ماه اول زندگی انحصاراً توسط شیر مادر تغذیه شده بودند. متغیرهای محل سکونت، شغل مادر، تحصیلات پدر، نوع زایمان و محل زایمان دارای به شکل معنی داری بر میزان تغذیه انحصاری کودک موثر بودند.

نتیجه‌گیری: میزان تغذیه انحصاری با شیر مادر نسبت به برخی از مناطق ایران و حتی دنیا در وضعیت بهتری قرار دارد. دلیل اصلی عدم تغذیه از شیر مادر، ناکافی بودن شیر مادر گزارش شده بود که نیاز به انجام بررسی‌هایی در این خصوص و ارائه راهکارهای مفید و کاربردی برای حل این مشکل ضروری بنظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: تغذیه انحصاری، شیر مادر، شیرخواران



عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۶

حجت رحمان؛ استادیار گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

سمیه نیاکان؛ استادیار گروه ارتوپدی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

رضا کریمی کلایه؛ کارشناس ارشد حوزه مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

قاسم رجبی واسوکلایی؛ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

انجمن عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف: سازمان‌های بهداشت و درمانی در حال حاضر، در حال تبدیل شدن به فعال‌ترین سازمان‌های خدماتی در سراسر جهان می‌شوند. سرعت رشد حوزه بهداشتی و درمانی و ارتباط این حوزه با سایر حوزه‌هایی که بر سلامت اجتماع تاثیر می‌گذارد علاوه بر در اولویت بودن عدالت، دسترسی، فراهمی و مشارکت مالی عادلانه، نیازمند بهره‌مندی از متخصصین بالینی و غیربالینی توانمند، اثر بخش و پاسخگو می‌باشد. لذا این مطالعه با هدف عوامل موثر بر بهره‌مندی نیروی انسانی در بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران به انجام رسیده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی و توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری مطالعه را کارکنان بیمارستان‌های عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران تشکیل می‌دادند و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۴۰ نفر حجم نمونه مطالعه را تشکیل داده‌اند. ابزار جمع‌آوری در این مطالعه پرسشنامه بوده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از این مطالعه از نرم افزار تحلیلی SPSS ویرایش ۲۴ استفاده شده است.

نتایج: یافته‌های مطالعه نشان داد، بیشترین مشارکت در این مطالعه؛ در متغیر جنسیت؛ کارکنان با جنسیت زن، در متغیر سطح تحصیلات، کارکنان با سطح تحصیلات کارشناسی و در متغیر سابقه کاری، کارکنان با سابقه زیر ۱۰ سال بودند. در بین ابعاد ۸ گانه به ترتیب ابعاد عوامل سازمانی و مدیریتی، عوامل برنامه ریزی و هدایت عملکرد کارکنان و عوامل روانی-اجتماعی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری: از آنجایی که کلیه مراقبت‌های بهداشتی درمانی در نظام سلامت هر کشوری، توسط منابع انسانی صورت می‌پذیرد، لذا مدیریت منابع انسانی نقش حیاتی را در موفقیت سیستم سلامت هر کشوری عهده دار خواهد بود به طوریکه شواهد علمی نشان می‌دهد، منابع انسانی از مهمترین منابع در ارائه خدمات بهداشتی درمانی با کیفیت و اثربخش می‌باشد. بهره‌مندی از نظام مدیریت مشارکتی، وجود نظام ارزشیابی عملکرد عادلانه، عدم تبعیض و رعایت عدالت سازمانی و بهره‌مندی از سبک رهبری مطلوب می‌توانند تا حد زیادی به بهره‌وری نیروی انسانی کمک نمایند.

واژگان کلیدی: مدیریت منابع انسانی، بهره‌وری منابع انسانی، بیمارستان



سبک زندگی سالمندان و دستاوردهای اقتصادی سالمند سالم

فاروق نعمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت و پژوهشگر مرکز پژوهش های دانشجویی، انجمن

علمی پژوهشی مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

Email: Fnaemani@razi.tums.ac.ir

مراد اسماعیل زالی؛ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی

تهران، تهران، ایران

زهرا سهراب؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: پدیده افزایش جمعیت سالمندان، یکی از مهم ترین چالش های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی قرن ۲۱ به شمار می آید. با توجه به اینکه انتخاب سبک زندگی سالم در هر دورانی از زندگی مخصوصا در دوران سالمندی دارای نقش اساسی در پیشگیری از بیماری ها، کاهش بار مالی بیماری ها و هزینه های ناشی از آنها می باشد؛ مطالعه حاضر با هدف بررسی سبک زندگی سالمندان و تاثیر آن بر اقتصاد بهداشت در دوران سالمندی طراحی و اجرا گردید.

روش کار: این مطالعه به صورت مروری و بررسی متون کتابخانه ای و مقالات، از منابع علمی (Google Scholar, SID, IrMedex Pubmed, ScienceDirect) با استفاده از واژه های کلیدی سبک زندگی، سبک زندگی سالمندان و اقتصاد سالمندی در عنوان مقالات، مطالعات مروری و تحقیقی، با در نظر گرفتن محدودیت زمانی پنج ساله-از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷- صورت پذیرفت. با انجام پالایش مقالات، تعداد ۲۹ مقاله وارد مطالعه شدند. داده های استخراج شده از منابع اولیه به وسیله چک لیست طراحی شده، طبقه بندی و خلاصه گردیدند.

نتایج: یافته ها نشان داد که مولفه های سبک زندگی، ارتباط معنی داری با سالمندی سالم دارند. پیشگیری از ابتلا به بیماری ها به عنوان یک مولفه سبک زندگی باعث افزایش طول عمر و کاهش هزینه های سلامت می شود. عواملی نظیر عدم مصرف دخانیات، فعالیت فیزیکی، تغذیه، کیفیت خواب و شرایط محیط زندگی که از مولفه های اساسی سبک زندگی سالم در بین سالمندان می باشند، به طور معناداری باعث کاهش مراجعات سالمندان به مراکز خدمات درمانی و در نتیجه کاهش هزینه های درمانی می شوند. **نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت سبک زندگی سالم و تاثیر آن بر تامین، حفظ و ارتقای سلامت افراد، تدوین و اجرای پروتکل جامع سبک زندگی سالم برای همه گروه های سنی به خصوص سالمندان ضروری به نظر می رسد. همچنین تاثیر مستقیم مولفه های سبک زندگی بر افزایش سلامت و به دنبال آن کاهش هزینه های درمانی در دوران سالمندی، تدوین و به کارگیری سیاست هایی جهت ارتقای سبک زندگی توسط متولیان رفاه و سلامت جامعه، از نظر اقتصاد بهداشت، به عنوان هزینه-اثربخاسترین اقدام در حوزه بهداشت و درمان برای سالمندان و سایر گروه ها می تواند عمل کند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، سبک زندگی سالمندان، هزینه های سالمندی، هزینه های بهداشتی، اقتصاد بهداشت



اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود کیفیت زندگی مراقبین سلامت مرکز بهداشت شهرستان ترکمن

سونا محمد نقی ترک؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تعیین برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی بر بهبود کیفیت زندگی مراقبین سلامت مرکز بهداشت شهرستان ترکمن بود.

روش کار: برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش شبه تجربی با طرح پیش از مون پس از مون با گروه کنترل استفاده شد. از بین مراقبین سلامت مرکز بهداشت شهرستان ترکمن در سال ۳۰،۹۶ نفر مراقب سلامت کیفیت زندگی نمره را در پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی ۲۶ سوالی (WHOQOL BREF) به دست آورده بودند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری (گواه و آزمایش) جایگزین شدند. جلسه‌های آموزش گروهی مهارت‌های زندگی به مدت ۹ جلسه ۱،۵ ساعته به صورت هفتگی اجرا شد.

نتایج: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان دادند که برنامه آموزش مهارت‌های زندگی توانسته است سلامت روانی و جسمانی مراقبین سلامت را به طور معنا داری افزایش دهد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود کیفیت زندگی مراقبین سلامت اثرگذار است.

واژگان کلیدی: مهارت‌های زندگی، کیفیت زندگی، مراقبین سلامت



Evaluation of the therapeutic interventions effects on body growth pattern of infants with congenital hypothyroidism

Sajjad Rahimi Pordanjani, Ph.D Student of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Behnaz Rahimi Pordanjani, BSc of Public Health, School of Health, Shahrkord University of Medical Sciences, Shahrkord, Iran

Background and Aim: The congenital hypothyroidism is one of the most common congenital endocrine disorders as well as the most preventable mental retardation cause and body growth disorder. Several factors such as therapeutic interventions might affect the infants' growth condition. The current study was aimed to evaluate the therapeutic interventions' effect on growth pattern of infants with congenital hypothyroidism in Yazd.

Materials and Methods: This retrospective cohort study was performed on all neonates with CH, who were born during years 2006 and 2008. The effectiveness of therapeutic interventions indices including age of treatment onset, the administered dosage of Levothyroxine and normalization time of T4 and TSH level on growth pattern of children with CH by measuring height, weight and head circumference during the first five years was evaluated.

Results: The results of the current study showed a significant increase in height, weight, and head circumference in infants from early infancy to 60 months of age as well as an ascending trend of the aforementioned variables ($P < 0.05$). The significant effect of therapeutic interventions such as the age of treatment onset less than 30 days normalization time of TSH during 30 days after diagnosing and normalization age of T4 less than 14 days was reported on height and weight growths of patients with congenital hypothyroidism. Also, the trend of head circumference growth would be increased in patients equally.

Conclusion: The significant effect of therapeutic interventions was reported on height, weight, and head circumference growths of patients with congenital hypothyroidism.

Keywords: Congenital hypothyroidism, Infants, Intervention, Growth, Height, Weight, Head circumference



بررسی فراوانی و عوامل موثر در افت تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان در سال تحصیلی ۱۳۹۵

سجاد رحیمی پردنجانی، دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

گوهر کمی، کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران.

سهراب ایرانپور، دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

زمینه و هدف: افت تحصیلی دانشجویان همواره به عنوان یکی از عمده ترین چالش های نظام آموزشی مطرح بوده است. این مطالعه با هدف تعیین فراوانی و عوامل موثر در افت تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است که ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان به روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده و پرسشنامه طرح تحقیقاتی بین آنها توزیع گردید. داده ها از طریق پرسشنامه معتبر جمع آوری شدند و دانشجویان برحسب معدل کلاسی و ترمهای مشروطی به ۲ دسته دانشجویان دارای افت تحصیلی و فاقد افت تحصیلی تقسیم گردیدند، بدین صورت که دانشجویان با کاهش یک نمره ای معدل نسبت به معدل ترم قبل و یا مشروط شدن در ترم قبل بعنوان دانشجویان دارای افت تحصیلی و سایر دانشجویان به عنوان دانشجویان فاقد افت تحصیلی در نظر گرفته شده اند سپس داده ها وارد کامپیوتر شده و توسط نرم افزار آماری SPSS با استفاده از آزمونهای کای دو، t مستقل و آنالیز واریانس مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج: میانگین سنی دانشجویان ۲۲،۷۷ و فراوانی افت تحصیلی بر اساس معدل و ترم های مشروطی ۱۴٪ (۲۱ نفر) بود. بیشترین فراوانی در بین دانشجویان رشته بهداشت عمومی با ۱۹،۴٪ (۸ نفر) مشاهده شد و فراوانی افت تحصیلی در میان جنس مونث بیشتر از جنس مذکر است. بین افت تحصیلی با وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی، معدل دبیرستان دانشجویان ارتباط معنا داری وجود داشت. همچنین در میان عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی حضور در کلاس درس، علاقه به رشته تحصیلی، دقت و تمرکز در کلاس درس و نحوه انتخاب رشته با افت تحصیلی ارتباط معنا داری یافت شد.

نتیجه گیری: با توجه به اختلاف معنی دار در بسیاری از ویژگی های فردی و تحصیلی بین دانشجویان دارای افت تحصیلی و فاقد افت تحصیلی، توجه و برنامه ریزی خاص در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: دانشجویان، افت تحصیلی، دامغان.



عوامل موثر بر رفتار خودمراقبتی بیماران دیابتی: یک مطالعه مروری سیستماتیک

محسن فلاحي، دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

اسماء بابایانی، دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

زمینه و هدف: دیابت شیرین بیماری مزمنی است که تمام جنبه های زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. در حال حاضر تعداد بیماران دیابتی در ایران ۱,۵ میلیون نفر میباشد. آمار دیابتی ها در سال ۱۹۹۷ حدود ۱۲۵ میلیون نفر بوده است که برآورد اخیر سازمان جهانی بهداشت نشان می دهد در سال ۲۰۲۵ تعداد دیابتی ها در جهان به ۳۰۰ میلیون افزایش یابد. این افزایش می تواند به دلیل تغییر شیوه زندگی که منجر به افزایش شیوع چاقی و کاهش میزان فعالیت بدنی شده است باشد. پس از این رو توانمندسازی بیمار و حمایت از خود مراقبتی به واسطه آموزش، کلید کنترل دیابت می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه مروری سیستماتیک است که بر اساس چک لیست پریسما طراحی گردیده است و با هدف پاسخ به این پرسش ایجاد گردید: عوامل تأثیر گذار بر رفتار خودمراقبتی چه می باشد؟ که در ابتدا با توجه با معیار ورودی به بررسی ۸۹ مقاله پرداخته شد. سپس مقالات را بر اساس شایستگی (eligibility) محدود کرده و در نهایت تعداد ۳۸ مقاله انتخاب گردید. این مقالات از پایگاه های Scopus, PubMed, ScinceDirect Sid, و موتور جستجو GoogleScholar بدون بازه زمانی با کلید واژه های Self management barrier Self Care in dibetes in diabetes, self management. و در جستجوی منبع فارسی زبان، کلیدواژه های دیابت، خود مراقبتی، خودمدیریتی دیابت، موانع خود مدیریتی در دیابت مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: در زمینه خود مراقبتی سواد و تحصیلات بسیار مهم است. در رابطه بین فعالیت فیزیکی در بیماران مبتلا به دیابت و خودمراقبتی می توان ادعا نمود فعالیت فیزیکی ارتباط معنی داری با خودمراقبتی دارد. جنس و سن نیز از عواملی هستند که در مطالعات متعدد بر رفتارهای خودمدیریتی و پای بندی به درمان تأثیرگذار بوده اند

نتیجه گیری: بررسی های انجام شده بیانگر آن است که رعایت فعالیت های خود مراقبتی علاوه بر بهبود کیفیت زندگی فرد و خانواده افراد مبتلا به بیماری دیابت، نقش بسیار مهمی در کاهش هزینه های درمانی دارد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، کیفیت زندگی، خودمراقبتی



لزوم آموزش و ارتقاء فرهنگ کارآفرینانه در بین دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و نقش آن در کارایی ارائه خدمات درمانی

الهه آل ابراهیم دهکردی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

علی ریحانیان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

زمینه و هدف: امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین فعالیتهای دانشگاهی تبدیل شده است و این نظام آموزشی در صورتی اثر بخش خواهد بود که بتواند با ایجاد بسترهای لازم، روحیه کارآفرینی را در بین دانشجویان پرورش دهد. بنابراین یک ضرورت جدی در دانشگاه ها، ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی در بین دانشجویان است و آنچه در فرهنگ سازی نقش عمده ای دارد آموزش است. با توجه به اهمیت توسعه کارآفرینی در حوزه بهداشت و درمان، این پژوهش مروری سیستماتیک با هدف نقش آموزش فرهنگ کارآفرینانه در بین دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و نقش آن در کارایی خدمات درمانی انجام شده است.

مواد و روش ها: برای انجام این مطالعه مروری سیستماتیک، کلیدهای ذکر شده در این مقاله از پایگاه های اطلاعاتی Medline، Scopus، Google Scholar و SID جستجو شدند. بر اساس معیارهای در نظر گرفته شده، تعداد ۵۸ مقاله انتخاب و وارد مطالعه شدند.

نتایج: نتایج این پژوهش نشان می دهد تقویت روحیه کارآفرینانه دانشجویان از طریق آموزش های ایده پردازی و تفکر خلاق تا حد قابل قبولی می تواند اثر گذار باشد به طوری که هر یک از مشخصه های رفتاری کارآفرینان را می توان به وسیله آموزش تقویت کرد. و در نهایت این آموزش ها می توانند نگرش های کارآفرینانه را در بین دانشجویان ایجاد کنند. و افراد را مسئولیت پذیرتر نمایند. تقویت روحیه کارآفرینی موجب می شود که متخصصان حوزه سلامت از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار بوده و بتوانند دانشی را که فرا گرفته اند در عمل به کار گیرند و با شناسایی نیازهای برآورده نشده، یک راهکار و ایده جدید برای خود و صنعت سلامت ارائه دهند.

نتیجه گیری: برگزاری دوره های آموزشی کارآفرینی در دانشگاه ها می تواند خودباوری، اعتماد به نفس و خطرپذیری را در دانشجویان پرورش دهد. به طوری که کارکرد مثبت این آموزش ها می تواند در جهت افزایش روحیه کارآفرینانه مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: آموزش، فرهنگ کارآفرینانه، دانشجویان علوم پزشکی، خدمات درمانی



بررسی ارتباط سن مادران در هنگام بارداری با وزن نوزادان متولد شده در شهرستان اردبیل در سال های ۹۶-۹۵

سهیل فرج‌زاده اصل، دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

محسن غنی‌زاده، دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

Mohsen.ghanizadeh.15@gmail.com

زمینه و هدف: وزن هنگام تولد نوزادان به عنوان یکی از شاخص‌های مهم سلامتی و بهداشتی مطرح می‌باشد. این شاخص متأثر از عوامل متعددی مثل علل مادری و علل جنینی می‌باشد. از جمله عوامل مادری میتوان به سن مادر، وضعیت تغذیه‌ای، بیماریهای مزمن مادر نظیر پرفشاری خون، هیپوتیروئیدی یا عفونت‌های حاد و مزمن و ... اشاره کرد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین وزن هنگام تولد با سن مادر در هنگام بارداری انجام گردید.

مواد و روش‌ها: این مطالعه ی توصیفی-تحلیلی با استفاده از مستندات مراکز درمانی و بهداشتی شهرستان که تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی اردبیل قرار دارند، انجام شد. در این مطالعه تمامی نوزادان متولد شده (۲۱۷۴۲ نفر) در شهرستان اردبیل از اول فروردین سال ۹۵ تا آخر اسفند سال ۹۶ که وزن هنگام تولد آنها در سامانه سیب مراکز و پایگاه‌های بهداشتی ثبت شده بودند، به عنوان مورد بررسی شدند. داده‌های این مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ی ۱۸ و آزمون‌های آماری تی تست و کای اسکوئر مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از ۲۱۷۴۲ نوزاد متولد شده ۳۱/۹۲٪ (۶۹۴۲ نفر) سن مادران آنها در هنگام بارداری زیر ۲۰ سال، ۵۳/۷۴٪ (۱۱۶۸۶ نفر) سن ۲۱ تا ۳۵ سال و ۱۴/۳۲٪ (۳۱۱۴ نفر) سن بالای ۳۵ بو. ۴/۷۶٪ نوزادان (۱۰۳۷ نفر) در بدو تولد وزن زیر ۲۵۰۰ گرم داشتند که ۳۶/۴۵٪ (۳۷۸ نفر) سن مادران آنها در هنگام بارداری زیر ۲۰ سال، ۴۸/۵٪ (۵۰۳ نفر) ۲۱ تا ۳۵ سال و نفر بالای ۳۵ سال بود. طبق نتایج بدست‌آمده میزان شیوع نوزادان کم وزن (زیر ۲۵۰۰ گرم) در مادران سن زیر ۲۰ سال بیشتر بوده و طبق آزمون‌های آماری ارتباط معناداری دارد ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به این که میزان بروز موالید کم وزن در مادران زیر ۲۰ سال به طور معنی داری از مادران بین ۲۰ تا ۳۵ سال بیشتر است، این امر بیانگر نیاز به مداخلات آموزشی در جهت ارتقاء آگاهی‌های زنان سنین باروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: وزن هنگام تولد نوزادان، سن بارداری مادران، اردبیل



بررسی همبستگی مشخصات دموگرافیک کودکان با سبک‌های فرزند پروری در والدین

آسیه نمازی، دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران
anamazi55@yahoo.com

زمینه و هدف: سبک‌های فرزندپروری بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط والدین با فرزندان است و عامل مهمی برای تحول و یادگیری کودکان بحساب می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ والدینی که ارتباط صمیمانه و کنترل منطقی رفتار دارند، احتمالاً الگوهای کارآمدتر و موثرتری برای فرزندان بوده و باعث خودمراقبتی بهتر در آنها می‌شوند. مطالعه حاضر با هدف بررسی همبستگی بین مشخصات دموگرافیک کودکان با سبک فرزندپروری در والدین انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر به صورت مقطعی و از نوع همبستگی بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام گرفت و در طی آن ۲۲۶ نفر از کارکنان دانشگاه که دارای فرزند ۶-۱۱ ساله بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل اطلاعات فردی افراد مورد بررسی و پرسشنامه سبک فرزند پروری دیانا بامریند (۱۹۷۱)، بود. این پرسشنامه از ۳۰ سؤال تشکیل شده که به ترتیب ۱۰ پرسش آن مربوط به شیوه مقتدرانه، ۱۰ پرسش برای شیوه مستبدانه و ۱۰ سؤال هم شیوه سهل گیرانه را مشخص می‌سازد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری spss/ver22 و با روشهای آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: میانگین نمرات در سبک سهل گیرانه، $(16/05 \pm 5/24)$ ، در سبک استبدادی $(13/70 \pm 6/67)$ و در سبک قاطعانه $(30/25 \pm 7/51)$ بود. شیوه قاطعانه در ۸۴/۵ درصد موارد به صورت غالب مشاهده شد که در دختران بیشتر از پسران گزارش شد (۴۶/۹ درصد در مقابل ۳۷/۶ درصد). ۵۴/۲٪ از کودکانی که فرزند اول خانواده بودند با سبک قاطعانه تربیت شده بودند. بین جنسیت، سن و رتبه تولد کودکان مورد بررسی با شیوه‌های مختلف فرزندپروری همبستگی آماری معنی دار مشاهده نشد. **نتیجه گیری:** آموزش فرزندپروری به والدین و عملکردها و فعالیت‌های متناسب با سن و مرحله تکاملی کودکان می‌تواند در بالا بردن شناخت و دانش والدین در زمینه هنجارهای رشدی و تحولی کودکان کارساز باشد.

واژگان کلیدی: والدین، سبک فرزندپروری، مشخصات دموگرافیک کودکان



بررسی عوامل خطر مرتبط با سالمند آزاری و انواع آن در سالمندان

پریسا ملائی، دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

سیده فاطمه موسوی شیرازی، دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

زمینه و هدف: کاهش اساسی و مستمر مرگ و میر موجب رشد فزاینده جمعیت سالمند شده است. سالمندان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه می‌باشند و به دلیل تغییرات فیزیولوژیکی و آناتومی در معرض خطرات متعدد از جمله سالمند آزاری هستند. سالمند آزاری موضوعی کاملاً پیچیده است و از آن به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های غیر مستقیم مرگ یاد می‌شود. بنابراین سالمند آزاری به عنوان یک مشکل بهداشت عمومی در سراسر جهان شناخته شده است.

مواد و روش‌ها: این مقاله نوعی مقاله مروری است که در آن جمع‌آوری اطلاعات از طریق جستجو در منابع اینترنتی (SID, springer, scopus, MAGIRAN, google scholar) و با استفاده از کلمات کلیدی سالمند، سالمند آزاری، خشونت، غفلت، صورت گرفته است. در مجموع ۸۴۷ مقاله یافت شد که از این میان ۵۳ مقاله به دلیل تناسب بیشتر با موضوع مطالعه انتخاب شدند.

نتایج: مطالعه مروری حاضر نشان داد سالمند آزاری عمدتاً در ۴ نوع آزار روانی، جسمی، مالی و غفلت، دسته‌بندی می‌شود. ۱۴ عامل خطر مرتبط با سالمند آزاری وجود دارد که در دو گروه عوامل خطر مرتبط با سالمند آزار دیده (سالمند نیازمند به حمایت، سالمند مبتلا به دمانس، سابقه مثبت خشونت، رفتار پرخاشگرانه سالمند، اعتیاد، بیماری‌های روانپزشکی و انزوای اجتماعی) و عوامل خطر مرتبط با فرد آزار دهنده (فشار مراقبتی، زندگی مشترک با سالمند دارای عامل خطر آزار، وابستگی زیاد به سالمند، اعتیاد، بیماری‌های روانپزشکی، دمانس) تقسیم‌بندی می‌شود.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم تأکید زیادی که در فرهنگ ما برای احترام به سالمند وجود دارد، سالمندان انواع مختلف سوء رفتار را تجربه می‌کنند. لذا شناخت دقیق سوء رفتار با سالمندان در جامعه می‌تواند آگاهی و حساسیت افراد و سازمانهای مرتبط با این پدیده را بالا برده تا در جهت پیشگیری و طراحی سیستم‌شناسایی سالمندان در معرض خطر اقدامات موثری را انجام دهند.

واژگان کلیدی: سالمند، سالمند آزاری، غفلت، خشونت



Review on the effect of self-care education on the life quality of patients infected with diabetes

Mina puryaghoob, Zanzan Genetics Faculty, Member of the Student Research Committee, Zanzan University of Basic Sciences, Zanzan, Iran

Zeinab Yousefli, Abhar Nursing Faculty, Member of the Student Research Committee, Zanzan University of medical Sciences, Zanzan, Iran

Haniye Mashhadi, Abhar Nursing Faculty, Member of the Student Research Committee, Zanzan University of medical Sciences, Zanzan, Iran

Maryam puryaghoob, Abhar Nursing Faculty, Pediatric nursing Faculty, Zanzan University of Medical Sciences, Zanzan, Iran

Introduction: Diabetes is one of the most common chronic diseases, and it is the fifth main cause of mortality all over the world. This disease causes the irreparable consequences, imposing the direct and indirect costs on health system and enormous effect on patients' life quality. As the most important underlying factor of mortality in these patients is the lack of doing self-care activities, observing these activities not only improves the life quality of an individual, family, and people infected with a chronic disease, but also plays a very important role in decreasing the therapeutic costs resulting from the frequent hospitalizations. This study was performed to review the effect of self-care education on the life quality of patients infected with diabetes.

Research Method: The findings of this review study have been obtained by searching the definite keywords in scientific books and information bases called Ovid, Sid, Google Scholar.

Results: The studies show that self-care behaviors' education including observation of the diet, physical activity, self-seeking the level of sugar in blood, and the way of correct injection and maintenance of Insulin has a positive effect on improving the life quality of the patients with diabetes.

Conclusion: Regarding the high outbreak of diabetes, strengthening the didactic and supportive councils, the techniques specific to self-care education, and encouraging the patients to do the self-care activities in order to improve the health and therapeutic costs can be an effective step for improving the life quality of patients infected with diabetes.

Keywords: Diabetes; Quality of Life; Self-care



بررسی تأثیر اصلاح سبک زندگی بر درمان بیماری کبد چرب غیرالکلی و پیشگیری از عوارض ناشی از آن: مروری سیستماتیک

فاطمه کاویانی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

شیدا گودرزی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

مقدمه: بیماری کبد چرب غیرالکلی NAFLD که به دلیل تجمع تری گلیسیرید در کبد رخمی دهد که می تواند تا استاتو هپاتیت غیرالکلی (NASH)، سیروز و سرطان کبد پیشرفت کند و خطر ابتلا به بیماریهای قلبی و عروقی افزایش می دهد. به همین دلیل یافتن راهحلی که بتواند با حداقل عوارض جانبی و هزینه موجب درمان کبد چرب غیرالکلی شود بسیار با ارزش است. نتایج مطالعات نشان داده اندک درمان بیماری کبد چرب غیرالکلی ارتباط مستقیمی با اصلاح سبک زندگی و به ویژه رژیم غذایی مردم دارد؛ لذا هدف از این مقاله، مروری بر بررسی تأثیر اصلاح سبک زندگی بر درمان بیماری کبد چرب و پیشگیری از عوارض ناشی از آن است.

روش جستجو: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که از طریق جستجوی منظم مقالات موجود در پایگاه های معتبر داخلی (scopus, web SID, magiran, iramedex) با کلیدواژه های (سبک زندگی، درمان، کبد چرب) و پایگاه های معتبر خارجی (scopus, web science, Pubmed) با کلیدواژه های Life style, Treatment, fatty liver از سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ انجام گردیده است.

یافته ها: از تعداد ۳۰ مقاله به دست آمده ۱۸ مقاله به زبان فارسی و ۱۲ مقاله به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است. از نتایج بازبینی شده ۱۵ مقاله واجد شرایط برای این مرور، مورد بررسی و دستهبندی قرار گرفت. در ۵۰ درصد مقالات نشان داده شده است که مصرف رژیم غذایی پرچرب (بر پایه چربی حیوانی کلسترول) علاوه بر افزایش سطحتری گلیسیرید و کلسترول سرم سبب تغییرات هیستوپاتولوژیک در کبد شامل التهاب واکوئل های چربی و تورم هپاتوسیت ها شده است. جایگزینی روغن زیتون به عنوان بخشی از چربی غذای روزانه در بیماران NAFLD در کنار کاهش وزن اندک، میتواند در درمان و پیشگیری از عوارض قلبی این بیماران مؤثر باشد و همچنین نتایج پژوهش هانشان داده است تمرینات ورزشی سبب کاهش معنی دار آنزیم های AST, ALT و شدت بیماری شده است.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع فراوان کبد چرب و عوارضی که این بیماری بر بدن دارد؛ درمان این بیماری از اهمیت بالایی برخوردار است. به منظور درمان بیماری کبد چرب میتوان از اصلاح سبک زندگی استفاده کرد؛ لذا پیشنهاد می شود تحقیقات بیشتری در زمینه تأثیرات اصلاح سبک زندگی بر بیماری های مزمن کبدی انجام شود.

کلیدواژه ها: سبک زندگی، درمان، کبد چرب



بررسی تأثیر ترس از افتادن بر کیفیت زندگی سالمندان

مرجان باقری، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران marjan_bagheri@modares.ac.ir

شمسالدین نیکنامی، استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

زمینه و هدف: دوران سالمندی مرحله‌ای از زندگی است که از ۶۵ سالگی شروع می‌شود و به‌عنوان یک فرایند زیستی (نه یک بیماری)، پدیده‌ای حیاتی است. افتادن و ترس از افتادن، از پیامدهای دوره سالمندی و تهدیدی مهم در استقلال فردی سالمند است. این مطالعه باهدف بررسی تأثیر ترس از افتادن بر کیفیت زندگی سالمندان در متون و مطالعات انجام‌شده، صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مرور روایتی است. در این مطالعه طی جستجوی جامع با واژگان کلیدی سالمند، ترس از افتادن، کیفیت زندگی و معادل‌های آن به زبان فارسی و انگلیسی در پایگاه‌هایی نظیر PubMed، Google Scholar، IranDoc، Direct Science و مجلات سالمندی ایران از سال ۲۰۱۳ تا به امروز، منابع مرتبط شناسایی و پس از مرور، نکات مهم و پرکاربرد آن ارائه گردید.

نتایج: با افزایش سن در سالمندان، کیفیت زندگی آنان کاهش می‌یابد و عواملی مانند سن، جنس، فعالیت فیزیکی، وضعیت ناتوانی فعلی و نظایر آن بر کیفیت زندگی سالمندان تأثیر می‌گذارد. درنتیجه بین ترس از افتادن و کیفیت زندگی سالمندان یک رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: اگرچه پدیده سالمندی اجتناب‌ناپذیر است، لیکن می‌توان با برنامه‌ریزی درست و به‌کارگیری روش‌ها و مراقبت‌های اصولی از بسیاری از اختلالات و معلولیت‌های این دوران پیشگیری نمود و یا آن را به تعویق انداخت تا بتوان از عمر طولانی همراه باکیفیت زندگی بالاتر، سلامت و رفاه بهتر، که همواره هدف و آرزوی دولت‌ها و بشر بوده بهره‌مند گردید. اجتناب سالمندان از انجام فعالیت‌های زندگی روزانه به علت ترس و یا سابقه افتادن می‌تواند باعث عدم اعتماد به تعادل، محدودیت، افت کارکردی و درنتیجه کاهش کیفیت زندگی و سلامتی آنان شود. درنتیجه مداخلات روان‌شناختی، آموزشی، رفتاری شناختی و مشاوره‌ای در سالمندان برای ایجاد سبک زندگی فعال جهت ارتقاء سلامت جسمی روانی و کیفیت زندگی سالمندان دارای ترس از افتادن باید موردتوجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سالمند، ترس از افتادن، کیفیت زندگی، مطالعه مروری



اهمیت آموزش روش های غربالگری و تشخیص زودرس سرطان پستان به زنان در راستای ارتقای سطح سواد سلامت آنان

فاطمه واعظ، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسمزاده، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

میلاد غریب، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمان، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: سرطان پستان شایعترین بدخیمی در بین زنان شناخته شده است. به طوری که ۱۶٪ کل سرطان‌ها را در ایران به خود اختصاص می‌دهد و در ایالات متحده آمریکا چهارمین علت مرگ زنان به شمار می‌آید. اندازه تومور اولیه و سن تشخیص سرطان فاکتورهای بسیار مهمی در درمان و پیش‌آگهی سرطان پستان هستند، لذا در این مقاله نیز سعی شده که به بیان اهمیت آموزش روش‌های مختلف غربالگری و تشخیص زودرس سرطان پستان به زنان در راستای ارتقای سطح سواد و آگاهی آنان پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: در این مقاله مروری، از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی SID, PUBMED, MAGIRAN با کلید واژه‌های سرطان پستان، زنان، غربالگری، پیشگیری و آموزش، مقالات مرتبط با موضوع شناسایی شد و ۲۲ مقاله مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت از ۱۴ مقاله در این مطالعه بهره کامل گرفته شد.

نتایج: طبق مطالعات بررسی شده، سطح آگاهی‌های مرتبط با سرطان پستان و برنامه‌های پیشگیری و غربالگری ارتباط معنی‌داری با هم داشت. زنان گاهی به علت عدم اطلاع از روش‌های تشخیص زودرس زمانی متوجه این سرطان می‌شوند که بیماری پیشرفت کرده و درمان تأثیری بسزایی نداشته است. به طور معمول سه روش تشخیص زودرس سرطان پستان وجود دارد، خودآزمایی پستان، معاینه توسط پرسنل بهداشتی-درمانی در حوزه‌ی زنان و ماموگرافی. در این میان خودآزمایی پستان ارزان‌تر و دردسترس‌تر است. در این روش بهترین زمان برای معاینه روز بعد از پایان قاعدگی و در خانم‌های یائسه یک روز از ماه به عنوان مثال اول هر ماه است و مراحل معاینه به صورت مشاهده و لمس توسط خود فرد می‌باشد.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد برنامه آموزش بر بهبود میزان آگاهی و عملکرد روش‌های غربالگری سرطان پستان نقش مهمی در تشخیص و درمان زودرس داشته است. لذا توصیه می‌شود سیاست‌هایی جهت آموزش در مراکز بهداشتی و درمانی، افزایش مراکز غربالگری و یادآوری منظم جهت غربالگری پستان اتخاذ گردد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، زنان، پیشگیری، غربالگری، آموزش



مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت دانشجویان از دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۹۵-۱۳۹۴

بابک محمدی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
خدیجه جمشیدی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه،

ایران

khadijeh.jamshidi93@gmail.com

زمینه و هدف: عدم رضایت دانشجویان پیامدهای نامطلوبی بدنبال دارد که به تبع آن دانشکده باید جهت فراهم کردن ساختار و خدمات بهتر تغییراتی را ایجاد کند و یا دانشجویان تصمیم به ترک آن دانشکده می‌گیرند و سایر دانشجویان را از آمدن به آن دانشکده منصرف می‌کنند. این پژوهش با هدف ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت دانشجویان از دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۹۵-۱۳۹۴ انجام شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه توصیفی مقطعی حاضر در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه با تعداد ۳۴۶ نفر با استفاده از جدول مورگان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای است که در مطالعات دیگر استفاده شده است. مؤلفه‌ها در این پژوهش در دو بعد اهمیت و رضایت مورد بررسی قرار گرفته است. هر دو بعد به صورت لیکرت چهارتایی طراحی شده است. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و تحلیلی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ استفاده شد.

نتایج: میزان اهمیت ($174/6 \pm 25$)، رضایت دانشجویان ($138/3 \pm 24/3$) و شکاف ($36/3 \pm 33/3$) بود. تمام حیطه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بودند. بیشترین رضایت مربوط به دو حیطه جو دانشکده و اثربخشی آموزشی و کمترین میزان رضایت مربوط به سلامت و امنیت دانشکده‌ها، اثربخشی راهنمایی و مشاوره تحصیلی و میزان اهمیت دادن به دانشجویان بود. بیشترین مقدار شکاف مربوط به حیطه‌های جو دانشکده و اثربخشی آموزشی و کمترین شکاف مربوط به حیطه سلامت و امنیت دانشکده‌ها بود. میانگین شکاف در دانشجویان دختر (42 ± 33) بیشتر از پسر ($26/9 \pm 31/9$) بود ($P = 0/004$). میانگین شکاف در دانشجویان متاهل ($54/7 \pm 38$) بیشتر از مجرد ($35/2 \pm 32/8$) بود ($P = 0/005$). دانشکده پرستاری و مامایی دارای کمترین ($24/9 \pm 27/5$) و دانشکده پزشکی ($44/1 \pm 33$) دارای بیشترین میانگین شکاف بود ($P = 0/001$).

نتیجه‌گیری: از آنجائیکه رضایت دانشجویان از دانشگاه در حد مطلوب نیست، لذا مدیران و کارکنان دانشگاه باید در ارتقاء کیفی و کمی خدمات بیش از پیش بکوشند. برنامه‌ریزی صحیح، اصلاح فرآیندها، آگاه‌سازی مدیریت و کارکنان در مورد رسالت دانشگاه می‌تواند در ارتقاء خدمات نقش داشته و در رضایت دانشجویان موثر باشد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های مؤثر بر رضایتمندی، رضایت دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه



رابطه بین طرح‌واره‌های شناختی با شانزده عامل شخصیتی کتل در دانشجویان علوم پزشکی

فردین عزیزیان، کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز،

ایران

Email: fardin.azizian@gmail.com

مقدمه: عوامل تشکیل دهنده صفات شخصیت همواره یکی از موضوعات اصلی مورد توجه پژوهشگران است. طرح‌واره‌های شناختی مفهومی روان‌شناختی هستند که در تشکیل و تحریف شناختی صفات شخصیت نقش مهمی دارند. این مفهوم براساس رویکرد شناختی شکل گرفته‌اند. پژوهش حاضر تعیین ارتباط طرح‌واره‌های شناختی با صفات شخصیت در نمونه‌های غیربالینی می‌باشد. **روش:** این پژوهش مطالعه توصیفی مقطعی از نوع همبستگی می‌باشد. روش نمونه‌گیری دردسترس و بصورت تصادفی ۲۵۰ نفر (۹۵ نفر مرد و ۱۵۵ نفر زن) از دانشجویان دانشگاه‌های زنجان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انتخاب شدند. در این پژوهش شرکت‌کننده‌ها پرسش‌نامه‌های شانزده عاملی کتل (۱۶PF) و طرح‌واره یانگ (YSQ-۹۰) استفاده شده است. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری در نرم‌افزار SPSS ۲۲ تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین صفات شخصیت با همه طرح‌واره‌های شناختی ارتباط وجود دارد و صفات شخصیت پیش‌بینی کننده طرح‌واره‌های شناختی است. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که طرح‌واره‌های شناختی توانایی پیش‌بینی صفات شخصیت در دانشجویان دارند. صفات شخصیتی A (ادوارخویی-گسیخته‌خویی)، C (پایداری هیجانی-ناپایداری هیجانی)، E (استیلا-تسلیم)، F (سرزندگی-دل‌مردگی)، H (ادوارخویی متهورانه-گسیخته‌خویی اساسی)، L (گسیخته‌خویی پارانویاگونه-دردسترس بودن اعتمادآمیز)، O (بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز-اعتماد توأم با آرامش)، Q1 (محافظه‌کاری)، Q3 (مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو)، Q4 (تنش عصبی) توسط پنج حوزه طرح‌واره‌های شناختی قابل پیش‌بینی است. **نتیجه‌گیری:** همسو با پژوهش‌های قبلی با صفات شخصیت و طرح‌واره‌های شناختی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه و ابعاد شخصیتی همگرایی و همپوشی مفهومی قابل ملاحظه‌ای دارند.

واژه‌های کلیدی: طرح‌واره‌های شناختی، صفات شانزده‌گانه شخصیتی کتل



اپیدمیولوژی علل آپنه انسدادی خواب در سالمندان

سیده فاطمه موسوی شیرازی، دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
پریساملائی، دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

زمینه و هدف: اختلال خواب یک عامل مهم رنج و بیماری در هر سنی به شمار می‌رود. خواب یکی از مشکلات تاثیر گذار بر کیفیت زندگی سالمندان می‌باشد. یکی از اختلالات شایع خواب در سالمندان، آپنه خواب (SDB) می‌باشد. اختلال تنفس خواب با ویژگی‌های وقفه تنفسی، شامل تنفس جزئی و یا آپنه در طول خواب مشخص می‌شود. که اثر آن بر کیفیت خواب شبانه مورد تأیید قرار گرفته است. لذا با توجه به اهمیت کیفیت خواب در دوره سالمندی، مطالعه حاضر به منظور بررسی اپیدمیولوژی آپنه انسدادی خواب در سالمندان انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری که در سال ۱۳۹۶ انجام شده است، از مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های اطلاعاتی مگیران، ایران‌داک، ایران‌مدکس، ساینتس‌دایرکت، اشپرینگر، گوگل اسکالر و اسکوپوس استفاده شد. مجموعه مقالات بررسی شده شامل ۵۶ مقاله (از ۱۶ کشور مختلف) بود که تحقیقات مربوط به ۱۰ سال اخیر (از سال ۲۰۰۸ تاکنون) را به زبان‌های فارسی و انگلیسی دربرداشت.

نتایج: این اختلال در سالمندان مبتلا به دمانس درمقایسه با سالمندانی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند بیشتر است عوامل خطر بالقوه وابسته به سن در آپنه انسدادی خواب شامل افزایش شاخص توده بدنی، کاهش کشش عضلانی، تغییرات آناتومی راه هوایی، کاهش عملکرد تیروئید، کاهش حجم ریه، جنسیت مرد، سابقه خانوادگی و یائسگی می‌باشد. علیرغم پیشرفت‌های متعدد در درک ما از پاتوژنز و پیامدهای بالینی این اختلال، اکثر کسانی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند، تشخیص داده نمی‌شوند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به افزایش جمعیت سالمندان و نتیجه مطالعات که نشان می‌دهد با افزایش سن آپنه انسدادی خواب افزایشی می‌یابد. ضروری است که آموزش پزشکی در همه سطوح شامل آموزش در مورد خطرات آپنه انسدادی خواب و سایر اختلالات خواب باشد. با توجه به شیوع بالا آپنه انسدادی خواب و پیامدهای بیماری درمان نشده برای فرد و جامعه بسیار زیاد است و نمیتوان آنها را نادیده گرفت.

واژگان کلیدی: اختلال خواب، سالمندی، اپیدمیولوژی



بررسی رفتارهای مراقبتی بهداشت دهان و دندان در مادران باردار شهر رشت، کاربردی از مدل اعتقاد بهداشتی ۹۵-۹۴

سحر نیک بین پشتمساری، کارشناس ارشد پرستاری بهداشت جامعه، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

s.nickbin@gmail.com

عبدالحسین امامی سیگارودی، استادیار، دکترای پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

زمینه و هدف: پوسیدگی دندان یکی از شایع‌ترین بیماری‌های بشر است. برخی از گروه‌ها در جامعه به لحاظ شرایط خاص فیزیولوژیکی بیشتر از سایرین در برابر پوسیدگی دندان آسیب‌پذیر می‌باشند. زنان باردار یکی از گروه‌های هدف در برنامه‌های کشوری است. قرار گرفتن جنین در معرض میکروب‌های بیماری‌زای دهانی، احتمال نیاز به بستری شدن نوزادان را در ICU افزایش می‌دهد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه یک مطالعه مقطعی و توصیفی-تحلیلی است. که طی آن ۱۱۰ نمونه مورد مطالعه از بین مادران باردار مراجعه کننده به ۱۵ مرکز بهداشتی درمانی شهر رشت (در مجموع ۳۳ پایگاه) به روش تصادفی انتخاب شدند. شاخص DMFT و ابعاد مدل اعتقاد بهداشتی (حساسیت، شدت، منافع، موانع و خودکارآمدی) و عملکرد در خصوص مراقبت‌های بهداشت دهان و دندان سنجیده و داده‌ها تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: توزیع فراوانی سنی ۸۶/۴٪ مادران در گروه ۳۰-۱۸ سال بودند. میانگین و انحراف معیار DMFT در زنان باردار $1/9 \pm 2/43$ بود. در این پژوهش آگاهی ($\beta=0/382$) و از سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی، حساسیت درک شده ($\beta=-0/263$) و موانع درک شده ($\beta=-0/367$) بیشترین عامل پیش‌بینی کننده رفتار بهداشتی دهان و دندان در مادران باردار بودند. بر اساس یافته‌ها بین آگاهی و عملکرد ($p=0/04$; $r=0/19$) در زمینه پیشگیری از پوسیدگی ارتباط مثبت مشاهده شد ($p<0/05$). در حالی که بین موانع درک شده در خصوص انجام رفتارهای مراقبت بهداشت دهان و دندان و عملکرد مادران در این زمینه ارتباط معکوس و معنی دار مشاهده شد ($p=0/01$; $r=-0/229$).

نتیجه‌گیری: مادران بتوانند منافع حاصل از رفتارهای بهداشتی دهان و دندان را درک کنند و بر موانع و عوامل بازدارنده انجام آن فائق آیند، دارای سطح بالایی خودکارآمدی در انجام رفتار باشند و در نهایت بتوانند انجام رفتار را تحت کنترل و اراده خود درآورند.

واژگان کلیدی: بهداشت دهان و دندان / رفتار مراقبتی / مادران / مدل اعتقاد بهداشتی



بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت بیماران قبل و بعد از طرح تحول نظام سلامت در یک بیمارستان آموزشی-درمانی استان کرمان در سال ۹۲ و ۹۴

محمدجواد اکبریان بافقی، استادیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران
مرجان هدایتی پور، دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران

سینا اعتمادی، دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران
پیمان امیدی، دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران
کبری الله دادی خرم آباد، دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران
مریم میرزاده مامولانی، دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، ایران

زمینه و هدف: رضایت بیمار پدیده پیچیده‌ای است و به چگونگی کمیت و کیفیت ارائه خدمات و درک بیمار از وضعیت نسبی بهبودی و نیز برخی ویژگی‌های دموگرافی، اجتماعی، اقتصادی و آشنایی بیمار به حقوق خود به عنوان و گیرنده خدمات بستگی دارد و بررسی آن نقش مهمی در شناسایی نقاط ضعف و قوت بیمارستان دارد. هدف این مطالعه سنجش و مقایسه میزان رضایت بیماران ترخیص شده بخش‌های بستری بیمارستان پاستور، قبل و بعد از طرح تحول نظام سلامت بود است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع بررسی توصیفی و تحلیلی می‌باشد. جامعه هدف ۳۴۰ بیمار ترخیص شده قبل و بعد از طرح تحول نظام سلامت است که بطور تصادفی ساده انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد وزارت بهداشت جمع‌آوری و با نرم‌افزار آماری SPSS18 و آزمون‌های آماری t مستقل، همبستگی پیرسون، تعقیبی فیشر و ANOVA تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد رضایت کلی بیماران بستری قبل و بعد از طرح تحول نظام سلامت به ترتیب ۶۶/۸۴٪ و ۶۱/۹۸٪ بود. به همین ترتیب در بخش پذیرش و ترخیص ۹۰/۷۵٪ و ۸۲/۲۵٪، خدمات هتلینگ ۸۱/۳۷٪ و ۷۴٪، رضایت از پرستاران ۹۱/۲۵٪ و ۸۶/۲۵٪، پزشکان ۹۰/۷۵٪ و ۸۲/۲۵٪، تصویربرداری ۹۰٪ و ۹۰/۵٪، نگهبانی ۸۴٪ و ۷۷/۲۵٪، داروخانه ۹۱/۵٪ و ۹۰/۵٪، تکریم ارباب رجوع ۸۶/۷۵٪ و ۷۹/۲۵٪، آزمایشگاه ۹۲٪ و ۸۹٪ و رضایت از پرسنل خدمات ۷۸/۵٪ و ۸۴٪ بدست آمد.

نتیجه‌گیری: به استناد نتایج بدست آمده، نمره رضایت کل نسبت به قبل کاهش یافته است. به منظور افزایش میزان رضایت بیماران از خدمات بیمارستانی، باید خدمات بیمارستانی را بهبود و ارتقا داد. استفاده از مدلی برپایه مدیریت ارتباط با بیماران به منظور افزایش میزان رضایت بیماران در بیمارستان‌های آموزشی همچون بیمارستان پاستور ضروری به نظر می‌آید.

کلمات کلیدی: رضایت بیمار، طرح تحول نظام سلامت، بیمارستان



Compare the prevalence of musculoskeletal disorders and its associated factors among farmers and city workers Agh Ghala : A cross-sectional study

Hossein Izadirad, Expert of Department of Health Education, Zahedan University of sciences Zahedan, Iran

Fatemeh Pourhaji, Expert Health education and health promotion, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran pourhaje.1364@gmail.com

Mohammad Hossein Delshad, Expert Health education and health promotion, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Gholamreza Masoudy, Assistant Professor of Health Education and Promotion, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Khair mohammad Jadgal, Ph.D students in health education and health promotion, Shahid Sadoughi university of medical sciences, Yazd, Iran

Background and Aim: In today's world, musculoskeletal disorders with high prevalence in most jobs is one of the most important occupational health issues. In addition to, Musculoskeletal Disorders causing personal distress decreased working capacity, waste of time, absenteeism, increased health care costs and economic losses. This study aimed to compare the prevalence of musculoskeletal disorders and its associated factors among farmers and city workers AqQala: A cross-sectional study.

Materials and Methods: This study was a cross-sectional study. The Study population was included 300 patients (150 farmers and 150 workers) are AqQala city. The Data collection instrument was Nordic questionnaires. The Data was analyzed using software SPSS V and descriptive statistics and chi-square test.

Results: 72 percent of participants of farmers and 83.33 percent of workers have been suffering from musculoskeletal disorders during the past year. The chi-square test had shown a significant relationship between musculoskeletal disorders with age, the level of education and principles ergonomic training in farmers $P < 0.05$. The finding suggested there is no relationship between musculoskeletal disorders and BMI in both groups. The most common disorder in both groups was Back pain and knee pain.

Conclusion: As regards the high prevalence of musculoskeletal disorders, It is necessary to organize courses of training about ergonomic professional and ergonomic intervention in order to provide information to farmers and workers that this device can be used to improve the health status of farmers and workers, prevention of musculoskeletal disorders provided.

Keywords: *musculoskeletal disorders, ergonomic principles, farmers, workers*



تاثیر آموزش کارگاهی کشوری خدمات بهداشت باروری در سوانح بر شایستگی حرفه ای ماماهاى جمعیت هلال احمر

زیبا تقی‌زاده، استادیار دپارتمان بهداشت باروری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

هاله ادیبی لاریجانی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مسئول تیمهای بهداشت باروری در سوانح جمعیت هلال احمر

haleh_adib@yahoo.com

انوشیروان کاظم‌نژاد، استاد آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

افشین علیخانی، پزشک عمومی، مدیر کل بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر

مقدمه: اهمیت خدمات بهداشت باروری در سوانح تا بدان جاست که ارائه آن بدون انجام هرگونه ارزیابی در روزهای اول حادثه ضروری می باشد. با ارائه این خدمات از افزایش میزان مرگ و میر، صدمات و شیوع بیماری هادر شرایط بحران پیشگیری می شود. بر همین اساس این مطالعه کشوری با هدف بررسی تاثیر این آموزش ها بر شایستگی حرفه ای ماماهاى تیم مراقبتهای بهداشتی پایه جمعیت هلال احمر طراحی شد.

روش کار: این مطالعه، نیمه تجربی شاهددار، در قالب دو کارگاه ۳ روزه در استان های گلستان ویزد با حضور ۶۳ نفر از ۲۱ استان کشور برگزار گردید. گروه مداخله شامل ماماهاى تیم های مراقبت های بهداشتی پایه جمعیت هلال احمر از ۲۱ استان و گروه کنترل از ماماهاى شاغل در بیمارستان های همان استان ها بوده اند که بعد از تکمیل فرم رضایت آگاهانه وارد مطالعه شده و ابزارسنجش شایستگی حرفه ای ماماها، را تکمیل نمودند. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان داد که برگزاری کارگاه آموزشی بر اهمیت درک شده، دانش و مهارت ماماها در زمینه پیش گیری از افزایش مرگ و میر مادران با میانگین و انحراف معیار به ترتیب $(p = 0.02/0)$ $(12/11 \pm 81/82)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(71/3 \pm 87/50)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(21/69 \pm 72/10)$ موثر بوده و نشانگر ارتقاء سطح این بخش از شایستگی حرفه ای ماماها است. مقایسه اهمیت درک شده، دانش و مهارت ماماها در پیشگیری از افزایش میزان مرگ و میر نوزادان در بلایای طبیعی با میانگین و انحراف معیار به ترتیب $(p = 0.02/0)$ $(11/46 \pm 16/6)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(78/26 \pm 76/3)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(25/4 \pm 20/32)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(38/2 \pm 54/19)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(73/4 \pm 32/)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(27/0)$ و نیز عفونت های منتقله جنسی و HIV نتایج با میانگین و انحراف معیار به ترتیب $(p = 0.01/0)$ $(43/23 \pm 87/2)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(51/14 \pm 02/1)$ ، $(p = 0.01/0)$ $(40/20 \pm 14/3)$ تفاوت معنی داری را بین دو گروه نشان داد. سن و سایر خصوصیات دموگرافیک تاثیری بر ارتقاء سطح شایستگی حرفه ای ماماها نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج برگزاری کارگاه های آموزشی بهداشت باروری در ارتقاء سطح اهمیت درک شده، دانش و مهارت ماماهاى عضو تیم های مراقبت پایه بهداشتی (BHCU) جمعیت هلال احمر موثر واقع شده است. بنابراین برگزاری دوره های آموزشی منسجم در سطح استان ها و همین طور به صورت واحد دانشگاهی توصیه می گردد.

کلمات کلیدی: بهداشت باروری، سوانح، آموزش، شایستگی حرفه ای و ماما



بررسی ارتباط بین میزان اختلالات اسکلتی عضلانی و آگاهی از اصول ارگونومی کار با رایانه در بین کاربران رایانه یک شرکت خدمات الکترونیک

فاطمه ملک پور، بابک معینی، یوسف محمدیان، فروزان رضاپور شاه کلایی، خدیجه نجفی

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی-عضلانی از جمله شایعترین آسیبهای شغلی هستند که به دلیل ریسک فاکتورهای مختلفی ایجاد می شود. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین میزان اختلالات اسکلتی عضلانی و آگاهی از اصول ارگونومی کار با رایانه در بین کاربران رایانه یک شرکت خدمات الکترونیک می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی می باشد که بر روی ۱۹۶ نفر از کاربران رایانه یک شرکت خدمات الکترونیک در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جمع آوری داده ها با استفاده از سوالات جمعیت شناسی، پرسشنامه نوردیک و پرسشنامه خود ساخته آگاهی از اصول ارگونومی کار با کامپیوتر صورت گرفت. جهت آنالیز داده ها از آمار توصیفی - تحلیلی با استفاده از آزمونهای t تست، ANOVA و همبستگی استفاده گردید و جهت انجام این آنالیزها از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان داد که بیشترین شیوع علائم اختلالات اسکلتی - عضلانی در افراد مورد بررسی به ترتیب در نواحی کمر ۵۹/۸ درصد، گردن ۵۹/۲ درصد، شانه ۴۹/۲ درصد، پشت ۴۷/۸، مچ ۴۷/۳ درصد و زانو ۴۲/۵ درصد می باشد. نتایج نشان داد افراد با ورزش هفتگی منظم و داشتن نرمش بدنی حین کار با کامپیوتر دارای اختلالات اسکلتی-عضلانی پایینی بودند. بین اختلالات اسکلتی-عضلانی و آگاهی از اصول ارگونومیک کار ارتباط معنی دار یافت شد. میزان آگاهی از اصول ارگونومیک در افراد دارای اختلالات اسکلتی عضلانی بالا، کمتر می باشد.

نتیجه گیری: شیوع میزان اختلالات اسکلتی عضلانی در جمعیت مورد مطالعه به ویژه در کمر، گردن، شانه بالا می باشد. آگاهی از اصول ارگونومی کار با کامپیوتر بر میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی تاثیر می گذارد. آموزش کاربران رایانه و آگاه کردن آنها از اصول صحیح ارگونومی در حین کار با رایانه و ایجاد زمانی برای انجام ورزش های کششی در حین کار با کامپیوتر ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی عضلانی، اصول ارگونومی، کاربران رایانه، آگاهی



بررسی فرسودگی شغلی کارکنان بخش اداری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

مهديه خالقی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد،

ایران mah.khaleghi.ph@gmail.com

نوشین یوشی، دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

مقدمه: فرسودگی شغلی خستگی فیزیکی، هیجانی و روانی به دنبال قرار گرفتن طولانی مدت در موقعیت های کاری است. فرسودگی شغلی، نه تنها بر روی سلامت جسمی و روانی افراد، بلکه بر راندمان کاری افراد نیز تاثیرگذار است. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت فرسودگی شغلی کارکنان بخش اداری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می باشد که جامعه مورد هدف آن، تمام کارکنان بخش اداری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد بود. روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد فرسودگی شغلی بود. حجم نمونه توسط مشاور آماری و طبق فرمول حجم نمونه، ۸۰ نفر محاسبه گردید. از بین تمام کارکنان بخش اداری به طور تصادفی ۸۰ نفر وارد مطالعه شدند.

نتایج: میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه، $35/08 \pm 8/46$ بود. اکثریت (۷۳/۸٪) متأهل بودند. وضعیت استخدامی اکثر افراد (۳۱/۲٪) رسمی بود. همچنین بیشتر کارکنان شرکت کننده در این مطالعه زن بودند. اکثریت بین ۵-۱ سال سابقه کاری داشتند و همچنین اکثریت مدرک کارشناسی داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به کم بودن شدت و فراوانی فرسودگی شغلی در کارکنان بخش اداری، لزوم انجام تحقیقات بر روی سایر مشاغل غیراداری وجود دارد.



بررسی وضعیت سطح سواد کاربردی سلامت و عوامل مرتبط با آن در بیماران مبتلا به پرفشاری خون

محمد تقی محمدپور، عصمت ظریفی نژاد، رحام آرمند

زمینه و هدف: شواهد نشان می‌دهد خود مراقبتی در پرفشاری خون، یکی از مهمترین راهکارهای اساسی جهت کنترل بیماری فشارخون بالا محسوب می‌شود. رعایت رفتارهای مرتبط با خود مراقبتی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون، می‌تواند در تنظیم و کنترل فشارخون به فرد کمک کند. یکی از عوامل دسترسی و آگاهی از مسایل بهداشتی و در نتیجه خود مراقبتی بهتر، سواد سلامت است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۳۵۴ نفر از بیماران مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به پایگاههای سلامت تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان گچساران مورد بررسی قرار گرفتند. جمع آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه سواد کاربردی سلامت و پرسشنامه خود مراقبتی فشارخون انجام شد.

نتایج: از تعداد ۳۵۴ نفر شرکت کننده در پژوهش سطح سواد سلامت ۴۰٪ کافی، ۵۶٪ مرزی و ۴٪ ناکافی بود. مطابق با تحلیل‌های انجام گرفته بین تحصیلات و سواد سلامت شرکت کنندگان رابطه معناداری مشاهده شد ولی بین میزان درآمد افراد و جنسیت آنان با سواد سلامت رابطه معناداری وجود ندارد. پس از سنجش رفتارهای خودمراقبتی و رابطه آن با سواد سلامت مشخص شد از بین این رفتارها، تبعیت از رژیم دارویی، رژیم غذایی و فعالیت فیزیکی رابطه معناداری با سواد سلامت دارند. **نتیجه گیری:** یافته‌های پژوهش نشان دهنده رابطه معنادار سواد سلامت با متغیرهای رژیم دارویی و فعالیت فیزیکی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون می‌باشد، از آنجا که این موارد در پیشگیری و کنترل فشارخون بسیار موثر هستند، لذا باید نسبت به آموزش و ارتقای سواد سلامت بیماران تحت پوشش اقدام نمود.

واژگان کلیدی: خود مراقبتی، سواد کاربردی سلامت، پرفشاری خون



بررسی اثربخشی درمان شناختی - رفتاری بر کاهش خشم افراد معتاد در حال ترک

پگاه برومند

مقدمه و هدف: مشکل اعتیاد به مواد حوزه بسیار گسترده‌ای را در برداشته و موضوعی پیچیده و ابعاد گوناگونی دارد. یکی از الگوهای مداخله‌ای روان شناختی برجسته در درمان اعتیاد و پیشگیری از عود در سالهای اخیر الگوی درمانی شناختی - رفتاری است. لذا مطالعه حاضر با هدف اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر کاهش خشم افراد معتاد در حال ترک انجام شد. **روش کار:** پژوهش حاضر مطالعه‌ای نیمه تجربی بوده که بر روی افراد معتاد در حال ترک مراجعه کننده به مرکز متادون درمانی شهید امامی تهران انجام شد. شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی بوده و افراد در دو گروه درمان شناختی-رفتاری (۱۵ نفر) و گروه گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. به گروه درمان شناختی-رفتاری به مدت ۱۰ جلسه به شیوه سخنرانی، پرسش و پاسخ و تمرین عملی آموزش داده شد. در حالی که گروه گواه هیچگونه آموزشی را دریافت نکردند. ابزار پژوهش پرسشنامه خشم اسپیلبرگر STAXI-2 بوده که روایی آن به شیوه محتوایی و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸ تأیید شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸،۵ و استفاده از تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین نمره خشم در گروه درمان شناختی-رفتاری با گروه شاهد تفاوت معناداری وجود دارد ($p=0/007$).

نتیجه‌گیری: نتیجه این مطالعه نشان داد که درمان شناختی-رفتاری بر کاهش خشم افراد معتاد در حال ترک مؤثر بوده لذا می‌توان این شیوه را در درمانهای آتی بکار برد و گام مؤثری را در برطرف کردن این معضل بهداشتی برداشت.

کلیدواژه‌ها: درمان شناختی-رفتاری، کاهش خشم، افراد معتاد در حال ترک



کارایی مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر تغذیه انحصاری با شیر مادر

سیده زهرا حداد، رقیه محمدپو، اطمه سادات ایزدخواه، دکتر غلامرضا شریفی راد

زمینه و هدف: مزایای فراوان شیر مادر بر رشد جسمی و روانی کودک و فواید شیردهی بر سلامت مادر باعث شده تا آموزش مادران باردار و شیرده مورد توجه مراکز درمانی و سلامت جامعه قرار گیرد. البته با این اقدامات شروع شیردهی در بیمارستان های دوستدار کودک افزایش داشته است؛ اما هنوز تداوم تغذیه انحصاری تا شش ماهگی در اکثر کشورها از جمله ایران در حد مطلوب نمی باشد. لذا مقاله حاضر با هدف کارایی مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر تغذیه انحصاری با شیر مادر تدوین گردید.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر مروری می باشد و با استفاده از بانک های اطلاعاتی PUBMED و SCOPUS و واژه های کلیدی تغذیه انحصاری و شیرمادر مقالات با طراحی های مقطعی، توصیفی، تجربی، نیمه تجربی و کارآزمایی بالینی انتخاب شدند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی SID و IRANMEDEX و نیز جست و جوی مقالات از سایت های مجلات علمی-پژوهشی داخلی که از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ چاپ شده بود، حدود ۵۶۰ مقاله یافت شد که ۱۹ مقاله مرتبط انتخاب گردید.

نتایج: دراکثر مطالعات مشخص شد که مداخله آموزشی بر تغذیه انحصاری با شیر مادر تأثیر مثبت داشته و استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده در آموزش ها و انجام آموزشهای سیستماتیک برای حفظ و تداوم شیردهی مناسب می تواند مؤثر واقع شود. بررسی ها نشان داد، آموزش مسایل مربوط به تغذیه انحصاری با شیر مادر باید به عنوان قسمتی از برنامه انتخاب روش مناسب شیردهی و نقش اینها در رشد و تکامل نوزاد از طریق مراکز بهداشتی درمانی ذیصلاح به مادران ارائه گردد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه نتایج این مطالعه تأییدکننده تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر مادران شیرده بود لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی در رابطه با تغذیه انحصاری با شیر مادر برای بالا بردن سطح آگاهی و نگرش و عملکرد مادران نسبت به شیردهی و مزایای گسترده آن ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: تغذیه انحصاری، شیر مادر، تئوری رفتار برنامه ریزی شده.



بررسی میزان آگاهی و نگرش مدیران سلامت از مدیریت نظام سلامت

مرضیه پیکره، دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران.

سارا حاجیان پور، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران.

محمود عفری، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران.

مقدمه: آموزش مدیریت سلامت یکی از راههای دستیابی به سلامت است و فقدان روشهای موثر آموزشی، بخشی از عدم پیشرفت بهداشت میباشد. آموزش مدیریت سلامت برای مدیران سلامت یک موضوع مورد توجه در ارتقای سلامت و توسعه کشور محسوب می شود. هدف از این مطالعه تعیین میزان آگاهی و نگرش مدیران سلامت در مورد مدیریت سلامت است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با جستجو در موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی google scholar، pubmed، magiran، google.sid با کلید واژه های آگاهی، نگرش، مدیران سلامت و مدیریت سلامت انجام شد. در این مطالعه از مقالات توصیفی و تحلیلی بهره گرفته شده است.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که بر طبق آزمونهای آماری انجام شده بین میزان آگاهی و نگرش با آموزش مدیران در مورد مدیریت سلامت همبستگی از لحاظ آماری معنی دار وجود ندارد. مدیران با مدرک تحصیلی مرتبط با مدیریت نسبت به مدیران دیگر با مدرک غیر مرتبط آگاهی و نگرش بهتری داشتند. مدیرانی که مدرک فوق لیسانس داشتند از لحاظ آماری نسبت به مدیرانی که مدرک لیسانس داشتند سطح نگرش و آگاهی بهتر داشتند. زنان مدیر نسبت به مردان مدیر از نگرش بهتری برخوردار بوده و میزان آگاهی آن ها با مدرک تحصیلی دارای رابطه معنی دار بود. همچنین مدیرانی که دوره آموزش ضمن خدمت را گذرانده بودند نسبت به مدیران دیگر از نگرش و آگاهی بهتری برخوردار بوده و رابطه معنی داری داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده بکار بردن افراد متخصص با مدرک مدیریتی میتواند در روند سازماندهی بهتر و بیشتر کمک کننده باشد، بعلاوه پیشنهاد میشود در جهت بالا بردن آگاهی و نگرش مدیران برای آنان آموزش ضمن خدمت داده شود و در واقع روند آموزش مستلزم تغییرات متناسب با نیازهای آموزشی مدیران میباشد و آموزش در زمینه مدیریت سلامت در کشور حایز اهمیت است و توصیه می شود جهت ارتقای سلامت برنامه ریزیهای جدید آموزشی در این خصوص انجام گیرد.

کلیدواژه ها: آگاهی، نگرش، مدیران سلامت و مدیریت سلامت



بررسی الگوی تغذیه با شیر مادر در ۲۴ ساعت اول تولد و عوامل موثر بر آن در استان فارس، ۱۳۹۵

علیرضا میراحمدی زاده، پزشک، استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

علی محمد مختاری، دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

ثریا زحمت کش، دکترای حرفه ای، کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
فریبا مرادی، متخصص پزشکی اجتماعی، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
اعظم عباسی، کارشناسی مامایی، کارشناس گروه سلامت خانواده، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: شیرمادر بهترین غذا برای شیرخواران محسوب می شود و نقش مهمی در شکل گیری رشد و تکامل دارد. عوامل مرتبط با شروع و تداوم تغذیه با شیر مادر در کشورهای مختلف متفاوت است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت الگوی شیردهی در ۲۴ ساعت اول زندگی و عوامل موثر بر آن انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش مقطعی و با روش نمونه گیری چندمرحله ای انجام شد. شهرستان های استان فارس به عنوان خوشه در نظر گرفته شدند و نمونه های مورد نیاز از بیمارستان ها (دولتی و خصوصی) گرفته شد. اطلاعات بوسیله مصاحبه حضوری با مادران و با استفاده از پرسش نامه جمع آوری گردید. کلیه داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ شد و با استفاده از آزمون های توصیفی و تحلیلی بررسی شدند.

نتایج: اطلاعات مربوط به ۱۴۳۹ نوزاد بررسی شد. در طی ۲۴ ساعت اول پس از تولد، ۹۶ درصد مادران شیردهی را شروع کرده بودند و ۱۲۳۸ نوزاد (۸۷ درصد) فقط از شیر مادر تغذیه شده بودند. میزان تغذیه نوزاد با شیر مادر، در موارد زایمان طبیعی بطور معنی داری بیشتر بود ($P < 0/001$). متغیرهای نوع بیمارستان، جنسیت نوزاد، درآمد خانواده و سطح تحصیلات والدین به طور قابل توجهی بر این میزان تاثیرگذار بودند.

نتیجه گیری: وضعیت تغذیه نوزادان در ۲۴ ساعت اول تولد در وضعیت مناسبی قرار داشت. هرچند با توجه به بالا بودن میزان زایمان سزارین، لازم است تدابیری اتخاذ گردد تا استفاده از این نوع زایمان فقط در موارد ضروری انجام شود.

واژگان کلیدی: تغذیه انحصاری، شروع شیردهی، نوزادان، ۲۴ ساعت اول تولد، زایمان طبیعی



حمایت اجتماعی در دوران سالمندی و عوامل مرتبط با آن در ایران بر اساس مدل سازمان جهانی بهداشت (مطالعه مروری سیستماتیک)

ساناز زرگر، استادیار گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آجا

محسن رحمانی، کارشناس ارشد مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

حسین محمدابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

آجا، تهران، ایران

محمدجواد حیدری، دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

سعید شهرکی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا،

تهران، ایران

زمینه و هدف: حمایت اجتماعی معرفتی است که باعث می‌شود فرد باور کند که مورد احترام و علاقه دیگران می‌باشد. این نوع حمایت یک نوع منبع معنوی مهم برای مقابله با بیماری سالمندان محسوب می‌شود، که می‌توان آن را در چهار گروه از رفتارهای، حمایت عاطفی، مادی، اطلاعاتی و ارزیابی تفکیک کرد. با توجه به اینکه سالخوردگی، پدیده‌ای رو به رشد است، نقش حمایت اجتماعی برجسته‌تر می‌شود. کشورهای در حال توسعه طبق پیش‌بینی سازمان جهانی بهداشت تا سال ۲۰۵۰ دو سوم جمعیت سالمند را در بر می‌گیرند، اما هنوز این مسئله جدی در نظر گرفته نشده است، که سبب اتلاف هزینه‌های سنگین خواهد شد. هدف این پژوهش، مروری بر مطالعات صورت گرفته در رابطه با حمایت اجتماعی سالمندان و عوامل مرتبط با آن براساس مدل سازمان جهانی بهداشت در ایران می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد که با در نظر گرفتن اهداف مطالعه کلید واژگان (حمایت اجتماعی، سالمندان، social support و oldster) از بانک‌های اطلاعاتی و سایت‌های معتبر علمی (Google, Magiran, Sid, PubMed, Iranmedex, scholar و بانک مقالات پزشکی ایران) برای بررسی حمایت اجتماعی سالمندان و عوامل مرتبط با آن، در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ جستجو گردید. از ۲۱۴ مقاله دریافت شده پس از مطالعه آنها توسط پژوهشگران ۴۹ مقاله انتخاب گردید و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: عوامل اجتماعی موثر بر سلامت سازمان جهانی بهداشت شامل سه عامل زمینه‌ای، ساختاری و واسطه‌ای می‌باشد. بررسی و واکاوی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد در اکثر مطالعات عوامل زمینه‌ای بیشترین تاثیر را بر حمایت اجتماعی سالمندان می‌گذارد. همچنین اکثر مطالعات نشان داد علاوه بر اینکه بین حمایت اجتماعی و سلامت سالمندان رابطه مستقیم وجود دارد، عملکرد ایمنی آنها را هم بهبود می‌بخشد. اکثر مطالعات حمایت عاطفی توسط خانواده را به نسبت سایر حمایت‌های اجتماعی موثرتر بر سلامت سالمندان می‌دانستند.

نتیجه‌گیری: در میان سالمندان، عامل تنهایی می‌تواند آسیب‌های مختلفی به سلامتی سالمندان وارد نماید. از آنجا که نیاز به حمایت اجتماعی با افزایش سن، افزایش می‌یابد، دوستان و اطرافیان باید همانند خانواده سالمندان، حمایت اجتماعی خود را افزایش دهند. افزایش آگاهی برای درک اهمیت حمایت اجتماعی در سلامت سالمندان پیشنهاد می‌شود، تا بتوان با توجه به روند رو به رشد جمعیت سالمندان در جهت بهبود کیفیت زندگی سالمندان موثر بود.

واژگان کلیدی: حمایت اجتماعی، عوامل اجتماعی، سالمند



بررسی وضعیت پوشش بیمه خانوارها بعد از اجرای طرح تحول سلامت: مطالعه مقطعی در جنوب شرق کشور

محمد خمرنیا، استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مصطفی پیوند، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران mp.peyvand@yahoo.com

فاطمه ستوده زاده، دانشجوی دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

اسحاق برفر، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نادر پورمند، معاون مرکز بهداشت شهرستان زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

علی میربلوچ زهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران.

فاروق راستاد، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

ایوب کرد تمینی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

ام البنین عارفی، کارشناس بهداشت خانواده، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل، ایران

حامد آذر پیرا، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

واحد بخش بلوچ، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مقدمه و هدف: بیمه یکی از شیوه‌های مدیریت ریسک می‌باشد بیمه، اشخاصی را که متحمل لطمه، زیان یا حادثه ناخواسته ای شده اند قادر می سازد که پیامدهای این وقایع ناگوار را جبران کنند، از آنجایی که یکی از مهمترین اهداف طرح تحول سلامت کاهش پرداخت از جیب مردم به وسیله ترویج پوشش بیمه می باشد، لذا به منظور بررسی اثرات این برنامه بر پوشش بیمه خانوارها این مطالعه با هدف تعیین وضعیت پوشش بیمه خانوارها بعد از اجرای طرح تحول سلامت انجام گردید.

مواد و روش ها: این پژوهش مقطعی با هدف کاربردی در سال ۱۳۹۶ در استان سیستان و بلوچستان به عنوان پهناترین و محرومترین استان کشور انجام شد. جامعه پژوهش شامل تمامی خانوار شهری و روستایی بود که تعداد ۲۴۰۰ خانوار به صورت تصادفی و به روش خوشه ای انتخاب شدند. داده ها به کمک پرسشنامه استاندارد پیمایش سلامت سازمان جهانی بهداشت و با مراجعه حضوری به در منازل خانوارها انجام شد. داده ها با کمک نرم افزار SPSS v19 و استفاده از آمار توصیفی و استنباطی از جمله رگرسیون لجستیک تحلیل شد.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه سرپرست ۲۲۰۰ خانوار (۹۱/۷) مرد می باشد، تعداد ۲۲۱۱ خانوار (۹۲/۱) دارای بیمه و ۱۸۹ (۷/۹) خانوار فاقد بیمه درمانی بودند. توزیع فراوانی نوع بیمه خانوار ها تامین اجتماعی (۲۴/۵)، خدمات درمانی ۲۱۶ (۹/۰) نیروهای مسلح ۷۰ (۲/۹) سلامت همگانی ۴۹۸ (۲۰/۸) روستایی ۷۹۵ (۳۳/۱) و سایر بیمه ها ۵۳ (۲/۲) بود تعداد ۲۲۸۲ خانوار (۹۵/۱) فاقد بیمه مکمل بودند.

نتیجه گیری: با وجود تمامی تلاش ها بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت باز هم درصدی از خانوار ها فاقد بیمه درمانی بودند. از سویی نداشتن بیمه فرد بیمار را به طور مستقیم با هزینه های فاجعه بار سلامت مواجه می کند، سیاست گذاران باید با اقداماتی از قبیل گسترش پوشش هزینه های سلامت بالاخص دارو و ایجاد پیش پرداخت های اثربخش، زمینه محافظت خانوارها را در مقابل این هزینه ها فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: پوشش بیمه، خانوارها، طرح تحول سلامت



بررسی نحوه تامین هزینه های سلامت خانوارها بعد از اجرای طرح تحول سلامت: یک مطالعه مقطعی در استان سیستان و بلوچستان

محمد خمرنیا، استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
مصطفی پیوند، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران mp.peyvand@yahoo.com
فاطمه ستوده زاده، دانشجوی دکترای تخصصی اقتصاد سلامت، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
اسحاق برفر، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
نادر پورمند، معاون مرکز بهداشت شهرستان زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
علی میربلوچ زهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران.
فاروق راستاد، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
ایوب کرد تمینی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
ام البنین عارفی، کارشناس بهداشت خانواده، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل، ایران
حامد آذر پیرا، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
واحد بخش بلوچ، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مقدمه و هدف: امروزه تامین هزینه های خدمات درمانی یکی از مشکلات اساسی خانوارهای کم درآمد و با درآمد متوسط محسوب می شود. افزایش هزینه های خدمات سلامت مشکلاتی مانند افزایش پرداخت از جیب بیماران را به وجود آورده و تامین هزینه های سلامت خانوارها یک چالش مهم در نظام سلامت میباشد، لذا این مطالعه با هدف تعیین بررسی نحوه تامین هزینه های سلامت خانوارها بعد از اجرای طرح تحول سلامت اجرا گردید.

مواد و روش ها: این پژوهش مقطعی با هدف کاربردی در سال ۱۳۹۶ در استان سیستان و بلوچستان به عنوان پهناترین و محرومترین استان کشور انجام شد. جامعه پژوهش شامل تمامی خانوار شهری و روستایی بود که تعداد ۲۴۰۰ خانوار به صورت تصادفی و به روش خوشه ای انتخاب شدند. داده ها به کمک پرسشنامه استاندارد پیمایش سلامت سازمان جهانی بهداشت و با مراجعه حضوری به درب منازل خانوارها انجام شد. داده ها با کمک نرم افزار SPSS v 19 و استفاده از آمار توصیفی و استنباطی از جمله رگرسیون لجستیک تحلیل شد.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه سرپرست ۲۲۰۰ خانوار (۹۱/۷) مرد می باشد، خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری در تامین هزینه های سلامت با مشکلاتی مواجه بودند. نحوه تامین هزینه های سلامت خانوارها از طریق درآمد جاری ۴۸۰ نفر (۲۰٪) و پس انداز ۸۰۶ نفر (۳۳،۵٪) بیمه ۴۰۸ نفر (۱۷٪) فروش لوازم منزل ۲۴۵ نفر (۱۰٪) و سایر راهها ۴۶۱ نفر (۱۹٪) بود. نحوه تامین هزینه های سلامت با متغیرهای دندانی، دارویی، فیزیوتراپی، تشخیصی، سرپایی، وجود فرد نیازمند به مراقبت در خانوار، وجود فرد مقیم بیمارستان در خانوار ارتباط معنا داری نشان داد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: با وجود تمامی تلاش ها بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت باز هم خانوارها برای تامین هزینه های سلامت خود، با مشکلات جدی مواجه بودند. بالا بودن میزان هزینه های فاجعه بار سلامت، می تواند ناشی از ناکارآمدی بیمه های درمانی باشد. سیاست گذاران باید با اقداماتی از قبیل گسترش پوشش هزینه های سلامت بالاخص دارو و ایجاد پیش پرداختهای اثربخش، زمینه محافظت خانوارها را در مقابل این هزینه ها فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: هزینه های سلامت، خانوارها، طرح تحول سلامت



بررسی الگوی مسمومیت های ناشی از سوء مصرف الکل در مراجعین اورژانس بیمارستان امام خمینی شهرستان بهشهر در سال ۱۳۹۶

مرتضی کهن سال، نقی قلی زاده

زمینه و هدف : مسمومیت یکی از دلایل شایع مرگ بر اساس داده های موجود پزشکی قانونی در ایران است. با نگاهی واقع بینانه به مسئله اعتیاد به مواد مخدر و الکل، به راحتی در می یابیم که سوء مصرف به مواد مخدر و الکل از قرن ها پیش وجود داشته به طوری که هم اکنون مردان و زنان زیادی، خصوصاً از سنین نوجوانی تا میان سالی الکل مصرف می کنند و به آن وابسته شده اند. به طور کلی ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان در زمینه مصرف مشروبات الکلی، آمار نسبتاً قابل قبولی را دارد. شیوع مصرف و اختلال الکل در کشور حدود یک درصد است. ۰/۷ درصد این افراد دچار وابستگی و ۰/۳ درصد آنان دچار سوء مصرف الکل هستند. هدف از انجام این تحقیق تعیین میزان مسمومیت های ناشی از مصرف الکل و استخراج شاخص های اختصاصی مرتبط با آن می باشد.

مواد و روش ها : روش نمونه گیری، سرشماری، و ابزار جمع آوری اطلاعات شامل بررسی پرونده های بیمارستانی (استخراج شاخص های مورد نظر از مستندات پرونده ها) و چک لیست تخصص یافته می باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه بیمارانی که به دلیل مسمومیت ناشی از مصرف الکل در سال ۱۳۹۶ به بیمارستان امام خمینی بهشهر مراجعه نمودند. جهت تجزیه تحلیل داده ها از نرم افزارهای Excel و Spss استفاده شد.

نتایج : بر اساس نتایج به دست آمده، ۸۰٪ مسمومین مرد بودند. ۵۰٪ مسمومیت ها مربوط به سنین ۱۵ تا ۲۵ سال بود. ۴۱٪ مسمومیت ها در فصل تابستان اتفاق افتاد. از لحاظ شغل ۴۲٪ مسمومین دارای شغل آزاد بودند. ۴۶٪ مسمومیت ها در روز جمعه واقع شدند. و در نهایت ۹۶٪ مسمومین بصورت سرپایی درمان و ترخیص شدند. بر اساس یافته ها بین مسمومیت و جنسیت، سن، و شغل ارتباط معناداری وجود داشت.

نتیجه گیری : مصرف الکل و سوء مصرف آن به عنوان یک آسیب اجتماعی دارای دلایل پیچیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و عوارض امنیتی و سلامتی سنگینی برای جامعه دارد. در این راستا، اقدامات درمانی و انتظامی در سطح فردی موثر نبوده و باید بر اقدامات اجتماعی پیشگیرانه تاکید گردد از این رو، نیازمند یک طرح جامع و واحد همراه با همکاری بین بخشی کل ارگانهای مختلف حاکمیتی میباشد. در مجموع ۵ راهبرد کلان برای کاهش سوء مصرف الکل در ایران مشخص گردید. ۱: اصلاح و اتخاذ سیاستهای حامی اصلاح رفتارهای پرخطر؛ ۲: اصلاح قوانین و مقررات؛ ۳: سالم سازی محیط؛ ۴: توانمندسازی اجتماعی و ۵: توانمندسازی فردی.

واژگان کلیدی: الکل، مسمومیت، سوء مصرف الکل



بررسی مقایسه ای سلامت عمومی دانشجویان سال اول و آخر رشته های پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد زنجان در سال ۱۳۹۶

دنیا رحیمی

مقدمه: دانشجویان رشته پرستاری و مامایی، بدلیل شرایط دشوار کار در بیمارستان و ارتباط مستقیم با بیماران، باخطر کاهش سلامت روبه رو هستند. مطالعه حاضر؛ با هدف تعیین میزان سلامت عمومی دانشجویان رشته های پرستاری و مامایی سالهای اول و آخر دانشگاه آزاد زنجان، انجام گرفت.

مواد و روش ها: جامعه آماری این مطالعه توصیفی، دانشجویان سال اول و آخر رشته های پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد زنجان در سال ۱۳۹۶ بوده که ۱۰۴ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ سوال بود. در نهایت داده ها در فرم کلی اطلاعات ثبت و توسط نرم افزار آماری Spss16 آنالیز گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار و آزمون های t-test استفاده شد. از نظر آماری ($p < 0/05$) در نظر گرفته شد.

یافته ها: از ۱۰۴ پاسخ دهنده ۴۱/۳ درصد مرد و ۵۸/۷ درصد زن می باشد و ۲۱/۶ درصد متاهل و ۷۸/۴ درصد مجرد بودند و ۴۹/۰ درصد بومی و ۵۱/۰ درصد غیر بومی بودند. میانگین نمرهای علایم جسمانی و اضطراب و افسردگی در دانشجویان سال آخر نسبت به سال اول بیشتر بوده است، ولی میانگین نمره علایم اجتماعی در دانشجویان سال اول نسبت به سال آخر بیشتر می باشد.

نتیجه گیری: باتوجه به نتایج این مطالعه مبنی بر پایین بودن سطح سلامت دانشجویان سال آخر رشته پرستاری و مامایی بررسی علل این موضوع و شناسایی عوامل کاهش دهنده سلامت میتوان منجر به رفع اختلالات احتمالی در این گروه از دانشجویان گردد.

کلید واژه: سلامت عمومی، دانشجویان پرستاری، دانشجویان مامایی، دانشگاه آزاد زنجان



بررسی میزان دانش دانشجویان دختر رشته‌های فنی - مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان در مورد خودآزمایی پستان سال ۱۳۹۶

دریا رحیمی

مقدمه: سرطان پستان به عنوان شایع‌ترین بدخیمی در زنان، در دسته تومورهای با رشد آهسته قرار داشته و یکی از معدود بدخیمی‌هایی است که در صورت تشخیص زودرس پیش آگهی خوبی دارد. این مطالعه با هدف تعیین میزان دانش دانشجویان دختر رشته‌های فنی - مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان در مورد خودآزمایی پستان در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه یک بررسی توصیفی بوده که بر روی ۵۱ نفر از دانشجویان دختر بالای ۱۸ سال دانشکده فنی - مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده با استفاده از پرسشنامه جمعیت - شناسی شامل سن، میزان تحصیلات همسر، وضعیت تأهل و پرسشنامه پژوهشگر ساخته "پرسشنامه دانش‌آزمایی پستان" شامل ۳۶ سؤال عمومی، علایم سرطان پستان و معاینات پستان جمع‌آوری گردید. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار اس پی اس نسخه ۱۸ استفاده شد.

یافته‌ها: ۵۷ درصد از نمونه‌ها به سؤالات مربوط به معاینات و به ۵۴ درصد به سؤالات مربوط به علایم پاسخ صحیح داده بودند. نتایج آزمون کاس اسکوتر نشان داد که بین سن و دانش دانشجویان در مورد سؤالات معاینات یا ($P=0/021$) و بین سن و دانش دانشجویان در مورد سؤالات علایم ($P=0/034$) نیز همبستگی معنادار وجود دارد. از پرسشنامه جمعیت‌شناسی شامل سن، میزان تحصیلات همسر، وضعیت تأهل و پرسشنامه پژوهشگر ساخته "پرسشنامه دانش‌آزمایی پستان" شامل ۳۶ سؤال عمومی، علایم سرطان پستان و معاینات پستان جمع‌آوری گردید. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار اس پی اس نسخه ۱۸ استفاده شد.

یافته‌ها: ۵۷ درصد از نمونه‌ها به سؤالات مربوط به معاینات و به ۵۴ درصد به سؤالات مربوط به علایم پاسخ صحیح داده بودند. نتایج آزمون کاس اسکوتر نشان داد که بین سن و دانش دانشجویان در مورد سؤالات معاینات یا ($P=0/021$) و بین سن و دانش دانشجویان در مورد سؤالات علایم ($P=0/034$) نیز همبستگی معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: دانش دانشجویان دختر دانشکده فنی - مهندسی در حد متوسط است. لذا طراحی برنامه‌های منظم و مدون آموزشی در رابطه با پیشگیری از سرطان پستان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دانش، دانشجویان دختر، غربالگری سرطان پستان، خودآزمایی پستان.



تعیین توزیع عوامل خطر در سالمندان شهرستان تبریز در سال ۹۳

معصومه انصاری، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی M.Ansari411@yahoo.com

منیره میرزایی، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی

مینو برادران، کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت

ناصر رهبری فرزو، مدیر گروه سلامت جمعیت و خانواده معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: بیماری های قلبی عروقی از شایعترین بیماریهای جوامع در حال توسعه است عوامل خطر ساز بسیاری برای بیماریهای قلبی عروقی در سالمندان کشف شده است که عبارت است از افزایش سطح سرمی لیپید، پرفشاری خون، دیابت و چاقی، مصرف بعضی داروها و شیوه زندگی نامناسب (فعالیت بدنی کم، استعمال دخانیات و...). پرفشاری خون و دیابت ۲ عامل خطر ساز عمده برای بیماریهای قلبی عروقی اند. یک چهارم حملات قلبی در آمریکا در افراد دیابتی به وقوع می پیوندد. تاثیر کشنده سیگار در سالمندان به اثبات رسیده است. بالا بودن نمایه توده بدن و بالاتر بودن اندازه کمر به باسن به عنوان دیگر عوامل خطر ساز برای پرفشاری خون و بیماریهای قلبی - عروقی مشخص شده اند. این مطالعه با هدف تعیین توزیع عوامل خطر در سالمندان شهرستان تبریز در سال ۹۳ انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه با بررسی و جمعبندی آمارهای مراقبت های ادغام یافته سالمندی شهرستان تبریز در سال ۹۳ انجام گرفته و در برنامه افزاری EXCEL آنالیز گردیده است.

نتایج: در این مطالعه ۳۸۰ خانم شهری و ۵۴۸ خانم روستایی، ۳۰۰ مرد شهری و ۴۸۰ مرد روستایی بررسی شدند. که حدود ۷۵ درصد خانم شهری، ۸۷،۷ خانم روستایی، ۷۴،۶۶ مرد شهری و ۸۱،۲۵ مرد روستایی عوامل خطر را داشته اند. ۵۸،۹۴ خانم های شهری و ۳۵،۵۱ خانم های روستایی و ۳۷،۶۶ مرد های شهری و ۲۲،۹ مرد های روستایی دارای عامل خطر چاقی بودند. ۰،۲۶ خانم های شهری، ۱،۰۹ خانم های روستایی و ۲۱،۶۶ مرد های شهری و ۶،۶۶ مرد های روستایی دخانیات مصرف می کردند. ۲۸۱ نفر، ۷۳،۹۴ از خانم های شهری و ۴۸۱ نفر، ۸۷،۷۷ از خانم های روستایی ورزش نامستمر داشته اند. از نظر سابقه بیماری ۴،۴۷ از خانم های شهری، ۵،۱ خانم های روستایی و ۳،۶ مردان شهری و ۵،۶۵ مردان روستایی سکته قلبی /آنژین صدری گزارش شده است. ۲۰،۷ درصد خانم های شهری، ۸،۹۴ درصد خانم های روستایی و ۲۰،۳۳ درصد مردان شهری، ۷،۲۹ درصد مردان روستایی سابقه بیماری دیابت داشته اند. ۱۶،۵۷ خانم های شهری، ۱۷،۸۸ روستایی و ۱۰ مردان شهری، ۱۲،۲۹ مردان روستایی پوکی استخوان داشته اند. ۴۲ خانم های شهری، ۱۸،۹۲ خانم های روستایی و ۱۰،۶ مردان شهری و ۲۱،۴۵ مردان روستایی فشارخون بالا گزارش شده است. ۱۶ درصد خانم های شهری، ۱۱،۹۶ خانم های روستایی و ۵،۶۶ مردان شهری، ۳۵،۵۶ مردان روستایی چربی خون بالا داشته اند.

نتیجه گیری: بسیاری از عوامل خطر می توانند بروز بیماریهای قلبی عروقی را در سالمندان پیش بینی کنند که از مهمترین آنها بالا بودن سطح لیپیدها و پرفشاری خون است بطور کلی شیوع دیابت مانند مطالعات اروپایی در زنان بیشتر از مردان است ۳۷،۵۸ درصد افراد مورد مطالعه چاق بودند. براساس یافته ها بیشتر افراد سالمند در معرض خطر ابتلا به بیماریهای قلبی عروقی اند یک برنامه ریزی دقیق و جامع برای کشف علل و تغییر شیوه زندگی بعنوان راهکاری موثر برای کاهش عوامل خطر است.

واژگان کلیدی: سالمندی، عوامل خطر



طراحی سامانه پایش مراقبتهای اولیه بهداشتی (PHC- MS) در معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

معصومه انصاری، کارشناس سلامت جمعیت و خانواده معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز
M.Ansari411@yahoo.com

مصطفی فرح بخش، متخصص روانپزشکی و رئیس مرکز مطالعات و پژوهش

جواد فرحی شاهگلی، کارشناس مسوول آموزش بهورزی معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز

جعفر صادق تبریزی، عضو هیات علمی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مجید کار آموز، قائم مقام معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز

علی رضا حسن زاده، مسؤل پایش معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز

زمینه و هدف: سامانه پایش مراقبتهای اولیه بهداشتی "PHC- MS"، روشی برای بهره گیری از فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی و به عنوان ابزاری جهت انجام پایش (Monitoring) خدمات ارائه شده در کلیه سطوح سیستم بهداشتی، در راستای تحول نظام سلامت می باشد. هدف از اجرای طرح، تسهیل پایش، با انجام الکترونیکی آن، ارائه بازخورد و ارائه گزارش نموداری وضعیت موجود هر سطح نسبت به کلیه سطوح و بصورت آنلاین و حذف پایش کاغذی (Paper less) می باشد.

مواد و روش ها: در طرح حاضر، اطلاعات لازم، با توجه به ساختار سیستم بهداشتی کشور ایران، چارچوبی برای پایش الکترونیکی مراقبتهای اولیه بهداشتی ارائه گردید در ابتدا یک بررسی تطبیقی در مورد محتوا و ساختار پایشهای کاغذی در سطح کشور انجام گرفت سپس الگوی مورد نظر براساس ساختار نظام مراقبت های اولیه سلامت و رده های شغلی و چک لیستهای پایش موجود در سیستم طراحی گردید.

نتایج: این سامانه اجازه می دهد تمام کارکنان نظام مراقبتهای اولیه بهداشتی با نام کاربری تعریف شده بتوانند وارد ساختار زیرمجموعه خود شده و بر اساس چک لیستها برنامه های سلامت مورد نظر خود را پایش نمایند. سامانه پایش مراقبتهای اولیه بهداشتی دارای قابلیتهایی از قبیل ساختار درختی پایش مبتنی بر نظام گسترش شبکه، پایش مدارس مروج سلامت، اجرای فرایند کامل پایش واحدهای ارائه خدمت، امکان مقایسه عملکرد سطوح مختلف ارائه خدمت بصورت نمودارها و جداول، تعیین فرایندهای دارای ضعف در عملکرد، تعیین میزان انطباق پایش های متعدد کاربران با یک چک لیست می باشد که همزمان بعد از انجام پایش در کلیه سطوح قابل مشاهده خواهد بود.

نتیجه گیری: این سامانه برای تمامی پایشگران در سطوح مختلف بخصوص برای مدیران ارشد، شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدها را تسهیل و برای برنامه ریزی و سیاستگذاری سازمان در راستای بهبود اهداف سازمانی، بسیار مهم می باشد.

واژگان کلیدی: سامانه، پایش، تبریز، مراقبتهای اولیه بهداشتی



نیترا ت و نیتريت منابع آب آشاميدنی و بروز سرطان های معده و مری در استان آذربایجان شرقی

میلاد اورجی، دانشجوی دکتری پیوسته پزشکی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
رنا رحیمی، دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی مراغه، ایران rana60rah@gmail.com
مینا غزنوی، دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی مراغه، ایران

زمینه و هدف: سرطان های مری و معده از سرطان های شایع در دنیا و عامل مرگ و میر بالایی در سال می باشد. این بیماری پراکندگی یکسانی در سراسر جهان ندارد. آلودگی های محیطی و سبک زندگی از عوامل بروز این بیماری محسوب می شود که یکی از عوامل محیطی و موثر بر بروز این سرطان ها، میزان نیترا ت و نیتريت آب آشاميدنی است. این پژوهش باهدف تعیین ارتباط بین نیترا ت و نیتريت منابع آب آشاميدنی با بروز سرطان های معده و مری طراحی شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری، اطلاعات بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ از طریق جست وجو در پایگاه های اطلاعاتی PUBMED، SID و موتور جست وجوگر google scholar و با بهره بردن از واژه های کلیدی نیترا ت و نیتريت، آب آشاميدنی، سرطان معده حاصل شد. نحوه ترکیب واژگان با استفاده از عملگر (AND) می باشد. مقالات با داده های ناقص و مقالاتی کمتر به موضوع بحث مربوط بودند از مطالعه خارج شدند.

نتایج: نتایج نشان داد که میزان نیترا ت و نیتريت آب آشاميدنی در تمامی مناطق اندازه گیری شده در محدوده استاندارد تعریف شده برای آب آشاميدنی قرار دارد. ارتباط معنی داری بین میزان نیترا ت آب آشاميدنی و سرطان های معده و مری وجود دارد اما هیچ ارتباط معنی داری بین سطح نیتريت آب باسرطان معده و مری وجود نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه، نیترا ت آب آشاميدنی از عوامل محیطی واجتماعی دخیل در بروز سرطان مری در این منطقه می باشد ولی غلظت نیتريت آب آشاميدنی در بروز سرطان مری و معده تاثیری ندارد.

واژگان کلیدی: سرطان های مری و معده، نیترا ت، نیتريت، منابع آب آشاميدنی، آذربایجان شرقی



بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران شهرستان روانسر نسبت به انتقال بیماری‌های ایدز و هپاتیت B

عاطفه خرمی، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
انور اسدی، هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
رضا رستمی، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
پیام خانلری، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
مسعود خسروی پور، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
فرید خسروی، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه
نوید ویسی، دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

زمینه و هدف: یکی از مسائل مهم و ضروری هر جامعه عدم انتقال بیماری‌های واگیر ویروسی است که یکی از کانون‌های انتقال این بیماری‌ها آرایشگاه‌ها می‌باشد. این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران شهرستان روانسر نسبت به ایدز و هپاتیت B صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: این پژوهش توصیفی-مقطعی است. در ابتدا اقدام به طراحی پرسشنامه محقق ساخته شد. جامعه مورد مطالعه آرایشگران شهرستان روانسر بود. برای انجام این مطالعه با استفاده از روش سرشماری ۶۰ نفر از آرایشگران مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج حاصله توسط نرم‌افزار SPSS ver16 و با کاربرد آزمون T مستقل دو گروهی و آنالیز واریانس یک‌طرفه در سطح معناداری $\alpha = 0.05$ مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: میزان آگاهی افراد مورد مطالعه در خصوص رفتارهای بهداشتی و استفاده از وسایل شخصی و راه‌های انتقال بیماری تفاوت معنادار وجود نداشت ($P > 0.05$) بطور کلی نمره آگاهی آرایشگران شهرستان روانسر ۱۱/۸ (خوب) بود. میزان نگرش افراد مورد مطالعه در خصوص عدم استفاده از خدمات تخصصی از جمله تاتو ابرو، لب، بر اساس سطح تحصیلات و رده سنی تفاوت معنادار داشت ($P < 0.05$) و میزان عملکرد آرایشگران شهر روانسر در ارتباط با استفاده از گندزداهای مناسب، اتوکلاو، وسایل شخصی خوب بود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج می‌توان گفت در صورتی که بخواهیم یک برنامه آموزشی در جهت مدیریت رعایت بهداشت در آرایشگاه‌ها تدوین شود با توجه به تاثیر پارامترهایی مثل نوع سکونت، جنسیت افراد و گروه سنی موثر بر مدیریت مذکور را باید در برنامه آموزشی فوق‌الذکر لحاظ نمود. هرچند سطح آگاهی و نگرش افراد مورد بررسی در ارتباط با مدیریت عدم انتقال بیماری‌های ایدز و هپاتیت B در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد اما با توجه به مشکلات مربوط به آمار بیماری‌های مذکور می‌توان گفت که آگاهی و نگرش موجود به عملکرد تبدیل نشده است.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، آرایشگران، روانسر، ایدز و هپاتیت B



استفاده از یادآورهای پیام کوتاه تلفن همراه در مراقبت سلامت

حوریه ماسوریان، الهام حق شناس

مقدمه: شیوع جهانی تلفن های همراه آن ها را به یک پلت فرم قدرتمند برای ارائه مراقبت های بهداشتی فردی که در جهت راحتی بیمار ارائه می شود تبدیل کرده است. در واقع، تلفن همراه یک تکنولوژی ساده ای است که همه جا حاضر است و پیام های متنی (Text Message) به جهت استفاده به عنوان یادآورنده ها نقش مهمی افزایش کیفیت زندگی بیماران ایفا میکنند. هدف از این مطالعه بررسی چگونگی استفاده از پیام کوتاه تلفن همراه در سرویس های مراقبت سلامت است.

روش: پایگاه های داده الکترونیک از جمله Web of Science، Scopus، Pub Med، Science direct، در فاصله سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ مورد جستجو قرار گرفت. کلید واژه ها جهت جستجوی منابع علمی عبارت بودند از "reminders" "text message reminders" در ترکیب با واژه های "health care services" "mobile health" "و از طریق عملگر "AND". جستجوی مذکور در عناوین و چکیده مقالات صورت گرفته و به منابع انگلیسی و فاصله زمانی سال های ۲۰۱۷-۲۰۱۰ محدود گردید.

یافته ها: در این مطالعه با بررسی ها و محدودیت های انجام شده ۲۵ مقاله مورد بررسی قرار گرفت، که در ۵ گروه طبقه بندی شدند. پیام های کوتاه یادآور جهت خود مدیریتی (۲۵/۸) ۳۲٪، یادآورنده های دارویی (۲۵/۱۱) ۴۴٪، یادآورنده های مطب پزشک (۲۵/۳) ۱۲٪، یادآورنده انجام ورزش های درمانی (۲۵/۲) ۸٪ و یک مقاله در مورد یادآورنده پیام های امیدوار کننده جهت درمان بیماری افسردگی بود. بیشترین مقالات مربوط به یادآورنده های پیام کوتاه دارویی بودند که باعث کاهش مقدار دوزهای دارویی فراموش شده بیماران، کاهش فراموشی زمان مصرف دارو میشدند.

نتیجه گیری: در میان آخرین فناوری ها برای چنین مداخلات سلامت همراه، گوشی های هوشمند یکی از امیدبخش ترین ابزارهایی با پایگاه گسترده ای از کاربران و استفاده آسان است. سلامت همراه فرصتهایی برای بهبود دسترسی به مداخلات ارتقای سلامت ارائه می کند و این مزیت را با خود به همراه دارد که بواسطه سلامت همراه می توان در لحظه روی رفتارهای بهداشتی تاثیر گذاشت. قابلیت های بالقوه پیام متنی شامل بهبود پایبندی دارویی، کمک به ایجاد تغییرات رفتاری و نظارت بر بیمار است. بکارگیری پیام متنی برای ایجاد تغییرات رفتاری در سبک زندگی بیمار، منجر به بهبود زندگی افراد می شود. اگرچه یادآورهای SMS با گروه های مختلف بیمار در مراقبت های بهداشتی مورد استفاده قرار می گیرند، اما میزان شواهد توصیه های کاربردی SMS هنوز محدود است.

واژگان کلیدی: یادآورنده - پیام کوتاه - سلامت همراه - خود مراقبتی



چرا ایرانی‌ها در اتوبوس کمر بند ایمنی نمی‌بندند؟ یک مطالعه کیفی

جواد هارونی، دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

محتشم غفاری، دانشیار آموزش بهداشت، گروه آموزشی بهداشت عمومی و مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان‌آور محیط و کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سکینه رخسنده رو، استادیار آموزش بهداشت، گروه آموزشی بهداشت عمومی و مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان‌آور محیط و کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: هیچ رفتاری به‌اندازه استفاده از کمر بند ایمنی روی کاهش شدت جراحات ناشی از تصادفات رانندگی تأثیر نمی‌گذارد. در بین انواع وسایل نقلیه، بستن کمر بند ایمنی در مسافران اتوبوس مغفول مانده و این مطالعه باهدف مشخص نمودن عوامل تعیین‌کننده رفتار بستن کمر بند ایمنی در اتوبوس طراحی و اجرا شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا در سال ۱۳۹۶ انجام شد. مسافران و رانندگان اتوبوس و نیز متخصصان (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی، اپیدمیولوژی) و افسران پلیس راه به‌صورت داوطلبانه در این مطالعه مشارکت نمودند. روش نمونه‌گیری هدفمند با رعایت حداکثر تنوع بود و تا رسیدن به اشباع ادامه یافت. تمام مصاحبه‌ها بلافاصله ضبط، دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج مطالعه در دو طبقه اصلی عوامل فردی و غیر فردی، ۱۶ تم اصلی و ۸۱ تم فرعی خلاصه گردید. تم‌های اصلی آگاهی، عوامل زمینه‌ای، اعتقادات رفتاری، ارزشیابی پیامد رفتاری، اعتقادات هنجاری، انگیزش برای پیروی، اعتقادات کنترلی، قدرت درک شده، اعتماد پیرامونی، یادگیری مشاهده‌ای، موانع درک شده، تهدید درک شده، کارآمدی پاسخ درک شده در طبقه عوامل فردی و تم‌های اصلی قانون و نظارت، محیط و آموزش قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند توسط سایر محققین و نیز سیاست‌گذاران حوزه سلامت و حوزه حمل‌ونقل در طراحی و اجرای مداخلات با تمرکز بر عوامل فردی و روانشناختی در کنار توجه به عوامل غیر فردی همچون فراهمی و سالم بودن کمر بند اتوبوس، مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کمر بند ایمنی، تعیین‌کننده، اتوبوس، مسافران، پلیس راهنمایی و رانندگی



نگرش جوانان به ازدواج و ایجاد پدیده تجرد در ایران: یک مرور توصیفی

آسیه نمازی، دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران- هیأت علمی گروه مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

anamazi55@yahoo.com

زمینه و هدف: تغییر در نگرش ازدواج جوانان و بروز پدیده تجرد قطعی، از جمله تحولاتی است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه ایجاد شده است. پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز تجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی‌هایی در سطح جامعه خواهیم بود. این مطالعه با هدف مرور مطالعات انجام گرفته در مورد نگرش جوانان به امر ازدواج و عوامل موثر بر آن در داخل کشور انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه که با روش مرور توصیفی انجام گرفت مطالعات چاپ شده در مجلات داخل کشور با موضوعاتی چون ازدواج، نگرش جوانان به آن و علت‌های تاخیر ازدواج از سالهای ۱۳۸۸-۹۵ انتخاب و از هر سال ۲ مقاله به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: از مهمترین نتایج به دست آمده این بود که سطح تحصیلات زنان تأثیر منفی بر میزان وقوع پدیده ازدواج دارد. همچنین بیکاری و عدم اشتغال، مشکل مسکن و مشکلات اقتصادی به عنوان مهمترین مشکلات ازدواج پسران در جامعه مطرح شد. مهمترین مشکلات ازدواج دختران در جامعه، نبود جوان مناسب، چشم هم‌چشمی و زیاده‌خواهی، مشکلات اقتصادی، توقع زیاد خانواده‌ها و سختگیری والدین بود. از نظر اهمیت دلایل ازدواج، به ترتیب نیاز به محبت بالاترین و ازدواج به دلیل اصرار خانواده و اطرافیان کمترین رتبه را داشت. نظر دختران و پسران مجرد جوان درباره ضرورت امر ازدواج یکسان نبوده و مردان بیش از زنان تأکید داشته‌اند که ازدواج کردن امری ضروری است این و امر بر اساس نتایج آماری به دست آمده، از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با افزایش سن جوانان تغییر معکوس در نگرش آنان درباره ضرورت امر ازدواج مشاهده می‌شود به این معنا که جوانان کم‌سنتر ضرورت بیشتری درباره ازدواج احساس می‌کنند.

نتیجه‌گیری: از آن جا که جامعه، مجموعه‌ای متشکل از واحدهای خانواده است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد آن و فراهم ساختن موقعیت ازدواج برای جوانان، خود جامعه است. لذا لازم است همه دست اندرکاران به این مسئله به عنوان یک مشکل فوریتی نگاه کرده و تمام تلاش خود را برای رفع آن معطوف نمایند؛ چنانکه قرآن، در آیه‌ای تمام مسلمانان را به یاری جوانان برای تسهیل امر ازدواج دعوت کرده است.

واژگان کلیدی: خانواده، جوانان، ازدواج، نگرش، سن ازدواج



شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر شکست درمان و عود بیماری تب مالت با استفاده از تکنیک TOPSIS

فیروز امرایی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، کارشناس معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران.

علیرضا سلوکدار، استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

محمدعلی دریگ، دکترای حرفه ای پزشکی، معاون بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران.

ملک حسین برخوردار، کارشناس علوم آزمایشگاهی، معاون اجرایی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران.

پژمان امرایی، دانشجوی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران.

زمینه و هدف: شکست درمان و عود یکی از مشکلات عمده در درمان و کنترل تب مالت است. این مطالعه به منظور شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر شکست درمان و عود بیماری تب مالت با استفاده از تکنیک TOPSIS در بیماران تحت درمان بروسلوز در دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شده است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل ۵۰ نفر از کارشناسان مبارزه با بیماریها و پزشکان شبکه بهداشت و درمان شهرستان‌های تحت پوشش معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی لرستان در ۱۳۹۶ است، که به‌علت محدودیت حجم جامعه، نمونه‌گیری صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بر مبنای عوامل احتمالی موثر بر شکست درمان است که با همکاری کارشناسان مبارزه با بیماریها و پزشکان برنامه تب مالت طراحی شده است. روایی صوری پرسشنامه توسط اساتید مجرب تایید و برای تعیین پایایی آن از فرمول آلفا کرونباخ استفاده شد که مقدار آن $\alpha = 0.80$ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی به کمک نرم‌افزار آماری SPSS و از تکنیک TOPSIS استفاده شده است.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که فرضیه‌های ۱ تا ۲۰ مورد تایید قرار می‌گیرد. این بدان معنا است که ۲۰ عامل مزبور بر شکست درمان تب مالت مؤثر است. و همچنین نتایج حاصل از رتبه‌بندی عوامل موثر بر شکست درمان تب مالت نشان داد که عامل "عدم تبعیت از درمان توسط بیمار به دلیل طولانی بودن روند درمانی" بیشترین و عامل عدم تست حساسیت دارویی توسط پزشک "کمترین تاثیر را در شکست درمان تب مالت در دانشگاه علوم پزشکی لرستان بر اساس تکنیک TOPSIS داشته است. نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری می‌شود که کارشناسان برنامه تب مالت بایستی بر اساس اولویت‌های تعیین شده بر روی عوامل شناسایی شده در شکست درمان فعالیت کنند و از راهکارهایی استفاده گردد که میزان تاثیر گذاری این عوامل را به صفر نزدیک کنند.

واژگان کلیدی: شکست درمان، تب مالت، تکنیک TOPSIS



ارزیابی ارتباط شاخص غذای سالم تغییر یافته (AHEI-2010) با وضعیت چاقی، غلظت سرمی ۲۵ هیدروکسی ویتامین D و hs-CRP در سالمندان شهر تهران

حامد کرد ورکانه

زمینه و هدف: چاقی یک معضل نگران کننده در عصر حاضر و عامل بسیاری از بیماری های غیر واگیر مزمن می باشد. عوامل متعدد تغذیه ای و غیر تغذیه ای در بروز این بحران سلامتی دخیل هستند. یکی از عوامل مهم غذای کیفیت رژیم غذایی افراد می باشد. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین شاخص غذای سالم تغییر یافته (AHEI-2010) با چاقی، ویتامین D3 و CRP در سالمندان می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی توصیفی تحلیلی بر روی ۱۹۰ سالمند مراجعه کننده به مراکز بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تهران به روش خوشه ای انجام شد. دریافت های غذایی از طریق پرسشنامه بسامد خوراک جمع اوری شد و میزان ویتامین D و hs-CRP با خون ناشتا محاسبه گشت. اندازه گیری وزن، قد و دور کمر انجام شد. در آنالیز نهایی با رگرسیون لجستیک عوامل مخدوش گر کنترل و سطح معنا داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین سنی افراد ۶۷/۳۱ و میانگین شاخص توده ی بدنی ۲۹/۸۹ بود. توزیع افراد از نظر وزن، نمایه توده بدن و دور کمر بر حسب شاخص غذای سالم تغییر یافته معنا دار نبود. نسبت شانس ابتلا به چاقی شکمی بر حسب شاخص غذای سالم تغییر یافته پس از تعدیل مخدوش گر ها $OR = ۰/۸۵$ برآورد شد که از لحاظ اماری معنا دار بود اما برای نسبت شانس چاقی عمومی این توزیع معنا دار نبود $p = ۱/۲۰$.

نتیجه گیری: در نتیجه این مطالعه بیان میکنند که با افزایش امتیاز شاخص غذای سالم تغییر یافته نسبت شانس ابتلا به چاقی شکمی کاهش می یابد. اما رابطه معنا دار اماری بین شاخص غذای سالم تغییر یافته با چاقی عمومی، ویتامین D3 و hs-CRP وجود ندارد.

واژگان کلیدی: شاخص غذای سالم تغییر یافته، چاقی، دور کمر، چاقی شکمی، سالمندان



ارتباط بار اسیدی رژیم غذایی با ترکیب بدن و زیست نشانگرهای التهابی در مبتلایان به دیابت نوع دو

حامد کرد ورکانه

زمینه و هدف: افزایش بار اسیدی رژیم غذایی سبب افزایش خطر ابتلا به دیابت می شود. هدف از مطالعه حاضر، تعیین ارتباط شاخص بار اسیدی رژیم غذایی با ترکیب بدن و زیست نشانگرهای التهابی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو می باشد. **مواد و روش ها:** جامعه مورد پژوهش ۱۸۵ بیماران دیابتی نوع دو با میانگین سن ۵۱/۶۲ سال هستند. برای ارزیابی رژیمی افراد، پرسشنامه تکرر مصرف خوراک که شامل ۱۴۷ قلم غذایی تکمیل شد و شاخص های بار اسیدی PRAL (potential renal acid load) و NEAP (Net Endogenous Acid Production) برای هر شخص محاسبه گردید و فاکتورهای التهابی hs-CRP، اینترلوکین ۶ و TNF- α اندازه گیری شد. اندازه گیری های تن سنجی (وزن، قد، دور کمر و درصد چربی (FM)) در بیماران دیابتی انجام شده است. از آزمون های رگرسیون خطی، آزمون پیرسون و آزمون کوواریانس (ANCOVA) برای آنالیز داده ها استفاده شد

نتایج: در بین متغیرها تنها درصد چربی کل بدن ($p=0/042$ ، بتا=۰/۱۹۰) و فاکتور التهابی TNF- α ($p=0/031$ ، بتا=۰/۱۶۷) با شاخص بار اسیدی PRAL ارتباط مثبت و معناداری داشتند. در بین سهک های بار اسیدی رژیم غذایی، تنها درصد چربی کل بدن و فاکتور التهابی TNF- α در بین سهک های نمایه PRAL متفاوت بود، به نحوی که درصد چربی کل بدن و فاکتور التهابی TNF- α در سهک های دو و سه بالاتر بود و این ارتباط بعد از تعدیل کردن مخدوشگرهای همچنان معنادار باقی ماند ($p=0/038$ و $p=0/032$ ، به ترتیب).

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که نمایه PRAL ارتباط مثبتی با افزایش توده چربی بدن و TNF- α دارد.

واژگان کلیدی: بار اسیدی، التهاب، دیابت نوع دو، ترکیب بدن



Does cocoa/dark chocolate supplementation have favorable effect on body weight, body mass index and waist circumference? A systematic review, meta-analysis and dose-response of randomized clinical trials

Background and Aim: Cocoa and dark chocolate (DC) have been reported to be effective for health promotion; however the exact effect of cocoa/DC on anthropometric measures have not been yet defined.

Materials and Methods: A comprehensive search to identify randomized clinical trials (RCTs) investigating the impact of cocoa/DC on body weight, body mass index (BMI) and waist circumference(WC) was performed up to December 2017. A meta-analysis of eligible studies was performed using random effects model to estimate pooled effect size. Fractional polynomial modeling was used to explore dose-response relationships for cocoa/DC supplementation.

Results: A total of 35 RCTs investigated the effects of cocoa/DC on weight, BMI and WC were included. Meta-analysis did not suggest any significant effect of cocoa/DC supplementation on body weight (-0.108 kg, 95% CI -0.262, 0.046 P=0.168), BMI (-0.014 kg/m², 95% CI -0.105, 0.077, P: 0.759,) and WC (0.025 cm, 95% CI -0.083, 0.129, P= 0.640). Subgroup analysis revealed that that weight and BMI were reduced with cocoa/DC supplementation ≥ 30 g chocolate per day in trials between 4-8 weeks. Chocolate consumption resulted in WC reduction in nonlinear fashion ($r=0.042$, P-nonlinearity=0.008).

Conclusion: Cocoa/DC supplementation reduced body weight, BMI and WC. Dose and duration were important determinates for favorable effects on anthropometric measures.

Keywords: cocoa/dark chocolate, body weight, meta-analysis



Self-care in people with diabete, A Review

Tayebe Rahmani, Dept. of Aging Health & Promotion, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Mahin Nazari, Dept. of Aging Health & Promotion, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background and Aim: Diabete is one of the most important diseases in the world that affects all aspects of the lives of people. In 2011, 366 million people were affected by diabetes worldwide, and it is estimated that this figure will reach 552 million in 2030. The number of people with diabetes in Iran is estimated at more than 1.5 million. Disability, loss of quality of life, and death are the most serious consequences of diabetes. The present study survey effective factors on self-care in people with diabetes.

Materials and Methods: In this review study, the keywords of, diabetes, self-care glycemic control were searched in pubmed, google scholar and SID through 2000 – 2017. The study aimed to investigate effective factors on self-care in people with diabetes.

Results: 18000 article worked in this field that survey psychosocial and educational factors on self-care in people with diabetes. The essential self-care behaviors in people with diabetes which predict good outcomes namely healthy eating, being physically active, monitoring of blood sugar, compliant with medications, good problem-solving skills, healthy coping skills and risk-reduction behaviors. Most important factors influencing self-care diabetes includes interventions focused on behavior change, group counseling, self-management training, social support psychological interventions especially for depression and anxiety of these patients and high self-efficacy.

Conclusion: The results of these studies indicate that increasing self-care in diabetics requires comprehensive work which takes all aspects of diabetes self-care. For example, increasing self-efficacy and social support can help people overcome perceived barriers to treatment diabete. And ultimately, all of this comprehensive care will increase the quality of life of these patients.

Keywords: *diabetes, self-care , glycemic control*



Evaluation of sleep quality among elderly people: A Population Based Survey in Shiraz, Iran

Behnam Honarvar, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Tayebe Rahmani, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Elahe Khaksar, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Fateme Jafari, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Maryam Azadegan, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Zahra Gheibi, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Farzaneh Bahadori, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Zahra Maleki, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background and Aim: Older age population shows an increasing trend in Iran. According to the last national census of Iran in 2016, elderly adults constitutes 9.2% of total population; including 49% males and 51% females. Changes in sleep patterns can influence the quality of life of many older adults. This study was aimed to evaluate the sleep quality among shiraz elderly people.

Materials and Methods: This 1.5 years population based survey was conducted in 2016-2017 and 412 elderly adults were selected through a multistage cluster sampling method. Their sleep quality was evaluated by standard Pittsburgh questionnaire .Data was analyzed in SPSS.

Results: Mean age of participants was 68.1 ± 6.2 years. Interviewees consisted of 216(52.4%) females and 196(47.6%) males. 55.2% of participants had sleep problems including 46.6% with moderate to 8.3% with serious and 0.3 % with very serious sleep problems. Various factors influenced the participants' sleep quality such as quality of Life, marital status, having chronic illnesses like heart disease and chronic pain.

Conclusion: This study showed that more than half of elderlies in our region suffer from sleep problems which can affect all aspects of the their life. Therefore, prevention and/ or care about sleep problems should be integrated in primary health care system for this population.

Keywords: Sleep problem, Elderly, Quality of Life , Shiraz



Depression risk factors in the elderly . A Review

Tayebe Rahmani, Dept. of Aging Health & Promotion, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Mahin Nazari, Dept. of Aging Health & Promotion, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background and Aim: Older age population shows an increasing trend in Iran. According to the last national census of Iran in 2016, elderly adults constitutes 9.2% of total population; including 49% males and 51% females. Depression is a common mental disorder in the old age. According to Mental Health Foundation statistics on mental health, depression is more common in the elderly than in any other age group, affecting 20 percent of those living in the community and 40 percent of those who are living in care homes and associated with functional loss, frequent hospital re-admissions, and a higher mortality rate.

Materials and Methods: In this review study, the keywords of, depression ,elderly ,mental health were searched in pubmed, google scholar and SID through 2000 – 2017. The study aimed to investigate factors affecting depression in the elderly

Results: Thirty articles entered the study. According to the results ,most important factors influencing depression in the elderly include:female, disability, new disease, having previous depression, pain, cognitive impairment, functional impairment, sleep disturbance, low or no social connection, poverty and isolation.

Conclusion: Since depression has a high prevalence in the elderly and affects all aspects of their lives, planning to reduce the impact of these factors on the elderly is very essential , also interventions to reduce depression such as cognitive behavioral therapy, mindfulness, and stress management are very useful for this age group.

Keywords: depression, elderly ,mental health ,Risk factor



Relationship between quality of life and sleep disorders in the elderly: A Population Based Survey in Shiraz, Iran

Behnam Honarvar, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Tayebe Rahmani, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Elahe Khaksar, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Zahra Gheibi, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Farzaneh Bahadori, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Zahra Maleki, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Fateme Jafari, Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background and Aim: Older age population shows an increasing trend in Iran. According to the last national census of Iran in 2016, elderly adults constitutes 9.2% of total population; including 49% males and 51% females. One of the factors that affects elderly quality of life is having a convenient sleep. Sleep disorder in the elderly has a high prevalence. Studies have shown that there are several factors affects elderly sleep. Such as having chronic illnesses and use of various medications. purpose of this study is determine whether the quality of life affects elderly sleep disorder.

Materials and Methods: This 1.5 years population based survey was conducted in 2016-2017 and 412 elderly adults were selected through a multistage cluster sampling method. Their sleep quality was evaluated by standard Pittsburgh questionnaire and their quality of life evaluated by standard LEIPAD quality of Life in the elderly questionnaire. Data was analyzed in SPSS.

Results: Mean age of participants was 68.1 ± 6.2 years. Interviewees consisted of 216 (52.4%) females and 196 (47.6%) males. 55.2% of participants had sleep problems and 97 (25.1) had low quality of life. The results of this study showed that with p -value < 0.05 , there is relationship between quality of life and sleep disturbance. And people with higher quality of life had better sleep.

Conclusion: This study showed that more than half of elderlies in our region suffer from sleep problems and high quality of life can have a positive effect on the elderly sleep. Quality of life has different dimensions that improving of any dimension can improve the sleep quality of the elderly. Therefore improving the quality of life of the elderly should be an important goal for the state and the health system.

Keywords: Sleep problem, Elderly, Quality of Life, Shiraz



تأثیر آموزش بهداشت دهان و دندان با استفاده از روش ترکیبی بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کوت عبدالله

حسنا رشیدی بیرگانی، رحمان پناهی، شمس الدین نیکنامی

زمینه و هدف: بهداشت دهان و دندان یک ضرورت و بخشی از سلامت عمومی است. با توجه به تأثیرات بهداشت ضعیف دهان و دندان و بیماری های درمان نشده دهانی بر کیفیت زندگی و شایع بودن این بیماری ها در سنین مدرسه، این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش بهداشت دهان و دندان با استفاده از روش ترکیبی بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در دانش آموزان انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه نیمه تجربی دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر کوت عبدالله در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای ۲ گروه ۶۰ نفره انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، شامل پرسشنامه ویژگی های جمعیتی و زمینه ای و پرسشنامه محقق ساخته معتبر برای سنجش آگاهی، نگرش و رفتار در خصوص پیشگیری از پوسیدگی دندان بود که بعد از بررسی و تایید روایی صوری و محتوی و پایایی به روش بازآزمایی و سنجش آلفا کرونباخ در سه مرحله قبل، بلافاصله و دو ماه پس از مداخله تکمیل گردید. گروه آزمون دو جلسه آموزش به روش ترکیبی را دریافت کردند. داده های گردآوری شده با استفاده از آزمون های متناسب و نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تحلیل شدند.

نتایج: قبل از آموزش دو گروه از نظر ویژگی های جمعیت شناختی و زمینه ای و متغیرهای آگاهی، نگرش و رفتار تفاوت معنادار نداشتند ($P > 0.05$). پس از آموزش مقایسه دو گروه نشان داد که میانگین متغیرها در گروه آزمون به طور معناداری نسبت به گروه کنترل افزایش داشته است ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که آموزش با استفاده از آموزش ترکیبی، بر ارتقای اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در دانش آموزان، موثر بوده است.

واژگان کلیدی: آموزش ترکیبی، دانش آموزان، رفتار، بهداشت دهان و دندان، آموزش بهداشت، پوسیدگی دندان.



بررسی میزان آگاهی، نگرش، رفتار و عوامل مرتبط با آن‌ها در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کوت عبدالله در خصوص پیشگیری از پوسیدگی دندان

حسنا رشیدی بیرگانی، رحمان پناهی، شمس الدین نیکنامی

زمینه و هدف: بهداشت دهان و دندان یک ضرورت و بخشی از سلامت عمومی است. این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی، نگرش، رفتار و عوامل مرتبط با آن‌ها در دانش آموزان در خصوص بهداشت دهان و دندان انجام شد. **مواد و روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۱۲۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر کوت عبدالله در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، شامل پرسشنامه ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای و پرسشنامه محقق ساخته معتبر برای سنجش آگاهی، نگرش و رفتار در خصوص پیشگیری از پوسیدگی دندان بود که توسط دانش آموزان شرکت‌کننده تکمیل گردید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تحلیل شدند.

نتایج: میانگین و انحراف معیار نمره آگاهی، نگرش و اتخاذ رفتار در خصوص بهداشت دهان و دندان در این مطالعه به ترتیب $23/29 \pm 0/945$ ، $17/38 \pm 0/667$ و $9/07 \pm 0/375$ بود. بین آگاهی و سن، نگرش و شغل پدر، رفتار و تحصیلات مادران ارتباط معنی‌دار وجود داشت ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: میزان آگاهی و رفتار دانش آموزان نسبت به بهداشت دهان و دندان در سطح متوسط و میزان نگرش در سطح ضعیف قرار داشت و با توجه به ارتباط بین آگاهی و سن، نگرش و شغل پدر، رفتار و تحصیلات مادران، ارائه برنامه‌های آموزشی در خصوص بهداشت دهان و دندان برای خانواده‌ها و دانش آموزان به خصوص از سنین پایین و همچنین دانش آموزانی که شغل پدرانشان آزاد می‌باشد و آن‌هایی که دارای مادران با سطح تحصیلات پایین هستند ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، رفتار، دانش آموز، پوسیدگی دندان.



بررسی اثربخشی طرح پیشگیری از تالاسمی و وضعیت ازدواج زوج های ناقل در مراجعه کنندگان به مرکز مشاوره غرب اهواز در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱

حسنا رشیدی بیرگانی، وفا علی زاده، زهرا نوذری، خدا بخش کرمی

زمینه و هدف: تالاسمی شایعترین بیماری ژنتیک در انسان است و به عنوان یک مشکل بهداشتی در سراسر جهان رو به گسترش است. به علت اهمیت این بیماری در کشور ما برنامه های پیشگیری از تالاسمی دارای اهمیت قابل توجهی می باشد. این مطالعه با هدف اثربخشی طرح پیشگیری از تالاسمی و وضعیت ازدواج زوج های ناقل از ازدواج در قسمت غرب شهرستان اهواز در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ انجام خواهد شد.

مواد و روش ها: این تحقیق یک مطالعه مقطعی و با جنبه های توصیفی می باشد که اطلاعات جمع آوری شده از مجموع ۲۹۷ زوج بوده که از کل داوطلبین ازدواج ناقل و مشکوک امکان پیگیری و بررسی ۲۰۱ زوج وجود داشت. روش انجام این تحقیق با استفاده از اطلاعات به دست آمده از پرونده های زوج های در شرف ازدواج ساکن در منطقه غرب اهواز موجود در مرکز بهداشت شماره ۹ غرب شهرستان اهواز می باشد. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ بررسی شده و آمار توصیفی و استنباطی این تحقیق با استفاده از آزمونهای آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آزمون کای دو جهت ارزشیابی و سنجش متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به کار رفت.

نتایج: با بررسی ۲۰۱ نفر زوجین در شرف ازدواج، میانگین سن خانم ها ۲۰/۰۷ و آقایان ۲۳/۶۳ سال به دست آمد. ۳۶/۸ درصد زوجین مورد بررسی با یکدیگر نسبت فامیلی داشتند. بر اساس نتایج حاصله از بین موارد مشکوک و ناقل ۳۴/۴۵ درصد از ازدواج انصراف دادند و ۵۸/۴۲ درصد آزمایش غربالگری PND مرحله اول و ۱۶/۸۵ درصد PND مرحله دوم را انجام دادند و ۸/۲۳ درصد سقط انجام دادند و نیز ۳/۴۸ درصد از جمعیت ناقلین و مشکوکین صاحب فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور شدند.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج مطالعه حاضر نشان داد، بین طرح پیشگیری از تالاسمی در وضعیت ازدواج زوج های ناقل و مشکوک موثر واقع شده است و بر انصراف زوجینی که ناقل بیماری بوده اند موثر بوده است و بر کاهش تولد نوزادان مبتلا به این بیماری تاثیرگذار بوده است لذا ادامه این طرح مشمّر می باشد.

واژگان کلیدی: تالاسمی، وضعیت ازدواج، زوج های ناقل و مشکوک، اهواز



بررسی برخی نشانگرهای فرایندی کیفیت خدمات اورژانس بیمارستانی در مصدومین حوادث ترافیکی مجتمع بیمارستانی امام خمینی

سیما مرزبان؛ استادیار مدیریت بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
سیدحسین سیدحسینی داورانی؛ استادیار طب اورژانس، بیمارستان امام خمینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران، ایران

عباس دانش کهن؛ استادیار مدیریت بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
مرضیه نجفی؛ دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران، ایران marziyenajafi@yahoo.com

زمینه و هدف: در جهان هر سال ۲/۱ میلیون نفر در اثر حوادث جاده‌های کشته و بیش از ۵۰ میلیون نفر مجروح یا ناتوان میگردند. راه ورود مصدومین حوادث ترافیکی به بیمارستان برای دریافت مراقبت بخش اورژانس می باشد. پایین بودن کیفیت مراقبت‌های ارائه شده در این بخش موجب کاهش رضایت بیمار، افزایش مرگ و میر و معلولیت‌ها می گردد. بنابر این برآن شدیم کیفیت را از منظر فرایند مراقبت‌های ارائه شده بخش اورژانس براساس نشانگرهایی برگرفته از نشانگرهای سنجش کیفیت خدمات بخش اورژانس AHRQ در مصدومین حوادث ترافیکی مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره) بسنجیم.

مواد و روش ها: جامعه پژوهش در این مطالعه مصدومین حوادث ترافیکی مراجعه کننده به اورژانس مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره) می باشد. با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران تعداد ۱۴۷ نفر به عنوان نمونه محاسبه شد. نشانگرهای موردنظر از نشانگرهای AHRQ که ابعاد کیفیت (اثربخشی، به هنگام بودن، ایمنی، کارایی، بیمارمحور بودن) را می سنجد و پایایی و روایی آن در مطالعه رومانو به اثبات رسید با کمی تغییرات استخراج شده اند. یافته ها در نرم افزار spss18 وارد شد و با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای آماری تحلیل شد. **نتایج:** بر اساس یافته های پژوهش میانگین زمان کنترل خونریزی خارجی حدود سه دقیقه به دست آمد. میانگین زمان شروع ارزیابی اولیه در سطح تریاژ ۱ تمامی بیماران بدون وقفه، در سطح ۲ تریاژ ۶،۱۸، در سطح ۳ تریاژ ۲۲،۸۶، سطح ۴ تریاژ ۷۱ دقیقه نشان از موفقیت این شاخص داشت. اما در خصوص سطح ۵ تریاژ با توجه به استاندارد ۲۴۰ دقیقه، میانگین ۶۴۸ دقیقه بدست آمد که با توجه به فاصله زمانی بسیار زیاد با استاندارد، عدم موفقیت این شاخص بسیار واضح است. برای ۱۰۰ درصد بیماران دارای مشکلات شکمی سونوگرافی سریع انجام شده بود. ۱۰۰ درصد لوله گذاری ها بصورت صحیح برای بیماران انجام شده بود. ۹۶/۴۹ درصد از بیماران دستور تجویز مسکن داشتند.

نتیجه گیری: در بعد بیمار محور بودن که با شاخص میانگین زمان ورود تا شروع ارزیابی اولیه سنجیده شد، در ۴ سطح تریاژ عملکرد مناسب و در سطح ۵ تریاژ با فاصله بسیار زیاد از استاندارد، وضعیت نامناسبی را دارا بود که با درنظر گرفتن وضعیت غیرورژانسی این بیماران خطری سلامت آنها را تهدید نمی کند. در شاخص کنترل درد دارویی هم عدم موفقیت در دستیابی به استاندارد نشان داده شد. با توجه به اهمیت مدیریت و کنترل درد در بیماران اورژانسی، بیمارستان نیاز به اصلاح فرایندهای کنترل درد دارد.

واژگان کلیدی: بخش اورژانس، نشانگرهای فرایندی، کیفیت، مصدومین حوادث ترافیکی، اثربخشی، به هنگام بودن، ایمنی، کارایی



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر بهبود رفتارهای ارتقادهنده سلامت و کیفیت زندگی رابطان سلامت

بیرام بی بی بیات؛ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

بهرام محبی؛ استادیار، مرکز آموزشی، تحقیقاتی و درمانی قلب و عروق شهید رجایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
آذر طل؛ دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

رویا صادقی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
sadeghir@tums.ac.ir

میر سعید یکانی نژاد؛ استادیار، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: کیفیت زندگی موضوعی پیچیده و چند بعدی است که دو مقیاس سلامت جسمی و سلامت روانی را شامل می شود. کیفیت زندگی به این مفهوم است که فرد چگونه جنبه های مختلف زندگی اش را ارزیابی میکند. مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر برنامه آموزشی بر بهبود رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی رابطان سلامت بر اساس الگوی بزنف در سال ۹۶-۹۵ طراحی و اجرا شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع نیمه تجربی بود که بر روی ۲۰۰ نفر از رابطان سلامت مراکز بهداشتی درمانی جنوب تهران که به روش نمونه گیری خوشه ای در دو گروه ۱۰۰ نفری مداخله و کنترل قرار گرفتند، انجام شد. مداخله در شش جلسه آموزشی در مدت ۳۰-۴۵ دقیقه انجام شد و شش ماه بعد از مداخله آموزشی پیگیری صورت گرفت. مداخله آموزشی در خصوص رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی با استفاده روش های سخنرانی، پرسش و پاسخ، بحث گروهی و یادآمد آموزشی با استفاده از پیامک، در اختیار قرار دادن پوسترها و پمفلت های آموزشی در گروه مداخله انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه های روا و پایای رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت HPLPII و کیفیت زندگی (SF-36) و پرسشنامه محقق ساخته الگوی بزنف بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های آماری کای دو، t مستقل، t زوجی در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد دو گروه از نظر میانگین نمره سازه های الگوی بزنف، ابعاد رفتارهای ارتقاء دهنده و کیفیت زندگی پس از مداخله آموزشی به جز عدم محدودیت در ایفای نقش به علت مشکلات عاطفی و سلامت روان اختلاف معنادار داشتند.
نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان دهنده تاثیر مثبت برنامه آموزشی بر اساس مدل بزنف در افزایش رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی در رابطان سلامت بود.

واژگان کلیدی: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، کیفیت زندگی، رابطان سلامت، الگوی بزنف، مداخله آموزشی



بررسی وضعیت برون سپاری در بیمارستانها و مراکز درمانی ایران، یک مطالعه مروری نظاممند

مریم مزینانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت

عباس بشیرزاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت bashirzadeh.a2014@gmail.com

بهنام امینی دغلیان؛ کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده بهداشت، گروه آموزشی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

زمینه و هدف: برون سپاری را می توان خصوصی سازی مدیریت نامید. با شروع اجرایی شدن برنامه ی پنج ساله سوم توسعه کشور در سال ۱۳۷۹، سیاست مربوط به برون سپاری خدمات بیمارستانی به شکل گسترده ای مورد استفاده قرار گرفت. از دلایل گرایش به سمت برون سپاری می توان به وارد شدن مزایای مدیریت بخش خصوصی مثل توجه به کارآیی و رضایت مشتریان به بخش دولتی و اجتناب از معایب آن مانند عدم توجه به عدالت و مسئولیت اجتماعی اشاره نمود. مطالعه حاضر باهدف بررسی وضعیت برون سپاری در بیمارستان ها و مراکز درمانی ایران به صورت مرور نظام مند انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مرور نظام مند، جستجوی الکترونیک به زبان فارسی و با کلیدواژه های برون سپاری بیمارستان ها، برون سپاری مراکز درمانی و بررسی برون سپاری در مراکز درمانی و بیمارستانی در پایگاه های ISC، medlib، civilica، SID، Irandoc، Magiran، Iranmedex، و Google Scholar انجام پذیرفت. کلیه مطالعات کمی و کیفی صورت گرفته بین سال های ۱۳۹۶-۱۳۸۰ در زمینه برون سپاری در بیمارستان ها و مراکز درمانی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس هدف مطالعه ۳۰ مقاله به دست آمد که در نهایت بر اساس محتوای مقالات و فرم استخراج داده های مبتنی بر هدف پژوهش ۱۹ مقاله وارد مطالعه شدند.

نتایج: مهم ترین یافته های این تحقیق عبارت بود از: راهبرد برون سپاری، همبستگی مثبتی با کیفیت خدمات آزمایشگاهی داشت. هم چنین در آزمایشگاه های برون سپاری شده زمان انتظار برای دریافت خدمات به طور معناداری کمتر از آزمایشگاه های دولتی بود. تعداد کارکنان به ازای تعداد آزمایش ها کاهش یافت. میانگین کلی رضایت مندی از خدمات دارویی داروخانه های واگذار شده ۵/۲۸ و واگذار نشده ۵/۷۵ از حداکثر ۶ نمره بود. مسئولیت پذیری و رفتار کارکنان بهبود یافت. میزان موفقیت بیمارستان های مورد مطالعه در برون سپاری فعالیت های تغذیه، لاندری و نظافت روند صعودی داشته است. میزان رضایت بیماران و پرسنل در طی سال های اول تا سوم اجرای برون سپاری از فعالیت های بخش های مذکور روند صعودی داشته است.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعات بررسی شده، برون سپاری در بیمارستان ها و مراکز درمانی ایران در سال های اول اجرا روند صعودی داشته است که نتایج مثبتی از افزایش میزان رضایت کارکنان، بیماران، کاهش حجم کاری در بیمارستان ها و مراکز درمانی و ارتقای کیفیت خدمات به سبب اجرای این سیاست را نشان داد. با این حال مطالعات صورت گرفته محدود بوده و نیاز به انجام مطالعات بیشتر را در این زمینه می طلبد.

واژگان کلیدی: برون سپاری، بیمارستان و مراکز درمانی، مرور نظام مند



اثرات خصوصی سازی بر عملکرد بیمارستانهای دولتی، یک مطالعه مروری

زهره اسدی پیری

zahra74asadi@gmail.com

زمینه و هدف: الگوهای مشارکت دولتی-خصوصی از جمله راهکارهای شناخته شده برای مواجهه با رشد سریع هزینه‌های بیمارستانی و کمبود منابع در بخش سلامت است. یکی از این الگوها، خصوصی سازی کامل است. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثرات خصوصی سازی بر عملکرد بیمارستان‌های دولتی انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مروری با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی SID, Magiran, IranMedex و Irandoc با کلیدواژه‌های بیمارستان دولتی، عملکرد، خصوصی سازی، کیفیت، کارایی، هزینه، دسترسی و ترکیبات آنها و در پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی Scopus, Springer, Science Direct, Pubmed, Proquest, Ovid, Google Scholar با کلیدواژه‌های Quality, Access, Cost, Expenditure, Efficiency, privatization, performance, Public Hospital و ترکیبات آنها در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۷ انجام شد.

نتایج: در نهایت ۶ مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد کشورها در هنگام فشار مالی و کمبود منابع مالی به سمت خصوصی سازی بیمارستان‌های دولتی رفته‌اند. خصوصی سازی علیرغم افزایش پاسخگویی و کیفیت در ارائه خدمات منجر به افزایش هزینه‌های بیمارستانها گردیده است. از طرفی بیمارستانها این افزایش هزینه‌ها را بیشتر به سمت بیمار سوق داده و سبب کاهش دسترسی بیماران به خصوص قشر فقیر به خدمات بیمارستانی و کاهش عدالت در دریافت خدمات سلامت می‌گردد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد خصوصی سازی دارای اثرات منفی بر کاهش هزینه‌ها، دسترسی و عدالت در دریافت خدمات است. بنابراین خصوصی سازی در کشورهایی که دسترسی و عدالت به خدمات سلامت در آنها وضعیت مطلوبی ندارد و یک اولویت جدی محسوب می‌شود، به هیچ وجه توصیه نمی‌گردد. از طرفی کشورهایی که وضعیت دسترسی به خدمات سلامت در آنها نسبتاً مطلوب بوده و به دنبال روشهایی برای افزایش کیفیت خدمات هستند، می‌توانند مشروط به تضمین دسترسی مردم به خدمات اورژانسی و پایه، از خصوصی سازی به عنوان روشی برای افزایش کیفیت خدمات استفاده کنند. سایر کشورهای بینابینی در شرایط فشار مالی و نبود منابع، مشروط بر اطمینان از توان نظارتی خود جهت جلوگیری از افزایش بیش از حد هزینه‌ها، می‌توانند به سمت خصوصی سازی بیمارستان‌های دولتی بروند.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، بیمارستان دولتی، عملکرد، هزینه، دسترسی، کیفیت



بررسی وضعیت خودمراقبتی و سطح آگاهی بیماران دیابتی براساس شاخص‌های الگویابی باور بهداشت

لاله پیاوه؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
یاسر خواجه بیشک؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

توحید حسنعیلو؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
مجید مبصری؛ مرکز تحقیقات غدد، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
علیرضا استادرحیمی؛ مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
محمد اصغری؛ مرکز تحقیقات پیشگیری از آسیب حوادث جاده‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: با توجه به شیوع فزاینده بیماری دیابت در دنیا، سنجش وضعیت آگاهی بیماران از جنبه‌های مختلف کنترل بیماری می‌تواند به سیستم‌های بهداشتی در رسیدن به اهداف مراقبت‌های درمانی کمک کند. مراقبت از خود عامل مهمی در کنترل بیماری دیابت می‌باشند. هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت آگاهی و وضعیت رفتارهای مراقبت از خود براساس الگویابی باور بهداشتی در بیماران دیابتی بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی ۳۰۹ بیماران دیابتی نوع ۱ و ۲ شهر تبریز در سال ۱۳۹۵ انجام شد. افراد براساس معیارهای ورود، بصورت داوطلبانه وارد مطالعه شدند. کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی پروتکل مطالعه را تایید و برای تمام افراد رضایت‌نامه کتبی تکمیل شد. پرسشنامه مشخصات فردی و پرسشنامه مربوط به سوالات میزان آگاهی و رفتارهای مراقبت از خود، توسط کارشناسان آموزش دیده از طریق مصاحبه حضوری تکمیل شد. از نرم افزار SPSS (ver.21.0) برای وارد کردن و تحلیل داده‌ها استفاده شد. پس از بررسی نرمال‌پایه داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف، داده‌های کمی بصورت میانگین و انحراف معیار و داده‌های کیفی بصورت فراوانی و درصد ارائه شدند. بررسی اختلاف میانگین‌ها برای متغیرهای کمی با استفاده از آزمون Independent Samples t-Test انجام پذیرفت. مقادیر کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار تعریف شد.

نتایج: میانگین امتیاز نحوه اجرای مراقبت از خود بیماران دیابتی در سطح متوسط ارزیابی شد ($3/86 \pm 17/13$). زنان دیابتی در مقایسه با مردان از نظر مراقبت از خود، امتیاز پایین‌تری داشتند و بین دو جنس اختلاف آماری معنی‌داری وجود داشت ($p=0/028$). وضعیت آگاهی افراد در ارتباط با بیماری دیابت، رژیم غذایی و فعالیت فیزیکی در دیابت در سطح متوسطی بود. در ارتباط با متغیر رژیم غذایی در دیابت، زنان در مقایسه با مردان آگاهی نسبتاً ضعیف‌تری داشتند و بین دو جنس از این نظر، اختلاف آماری معنی‌داری وجود داشت ($p=0/005$).

نتیجه‌گیری: آگاهی به عنوان یکی از ارکان اصلی موفقیت در خودمراقبتی بیمار و تبعیت از درمان‌های رایج است. برگزاری برنامه‌های آموزش فردی و گروهی برای بیماران دیابتی در کنار آموزش مراقبین بهداشتی می‌تواند در مدیریت صحیح بیماری دیابت موثر باشد.

واژگان کلیدی: دیابت، آگاهی، مراقبت از خود، الگویابی باور بهداشتی



بررسی وضعیت افسردگی و ارتباط آن با شاخص های کیفیت زندگی در بیماران دیابتی

لاله پیاھو؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
یاسر خواجه بیشک؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

توحید حسنعیلو؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
مجید مبصری؛ مرکز تحقیقات غدد، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
علیرضا استادرحیمی؛ مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
محمد اصغری؛ مرکز تحقیقات پیشگیری از آسیب حوادث جاده ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: دیابت یک مشکل مهم بهداشتی است که شیوع آن در سراسر جهان رو به گسترش است. یکی از مشکلات عمده مطرح شده در بیماران دیابتی، بروز اختلالات روانی بخصوص افسردگی است. افرادی دیابتی مبتلا به اختلال افسردگی، کیفیت زندگی ضعیف تری در مقایسه با افرادی دیابتی بدون افسردگی دارند. طرح حاضر با هدف بررسی وضعیت افسردگی و ارتباط آن با شاخص های کیفیت زندگی در بیماران دیابتی شهر تبریز انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی ۳۰۹ بیماران دیابتی نوع ۱ و ۲ شهر تبریز در سال ۱۳۹۵ انجام شد. افراد براساس معیارهای ورود، بصورت داوطلبانه وارد مطالعه شدند. کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی پروتوکل مطالعه را تایید و برای تمام افراد رضایت نامه کتبی تکمیل شد. پرسشنامه مشخصات فردی و پرسشنامه های کیفیت زندگی و سنجش افسردگی بک (Beck)، توسط کارشناسان آموزش دیده از طریق مصاحبه حضوری تکمیل شد. از نرم افزار SPSS (ver.21.0) برای وارد کردن و تحلیل داده ها استفاده شد. پس از بررسی نرمالیتیه داده ها با استفاده از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف، داده های کمی بصورت میانگین و انحراف معیار و داده های کیفی بصورت فراوانی و درصد ارائه شدند. بررسی اختلاف میانگین ها برای متغیرهای کمی با استفاده از آزمون Independent Samples t-Test انجام پذیرفت. مقادیر کمتر از ۰/۰۵ معنی دار تعریف شد.

نتایج: میانگین سنی بیماران $51/9 \pm 9/2$ سال بود و تقریباً ۵۲٪ از بیماران زنان بودند. امتیاز کیفیت کلی زندگی بیماران دیابتی پایین تر از سطح متوسط بدست آمد. بیماران از نظر ابعاد مختلف کیفیت زندگی در سه حیطه آگاهی از بیماری دیابت، عوارض آن و اثرات روانی و اجتماعی بیماری امتیاز پایین تر از حد متوسط داشتند. بیش از یک سوم افراد دیابتی درجانی از افسردگی خفیف و شدید داشتند (۳۶/۲۵٪).

نتیجه گیری: عوامل متعددی از جمله روش های نادرست اطلاع رسانی به بیماران، عدم تخصیص زمان کافی برای مدیریت بیماران و ناکافی بودن مراقبین بهداشتی آموزش دیده در سیستم های بهداشتی از جمله دلایلی است که می تواند در بروز افسردگی، کاهش کیفیت زندگی بیماران و افزایش بروز آن تاثیرگذار باشد. از این رو در نظر گرفتن تمهیداتی به منظور رفع این موانع ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، افسردگی، دیابت، پرسشنامه Beck



بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مزدوجین شهرستان قوچان در خصوص بیماری ایدز

مریم کامرانی؛ کارشناس مامایی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران
نرگس کفاش ثانی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

محمد بابائیان مقدم؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران
babaeianmm1@mums.ac.ir

مهدی محمودی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

زمینه و هدف : تنها راه مقابله با بیماری ایدز آموزش و پیشگیری از ابتلا می‌باشد. هدف این مطالعه تعیین سطح آگاهی، عملکرد و نگرش داوطلبین ازدواج در شهرستان قوچان در خصوص بیماری ایدز می‌باشد.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و مقطعی می‌باشد ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای مشتمل بر سه بخش آگاهی، نگرش و عملکرد بود که ضریب همبستگی آن جهت بررسی روایی توسط نرم افزار SPSS ($r>0.3$) و آلفای کرونباخ معادل ۰.۸۹۵ برآورد گردید. افرادی که در سال ۱۳۹۶ در شهرستان قوچان جهت مشاوره قبل از ازدواج مراجعه نمودند وارد مطالعه شدند. داده‌های حاصل توسط آزمون‌های آماری من ویتنی، کا اسکوئر و... و نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. سطح معنی‌داری P کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج : ۴۳ درصد شرکت کنندگان مرد و ۴۷ درصد خانم بوده‌اند. سطح تحصیلات اغلب افراد زیر دیپلم (۶۵درصد)، شغل اغلب افراد آزاد و محصل یا دانشجو بوده است. سطح آگاهی افراد در خصوص بیماری ایدز ۴۴درصد ضعیف، ۴۲درصد متوسط و ۱۴درصد مطلوب بود. نگرش ۳۱ درصد افراد منفی، ۵۳ درصد خنثی و نگرش ۱۶درصد افراد، مثبت ارزیابی گردید در خصوص عملکرد نیز ۶۳درصد افراد عملکرد منفی، ۳۵درصد خنثی و عملکرد ۲درصد افراد مطلوب بود. سطح تحصیلات با آگاهی و نگرش افراد ارتباط معنی داری داشت ($p\leq 0.05$). افراد با تحصیلات ابتدایی، بیشتر نگرش منفی، گروه دیپلمه‌ها بیشتر نگرش خنثی و بیشترین نگرش مثبت در تحصیلات لیسانس و بالاتر بود. بیشتر افراد عنوان نمودند که در صورت ابتلا همسر به بیماری ایدز در منزل از وی نگهداری میکند که این موضع با جنسیت رابطه معنی داری نداشت. ($p\geq 0.05$)

نتیجه گیری : لازم است عموم مردم خصوصاً افرادی که سطح تحصیلات پایین تری دارند به طور جدی در خصوص بیماری ایدز و راههای انتقال آن آموزش های لازم را دریافت نمایند و افرادی که آگاهی لازم را دارند از این آگاهی در جهت تغییر رفتار استفاده نمایند.

واژگان کلیدی : آگاهی، نگرش، عملکرد، ایدز، قوچان



بررسی ارتباط خودکارآمدی رفتارهای بهداشتی، حمایت اجتماعی درک شده و عوامل مرتبط با سالمندان کرج

مونس اسدی شوک؛ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

طیبه فصیحی هرنیدی؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

مهری سعیدی؛ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
ملیحه فرید؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

زمینه و هدف: از بین عواملی که بر سلامت انسان اثر دارند، رفتار مهم ترین عامل شناخته شده که خودکارآمدی و حمایت اجتماعی نیز دو عامل تعیین کننده در بروز آن هستند. این مطالعه با هدف تعیین خودکارآمدی رفتارهای بهداشتی، حمایت اجتماعی درک شده و ارتباط این دو عامل در سالمندان شهر کرج انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر به شکل مقطعی در سال ۱۴۰۱، بر روی ۲۳۵ نفر از سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر کرج و به روش نمونه گیری چند مرحله ای انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای چند بخشی حاوی اطلاعات دموگرافیک، مقیاس خودکارآمدی رفتارهای بهداشتی در سالمندان و مقیاس حمایت اجتماعی درک شده وکس بود. آنالیز داده ها از طریق نرم افزار SPSS و آزمون های من ویتنی، کروسکال والیس، ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون لجستیک انجام گرفت.

نتایج: میانگین سنی افراد $57 \pm 6/6$ سال بود. میانگین نمره کل خودکارآمدی و حمایت اجتماعی به ترتیب $27/76 \pm 48/66$ و $4/64 \pm 18/06$ به دست آمد. بین خودکارآمدی با متغیرهای سن، تعداد فرزندان، محل سکونت و تحصیلات ارتباط معنی داری مشاهده شد. همچنین ارتباط مثبت و معنی داری بین خودکارآمدی با حمایت اجتماعی درک شده برقرار بود. آنالیز رگرسیون لجستیک نیز مهم ترین پیش بینی کننده خودکارآمدی را محل سکونت افراد نشان داد.
نتیجه گیری: با توجه به یافته ها به نظر می رسد می بایست به افزایش حمایت اجتماعی درک شده و خودکارآمدی رفتارهای بهداشتی در سالمندان از طریق برنامه های مداخله ای مناسب و مستمر بیشتر توجه شود.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، سالمند، رفتار بهداشتی



بررسی تاثیر آموزش بر سبک زندگی زنان میانسال، یک مطالعه مروری

رقیه محمد پور، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زهرا حداد، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

سیامک محبی، دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: در دنیای امروز سبک زندگی مهم ترین عامل مؤثر بر سلامت و بیماری قلمداد شده و نظام های سلامت، مهمترین برنامه های خود را مبتنی بر سلامت خانواده ترسیم نموده اند. زنان محور مدیریت سلامت خانواده محسوب می گردند و الگوی اصلی آموزش و ترویج شیوه زندگی سالم به نسل بعدی می باشند. میانسالی یکی از مهم ترین دوره های زندگی زنان است که بزرگترین بخش از حیات بزرگسالی محسوب می شود. به دلیل اینکه برنامه های آموزشی بر تغییر، حفظ و ارتقاء عوامل رفتار فردی و سبک زندگی تاثیر مستقیم دارد، بنابراین این مطالعه سعی داشت نقش آموزش را به عنوان عاملی تاثیرگذار در بهبود سبک زندگی زنان میانسال تبیین کنند.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر مروری Narrative Review بوده که مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی MEDLIB، IRANMEDEX و نیز جست و جوی مقالات از سایت های مجلات علمی پژوهشی داخلی انتخاب شدند. سایر مقالات با استفاده از بانک های اطلاعاتی و موتورهای جست و جوی علمی نظیر PubMed، ProQuest، Elsevier، SCOPUS و واژه های کلیدی <<آموزش>>، <<سبک زندگی>> و <<زنان میانسال>> انتخاب شدند. مقالات با طراحی های مقطعی و نیز مرور سیستماتیک جست و جو شده اند. بازه زمانی مقالات مورد استفاده از سال 2001 تا سال 2017 میلادی بود.

نتایج: به دلیل اینکه در زنان میانسال هر یک از فاکتورهای سبک زندگی به طور مستقل و به میزان قابل ملاحظه ای پیشگویی کننده ی بیماری های مزمن متعدد و مرگ و میر محسوب می شود، در نتایج مطالعات بررسی شده مشخص شد که برنامه ی آموزشی تاثیر مثبتی بر ابعاد مختلف انجام فعالیت فیزیکی، بهداشت روان، تغذیه، روابط بین فردی و سبک زندگی کلی زنان میانسال دارد و می تواند باعث ارتقای سلامت آنان شود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه نتایج این مطالعه تأییدکننده تاثیر آموزش بر ابعاد مختلف سبک زندگی زنان میانسال بود لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی در رابطه با سبک زندگی سالم برای گروه سنی میانسال برای بهبود کیفیت زندگی آنان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: آموزش - سبک زندگی - زنان میانسال



بررسی رابطه خشونت خانگی با افسردگی و ضعف روانی زنان شهرستان ترکمن

سونیا محمد نقی ترک؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

مقدمه: هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه خشونت خانگی با افسردگی و ضعف روانی زنان شهرستان ترکمن بود. به ۵۹۳۱ روش کار: روش پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر زنان متأهلی بودند که در سال نفر از زنان واجد شرایط ۰۲۲ مراکز جامع سلامت روان بندر ترکمن مراجعه کردند. با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه مطالعه با روش نمونه‌گیری داوطلبانه در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه و خشونت خانگی به عنوان ابزار استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها هم از روش توصیفی و هم از MMPI های روش استنباطی استفاده شده است. به این ترتیب که در بخش یافته‌های توصیفی، جدول میانگین استفاده شد در آزمون استنباطی برای بررسی نتایج پژوهش از پیرسون استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان داد که؛ خشونت خانگی و اختلال افسردگی زنان رابطه معنادار وجود دارد. خشونت خانگی و ضعف روانی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که خشونت خانگی می‌تواند در تنظیم خلق نقش داشته و با میزان افسردگی و ضعف روانی در ارتباط باشد.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، افسردگی، ضعف روانی زنان شهرستان ترکمن.



تأثیر هزینه های بهداشت و درمان بر فقر کشور

محمد زروانی؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه علوم مدیریت خدمات بهداشتی

و درمانی، دانشکده ی پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

ریحانه تها؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران،

ایران

مقدمه: همیشه هزینه ها و بیماری ها با هم رابطه متقابل داشته اند. بیماری ها میتوانند موجب افزایش فقر در سطوح مختلف جامعه شوند. درآمد به شدت سلامت جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. این مطالعه با هدف بررسی هزینه های بهداشت و درمان، همچنین تأثیر فقر و وضعیت اقتصادی بر سلامت افراد جامعه انجام خواهد شد.

روش کار: مقاله به صورت مروری و نظام مند است که با توجه به کلید واژه های فقر، هزینه های بهداشت و با استفاده از موتورهای جستجوگر google scholar و pub med گردآوری شده است. روش گردآوری داده ها مطالعه اسنادی و کتابخانه ای است. به طوری که ۴۰ مقاله ی روز آمد در بازه ی زمانی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در مورد تأثیر فقر بر جامعه بررسی گردید که از بین مقاله های جستجو شده ۲۰ مقاله در مورد رابطه ی فقر بر سلامت افراد جامعه به عنوان اصلیت و جامعه آماری انتخاب شدند.

نتایج: بین درآمد و هزینه های بهداشتی و درمانی که فقر را باعث می شوند رابطه ی عکس وجود دارد. همچنین اگر در خانوار فردی معلول وجود داشته باشد تأثیر بسزایی در مقابله با فقر ناشی از هزینه های درمان نخواهد داشت. علاوه بر این وجود افراد بالای ۶۵ سال احتمال استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی را بالا خواهد برد و به طبع آن احتمال مواجهه با فقر نیز بالا خواهد رفت. مطالعات انجام شده نشان داد سرپرست خانوار زن احتمال ایجاد فقر ناشی از خدمات بهداشتی و درمانی را افزایش خواهد داد. در آخر هم میان میزان تحصیلات سرپرست خانوار و هزینه های بهداشتی منجر به فقر رابطه ی معکوسی وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایجی که بدست آمد باعث شد تا توجه سیاست گذاران به مخارج بیماری ها بیشتر جلب شود می توان سهم پرداختی توسط مردم را کم نمود، برای قشر آسیب پذیر مداخلات هدف مند را انجام داد و یا خدمات ارائه شده توسط بیمه ها را با بهبود بخشید.

واژه گان کلیدی: فقر، مخارج سلامت، پرداخت های سلامت، هزینه ی بیماری، فقرزایی



تأثیر الگوی توانمندسازی خانواده محور بر سبک زندگی و شاخص های توانمندی بیماران HIV مثبت مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز

نرگس کشتکار، دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

keshtkar_narges@yahoo.com

مقدمه: بیماران مبتلا به HIV در معرض مشکلات و نگرانی های متعدد قرار دارند و ماهیت بیماری ایجاب می نماید که این بیماران، برای ادامه زندگی آمادگی های لازم را کسب نمایند. در این راستا، توانمندسازی یکی از روش های کاربردی و کم هزینه می باشد. در این مطالعه به بررسی تأثیر الگوی توانمندسازی خانواده محور بر شاخص های توانمندی بیماران HIV مثبت مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز پرداخته شده است.

مواد و روشها: این کارآزمایی بالینی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است، پس از برگزاری آموزش جهت بیماران، به روش در دسترس، ابتدا گروه آزمون و سپس گروه کنترل انتخاب شدند. برای گروه آزمون الگوی توانمندسازی خانواده محور در چهار گام؛ تهدید درک شده، خودکارآمدی، عزت نفس و ارزشیابی، از طریق آموزش گروهی، حل مسئله گروهی و مشارکت آموزشی در طی ۵-۸ جلسه صورت گرفت و کارت های آموزشی و کتابچه آموزشی در اختیار موارد پژوهش و عضو فعال خانواده آن ها قرار گرفت. گروه کنترل مراقبت های رایج را دریافت کردند. شاخص های توانمندی (تهدید درک شده، خودکارآمدی و عزت نفس) بیماران قبل از مداخله و پس از مداخله و یک و نیم ماه بعد ارزیابی شد ولی در گروه کنترل مداخله ای انجام نگرفت. سپس داده ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزارهای پژوهش پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، سبک زندگی و چهار بعد توانمندسازی بودند. از آزمونهای آماری مجذور کای، فیشر، تی مستقل و من-ویننی برای تحلیل داده ها استفاده شد.

یافته ها: هر دو گروه آزمون و شاهد از نظر اطلاعات دموگرافیک همسان بودند. قبل از مداخله میانگین نمرات توانمندی در دو گروه در هر سه حیطه تهدید درک شده، خودکارآمدی و عزت نفس تفاوت معنادار نداشت اما پس از مداخله، در گروه آزمون در هر سه حیطه ارتقاء توانمندی به طور معنادار وجود داشت ($P < 0.05$) و ارتقاء توانمندی پس از یک و نیم ماه نه تنها پایدار بلکه افزایش نیز داشت.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته های این مطالعه، اجرای الگو و مجموعه تدابیر خود مراقبتی و آموزشی سازی که در الگوی توانمندسازی خانواده محور به کار می رود موجب بهبود شاخص های توانمندی در بیماران HIV مثبت می شود.

کلمات کلیدی: الگوی توانمندسازی خانواده محور، HIV، شاخص های توانمندی



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر توانمند سازی بیماران HIV مثبت در پیشگیری از مصرف مواد مخدر

نرگس کشتکار؛ دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

Email: keshtkar_narges@yahoo.com

مقدمه: میزان شیوع مصرف انواع مواد مخدر در میان معتادان تزریقی مبتلا به HIV مثبت رو به افزایش است. هدف این مطالعه تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر توانمند سازی بیماران HIV مثبت در پیشگیری از مصرف مواد مخدر است. **روش کار:** در این مطالعه نیمه تجربی از نوع شاهددار که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، ۲۵۰ بیمار مبتلا به HIV به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه ۱۲۵ نفره آزمون و کنترل تقسیم شدند. وسیله گردآوری اطلاعات پرسش نامه های استاندارد عزت نفس، مهارت حل مسئله، و خودکارآمدی و چک لیست رفتار پیشگیری از مصرف مواد مخدر بود. براساس نتایج حاصل از تکمیل اولیه پرسش نامه ها و چک لیست، مداخله مناسب طراحی و در گروه آزمون اجرا شد. یک ماه بعد از مداخله اطلاعات دو گروه جمع آوری و در نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: قبل از مداخله رفتار پیشگیری از مصرف مواد مخدر، میانگین نمره عزت نفس، خودکنترلی، خودکارآمدی و مهارت حل مسئله در بیماران دو گروه در حد متوسط بود و از این نظر تفاوت معنادار نداشتند. پس از مداخله میانگین نمرات عزت نفس، خودکنترلی ($P=0.004$) خودکارآمدی ($P=0.014$) و مهارت حل مسئله ($P=0.001$) در دو گروه تفاوت معنا دار نشان داد و میان رفتار پیشگیری از مصرف مواد مخدر در دو گروه اختلاف معنی دار مشاهده شد ($P=0.002$). **نتیجه گیری:** مداخله آموزشی با ارتقاء عزت نفس، خودکنترلی، خودکارآمدی و مهارت حل مسئله موجب توانمندی بیماران مورد بررسی برای پیشگیری از مصرف مواد مخدر می شود.

کلیدواژه ها: مواد مخدر، HIV، توانمند سازی، عزت نفس، خودکنترلی، خودکارآمدی، حل مسئله.



تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده در ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از بروز سل در بیماران HIV مثبت شهر اهواز

نرگس کشتکار؛ دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

Email: keshtkar_narges@yahoo.com

مقدمه: بروز سل از رایجترین مشکلات پزشکی در بیماران HIV مثبت است که به علت تغییرات ایجاد شده در بدن در دوران بیماری، بیماران HIV مثبت برای ابتلا به آن مستعدتر هستند. سل به دلیل عوارض بالقوه ای که می تواند بر بیمار و اطرافیان بیمار بگذارد، بسیار با اهمیت است. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده در ارتقا رفتارهای پیشگیری کننده از بروز سل در بیماران HIV مثبت شهر اهواز انجام شده است.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی بود که در آن ۳۰۰ نفر از بیماران HIV مثبت مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر اهواز به طور تصادفی به دو گروه مورد و شاهد تقسیم شدند. ابزار گرد آوری داده ها، آزمایش های خلط و پرسشنامه طراحی شده بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده بود که روایی و پایایی آن قبل از مطالعه تأیید شد. داده های اولیه ابتدا با آزمون های آماری من ویتنی و همبستگی اسپیرمن به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شدند و سپس محتوای آموزشی بر اساس آن طراحی و اجرا شد. سه ماه پس از مداخله آموزشی، آزمون ثانویه با همان پرسشنامه اولیه انجام و داده ها بار دیگر تحلیل شدند.

یافته ها: بعد از مداخله آموزشی، میانگین نمره سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده (نگرش، نرمهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری) در گروه مورد نسبت به گروه شاهد به طور معناداری افزایش داشت ($P < 0.05$). همچنین بعد از مداخله آموزشی میزان بروز سل در گروه مورد ۱/۸٪ و در گروه شاهد ۸٪ بود که این کاهش از لحاظ آماری معناداری بود ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: برنامه آموزش بهداشت طراحی شده مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده در ارتقا رفتارهای پیشگیری کننده از بروز سل مؤثر است. کنترل، پایش و پیگیری آموزشی در اجرای این برنامه ها توصیه می شود.

واژگان کلیدی: آموزش، نظریه، HIV، بروز سل



تأثیر آموزش مدیریت استرس بر اساس مدل بزنف بر ارتقاء رفتارهای بیماران مثبت HIV

نرگس کشتکار؛ دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

keshtkar_narges@yahoo.com

مقدمه: به دلیل نقش مهمی که استرس در تشدید بیماری HIV دارد، کنترل و مدیریت استرس در این بیماران ضروری است. هدف از این مطالعه ارزیابی تأثیر آموزش راهکارها و تکنیک‌های مدیریت استرس بر اساس مدل بزنف در ارتقاء رفتار بیماران HIV مثبت در این زمینه می‌باشد.

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی است، جامعه مورد بررسی ۳۵۰ نفر از بیماران HIV مثبت شهر اهواز بودند، که به صورت تصادفی در دو گروه مورد و شاهد قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه تنظیم شده براساس مدل بزنف بود. قبل از اجرای مداخله آموزشی، پرسشنامه برای هر دو گروه تکمیل شد و بیماران گروه مورد، برنامه آموزشی مطابق با مدل بزنف را به مدت ۳ جلسه دریافت کردند. در گروه شاهد مداخله صورت نگرفت. یک ماه پس از اتمام مداخله آموزشی در گروه مورد، هر دو گروه مجدداً پرسشنامه را تکمیل نمودند. در نهایت اطلاعات حاصل با استفاده از آزمون‌های آماری تی مستقل، کای دو و من ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که قبل از مداخله، عملکرد بیماران دو گروه مورد و شاهد در زمینه راهکارهای مدیریت استرس از جمله برنامه ریزی، پیاده روی، تغذیه مناسب و تکنیک‌های آرام سازی اختلاف معنی داری نداشتند. اما پس از مداخله آموزشی عملکرد بیماران گروه مورد به غیر از برنامه ریزی، نسبت به گروه شاهد به طور معنی داری افزایش یافت ($P < 0.003$).

نتیجه گیری: تدوین برنامه آموزشی بر اساس مدل بزنف در ارتقاء رفتارهای بیماران HIV در زمینه مدیریت استرس سودمند و اثربخش است.

کلیدواژه‌ها: HIV، مدیریت، استرس، بزنف



تأثیر " برنامه های کاهش آسیب " بر مشارکت بیماران HIV مثبت از رژیم دارویی رترو ویروسی در زندان های شهر اهواز

نرگس کشتکار؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

Email: keshtkar_narges@yahoo.com

شکرالله سلمانزاده؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

حمید عیبات؛ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

سابقه و هدف: شواهد داخلی و بین المللی نشان می دهد در صورت تداوم برنامه درمان نگه دارنده با داروهای آگونیست و نیز دریافت بموقع وسایل کاهش آسیب، این برنامه می تواند آسیب های شدید ناشی از بیماری را در زندانیان مبتلا کنترل نموده و روند آن را معکوس کند و مشارکت بیماران را در مصرف داروهای ضد رترو ویروسی افزایش دهد. هدف مطالعه حاضر بررسی میزان تأثیر " برنامه های کاهش آسیب " بر مشارکت بیماران HIV مثبت از رژیم دارویی رترو ویروسی در زندان های شهر اهواز بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نظر زمان نوع مقطعی، از نظر نتایج کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه بیماران HIV مثبت مستقر در زندان ها شهر اهواز که همزمان داروهای ضد رترو ویروسی و وسایل کاهش آسیب دریافت می کردند (N=75) می باشد و به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه ای شامل سه بخش بود: الف - مشخصات دموگرافیک ب - پرسشنامه داروهای ضد رترو ویروسی ج - پرسشنامه محقق ساخته دریافت وسایل کاهش آسیب. روش گردآوری اطلاعات میدانی بوده و برای آنالیز داده ها، از آمار توصیفی spss20 استفاده گردید.

یافته ها: در این مطالعه ۶۳ بیمار با توجه به دریافت وسایل کاهش آسیب نسبت به درمان پایبندی داشتند و ۱۲ بیمار علیرغم دریافت متادون و سایر وسایل کاهش آسیب نسبت به درمان پایبندی نداشتند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد برنامه کاهش آسیب (متادون درمانی، کاندوم، سرنگ و...)، و دریافت بموقع آنها خصوصا در زندانها می تواند نقش مهمی در مشارکت بیماران در مصرف داروهای ضد رترو ویروسی داشته باشد. سایر عواملی که به پایبندی به درمان ضد رترو ویروسی موثر بودند شامل: میزان حمایت اجتماعی، میزان تحصیلات، مدت حبس، سلامت روان (افسردگی)، تعداد قرص های در رژیم دارویی، عوامل اجتماعی و روانشناختی و ارتباط بین بیمار و پزشک و سایر عوامل زندان و... می باشد.

واژگان کلیدی: کاهش آسیب، HIV، رترو ویروسی، زندان



بررسی بار اختلالات افسردگی در جهان از سال ۱۹۹۰-۲۰۱۶؛ یک مطالعه طولی

حجت رحمانی: استادیار گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

سمیه نیاکان: استادیار گروه ارتوپدی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

رضا کریمی کلایه: کارشناس ارشد حوزه مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

قاسم رجبی واسوکلایی: دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

انجمن عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف: توسعه روز افزون کشور های جهان و تحولات بی سابقه ای که در ساختار اجتماعی آنها نظیر؛ رشد سریع جمعیت، افزایش شهر نشینی، صنعتی شدن صورت می پذیرد؛ روز به روز بر مشکلات روانی اجتماعی جوامع می افزاید و بیماری های روانی را در جامعه گسترش می دهد. لذا این مطالعه با هدف تبیین بار بیماری های افسردگی در جهان از سال ۱۹۹۰-۲۰۱۶ به انجام رسیده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه طولی و توصیفی می باشد. در این مطالعه کلیه کشور های جهان به تعداد ۱۹۵ کشور مورد تحلیل قرار گرفته اند. داده های مورد مطالعه از گروه داده های ثانویه انستیتوی سنجش و ارزشیابی سلامت و بررسی اسناد جهانی می باشد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار تحلیلی اکسل و پیرایش ۲۰۱۶ صورت پذیرفته است.

نتایج: بر اساس نتایج این مطالعه، در سال ۲۰۱۶، افسردگی مزمن در تمامی کشورهای جهان به غیر از ۴ کشور، در میان ۱۰ علت اول تهدیدکننده سلامت قرار دارد اما پیشرفتی در شیوع بیماری های اعصاب و روان از سال ۱۹۹۰ تاکنون مشاهده نشده است. در بین سال های ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۶، در مجموع تعداد ۹۹۹۱۷۲۰۹۸٫۱ تعداد سالهای زندگی با ناتوانی (DALY) ناشی از اختلالات افسردگی بوده است که این میزان از سال ۱۹۹۰ از تعداد ۲۹۵۰۳۴۸۵٫۰۹ به تعداد ۴۴۲۰۸۴۱۳٫۴۳ سال های زندگی با ناتوانی (DALY) در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. در ایران نیز این میزان از سال ۱۹۹۰؛ از ۳۸۵۴۲۶٫۶۱ به تعداد ۸۱۹۳۴۱٫۴۰ سال زندگی با ناتوانی (DALY) در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

نتیجه گیری: پر واضح است مسائلی چون شکاف درآمدی و فقر، افزایش نرخ بیکاری، جرم، تورم، محرومیت اجتماعی، تجربه جنگ، تحصیلات پایین و تبعیض ها و نابرابری های اجتماعی، عدم امنیت در جامعه از جمله عوامل اجتماعی و اقتصادی هستند که آثار قابل توجهی بر سلامت روانی افراد می گذارند. لذا پیشنهاد می شود، توسعه مشارکت بین بخشی (از جمله مشارکت مردم)، ایجاد و توسعه ظرفیت کشور ها در ارتقای سطح سواد سلامت روان و سرمایه گذاری در کاهش عوامل خطر ساز سلامت روان از اولویت های اصلی در برنامه ریزی و سیاست گذاری حوزه سلامت روان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: افسردگی، بار بیماری ها، تعداد سال های زندگی با ناتوانی (DALY)



بررسی وضعیت عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیمار در بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۶

حجت رحمانی: استادیار گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

سمیه نیاکان: استادیار گروه ارتوپدی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

رضا کریمی کلایه: کارشناس ارشد حوزه مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

قاسم رجبی واسوکلایی: دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. (*نویسنده مسئول)

انجمن عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، مرکز پژوهش های علمی دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف: برخورداری از خدمات بهداشتی درمانی با کیفیت حق اساسی همگانی می باشد. یکی از مهمترین مسائلی که در راستای بهره مندی از خدمات مطلوب در کلیه سطوح درمانی مهم تلقی می شود و تضمین کیفیت خدمات بهداشتی درمانی را در پی دارد، ایمنی بیمار می باشد. با عنایت به توضیحات فوق مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیمار و ارتباط آن با اطلاعات دموگرافیک به انجام رسید.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی، توصیفی - تحلیلی می باشد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش را پرستاران بیمارستان دانشگاه علوم پزشکی تهران تشکیل داده اند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه مطالعه تعداد ۳۶۰ نفر بوده است. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیماران می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار تحلیلی SPSS ویرایش ۲۴ و با بهره گیری از آزمون های توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است.

نتایج: بیشترین افراد مشارکت کننده در این مطالعه در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، در گروه جنسی زن، با سطح تحصیلات کارشناسی و شیفت کاری در گردش بوده اند. در بین ابعاد عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیماران بیشترین میانگین به میزان $4,38 \pm 0,801$ به بعد توجه به داروهای مشابه و کمترین میانگین به فعالیت های آموزشی مرتبط با ایمنی به میزان نمره میانگین $4,03 \pm 0,812$ بوده است. آزمون من ویتنی و کروسکال والیس نشان داد به ترتیب بین متغیر جنسیت و سن، وضعیت استخدامی و شیفت کاری با عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیمار ارتباط معنی داری مشاهده شده است.

نتیجه گیری: وضعیت عملکرد پرستاران در زمینه ایمنی بیمار در بیمارستان های علوم پزشکی تهران در سطح مطلوبی وجود دارد. برخورداری از اهداف شفاف و روشن، مشارکت پرستاران در زمینه تصمیم گیری، توجه به خلاقیت و خودکنترلی پرستاران، حمایت مدیران در زمان بحرانی، بهره مندی از سیستم پایش مداوم و ارزشیابی صحیح برخی از عواملی می باشد که سطح مطلوب ایمنی بیماران را مهیا نموده است.

واژگان کلیدی: ایمنی بیمار، عملکرد پرستار، کیفی



عوامل مولد و تثبیت کننده حاشیه نشینی

سید نوید محمدی چشمه گل؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. انجمن علمی پژوهشی مدیریت و اقتصاد سلامت، مرکز پژوهش های دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران Navidmohammadi847@gmail.com

مهسا روستا؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. انجمن علمی پژوهشی مدیریت و اقتصاد سلامت، مرکز پژوهش های دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: رشد شهرنشینی همراه با افزایش مهاجرت های روستا-شهری در ایران، بستر مساعدی برای شکل گیری مناطق حاشیه ای پیرامون بافت شهری فراهم نموده است. وقتی حاشیه نشینان خود را در بهبود موقعیت اقتصادی-اجتماعی ناتوان ببینند، نوعی حس محرومیت در آنها بوجود می آید که قسمتی از آن ناشی از بیکاری و شرایط مخاطره آمیز تغذیه و سلامت است؛ که این امر بیانگر بی عدالتی در بهره مندی از خدمات است. باگسترش شهرها و تبدیل آنها به کلان شهرها لزوم کنترل حاشیه نشینی و جلوگیری از گسترش آن بیش از پیش احساس می شود. هدف از این مطالعه بررسی علل حاشیه نشینی و همچنین تأثیرات آن بر تداوم و تشدید وضعیت نامناسب شغلی و امنیت غذایی حاشیه نشینان می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری-تحلیلی بصورت نظام مند می باشد. مقالات با استفاده از کلید واژه های انگلیسی marginalization , job security , food security , unemployment و همچنین کلید واژه های فارسی حاشیه نشینی، امنیت شغلی، امنیت غذایی، بیکاری و مهاجرت های روستایی در پایگاه های SID، magiran ، pubmed و موتور جست و جوگر google scholar جست و جو شده و تعداد ۱۰۷ مقاله یافت شد که ۱۶ مقاله با اعمال متغیر های روز آمد بودن، دسترسی به مقاله اصیل، توجه به قلمرو مکانی و زمانی مرتبط بوده و مورد مطالعه قرار گرفت.

نتایج: بررسی ها نشان می دهد که افراد حاشیه نشین از دو مبدا شهر یا روستا به حاشیه رانده میشوند؛ درمورد عامل مهاجرت روستاییان به شهر می توان سه گروه عمده از دلایل را در نظر گرفت. گروه اول مسائل اقتصادی است، عواملی همچون عدم اشتغال و پایین بودن سطح درآمد. گروه دوم، بلایای طبیعی (مانند خشکسالی یا سیل که موجب از دست دادن شغل برای کشاورزان یا دامداران میگردد). و سومین گروه، عدم برخورداری از خدمات مناسب بهداشتی، رفاهی، آموزشی و تفریحی است. امنیت غذایی نخستین امر برای حفظ سلامت حاشیه نشینان و از شاخص ترین حقوق اجتماعی و فرهنگی افراد به شمار می رود. سلامت، فقر و غذا بطور جدایی ناپذیری بهم پیوسته اند.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، امنیت شغلی، امنیت غذایی، بیکاری، *marginalization , job security, food security , unemployment*



تعیین الگو و توزیع واقعه مرگ بیماران اچ آی وی به روش داده کاوی در مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز، اهواز، ایران ۱۳۹۶-۱۳۶۱

نرگس کشتکار؛ دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
keshtkar_narges@yahoo.com

مقدمه: از دیرباز موضوع سلامت از اولویت های بشر بوده است و تلاش برای دستیابی به اندازه گیری آن کماکان نیازمندی دارد. بررسی وضعیت مرگ و میر در یک جمعیت بعنوان یکی از روش های مناسب تعیین سلامت مورد توجه بوده است گرچه بامشکلاتی از قبیل عدم اطمینان به صحت و کیفیت داده ها و روش جمع آوری آن روبرو بوده است. راه اندازی نظام های ثبت مرگ و میر با استفاده از کدهای بین المللی طبقه بندی بیماریها و ادغام اطلاعات مرگ و میر توسط سازمان های مسئول تا حد زیادی مشکلات قبلی را مرتفع ساخته است. پیشرفت های دهه اخیر در ارتباط با فن آوری های اطلاعات و نرم افزار کمک شایانی به بررسی های همه جانبه و کاملتر از داده های حجیم تولید شده بعمل آورده است و توانسته با استفاده از علوم گوناگون مثل آمار، کامپیوتر، یادگیری ماشین و ... به جستجوی دانش نهفته در داده ها رفته و علم نوینی را بنام داده کاوی بوجود آورد. با توجه به اینکه داده های مرگ و میر از حجم نسبتا بالایی برخوردار بوده و کاوش در متغیرهای متعدد ثبت شده آن با استفاده از داده کاوی می تواند ما را علاوه بر بررسی وضعیت ثبت داده های مرگ و میر از نظر کمی و کیفی، راه را برای مداخلات هدفدار برای تامین زیرساخت های لازم تصمیم گیری های حوزه سلامت هموار سازد. بنا براین بررسی داده های مرگ و میر مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز با استفاده از تکنولوژی داده کاوی یکی از اهداف مهم این مطالعه است.

روشها: این پژوهش بر پایه داده های گواهی فوت و بررسی مجدد پرونده های تمام افراد فوت شده توسط پزشک متبخر دیگر از فروردین ۱۳۶۱ تا پایان خردادماه ۱۳۹۶ در مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز انجام شده است. در مجموع پرونده ۲۲۵ نفر از بیماران HIV که در این مدت فوت شده بودند، بررسی شد. داده های ثبت شده بمدت ۳۵ سال از نرم افزار HIV و دفاتر ثبت مرگ مرکز مشاوره بیماری های رفتاری استان خوزستان استخراج شده و پس از مراحل آماده سازی داده ها و تبدیل به فرمت های لازم و با استفاده از نرم افزارهای داده کاوی رایج (WEKA) و نرم افزار OLAP cube میزان رکورد ثبت شده مرگ و میر در طی ۳۳ سال از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۶ به روش داده کاوی مراحل بصری سازی، خوشه بندی، طبقه بندی و ایجاد قوانین مرتبط برای تولید فرضیه مناسب انجام گردید تا وضعیت کمی و کیفی داده های ثبت مرگ مورد ارزیابی قرار گیرد.

یافته ها: نتایج بدست آمده در این بررسی در بصری سازی از تعداد کل رکورد اولیه مرگ و میر ۲۰۵ در مرکز مشاوره بیماری های رفتاری اهواز ثبت شده است. میانگین سن فوت شدگان ۴۲،۶ سال، میانگین سن در زنان ۴۵،۶ سال و میانگین سن در مردان ۳۹،۶ بود ($P < 0.01$) بیشترین علت مرگ بیماران HIV مثبت در گواهی فوت و بررسی مجدد پرونده پزشکی، بیماری سل ریوی اسمیر مثبت و سل خارج ریوی و نیز سیروز کبدی بترتیب با ۷۳،۶٪، ۷۰،۸٪ و ۶۸،۴ درصد بود. بالاترین میزان هم خوانی بین علل مرگ گواهی فوت و بررسی مجدد پرونده پزشکی، با استفاده از ضریب کاپا در مورد سل ریوی و خارج ریوی ($K=0.75$) و پس از آن سیروز کبدی ($K=0.71$) و پس از آن در ابتلا به سرطان ها ($K=0.69$) محاسبه شد. ($PS < 0.01$) کاپای میزان کلی بین دو روش ثبت علت مرگ ۰،۰۵۰ محاسبه شد. بیشترین تعداد مرگ در فاصله ساعات ۵،۳۰ تا ۷،۰۶ صبح و بعد از آن در فاصله ساعات ۸،۳۰ تا ۱۰ شب به ترتیب ۱۹،۳٪ و ۱۲،۹٪ اتفاق افتاد.

نتیجه گیری: اگرچه در این مطالعه با توجه به حجم بالای داده های ثبت شده، بصری سازی های انجام گرفته حاکی از روند طبیعی منحنی های مرگ و میر براساس علت مرگ و میر بود اما اختلالات ثبت داده های مرگ و میر در این مرحله خود را نشان می داد. روند اشکال در ثبت موارد مرگ در متغیرهای مختلف ثبت از یک رکورد مرگ و میر از یک طرف و درصد بالای موارد با علت نامعلوم مرگ و میر از طرف دیگر، شرایط لازم را برای ایجاد فرضیه مناسب برای مطالعات مرگ و میر را مخدوش ساخته است و زنگ خطر جدی را برای حل این مشکل با استفاده از راه اندازی نظام مراقبت مرگ و میر و استفاده از تکنولوژی بکار رفته در این مطالعه در سایر داده های سلامت به شدت تاکید می گردد.

واژگان کلیدی: توزیع مرگ، HIV، داده کاوی، ثبت فوت



بررسی ارتباط بین فشارخون و شاخص توده بدنی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد (سال ۹۲)

سارا مغاره دهکردی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

زهرا کریمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

الهام رفیعی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

مسعود لطفی زاده، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران - دانشیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

مقدمه: پرفشاری خون جزو شایع‌ترین اختلالات و عمده‌ترین مشکل سلامت عمومی است که عامل ۲۰ تا ۵۰ درصد از میزان مرگ و میر در جهان است. چاقی نیز یکی از عوامل مهم ایجاد دیابت نوع ۲، سرطان، بیماری قلبی و عروقی و استئوآرتریت می‌باشد که سهم عمده‌ای در هزینه‌های بهداشتی دارد، لذا ارتباط بین شاخص توده بدنی (به عنوان شاخص چاقی) و فشارخون که نقش مهمی در شیوع بیماری قلبی عروقی دارند در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین فشارخون و شاخص توده بدنی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد در سال ۹۲ انجام گرفت.

روش کار: مطالعه توصیفی-تحلیلی حاضر در سال ۱۳۹۲ بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد انجام گرفت که بر این اساس ۴۰۰ نفر دانشجو از تمام رشته‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۶ سال به صورت نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از تمام دانشکده‌ها انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که علاوه بر مشخصات فردی، خصوصیات مربوط به تاریخچه بیماری، سبک زندگی از جمله عادات غذایی و میزان فعالیت بدنی را ارزیابی میکرد، که اعتبار پرسشنامه با روش اعتبار محتوا و روایی و پایایی آن نیز مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور سنجش وزن دانشجویان از یک وزنه استاندارد و برای اندازه‌گیری قد آنان نیز از یک متر نواری استفاده شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه ۵۷ درصد دختر و بقیه پسر بودند. دانشجویان رشته پزشکی با ۱۹/۹ درصد بیشترین سهم را داشتند. بیشترین افراد مورد مطالعه دانشجویان مقطع کارشناسی با ۷۳/۶ درصد بوده‌اند. همچنین ۸۸/۹ درصد دانشجویان مورد مطالعه بومی استان چهارمحال و بختیاری بودند. فشارخون سیستول و دیاستول هر دو دست ارتباط مستقیم و معنی‌داری با سن داشت به طوری که با افزایش سن فشارخون افزایش می‌یابد ($P \leq 0/001$). همچنین فشارخون سیستولیک ارتباط معناداری را با جنس نشان داد و مشخص شد که در مردان بیشتر از زنان است. بررسی ارتباط بین شاخص توده بدنی و فشارخون نیز نشان داد که ارتباط مثبت و بسیار معناداری بین این دو پارامتر وجود دارد به نحوی که با افزایش میزان شاخص توده بدنی میزان فشارخون سیستول و دیاستول نیز افزایش می‌یابد ($P = 0/001$).

نتیجه‌گیری: اضافه وزن، چاقی و فشارخون بالا از مهم‌ترین مشکلات بهداشتی امروزه جامعه بشری هستند و با وجود اینکه اضافه وزن و چاقی در نظر مردم بیماری محسوب نمی‌شوند ولی این ریسک فاکتورها از دلایل و پیش‌زمینه‌های عمده بیماری‌ها، عامل مرگ و میر و کاهش امید به زندگی تعداد زیادی از افراد هستند. بنابراین ارزیابی میزان شیوع این عوامل خطر عمده در بین افراد جامعه، تلاش برای یافتن عوامل موثر بر آنها و یافتن راه حل‌های مناسب از جمله تغییر سبک زندگی، اصلاح الگوی مصرف و کاهش خطرات ناشی از زندگی شهرنشینی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: فشارخون بالا، شاخص توده بدنی، چاقی، دانشجویان



عوامل مرتبط با خود درمانی در بیماران دیابتی: مروری سیستماتیک

سارا مغاره دهکردی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

زهرا کریمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

مسعود لطفی زاده، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد،

ایران و دانشیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

مقدمه: یکی از رفتارهای پرخطر که شخص با استفاده از آن سعی میکند بیماری یا مشکلات خود را، بدون کمک و نظر افراد متخصص بر طرف نماید، خوددرمانی است. به دو صورت خوددرمانی وجود دارد: گاه به شکل مصرف داروهای شناخته شده و مجاز با عوارض جانبی کم و گاهی با استفاده از داروهایی با عوارض جانبی زیاد که فقط با نظر پزشک متخصص باید مصرف شوند. در عصر حاضر تعداد بیماران دیابتی رو به افزایش است و با توجه به اثرات منفی این بیماری بر ارگان های مختلف بدن، هدف از مطالعه حاضر مروری بر عوامل مرتبط با خوددرمانی در بیماران دیابتی می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که از طریق جست و جوی نظام مند مقالات موجود در پایگاه های معتبر از جمله SID, magiran Irandoc, با استفاده از کلید واژه های (خوددرمانی، دیابت، عوامل مرتبط) و در پایگاه های (google pubmed.scholar) با استفاده از کلیدواژه های (Diabetes, self curing, Related Factors) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ صورت گرفت.

یافته ها: تعداد ۱۶ مقاله پس از بررسی اولیه پیرامون موضوع، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد میزان شیوع خوددرمانی در بین دانشجویان و سالمندان بیشتر بوده که شدت خوددرمانی در این افراد بیشتر متوسط گزارش شده بود. توزیع جنسی خوددرمانی بیانگر آنست که زنان بیشتر سابقه خوددرمانی داشته اند. در بیشتر مطالعات خوددرمانی با نوع درمان و نوع دیابت افراد ارتباط معنی داری نداشت اما با جنس، وضعیت تاهل و تحصیلات ارتباط داشت. نداشتن وقت برای مراجعه به پزشک، اعتقاد به این که داروها عوارض قابل ملاحظه ای ندارند و فروش دارو بدون نسخه توسط داروخانه ها بعضی از عوامل موثر بر خوددرمانی و مصرف خود سرانه دارو بودند.

نتیجه گیری: افزایش آگاهی، تامین امکانات لازم، اصلاح شیوه ی زندگی افراد توجه به شیوع بیماری دیابت در ایران، جهت پیشگیری از عوارض دیابت قابل توجه است و چون خوددرمانی به ویژه به شکل مصرف خودسرانه ی دارو، بدون خطر نیست با توانمند نمودن بیماران دیابتی میتوان میزان خوددرمانی را کاهش داد.

واژگان کلیدی: خوددرمانی، دیابت، عوامل مرتبط



The role of self-care education in controlling diabetes and its complications

Zohreh Farrar, Student research committee, faculty of medicine, Bushehr University of medical sciences, Bushehr, Iran.

Introduction: The role of self-care cannot be denied on our life style nowadays. Noncommunicable diseases for instance diabetes, is responsible for many deaths worldwide. It is estimated that numerous cases of T2D would be prevented if there is enough educations and selfcare maintenance. Therefore sufficient training can prevent complications for diabetes. Aim of this study is to determine the role of self-care education in controlling diabetes and its complications.

Methods: This study is a review article with the use of systematic search in valid databases such as Sciencedirect, EBSCO, Proquest and PubMed which were done in 2018.

Findings: Many ways are suggested to be effective in shaping dietary habits, including media and education campaigns, comprehensive school- and work-based interventions. To develop such approaches, public health professionals could engage through with some suggested approaches: These educations include blood glucose monitoring, eating plan, physical activity and foot care, medication and follow up. Choosing the correct food sticking to a healthy eating pattern, keeping weight under control following. A healthy eating pattern during wedding ceremonies and parties and adjusting eating plan when feeling stressed or anxious is crucial. Examining their feet for cuts. Taking the medication as prescribed or maintaining the medication when they are ill. This acknowledgement procedure can be held in some sessions over a period of time containing definition of diabetes role of insulin teaching importance of diabetes control, long term effects of high blood glucose levels on vessels, eyes nervous system, kidney, heart, feet, role of diet, exercise and drugs in diabetes control (basics of an appropriate diet), training how to face cognitive deviations, benefits of regular exercising in diabetes control, introduction of beneficial sports, insulin changes during exercising, relation between duration and severity of exercising and blood glucose level control, alerting signs of hypoglycemia, important measures during hypoglycemia, training how to use blood and urine glucose level checking strips, muscles relaxation training and performance, training how to face cognitive deviation, introduction of different insulin types, manner and method of insulin preparation, mixing and injection, proper injection sites and times, common anti-diabetics drugs and their side effects, importance of feet sanitation, importance of oral health, relationship between diabetes and hypertension, proper methods of hypertension control, role of diet in it, diabetic prophylactic measures for other family members and use of supporting system.

Conclusion: It is found that patients who were trained, enhances glycemic control levels and corrects his wrong manners, frequency of blood glucose monitoring, and increases foot care. So this strategy can be used for the management of chronic illnesses such as diabetes. Any diabetic patient who takes care of himself and takes his health and nutrition issues seriously can have a better life without any complications.

Keywords: self-care, education, diabetes control, diabetes complications, prevention, training



اثر بخشی اجرای برنامه خود مراقبتی فردی و تربیت سفیران سلامت دانشجوی بر آگاهی دانشجویان در رابطه با سبک زندگی سالم

بهجت مرزبانی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

سارا شاه آبابی، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مدیر گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

بهناز مرزبانی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس سلامت خانواده، مرکز بهداشت کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

مقدمه: خود مراقبتی، یکی از ابعاد سبک زندگی سلامت محور است که به معنای پیروی از شیوه زندگی سالم به منظور پیشگیری از بیماریها میباشد. با توجه به اجرای برنامه خودمراقبتی فردی در نظام شبکه های بهداشت و تربیت سفیران سلامت دانشجوی، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اجرای برنامه خود مراقبتی فردی بر آگاهی سفیران سلامت دانشجوی در زمینه سبک زندگی سالم در استان کرمانشاه انجام گردید

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۷۱۸ نفر از سفیران سلامت دانشجوی استان کرمانشاه در سال ۱۹۳۱ انجام گردید، ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه های محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن سنجیده شده و مشتمل بر دو بخش مشخصات فردی و سوالات سبک زندگی سالم شامل: تغذیه، فعالیت فیزیکی، سلامت روانی و عدم استعمال دخانیات بود که قبل و بعد از مداخله آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. مداخله آموزشی با استفاده از روشهای آموزش مستقیم و غیرمستقیم انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss15 و آزمون آماری تی زوجی انجام گرفت.

یافته ها: میانگین سنی دانشجویان 23.3 ± 4.61 سال بود. 43% آنها مرد و 57% زن بودند. در این مطالعه میانگین نمره آگاهی دانشجویان قبل و بعد از مداخله آموزشی به ترتیب 25.31 ± 8.4 و 41.69 ± 8.58 بوده است. تفاوت آماری معناداری بین میانگین قبل و بعد از آموزش مشاهده گردید. بطوری که پس از مداخله آموزشی سطح آگاهی دانشجویان افزایش یافت ($P < 0.05$). (بر اساس میانگین نمرات آگاهی پس از اجرای مداخله $58/2$ درصد آگاهی بالا، $30/9$ درصد آگاهی خوب، $9/2$ درصد آگاهی متوسط و $1/4$ درصد آگاهی ضعیف داشتند.

نتیجه گیری: پژوهش حاضر نشان داد که برنامه خود مراقبتی فردی با محوریت اجرای آموزش سبک زندگی سالم موجب ارتقای آگاهی سفیران سلامت دانشجوی می شود. بنابراین می توان با اجرای برنامه های آموزشی سبک زندگی سالم به طرق مختلف موجب ارتقای آگاهی و کیفیت زندگی جوانان و افزایش سال های عمر فعال آنان شد.

واژگان کلیدی: سفیران سلامت، دانشجوی، خود مراقبتی، سبک زندگی سالم



خود مراقبتی و عوامل مرتبط با آن در بیماران دیابتی شهر کرمانشاه

زهرا پرویزی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران.
بهجت مرزبانی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

Haftenamebashir@gmail.com

مقدمه: دیابت بیماری مزمن و پیچیده ای است که خود مراقبتی فرایندی مهم در کنترل آن محسوب می شود و بر کیفیت بیماران اثر می گذارد. هدف این پژوهش بررسی وضعیت خودمراقبتی و عوامل موثر بر مح در بیماران مبتلا به دیابت ساکن شهر کرمانشاه بود.

روش کار: میانگین نمرات خود مراقبتی در بیماران (8.6 ± 7.47) و وضعیت خودمراقبتی در حد متوسط بود. کمترین میانگین نمرات رفتارهای خودمراقبتی مربوط به مراقبت عمومی از پاها (9.1 ± 9.1) بود. نوع درمان دریافتی و سبک زندگی بیماران به صورت معناداری متفاوت بود.

یافته ها: پژوهش حاضر از نوع مقطعی می باشد. نمونه پژوهش شامل ۱۰۰ نفر از بیماران مراجعه کننده به درمانگاه سارابی کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ بود. ابزار جمع آوری داده ها مقیاس توبرت گلاسکو بود که وضعیت خودمراقبتی بیماران را در زمینه های مختلف طی هفت روز گذشته مورد ارزیابی قرار می داد. داده ها با استفاده از آزمون تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه بود تجزیه و تحلیل گردید.

نتیجه گیری: به منظور ارتقاء سلامت بیماران دیابتی و کنترل مناسب بیماری برنامه های آموزشی با هدف توانمندسازی بیماران در زمینه مراقبت از خود باید مورد توجه واقع شود.

واژگان کلیدی: دیابت، خود مراقبتی، کیفیت زندگی



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر رفتار تغذیه ای دانش آموزان

بهجت مرزبانی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

زهرا زروشی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

بهناز مرزبانی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس سلامت خانواده، مرکز بهداشت کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

مقدمه: تغذیه سالم، یکی از مهمترین مسائل سلامتی در سنین مدرسه است. لذا با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر رفتار تغذیه ای در دانش آموزان سال اول دوره اول متوسطه در شهرستان روانسر کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ انجام گردید.

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۹۸ نفر از دانش آموزان سال اول دوره اول متوسطه در شهرستان روانسر کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ انجام گردید، ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای محقق ساخته که روایی و پایایی آن سنجیده شده و مشتمل بر دو بخش مشخصات فردی و سوالات وضعیت تغذیه ای شامل: خوردن صبحانه، مصرف میان وعده سالم و مصرف میوه و سبزی بود، که قبل و بعد از مداخله آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. مداخله آموزشی با استفاده از روشهای آموزش مستقیم و غیرمستقیم انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss15 و آزمون آماری تی زوجی انجام گرفت.

یافته ها: در این مطالعه میانگین نمره رفتار تغذیه ای دانش آموزان در خصوص خوردن صبحانه قبل از مداخله ۱۵۰ (۷۶ درصد) و بعد از مداخله آموزشی ۱۷۸ (۹۰ درصد) بود. تفاوت آماری معناداری بین میانگین قبل و بعد از مداخله آموزشی در خوردن صبحانه مشاهده گردید. بطوری که پس از مداخله آموزشی خوردن صبحانه در میان دانش آموزان به میزان ۱۴ درصد افزایش یافت ($P<0.05$). بر اساس میانگین نمرات خوردن میان وعده سالم قبل از مداخله ۴۰ (۲۰ درصد) و پس از اجرای مداخله ۷۷ نفر (۳۸/۸ درصد)، مصرف میوه و سبزی به میزان ۳ تا ۵ واحد در روز قبل از مداخله ۸۴ نفر (۴۲/۲ درصد) و پس از اجرای مداخله ۱۰۴ نفر (۵۲/۵ درصد) بود. در مجموع میانگین مصرف صبحانه، خوردن میان وعده سالم و مصرف میوه و سبزی پس از اجرای مداخله آموزشی افزایش یافت.

نتیجه گیری: پژوهش حاضر نشان داد که طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزشی موجب تغییر رفتار تغذیه ای در دانش آموزان می شود. بنابراین می توان با اجرای برنامه های آموزشی مناسب موجب ارتقای سطح سلامت دانش آموزان شد.

واژگان کلیدی: مداخله آموزشی، رفتار تغذیه ای، دانش آموزان



مدیریت کارآمد بیمارستان‌ها

معصومه حسن پور ثمرین، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

مقدمه: نقش بسیار موثر مدیریت بیمارستان در فرایند بکارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی به وسیله ابزارهایی از قبیل برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت برکسی پوشیده نیست. بکارگیری صحیح و منطقی منابع موجود در بیمارستان برای رسیدن به حداکثر بازده، کارایی بیمارستان را به میزان قابل توجهی افزایش خواهد داد. با عنایت به ارزش بالای اهداف بیمارستان‌ها در جهت افزایش کیفیت خدمات و ارتقا و اعاده سلامت به بیماران، توجه به مدیریت کارآمد و روبه رشد بیمارستان‌ها امری ضروری می باشد.

روش کار: مطالعه انجام شده یک پژوهش مروری نظام مند است که با استفاده از کلیدواژه های مدیریت کارآمد، مدیریت بیمارستان، مدیریت کارآمد بیمارستان و برای جستجو در پایگاه google scholar و سرچ در google استفاده شد. ضمن توجه به کارایی مقالات چهارمقاله مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته ها: محدودیت منابع مراقبت سلامت در بیمارستان‌ها توجه به ارتقای کارایی را به یک اولویت اصلی نظام سلامت تبدیل کرده است. مدیر بیمارستان که مجری کار در بیمارستان و نماینده و مسئول مستقیم هیات مدیره است، باید با برنامه ریزی کاهش هزینه ها را همواره با تداوم و تعادل در کیفیت خدمات ارایه شده تنظیم کند. از جمله عوامل افزایش کارایی در مدیریت بیمارستانها عبارتند از: شرکت در کمیته های بیمارستانی و نظارت بر آنها از جمله کمیته نگهداشت و تجهیزات، استخدام پرسنل توانمند، نظارت بر فعالیت روسای بخش ها و بررسی اهم شکایات، تامین امکانات رفاهی و برنامه آموزشی برای پرسنل، نظارت و بررسی درصد اشغال تخت، نسبت گردش تخت، متوسط اقامت بیمار و پیش بینی نیازهای بیمارستان در آینده با توجه به تغییر هرم سنی و تغییر روند بیماری ها و خدمات تخصصی مورد نیاز بیمارستان و ارایه بیشتر خدمات به صورت سرپایی.

نتیجه گیری: ارتقای کیفیت در مدیریت بیمارستان به وسیله اعمال مدیریت علمی و کارآمد و ارزیابی منطقی از داده ها و ستاده ها امکان پذیر خواهد بود. برای مدیریت شایسته بیمارستانها مدیریت بیمارستان باید بتواند پیش بینی های لازم را در رابطه با چگونگی کار در محیط های در حال تغییر راداشته باشد و مدیریت ضعیف در بیمارستان میتواند منجر به هدر رفت منابع شود.

واژگان کلیدی: مدیریت کارآمد، مدیریت بیمارستان، مدیریت کارآمد بیمارستان



تأثیر آموزش همسالان بر ارتقا سطح کیفیت زندگی زنان یائسه-یک مطالعه مروری

فاطمه هداوندسیری، دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی

Fatemeh.hadavand70@gmail.com

مقدمه: یائسگی یکی از مراحل طبیعی و مهم زندگی زنان است که مشخصه اصلی آن پایان باروری و قطع قاعدگی است. امروزه موضوع کیفیت زندگی مورد توجه روز افزونی قرار گرفته است به صورتی که برای بیان سلامتی افراد از آن استفاده می کنند، یائسگی نیز از جمله مسائلی است که بر روی کیفیت زندگی افراد تأثیر منفی می گذارد. از این رو توجه به کیفیت زندگی زنان یائسه می تواند سال های پایان باروری را به سال های مفید زندگی تبدیل نماید. یکی از راهکارهای ارائه شده مداخلات آموزشی از جمله آموزش همسالان است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر آموزش همسالان بر ارتقا کیفیت زندگی زنان یائسه است.

روش کار: اطلاعات مورد نظر از طریق جستجوی پایگاه های اطلاعاتی Google، MEDLINE و با استفاده از کلید واژه های یائسگی SID و scopes، MAGIRAN، IRANDOC، PubMed، Scholar کیفیت زندگی، آموزش همسالان به دست آمد. مطالعات حاصل بر اساس سن زنان، شاخص توده بدنی، فعالیت فیزیکی، عدم ابتلا به سایر بیماری ها فیلتر شدند. **یافته ها:** با توجه به مطالعات یافته شده مرتبط با موضوع، همسالان آموزش دیده با درگیر کردن همسالان خود-از راه هایی که پرسنل بهداشتی نمی توانند- با دیگر همسالان خود ارتباط برقرار کرده و اطلاعات را به طور مؤثری انتقال می دهند. در نتیجه کیفیت زندگی در زنان یائسه در هر ۴ بعد و ازوموتور، روحی روانی و اجتماعی، جسمی، جنسی تغییرات قابل توجهی خواهد داشت.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها، رویکرد آموزشی گروه همسالان از استراتژی های مؤثر تغییر رفتار است که در فعالیت های انجام شده از تمام حواس پنج گانه استفاده می شود، قدرت تفکر و خلاقیت افراد افزایش می یابد و مشارکت همه جانبه آنها در مراحل برنامه ریزی، اجرا و حتی ارزشیابی شیوه های آموزشی مشاهده می شود.

واژگان کلیدی: یائسگی، کیفیت زندگی، آموزش همسالان



بررسی درمان های مکمل و تاثیر آن بر علائم جسمانی و روانی در مبتلایان به سرطان

سیده مریم خلیلی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: سرطان پستان شایعترین و کشنده ترین سرطان در بین زنان است. این بیماری بر عملکرد جسمانی، روانی، تاثیر گذار است. مبتلایان به سرطان تحت درمان با طب متداول غالبا جهت کاهش عوارض جانبی بیماری و یا برای جلوگیری از متاستاز و ایجاد وقفه و گاهی برای بهبودی کامل به طب مکمل روی می آورند.

روش کار: پژوهش حاضر یک مقاله مروری است که با بررسی مقالات مرتبط از سال ۲۰۱۰ تاکنون در پایگاه های google scholar, pubmed, scopus, sciencedirect بدست آمده است.

یافته ها: بر طبق پژوهش ها برخی از روش های بکارگرفته در مبتلایان به سرطان پستان که بیشترین استفاده را داشتند عبارتند از: رفلکسولوژی، هیپنوتیزم، مشاوره گروهی، خنده درمانی، موسیقی درمانی و ورزش درمانی، که باتوجه به اختلاف در فرهنگ، قوم و ملیت و همچنین نگرش ها و عملکردهای پزشک، نحوه به کارگیری درمانهای مکمل متفاوت بود. نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که رفلکسولوژی و هیپنوتیزم در کاهش شدت و تکرار درد، اضطراب و تهوع موثر می باشد. همچنین تاثیرات مثبت خنده درمانی و موسیقی درمانی بر کاهش شدت خستگی، ورزش درمانی بر بهبود عملکرد جسمانی و تصویر بدنی مثبت بیمار از خود دیده شده است. بطور کلی کاربرد طب مکمل در این بیماران سبب کاهش علائم آزار دهنده جسمانی و روانی بوده است ولی در همه مطالعات تفاوت معنی داری در کاهش درد دیده نشد.

نتیجه گیری: علائم شایع ناشی از سرطان و درمان آن با کاربرد درمانهای مکمل بهبود می یابد. بنابراین از این طب میتوان بعنوان یک روش موثر، راحت و کم هزینه در مراکز انکولوژی به عنوان یک درمان تکمیلی در کنار درمان های پزشکی در بهبود علائم جسمانی و روانی مبتلایان به سرطان پستان سود جست.

واژگان کلیدی: طب مکمل، سرطان پستان، علائم جسمانی، علائم روانی



ارتباط بین انگیزه پیشرفت و فرسودگی تحصیلی و عوامل مؤثر بر آنها (مرور متون)

سارا شریفها زواره، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

یاسین عطار روشن، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Yasin.Attarroshan@gmail.com

مقدمه: فقدان انگیزه برای پیشرفت، سبب ایجاد اضطراب، افسردگی و بدبینی می‌شود که این عوامل نیز فرسودگی تحصیلی را به دنبال دارند و فرسودگی تحصیلی از مهم‌ترین علت‌های افت عملکرد تحصیلی می‌باشد. لذا این مطالعه با هدف مرور ارتباط بین انگیزه پیشرفت و فرسودگی تحصیلی و عوامل مؤثر بر آنها انجام شد.

روش کار: این مطالعه با استفاده از مقالات یافته شده با جستجو به وسیله کلید واژه‌های انگیزه، تحصیل، انگیزه پیشرفت و فرسودگی تحصیلی در پایگاه‌های اینترنتی گوگل اسکولار و مگ ایران تهیه شده و با مرور مقالات دارای ارتباط بیشتر با موضوع این مقاله نوشته شد.

یافته‌ها: وجود انگیزه، بیشترین نقش را در ارتباط با فرسودگی تحصیلی دارد. فرسودگی تحصیلی در میان دانشجویان سبب احساس عدم شایستگی و بی‌میلی نسبت به انجام تکالیف درسی می‌شود و عدم وجود میل و اشتیاق، کاهش کیفیت خدمات پرستاری و ترک این حرفه را به دنبال دارد و عواملی مانند علاقه به رشته پرستاری و معدل بالا، با انگیزه پیشرفت و فرسودگی تحصیلی در ارتباط هستند. همچنین سن و جنس با انگیزه پیشرفت ارتباط دارد به طوری که پیشرفت تحصیلی در دختران بیشتر از پسران می‌باشد.

نتیجه‌گیری: طبق اطلاعات به دست آمده در این مطالعه مروری پیشنهاد می‌شود که مسئولین محترم دانشکده‌های پرستاری، با برنامه‌ریزی اصولی و تقویت بنیه انگیزشی دانشجویان و هم‌چنین فرصت کار دانشجویی به خصوص به دانشجویان ترم‌های بالاتر به افزایش انگیزه و کاهش فرسودگی آنها کمک نمایند؛ همچنین جهت افزایش انگیزه دانشجویان اقدامات لازم جهت ارتقاء وجهه‌ی پرستاری در سطح مطلوب صورت گیرد.

واژگان کلیدی: انگیزه، تحصیل، انگیزه پیشرفت و فرسودگی تحصیلی



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر اضطراب مادران دارای کودک مبتلا به نارسایی قلبی، قبل و بعد از عمل جراحی مراجعه کنندگان به مرکز قلب شهید رجایی تهران در سال ۱۳۹۴

فاطمه زینال زاده برجلو

ابوالقاسم اصفیاء، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: ارتقای سلامت و تامین بهداشت روانی افراد جامعه یکی از ارکان مهم پیشرفت جوامع می باشد. هر چه قدر جامعه به سمت صنعتی شدن پیش برود، میزان اضطراب ها و استرس ها افزایش می یابد و افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی و در نهایت مبتلا به بیماری قلبی عروقی می شوند. تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر اضطراب مادران دارای کودک مبتلا به نارسایی قلبی واجد عمل جراحی مراجعه کننده به مرکز قلب شهید رجایی تهران در سال ۱۳۹۴ انجام گردید.

روش کار: این نوع پژوهش از نوع مطالعه مداخله ایی از نوع قبل و بعد می باشد. افراد مورد مطالعه مادران مراجعه کننده به بیمارستان قلب شهید رجایی تهران دارای کودکان مبتلا به نارسایی قلبی می باشند. روش گردآوری داده ها به صورت انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه بوده است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با نرم افزار آماری SPSS20 انجام شد.

یافته ها: عمده ترین یافته پژوهش تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر اضطراب مادران پس از آموزش ارائه شده است. به طوری که میانگین و انحراف معیار نمرات اضطراب قبل از آموزش برابر ۴۱/۲۹ و ۸/۱۸ بوده که بعد از آموزش به ۳۴/۶۵ و ۷/۹۵ کاهش یافته است. بعلاوه آزمون آماری تی تست نشان داد که این میزان کاهش در نمرات اضطراب از نظر آماری معنی دار بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه در این مطالعه فراوانی میزان اضطراب اکثر مادران قبل از آموزش بیشتر از این میزان پس از آموزش بود، پیشنهاد می گردد با انجام مداخله آموزشی در خصوص کاهش اضطراب و تهیه و توزیع پمفلت و بروشور می توان به ارتقا آگاهی و در نتیجه کاهش اضطراب در مادران دست یافت.

واژگان کلیدی: مادران، اضطراب، آموزش



ارتباط توانایی آینده پژوهی با کیفیت تجارب یادگیری دانشجویان

طاہرہ شریفی، دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: دانشجویان منابع انسانی آینده‌ی نظام سلامت بوده و توانایی آینده پژوهی آنان نیز به عنوان یکی از وظایف دانشگاه‌ها می‌تواند از طریق آموزش در طی سال‌های تحصیل بهبود یابد؛ لذا یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار بر آن کیفیت تجارب یادگیری است. از این رو پژوهشی با هدف تعیین ارتباط توانایی آینده پژوهی و کیفیت تجارب یادگیری در دانشجویان انجام شد.

روش کار: جامعه این مطالعه توصیفی - تحلیلی، کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بود. ۳۷۰ نفر از دانشجویان به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای وارد مطالعه شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های روا و پایایی توانایی آینده پژوهی پارسا و همکاران و کیفیت تجارب یادگیری Neuman بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه، رگرسیون چندگانه، و همبستگی اسپیرمن انجام شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد میانگین توانایی آینده پژوهی دانشجویان تحت مطالعه کمی بیشتر از حد متوسط (± 138.5) (24.5) و میانگین کیفیت تجارب یادگیری در حد متوسط (34.2 ± 7.1) بود. بین ابعاد آینده پژوهی و ابعاد کیفیت تجارب یادگیری همبستگی مستقیم و معناداری وجود داشت که شدت این ارتباط متوسط می‌باشد ($r > 0, P < 0.01$). **نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه؛ بهبود کیفیت در تجارب یادگیری می‌تواند موجب رشد توانایی آینده پژوهی دانشجویان شود، لذا ضروری است، فعالیت‌های متمرکز بر آینده در برنامه درسی دانشگاه‌ها گنجانده شود؛ همچنین اساتید نیز می‌توانند در روابط خود با دانشجویان بر نگرش و تمایل آنان از لحاظ پیش‌بینی و بررسی تحولات آینده تاثیر بیشتری بگذارند و به علاقمندی آنان به شناخت آینده بیافزایند.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، کیفیت تجارب یادگیری، دانشجویان.



ارتباط سواد سلامت با کیفیت زندگی در رابطین سلامت

طاہرہ شریفی، دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: PHC بعنوان یکی از مهمترین رخداد های تاریخی در عرضه خدمات سلامت، با هدف تحقق مشارکت مردمی مطرح می باشد و برای ارتقا سطح سلامت جامعه، استفاده از گروه های مردمی تحت عنوان رابطین سلامت ضرورت دارد لذا پژوهشی با هدف بررسی رابطه میان سواد سلامت و کیفیت زندگی رابطین سلامت انجام گردید.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه تحلیل از نوع مقطعی بود که جامعه آن، کلیه رابطین سلامت تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه در سال ۱۳۹۶ می باشد. ۱۸۰ نفر از رابطین با نمونه گیری تصادفی و از نوع طبقه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، شامل پرسشنامه های استاندارد کیفیت زندگی و استاندارد سواد سلامت بود. جهت آنالیز داده ها از آزمون های توصیفی و رگرسیون خطی چندگانه در نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

یافته ها: میانگین نمره سواد سلامت 76.32 ± 15.24 بدست آمد که ۱۵/۴ درصد مشارکت کنندگان، دارای سواد ناکافی، ۲۵/۲ درصد سواد مرزی و ۵۹/۴ درصد دارای سواد سلامت کافی بودند. از نظر ابعاد کیفیت زندگی، میانگین بعد جسمی کیفیت زندگی ۶۹/۹۴ با انحراف معیار ۱۴/۸۶، بعد روانی، 61.24 ± 16.42 ، بعد اجتماعی، 67.69 ± 21.99 ، حیطة محیطی 60.58 ± 19.72 و حیطة کلی 70.19 ± 17.64 بدست آمد. بین ابعاد کیفیت زندگی با سواد سلامت همبستگی معناداری دیده نمی شود.

نتیجه گیری: با عنایت به اینکه ارتقا کیفیت زندگی و سواد سلامت از هزینه های اجتماعی، روانی و مالی جامعه می کاهد، سطح سواد سلامت از طریق رسانه ها و کلاس ها یا فیلم های آموزشی، ساده کردن اطلاعات، مشارکت متخصصان آموزش بهداشت در طراحی برنامه های آموزشی مفید پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، کیفیت زندگی، رابطین سلامت



بررسی تاثیر برنامه آموزشی خود مراقبتی به روش چند رسانه ای بر کیفیت زندگی بیماران دچار سوختگی با استفاده از مدل منحنی رشد پنهان چندگانه

محمدرضا مهماندار، استادیار، دانشگاه علوم انتظامی امین، راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ، تهران، ایران

توفیق مبادری، کارشناسی ارشد آمار زیستی، راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ، تهران، ایران

محمد آریانا، کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ، تهران، ایران

احسان خلیلی، کارشناسی ارشد مهندسی برق، راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ، تهران، ایران

فاطمه محدث اردبیلی، مربی، کارشناسی ارشد پرستاری، گروه پرستاری داخلی-جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران ایران

مقدمه: سوختگی تمام جنبه‌های روحی، روانی، جسمی و اجتماعی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آمار سوختگی در ایران با جمعیت ۷۵ میلیون نفری، سالانه ۱۵۰ هزار نفر است. این نشان می‌دهد که سوختگی در کشور ما بسیار زیاد است. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتی چند رسانه‌ای بر ابعاد کیفیت زندگی بیماران دچار سوختگی با استفاده از مدل منحنی رشد پنهان چندگانه است. **روش کار:** این پژوهش یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده با ۲ گروه کنترل و مداخله است که با حجم نمونه ۱۰۰ نفر از بیماران سوختگی ۱۰ تا ۴۵ درصد در بیمارستان سوختگی شهید مطهری تهران اجرا شد. پنجاه نفر از بیماران علاوه بر آموزش‌های روتین، آموزش‌های خود مراقبتی یک بیمار سوخته را در یک سی دی آموزشی دریافت کردند. پرسشنامه کیفیت زندگی (BSHS-B) شامل حیطه‌های روانی، جسمی و اجتماعی در روز ترخیص و ۳ و ۶ ماه پس از ترخیص توسط بیماران تکمیل شد. سپس روند تغییرات میانگین نمره حیطه‌های کیفیت زندگی هر دو گروه طی ۶ ماه با استفاده از مدل منحنی رشد پنهان چندگانه بررسی و مقایسه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Mplus نسخه ۶/۱۲ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج مدل منحنی رشد پنهان چندگانه نشان داد که اگر چه روند تغییرات میانگین نمره هر دو گروه کنترل و مداخله در هر سه حیطه روانی، جسمی و اجتماعی صعودی است ولی بین شیب خط‌های گروه کنترل و مداخله اختلاف معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.05$). مقدار شیب خط‌های گروه مداخله در حیطه‌های روانی، جسمی و اجتماعی به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۸۸ و ۰/۵۹ برآورد شد. همین مقادیر برای گروه کنترل به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۸۸ و ۰/۵۹ برآورد شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که اگر چه کیفیت زندگی هر دو گروه مداخله و کنترل در طول مطالعه افزایش یافت، ولی شدت افزایش کیفیت زندگی گروه مداخله بسیار بیشتر از گروه کنترل است. بنابراین به تیم‌های درمانی، به ویژه به پرستاران و پزشکان توصیه می‌شود که جهت کاهش درد و آلام بیماران دچار سانحه سوختگی و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها از برنامه آموزشی خود مراقبتی به روش چند رسانه‌ای استفاده شود.

واژگان کلیدی: سوختگی، مدل منحنی رشد پنهان چندگانه، کارآزمایی تصادفی شده، آموزش چند رسانه‌ای



بررسی برابری در توزیع پزشک در استان آذربایجان شرقی: ۱۳۸۵-۱۳۹۳

منا بهمنی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
سوسن بدری، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
بهاره ویسی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
خلیل مومنی، استادیار گروه بهداشت عمومی - دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام
رقيه شهبازی، کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی علوم پزشکی تبریز

زمینه و اهداف: از مهم ترین دغدغه های نظام سلامت در جهان، خاصه کشورهای در حال توسعه مقوله برابری و عدالت است. هم چنین بحث برابری در توزیع منابع سلامت و تاثیر آن بر کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده سیاست گذاران نظام سلامت را به چالش کشیده و مباحث فراوانی پیرامون آن مطرح شده است. توزیع زیرساخت ها و منابع ورودی از قبیل تجهیزات و کادر پزشکی به خصوص پزشکان، باتوجه به نقش اساسی که در میزان اثر بخشی و کارایی خدمات بهداشتی و درمانی بر عهده دارند، آنان را به عنوان یکی از مهمترین عوامل در مدیریت تخصیص منابع قرار داده است. مطالعه حاضر به بررسی برابری در توزیع پزشک در استان آذربایجان شرقی می پردازد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی می باشد و شهرستان های استان آذربایجان شرقی جامعه پژوهش حاضر را شامل میشود. داده ها به روش کتابخانه ای و از طریق سامانه های مرکز آمار ایران جمع آوری شده است. شاخص نابرابری مورد بحث در این پژوهش ضریب جینی می باشد.

یافته ها: بر اساس نتایج به دست آمده از ضریب جینی نشان می دهد که بیشترین نابرابری در توزیع پزشک عمومی در سال ۱۳۸۵ با میزان ۰/۹۲۱۱۶۶۳۵۳ و بیشترین نابرابری در توزیع پزشک متخصص در ۱۳۸۹ به میزان ۰/۹۱۱۳۳۴۷۸۱ است. ضریب جینی از سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۳ برای پزشک عمومی به ترتیب برابر است با ۰/۹۲۱۱۶۶۳۵۳، ۰/۸۹۴۰۳۲۰۱، ۰/۸۸۵۹۸۷۸۲۵، ۰/۸۸۵۶۲۴۹۸۱، ۰/۸۹۱۰۸۸۴۳۷، ۰/۸۹۴۲۲۷۷۵۹، ۰/۸۹۳۵۳۳۹۳، ۰/۸۸۹۹۰۹۷۷۷، ۰/۸۹۰۰۳۷۰۸۶ و برای پزشک متخصص برابر است با ۰/۹۰۷۸۳۹۶۳۹، ۰/۹۰۶۳۶۶۲۴۴، ۰/۹۰۷۳۳۸۹۵۴، ۰/۹۰۵۷۱۹۴۳۸، ۰/۹۱۱۳۳۴۷۸۱، ۰/۹۰۴۱۹۱۵۲۶، ۰/۹۰۸۵۴۹۲۴۴، ۰/۹۰۶۳۹۵۸۴۵، ۰/۹۰۴۷۴۳۷۳۷ بوده است.

نتیجه گیری: طبق ضریب جینی پزشک عمومی و متخصص در استان آذربایجان شرقی در طی سال های مورد بررسی به صورت نابرابری توزیع شده است و ضروری است که مسئولین ذی ربط در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در حیطه توزیع برابر و عادلانه نیروی انسانی پزشک عمومی و متخصص اقدامات مناسب را اتخاذ نمایند.

کلید واژه ها: نابرابری، ضریب جینی، عدالت



آگاهی و نگرش مدیران بیمارستانهای آموزشی درمانی شهر تبریز در خصوص بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامت

معصومه قلی زاده، استادیار، قطب علمی و آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

علی جنتی، دانشیار، قطب علمی و آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

یلدا موسی زاده، دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، قطب علمی و آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

مهلقا صلحای کهنمویی، کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، قطب علمی و آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

محمد رضا نریمانی، کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، قطب علمی و آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

y.mousazadeh@yahoo.com

مقدمه: رسالت بیمارستان های ارتقا دهنده سلامت تغییر نگرش درمان محور به نگرش سلامت محور و ارتقا دهنده سلامت برای بیماران، کارکنان، مراجعین و کلیه آحاد جامعه می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان آگاهی و نگرش مدیران بیمارستانهای آموزشی درمانی شهر تبریز در خصوص بیمارستانهای ارتقادهنده سلامت طراحی و اجرا شده است.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. جمعیت مورد مطالعه شامل روسا و مدیران سطوح مختلف بیمارستانهای آموزشی درمانی شهر تبریز می باشد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود. بمنظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS 19، آمار توصیفی و آزمونهای تی تست، آنوا و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

یافته ها: آگاهی و نگرش مدیران به صورت معناداری در بیمارستانهای مورد مطالعه بالاتر از میانگین در نظر گرفته شده بود. همچنین بین آگاهی مدیران و نگرش آنان، رابطه معنی داری وجود داشت ($P<0/013$). نتایج تحلیل آنوا نیز نشان داد، بین میزان آگاهی مدیران دارای سابقه کار ۶ تا ۱۰ سال با مدیران دارای سابقه کار ۱۱ تا ۱۵ سال تفاوت معنی دار آماری وجود دارد ($P<0/01$).

نتیجه گیری: یافته های پژوهش نشان داد که آگاهی و نگرش مدیران در خصوص بیمارستانهای ارتقادهنده سلامتی در حد مطلوبی قرار دارد. این مساله می تواند زمینه ساز آگاه نمودن دیگر کارمندان و استقرار سیاست ارتقای سلامت در بیمارستانها شود. با توجه به آمادگی بیمارستانها، تعیین یک چارچوب و سیاست مشخص در سطح وزارت بهداشت به منظور استقرار بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامت ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامتی، آگاهی، نگرش، مدیران، بیمارستان



اولویت های مرکز بهداشت جنوب تهران بر پایه نیازسنجی سلامت جامعه

فاطمه رحیمی، کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
زهره صادقیان مهر، کارشناسی بهداشت عمومی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
فرحناز ثابتی، کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
آرامش غفاری، کارشناسی بهداشت عمومی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
زیبا ورشوچی، کارشناسی مامائی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
زهره سادات میرسعیدی، کارشناسی ارشد مامائی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
زهره حضرتی، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: نیازسنجی سلامت روشی است که در آن مشکلات بهداشتی مردم از نزدیک بررسی و شناسائی شده و برطبق معیارهایی اولویت بندی و جهت اجرا انتخاب می شوند. هدف از انجام مطالعه شناسایی نیازها و سنجش دقیق آنها طرح ریزی و اجرای برنامه های نیازسنجی با پیروی از یک طرح عملی مشخص و در نهایت بهبود کیفیت ارائه خدمات سلامت می باشد.

روش کار: این مطالعه در ۳۲ مرکز جامع سلامت جامعه، ۷۴ سلامت و ۴ خانه بهداشت تحت پوشش مرکز بهداشت جنوب تهران (مناطق ۱۷، ۱۶، ۱۱، ۱۰ و ۱۹) در دو سطح محیطی روستایی و شهری با مشارکت فعال اعضای تیم سلامت، مسوولین و معتمدین محلی و مردم محلی، بر اساس دستورالعمل واحدی که به دانشگاه های علوم پزشکی کشور از طرف وزارت بهداشت ابلاغ شده بود، طی ۳ ماه انجام شد.

یافته ها: جمع اولویت های سطوح محیطی نشان داد بالاترین نیازها در سطح مرکز بهداشت جنوب تهران مربوط به دو بیماری افسردگی و دیابت با فراوانی مشابه ۹۱/۸٪ و فشار خون ۸۹/۱٪ می باشد. اولویت های هر منطقه، همچنین هر مرکز جامعه سلامت پشتیبان حداقل سه اولویت به تفکیک مشخص شد.

نتیجه گیری: رسیدگی به مشکلات سلامت جامعه وظیفه هر نظام سلامت است ولی با توجه به محدودیت های منابع انسانی و مالی، برای دسترسی به بالاترین سطح پذیرش برنامه های بهداشتی توسط گروه هدف انجام نیازسنجی با مشارکت ذینفعان ضروری است. بر اساس نتایج، کلیه واحدهای مرکز بهداشت جنوب تهران با همکاری سطوح محیطی مداخلات رفتاری و غیر رفتاری مورد نیاز را تا پایان سال ۹۷ برنامه ریزی و اجرا می نمایند. اولویت هایی که قابلیت مداخله در سطح مرکز بهداشت و سطوح پایین تر را ندارند، به سطوح بالاتر ارجاع می شوند.

واژگان کلیدی: نیازسنجی، اولویت، سلامت



عوامل موثر بر سواد رسانه‌ای: مرور نظامند

سمیرا محمدی، دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

لیلا محمدی، دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی تکنولوژی نرم افزار، مؤسسه آموزش عالی زاگرس، کرمانشاه، ایران

زاهد رضایی، دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

علی رمضانخانی، استاد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: سواد رسانه‌ای به معنی توانایی و قدرت دسترسی، تحلیل، ارزیابی و انتقال اطلاعات و پیام‌های رسانه‌ای است. و یکی از مهمترین پدیده‌های عصر اطلاعات است که به مخاطب کمک می‌کند سطح اطلاعات و دانش خودش را بالا ببرد و با بینش و آگاهی لازم به تولید و تفسیر پیام‌ها بپردازد. مطالعه حاضر با هدف مروری بر متون پژوهشی ایران در مورد عوامل موثر بر سواد رسانه‌ای در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت.

روش کار: در بررسی نظامند حاضر کلید واژه‌های "سواد اطلاعاتی"، "سواد رسانه‌ای" و "آموزش رسانه‌ای" در عنوان، چکیده و کلید واژه‌های مقالات مورد جستجو قرار گرفت. در این مطالعه مقالات چاپ شده به زبان فارسی از پایگاه داده‌های الکترونیک و داخلی شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، بانک مقالات سلامت، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و گوگل اسکولار و بدون محدودیت زمانی استخراج شدند. مقالات استخراج شده با چک لیست ارزیابی کیفیت مقالات Strobe مورد بررسی قرار گرفتند. سپس داده‌های مورد نیاز از مقالات بررسی شده استخراج و نتایج آن گزارش شد.

یافته‌ها: در جستجوی اولیه مقالات ۵۸۳ مقاله یافت شد، که با حذف مقالات تکراری و حذف موارد غیر مرتبط در طی چندین مرحله، در نهایت ۱۱ مقاله مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات به دست آمده در قالب نمودار و جدول ارائه شد.

نتیجه گیری: از آنجایی که مهارت‌های سواد رسانه‌ای ذاتی نیست و نیازمند آموزش است، شناسایی عوامل موثر در پیشرفت سواد رسانه‌ای راهکار مناسبی در زمینه افزایش سواد رسانه‌ای است. بنابراین لازم است در برنامه‌های آموزشی، نسبت به الگوهای آموزشی با رویکرد توجه به عوامل تاثیرگذار بر سواد رسانه‌ای به توسعه‌ی این مهارت‌ها توجه ویژه‌ای شود.

واژگان کلیدی: سواد اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای، آموزش رسانه‌ای، مرور نظامند، ایران



کیفیت زندگی مصرف کنندگان مواد روانگردان در ایران

زاهد رضایی، دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

سمیرا محمدی، دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقت توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

بلال بهرامی، دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
ناصر قادری، دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

آرمان لطیفی، دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران

مقدمه: اعتیاد و سوء مصرف مواد یکی از پیچیده‌ترین مشکلات بهداشتی-درمانی و از معضلات جدی انسان می باشد که تمام جوامع کم و بیش با آن درگیر هستند و مشکلات جبران ناپذیری را باعث می‌شود. اولین گام در جهت پیشگیری و کاهش شیوع اعتیاد در جامعه و نیز کمک به افراد دارای سوء مصرف مواد، شناسایی وضعیت سلامت روانی و کیفیت زندگی آنهاست. بنابراین هدف از مطالعه حاضر بررسی وضعیت کیفیت زندگی زنان و مردان ایرانی با اختلالات سوء مصرف مواد است.

روش کار: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، از بین ۱۸۰۰ مرکز فعال درمان سرپایی سوء مصرف مواد در تهران، افراد دارای معیارهای پژوهش انتخاب شد. از این مراکز ۶۰۰ نفر وارد مطالعه شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی (SF36) جمع‌آوری شد. جهت تجزیه و تحلیل نتایج با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS از آمارهای توصیفی و تی تست مستقل استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره کسب‌شده در ابعاد سلامت عمومی، عملکرد جسمانی، درد و احساس نشاط در مردان بیشتر از زنان مورد مطالعه بود؛ اما در ابعاد محدودیت عملکرد به علت مشکلات جسمانی، محدودیت عملکرد به علت مشکلات عاطفی، عملکرد اجتماعی و سلامت روانی نمره کسب‌شده‌ی زنان بیشتر از مردان بود. قابل ذکر است که در تمام ابعاد کیفیت زندگی به جز بعد احساس نشاط، این اختلاف میانگین نمره کسب‌شده بین زنان و مردان از نظر آماری معنادار بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، کیفیت زندگی واحدهای مورد پژوهش مطلوب نبوده و می‌تواند مستعد اختلالات دیگر باشند. بنابراین توجه ویژه مسئولین به این گروه ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، سوء مصرف مواد، سلامت روان، تهران



نقش خانه‌های هوشمند در خود مراقبتی

مرضیه کردی، دانشجوی فن آوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

علیرضا کردی، دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مقدمه: امروزه حرکت الگوی پراکندگی بیماری‌ها از بیماری‌های عفونی به مزمن باعث تغییر نیاز بیماران از مراقبت‌های کوتاه مدت به بلند مدت شده است و این مساله می‌تواند موجب به تغییر محل ارائه خدمات سلامت از بیمارستان به خانه‌ی بیمار شود. از سوی دیگر توسعه فن آوری موجب فراهم آوردن امکانات مدرنی شده است که می‌توانند مدیریت سلامت و بیماری را تحت تاثیر خود قرار دهند. از این رو، نظام سلامت همواره در تلاش است تا در استفاده از فن آوری‌های نوین پیشرو باشد؛ چرا که بسیاری از فن آوری‌های نوآورانه که پای به عرصه‌ی نظام سلامت نهاده اند، توانسته اند بسیاری از چالش‌های نظام سلامت را بهبود بخشند. از میان فن آوری‌های نوین، می‌توان به فن آوری‌های خانه‌ی هوشمند اشاره نمود. اصطلاح "خانه هوشمند" به یک محل اقامت اشاره دارد که مجهز به فن آوری‌های الکترونیکی است که قادر است داده‌های فیزیولوژیکی، مکانی یا حرکتی ساکنین در خانه را جمع آوری و به اشتراک بگذارد و در نتیجه موجب تشخیص زود هنگام بیماری شود و همچنین با استفاده از فن آوری‌های خارق العاده موجود در این خانه‌ها موجب به افزایش انگیزه در بیماران برای انجام فعالیت‌های خود مراقبتی شود. لذا این مطالعه، با هدف تعیین نقش خانه‌های هوشمند در خود مراقبتی انجام شده است.

روش کار: این مقاله، نوعی مطالعه مروری نقلی بوده است که از طریق جست‌وجوی کلمات کلیدی همچون "Smart home"، "Self care" در بانک‌های اطلاعاتی معتبر همچون Scopus, Cochrane, Web of science, Pub Med با اعمال زبان ورودی انگلیسی و بدون محدودیت زمانی انجام شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از بررسی مطالعات نشان داد که پیشرفت‌های اخیر در طراحی فن آوری‌های خانه‌های هوشمند امکاناتی را برای افزایش نظارت بر بیماران، افزایش کیفیت زندگی، افزایش انگیزه در بیماران برای انجام خود مراقبتی و جلوگیری از شرایط اضطراری پدید می‌آورند.

نتیجه گیری: استفاده از فن آوری‌های خانه‌های هوشمند می‌تواند به عنوان یک سیاست راهبردی برای ارتقا مراقبت از بیماران و افزایش انگیزه در بیماران برای انجام خود مراقبتی مطرح گردد؛ لذا لازم است برنامه‌ریزی‌های مناسبی در خصوص ایجاد آمادگی در بیماران و سیاست‌گذاران عرصه‌ی سلامت صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: خانه‌های هوشمند، خود مراقبتی، نظارت بر بیماران



بررسی شیوع افسردگی و راهکارهای کاهش آن در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس؛ مرور سیستماتیک

اسما بابایانی؛ دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران،

ساری، ایران

مرضیه مرادی

مقدمه: بیماری مولتیپل اسکلروزیس (MS) یک بیماری مزمن پیشرونده و تخریب کننده میلین سیستم عصبی مرکزی می باشد که عملکرد حسی و حرکتی را تحت تاثیر قرار می دهد. افسردگی شایع ترین اختلال در بیماران مبتلا به MS است. از علائم افسردگی می توان به خلق افسرده، کاهش اشتها، اختلال در کارکرد اجتماعی، احساس بی ارزشی، ناتوانی در انجام کارها، افکار خودکشی اشاره کرد. خطر خودکشی در بیماران MS ۷٪ برابر بیشتر از جمعیت عادی است. لذا این پژوهش با هدف تعیین میزان شیوع افسردگی و راهکارهای کاهش آن در بیماران MS انجام شده است.

روش کار: این پژوهش از نوع مروری بوده و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی علمی انگلیسی زبان مانند PubMed و ScienceDirect و نیز پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان شامل Google scholar، Magiran، SID، elmnet، کید واژه های شیوع، افسردگی، مولتیپل اسکلروزیس بدون محدودیت زمانی تا پایان سال ۲۰۱۴ صورت گرفته است. در مجموع ۷۳ مقاله به دست آمده که ۳۰ مقاله انتخاب و بررسی شد.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که حدود ۶۰-۵۰ درصد بیماران مبتلا به MS از افسردگی و حدود ۴۰-۳۷ درصد نیز از اضطراب رنج می برند. اجرای برنامه ی آموزشی همتا محور، درمان شناختی-رفتاری مد یریت استرس، درمان شناختی مبتنی بر حضور ذهن، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، توانبخشی روانی به شیوه ی Dohsa-hou، تخلیه ی هیجانی با نوشتن، تکنیک آرام سازی پیشرونده ی عضلانی، تکنیک مرور خویشتن، تکنیک تن آرامی، آموزش ایمن سازی در مقابل استرس، هشت هفته تمرینات پیلاتس، تمرینات مقاومتی پیش رونده، تمرینات هوازی، تمرینات Frankel و Swiss ball، آب درمانی، تصویر سازی ذهنی، خنده درمانی، امید درمانی، موسیقی درمانی، رفتار درمانی دیالکتیکی، حمایت اجتماعی، گروه درمانی به شیوه ی معنادرمانی و به شیوه ی عقلانی-عاطفی-رفتاری با کاهش افسردگی رابطه ی مثبت و معناداری دارد. در خصوص تمرینات نوروماسکولار و تمرینات یوگا اطلاعات ضدو نقیض مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع نسبتا بالای افسردگی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس و نتایج مثبت مطالعات برنامه های تمرینی ارائه شده، تشخیص سریع و دقیق مشکلات روان پزشکی و آموزش روش های کنترل و پیشگیری از افسردگی به منظور کاهش افسردگی توصیه می شود.



اثربخشی برنامه مداخله‌ای مدیریت استرس بر احساس پیوستگی تیپ شخصیتی D در مراجعین به مراکز مشاوره اهواز در سال ۱۳۹۶

فاطمه بشیر خباز؛ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اهواز

مقدمه: هدف از این مطالعه بررسی اثربخشی آموزش مدیریت استرس بر احساس پیوستگی در افراد تیپ شخصیتی D بود. **روش کار:** جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه افراد دارای تیپ D مراجعه کننده مراکز مشاوره شهر اهواز در دو ماه اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۹۶ بود. نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از مراجعه کنندگان به دو مرکز مشاوره اهواز بودند که به روش تصادفی چند مرحله‌ای از بین کلیه مراکز مشاوره اهواز انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از مقیاس تیپ شخصیتی D (DS-14- 1998)، و مقیاس احساس پیوستگی (انسجام) فلنسبرگ (۲۰۰۶). طرح پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری با گروه کنترل بوده است. ابتدا برای هر دو گروه آزمایشی و کنترل پیش‌آزمون اجرا و سپس مداخله آزمایشی (مدیریت استرس) به عنوان متغیر مستقل که در ده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمایش اجرا گردید و پس از پایان برنامه مداخله‌ای مدیریت استرس، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد. سپس داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس چند متغیری (مانکووا) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش مهارت کنترل استرس بر روی احساس پیوستگی و هیجان‌پذیری مراجعه کنندگان مراکز مشاوره شهر اهواز مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: احساس پیوستگی، مدیریت استرس، تیپ شخصیتی D



بررسی مروری وضعیت سواد سلامت گروه‌های مختلف جمعیتی در ایران

مینا رحیم زاده ثانی

مقدمه: مهارت‌های شناختی و اجتماعی که تعیین کننده توانایی و انگیزه افراد برای دسترسی و به دست آوردن اطلاعات، درک و استفاده از اطلاعات برای ارتقاء و حفظ سلامتی، به عنوان سواد سلامت تعریف می شود. ظرفیت یک فرد جزء مهم و اساسی سواد سلامت است، که کیفیت آن با فرهنگ، زبان و گروه‌های جمعیتی مرتبط است. سواد سلامت موضوعی از جنبه‌های ارزیابی جامعه است که نتایج بررسی و تعیین عوامل موثر بر آن می تواند به عنوان ابزاری قابل اعتماد برای برنامه ریزان و متولیان سلامت باشد به همین دلیل یک مطالعه مروری لازم به نظر می رسد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری است. با جستجوی کلید واژه‌های سواد سلامت، Health literacy، Health literacy IRAN، در عنوان مقالات و چکیده مقالات چاپ شده در پایگاه‌های علمی معتبر ایرانی و بین‌المللی ISI، PubMed، Google Scholar تعداد ۴۳ مقاله به دست آمد و با حذف موارد تکراری و غیر مرتبط در نهایت ۲۳ مقاله برای بررسی انتخاب شدند.

یافته‌ها: سواد سلامت در زنان باردار، سالمندان، والدین کودکان دبستانی، بیماران، کارگران، بزرگسالان شهرها و جمعیت‌های مختلف بسیار ناکافی گزارش شده است که میتواند مانع از درک صحیح توصیه‌های بهداشتی گردد. همچنین بین سواد سلامت و مدرک تحصیلی، شغل، جنسیت، سن و درآمد رابطه معنی داری مشاهده شده است.

نتیجه‌گیری: سواد سلامت در ایران در سطح نامطلوبی قرار دارد و در گروه‌های جمعیتی بررسی شده، زنان خانه‌دار روستایی، بیکاران، افراد ۵۵ سال به بالا، افراد با سال‌های تحصیلی ۵ تا ۱۵ سال، افراد کم درآمد، کمترین سطح سواد سلامت را داشتند. افراد بیشترین اطلاعات سلامت خود را از رادیو و تلویزیون و کارمندان بهداشتی درمانی و به طور کلی از رسانه‌های غیر نوشتاری دریافت می کنند. می‌توان با آموزش ساده و قابل درک به این گروه از جمعیت برای بهبود سطح سواد سلامت گامی موثر برداشت.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، سواد سلامت ایران، گروه‌های جمعیتی



Predicting the Beliefs and Behavior of Sporting healthcare workers with Chronic Low Back Pain

حسین دلشاد؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، کارشناس مسئول گروه هماهنگی و گسترش شبکه بهداشت و درمان شمیرانات تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

h.delshad@modares.ac.ir

فاطمه پورحاجی؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، کارشناس مسئول آموزش بهداشت شبکه بهداشت و درمان پردیس تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

Fatemehpourhaji@modares.ac.ir

علیرضا حیدر نیا؛ استاد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران hidarnia@modares.ac.ir

Introduction: One approach to face with Chronic Low Back Pain is exercise behavior. The aim of this study was to assess the factors which predict the behavior of exercise among healthcare workers Chronic Low Back Pain in Tehran, Iran.

Methods: This descriptive study conducted on 100 eligible healthcare workers suffering from chronic low back pain. A socio-demographic questionnaire, as well as a questionnaire regarding exercise behavior based on Theory of Reasoned Action, was used to collect data. Data were inserted into SPSS 16 and analyzed using Linear Regression analysis.

Results: Totally 100 individuals with mean age of 44.12 ± 7.9 years. The results showed the attitudes towards to the behavior was predictive ($P < 0.001$). However, subjective norm was not predictor for intention to doing exercise behavior ($P = 0.042$). This study showed intention was predictor for doing exercise behavior ($P = 0.042$).

Conclusion: The intentions and beliefs of health care workers who improve their pain due to chronic low back pain due to regular exercise behaviors.

Keywords: Regular exercise, exercise behavior, Chronic Low Back Pain, Theory of Reasoned Action



The effects of an educational program on beliefs and exercise behavior of chronic low back pain healthcare workers

Introduction: Regular exercise has a potential effect on the prevention management of Chronic Low Back Pain. This study aimed to explore the effectiveness of an education program on beliefs and exercise behavior of healthcare workers with Chronic Low Back Pain

Methods: This study was a randomized clinical trial research conducted on healthcare workers suffering from chronic low back pain. 100 eligible healthcare workers were selected and divided into two groups of intervention (N=50) who received educational program based on predictor constructs of Theory of Reasoned Action , to change their beliefs and behavior regarding exercise plus physician visits and the control group who received just physician visits (N=50). The data were entered into the SPSS version 16 and analyzed through descriptive tests and Repeated Measure ANOVA.

Results: Totally 92 healthcare workers with chronic low back pain including 44 healthcare workers with mean age of 44.12 ± 7.9 in intervention group and 48 healthcare workers with mean age of 42.03 ± 4.34 in control group were assessed. The results show behavioral beliefs and beliefs of the studied healthcare workers regarding evaluation of exercise outcomes in Chronic Low Back Pain were changed significantly ($P < 0.001$). Furthermore, normative beliefs of the healthcare workers and their beliefs due to comply with social norms in intervention group were improved in comparison with control group ($P < 0.001$).

Conclusion: The results of this study can help researchers plan appropriate training programs that can improve regular exercise behavior, which can be a useful strategy used by health care workers to manage chronic lower back pain.

Keywords: Regular exercise, Chronic Low Back Pain, Theory of Reasoned Action



پیش بینی عوامل موثر بر رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت ناشی از مراقبت های بهداشتی کارکنان خدمات جامع سلامت تهران براساس تئوری انگیزش محافظت

حسین دلشاد؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، کارشناس مسئول گروه هماهنگی و گسترش شبکه بهداشت و درمان شمیرانات تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
h.delshad@modares.ac.ir

فاطمه پورحاجی؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، کارشناس مسئول آموزش بهداشت شبکه بهداشت و درمان پردیس تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

علیرضا حیدر نیا، استاد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
hidarnia@modares.ac.ir

مقدمه: احتیاطات استاندارد، استراتژی مهم پیشگیری از مواجهات شغلی در کارکنان خدمات جامع سلامت می باشد. عفونت های ناشی از مراقبت های بهداشتی روز به روز اهمیت بیشتری یافته و نظام سلامت کشورها را به چالشی جدی فرا می خواند. لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل پیش بینی کننده رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت بر اساس تئوری انگیزش محافظت انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی- تحلیلی انجام شد. پرسشنامه بین ۳۳۸ نفر از کارکنان مراکز خدمات جامع سلامت که به صورت طبقه ای از ۱۰ شبکه / مرکز بهداشت انتخاب شده بودند توزیع و به صورت خود گزارشی تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار spss19 و آزمون های آماری تی مستقل، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره سن واحدهای پژوهش $42 \pm 34/4$ بود. میانگین نمره آگاهی نمونه ها در مورد احتیاطات استاندارد کنترل عفونت $(22/65 \pm 10/12)$ در حد ضعیف بود و میانگین نمره رفتار مرتبط با رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت نمونه ها در حد متوسط $(36/02 \pm 4/85)$ بود. بین نمرات آگاهی و رفتار ارتباط معناداری وجود نداشت $(P < 0/05)$ بین سازه های حساسیت درک شده و شدت درک شده و رفتار ارتباط معنی دار وجود داشت $(P > 0/05)$ و بین نگرش و آگاهی ارتباط معنی دار بود $(P = 0/006)$ ولی نتایج آنالیز رگرسیون خطی معنی دار نبود $(P < 0/05)$.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه با تقویت سازه های حساسیت و شدت درک شده می توان بهبود رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت را در کارکنان خدمات جامع سلامت انتظار داشت.

واژگان کلیدی: رعایت احتیاطات استاندارد، کنترل عفونت، کارکنان مراکز خدمات جامع سلامت، نگرش، عفونت ناشی از مراقبت های بهداشتی



تأثیر مداخله روانشناختی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت در بهبود رعایت احتیاطات استاندارد

حسین دلشاد؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، کارشناس مسئول گروه هماهنگی و گسترش شبکه بهداشت و درمان شمیرانات تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
h.delshad@modares.ac.ir

فاطمه پورحاجی؛ دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، کارشناس مسئول آموزش بهداشت شبکه بهداشت و درمان پردیس تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

علیرضا حیدر نیا، استاد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
hidarnia@modares.ac.ir

مقدمه: احتیاطات استاندارد، راهبرد کاربردی برای پیشگیری از مواجهات شغلی در کارکنان خدمات جامع سلامت می باشد. عفونت های ناشی از مراقبت های بهداشتی یکی از مشکلات مهم سلامت است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر مداخله روانشناختی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت بر نگرش و رفتار مرتبط با رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت انجام شد. **روش کار:** این مطالعه به صورت نیمه تجربی طی دو مرحله انجام شد. ابتدا برای تعیین قدرت پیش بینی کنندگی تئوری انگیزش محافظت، پرسشنامه بین ۳۳۸ نفر از کارکنان مراکز خدمات جامع سلامت که به صورت طبقه ای از ۱۰ شبکه / مرکز بهداشت انتخاب شده بودند توزیع گردید. سپس یک شبکه بهداشت به تصادف انتخاب و ۴۲ نفر از دو مرکز خدمات جامع سلامت تابعه آن به عنوان گروه آزمون و کنترل در نظر گرفته شد. برنامه آموزشی جهت گروه آزمون طی ۴ جلسه اجرا گردید و در گروه کنترل، مداخله ای انجام نشد. ۳ ماه بعد، مجدداً پرسشنامه مذکور توسط افراد هر دو گروه، تکمیل و نتایج بدست آمده مقایسه شد. داده ها با استفاده از نرم افزار spss19 و آزمون های آماری تی مستقل و تی زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره سن واحدهای پژوهش $35/4 \pm 6/2$ بود. آزمون t زوجی نشان داد نمره آگاهی بعد نسبت به قبل از آموزش در گروه آزمون افزایش یافته بود ($p < 0/001$ و $t = 5/6$)، در رابطه با عقاید بهداشتی، میانگین نمره شدت درک شده $24/2 \pm 3/0$ و میانگین حساسیت درک شده افراد $20/8 \pm 1/2$ بدست آمد. نتیجه آزمون t زوجی نشان داد امتیاز نگرش بعد از آموزش در گروه تجربی افزایش یافته و با امتیاز قبل از آموزش اختلاف معنا دار دارد ($p = 0/02$ و $t = 3/2$)، میزان رفتار مرتبط با رعایت احتیاطات استاندارد کنترل عفونت در شرکت کنندگان گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل بالاتر بود.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که تئوری انگیزش محافظت الگوی کاربردی در مدیریت آموزش سلامت جهت ترغیب رفتارهای مربوط به سلامتی است.

واژگان کلیدی: مداخله روانشناختی، رعایت احتیاطات استاندارد، کنترل عفونت، کارکنان مراکز خدمات جامع سلامت، نگرش



فراوانی استفاده از آنتی بیوتیک آموکسی سیلین در خود درمانی با آنتی بیوتیک در بین دانشجویان پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تهران

مسعود قنبری بروجنی، محمدجواد نصیری

مقدمه: با توجه به شیوع خوددرمانی با آنتی بیوتیک ها در جامعه و به ویژه در بین دانشجویان پزشکی و اثرات این پدیده بر گسترش مقاومت میکروب ها نسبت به آنتی بیوتیک ها در جامعه، لازم است انواع آنتی بیوتیک هایی که توسط جامعه هدف مورد خورد درمانی قرار میگیرند مشخص شود تا راهکار های کنترل و کاهش این پدیده به درستی تبیین و اتخاذ گردد. آموکسی سیلین یکی از در دسترس ترین آنتی بیوتیک های موجود در جامعه ایران می باشد که به مقدار زیاد توسط پزشکان تجویز می شود و عده زیادی از مردم بدون مراجعه به پزشک برای درمان عفونت ها و سرماخوردگی ها اقدام به خوددرمانی با آموکسی سیلین می کنند که این پدیده باعث گسترش مقاومت میکروب ها نسبت به آموکسی سیلین شده است.

روش کار: مطالعه از طریق مصاحبه با دانشجویان پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تهران و انتخاب افرادی که در یک سال گذشته اقدام به خوددرمانی با آنتی بیوتیک کرده اند صورت گرفته که ۱۲۹ نفر از دانشجویان انتخاب شده و انواع آنتی بیوتیک های مصرفی آنها و روش دسترسی به دارو ثبت گردید.

یافته ها: یافته های بررسی حاکی از فراوانی ۶۲ درصدی آموکسی سیلین در بین انواع آنتی بیوتیک های مورد استفاده می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های مطالعه، خوددرمانی با آموکسی سیلین به میزان زیاد در بین دانشجویان پزشکی شایع است و لازم است اقدامات لازم جهت کاهش دسترسی بدون نسخه نسبت به آنتی بیوتیک آموکسی سیلین و آموزش و اطلاع رسانی نسبت به خطرات خوددرمانی بر فرد و جامعه انجام گیرد تا از شیوع بیشتر مقاومت میکروبی نسبت به این آنتی بیوتیک پیشگیری شود.

واژگان کلیدی: خود درمانی، آنتی بیوتیک، آموکسی سیلین، دانشجویان پزشکی



سکوت سازمانی و سبک های رهبری: مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی ایران

الهام موحد

مقدمه: سبک رهبری تاثیر بسزائی بر پدیده‌ی سکوت سازمانی دارد. پس، انجام پژوهشی بمنظور تعیین وجود یا عدم وجود، شدت و حدت این رابطه در صنعت ارائه خدمات بیمارستانی ضروری است.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی-تحلیلی-مقطعی و کاربردی و میدانی بود. جامعه پژوهش کلیه کارکنان بیمارستانهای عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران و حجم نمونه ۳۵۴ نفر بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ۵۰ سوالی شامل: مشخصات دموگرافیک، پرسشنامه سبکهای رهبری لیکرت و پرسشنامه سکوت سازمانی بوکلا و بورداس (۲۰۰۵) و و آزمونهای آماری مورد استفاده SPSS بود.

یافته ها: مشخصات دموگرافیک افراد عبارتند از: میانگین سنی (۳۳/۸۸±۷/۱۴ سال)، میانگین سنوات خدمت (۹/۱۰±۶/۷۹ سال)، اکثریت زن، اکثریت متاهل، اکثریت دارای تحصیلات دانشگاهی، و اکثریت استخدام رسمی. نیمی از کارکنان در واحدهای صفی و نیمی دیگر در واحدهای ستادی خدمت می کردند. میانگین و انحراف معیار سکوت سازمانی و ابعاد آن عبارتند از: سکوت سازمانی، نگرش مدیریت ارشد، نگرش سرپرست، فرصتهای ارتباطی و رفتار سکوت. وضعیت سبکهای رهبری بر حسب درصد نیز عبارتند: استبدادی استثمار، استبدادی خیرخواهانه، رهبری مشاوره ای و رهبری مشارکتی. بنابراین، سبک رهبری غالب در بیمارستانهای مورد مطالعه، استبدادی خیرخواهانه بود. ارتباط سبکهای رهبری با سکوت سازمانی، عدم مطلوبیت نگرش سرپرست، عدم مطلوبیت فرصتهای ارتباطی، جو سکوت و رفتار سکوت معنادار بود. وقتی مدیران از سبکهای استبدادی استثمار و استبدادی خیرخواهانه استفاده می نمودند پدیده سکوت سازمانی رایج تر، نگرش سرپرست نامطلوبتر، فرصتهای ارتباطی نامطلوبتر، جو سکوت سازمانی حاکم بر سازمان سنگین تر و پدیده رفتار سکوت رایج تر بود. در مقابل، ارتباط سبکهای رهبری با نگرش مدیران ارشد به سکوت معنادار نبود. در هر چهار گروه سبک رهبری، نگرش مدیران ارشد از دیدگاه کارکنان یکسان ارزیابی شد.

نتیجه گیری: مدیران همواره باید با روشهای مختلف، به کارکنان القاء نمایند که مشتاقانه آماده شنیدن نظرات، پیشنهادات و مشکلات کارکنان بوده و نسبت به کارکنانی که مسائل سازمانی را با آنان در میان می گذارند عکس العمل منفی نشان نمی دهند. البته مدیران باید این پیامها را با عمل پشتیبانی نمایند.

واژگان کلیدی: سکوت سازمانی، سبک رهبری، کارکنان، مدیر، بیمارستان



عوامل مرتبط با اتخاذ رفتارهای پرخطر در دانش آموزان پسر مقطع دوم متوسطه شهر سنندج براساس الگوی اعتقاد بهداشتی

ناصر قادری

مقدمه: نوجوانان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در برابر رفتارهای پرخطر را تشکیل می‌دهند. نظر به ضرورت بررسی رفتارهای پرخطر نوجوانان به منظور تدوین برنامه‌های پیشگیرانه، پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل مرتبط با اتخاذ رفتارهای پرخطر در دانش آموزان پسر مقطع دوم متوسطه شهر سنندج براساس الگوی اعتقاد بهداشتی طراحی و اجرا شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی در میان ۳۶۳ نفر از دانش آموزان که با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده بودند در سال ۱۳۹۴ انجام شد. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه ای مشتمل بر سوالات دموگرافیک و سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی، آگاهی و رفتار استفاده شد. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آزمونهای کای اسکوئر و کروسکال-والیس استفاده شد.

یافته ها: در این مطالعه شیوع رفتارهای پرخطر در دانش آموزان مورد مطالعه ۶۳/۱ درصد (۲۲۹ نفر) بود. تفاوت آماری معنی دار بین آگاهی و سازه های حساسیت درک شده، راهنمای برای عمل، موانع درک شده و خودکارآمدی درک شده ($P < 0/05$) در افراد دارای رفتار پرخطر و افرادی که رفتار پرخطر نداشتند، وجود داشت، اما بین منافع درک شده و شدت درک شده در دو گروه دانش آموزان فوق، تفاوت آماری معنی دار وجود نداشت ($P > 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای اتخاذ رفتارهای پرخطر و ارتباط معنی دار آن با سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان، سازه های این الگو می تواند برای ارتقای اقدامات پیشگیرانه از رفتارهای پرخطر در نوجوانان موثر واقع شود.

واژگان کلیدی: رفتارهای پرخطر، دانش آموزان، الگوی اعتقاد بهداشتی، سنندج



بررسی تأثیر آموزش بر رفتار خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع ۲ براساس تئوری و مدل های آموزش بهداشت: یک مطالعه ی مروری در ایران

زهرا حضرتی میمنه، فاطمه رحیمی

مقدمه: دیابت شایعترین و مهمترین بیماری متابولیک در انسان است که به سبب شیوع فراوان آن امروزه به عنوان یک مشکل بزرگ بهداشتی در دنیا مطرح می باشد. بیماریزایی این عارضه، چه از نظر درمانی و چه از جهت از کار افتادگی بسیار بالا، یکی از عمده ترین مسائل بهداشتی، درمانی انسان ها در جوامع می باشد. خودمراقبتی فرایندی است که در آن بیمار از آگاهی و مهارت های خود برای انجام رفتارهای توصیه شده به وی بهره گیری می کند. بیماران برای خودمراقبتی و مدیریت بیماری خود نیازمند دریافت اطلاعات صحیح و معتبر برای درک وضعیت خود و همچنین همکاری در برنامه خودمراقبتی می باشند. این مطالعه با هدف بررسی مداخله آموزشی و پیش بینی کننده های رفتار خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع ۲ براساس تئوری و مدل های آموزش بهداشت، به صورت یک مطالعه مروری در ایران انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری ساده بود و جستجوی مقالات در پایگاه های اطلاعاتی ایرانی و بین المللی PubMed، Scopus، Iranmedex و Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی فارسی و انگلیسی از جمله خودمراقبتی، بیماران دیابتی نوع ۲، تئوری و مدل های آموزش بهداشت، مداخله آموزشی، پیش بینی کننده های رفتار خودمراقبتی و در محدوده زمانی سال های ۱۳۹۱ تا فروردین ۱۳۹۷ انجام گردید. پس از جستجو از ۶۵ مقاله یافت شده، ۹ مقاله بر اساس معیارهای پژوهش انتخاب شدند.

یافته ها: ۹ مقاله انتخاب شده شامل چهار دسته: دسته اول بررسی اثربخشی مداخله آموزشی براساس مدل های آموزش بهداشت (۴۴،۴۴ درصد)، دسته دوم، فاکتورهای پیش بینی کننده مرتبط با انجام رفتارهای خودمراقبتی (۲۲،۲۲ درصد)، دسته سوم بررسی ارتباط سازه های مرتبط با خودمراقبتی دیابتی ها (۲۲،۲۲ درصد) و دسته آخر استفاده از آن برای نیازسنجی آموزشی خود مراقبتی در گروه هدف (۱۱،۱۱ درصد) بود. طی بررسی های انجام شده بیشترین تئوری و مدل های مورد استفاده در خودمراقبتی بیماران دیابتی نوع ۲، اعتقاد بهداشتی (۳۳،۳۳ درصد)، عمل منطقی توسعه یافته (۲۲،۲۲ درصد)، خودکارآمدی (۲۲،۲۲ درصد) و پرسید-پرسید (۱۱،۱۱ درصد) بوده است. در تمام مطالعات انجام شده رفتار خودمراقبتی بر اساس تئوری و مدل های آموزش بهداشت و یا سازه های مدل قبل و بعد از آموزش و همچنین تفاوت معناداری در میانگین نمرات خودمراقبتی بین دو گروه کنترل و مداخله وجود داشت ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به این که خودمراقبتی یک موضوع حیاتی و اساسی برای بیماران دیابتی می باشد و آگاهی از دانش محدود در بین دیابتی ها و با توجه به شیوع بالای عوارض و کیفیت پایین زندگی در بین مبتلایان به دیابت، یافتن یک روش آموزشی مناسب و مداخله موثر برای انجام اقدامات بهداشتی و سلامتی و پیشگیرانه حائز اهمیت است، پیشنهاد می شود باتوجه به مطالعات بسیار اندک در حوزه خودمراقبتی براساس مدل و سازه های بهداشتی، آموزش ها و مداخلات موثر در این زمینه بر اساس تئوری و مدل های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت انجام پذیرد و از مدل های ذکر شده در بخش نتایج و سایر مدل ها و سازه های مرتبط در این مطالعات استفاده شود.

واژگان کلیدی: دیابت، خودمراقبتی، مدل ها و تئوری های آموزش بهداشت، مداخله آموزشی، پیش بینی کننده های رفتار خودمراقبتی



واکاوی ساختار شبکه سیاستگذاری حمایت مالی از افراد بی بضاعت در حوزه سلامت

منال اعتمادی، حنا محمدی کنگرانی، حسن ابوالقاسم گرجی

مقدمه: در ایران، فقرا سهم بیشتری از ظرفیت پرداخت خود را در مقایسه با اغنیا برای پیش پرداخت و هزینه های مراقبت های سلامت صرف می کنند. میزان بهره مندی از خدمات سلامت در گروه های بی بضاعت به میزان قابل توجهی کمتر از سایرین است. هدف این مطالعه بررسی ساختار شبکه سیاستگذاری حمایت مالی از گروه های مختلف بی بضاعت در دسترسی به خدمات سلامت در ایران است.

روش کار: مطالعه حاضر، یک مطالعه بررسی اسناد سیاستی است که به بررسی اسناد قانونی کشور در حوزه حمایت مالی از افراد بی بضاعت در حوزه سلامت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. محقق به جستجوی اسناد در پایگاه های اینترنتی و مراجعه به سازمان ها و نهادهای مرتبط پرداخت. تعداد ۸۶ سند و ۲۰۴ تکلیف قانونی از اسناد استخراج شد. رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی برای تحلیل اسناد قانونی انتخاب شد. ساختار شبکه تکالیف قانونی حمایت مالی از افراد بی بضاعت ترسیم و برای تحلیل وارد نرم افزار UCINET شد.

یافته ها: تراکم کلی شبکه ۸٪ است که نشان می دهد انسجام بین نهادها در حوزه پوشش حمایتی گروه های بی بضاعت بسیار ناچیز و همکاری بین آنها ضعیف است. کمیت شاخص مرکزیت شبکه (۱۱٪) بیانگر آن است که شبکه در کنترل تعداد بازیگران محدود با موقعیت مرکزی نیست و ارتباطات بین بازیگران توزیع شده است. علی رغم توزیع متوازن ارتباطات بین بازیگران در شبکه، اما دو نقطه برشی دولت و کمیته امداد در این شبکه وجود دارند.

نتیجه گیری: لزوم مداخله ای جهت افزایش انسجام و تمرکز وظایف برای جلوگیری از تکه تکه شدن ساختار شبکه شامل تعیین تولید حمایت و تمرکز فعالیت های حمایتی در آن و جلوگیری از هم پوشانی و تداخل وظایف از یک طرف و جاماندن برخی از گروه ها از طرف دیگر وجود دارد. رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی به عنوان روشی کاربردی برای توصیف ساختاری مشکلات حوزه نظام سلامت، سیاستگذاری موثر در جهت بهینه سازی ارتباطات را امکان پذیر می سازد.

واژگان کلیدی: افراد بی بضاعت، حمایت مالی، سلامت، تحلیل شبکه اجتماعی، سیاستگذاری



بررسی اثربخشی آموزش مادران در خصوص عملکرد پیشگیری کننده از پدیکولوزیس در دانش آموزان مقطع ابتدایی؛ یک مطالعه سیستماتیک

رقیه محمد پور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زهرا حداد؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

سیامک محبی؛ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: شپش سر *Pediculus capitis* حشره ای خونخوار و انگل خارجی انسان است که انتشار جهانی دارد. این حشرات بعنوان شایع ترین انگل خارجی عفونت در میان کودکان و نوجوانان به شمار می آیند. آلودگی به شپش سر یکی از مسایل بهداشتی مهم در بین دانش آموزان است که سبب به وجود آمدن عوارض جسمی، روانی، اجتماعی و موجب افت تحصیلی آنها می گردد. با توجه به نقش مهمی که مادران در خانواده و بر روی فرزندانشان دارند و به عنوان محور اصلی سلامت خانواده محسوب می گردند، این مطالعه سعی داشت لزوم توجه به آموزش مادران در خصوص عملکرد پیشگیری کننده از پدیکولوزیس دانش آموزان مقطع ابتدایی را تبیین نماید.

روش کار: مطالعه حاضر مروری (Narrative Review) بوده و با استفاده از بانک های اطلاعاتی و موتورهای جست و جوی علمی نظیر Elsevier، SCOPUS، ProQuest، PubMed و واژه های کلیدی <آموزش>، <آلودگی>، <پیشگیری>، <شپش سر> و <مادران>، مقالات با طراحی های مقطعی، کارآزمایی بالینی و نیز مرور سیستماتیک در بازه زمانی سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ میلادی انتخاب شدند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی MEDLIB، IRANMEDEX و نیز جست و جوی مقالات از سایت های مجلات علمی پژوهشی داخلی- انتخاب شدند. از بین ۴۶۶ مقاله مرتبط ۴۰ مقاله مرتبط استفاده شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد مدارس در عین داشتن پتانسیل بالا جهت شیوع آلودگی، مناسب ترین مکان برای آموزش مادران جهت رعایت مسایل بهداشتی و در نتیجه پیشگیری و کنترل آلودگی به شپش سر هستند. همچنین یافته های مطالعات بررسی نشان دادند که آموزش بهداشت می تواند بر روی آگاهی، نگرش و عملکرد بهداشتی مادران در خصوص رفتارهای پیشگیری کننده از پدیکولوزیس تاثیرگذار بوده و باعث کاهش عوارض روحی و روانی ناشی از این بیماری در دانش آموزان شوند. **نتیجه گیری:** با توجه به اینکه نتایج این مطالعه تأییدکننده تاثیر آموزش بهداشت بر مادران در خصوص عملکرد پیشگیری کننده از پدیکولوزیس دانش آموزان مقطع ابتدایی بود، لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی برای کاهش آلودگی به شپش سر در دانش آموزان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: آموزش، آلودگی، شپش سر، پیشگیری، مادران



مروری نظام مند بر الگوی هزینه های کمرشکن نظام سلامت در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال های ۹۶-۱۳۸۶

کامران ایراندوست؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

K_Irandoust@student.tums.ac.ir

مقدمه: محافظت از مردم در مقابل خطرهای مالی، از اهداف مهم سیاستگذاری در نظام سلامت است؛ و یکی از شاخص های مهم در پایش حفاظت مالی عادلانه در نظام سلامت برآورد درصد مواجهه یافتگی خانوارها با هزینه های کمرشکن می باشد، لذا بررسی روند این شاخص می تواند در میزان دستیابی به این هدف کمک کننده باشد. بنابر این در این مطالعه قصد داریم الگوی هزینه های کمرشکن سلامت را در مناطق روستایی و شهری طی دهه ی اخیر بررسی کنیم.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری نظام مند بوده که با استفاده از کلید واژه هایی نظیر هزینه های کمرشکن، مناطق شهری و روستایی، حفاظت مالی، تامین مالی و نظام سلامت، در پایگاه های داخلی Google scholar، SID، Magiran و پایگاه خارجی Scopus، PubMed به جستجو پرداخته، که در مجموع ۹۸ مقاله استخراج گردید. پس از حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط، ۲۶ مقاله بررسی و نهایتاً ۱۱ مقاله که جوابگوی اهداف مطالعه بودند از سال ۱۳۸۹ تا کنون جهت نگارش این مطالعه مروری مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: یافته های حاصل از مطالعات حاکی از آن است که هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی هزینه های کمرشکن از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ رشد دائمی و قابل ملاحظه ای داشته است، اما از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۳ به دلیل افزایش هزینه های نظام سلامت و در نتیجه کاهش استفاده از خدمات سلامتی توسط مردم این هزینه ها به طور چشمگیری با کاهش کاذبی همراه بوده است. سپس در بهار سال ۱۳۹۳ به بعد با اجرای طرح تحول نظام سلامت و در نتیجه بالا رفتن تقاضای استفاده از خدمات سلامت، مخارج کمرشکن خانوارها هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی با رشد نسبتاً ملایمی همراه بوده است، با این وجود اجرای این طرح درصد مواجهه یافتگی خانوارهای شهری و روستایی با هزینه های کمرشکن را نسبت به سال های مورد مطالعه در دهه ۸۰ به شدت کاهش داده است. همچنین نتایج گویای افزایش نابرابری جغرافیایی بین مناطق روستایی و شهری در بخش های مختلف کشور به خصوص طی سال های ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ نیز می باشد، به طوری که در طول سال های مورد مطالعه روستاها در شرایط نابرابری نسبت به شهرها در زمینه تأمین مالی هزینه های سلامت قرار دارند و به طور متوسط می توان این اختلاف را ۱/۵ برابر برآورد کرد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری مواجهه بیشتری با هزینه های کمرشکن دارند و هنوز اهداف برنامه توسعه ملی در کاهش پرداخت از جیب به ۳۰ درصد و کاهش نرخ مخارج کمرشکن سلامت به ۱٪ تحقق نیافته است، لذا لازم است سیاستگذاران نظام سلامت به منظور کاهش هر چه بیشتر این هزینه ها تمرکز بیشتری بر روی مناطق روستایی و مناطق محروم داشته باشند.

واژگان کلیدی: هزینه های کمرشکن، مناطق شهری و روستایی، حفاظت مالی، تامین مالی، نظام سلامت



مروری بر عوامل اقتصادی-اجتماعی تعیین کننده سلامت با محوریت عدالت در نظام سلامت

کامران ایراندوست؛ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

K_Irandoost@student.tums.ac.ir

مقدمه: عدالت هدف اصلی بسیاری از سیستم های مراقبت های بهداشتی است، که به معنای عدم تبعیض و رعایت منصفانه تفاوت ها است. تحقق عدالت در نظام سلامت متأثر از عوامل مختلفی است که در این میان عوامل اقتصادی نقش مهمی در حصول عدالت و ایفای رسالت نظام سلامت دارند. نابرابری های اقتصادی از آنجا که دسترسی گروه های وسیعی از شهروندان را به نیازهای اولیه محدود می سازد، همواره عامل مهمی در عدم دستیابی انسان ها به حقوق پایه انسانی و اجتماعی خود بوده است. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش قصد داریم عوامل اقتصادی تعیین کننده عدالت و تاثیر آنها را بر روی نظام سلامت ایران مورد بررسی قرار دهیم.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری بوده که با استفاده از کلید واژه هایی نظیر عدالت، نظام سلامت، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی در پایگاه های داخلی Google scholar، SID، Magiran و پایگاه خارجی pubmed به جستجو پرداخته، که در مجموع ۶۳ مقاله استخراج گردید. پس از حذف مقالات تکراری، قدیمی و غیر مرتبط، نهایت ۱۲ مقاله از سال ۸۹ تاکنون جهت نگارش این مطالعه مروری مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: نتایج تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که بخش اعظم نابرابری تعیین کننده های اجتماعی سلامت از وضعیت تعدیل پذیر اقتصادی، نشأت می گیرد. مهمترین عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت عبارت اند از: تکامل دوران کودکی، سلامت معنوی و روانی، ارائه عادلانه خدمات سلامت، بیکاری و امنیت شغلی، تغذیه و امنیت غذایی، شیوه زندگی سالم، آموزش، آگاهی و تحصیلات، مسکن، محیط های سالم، حمایت اجتماعی، حوادث، حاشیه نشینی و مناطق محروم دور افتاده، توزیع عادلانه درآمد و امنیت اقتصادی. طبق تحقیقات صورت گرفته شرایط سخت اقتصادی میتواند منجر به روی آوردن افراد به استعمال مواد شود. همچنین نرخ بیکاری، تورم و نابرابری درآمد به عنوان عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر روی نرخ خودکشی مردان و زنان ایرانی شناخته شده است و بین عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر سلامت نظیر افزایش فقر، نابرابری درآمدی و میزان مرگ و میر کودکان زیر ۸ سال و امید به زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: برای دستیابی به عدالت در سلامت، مشارکت با بخش سلامت توسط سازمان هایی که روی عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت موثرند ضروری به نظر می رسد. همچنین از آنجایی که بخش اعظم نابرابری تعیین کننده های اجتماعی سلامت از وضعیت تعدیل پذیر اقتصادی، نشأت می گیرد و منابع مالی نقش حیاتی در توفیق برنامه ها دارند از این دیدگاه، تاثیر وزارت اقتصاد بر اجرای برنامه عدالت در سلامت می تواند حتی بارزتر از وزارت بهداشت باشد. لذا با توجه به رویکرد عوامل اقتصادی اجتماعی تعیین کننده سلامت، پیشنهاد می گردد تا در تدوین سیاست های اقتصادی کلان کشور به عدالت اجتماعی توجه بیشتری شود.

واژگان کلیدی: عدالت، نظام سلامت، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی



خود مراقبتی و سبک زندگی در سالمندان ایران: یک مطالعه مروری

زهره احمدی، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

فاطمه سادات ایزدخواه، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: در ایران بیش از ۸ درصد جمعیت را سالمندان تشکیل می‌دهند. بعلا مشکلات فراوان جسمی و روانی در سالمندان، خودمراقبتی و سبک زندگی سالم نقش مهمی در پیشگیری از مشکلات این جمعیت ایفا می‌کند و از مهم‌ترین اقدامات در راستای ارتقاء سلامت سالمندان می‌باشد. بنابراین هدف این مطالعه، مروری بر خودمراقبتی و سبک زندگی سالمندان ایران بود. **روش کار:** این مطالعه مروری بوده که از طریق جستجوی کلمات کلیدی سبک زندگی، خودمراقبتی، سالمندان، ایران، در پایگاه‌های sid , google scholar , magiran , pubrand انجام شده است. پس از انجام جستجو در پایگاه‌های اینترنتی تعداد ۲۰۶ مقاله یافت شد که ۶۰ مقاله مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: از تعداد ۶۰ مقاله مرتبط، از نظر نوع مطالعه ۵۴٪ مقالات بصورت توصیفی، ۴۵٪ مقالات بصورت مداخله‌ای و ۱٪ مقالات مروری بوده است. هم‌چنین از میان مقالات مداخله‌ای در ۱۶٪ مقالات از مدل‌ها و تئوری‌های آموزش بهداشت استفاده شده است. نتایج مطالعات بررسی شده حاکی از آن بود که ۱٪ مقالات بررسی شده خودمراقبتی سالمندان ایران را در وضعیت نامطلوب، ۱٪ در وضعیت متوسط و ۳٪ مقالات خودمراقبتی را در وضعیت مطلوب گزارش کرده‌اند. هم‌چنین سبک زندگی نامطلوب در ۱۰،۷٪ و سبک زندگی متوسط در ۸،۹۲٪ و سبک زندگی مطلوب در ۱،۷۸٪ مقالات بررسی شده گزارش شده بود. در ۲۶،۷۸٪ مقالات میان سبک زندگی و رفتارهای خودمراقبتی با جنس، سن، آگاهی، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، ترکیب خانواده، تعداد فرزندان، متوسط درآمد، ابتلا به بیماری ارتباط معنی‌داری مشاهده شد. لازم به ذکر است از نظر نوع رفتار خودمراقبتی در ۱۴،۲۸٪ مقالات بر رفتار فعالیت بدنی و در ۵،۳۵٪ مقالات بر رفتار تغذیه سالم تاکید شده بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه که خودمراقبتی و سبک زندگی در سالمندان ایران در سطح نامطلوب و متوسط می‌باشد افزایش توجه تمامی مسئولان و برنامه‌ریزان و افزایش مداخلات مناسب آموزشی جهت بهبود سبک زندگی و خودمراقبتی در سالمندان لازم به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، خودمراقبتی، سالمندان، ایران



افسردگی پس از زایمان و عوامل موثر بر آن: مطالعه مروری

زهرا احمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: سلامت روان مادر در دوران پس از زایمان بعثت تأثیری که بر ارتباطات اجتماعی وی و تکامل نوزاد دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. افسردگی پس از زایمان یکی از شایعترین اختلالات روانی بدنبال زایمان است که مشکلات جدی برای مادر، کودک و خانواده ایجاد میکند. مطالعات مختلف شیوع این اختلال را ۵ تا ۴۰ درصد گزارش کرده‌اند. با توجه به تأثیر پذیری افسردگی پس از زایمان از عوامل متعدد، مطالعه مروری حاضر با هدف تعیین عوامل موثر بر افسردگی پس از زایمان صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه که مروری بوده از طریق جستجوی کلمات کلیدی (افسردگی، پس از زایمان) در پایگاه‌های pubrand , sid , google scholar , magiran , انجام شده است. پس از انجام جستجو تعداد ۱۲۳ مقاله یافت شد که مقاله مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاکی از آن بود که در ۶۷٪ مقالات بررسی شده بروز افسردگی پس از زایمان با سطح تحصیلات پایین مادر، سابقه افسردگی، بارداری ناخواسته، ناهنجاری نوزاد، وضعیت اقتصادی پایین، عدم رضایت مندی زناشویی، فقدان حمایت اجتماعی مرتبط می‌باشد. هم چنین در ۱۷٪ مقالات نوع زایمان به عنوان عاملی موثر در بروز افسردگی پس از زایمان بود لذا در زنانی که زایمان سزارین داشته باشند، احتمال بروز افسردگی پس از زایمان بیشتر است. علاوه بر زنانی که در دوران بارداری و پس از زایمان کیفیت خواب نامطلوب داشته باشند ۴ برابر بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی پس از زایمان می‌باشند. گفتنی است که ابتلا به بیماری‌های دیابت و آنمی نیز احتمال ابتلا به افسردگی پس از زایمان را افزایش می‌دهد.

نتیجه گیری: نظر به اینکه با شناخت زودرس و درک عوامل موثر بر افسردگی پس از زایمان می‌تواند اقدامات مناسب در جهت پیشگیری و درمان این اختلال انجام داد لذا توجه بیشتر به این عوامل و سلامت روان مادر در دوران پس از زایمان توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: افسردگی، پس از زایمان



بررسی نابرابری در توزیع نیروی انسانی پرستار در استان آذربایجان شرقی در سال های ۱۳۸۵-۹۳

انسیه حسنی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
خلیل مومنی، استادیار گروه بهداشت عمومی - دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام
آرزو کریم زاده، کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی علوم پزشکی تبریز
نازنین رشیدی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
زهرا احمدی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
نسترن ایدی نیا، دانشجوی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی ایلام

مقدمه: امروزه عدالت و برابری در سلامت و رفع بی عدالتی در بخش سلامت به یکی از مهم ترین دغدغه‌های نظام سلامت در جهان، خاصه کشورهای در حال توسعه بدل گشته است. این مطالعه با هدف بررسی برابری نیروی انسانی پرستاری در استان آذربایجان شرقی در سال های ۱۳۸۵-۹۳ با استفاده از ضریب جینی انجام شده است.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و روش مطالعه آن توصیفی- مقطعی است. چرا که مبتنی بر کسب اطلاعات و توصیف شرایط موجود و مقایسه‌ی شاخص‌های نابرابری در سال های مختلف هست و با توجه به اینکه آمار و اطلاعات مربوط به یک سری زمانی ۹ ساله از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۳ هست. از نظر زمانی یک بررسی تداومی (طولی) و گذشته نگر نیز هست. **یافته‌ها:** بیشترین و کمترین نسبت پرستار به ده هزار نفر جمعیت در سال های مختلف دوره‌ی مورد مطالعه محاسبه شد. همچنین ضریب جینی از سال هاس ۱۳۸۵-۹۳ برای پرستار به ترتیب ۰۰۹۱۰۹۶۴۴۷۷۳، ۰۰۹۱۰۳۶۹۴۶۴۹۰، ۰۰۹۰۹۱۹۸۵۵۲۰، ۰۰۹۱۱۹۱۹۲۳۱۰، ۰۰۹۰۸۷۵۵۸۷۴، ۰۰۹۱۰۲۰۰۹۲۰۴، ۰۰۹۰۷۸۶۳۱۹۱۰، ۰۰۹۰۱۰۸۵۱۵۹، ۰۰۹۰۱۰۸۵۱۵۹ بوده است که بیشترین ضریب جینی در سال ۱۳۸۹ و کمترین ضریب جینی مربوط به سال ۱۳۹۳ بوده است.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش در مورد محاسبه شاخص جینی برای نیروی پرستار در سال های ۱۳۸۵ - ۹۳ نشان می‌دهد که نیروی انسانی به صورت کاملاً نابرابر توزیع شده است.

کلید واژه ها: عدالت، نابرابری، پرستار، ضریب جینی



ارزیابی و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های بهداشتی و درمانی

نازنین رشیدی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
خلیل مومنی، استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام
انسیه حسنی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
زهرا احمدی، دانشجوی ترم ۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام
معصومه مظفروندی، دانشجوی ترم ۴ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایلام

مقدمه: شاخص‌های بهداشتی و درمانی با توجه به نقشی که در تأمین و ارتقا سلامت آحاد جامعه دارند، از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت هر کشوری به شمار می‌آیند و میزان موفقیت برنامه توسعه ملی نیز تا اندازه زیادی در گرو دستیابی به اهداف این بخش است. بهره‌مندی و توزیع عادلانه امکانات و تجهیزات بخش بهداشت و درمان در نواحی مختلف جغرافیایی لازمه تحقق این اهداف می‌باشد. مطالعه‌ی حاضر به شناسایی وضعیت و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های بخش بهداشت و درمان پرداخته است.

روش کار: با در نظر گرفتن مولفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش، توصیفی - کمی است. شهرستان‌های آذربایجان شرقی جامعه آماری پژوهش را شامل می‌شود که بر اساس ۱۵ شاخص رتبه‌بندی شده‌اند. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و از طریق مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است. شاخص‌های مورد مطالعه با مقایسات زوجی و استفاده از نظرات پانزده صاحب‌نظر و با بهره‌گیری از مدل Fuzzy AHP وزن دهی شده و سپس با بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس (tapsis)، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های بهداشتی و درمانی در استان آذربایجان شرقی به صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف زیادی بین شهرستانها از نظر توسعه خدمات سلامت دیده می‌شود. نتایج بدست آمده از تکنیک Fuzzy AHP نشان می‌دهد که شاخص تعداد پزشک عمومی به هزار نفر جمعیت به عنوان مهم‌ترین و تعداد مراکز توانبخشی به هزار نفر جمعیت به عنوان کم اهمیت‌ترین شاخص معرفی گردید. با استفاده از روش تاپسیس شهرستان هشترود در طی ۵ سال به عنوان برخوردارترین و شهرستان ملکان نیز در طی ۵ سال به عنوان محروم‌ترین شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، از نظر شاخص‌های مورد بررسی تشخیص داده شده‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش، اختلاف زیادی بین شهرستانهای استان آذربایجان شرقی از نظر بهره‌مندی از امکانات و خدمات سلامت وجود دارد، لذا به سیاستگذاران استان پیشنهاد می‌شود در برنامه ریزی منطقه‌ای، تخصیص امکانات و بودجه، جهت توزیع عادلانه و متوازن امکانات و خدمات سلامت در سطح استان، اولویت‌ها را با بررسی‌های علمی مشخص نمایند.

کلید واژه‌ها: رتبه‌بندی، استان آذربایجان شرقی، بهداشت و درمان، تاپسیس



وضعیت سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت های دوران بارداری

فاطمه محمدی وحید، احمد صادقی، حسینعلی یزی، حسین روحانی

زمینه و هدف: مهمترین ضامن حفظ تندرستی مادر و جنین در دوران بارداری، آگاهی از مراقبت های این دوران و عمل نمودن به آنها است. سواد بهداشتی یک فاکتور مهم و قابل اصلاح برای بهبود دستیابی به آگاهی های بهداشتی در جهت دستیابی بهتر به سیستم خدمات بهداشتی است. بدین منظور مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت های دوران بارداری در شهر اسفراین سال ۱۳۹۶ صورت گرفت.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی به روش مقطعی است که در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۶۶ زن باردار مراجعه کننده به پایگاه های بهداشت شهرستان اسفراین انجام شده است. افراد به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه سواد سلامت مادری و نتایج بارداری (MHLAPQ) بود. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار spss (نسخه ۱۹) و آزمون های آماری، آزمون T، آنوا، همبستگی و کای اسکوتر انجام شد. در تمامی آزمون ها $\alpha = 0.05$ به عنوان سطح معنا داری در نظر گرفته شد.

نتایج: یافته های پژوهش نشان می دهد ۷۳ درصد از زنان باردار مورد مطالعه شاغل بودند و ۸۳ درصد افراد تحصیلات بالاتر از لیسانس داشتند. میانگین نمره سواد سلامت مادران باردار 9.94 ± 57.07 بود؛ همچنین بین سواد سلامت مادران با سطح تحصیلات شغل ($0.001 < 0.05$) ارتباط معنا داری وجود داشت. ولی بین مصرف مکمل مولتی ویتامین ($0.162 < 0.05$) و مصرف مکمل آهن ($0.05 < 0.07$) ارتباط معناداری وجود نداشت.



مروری نظام‌مند بر عوامل خطر ساز دیابت بارداری در زنان باردار

زهرا کریمی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
مسعود لطفی زاده؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

سابقه و هدف: امروزه دیابت بارداری به عنوان اصلی‌ترین اختلال متابولیک دوران حاملگی روند رو به رشدی را دارد، به عدم تحمل کربوهیدرات‌ها به شدت متغیر که نخستین بار در طول بارداری شروع و یا تشخیص داده شود، دیابت بارداری گفته می‌شوند این بیماری بدون علامت و در عین حال پر عارضه می‌باشد. دیابت بارداری با بروز عوارض متعددی در مادر و جنین از جمله: ماکروزومی، هیپوگلیسمی، هیپوکالسمی و تولد نوزاد مرده همراه است و تمام این عوارض به گونه‌ای بیانگر اهمیت پیشگیری از دیابت بارداری می‌باشد. این مطالعه با هدف مروری بر عوامل خطر ساز دیابت بارداری انجام شد.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مروری است که از طریق جست و جوی نظام‌مند مقالات فارسی زبان موجود در پایگاه‌های معتبر از جمله (SID , magiran , google scholar) با استفاده از کلید واژه‌های (دیابت بارداری، عوامل خطر ساز، اختلال تحمل گلوکز در بارداری) از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ انجام شد. پس از بررسی اولیه، ۲۰ مقاله مرتبط با موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از دید اپیدمیولوژی دیابت بارداری اغلب همراه با دیابت نوع ۲ مشاهده می‌شود و همانند آن افزایش سن و شاخص توده بدنی در ظهور آن دخیل بوده و غالباً در جمعیت غیر سفید پوست دیده می‌شود. از دیگر عوامل خطر ساز که در بروز دیابت بارداری نقش دارند، میتوان به عوامل زیر اشاره کرد: وجود سابقه قوی دیابت نوع ۲ در منسوبین درجه اول، سابقه دیابت بارداری در حاملگی قبلی، بالا بودن سن و وزن مادر هنگام زایمان، متعلق بودن به یک گروه نژادی مانند آسیایی و آفریقایی، وزن کم مادر در زمان تولدش، زمینه اختلال در نتیجه حاملگی‌های قبلی از قبیل سقط، نوزاد مرده، ماکروزومی، زایمان پره ترم، تولد نوزاد با وزن بیش از ۴ کیلوگرم، پلی‌هیدر آمنیوس، زنان با قد خیلی کوتاه یا بلند نیز در معرض خطر بیشتری هستند.

نتیجه گیری: شناسایی دیابت بارداری در زمان بارداری لازمه سلامت مادر و جنین است با وجودی که بهبود مراقبت‌های بهداشتی پیامد بارداری را ارتقا بخشیده است ولی هنوز مادر و جنین در خطر برخی از عوارض باقی می‌ماند. مطالعات نشان داده است، که اغلب این عوارض در اثر هیپر گلیسمی ایجاد می‌شود، لذا بهترین روش پیشگیری از عوارض، نگهداری قند خون در محدوده نرمال است، در ضمن خانم‌های دارای سابقه دیابت بارداری باید به اصلاح سبک زندگی از جمله (افزایش تحرک بدنی، داشتن یک برنامه‌نهایی مناسب و حفظ وزن در حد مطلوب) تشویق شود.

کلید واژه‌ها: دیابت بارداری، عوامل خطر ساز، اختلال تحمل گلوکز در بارداری



مروری نظام مند بر عوامل خطر ساز سرطان تخمدان

زهرا کریمی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

الهه توسلی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

راضیه برومند؛ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. ایران

سابقه و هدف: سرطان تخمدان چهارمین عامل مرگ و میر زنان و یکی از شایعترین بدخیمی‌های ژنیکولوژیک در دو دهه اول زندگی است و به خاطر اینکه معمولاً دیر تشخیص داده می‌شود مرگبار است. شناخت عوامل خطر ساز سرطان تخمدان در مراحل ابتدایی و تشخیص زودرس موارد مؤثر در پیش آگهی این تومور می‌تواند در کاهش مورتالیتی تا ۵۰ درصد کمک کننده باشد، لذا شناخت عوامل خطر به منظور درمان به موقع و کاهش مرگ و میر ناشی از سرطان تخمدان مورد توجه است.

روش کار: طی این مطالعه مروری، مقالات مرتبط با کلید واژه‌های (سرطان تخمدان، عوامل خطر ساز، زنان) از پایگاه‌های معتبر داخلی (Iranmedex, SID, magiran) و با کلید واژه‌های (Ovarian neoplasm risk factors, women) (تایید شده در Mesh) از پایگاه‌های معتبر خارجی (Pubmed, google scholar, Scopus) طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ یافت شد. پس از بررسی اولیه، ۳۰ مقاله مرتبط با موضوع یافت شد که در نهایت ۲۰ مقاله واجد شرایط مورد بررسی، تحلیل و دسته بندی قرار گرفت. ۱۰ مقاله دیگر به علت تکراری بودن، در دسترس نبودن متن کامل مقاله و نامرتب بودن با عنوان مورد نظر از روند مطالعه حذف شدند.

یافته‌ها: عواملی از قبیل: سن، چاقی، سابقه نازایی یا نولی پاریتی، منارک زودرس، منوپوز دیررس، مصرف تالک و در معرض آزمون بودن برای سرطان تخمدان مطرح شده است. از طرفی این خطر در زنانی که سابقه فامیلی مثبت سرطان‌های پستان، اندومتر، تخمدان، روده و موتاسیون‌های حذفی در ژن‌های BRCA II

, BRCA1 دارند بیشتر است. استروژن‌ها و آندروژن‌ها و مصرف داروهای محرک تخمک گذاری محرک تکثیر سلول‌های بدخیم اپی تلیال تخمدان‌اند. مصرف OCP و داروهای ضد التهابی غیر استروئیدی، سابقه TL و هیستریکتومی، حاملگی و شیردهی اثر محافظتی در برابر سرطان تخمدان دارد.

نتیجه گیری: انجام مطالعات گسترده تر در گروه‌های سنی مختلف و اجرای مداخلات پیشگیری کننده و ارتقاء دهنده سلامت جهت افزایش رفتارهای حفاظتی و کاهش عوامل خطر در سبک زندگی زنان ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: سرطان تخمدان، عوامل خطر ساز، زنان



بررسی تاثیر خودمراقبتی جهت ارتقاء سلامت در بیماری های مزمن

فرشته امینی؛ کارشناسی پرستاری و کارشناسی ارشد روانشناسی و دانشجوی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه تربیت مدرس - عضو هیئت گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری مامائی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران
سارا کاظمی؛ کارشناس بهداشت و دانشجوی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زمینه و هدف: بیماری های مزمن به عنوان یک مشکل عمده با طول درمانی بالا و دارای معلولیت و عوارض های مختلف تا حدود زیادی زندگی طبیعی بیماران را تحت تأثیر قرار می دهد و توجه به عواملی مانند هدفمند بودن در زندگی، داشتن اعتماد به توانایی های خود، مثبت اندیشی و خوش بینی به آینده می تواند موجب ارتقاء کیفیت زندگی آنان گردد. از این تعریف چنین بر می آید که امید در بردارنده تصورات و توجه به آینده است که در خودمراقبتی بیمار نقش به سزایی دارد؛ لذا این پژوهش با هدف بررسی تاثیر خود مراقبتی جهت ارتقاء سلامت در بیماری های مزمن صورت گرفته است.

روش کار: در این مطالعه با بررسی برنامه های آموزشی ارائه شده به کارکنان خدمات درمانی مقالات منتشر شده در حوزه خودمراقبتی، مطالعات و مقالات مرتبط، جلسات با کارشناسان آموزش بهداشت و ارتقا سلامت استفاده شد و لیستی از موضوع ها و چالش های مرتبط، توسط پژوهش گران تهیه شد و با استفاده از کلمات کلیدی از وب سایت های دانشگاه ها، منابع کتابخانه ای، پایگاه های اطلاعاتی مطالعه انجام شد.

نتایج: مطالعات مختلف علل و عوامل متعددی را برای بروز بیماری های مزمن همچون سرطان معرفی نموده اند ولی صرف نظر از علل ایجاد کننده از دیدگاه علم روانشناسی مهم ترین مسئله در برخورد با بیماری، نوع نگاه به آن و چگونگی سازگاری با آن است که تعیین کننده سلامت می باشد. نتایج پژوهش ها حاکی از این است که رابطه مثبت و معنی دار بین امید به زندگی و کیفیت زندگی وجود دارد. همچنین نشان داده که برآیند مثبت آموزش و فعال شدن در انجام امور خودمراقبتی احساس مسئولیت در قبال کنترل رفتارهای ارتقاء دهنده حیطه سلامت جسمی، روانشناختی و اجتماعی می باشد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که انجام خود مراقبتی تأثیر مثبتی بر روی کیفیت زندگی دارد. ارتقاء خود مراقبتی به عنوان یک هدف پرستاری به بیماران در جهت عدم وابستگی و اجتناب از بستری شدن های مکرر بیمارستانی و کاهش هزینه است. پرستاران جهت انجام عملکرد موثر در این موقعیتها باید آموزش دیده باشند پس باید توجه مسئولین خدمات درمانی را به برگزاری مداوم کارگاه های آموزش خودمراقبتی و در اختیار قرار دادن امکانات و تجهیزات مراقبتی به بیماران جلب کرد.

واژگان کلیدی: آموزش، خود مراقبتی، ارتقا سلامت، بیماری مزمن



بررسی میزان انتظار و کیفیت انجام مشاوره پزشکی

ریحانه حسن؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، واحد علوم پزشکی تهران، دانشکده آزاد اسلامی تهران، ایران

زمینه و هدف : زمان انتظار طولانی برای دریافت خدمات مشاوره پزشکی از مشکلات متداول بیمارستان ها می باشد . زمان انتظار بیمار برای دریافت مشاوره و میزان رضایتمندی بیماران از خدمات ارائه از مهم ترین شاخص های اثر بخشی خدمات بیمارستانی محسوب می شود و عدم توجه به این شاخص ها منجر به نارضایتی بیماران از خدمات ارائه شده و اعمال فشار های جسمی و روانی ، مانع از ارائه خدمات مطلوب و سبب اتلاف وقت بیماران می شود و یکی از مهم ترین شاخص هایی که در ارزیابی مرکز اورژانس به کار گرفته می شود مدت زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات تشخیصی درمانی می باشد.

روش کار: مطالعه ی حاضر از نوع مروری است که از طریق جستجو در پایگاه های الکترونیکی scholar google , science direct pubmed که در نهایت ۱۰مقاله به دست آمد.

یافته ها: در مرحله تحلیل یافته ها در پژوهش عواملی از قبیل برنامه ریزی، تعداد زیاد بیماران به صورت همزمان ، عدم حضور به موقع پزشکان ، کمبود تعداد پزشکان ، عدم وجود جداول زمان بندی ، برنامه ریزی مناسب، کمبود مهارت، تجربه و آموزش کارکنان اجرایی از دلایل طولانی شدن زمان انتظار بیماران شناخته شدند.

نتیجه گیری : زمان عاملی پر اهمیت در درمان بیماران ترومایی است. یک راهبرد اساسی برای کاهش زمان انتظار استفاده از تریاژ یا اولویت بندی بر حسب فوریت وضعیت بالینی است و با درمان موقع می توان مدت زمان انتظار و بستری بیماران را کاهش و بیمار را از مرگ حتمی و معلولیت نجات داد.



شکاف بین تئوری و عمل در آموزش رشته بهداشت عمومی

الهه رحیمی نیا؛ دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده آموزش علوم

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران Rahiminia@sbmu.ac.ir

حوریه رحیم نیا؛ کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: رشته بهداشت عمومی شاخه اساسی علوم بهداشتی است، دانشجویان بهداشت به عنوان عضوی از تیم سلامت علاوه بر این که مسئولیت حفظ و ارتقای سلامت جامعه را بر عهده دارند، در بخش های مختلف دیگری هم چون ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، پژوهشی، مشاوره ای و پیشگیری فعالیت می کنند. یکی از چالش هایی که در دانشگاه های علوم پزشکی مطرح می باشد تمرکز و تلاش های برنامه ریزان دانشگاه ها در بهبود امر آموزش در بالین می باشد. از آن جایی که مشکلات و شکاف های موجود در کار آموزی می تواند منجر به عدم ایجاد تبحر بالینی دانشجویان گردد بنابراین بهبود و ارتقاء کیفیت خدمات آموزش بالینی مستلزم انجام مطالعه و بررسی های عمیق تر در وضعیت موجود می باشند. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی شکاف بین تئوری و عمل در آموزش رشته بهداشت عمومی انجام گرفت.

روش کار: در این مطالعه مروری از سایتهای [google scholar](http://www.google.com), [Pubmed](http://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/), [Elsivier](http://www.elsevier.com/), [Iran doc](http://www.irandoc.org/), [Magiran](http://www.magiran.com/)، مقالات مرتبط هم به فارسی و هم به انگلیسی جستجو شده و در نهایت اطلاعات مورد نیاز مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: ضعف برنامه ریزی آموزشی، ضعف آمادگی دانشجویان برای ورود به کارآموزی در عرصه، کوتاه بودن مدت کار در عرصه، متوالی بودن تئوری و بالین (عدم تلفیق)، فقدان همکاری بین مکان بالینی و موسسات آموزشی و فقدان نقش های واضح یک معلم بالینی از شکاف های موجود مطرح شده در مقالات بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر که شکاف بین تئوری و عمل را نشان داد لذا پیشنهاد می گردد تا برنامه ریزان و سیاست گزاران آموزشی به بازنگری در برنامه های آموزشی و روش هایی نظیر ارتقاء یک کوریکولوم نوآورانه همراه با نزدیک بودن تئوری و عمل، ارزیابی در مکان های بالینی همراه با کسب دانش و مهارت، بهبود همکاری بین مکان بالینی و موسسات آموزشی توجه نمایند.

واژگان کلیدی: شکاف، تئوری، آموزش بهداشت



بررسی هزینه بستری بیماران آنفلوآنزا در بیمارستان امام رضا شهر تبریز طی سال های ۹۶-۹۳

علیرضا محبوب اهری؛ استادیار اقتصاد سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی علوم پزشکی تبریز- ایران

جعفر صادق تبریزی؛ دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی، مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی علوم پزشکی تبریز- ایران

محمود یوسفی؛ استادیار اقتصاد سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی علوم پزشکی تبریز- ایران

زکيه استاد احمدی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت و درمان، قطب علمی آموزشی مدیریت سلامت ایران (ICEHM) دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی علوم پزشکی تبریز- ایران

zakiostadahmadi@gmail.com

مقدمه: آنفلوآنزا یک بیماری مسری و قابل پیشگیری است. ویروس آنفلوآنزا در سرتا سر دنیا هر ساله همه گیری هایی با شدت متفاوت ایجاد می نماید و سالانه منجر به مرگ هزاران نفر و گاهی در موارد پاندمی باعث مرگ میلیون ها انسان می شود. این ویروس تمام گروه های سنی را می تواند مبتلا نماید. در پاندمی سال ۱۳۸۸ در کشور، ۶۷٪ مرگ و میر در افراد گروه سنی ۶۵-۱۵ سال بودند (۱) و ۸۰٪ بیماران بستری در شمال کشور افراد ۴۵-۱۵ سال بودند (۲). هدف از انجام این مطالعه تعیین هزینه بستری بیماری آنفلوآنزا در افراد بزرگسال می باشد.

روش کار: یک مطالعه توصیفی- مقطعی گذشته نگر که جامعه مطالعه آن جمعیت بالغ (۱۸-۴۹ سال) بستری شده با کدهای J10-J18 در بیمارستان امام رضا تبریز طی ۴ فصل متوالی آنفلوآنزا در سال های ۹۶-۹۳ بصورت سرشماری انجام گرفت، می باشد. اطلاعات مورد نیاز با توجه به اهداف پژوهش توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: داده های صورت حساب الکترونیکی برای ۷۸ بیمار بستری شده بخاطر آنفلوآنزا در طول دوره مطالعه قابل بازیابی بود. متوسط روزهای بستری ۵ روز و میانگین هزینه به ازای هر بیمار بستری شده برابر ۲۰۳۵۹۹۷۷ ریال و به ازای یک روز بستری ۴۰۷۱۹۹۵ ریال بدست آمد. بیشترین درصد هزینه بدست آمده مربوط به هزینه هتلینگ ۵۳٪ بود.

نتیجه گیری: هزینه درمان آنفلوآنزا تنها شامل هزینه دارو، رادیوگرافی و آزمایشگاهی نمی باشد. غیبت از کار بخاطر آنفلوآنزا هزینه زیادی برای کارفرمایان و کل اقتصاد کشور ایجاد می نماید. درمان آنفلوآنزا و عوارض این بیماری منابع زیادی را مصرف می کند که می تواند برای سایر منابع ضروری مراقبت های بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد. انجام مطالعات هزینه و هزینه - اثربخشی در گروه های پر خطر به تحقیق بیشتری نیاز دارد.



بررسی آسیب‌های اجتماعی - روانی ناشی از اعتیاد اینترنتی در جوانان و نوجوانان؛ یک مطالعه مروری

زینب غلامرضایی سرولات؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

رقیه محمدپور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: اینترنت به عنوان مهمترین رسانه عصر جدید در کنار محاسن بیشمار خود می‌تواند نقش تخریب‌کننده‌ای نیز ایفا نماید. به همین دلیل از این فضا به عنوان چاقوی دو لبه یاد می‌شود. اعتیاد اینترنتی اختلال نسبتاً جدیدی است که وابستگی افراطی کاربران به اینترنت را نشان می‌دهد. افزایش کاربران اینترنتی همراه با دسترسی آسان‌تر به اینترنت زمینه‌ساز افزایش بروز این اختلال در نوجوانان و جوانان شده است. هدف از این مطالعه بررسی آسیب‌های ناشی از اعتیاد اینترنتی در جوانان و نوجوانان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر مروری بوده و با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و موتورهای جست‌وجوی نظیر Elsevier, SCOPUS, ProQuest, PubMed و واژه‌های کلیدی "آسیب"، "جوانان و نوجوانان" و "اعتیاد اینترنتی" انتخاب شدند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی MEDLIB, IRANMEDEX و نیز جست‌وجوی مقالات از سایت‌های مجلات علمی-پژوهشی داخلی انجام گرفت. بازه زمانی مقالات مورد استفاده از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۷ میلادی بود.

نتایج: اعتیاد به اینترنت سبب بروز مجموعه‌ای از مشکلات نظیر: اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، احساس تنهایی احساس بی‌کفایتی در جوانان و نوجوانان می‌شود. از دیگر مشکلات آن می‌توان به تغییر دادن سبک زندگی به منظور صرف زمان بیشتر در اینترنت، بی‌توجهی به سلامت خود، اجتناب از فعالیت‌های مهم زندگی، کاهش روابط اجتماعی، نادیده گرفتن خانواده و دوستان، مشکلات مالی ناشی از هزینه‌های اینترنت و مشکلات تحصیلی اشاره کرد. همچنین با فراهم آوردن زمینه‌های غیر اخلاقی بین جوانان سبب ایجاد ارتباطات نامتعارف بین آنها شده و باعث انحراف شخصیت آنان می‌شود.

نتیجه‌گیری: برای پیشگیری و حل این مشکل بایستی همزمان با توسعه تکنولوژیک، فرهنگ استفاده از آن را رواج داده و مصرف‌کنندگان را از ابعاد منفی آن نیز آگاه سازند، همچنین پیشنهاد می‌شود با ارزیابی شخصیت کاربران اینترنت، اشخاص در معرض خطر جهت پیشگیری از اعتیاد به اینترنت شناسایی شوند.

واژگان کلیدی: آسیب جوانان و نوجوانان: اعتیاد اینترنتی



بررسی عوامل موثر در ایجاد و پیشگیری از سرطان معده: مروری سیستماتیک

سارا مغاره دهکردی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

لاله قریشوندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

زهرا کریمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

الهه توسلی، استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد،

ایران

زمینه و هدف: چهارمین سرطان شایع در جهان و دومین علت مرگ بر اثر سرطان، سرطان معده می باشد. سرطان معده بیماری ای است که علائم اولیه آن، مبهم و نامشخص بوده، دیر علامت داده، به سرعت هم به ارگان های دور و نزدیک خود دست اندازی می کند. بنابراین هدف از این پژوهش مروری بر مطالعاتی است که عوامل موثر در ایجاد و پیشگیری از سرطان معده را بررسی کرده اند.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش مروری است که از طریق جست و جوی نظام مند مقالات موجود در پایگاههای معتبر از جمله google scholar, SID, magiran, با استفاده از کلید واژه های سرطان معده، عوامل خطر، ایجاد، پیشگیری و در پایگاه های pubmed, medline, civilica با استفاده از کلید واژه های (Creation, prevention, Gastric cancer, riskFactors) از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ صورت گرفت.

نتایج: تعداد ۱۹ مقاله پس از بررسی اولیه پیرامون موضوع، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد سرطانی شدن سلول ها در نتیجه دو عامل محیط و ژنتیک به وجود می آید. عوامل خطر محیطی موثر در ایجاد سرطان معده عفونت هلیکوباکتر پیلوری، شیوه سبک زندگی و سطح بهداشت می باشند. از طرفی سن بالا، جنس مذکر، نژاد آسیایی، چاقی، استفاده از سیگار، مصرف انواع گوشت های فرآوری شده، مصرف نمک و غذاهای نمک سود شده، سابقه جراحی معده و کم خونی با خطر بروز سرطان معده در ارتباط هستند. همچنین ارتباط بین وضعیت پایین اجتماعی اقتصادی، غلظت نیترات آب آشامیدنی و مواد غذایی با سرطان معده مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش روند بروز سرطان معده در کشورهای آسیایی بویژه ایران ورزش، داشتن برنامه غذایی مناسب شامل میوه ها و سبزیجات (غنی از آنتی اکسیدان و فیبر)، کاهش مصرف نمک و غذاهای نمک سود شده، عدم مصرف سیگار و مشروبات الکلی، پرهیز از خوردن غذاهای خیلی داغ و نکه داشتن وزن در رنج مطلوب جز راه کارهای بسیار مهم پیشگیری و کنترل سرطان معده محسوب می شوند. همچنین غربالگری جهت تشخیص زودرس این سرطان و درمان به موقع آن توصیه می شود.

واژگان کلیدی: سرطان معده، عوامل خطر، ایجاد، پیشگیری



تعیین کننده های اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای روستایی شهرستان مشهد؛ سال ۱۳۹۶

جواد جوان نوقایی، تورج هراتی خلیل آباد

مقدمه: امنیت غذایی بنیان جامعه توسعه یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی اعضای آن در راستای یک سبک زندگی سالم است که جزء اهداف راهبردی و اولویت های برنامه های بلندمدت چشم انداز بیست ساله توسعه کشور نیز می باشد. با اطلاع از وضعیت امنیت غذایی جامعه روستایی و عوامل مؤثر بر آن می توان به سیاستگذاران حوزه سلامت، طراحان برنامه های توسعه روستایی و سایر نهادهای متولی سلامت جامعه، برای رسیدن به سبک زندگی سالم و به تبع آن بهبود سطح سلامت در جامعه کمک ارزنده ای کرد. لذا هدف از این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای روستایی شهرستان مشهد می باشد.

روش کار: تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که به صورت مقطعی در روستاهای شهرستان مشهد انجام شد. برای جمع آوری داده های مربوط به وضعیت اجتماعی اقتصادی از پرسشنامه اطلاعات عمومی و به منظور بررسی وضعیت امنیت غذایی از پرسشنامه استاندارد USDA استفاده شد. برای این منظور یک نمونه ۴۰۰ نفری به صورت خوشه ای در سال ۱۳۹۶ وارد مطالعه گردید. به منظور تجزیه تحلیل داده ها از رگرسیون لجستیک در نرم افزار eviews ورژن ۸ استفاده گردید.

یافته ها: نتایج وضعیت امنیت غذایی نشان داد که تعداد ۴۰/۰۱ درصد خانوارها دارای امنیت غذایی هستند و مابقی خانوارها سطح متفاوتی از عدم امنیت غذایی را تجربه می کنند. نتایج حاصل از مدل لاجیت نشان دهنده رابطه معکوس بین درآمد سالیانه، وضعیت شغلی، سطح تحصیلات، وضعیت مالکیت، وضعیت اقلام زندگی، دسترسی به مرکز بهداشت و تحت پوشش سازمان حمایت کننده با شاخص عدم امنیت غذایی است؛ بیماری یکی از اعضای خانوار، تعداد افراد خانوار، فاصله روستا از شهر با سطح عدم امنیت غذایی رابطه مستقیم و معنی داری دارند.

نتیجه گیری: با وجود میزان بالای ناامنی غذایی در خانوارهای روستایی مورد مطالعه، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی و اجرای برنامه هایی در راستای اصلاح سبک زندگی و عادت های نامناسب غذایی در جامعه مورد مطالعه می تواند در ارتقای وضعیت تغذیه خانوار و در نتیجه بهبود سلامت جامعه مؤثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: امنیت غذایی، عوامل اجتماعی اقتصادی، مدل لاجیت، مشهد



پزشک خانواده و نظام ارجاع در استان هرمزگان: چالش‌ها و راهکارهای پیش روی توسعه

مجتبی مهترپور، دانشجوی دکتری سیاستگذاری سلامت، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

علی عزیزاده، دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

بتول احمدی، دکترای مدیریت خدمات بهداشتی، دانشیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

ابوالقاسم پوررضا، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
محمدفاروق خسروی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: استقرار پزشک خانواده و نظام ارجاع از مهمترین اصلاحات نظام سلامت کشور، علیرغم تصویب قانونی آن در برنامه‌های توسعه ملی، تاکنون محقق نشده است. مطالعه حاضر جهت بررسی چالش‌ها و راهکارهای بهبود اجرای این سیاست در استان هرمزگان انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها: مطالعه کیفی حاضر در سال ۱۳۹۴ با استفاده از تکنیک دلفی در سه دوره انجام پذیرفت. تعداد ۲۲ نفر از مدیران دانشگاه علوم پزشکی، مدیران شبکه بهداشت شهرستانهای استان، کارشناسان بیمه خدمات درمانی، اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و پزشکان خانواده شاغل در استان به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در مطالعه دلفی شرکت کردند.

نتایج: چالش‌ها و راهکارها در سه گروه ۱- عوامل مرتبط با ارائه دهندگان خدمت (چهار زیرگروه عوامل تولید، عوامل آموزشی، عوامل مدیریتی و عوامل انگیزشی) ۲- عوامل مرتبط با گیرندگان خدمت (سه زیرگروه محیط طبیعی استان، عوامل اقتصادی اجتماعی و عوامل فرهنگی) ۳- عوامل مرتبط با خریداران خدمت قرار گرفتند. کمبود نیروی انسانی و توزیع ناعادلانه، فرسودگی و کمبود فضاهای فیزیکی، پس‌خوراند ضعیف متخصصین، رهبری ضعیف تیم سلامت توسط پزشک و نادیده گرفتن امورات بهداشتی، امکانات رفاهی ضعیف، ماندگاری پایین، وسعت بالای استان و پراکندگی جمعیت، در صدد بالای خانوارهای آسیب‌پذیر، تخصص‌گرایی و تغییر رفتارهای مردم مانند مراجعه خانوادگی و تعدد بیمه‌ها از مهمترین چالش‌ها در گروه‌های مختلف بودند که به ترتیب راهکارهایی مانند تربیت نیروی بومی و جذب پزشکان ستادی، تامین فضای فیزیکی با کمک‌های مردمی، آموزش و نهادینه کردن ارجاع در دانشگاه‌ها، ایجاد تخصص پزشک خانواده و ارتقا منزلت اجتماعی آنان، بهبود شرایط رفاهی و تسهیلات سفر، تربیت نیروی بومی، ایجاد بلوک‌های سلامت و مسیرهای ارجاع و استفاده از تیم‌های سیار، شناسایی خانوارهای آسیب‌پذیر با هماهنگی کمیته امداد، بهزیستی و تخصیص متناسب منابع، ارتقا آگاهی و فرهنگ جامعه درباره نظام ارجاع، اراده سازمانهای بالادستی جهت تجمیع را پیشنهاد دادند.

نتیجه‌گیری: علیرغم تاکیدات اسناد بالادستی، استان هرمزگان برای استقرار بهینه طرح پزشک خانواده و نظام ارجاع راه‌درازی در پیش دارد. نتایج نشان می‌دهد زیرساخت‌های استان آمادگی استقرار این طرح را ندارند و با توجه به وسعت این برنامه و ضرورت مداخله ارگانها و نهادهای مختلف؛ اجرای این طرح ملی همکاری گسترده‌ای می‌طلبد.

واژگان کلیدی: پزشک خانواده، نظام ارجاع، راهکارها، چالش‌ها؛ استان هرمزگان



Health Locus of Control and its related factors among Iranian Pilgrims

Marzieh Moradi

Background and Aim: Health locus of control includes the degree of a person's belief in the fact that his/her health is controlled by internal or external factors. The aim of this study was to determine the status of health locus of control and its related factors among Iranian pilgrims .

Materials and Methods: This cross-sectional study was performed on 600 pilgrims of the holy shrines in Tehran in 2015. People aged over 15 years who had come for pilgrimage to the shrines entered the study by convenient sampling and after consent. The A form of the Multidimensional Health Locus of Control scale was used. This form consists of Internal Health Locus of Control (IHLC), Powerful others (PHLC) and Chance External Locus of Control (CHLC). The relation of between age, gender, education, income, marital status and location of residence on each construct was evaluated by t-test, ANOVA and linear regression through SPSS21 .

Results: Among the total pilgrims, 302 were females (50.3%). The mean age of the participants was 33.15 ± 11.06 years. The highest and lowest averages were associated with the internal locus of control (25.60 ± 3.34) and the chance locus of control (18.20 ± 5.13), respectively. There was a significant relationship between educational level and IHLC; between income and education level with CHLC; and between marital status and age with PHLC .

Conclusion: According to our results, most people think that they control their health or life events themselves. People with a higher internal locus of control score have more tendency to practice health promotion and disease prevention and seek health through visiting holy sites and appealing to God.

Keywords: *Health Locus of Control, Internal Health locus of Control, Chance, Powerful others, Iran*



بار اقتصادی پدیده سالمندی؛ مطالعه موردی شهر تهران

جواد جوان نوقابی، عزیز رضاپور، تورج هراتی خلیل آباد

مقدمه: سالمندی مرحله فیزیولوژیک غیرقابل پیشگیری زندگی است که به دلایل مهمی از جمله کاهش مرگ‌ومیر ناشی از پیشرفت علوم پزشکی، بهداشت، کنترل موالید، آموزش و پرورش و در نتیجه افزایش نرخ امید به زندگی مطرح شده است. هدف از این مطالعه بررسی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سالمندان مراجعه کننده به مراکز آموزشی درمانی منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران بود.

روش کار: این مطالعه مقطعی در بین ۴۰۰ سالمند مراجعه کننده به مراکز آموزشی درمانی فیروزگر و رسول اکرم (ص) تهران در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. معیار های ورود شامل افراد ۶۰ ساله یا بیشتر بودند که به مراکز آموزشی درمانی فیروزگر و رسول اکرم (ص) تهران مراجعه کرده بودند و معیار های خروج شامل افرادی بود که کمتر از ۶۰ سال سن داشتند و هم چنین افراد ۶۰ ساله یا بیشتر که توانایی یا تمایلی به پاسخ دادن به سوالات نداشتند. هزینه های مستقیم درمانی و غیر درمانی و هزینه های غیر مستقیم با استفاده از فرم گردآوری اطلاعات هزینه‌ای جمع آوری شدند. سپس داده های جمع‌آوری شده، توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در این مطالعه میانگین هزینه‌های کل سالمندان برای یک دوره ی یک ماهه حدود ۳۸۰۱۰۸۱ ریال برآورد گردید. هزینه‌های مستقیم درمانی با میانگین ۲۹۹۲۲۷۶ ریال بیشترین سهم و هزینه‌های غیر مستقیم با میانگین ۲۱۷۰۸۸ ریال کمترین سهم را از کل هزینه های سالمندان تحت بررسی داشتند. هزینه‌های هتلینگ با میانگین ۹۴۰۴۹۹ ریال بالاترین رقم هزینه های مستقیم درمانی را در بین سالمندان تحت بررسی دارا بود و بعد از آن هزینه های دارو با میانگین ۷۳۶۳۹۰ ریال در جایگاه بعدی بیشترین هزینه ی مستقیم قرار گرفت. بالاترین رقم هزینه های مستقیم غیر درمانی در سالمندان تحت بررسی مربوط به هزینه ی تجهیزات کمکی با میانگین ۲۴۵۸۲۴ ریال بود.

نتیجه گیری : با توجه به اینکه هزینه های مستقیم غیردرمانی و هزینه‌های غیرمستقیم بیش از ۲۰ درصد هزینه‌های سالمندان را تشکیل داده‌اند، لذا در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای نظام سلامت می‌بایست هزینه‌یابی از دیدگاه جامعه را در دستور کار قرار داد و برای تخصیص منابع برای سلامت سالمندان باید به تمام اجزای هزینه اعم از هزینه‌های مستقیم درمانی، هزینه‌های مستقیم غیردرمانی و هزینه‌های غیرمستقیم توجه نمود.

واژگان کلیدی : پدیده سالمندی، اقتصاد سلامت، بار اقتصادی، ایران



بررسی تاثیر آموزش الکترونیکی، مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقاء رفتارهای پیش گیری کننده از سوانح ترافیکی در دانش آموزان پسر دبیرستانی

ابراهیم تیموری، کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

محمد مطلبی، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم پزشکی گناباد

رضا اسماعیلی، دکترای تخصصی اقتصاد بهداشت، عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم پزشکی گناباد
راضیه جعفری زاده، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

زمینه و هدف: حوادث ترافیکی عامل مهم، مرگ و میر و معلولیت به خصوص در بین نوجوانان است و ساده ترین راه پیشگیری از آن آموزش و اشاعه فرهنگ ترافیک در جامعه است. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش الکترونیکی بر ارتقای رفتارهای پیشگیرانه از حوادث ترافیکی انجام شد.

روش بررسی: مطالعه یک کارآزمایی میدانی شاهددار بود که بر روی ۶۶ دانش آموز دبیرستانی پسر شهر تربت حیدریه، در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه های پژوهش بصورت تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود که در سه مرحله، قبل، بلافاصله و دو ماه بعد از آموزش تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در قبل از مداخله دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک، رفتار و سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده تفاوت معنی داری نداشت. اما در گروه مداخله بلافاصله و دو ماه بعد، تفاوت آماری معنی داری بین میانگین نمرات سازه های مدل مشاهده شد ($p < 0/001$). آزمون رگرسیون خطی نشان داد که سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده توانسته اند در مجموع $82/8$ درصد قصد رفتاری را پیش بینی کنند که قویترین سازه پیشگوی کننده، سازه قدرت درک شده ($\beta = 0/437$) و بعد از آن سازه انگیزه برای پیروی ($\beta = 0/352$) بود. همچنین قصد انجام رفتار توانسته است به میزان $70/4$ درصد رفتار را پیش بینی کند.

نتیجه گیری: براساس یافته های این مطالعه، آموزش از طریق تلگرام در یادگیری رفتارهای پیشگیری کننده از حوادث ترافیکی موثر می باشد و در مقایسه با مطالعات مشابه، تاثیر بیشتری بر سازه های تئوری رفتار برنامه ریز شده، بخصوص قصد انجام رفتار را دارد. آموزش با استفاده از شبکه های اجتماعی تلگرام، با رعایت اصول علمی و فنی، روش مناسبی برای آموزش رفتارهای بهداشتی می باشد.



بررسی تاثیر آموزش مدیریت استرس به شیوه شناختی - رفتاری بر رسیدگی به خود و تنظیم هیجانی بیماران دیابت نوع ۲

سعید عابدی، کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

ابراهیم تیموری، کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

مهدی امیری، استادیار، گروه روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش مدیریت استرس به شیوه ی شناختی - رفتاری بر تنظیم هیجانی و رسیدگی به خود بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: بدین منظور با بهره گیری از پرسشنامه ی رسیدگی به خود و تنظیم هیجانی گرانفسکی، از میان تعداد ۲۰ نفر از بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ که در مراکز بهداشتی درمانی شهرستان تربت حیدریه دارای پرونده بودند انتخاب گردیدند. این افراد بصورت تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. روش آموزش مدیریت استرس برای گروه آزمایش اجرا و برای گروه گواه جلسات با موضوع غیر مرتبط برگزار گردید و در نهایت پرسشنامه ها بررسی و پس از تحلیل آماری نتایج به دست آمد.

یافته ها: در مجموع یافته های کمی و کیفی حاصل از مطالعه نشان داد که آموزش مدیریت استرس بصورت محسوسی در افزایش رسیدگی به خود بیماران تاثیر داشته است. همچنین در خرده مقیاس های تنظیم هیجانی شامل نشخوار ذهنی، توجه مجدد به برنامه ریزی، بازآرزیابی مثبت، اتخاذ دیدگاه، توجه مجدد مثبت و سرزنش خود تفاوت معنی داری را نشان داد که نشان دهنده تاثیر آموزش مدیریت استرس بر مولفه های تنظیم هیجان بوده است. در خرده مقیاس پذیرش و سرزنش دیگران تفاوت معنی داری بدست نیامد.



بررسی عوامل مرتبط خود درمانی با دارو در دانشجویان دانشگاه‌های ایران: مرور نظام‌مند

فاطمه واعظ، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

میلاد غریب، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسم زاده، دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: خوددرمانی با دارو، جزء مهمی از رفتار پزشکی افراد است که طی آن بیمار سعی می‌کند مشکلات مربوط به سلامت خود را، خود کنترل و مداوا کند. با توجه به شیوع رو به افزایش مصرف خودسرانه دارو، مطالعه حاضر با هدف تعیین دلایل خوددرمانی و ارتباط آن با سن و جنس در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران انجام شد.

مواد و روشها: در این مطالعه مروری، با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر SID، Magiran، Pubmed و به کارگیری واژگان کلیدی خوددرمانی، دارو و دانشجویان مقالات مرتبط با موضوع شناسایی شد و ۲۸ مقاله از سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار گرفت که از ۱۰ مقاله در این مطالعه مروری بهره کامل گرفته شد.

نتایج: نتایج حاصل از مطالعه مقاله واجد شرایط نشان داد، خوددرمانی در زنان نسبت به مردان بیشتر می‌باشد. همچنین بیشترین علت خوددرمانی تب و سردرد، تجویز نسخه مشابه از سوی پزشک، استفاده قبلی از دارو و بهبودی علائم بود. بیشترین داروهای مورد استفاده در خوددرمانی نیز به مسکن، آنتی بیوتیک‌ها، داروهای ضدسرفه و سرماخوردگی اختصاص داشت. **نتیجه گیری:** با توجه به شیوع بالای خوددرمانی با دارو در بین دانشجویان، لازم است ضمن توجه بیشتر به آموزش مداوم و ارتقای فرهنگ مصرف دارو، افزایش دسترسی آسان به خدمات پزشکی از جمله تقویت جایگاه پزشک خانواده، رفتار پزشکی مردم بخصوص قشر جوان و آسیب‌پذیر دانشجو را تصحیح کرد و انگیزه آنان را نسبت به درمان اصولی بیماری‌ها افزایش داد.

واژگان کلیدی: خوددرمانی، دارو، دانشجویان



بررسی فراوانی و عوامل موثر در افت تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان در سال تحصیلی ۱۳۹۵

سجاد رحیمی پردنجانی، دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

گوهر کمی، کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

سهراب ایرانپور، دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: افت تحصیلی دانشجویان همواره به عنوان یکی از عمده ترین چالش های نظام آموزشی مطرح بوده است. این مطالعه با هدف تعیین فراوانی و عوامل موثر در افت تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است که ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت دامغان به روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده و پرسشنامه طرح تحقیقاتی بین آنها توزیع گردید. داده ها از طریق پرسشنامه معتبر جمع آوری شدند و دانشجویان برحسب معدل کلاسی و ترمهای مشروطی به ۲ دسته دانشجویان دارای افت تحصیلی و فاقد افت تحصیلی تقسیم گردیدند، بدین صورت که دانشجویان با کاهش یک نمره ای معدل نسبت به معدل ترم قبل و یا مشروط شدن در ترم قبل بعنوان دانشجویان دارای افت تحصیلی و سایر دانشجویان به عنوان دانشجویان فاقد افت تحصیلی در نظر گرفته شده اند سپس داده ها وارد کامپیوتر شده و توسط نرم افزار آماری SPSS با استفاده از آزمونهای کای دو، t، مستقل و آنالیز واریانس مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج: میانگین سنی دانشجویان ۲۲،۷۷ و فراوانی افت تحصیلی بر اساس معدل و ترم های مشروطی ۱۴٪ (۲۱ نفر) بود. بیشترین فراوانی در بین دانشجویان رشته بهداشت عمومی با ۱۹،۴٪ (۸ نفر) مشاهده شد و فراوانی افت تحصیلی در میان جنس مونث بیشتر از جنس مذکر است. بین افت تحصیلی با وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی، معدل دبیرستان دانشجویان ارتباط معنا داری وجود داشت. همچنین در میان عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی حضور در کلاس درس، علاقه به رشته تحصیلی، دقت و تمرکز در کلاس درس و نحوه انتخاب رشته با افت تحصیلی ارتباط معنا داری یافت شد.

نتیجه گیری: با توجه به اختلاف معنی دار در بسیاری از ویژگی های فردی و تحصیلی بین دانشجویان دارای افت تحصیلی و فاقد افت تحصیلی، توجه و برنامه ریزی خاص در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: دانشجویان، افت تحصیلی، دامغان



رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری در زنان شاغل؛ با نقش واسطه تعارض کار-خانواده

محترم ذبیحی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
Elhamzabihi213@yahoo.com

قهرمان محمودی؛ دانشیار مرکز تحقیقات مدیریت بیمارستان، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

قاسم عابدی؛ دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
حدیث گردکلی؛ دکترای حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی مازندران، شبکه بهداشت و درمان، چالوس، ایران

حسین اسمعیلی گلسفید؛ کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی مازندران، شبکه بهداشت و درمان، چالوس، ایران

رحمت الله بیابانی؛ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی مازندران، شبکه بهداشت و درمان، چالوس، ایران

مقدمه: موضوع کیفیت زندگی عمومی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی اختصاصی کاری از مقوله های مهم و حیاتی در سازمان های امروزی است همچنین تعارض کار- خانواده پدیده مهمی است که هم کارمندان و هم کارفرمایانشان را تحت تأثیر قرار می دهد. این مطالعه به تعیین رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری در زنان شاغل با نقش واسطه تعارض کار- خانواده می پردازد.

روش کار: پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی بوده که در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جامعه پژوهش، زنان شاغل در معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بودند که ۳۵۱ نفر به روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های استاندارد کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF)، کیفیت زندگی کاری کاسیو و تعارض کار خانواده کارلسون جمع آوری و نتایج با کمک نرم افزار SPSS 24 و AMOS 22 تحلیل شد.

یافته ها: رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری در زنان شاغل معنی دار بوده ($P=0/009$) و بین کیفیت زندگی عمومی با تعارض کار نیز رابطه منفی معنی داری وجود داشت ($P=0/009$). در بررسی ها اثر میانجی گری متغیر تعارض کاری، بین کیفیت زندگی عمومی و کیفیت زندگی اختصاصی کاری، معنی دار نبود ($P=0/199$).

نتیجه گیری: از آنجا که کیفیت زندگی عمومی اثر مستقیمی بر کیفیت زندگی اختصاصی کاری زنان شاغل داشته با برنامه ریزی صحیح و برگزاری دوره های آموزشی مدون برای کارمندان به ویژه زنان شاغل بخش بهداشتی در جهت افزایش کیفیت زندگی عمومی، می توان شاهد افزایش کیفیت زندگی کاری و کاهش تعارض کار آنان بود.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی کاری، تعارض کار- خانواده، زنان شاغل



سنجش میزان کارآیی فنی بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تبریز قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت به روش تحلیل پوششی داده ها و شاخص مالک کوئیست

سعید حسینی برقزن؛ مرکز تحقیقات اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران
اکبر جوان بی پروا؛ مرکز تحقیقات اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: فرآیندها و عملکردهای بیمارستان های دولتی به طور عمده تحت تاثیر اصلاحات مربوط به طرح تحول نظام سلامت قرار گرفته اند که یکی از آنها کارآیی و الگوی استفاده از منابع در اختیار بیمارستان ها می باشد. این مطالعه با هدف بررسی کارآیی فنی بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تبریز در طی سال های قبل و بعد از اجرای اصلاحات مربوط به طرح تحول (۱۳۹۵-۱۳۹۰) انجام گرفته است.

روش کار: مطالعه از نوع نیمه تجربی از روش مطالعات قبل و بعد و داده ها شامل اطلاعات و شاخص های عملکردی تعداد ۷ بیمارستان آموزشی و درمانی علوم پزشکی تبریز در طول سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بودند که توسط معاونت درمان آن دانشگاه در اختیار پژوهشگران قرار گرفتند. مدل های مختلف از تحلیل پوششی داده ها به منظور تعیین نمرات کارآیی فنی بیمارستان ها (داده و ستاده محور) استفاده گردید و همچنین از نرم افزار DEAP استفاده کرده و از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون استفاده شد.

یافته ها: نمره میانگین کل بیمارستان های مورد مطالعه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به ترتیب مقادیر ۰,۹۰۹، ۰,۹۰۶، ۰,۹۰۶، ۰,۹۱۰، ۰,۹۱۹، ۰,۹۰۶ بدست آمد. نتیجه آزمون ویلکاکسون، مقدار p -value عدد ۰,۱۷۳ بدست آمد. در ارتباط با رگرسیون کردن متغیر کارآیی فنی بر روی طرح تحول به مقدار R^2 0.282 دست یافتیم.

نتیجه گیری: این مقدار به دست آمده از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون بیشتر از سطح معنی داری ۰,۰۵ و به معنی عدم وجود دلایل کافی برای رد فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت معنی دار میانگین کارآیی طی دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح تحول و عدم تاثیر معنی دار این طرح بر کارآیی فنی بیمارستان ها می باشد. همچنین مقادیر کارآیی فنی هم طی سال های قبل (۰,۹۰۷) و هم بعد از اجرای طرح تحول (۰,۹۱۲) نمرات بسیار بالایی گرفته اند. مقدار R^2 نشان می دهد مقادیر کارآیی فنی با طرح تحول همبستگی مثبت و ضعیف دارند.

واژگان کلیدی: کارآیی فنی، اصلاحات نظام سلامت، تحلیل پوششی داده ها، بیمارستان های علوم پزشکی تبریز



عوامل موثر بر مصرف صبحانه در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اسفراین

سمیه کاظمیان؛ دانشجوی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
احمد صادقی؛ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

مریم سیاوشی؛ دانشجوی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
حسین روحانی؛ دکترای آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
Email:hoseinrohani3@gmail.com

مقدمه: تغذیه مناسب برای حفظ سلامت در طول حیات ضروری است و عامل مهمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به شمار می آید. همچنین در زمینه ی تغذیه ی مناسب صبحانه به عنوان مهمترین وعده غذایی روزانه شناخته شده است، به طوری که نقش به سزایی در رشد و ارتقای آموزشی دانش آموزان دارد. این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر مصرف صبحانه در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اسفراین در سال ۹۶ انجام شد.

روش کار: این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۳۱۲ دانش آموز مقطع ابتدایی شهر اسفراین که به صورت خوشه ای نمونه گیری شده بودند، انجام گرفته است. داده ها به کمک پرسشنامه ای شامل سوالات دموگرافیک و تغذیه ای و به روش مصاحبه و خود اظهاری جمع آوری شد. مطالعه ی مقدماتی نشان داد که پرسشنامه ی مطالعه ی حاضر از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. داده ها با استفاده از آزمون های آماری ANOVA و t-Test در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین سنی دانش آموزان شرکت کننده در مطالعه 9.8 ± 0.61 و ۵۰٪ از آنها پسر بودند. یافته ها حاکی از آن بود که ۹۷٫۷ درصد از دانش آموزان صبحانه مصرف می کردند و به طور میانگین مصرف صبحانه در ۶ روز از هفته را گزارش کرده اند. اغلب دانش آموزان تمایل داشتند صبحانه خود را به همراه خانواده مصرف کنند (۸۶/۵٪). همچنین ۸۱٪ از آنها تمایل داشتند در منزل صبحانه صرف کنند. بیشترین گروه غذایی که دانش آموزان استفاده کرده اند گروه نان و غلات (۹۴/۴٪)، و کمترین گروهی که استفاده کردند گروه میوه جات (۷/۴٪) بوده است. نتایج نشان داد بین مصرف صبحانه و تحصیلات پدر ($P: 0.024$)، نوع مدرسه ($P: 0.008$) و ساعت خواب در شب ($P: 0.003$) ارتباط معناداری وجود دارد. در صورتی که بین مصرف صبحانه و جنسیت ($P: 0.0519$)، مقطع تحصیلی ($P: 0.0263$)، تحصیلات مادر ($P: 0.0256$)، تعداد فرزندان خانواده ($P: 0.0447$)، رتبه فرزندان ($P: 0.0897$)، شغل پدر ($P: 0.0274$)، شغل مادر ($P: 0.0520$)، ساعت بیداری در صبح ($P: 0.0322$)، سن مادر ($P: 0.053$)، سن پدر ($P: 0.0461$) و مکان مصرف صبحانه ($P: 0.0135$) ارتباط معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری : نتایج نشان میدهد که میزان مصرف صبحانه در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اسفراین در حد مطلوبی قرار دارد در همین راستا لازم است برای حفظ و ادامه ی روند فعلی برنامه ریزی های لازم صورت گیرد.

واژگان کلیدی: مصرف صبحانه، دانش آموزان، شهرستان اسفراین



مروری بر بیماری ها و اختلالات جسمانی مرتبط با کمبود با ویتامین D

پیام آذین، کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده پرستاری و ومامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
سید محمود حسینی، کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده پرستاری و ومامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

آرام حلیمی، کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده پرستاری و ومامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: ویتامین D یک ویتامین محلول در چربی است که بدن می تواند ۹۰ درصد نیازش به این ویتامین را از طریق نور خورشید جذب نماید. اخیراً مطالعات زیادی در زمینه ارتباط ویتامین D با بیماری های مختلف انجام شده است ولی مطالعات بصورت پراکنده و موردی بوده و مطالعه ای که تمامی اختلالات ناشی از کمبود ویتامین D را که تاکنون در پژوهش های مختلف به اثبات رسیده، بصورت متمرکز بررسی نماید انجام نگرفته است. لذا این مقاله با مروری بر متون موجود به بررسی این مورد پرداخته است.

روش کار: مطالعه حاضر با استفاده از کلیدواژه های بیماری، اختلالات جسمانی و ویتامین D در پایگاه ها و بانک های اطلاعاتی Magiran, Sid, Pubmed, Google scholar و ScienceDirect در تاریخ ۲۰ اسفند ۹۶ جست و جو شد که ۴۶ مقاله یافت و با توجه به معیارهای ورود به مطالعه ۲۶ مقاله شامل ۱۶ مقاله لاتین و ۱۰ مقاله فارسی برای نگارش نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: با توجه به مطالعات انجام شده، ویتامین D یکی از ویتامین های حیاتی بدن انسان می باشد که ۴۲,۸٪ از جمعیت ایران با کمبود این ویتامین مواجه هستند که بنابر بررسی های صورت گرفته با اختلالاتی نظیر: راشیتیزم در کودکان، استئومالاسی، استئوپروز، مالتیپل اسکلروزیس (MS)، دیابت (بویژه دیابت نوع ۲)، چاقی، افسردگی، سرطان (به ویژه سرطان روده بزرگ) بیماری قلبی، زوال عقل و دلیریوم ارتباط مستقیم دارد.

نتیجه گیری: نظر به اینکه کمبود این ویتامین می تواند مشکلات بسیاری را برای بدن ایجاد کند لذا باید برنامه هایی برای غربالگری دقیق سطح ویتامین D در سطح جمعیت صورت بگیرد و آموزش های مرتبط به منظور پیشگیری از کاهش سطح این ویتامین که منبع اصلی آن خورشید است، در جامعه ارائه شود. آموزش هایی از قبیل: قرار گرفتن به میزان کافی در معرض نور خورشید، عدم استفاده از لوازم آرایشی، استفاده از مکمل های ویتامین D و نیز چکاپ سطح ویتامین D به میزان ۲ مرتبه در سال.

واژگان کلیدی: بیماری و اختلالات جسمانی، ویتامین D، مروری



بررسی رفتار های پیشگیری کننده از شیوع پدیکلوزیس در دانش آموزان مدارس دخترانه شهر تربت حیدریه مبتنی بر الگوی پرسید سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

ابراهیم تیموری، کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

هدایت الله شمس، عضو هیئت علمی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

محمد مطلبی، استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

الهام بهره مند، دکترای حرفه ای پزشکی عمومی، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

سعید عابدی، کارشناس ارشد روانشناسی، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

مقدمه: پدیکلوزیس در بسیاری از کشورهای جهان یک آلودگی آندمیک و یکی از شایعترین آلودگیها در دوران کودکی است و از طرفی از آلودگی های شایع دوران مدرسه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. دلایل مختلفی از جمله تراکم جمعیت، کوچ روستائیان به شهر و حاشیه نشینی با حداقل امکانات بهداشتی و رفاهی از عوامل موثر در شیوع آلودگی است. این مطالعه با هدف پیش بینی رفتارهای پیشگیری کننده از آلودگی به پدیکلوزیس براساس الگوی پرسید در دانش آموزان دختر انجام شد.

روش ها: مطالعه حاضر یک بررسی مقطعی توصیفی تحلیلی است که روی ۱۶۶ نفر از دانش آموزان دختر پایه سوم ابتدایی شهر تربت حیدریه انجام شد. نمونه ها به روش نمونه گیری تصادفی دومرحله ای و خوشه ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که روایی و پایایی آن به تایید رسید. تجزیه و تحلیل داده ها با آزمون های توصیفی و تحلیلی از جمله رگرسیون خطی چندگانه انجام شد.

نتایج: میانگین سنی دانش آموزان مورد بررسی $9/18 \pm 0/4$ سال بود. میانگین عوامل مستعد کننده (آگاهی $14/32 \pm 1/26$ و نگرش $12/3 \pm 1/7$ و باور $12/14 \pm 5/6$) و عوامل قادر کننده $16/41 \pm 2/17$ و عوامل تقویت کننده $11/82 \pm 3/47$ و عملکرد $10/56 \pm 2/48$ بود که به ترتیب میانگین عوامل قادر کننده و عوامل مستعد کننده بیشتر از بقیه سازه ها بود. آزمون ضریب همبستگی نیز بین رفتار های پیشگیری کننده از آلودگی به پدیکلوزیس و عوامل قادر کننده و عوامل مستعد کننده همبستگی معنی داری نشان داد. عوامل تقویت کننده و بهداشت فردی شامل شانه زدن به موها، بعنوان پیشگویی کننده نهایی رفتار تعیین شدند.

نتیجه گیری: با ارائه آموزش های لازم در مورد رفتارهای پیشگیری کننده از آلودگی به پدیکلوزیس و با تکیه بر عوامل تقویت کننده و تسهیل عوامل قادر کننده، و تکنیک های بهداشت فردی میتوان در بهبود عملکرد دانش آموزان تاثیر گذاشت.



Cost analysis of patients admitted to the emergency department following accidents according to their epidemiologic and demographic factors in southeastern of Iran

Sina Etemadi; BSc in Health Services Management, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Behzad Mohammadi ; MSc in Health Economics, faculty of Health, Department of Health Services Management, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Yahya Jafari; BSc in Health Services Management, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Reza Hashempour; MSc in Health Economics, Department of Health Management and Economics, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran hreza1992@yahoo.com

Mehran Karvar; Medical School, Kerman University of Medical Sciences

Marjan Hedayati Pour; BSc in Health Services Management, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Introduction: Road traffic accidents (RTAs) are among the leading causes of death worldwide. Epidemiological analysis of traffic accidents can provide information for future plans to lower the cost and burden of RTAs. We aimed to determine the epidemiological characteristics of patients with RTAs in a trauma center in southeastern Iran.

Method: All patients who referred to the Emergency Department of Bahonar Hospital in the city of Kerman due to RTAs, during the year 2016 were investigated. A checklist including variables such as age, sex, month in which the patient referred, final outcome, overall cost and the site of injury was used to collect data. The diagnostic criteria were in accordance to ICD 10.

Results: Of the total of 3277 patients who were studied, 2713 (82.78%) were men and 564 (16.66%) were women. Most of the accidents occurred in the age group of 16-30 years and the average cost of treatment in hospital was 2152.45 USD. Also, the most affected area was the lower limb. Majority of accidents occurred in spring and summer. Ninety (2.74%) injured patients died.

Conclusion: Injuries and deaths due to (RTAs) are a major public health problem in this country, especially in young age groups. Therefore, more preventive programs targeting young adults should be considered to reduce the burden of RTAs.

Keywords: *Epidemiological, Cost Analysis, Hospital, Accident*



Seroepidemiological survey of visceral leishmaniasis (Kala-Azar) in Ardabil province during 2012-2016

Molaie soheila; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr
Moheballi Mehdi1; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

D Emdadi ;Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Modares-Sadrani : Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Saba Rahmati kelasraei; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Mahsa Gharibi Asl1 ;Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Introduction: Leishmaniasis is one of neglected tropical disease divided into visceral, cutaneous and muco-cutaneous forms. Visceral leishmaniasis, is the most acute form of leishmaniasis which is fatal if not diagnosed early and left untreated. At the present time, VL caused by *Leishmania infantum* is recognized as an important parasitic disease in Iran. The VL is endemic in five provinces of the country, including Ardabil, East Azerbaijan, Fars, Bushehr and Qom provinces. The aim of the study was to review the seroepidemiological studies of VL in Ardabil province during 2012-2016.

Method: In this descriptive, analytical study, studies which have been carried out from 1986 through 2009 in Northwestern Iran about clinical, diagnostic and epidemiological features of Kala azar, using DAT, were reviewed. Collected data were analyzed using the SPSS 21 software.

Results: In total, 48 of human visceral leishmaniasis were detected by direct agglutination test (DAT) in Ardabil province, 20 (41.6%) of them were from Meshkin-shahr district, 18 (37.5%) cases were from Moghan district (parsabad and germi), and 10 (20.9%) cases were from Ardabil district. 25(52%) were been were hospitalized in pediatric wards. Ninety eight percent of the cases were under 10 years old while only 0.5% of the VL cases were 20 years old and 17% of them were under 1 year of age.

Conclusion: Currently, Kala-Azar is the most important endemic disease in Northwestern of Iran, particularly in Ardabil province. On the other hand, the disease was seen in new foci such as Parsabad and must be noticed carefully.

Keywords: *Visceral Leishmaniasis (kala-azar), Seroepidemiology, Human, Ardabil*



وضعیت کنترل همه‌گیری بیماری‌های عروق کرونر قلب در ایران و کشورهای منتخب: یک مطالعه تطبیقی

ویدا صادق زاده؛ دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

کاتیون جهانگیری؛ دانشیار، گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران k.jahangiri@sbmu.ac.ir

محمود محمودی مجدآبادی فراهانی؛ استاد، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

ماه منیر محمدی؛ استادیار، گروه قلب، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: ارزیابی و کنترل مناسب عوامل خطر ساز بیماری‌های عروق کرونر قلب برای پیشگیری از حمله‌های قلبی عروقی و بهبود سطح سلامت جامعه بسیار مهم است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه وضعیت کنترل همه‌گیری بیماری‌های عروق کرونر قلب در ایران و کشورهای منتخب انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش به صورت تطبیقی در ۱۱ کشور با معیارهای مشخص انجام شد. بانک‌های اطلاعاتی شامل مدلاین، پاپ‌مد، رزنت، الزویر و گوگل اسکولار با کلیدواژه‌های "بیماری‌های غیر واگیر، بیماری‌های عروق کرونر قلب، بیماری‌های قلبی عروقی و کنترل همه‌گیری" می‌باشد. تعداد ۹۰ مقاله چاپی و الکترونیکی به دست آمد. داده‌ها با استفاده از "چک لیست کنترل همه‌گیری بیماری‌های عروق کرونر قلب" "Check List of Control on the Epidemic of Heart Coronary Artery Diseases" در ۵ حیطه و ۳۵ عبارت جمع‌آوری شد. شاخص روایی محتوای با نظرات ۱۷ نفر از خبرگان و پاپایی به روش آلفای کرونباخ با شرکت ۱۲ نفر متخصص اندازه‌گیری و تایید شد. یافته‌های به دست آمده در جداول تطبیقی قرار گرفتند.

یافته‌ها: شباهت‌های وضع موجود کنترل همه‌گیری بیماری‌های عروق کرونر قلب عبارت بودند از: در همه کشورهای عوامل خطر مشترکی در ابتلا به بیماری‌های عروق کرونر قلب نقش دارند. غالب کشورها در ساختار خود، دارای نظام‌های پاسخگو برای کنترل و پیشگیری از بیماری‌های عروق کرونر قلب بودند. تفاوت‌ها شامل شاخص‌های مهمی مثل سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی و سهم سلامت از هزینه‌های عمومی دولت، هزینه‌های اجتماعی سلامت از هزینه‌های عمومی دولت و نیز سهم اختصاص یافته به بخش سلامت از کل هزینه دولت بود. بعلاوه، پرداخت هزینه سلامت از جیب مردم در ایران و کشورهای منتخب، تفاوت‌های زیادی را نشان داد.

نتیجه‌گیری: مقایسه نظام‌های پاسخگو، تامین مالی سلامت و عوامل خطر بیماری‌های عروق کرونر قلب در ایران و کشورهای منتخب، تفاوت‌ها و تشابهاتی را نشان داد. ایجاد یک چارچوب سیاست‌گذاری در تدوین وضع مقررات و آموزش همگانی برای پیشگیری و کنترل بیماری‌های عروق کرونر قلب پیشنهاد می‌شود.



بررسی شیوع شب ادراری و ریسک فاکتورهای آن در کودکان پیش دبستانی؛ مرور سیستماتیک

اسما بابایانی؛ دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

محسن فلاحی؛ دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

مقدمه: شب ادراری به حالات مختلف از عدم کنترل ادرار و دفع ناگهانی و بی اختیاری آن گفته می شود که می تواند منشا اثرات مختلف مضرى مانند اختلالات روانی، آشفتگی، اعتماد به نفس پایین و ... برای کودک باشد. لذا هدف از این پژوهش مروری بر شیوع شب ادراری و ریسک فاکتورهای آن در کودکان پیش دبستانی می باشد.

روش کار: این پژوهش از نوع مروری بوده و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی علمی انگلیسی زبان مانند PubMed و SienceDirect و نیز پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان شامل Google scholar، SID، Magiran، elmnet با کلید واژه ها شیوع، شب ادراری، کودکان پیش دبستانی، preschool children، nocturnal enuresis، prevalence از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ صورت گرفته است. در مجموع ۴۰ مقاله به دست آمد که ۲۱ مقاله انتخاب و بررسی شد. در این پژوهش از مطالعات توصیفی، تحلیلی و مداخله ای بهره گرفته شده است.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که شب ادراری از اختلالات شایع و مسئله ساز کودکان است که شیوع آن از ۲/۳ درصد تا ۲۵ درصد متغیر است. تحقیقات انجام شده در ایران شیوع این اختلال در شهر های گناباد، سنندج و زاهدان را به ترتیب ۸/۸، ۸/۶، ۵/۶ درصد گزارش کرده اند. بین ۱۵ تا ۳ درصد از کودکان ۶ ساله حداقل یک شب در ماه جای خیس می کنند. همچنین مطالعات نشان می دهد که بین شب ادراری و پلی اوری شبانه، ظرفیت عملکردی کم مثانه، خواب عمیق، سابقه ی خانوادگی مثبت، یبوست، نارسایی مزمن کلیه، پرکاری تیروئید، عفونت ادراری، عفونت انگلی، لوزه ی سوم، تنفس دهانی عادت، گرفتگی شیپور استنشاق، دیابت، بیماری سیکل سل، استرس های ناشی از حوادث، ناخن جویدن، دندان قروچه، مشاهده ی فیلم ها و بازی های ترسناک کامپیوتری، تولد فرزند جدید در خانواده، اضطراب جدایی، فوریت ادراری در روز، تنبیه بدنی، ژنتیک و جنسیت مرد رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد ولی بین رتبه ی تولد و مشکلات مالی و اقتصادی خانواده، لکنت زبان با شب ادراری رابطه ی معنا دار وجود ندارد. اطلاعات در خصوص ارتباط بین سطح تحصیلات والدین و شب ادراری کودکان ضد و نقیض مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعات پیشنهاد می شود مدارس، مهد کودک ها، محیط های بهداشتی و دیگر مکان های مرتبط با کودکان نسبت به تشخیص این اختلال در کودکان زیر مجموعه ی خود اقدام کرده و درمان زود هنگام این اختلال را مد نظر قرار دهند و مسئولان و دست اندرکاران مرتبط با کودکان عوامل مرتبط با این اختلال را بیشتر مورداهتمام قرار دهند و اقدامات پیشگیرانه ی بعدی را در نظر گیرند.

واژگان کلیدی: شیوع، شب ادراری، کودکان پیش دبستانی



Trend in Geographical inequalities in mortality from road traffic accidents in the Iran, 2006-2015

Fatemeh Shahbazi; MSc Candidate of Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Hamid Soori; Professor of Epidemiology, Department of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Soheila Khodakarim; Assistant professor of Biostatistics, Department of Epidemiology, School of paramedical science, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Seyed Saeed Hashemi Nazari; Assistant professor of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Ghadirzadeh; Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Organization, Tehran, Iran.

Background: Road traffic accident (RTA) is one of the major public health problem in the worldwide, especially in developing countries. RTAs have become the first leading cause of burden of disease and the second leading cause of death in Iran. The epidemiological aspects of mortality from RTAs are explored in Iran but Inequality in this problem and its trend not explored in this country. Inasmuch as effective measures to reduce the negative influence of road crashes would require understanding of different contributing factors such as disparities, this article examines geographical inequality in mortality from RTAs over the last decade in Iran.

Materials and Methods: We performed a cross-sectional analysis of RTAs included in the legal medicine organization data bank between 2006 and 2015. We used theil index and index of disparity to estimate geographical inequality in mortality from RTA. Linear regression analysis was applied to investigate the trend of geographical inequality in RTA deaths. Data were analyzed using Stata software and DASP statistical package.

Results: Totally, 210582 RTA deaths occurred in during the study period of which, 149,545 were happened in outside city roads and 61,128 were in inside city roads. Age adjusted mortality rate due to RTAs in our study decreased from 41.50 per 100,000 in 2006 to 21.50 in 2015. The same decreasing trend was also observed when we analyzed RTAs mortality rates by inside and outside city roads. Although overall RTA death rates declined during this period, geographical inequality in mortality from RTA have worsened over time.

Conclusion: The findings of this study indicate that there is a geographical inequality in mortality from RTAs in Iran. This implies that effective interventions in reducing the RTAs should be distributed equally among regions of the country. Further research should investigate the causes of this inequality.

Keywords: *Geographical inequality, mortality, Road traffic accident, trends.*



Socioeconomic inequality in mortality from road traffic accident in Iran 2006-2015

Fatemeh Shahbazi [†]MSc Candidate of Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Hamid Soori [†]Professor of Epidemiology, Department of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Soheila Khodakarim [†]Assistant professor of Biostatistics, Department of Epidemiology, School of paramedical science, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Sayed Saeed Hashemi Nazari [†] Assistant professor of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background: Although epidemiology of road traffic accidents (RTAs) and their determining factors have been extensively investigated and debated in the Iran; yet there is no data regarding socioeconomic inequalities in mortality from RTA in Iranian context. Since effective interventions to control, management and diminish the negative influence of RTAs would require understanding of numerous contributing factors, including the inequalities The objective of this paper is to quantify for the first time the socioeconomic differential in mortality or injuries from RTAs.

Materials and Methods: All people who died and injured from Road traffic accident from March 2015 to February 2016 was selected. The data were taken from traffic police department in Iran. We calculate concentration index (CI) to measure socioeconomic inequality in traffic related mortality & injury. Data were then analyzed in Stata software.

Results: In this study, 50755 died and injured case from RTA were evaluated. The mortality and injury rate from accidents was 1130.80 per 10,000 accidents. The concentration index was negative for mortality rate (-0.11) of RTA, indicating the higher concentration of the rates among deprived groups.

Conclusion: People with low socioeconomic level were more at risk for fatal accidents and injuries. Therefore, specific interventions on road safety should be delivered in the deprived drivers which uses from low level safety vehicles.

Keywords: Road traffic accident; Inequality; Mortality; Injury; Concentration index; socioeconomic status



بررسی اپیدمیولوژی مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر در اجساد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۲

فاطمه شهبازی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

داوود میر ترابی؛ مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران.

محمد رضا قدیرزاده؛ مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران.

صادق قریشی؛ مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران.

سید سعید هاشمی نظری؛ استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقای ایمنی و پیشگیری از مصدومیت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: سوء مصرف مواد مخدر به عنوان یک معضل بزرگ پزشکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر حاضر باعث افزایش ابتلا، میرایی و ناتوانی در معتادان می شود. کشور ما نیز به دلیل همسایگی با تولیدکنندگان بزرگ مواد مخدر دارای شرایط حاد و بحرانی از این نظر می باشد. لذا به منظور مدیریت جامع اختلالات سوء مصرف مواد انجام مطالعات اپیدمیولوژیکی ضروری به نظر می رسد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی اطلاعات دموگرافیک و اپیدمیولوژیک کلیه افرادی که در سال ۱۳۹۲ علت مرگ آنها توسط سازمان پزشکی قانونی مصرف مواد مخدر اعلام شده بود توسط دو چک لیست استخراج شد و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه تعداد ۲۳۹۲ پرونده مورد ارزیابی قرار گرفت که عمده این موارد در افراد مجرد، مذکر و با سطح ۳/۳ سال بود. میزان مرگومیر ناشی از سوء مصرف $\pm$ تحصیلات و درآمد پایین رخ داده بود. میانگین سنی افراد ۱۲،۲۱ مواد در کل کشور ۹۳،۲۲ به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت بود. شایعترین ماده مخدر مصرفی در بین این افراد به ترتیب ۱۱۱ و ۲۱،۱۳ به ازای هر، تریاک، شیشه و هروئین بود و استان های همدان، لرستان و زنجان هم با میزان مرگ و میر ۱۹۱ نفر در ۱۰۰۰۰ جمعیت دارای بیشترین مرگومیر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر بودند.

نتیجه گیری: به منظور کاهش مرگومیر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر، رویکردهای مدیریتی باید بر برنامه های آموزشی و برنامه های کاهش آسیب مثل متادون درمانی و برنامه های مبتنی بر توزیع نالوکسن در گروههای پرخطر متمرکز شوند.

واژگان کلیدی: اعتیاد، سوء مصرف، مواد مخدر و مرگ و میر



Epidemiological Study of Mortality Rate from illicit drug Abuse in Iran during March 2015 to February 2016

Fatemeh Shahbazi : MSc Candidate of Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Mohammad Sadegh Ghoreishi: Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Organization, Tehran, Iran

Seyed Davood Mirtorabi: Department of Addiction Studies, School of Advanced Technologies in Medicine, Tehran Medical University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Seyed Saeed Hashemi Nazari: Assistant professor of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background and Aim: The estimate of mortality associated with illicit opiate use provides useful information to those directing and monitoring local, national and international policies and programs. This study was designed to investigate the epidemiology of mortality due the illegal consumption of narcotics and psychotropic substances in the Iran to provide evidence base public health data for useful programs and actions aimed at preventing drug related mortality.

Materials and Methods: In this descriptive and cross sectional study, the information regarding all cases of psychotropic positive were collected from legal medicine organization, which occurred in March 2014 to February 2015. Demographic and epidemiological data were extracted from recorded documents. Data was then analyzed in Stata software.

Results: In this study 2306 cases were evaluated that died from opioid or psychotropic abuse. The mean age of the subjects was 36.07 ± 12.61 years, they were mostly single males, and 88.64% of them had Iranian nationality. The mortality rate from opiate and psychotropic abuse in the whole country was 38.22 per 1000,000 population. The most common location of death was at home or in another private residence. History of overdose, suicide, hospitalization in psychiatric hospital, staying in prison and substance abuse in the family observed in some people who died from drug abuse.

Conclusion: We conclude that mortality rate from substance abuse is more among unmarried young men aged 30-39 with low education level also in self-employed. We suggest policies should be taken to prevent this people accessing and using drug.

Keywords: *Epidemiology; Mortality; Opiate Addiction; Psychoactive Drugs*



بررسی مکانیسم های فعال سلیوم در پیشگیری و درمان سرطان پستان

زهرا الماسی زمانه؛ انجمن علمی مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران

zahraalmaci.1996@gmail.ir

دکتر فاطمه جنانی؛ استادیار گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران

فرناز ابرویی

مقدمه: سرطان پستان شایع ترین بدخیمی زنان در سراسر جهان است به طوریکه ۳۰٪ از کل سرطان ها و ۱۵٪ از مرگ ها ناشی از این بیماری است. یکی از مهمترین عوامل بروز این بیماری استرس اکسیداتیو است که باعث تغییر در ساختار و عملکرد مولکول های زیستی می شود. آنتی اکسیدان هایی چون سلیوم به دلیل کاهش استرس اکسیداتیو مورد توجه بسیاری از دانشمندان قرار گرفته است. هدف این مطالعه مروری تعیین تاثیر سلیوم در پیشگیری و درمان سرطان پستان است. **روش کار:** این مقاله نوعی مطالعه مروری نقلی است که با جستجوی وسیع به زبان انگلیسی و فارسی و بدون محدودیت زمان در پایگاه های اطلاعاتی google scholar/pubmed/medline/science direct/magiran و با استفاده از کلیدواژه های selenium/prevention of BREAST انجام شد.

یافته ها: سلیوم یک میکرومغذی با پتانسیل پیشگیری و درمان سرطان و عنصر اساسی دخیل در بسیاری از فرایندهای بیولوژیکی است که از طریق حداقل ۲۵ سلنوپروتئین بیان شده در انسان متاثر میشود. مطالعه روی ترکیبات سلیوم نشان دهنده مهار رشد سلول های بدخیم در یک مجموعه گسترده ای از مدل های تجربی است. سلیوم نقش خود را از طریق فعالیت های آنتی اکسیدانی القا اپوپتوز، مهار آسیب زن و تکثیر سلولی اعمال می کند.

نتیجه گیری: سلیوم به عنوان سلنوسیسستین در سایت فعال طیف گسترده ای از سلنوپروتئین ها گنجانیده شده است. چهار انزیم گلوکوتاتیون پروکسیداز: کلاسیک GPX1/دستگاه گوارش GPX2/پلازما GPX3/فسفولیپید هیدروپراکسید GPX4 از اصلی ترین سلنوپروتئین های عملکردی هستند و تیورودوکسین ردوکتاز TRX یک انزیم حاوی سلنوسیسستین است. نتایج آزمایشات نشان می دهند که بیان دو زن GPX/TRX در سلول های سرطانی کمتر از سلول های سالم است و دارای خواص آنتی اکسیدانی قدرتمند هستند و علاوه بر ایجاد یک سیستم دفاعی پیچیده در مقابل آسیب های اکسیداتیو باعث حفظ تعادل اکسیداسیون سلول هم می باشد. مکمل سلیوم به علت خواص تخریب رادیکال ازاد فعالیت آنتی اکسیدانی انزیمی را افزایش می دهد. سلنوپروتئین در تومورزایی نیز با اثرات مهار بر تکثیر و انتقال فاز به عنوان یک تنظیم کننده در پیشرفت چرخه سلولی و جلوگیری از گسترش پروتئین کنترل نشده دخیل است. یک نانوکامپوزیت و توانایی مهار تومور سلیومی چند منظوره با خاصیت خنثی کنندگی فتوترمال و حمل DOX ساخته شده است. اهمیت ضمنی سلیوم رژیم غذایی برای پاسخ ایمنی سالم به طور جهانی به رسمیت شناخته شده است.

واژگان کلیدی: سرطان پستان/سلیوم/سرطان



A Survey on the Effective Factors on Preterm Birth in Rural Areas of Kurdistan Province (West of Iran): A Case-Control Case Study

Fatemeh Shahbazi : MSc Candidate of Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Mohammad Sadegh Ghoreishi: Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Organization, Tehran, Iran

Seyed Davood Mirtorabi: Department of Addiction Studies, School of Advanced Technologies in Medicine, Tehran Medical University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Seyed Saeed Hashemi Nazari: Assistant professor of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background and Aim: The estimate of mortality associated with illicit opiate use provides useful information to those directing and monitoring local, national and international policies and programs. This study was designed to investigate the epidemiology of mortality due the illegal consumption of narcotics and psychotropic substances in the Iran to provide evidence base public health data for useful programs and actions aimed at preventing drug related mortality.

Materials and Methods: In this descriptive and cross sectional study, the information regarding all cases of psychotropic positive were collected from legal medicine organization, which occurred in March 2014 to February 2015. Demographic and epidemiological data were extracted from recorded documents. Data was then analyzed in Stata software.

Results: In this study 2306 cases were evaluated that died from opioid or psychotropic abuse. The mean age of the subjects was 36.07 ± 12.61 years, they were mostly single males, and 88.64% of them had Iranian nationality. The mortality rate from opiate and psychotropic abuse in the whole country was 38.22 per 1000,000 population. The most common location of death was at home or in another private residence. History of overdose, suicide, hospitalization in psychiatric hospital, staying in prison and substance abuse in the family observed in some people who died from drug abuse.

Conclusion: We conclude that mortality rate from substance abuse is more among unmarried young men aged 30-39 with low education level also in self-employed. We suggest policies should be taken to prevent this people accessing and using drug.

Keywords: Epidemiology; Mortality; Opiate Addiction; Psychoactive Drugs



Is hypothyroidism in infants is associated with the climatic conditions?

Sajjad Rahimi Pordanjani: Ph.D Student of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Zaher Khazaei: MSc of Epidemiology, Department of Public Health, School of Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran

Background and Aim: Congenital hypothyroidism is one of the most important preventable causes of mental retardation in infants. The aim of this study is determining prevalence of hypothyroidism (transient and permanent) and the climatic conditions affecting it in Kurdistan Province using Geographic Information Systems (GIS).

Materials and Methods: This is a cross-sectional study which was conducted on 249,348 infants born in Kurdistan province during 2006-2014 in the form of the general screening program of infants for congenital hypothyroidism. Spatial analysis was used to investigate the geographic distribution of hypothyroidism. In this study, Stata version 12 was used to statistical analysis of data, and ArcGIS Ver. 9.3 was used to draw the maps.

Results: This study showed that the number of cases of transient hypothyroidism in 2006 to 2014 has been much higher than the permanent type (63% versus 22.6%). Divandareh city has the highest incidence of transient (1.5) and Kamyaran city had the highest incidence of permanent (1.83). The results showed that there is not a significant correlation between the incidence of this disease in Kurdistan province and climatic variables ($P>0.05$).

Conclusion: Given that Divandareh and Kamyaran cities in Kurdistan province have the highest incidence of transient and permanent, the need for emphasize on more importance of screening programs in these two cities is more emphasized in order to prevent the greater incidence of this disease in these two cities with timely screening and training for the parents.

Keywords: Hypothyroidism, infants, GIS, Iran.



Prevalence of hepatitis B and C in prisons in the world: A meta-analysis during the years 2005-2015

Sajjad Rahimi Pordanjani: Ph.D Student of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Zaher Khazaei: MSc of Epidemiology, Department of Public Health, School of Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.

Background and Aim: Viral hepatitis is still considered as a major cause of burden of diseases in the world, and it is the most common cause of cirrhosis and liver cancer. Prisoners are one of the groups at risk of hepatitis. This study aimed to investigate the prevalence of hepatitis B and C in the prisons in the world during the years 2005-2015.

Materials and Methods: In order to find relevant articles published from 2005 to 2015, two members of the research team searched the databases of PubMed, Scopus, and Web of Science. The study was conducted using the random effects model and the fixed effects model. In order to examine heterogeneity, Cochran Q test was used at an error level of less than 10%; its quantity was estimated using the I² indicator. The publication bias was measured using Begg Rank correlation test and Eggers regression method. After extracting the required data, the meta-analysis was performed using the software Stata-12.

Results: A total of 43 studies, that met the inclusion criteria, were analyzed. The results showed that the overall prevalence of hepatitis B in prisoners was 5.17 (95% CI: 2.19-9.30). The highest prevalence, that is, 13.14 (95% CI: 11.99-14.36), was observed in Africa. Considering the WHO's classification, the highest prevalence, that is, 5.04 (95% CI: 4.45-5.67), was observed in the Western Pacific Region. The prevalence of hepatitis B in men and women was, respectively, 6.70 (95% CI: 6.52-6.88) and 4.34 (95% CI: 3.98-4.79). The results showed that the overall prevalence of hepatitis C in prisoners was 13.22 (95% CI: 8.95- 8.16). The results showed that the overall prevalence of hepatitis C in prisoners was 13.22 (95% CI: 8.95-18.16). The highest prevalence, that is, 26.4 (95% CI: 25.05-27.87), was observed in Australia. Considering the WHO's classification, the highest prevalence of hepatitis C, that is, 24.26 (95% CI: 21.6-27.02), was observed in the Southeast Asia region. The prevalence of hepatitis B in men and women was, respectively, 9.33 (95% CI: 1.56-1.98) and 6.25 (95% CI: 5.78-6.74).

Conclusion: The prevalence of hepatitis B and C in prisoners was more than that in the general population, and the prevalence in men was more than that in women. Appropriate and effective interventions to reduce transmission of hepatitis B and C in the prisons of the world is essential.

Keywords: Meta-analysis, prevalence, hepatitis B, hepatitis C, prison, world.



Improved perspective: effect of longitude on epidemiology of tuberculosis in Hamadan province

Sajjad Rahimi Pordanjani; Ph.D Student of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Meysam olfatifar; Gastroenterology and Liver Disease Research Center, Research Institute for Gastroenterology and Liver Disease, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

GIS, has very good effectiveness for studying the spatial distribution of many diseases, including TB. This study aimed to determine the spatial distribution of TB cases in Hamadan Province. After taking TB data from Hamadan University of Medical Sciences for 2005 to 2013, hot and cold spots formation with and without considering the generated predicted values based on regression model scanned. Locating of Hot spots in northern and north-eastern parts of province (Razan, Hamadan, Kabudrahang and Famenain cities) with greater longitude and cold spots in southern and southwestern parts of province (south-western of Hamadan and in Asadabad, Toyserkan and Nahavand cites) with lower longitude. Although more epidemiological studies at individual level are needed, it probably isn't exaggeration that longitude has main effect on formation of hot and cold spots.

Keywords: *Tuberculosis; Epidemiology; spatial analysis.*



بررسی اپیدمیولوژیکی عوامل مرتبط با نارسایی مزمن کلیوی در بیماران همودیالیزی بیمارستان شهید آیت الله اشرفی اصفهانی شهر تهران در سال ۱۳۹۵

ابوالقاسم شکری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

عباس علی پور؛ دانشیار اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.

سهیلا خداکریم؛ استادیار آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.

فاطمه یساری؛ استادیار نفرولوژی، بیمارستان مسیح دانشوری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.

مقدمه: نارسایی مزمن کلیوی یا chronic renal failure (CRF) به نقض غیر قابل برگشت در عملکرد کلیه ها اطلاق می گردد که سیر پیشرونده از نظر بالینی داشته و اکثر بیماران در نهایت به همودیالیز دائمی یا پیوند به عنوان درمان جایگزین نیاز پیدا می کنند. درمان بیماران با همودیالیز بعنوان درمان جایگزین علاوه بر تحمل هزینه های زیاد بر دوش جامعه؛ مشکلات عمده جسمی، روانی و اجتماعی را نیز برای بیماران در پی خواهد داشت. هدف از این مطالعه شناسایی مهمترین علل بروز نارسایی مذکور جهت تشخیص به موقع بیماری و از طرفی جلوگیری از پیشرفت بیماری در بیماران همودیالیزی بیمارستان شهید آیت الله اشرفی اصفهانی بزرگترین مرکز همودیالیز دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شهر تهران در سال ۱۳۹۵ می باشد.

روش کار: این مطالعه توصیفی- تحلیلی بر روی 359 نفر از بیماران مراجعه کننده به بخش همودیالیز بیمارستان شهید آیت الله اشرفی اصفهانی که حداقل سه ماه تحت درمان با همودیالیز دائم بودند، صورت گرفت. اطلاعات لازم از طریق تاریخچه ی پزشکی مندرج در پرونده بیماران بخش همودیالیز گردآوری گردید، و در موارد مورد لزوم برای جمع آوری داده های بیشتر با بیماران مصاحبه بعمل آمد. داده ها بوسیله نرم افزار stata نسخه ۱۴ و همچنین با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان داد که از مجموع ۳۵۹ بیمار حاضر در مطالعه؛ ۲۳۰ (۶۴/۰۷ درصد) از بیماران مرد و ۱۲۹ (۳۵/۹۳ درصد) از بیماران نیز زن بودند. و ۵۰/۶۹ درصد آنها در محدوده سنی بالاتر از ۶۰ سال و تنها ۳/۹۰ درصد از بیماران مذکور در سنین کمتر از ۳۰ سال قرار داشتند. علل احتمالی منجر به نارسایی مزمن کلیه و بالتبع همودیالیز در این بیماران به ترتیب فشارخون بالا (۲۵/۳۵)، ابتلای همزمان دیابت فشارخون و بیماری های عروق کرونری قلب (۲۳/۴۰)، دیابت (۲۱/۷۳)، گلو مرونولونفریت (۷/۵۲)، و مابقی علل یعنی حدود ۲۲/۰۰ درصد از نمونه ها را عواملی دیگر تشکیل می دادند. نتیجه گیری: فشار خون بالا و دیابت به عنوان علل اصلی نارسایی مزمن کلیه ها مطرح می باشد.

واژگان کلیدی: نارسایی مزمن کلیوی، همودیالیز، فشارخون بالاتر، دیابت.



بررسی بروز فنیل کتونوری در شهرستان کرمان طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵

عصمت رضاییگی داورانی؛ کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز بهداشت کرمان، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران.

نرگس خانجانی؛ دانشیار، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران.

سجاد عارفی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت کرمان، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران.

رضا فاریابی؛ دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، ایران.

Email: faryabi_r@yahoo.com

مقدمه: فنیل کتونوری (PKU) شایع ترین بیماری متابولیک ارثی و یکی از بیماری های مهم ژنتیکی در کشور محسوب می شود. در صورتی که ازدواج های خویشاوندی شایع باشد بروز آن افزایش می یابد. هدف این مطالعه تعیین بروز فنیل کتونوری طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در شهرستان کرمان بود.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی از نوع مقطعی بود که بر روی تمامی نوزادان متولد شده طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انجام شد. اطلاعات به وسیله چک لیست محقق ساخته از داده های ثبت شده در برنامه غربالگری نوزادان و پرونده ژنتیک جمع آوری گردید. بر اساس دستورالعمل کشوری نوزادان با مقدار فنیل آلانین مساوی و بیشتر ۴ میلی گرم در دسی لیتر به عنوان مثبت غربالگری در نظر گرفته شدند. از روش high performance liquid chromatography (HPLC) برای آزمایش تایید تشخیص استفاده شد. نوزادانی که سطح فنیل آلانین خون آنها مساوی و بیشتر ۳/۴ میلی گرم در دسی لیتر بود به عنوان مثبت تایید به بیمارستان منتخب ارجاع شدند و مواردی که بر اساس آزمایشات تشخیصی توسط پزشک منتخب به عنوان بیمار قطعی معرفی شده بودند بیمار در نظر گرفته شدند.

یافته ها: ۹۷,۹۸٪ از نوزادان غربالگری شده بودند. ۸۵ نوزاد به عنوان مثبت غربالگری فراخوان شدند که بعد از آزمایش تایید تشخیص ۱۲ مورد به عنوان بیمار تایید گردید. با در نظر گرفتن دو مورد منفی کاذب و یک مورد بیمار شناسایی شده خارج از برنامه غربالگری همچنین با احتساب یک مورد سقط درمانی، بروز PKU ۱/۹٪ در ۱۰۰۰۰ تولد زنده برآورد گردید. ۵۳/۳٪ والدین بیماران نسبت خویشاوندی داشتند که ۶۲/۵٪ از آنها فامیل نزدیک بودند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد بروز PKU در شهرستان کرمان نسبت به میانگین کشوری (۱ در ۸۰۰۰) بالاتر است. به نظر می رسد ازدواج های خویشاوندی از عوامل تاثیر گذار بر بروز بالای فنیل کتونوری در کرمان بوده است.

واژگان کلیدی: بروز، فنیل کتونوری، کرمان



Factors affecting blood donation intervals and survival of blood donors based on a sample in southern Iran: A Prospective Study

Fateme Jahangiri Mehr: Biostatistics and Epidemiology Department, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Esmat Rezabeigi Davarani : MSc in Health Education, Research Center for Health Services Management, Institute of Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.

Salman Daneshi : MSc in Epidemiology and MPH, Research Center for Modeling in Health, Institute for Future Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.

Background and Aim: The healthy blood is a life saver. The healthiest blood is produced from regular blood donors. Therefore, identification of these individuals is one of the main goals of blood transfusion centers. This study aimed to identify the factors influencing the re-donation of blood donating volunteers.

Materials and Methods: We conducted a cohort study on all blood donors who donated blood for the first time from March 21, 2009, to March 20, 2010. They were followed up for five years. Demographic characteristics, type of blood donation and time interval between two blood donations were recorded as recurrent events. Data were then analyzed using Logit Model for Multinomial Responses and Cox's shared frailty model.

Results: Of the 2010 blood donors, 50.1% had only one time, 33.7% as the repeated donor, and 16.2% as the regular donor had regular donations. The frequency of blood donation was in the range of 1 to 20 with a mean of 4.54 ± 3.29 . Spearman correlation coefficient showed a significant reverse relationship between the number of donations and the time interval between two donations. The variables of gender, marital status and occupation had a significant effect on the blood donation of the repeated donors and regular donors. Gender, age at the time of the first donation, marital status and occupation have a significant effect on the intervals between blood donations.

Conclusion: Most blood in Iran is supplied by men and those who are the first-time donors. Providing coded and applied programs to encourage women and individuals who have had only one blood donation can be an important step in transforming this group of volunteers into regular donors.

Keywords: *First-time donor; Recurrent event; Type of blood donation; Regression model; Iran.*



اپیدمیولوژی سرطان پستان در شهر ارومیه

پیام آذین: کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده پرستاری و ومامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،

تهران، ایران Email: payamazin1@gmail.com

آوات عبدالحسینی: کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده پرستاری و ومامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی، تهران، ایران

مقدمه: سرطان پستان از جمله شایع ترین سرطان های زنان به شمار می آید و میزان بروز آن در زنان ایرانی در حال افزایش است. با وجود تفاوت در بروز بیماری در نقاط مختلف کشور این مطالعه با هدف شیوع سرطان پستان در شهر ارومیه انجام گرفت. در شهر ارومیه، سرطان دومین عامل مرگ و میر می باشد که پژوهش هایی بسیار کم در زمینه سرطان پستان انجام شده است و آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. لذا در مطالعه حاضر به بررسی آماری این سرطان پرداخته شده است.

روش کار: پرونده مبتلایان به سرطان پستان در درمانگاه امید ارومیه (تنها مرکز درمانی سرطان در ارومیه) از سال 90 تا 96 بررسی و اطلاعات مربوط به سن، جنس، علایم بالینی، شکایت اصلی، چگونگی تشخیص و درمان از پرونده های مرحله صفر استخراج و با نرم افزار spss21 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: از میان 198 بیمار مبتلا به سرطان پستان 93 % زنان و 7 % مردان و بیشتر بیماران در محدوده سنی 34 - 66 (77%) بودند. که بیماری همراه تومور ریه (9 %) و تومور مغزی (7%) داشتند، 63 % آنها بهبود یافتند و 13 % آن ها نیز فوت شدند.

نتیجه گیری: نتایج بیانگر آن است که سرطان پستان بعد از سرطان مری، ریه و معده بیشترین آمار را دارد و شاهد افزایش شیوع سرطان پستان در شهر ارومیه هستیم و عمدتاً در دهه های 4 و 5 ندگی مشاهده می گردد بنابراین بر لزوم اجرای برنامه های پیگیری و آگاهی در زمینه عوامل خطر در جمعیت زنان و نیز اجرای برنامه های غربالگری در جمعیت های پرخطر تاکید می گردد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، اپیدمیولوژی، ارومیه



بررسی سطح سواد سلامت بیماران بستری در بیمارستان های شهرستان شوشتر و شناسایی عوامل موثر بر آن ۱۳۹۶

سهراب اسدی چناره؛ دانشجوی کارشناسی، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، ایران
الهام عبدالمی شهولی؛ کارشناس ارشد، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
شقایق عیدی ونیدی؛ دانشجوی کارشناسی، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، ایران

مقدمه: امروزه سواد سلامت ناکافی به عنوان یک تهدید جهانی به شمار می آید. سواد سلامت به دلیل تاثیر بر تصمیم گیری اشخاص در مورد سلامت بعنوان یکی از موضوعات مهم برای ارتقاء سطح سلامت جامعه و بالا بردن کیفیت ارائه خدمات بهداشتی درمانی مورد توجه سیاست گزاران قرار گرفته است. هدف از این مطالعه بررسی سطح سواد سلامت بیماران بستری در بیمارستان های شهرستان شوشتر و شناسایی عوامل موثر بر آن بود.

روش کار: در این پژوهش توصیفی پیمایشی تعداد ۲۸۰ نفر از بیماران بستری در بیمارستان های شوشتر با شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری عملکرد ها از پرسشنامه سواد سلامتی عملکردی بالغین پس از تعدیل و اعتبار سنجی آن استفاده شد. داده ها با استفاده از آزمون هنجاریابی شده سواد سلامت عملکردی بزرگسالان به دست آمد. داده های حاضر با استفاده از آزمون های آماری تی مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون همبستگی پیرسون و نرم افزار اس پی اس اس ویرایش ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نمرات سواد سلامت بیماران نشان داد که (۴۰,۴٪) ۱۱۳ نفر سواد سلامتشان در سطح ضعیف، (۳۴٪) ۹۵ نفر در سطح متوسط و (۲۵,۶٪) ۷۲ نفر در سطح خوب بودند. از نظر آماری اختلاف آماری معنی داری بین سواد سلامت مردان و زنان وجود نداشت ($p>0.05$). در حالیکه بین متغیرهای شغل، درآمد، سن، تحصیلات و محل سکونت با سطح سواد سلامت رابطه معنی داری وجود داشت ($p>0.05$).

نتیجه گیری: نتایج نشان داد سطح سواد سلامت بیماران مورد نظر در سطح مطلوبی قرار ندارد که این خود لزوم بیشتر به امر سواد سلامت را در برنامه های ارتقای سلامت می رساند.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، عوامل موثر سواد سلامت، آزمون سواد سلامت عملکردی بزرگسالان، بیماران بستری



شیوع و عوامل مرتبط با کم کاری مادرزادی تیروئید در شهرستان اردبیل در سال ۹۲-۹۶

علی اصغر اکبری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
محسن غنی زاده؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
Email: Mohsen.ghanizadeh.15@gmail.com
هما علیزاده؛ کارشناسی ارشد بهداشت جامعه گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

مقدمه: کم کاری مادرزادی تیروئید از علل مهم قابل پیشگیری عقبماندگی ذهنی در نوزادان است. هدف این مطالعه بررسی شیوع این بیماری و برخی عوامل موثر بر آن در نوزادان زنده متولد شده در شهرستان اردبیل طی سال های ۹۶ - ۹۲ می باشد. **روش کار:** در این مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی همه ی نوزادان متولد شده (۵۵۴۷۸ نفر) در شهرستان اردبیل که در فاصله زمانی اول فروردین سال ۱۳۹۲ تا آخر اسفند سال ۱۳۹۶ در برنامه غربالگری هیپوتیروئیدی مادرزادی مراکز بهداشتی شهرستان اردبیل شرکت کرده بودند، به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. در این مطالعه نوزادانی هیپوتیروئیدی تلقی شدند که مقدار TSH خون برگرفته از نمونه پاشنه پای آنان $\mu\text{u/L} 5$ یا بیشتر بود. داده های مطالعه از پرونده الکترونیکی مراکز و پایگاههای بهداشتی شهرستان اردبیل گردآوری گردید. تجزیه و تحلیل دادهها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ی ۱۸ و آزمون آماری کای اسکور انجام گرفت.

یافته ها از ۵۵۴۷۸ نوزاد زنده متولد شده که تحت غربالگری قرار گرفتند، ۰.۲۲٪ (۱۲۵ نفر) نوزاد مبتلا به کم کاری تیروئید (هم گذرا و هم دائمی) شناسایی شده است. ۵۴.۴٪ (۶۸ نفر) نوزادان مبتلا به هیپوتیروئیدی، پسر بوده و ۱۳.۶٪ (۱۷ نفر) آنها در هنگام تولد وزن زیر ۲۵۰۰ گرم داشتند (میانگین وزن نوزادان مبتلا 0.5 ± 0.3 می باشد). میزان TSH سرم $6/63 \mu\text{u/L}$ نوزادان مبتلا به هیپوتیروئیدی $9/9$ تا $5/19$ و $8/19$ نوزادان $9/19$ تا $19/9$ و در $5/16$ نوزادان بیش از $20 \mu\text{u/L}$ بود و ۹۵٪ (۱۱۴ نفر) درصد بیماران قبل از ۴۰ روزگی تحت درمان قرار گرفته اند. ۶۳.۴٪ (۷۸ نفر) نوزادان با سزارین به دنیا آمده و ۲۳.۸٪ (۲۹ نفر) والدین با یکدیگر نسبت فامیلی دارند. فراوانی ابتلا با وزن هنگام تولد، روش زایمان و نسبت فامیلی والدین ارتباط معنی دار آماری داشته ($P < 0/01$) و با جنسیت ارتباطی نداشته است ($P > 0/05$).

نتیجه گیری: براساس نتایج این مطالعه میزان شیوع کم کاری مادرزادی تیروئید در شهرستان اردبیل در مقایسه با میانگین کشوری و سایر آمارهای جهانی زیاد بوده و ضرورت توجه بیشتر محققین و مدیران نظام سلامت برای تعیین علل ابتلا به هیپوتیروئیدی، آموزش و آگاهسازی جامعه برای کاهش میزان ابتلاء این بیماری را می طلبد.

واژگان کلیدی: شیوع، کم کاری تیروئید، مادرزادی، نوزادان، اردبیل



میزان آگاهی و آمادگی خانوارهای تحت پوشش و مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان اردبیل در برابر حوادث و بلایای طبیعی در سال ۱۳۹۶

ندا مرادی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اردبیل.

رعنا موسوی سادات؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اردبیل.

سهیل فرج زاده اصل؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اردبیل.

Email: sfrja@yahoo.com

هما علیزاده؛ کارشناسی ارشد بهداشت جامعه گروه پرستاری عضو هیات علمی دانشکده پزشکی. دانشگاه آزاد واحد اردبیل.

مقدمه: شهرستان اردبیل از مناطق با پتانسیل زلزله خیزی بالاست. یکی از مهمترین عوامل کاهنده خسارات، کسب آگاهی و آمادگی در مواجهه با حوادث طبیعی است. از این رو این مطالعه با هدف بررسی وضعیت آگاهی و آمادگی خانوارهای تحت پوشش مراکز بهداشتی شهرستان اردبیل در مواجهه با بلایای طبیعی انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش مقطعی در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه، از خانوارهای مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان اردبیل که با روش نمونه گیری سهمیه ای و تصادفی انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه طراحی شده توسط وزارت بهداشت که حاوی اطلاعات دموگرافیک، وضعیت آمادگی و آگاهی خانوار در برابر بلایای طبیعی استفاده شد. پرسشگران واجد شرایط به مراکز درمانی سطحی شهر مراجعه و با مصاحبه از طریق پرسشنامه اطلاعات را جمع آوری نمودند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی و توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ انجام شد.

یافته ها: از بین ۱۰۸ خانوار مورد مطالعه ۳۸٪ (۴۱ نفر) سرپرست خانواده بودند (۹۷،۵۶٪ مرد) که میانگین سنی آنها 48.23 ± 14.74 بود. تلویزیون بیشترین آمار تاثیر بر آمادگی و آگاهی مردم در برابر حوادث و بلایای طبیعی را با ۹۲،۶٪ (۱۰۰ نفر) دارا بود. میانگین کل نمره آگاهی خانوارها در برابر بلایای طبیعی ۳۲،۴۶٪ بود که در سطح پایین قرار داشت و ۴۷،۲٪ (۵۱ خانواده) از این خانوارها دارای کیف شرایط اضطراری در منزل بودند. از میان متغیرهای مورد بررسی بین مقاوم سازی مسکن و وضعیت اقتصادی رابطه معنا دار آماری وجود داشت ($p > 0.05$) ولی بین سن ($p = 0.875$) و جنس ($p = 0.685$) و شرکت در جلسات آمادگی ارتباط معناداری وجود نداشت.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که اکثر خانوارها آمادگی و اطلاعات کافی به منظور مقابله با بلایای طبیعی رانداشته و آسیب پذیری بالایی نسبت به خطرات احتمالی دارند. از این رو بهترین راه برای مقابله با خطرات اطلاع رسانی دقیق به مردم و آماده سازی آنهاست به همین دلیل برگزاری کلاس های آموزشی جهت آمادگی مردم در برابر بلایای طبیعی امری ضروری است.

واژگان کلیدی: آگاهی، مراکز بهداشتی درمانی، بلایای طبیعی



ارزیابی وضعیت تغذیه دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل با استفاده از شاخص های تن سنجی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷

علی اصغر اکبری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
سهیل فرج زاده اصل؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اردبیل.

Email: sfrja@yahoo.com

هما علیزاده؛ کارشناسی ارشد بهداشت جامعه گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

مقدمه: بررسی وضعیت تغذیه در گروه های جمعیتی به عنوان یک ابزار و معیار کاربردی در ارزیابی سلامت فرد و جامعه محسوب می شود. نارسایی در وضعیت تغذیه ای می تواند سبب ایجاد بیماری های جسمی و حتی روحی باشد و دانشجویان به عنوان یک گروه در معرض اختلالات تغذیه ای متعدد، هدف این مطالعه تعیین شده اند. در این مطالعه وضعیت تغذیه ای دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل با استفاده از سه شاخص تن سنجی (شاخص توده بدن، دور کمر و دور بازو) بررسی شده است.

روش کار: این مطالعه توصیفی-تحلیلی و مقطعی بر روی ۴۰۰ دانشجوی در حال تحصیل در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل در سال ۹۶ انجام شد. تمامی دانشجویان به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و ابزارهای استاندارد تن سنجی جهت اندازه گیری قد، وزن، دور کمر و بازو جمع آوری شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی و توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ انجام شد.

یافته ها: یافته های مطالعه نشان دادند ۳/۲ درصد از دانشجویان (۱۳ نفر) چاق و ۱۶/۸ درصد (۶۷ نفر) دارای اضافه وزن می باشند. ۷/۳ درصد (۲۹ نفر) دارای چاقی مرکزی بودند. اندازه گیری دور بازو نشان داد که ۳/۲ درصد پسران (۱۲ نفر) و ۱۲/۲ درصد (۴۸ نفر) دارای کم وزنی و سوء تغذیه می باشند. ارتباط آماری معنی داری بین BMI و MUAC با جنسیت و غیر بومی بودن بدست آمد ($P \leq 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه بیانگر وجود مواردی از چاقی و سوء تغذیه در بین دانشجویان مورد مطالعه می باشد. لذا ارائه برنامه های مناسب تغذیه ای و اصلاح شیوه زندگی با توجه به جنسیت و غیر بومی بودن دانشجویان توسط مسئولین مربوطه توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: وضعیت تغذیه، دانشجویان، BMI، MUAC



بررسی اپیدمیولوژی سرطان پوست در ایران

رضا پیوندی؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه،

ایران

علی افکاری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه،

ایران

علی کریمی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه،

ایران

رعنا رحیمی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه،

مراغه، ایران

مقدمه: سرطان پوست از بد خیم‌های شایع در دنیا است که با ناتوانی بالا، هزینه‌های درمانی فراوان و مرگ و میر نسبتاً پایین همراه است. هدف از این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی سرطان پوست در ایران و عوامل موثر بر آن می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر SID و Pubmed و موتور جستجوگر Google scholar و به کارگیری کلمات کلیدی سرطان پوست، اپیدمیولوژی و ایران مقالات مرتبط با موضوع شناسایی گردید. ۱۷ مقاله که دسترسی کامل به متن آنها میسر بود از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ مورد مطالعه قرار گرفت که از ۶ مقاله در میان آنها، در این مطالعه بهره‌ی کامل گرفته شد.

یافته‌ها: گزارشات حاکی از آن است که سرطان پوست شایع‌ترین سرطان کشور است و شیوع در مناطق گرمسیری به دلیل تماس مداوم مردم منطقه با آفتاب و در مناطق با حجم بالای آلودگی‌های صنعتی زیاد است. شیوع سرطان پوست در مردان به طور متوسط ۱،۴ برابر بیشتر از زنان است. بیشترین میزان بروز در بازه‌ی سنی ۸۰ الی ۸۴ سالگی است. بازال کارسینوما شایع‌ترین نوع مورفولوژیک این نوع از سرطان و موقعیت سرطان‌های پوست، بیشتر در صورت، سر و گردن است.

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع زیاد سرطان پوست در کشور، باید غربالگری همه‌جانبه‌ای صورت گیرد تا بیماری در اولین مراحل تشخیص داده شود و با آن مقابله گردد. هم‌چنین نیازمند افزایش آگاهی‌های عمومی آحاد مردم و به ویژه ساکنین مناطق گرمسیری و در معرض آلودگی‌های صنعتی با این بیماری و ارائه راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن هستیم تا در آینده شاهد کاهش آمار مبتلایان باشیم.

واژگان کلیدی: سرطان پوست، اپیدمیولوژی، ایران



شیوع کم خونی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۶

علی اصغر اکبری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

Email: aliasgharakb1996@gmail.com

محسن غنی زاده؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

هما علیزاده؛ کارشناسی ارشد بهداشت جامعه گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد اردبیل

مقدمه: کم خونی یکی از مسائل بهداشتی مهم زنان در سنین باروری به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. امروزه مشخص شده است که کمخونی منجر به تولد نوزادان کموزن و زایمان زودرس میشود. این مطالعه به منظور تعیین میزان شیوع کمخونی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان اردبیل در سال 1396 انجام گردید.

روش کار: پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی است که جامعه آماری آن، زنان باردار دارای پرونده در مراکز بهداشتی شهرستان اردبیل می باشد و تمام زنان بارداری که در سال 1396 به مراکز و پایگاههای بهداشتی شهرستان اردبیل مراجعه نموده و تشکیل پرونده داده بودند به روش سرشماری وارد مطالعه شدند 16 (مرکز بهداشتی به همراه 27 پایگاه بهداشتی). داده ها به وسیله سامانه سبب از پرونده خانوار موجود در مراکز بهداشتی استخراج گردید. در این مطالعه هموگلوبین کمتر از 11 ، کمخونی تلقی شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 و آزمونهای آماری مجذور کای و نیز ضریب همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه 25 / 38 با انحراف معیار 2 / 42 بود. شیوع کمخونی در سه ماهه اول و سوم بر اساس هموگلوبین به ترتیب ۴,۱ % ، ۲۵,۶ % و براساس هماتوکریت به ترتیب 4,3% و 9,2% بود. بین کمخونی و شغل مادر، وزن مادر در اولین مراقبت، سن مادر در اولین بارداری، تعداد بارداری، تعداد فرزندان، فاصله بارداری فعلی با بارداری قبلی، نوع زایمان، بیماریهای زمینه‌ای مرتبط با کمخونی، محل سکونت (مرکز شهر یا حاشیه) ارتباط معنادار آماری ($P < 0.05$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش میزان آنمی بارداری در شهرستان اردبیل، کمتر میباشد ۶% (کل جمعیت معادل ۱۲۱۰). با توجه به اثرات سوء کمخونی بر مادر و جنین لازم است مراکز بهداشتی در راستای پیشگیری از بروز کمخونی در دوران بارداری ضمن برگزاری دوره های آموزشی و مشاورهای برای تمام خانمها در دوره قبل از بارداری، برنامه مدونی را جهت تشخیص سریعتر و درمان به موقع کمخونی مادران باردار تدوین و اجرا نمایند.

واژگان کلیدی: شیوع، کمخونی، زنان باردار، مراکز بهداشتی، اردبیل.



شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال 1396

علی اصغر اکبری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

Email: aliasgharakb1996@gmail.com

محسن غنی زاده؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

هما علیزاده؛ کارشناسی ارشد بهداشت جامعه گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد اردبیل

مقدمه: افسردگی یکی از چهار بیماری عمده در دنیا و شایعترین علت ناتوانی ناشی از بیماریها میباشد که میتواند از دلایل مهم افت تحصیلی دانشجویان بخاطر عواملی مثل: فشار تحصیلی، دلهره امتحان، مشکلات حاد عاطفی و اجتماعی، ترس از آینده شغلی و جایگاه اجتماعی به شمار میرود. این پژوهش به منظور تعیین میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال 1396 انجام گردید.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است. جامعه مورد پژوهش شامل دانشجویان رشتههای: پزشکی، پرستاری، مامائی، علوم آزمایشگاهی، هنر، میکروبیولوژی، مهندسی پزشکی و معماری بوده 1864 (نفر) که از بین آنها 362 نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه های (ترمه های تحصیلی مختلف) انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه افسردگی Beck (۲۱ سوال) و فرم مشخصات دموگرافیک (۱۲ سوال) انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 و آزمون های آماری مجذور کای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۲ / ۴ با انحراف معیار ۱ / ۲ بود. این پژوهش نشان داد که ۵۲ / ۸٪ دانشجویان پزشکی (۱۹ نفر)، ۴۱ / ۵٪ دانشجویان پرستاری (۱۷ نفر)، ۴۶ / ۲٪ دانشجویان مامائی (۱۸ نفر)، ۲۴ / ۵٪ دانشجویان علوم آزمایشگاهی (۱۱ نفر)، ۳۹ / ۶٪ دانشجویان هنر (۱۷ نفر)، ۶۷ / ۳٪ دانشجویان میکروبیولوژی (۳۹ نفر)، ۶۳ / ۴٪ دانشجویان مهندسی پزشکی (۲۷ نفر)، ۶۶٪ دانشجویان معماری (۳۷ نفر) و در کل ۴۸ / ۹٪ دانشجویان (۱۸۵ نفر) به درجات مختلفی از افسردگی مبتلا هستند. بین رشته تحصیلی، غیربومی بودن، وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت تاهل و مجرد بودن، علاقه به رشته تحصیلی و همچنین آینده شغلی رشتهها و میزان تحصیلات والدین با افسردگی در دانشجویان رابطه آماری معنی داری وجود داشت ($P < 0.05$) ولی بین مذکر یا مونث بودن دانشجویان و همچنین دانشجویان ترمهای مختلف در مقایسه باهم رابطه آماری معنی داری در رابطه با شیوع افسردگی مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضر که بیانگر شیوع بالای افسردگی در بین دانشجویان است لذا بررسی بیشتر مسائل روانی و شخصیتی دانشجویان و راهاندازی مراکز مشاوره برای آنها جهت تشخیص سریع و بموقع بیماری و پیشگیری از عواقب تلخی چون ناامیدی از زندگی و خودکشی، بسیار ضروری است.

واژگان کلیدی: شیوع، افسردگی، دانشجویان



Evaluation of the Association between Maternal High Blood Pressure, Heart Disease and Gestational Diabetes and Neonatal Mortality :A case-control Study

Fatemeh baberi : Shahid Beheshti University of Medical Science.

Zahra naghibifar : Shahid Beheshti University of Medical Science.

Mahmood Hajipour : Shahid Beheshti University of Medical Science.

Background and Aim: Prevention of non-communicable diseases such as Diabetes Mellitus (DM), hypertension and kidney diseases during pregnancy is recommended due to their serious complications for mothers and infants. Considering that these diseases have a great impact on infant mortality, this study was conducted to investigate the relationship between mothers' underlying diseases and gestational diabetes and infant mortality in Iran.

Materials and Methods: This case-control study used data collected from pregnant women who referred to health centers in 9 provinces of Iran. There were 1162 cases and 1624 controls. The required data was collected from mothers' health records and through interviews. Logistic regression was used to analyze the results. Software SPSS 19 was also used for statistical analysis while significance level was less than 0.05.

Results: The chance of neonatal mortality among mothers with high blood pressure (hypertension) was 3 times higher compared with healthy mothers (OR= 3.04; 95% CI: 4.657-1.985, $P < 0.001$). In terms of gestational diabetes, mothers who had not undergone any gestational diabetes tests had a 3.59 times higher chance of neonatal mortality compared with the mothers without gestational diabetes (OR = 3.59, CI: 2.72-4.75, $P = 0.0001$). The chance of neonatal mortality in women with kidney disease was also 1.64 times higher than mothers without kidney problems (OR = 1.64, CI: 1.1-2.45, $P = 0.015$).

Conclusion: This study showed that undiagnosed underlying diseases such as hypertension and diabetes during pregnancy were related to neonatal mortality, which highlights the importance of caring for and counseling about the underlying diseases, screening and controlling blood sugar level before and during pregnancy in order to prevent infant mortality by all means possible.

Keywords: *Gestational diabetes, high blood pressure (hypertension), kidney disease, neonatal mortality*



Risk Factors for Low Birth Weight in Iran: A case - control study

Fatemeh baberi : Shahid Beheshti University of Medical Science.

Zahra naghibifar : Shahid Beheshti University of Medical Science.

Mahmood Hajipour : Shahid Beheshti University of Medical Science.

Background and Aim: There is a close relationship between low birth weight (LBW) and neonatal and perinatal mortality, growth restriction and cognitive impairment resulting in chronic diseases later in life. This study aimed to investigate factors associated with LBW among newborns in Iran.

Materials and Methods: This study was a population-based case-control study. There were 2580 mothers (712 cases and 1868 controls) whose data were collected using researcher-made questionnaires in health centers. Once the data collecting had been completed, all data were entered into the software SPSS V.19. The percentage and frequency were used to describe the variables, while univariate and multivariate logistic regression analyses were used to examine the relationship between independent variables and outcome variables (birth weight).

Results: The odds of having low birth weight infants among illiterate mothers 89% (AOR: 1.89, 95% CI 1.03 - 3.47), among mothers with secondary school education 93% (AOR: 1.93, 95% CI 1.27 - 2.95) and among mothers with high school education was 65% (AOR: 1.65, 95% CI 1.11 - 2.44) higher than college educated mothers. Furthermore, in mothers with special diseases (heart disease, hepatitis, kidney disease etc) (AOR: 2.05, 95% CI 1.34 - 3.12), mothers with twin or multiple pregnancies (AOR: 6.94, 95% CI 4.29 - 11.21) and mothers with a history of stillbirth (AOR: 2.69, 95% CI 1.86 - 3.88) use of contraception prior to pregnancy was the protective factor (AOR: 0.61. 95% CI 0.48 - 0.77).

Conclusion: Risk factors associated with LBW among infants included maternal education level, maternal special diseases, twins or multiple pregnancies, a history of stillbirth, a history of cesarean section, use of contraception prior to pregnancy most of which are modifiable factors so that delivering a baby with LBW can be prevented through health planning and raising awareness and educating mothers.

Keywords: low birth weight, risk factors, case-control, Iran



A Comparative study of UHPLC and HPLC methods in detection of benzodiazepine drugs in Postmortem Samples

Elham Bazmi; Pharm D, PhD Candidates in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Science, Tehran, Iran

The aim of this study was to compare system efficiency and analysis duration regarding the solvent consumption and system maintenance in high-pressure liquid chromatography (HPLC) and ultra-high-pressure liquid chromatography (UHPLC). In a case-control study, standard solutions of 7 benzodiazepines (BZs) and 73 biological samples such as urine, tissue, stomach content, and bile that screened positive for BZs were analyzed by HPLC and UHPLC in laboratory of forensic toxicology during 2012 to 2013. HPLC analysis was performed using a Knauer by 100-5 C-18 column (250 mm × 4.6 mm) and Knauer photodiode array detector (PAD). UHPLC analysis was performed using Knauer PAD detector with cooling autosampler and Eurospher II 100-3 C-18 column (100 mm × 3 mm) and also 2 pumps. The mean retention time, standard deviation, flow rate, and repeatability of analytical results were compared by using 2 methods. Routine runtimes in HPLC and UHPLC took 40 and 15 minutes, respectively. Changes in mobile phase composition of the 2 methods were not required. Flow rate and solvent consumption in UHPLC decreased. Diazepam and flurazepam were detected more frequently in biological samples. In UHPLC, small particle size and short length of column cause effective separation of BZs in a very short time. Reduced flow rate, solvent consumption, and injection volume cause more efficiency and less analysis costs. Thus, in the detection of BZs, UHPLC is an accurate, sensitive, and fast method with less cost of analysis.



بررسی اپیدمیولوژی یافته های حاصل از آنالیز های سم شناسی در مرگ های ناشی از قتل و خودکشی

الهام بزیمی؛ دکتر داروساز ، دانشجوی PhD دکترای تخصصی اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران و عضو مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

مقدمه: سم شناسان قانونی نقش موثر و مفیدی را در تعیین علت فوت ایفا می نمایند . در برخی از متوفیان با آگاهی از سابقه مصرف داروها و به کمک بررسی های سم شناسی می توان زمان رسیدگی به پرونده و تعیین علت فوت را کوتاه نمود . در بعضی از کشورها بررسی صحنه جرم تنها محدود به جمع آوری نمونه های خون یا ادرار جهت بررسی های سم شناسی می باشد لیکن در بیشتر موارد نمونه های لازم جهت بررسی های فوق در حین اتوپسی جمع آوری می گردد . در این مطالعه نتایج سم شناسی در مرگهای ناشی از قتل و خودکشی که دو مورد از موارد عمده مرگهای ناگهانی مشاهده شده در صحنه جرم می باشد مورد بررسی قرار می گیرد باشد که با مطالعه نتایج فوق بتوان از وقوع این حوادث مرگبار پیشگیری نمود.

روش کار: در مطالعه مذکور (Case-series)، 200 جسد ارجاعی از صحنه های جرم به سالن تشریح سازمان پزشکی قانونی استان تهران از نظر سم شناسی وجود هر گونه سم ، دارو ، الکل ، مونوکسید کربن مورد بررسی قرار گرفت . شناسایی مواد مخدر و سموم و دارو ها ابتدا از روش غربالگری Screening test به روش TLC و سپس روشهای تائیدی دستگاهی HPLC,GC/MS ، آنالیز کمی الکل با روش Headspace GC و شناسایی CO با استفاده از اسپکتروفتومتری UV می باشد سپس نتایج حاصله مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط نتایج مذکور با حوادث واقع در صحنه جرم مورد مطالعه قرار گرفت .

یافته ها: از ۲۰۰ مورد مرگ ناشی از خودکشی ، ۶۴ مورد زن و بقیه را مردان تشکیل می دادند میانگین سنی آنها ۱۲ / ۰۵ + ۳۵ / ۳۰ بود و از میان ۲۰۰ مورد مرگ ناشی از قتل (بدلیل متعددی مانند چاقو خوردگی کلوله خوردگی، خفه شدگی و...) - ۴۳ مورد زن و بقیه را مردان تشکیل می دادند که میانگین سنی آنها نیز ۱۶ / ۳۶ + ۳۴ / ۳۴ بود . بنابراین از لحاظ آماری و از جهت سن و جنس تفاوت معنی داری میان آنها موجود ندارد . وجود مواد مخدر در نمونه های ارسالی از اجساد ناشی از قتل، ۳۵ مورد (۱۷ / ۵)٪ و ناشی از خودکشی ۳۰ مورد (۱۵)٪ به اثبات رسید. ۱۹ مورد (۵ / ۹)٪ از افرادی که بعلت خودکشی فوت نمودند از نظر فسفین (قرص برنج) مثبت بودند. در حالیکه نتیجه آزمایش فسفین در هیچیک از مرگهای ناشی از قتل مشاهده نشد و در قتلها یک مورد مثبت مشاهده شد از نظر وجود داروها در مرگهای ناشی از خودکشی ۳۰ مورد مثبت (۱۵)٪ و در مرگهای ناشی از قتل آمار خودکشی در ۳ مورد سیانور مثبت (۱۵)٪ و در مرگهای ناشی از قتل (۵ / ۵)٪ ۱۱ مورد مثبت بود بیشترین دارویی یافت شده در مرگهای ناشی از خودکشی و قتل داروی ترامادول می باشد که در خودکشی ها ۶ / ۲۶٪ از موارد و در قتل ۲ / ۲۷٪ از موارد را شامل می شود داروهای TCA (ضد افسردگیهای سه حلقه ای) در مرگهای ناشی از خودکشی با فراوانی ۳ / ۲۳٪ در رده دوم و داروهایی مانند ایندراال ، فنوباربیتال ، بنزودیازپینها ، ارگانوفسفره در رتبه های بعدی قرار دارند الکل زجاجیه در هر دو گروه دارای فراوانی یکسانی می باشد (۵ / ۲)٪ لیکن وجود متانول باغلظت های بیش از ۳۲٪ mg در قتلها قابل توجه است .

نتیجه گیری: نتایج حاصل بیانگر آن است که فراوانی مواد مخدر در اجساد که بعلت خودکشی یا قتل فوت نموده اند تفاوت معنی داری ندارد ($p < 0.05$) لیکن وجود مواد همچون فسفین در خودکشی ها قابل توجه است فراوانی داروهای یافت شده در مرگهای ناشی از قتل به مراتب کمتر از خودکشی است که داروی ترامادول شایعترین داروی مصرف در هر دو گروه است . فراوانی غلظت الکل در هر دو نوع مرگ مشابه بوده لیکن در مرگهای ناشی از قتل مسمومیت با متانول مشاهده می گردد. با عنایت به نتایج فوق در می یابیم که وجود مواد مخدر ، دارو ها و سموم در اجساد ناشی از قتل و خودکشی از آمار بالایی برخوردار بوده است که بی شک ما را در تعیین علت فوت و در جوابگویی صحیح و دقیق پرونده های قضایی بر گرفته از صحنه جرم یاری می نماید.



اپیدمیولوژی سقوط از تخت سالمندان در مراکز نگهداری ایران

فاطمه واعظ؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Email: fatemehvaez897@gmail.com

گلنوش قاسم زاده؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

میلاد غریب؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مقدمه: سقوط از تخت یکی از مشکلات شایع سلامت سالمندان است که باعث انواع آسیب ها شده و منجر به وابستگی، کاهش خودکارآمدی، افسردگی، محدودیت فعالیت روزانه، بستری در بیمارستان و یا پذیرش در خانه سالمندان، تحمیل هزینه به فرد و جامعه و صدمات ناشی از آن یکی از علل مهم مرگ و معلولیت در سالمندان محسوب میشود. هدف از این مطالعه بررسی علل سقوط سالمندان و شناسایی سالمندان در خطر سقوط، با هدف کاهش خطر سقوط و پیشگیری از آن می باشد.

روش کار: در این مطالعه مروری، از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی SID، ISC، Magiran، Pubmed، Irandoc و با کلیدواژگان سالمندان، سقوط و اپیدمیولوژی انجام گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داد که عواملی مانند سبک زندگی، فعالیت بدنی، محیط زندگی سالمندان، کمبود کلسیم و ویتامین D، داروهای روان گردان، کاتاراکت، آسیب مفصل ران یا سایر نقاط بدن و مشکلات قلبی میتوانند منجر به سقوط از تخت سالمندان شود. همچنین نسبت شانس سقوط در سالمندان افسرده ۸ مرتبه بیشتر از سالمندان بدون افسردگی بود و نسبت شانس سقوط در سالمندان دارای نقص شناختی ۶ مرتبه بیشتر از سالمندان بدون اختلال شناختی بود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه سقوط سالمندان با کاهش عملکردها و تغییر در شیوه زندگی همراه میباشد، داشتن جامعه سالمند سالم نیاز به توجه بیشتر به سالمندان از طریق ورزش گروهی و انفرادی، ارزیابی و تعدیل عوامل خطر محل زندگی در افراد با ریسک بالا، جراحی کاتاراکت، گذاشتن پیس میکر، مصرف ویتامین D و کلسیم در افراد با کمبود ویتامین، استفاده از محافظ های مفصل هیپ و سایر نقاط بدن در افراد پرخطر، مداخلات آموزشی جهت نگهداری سالمندان، قطع داروهای روانگردان، درمان مایعات و الکترولیتها، مداخلات روانشناسی، خطر سقوط را کاهش می دهد. لذا ارزیابی اولیه با استفاده از ابزارهای استاندارد، نقش کلیدی در شناسایی واقعی سالمندان در خطر سقوط و حمایت از آنها دارد.

واژگان کلیدی: سالمندان، اپیدمیولوژی، سقوط



Association between dietary habits and physical activity with risk of breast cancer among young women in Southern Iran: A case-control study

Aria Dianatinasab; Department of Biochemistry, Student research committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Email: dianati.aria@gmail.com

Mostafa Dianatinasab; Department of Epidemiology, Shiraz University of Medical Sciences School of Health, Shiraz, Iran.

Email: dianati.epid@gmail.com

Background and Aim: Diet and physical inactivity represent 30–35% of risk factors that contribute to the onset of cancer. The issue that if certain dietary patterns can affect the risk of breast cancer or not, remained controversial. The concerns about this issue are considered like a “Hot topic” for oncologists and general population.

Materials and Methods: From March 2016 through September 2017, 1010 young women aged 20 to 55 with breast cancer were recruited at a referral centre (Faghihi hospital) in Shiraz, Iran. Data were collected from questionnaire, medical, and histopathology reports. Multivariate logistic regression was performed to identify BC risk factors.

Results: Findings of this study shown that, compare to healthy controls, younger marital age (odds ratio [OR]=0.35, 95% confidence interval [CI]: 0.188_0.685), history of breast disease (OR=4.71, 95%CI: 2.67_8.34), family history of BC (OR=3.41, 95%CI: 1.93_6.02), oral contraceptive [OC] use (OR=1.77, 95%CI: 1.31_2.38) and smoking (OR=2.48, 95%CI: 1.56_3.96). On the other hand, eating red meat (OR=1.159, 95%CI: 1.04_1.28), eating fish (OR=1.55, 95%CI: 1.33_1.80), never eating fruit (OR=1.96, 95%CI: 1.07_3.82), often eat pickles (OR=0.46, 95%CI: 0.31_0.70) and physical activity more than 30 min per day (OR=0.67, 95%CI= 0.47_0.98) was directly associated risk of breast cancer.

Conclusion: Present study support the hypothesis that food habits and physical activity can contribute to the risk of breast cancer. In other words, food habits or low physical activity, that result in overweight/obesity, increase the incidence of breast cancer.

Keywords: Breast cancer; Diet; Risk factors; Epidemiology; Lifestyle; Physical activity.



بررسی میزان شیوع دیابت و کلسترول در شهرستان جعفریه استان قم و مقایسه آن با میزان شیوع در یکی از مناطق مرفه استان قم و عوامل خطر مرتبط با آن

زهرا محمودیان؛ کارشناس علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی قم

مقدمه: بیماری قلبی عروقی، اولین عامل مرگ در سراسر جهان هستند. عوارض قلبی عروقی از شایعترین و مهلک ترین پیامدهای بالینی دیابت نوع ۲ است. بیماری های قلبی-عروقی بیشترین میزان مرگ و میر مرتبط با بیماری های غیرواگیر در جهان را شامل می شود؛ به طوری که بیش از ۱۷ میلیون نفر در سال به واسطه این بیماری ها کشته می شوند. همچنین طبق آخرین آمار، بیماری دیابت در حال حاضر پنج میلیون ایرانی را درگیر کرده و ۹ میلیون نفر دیگر نیز مستعد این بیماری هستند. همچنین یک ششم از جمعیت استان قم مبتلا به دیابت هستند. رژیم غذایی سالم، انجام منظم فعالیت بدنی، حفظ وزن بدن در حد طبیعی، پرهیز از استعمال دخانیات می تواند از دیابت و بیماری های قلبی عروقی پیشگیری کند یا وقوع آنها را به تاخیر بیندازد.

روش کار: مطالعه ی حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که نتایج آزمایشات کلسترول و قند از بین ۶۳۳ نفر از افراد مراجعه کننده به آزمایشگاه مرکز جامع سلامت بخش جعفریه و ۵۰۰ نفر از افراد مراجعه کننده به مرکز بهداشت شهید آوینی در منطقه شهرک قدس استان قم در ماههای خرداد تا مهر سال ۹۶ طبق برنامه ایرانین اخذ گردیده و توسط نرم افزار SPSS مورد آنالیز قرار گرفت. آزمون های آماری مورد استفاده در این تحقیق شامل شاخص های پراکندگی و استفاده از آزمون ANOVA یک طرفه و تی تست و Graph بود.

یافته ها: شاخص های پراکندگی نشان می دهد که ۴۰٪ از مراجعین مرد و ۶۰٪ خانم بودند (۳۵٪ زن و ۶۵٪ مرد در جعفریه، ۴۵٪ مرد و ۵۵٪ زن در شهرک قدس). میانگین قند و کلسترول در بین افراد مورد مطالعه به ترتیب 99 ± 37 (mg/dl) و $178,83 \pm 40$ (mg/dl) تعیین گردید (میانگین دیابت در روستا ۹۸,۲۱ و شهر ۱۰۰,۷۳ و میانگین کلسترول در روستا ۱۶۲,۵ و در شهر ۱۹۹,۵). آنالیز آماری نشان می دهد بین کلسترول و جنس و سن افراد مورد مطالعه رابطه معنی داری مشاهده نگردید. با این حال بین دیابت و سن و جنس و شهری/روستایی رابطه معنی داری مشاهده گردید. همچنین رابطه معنی داری بین میزان کلسترول و شهری/روستایی مشاهده گردید ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: در بحث عوامل خطر تغذیه ای و کمبود یا عدم فعالیت فیزیکی؛ ایران در مقایسه با متوسط جهانی از وضعیت نامساعد-تری برخوردار است. طبق بررسی انجام شده در این مقاله میزان دیابت و هایپرکلسترول در منطقه مرفه شهری در مقایسه با روستایی بیشتر است که به خاطر تفاوت تغذیه ای و تفاوت در میزان فعالیت مردم و سبک زندگی در این دو منطقه است. در این پژوهش مشخص شد که با افزایش قند، میزان کلسترول و در نتیجه بیماری قلبی عروقی بیشتر می شود. طرح ایرانین با تنظیم برنامه هایی سعی دارد تا حد امکان از بروز این بیماریها پیشگیری کند. هدف این برنامه این است که با اندازه گیری میزان شیوع، افراد را قبل از بیمار شدن یا در ابتدای بیماری تشخیص داده، اقدامات لازم را اعم از اقدامات آموزشی و مشاوره ای تا دارویی به موقع در مورد وی به اجرا میگذارد تا مانع از بروز یا پیشرفت بیماری گردد.

واژگان کلیدی: ایرانین-شیوع کلسترول و دیابت- شیوع بیماری غیرواگیر - استان قم.



اپیدمیولوژی سقوط در سالمندان مراجعه کننده به بیمارستان شهید چمران شیراز،

۱۳۹۶

مهدیه آردانه؛ دانشجوی کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران.

Email: mahdiehardanh73@gmail.com

محمد فراوی؛ دکتر اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز، ایران.

زمینه و هدف : با افزایش رو به رشد جمعیت سالمندان (۶۰ و بالاتر) نیاز به توجه و برنامه ریزی بیشتری در جهت پیشگیری از حوادث در این گروه سنی حس می شود. یکی از علل اصلی ناتوانی و بستری شدن سالمندان سقوط (افتادن) است. با وجود اهمیت و بروز زیاد، اطلاعات کمی در مورد اپیدمیولوژی سقوط از سالمندان ایران در دست است. این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژیک سقوط در سالمندان طراحی شده است.

مواد و روش ها : این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی اطلاعات پذیرش و بر اساس پرونده های بیمارستان های شهر شیراز برای بررسی وضعیت سقوط افراد بالای ۶۰ سال مراجعه کننده به بیمارستان چمران از تاریخ ۱۳۹۳،۱۲،۱ تا ۱۳۹۶،۱۲،۱ که شامل ۲۶۸۶ پرونده از سالمندان که به دلیل عوارض سقوط مراجعه کرده بودند انجام گرفت. اطلاعات مورد استفاده شامل وضعیت دموگرافیک، عارضه پس از سقوط، پیامد بعد از عارضه، میانگین اقامت در بیمارستان و میزان مرگ بر اثر سقوط در مراجعه کنندگان بود. برای آنالیز، روش های اماری مطالعات توصیفی مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج : نمونه های مورد بررسی شامل ۱۶۰۸ (۵۹،۷٪) زن و ۱۰۸۰ (۴۰،۳٪) مرد بودند. در صد مراجعه کنندگان بر اساس سن، ۴۳،۱٪ در گروه سنی ۶۰ تا ۷۰ سال، ۱۸،۷٪، ۷۱ تا ۸۰ سال و ۲۴،۸٪، ۸۱ تا ۹۰ سال و ۳،۹٪ در گروه سنی ۹۱ تا ۱۰۰ سال بودند. بیشترین عارضه سقوط شکستگی بود، که ۶۵،۳۴٪ در صد با عارضه شکستگی ۳۴،۶۶٪ با عارضه غیر از شکستگی بر اثر سقوط مراجعه کرده بودند. پیامد بعد از عارضه شامل ۶۵،۶٪ بهبودی و ترخیص از بیمارستان ۳۳،۹٪ بهبودی نسبی به همراه ناتوانی، ۵٪ فوت و میانگین اقامت در بیمارستان ۷ روز بود.

نتیجه گیری: تعداد زیادی از سالمندان هر ساله دچار سقوط می گردند و نسبت قابل توجهی دچار عوارض شدید ناشی از افتادن می شوند. این معضل منجر به هزینه های کلان و کاهش کیفیت زندگی گروه بزرگی از جمعیت کشور خواهد شد. با توجه به روند رو به رشد سالمندی جامعه ایرانی، پیشنهاد می شود خدمات و آگاهی رسانی اختصاصی جهت پیشگیری و درمان سقوط و شکستگی ناشی از آن در سالمندان ارائه گردد.

واژگان کلیدی: سالمند، سقوط، عارضه



بررسی روند بروز سرطان سینه در زنان ایرانی از سال ۲۰۰۰ – ۲۰۱۶

موهبت والی اصفهانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مهديه آردانه؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف : سرطان سینه در زنان یکی از بزرگترین بار سلامتی در جهان به حساب می آید. این بیماری یکی از علت های اصلی مرگ و میر ناشی از سرطان در بین زنان در سراسر جهان است. با توجه به اینکه بروز سرطان یکی از منابع کلیدی در برنامه ریزی و ارزیابی تاثیر برنامه های کنترل سرطان در سطح کشور و منطقه است برآن شدیم تا روند بروز سرطان سینه در زنان ایرانی را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ بررسی کنیم.

مواد و روش ها : این مطالعه در قالب بررسی روند بروز سرطان سینه در زنان ایرانی از سال ۲۰۰۰-۲۰۱۶ با استفاده از داده های گزارش شده در سایت <http://healthdata.org> انجام شد. داده های استخراج شده با استفاده از نرم افزار EXCEL2016 مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : یافته ها نشان می دهد که میزان بروز سرطان سینه در ۱۰۰۰۰۰ نفر در همه ی گروه های سنی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با شیب کمی در حال کاهش است. اما در گروه سنی ۱۵-۴۹ سال، ۵۰-۶۹ و بیشتر از ۷۰ سال روند بروز تغییر نمی کند و بروز سرطان سینه در این گروه های سنی بدون تغییر در این سال ها دیده می شود. اما به طور کلی میزان بروز در گروه سنی بیشتر از ۷۰ سال از دو گروه سنی دیگر بیشتر است.

نتیجه گیری : براساس یافته های این مطالعه، میزان بروز سرطان سینه تغییر چشم گیری در این سال ها نداشته است لیکن میزان این سرطان در گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال بیشتر اتفاق می افتد. بنابراین تمرکز برنامه غربالگری در این گروه سنی می تواند کمک کننده جهت سیر نزولی بروز سرطان سینه در زنان ایرانی باشد.

واژگان کلیدی : بروز، سرطان سینه، زنان، ایران



Association Between Intake Of Caffeine During Pregnancy And Sleep Quality In Postpartum Period: A Population-Based Study

Sohrab Iranpour¹; PhD student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Gholam Reza Kheirabadi; MD, Association professor of psychiatric, Behavioral Sciences Research Center, Khorshid Hospital, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

sajjad rahimi pordanjani; PhD student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Hossein Ali Adineh; Msc of epidemiology, Department of Epidemiology and Biostatistics, Iranshahr University of Medical Sciences, Iranshahr, Iran.

Mohammad Reza Maracy; PhD, Professor of Epidemiology, Department of Epidemiology and Biostatistics, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Background and Aim: Adequate sleep is one of the important required factors for good health and quality of life and sleep disorder especially in Women in child bearing is an important public health issue. Objective of this study was to examine the association between intake of caffeine during pregnancy and sleep quality in postpartum period.

Materials and Methods: In this population-based cross-sectional study we investigated on a representative sample of 360 delivered women who had delivered in the last 3 months and had a live birth and attending 30 health care centers in Ardabil, Iran. For sampling, systematic random sampling method was used. We used PSQI questionnaire for assessing sleep quality. Those with more than score of 5 were considered as poor sleeper. The reported sensitivity and specificity for PSQI questionnaire has been as 98.7% and 84.4% respectively. To examine caffeine and other dietary intake of study participants throughout their pregnancy, we used a 106-item Willett-format Dish-based Semi-quantitative Food Frequency Questionnaire (DS-FFQ). This Semi-quantitative Food Frequency questionnaire was specifically designed for Iranian adults. To examine the association of caffeine intake with sleep quality, we applied logistic regression in different models. The statistical significance level was set at $p < 0.05$.

Results: According to PSQI, score of 187(53%) women were more than 5 that is indicative of poor sleep quality. Based on the second quartile as a reference group, there were marginally significant association in quartile 3 and significant association in quartile 4 between caffeine intake and poor sleep quality in crude model(P trend= 0.02) and model 1 (adjusted for age, occupation, education, BMI and sex of the infant) (P trend= 0.04). In model 2 (adjusted for model 1 and grains, fats, fruits and vegetables, nuts, fish and Poultry, meats (red meats and organ meats) and dairy, there were marginally significant association in quartile1 and significant association in quartile 3 and quartile 4 between caffeine intake and poor sleep quality (P trend= 0.04).

Conclusion: The results of our study suggest a non-linear significant association between caffeine intake and poor sleep quality in women.

Keywords: pregnancy, Sleep Hygiene, population-based, Caffeine



The Association of Caffeine Consumption and Depressive Symptoms in US Adults: Data from National Health and Nutrition Examination Survey (NHANES)

Sohrab Iranpour; PhD student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Siamak Sabour; MD, MSc, DSc, PhD, Postdoc, Safety Promotions and Injury Prevention Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, I.R. Iran.

Background and Aim: Depression, a chronic and recurring disease, is a major public health problem. The Objective of this study was to examine the association between caffeine consumption and depression.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, we used data from the 2005–06 National Health and Nutritional Examination Surveys (NHANES). A total of 4737 individuals aged ≥ 18 years that answered the caffeine intake and depression questionnaires were selected for this study. Depression was assessed using the 9-item Patient Health Questionnaire (PHQ-9) with total score between 0 and 27. Those with PHQ-9 total scores ≥ 10 were considered as clinically relevant depressed. Statistical analysis was conducted using the SPSS version 18. In preliminary analyses, we used Student's t-test and one-way analysis of variance (ANOVA) to examine statistical differences in daily average caffeine consumption and PHQ-9 score across strata of categorical characteristics. Also Pearson's correlations coefficient was applied to examine the association of continues variables with caffeine consumption and PHQ-9 score. After preliminary analyses, to investigate the association of caffeine intake and depression multiple linear regression was used in different models. All of the reported P values were two-tailed, and the statistical significance level was set at $p < 0.05$.

Results: The weighted overall prevalence of depression was 5.5% (4.3% in men and 6.6% in women). There was a significant association between caffeine intake and depression score in crude model (Beta = .03, $P = 0.04$), model 1 (adjusted for age, sex, Family PIR, BMI, Race/Ethnicity, Education level, Marital Status), (Beta = 0.05, $P = 0.001$), Model 2 (adjusted for Model 1 plus history of disease, thyroid problem, physical activity, Hemoglobin), (Beta = 0.04, $P = 0.002$), and Model 3 (adjusted for Model 2 plus Vitamin D, Energy, Dietary fiber, Total fat, Vitamin B6, Total folate, Vitamin B12, Calcium, Magnesium, Zinc, Copper, Selenium, Alcohol) (Beta = 0.04, $P = 0.04$). In subgroup analysis there was a significant association in men (Beta = 0.058, $P = .014$) but not in women (Beta = 0.036, $P = .122$).

Conclusion: There was significant association between caffeine consumption and depression score in men but not in women.

Keywords: depression, caffeine consumption, NHANES, adults.



عوامل موثر بر افت تحصیلی دانشجویان و دیدگاه آنان در مورد عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی

متینه پور رحیمی؛ کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته پژوهشی دانشجویی، شاخه دانشکده ی پیراپزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مجتبی عبدی؛ کارشناسی پرستاری، کمیته پژوهشی دانشجویی، شاخه دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مقدمه: یکی از معضلات آموزشی افت تحصیلی دانشجویان می باشد که موجب هدر رفت منابع اختصاص یافته می باشد. هدف از این مطالعه بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانشجویان و دیدگاه آنان در مورد عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۹۶ - ۱۳۹۵ بوده است.

روش کار: مطالعه ی حاضر یک مطالعه ی مقطعی-تحلیلی است که دانشجویان پزشکی، پرستاری و پیراپزشکی انجام شد. اطلاعات توسط یک پرسشنامه ۵ قسمتی شامل چک لیست اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه رضایتمندی دانشجویان از رشته تحصیلی، عوامل موثر دیگر در زمینه افت تحصیلی و پیشگیری از بروز افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان و پرسشنامه عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان انجام گرفته است. روایی و پایایی تمام پرسشنامه های فوق انجام شده است. بعد از جمع آوری اطلاعات، آمار توصیفی و تحلیلی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام شد و تست های آماری نیز پس از بررسی نوع توزیع نمونه ها انتخاب گردیدند.

یافته ها: فراوانی افت تحصیلی ۲۵٫۶ درصد بود و ۲۸٫۴۶٪ از دانشجویان از رشته ی خود رضایت داشتند. افت تحصیلی با جنسیت، نظم و دقت در مطالعه ی دروس بیشترین ارتباط را داشتند. در عوامل پیشگیری از افت تحصیلی دانشجویان به ترتیب کیفیت آموزشی دانشکده، استفاده از اساتید مجرب و بهبود امکانات رفاهی در خوابگاه و دانشگاه بیشترین امتیاز را گرفتند و در بررسی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان بیشترین تاثیر به ترتیب انگیزه دانشجو، تسلط استاد بر موضوع درسی و آینده شغلی بود.

نتیجه گیری: موثر ترین عامل موفقیت یا افت تحصیلی نظم در مطالعه و دقت در مطالعه است و موثر ترین عوامل پیشرفت تحصیلی انگیزه ی دانشجو، تسلط استاد بر موضوع درسی و آینده شغلی دانشجویان است. مشاوره روانشناسی اهمیت زیادی در رفع مشکلات آموزشی دانشجویان دارد، پژوهشگران بر اساس یافته های پژوهش حاضر ایجاد یک سیستم برای پیشگیری از افت تحصیلی پیشنهاد میکند تا بتواند از صدمات احتمالی و هدر رفت سرمایه ملی پیشگیری شود.

واژگان کلیدی: افت تحصیلی، دانشجو، ایران



Domestic elder abuse and associated factors in elderly women in Tehran

Negar Piri; MSc student of Epidemiology, Epidemiology Department, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Email; piri.negar@gmail.com.

Koorosh Etemad; Department of Epidemiology, Faculty of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Parissa Taheri Tanjani; Assistant Professor, Department of Internal Medicine, Faculty of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Soheila Khodkarim; Department of Epidemiology, Faculty of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background and Aim: Elderly people often are abused in many ways with serious and lasting consequences. Elder abuse remains one of the most hidden forms of family conflict and it is anticipated that it is rising in many countries which are rapidly experiencing population aging. The purpose of study is to investigate the status of domestic elder abuse in elderly women and their related factors in Tehran.

Materials and Methods: This cross-sectional study conducted in 2017 on 260 women aged 60 and older, selected through multistage random sampling. The information of abuse and its risk factors was collected through interviews with the elderly in their homes. To measure domestic elderly abuse, the standard domestic elderly abuse questionnaire was used. The ordinal logistic test was used in Stata 12 to identify the factors related to elder abuse.

Results: Results showed that 90.4% of subjects have experienced at least one type of abuse, which the highest rate of abuse was authority deprivation (68.5%), and the lowest was rejection (11.2%). The ordinal logistic analysis showed that the chance of being in higher levels of abuse is significantly higher in elderly people over 70 years than older people aged 60-62 years (OR=2.07, CI: 1.03- 4.17). The chance of being in higher classes of abuse in the illiterate elderly than in literate elderly, elderly with a household size ≥ 2 compared to the elderly with a lower household size and the elderly with an income level of less than 8 million Rials than the elderly with an income level above 15 million Rials was more, which was not statistically significant.

Conclusion: Results showed that Domestic elder abuse is common in older women. Oldage is an important risk factor for Domestic elder abuse in elderly women in Tehran. Managing and preventing elderly abuse is an important issue that needs to be addressed.

Keywords: Domestic elder abuse, Elderly women, Risk factor



بررسی ارتباط ابتلا همزمان سل و دیابت با نتایج درمان بیماران اسمیر مثبت استان گلستان

نگار پیری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
حمیده صادق زاده؛ کارشناس بیماریها، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران.

کوروش اعتماد؛ استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقای ایمنی و پیشگیری از مصدومیت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

یدالله محرابی؛ استاد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

حسین حاتمی؛ استاد متخصص بیماری های عفونی و بهداشت عمومی (MPH)، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

حمیدرضا کمالی نیا؛ پزشک عمومی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران

مقدمه: ترکیب و همراهی توپرکلوزیس و دیابت یک تهدید سلامت جهانی محسوب می شود. معضلاتی مانند عدم کنترل مناسب قند خون و تداخلات دارویی، از جمله مشکلات بروز هم زمان این دو بیماری است. در زمینه تاثیر دیابت بر پاسخ درمانی در بیماران سلی نتایج مطالعات متفاوت است. هدف این مطالعه تعیین ارتباط ابتلا همزمان سل و دیابت با نتایج درمان بیماران اسمیر مثبت می باشد.

روش کار: این مطالعه به روش کوهورت گذشته نگر بر روی بیماران مبتلا به سل جدیدی که از فروردین ماه سال ۹۸ تا اسفند ماه سال ۸۳ در استان گلستان براساس پروتکل کشوری و آزمایش نمونه خلط به عنوان سل ریوی اسمیر مثبت در سامانه ثبت بیماران سل به ثبت رسیده و همزمان در شروع درمان ضد سل به بیماری دیابت نیز مبتلا هستند، انجام شد. برای بررسی تاثیر دیابت بر روی نتایج درمان بیماران از تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک در نرم افزار SPSS 21 استفاده شد.

یافته ها: تعداد موارد جدید سل اسمیر مثبت در دوره ۵ ساله این مطالعه ۲۹۸۳ مورد بود که بیشترین میزان بروز مربوط به سال ۸۱ با ۲۴۴۵ مورد در یکصد هزار نفر و کم ترین میزان مربوط به سال ۹۸ با ۲۱۴۴ مورد در یکصد هزار نفر بود. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک چندمتغیره پس از کنترل متغیرهای سن، جنس، وزن، ملیت، محل سکونت، اعتیاد، تراکم اسمیر اولیه و وضعیت آنتی بیوگرام اولیه نشان داد که شانس مرگ در افراد مبتلا به دیابت نسبت به افراد غیر دیابتی به شکل معناداری بالاتر (۹۴۸۹ ؛ همچنین شانس شکست درمان در افراد مبتلا به دیابت نسبت - ۶۴۱۵٪ است) نسبت شانس: ۲۴۴۵ ، حدود اطمینان ۸۵ به افراد غیردیابتی کمتر است که این نتیجه از لحاظ آماری معنادار نبود.

نتیجه گیری: ابتلا همزمان دو بیماری سل و دیابت می تواند بر روی نتایج درمان بیماران مبتلا به اسمیر مثبت تاثیرگذار باشد؛ لذا این مسئله باید در روند درمانی بیماران مبتلا به سل اسمیر مثبت مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سل، دیابت، نتایج درمان



عوامل مرتبط با سلامت جنسی در زنان مبتلا به سرطان سینه

نرگس کولیوند؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری- مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

زینب مرادی لیلستانی؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری- مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

مقدمه: ویتامین D یک ویتامین محلول در چربی است که بدن می تواند ۹۰ درصد نیازش به این ویتامین را از طریق نور خورشید جذب نماید. اخیراً مطالعات زیادی در زمینه ارتباط ویتامین D با بیماری های مختلف انجام شده است ولی مطالعات بصورت پراکنده و موردی بوده و مطالعه ای که تمامی اختلالات ناشی از کمبود ویتامین D را که تاکنون در پژوهش های مختلف به اثبات رسیده، بصورت متمرکز بررسی نماید انجام نگرفته است. لذا این مقاله با مروری بر متون موجود به بررسی این مورد پرداخته است.

روش کار: مطالعه حاضر با استفاده از کلیدواژه های بیماری، اختلالات جسمانی و ویتامین D در پایگاه ها و بانک های اطلاعاتی Magiran, Sid, Pubmed, Google scholar و ScienceDirect در تاریخ ۲۰ اسفند ۹۶ جست و جو شد که ۴۶ مقاله یافت و با توجه به معیارهای ورود به مطالعه ۲۶ مقاله شامل ۱۶ مقاله لاتین و ۱۰ مقاله فارسی برای نگارش نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: با توجه به مطالعات انجام شده، ویتامین D یکی از ویتامین های حیاتی بدن انسان می باشد که ۴۲٫۸٪ از جمعیت ایران با کمبود این ویتامین مواجه هستند که بنابر بررسی های صورت گرفته با اختلالاتی نظیر: راشیتیزم در کودکان، استئومالاسی، استئوپروز، مالتیپل اسکلروزیس (MS)، دیابت (بویژه دیابت نوع ۲)، چاقی، افسردگی، سرطان (به ویژه سرطان روده بزرگ) بیماری قلبی، زوال عقل و دلیریوم ارتباط مستقیم دارد.

نتیجه گیری: نظر به اینکه کمبود این ویتامین می تواند مشکلات بسیاری را برای بدن ایجاد کند لذا باید برنامه هایی برای غربالگری دقیق سطح ویتامین D در سطح جمعیت صورت بگیرد و آموزش های مرتبط به منظور پیشگیری از کاهش سطح این ویتامین که منبع اصلی آن خورشید است، در جامعه ارائه شود. آموزش هایی از قبیل: قرار گرفتن به میزان کافی در معرض نور خورشید، عدم استفاده از لوازم آرایشی، استفاده از مکمل های ویتامین D و نیز چکاپ سطح ویتامین D به میزان ۲ مرتبه در سال.

واژگان کلیدی: ویتامین D، غربالگری،



Frequency of Chronic Atrophic Gastritis among 11543 Patients from a Pathology Clinical Center between 2012 and 2016 in Mashhad

Pouya Ghaderi; Student Research Committee, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Zahra Behrooznia; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Ahmad Gholipoor; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Bitā Zargarān; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Shamim Delavari Lotfabad; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Saba Poorali; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Ali Shariat Razavi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Sepideh Mansoori Majoofardi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Azra Izanloo; Gastric Cancer Research Group, Mashhad

Mohammad Dehghani; School of Pharmacy, Tehran Islamic Azad University, Tehran

Background and Aim: Although the global incidence of gastric cancer has been decreased dramatically in recent decades, north and northwest of Iran have the highest incidence rate of gastric cancer. The intestinal type of gastric cancer usually occurs in gastric tissues with chronic atrophic gastritis (CAG). The epidemiologic data of CAG as an important precursor lesion are rare. In this study, we aimed to determine the frequency of CAG base on pathologic reports of upper gastrointestinal biopsy samples from pathology clinical center in Mashhad, Iran.

Materials and Methods: In this cross sectional study, pathologic reports of patients diagnosed with gastropathy in upper gastrointestinal endoscopy from 2012 to 2016 were reviewed. Totally 11543 patients with available and complete pathologic reports enrolled. The patients with incomplete or unclear pathologic reports were excluded. The frequency of CAG and demographic patient's information were analyzed by SPSS version 18 and Chi-square test was used.

Results: The prevalence of CAG was 5.7% among 11543 subjects. Totally 47.3% patients were male and 52.7% were female. The incidence of CAG was 5% and 6% in women and men, respectively. By Chi-square test, there is significant difference in male and female ($p = 0.0001$).

Independent T.test shows the significant correlation between age and CAG, ($P = 0.0001$). The age range of patients with atrophy varies from 5 to 90 years. The mean age of patients was 58.65 ± 15.09 . By Chi-square test, there is significant correlation between frequent of CAG and regions of gastric ($p = 0.0001$). The most frequent region of atrophy was antrum. The prevalence of atrophy was statistically higher in *H.pylori* non-infected individuals ($p = 0.0001$).

Conclusion: In our study, the prevalence of CAG is not higher than estimated incidence rate in meta-analysis. Like most studies, prevalence of CAG has significant correlation with male gender and older age. About the correlation with *H.pylori*, we can judge better by serological assessment in further studies.

Keywords: Chronic Atrophic Gastritis, Prevalence, *Helicobacter pylori*



Gastric Intestinal Metaplasia: Retrospective Epidemiological Study

Pouya Ghaderi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Azra IZanloo; Gastric Cancer Research Group, Mashhad

Bita Zargarani; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Mokhtar Ahmadi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Fatemeh Hosseinnajad; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Ali Shariat Razavi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Nastaran Vaghei; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Behnaz Baradaran Sirjani; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Zahra Yousefli; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Samira Zahiri Sharif abadi; School of Medicine, Qom Islamic Azad University, Qom

Background and Aim: Gastric intestinal metaplasia is one of the pre-neoplastic lesions of gastric tissues. *Helicobacter pylori* (*H.pylori*) infection is the main risk factor of gastric intestinal metaplasia. Gastric adenocarcinoma as a high incident cancer in some regions of Iran, usually originate from intestinal metaplasia. Limited data is available about the prevalence of IM in Iran. We aimed to determine the prevalence of IM and *H.pylori* infection in these patients.

Materials and Methods: This retrospective epidemiological study has been done in referral gastrointestinal laboratory in Mashhad; between March 2012 and March 2017. 11543 patients had all undergone upper esophagogastrodeodendoscopy and biopsy reports had been available. Unclear and incomplete reports excluded. Demographic information, the most frequent region of IM, *H.pylori* and IM prevalence were assessed in patients. All data analysed by SPSS version 18, Chi-square and T-test was performed for comparing the variables.

Results: The prevalence of endoscopic IM among 11543 subjects was 15.9%. Totally 47.3% patients were male and 52.7% were female. The age range of patients with IM varies from 5 to 91 years with the mean of 55.28 ± 15.48 . Independent T.test showed the significant correlation between age and IM, ($P = 0.0001$). The incidences of IM were 15.9% and 17.4% in women and men, respectively. By Chi-square test, there was the significant difference in male and female ($p = 0.0001$). By Chi-square test, there was significant correlation between frequency of IM and regions of gastric ($p = 0.0001$). The most frequent region of atrophy was antrum. The prevalence of IM was not statistically higher in *H.pylori* infected individuals ($p = 0.230$).

Conclusion: In our study, the overall prevalence of endoscopic IM was 15.9% and it was not statistically higher in patients with *H.pylori* infection. Prevalence of IM in males was significantly higher than women and it correlated to increasing age.

Keywords: Gastric Intestinal Metaplasia, *Helicobacter pylori*, Prevalence



Gastric Cancer Epidemiology from 2012 to 2017 in Mashhad, Iran

Pouya Ghaderi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Maryam Ghandehari; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Zahra Behrooznia; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Sina Vosughinia; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Mokhtar Ahmadi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Delara Akhavan; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Rana Rahimi Kakhki; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

fatemeh Hamidi; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Farnaz Torabian; Student Research Committee, Gastric Cancer Research Group, School of Medicine, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad

Ali Dehghani; School of Nursery, Iran University of Medical Sciences, Tehran

Background and Aim: Gastric cancer (GC) is characterized as the fourth most common cancer and second leading cause of cancer mortality in the world. Epidemiological studies have been done all around the world but the exact GC epidemiology still remains unclear in Mashhad. The purpose of the present research was to assess the GC epidemiology in Mashhad, Iran.

Materials and Methods: In this study, 11543 individuals were employed from July 2012 to December 2017. The primary tumor was classified as the basis of either findings of endoscopic and pathologic results. The patients were first screened then endoscopy done for evaluation of symptoms related to upper gastrointestinal tract. Demographic data extracted from charts. After data entering, a controller rechecked information. Data was analyzed with SPSS version 16.0 ($P < 0.05$).

Results: The prevalence of endoscopic carcinoma among 11543 subjects was 5.6%. Totally, 47.3% patients were male and 52.7% were female. The incidence of carcinoma was 2% and 8% in women and men, respectively. By Chi-Square test, there is significant difference in male and female ($P = 0.0001$). Independent t-test showed significant correlation between age and carcinoma ($P = 0.0001$). The age range of patients with carcinoma varies from 6 to 92 years with the mean of 64.21 ± 14.45 years. By Chi-Square test, there is a significant correlation between prevalence of carcinoma and regions of gastric carcinoma ($P = 0.0001$). The most frequent region of carcinoma was mucosal area. The prevalence of carcinoma was statistically higher in H.pylori non-infected individuals ($P = 0.0001$).

Conclusion: According to main findings in the research, GC epidemiology in Mashhad, mucous area was reported as the most involved area.

Keywords: Gastric Cancer, *Helicobacter pylori*, Prevalence



مروری بر ابزار اندازه گیری رفتار تکانشی بارت (BIS) - یک مطالعه مروری

سما رستم معروف؛ دانشجو کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه و هدف: تکانشگری یک بعد مهم از شخصیت هر فردی می باشد و چندین نظریه هم وجود دارد که در آن تکانشگری یک جزء جدا از رفتارهای شخصیتی بوده و نوعی عملکرد روانشناختی می باشد. یکی از مهم ترین ابزار هایی خودگزارشی تکانشگری ابزار بارت ورژن ۱۱ است. هدف از این مطالعه ، یک بررسی متون برای بررسی ویژگی های این ابزار مهم می باشد.

مواد و روش ها: اطلاعات مورد نظر از طریق جستجوی پایگاه های اطلاعاتی Google ، PSYC INFO ، MEDLINE ، Scholar ، PubMed ، IranDoc ، Magiran ، scopes و SID و با استفاده از کلید واژه های رفتار تکانشی، تکانشگری ، پرسشنامه، بارت و ابزار تکانشگری بارت به دست آمد. ملاک ورود مطالعات، روان سنجی آخرین ورژن این ابزار برای جمعیت های بزرگسال می باشد.

نتایج: با توجه به نتایج حاصل از ۲۲ مطالعه ی مناسب یافت شده ، پرسشنامه ی BIS-11 در نمونه هایی از جمعیت بزرگسالان و زندانیان و مصرف کنندگان مواد و سایر جمعیت ها از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بودند. با توجه به شیوه دریافت پاسخ که به صورت پنج گزینه ای می باشد در مقایسه با وضعیت دو گزینه ای که در سایر پرسشنامه ها وجود دارد توانایی سنجش و افتراق این پرسشنامه را افزایش داده است البته با توجه به چند بعدی بودن این پدیده باید همواره دخالت سایر عوامل مانند سن، جنس، میزان تحصیلات را در ابعاد گوناگون این پدیده در نظر گرفت.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها می توان گفت با استفاده از پرسشنامه BIS-11 ، می توان سه نوع عامل تکانشگری (شناختی، حرکتی، بی برنامهگی) را به درستی بررسی کرد. این پرسشنامه با پرداختن غیر مستقیم و عدم پرسش از مواردی که بار ارزشی منفی مشخصی در شرایط اجتماعی به همراه دارند، به عنوان یک ابزار خوب برای سنجش ابعاد پدیده تکانشگری شناخته شده است.

واژگان کلیدی: تکانشگری، پرسشنامه، پرسشنامه بارت، BIS ، رفتار تکانشی



نیازسنجی سلامت محله اسکان شهر یزد- ۱۳۹۶

سید محمد حسین حسینی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
هادی محمدی مدرس؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
هادی فیوجی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
تهمینه آگاه؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
سید علی پور مصطفوی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
سعید حسینی؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
محمد حسن لطفی؛ دکترای اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

زمینه و هدف: نیاز چیزی است که برای ارضاء و تحقق یک هدف قابل دسترس، ضروری یا مفید است. از این منظر نیاز یک نقش واسطه‌ای پیدا می‌کند که رفع آن موجب تحقق هدف یا تسهیل در آن می‌شود. نیازسنجی فرآیند نظم‌بخشی و اولویت‌بندی نیازهای اجتماع است. این مطالعه با هدف تعیین نیازهای سلامتی محله اسکان شهر یزد در چهار حیطه نیازهای امنیتی، زیست محیطی، فرهنگی، آموزشی و ورزشی و خدمات سلامت طراحی و اجرا شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی (cross sectional) می‌باشد. جامعه هدف کلیه ساکنین محله اسکان شهر یزد در ابتدای سال ۱۳۹۶ بوده و داده‌ها به روش کیفی و با استفاده از اجرای بحث گروهی متمرکز جمع‌آوری شده‌اند. جهت بالا بردن قابلیت تعمیم نتایج به کل جامعه تعداد ۶ گروه وارد مطالعه شدند. یک گروه مرد و یک گروه زن از هر یک از گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۵ سال، ۲۵ تا ۵۰ سال و بالای ۵۰ سال افراد تشکیل دهنده گروه‌ها بودند. جهت یکسان‌سازی مصاحبه‌ها از پرسشنامه‌ای نیمه ساختار یافته استفاده شد. اولویت‌بندی نیازها و عوامل تامین‌کننده آنها نیز با استفاده از گروه خبرگان و با امتیاز دهی از یک تا پنج به آیت‌های میزان درخواست، شدت مشکل، فوریت مداخله، امکان مداخله و اثربخشی، انجام شد. **نتایج:** در این مطالعه بیشترین نیازها و عوامل برطرف‌کننده آن مربوط به عوامل زیست محیطی می‌باشند. پنج عامل اول که از نظر اولویت هم در یک سطح قرار گرفته‌اند شامل استاندارد سازی پارک‌ها و فضای سبز، بهبود کیفیت جمع‌آوری زباله، بهبود نظافت کوچه و خیابان، زیباسازی محله و تاسیس باشگاه و محل‌های ورزشی می‌باشند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج نیازهای سلامت اولویت‌دار در این مطالعه حداقل نیازهای سلامتی جامعه می‌باشند و رفع آنها بیشتر به عهده دستگاه‌های مربوطه می‌باشد تا خود مردم. بنابراین لازم است مسئولین امر توجه ویژه‌ای به رفع این نیازها داشته باشند.

واژگان کلیدی: نیازسنجی، سلامت، اسکان، یزد



بررسی اثر مداخله با برنامه آموزش تغذیه به همراه توزیع یک وعده غذای گرم به منظور مقابله با سوء تغذیه و بهبود شاخص های تن سنجی در میان کودکان ۲-۶ سال تحت پوشش روستا مهدهای شهر دزفول

پگاه رهبری نژاد؛ گروه تحصیلات تکمیلی علوم تغذیه، دانشکده علوم و فناوری های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مریم محمدپور؛ گروه تحصیلات تکمیلی علوم تغذیه، دانشکده علوم و فناوری های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

آریو موحدی؛ گروه تحصیلات تکمیلی علوم تغذیه، دانشکده علوم و فناوری های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

زهرا عبدالحی؛ دفتر بهبود تغذیه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

مینا مینایی؛ دفتر بهبود تغذیه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دفتر بهبود تغذیه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

زمینه و هدف : تامین منابع غذایی کافی و مناسب برای کودکان از اهم موضوعات در گستره جهان محسوب می گردد. کم خواری و بیش خواری در دو سر طیف سوء تغذیه جای گرفته اند ، بطوری که در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران همچنان به قوت خود به عنوان مسئله کلیدی در بهداشت عمومی باقی هستند. افزون بر آن، کم خواری جنبه های گوناگون سلامت، شامل: سلامت جسمانی، روانی، شناختی، معنوی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. لاغری، کوتاه قدی و کم وزنی از جمله عوارض کم خواری می باشند که مرتبط با تاخیر در رشد مغزی، رشد جسمی و کاهش ظرفیت ذهنی به شمار می روند. هدف از این مطالعه تعیین اثر مداخله با برنامه آموزش تغذیه به همراه توزیع یک وعده غذای گرم بمنظور مقابله با سوء تغذیه و بهبود شاخص های تن سنجی در میان کودکان ۲-۶ سال تحت پوشش روستا مهدهای شهر دزفول می باشد.

مواد و روش ها : در این مطالعه امتیاز Z شاخص های تن سنجی شامل وزن برای قد، وزن برای سن، قد برای سن و نمایه توده بدنی برای سن در میان ۴۳۶ نفر کودک مورد مطالعه با استفاده از نرم افزار آنترو و آنتروپلاس گردآوری شد و سپس داده ها براساس استانداردهای سازمان جهانی بهداشت برای رشد کودکان طبقه بندی گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

نتایج : در جمعیت مورد بررسی، پیش از مداخله حدود ۶ درصد کودکان به لاغری متوسط تا شدید مبتلا بودند که پس از مداخله این میزان به ۴ درصد کاهش یافت. نتایج چشمگیر حاصل از مقایسه داده های پیش و پس از مداخله افزایش تمامی شاخص های آنتروپومتریک مورد اندازه گیری را پس از مداخله نمایان ساخت. افزایش در شاخص های وزن، قد، نمایه توده بدنی، وزن برای سن و نمایه توده بدنی برای سن از نظر آماری معنی دار بود، در حالیکه ارتباط معناداری در وضعیت کوتاه قدی مشاهده نشد.

نتیجه گیری : برنامه های مداخله ای به ویژه آموزش تغذیه بمنظور بهبود وضعیت تغذیه ای کودکان می بایست تقویت شود و تا ناپدید شدن یا به حداقل رساندن سوء تغذیه در کودکان ادامه یابد. علاوه بر آن ، طراحی و اجرای مطالعات ملی تغذیه ای برای نوجوانان، جوانان و بزرگسالان می تواند ارتقاء سطح سلامت جامعه را به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی : شاخص های تن سنجی، آموزش تغذیه، سوء تغذیه



میزان و روند مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم در کودکان ۵۹-۱ ماهه خراسان شمالی، ۱۳۹۵-۱۳۹۰

امیر طیوری؛ دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، کمیته پژوهشی دانشجویی، شاخه دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مهدی صفرپور؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

معصومه محمدزاده؛ کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران

پروین محمدزاده؛ کارشناس بهداشت عمومی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مریم دادجو؛ کارشناس بهداشت عمومی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

زمینه و هدف: مسمومیت با اپیوم در کودکان می تواند بسیار خطرناک باشد، چرا که در صورت عدم تشخیص و درمان به موقع می تواند سبب مرگ کودک گردد. مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان و روند مرگ ناشی از مسمومیت با این ماده در کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه انجام شد.

مواد و روش ها: داده های مورد نیاز مطالعه مقطعی- مبتنی بر جمعیت حاضر، شامل اطلاعات دموگرافیک (سن، جنس، محل سکونت و سن مادر) و علت مرگ از بانک اطلاعاتی ثبت مرگ کودکان ۵۹-۱ ماهه در استان خراسان شمالی طی سال های ۹۵-۱۳۹۰ استخراج گردید. میزان و روند مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم طی دوره مطالعه با استفاده از مدل رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: طی دوره مطالعه ۱۱۰ مورد مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم، در ۵۰٪ (۴۵/۴) پسر و ۶۰٪ (۵۴/۶) دختر ثبت شده بود. میانگین سنی مرگ ناشی از مسمومیت $7/9 \pm 8/0$ ماه بوده است. ۱۵٪ (۱۳/۶) مورد مرگ ها مربوط به شهر و ۹۵٪ (۸۶/۴) از روستا بودند ($P < 0.01$). بیشترین فراوانی مرگ (۵۴/۴٪) در کودکان با مادران بیسواد بوده است. بالاترین و پایین ترین میزان مرگ مربوط به سالهای ۹۲ و ۹۴ به ترتیب با ۱/۸ و ۰/۷ مرگ در هزار تولد زنده بوده است. در طی دوره مطالعه میانگین میزان مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم برابر ۱/۱ در هزار تولد زنده بوده است که سالیانه به صورت متوسط رشد ۰/۰۳ در هزار تولد زنده داشته است که از نظر آماری معنی دار نبوده است ($P = 0.86$).

نتیجه گیری: با توجه به بالا بودن میزان مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم در روستاها و مادران بیسواد، اطلاع رسانی و آموزش های لازم در خصوص اثرات منفی و کشنده مسمومیت با اپیوم و مشتقات آن از طریق مراکز بهداشتی و درمانی و رسانه های جمعی ضروری به نظر می رسد. از طرفی با توجه به رابطه عکس سطح تحصیلات مادر با مرگ ناشی از مسمومیت با اپیوم، افزایش تحصیلات والدین علی الخصوص مادران، به عنوان یک راهبرد میان مدت پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: اپیوم، میزان مرگ، مسمومیت، کودکان



بررسی توزیع وزن و کم وزنی نوزادان شهر ساری در بدو تولد در سال ۱۳۹۵

نسیم شربتیان؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران.

Email: nsharbatian@hotmail.com

حنیفه لخی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

محمود موسی زاد؛ استادیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: تولد نوزاد کم وزن از جدیترین و مهمترین مشکلات بهداشتی در جهان و یکی از مهمترین پیامدهای نامطلوب بارداری هست که شیوع آن در جوامع مختلف متفاوت است که با شناسایی آن میتوان در جهت کاهش میزان تولد نوزادان کم وزن اقدام نمود. هدف این مطالعه بررسی توزیع وزن و کم وزنی نوزادان شهر ساری در سال ۱۳۹۱ می باشد.

روش کار: این مطالعه توصیفی-مقطعی بوده و روی پرونده نوزاد مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر ساری انجام گرفت و عواملی مانند جنس نوزاد، وزن نوزاد، ترم و پره ترم بودن نوزاد، رتبه تولد نوزاد، شاخص نمایه توده بدنی مادر، نوع زایمان مادر، سن مادر ارزیابی شد که طی آن نوزادان دارای وزن ۲۱۲۲ گرم و کمتر کم وزن محسوب شدند. با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۱ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین وزن بدو تولد در ۵۳۱ نوزاد مورد مطالعه ۳۲۴۶،۱۴ گرم و انحراف معیار ۴۵۷،۲۲ و در نوزادان کم وزن ۲۱۷۴،۴۱ گرم بوده است. ۴،۵٪ از نوزادان کم وزن می باشند که ۷۰،۸٪ دختر بودند و ۵۴،۲٪ از نوزادان کم وزن پره ترم نیز بودند، همچنین ۳۰،۸٪ از نوزادان دوقلو کم وزن بودند. نوع زایمان مادر در ۸۷،۵٪ از نوزادان کم وزن سزارین بوده و ۶۴٪ از مادران حاملگی اول داشتند. ۱۶،۷٪ مادران بالای ۳۱ سال بودند. ۴۵٪ مادران دارای نوزادان کم وزن دچار اضافه وزن بودند و ۲۰،۸٪ مادران دچار دیابت بارداری بودند، همچنین همبستگی مثبتی بین کم وزنی و زمان ختم بارداری (ترم بودن نوزاد) ($P\text{-value}=0.0$ $r=0.520$) و کم وزنی و دوقلویی ($P\text{-Value}=0.0$ $r=0.200$) وجود داشت که از نظر آماری معنی دار بود و بین کم وزنی بدو تولد و جنس نوزاد ($r=-0.0931$ $P\text{-value}=0.038$) همبستگی منفی ضعیفی دیده شده که از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع کم وزنی در نوزادان پره ترم و در نوزادانی با مادران زیر ۱۷ سال میتوان با آموزش دختران و زنان و توجه و ارتقا مراقبت های دوران بارداری از زایمان زودرس و حاملگی زیر ۱۷ سال پیشگیری کنیم.

واژگان کلیدی: وزن تولد، کم وزنی، مادر باردار



بررسی کمبود روی در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران

سارا کاشکولی؛ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تغذیه، عضو مرکزی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده تغذیه و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

Email:sa.kashkoli@gmail.com

آرزو صلواتی؛ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تغذیه، دانشکده تغذیه و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

زمینه و هدف: تالاسمی ماژور یکی از شایع ترین بیماری های ژنتیکی در ایران است که در آن تولید هموگلوبین طبیعی دچار اختلال می گردد و بیماران نیاز به دریافت مکرر خون دارند. با توجه به شیوه درمان در این بیماران کمبود عنصر روی در مطالعات متعددی گزارش شده است.

روی عنصر معدنی ضروری و مورد نیاز بدن است. کمبود روی باعث ضعف سیستم ایمنی بدن، رشد ناکافی جنین در مادران باردار و کوتاهی قد می گردد. هدف از این مطالعه ارزیابی میزان کمبود روی در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در شهرهای مختلف ایران می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مرور نظام مند است که با جستجو در پایگاه های داده ای فارسی و انگلیسی SID, magiran, Google Schollar Scupos, Pubmed, Cochrane, sience direct انجام شد. مقالات مرتبط در ایران با جستجوی کلیدواژه های مرتبط به دو زبان فارسی و معادل انگلیسی آن ها در بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۸ پیدا گردید و مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت از ۲۷ مقاله ۹ مقاله با توجه به معیارهای ورود و خروج در ایران انتخاب گردید و وارد مطالعه شد.

یافته ها: بررسی ها نشان داد که در اکثر مطالعات، در بیماران تالاسمی ماژور کمبود روی وجود دارد. در مجموع بین کل جامعه نمونه مطالعات از شهرهای مختلف ایران ۲۲۰ نفر مبتلا به تالاسمی ماژور بودند که از این میان ۱۳۵ نفر دچار کمبود روی گزارش گردید. کمترین درصد کمبود روی در بین مبتلایان به تالاسمی ماژور در استان کرمانشاه با ۲۱ درصد و بیشترین در سیستان بلوچستان با ۱۰۰ درصد مشاهده شد. همچنین میانگین شاخص توده بدنی (BMI) در اکثر مطالعات کمتر از حد نرمال بود.

نتیجه گیری: در این مطالعه مشاهده گردید که کمبود روی در افراد مبتلا به تالاسمی ماژور نسبتا بالا می باشد. تاثیر نوع درمان تالاسمی نیز بر میزان روی تاثیرگذار است بنابراین مطالعات بیشتر در این زمینه توصیه می شود. با توجه به اهمیت نقش روی در بدن، تجویز مکمل روی (زینک) در افراد مبتلا به تالاسمی ماژور پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: روی، تالاسمی، ایران، زینک



بررسی رابطه بین ویروس زیکا و میکروسفالی در نوزادان

مهناز مؤیدی؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Mahnaz7574@gmail.com

شادی گلی؛ مرکز تحقیقات توسعه علوم پرستاری و مامایی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد،

ایران

مقدمه: ویروس زیکا نوعی Arbovirus متعلق به خانواده Flavivirus است. این ویروس اغلب از طریق نیش پشه آلوده و برخی موارد از طریق انتقال خون افراد آلوده، از مادر به جنین هنگام بارداری و نیز از طریق رابطه جنسی منتقل می شود. این ویروس در بزاق، شیر مادر، اسپرم و مایع مغزی نخاعی نیز شناسایی شده است. بیش از ۸۰ درصد افراد آلوده بدون علامت هستند اما در برخی افراد علائمی چون خارش پوستی، راش، تب، سردرد، التهاب ملتحمه و میکروسفالی گزارش شده است. این مطالعه با هدف تاثیر ابتلای مادر باردار به ویروس زیکا و میکروسفالی نوزاد انجام شده است.

روش کار: در این مطالعه مروری پایگاه های اطلاعاتی شامل، Pubmed، Google scholar، CID مورد جست و جو قرار گرفتند. معیارهای ورود به مطالعه، بازه زمانی انتشار مطلب مورد نظر و تناسب با هدف مطالعه بود.

یافته ها: میکروسفالی اختلال رشد عصبی است که در آن اندازه سر فرد در اثر توقف رشد مغز کوچک می ماند و عوارضی چون صرع، تاخیر رشدی و حرکتی، ناتوانی در ادراک، اختلالات بلع، کم شنوایی و ناشنوایی، اختلالات بینایی به همراه دارد. مطالعات نشان می دهند در جنین مادران بارداری که در معرض ویروس زیکا قرار دارند، عدم تناسب سرو تنه و نیز دور سر کمتر از ۳۲ سانتیمتر در نوزادان دیده می شود. شناسایی ویروس در مایع آمنیوتیک، مغز نوزاد و جفت و همچنین در زنان باردار که علائم عفونت را نشان می دهند، گویای آن است که عفونت ویروسی، مغز در حال رشد را از بین می برد و در نتیجه باعث ایجاد میکروسفالی می شود.

نتیجه گیری: تظاهرات بالینی زیکا در مادران می تواند تشخیص را تأیید کند، اما تأیید آزمایشگاهی مادر و جنین، به ویژه کالبد شکافی و یا تشخیص محصولات سقط جنین، می تواند شواهد بیشتری را ارائه دهد. تشخیص میکروسفالی مبتنی بر اولتراسونوگرافی در حین بارداری، معاینه فیزیکی هنگام تولد و / یا کالبد شکافی نوزاد مرده به دنیا آمده یا جنین سقط شده می باشد.

کلمات کلیدی: میکروسفالی، ویروس زیکا، بارداری



بررسی رابطه بین مصرف مکمل های آنابولیک و تظاهرات قلبی عروقی

مهناز مؤیدی؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Email : Mahnaz7574@gmail.com

شادی گلی؛ مرکز تحقیقات توسعه علوم پرستاری و مامایی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد،

ایران

مقدمه: استروئیدهای آنابولیک آندروژنی (AAS) مشتقات مصنوعی تستوسترون می باشند که عمدتاً ورزشکاران توسط به منظور افزایش توده عضلانی بدون چربی، بهبود ظاهر و بهبود عملکرد استفاده می شوند و اکنون به یکی از مهم ترین نگرانی های سلامتی تبدیل شده اند، چرا که با طیف وسیعی از پیامدهای نامطلوب مانند هیپوگنادیسم، آتروفی بیضه، اختلال اسپرماتوژنز، اختلالات روانی، اختلالات کبدی، بیماری های قلبی عروقی همراه می باشند. هدف از انجام این مطالعه بررسی عوارض مصرف استروئیدهای آنابولیک بر روی قلب و عروق می باشد.

روش کار: در این مطالعه مروری پایگاه های اطلاعاتی شامل، Pubmed، Google scholar، CID مورد جست و جو قرار گرفتند. معیارهای ورود به مطالعه، بازه زمانی انتشار مطلب مورد نظر و تناسب با هدف مطالعه بود.

یافته ها: افزایش فشارخون سیستمیک یا دیاستولیک از عوارض رایج این استروئیدها است که می توانند منجر به اختلالات عروقی شدید شود. استروئیدهای آندروژنی آنابولیک با تاثیر مستقیم بر سیستم قلبی عروقی مانند هیپرتروفی عضلانی قلب و فیبروز قلب و اثرات غیر مستقیم مانند دیس لیپیدی (افزایش تری گلیسرید، کاهش کلسترول، کاهش HDL، افزایش LDL، فشار خون بالا (به علت افزایش ترشح رنین از کلیه توسط آندروژن) منجر به آریتمی و انفارکتوس میوکارد می گردند. اختلالات الکتروکاردیوگرافی به صورت LVH و آریتمی نیز با استفاده از مصرف استروئید آنابولیک گزارش شده است. پلی سیتمی نیز از عوارض این استروئیدهای آندروژنی می باشد.

نتیجه گیری: استفاده از مکمل های آنابولیک می تواند در افزایش بروز بیماری های قلبی عروقی از جمله سکته قلبی نقش اساسی داشته باشند، لذا آگاه نمودن افراد از عوارض سوء این مواد و منع آنها از استفاده طولانی مدت ضرورت دارد.

کلمات کلیدی: استروئید آنابولیک، بیماری قلبی عروقی، فشارخون، دیس لیپیدی



اپیدمیولوژی مرگ و میر ناشی از سرطان ها براساس داده های سیستم ثبت سرطان شهرستان نیشابور (۱۳۹۵-۱۳۹۰)

علی مهری؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
محمد باقر دلخوش؛ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
زکیه سادات حسینی؛ دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
Hossini88ho@gmail.com

زهره گل؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
علی منظمی کریم زاده؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
مهدی غلامی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

زمینه و هدف: در حال حاضر سرطان عامل ۱۲٪ کل مرگ ها در سرتاسر جهان می باشد و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۰ حدود ۶۰٪ این موارد جدید در کشورهای کمتر توسعه یافته اتفاق می افتد. در ایران هم سرطان ها با میزان ۱۵٫۹ درصد از کل علل مرگ و میرها به عنوان دومین عامل مرگ و میر می باشد. شناسایی اپیدمیولوژی سرطان ها در مناطق مختلف کشور با توجه به موقعیت متفاوت جغرافیایی هر منطقه جهت تعیین بار بیماری و میزان مرگ و میر ناشی از آن ها ضروری به نظر می رسد. این مطالعه با هدف تعیین اپیدمیولوژی مرگ و میر ناشی از سرطان ها در شهرستان نیشابور طی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی گذشته نگری بود، جامعه آماری کل جمعیت شهرستان نیشابور در طی سال های ۹۵-۱۳۹۰ بودند که اطلاعات مربوط به مرگ آن ها که در سامانه کشوری نظام ثبت و طبقه بندی علل مرگ ثبت شده بود استخراج گردید. داده ها پس از ورود به کامپیوتر توسط نرم افزار SPSS-19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: این مطالعه نشان داد در بازه زمانی ۵ ساله فراوانی مرگ و میر ناشی از سرطان ها ۱۹۶۹ نفر بوده که سرطان معده با میانگین 12.42 ± 9.8 در صدر سرطان های شهرستان قرار دارد و پس از آن سرطان ریه و برونش با میانگین 5.91 ± 5.5 بود. سرطان لوسمی با میانگین 3.78 ± 3.5 سومین علت مرگ و سرطان مری با میانگین 2.96 ± 1.7 به عنوان چهارمین علت مرگ و میر ناشی از سرطان ها مشخص گردید. طبق نتایج، فراوانی مرگ و میر ناشی از سرطان ها در مردان بیشتر از زنان بود و میزان مرگ ناشی از سرطان ها در سال ۱۳۹۵ نسبت به چهار سال قبل آن در منطقه شهری افزایش و در منطقه روستایی کاهش یافته بود.

نتیجه گیری: طبق نتایج، سرطان ها یکی از علل عمده مرگ و میر در شهرستان بوده از این رو با توجه به روند افزایشی سرطان ها بخصوص سرطان معده آگاه سازی مردم و برنامه ریزی های بهداشتی جهت ترغیب مردم به داشتن رژیم غذایی سالم، تحرک بدنی مناسب و انجام برنامه های غربالگری و تشخیص زودرس در گروه های پرخطر توصیه می شود.

واژگان کلیدی: سرطان، اپیدمیولوژی، مرگ و میر، نیشابور



اپیدمیولوژی پنج علت نخست مرگ و میر در گروه سنی ۳۰ تا ۶۹ سال در شهرستان نیشابور (۱۳۹۵-۱۳۹۰)

علی مهری؛ استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

محمد باقر دلخوش؛ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

زکيه سادات حسینی؛ دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
Hossini88ho@gmail.com

زهره گل؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

علی منظمی کریم زاده؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

مهدی غلامی؛ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

زمینه و هدف: برنامه ریزی صحیح در جهت مداخله های مبتنی بر شواهد در جهت کاهش مرگ و میر در جامعه نیازمند اطلاع دقیق از علل مرگ و میر در جامعه می باشد. این مطالعه با هدف تعیین اپیدمیولوژی پنج علت نخست مرگ و میر در گروه سنی ۳۰-۶۹ سال طی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در شهرستان نیشابور انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی گذشته نگری بود. جامعه آماری کل جمعیت زنان ۳۰-۶۹ سال شهرستان نیشابور در طول سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ بودند. اطلاعات مبتنی بر داده های ثبت شده در سامانه کشوری نظام ثبت و طبقه بندی علل مرگ شهرستان جمع اوری گردید. داده ها پس از ورود به نرم افزار SPSS-19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: طبق نتایج، فراوانی مرگ و میر در گروه سنی ۳۰ تا ۶۹ سال در طول سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ تعداد ۳۸۸۴ نفر بوده است که بیماری های دستگاه گردش خون با میانگین $20,28 \pm 267$ نفر اولین علت مرگ در گروه میانسالان بوده و پس از آن سرطان ها و تومور ها با میانگین $21,13 \pm 189,6$ نفر بود، علل خارجی مرگ و میر با میانگین $24,68 \pm 137,8$ نفر و بیماری های متابولیک، تغذیه و غدد داخلی با میانگین $10,54 \pm 40$ در رتبه چهارم قرار داشتند. بیماری های سیستم تنفسی نیز با میانگین $3,71 \pm 39,60$ پنجمین علت مرگ و میر در شهرستان نیشابور در این فاصله زمانی بود. فراوانی مرگ و میر در مردان بیشتر از زنان بود.

نتیجه گیری: از آنجایی که مرگ و میر ناشی از بیماریهای قلبی و عروقی و سرطانها سهم زیادی از کل مرگهای شهرستان را به خود اختصاص داده اند. برنامه ریزی برای کنترل و پیشگیری از بیماری های غیر واگیر دار و کنترل عوامل خطر این بیماری ها و انجام مداخلات آموزشی و ترغیب مردم به داشتن سبک زندگی سالم و پرهیز از عوامل خطر مرتبط با این بیماری ها ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، مرگ و میر، نیشابور



اپیدمیولوژی هیستریکتومی در ایران

احمد واحدنصیری؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی، مراغه، ایران.

Email: ahmad.vahednasiri@yahoo.com

علی افکاری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی، مراغه، ایران.

مقدمه: هیستریکتومی از اعمال جراحی شایع در زنان غیر حامله می باشد. تعیین علل منجر به هیستریکتومی و بازنگری اندیسکاسیون های آن در برنامه ریزی های بهداشتی درمانی دارای اهمیت بوده و میتواند دیدگاه های جدیدی را در درمان این بیماران برای متخصصین فراهم نماید. لذا مطالعه ی حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژی هیستریکتومی در ایران انجام گردید. **روش کار:** این مطالعه مروری سیستماتیک در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶، با بررسی مقالات ایندکس شده در پایگاه های اطلاعاتی Magiran, SID, Google Scholar, Pubmed, Iranmedex, irandoc و با ترکیب واژگان کلیدی مناسب صورت گرفت.

یافته ها: طبق بررسیها بیشتر افراد هیستریکتومی شده (۷۶ / ۵۳٪) در سنین ۵۰ - ۴۰ سال قرار داشتند. همچنین اکثر این افراد (۶۰،۵۳٪) متأهل بودند. عمده عللی که منجر به هیستریکتومی شده بودند عبارت بودند از: لیومیوما (۴۲،۳۸٪)، خون ریزی های غیر طبیعی رحم (۳۵،۷۲٪)، بدخیمی های رحم و تخمدان (۱۵،۶۳٪)، شلی اعضاء لگنی (۹،۷٪)، تغییرات سرویکس و آتونی رحم (۸،۶۳٪). همچنین بیشترین پاتولوژی ها به ترتیب مربوط به میوم (۳۶،۹۲٪)، بدخیمی (۱۹،۶۳٪) و هایپرپلازی آندومتر (۱۲،۸۴٪) بود. لازم به ذکر است که هیستریکتومی شکمی، شایعترین نوع هیستریکتومی بود. **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان میدهد که شایعترین علت منجر به هیستریکتومی لیومیوما و خونریزی های غیرطبیعی رحم است. لذا انجام مطالعات بیشتر به منظور بررسی عوامل خطر مؤثر در بروز لیومیوما توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، علل، هیستریکتومی، ایران



اپیدمیولوژی لپتوسپیروزیس در مناطق شمالی ایران

احمد واحدنصیری؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات

دانشجویی، مراغه، ایران

ahmad.vahednasiri@yahoo.com

مقدمه: لپتوسپیروزیس از جمله بیماریهای نوپدید مشترک بین انسان و حیوان میباشد که در سالهای اخیر مشکلات زیادی را برای قشر مولد جامعه در حاشیه دریای خزر به وجود آورده است. این بیماری طیف گستردهای از پستاندارن از جمله انسان و حیوانات اهلی را مبتلا میکند و به دلیل شرایط اکولوژیک مناسب موجود در حاشیه دریای خزر، در این ناحیه از ایران شایع و آندمیک است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژی لپتوسپیروزیس در مناطق شمالی ایران انجام گردید.

روش کار: در این مطالعه مروری سیستماتیک از طریق جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی (SID)، (Pubmed) و موتور جستجوگر (Google scholar) و با بهره بردن از واژه های کلیدی لپتوسپیروز، اپیدمیولوژی، الیزا، میکرو آگلوتیناسیون و ایران به مقالات دسترسی حاصل شد. ۱۷ مقاله که دسترسی به متن کامل آنها میسر بود از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ مورد مطالعه قرار گرفت که از ۱۳ مقاله در میان آنها در این مقاله مروری بهره کامل گرفته شد.

یافته ها: بر اساس بررسیها شیوع کلی آلودگی در مجموع ۴۱،۷٪ بود. ۶۳٪ افراد مبتلا مرد و ۳۷٪ زن بودند. از لحاظ محل سکونت ۸۷،۴٪ ساکن روستا و ۱۲،۶٪ ساکن شهر بودند. ۹۴٪ افراد سابقه کار در مزرعه، ۷۳،۴٪ سابقه تماس با آب آلوده راکد و ۲۶،۲٪ سابقه تماس با حیوانات اهلی را داشتند. شایعترین زمان شیوع لپتوسپیروز در شهریور ماه بود و شایعترین گروه سنی درگیر در محدوده ۵۰ - ۳۰ سال قرار داشت. بین ابتلاء به بیماری و سن و جنس ارتباط معنی داری وجود داشت به طوریکه با افزایش سن، احتمال ابتلاء به بیماری افزایش می یافت و در آقایان بیشتر از خانمها بود. شایعترین سویه های جدا شده نیز عبارت بودند از: لپتوسپیرا اینتروهوموراژیا و لپتوسپیرا-ایکتر.

نتیجه گیری: مناطق شمالی ایران به دلیل آب و هوای ملایم و محیط مرطوب در اکثر ایام سال، محیطی مناسب برای بقاء لپتوسپیرا میباشد که باعث آندمیک شدن لپتوسپیروز در این مناطق شده است. لذا به منظور کنترل بیماری، آموزش رفتار زراعی مناسب برای کشاورزان به خصوص در فصل کشت و کار توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، علل، هیستریکتومی، ایران



بررسی اپیدمیولوژی افسردگی در ایران؛ مطالعه مروری نظام مند

فاطمه واعظ؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

میلاد غریب؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسمزاده؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Email: golnoushghasemzadeh@gmail.com

مقدمه: افسردگی یکی از شایعترین بیماری های اعصاب و روان است که با احساس بیمارگونه غم و اندوه و درجاتی از رکود واکنش ها همراه است و باعث کاهش کارکرد افراد نیز می شود. در مطالعه حاضر، به بررسی اپیدمیولوژی افسردگی در ایران و ارتباط آن با عوامل مختلف می پردازیم.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از پایگاه های اطلاعاتی نظیر Pubmed، SID، Magiran و موتور جستجوگر Google scholar و به کارگیری واژگان کلیدی افسردگی، ایران و اپیدمیولوژی مقالات مرتبط با موضوع شناسایی شد و تعداد ۳۳ مقاله از سالهای ۲۲۱۲ تا ۲۲۱۲ مورد مطالعه قرار گرفت که در نهایت از ۱۱ مقاله استفاده شد.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعات نشان داد، زنان بیشتر از مردان در معرض افسردگی قرار دارند که این آمار در زنانی که همسرانشان در محلی دور از محل زندگی قرار دارند، بیشتر می باشد. همچنین شیوع افسردگی در متاهل ها بیشتر از مجردها میباشد. مطالعات انجام گرفته در میان دانشجویان حاکی از ابتلای بیش از ۰۲ درصد آنان به افسردگی بود بخصوص دانشجویانی که انتخاب رشته اجباری داشته اند که این میزان افسردگی باعث کاهش عملکرد روزانه و اختلالات اجتماعی و فرهنگی می شود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای اختلال های افسردگی، افزایش آگاهی اجتماعی از طریق رسانه های گروهی برای مراجعه و درمان جهت کاهش بار اقتصادی و اجتماعی، برنامه ریزی های وسیع و سیاست های کلان کشوری جهت رفع مشکلاتی که منجر به افسردگی میشود باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: افسردگی، ایران، اپیدمیولوژی



بررسی اپیدمیولوژیک مسمومیت های اطفال مراجعه کننده به بخشهای اورژانس

فاطمه واعظ؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمد دانشمند؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

میلاد غریب؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

گلنوش قاسمزاده؛ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Email: golnoushghasemzadeh@gmail.com

مقدمه: مسمومیت دوران کودکی یکی از مهمترین نگرانی ها در مصدومیت های اپیدمیولوژیکی و به عنوان یک مساله مهم در بهداشت عمومی محسوب میشود. حدود ۷۰٪ مسمومیت ها در کودکان رخ میدهد که بیش از ۷۰٪ موارد تصادفی و به راحتی قابل پیشگیری می باشند. عوامل شایع مسمومیت حاد کودکان در هر منطقه به دلیل تفاوت های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متغیر است. افزایش تولید و توزیع فرآورده های دارویی و شیمیایی جدید شیوع عوامل مسمومیت را تغییر می دهند. شناخت شایعترین علل مسمومیت میتواند تعیین کننده استراتژی های پیشگیری و درمان باشد. لذا این مطالعه با ارزیابی اپیدمیولوژیک مسمومیت های اطفال مراجعه کننده به بخش های اورژانس انجام شد.

روش کار: این مطالعه یک مقاله مروری است که با بررسی و جمع بندی از پایگاههای اطلاعاتی نظیر SID، Pubmed، Magiran و با کلیدواژگان مسمومیت، اطفال و اپیدمیولوژی طی سال های ۲۷۱۷ تا ۲۷۱۲ انجام شد.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعه نشان داد، کمترین سن مسمومیت در اطفال زیر ۶ ماه و بیشترین آن ۱۶ سال بود و همچنین بنزودیازپین ها، ضد التهاب های غیراستروئیدی و ضداسپردگی های سه حلقه ای از گروه های دارویی و ایبوپروفن و تریاک از داروهای منفرد، شایعترین داروی مسموم کننده می باشند. فصل بهار بیشترین درصد مراجعه کننده به اورژانس به دنبال مسمومیت را به خود اختصاص داده بودند. متوسط زمان بستری در بیمارستان دو تا چهار روز بود.

نتیجه گیری: شیوع بالای مسمومیت با بنزودیازپین ها و داروهای ضداسپردگی بیانگر استفاده بیش از حد این داروها در جامعه از یک طرف و سهل انگاری خانواده ها در نگهداری آنها از طرف دیگر خواهد بود. و مطلوب است که والدین داروهای مصرفی را جایی دور از دسترس اطفال خود نگهداری نمایند و به نظر میرسد به منظور پیشگیری از وقوع مسمومیت، رسانه های گروهی به ویژه تلویزیون می توانند نقش محوری در افزایش سطح آگاهی خانواده ها داشته باشند.

واژگان کلیدی: مسمومیت، اطفال، اپیدمیولوژی



شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۶

سمانه ترکیان

Student Research Committee, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

آرمینا شاه اسماعیلی

HIV/STI Surveillance Research Center, and WHO Collaborating Center for HIV Surveillance, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

ندا ملک محمدی

Student Research Committee, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

وحید خسروی

Graduate student of health education of Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

زمینه و هدف: استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی به سرعت در حال رشد است. امروزه تعداد زیادی از مردم از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند. علیرغم مزایای بالقوه، استفاده بیش از حد از شبکه های اجتماعی مجازی می تواند اثرات زیان آوری چون اعتیاد قشر جوان به این شبکه ها و افت عملکرد کاری، اجتماعی و تحصیلی آنها را به دنبال داشته باشد. هدف از این مطالعه بررسی شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۶ می باشد. **مواد و روش ها:** این مطالعه مقطعی بر روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در تمام مقاطع تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۶ انجام شد. افراد مورد مطالعه به روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها یک پرسش نامه محقق ساخته بود مشتمل بر ۱۴ سوال بود که روایی و پایایی آن سنجیده شد. آلفای کرونباخ آن ۰/۸۸ بود. جهت تحلیل داده ها از دستور آنالیز Survey در نرم افزار Stata 15 استفاده شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد بیش از یک سوم (۳۲/۲۵٪) دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در معرض خطر اعتیاد به شبکه های اجتماعی قرار دارند. بیشترین شبکه اجتماعی مورد استفاده تلگرام بود (۷۶/۷۵٪) و اکثر دانشجویان (۲۶/۷۵٪) بیش از ۳ ساعت از وقت خود را در روز به این شبکه ها اختصاص میدادند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر حاکی از شیوع نسبتاً بالای اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی در دانشجویان می باشد که به نوبه خود می تواند مانند تمامی انواع اعتیاد اثرات مخربی بر زندگی و عملکرد تحصیلی آنها داشته باشد. لذا به مداخلات جامعی در جهت رفع استفاده اعتیاد گونه و جلوگیری از اعتیاد افراد به آن و فراهم آوردن امکانات مورد نیاز جهت سرگرمی های جایگزین در این قشر نیاز است. افزایش میزان آگاهی جامعه و در میان مردم، برنامه ریزی های بهداشت عمومی و تحقیقات بیشتر در این زمینه می تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: اعتیاد، شبکه اجتماعی مجازی، کرمان



Investigation of the Association between Complete Blood Cell and HIV Progression to AIDS in the Historical Cohort Setting: Using Generalized Estimating Equations Approach

Hedayat Abbastabar, Abdolreza Rajaefard, Hale Ghaem

Background: AIDS is a disease caused by Human Immunodeficiency Virus (HIV) that affects patient's immune system. According to the statistics released by the United Nations (UN) in 2013, there were 35.3 million AIDS patients in 2012 that 2.3 million patients were affected in the same year. This study performed to investigate cell blood count and other factors that affect progression of HIV infection to AIDS.

Methods: In our study, the data were obtained from documented information in the patient's records. For statistical analysis, at first, one-way repeated measures ANOVA was used for univariate analysis and then Generalized Estimating Equations (GEE) was applied for multivariate analysis.

Results: Some variables such as higher Hemoglobin (HGB) level, female gender, not receiving Highly Active Antiretroviral Therapy (HAART) and HIV infection via injection and sex were found to be the risk factors for conversion of HIV to AIDS. On the other hand, some variables such as receiving prophylactic Tuberculosis (TB) and asymptomatic HIV at diagnosis could play a protective role in HIV patients and decelerated the disease progression.

Conclusions: The findings of the present study indicated that HIV patients variables such as higher HGB levels, female gender, untreated with HAART and morbidity throw injection could accelerate the conversion of HIV infection to AIDS stage. In other words, patients with these characteristics have a worse prognosis than others. As a result, required at the time of diagnosis and follow-up of patients, people with this characteristic take surveillance and treatment with more seriousness.

Key words: HIV, AIDS, Progression, Conversion, CD4, CBC, GEE



بررسی اپیدمیولوژی توصیفی و میزان های مرگ تطبیق شده شهرستان های تهران، اسلامشهر و ری طی سال ۱۳۹۴

هدایت عباس تبار، محمد شریعتی، علی نیک فرجام، شکرالله محسنی، زینب معین فر، اقدس لک

مقدمه: از طرفی امروزه شاخصهای وقایع حیاتی یکی از اطلاعات مهم و پایه برای برنامه ریزی هر کشور به حساب می آیند و نقش کلیدی در این نظام دارند. از طرف دیگر، آگاهی از عوامل مرگ می تواند اولویت ها را جهت آموزش یا مداخله در سطح جامعه مشخص سازد. لذا، مطالعه اخیر با هدف بررسی اپیدمیولوژی توصیفی و تعیین چگونگی توزیع موارد مرگ براساس برخی متغیرهای دموگرافیک مهم انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی است که نمونه های آن شامل افراد متوفی همه سنین ساکن شهرستان های تهران، اسلامشهر و ری که در سال ۹۴ فوت کردند؛ بود. برای انتخاب افراد مورد مطالعه از روش سرشماری استفاده شد؛ یعنی کلیه موارد واجد شرایط، وارد مطالعه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای آنالیز داده ها از روش های آماری مانند میانگین، تناسب، میزان میرایی خام، میرایی تناسبی، میرایی اختصاصی-سنی و علتی، استاندارد سازی مستقیم استفاده شد.

نتایج: از نظر سنی افراد کهنسال و مردها در معرض خطر بیشتر مرگ بودند و از لحاظ علل مرگ بیماری های قلب و عروق، سرطان و دیابت شایعترین عامل مرگ در هر یک از شهرستانها و نیز در مجموع بودند. تحلیل علل مرگ بر حسب تلفیق سن و علل مرگ مشخص کرد که در گروه زیر یکسال و ۴-۱ سال، حوادث دوران بارداری و ناهنجاری جنینی بترتیب شایعترین عامل مرگ بودند؛ بجز طبقه ۲۴-۱۵ سال که حوادث شایعترین علت مرگ آنها بود در گروههای ۱۴-۵، ۴۴-۲۵ و ۶۴-۴۵ سال سرطان شایعترین علت مرگ بود و در گروه کهنسالان (بالای ۶۵ سال) بیماری های قلبی-عروقی اصلی ترین عامل مرگ و میر بودند. در نهایت، تحلیل داده ها بر اساس استان تولد نشان داد که بیشترین درصد مرگ قلبی، سرطان و دیابت بترتیب در تهرانی های دارای اصالت مازندران، خوزستان و یزد رخ داد.

نتیجه گیری: اگرچه قسمت عمده مرگ در گروه کهنسالان و بوسیله بیماریهای قلبی-عروقی رخ می دهد ولی در سنین مختلف علل مرگ متفاوت است. بطوریکه، در سنین ۱۴-۵ سال و ۶۴-۲۵ ساله ها سرطان شایعترین عامل می باشد ولی در سنین کهنسالی بیماری های قلبی شایع ترین عامل مرگ بودند. بعلاوه، نتایج مطالعه حکایت از آن دارد که در جامعه ما اکثر موارد مرگ در اثر بیماری های غیر واگیر مانند بیماری های قلبی-عروقی و سرطان رخ می دهد. در نتیجه، برای کاهش مرگ و میر، اقدامات مداخله ای و پیشگیرانه باید متناسب با گروههای سنی و علت مورد نظر طراحی و اجرا شوند. لذا پیشنهاد می شود برای اولویت بندی مداخلات لازم، ابتدا مطالعاتی برای مشخص کردن خطر منتسب جامعه (Population Attributable Risk) ریسک فاکتورهای شایع جامعه (مانند سیگار، کم تحرکی، چاقی، رژیم غذایی نامناسب و...) صورت گیرد تا مشخص شود در صورت مداخله بر روی هر یک آنها از چه تعداد مرگ در جامعه پیشگیری می شود.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی توصیفی، میزان، مرگ، مطالعه مقطعی، تهران، میرایی تناسبی



بررسی شیوع و ریسک فاکتورهای ابتلا به هپاتیت های B و C در معتادان تزریقی تحت پوشش مراکز گذری (DIC) و مراکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر تهران

هدایت عباس تبار، علی نیک فرجام، علیرضا شغلی، شهاب رضائیان، حبیب ا. رحیمی، محمود نبوی، روشنگر نمازی

سابقه: براساس تخمین سازمان بهداشت جهانی، ۳۸۵ میلیون ناقل هپاتیت B و ۱۷۰ میلیون ناقل هپاتیت C در جهان وجود دارد. مطالعه حال حاضر به منظور ارزیابی وضعیت شیوع هپاتیت B و C و ریسک فاکتورهای ابتلا به آنها در بین معتادان تزریقی مرد تحت پوشش مراکز تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی، نمونه ها از همه مراکز DIC و مشاوره بیماری های رفتاری تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران و به روش نمونه گیری زمانی و مکانی انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه و تهیه نمونه خون انجام شد.

یافته ها: اکثر معتادان تزریقی ۳۰-۵۰ ساله، دارای تحصیلات زیر دیپلم، متاهل، دارای رفتارهای پرخطری چون سابقه حجامت، خالکوبی، زندانی شدن بودند. در بررسی فاکتورهای موثر بر ابتلا به هپاتیت B در معتادان تزریقی، هیچ متغییری ارتباط آماری معنی دار با ابتلا نداشت؛ در مقابل، مصرف مواد مخدر/روانگردان، مصرف سوزن/سرنگ مشترک و ارتباط جنسی محافظت نشده با ابتلا به هپاتیت سی ارتباط معنی دار داشتند.

نتیجه گیری: از آنجایی که شیوع رفتارهای پرخطری همانند سابقه حجامت، خالکوبی، زندانی شدن، مصرف مواد دخانی، نوشیدن مشروبات الکلی، مصرف سوزن و سرنگ مشترک، ارتباط جنسی محافظت نشده و شیوع هپاتیت C در معتادان تزریقی قابل ملاحظه می باشد. در نتیجه، نیاز است که از طریق غربالگری منظم این گروه پرخطر، موارد مثبت را شناسایی و درمان آنها کرد و همچنین با آموزش، واکسیناسیون، و ارائه خدمات بازتوانی افراد غیر مبتلا، از درگیری و ابتلای آنها نیز پیشگیری نمود.

واژه های کلیدی: هپاتیت B، هپاتیت C، شیوع، عوامل خطر، اعتیاد تزریقی، مراکز DIC، گروه پرخطر



Trend of Years of Life Lost Due to Road Traffic Injuries in Kermanshah Province (2009 - 2014)

Neda Izadi; PhD Student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, IR Iran

Farid Najafi; Department of Epidemiology, Research Center for Environmental Determinants of Health (RCEDH), Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, IR Iran

Maliheh Khoramdad; Non-communicable Diseases Unit of Health Deputy, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, IR Iran

Background and Aim: Remarkably, one of the main causes in different societies affecting increases in years of life lost due to premature death (YLL) is death due to road traffic injuries (RTIs), which usually occurs at an earlier age in life. This study aimed to determine the trends of YLL due to road traffic injuries in Kermanshah Province during the years 2009-2014.

Materials and Methods: This study relied on census data from forensic medicine reports. YLL related to RTIs were calculated according to the global burden of disease (GBD) 2010 guidelines, and the age and sex demographics of the population were obtained from the Governor General's Office records for 2009 - 2014. The external causes of death were determined using the international classification of diseases (ICD-10) codes. To assess the YLL trend and its significance, negative binomial regression through the use of Stata 11 was implemented.

Results: The mean age of the 3,231 subjects studied was 39.83 ± 21.27 years. A total of 78.4% of the subjects were males. The average number of fatal RTIs in the six-year period was 27.8 per 100,000 persons. The YLL rate was 149,995 (76.5 per 1000) including both sexes. The YLL rates due to premature mortality were 118,393 (119.8 per 1000) for males, and 31,602 for females (32.5 per 1000). The highest YLL rates for both sexes were in the age group of 15 - 44 years. The six-year trend of YLL due to premature mortality was therefore descending; with respect to the incremental period of one year, the YLL decreased by 7% on average ($\beta = -0.07$; CI: -0.09, -0.05).

Conclusion: Despite the decrease in the mortality and YLL rates due to TRIs in recent years, these figures are different from the global numbers; therefore, there needs to be some serious intervention.

Keywords: Trend, YLL, Road Traffic Injuries



Socioeconomic inequality in overweight/obesity and related factors in adolescents in West of Iran

Neda Izadi; PhD Student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, IR Iran
Sayed-Saeed Hashemi-Nazari; Ph.D in Epidemiology, Department of Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, School of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Elaheh Rafiee; MSc in Epidemiology, Deputy of Research and Technology, Gilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

Azam Malekifar; MSc in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Farid Najafi; Ph.D in Epidemiology, Department of Epidemiology, Research Center for Environmental Determinants of Health (RCEDH), Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Background and Aim: Nowadays, to interpret health status, we do not simply rely on the measurement of a general index in a community rather we evaluate its distribution in various subgroups of the community. It has been proven that family socioeconomic status is associated with overweight and obesity in childhood and adolescence. This study aimed to determine the status of socioeconomic inequality in overweight / obesity and some related factors in adolescents.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, sample size was determined as 1440 students by stratified cluster random sampling. To collect the data we used demographic, socioeconomic status and nutritional status questionnaire. Height and weight of the participant was measured and the status of obesity was determined through calculating BMI. The concentration index and a concentration curve were used for the measurement of inequality. We used multinomial logistic regression to investigate the factors associated with obesity. The collected data was analyzed using Stata 11 software.

Results: The mean age of 1445 students participating in the study was 16.35 ± 0.84 years. Of all, 51.63% (746 patients) were female and the rest were male. The mean BMI was 21.02 ± 3.31 in females, 21.57 ± 4.1 in males, and 21.28 ± 3.72 kg in all the participants. Concerning asset index, Concentration Index for overweight/obesity was 0.09 in girls (95% CI: -0.14; 0.33), -0.02 in boys (95% CI: -0.14; 0.09), and 0.01 in the entire participants (95% CI: -0.13; 0.17). The odds of overweight/ obesity in males was 1.81 times more than that in females; the odds of overweight/obesity in those consuming a high-fat food was 1.61 time more than that in people not consuming a high-fat diet.

Conclusion: Based on the results, obesity and overweight were more prevalent in adolescents with low socioeconomic level; this indicates the shift of the problem to the poorer groups of the community. Gender differences and the use of high-fat foods are among the variables affecting obesity and overweight, therefore it is necessary to pay special attention to this population group while designing health programs.

Keywords: *Socioeconomic, Inequality, Overweight/Obesity, Adolescents, Concentration Index*



بررسی اپیدمیولوژیک افسردگی پس از زایمان مادران ایرانی: یک مرور سیستماتیک

مهسا قاسم زاده؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

مژگان مسعودی؛ دکتری تخصصی سلامت و باروری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

احمد رضا محمدی؛ دانشجوی کارشناسی بیوتکنولوژی، دانشگاه نور دانش میمه، اصفهان، ایران
mghasemzadeh2034@gmail.com

زمینه و هدف: افسردگی پس از زایمان یکی از شایعترین اختلالات روانی در این دوره است. سازمان جهانی بهداشت برآورد نموده است که این اختلال، دومین عامل منجر به بار جهانی بیماری در سال ۲۰۲۰ میلادی خواهد شد. هدف این مطالعه، ارائه تصویر روشنی از میزان شیوع، عوامل موثر و ارائه راهکارهای پیشگیری و درمان افسردگی پس از زایمان مادران در مطالعات ایرانی است.

روش کار: این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه است و با توجه به روش اجرا یک مرور سیستماتیک محسوب می شود. جامعه آماری با بهره از موتورهای جستجو Google Scholar، PubMed، Scopus، Sid، Magiran و گوگل اسکولار فارسی، محتوی حدود ۹۳۷ مقاله بوده است که پس از در نظر گرفتن معیارهای ورود به مطالعه، ۲۳ مقاله که در طی سال های ۸۵-۹۶ انجام گرفته اند، جهت بررسی انتخاب گردید.

نتایج: بررسی مقالات مرتبط با افسردگی پس از زایمان نشان دهنده شیوع بالای این اختلال در مطالعات انجام شده است. از مهمترین عوامل موثر بر افسردگی پس از زایمان در مشاهدات، می توان به کمبود حمایت روانی همسر، خانواده و اجتماع، ناخواسته بودن بارداری، تغییرات هورمونی پس از وضع حمل و سابقه ی افسردگی اشاره کرد. همچنین برای جلوگیری از افسردگی پس از زایمان، روان درمانی، حمایت اجتماعی و دارو درمانی از مهمترین راهکارهای درمانی این جامعه آماری محسوب می شوند.

نتیجه گیری: شیوع بالای افسردگی پس از زایمان در مطالعات اخیر، ضرورت بررسی های بیشتر و ارائه راهکارهای پیشگیری کننده به ویژه غربالگری از نظر زمینه بروز این اختلال در مراقبت های قبل از بارداری و دوران بارداری و همچنین درمان اصولی با توجه به عوامل مرتبط با افسردگی این دوران پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: افسردگی پس از زایمان، عوامل موثر، پیشگیری، درمان، ایران



اپیدمیولوژی سرطان معده در ایران

فریبا دهقانی زاده؛ دانشجوی، رشته پزشکی مقطع دکتری عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

رستم رضائیان؛ موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران.

جلال محمدی خوشرج؛ موسسه آموزش عالی ربع رشید، تبریز، ایران

مطهره نوعی؛ دانشگاه پردیس بین الملل گیلان، رشت، ایران

الهه درتاج؛ گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: سرطان معده چهارمین سرطان شایع و دومین سرطان عامل مرگ در جهان است. مرگ و میر ناشی از سرطان معده در ایران و سایر کشورهای آسیایی در حال افزایش است. در مناطق مختلف ایران میزان بروز سرطان معده متفاوت می باشد و بیشترین آمار بروز این سرطان در قسمت شمال و شمال غرب ایران گزارش شده است. علت تفاوت در بروز این بیماری در مناطق مختلف جغرافیایی ناشی از عواملی چون ژنتیک و رژیم غذایی می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه، مروری بر مقالات در مورد اپیدمیولوژی سرطان معده در ایران می باشد که در اینترنت و مجلات معتبر علمی جستجو شده است. با استفاده از کلیدواژه های سرطان معده، اپیدمیولوژی، gastric cancer، بروز، عفونت هلیکوباکتریلوری از پایگاه های علمی ایرانداک (irandoc)، سیویلیکا (civilica)، SID، علم نت (elmnet)، iranmedex، pubmed، Scupos و Magiran مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان دادند که بروز سرطان معده در ایران روند رو به افزایشی را در پیش گرفته است. عوامل اتیولوژیک سرطان معده هنوز به طور کامل شناسایی نشده است اما سن، جنس، منطقه جغرافیایی، رژیم غذایی، ژنتیک، گروه خونی و عفونت هلیکوباکتریلوری می توانند در بروز متفاوت این بیماری در مناطق مختلف ایران دخیل باشند. در ایران ابتلای به این عفونت شایع است.

نتیجه گیری: نتایج نشان داده است که بروز سرطان معده با افزایش سن رابطه ی مستقیم دارد و در سنین بالاتر احتمال بروز آن افزایش می یابد. در حال حاضر بروز آن در مردان بیشتر است اما میزان بروز در زنان در سال های اخیر افزایش بسیاری داشته است. در نهایت می توان چنین استنتاج کرد که بروز سرطان معده در بخش های شمالی و شمال غرب و غرب کشور در حال افزایش است و باید در این مناطق مطالعات گسترده تری به منظور شناسایی علت این بیماری انجام گیرد. همچنین با توجه به نتایج حاصل از سایر تحقیقات، برنامه کنترل عفونت هلیکوباکتریلوری در این مناطق پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: سرطان معده، اپیدمیولوژی، gastric cancer، بروز، عفونت هلیکوباکتریلوری



بررسی تاثیر رایحه درمانی بر کیفیت خواب بیماران

صادق جنگجو؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران،

ایران

Email: sadegh175.sf@gmail.com

رسول قرایی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

محمد امیر نیک کردار؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،

تهران، ایران

فریا لطفی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

معصومه نجفی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران،

ایران

مقدمه: خواب یک رویداد فیزیولوژیک منظم، تکرارشونده و برگشت پذیری است که فرد در آن دچار کاهش سطح هوشیاری، از کار افتادن نسبی عضلات اسکلتی (ارادی) و نیز بالا رفتن قابل توجه آستانه واکنش به محرک های خارجی می شود؛ بیش از یک سوم طول عمر انسان ها در خواب سپری می شود، بنابراین هرگونه اختلال در کمیت، کیفیت و یا الگوی خواب می تواند تأثیر منفی چشمگیری بر عملکرد و سلامت جسمی و روانی فرد داشته باشد، خواب نامناسب بر عملکرد جسمی، روحی، روانی و اجتماعی تأثیر نامطلوبی دارد. بنابراین بررسی ریسک فاکتورهای مؤثر در بروز آن و اجرای مداخلاتی به منظور مقابله با مشکلات خواب به بهبود کیفیت خواب و ارتقاء کیفیت زندگی بیمار کمک می کند.

روش کار: این مقاله ی مروری با جست و جو به شیوه ی Electronic search گردآوری شده است. در جستجوهای صورت گرفته، ۱۴ مقاله معتبر فارسی و انگلیسی از سایت های Sid.ir, magiran.ir, pubmed مورد مطالعه قرار گرفت که ۱۱ مورد مقاله ی مرتبط با هدف پژوهش انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته ها: در جستجوهای صورت گرفته مشخص شد استنشاق اسانس پرتقال بر کیفیت خواب کودکان مبتلا به لوسمی لنفوبلاستیک حاد تأثیر مطلوب دارد و می تواند به عنوان یک روش مفید در بهبود کیفیت خواب این کودکان اجرا گردد، همچنین رایحه درمانی با اسانس اسطوخودوس می تواند در بهبود کیفیت خواب بیماران همودیالیزتأثیر مثبت داشته باشد، در مطالعه دیگری مشخص شد که آروماتراپی با اسطوخودوس کیفیت خواب را بهبود می بخشد و اسانس آن باعث کوتاه شدن زمان به خواب رفتن، افزایش مرحله دوم خواب و کاهش مرحله حرکات سریع چشمی می شود؛ عصاره گیاه بابونه به منظور کمک به بهبود کیفیت خواب سالمندان می تواند مؤثر باشد.

نتیجه گیری: از بازنگری مطالب فوق چنین استنباط می شود که در اکثر موارد با توجه به نتایج پژوهش و عدم گزارش عارضه در خصوص رایحه درمانی و شیوع بالای اختلالات خواب در بیماران، عصاره این گیاهان می تواند عوارض مرتبط با اقدامات دارویی را کاهش دهد و در موارد مشابه استفاده گردد.

واژگان کلیدی: رایحه درمانی، کیفیت خواب بیماران



تأثیر مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی بر کیفیت زندگی و ارتقای سلامت بیماران سرطانی: یک مرور سیستماتیک

ریحانه پورجن؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی،
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Rpourjam76@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین پاسخ‌های سازگاری بیماران مبتلا به سرطان، بازگشت آن‌ها به معنویت است و این بازگشت نقش بسیار مهمی در سرعت بهبودی، تطابق با بیماری، ارتقای سلامت و کیفیت زندگی آنان دارد. بدون سلامت معنوی ابعاد زیستی، روانشناختی و اجتماعی سلامت فرد نمی‌توانند به حداکثر ظرفیت خود برسند. با نگاهی اجمالی به مقالات چاپ شده در منابع علمی معتبر متوجه خواهیم شد که مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی متعددی بر کیفیت زندگی بیماران سرطانی طراحی و انجام گرفته است. با وجود چالش‌های موجود در مورد مفهوم سلامت معنوی، تأثیرات آن بر سلامت جسمی و روانی این سؤال مطرح است که آیا مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی بر کیفیت زندگی بیماران سرطانی تأثیر گذار است؟ به منظور پاسخگویی به سؤال مذکور مطالعه حاضر انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها: به منظور دست‌یابی به اهداف پژوهش کلمات کلیدی معنویت، سلامت معنوی، مراقبت معنوی، بیماران سرطانی، ایران و همچنین کلیدواژه‌های مترادف انگلیسی آن‌ها در پایگاه‌های Scopus، Science Direct، Pubmed، ISI Web of Science، ProQuest، Google Scholar، SID، IranMedex، Magiran در بازه زمانی سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ خرداد برای مقالات فارسی و سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ میلادی برای مقالات ایرانی منتشر شده در پایگاه‌های غیر-ایرانی جستجو شد. در مرحله اول جستجو در عنوان، تعداد ۲۸۳ مقاله به دست آمد. در مرحله تطبیق عنوان با خلاصه، تعداد ۱۵ مقاله مرتبط باقی ماند. از این تعداد ۸ مقاله تمام متن که معیارهای ورود به مطالعه را دارا بودند، مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: یافته‌های مطالعه حاضر را می‌توان در طبقات اثرات سلامت معنوی، دست یافتن به معنا، هدف از زندگی، سرعت بخشیدن بر زمان بهبودی، تحمل آسان‌تر درد و ورنج ناشی از بیماری، عدم سرزنش خود و دیگران، پذیرش تقدیر الهی، احساس رضایت از خود و در نهایت ارتقای سلامت و کیفیت زندگی تقسیم کرد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی سبب کاهش افکار خودکشی و ناامیدی در بیماران مبتلا به سرطان می‌گردد. سلامت معنوی و آموزش اصول معنوی سبب افزایش مقاومت بیماران در برابر بیماری، کاهش علائم جسمانی، روانی، درد، افسردگی، نگرانی و افزایش امید می‌گردد. بیماران برخوردار از سلامت معنوی بالاتر، از تمام منابع موجود برای کسب امیدواری، سازگاری هرچه بیشتر با بیماری و تسریع فرآیند بهبودی استفاده می‌کنند. بنابراین توجه به دریافت مراقبت‌های معنوی بیماران سرطانی و انجام اقدامات مناسب در جهت برطرف کردن این نوع نیازها به عنوان یک اولویت در نظام عرضه خدمات سلامتی باید لحاظ گردد.

واژگان کلیدی: معنویت، سلامت معنوی، مراقبت معنوی، بیماران سرطانی، ایران.



بررسی میزان شیوع بیماری سلیاک در میان کودکان زیر ۱۶ سال در منطقه جنوب شرق ایران در مراجعه به بیمارستان افضل‌ی پور کرمان

شیرین قاسمی؛ کارشناس ارشد پرستاری - سلامت جامعه دانشگاه علوم پزشکی کرمان و مسئول درمانگاه ای بی بیمارستان افضل‌ی پور کرمان

فیروزه قاسمی؛ کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان و مسئول درمانگاه ای بی بیمارستان افضل‌ی پور کرمان

فروغ ریانی؛ کارشناس ارشد مدیریت پرستاری و سوپروایزر آموزشی بیمارستان افضل‌ی پور کرمان

زمینه و هدف: بیماری سلیاک یا بیماری روده ای ناشی از حساسیت به گلوتن، که به نام‌های اسپروی سلیاک، اسپروی غیر حاره‌ای و آنتروپاتی حساس به گلوتن هم نامیده می‌شود. بیماری مزمن و التهابی است که علاوه بر دستگاه گوارش، سایر اعضای بدن را نیز به نحوی درگیر می‌سازد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش بر روی ۴۲ نمونه مثبت مبتلا به سلیاک در منطقه جنوب شرق ایران انجام شده است و اطلاعات مربوط به بیماران از بیمارستان افضل‌ی پور کرمان اخذ شده است. اولین اقدام بر روی بیماران انجام آزمون‌های سرولوژی برای اندازه‌گیری آنتی‌بادی‌های اختصاصی است. که شامل اندازه‌گیری آنتی بادی تیشوترسن گلوتامیناز (tTGA) و یا آنتی بادی اندومیزیوم (EMA) به روش سرولوژی می‌باشد پس از آن به منظور انجام پاتولوژی نمونه برداری تحت اندوسکوپی از قسمت دیودنوم روده باریک صورت می‌گیرد.

نتایج: از ۴۲ نمونه بدست آمده از بیماران مبتلا به سلیاک ۶۹/۰۴ درصد دختر و ۳۰/۹۶ درصد آن‌ها پسر بوده‌اند. بر این اساس ۳۰/۹۵ درصد والدین آن‌ها نسبت فامیلی داشته و ۶۹/۰۵ درصد بیماران بود ازدواج فامیلی نداشته‌اند. سن بیماران مبتلا در این پژوهش کودکان زیر ۱۶ سال در نظر گرفته شده است که در سه رده سنی کودکان ۵-۰ سال، ۱۰-۵ سال، و زیر ۱۰-۱۶ سال قرار گرفته‌اند در این بین بیشترین فراوانی مربوط به کودکان ۵-۱۰ سال بود که تعداد آن‌ها ۲۴ نفر بود و ۵۷/۱۸ درصد از بیماران را تشکیل می‌دادند.

نتیجه‌گیری: با این که تشخیص و درمان بیماری سلیاک می‌تواند امر پیچیده‌ای باشد، ولی مطمئناً توجه و هوشیاری جامعه پزشکی و مردم در تشخیص سریع و شروع درمان بیماری و جلوگیری از عوارض زودرس و دیررس آن مؤثر خواهد بود. در بیماری سلیاک با رعایت یک رژیم سخت فاقد گلوتن، می‌توان انتظار یک زندگی طبیعی را در اغلب بیماران داشت. روند بهبود در عرض ۲-۳ هفته آغاز می‌شود.

واژگان کلیدی: سلیاک، گلوتن، بیماری ارثی، جنوب شرق ایران.



بررسی اپیدمیولوژیکی عوارض نامطلوب ایمن سازی در شهرستان فریدونشهر (۹۶-۱۳۸۵)

صادق کارگریان مروستی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران،
sadegh.kargarian@gmail.com

غلامرضا رفیعی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، اصفهان، ایران

سیما افراشته؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

زمینه و هدف: واکسیناسیون کودکان از مؤثرترین مداخلات بهداشتی انجام شده در جهان برای ارتقاء سلامت جامعه بوده و این موضوع مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی و یونیسف می باشد. واکسن ها نیز مانند تمام مواد بیولوژیک، دارای عوارض ناخواسته ای هستند که هر چند عموماً خفیف اند ولی چنانچه بیش از حد انتظار رخ دهند می توانند موجب نگرانی عمومی شوند. نظر به تضمین کیفیت و سلامت ارائه خدمات ایمن سازی، این مطالعه به منظور شناخت نوع پیامد نامطلوب ایمن سازی و واکسن های دخیل در ایجاد عارضه در شهرستان فریدونشهر در یک دوره ۱۲ ساله (از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۶) انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی توصیفی، اطلاعات مربوط به ۳۳۳ نفر که پس از تزریق واکسن دچار عارضه مرتبط با ایمن سازی شده بودند، مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات بیماران با روش سرشماری طی دوره ۱۲ ساله در شهرستان فریدونشهر و با استفاده از گزارشات موجود در مرکز بهداشت شهرستان گردآوری و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: بیشترین عوارض مشاهده شده، به ترتیب تب بالا (۳۲/۱٪)، تورم و سفتی محل تزریق (۱۸/۶٪) و بیقراری کودک (۱۵/۳٪) بودند. واکسن های دارای جزء سیاه سرفه نظیر واکسن ثلاث و پنتاوالانت (۷۸٪) و پس از آن واکسن ب.ث. (۱۳/۲٪) و ام.ام.آر (۴/۵٪) باعث ایجاد بیشترین پیامد نامطلوب شده اند. در طبقه بندی پیامدها، بیشترین عوارض به ترتیب مربوط به واکنش واکسن (۷۳/۶٪) و اشتباه در برنامه (۱۶/۵٪) گزارش گردید.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد اکثر عوارض متعاقب ایمن سازی (۷۳/۶٪) به دلیل ماهیت واکسن ایجاد می شوند. یعنی در صورتی که واکسن به طور صحیح تزریق گردد نیز این عوارض جزء لاینفک واکسن هستند و پرسنل بهداشتی در کاهش آن نقشی ندارند. هر چند اکثر عوارض (۷۸٪) خفیف و گذرا بوده ولی در ۷۳ مورد (۲۲٪) عوارض شدیدی نظیر آبسه در محل تزریق، لنفادنیت، تشنج و فلج نیز در شهرستان حادث شده که می تواند موجب بی اعتمادی والدین به برنامه ایمن سازی گردد لیکن با اجرای نظام مراقبت پیامدهای نامطلوب ایمن سازی می توان به تضمین کیفیت و حفظ اعتماد عمومی تداوم بخشید.

واژگان کلیدی: واکسن، نظام مراقبت پیامدهای نامطلوب ایمن سازی، اپیدمیولوژی، فریدونشهر



بررسی اپیدمیولوژیکی نوع حیوانات مهاجم در موارد حیوان گزیدگی شهرستان فریدونشهر (دوره ۱۸ ساله): مطالعه کوهورت تاریخی

صادق کارگریان مروستی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران،
sadegh.kargarian@gmail.com

غلامرضا رفیعی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، اصفهان، ایران

سیما افراشته؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

زمینه و هدف: نظر به افزایش موارد حیوان گزیدگی در سال های اخیر در ایران، این مطالعه به منظور شناخت نوع حیوانات مهاجم جهت انتخاب استراتژی پیشگیری، در شهرستان فریدونشهر در یک دوره ۱۸ ساله (از ابتدای سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۹۶) انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه کوهورت تاریخی توصیفی، اطلاعات مربوط به ۲۳۵۹ فرد حیوان گزیده که طی دوره ۱۸ ساله در شهرستان فریدونشهر دچار گزش شده و برای آن ها واکسیناسیون ضد هاری تزریق شده بود، با روش سرشماری از گزارشات موجود در مرکز بهداشت شهرستان گردآوری و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **نتایج:** بالاترین نرخ بروز در سال ۱۳۹۵ (۴۹۷ در ۱۰۰,۰۰۰) و کم ترین نرخ بروز در سال ۱۳۸۰ (۱۶۴ در ۱۰۰,۰۰۰) مشاهده شد. مهم ترین حیوان مهاجم، سگ (۲۱۳۳ مورد = ۹۰/۴٪) و مابقی به ترتیب توسط گربه (۵/۳٪)، گاو، الاغ، گوسفند، خرس، کفتار، گراز و ببر (۳/۱٪) و گرگ و روباه (۱/۲٪) ایجاد شده است. از کل موارد سگ گزیدگی، ۹۲/۸٪ توسط سگ های صاحبدار اهلی و ۷/۲٪ توسط سگ های ولگرد حادث شده که از این تعداد، ۸۵/۶٪ در مناطق روستایی و ۱۴/۴٪ در مناطق شهری شهرستان رخ داده است. در این مقطع ۱۸ ساله ۱۹ حیوان هار (مثبت) توسط اداره دامپزشکی تشخیص داده شد. **نتیجه گیری:** به دلیل اینکه در ۱۸ سال گذشته، ۸۴٪ از کل موارد حیوان گزیدگی توسط سگ های اهلی خانگی (صاحبدار) رخ داده است، ائتلاف حیوانات ولگرد در شهرستان، نه تنها در کاهش بروز موارد حیوان گزیده تأثیر چندانی نداشته، بلکه موجب افزایش هزینه ها و روش های غیر اخلاقی کشتار حیوانات می گردد. برنامه هایی نظیر آموزش صاحبان سگ ها جهت بستن حیوان و آموزش جمعیت تحت پوشش به ویژه دانش آموزان در مدارس، جهت مقابله با سگ های خانگی می تواند مؤثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: حیوان گزیدگی، هاری، اپیدمیولوژی، فریدونشهر



بررسی ارتباط بین بیماریابی سل در مراکز بهداشتی درمانی و کشف موارد مسلول در شهرستان فریدونشهر (۹۶-۱۳۷۷)

صادق کارگریان مروستی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران،
sadegh.kargarian@gmail.com

غلامرضا رفیعی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، اصفهان، ایران

سیما افراشته؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

زمینه و هدف: از آنجائیکه در اهداف جهانی و کشوری برنامه کنترل سل، بیماریابی سل یکی از شاخص‌های مورد تأکید ناظرین ستادی بوده و پرسنل سطوحی خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی درمانی موظف به نمونه‌گیری از موارد مشکوک می‌باشند، بعضاً مشاهده می‌شود بهورز یا مراقب سلامت برای دستیابی به شاخص مطلوب، اقدام به نمونه‌گیری کور و بی‌هدف می‌نماید. بدین منظور این مطالعه به منظور بررسی ارتباط بین نمونه‌گیری خلط (بیماریابی سل) در مراکز بهداشتی درمانی و کشف موارد مسلول در شهرستان فریدونشهر در یک دوره ۲۰ ساله (از ابتدای سال ۱۳۷۷ تا پایان سال ۱۳۹۶) انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه همبستگی، اطلاعات مربوط به ۱۴۳۱ فرد مشکوک به سل به همراه ۳۵ بیمار مسلول که طی دوره ۲۰ ساله در شهرستان فریدونشهر شناسایی شده بودند، مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه از گزارشات موجود در مرکز بهداشت شهرستان و با روش سرشماری، جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: آزمون کولموگوروف اسمیرنوف (Kolmogorov-Smirnov) نشان داد که هر دو متغیر بیماریابی و تعداد مسلولین از توزیع نرمال پیروی می‌کنند ($P=0.08$). با توجه به احراز شرایط پارامتریک؛ نرمال بودن توزیع، مستقل بودن متغیرها و اینکه مقیاس هر دو متغیر فوق کمی فاصله‌ای بوده، برای بررسی ارتباط از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، ارتباط معنی‌داری بین بیماریابی سل در مراکز بهداشتی درمانی و کشف موارد مسلول نشان نداد ($P=0.20$), ($r=-0.336$).

نتیجه‌گیری: بیماریابی غیرفعال سل در مناطقی که شیوع سل در آن پایین است موجب نمونه‌گیری بی‌هدف پرسنل جهت رفع تکلیف و تحمیل هزینه‌گزارف بر سیستم بهداشتی می‌گردد. در این مناطق، بیماریابی فعال سل در بیماران مبتلا به ضعف سیستم ایمنی، افراد در معرض تماس نزدیک با بیمار مبتلا به سل ریوی خلط مثبت، و یا جمعیت‌های متراکم نظیر زندان‌ها، آسایشگاه سالمندان و مراکز بازپروری نتیجه بهتری در بر خواهد داشت.

واژگان کلیدی: بیماریابی، اسمیر مستقیم خلط، سل، مطالعه همبستگی، فریدونشهر



بررسی میزان بروز پدیکلوزیس در مهدکودک‌ها و مدارس شهرستان فریدونشهر (۹۶-۱۳۸۶): مطالعه کوهورت تاریخی

صادق کارگریان مروستی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران،
sadegh.kargarian@gmail.com

غلامرضا رفیعی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، اصفهان، ایران

سیما افراشته؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

زمینه و هدف: گرچه آلودگی به شپش در تمام گروه‌های سنی مشاهده می‌شود اما در بین کودکان به ویژه در مدارس ابتدایی شایع‌تر می‌باشد. این مطالعه با هدف تعیین میزان بروز ابتلا به شپش در دانش‌آموزان دختر و پسر کلیه مقاطع شهرستان فریدونشهر در یک دوره ۱۱ ساله (از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۶) جهت اجرای برنامه‌های پیشگیری در مناطق پر خطر، انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کوهورت تاریخی توصیفی، اطلاعات مربوط به ۱۶۱۹ بیمار که طی دوره ۱۱ ساله در شهرستان فریدونشهر، آلوده به پدیکلوزیس بودند، مورد بررسی قرار گرفت. بیماران با روش سرشماری و بر اساس غربالگری فصلی (سه نوبت غربالگری در سال تحصیلی) که توسط بهورزان و پرسنل مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی انجام می‌گردد شناسایی شده‌اند. جهت محاسبهٔ مخرج کسر میزان بروز، تعداد دانش‌آموزان هر سال تحصیلی از ادارهٔ آموزش و پرورش شهرستان استخراج شد.

نتایج: بالاترین نرخ بروز در سال ۱۳۸۹ (۱۹۸۱ در ۱۰۰,۰۰۰) و کم‌ترین نرخ بروز در سال ۱۳۸۶ (۷۵۵ در ۱۰۰,۰۰۰) محاسبه شد. بیشترین موارد آلودگی در ماه‌های سرد سال (آذر ۱۶٪، آبان ۱۶٪، بهمن ۱۵٪) مشاهده شد. ۹۷/۶٪ از موارد آلوده، دانش‌آموزان دختر بودند. ۸۸/۱٪ از بیماران ساکن روستا و بالاترین بروز آلودگی (۵۱/۳٪) در گروه سنی ۶ تا ۱۰ سال گزارش گردید. کلیهٔ موارد، آلوده به شپش سر بوده و در ۴۸٪ از بیماران پس از درمان با شامپو پرمترین، عود مجدد آلودگی مشاهده شد. میزان حملهٔ ثانویه در سایر افراد خانواده (بجز دانش‌آموزان) ۴/۶٪ برآورد گردید.

نتیجه‌گیری: پرخطرترین گروه در معرض آلودگی، دختران ۶ تا ۱۰ سال بوده و لازم است برنامه‌های پیشگیری و کنترل بیماری در این گروه سنی و جنسی تقویت گردد. با توجه به عود بالای بیماری (۴۸٪)، می‌توان نتیجه گرفت یا درمان مطلوب در کلیهٔ افراد خانوار، انجام نشده و یا وسایل شخصی بیماران (و افراد در تماس نزدیک) ضد عفونی نگردیده است. همچنین مقاومت بالای شپش به شامپو پرمترین نیز می‌تواند از عوامل عود مجدد بیماری در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: شپش سر، پدیکلوزیس، دانش‌آموزان، اپیدمیولوژی، فریدونشهر



بررسی اثر لارو درمانی بر ضایعات لیشمانیوز جلدی

افروز بوکان، کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

حمید کلانتری، دانشجوی کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

فهیمة طالب زاده، کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

لیلا محبی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

Email: Mohebbil@yahoo.com

زمینه و هدف: لارو درمانی (Maggot debridement therapy) روشی است که به طور گسترده جهت درمان انواع مختلفی از زخم ها مورد استفاده قرار می گیرد. مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده است. طبق این مطالعات، لارو درمانی در بهبود برخی بیماری های همراه با عفونت ناشی از باکتری هایی که به آنتی بیوتیک ها مقاوم هستند تاثیر بسزایی دارد. با توجه به اینکه لیشمانیوز جلدی یک بیماری شایع در ایران و جهان است هدف از این مطالعه بررسی اثر لارو درمانی بر ضایعات ناشی از لیشمانیوز جلدی بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری ۵۰ مقاله از پایگاه های داده داخلی و بین المللی شامل Scopus، SID، Medlib، Google Scholar همچنین از طریق جستجوگر گوگل با کلمات کلیدی لارو درمانی، لیشمانیوز جلدی و ضایعات، بدست آمد که نهایتا ۱۵ مقاله مرتبط با موضوع مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: پس از استفاده از لارو درمانی که غالبا با لارو مگس *Lucilia sericata* انجام شده بود، مشخص گردید که با این روش درمانی، ترمیم ضایعه و اسکار ناشی از لیشمانیوز جلدی بسیار ایمن تر و کم هزینه تر از درمان های متداول انجام می شود و در مدت زمان کوتاهی بهبودی قابل ملاحظه ای در ضایعات سالک ایجاد می گردد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهند که لارو درمانی علاوه بر اینکه می تواند باعث بهبود زخم های بافتی از قبیل زخم پای دیابتی و انواع زخم های عفونی دیگر باشد، همچنین می تواند به عنوان روشی کارآمد جهت درمان لیشمانیوز جلدی مورد استفاده قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: لیشمانیوز جلدی، لارو درمانی، بیماری، عفونت، MDT



بررسی پتانسیل بالقوه زهر عقرب به عنوان دارو در درمان بیماری‌ها

افروز بوکان، کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

حمید کلانتری، دانشجوی کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

لیلا محبی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

Email: Mohebbil@yahoo.com

زمینه و هدف: زهر عقرب یک منبع بیولوژیکی طبیعی است که دارای مولکول‌هایی است که نه تنها می‌توانند منجر به مرگ شوند، بلکه اثر بالقوه درمانی نیز دارند. در حال حاضر، بسیاری از اجزای زهر عقرب‌ها خالص سازی و شناسایی شده‌اند که براساس اطلاعات ساختاری و عملکردی موجود در این اجزا، دانشمندان قادرند داروهای جدیدی بر پایه زهر عقرب، علیه بسیاری از بیماری‌های مهم تولید کنند. از آنجایی که در دهه‌های اخیر استفاده از توکسین‌ها بویژه توکسین موجود در زهر عقرب در درمان بیماری‌ها به عنوان رویکردی نوین در علم پزشکی ایران و جهان در حال مطرح شدن است لذا در این مطالعه اهمیت استفاده بالقوه از زهر عقرب و پپتیدهای آن به عنوان دارو جهت درمان بیماری‌ها بررسی گردید.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر یک مطالعه مروری است که از طریق جستجو در مقالات منتشر شده پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر بین‌المللی با استفاده از کلیدواژه‌های *scorpion*، *Drug*، *Venom*، *Medicine* و معادل فارسی این کلمات در پایگاه‌های داده فارسی از جمله *SID* و *Magiran* و *Ganj* نگارش گردیده است. بدین ترتیب که تعداد ۷۰ محتوای علمی مستند مرتبط منتشر شده طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ شامل کتاب و مقاله انتخاب و بررسی شد. از این میان ۲۰ مقاله مرتبط با موضوع، مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: پس از بررسی و مرور مقالات و متون در مورد پتانسیل بالقوه زهر عقرب به عنوان دارو مشخص گردید که برخی پپتیدهای موجود در زهر عقرب پس از تخلیص می‌توانند بر روی بسیاری از سرطان‌ها، برخی بیماری‌های مربوط به نقص ایمنی، هموستاز، مغز و اعصاب و نیز بیماری‌های باکتریایی که توسط برخی باکتری‌ها از قبیل سودوموناس ایجاد می‌شوند تاثیر بسزایی داشته باشند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از ترکیبات طبیعی مانند فراکشن‌های ضد سرطانی و ضد باکتریایی استخراج شده از زهر انواع مختلف عقرب، می‌تواند رویکرد نوینی در داروسازی و درمان باشد.

کلمات کلیدی: زهر عقرب، توکسین، پپتید، دارو، درمان



بررسی ارتباط چاقی و اضافه وزن با سابقه خودمراقبتی در جوانان

مصطفی صادقی، دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

علی بهاری، دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات پیشگیری از آسیب های جاده ای، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

مرتضی عباسی، کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، مرکز آموزش بهورزی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران
محمدرضا فرزاد مهر، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش اپیدمیولوژی، مرکز آموزش بهورزی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

علیرضا نودهی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

alireza.nodehi57@gmail.com

زمینه و هدف: مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین چاقی و اضافه وزن با سابقه خودمراقبتی در جوانان طراحی و اجرا شده است. **مواد و روش ها:** در ابتدا حجم نمونه لازم برای یک مطالعه مقطعی، ۱۱۵۰ نفر برآورد و نمونه ها از جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر و روستا به روش خوشه ای و تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. برای هر یک از افراد جوان اندازه گیری قد، وزن و تکمیل پرسشنامه ابزار سنجش خودمراقبتی (تهیه شده توسط اداره جوانان وزارت بهداشت و دارای دستورالعمل کشوری) انجام گردید. با توجه به حجم نمونه گردآوری شده، شیوع چاقی در بین جوانان شهرستان بر پایه وضعیت شاخص توده بدنی (کم وزنی، وزن طبیعی، اضافه وزن چاق) برآورد گردید. با استفاده از پرسشنامه ابزار سنجش خودمراقبتی، افراد جوان به لحاظ سابقه خودمراقبتی در سه گروه "ضعیف-متوسط-خوب" طبقه بندی شدند. در نهایت یک مطالعه مورد-شاهدی طراحی شد که در آن، افراد دارای وزن طبیعی بعنوان گروه شاهد و مرجع، سایر گروه های وزنی (کم وزن، اضافه وزن و چاق) بعنوان گروه مورد، در نظر گرفته شدند. هریک از گروه های مورد بعنوان یک گروه مورد مستقل با گروه شاهد، در سه سطح خودمراقبتی به صورت مجزا مقایسه شدند.

نتایج: در این مطالعه از تعداد کل نمونه آماری ۴۰۶ نفر مرد (۳۵,۵ درصد) و ۷۳۶ نفر (۶۴,۵ درصد) را زنان تشکیل داده اند. در بین جوانان شیوع ابتلا به چاقی ۸,۸ درصد، اضافه وزن ۲۳,۶ درصد، وزن طبیعی ۵۸,۴ درصد و کم وزنی ۹,۲ درصد برآورد شد. پس از تعدیل سایر عوامل خطر احتمالی (سن، جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات، وضعیت اشتغال و محل سکونت)، قرار گرفتن در گروه مورد کم وزن با سطح خودمراقبتی ضعیف به صورت مستقل، با گروه شاهد با وزن طبیعی و سطح خودمراقبتی ضعیف مرتبط بود (نسبت شانس ۴,۴۶ با فاصله اطمینان ۱,۲۰-۱,۷۷). در سایر سطوح خودمراقبتی ارتباط بین چاقی و اضافه وزن با سابقه خودمراقبتی مشاهده گردید ولی معنی دار نبود.

نتیجه گیری: افرادی که در معرض خطر داشتن سابقه خودمراقبتی ضعیف هستند، با احتمال و شانس بیشتری در گروه افراد با نمایه توده ی بدنی کمتر از ۱۸,۵ و کم وزن قرار می گیرند. لذا این افراد نیاز به برنامه ریزی جدی برای مراقبت از خود دارند تا بدن آنها از وزن طبیعی برخوردار گردد.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، چاقی، اضافه وزن، کم وزن، جوان، نمایه توده بدنی



بررسی شیوع اضطراب و شدت آن در بین دانشجویان دانشگاه های شهر اردبیل

فیروز امانی؛ دانشیار آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

امین عظیمی ثانی؛ دانشجوی رشته کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت

زمینه و هدف: اضطراب دلایل مختلفی می تواند داشته باشد و علل زیادی می تواند میزان اضطراب را افزایش دهد که در نهایت هم میتوان منجر به افسردگی شود. دانشجویان بعنوان یک قشر فعال جامعه اغلب به دلایل مختلف تجربه اضطراب را دارند. بدین مفهوم که اغلب دانشجویان دلایل بروز اضطراب را در خود درک نمی کنند اما رفتارهای آنها حاکی از اضطراب و نوسانات روحی روانی می باشد، که این معضل می تواند دانشجویان را به انصراف از تحصیل یا دلسردی سوق دهد. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی شیوع اضطراب و شدت آنها در بین دانشجویان با استفاده از آزمون اضطراب هامیلتون می باشد.

روش کار: این پژوهش یک پژوهش توصیفی تحلیلی می باشد، جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه های اردبیل میباشد، و نمونه آماری نیز شامل ۱۰۰ نفر از دانشجویان خوابگاهی میگردد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه ۱۴ سوالی هامیلتون استفاده شده است که روایی و پایایی آن نیز قبلاً مورد اثبات بوده است.

نتایج: توزیع اضطراب در میان دانشجویان کم سن و سال به مراتب بیشتر از دانشجویان با سن بیشتر می باشد و نیز طبق نمودار پراکندگی بین سن و اضطراب و ترم و اضطراب ارتباط خطی بین آنها وجود ندارد با این وجود میزان شیوع اضطراب طبق نمودار پراکندگی و جدول ۳م در میان ترم های میانی بیشتر از ترم های بالا و پایین میباشد. برای مثال: از میان ۴ نفری که دارای اضطراب شدید می باشند یک نفر در ترم ۴، دو نفر در ترم ۵ و یک نفر در ترم ۸ می باشد که نشان دهنده این مسئله است که دانشجویان ترم های میانی اغلب دچار استرس بالاتری می باشند.

نتیجه گیری: نتیجه حاصل نشان دهنده ایجاد یک هرم از اضطراب می باشد، بگونه ای که تعداد افراد مضرب باشدت بیشتر، کمتر و افراد نرمال بیشتر میباشد. با وجود این مسئله وضعیت نسبی اضطراب بین دانشجویان دانشگاه می تواند بعنوان یک مسئله مورد بررسی، مطرح باشد نیز توزیع اضطراب در بین دانشجویان ترم های ۴ و ۵ بیشتر به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: پرسشنامه اضطراب هامیلتون، مقیاس لیکرت، شیوع اضطراب، دانشجویان خوابگاه اردبیل



نتایج غربالگری تنبلی چشم در استان اردبیل ۱۳۹۵

فیروز امانی، دانشیار آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

امین عظیمی ثانی، دانشجوی رشته کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت علوم پزشکی اردبیل

زمینه و هدف: هدف اصلی این مقاله تحلیل نتایج غربالگری تنبلی چشم در شهر اردبیل است. طرح پیشگیری از تنبلی چشم همه ساله در سراسر کشور توسط معاونت پیشگیری بهزیستی کشور انجام می‌گیرد. در این گزارش تحلیل نتایج این طرح در سال ۱۳۹۵ ارائه می‌شود تا میزان شیوع تنبلی چشم برآورد گردد.

روش کار: برنامه غربالگری تنبلی چشم برای کلیه کودکان و مراجعین پایگاه‌های سنجش بینایی از همان رده سنی انجام می‌گیرد. معاینه اولیه در مرحله طرح توسط مربیان مهد کودک صورت می‌گیرد و در مرحله ی بعد موارد مشکوک توسط مربیان به کارشناسان بینایی سنجی ارجاع و موارد تنبلی چشم با تشخیص کارشناسان و تایید آن توسط چشم پزشک پس از رد سایر علل ارگانیک مشخص می‌گردند.

یافته‌ها: از مجموع ۲۱۲۵ کودک معاینه شده در سال ۱۳۹۵ توسط مربیان مهد کودک ۳۱۳۳ (۱۴,۷۴ درصد) با شکبه وجود اختلال بینایی به کارشناسان بینایی سنجی ارجاع داده شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از کل معاینه شدگان دارای عیب انکساری (۳۱ نفر)، (۱۲ درصد) دارای آمبلیوپی (۲۶ نفر) و ۰,۰۹ درصد دارای استرابیسم (۲۰ نفر) و ۰,۱۸ درصد دچار سایر اختلالات (۴۰ نفر) بودند. همچنین طبق تحلیل‌های آماری ۴۶ درصد از مبتلایان دختر و ۵۴ درصد جمعیت را جنس مذکر تشکیل می‌دهد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر شیوع تنبلی چشم ۰,۵۵ بوده است که با مطالعات انجام شده در سایر کشورها همخوانی دارد. همچنین دامنه ی بالای تغییرات برآورد شیوع اختلالات بینایی شهرستان ضرورت انجام مطالعات تطبیقی بیشتری را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تنبلی چشم، غربالگری، کودکان قبل از مدرسه



بررسی مدل مصرف سیگار در استان کردستان در دوره ۱۳۹۳ - ۱۳۸۳ و پیش‌بینی آن تا سال ۱۴۰۳

بشرا زارعی، کارشناس ارشد آمار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
قباد مرادی، دانشیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
محمد عزیز رسولی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار، دانشکده پزشکی، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
لیلا بایرام زاده، دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

Email: Moradi_gh@yahoo.com

زمینه و هدف: سیگار دلیل بسیاری از مرگ و میر قابل پیشگیری در سراسر جهان است. اگرچه میزان مصرف سیگار در دو دهه گذشته در ایران افزایش چندانی نیافته است اما افزایش آن در بین نوجوانان و جوانان نگران کننده است. هدف این مطالعه بررسی مدل مصرف سیگار در استان کردستان در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۳ و پیش‌بینی آن تا سال ۱۴۰۳ می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی اطلاعات ۷۰۰۰ نفر از افراد مصرف کننده سیگار (۶۴ - ۱۵ سال) از نظام مراقبت غیر واگیر استان کردستان (STEP) در ۷ دوره استفاده شد. تحلیل سری های زمانی با رویکرد Box-Jenkins مورد استفاده قرار گرفت. از روش هموارسازی نمایی (Exponential) برای جایگذاری تعدادی از داده های گمشده استفاده شد و از مدل سازی به روش ARIMA برای داده های مربوط به پاییز ۱۳۸۳ تا تابستان ۱۳۹۳ و توصیف و ارزیابی روند مصرف سیگار در طول زمان و پیش‌بینی مصرف سیگار تا سال ۱۴۰۳ استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Stata 14 انجام گرفت.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که بیشترین شیوع مصرف سیگار در گروه سنی ۳۵-۴۴ سال با ۲۳,۳٪ و کمترین نیز در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال با ۶,۲٪ بود. نتایج آنالیز رگرسیون چندگانه حاکی از آن است که در مردان، افراد شاغل و گروههای سنی (۳۵-۴۴ سال) نسبت شانس به ترتیب ۱۰,۹، ۰,۹۲ و ۵,۴ بود. پیش‌بینی ها یک روند ثابت و یک کاهش دو تا سه درصدی از مصرف سیگار را تا بهار سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

نتیجه گیری: شیوع مصرف سیگار در شاغلین و جوانان بیشتر است و پیش‌بینی ثبات و پایداری نسبی از شیوع بالای مصرف سیگار در جامعه، نگران کننده است که نیازمند برنامه ریزی و مداخلات مناسب می باشد.

واژگان کلیدی: کردستان، سری زمانی، سیگار.



بررسی اثر آلودگی هوا بر دیابت نوع دو: مرور سیستماتیک

حدیثه هاشمی یوسف آباد، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

رضا سهرابی کعبی، کارشناس علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

زمینه و هدف : مواجهه مزمن با غلظت‌های کم آلاینده‌های هوا که نتیجه‌ی زندگی شهری است یک مشکل زیستی جهانی برای سلامت انسان می‌باشد. آلودگی هوا به علت ایجاد استرس اکسیداتیو و التهاب که باعث لیپوژنز، التهاب بافت چربی و مقاومت به انسولین می‌شود که با خطر دیابت نوع ۲ (T2D) در ارتباط است.

مواد و روش ها : در این مطالعه مروری سیستماتیک مقالات منتشر شده انگلیسی زبان طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ از بانک‌های اطلاعاتی و سایت‌های معتبر علمی Pubmed, Medline, Embase و موتور جستجوی googlescholar با کلیدواژه‌های type 2 diabetes, air pollution, fine particulate matter, fine particulate, بررسی شد. در بررسی اولیه ۶۶ مقاله یافت شد و با حذف مقالات تکراری و انتخاب مقالات با دسترسی کامل، نهایتاً ۲۳ مقاله توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : نتایج مطالعات نشان دادند مواجهه‌ی طولانی مدت با ذرات ریز هوا (PM2.5, O3, نیتروژن دی اکسید، نیتروژن اکساید) با خطر ابتلا به T2D مرتبط است. مواجهه‌ی طولانی با نیتروژن اکساید، با شیوع دیابت و مواجهه با O3 با بروز دیابت مرتبط بود. افزایش در PM2.5 نیز به طور معناداری با افزایش در شیوع دیابت و افزایش گلوکز ناشتا و HbA1c مرتبط بود. مطالعات اپیدمیولوژیک نیز بیان کردند که مواجهه با آلودگی هوا باعث تغییر در سیگنال‌دهی انسولین، متابولیسم گلوکز و تغییر در عملکرد سلول‌های بتا می‌شود. ممکن است مکانیسم‌های التهابی، پاسخگوی افزایش خطر وقایع قلبی-عروقی مرتبط با آلودگی هوا در بیماران دیابتی باشد.

نتیجه گیری : بر اساس کیفیت کنونی هوای شهرها، به نظر می‌رسد هوا برای افرادی که مستعد ابتلا به بیماری‌های مزمن در دوره‌های بعدی زندگی‌شان هستند به قدر کافی ایمن نباشد بنابراین تغییرات در رژیم غذایی و فعالیت بدنی نیز ممکن است برای پیشگیری از T2D کافی نباشد. اهمیت به کارگیری سیاست‌های ملی برای کاهش آلودگی، برای محافظت از نسل‌های بعدی ضروری به نظر می‌رسد از این جهت که کوچک‌ترین کاهش در مواجهه با آلودگی هوا می‌تواند مزایای سلامت بخش زیادی را در افراد باعث می‌شود.

واژگان کلیدی : آلودگی هوا، دیابت نوع ۲، ذرات ریز هوا



بررسی اپیدمیولوژی عوامل خطر سکته قلبی در ایران

حانیه ابراهیم نژاد، دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

سحر عصمت پناهی، دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

وحید رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

حسام الدین سالار کیا، دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران hesamsalarkia1375@gmail.com

زهرا پورعسگری، دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: بیماری‌های قلب و عروق شایعترین علت مرگ و میر در جهان می‌باشد که علت عمده آن گرفتاری عروق کرونر در بیشتر کشورهای جهان از جمله ایران می‌باشد. در کشور ما آمار مرگ در اثر این بیماری حدود ۱۳۸۰۰۰ نفر در سال بوده (حدود ۴۰٪ کل مرگ‌ها) که نصف آنها را سکته قلبی (MI (Myocardial infarction تشکیل می‌دهد. بنابراین بر آن شدیم تا به بررسی اپیدمیولوژی عوامل خطر سکته قلبی در ایران بپردازیم.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری، با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی از جمله Web of science، SID و موتور جستجوگر Google scholar و با استفاده از کلمات کلیدی ایران، عوامل خطر و اپیدمیولوژی مطالعات مربوط با موضوع شناسایی گردید. ۲۲ مقاله که دسترسی کامل به محتوای آن امکان پذیر بود از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ مورد مطالعه قرار گرفت که از ۹ مقاله در میان آن‌ها در این مطالعه مروری بهره کامل گرفته شد.

نتایج: در اطلاعات به دست آمده شایعترین عامل خطر، فشار خون بالا و پس از آن دیابت، هایپرلیپیدمی، استعمال دخانیات و سابقه خانوادگی ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی جای داشت. شایعترین علت در مردان به ترتیب پرفشاری خون، دیابت، استعمال دخانیات، هایپرلیپیدمی بوده و در زنان پرفشاری خون، دیابت، هایپرلیپیدمی قرار داشت که استعمال دخانیات در زنان از آمار کمتری برخوردار بود. انفارکتوس ناحیه اینفریور (تحتانی) و آنتروسپتال بیشترین فراوانی بالینی سکته قلبی را به ترتیب در بیماران به خود اختصاص داده است. در حالی که انفارکتوس ناحیه اینفریور در مردان و فراوانی انفارکتوس ناحیه آنتروسپتال در زنان شایع تر می‌باشد.

نتیجه گیری: بررسی‌های اپیدمیولوژی با شناساندن عوامل خطر کمک می‌کنند تا بتوان با در نظر گرفتن راهبردهای مناسب از خطر بیماری‌های قلبی-عروقی کم کرد. لازم است تمام کارهای به کار گرفته شده اعم از دستگاه‌های اجرایی و همچنین مردم نقش اساسی دارند در این زمینه فعالیت کنند. بنابراین با کنترل عوامل خطر مانند فشار خون بالا، عدم استعمال سیگار و مهمتر از همه اصلاح سبک و شیوه زندگی، قابل پیشگیری و قابل درمان می‌باشد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، سکته قلبی، ایران



بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری پدیکولوزیس در استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۵

مجید شایسته، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
محمد رضا جمع آور، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

زهرا یونسی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
افروز بوکان، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران
فهیمة طالب زاده، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

مقدمه: پدیکولوزیس شایع ترین آلودگی های انگلی در سراسر دنیاست که می تواند موجب طرد اجتماعی افراد و خانواده های مبتلا شود. پدیکولوزیس همچنین می تواند باعث افت تحصیلی دانش آموزان به علت بی خوابی ناشی از خارش شبانه گردد. نقش شپش تن به عنوان ناقل تعدادی از بیماری ها (تیفوس، تب راجعه اپیدمیک و تب خندق) از اوایل قرن اخیر شناخته شده است. از نظر اهمیت خاص به عنوان شاخص بیماری های آمیزشی می تواند مورد توجه قرار گیرد اگر چه در مناطق متعددی بهبود وضعیت بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی تاثیر به سزایی در کاهش آلودگی به شپش داشته است؛ ولی در زمان جنگ و در محل های پر جمعیت به علت عدم توجه به بهداشت فردی و محیط، امکان ایجاد اپیدمی های بزرگ وجود دارد. این مطالعه با هدف بررسی روند بیماری در استان خراسان جنوبی و شناخت مناطق و شهرستانهای آلوده انجام شده، تا در جهت کنترل بیماری در انسان در مناطق آلوده اقدام و راهکارهای مناسب اتخاذ گردد.

روش کار: این بررسی به روش توصیفی است، کلیه موارد گزارش شده پدیکولوزیس به تفکیک ۱۱ شهرستان بررسی گردید و تعداد ۳۲۵۳ نفر جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میزان بروز بیماری در استان ۴/۰۶ در هزار نفر جمعیت بوده که شهرستان های سربیشه، قاین و درمیان به ترتیب با میزان بروز ۲۸/۰۷، ۵/۳ و ۵/۱ بیشترین و خوسف، زیرکوه و فردوس به ترتیب با میزان بروز ۱/۰۵، ۲ و ۲/۵ کمترین میزان بروز در استان را داشته اند. از نظر سکونت ۳۸٪ شهری و ۶۲٪ روستایی و از نظر جنسیت ۹۴٪ زن و ۶٪ مرد بوده است. از کل موارد بررسی شده، ۹۹٪ ایرانی و ۱٪ غیر ایرانی بوده است. بیشترین بروز در دختران سنین ۱۲-۶ سال بوده است.

نتیجه گیری: برای کنترل پدیکولوزیس در شهرستانهای با بروز بالا و پایین، لازم است اقداماتی شامل تشدید اقدامات مراقبتی، تشدید برنامه های آموزشی، اطلاع رسانی و هماهنگی درون و برون بخشی با ادارات و نهادهای ذیربط خصوصاً آموزش و پرورش صورت پذیرد.

کلمات کلیدی: پدیکولوزیس، خراسان جنوبی، اپیدمیولوژی، بروز



بررسی کیفیت و اهمیت تشخیص بالینی و آزمایشگاهی تفکیک غلاف مو از تخم شپش در موارد مشکوک به پدیکولوزیس

اکرم بوکان، کارشناس بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.
لیلا محبی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.
رویا رشتی، دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.
افروز بوکان، کارشناسی ارشد حشره‌شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

Email: z_aoz@yahoo.com

زمینه و هدف: Hair casts (HCs) یا غلاف مو سفیدرنگ، کشیده و چسبیده به شفت مو می‌باشد که معمولاً به دلیل شباهت ظاهری به رشک (تخم شپش) سر می‌تواند منجر به تشخیص غلط گردد. با توجه به اهمیت بهداشتی-پزشکی بیماری پدیکولوزیس هدف از این مطالعه بررسی کیفیت و اهمیت تشخیص بالینی و آزمایشگاهی در تفکیک غلاف مو (Pseudo nit) از تخم شپش (Nit) در افراد مشکوک به پدیکولوزیس می‌باشد.

مواد و روش‌ها: نمونه‌های مشکوک به رشک همراه مو از روی سر ۱۰ نفر از مراجعین مراکز جامع خدمات بهداشتی شهرستان دزفول جدا گردیده و در آزمایشگاه حشره‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی دزفول توسط استریومیکروسکوپ NIKON مدل SMZ1000 با بزرگنمایی ۲۰ X مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: در بررسی‌های آزمایشگاهی ۳ مورد از ۱۰ موردی که در معاینات بالینی مشکوک به پدیکولوزیس تشخیص داده شده بودند، غلاف مو و ۷ مورد دیگر تخم شپش تشخیص داده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد در صورتی که طی مشاهدات بالینی پوره یا شپش بالغ مشاهده نگردد، احتمال تشخیص بالینی اشتباه صرفاً از روی علائم پوستی و مشاهده رشک وجود دارد که این امر علاوه بر اینکه از نظر جنبه روانی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، با شروع یک دوره درمان بی‌مورد سبب تحمیل هزینه‌های اضافی به سیستم بهداشتی و افراد نیز می‌شود. لذا بررسی آزمایشگاهی موارد مشکوک، می‌تواند روشی مناسب و مطمئن جهت تشخیص قطعی رشک در بیماران مشکوک به پدیکولوزیس باشد.

کلمات کلیدی: پدیکولوزیس، تخم شپش، غلاف مو، Nit، Pseudo nit



گزارش یک مورد میاز تصادفی روده ای ناشی از *Clogmia albipunctata* : Psychodidae در شمال استان خوزستان و بررسی شرایط محیطی موثر بر ایجاد این نوع از میازیس

لیلا محبی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

اکرم بوکان، کارشناس بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

حمید کلانتری، دانشجوی کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

افروز بوکان، کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

Email: z_aoz@yahoo.com

زمینه و هدف: میازیس نوعی بیماری است که غالباً به سبب حضور لارو مگس ها در بافت های زنده و یا مرده بدن ایجاد می شود. این ورود و حضور لارو ممکن است از طریق جراحات جلدی، یا از طریق حفرات طبیعی بدن از قبیل دهان، گوش، چشم و دستگاه تناسلی - ادراری صورت گیرد. بر اساس ارتباط بین انگل و میزبان، بیماری میازیس به سه شکل اجباری (Obligatory)، اختیاری (Facultative) و تصادفی (Accidental) تقسیم بندی می شود. هدف از این مطالعه گزارش یک مورد میاز تصادفی روده ای ناشی از *Clogmia albipunctata* در شمال استان خوزستان و نیز بررسی شرایط محیطی است که می تواند منجر به این نوع میازیس گردد.

روش کار: بیمار کودکی یک سال و یازده ماهه بوده که به دلیل تب بالا، دردهای شکمی، یبوست، بی قراری، کاهش اشتها و کاهش وزن در چند ماه گذشته، به پزشک مراجعه کرده است. در آزمایشات اولیه تعدادی لارو از مدفوع بیمار جدا گردیده و به منظور بررسی های بیشتر در محلول فرمالین ۱۰٪ نگهداری شد. همچنین در بازدید و بررسی های انجام شده از محل زندگی بیمار، لارو سنین ۲ و ۳ لاروی و پشه بالغ از آبراه فاضلاب و حمام جمع آوری گردید.

نتایج: لارو های بدست آمده از مدفوع با استفاده از کلیدهای تشخیصی، لارو پشه فاضلاب، *کلوگمیا آلبیپونکتاتا* (*Clogmia albipunctata*) تشخیص داده شد. نمونه لارو و بالغ جمع آوری شده از محل نیز بر اساس خصوصیات مرفولوژیکی شناسایی گردید که با لاروهای جدا شده از مدفوع بیمار مطابقت داشت.

نتیجه گیری: از آنجایی که شرایط مناسب برای تخم ریزی بالغین و رشد و فعالیت لارو پشه های سایکودید، در محل هایی با بهداشت پایین و آلودگی میکروبی بالا می باشد می توان نتیجه گرفت آلودگی محیطی و کیفیت بد شرایط زندگی در حاشیه شهرها، روستا ها و حتی در برخی مناطق شهری امکان ایجاد میاز تصادفی را افزایش می دهد، از این رو بهسازی محیط در این مناطق باید جزو اولویت های بهداشتی قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: *Clogmia albipunctata*، Psychodidae، میاز تصادفی، آلودگی محیط



ارزیابی برازش مدل های پارامتری و نیمه پارامتری در آنالیز بقای بروسلوژیس: مطالعه کوهورت

صادق کارگریان مروستی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران،
sadegh.kargarian@gmail.com

سینما افراشته؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

غلامرضا رفیعی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: بروسلوژیس یا تب موج دار از مهمترین بیماری های زئونوز در سراسر جهان است. با توجه به خسارات اقتصادی سنگین تب مالت در جمعیت حیوانی و تأثیر بیماری بر انسان و همچنین شیوع بالای بیماری در مناطق غربی استان اصفهان، این مطالعه به منظور تعیین کارآترین مدل از بین مدل های پارامتری و نیمه پارامتری در جهت یافتن عوامل مؤثر بر زمان تشخیص تب مالت و در نتیجه کاهش این زمان، انجام شد.

مواد و روش ها: داده های مورد نیاز این مطالعه کوهورت گذشته نگر با روش سرشماری از پرونده ۴۱۲ بیمار مبتلا به تب مالت شهرستان فریدونشهر، که در دوره ۱۱ ساله (از ابتدای ۱۳۸۵ تا پایان ۱۳۹۵)، بیماری آنها تشخیص داده شده بود، از مرکز بهداشت شهرستان جمع آوری گردید. پیشامد مورد نظر (شکست) در این مطالعه، وجود تیتیر سرمی بروسلا به روش آگلوتیناسیون برابر یا بیشتر از ۱/۸۰ در نمونه خون بیماران بود. جهت رفع متغیرهای مخدوش کننده، عوامل مؤثر بر زمان تشخیص تب مالت با استفاده از آنالیز تک متغیره ($P < 0.20$) و چندمتغیره ($P < 0.05$) بر اساس مدل نیمه پارامتری کاکس و ۴ مدل پارامتری وایبل، نمایی، لگ لجستیک و لگ نرمال شناسایی شدند. کلیه آنالیزها با نرم افزار Stata (متد Back-ward: LR) انجام شد. جهت مقایسه برازش مدلها از ملاک آکائیکه (Akaike's Information Criterion) و میزان تغییرات استاندارد شده پارامترها استفاده شد.

نتایج: طبق نتایج این مطالعه، ابتلای همزمان یکی از اعضای خانواده به تب مالت، داشتن تماس مستقیم با دام، مشاغل خانه دار و دامدار، و جدید بودن بیماری از مهمترین عوامل مؤثر بر کاهش زمان مراجعه بیمار در جهت تشخیص بیماری می باشد. **نتیجه گیری:** با وجود تمایل پژوهشگران در استفاده از مدل کاکس در آنالیز بقا، در این مطالعه، مدل پارامتری «لگ نرمال» به عنوان کارآترین مدل (AIC: 1234.19) و مدل خطرات متناسب کاکس دارای کمترین برازش شناخته شد (AIC: 2903.45). با این وجود، قطع به یقین نمی توان مدل های پارامتری را در آنالیز بقا به عنوان مدل برتر دانست. در نتیجه می توان گفت کارایی مدل های مختلف، همسان نبوده و آنالیز مجموعه داده های مختلف نیاز به جستجوی مدل ها برای یافتن کارآترین مدل دارد.

واژگان کلیدی: مدل های پارامتری بقا، مدل خطرات متناسب کاکس، کاپلان مایر، بروسلوژیس، آنالیز بقا



بررسی خصوصیات جمعیت شناختی و پیامدهای ناشی از سوختگی در بیماران مراجعه کننده به مرکز روانپزشکی و سوختگی زارع ساری در سال ۱۳۹۴

نجیبه محسنی معلم کلایی، دانشجوی کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات سلامت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

عبدالرضا جعفری راد، متخصص جراحی عمومی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

فاطمه قاسمی آتئی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.
آزاده امینی منش، دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

مریم قاجار کوهستانی، کارشناسی ارشد میکروبیولوژی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

محسن اعرابی، دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

ابوالفضل حسین نتاج، دانشجوی دکتری آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

مرضیه عزیزی خالخیلی، کارشناسی ارشد مشاوره در مامائی، دانشکده پرستاری مامائی نسیه، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

احسان عابدینی، دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

زمینه و هدف: سوختگی و پیامدهای ناشی از آن یکی از شدیدترین اشکال تروما بوده که سبب بسیاری از ناتوانی‌ها، عوارض میرایی در کنار هزینه‌های بالای بیمارستانی و مشکلات روحی و عاطفی آن می‌شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی خصوصیات جمعیت‌شناختی و پیامدهای ناشی از سوختگی در بیماران مراجعه‌کننده به مرکز روانپزشکی و سوختگی زارع ساری انجام شد.

مواد و روش‌ها: در مطالعه‌ی توصیفی-مقطعی حاضر، پرونده ۶۲۹ بیمار بستری مبتلا به سوختگی در مرکز روانپزشکی و سوختگی زارع ساری در سال ۱۳۹۴ برای جمع‌آوری اطلاعات دموگرافیک و داده‌های مربوط به سوختگی مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های بدست آمده از طریق آمار توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و آمار استنباطی (رگرسیون خطی) با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ تحلیل شدند.

نتایج: از میان تعداد کل بیماران، ۴۳۸ نفر (۶۹/۶٪) مرد و ۵۴/۸٪ متأهل بودند. میانگین سنی بیماران $22/17 \pm 32/95$ سال بود. بیشترین سوختگی در فصل بهار (۴۰٪) و کمترین، در فصل زمستان (۱۷/۷٪) رخ داد. میانگین درصد سوختگی بیماران $22/55 \pm 20/9$ بود. ۶۷ بیمار (۱۰/۷٪) فوت کردند که ۵۹/۷٪ بر اثر سوختگی وسیع، ۱۷/۷٪ بر اثر سپتیک شوک و ۸/۱٪ بر اثر ایست تنفسی بود. متغیر جنسیت با میزان سوختگی ارتباط معنی‌دار داشت ($p=0/01$)، بطوریکه میزان سوختگی در زنان بیشتر از مردان بود. متغیرهای شغل ($p=0/001$) و تعداد روزهای اقامت بیماران در بخش BICU ($p<0/001$) نیز دارای رابطه معنی‌دار با میزان سوختگی بودند. بین متغیرهای سن و وضعیت تاهل بیماران با میزان سوختگی ارتباط معنی‌دار وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: وقوع سوختگی در میان جمعیت جوان مطالعه، حکایت از بی‌توجهی و عدم دقت به مسائل ایمنی و نداشتن اطلاعات کافی از پیامدهای ناشی از سوختگی دارد. باتوجه به ارتباط بین میزان بیشتر سوختگی در زنان نسبت به مردان، لزوم آموزش همگانی جهت پیشگیری از سوختگی در منزل امری مهم تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: خصوصیات جمعیت‌شناختی، سوختگی، مرگ بیمار



طراحی و اجرای نظام مراقبت پیشگیری از خودکشی

حسین عزیزی، دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. epid_azizi@yahoo.com

مصطفی فرح بخش، متخصص روانپزشکی، عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

الهام داوطلب اسماعیلی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

وهاب اصل رحیمی، کارشناس ارشد روانشناسی، گروه سلامت روان، مرکز بهداشت استان آذربایجان شرقی، تبریز، ایران

فرحناز عطایی، گروه سلامت روان، مرکز بهداشت شهرستان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ملکان، ایران

حوریه ندیری، گروه سلامت روان، مرکز بهداشت شهرستان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ملکان، ایران

زمینه و هدف: مطابق برنامه ارزیابی سلامت جامعه (Community assessment) توسط مراکز سلامت و با همکاری تیم سلامت و هیئت امنای روستاها و پایگاه های سلامت، اقدام به خودکشی و خودکشی به عنوان شایعترین و اولویت ترین مشکل سلامت در شهرستان ملکان شناخته شد. لذا هدف از پژوهش حاضر طراحی و اجرای نظام مراقبت پیشگیری از خودکشی در شهرستان ملکان طی سالهای ۹۴-۹۲ می باشد.

مواد و روش ها: پس از بررسی متون و مرور نظام های مراقبت بیمارها کشور، تیمی از افراد متخصص، مدیران بهداشتی و کارشناسان با تجربه تشکیل و نظام مراقبت پیشگیری از خودکشی در پنج گام شامل افزایش پوشش شناسایی و ثبت موارد اقدام به خودکشی، شناسایی و برآورد شیوع اختلال افسردگی در جمعیت ۴۰-۱۵ سال، ثبت عوامل خطر و خصوصیات خودکشی های موفق و ناموفق، پیشگیری از بروز اقدام به خودکشی، تجزیه و تحلیل و گزارش نتایج؛ طراحی و اجرا گردید.

نتایج: شیوع اقدام به خودکشی در زنان ۶۷٪ و گروه سنی ۲۴-۱۰ سال با ۵۳٪ بیشترین فراوانی را داشتند. مداخلات نشان دادند تعداد خودکشی ها و درصد اقدام به خودکشی مجدد در طول اجرای نظام مراقبت از سال ۹۲ الی ۹۴ کاهش یافته است. تعداد اقدام به خودکشی ها از سال ۹۱ الی ۹۴ به ترتیب ۲۱۷، ۲۵۱، ۲۰۲ و ۱۸۹ نفر و درصد افراد با سابقه قبلی اقدام به خودکشی به ترتیب ۱۱،۵۲، ۶،۷۷، ۵،۵ و ۳،۷ درصد گزارش شد. آنالیز نهایی نشان داد که جنس مرد ($P\text{-value}=0.001$)، اختلال افسردگی ($P\text{-value}=0.001$)، سابقه رویدادهای استرس زا زندگی ($P\text{-value}=0.001$) بخصوص (اختلافات خانوادگی، مشکلات عاطفی مربوط به جنس مخالف و بیکاری)، روش حلق آویز ($P\text{-value}=0.001$)، گروه سنی ۲۴-۱۵ سال ($P\text{-value}=0.023$)، فصل بهار ($P\text{-value}=0.005$)، درآمد ماهانه کمتر از یک میلیون ($P\text{-value}=0.003$)، مصرف سیگار و الکل ($P\text{-value}=0.001$) و سابقه قبلی اقدام به خودکشی ($P\text{-value}=0.083$) بطور معنی داری شانس خودکشی منجر به فوت را افزایش دادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه، طراحی و اجرای یک نظام مراقبت سیستماتیک و قابل انعطاف برای پیشگیری و کاهش خودکشی ضروری بنظر می رسد

واژگان کلیدی: اقدام به خودکشی، خودکشی، نظام مراقبت، رویدادهای استرس زا زندگی، افسردگی



Opium as a Risk Factor for Bladder Cancer: A Population-based Case-control Study in Iran

Background and Aim: Bladder cancer (BC) is the most common genitourinary system malignancy in humans. Consumption of opium and its derivatives, maybe a risk factor possibly in Iran. The aim of this study was to investigate the relationship between consumption of opium and its derivatives and the incidence of BC.

Materials and Methods: In an individually matched case control study in Shiraz (located in the south of Iran), 198 patients with BC and 396 healthy individuals (matched in age, sex and residence (urban/rural)) were investigated. Data about consumption of opium and its derivatives, tobacco, alcohol and diet were collected using a structured valid and reliable questionnaire. Crude and adjusted odds ratios (ORs) were computed using conditional logistic regression models.

Results: Opium use was associated with an increased risk of BC with an adjusted OR=3.9(95 % CI: 1.2-12.0). Moreover, a considerable dose-response relationship was observed between the use of opium and its derivatives and the incidence of BC; comparing to no use, the odds ratios of low and high consumptions were 3.3 (95 % CI: 0.5- 23.1) and 4.9 (95 % CI: 1.1- 21.9) respectively.

Conclusion: Opium consumption can be a potential strong risk factor for BC in Iran.

Keywords: Bladder neoplasms, case-control, Iran, opium, risk factor



اثربخشی مداخله شأن‌درمانی در افراد مبتلا به بیماری‌های تهدیدکننده حیات

بهاره رضوانی، ملیحه داودی

زمینه و هدف : شأن‌درمانی یک شیوه نوین برای مداخله در شرایط محدودکننده و تهدیدکننده زندگی می‌باشد. این روش روان‌درمانی حمایتی، شخصی و کوتاه‌مدت است و برای بیمارانی که در مرحله پایان زندگی خود قرار دارند، مناسب است. لذا هدف از این مطالعه مروری تعیین اثرات مختلف مداخله شأن‌درمانی در افراد مبتلا به بیماری‌های تهدیدکننده حیات بود.

مواد و روش ها : مطالعه مروری با استفاده از کلیدواژه‌های شأن‌درمانی، شأن‌انسانی، بیماری تهدیدکننده حیات، مراحل پایانی بیماری، بصورت فارسی و انگلیسی، ترکیبی و جداگانه، مطالعات مرتبط از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در پایگاه‌های اطلاعاتی iran medex, sid, ovid, science direct, google scholar, pubmed انجام گردید. در نهایت براساس هدف پژوهش تعداد ۱۷ مقاله یافت شد و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : شأن‌درمانی باعث افزایش سطح امیدواری، شأن‌انسانی، کیفیت زندگی، احساس مثبت معنوی و روحی، رضایت از زندگی، حس معناداری، ارتقاء خودارزیابی بیمار از فرایند درمان، بهترشدن تجارب انتهای زندگی، کسب تجارب غنی و ارزشمند، کاهش اضطراب احساس رنج و ناراحتی، حفظ غرور، احساس موفقیت، پذیرش بهتر توسط اطرافیان، آشکارشدن ارزش‌های اصلی فرد و خانواده می‌شود. همچنین خانواده این بیماران نیز بیان نمودند این مداخله موجب تغییر دیدگاه آنان، بهبود روابط خانوادگی، ایجاد یک منبع جدید آرامش در خانواده، افزایش مشارکت و بوجودآمدن یک نیروی محرک برای کمک به بیمار، کمک به آنان برای احساس پیوند بیشتر با بیماران و زندگی هدفمند می‌گردد. با این وجود در برخی مقالات تأثیر شأن‌درمانی بر افسردگی و نشانه‌های آن متناقض بوده است. بدین معنا که برخی مطالعات حاکی از اثر مثبت معنادار بر افسردگی هستند و برخی اثر قابل ملاحظه‌ای ذکر ننموده‌اند.

نتیجه گیری : باتوجه به تأثیرات شأن‌درمانی و فواید آن بر سلامت روان و فرایند زندگی بیماران و خانواده‌های آنان، استفاده از این مداخله توصیه می‌گردد. با این وجود گزارش نتایج متضاد در خصوص تأثیر این نوع مداخله بر افسردگی بیماران نیاز به مطالعات بیشتر محسوس می‌باشد.

واژگان کلیدی : شأن‌درمانی، شأن‌انسانی، مراحل انتهایی بیماری



بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک سل در ایران

میلاد اورجی، دانشجوی دکتری پیوسته پزشکی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
رنا رحیمی، دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، کمیته تحقیقات دانشجویی
مراغه، ایران rana60rah@gmail.com

زمینه و هدف: سل بیماری عفونی نکروز دهنده حاد یا مزمن است. شایع ترین علت مرگ ناشی از بیماری های عفونی در جهان است و یکی از معضلات بهداشتی درمانی به خصوص در کشورهای در حال توسعه می باشد. از نظر بار جهانی بیماری، در رتبه دهم قرار دارد. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت اپیدمیولوژی سل در ایران انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری، با جستجو در پایگاه های علمی معتبر ایرانی (SID، MAGIRA، IRANMEDEX) و با بهره جستن از کلید واژه های سل، اپیدمیولوژی، ایران و با استفاده از عملگر (AND) به مقالات دسترسی حاصل شد. مقالات با داده های ناقص و مقالاتی که کمتر به موضوع بحث مربوط بودند از مطالعه خارج شدند.

نتایج: طی ۵۰ سال گذشته کاهش میزان بروز گزارش شده سل در ایران قابل مشاهده است. شایع ترین نوع سل در ایران، سل ریوی بوده به طوری که سل ریوی اسمیر خلط مثبت ۵۳ درصد و سل خارج ریوی ۲۸ درصد کل موارد سل را تشکیل می دهد. در میان استان ها گلستان و سیستان و بلوچستان بیشترین و مناطق مرکزی کشور، کمترین میزان بروز را به خود اختصاص داده اند.

نتیجه گیری: برای دستیابی به اهداف WHO لازم است فعالیت هایی جهت کشف به موقع و درمان موثر بیماران صورت گیرد و همچنین برنامه های کنترل و پیشگیری سل به طور جدی پیگیری و اجرا شود تا میزان شیوع و مرگ و میر ناشی از سل کاهش یابد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، سل، ایران



Short and long-term myocardial infarction Survival rate: a study using national registry data in 2013-2014

Background and Aim: Type and location of MI are prognostic significant factors for predicting post-MI mortality. The present study has been designed to predict short and long-term survival rate in MI stricken patients

Materials and Methods: The current research is a retrospective cohort study, where the data were collected from 21181 cases of MI recorded by the Myocardial Infarction Registry in 12 months period leading to 20 march 2014. The follow-up of the patients began after hospitalization. The last point of fallow-up was time of death for all causes or administrative right censoring. In this study, survival rates were estimated by Kaplan-Meier method and the P-values for comparison of survival curves were determined by log-rank statistics.

Results: Totally 21181 patients were studied with the first attack of MI in this survey. There were 15328 (72.37 %) men and 5853 (27.63 %) women. The most common MI location was anterior wall MI (31.86 %). Overall, the survival rate of 28 days, 6 months and 1 year was gained as 0.95 (0.95-0.96), 0.90 (0.90-0.91) and 0.88(0.88-0.89).

Conclusion: Reports of survival rates of myocardial infarction in developing countries, particularly by province or state, are rare. One year after MI, 2479(11.72 %) patients died and 18681 (88.28 %) survived (right-censored). The short and long-term survival rate in men has been higher than that of women.

Estimates of myocardial infarction survival rate by province are valuable in health policy-making, resource allocation and prioritization and prevention and control of cardiovascular diseases.

Keywords: myocardial infarction, location of MI, survival rate



بررسی اپیدمیولوژیک سرطان های دستگاه گوارش؛ میزان بروز-مرگ ومیر - بقاء و عوامل خطر

مهری امامزاده، مرتضی بیرامزاده، مینا غزنوی

زمینه و هدف : سرطان های دستگاه گوارش فوقانی یکی از مهمترین علل مرگ مبتلایان به سرطان در دنیا محسوب می شوند که این مطالعه با هدف بررسی میزان بروز، بقاء و عوامل خطر سرطان های بخش فوقانی دستگاه گوارش انجام شده است.

مواد و روش ها : در این مطالعه مروری با استفاده از کلمات کلیدی شیوع؛ بروز؛ مرگ ومیر و عوامل خطر مرتبط با این سرطان ها مثل سن؛ جنس؛ مصرف سیگار؛ سطح سواد؛ وجود سابقه فامیلی، مصرف غذای چرب و مصرف چای داغ در پایگاه های اطلاعاتی SID-Google scholar-Magiran-Pub Med جست و جوی کاملی انجام گرفت. سپس مطالعات مرتبط و معتبر طی ۱۵ سال اخیر (۲۰۱۷-۲۰۲۲) گردآوری و مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج : شیوع سرطان های بخش فوقانی دستگاه گوارش در مردان دو برابر زنان بود. بیشترین شیوع این سرطان ها در دهه هفتم و سپس دهه هشتم زندگی بود. همه عوامل خطر ذکر شده در ایجاد این بیماری نقش بسزایی داشتند و بیشتر افرادی که چای داغ مصرف میکردند درگیر این بیماری بودند تا کسانی که غذای چرب مصرف می کردند.

نتیجه گیری : کشور ایران از شیوع بالایی در ابتلا به این سرطان ها برخوردار است و گفته می شود نقش عوامل تغذیه ای در ایجاد سرطان های فوقانی از مصرف سیگار هم مهم تر است. با توجه به روند صعودی این سرطان ها اجرای برنامه های پیشگیری از جمله برنامه غربالگری؛ اصلاح رژیم غذایی و آموزش سبک زندگی ضروری است.

واژگان کلیدی : عوامل خطر-سرطان های دستگاه گوارش-بروز-مرگ ومیر



شناسایی فاکتورهای تنش‌زای واحد مراقبت ویژه نوزادان و میزان استرس‌زایی آنها از دیدگاه مادران دارای نوزاد بستری در سال ۱۳۹۴

فاطمه تیموری، ملیحه داودی، ساجده حسینی

زمینه و هدف: ماهیت استرس‌زای بخش مراقبت‌های ویژه برای مادران نوزادان بیمار در متون علمی مورد تأیید قرار گرفته است. از آنجا که شناسایی عوامل استرس‌زا در مادران جهت کاهش آن و آشنایی با نیازهای مادران ضرورت دارد، لذا هدف مطالعه شناسایی فاکتورهای استرس‌زای واحد مراقبت ویژه نوزادان و میزان استرس‌زایی آنها از دیدگاه مادران دارای نوزاد بستری بود.

مواد و روش‌ها: مطالعه توصیفی با جامعه پژوهش مادران دارای نوزاد بستری در بخش مراقبت ویژه بیمارستان شهید چمران فردوس در سال ۱۳۹۴ اجرا شد. بعد از انجام مطالعه مقدماتی، حجم نمونه، ۱۰۰ نفر تعیین و جهت بررسی فاکتورهای استرس‌زای مادران از پرسشنامه پژوهشگرساخت استفاده گردید. پرسشنامه با استفاده از کتب و مقالات معتبر داخلی و خارجی تدوین شد و شامل ۴۶ عبارت می‌باشد. ابتدا مادر مشخص کرد که با هر کدام از موارد مطرح شده در ۷ حیطه استرس‌زا (محیط بخش، روش‌های مراقبتی مربوط به نوزاد، ظاهر و بیماری نوزاد، ارتباط با کارکنان، رفتار کارکنان، تغییر در نقش والدین و مسائل جسمی، عاطفی و اقتصادی) مواجه شده‌است یا خیر. در صورت داشتن مواجهه، خواسته شد میزان تنش خود را در پنج سطح مقیاس لیکرت از صفر "تنش‌زا نیست" تا پنج "بسیار تنش‌زا" مشخص کند (محدوده نمرات ۰-۲۳۰). نمرات کمتر از ۹۳ نشان‌دهنده تنش پایین، ۹۳-۱۸۴ متوسط و نمرات بالای ۱۸۴ شدید (اعتبار علمی با استفاده از روایی محتوا و پایایی با آزمون آلفای کرونباخ انجام شد) ($\alpha=0/81$). داده‌ها با نرم‌افزار SPSS ۱۶ و شاخص‌های توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: میانگین نمره تنش مادران $134/1 \pm 55/7$ و در $26/2\%$ موارد کم، $48/8\%$ متوسط و 25% زیاد بود و بطور کلی میزان تنش آنان، متوسط گزارش شد. بیشترین حیطه استرس‌زا مربوط به مسائل جسمی، عاطفی و اقتصادی با میانگین $12/5 \pm 22/8$ بوده و کم استرس‌زاترین نیز با میانگین $3/9 \pm 4/3$ مربوط به حیطه رفتار کارکنان بود.

نتیجه‌گیری: والدین در نتیجه بیماری و بستری شدن کودک واکنش‌های جسمی و روانی مانند بی‌خوابی، سردرد، درد معده، فقدان اشتها، بیقراری، اضطراب، افسردگی را نشان می‌دهند. همچنین با توجه به نیازمندی نوزاد به روش‌های مراقبتی پیشرفته و مدت بستری، هزینه‌های اقتصادی می‌تواند منبعی تنش‌زا تلقی شود. لذا در نظر گرفتن تمهیداتی جهت کاهش و تعدیل موارد مذکور در تخفیف استرس مادران مؤثر می‌باشد.

واژگان کلیدی: استرس، واحد مراقبت ویژه نوزادان، تنش



An Observational Study of Child Safety Seat Use in an International Safe Community: Tehran, Iran

Background and Aim: Despite strong evidence of the effectiveness of child safety seats in reducing injuries, the use of these devices in some communities is still rare. The purpose of this study was to determine the prevalence of child safety seats use and the factors influencing its use in the safe community of Tehran.

Materials and Methods: This roadside observational study was conducted in 2015 and 2178 personal cars with a child under 12 years aboard were observed on Tehran's streets in regard to use of child safety seats. Other variables such as the gender of the driver, drivers' age group, type of street, region of municipality, time of day and day of the week were also collected. Descriptive statistics and univariate and multivariate binary logistic regression analyses were conducted. Crude and adjusted odds ratios (OR) with 95% confidence intervals (CIs) were calculated. All analyses were carried out using SPSS21.

Results: The results showed that prevalence of child safety seats use was 4.3% and when the driver was female the prevalence of CSSs use was significantly higher ($p < 0.001$). Also the use was significantly higher on freeways than main streets ($p < 0.001$) and using CSSs were significantly higher in districts 1 ($p = 0.003$), 4 ($p = 0.026$) and 7 ($p < 0.001$).

Conclusion: The prevalence of child safety seats use in Tehran as the most populous member of the international safe community was very low and most children commuted in insecure situations in the vehicle. Therefore, it is proposed that plans should be made to increase the use of child safety seats in international safe communities.

Keywords: Child Safety Seat use; Safe Community; Tehran, Iran; Safety seat; Observational study



بررسی عوامل موثر بر زخم پای دیابتیک

مهدی مختاری، فاطمه فخوری، مهلا نیلگون

مقدمه: سندرم پای دیابتی یکی از عوارض دیررس و علت اصلی ناتوانی بیماران مبتلا به دیابت می باشد. عوامل متعددی در بروز این اختلال نقش دارند که در این مطالعه به بررسی عواملی که نقش مستعد کننده ای در ایجاد زخم پای دیابتی دارند، می پردازیم.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مرور نظام مند می باشد که با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر و با استفاده از کلیدواژه های زخم، پای، دیابت و عوامل خطر و بکارگیری تکنیک های جستجو انجام شد، به دنبال جستجوی انجام شده ۶۰ مطالعه به دست آمد که در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ انجام شده بودند.

یافته ها: براساس نتایج حاصل از بررسی مطالعات، عوامل موثر بر ایجاد زخم پای دیابتی شامل: دیابت طولانی مدت، کنترل ضعیف قند خون، جنس مذکر، هیپرتانسیون، استعمال سیگار، متابولیسم غیر طبیعی اسیدهای چرب، نقص در سیستم ایمنی، عدم رعایت بهداشت پاها، فشار کف پا، نیروی برشی و مدت زمان اعمال فشار و نیرو، ادم اندام تحتانی، ناهنجاری های اسکلتی-عضلانی، تروما، هم انقباضی و نا هماهنگی در انقباضات عضلانی موافق و مخالف، کاهش تعادل ایستا و پویا، دامنه حرکت مفصلی محدود، نروپاتی محیطی، بیماری عروق محیطی، زخم کوچک و قطع شدگی قدیمی اندام در کف پا می باشند.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع روز افزون زخم پای دیابتی، می توانیم با شناسایی عوامل موثر بر ایجاد زخم پای دیابتی و تعدیل عوامل خطر از طریق ارائه اطلاعات به افراد دیابتی شاهد کاهش میزان بروز این اختلال در سطح جامعه باشیم.

کلمات کلیدی: زخم، پای، دیابت، عوامل خطر



بررسی عوامل خطر سرطان پستان

مهدی مختاری، مهلا نیلگون، فاطمه فخوری

مقدمه: سرطان پستان شایع‌ترین بدخیمی در زنان است که با مرگ و میر بالای همراه می‌باشد. عوامل گوناگونی در ایجاد این بیماری نقش دارند که با شناسایی و کنترل این عوامل می‌توان خطر بروز سرطان پستان را تعدیل نمود. در این مطالعه به بررسی برخی از عوامل خطر سرطان پستان پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مرور نظام‌مند است که توسط جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر و با استفاده از واژگان کلیدی و استفاده از تکنیک‌های جستجو انجام شده است. ۱۹۵ مطالعه ریسک فاکتورهای سرطان پستان را مورد بررسی قرار داده بودند که پس از حذف مطالعات غیرمرتبط، ۴۰ مورد انتخاب و بررسی شدند که در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ بودند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از بررسی مطالعات حاکی از آن بود که خطر ابتلا به سرطان با قاعدگی قبل از ۱۱ سالگی، یائسگی بعد از ۵۴ سالگی، تولد اولین فرزند بعد از ۴۰ سالگی، سابقه خانوادگی مثبت، رژیم غذایی اشباع از چربی، مصرف بی‌رویه الکل، پرتو درمانی، استفاده متداول از ضد بارداری‌های خوراکی، استفاده از ترکیبات استروژن و پروژسترون به مدت بیش از ده سال، وجود بیماری‌های خوش خیم پستان، مدت زمان شیردهی، مصرف ویتامین‌های مکمل، عدم فعالیت و مولتی‌پاریتی در ارتباط است. **نتیجه‌گیری:** با توجه به شیوع روزافزون سرطان پستان، توصیه می‌شود تا با تغییر در روش زندگی افراد در معرض خطر و افزایش آگاهی عمومی، میزان ابتلا به این بیماری را کاهش دهیم.

کلمات کلیدی: سرطان، پستان، عوامل خطر



Efficacy of miltefosine in comparison with glucantime for treatment Cutaneous leishmaniasis: a systematic review and meta-analyses

Sohrab Iranpour, PhD student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abbas Alipour, Department of Epidemiology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Ali Hosseinzadeh, PhD student of Epidemiology, Department of Epidemiology, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.

Javad Shirmohammadi, PhD student of pharmacoeconomic, Department of pharmacoeconomic and management, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background and Aim: Cutaneous leishmaniasis (CL) is most common form of the disease that identified by ulcerative skin lesions. The objective of this paper is systematic review and meta-analyses of clinical trials which compared the efficacy of miltefosine and glucantime in treatment of CL.

Materials and Methods: We searched the databases of Cochrane, pubmed, Embase, Scopus, web of science, proquest, CENTRAL, ICTRP, Sid, irandoc, magiran, clinicaltrials.gov (from 1991 to 2017) using the keywords: "miltefosine", "glucantime", "Leishmania". The quality of studies was assessed independently by 2 authors by using the Cochrane Risk of Bias Tool. The relevant data from the studies were extracted independently by two authors. We present summary estimates from efficacy analyses as relative risk (RR) and risk difference (RD). The random-effects model was employed for analysis. We assessed heterogeneity by Chi2 test and I2 index statistic. When heterogeneity was present, meta-regression analyses were performed. Sensitivity analysis was used to verify the reliability of the results. The Egger's method was used for assessing the publication bias and when was significant then trim and fill method was used for testing and adjusting publication bias. The analysis was performed using STATA version 12.0.

Results: A total of 1570 reports were identified of which, we included 10 studies in the meta-analyses. In Meta-analysis there was not a significant difference between efficacy of miltefosine and glucantime. Regarding of parasite species, In subgroup analysis with excluding the studies whit braziliensis, with polling the other 4 studies miltefosine was significantly superior to glucantime (Intent to treat (ITT); RR:1.15; 95% CI:1.01 to 1.32 - RD: 0.11; 95% CI: 0.01 to 0. 21; 293 participants;). Because of the I2 =56.8%, meta- regression analysis was conducted. The results of meta-regression were not significant, except for glucantime injection type in p= 0.1 level. The Egger's test (t =3.35, P = 0.015) found statistically significant publication bias. Trim and fill analysis revealed that 3 study was missed or trimmed. However including of missing studies not changed the results.

Conclusion: This meta-analysis found that miltefosine seems to be more effective than glucantime at least in species other than braziliensis treating CL.

Keywords: Efficacy, miltefosine, glucantime, Cutaneous leishmaniasis, systematic review, meta-analyses



فراوانی دیابت بارداری در زنان مراجعه کننده به بیمارستان علوی شهر اردبیل

۱۳۹۶

فیروز امان؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
شروین تبریزیان؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
آناهیتا ذاکری؛ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

زمینه و هدف: دیابت بارداری یکی از شایع ترین عوارض بارداری بوده و در سراسر دنیا در حال گسترش است و طی ۲۰ سال گذشته در بین گروه های نژادی مختلف ۱۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. دیابت بارداری باعث ایجاد عوارض جانبی در مادر و جنین شده و در صورت عدم درمان می تواند باعث ماکروزومی، دیسترس تنفسی، هیپوگلیسمی، هیپوکلسیمی و هیپر بیلی روبینمی در نوزادان شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی فراوانی دیابت بارداری در زنان مراجعه کننده به بیمارستان علوی شهر اردبیل بود.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی مقطعی بر روی ۴۴۸۵ مادر باردار مراجعه کننده به بیمارستان علوی اردبیل از اول فروردین تا آخر آذرماه سال ۱۳۹۶ صورت گرفت. اطلاعات مورد نیاز از پرونده بیماران استخراج و با استفاده از روشهای آماری در نرم افزار spss 16 تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: از کل مادران باردار ۲۵۶ نفر (۵٫۷٪) مبتلا به دیابت بارداری بودند. ۹۱/۷٪ مادران دیابتیک زایمان سزارین و بقیه زایمان طبیعی داشتند. در بین مادران با زایمان سزارین، ۷۵/۵٪ شهری و بقیه روستایی بودند. ۷۳/۲٪ زنان با زایمان سزارین حاملگی بار اول داشتند. میانگین سن مادران دارای زایمان سزارین $26/96 \pm 6/38$ سال و زایمان طبیعی $27/33 \pm 6/44$ سال بود. ۵۳٪ مادران دیابتیک تحصیلات ابتدائی و بیشتر آنان سابقه سقط جنین و سابقه خانوادگی دیابت نداشتند. **نتیجه گیری:** با توجه به افزایش شیوع دیابت بارداری در این مطالعه نسبت به مطالعات قبلی و همچنین بالا بودن میزان سزارین در میان زنان دیابتیک جوان نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه ضروری به نظر میرسد.

واژگان کلیدی: دیابت بارداری، سزارین، اردبیل



بررسی ۷ ساله خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

فاطمه تاج الدینی؛ کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشجوی دوره MPH، دانشگاه علوم

پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران f.tajedin@yahoo.com

شهناز دلبرپور احمدی؛ کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشجوی دوره MPH، دانشگاه علوم پزشکی

اصفهان، اصفهان، ایران

فرناز اهدایی وند؛ متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان،

اصفهان، ایران

زمینه و هدف: یکی از شاخصهای مهم توسعه و سلامت در کشورها میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال می باشد. بنابراین ترسیم دقیق چهره مرگ و میر کودکان در جامعه، به منظور شناسایی علل بروز و یا عوامل قابل اجتناب جهت طراحی مداخلات و جلوگیری از مرگهای مشابه، از جمله مهمترین راهکارها برای کاهش این میزان است. مطالعه حاضر با هدف بررسی مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی و توصیفی کلیه مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ که از فرم اطلاعات اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت استخراج شده بود مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: تعداد مرگها ۱۲۰ مورد بود. بیش از نیمی از کودکان فوت شده (۵۵٫۸٪) دختر بودند. بیشترین علل فوت کودکان به ترتیب ناهنجاری مادرزادی و کروموزومی (۴۳٫۳٪)، سوانح و حوادث (۱۸٫۳٪)، بیماری متابولیک (۹٫۱٪) و بیماری سیستم تنفسی (۵٫۸٪) گزارش شد. در بین مرگهای ناشی از حوادث نیز شایعترین علل به ترتیب غرق شدگی (۳۱٫۸٪)، برق گرفتگی (۱۸٪) و انسداد تنفسی (۱۸٪) بدست آمد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده، طراحی مداخلاتی مانند انجام مراقبتهای پیش از بارداری و غربالگریهای لازم، آموزش والدین و کودکان در خصوص پیشگیری از حوادث و ایمن سازی محیط سکونت در کاهش میزان مرگ کودکان موثر می باشد.

واژگان کلیدی: مرگ کودکان، ناهنجاری مادرزادی، حوادث



تعیین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد پرسنل بیمارستان خاتم الانبیا ابر کوه در رابطه با پیشگیری از عفونت های بیمارستانی در سال ۱۳۹۶

مینا افشاری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده پیراپزشکی ابر کوه، دانشگاه علوم پزشکی

شهید صدوقی یزد، یزد، ایران Mina.afshari.74@gmail.com

ماهرخ جلیلی؛ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، مربی، عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی ابر کوه،

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

حمیده میهن پور؛ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی ابر کوه،

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف : امروزه بررسی و کنترل عفونت های بیمارستانی یک اولویت جهانی است زیرا این عفونت ها از علل شایع مرگ و میر، ناتوانی و افزایش هزینه های بیمارستانی هستند. کارکنان بیمارستان نقش مهمی در انتشار عفونت داشته و یکی از اعضای کلیدی در کنترل آن می باشند. لذا تحقیق حاضر به منظور تعیین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد پرسنل بیمارستان خاتم الانبیا ابر کوه در رابطه با پیشگیری از عفونت های بیمارستانی در سال ۱۳۹۶ صورت گرفته است.

مواد و روش ها : جامعه پژوهش در مطالعه توصیفی-مقطعی حاضر، مجموع پرسنل بالینی و خدمات شاغل در بیمارستان خاتم الانبیا ابر کوه بوده و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در خصوص سنجش آگاهی، نگرش و عملکرد پرسنل در رابطه با پیشگیری از عفونت های بیمارستانی جمع آوری شد. کارشناسان متخصص در این زمینه روایی پرسشنامه را تأیید نموده و پایایی نیز با بدست آمدن آلفا کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ تأیید شد. داده ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار SPSS ۲۰ شده و به دلیل غیرنرمال بودن با استفاده از آزمون های ناپارامتریک من ویتنی، کروسکال والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج : ۷۴/۳ درصد شرکت کنندگان دارای سطح تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بوده و از نظر شغل بیشترین تعداد در بخش بستری مشغول به کار بودند. میانگین و انحراف معیار نمرات آگاهی، نگرش و عملکرد به ترتیب $4/17 \pm 6/34$ (دامنه نمره ۰ تا ۱۰)، $53/93 \pm 5/81$ (دامنه نمرات ۱۳ تا ۶۵) و $43/03 \pm 4/19$ (رنج نمره ۱۰ تا ۵۰) بود. بین آگاهی و عملکرد ارتباط آماری معنی دار مشاهده نشد ($P > 0/05$) اما بین نگرش با آگاهی، عملکرد و سابقه، رابطه معنی دار وجود داشت ($P < 0/05$). ارتباط آگاهی و عملکرد با شغل پرسنل معنی دار اما ارتباط نگرش با شغل معنی دار نبود.

نتیجه گیری : نتایج مطالعه نشان داد که اکثر پرسنل نسبت به پیشگیری از عفونت های بیمارستانی آگاهی و نگرش متوسط و عملکرد خوب دارند. لذا اقدامات لازم در جهت آموزش پرسنل در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، عفونت بیمارستانی، پیشگیری



کیفیت زندگی افراد مبتلا به هموفیلی و عوامل مرتبط با آن - یک مطالعه مروری

سما رستم معروف؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: بیماری هموفیلی یک اختلال خونریزی دهنده ی مزمن می باشد که ماهیت پیچیده داشته و می تواند آثار منفی روی جسم و روح بیمار بگذارد و از این طریق کیفیت زندگی مبتلایان به این بیماری را تحت تاثیر قرار دهد. هدف از این مطالعه مروری بر متون کیفیت زندگی افراد مبتلا به هموفیلی و عوامل مرتبط به آن می باشد.

مواد و روش ها: این مقاله نوعی مقاله ی مروری است که در آن اطلاعات لازم برای تعیین کیفیت زندگی افراد مبتلا به هموفیلی و عوامل مرتبط با آن از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی (PubMed, Medline, IranMedex, Scopus, IranDoc, SID, Magiran, Google Scholar) با کلمات کلیدی هموفیلی، کیفیت زندگی، hemophilia و Quality of life صورت گرفت. از میان مقالات پیدا شده آن دسته از منابع که ارتباط بیشتری با موضوع داشته و با پرسشنامه ی مخصوص سنجش کیفیت زندگی (Hemo-QOL) انجام شده بودند، انتخاب گردیدند.

نتایج: نتایج حاصل از مطالعات موجود نشان می دهد که میانگین هشت بعد کیفیت زندگی (جسمی، احساسی، دیدگاه، خانواده، دوستان، درمان، دیگران، فعالیت بدنی) در افراد مبتلا به هموفیلی به صورت معنی داری کمتر از افراد غیر مبتلا می باشد. در بررسی اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات مربوط به بیماری، دو گروه از نظر نوع بیماری، تحصیلات، تعداد افراد خانواده، مراقبت کننده، سن اولین خونریزی، سن والدین، میزان تحصیلات والدین، نوع درمان و وجود بیماری همراه گرفته شده مورد بررسی قرار گرفته بودند و نتایج نشان می داد که این عوامل هم از نظر آماری اختلاف معنی داری با هم دارند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها، کیفیت زندگی در افراد مبتلا به صورت معنی داری کمتر از افراد غیر مبتلا می باشد. سن، نوع بیماری، وجود مراقبت کننده، نوع درمان، تحصیلات فرد مبتلا و وضعیت اشتغال افراد از جمله فاکتور هایی هستند که در میزان کیفیت از زندگی این بیماران نقش به سزایی را ایفا می کنند.

واژگان کلیدی: هموفیلی، کیفیت زندگی، مطالعه مروری



مروری بر ابزار اندازه گیری کیفیت زندگی مخصوص بیماران هموفیلی

سما رستم معروف؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف : کیفیت زندگی (QOL) ساختاری چند بعدی می باشد و به مولفه های جسمی، احساسی، ذهنی، اجتماعی و رفتاری فرد بستگی دارد و یک موضوع کاملاً ذهنی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نمی باشد. با وجود اینکه کیفیت زندگی از دیرباز هدف سیاست گذاری ها بوده اما تعریف و اندازه گیری مناسب آن امری دشوار است. هدف از مطالعه حاضر، بررسی متون مربوطه و بحث در مورد پرسشنامه مخصوص سنجش کیفیت زندگی کودکان مبتلا به هموفیلی می باشد.

مواد و روش ها : در این مطالعه ی مروری، جستجوها در شش پایگاه اطلاعاتی الکترونیکی (PubMed, Google scholar, IranDoc, SID, IranMedex, Magiran) و با کلید واژه های کیفیت زندگی، پرسشنامه، بیماران هموفیلی، کودکان صورت گرفت. مطالعاتی که درمورد روان سنجی این پرسشنامه به زبان انگلیسی یا فارسی در طی ۱۰ سال اخیر انجام شده بودند وارد مطالعه حاضر شدند.

نتایج : از بین مطالعات، ۱۰ مطالعه مرتبط که در مورد جنبه های روانسنجی گزارش داده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به این مطالعات، پرسشنامه ی Hemo-QoL ابزاری مفید برای ارزیابی کیفیت زندگی در کودکان هموفیلی می باشد. این پرسشنامه در ۳ نسخه ی سنی جدا (۴-۷، ۸-۱۲، ۱۳-۱۶ سالگی) و هشت بعد (فیزیکی، عاطفی، نگرش، خانواده، دوست، درمان، دیگران، ورزش) را مورد بررسی قرار می دهد.

نتیجه گیری : بر اساس نتایج، Hemo-QoL خواص روانسنجی قابل قبول را در بیماران هموفیلی نشان می دهد. با توجه به اینکه این پرسشنامه ۸ بعد مهم از زندگی فرد را می تواند اندازه گیری کند نسبت به سایر پرسشنامه ها اطلاعات بیشتر و دقیق تری را در اختیار ما قرار می دهد. این پرسشنامه به زبان فارسی نیز در دسترس می باشد و برای استفاده در مطالعه کیفیت زندگی کودکان مبتلا به هموفیلی آماده است.

واژگان کلیدی : Hemo-QoL، پرسشنامه، هموفیلی، کیفیت زندگی



مرورری بر تاثیر بلایای طبیعی بر اختلالات روانی در ایران

یاسین عطارروشن؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مهدیه قلعه نوی؛ کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

فهیمة شریفی میمندی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سحر صادقی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: بلایای طبیعی از نظر آسیب رسانی هم از نظر اقتصادی هم از نظر روانی مورد توجه هستند. انسان همواره در برابر بلایای طبیعی ضعیف است و نمی‌توان از بلایای طبیعی جلوگیری کرد اما می‌توان با مطالعه و تحقیقات از خسارات ناشی از آن کاست به عنوان مثال زلزله یکی از مخرب ترین بلایای طبیعی است و پس از وقوع زلزله مشکلات زیادی از جمله سندروم استرس پس از واقعه ممکن است ایجاد شود؛ هم چنین خشکسالی به عنوان یکی از بلایای طبیعی مشکلات زیادی از جمله مشکلات روانی شامل افسردگی، پرخاشگری، ناامیدی و عصبانیت برای روستائینان به وجود آورده است. به طور کلی می‌توان گفت پیامد های روحی و روانی ناشی از بلایای طبیعی انکار ناپذیر است.

مواد و روش ها: مطالعه ی حاضر به روش مرورری روایی صورت گرفته است که منابع با استفاده از جست و جوی کلید واژه های بلایای طبیعی، افسردگی، زلزله، اختلالات روانی و ایران برای مقالات در پایگاه های اینترنتی معتبر مگ ایران، جهاد دانشگاهی و گوگل اسکولار تهیه و گردآوری شده؛ سپس با دریافت اصل مقالات و دسته بندی و بررسی آنها مقاله حاضر تحریر گردید.

نتایج: خانواده های داری سطح عملکرد بالاتر میزان افسردگی و استرس پایین تری دارند همچنین وجود صمیمیت در اعضای خانواده باعث توانایی انطباق بیشتر و بهتر افراد میشود و نبود آن نتیجه ی معکوس می دهد. افرادی که داری نگرش مذهبی قوی تر هستند کمتر دچار اختلالات پس از سانحه از جمله افسردگی می شوند. کودکان، سالمندان و زنان افرادی هستند که در هنگام بلایای طبیعی بیشتر در معرض آسیب هستند.

نتیجه گیری: بررسی و مطالعه ی پژوهش های گذشته نشان دهنده ی اهمیت نهاد خانواده در کنترل شرایط و انطباق بهتر و سریعتر افراد است لذا توجه به نهاد خانواده و توانمند سازی آن توصیه میشود. از طرفی شناختن گروه های در معرض خطر و حمایت از افراد بحران زده از اهمیت والایی برخوردار است. پژوهشگران به میزان خسارات مالی و جانی ناشی از بلایا بیشتر از مشکلات روحی و روانی توجه میکنند لذا پژوهش های بیشتر در این زمینه توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: بلایای طبیعی، اختلالات روانی، ایران، افسردگی، زلزله



بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در دهمین همایش دانشجویی تازه های علوم پزشکی در سال ۹۶

حوریه رحیمی نیا؛ کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی قم، قم، ایران

Hoorieh777@yahoo.com

الهه رحیمی نیا؛ دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده آموزش علوم

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: از آن جایی که آموزش و پژوهش های علوم پزشکی و موضوعات مرتبط با آن به سرعت در حال رشد و توسعه می باشند و هم چنین در ارتقاء دانش نقش به سزایی را ایفا می کنند. بنابراین برگزاری همایش ها و سمینارها با هدف توسعه پژوهش و رفع مشکلات آموزشی می باشند. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در دهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی در سال ۹۶ انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۹۶ به روش نمونه گیری سرشماری که شامل کل مقالات موجود در کتاب خلاصه مقالات ارائه شده در دهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی انجام شد. سپس مقالات بر اساس نوع مطالعه طبقه بندی گردید و نتایج با استفاده از آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: نتایج نشان داد که از تعداد کل مقالات چاپ شده در خلاصه مقالات بیشترین فراوانی مربوط به مقالات با مطالعات توصیفی ۵۷٪ و بعد از آن به ترتیب مقالات مروری ۲۴/۳٪، مقالات مداخله ای ۱۳/۸٪، مقالات تحلیلی ۴٪ و مقالات کیفی ۰،۹٪ می باشد.

نتیجه گیری: طبق نتایج مطالعه حاضر اکثر مطالعات همایش مذکور مربوط به مطالعات توصیفی بود. از آن جایی که مقالات در زمینه های مختلف علمی پژوهشی اطلاعات فراوانی را در اختیار دانش پژوهان قرار می دهند بنابراین به نظر می رسد بهتر است که پژوهشگران و دانشجویان را در انجام پژوهش در راستای ارتقاء سایر مطالعات نظیر مطالعات کیفی و مداخله ای در زمینه های علوم پزشکی سوق داد.

واژگان کلیدی: متدولوژی، مقالات، دانشجویان



شیوع افسردگی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (MS): یک مطالعه

مروری

فریدین حیدری؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

اتابک حاتمی کیا؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

حامد نور الهی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

راضیه شیرزادگان؛ کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، مربی بالینی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

سابقه و هدف: مولتیپل اسکلروزیس (یا ام اس) اختلال مزمن نسبتاً شایع عصبی است که طی سالیان اخیر شیوع این بیماری روند رو به رشدی به خود گرفته است. افسردگی از شایعترین علائم بیماری ام اس محسوب میشود که کاهش کیفیت زندگی را به دنبال دارد. لذا مطالعه ی حاضر با هدف بررسی شیوع افسردگی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس انجام شده است.

روش جستجو: مرور متون از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی SID, Iran medex, Science Direct Google Scholar, Scopus با کلید واژه های افسردگی، شیوع، فراوانی، مولتیپل اسکلروزیس در بازه ی زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۰ انجام گردید. متن کامل مقالات مرتبط با مطالعات براساس معیارهای ورود (دسترسی به متن کامل مقالات، مرتبط بودن خلاصه مقالات با موضوع تحقیق، تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸-۲۰۰۰) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۶۰ مقاله، تعداد ۳۰ مقاله پس از ارزیابی کیفیت انتخاب و در مطالعه ی حاضر از آنها استفاده گردید.

یافته ها: انواع افسردگی از علائم شایع بیماری ام اس است. این مشکل روانشناختی (افسردگی) در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس شیوع بالایی نسبت به جمعیت عادی دارا است به طوری که بیش از نیمی از مبتلایان از افسردگی خفیف یا شدید رنج می برند و ۲۰ درصد جمعیت کل مبتلایان اکثر اوقات افسرده و درجاتی از آن را تجربه می کنند.

نتیجه گیری: بین افسردگی و بیماری ام اس رابطه ای تنگاتنگ برقرار بوده و هر کدام دیگری را تشدید می نماید. از سویی این دو درموردی علایم هم را تقلید می نمایند. به این سبب مشخص نیست که دقیقاً این علایم منشا گرفته از خود بیماری بوده یا متعاقب افسردگی رخ داده است. در این راستا و مطابق آنچه که بیان شد، لزوم شناسایی و درمان اختلال شناختی در بیماران مبتلا به ام اس ضروری می نماید و گامی مهم در انتخاب مناسب ترین راهکار درمانی برای مبتلایان است.

واژه های کلیدی: افسردگی، شیوع، فراوانی، مولتیپل اسکلروزیس



Correlates of Diabetes in Elderly Population

مرتضی بناکار، بهنام هنرور

Background and Aim: Diabetes Mellitus (DM) incidence is growing worldwide and is turning into an epidemic and endemic trouble including the social or financial burden with higher mortality in aged people. This study was aimed to detect the predictors of DM and pre-diabetes in geriatric group of population of Shiraz, Iran.

Materials and Methods: 412 elderly people who were under coverage of public health centers were selected by a multistage cluster randomized sampling and a valid and reliable questionnaire was filled for each of them through in-person interview. Acquired data consisted of demographic, socioeconomic, clinical and laboratory data. Data was analyzed in SPSS using parametric, non-parametric tests and logistic regression model considering p value <0.05 as significant level.

Results: Mean age of participants was 68.1 ± 6.2 and male (196) to female (216) ratio was 0.9. Out of 412, 288 (69.9%) were married and 282 (68.4%) were illiterate or educated up to 5 years. 137 (33.2%) were diagnosed as diabetic cases including 128 (31%) known cases of DM and 9 (3.3%) new detected cases of DM while 275 (66.7%) were diagnosed as pre-diabetics. Univariate analysis showed that low education ($p=0.03$), supplement insurance ($p=0.04$), hypertension ($p<0.001$), hyperlipidemia ($p<0.001$), hepatobiliary disease ($p=0.003$), sexual dysfunction ($p=0.05$) and quality of life ($p=0.01$) were higher in diabetic versus prediabetics. Multivariate analysis showed that hyperlipidemia (OR=3.5), hepatobiliary (OR=3.1), HTN (OR=1.9) and low education (OR=5.0) were in order associated with DM.

Conclusion: Pre-diabetes is common among elderly population and this finding address to implement appropriate intervention regarding screening of pre-diabetes and its proper management in this group of population. Moreover, diabetes with hyperlipidemia, hepatobiliary and HTN especially in low educated cases should be more under care of public health centers.

Keywords: Elderly, Population, Diabetes mellitus, Pre-diabetes, Dyslipidemia, Hypertension



تأثیر خشونت بر کیفیت زندگی زنان سالمند شهر شیراز

دکتر بهنام هنرور؛ مرکز تحقیقات سیاست گذاری سلامت سالمیت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
فرزانه بهادری؛ گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
bahadori_farzaneh@yahoo.com

زهرا غیبی؛ گروه آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
زهرا ملکی؛ گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
الهه خاکسار؛ مرکز تحقیقات سیاست گذاری سلامت سالمیت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
طیبه رحمانی؛ گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
فاطمه جعفری؛ گروه بهداشت سالمندان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: سوء رفتار با سالمندان یا سالمند آزاری یکی از انواع خشونت های خانوادگی بوده و می تواند سلامت و کیفیت زندگی شخص سالمند را به مخاطره انداخته و برای او شرایط رنج آور ایجاد کند. و از آن جایی که سالمند آزاری به عنوان یک آسیب در حوزه سلامت سالمندان مطرح است، مستلزم مطالعات بیشتر در این زمینه می باشد. هدف از مطالعه حاضر بررسی تأثیر خشونت بر کیفیت زندگی زنان سالمند شهر شیراز می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد که زنان سالمند تحت نظر مراکز بهداشت در سطح شهر شیراز، مورد مطالعه قرار گرفتند. سنجش میزان خشونت به کمک پرسشنامه محقق ساخته معتبر با آلفای کرونباخ 0/87 با نمره خشونت بین صفر تا 135 انجام شد و برای سنجش کیفیت زندگی از پرسشنامه لیپاد مورد استفاده قرار گرفت، اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 22 مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: میانگین سن ۲۱۶ سالمند زن شرکت کننده در مطالعه 63/7(5/9) سال بود. میانگین نمره کلی خشونت 40/7 (10/7) بود. از میان سالمندان ۲۵/۱ درصد کیفیت زندگی پایین داشتند (< 70) و طبق آزمون من ویتنی بین خشونت و کیفیت زندگی ارتباط معناداری وجود دارد ($p\text{-value} < 0.001$).

نتیجه گیری: یافته های مطالعه نشان داد که بین خشونت و کیفیت زندگی ارتباط معناداری وجود دارد به عبارتی زنانی که بیشتر در معرض خشونت قرار گرفتند از نمره کیفیت زندگی پایین تری برخوردار بودند و بالعکس. این نتیجه گیری ضرورت اقدام عملی در خصوص توجه به پدیده سالمند آزاری و کیفیت زندگی سالمندان را مورد تأکید قرار می دهد.

واژگان کلیدی: خشونت، کیفیت زندگی، زنان سالمند



عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری برای اهداء عضو در خانواده بیماران دچار مرگ مغزی؛ بررسی در جمعیت ایرانی

سحر ندیمی، ملیحه داودی

سابقه و هدف: نیاز به اهدای عضو در حال افزایش است، در حالی که میزان رضایت به اهداءعضو ناکافی است. از جمله مهمترین عوامل محدودکننده اهداءعضو، عدم رضایت خانواده است. در ایران، علی‌رغم آمار بالای مرگ مغزی بسیاری از خانواده‌ها بر انجام این کار رضایت ندارند. لذا این مطالعه مروری به منظور تعیین عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری برای اهداءعضو در خانواده این بیماران بود.

مواد و روش‌ها: مطالعه مروری با استفاده از کلیدواژه‌های اهداءعضو، مرگ مغزی، تمایل، عوامل مؤثر، رضایت، تصمیم‌گیری، خانواده، بصورت ترکیبی و جداگانه و به زبان فارسی از سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ در پایگاه‌های اطلاعاتی از قبیل MedexranI, SID, magiran, SCI, Irandoc انجام گردید. در نهایت بر اساس هدف پژوهش ۱۳ مقاله مورد استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که مهمترین دلایل موافقت با اهداءعضو "مسائل دینی و پاداش اخروی" بود؛ در حالی که مهمترین علت عدم موافقت "علاقه به اعضای بدن و احتمال برگشت به زندگی بیمار مرگ مغزی" بود. حمایت تیم درمان و پزشک معالج نگرش مذهبی و برونی در تصمیم رضایت خانواده‌های فرد مبتلا به مرگ مغزی جهت اهداءعضو تأثیر ملموس دارد. اما مؤلفه‌هایی از جمله دانش و آگاهی، فرد هماهنگ‌کننده و نگرش مذهبی درونی تأثیر قابل توجهی نداشت. شاخص‌هایی مانند سن، سطح سواد و شغل مؤلفه‌های اثرگذاری نبودند.

نتیجه‌گیری: توصیه می‌شود تیم مراقبتی و درمانی از درک خانواده نسبت به مفهوم مرگ مغزی و برگشت‌ناپذیری آن مطمئن شده و اطلاعات شفاف و کاملی در این رابطه به خانواده بدهند. همچنین نگرش مردم نسبت به اهدای عضو در مرگ مغزی مثبت است و دو عامل اعتقادات مذهبی و انسان‌دوستی نقش مهمی در اهدای عضو در مرگ مغزی در جامعه دارند.

واژه‌های کلیدی: مرگ مغزی، تصمیم‌گیری، اهداءعضو



Maternal Factors and the Infants with Cleft Lip and Cleft Palate: a Case-Control Study

مهدی مختاری، فاطمه مقدم تبریزی، عبدالله خرمی مارکانی، مجید پورعبدالله

Oral clefts are the most common congenital abnormalities that have various causes. The aim of this study was to investigate maternal factors influencing the event of this disease among newborns. This study was a case-control research. To investigate the effects of maternal factors on cleft lip and palate, medical records of 26 infants with cleft lip and palate as well as those of 52 healthy infants without this abnormality born in Qamar Bani Hashem Hospital in Khoy city during 2013 to 2015 were studied. The required data was collected through interviews with the infants' mothers and reviewing their medical records and was then analyzed using SPSS software version 16. McNemar test and conditional logistic regression were used for data analysis. The odds ratio of having a baby with cleft lip and cleft palate among mothers with a history of smoking in the family, use of cosmetics, being over 30 years of age, low birth weight, use of psychiatric drugs, use of antibiotics and analgesics and consanguineous marriage and family history of the disease were respectively 3/02 (P-value = 0.024), 2/4 (P-value = 0.047), 3/6 (P-value = 0.044), 3/7 (P-value = 0.031), 2/7 (P-value = 0.041), 3/2 (P-value = 0.011) and 3/8 (P-value = 0.015) times as much as the mothers of healthy infants. Lifestyle modification is one of the important factors that can play an effective role in the prevention of cleft lip and cleft palate. Taking into account the maternal personal and environmental factors in developing cleft lip and cleft palate and the inclusion of preventive programs in prenatal maternal care programs may prevent or reduce the incidence of this disease.

Key words: Cleft lip and palate, case control, Maternal Factors



Guideline adherence of physicians to treatment brucellosis: Tehran - 2018

ابراهیم بابایی، مرضیه نجومی، مهران اسدی علی آباد، حمیدرضا فتحی

Background: Brucellosis is a zoonotic disease. Because of incomplete reporting, estimating the exact prevalence of brucellosis is difficult. brucellosis Infection in human occur when one contacts with infected animals and their products mostly. It can be occurred in all ages but most subjects are aged in 20-30 years old. Multiple complications and sometimes fateful treatment is difficulties in brucellosis. Suitable antibiotic therapy (dose & time) is the most important issue because of probability of drug resistance. According to the ministry of health (MOH) guidelines, patients with brucella should treat in 8 weeks' period. MOH recommending extreme 6 therapeutic groups that all are dual antibiotic. In treatment protocol, age 12 old year is an important cut off to selection suitable treatment. The aim of current study was to determine that, do brucella antibiotic therapy is according to MOH guidelines.

Methods: In cross sectional study, with convenience sampling, we applied data of patients (N=79) with brucellosis. All patients after diagnosis referring to governmental health center to register in surveillance system. Information extracted from an epidemiological checklist that filled with demographical and clinical information for per confirmed patient.

Results: The average age of patients was 34 ± 2 years. Only 13% of them had 12 years old and less. About 54% of patients were from urban area and 61% of patients were male. The percentage of patients that contact with live animals and reported history of milk use was 76% and 70% respectively and only 20% reported chess use history. Anorexia, pain, fever and weight loosing was a complex of clinical signs in 94% of patients. In our study 64% and 33% had 7-8 and 3-4 weeks' period treatment and less respectively. We demonstrated 19 antibiotic therapy type groups that was not according MOH recommending. In this study 58% of patients had dual drug treatment and 10% had mono drug therapy. Finally, 46% of the patients had antibiotic therapy according to the MOH guideline.

Conclusions: Given that antibiotic therapy according guidelines in order to prevent drug resistance and also to reach the best result of the treatment very important. In this survey we determined that in significant percentage of patients (54%) antibiotic therapy was not according MOH guideline.

Keywords: Epidemiology, Brucellosis, Antibiotic therapy, Guideline



پیش بینی بروز موارد تب مالت شهرستان قوچان در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ با استفاده از تحلیل های سری زمانی

مریم کامرانی؛ کارشناس مامایی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران
نرگس کفاش ثانی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران
محمد بابائیان مقدم؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
babaeianmm@mums.ac.ir ایران

مهدی محمودی؛ کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

زمینه و هدف: بروز تب مالت در شهرستان قوچان از متوسط کشوری و استانی بالاتر می باشد هدف این مطالعه پیش بینی موارد تب مالت در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ و بررسی روند آن می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه سری- زمانی می باشد که در آن داده های بروز تب مالت سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۴ شهرستان قوچان بررسی گردید. داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار STATA و آنالیزهای سری زمانی (مدل آریما) تجزیه و تحلیل گردیدند. P کمتر از ۰,۰۵ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

نتایج: در این پژوهش بیشترین موارد تب مالت در فصل بهار و ماه اردیبهشت و کمترین در فصل زمستان و دی ماه بوده است. بیشترین موارد بیماری در سال ۱۳۹۳ برابر ۱۱۶ و کمترین موارد در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹، ۵۸ درصد هزار نفر بوده است. پارامترهای لازم برای آنالیزهای سری زمانی (پارامتر d، q، p) با استفاده از آزمون Lrttest و پس از بررسی بیش از یکصد مدل مختلف، مدل ARIMA(3,0,2) انتخاب گردید. به منظور بررسی مدل برازش شده، باقیمانده ها توسط آزمون پرت- مانتو LBQ(Ljung-box) تحلیل گردیدند چون آزمون (فرض صفر: نرمالیتی و استقلال باقیمانده ها) معنی دار نمی باشد (P value=0.82) پس مدل انتخابی مناسب می باشد. با استفاده از این مدل تعداد موارد تب مالت برای سال های ۱۳۹۵ تعداد ۱۳۲ مورد و در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۳۰ مورد پیش بینی گردید.

نتیجه گیری: استفاده از آنالیزهای سری زمانی بر روی داده های نظام مراقبت بیماری ها جهت پیش بینی موارد بروز در آینده و برنامه ریزی کنترل بیماری و توزیع منابع بسیار مفید خواهد بود لذا نتایج این مطالعه می تواند جهت برنامه ریزی و سیاست گذاری های مناسب توسط مسئولین مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تب مالت، سری- زمانی، بروز، قوچان



Geographical distribution of death due to cancer in Kerman province, Southeast Iran (2012-2016): A comparison of proportional mortality and age-adjusted mortality rate

پروین خلیلی فخرآبادی

parvinkhalili61@yahoo.com

Background: In Iran, cancer killed 30,000 people, annually. The epidemiology of cancer is gradually changing as a result of the demographic and epidemiological transition in Iran. This study aimed at presenting a geographical distribution of cancer mortality in Southeast area of Iran and to compare proportional mortality and age-adjusted mortality rates.

Materials and Methods: This study is an cross-sectional study that was performed on mortality data recorded in the Center for Statistics Management of Health Ministry at Kerman and Rafsanjan Universities of Medical Sciences in 2012-2016. This information was used to determine the age-standardized mortality rate per 100,000 people and proportional mortality for each district in Kerman province.

Results: In general, between 2012 and 2016, 38,207 deaths (32,812 cases in Kerman and 5395 in Rafsanjan) occurred in the areas covered by Kerman and Rafsanjan Universities of Medical Sciences, from which 4756 deaths by cancer occurred in the areas covered by medical universities of Kerman (3787 cases) and Rafsanjan (969 cases). Of this, 2841 cases (59.73%) were males (2235 cases in the area covered by Kerman and 606 cases in the area covered by Rafsanjan) and 1915 cases (40.26%) were females (1552 cases in Kerman and 363 in Rafsanjan). The proportional mortality for all cancers in Kerman and Rafsanjan universities were 11.54% and 18%, respectively. Crude and standardized mortality rates for all cancers in males in Kerman and Rafsanjan universities were 81.9 per 100,000 (crude mortality rate = 79.6) and 81.3 per 100,000 (crude mortality rate = 79.6), respectively, while for females, it was 57.3 per 100,000 (crude mortality rate = 56.9) and 51.6 per 100,000 people (crude mortality rate = 51), respectively.

Conclusions: Our results presents a general picture of the mortality due to cancer in one of the widest provinces of the country with more than 1.5 million habitants. In spite of higher proportional mortality in Rafsanjan, the rate of death by cancer in Rafsanjan was lower than Kerman

Keywords: *Geographical distribution; death; cancer; Southeast Iran*



تاثیر ۱۲ هفته تمرین هوازی در نوبت های صبح و عصر بر ترکیب بدنی و مادران باردار و دو ماه پس از زایمان

آزاده لعلی، محمدرضا رمضانپور

زمینه و هدف: اضافه وزن و چاقی در دهه های گذشته خطر ابتلا به عوارض ناخوشایند بارداری را افزایش داده است. این مشکل با فشار خون بارداری، پره اکلامپسی، دیابت حاملگی ارتباط دارد. پیامدهای اضافه وزن و چاقی مادر برای جنین شامل ماکروزومیا، دیستوکی شانه، تولد زودرس و ناهنجاریهای مادرزادی است. تمرینات ورزشی می تواند با جلوگیری از افزایش وزن بی رویه طی بارداری علاوه بر سلامت مادر، تأثیر به سزایی بر سلامت و روند رشد جنین داشته باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی و مقایسه تاثیر ۱۲ هفته تمرین هوازی در نوبت های صبح و عصر بر ترکیب بدنی مادران در دوره بارداری و دو ماه پس از زایمان انجام شد

مواد و روش ها: این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۹۰ زن باردار دارای اضافه وزن انجام شد. شرکت کننده ها در سه گروه ۳۰ نفری: تمرین هوازی صبح، تمرین هوازی عصر و گروه کنترل قرار گرفتند و به مدت ۱۲ هفته به تمرین پرداختند. داده های انتروپومتریکی مادران در ابتدای بررسی، هفته آخر بارداری، پس از زایمان و دو ماه بعد از آن ثبت گردید. برنامه تمرینی شامل ۱۲ هفته سه جلسه ای و مدت هر جلسه ۳۵-۴۵ دقیقه بود. تمرینات ورزشی با ۱۵ دقیقه گرم کردن آغاز و متعاقب آن مرحله تمرینات هوازی شامل راه رفتن تداومی انجام شد. شدت تمرین ۴۰ تا ۵۰ درصد ضربان قلب بیشینه در جلسات ابتدایی بود که به ۷۰ تا ۶۰ درصد ضربان قلب بیشینه در جلسات تهایی رسید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (ورژن ۲۰) و آزمون های آماری کولموگروف اسمیرنوف، تی زوجی و آنووا انجام گردید. ($p \leq 0.05$)

نتایج: روش کار: یافته ها: میانگین درصد چربی بدن شرکت کننده ها در گروه تمرین هوازی صبح و عصر افزایش داشت ولی از نظر آماری معنی دار نبود ($P=0.077$ و $P=0.064$). این در حالی است که میانگین درصد چربی بدن شرکت کننده ها در گروه کنترل افزایش معنی داری داشته است ($P=0.001$). بین تاثیر تمرینات ورزشی در صبح و عصر بر درصد چربی بدن زنان باردار و پس از زایمان تفاوت معنی داری وجود نداشت ($P=0.580$).

نتیجه گیری: تمرینات هوازی در نوبت صبح و عصر علاوه بر این که از افزایش بیش از حد درصد چربی بدن زنان باردار در طی بارداری جلوگیری می کند بلکه باعث افزایش وزن منطقی در مادران خواهد شد و از چاقی بی رویه مادر جلوگیری خواهد کرد.

واژگان کلیدی: تمرین هوازی، ترکیب بدنی مادر، نمایه توده بدنی



تاثیر ۱۲ هفته تمرین هوازی دوران بارداری بر شاخص های هنگام تولد نوزادان و دو ماه پس از تولد

آزاده لعلی، محمدرضا رمضانپور

زمینه و هدف : از پیامدهای اضافه وزن و چاقی مادر برای جنین میتوان به ماکروزومیا، دیستوکی شانه، تولد زودرس و ناهنجاریهای مادرزادی اشاره نمود. تمرینات ورزشی می تواند با جلوگیری از افزایش وزن بی رویه طی بارداری علاوه بر سلامت مادر، تأثیر به سزایی بر سلامت و روند رشد جنین داشته باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی و مقایسه تاثیر ۱۲ هفته تمرین هوازی دوران بارداری بر شاخص های هنگام تولد نوزادان و دو ماه پس از تولد انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۹۰ زن باردار دارای اضافه وزن انجام شد. شرکت کننده ها در سه گروه ۳۰ نفری: تمرین هوازی صبح، تمرین هوازی عصر و گروه کنترل قرار گرفتند و به مدت ۱۲ هفته به تمرین پرداختند. اندازه های انتروپومتریک نوزادان در بدو تولد و در دو ماهگی ثبت شد. برنامه تمرینی شامل ۱۲ هفته سه جلسه ای و مدت هر جلسه ۳۵-۴۵ دقیقه بود. تمرینات ورزشی با ۱۵ دقیقه گرم کردن آغاز و متعاقب آن مرحله تمرینات هوازی شامل راه رفتن تداومی انجام شد. شدت تمرین ۴۰ تا ۵۰ درصد ضربان قلب بیشینه در جلسات ابتدایی بود که به ۷۰ تا ۶۰ درصد ضربان قلب بیشینه در جلسات تهاپی رسید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (ورژن ۲۰) و آزمون های آماری کولموگروف اسمیرنوف، تی زوجی و آنووا انجام گردید. ($p \leq 0.05$)

نتایج : اضافه وزن و چاقی در دهه های گذشته خطر ابتلا به عوارض ناخوشایند بارداری را افزایش داده است. روش کار: یافته ها: میانگین وزن، قد و دور سر نوزادان در سه گروه تمرینی همگن بوده و ارتباط معناداری بین وزن، قد و دور سر نوزادان در بدو تولد بین سه گروه تفاوت معناداری وجود نداشت ($P=0.770$, $P=0.429$ و $P=0.885$).

نتیجه گیری : تمرینات هوازی در نوبت صبح و عصر علاوه بر این که از افزایش بیش از حد درصد چربی بدن زنان باردار در طی بارداری جلوگیری می کند عوارض نامطلوبی بر شاخص های انتروپومتریک نوزادان نخواهد شد.

واژگان کلیدی : تمرین هوازی، ترکیب بدنی مادر، شاخص های بدو تولد نوزاد



بررسی عوامل موثر بر وضعیت بقا در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران

سمیه درخشان هوره، دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: هموفیلی یک اختلال خونریزی دهنده مزمن است که با کمبود ارثی فاکتورهای انعقادی، فاکتور ۸ در هموفیلی نوع A و فاکتور ۹ در هموفیلی نوع B همراه است. در میان افرادی که بیمار هستند، خونریزی خود به خودی یا خونریزی در محل ضربه به طور معمول وجود دارد که اگر جلوگیری نشود باعث ناتوانی شدید یا حتی مرگ در افراد می شود، لذا مطالعه حاضر یک مروری بر متون است که با هدف بررسی عوامل موثر بر وضعیت بقا در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران انجام شد.

مواد و روش ها: اطلاعات لازم برای انجام این مطالعه مروری از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی sid, pubmed, irandoc, magiran, scopus, science direct, google-scholar و با جست و جوی کلید واژه های هموفیلی، وضعیت بقا، فاکتور ۸، فاکتور ۹، بیماری خونریزی دهنده، هموفیلی A، هموفیلی B جمع آوری شد.

نتایج: با توجه به مطالعات یافت شده عوامل موثر بر بقا شامل: درمان صحیح و به موقع، مراقبت فعال، پیشگیری از خونریزی، سن تشخیص بیماری در افراد، انجام ورزش و فعالیت فیزیکی، الگوی غذایی مطلوب، وجود سایر بیماری ها و عفونت ها و .. می باشد.

نتیجه گیری: طبق یافته های حاصل از این مطالعه عوامل متعددی در بقا بیماران تاثیرگذار هستند که از مهمترین عوامل می توان نحوه صحیح درمان و اقدامات پیش گیری از خونریزی را نام برد که در صورت رعایت این عوامل، بقا افراد تا حدود زیادی ارتقا پیدا می کند.

واژگان کلیدی: هموفیلی، هموفیلی A، هموفیلی B، بقا، وضعیت بقا، فاکتورهای انعقادی، فاکتور ۸، فاکتور ۹، ایران



پوشش واکسیناسیون کودکان استان فارس، ۲۰۱۷: به اهداف برنامه جهانی واکسن تا ۲۰۲۰ دست یافتیم

علیرضا میراحمدی زاده، علی محمد مختاری، ثریا زحمت کش، سید محمدصادق کشفی نژاد، مهرباب صیادی، سید حمیدرضا طباطبایی

زمینه و هدف: واکسن یکی از موثرترین ابزارهای در دسترس برای پیشگیری از بیماری های عفونی است. برنامه جهانی واکسن ۲۰۲۰-۲۰۱۱ همه کشورها را ملزم کرده که تا سال ۲۰۲۰ برای همه واکسن ها، به پوشش ۹۰ درصدی و بالاتر در سطح ملی دست یابند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت پوشش واکسیناسیون در کودکان استان فارس انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی، اطلاعات مربوط به ۲۸ شهرستان استان فارس جمع آوری شد که در مجموع ۶۲۲۹ کودک با استفاده از نمونه گیری چند مرحله ای مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات مربوط به واکسیناسیون، با مراجعه به درب منازل و بر اساس کارت واکسیناسیون در شش مقطع سنی بدو تولد، ۲، ۴، ۶، ۱۲ و ۱۸ ماهگی پرسیده شدند.

نتایج: یافته ها نشان داد که ۹۸/۶٪ از این کودکان دارای کارت واکسیناسیون بودند. بیشترین میزان پوشش واکسیناسیون مربوط به نوبت بدو تولد و کمترین پوشش واکسیناسیون نیز مربوط به واکسیناسیون ۱۸ ماهگی بود. درصد پوشش واکسیناسیون برای نوبت های بدو تولد، ۲ ماهگی، ۴ ماهگی، ۶ ماهگی، ۱۲ ماهگی و ۱۸ ماهگی به ترتیب برابر با ۹۹/۷۵، ۹۹/۷۰ و ۹۹/۲۰ درصد بود.

نتیجه گیری: پوشش واکسیناسیون کودکان در تمامی نوبت ها در حد بالا و نزدیک به ۱۰۰ درصد بود. پوشش واکسیناسیون به هدف تعیین شده در برنامه جهانی واکسن ۲۰۲۰-۲۰۱۱ رسیده است. با این وجود، حفظ این پوشش و برطرف کردن برخی مشکلات، می تواند نظام مراقبت از بیماری های قابل پیشگیری با واکسن را ارتقاء دهد.

واژگان کلیدی: واکسیناسیون، پوشش واکسیناسیون، بیماری های قابل پیشگیری با واکسن



شیوع نقایص روانشناختی در بیماران با آسیب های تروماتیک مغزی: مرور نظاممند

راضیه شیرزادگان: کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، مربی بالینی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری - مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
raziehshirzad07@gmail.com

سابقه و هدف: آسیب مغزی تروماتیک با تغییرات حاد، کوتاه و بلند مدت روانشناختی همراه بوده و به نحو چشمگیری با پیامد و کیفیت زندگی پس از آسیب مغزی تداخل ایجاد مینماید، دراین مطالعه مروری هدف بررسی تغییرات و نقایص روانشناختی بیماران پس از ضربه تروماتیک به سر در دوره های کوتاه و بلند مدت است.

روش جستجو: مرور متون در پایگاه های (CENTRAL), Cochrane Central Register of Controlled Trials (Ovid) MEDLINE و (Ovid) EMBASE از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ به زبان انگلیسی و با کلید واژه های Brain injury, Traumatic, Cognitive impairment, Psychological impairment انجام شد. متن کامل مقالات مرتبط با مطالعات کارآزمایی بالینی انسانی، توصیفی، گزارش موردی و ... براساس معیارهای ورود و خروج (دسترسی به متن کامل مقالات، حذف مطالعات مروری، تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۰۸-۲۰۱۸) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۷۰ مقاله، تعداد ۴۰ مقاله انتخاب و در مطالعه حاضر از آنها استفاده شد.

یافته ها: در بررسی این ۴۰ مطالعه، ۳۳ مطالعه ارتباط معنادار بین ضربه مغزی و آسیب های روانی و شناختی (افسردگی، اضطراب، خستگی، تغییرات شخصیتی، اختلال حافظه (فراموشی، دمانس)، اختلال شناختی و ...) گزارش کردند. در ۵ مطالعه ارتباط ضعیف مشاهده شد و در دو مطالعه دیگر هیچ گونه اختلال روانشناختی بعد از ضربه مغزی در یک دوره ۱۰ ساله مشاهده نشد.

نتیجه گیری: شیوع نقایص روانشناختی بعد از ضربه تروماتیک به سر چشمگیر و بیماران دچار ضربه مغزی حداقل در دوره چهار تا شش ماهه بعد از ضربه نیازمند ارزیابی و پایش شناختی هستند تا خطر بروز اختلال روانی و ... پس از آسیب مغزی کاهش یابد.

واژه های کلیدی: Psychological impairment, Brain injury, Traumatic, Cognitive impairment



بررسی وضعیت تماس با دام و محصولات لبنی آن در بیماران مبتلا به تب مالت شهرستان جوین طی سال های ۹۶-۱۳۹۴

امین نوروزی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
فاطمه غلامی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
زهرا پشت چمن، کارشناس ارشد پرستاری مراقبت های ویژه، عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

محمد رضا قزلقارشی، استادیار کودکان، دانشکده پزشکی سبزوار، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
داود رباط سرپوشی، دانشجوی دکتری آموزش سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
کبری سردارآبادی، کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زمینه و هدف: تب مالت یکی از مهم ترین بیماری های مشترک انسان و دام بوده و باتوجه به عوارض و از کارافتادگی افراد در سطح روستاهای کشور دارای اهمیت زیادی می باشد، شهرستان جوین به دلیل ترکیب جمعیت خاص و شغل افراد دارای بروز بالا نسبت به سطح کشوری می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت تماس با دام و محصولات لبنی غیر بهداشتی آن در بیماران مبتلا به تب مالت شهرستان صورت پذیرفت

مواد و روش ها: در مطالعه مقطعی حاضر از اطلاعات تمامی بیماران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان از سال ۹۴ تا پایان سال ۹۶ که توسط سیستم بهداشتی شناسایی و فرم بررسی انفرادی تکمیل شده بود استفاده گردید. اطلاعات فرم های مذکور وارد نرم افزار SPSS23 گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در طی سال های مورد بررسی تعداد ۸۴ بیمار جهت درمان به سیستم بهداشت مراجعه نموده و فرم بررسی انفرادی جهت آن ها تکمیل گردیده که میزان کل بروز بیماری در طی سال های مختلف به طور متوسط ۳۰,۹۵ درصد می باشد (مردان ۴۷,۶۱ درصد و زنان ۵۲,۳۸ درصد). از این میان ۹۵,۲۳٪ بیماران تماس با دام را اعلام کردند، ۷۷,۳۸٪ موارد نیز نگهداری دام در محل زندگی دارند، ۳۶,۹۰٪ ذبح دام داشتن، ۵۳,۵۷٪ موارد تماس با دام زنده داشتن و ۸,۳۳٪ حضور در محل نگهداری دام و کودکان را داشته اند. ۵۵,۹۵٪ افراد مبتلا مصرف مواد لبنی غیر پاستوریزه داشته اند که از میان مواد لبنی مقدار مصرف شیر (۷۴,۴۶٪ موارد)، پنیر (۴۲,۵۵٪) و سرشیر (۳۴,۰۴٪) بیشترین درصد را به خود اختصاص داده اند.

نتیجه گیری: باتوجه به میزان بروز بالای تب مالت شهرستان نسبت به سطح کشوری و بالا بودن میزان دامداری و دامپروری شهرستان بایستی اقدامات مختلفی در زمینه تبدیل دامداری های سنتی به صنعتی و عدم تماس عموم مردم با دام انجام گیرد. باتوجه به درصد بالای مصرف مواد لبنی غیر پاستوریزه در بیماران تب مالت باید آموزش های لازم به خصوص در مورد عدم مصرف شیر، پنیر، سرشیر غیر بهداشتی و سالم سازی این مواد، به عموم جامعه داده شود و بر فروشگاه های لبنی نظارت کافی انجام گیرد.

واژگان کلیدی: تب مالت، تماس با دام، جوین، مواد لبنی



تعیین عوامل خطر دیابت بارداری با استفاده از روش رگرسیون لجستیک

نگین فخری، منصور رضایی، زهرا نقیعی فر، فاطمه رجعتی

زمینه و هدف : دیابت بارداری بعنوان اختلال تحمل کربوهیدرات که اولین بار در دوران بارداری ایجاد یا تشخیص داده می شود تعریف می گردد. این بیماری شیوع بالایی در بین خانم های باردار دارد و میتواند موجب ایجاد عوارض زیادی از جمله ایجاد پره اکلامپسی در مادر، هیپوگلیسمی نوزاد، افزایش وزن جنین به شکل غیر معمول و غیره در مادر و جنین گردد، به منظور پیشگیری از برخی عوارض این بیماری، تعیین عوامل خطر این بیماری جهت کنترل این عوامل ضروری به نظر می رسد. هدف از این مطالعه تعیین عوامل خطر بیماری دیابت بارداری با استفاده از روش رگرسیون لجستیک می باشد.

روش تحقیق : در این مطالعه پرونده ی پزشکی ۴۹۱ نفر از خانم های باردار در شهرستان کرمانشاه که در سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۹ دارای پرونده پزشکی در مراکز بهداشتی درمانی بوده اند مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از روش رگرسیون لجستیک و با بکارگیری نرم افزار R، عوامل خطر دیابت بارداری تعیین شد.

یافته ها : میانگین سنی نمونه مورد بررسی 28.25 ± 6.028 بود. ۱۵ نفر (۳,۱ درصد) دو یا چند قلو باردار بودند. ۱۷۹ نفر (۳۶,۵ درصد) اولین بارداری خود را تجربه می کردند. ۱۷ نفر (۳,۵ درصد) در ابتدای بارداری مبتلا به دیابت بودند. نتایج مطالعه نشان داد که متغیرهای قند خون ناشتا در هفته ۶-۱۰ بارداری، سن، شاخص توده بدنی (BMI)، چندقلو بودن جنین، فشار خون سیستول و فشارخون دیاستول از عوامل خطر دیابت بارداری می باشند. از میان این عوامل، BMI بیشترین تاثیر را در ابتلا به دیابت بارداری داشت.

نتیجه گیری : با توجه به اینکه در این مطالعه بالا بودن BMI بیشترین تاثیر را در ابتلا به دیابت بارداری داشت و نیز با نظر به قابل کنترل بودن این عامل، برنامه ریزان و مسئولان بهداشتی میتوانند خدمات خود را روی این مورد معطوف کنند و مادران باردار را آموزش دهند تا نسبت به پایین نگه داشتن BMI خود اقدام کنند.

واژگان کلیدی : دیابت بارداری، رگرسیون لجستیک، شاخص توده بدنی، عوامل خطر



بررسی مصدومیت ها در کودکان زیر ۵ سال مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان های کامیاب و طالقانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۵

اکبر جوان بی پروا، امین عادل، سعید حسینی، الهه هوشمند

زمینه و هدف : حوادث و اتفاقات از مهم ترین عوامل تهدیدکننده سلامت بشر هستند و شایع ترین علت مرگ و میر قابل پیشگیری در کودکان را تشکیل می دهند. ثابت شده است که استفاده از اطلاعات اپیدمیولوژی مربوط به حوادث، در پیشگیری و کنترل حوادث کودکان نقش اساسی دارد. این مطالعه با هدف بررسی مصدومیت ها در کودکان زیر ۵ سال مراجعه کننده به اورژانس بیمارستانهای کامیاب و طالقانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی می باشد که در آن پرونده ی تمامی افراد زیر ۵ سال مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان کامیاب و طالقانی مشهد در سال ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. نمونه ها به صورت سرشماری انتخاب شدند. داده ها به وسیله فرم جمع آوری داده ها شامل جنس، سن، روز مراجعه، روز ترخیص، مدت زمان بستری در بیمارستان، نوع حادثه، نوع آسیب، عضو یا اعضای آسیب دیده، نوع بیمه بود که با استفاده از سیستم اطلاعاتی بیمارستان و همچنین پرونده های پزشکی افراد مراجعه کننده استخراج و با استفاده از نرم افزار SPSS- 21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: بیشترین تعداد حوادث مربوط به پسران (۵۹/۴٪) و کودکان ۲ ساله (۲۰/۸٪) بود. در بین مراجعه کنندگان بیشترین نوع بیمه مربوط به بیمه سلامت (۳۴/۶٪) بود. و بیشترین نوع آسیب وارده شکستگی (۵۹٪) بود. سر (۶۳/۴٪) به عنوان عضوی که بیشترین آسیب را متحمل شده ثبت گردید و ماه و فصلی که اکثر اتفاقات در آن رخ داده مرداد (۱۲/۵٪) و تابستان (۳۴/۴٪) بود. ارتباط معنی داری بین سن و جنس کودک با نوع آسیب مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد بیشترین حوادث در سن ۲ سالگی اتفاق افتاده است. با توجه به اینکه کودکان در این سن شروع به بازی کردن در محیط های باز می کنند باید آموزش های لازم در خصوص پیشگیری از حوادث کودکان به مادران ارائه گردد. همچنین موارد ایمنی در محیط های بازی و منزل رعایت گردد.

واژگان کلیدی: کودکان، سلامت، مصدومیت، حوادث



بررسی نقش محافظتی سیر در پیشگیری از سرطان پستان

رضوان قلی زاده؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

فاطمه غیبی؛ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

فاطمه جنان؛ استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری-مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

زمینه و هدف: طبق اعلام سازمان جهانی بهداشت (WHO) سرطان پستان، پیشروترین سرطان در زنان است و یکی از مهم ترین عوامل نگران کننده سلامتی زنان در جهان محسوب می شود. سرطان پستان به عنوان رشد خارج از کنترل سلول ها در بافت پستان تعریف می شود. در حال حاضر استراتژی پیشگیرانه برای سرطان، رژیم غذایی و تغذیه شناخته شده است. مطالعات نشان داده اند که مصرف بالای سبزیجات خاصی از آلومینا به ویژه سیر با ابتلا به سرطان پستان ارتباط معکوس دارد. فعالیت شیمیایی ضد سرطان انواع مختلف سیر شامل: عصاره سیر تازه، سیر خشک شده و روغن سیر به دلیل وجود ترکیبات ارگانوسولفوراز جمله دی آلیل دی سولفید (DADS)، دی آلیل تری سولفید، *S-allylmercaptocysteine*، آلیسین و هم چنین آنتی اکسیدان های طبیعی مانند سلنیوم، بیوفلاوونوئیدها، سیانیدین و کوئرستین نسبت داده شده است. در این راستا مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی نقش حفاظتی و مکانیسم های اثر سیر بر پیشگیری از سرطان پستان انجام شده است.

مواد و روش ها: این مقاله نوعی مطالعه مروری_ نقلی است که با جستجوی وسیع به زبان انگلیسی و فارسی و بدون محدودیت زمان در پایگاه های اطلاعاتی Science direct, Pubmed, Google scholar, Magiran, SID, Medline به دست آمده است.

نتایج: بررسی اطلاعات به دست آمده نشان داد که سیر با تاثیر بر آبشارهای تنظیم کننده تکثیر سلولی، جلوگیری از مهاجرت سلول های سرطانی و مهار متاستاز، تنظیم روند پیشرفت چرخه سلولی، القای آپوپتوز در سلول های MCF_7، خواص آنتی اکسیدانی، مهار رشد تومور و اصلاح مسیرهای انتقال سیگنال اثرات ضد سرطانی خود را اعمال می کند، هم چنین سیر در تنظیم عوامل هسته ای مرتبط با عملکرد ایمنی و التهاب نقش دارد.

نتیجه گیری: در مجموع می توان نتیجه گیری کرد که مصرف عصاره سیر تازه می تواند در پیشگیری از بروز انواع سرطان ها بخصوص سرطان پستان نقش اساسی داشته باشد. هدایت سلول ها به مسیر apoptosis، توقف چرخه سلولی، تنظیم عوامل هسته ای مرتبط با عملکرد ایمنی و التهاب و کاهش migration سلول های سرطانی جز نقش های اصلی این مواد است.

واژگان کلیدی: سیر، سرطان پستان، ترکیبات ارگان سولفور، پیشگیری



Prevalence and risk factors for low birth weight in Rafsanjan, Iran; 2017

پروین خلیلی فخرآبادی

parvinkhalili61@yahoo.com

Background and Aim: Low birth weight (LBW) is an effective factor in neonatal mortality and morbidity. Growth retardation and subsequent chronic diseases are other complications of LBW. The goal of this study is to determine prevalence and related factors of LBW in Rafsanjan city in 2016.

Material and Methods: This cross-sectional study investigated all live births born in Niknafas Rafsanjan Maternity Hospital, the main maternity hospital in the city, and other delivery centers, from March 2016 to 2017. Data were collected from the Iranian maternal and neonatal online system, one of the main sources of information for assessing the health status of Iranian mothers and neonates. This online system contains online information about Iranian mothers and neonates. The information was analyzed in two stages using univariate, and multivariate logistic regression model, to control the effect of confounding variables.

Results: The prevalence of LBW was 9.7% in Iranian population of which 4.5% had a gestational age of 37 weeks and more. In non-Iranian population, prevalence of LBW was 13.8% and the percent of gestational age of 37 and more with weight under 2500 gram is 6.7. The main risk factor was gestational age under 37. Other important variables in this study that had significant effects after controlling for the confounding were age over 35 years, gestational age of ≥ 37 weeks, addiction, Abortion history, Place of living, Maternal educational Level, infant's gender and delivery type.

Conclusion: Although our results confirm LBW prevalence and risk factors of other studies, this study suggest to run population based and prospective studies for recognition other risk factors and designing effective plans for LBW reduction.

Keywords: Prevalence; risk factors; low birth weight



بررسی شیوع آلودگی های انگلی (ژیاردیا و کرمک) و تنفسی در مهد کودک های شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۶

زهرا صفری دانشجوی: کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
اعظم جهانگیری مهر: کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه بهداشت، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
اکرم همتی پور: کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
E-mail: Hematipour.a64@gmail.com

زمینه و هدف: آلودگی های انگلی مثل ژیاردیا و کرمک و پنومونی ازجمله مشکلات شایع در مهدکودک ها می باشد. هدف از این مطالعه بررسی شیوع ژیاردیا و کرمک و پنومونی در کودکان تحت نگهداری در مهدکودک های شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۶ است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک پژوهش توصیفی می باشد که به روش خوشه ای یک مرحله ای ۳۳۷ کودک به همراه والدین با داشتن معیار ورود (رضایت آگاهانه جهت شرکت در مطالعه و سن کودک ۴ ساله) انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ی بود که پس از ثبت متغیرهایی مثل جنس، نوع مهد کودک، شغل و تحصیلات والدین و سابقه عفونت انگلی و پنومونی، نمونه های مدفوع به صورت نمونه گیری تصادفی جمع آوری شد. تمام نمونه ها در آزمایشگاه به روش فرمالین اتیل استات مورد بررسی قرار گرفتند. پس از مثبت شدن جواب آزمایشات و گردآوری اطلاعات، داده هامورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج: تعداد ۳۳۷ کودک ۱۳۷ دختر (۴۰/۶۵٪) و ۲۰۰ پسر (۵۹/۳۴٪) در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند. ۳/۸۵٪ کودکان مبتلا به ژیاردیا، ۵/۹۳٪ مبتلا به کرمک بودند. تقریباً ۱۰۰ درصد کودکان سابقه ابتلا به عفونت های تنفسی را دارند. ۶۰ درصد تحصیلات مادران شرکت کننده مدرک کارشناسی و خانه دار بودند. حداکثر شیوع در کودکان مادران خانه دار با مدرک کمتر از دیپلم با میزان ۵/۰۴٪ بود. تقریباً تمام کودکان در خانواده هایی با سطح اقتصادی متوسط زندگی می کردند. **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که مهد کودک های شهرستان شوشتر از نظر بیماری های انگلی شیوع کمی دارد اما از نظر بیماری های تنفسی که قابل انتقال هستند در مهد کودک ها بالا بوده است پیشنهاد می شود با آموزش والدین و کارکنان مهد کودک ها بتوان تا حد امکان از انتقال این بیماری جلوگیری کرد.

واژگان کلیدی: ژیاردیا، کرمک، پنومونی، مهد کودک



بررسی عوامل مؤثر بر تاخیر در تشخیص بیماری تب مالت در شمال و شمال غربی ایران

جلیل حسنی؛ مربی، کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده علوم پزشکی تربت جام، تربت جام، ایران.
علی خورشید؛ استادیار، دکتری اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.

حمید صالحی نیا؛ دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

سلمان خزایی؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مهدی محمدیان؛ کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

عبدالله محمدیان هفشجانی؛ دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه و هدف: تشخیص بموقع بیماری تب مالت بخصوص در مناطق غیر آندمیک همواره با تاخیر و یا اشتباه همراه است. این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مرتبط با تاخیر در تشخیص بیماری تب مالت در شمال و شمال غرب ایران انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی بود. داده های ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۳ برای کلیه موارد گزارش شده بیماری تب مالت توسط مراکز درمانی (بخش دولتی و خصوصی) مورد بررسی قرار گرفت. داده ها بر اساس فرم گزارشدهی بیماری توسط کارشناسان بهداشتی مراکز بهداشتی درمانی جمع آوری شد. جهت بررسی نقش متغیرها بر تاخیر در تشخیص بیماری، از مدل رگرسیون لجستیک و برای بررسی رابطه بین متغیرهای کیفی از آزمون کای دو استفاده شد.

نتایج: در کل، ۲۵۸۵ بیمار توسط نظام مراقبت بیماری ها در مناطق تحت مطالعه گزارش گردید. از این تعداد ۱۵۹۹ نفر (۶۲ درصد) مرد، و ۹۵ درصد موارد جدید بودند. بیشترین موارد ابتلا (۳۵/۴ درصد) در گروه سنی ۲۵-۴۴ سال مشاهده شد. ارتباط معناداری بین متغیرهای سن ($p=0/014$) و نوع بیماری ($p=0/016$) با تاخیر در تشخیص مشاهده شد.

نتیجه گیری: یافته های مطالعه نشان داد تاخیر در تشخیص بیماری در گروه ۲۵-۴۴ سال و در موارد جدید بیماری بیشتر است. تقویت نظام مراقبت و سیستم گزارش دهی بیماری، آموزش در زمینه راه های انتقال و علایم بالینی بیماری برای کاهش تاخیر در تشخیص بیماری ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: تاخیر در تشخیص، تب مالت، شمال غرب ایران



بررسی توزیع عوارض در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران

سمیه درخشان هوره؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: هموفیلی یک بیماری ارثی خونریزی دهنده به علت کمبود فاکتورهای ۸ و ۹ است. این بیماری منجر به عوارض برگشت ناپذیری مخصوصا در مفاصل می شود و این عوارض حاصل باعث از کار افتادگی، صرف هزینه های هنگفت، بروز مشکلات روانی واجتماعی و کاهش کیفیت زندگی در بیماران و خانواده آنها می شود لذا مطالعه حاضر به هدف بررسی توزیع عوارض در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران انجام شد.

مواد و روش ها: اطلاعات لازم برای انجام این مطالعه مروری از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی sid, pubmed, google-scholar, science direct, scopus, magiran, irandoc و با جست و جوی کلید واژه های هموفیلی، بقا، عوارض، فاکتور های انعقادی و ایران جمع آوری شد.

نتایج: با توجه به مطالعات یافت شده از جمله عوارض در بیماران مبتلا به هموفیلی می توان به این موارد اشاره کرد: خونریزی مفاصل مخصوصا آرنج و زانو و مچ پا، کبودی ها، خونریزی های بعد از عمل، خونریزی داخل جمجمه ای، خونریزی های داخل صفاقی، هماتوم های بافت نرم، ابتلا به انواع سرطان ها، بیماری های قلبی و عروقی، مشکلات کبدی، انواع عفونت ها مثل HIV, HCV و... می باشد.

نتیجه گیری: طبق یافته های حاصل از این مطالعه مسلما عوارض اشاره شده در بقا بیماران اثر منفی می گذارند و بقا این افراد را کاهش می دهند و کیفیت زندگی این افراد و حتی خانواده آنها را نیز تحت تاثیر قرار می دهند و هرچه مراقبت و درمان به موقع و صحیح انجام شود از تعداد و شدت این عوارض کاسته می شود.

واژگان کلیدی: هموفیلی، ایران، عوارض، بقا، فاکتور های انعقادی، بیماری های خونریزی دهنده



بررسی وضعیت بقا در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران

سمیه درخشان هوره؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی

زمینه و هدف: هموفیلی یک بیماری همراه با خونریزی است که از نوع وابسته به X مغلوب می باشد و بر اثر جهش در ژن $f8$ یا ژن $f9$ پدید می آید. در ایران بیش از ۶۰۰۰ نفر به بیماری هموفیلی مبتلا هستند که ۶۰ درصد آنها در گروه سنی ۴۴-۱۹ سال می باشند. با توجه به اینکه بیشتر جمعیت جوان درگیر این بیماری هستند و این مسئله باعث صدمه به جامعه و تحمیل هزینه های هنگفت به خانواده بیماران می شود، لذا این مطالعه با هدف بررسی وضعیت بقا در بیماران مبتلا به هموفیلی در ایران انجام شد.

مواد و روش ها: اطلاعات لازم برای انجام این مطالعه مروری از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی $pubmed$, sid , $irandoc$, $magiran$, $scopus$, $science direct$, $google-scholar$ و با جستجوی کلید واژه های هموفیلی، وضعیت بقا جمع آوری شد.

نتایج: با توجه به مطالعات یافت شده بقا افراد مبتلا به هموفیلی در حضور سایر بیماری ها و عفونت ها (مثل عفونت HIV ، HCV ، بیماری های قلبی و عروقی، سرطان ها، مشکلات مفصلی، مشکلات کبدی، خونریزی ها، ...) پایین می آید ولی در صورت نبودن این بیماری ها و مراقبت مناسب، بقای افراد افزایش می یابد. هم چنین بیماران دارای هموفیلی نوع B بقا بالاتری نسبت به هموفیلی نوع A دارند.

نتیجه گیری: طبق یافته های حاصل از این مطالعه وضعیت بقا بیماران با توجه به امنیت فاکتورهای خونی تزریق شده و کاهش عفونت های ناشی از آن نسبت به سال های گذشته تغییرات چشمگیری داشته است و وضعیت بقا ارتقا یافته است.

واژگان کلیدی: هموفیلی، ایران، بقا، بیماری خونریزی دهنده، فاکتورهای انعقادی



بررسی میزان استرس شغلی ماماها و عوامل موثر بر آن: مرور سیستماتیک

کیمیا سروری راد، سپیده صادقی

زمینه و هدف: امروزه استرس به عنوان یک معضل جهانی مطرح است و به دلیل گسترش عوامل تنش زا و کاهش توان مقابله انسان در برابر آن ها ، تبدیل به پدیده ی بزرگ شده است. استرس در زندگی تمام افراد شاغل وجود دارد و از راه های مختلف بر آن ها فشار روانی وارد می کند. استرس شغلی و وضعیت سلامت کارکنان، تاثیر بسزایی بر میزان بازدهی و کیفیت ارائه خدمات آنها دارد. از آنجایی که وضعیت سلامت روانی ماماها در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به دو قشر آسیب پذیر جامعه؛ یعنی مادران و نوزادان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، لذا این مطالعه با هدف مروری بر استرس شغلی ماماها و عوامل موثر بر آن در ایران انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با جستجو در سایت های علمی SID، PubMed، Google Scholar، magiran، iranmedex، elmnet با کلیدواژه های استرس شغلی، ماما، midwifery و stress طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ انجام شد. در این مطالعه از مقالات توصیفی و تحلیلی بهره گرفته شده است.

نتایج: نتایج مطالعات مختلف نشان داد که میزان استرس شغلی از حدود ۳۰ تا ۷۰ درصد در ماماها متغیر می باشد. این مطالعات نشان داد که استرس شغلی در بین ماماهای شاغل در زایشگاه ها بالاتر از ماماهای شاغل در مراکز بهداشتی درمانی می باشد. همچنین میزان این استرس در ماماهای شاغل در بیمارستان های دولتی نسبت به ماماهای شاغل در بیمارستان های خصوصی بیشتر است. همچنین این مطالعات نشان داد که بین شادمانی و استرس شغلی در ماماها ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، به صورتیکه با افزایش استرس میزان شادمانی کاهش می یابد. در این مطالعات بین استرس شغلی و سن، سابقه کاری، وضعیت تاهل و میزان تحصیلات ارتباط معناداری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع نسبتا بالای استرس شغلی در ماماها و اینکه استرس های شغلی می تواند باعث بروز اختلالات روانی در ماماها شود، لذا مسؤولین نظام بهداشتی باید در جهت ارتقای سلامت روان و کاهش استرس های شغلی در ماماها، اقدامات موثری انجام دهند و به عواملی که موجب اختلال سلامت روان می شوند، توجه بیشتری مبذول دارند

واژگان کلیدی: ماما و استرس شغلی



بررسی الگوی اپیدمیولوژیک علل و عواقب تصادفات جاده‌ای برون شهری شهرستان رفسنجان در سال‌های ۹۴-۱۳۹۰

مصطفی فیاضی

زمینه و هدف: یکی از بزرگ‌ترین مسائل بهداشت عمومی در کشور ما، حوادث ترافیکی است. در تصادفات عوامل انسانی، محیطی و عوامل مرتبط با وسیله نقلیه مؤثرند. از این رو، این مطالعه باهدف تعیین الگوی اپیدمیولوژیک علل و عواقب تصادفات جاده‌ای برون شهری شهرستان رفسنجان انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه‌ی توصیفی، تمامی ۱۷۹۷ فقره تصادف ثبت شده مربوط به محورهای برون شهری منتهی به رفسنجان بین سال‌های ۹۴-۱۳۹۰، که در سامانه‌ی ثبت تصادفات پلیس راه، ثبت شده بودند، به شکل سرشماری وارد مطالعه شدند. تأثیر هر یک از این عوامل نیز بر شدت حوادث ترافیکی، با استفاده از مدل رگرسیونی برآورد شد.

یافته‌ها: میانگین وانحراف معیار سنی رانندگان، $36/49 \pm 11/54$ سال بود. اکثر رانندگان مقصر در تصادفات مردان و به تعداد ۱۷۰۱ نفر (۹۷/۳٪) بودند. بیشترین تصادفات به تعداد ۹۸۲، در ساعات روز (۵۴/۶٪) بود. سال وقوع حادثه، نوع و وسیله نقلیه، محور و علت وقوع تصادف با پیامد ارتباط معنی‌داری داشت ($P < 0/001$)، به‌طوری‌که، بیشترین تصادفات به تعداد ۴۰۳ فقره (۲۲/۴٪) در سال ۹۰ رخ دادند. در ۱۰۷۳ مورد تصادف (۷۱/۳٪)، خودروهای سواری مقصر بودند. محور کرمان-رفسنجان دارای بیشترین رخداد تصادف با ۸۰۶ فقره (۴۴/۹٪) بود، بیشترین علت ثبت شده، عدم توجه به جلو به تعداد ۸۷۳ فقره (۴۸/۹٪) بود. همچنین، بر اساس نتایج حاصل از مدل رگرسیونی، طی سالهای مطالعه، هر ساله شانس تصادفات شدید ۱۴ درصد کم می‌شد ($OR = 0/86$ ، $P = 0/001$). شانس تصادف منجر به جرح یا فوت در تصادفات شب ۲۳ درصد کمتر بود ($OR = 0/77$ ، $P = 0/03$). همچنین شانس قرارگیری در طبقه‌ی فوت یا جرح، در تصادفات مربوط به وسایل حمل بار سنگین تقریباً ۲ برابر سواری‌ها برآورد شد ($OR = 1/83$ ، $P = 0/002$).

نتیجه‌گیری: طبق مطالعه‌ی حاضر، تعداد و شدت تصادفات طی سالهای بررسی کاهش یافته است. برای تداوم هر چه بهتر و بیشتر این روند کاهشی در رفسنجان، با وجود بیشتر بودن تأثیر برخی عوامل بر شدت تصادف، اما تمرکز برنامه‌ها و مداخلات باید بر روی عواملی صورت گیرد که بیشترین فراوانی را دارند.



بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی (سالک) در سطح شهرستان جوین سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۳

حسین اسدی سامانی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

یاسر حاتمی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

فاطمه قبادی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

عاطفه رفسنجانی فیض آبادی؛ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

روح الله برقانی؛ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات لیشمانیوز، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

سمیرا فوجی؛ کارشناس ارشد آموزش پرستاری، عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

محمد رضا قزلقارشی؛ استادیار کودکان، دانشکده پزشکی سبزوار، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زمینه و هدف : شهرستان جوین یکی از مناطق آلوده از لحاظ بیماریهای لیشمانیوز جلدی (سالک) در سطح کشور می باشد. در سالهای گذشته اقدامات پیشگیری متعددی در سطح شهرستان صورت گرفته و مطالعه فوق انجام گرفت تا مشخص گردد که آیا این اقدامات پیشگیری تأثیری بر روند بروز بیماری سالک داشته است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی می باشد که جمعیت هدف شامل تمامی بیماران مراجعه کننده به مرکز و خانه های بهداشت تحت پوشش می باشد. تقریباً تمام موارد بیماری جهت درمان به واحدهای بهداشتی مراجعه و فرم بررسی جهت آنها تکمیل می گردد؛ پس از جمع بندی فرمهای بررسی انفرادی این افراد، اطلاعات وارد نرم افزار spss24 گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج : در طی ۴ سال بررسی تعداد 242 بیمار جهت درمان به سیستم بهداشت مراجعه نموده و فرم بررسی انفرادی جهت آنها تکمیل گردیده است که میزان بروز بیماریهای در طی سالهای 1393 الی 1396 به ترتیب ۱۲۵، ۷۷، ۶۹، درصد هزار نفر می باشد که روند بروز به صورت معنی داری نزولی بوده است ($P<0/001$). میزان بروز مردان طی سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶ به ترتیب ۷۸، ۷۴، ۲۵۱، ۳۴۶ درصد هزار نفر و میزان بروز در زنان طی سالهای مذکور به ترتیب ۶۲، ۸۱، ۱۴۲، ۲۴۳ درصد هزار نفر می باشد که هر دو جنس روند نزولی مشاهده می گردد. از نظر جنسی ۴۱٪ زن و ۵۹٪ مرد مبتلا می باشند. از نظر فصلی بیشترین موارد سالک به ترتیب در ماه های آبان (۳۳٪)، مهر (۱۸٪)، آذر (۱۶٪) و کمترین موارد بروز به ترتیب در ماه های اسفند (۸٪)، فروردین و اردیبهشت (۱٪) بوده است که تغییرات فصلی به صورت معنی دار می باشد.

نتیجه گیری : روند بروز بیماری سالک در سطح شهرستان در حال کاهش بوده است ولی در سال ۱۳۹۶ مقدار 69 درصد هزار نفر می باشد که نسبت به سطح کشوری (25 درصد هزار) هنوز هم مقدار بالا می باشد که بایستی اقدامات پیشگیری به صورت جدی تر و در سطح وسیعتر انجام پذیرد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، جوین، لیشمانیوز جلدی، سالک



بررسی الگوی توزیع فصلی زایمان زودرس در شهرستان اردبیل

رقیه نژاد صفر؛ کارشناسی ارشد جغرافیای پزشکی، دانشکده پرندیس خودگردان، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل
محمد تقی معصومی؛ استادیار جغرافیا، گروه جغرافیا، دانشکده ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اردبیل، اردبیل
سعید صادقیه اهری؛ دانشیار پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل

زمینه و هدف: به زایمان زودتر از موعد و یا زایمان قبل از ۳۷ هفته کامل بارداری زایمان زودرس اطلاق می شود. بعضی از علل زایمان زودرس تا حدودی شناخته شده است اما مکانیسم های بیولوژی آن کاملاً شناخته شده نیست. از گام های مهم در کاهش زایمان زودرس، یافتن عوامل محیطی موثر بر این مکانیسم های بیولوژی است. این تحقیق با هدف بررسی توزیع فصلی زایمان زودرس در شهرستان اردبیل انجام یافته است.

مواد و روش ها: این پژوهش با ماهیت توصیفی- تحلیلی با رویکرد گذشته نگر در بیمارستان سبلان شهرستان اردبیل طی بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰، وضعیت ۷۵۹ زن باردار که دچار عارضه ی زایمان زودرس شده بودند را با توجه به پرونده های بیمارستانی و داده های اقلیمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

نتایج: از ۱۰۸۶۰ مورد زایمان طبیعی ۶۰۹۸ درصد زایمان زودرس وجود داشت. حداکثر شیوع زایمان زودرس در فصل زمستان با ۷۰۹۵ درصد و حداقل شیوع در فصل تابستان ۶۰۲۲ درصد بود که به طور مشخص با تغییر فصول مختلف متغیر بود ($p > 0/05$). همچنین نسبت زایمان زودرس با توجه به شاخص فصلی (SI) نشان داد که تیر ماه با شاخص ۱۳۳۰۴۴ بالاترین فراوانی و شهریور با ۵۸۰۸۵ کمترین فراوانی را دارا بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش، زایمان زودرس در شهرستان اردبیل از الگوی فصلی تبعیت می کند.

واژگان کلیدی: زایمان زودرس، فصل، شاخص فصلی، اردبیل



بررسی تاثیر موسیقی درمانی بر میزان درد و اضطراب عمل جراحی

محمد امیر نیک کردار؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

صادق جنگجو کمیته تحقیقات دانشجویی؛ دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
فهیمة شریفی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
فرزانه شاکری؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
سارا ایرانی؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
mohammad313amir@gmail.com

زمینه و هدف: هر ساله دهها میلیون بیمار در جهان تحت عمل جراحی قرار می گیرند، جراحی همیشگی تجربه ی بزرگ برای بیمار و خانواده اش محسوب می شود و از هر نوعی که باشد به منزله ی تهدید برای تمامیت بدن و زندگی محسوب می شود؛ عمل جراحی یک عامل اضطراب آور است که باعث ایجاد واکنش فیزیولوژیک در بدن می شود، در نتیجه پاسخ فیزیولوژیکی بدن، تنفس، ضربان قلب و فشارخون افزایش می یابد، موسیقی درمانی به معنای استفاده از موسیقی و برنامه های تنظیم شده و موسیقایی برای توانبخشی بیماران است. همچنین این سینا در مورد درک موسیقی می گوید: موسیقی درمانی و شنیدن موسیقی به عنوان عامل التیام بخش و شافی جانها قدمتی به درازای تاریخ دارد.

مواد و روش ها: این مقاله ی مروری با جست و جو به شیوه ی Electronic search گردآوری شده است. در جستجوهای صورت گرفته، ۱۶ مقاله معتبر فارسی و انگلیسی از سایت های pubmed، Sid.ir، magiran.ir، مورد مطالعه قرار گرفت که ۱۲ مورد مقاله ی مرتبط با هدف پژوهش انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفت.

نتایج: در جستجوهای صورت گرفته مشخص شد بیمارانی که قبل از جراحی، موسیقی مورد علاقه خود را گوش میدادند به طور معناداری اضطراب، ضربان قلب و فشارخون شان نسبت به کسانی که به موسیقی گوش نمی دادند کاهش می یافت؛ همچنین موسیقی درمانی در مادران تحت سزارین، میزان اضطراب و درد را کاهش می دهد؛ در پژوهش دیگری مشخص شد که پخش موسیقی در بیماران تحت عمل جراحی، اضطراب و نیاز به داروهای ضد درد را به نصف تقلیل می دهد، در یک بررسی در زمینه تاثیر موسیقی هنگام جراحی بر ترخیص بیماران نشان داده شده که بیمارانی که هنگام جراحی برایشان موسیقی پخش شده است، زودتر از بیمارستان ترخیص خواهند شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش های صورت گرفته از نقطه نظر روانشناختی اثر موسیقی آرام بخش از طریق تقویت شرط شدگی مثبت و ایجاد محرکی مطبوع و لذت بخش توجیه می شود که موسیقی ذهن را مهار کرده و از درد منحرف می سازد. پیشنهاد می شود که از موسیقی درمانی در بخشهای پزشکی دارای درد و اضطراب و اعمال جراحی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: موسیقی درمانی - درد - اضطراب - عمل جراحی



Patterns of clustering of the metabolic syndrome components and its association with coronary heart disease in the Multi-Ethnic Study of Atherosclerosis (MESA): A Latent Class Analysis

Seyed Mohammad Riahi; Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Department of Public health, School of Health, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.

Soraya Moamer; Department of Biostatistics, Faculty of Paramedical Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Mahshid Namdari; Community Oral Health Department, School of Dentistry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Yaser Mokhayeri; Department of Epidemiology, School of Public Health, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.

Mohammad Amin Pourhoseingholi; Gastroenterology and Liver Diseases Research Center, Research Institute for Gastroenterology and Liver Diseases, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Seyed Saeed Hashemi-Nazari; Department of Epidemiology, School of Public Health, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background: The Metabolic syndrome (MetS), refer to one of the most challenging public health issues across the world. The aim of this study was to explore the latent classes of participants in a study on the basis of MetS components.

Methods: This study used the information from Multi-Ethnic Study of Atherosclerosis (MESA). MESA was performed at 6 US sites and was a population-based cohort study of 6776 adults (3576 females; 3200 males), aged 45 to 84 years. The participants were free of clinical cardiovascular disease at baseline. Latent class analysis (LCA) was conducted to achieve the study's objectives. The outcome variable was coronary heart disease (CHD) during the study period (2000-2012). Analyses were performed by using proc LCA in SAS 9.2 and stata12 software.

Results: The prevalence of all components (except triglyceride (TG) and fasting blood glucose (FBS)) is more common in females than in males. Three latent classes were recognized: (1) Non-MetS, (2) low risk, and (3) MetS. Notably, MetS latent class included 29.88% and 35.38% in females and males, respectively. After adjustment for covariates, only MetS latent class showed a positive association with CHD events in both genders.

Conclusions: Results showed that clustering pattern of the MetS components, as well as the association between latent classes and risk of incident CHD events, are different in females and males. Notable percentages of individuals are in the MetS class, which emphasizes the necessity of implementing preventive interventions for this sub-group of the population.

Keywords: Metabolic syndrome, latent class analysis, coronary heart disease, NECP ATPIII criteria, MESA, USA



بررسی اپیدمیولوژی عفونت های بیمارستانی در ایران

فریا کشاورز؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایران،

تهران، ایران

keshavarz71f@yahoo.com

وحید رحمانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایران،

تهران، ایران

زمینه و هدف : عفونت های بیمارستانی به عنوان یکی از مسئله های مهم حوزه بهداشت و درمان ایران و جهان، هزینه های قابل توجه ای را برای بیماران و سیستم های مراقبت های بهداشتی ایجاد کرده است و باعث عوارض جدی و مشکلات زیادی در این حوزه شده است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژی عفونت های بیمارستانی در کشور ایران، صورت گرفته است.

روش کار : این پژوهش یک مطالعه مروری می باشد که با استفاده از جدیدترین مقالات داخلی و خارجی و جستجو در پایگاه های اطلاعاتی و سایت های معتبر از جمله Medline, PubMed, گوگل، گوگل اسکولار، SID, Iranmedex, magiran و ... انجام شده است. که در این روش با استفاده از کلید واژه های فارسی و انگلیسی : اپیدمیولوژی، عفونت های بیمارستانی، ایران Hospitals, Nosocomial Infections، ۲۶ سایت و مقاله مرتبط با موضوع بدست آمده و از این میان تعداد ۱۱ مقاله مورد بررسی دقیق قرار گرفته است و سپس یافته های پژوهش استخراج گردیده است.

یافته ها : با توجه به یافته ها، شیوع عفونت های بیمارستانی در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر می باشد. اما نسبت به کشورهای در حال توسعه که اگر میزان عفونت های بیمارستانی آن ها زیر ۵ درصد باشد قابل قبول است از شیوع بالایی برخوردار است. طبق بررسی های انجام شده در ایران، میزان بروز عفونت های بیمارستانی در بخش های مختلف بیمارستان ها متفاوت است. و بیشترین شیوع گزارش شده مربوط به عفونت های حاصل از جراحی، عفونت خون و ادراری بوده و همچنین پنومونی نیز از کشنده ترین عفونت های بیمارستانی محسوب می شود.

نتیجه گیری : مطالعات مختلف نشان می دهد که عفونت های بیمارستانی در کشور دارای شیوع نگران کننده ای می باشد. به طوری که این عفونت ها باعث افزایش مورتالیتی و موربیدیتی در ایران گردیده است. بنابراین ضروری به نظر می رسد که با افزایش سهم تحقیقات در زمینه عفونت های بیمارستانی، هرچه سریع تر نسبت به شناخت عوامل تاثیر گذار در افزایش شیوع این عفونت ها اقدام شود. و با اتخاذ راه کارهای مناسب، جهت برنامه ریزی برای مداخله در سطح ملی گام های موثری برداشته شود.

واژه های کلیدی : اپیدمیولوژی، عفونت های بیمارستانی، ایران



بررسی اپیدمیولوژیک افسردگی پس از زایمان مادران ایرانی: یک مرور سیستماتیک

مهسا قاسم زاده، دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

mghasemzadeh2034@.com

مژگان مسعودی، دکتری تخصصی سلامت و باروری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران

احمد رضا محمدی، دانشجوی کارشناسی بیوتکنولوژی، دانشگاه نوردانش میمه، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: افسردگی پس از زایمان یکی از شایعترین اختلالات روانی در این دوره است. سازمان جهانی بهداشت بر آوردنموده است که این اختلال، دومین عامل منجر به بار جهانی بیماری در سال ۲۰۲۰ میلادی خواهد شد. هدف این مطالعه، ارائه تصویر روشنی از میزان شیوع، عوامل موثر و ارائه راهکارهای پیشگیری و درمان افسردگی پس از زایمان مادران در مطالعات ایرانی است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه است و با توجه به روش اجرا یک مرور سیستماتیک محسوب می شود. جامعه آماری با بهره از موتورهای جستجو Google Scholar، PubMed، Scopus، Sid، Magiran و گوگل اسکولار فارسی، محتوی حدود ۹۳۷ مقاله بوده است که پس از در نظر گرفتن معیارهای ورود به مطالعه، ۲۳ مقاله که در طی سال های ۸۵-۹۶ انجام گرفته اند، جهت بررسی انتخاب گردید.

نتایج: بررسی مقالات مرتبط با افسردگی پس از زایمان نشان دهنده شیوع بالای این اختلال در مطالعات انجام شده است. از مهمترین عوامل موثر بر افسردگی پس از زایمان در مشاهدات، می توان به کمبود حمایت روانی همسر، خانواده و اجتماع، ناخواسته بودن بارداری، تغییرات هورمونی پس از وضع حمل و سابقه افسردگی اشاره کرد. همچنین برای جلوگیری از افسردگی پس از زایمان، روان درمانی، حمایت اجتماعی و دارو درمانی از مهمترین راهکارهای درمانی این جامعه آماری محسوب می شوند. **نتیجه گیری:** شیوع بالای افسردگی پس از زایمان در مطالعات اخیر، ضرورت بررسی های بیشتر و ارائه راهکارهای پیشگیری کننده به ویژه غربالگری از نظر زمینه بروز این اختلال در مراقبت های قبل از بارداری و دوران بارداری و همچنین درمان اصولی با توجه به عوامل مرتبط با افسردگی این دوران پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: افسردگی پس از زایمان، عوامل موثر، پیشگیری، درمان، ایران



بررسی اپیدمیولوژی توصیفی عوارض نا مطلوب متعاقب ایمن سازی (AEFIs) طی سال های ۹۳ تا ۹۵ در شهرستان خلیل آباد

سید حسین حسینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

حسن مکارم، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علیرضا مکارم، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

زمینه و هدف: اگر چه واکسیناسیون بعد از تامین آب آشامیدنی سالم بیشترین تاثیر را در کاهش مرگ و میر کودکان و افزایش رشد جمعیت داشته است اما به طور کلی هیچ واکنشی عاری از عوارض جانبی نیست. مراقبت عوارض نا مطلوب پس از ایمن سازی به مفهوم پایش سلامت ایمن سازی است و به اعتبار برنامه ایمن سازی کمک می کند. با اجرای این برنامه پیامدهای نا مطلوب ایمن سازی ثبت، گزارش و متعاقب آن به خوبی مدیریت شده و از انجام اقدامات نامناسب در جامعه جلوگیری می شود.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش توصیفی مقطعی طی سالهای ۹۳ تا ۹۵ صورت گرفت و موارد گزارش شده عوارض واکسن در سطح شهرستان که تعداد آنها ۱۶۸ مورد بود به روش نمونه گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. قابل یادآوری است که تمامی موارد در طی دوره مذکور ثبت پورتال مرکز مدیریت بیماریهای واگیر وزارت بهداشت گردید و داده ها پس از گزارش گیری با اکسل، متغیرهای آن توسط نرم افزار آماری SPSS ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از کل موارد گزارش شده بیشترین عوارض متعاقب ایمن سازی مربوط به واکنش واکسن (۷۹٪) و ۸۲ درصد توسط خانه های بهداشت از مناطق روستایی گزارش گردیده است. ۶۴ درصد موارد بدون بستری شدن در بیمارستان و با مصرف دارو عوارض آنها کنترل شده است. بیشترین افرادی که دچار عوارض ایمن سازی شده اند در گروه سنی ۱ تا ۵ سال بودند (۲۷٪). از نظر اقدامات انجام شده پس از عارضه واکسن ۹۲ درصد نیاز به اقدام خاصی نداشت. از بین واکنش های استفاده شده بیشترین عارضه محتمل مربوط به واکنش پنتا والان بود (۴۱٪) و در بررسی عوارض بوجود آمده بیشترین موارد گزارش شده تب بالا بود (۲۳٪).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیشترین موارد بروز عوارض ناخواسته متعاقب ایمن سازی مربوط به واکنش واکسن (۷۹٪) می باشد لذا نظارت بر رعایت زنجیره سرمای واکسن از تولید تا مصرف در کلیه سطوح، آموزش پرسنل در خصوص گزارش دهی به موقع و افزایش آگاهی والدین در خصوص عوارض ایمن سازی توصیه می شود.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی توصیفی، عوارض واکسن، خلیل آباد



بررسی تاثیر مدل توانبخشی چند بعدی بر فشار بار مراقبتی مراقبین بیماران مبتلا به سکته مغزی شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۲

حجت پسنده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

اصغر دالوندی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

مسعود فلاحي خشکناپ، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

محمد جواد آزادچهر، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

سید حسین حسینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: سکته مغزی اولین اختلال از میان اختلالات گوناگونی است که به مراقبت‌های طولانی‌مدت نیاز دارد. در این حالت خانواده به عنوان حامیان اصلی روحی، جسمی و اطلاعاتی این بیماران، اجراکننده‌ی برنامه‌های مراقبتی آنان بوده و بیماران باید برای انجام فعالیت روزانه و مراقبت، به آن‌ها تکیه و اعتماد کنند. این مطالعه به منظور تعیین تاثیر مدل توانبخشی چند بعدی بر فشار بار مراقبتی مراقبین خانوادگی بیماران مبتلا به سکته مغزی طراحی و اجرا گردید.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر مطالعه‌ای شبه تجربی، دارای دو گروه آزمایشی و کنترل به روش نمونه‌گیری در دسترس بر روی مراقبین و بیماران مبتلا به سکته مغزی که بیماران آن‌ها در بخش‌های مغز و اعصاب دو بیمارستان شهید مدرس شهرستان کاشمر (آزمایشی) و بیمارستان واسعی شهرستان سبزوار (کنترل) خراسان رضوی در طی تابستان سال ۱۳۹۲ بستری شده و بعد از بهبودی نسبی مرخص شده‌اند، صورت گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های دموگرافیک بیماران و مراقبین، فشار بار مراقبتی مراقبین بیماران سکته مغزی، شدت سکته مغزی، ابزار فلستین و ابزار بارتل بود. بر اساس مدل توانبخشی چند بعدی، اعضای تیم شامل بیمار و مراقب خانوادگی، پزشک متخصص مغز و اعصاب، عالم دینی (روحانی)، روان‌شناس، فیزیوتراپ، پرستار و گفتاردرمان بودند. از مراقبین رضایت‌نامه آگاهانه گرفته شد، محققین خود را ملزم به رعایت اصول معاهده هلسینکی در طی مطالعه داشته‌اند، در طی جلسات با حضور اعضاء تیم مشکلات و نیازهای بیماران و مراقبین مورد بررسی قرار می‌گرفت و طرح مراقبتی هر بیمار مشخص می‌شد و پرستار در بین برگزاری هفته‌ای جلسات، با حضور در منزل بیماران، مهارت‌ها و آموزش‌های داده شده و همچنین مشکلات مراقبین و بیماران را پی‌گیری می‌نمود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و مشخصه‌های آمار توصیفی، آزمون‌های تی تفاضل، تحلیل کوواریانس و یومن ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: تفاوت میانگین فشار بار مراقبتی بین دو گروه آزمایشی و کنترل از نظر آماری معنادار بود ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: اجرای مدل مراقبتی توانبخشی چند بعدی کاهش معنی‌داری بر فشار بار مراقبتی مراقبین بیماران مبتلا به سکته مغزی گذاشت.

واژگان کلیدی: توانبخشی چند بعدی، سکته مغزی، فشار بار مراقبتی



بررسی اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی در یک دوره سه ساله (۹۵-۱۳۹۳) در شهرستان گنبد کاووس

حنیفه لخی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران hanife9413@gmail.com

نسیم شربتیان، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

عیسی نظر، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
سید ابوالحسن نقیعی، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

زمینه و هدف: لیشمانیوز جلدی یکی از معضلات بهداشتی در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری است و آثار اجتماعی، اقتصادی و روانی زیادی را بر جامعه تحمیل می دارد لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی در یک دوره سه ساله (۱۳۹۵-۱۳۹۳) در شهرستان گنبد کاووس انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- مقطعی است جامعه آماری شامل کلیه افرادی است که از ابتدای فروردین ماه ۱۳۹۳ تا پایان اسفند ماه ۱۳۹۵ با تشخیص بیماری سالک به آزمایشگاه مرکز بهداشت شهرستان گنبد کاووس مراجعه نموده و تحت درمان و پیگیری قرار گرفته بودند که از بین آنها ۲۰۰ نفر به طور تصادفی انتخاب گردیدند شایان ذکر است با توجه به نسبت مساوی بودن مبتلایان در این ۳ سال، سالی حدود ۷۰ نفر انتخاب شدند و اطلاعات دموگرافیک و بالینی آنها در چک لیستی که بدین منظور طراحی و روایی آن تایید شده بود از پرونده استخراج و ثبت شدند. تمامی تحلیل ها با نرم افزار SPSS20 و آمار توصیفی و آزمون Chi-Square در سطح معنای ۰,۰۵ صورت پذیرفت.

نتایج: میانگین سن بیماران $18/87 \pm 21/31$ بود از لحاظ جنس ۴۹/۳ درصد مرد و ۵۰/۷ درصد زن بودند محل سکونت ۱۲/۴ درصد در شهر، ۸۷/۶ درصد در روستا و محل ابتلا به بیماری در ۹۷ درصد موارد روستا بوده است. میانگین تعداد زخم ۲/۳۳ بود ۹۴ درصد زخم از نوع مرطوب و ۵۰/۲ درصد بیماران یک زخم داشتند. بیشترین محل زخم دست ۳۶/۳ درصد و بیشترین سن ابتلا کمتر از ۵ سال ۲۷/۹ درصد و بیشترین موارد مربوط به فصل پاییز ۵۰/۷ درصد بود. طبق آزمون کی دو اختلاف معناداری در توزیع یکنواخت موارد بیماری سالک در سطوح مختلف متغیر محل سکونت، محل ابتلا، فصول، نوع زخم و محل زخم، سن و تعداد زخم وجود داشت ($p\text{-value} < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به ازدیاد تعداد موارد ابتلا به سالک در منطقه گنبد کاووس در گروه سنی کمتر از ۵ سال، انجام مداخلات آموزشی برای پیشگیری از بیماری در سطح روستا ها توسط خانه های بهداشت توصیه می شود.

واژگان کلیدی: لیشمانیوز جلدی، اپیدمیولوژی، گنبد کاووس



اپیدمیولوژی زلزله در جریان حادثه زلزله کرمانشاه

محمد مهدی صالحی، دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشگاه علوم پزشکی ارتش

زمینه و هدف : به جهت شناخت اپیدمیولوژیک بهتر از سوانح و بلایا و بیماری های ناشی از زمین لرزه در راستای کاهش آمار تلفات ثانویه بعد از زلزله در گام اول و شناخت راه های امدادی و کمک رسانی و مدیریت ترومای بهتر در گام بعدی نیاز به پژوهش با توجه به وضعیت منطقه ای لازم دیده می شود. هدف کلی اپیدمیولوژی بلایا بر محوریت زلزله این است که به لحاظ علمی، اثرات بهداشتی و عوامل موثر بر این اثرات را با هدف ارزیابی نیازهای جمعیت مبتلا به فاجعه، به طور موثر برآورده نمودن نیاز ها به منابع ، جلوگیری از اثرات جانبی و تبعات بیشتر، به گونه ای سنجیده منطبق با شیوه ای علمی توصیف نماید. ، تا در زمان بروز حادثه ای مشابه از اتلاف وقت های موثر جلوگیری گردد.

مواد و روش ها : برآورد آمار تلفات انسانی و حیوانی (به تفکیک گونه) اولین گام در جهت شناخت ابعاد حادثه و تمهیدات پیشگیرانه بیماری های عفونی است، حضور در منطقه و اخذ اطلاعات همزمان با امداد رسانی غذایی و بهداشتی از راهکارهای دیگر به جهت اخذ اطلاعات بود که انجام شد، همچنین پیگیری مداوم اطلاعات از منابع معتبر آماری و تحلیل علمی داده ها از بخش های اصلی در اخذ نتیجه ای صحیح به شمار می آمد.

نتایج : نتایج آمار و تحلیل داده حاکی از آن بود که مرگ و میر وسیع دام و طیور و اجساد انسانی و همچنین عادات دوره ای به دلیل ترس از ناشی زلزله در جمعیت زنان و کم توانان جامعه، موقعیت جغرافیایی مورد بحث را به کانون اپیدمیک عفونی تبدیل کرده بود. همچنین ابعاد حادثه ناشی از فوت بستگان و تخریب اموال، کمبود مواد غذایی و بهداشتی باعث شیوع بیماری های روانی شده بود که کمتر توجهی به آنان میشد.

نتیجه گیری : آنچه از حادثه آبان ماه کرمانشاه به ما نشان داد لزوم تاکید بر بعد روانی در برخورد با حوادثی مشابه بود که کمتر به آن توجه می گردد که لزوم بازنگری در اولویت های مدیریت سوانح و بلایا را ایجاب میکند.

واژگان کلیدی : کرمانشاه، زلزله، اپیدمی، بهداشت، سلامت روان، عفونت، مرگ و میر



اپیدمیولوژی تب خونریزی دهنده کریمه کنگو و عوامل خطر آن: مطالعه مروری

محمدطاها سعادت‌ی راد، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

انسیه رضوان پور، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مژده تفضلی، کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مژگان توانا، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

خدیجه بختیار، گروه پرستاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مرضیه حسن پور، دکترای تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف : بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو یک بیماری ویروسی کشنده می باشد که انتقال آن از طریق کنه صورت می گیرد. از سال 1378 به بعد این بیماری شیوع روز افزونی داشته است. این مطالعه مروری به منظور تعیین وضعیت اپیدمیولوژیک این بیماری و عوامل خطر آن انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه مروری در سال 97 با جستجوی کلید واژه هایی نظیر اپیدمیولوژی، تب خونریزی دهنده، ویروس، CCHF در پایگاه های اطلاعاتی پیشرفته نظیر PubMed، Google Scholar، SID، Iranmedex، Irandoc انجام شد. معیار های ورود شامل مقالات انتشار یافته ما بین سال های 86 تا 96 بود که تعداد 87 مقاله با ادبیات مرتبط یافت شد و 34 مورد گزینش گردید.

نتایج : یافته های حاصل از بررسی مقالات مرتبط نشان داد که از سال 1378 به بعد تب خونریزی دهنده کریمه کنگو رشد فزاینده ای داشته است. شیوع بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو بیشتر در مردان، گروه سنی ۱۲ تا ۳۰ سال، در حرفه های پر خطری چون دامداری و یا قصابی، در فصول بهار و تابستان، با علائم غالب تب، شروع ناگهانی، درد عضلانی و خونریزی وجود دارد. جنس، سن، فصل ابتلا، شغل، ملیت، سابقه تماس با دام در ابتلای افراد به این بیماری از مهم ترین عوامل اپیدمیولوژیکی اند.

نتیجه گیری : بر اساس اطلاعات بدست آمده تشخیص به موقع بیماری و آموزش گروه های در معرض خطر همچون قصابان و دامداران، برای پیشگیری و جلوگیری از وقوع اپیدمی توصیه می گردد.

واژگان کلیدی : تب خونریزی دهنده، اپیدمیولوژی، CCHF، ویروس، عوامل خطر



Prevalence and some Determinant Factors of Anemia among Children Aged 6–12 Months after starting the iron supplement in the East of Iran, 2016

Seyed Mohammad Riahia; Ph.D. in Epidemiology, department of public health , Faculty of Health, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

Ph.D. in Epidemiology, Department of Epidemiology, Student`s committee research, Faculty of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Maryam Mohammadi; Bachelor of Public Health, Tabas Health Network, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

Hossein Mozafar Saadatid; Ph.D. in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Yadolah Fakhrie; Ph.D. in environmental health ,Department of Environmental Health Engineering, Student Research Committee, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Javad haroonif; fPh.D. Candidate, Social Determinants of Health Research Center, Yasuj University of Medical Sciences, Yasuj, Iran

Farin Soleimanig; MD in Pediatrician, Research Associate Proff of Pediatrics, Pediatric Neurorehabilitation Research center, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

Background and Aim: Anemia in infants is a common problem in the world. Regular iron supplementation is a suggested policy for prevention and control of anemia. The aim of this study was to determine the prevalence and some Determinant Factors of anemia as well as benefits of regular iron supplementation among 6-12 month-old children.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, 897 children aged from 6 to 12 months covered by Tabas Health Centers, were enrolled in the study. Demographic and anthropometric data as well as the level of hemoglobin were collected through interviews and laboratory tests, respectively. Data analysis was performed using SPSS-22 and stata-13. Chi-square, polychromic PCA, and logistic regression were used. The statistical significance level was 0.05.

Results: The prevalence of anemia, according to the W.H.O criterion for hemoglobin, was 36.8% (95% CI: 33.6-40.0). Its Prevalence had decreasing trend along with an increment in age and duration of iron supplement. Each 1-month higher for age of infants was associated with a decreased risk of anemia [OR=0.88 (95 % CI: 0.80-0.98)]. Anemia was not significantly different between genders. Individuals in the highest category for parity were at 2.3-fold increased risk of anemia compared with the lowest category [OR=2.35 (95% CI: 1.43-3.84)]. In contrast, individuals in the highest category for mother's age had decreased risk of anemia, compared with the lowest category [OR=0.38 (95% CI: 0.20-0.72)].

Conclusion: regular iron supplementation among Iranian regular iron supplementation among Iranian 6-12 month-old children has deceased anemia.

Keywords: Anemia, Infants, Prevalence, Iran



The prevalence & Epidemiological study of cutaneous leishmaniasis in northwest of Iran- Ardabil province during 2012–2016

Molaie Soheila; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Moheballi Mehdi; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Emdadi Darioush; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Modares-Sadrani Negar; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Gharibi Asl Mahsa; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Rahmati kelasraei Saba; Ardabil University of Medical Science, The health institute of Meshkin Shahr

Background and Aim: Leishmaniosis is a parasitic disease that due to the incidence, dissemination and scattering throughout different parts of Iran is of paramount importance. This study was carried out with the aim of determining the epidemiology of cutaneous leishmaniasis in Ardabil province during 2012-2016.

Materials and Methods: This is a cross-sectional and retrospective study of collected demographic and epidemiological information, related to 88 patients with the disease who underwent treatment in health centers in Ardabil province during 20012-2016. This information was analyzed using SPSS version 21 software and includes the history of disease outbreak, age, sex, place of residence, number of wounds, wound placement and a history of travel to endemic areas in the past year.

Results: The results showed that out of a total number of patients with cutaneous leishmaniasis 48 persons were male (54.5%) and 40 persons were female (45.5%); age mean of patients was 16 ± 1.68 . The 5-9 year's age group was more susceptible to the disease. The lodging for 65 subjects (74%) was listed as village, 20 (22%) of them lived in the city and 3 people (6%) lived on the fringes of the city. 99% of these patients were infected with rural cutaneous leishmaniasis. There were 70 cases of wounds on the hands and the number of lesions ranged from 1–5 and sized varied from 0.5–5 cm making it the most common type.

Conclusion: The rural leishmaniasis is one of the major health problems of Ardabil province, and given the high disease incidence in children and farmers, continuing education on the care and control of the disease in the region is of very high importance.

Keywords: Epidemiology, Leishmaniasis, Cutaneous, Ardabil, Iran



بررسی اپیدمیولوژیک بیماری تب مالت در شهرستان جوین از سال ۹۶-۱۳۹۴

مهدی نامجو راد، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

امین نوروزی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
ایمان شریفی نوقابی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

امیر ضیغمی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زمینه و هدف: تب مالت (بروسلوز) یکی از مهم ترین بیماری های مشترک انسان و دام بوده و با توجه به عوارض و از کار افتادگی افراد در سطح روستاهای کشور دارای اهمیت زیادی می باشد، شهرستان جوین به دلیل ترکیب جمعیت خاص و شغل افراد دارای بروز بالا نسبت به سطح کشوری می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژیکی بیماری فوق صورت پذیرفت. **مواد و روش ها:** در مطالعه مقطعی حاضر از اطلاعات تمامی بیماران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان از سال ۹۴ تا پایان سال ۹۶ که توسط سیستم بهداشتی شناسایی و فرم بررسی انفرادی تکمیل شده بود استفاده گردید. اطلاعات فرم های مذکور وارد به نرم افزار SPSS21 گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در طی سال های مورد بررسی تعداد ۸۴ بیمار جهت درمان به سیستم بهداشت مراجعه نموده و فرم بررسی انفرادی جهت آن ها تکمیل گردیده که میزان کل بروز بیماری در طی سال های مختلف به طور متوسط ۳۰٫۹۵ درصد می باشد (مردان ۴۷٫۶۱ درصد و زنان ۵۲٫۳۸ درصد).

بر اساس ماه های سال تفاوت معنا داری بین ماه های مختلف سال وجود دارد ($PV < 0.001$) که پیک بیماری در ماه تیر (۱۶٫۶۶٪ موارد) و در ماه فروردین (۴٫۷۶٪) کمترین میزان بروز بوده است. در ماه تیر مردان و در ماه فروردین زنان بیشترین میزان آلودگی را داشته اند. میانگین سنی بیماران مبتلایان به بیماری تب مالت ۴۳/۴۴ سال بوده است. بیشترین علایم بیماری شامل درد عضلانی استخوانی (۷۵٪ موارد)، تب (۶۴٪)، بی اشتها (۳۸٪)، کمر درد (۴۷٪)، کاهش وزن (۲۸٪) و اسپوندیلیت (۲٪) بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه میزان بروز تب مالت نسبت به سطح کشوری بالاتر می باشد بایستی اقدامات پیشگیرانه مختلف از جمله واکسیناسیون و آموزش با همکاری دام پزشکی شهرستان انجام داد. با توجه به علایم اکثریت بیماران مبتلا به تب مالت در جهت آگاهی بیشتر مردم از این علایم برای کمک به تشخیص زود هنگام و مراجعه به سیستم بهداشت باید اقدام شود.

واژگان کلیدی: تب مالت، جوین، بروسلوز



بررسی ارتباط بین نمایه التهابی رژیم غذایی با بیماری های کاردیومتابولیک و عوامل خطر آن: مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز

زهرا اصلانی، مصطفی قربانی

زمینه و هدف: ارتباط میان نمایه التهابی رژیم غذایی (DII) با بیماری های کاردیومتابولیک و عوامل خطر آن در مطالعات گوناگونی بررسی شده است، اما در بسیاری از آن ها نتایج ضد و نقیض دیده می شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین این نمایه با عوامل خطر بیماری های کاردیومتابولیک انجام شد. هم چنین ارتباط DII با بیماری های کاردیومتابولیک نیز بررسی شد.

مواد و روش ها: جست و جو در بانک های اطلاعاتی ISI, Scopus, PubMed و موتور جست و جوی Google Scholar با استفاده از کلیدواژه های معتبر انگلیسی بدون محدودیت زمانی تا اکتبر ۲۰۱۷ انجام شد. از ۱۵۳۱ مقاله به دست آمده، پس از بررسی عنوان، چکیده و متن کامل مقالات، ۳۳ مقاله که دارای معیارهای ورود به مطالعه بودند، انتخاب شدند که از میان آن ها ۲۳ مقاله به منظور بررسی ارتباط میان DII با عوامل خطر بیماری های کاردیومتابولیک (چاقی شکمی، کاهش لیپوپروتئین با چگالی بالا (HDL)، تری گلیسیرید (TG)، بالا، فشارخون بالا (HTN)، گلوکز خون بالا و ابتلا به سندرم متابولیک (MetS)) و بیماری های کاردیومتابولیک، وارد آنالیز شدند. برای آنالیز داده ها از نرم افزار STATA (نسخه ۱۲/۲) استفاده شد.

نتایج: یافته های حاصل از متاآنالیز انجام شده بر روی مطالعات مشاهده ای نشان داد با این که پیروی از رژیم غذایی پیش التهابی با افزایش شانس ابتلا به HTN، گلوکز خون بالا و MetS همراه است، اما این ارتباط معنی دار نیست (به ترتیب $OR=1.04$; $95\%CI=0.84-1.24$ ، $OR=1.16$; $95\%CI=0.97-1.36$ و $OR=1.02$; $95\%CI=0.86-1.18$). هم چنین DII بالا با افزایش شانس ابتلا به سایر عوامل خطر بیماری های کاردیومتابولیک همراه نبود. $OR=0.85$; $95\%CI=0.69-1.02$ ، $R=0.92$; $95\%CI=0.50-1.34$ و $OR=0.98$; $95\%CI=0.81-1.14$ به ترتیب برای چاقی شکمی، کاهش HDL و افزایش TG). نتایج نشان داد که افزایش DII با افزایش شانس ابتلا و مرگ و میر ناشی از بیماری های کاردیومتابولیک در مطالعات مرتبط است ($HR=1.31$; $95\%CI=1.12-1.49$ و $HR=1.13$; $95\%CI=1.05-$). نتیجه گیری: DII بالا با افزایش احتمال ابتلا و مرگ و میر ناشی از بیماری های کاردیومتابولیک همراه بود.

واژگان کلیدی: التهاب، بیماری های کاردیومتابولیک، سندرم متابولیک



بررسی اثر وزن هنگام تولد با چاقی و اضافه وزن دانش آموزان پایه اول دبستان – یک مطالعه مورد شاهدی

داریوش بستانم، دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی علوم پزشکی رفسنجان

دکتر رضا وزیری نژاد، استاد اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

مقدمه: وزن هنگام تولد به عنوان یک فاکتور داخل رحمی می باشد که ارتباط آن با چاقی و اضافه وزن کودکان مورد بحث محققین می باشد ، لذا هدف از انجام این مطالعه بررسی اثر وزن هنگام تولد با چاقی و اضافه وزن دانش آموزان می باشد. **روش کار:** این مطالعه به صورت مورد و شاهدی در دبستانهای شهر رفسنجان انجام شد و با استفاده از داده های مرجع سازمان بهداشت جهانی :تعداد ۱۷۰ نفر که نمره Zscore آنها بزرگتر یا مساوی یک بود به عنوان مورد انتخاب شدند و ۳۳۸ نفر که نمره Zscore آنها بین (۱ و -۲) بود به عنوان شاهد انتخاب شدند، افراد نمونه به صورت نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند ابتدا مدارس به شکل نمونه گیری طبقه بندی شده و به صورت تصادفی انتخاب شدند سپس در مدارس انتخاب شده کلیه دانش آموزانی که دارای چاقی و یا اضافه وزن بودند به عنوان گروه مورد انتخاب شدند و به ازای هر مورد دو نفر شاهد که از نظر سن ،جنس ،نوع مدرسه ، وضعیت انرژی غذایی دریافتی و تحرک بدنی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی با هم همسان بودند انتخاب شدند. چک لیست اطلاعات دموگرافی و وضعیت تغذیه با شیر مادر و اطلاعات هنگام تولد ،فعالیت بدنی و رفتار غذایی سالم و یادآمد غذایی ۲۴ ساعته تکمیل گردید ، مقدار انرژی مصرفی با استفاده از نرم افزار Nutrition4 محاسبه گردید و تمام داده ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه بیست و یک تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: در این مطالعه میانگین وزن هنگام تولد تنها در دخترانی که دچار چاقی و اضافه وزن بودند نسبت به دخترانی که وزن طبیعی داشتند تفاوت آماری معناداری با چاقی و اضافه وزن داشت و بعد از کنترل اثر مخدوش کننده ها در مدل رگرسیون لجستیک، کودکان دختری که دچار چاقی بودند نسبت به آنهایی که وزن طبیعی داشتند ۵٫۸۱ برابر بیشتر به چاقی و یا اضافه وزن مبتلا شدندولی این ارتباط معنی دار نبود. $OR=5.81\%CI.(517-65.49)$ در صورتیکه ارتباط معناداری بین کودکان پسر که به چاقی و یا اضافه وزن مبتلا بودند نسبت به پسرانی که وزن طبیعی داشتند مشاهده نشد و همچنین ارتباط معناداری در بین کل کودکان گروه مورد و شاهد ، مشاهده نشد.

نتیجه گیری : احتمالاً وزن هنگام تولد به تنهایی به عنوان یک عامل خطر مستقل محسوب نمی شود و به نظر می آید که اثرات پیچیده مستقل و مشترک محیط زیست داخل رحمی و محیط بیرونی و عوامل ژنتیکی بر اندازه بعدی بدن همچنان درک نمی شود.

کلید واژه: وزن هنگام تولد، چاقی و اضافه وزن، دانش آموزان



Psychosocial factors and Risk of hard cardiovascular disease: The Multi-Ethnic Study of Atherosclerosis (MESA)

Seyed Mohammad Riahi; PhD in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran .Department of Public health, School of Health, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.

Ahmad Yousefi; PhD in Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, School of Medicine , Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Mahshid Namdari; PhD in statistics, Community Oral Health Department, School of Dentistry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Ira

Seyed Saeed Hashemi-Nazari; MD, MPH, PhD in Epidemiology, Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: Cardiovascular diseases (CVDs) are a group of abnormalities or disorders that involve the blood vessels and heart. The aim of this study is to investigate the role of various psychosocial factors such as depressive symptoms (CES-D), chronic stress burden (Chrbur), anxiety, and emotional social support (ESS) on the incidence of hard CVD (HCVD).

Materials and Methods: We examined the relationship between psychological factors and incident of HCVD among 6,779 participants from the Multi-Ethnic Study of Atherosclerosis (MESA). CES-D, anxiety, Chrbur, ESS were measured using validated scales and physician reviewers adjudicated incident CVD events. We applied Cox proportional Hazards (PH) models to adjust for relevant demographic, behavioral, and other covariates. In the analyses, we included psychological factors in several following approaches: 1) Continuous; 2) categorical; and 3) spline approach. No violation of the PH was found. The preferred model was the one with the minimum AIC value.

Results: During a median follow up of 8.46 years, 370 participants developed HCVD. There was not a statistical significant association between anxiety and HCVD hazard ratios (95%CI) for the highest versus the lowest category [HR=1.51 (0.80-2.86)]. Each 1point higher score for Chrbur (HR, 1.18; 95% CI, 1.08–1.29) and CES-D (HR, 1.02; 95% CI, 1.01–1.03) was associated with an increased risk of HCVD in separate models. In contrast, ESS (HR, 0.98; 95% CI, 0.96–0.99) was associated with a decreased risk of HCVD.

Conclusion: higher levels of Chrbur and CES-D and lower levels of ESS are associated with significantly increased risk of incident CVD.

Keywords: Depressive Symptoms, Anxiety, Chronic Stress Burden, Emotional Social Support, Cardiovascular Disease



بررسی اپیدمیولوژی سرطان کولورکتال در ایران و جهان

مطهره نوعی، گروه پردیس ۲ دانشگاه گیلان، رشت ایران

رستم رضائیان، موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران

جلال محمدی خوشرج، موسسه آموزش عالی رب رشید ایران، تبریز

سمانه صراف زاده، گروه بیوتکنولوژی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

فریبا دهقانی زاده بغداد آباد، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

زمینه و هدف: سرطان دستگاه گوارش چهارمین سرطان شایع در ایران و سومین سرطان شایع در دنیاست. سرطان کولورکتال حدود ۹۲٪ از سرطان‌ها را شامل می‌شود و حدوداً نیمی از مبتلایان جان خود را از دست می‌دهند. سرطان کولورکتال یک بیماری ژنتیکی چندعاملی است و افزایش نرخ بروز آن در کشورهای توسعه‌یافته با تغییر سبک زندگی، افزایش سن، بیماری‌های التهابی روده، سندرم‌های پولیپوز خانوادگی، کم بودن فیبر غذایی، زیاد بودن چربی‌های غیراشباع و عفونت‌های ویروسی مرتبط است. بالاترین میزان بروز آن مربوط به استرالیا و اروپای غربی بود و در ایران بالاترین میزان بروز به استان گیلان، مازندران، سمنان و تهران تعلق دارد. با توجه به نرخ رو به رشد این بیماری هدف از این تحقیق انجام مطالعات در رابطه با اپیدمیولوژی بیماری التهابی روده در جهت شناخت علل و کنترل و درمان است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه نتایج: مقالات که در این مطالعه‌ی مروری مورداستفاده قرار گرفتند با جستجوی کلمات کلیدی Epidemiology of colorectal cancer، سرطان کولورکتال، شیوع فراگیری بروز بقا مرگ‌ومیر و عوامل خطر مرتبط با سرطان کولورکتال در پایگاه‌های اطلاعاتی، WILEY, SID, pubmed, googleschoolar, sivilica, ScienceDirect، iranpaper و iranpaper جستجو انجام گرفت و مقالات موردبررسی قرار گرفتند.

نتایج: مقالات متعددی به ارتباط سبک زندگی مدرن و تغذیه جدید و عوامل ژنتیکی با افزایش نرخ بروز سرطان کولورکتال اشاره دارند. سالانه ۳۸۰۰ تا ۴۰۰۰ مورد جدید از سرطان کولورکتال در کشور تشخیص داده می‌شود که بیانگر روند رو به رشد این بیماری در ایران است. آمار جهانی بیانگر تفاوت در میزان مرگ‌ومیر بین زنان و مردان مبتلا است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و تأیید آمار بالای ابتلا به سرطان کولورکتال و افزایش میزان مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری در سطح جهان و بخصوص ایران، انجام تحقیقات آزمایشگاهی جدید به‌ویژه در زمینه مطالعات ژنتیکی برای شناخت عوامل ژنتیکی بیولوژیکی و زیست‌محیطی و تحقیقات در زمینه تشخیص درمان و پیش‌آگاهی در ایران و سطح جهان لازم دیده می‌شود. همچنین با استفاده از برنامه‌های پیشگیری از جمله برنامه غربالگری، اصلاح رژیم غذایی و آموزش سبک زندگی سالم، انتظار می‌رود از بروز و شیوع سرطان کولورکتال کاسته شود.

واژگان کلیدی: سرطان کولورکتال، اپیدمیولوژی، شیوع سرطان



بررسی ارتباط زایمان زودرس با فراسنج های اقلیمی در شهرستان اردبیل

رقیه نژاد صفر، کارشناسی ارشد جغرافیای پزشکی، دانشکده پرندیس خودگردان، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل
محمد تقی معصومی، استادیار جغرافیا، گروه جغرافیا، دانشکده ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اردبیل، اردبیل
سعید صادقیه اهری، دانشیار پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل

زمینه و هدف : زایمان زودرس یکی از شایع ترین عوارض بارداری می باشد که برای بیش از ۵۰ درصد آن هنوز علت خاصی مشخص نشده است. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد زایمان زودرس با فراسنج های اقلیمی مرتبط می باشد. تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط زایمان زودرس با فراسنج های اقلیمی در شهرستان اردبیل انجام یافت.

مواد و روش ها : این مطالعه به صورت توصیفی- تحلیلی، با استفاده از اطلاعات ثبت شده مربوط به ۷۵۹ زن باردار که طی بازه ی زمانی فروردین ماه سال ۱۳۹۰ تا اسفند ماه ۱۳۹۴ دچار عارضه ی زایمان زودرس شده بودند، با توجه به داده های اقلیمی و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و ضریب همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج : از مجموع ۱۰۸۶۰ زایمان طبیعی، ۷۵۹ مورد زایمان زودرس (۶٫۹۸٪) وجود داشت که نتیجه پژوهش حاضر نشان داد، ارتباط معنی داری بین شیوع زایمان زودرس و فراسنج های میانگین بارندگی ($P=0/002$)، میانگین دما ($P=0/003$)، میانگین حداقل دما ($P=0$)، میانگین حداکثر دما ($P=0/016$)، میانگین حداقل رطوبت ($P=0/004$)، میانگین حداکثر رطوبت ($P=0/002$) و میانگین ساعات آفتابی ($P=0/003$) وجود دارد. البته قابل ذکر است که بین میانگین رطوبت ($P=0/157$) و شیوع زایمان زودرس هیچ ارتباطی وجود نداشت و بین شیوع زایمان پره ترم و میانگین حداقل رطوبت ($P=0/004$)، ارتباط ضعیف مشاهده گردید.

نتیجه گیری : در این مطالعه، ارتباط معنی دار بین زایمان زودرس با فراسنج های اقلیمی مورد مطالعه (بارندگی، دما، رطوبت، ساعات آفتابی) به غیر از میانگین رطوبت مشاهده گردید.

واژگان کلیدی : زایمان زودرس، فراسنج اقلیمی، ضریب همبستگی، جغرافیای پزشکی، اردبیل



کشور
بهداری
پیشرفت علوم
دارای
پایه های
پیشرفته

کرده بهداشت

است

مازدهمین
همایش دانشجویی
تازه های علوم بهداشتی

بهداشت حرفه ای

علوم بهداشتی

اپیدمیولوژی

بهداشت محیط

بهداشت عمومی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دانشکده بهداشت